
قرآن مجید
ترجمه و توضیح استاد حسین انصاریان


بسم الله الرحمن الرحیم

ترجمه قرآن کریم - انصاریان

نویسنده:

حسین انصاریان

ناشر چاپی:

سازمان دارالقرآن کریم، نشر تلاوت

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

ترجمه قرآن کریم استاد انصاریان

مشخصات کتاب

عنوان قراردادی : قرآن. فارسی - عربی

عنوان و نام پدیدآور : قرآن کریم/ خط سیدعبدالمهدی حسن زاده؛ مترجم حسین انصاریان.

مشخصات نشر : تهران: سازمان دارالقرآن کریم، نشر تلاوت، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری : ۶۱۶ ص..مس ۱۹×۹/۵ ؛

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۶۲-۶۷-۵

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

موضوع : قرآن -- ترجمه ها

شناسه افزوده : انصاریان، حسین، مترجم

شناسه افزوده : حسن زاده، سیدعبدالمهدی، ۱۳۳۱ - ، خوشنویس

رده بندی کنگره : BP۵۹/۶۶/الف۸ ۱۳۹۳ث

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۱۱

شماره کتابشناسی ملی : ۳۵۳۷۳۰۶

ص: ۱

جزء ۱

سوره الفاتحه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (١)

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی. (۱)

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (٢)

همه ستایش ها، ویژه خدا، مالک و مربّی جهانیان است. (۲)

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۳)

رحمتش بی اندازه و مهربانی اش همیشگی است. (۳)

مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ (۴)

مالک و فرمانروای روز پاداش و کیفر است. (۴)

إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ (۵)

[پروردگارا!] تنها تو را می پرستیم وتنها از تو کمک می خواهیم. (۵)

اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ (۶)

ما را به راهِ راست راهنمایی کن. (۶)

صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ (۷)

راه کسانی [چون پیامبران، صدّیقان، شهیدان و صالحان که به خاطر لیاقتشان] به آنان نعمتِ [ایمان، عمل شایسته و اخلاق حسنه] عطا کردی، هم آنان که نه مورد خشم تواند و نه گمراه اند. (۷)

ص: ۱

سوره البقره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الم (۱)

الم (۱)

ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِلْمُتَّقِينَ (۲)

در [وحی بودن و حقّانیّت] این کتابِ [با عظمت] هیچ شکی نیست؛ سراسرش برای پرهیزکاران هدایت است. (۲)

الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ (۳)

آنان که به غیب ایمان دارند و نماز را بر پا می دارند و از آنچه به آنان روزی داده ایم، انفاق می کنند. (۳)

وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْکَ وَمَا أُنزِلَ مِن قَبْلِکَ وَبِالْآخِرَهِ هُمْ يُوقِنُونَ (۴)

و آنان که به آنچه به سوی تو و به آنچه پیش از تو نازل شده، مؤمن هستند و به آخرت یقین دارند. (۴)

أُولَئِکَ عَلَى هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۵)

آنانند که از سوی پروردگارشان بر [راهِ] هدایت اند و آنانند که رستگارند. (۵)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَأَنذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (۶)

بی تردید برای کسانی که [به خدا و آیاتش] کافرند مساوی است چه [از عذاب] بیمشان دهی یا بیمشان ندهی، ایمان نمی آورند. (۶)

خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَهٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۷)

خدا [به کیفر کفرشان] بر دل ها و گوش هایشان مُهرِ [تیره بختی] نهاده، و بر چشم هایشان پرده ای [از تاریکی است که فروغ هدایت را نمی بینند]، و برای آنان عذابی بزرگ است. (۷)

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا هُم بِمُؤْمِنِينَ (۸)

و گروهی از مردم [که اهل نفاق اند] می گویند: ما به خدا و روز قیامت ایمان آوردیم، در حالی که آنان مؤمن نیستند. (۸)

يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ (۹)

[به گمان باطلشان] می خواهند خدا و اهل ایمان را فریب دهند، در حالی که جز خودشان را فریب نمی دهند، ولی [این حقیقت را] درک نمی کنند. (۹)

فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ (۱۰)

در دلِ آنان بیماریِ [سختی از نفاق] است، پس خدا به کیفرِ نفاقشان بر بیماریشان افزود، و برای آنان در برابر آنچه همواره دروغ می گفتند، عذابی دردناک است. (۱۰)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ (۱۱)

چون به آنان گویند: در زمین فساد نکنید، می گویند: فقط ما اصلاح گریم! (۱۱)

أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِن لَّا يَشْعُرُونَ (۱۲)

آگاه باشید! یقیناً خود آنان فسادگرند، ولی درک نمی کنند. (۱۲)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ قَالُوا أَنُؤْمِنُ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَلَكِن لَّا يَعْلَمُونَ (۱۳)

چون به آنان گویند: ایمان آورید چنان که دیگر مردم ایمان آوردند می گویند: آیا ما هم مانند سبک مغزان ایمان آوریم؟! آگاه باشید! قطعاً اینان خود سبک مغزند، ولی [از شدت کوردلی به این حقیقت] آگاه نیستند. (۱۳)

وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا إِلَى شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِئُونَ (۱۴)

و هنگامی که با اهل ایمان دیدار کنند، گویند: ما ایمان آوردیم و چون با شیطان هایشان [که سرانِ شرک و کفرند] خلوت گزینند، گویند: بدون شک ما با شماییم، جز این نیست که ما [با تظاهر به ایمان] آنان را مسخره می کنیم. (۱۴)

اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَيَمُدُّهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ (۱۵)

خدا آنان را [به کیفر این کار منافقانه در دنیا و آخرت] عذاب خواهد کرد، و آنان را در سرکشی وتجاوزشان مهلت می دهد [تا در گمراهی شان] سرگردان وحیران بمانند. (۱۵)

أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرَوُا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَى فَمَا رَبِحَت تِّجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ (۱۶)

آنان کسانی هستند که گمراهی را به جای هدایت خریدند، پس تجارتشان سود نکرد و از راه یافتگان [به سوی حق] نبودند. (۱۶)

ص: ۳

مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْقَدَ نَارًا فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَتَرَكَهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ لَّا يُبْصِرُونَ (۱۷)

سرگذشت آنان مانند کسانی است که [در شب بسیار تاریک بیابان] آتشی افروختند [تا در پرتو آن خود را از خطر نجات دهند]، چون آتش پیرامونشان را روشن ساخت، خدا [به وسیله توفانی سهمگین] نورشان را خاموش کرد و آنان را در تاریکی هایی که مطلقاً نمی دیدند واگذاشت. (۱۷)

صُمٌّ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ (۱۸)

کر و لال و کورند، به این سبب آنان [از گمراهی و ضلالت به سوی هدایت و حقیقت] بازنمی گردند. (۱۸)

أَوْ كَصَيِّبٍ مِّنَ السَّمَاءِ فِيهِ ظُلُمَاتٌ وَرَعْدٌ وَبَرْقٌ يَجْعَلُونَ أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِم مِّنَ الصَّوَاعِقِ حَذَرَ الْمَوْتِ وَاللَّهُ مُحِيطٌ بِالْكَافِرِينَ (۱۹)

یا [سرگذشت آنان] سرگذشتِ [دچار شدگان به] رگباری شدید از آسمان است که در آن تاریکی ها و رعد و برقی است، [آنان] انگشتانشان را از [صدایِ هولناکِ] صاعقه ها به خاطر بیم مرگ در گوش هایشان می گذارند [در حالی که راه گریزی از مرگ برای آنان نیست] و خدا به کافرانْ احاطه [همه جانبه] دارد. (۱۹)

يَكَادُ الْبَرْقُ يَخْطَفُ أَبْصَارَهُمْ كُلَّمَا أَضَاءَ لَهُم مَّشَوْا فِيهِ وَإِذَا أَظْلَمَ عَلَيْهِمْ قَامُوا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَذَهَبَ بِسَمْعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۲۰)

نزدیک است که آن برقِ [بسیار رخشنده، روشنیِ] چشم های آنان را برباید؛ زمانی که آنان را روشنی دهد، در آن روشنی راه می روند و چون محیط را بر آنان تاریک کند، می ایستند و اگر خدا می خواست [شنواییِ] گوش و [بیناییِ] چشم آنان را نابود می کرد؛ زیرا خدا بر هر کاری تواناست. (۲۰)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (۲۱)

ای مردم! پروردگارتان را که شما و پیشینیان شما را آفریده است، بپرستید تا [با پرستیدن او] پروا پیشه شوید. (۲۱)

الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَّكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَندَادًا وَأَنتُمْ تَعْلَمُونَ (۲۲)

آن پروردگاری که زمین را برای شما بستری گسترده و آسمان را سقفی برافراشته قرار داد و از آسمان، آبی [مانند برف و باران] نازل کرد و به وسیله آن از میوه های گوناگون، رزق و روزی برای شما بیرون آورد؛ پس برای خدا شریکان و همتایانی قرار ندهید در حالی که می دانید [برای خدا در آفریدن و روزی دادن، شریک و همتایی وجود ندارد]. (۲۲)

وَإِن كُنتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَى عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّن مِّثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُم مِّن دُونِ اللَّهِ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (۲۳)

و اگر در آنچه ما بر بنده خود] محمّد (صلی الله علیه وآله)] نازل کرده ایم، شک دارید [که وحی الهی است یا ساخته بشر] پس سوره ای مانند آن رابیاورید، و [برای این کار] غیر از خدا، شاهدان و گواهان خود را [از فُصحا و بُلغای بزرگ عرب به یاری] فرا خوانید، اگر [در گفتار خود که این قرآن ساخته بشر است نه وحی الهی [راستگویید. (۲۳)

فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا وَلَن تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ (۲۴)

و اگر این کار را انجام ندادید که هرگز نمی توانید انجام دهید بنابراین از آتشی که هیزمش مردم و سنگ هایند، بپرهیزید؛ آتشی که برای کافران آماده شده است. (۲۴)

ص: ۴

وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِن ثَمَرَةٍ رِّزْقًا قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا

مِن قَبْلُ وَأُتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۲۵)

و کسانی را که ایمان آورده اند و کارهای شایسته [چون عبادت حق و خدمت به خلق] انجام داده اند، مژده ده که بهشت هایی ویژه آنان است که از زیرِ [درختانِ] آن نهرها جاری است؛ هرگاه از آن بهشت ها میوه ای آماده به آنان دهند، گویند: این همان است که از پیشْ روزیِ ما نمودند، و از میوه های گوناگون که [در طعم و گوارایی و زیبایی] شبیهِ هم است، نزد آنان آورند؛ در آنجا برای ایشان همسرانی پاکیزه [از هر آلودگی] است؛ و در آن بهشت ها جاودانه اند. (۲۵)

إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَن يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعُوضَةً فَمَا فَوْقَهَا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِن رَّبِّهِمْ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهِ كَثِيرًا وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ (۲۶)

بی تردید خدا [برای فهماندن مطلبی به مردم] از اینکه به پشه و فراتر از آن [در کوچکی] مَثَل بزند، شرم نمی کند؛ اما اهل ایمان آگاهند که آن مثل از سوی پروردگارشان درست و حق است و اما کافران می گویند: خدا از این مثل چه اراده کرده است؟! خدا بسیاری را به آن مثل [به خاطر عدم دقت و مطالعه] گمراه می کند، و بسیاری را به آن مثل [به سبب درک صحیح] هدایت می نماید؛ و جز فاسقان را به آن گمراه نمی کند. (۲۶)

الَّذِينَ يَنقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِن بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَن يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (۲۷)

آنان کسانی هستند که پیمان خدا را [که توحید و وحی و نبوت است] پس از استواری اش [با دلایل عقلی و علمی و براهین منطقی با عدم وفای به آن] می شکنند و آنچه را خدا پیوند خوردن به آن را فرمان داده است [مانند پیوند با پیامبران و کتابهای آسمانی و اهل بیت طاهرین و خویشان] قطع می نمایند و در زمین تباهی و فساد بر پا می کنند، آنانند که زیانکارند. (۲۷)

كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۲۸)

چگونه به خدا کفر می ورزید در حالی که [پیش از دمیده شدن روح به کالبدتان ترکیبی از عناصر] مرده بودید، پس شما را حیات بخشید، سپس شما را می میراند، آن گاه دوباره زنده می کند، سپس به سوی او بازگردانده می شوید. (۲۸)

هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُم مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۲۹)

اوست که همه آنچه را در زمین است برای شما آفرید، سپس آفرینش آسمان را [که به صورت ماده ای دود مانند بود] اراده کرد و آن را به شکل هفت آسمان [همراه با نظامی استوار] درست و نیکو قرار داد؛ و او [به قوانین و محاسباتِ] همه چیز داناست. (۲۹)

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَن يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ (۳۰)

و آن زمان را یاد آر که پروردگارت به فرشتگان گفت: به یقین جانشینی در زمین قرار می دهم. گفتند: آیا موجودی را در زمین قرار می دهی که در آن به فساد و تباهی برخیزد و به ناحق خون ریزی کند و حال آن که ما تو را همواره با ستایشت تسبیح می گوییم و تقدیس می کنیم. [پروردگار] فرمود: من [از این جانشین و قرار گرفتنش در زمین اسراری] می دانم که شما نمی دانید. (۳۰)

وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (۳۱)

و خدا همه نام ها [یِ موجودات] را به آدم آموخت؛ سپس [هویت و حقایق ذات موجودات را] به فرشتگان ارائه کرد و گفت: مرا از نام های ایشان خبر دهید، اگر [در ادعای سزاوار بودنتان به جانشینی] راستگویید. (۳۱)

قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ (۳۲)

گفتند: تو از هر عیب و نقصی منزّهی، ما را دانشی جز آنچه خودت به ما آموخته ای نیست، یقیناً تویی که بسیار دانا و حکیمی. (۳۲)

قَالَ يَا آدَمُ أَنبِئْهُم بِأَسْمَائِهِمْ فَلَمَّا أَنبَأَهُم بِأَسْمَائِهِمْ قَالَ أَلَمْ أَقُل لَّكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا كُنتُمْ تَكْتُمُونَ (۳۳)

[خدا] فرمود: ای آدم! فرشتگان را از نام های آنان خبر ده. پس هنگامی که نام هایشان را به فرشتگان خبر داد [خدا] فرمود: آیا به شما نگفتم که من یقیناً نهانِ آسمان ها و زمین را می دانم، و به آنچه شما آشکار می کنید و به آنچه پنهان می دارید، دانایم؟ (۳۳)

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ (۳۴)

و [یاد کن] هنگامی که به فرشتگان گفتیم: به آدم سجده کنید، [پس] سجده کردند مگر ابلیس که سر پیچید و تکبر ورزید و از کافران شد. (۳۴)

وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ (۳۵)

و گفتیم: ای آدم! تو و همسرت در این بهشت سکونت گیرید و از هر جای آنکه خواستید فراوان و گوارا بخورید، و به این درخت نزدیک نشوید که [اگر نزدیک شوید] از ستمکاران خواهید شد. (۳۵)

فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَى حِينٍ (۳۶)

پس شیطان، هر دو را از [طریق] آن درخت لغزانید و آنان را از آنچه در آن بودند [چه مقام و مرتبه معنوی، و چه منزلت و جایگاه ظاهری] بیرون کرد. و ما گفتیم: [ای آدم و حوا و ای ابلیس!] در حالی که دشمن یکدیگرید [و تا ابد، بین شما آدمیان

و ابلیسیان صلح و صفایی نخواهد بود، از این جایگاه] فرود آیید و برای شما در زمین، قرارگاهی [برای زندگی] و تا مدتی معین، وسیله بهرهوری اندکی خواهد بود. (۳۶)

فَتَلَقَّى آدَمُ مِن رَّبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (۳۷)

پس آدم کلماتی را] مانند کلمه استغفار و توسّل به اهل بیت (علیهم السلام) که مایه توبه و بازگشت بود] از سوی پروردگارش دریافت کرد و [پروردگار [توبه اش را پذیرفت؛ زیرا او بسیار توبه پذیر و مهربان است. (۳۷)

ص: ۶

قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُم مِّنِّي هُدًى فَمَن تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۳۸)

گفتیم: همگی از آن [مرتبه و مقام] فرود آیید؛ چنانچه از سوی من هدایتی برای شما آمد، پس کسانی که از هدایتم پیروی کنند نه ترسی بر آنان است و نه اندوهگین شوند. (۳۸)

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۳۹)

و کسانی که کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند، اهل آتشند و در آن جاودانه اند. (۳۹)

يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ وَإِيَّايَ فَارْهَبُونِ (۴۰)

ای بنی اسرائیل! نعمت های مرا که به شما عطا کردم، یاد کنید و به پیمانم [که سفارش به عبادت و ایمان به همه انبیا به ویژه پیامبر اسلام است] وفا کنید تا من هم به پیمان شما [که توقع ثواب وپاداش در برابر عبادت وایمان است] وفا کنم، و [نسبت به پیمان شکنی] فقط از من بترسید. (۴۰)

وَآمِنُوا بِمَا أَنزَلْتُ مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أَوَّلَ كَافِرٍ بِهِ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِيَّايَ فَاتَّقُونِ (۴۱)

وبه آنچه [بر پیامبر اسلام] نازل کرده ام که تصدیق کننده [تورات وانجیلی] است که با شماست، ایمان آورید و نخستین کافر به آن نباشید [که نسل به نسل پس از شما به پیروی از شما به آن کافر شوند] و آیاتم را [در تورات که اوصاف محمّد و قرآن در آن است، با تغییر دادن و تحریف کردن] به بهایی ناچیز نفروشید، و فقط از من پروا کنید. (۴۱)

وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنتُمْ تَعْلَمُونَ (۴۲)

و حق را با باطل مخلوط نکنید [تا تشخیص دادنشان بر مردمِ جویای حق دشوار نشود]، وحق را [که قرآن وپیامبر است] در حالی که می دانید [و می شناسید، از مردم] پنهان نکنید. (۴۲)

وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ (۴۳)

و نماز را بر پا دارید، و زکات بپردازید، و همراه رکوع کننـدگان رکوع کنید [که نماز خواندن با جماعت محبوب خداست]. (۴۳)

أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنسَوْنَ أَنفُسَكُمْ وَأَنتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۴۴)

آیـا مردم را به نیکی فرمـان می دهیـد و خود را [در ارتبـاط بـا نیکی] فراموش می کنیـد؟ در حـالی که کتاب [تورات را که با شدت به نیکی دعوتتان کرده] می خوانید. آیا [به وضع زیان بار و خطرناک خود] نمی اندیشید؟ (۴۴)

وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ (۴۵)

از صبر و نماز [برای حل مشکلات خود و پاک ماندن از آلودگی ها و رسیدن به رحمت حق] کمک بخواهید و بی تردید این کار جز بر کسانی که در برابر حق قلبی فروتن دارند دشوار و گران است. (۴۵)

الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُم مُّلَاقُو رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ (۴۶)

[دارندگان قلب فروتن] کسانی هسـتند که یقین دارند دیدار کننده [قیامت و پاداش] پروردگارشان می باشد و قطعاً به سوی او باز می گردند. (۴۶)

يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ (۴۷)

ای بنی اسرائیل! نعمت های مرا که به شما عطا کردم و اینکه شما را بر جهانیانِ [زمانِ خودتان] برتری دادم، یاد کنید، (۴۷)

وَاتَّقُوا يَوْمًا لَّا تَجْزِي نَفْسٌ عَن نَّفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ (۴۸)

و از روزی پروا کنیـد که نه کسـی از کسـی عذابی را دفع می کند، و نه از کسـی شـفاعتی می پذیرند، و نه از کسـی [در برابر گناهانش] فدیه و عوضی می گیرند، و نه [برای رهایی از آتش دوزخ] یاری می شوند. (۴۸)

ص: ۷

وَإِذْ نَجَّيْنَاكُم مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُذَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَٰلِكُم بَلَاءٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَظِيمٌ (۴۹)

و [یادکنیـد] آن گـاه که شـما را از [سـیطره حکومت ظالمـانه] فرعونیـان نجات دادیم؛ آنان که همواره شـما را به سـخت ترین صورت شـکنجه می کردند، پسـران شـما را سر می بریدند و زنان شما را [برای بیگاری و کنیزی] زنده می گذاشتند. و در این سختی ها ومشکلاتْ آزمایشی بزرگ از سوی پروردگارتان بود. (۴۹)

وَإِذْ فَرَقْنَا بِكُمُ الْبَحْرَ فَأَنجَيْنَاكُمْ وَأَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَأَنتُمْ تَنظُرُونَ (۵۰)

و [یـاد کنیـد] هنگـامی که دریـا را برای شـما شـکافتیم، پس شـما را نجات دادیم و فرعونیان را در حالی که می دیدیـد، غرق

کردیم. (۵۰)

وَإِذْ وَاعَدْنَا مُوسَى أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِن بَعْدِهِ وَأَنتُمْ ظَالِمُونَ (۵۱)

و [یاد کنید] زمانی که [برای نازل کردن تورات] چهل شب با موسی وعده گذاشتیم، سپس شما بعد از [غایب شدن] او گوساله را معبود خود گرفتید، در حالی که [به سبب این کار بسیار زشت] ستمکار بودید. (۵۱)

ثُمَّ عَفَوْنَا عَنكُم مِّن بَعْدِ ذَلِكَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۵۲)

سپس بعد از آن [کار زشت] از [گناه] شما درگذشتیم، تا سپاس گزاری کنید. (۵۲)

وَإِذْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَالْفُرْقَانَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (۵۳)

و [یاد کنید] هنگامی که به موسی، کتاب و میزان جداکننده [حق از باطل] عطا کردیم تا هدایت یابید. (۵۳)

وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنفُسَكُم بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلَ فَتُوبُوا إِلَى بَارِئِكُمْ فَاقْتُلُوا أَنفُسَكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ عِندَ بَارِئِكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (۵۴)

و [یاد کنید] زمانی که موسی به قومش گفت: ای قوم من! قطعاً شما به سبب معبود گرفتن گوساله به خودتان ستم ورزیدید، پس به سوی آفریننده خود بازگردید، و [افرادی از] خودتان را [که گوساله را به پرستش گرفتند] بکشید که این [عمل] برای شما در پیشگاه آفریدگارتان بهتر است. پس خدا [به دنبال اجرا کردن دستورش] توبه شما را پذیرفت؛ زیرا او بسیار توبه پذیر و مهربان است. (۵۴)

وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَن نُّؤْمِنَ لَكَ حَتَّى نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصَّاعِقَةُ وَأَنتُمْ تَنظُرُونَ (۵۵)

و [یاد کنید] آن گاه که گفتید: ای موسی! هرگز به تو ایمان نمی آوریم تا خدا را آشکارا [با چشم خود] ببینیم. پس صاعقه مرگبار شما را گرفت، در حالی که می دیدید. (۵۵)

ثُمَّ بَعَثْنَاكُم مِّن بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۵۶)

سپس شما را پس از مرگتان برانگیختیم تا سپاس گزاری کنید. (۵۶)

وَظَلَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْغَمَامَ وَأَنزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَى كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (۵۷)

و [در صحرای سوزان سینا] ابر را بر سر شما سایبان قرار دادیم؛ و بر شما گزانگبین و بلدرچین نازل کردیم؛ [و گفتیم:] از خوراکی های پاک و پاکیزه ای که روزیِ شما قرار داده ایم بخورید. و آنان [در تجاوز و طغیانشان وناسپاسی وکفرانشان] بر ما ستم نکردند، بلکه همواره بر خود ستم می ورزیدند. (۵۷)

وَإِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُولُوا حِطَّةٌ نَّغْفِرْ لَكُمْ خَطَايَاكُمْ وَسَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ (۵۸)

و [یاد کنید] هنگامی را که گفتیم: به این شهر [بیت المقدس] وارد شوید، و از نعمت های آن هر چه خواستید، فراوان و گوارا بخورید و از دروازه [شهر یا درِ معبد] فروتنانه و سجده کنان درآیید و بگویید: [خدایا! خواسته ما] ریزش گناهان ماست، تا گناهانتان را بیامرزیم و به زودی [پاداش] نیکوکاران را بیفزاییم. (۵۸)

فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَنزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ (۵۹)

ولی ستمکاران، سخنی را که [بیرون دروازه شهر] به آنان گفته شده بود [پس از ورود به شهر] به سخنی دیگر تبدیل کردند [به جای درخواست ریزش گناهان، درخواست امور مادی کردند]. ما هم بر ستمکاران به سبب آنکه همواره نافرمانی می کردند، عذابی از آسمان فرود آوردیم. (۵۹)

وَإِذِ اسْتَسْقَى مُوسَى لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِب بِّعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَّشْرَبَهُمْ كُلُوا وَاشْرَبُوا مِن رِّزْقِ اللَّهِ وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ (۶۰)

و [یاد کنید] آن گاه که موسی برای قومش درخواست آب کرد، پس گفتیم: عصایت را به این سنگ بزن. پس دوازده چشمه از آن جوشید به طوری که هر گروهی [از دوازده گروه بنی اسرائیل] چشمه ویژه خود را شناخت. [و گفتیم:] از روزیِ خدا بخورید و بیاشامید و تبهکارانه در زمین فتنه و آشوب بر پا نکنید. (۶۰)

وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَن نَّصْبِرَ عَلَى طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنبِتُ الْأَرْضُ مِن بَقْلِهَا وَقِثَّائِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِهَا وَبَصَلِهَا قَالَ أَتَسْتَبْدِلُونَ الَّذِي هُوَ أَدْنَى بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ اهْبِطُوا مِصْرًا فَإِنَّ لَكُم مَّا سَأَلْتُمْ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوا وَّكَانُوا يَعْتَدُونَ (۶۱)

و [یاد کنید] هنگامی که گفتید: ای موسی! ما هرگز بر یک نوع غذا صبر نمی کنیم، پس از پروردگارت بخواه تا از آنچه زمین می رویاند از سبزی و خیار و سیر و عدس و پیازش را برای ما آماده کند. [موسی] گفت: آیا شما به جای غذای بهتر، غذای پست تر را می خواهید؟! [اکنون که چنین درخواست ناروایی دارید] به شهری فرود آیید که آنچه خواستید، برای شما آماده است. و [داغ] خواری و بیچارگی و نیاز بر آنان زده شد و سزاوار خشم خدا شدند؛ این [خواری و خشم] به سبب آن بود که آنان همواره به آیات خدا کفر می ورزیدند و پیامبران را به ناحق می کشتند؛ این [کفرورزی و کشتن پیامبران] به علت آن بود که [از فرمانِ من] سرپیچی نمودند و پیوسته [از حدود حق] تجاوز می کردند. (۶۱)

ص: ۹

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ

عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۶۲)

مسلماً کسانی که [به ظاهر] ایمان آوردند، و یهودی ها و نصرانی ها و صابئی ها هر کدامشان [از روی حقیقت] به خدا و روز قیامت ایمان آورند و کار شایسته انجام دهند، برای آنان نزد پروردگارشان پاداشی شایسته و مناسب است، و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین شوند. (۶۲)

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُم بِقُوَّةٍ وَاذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (۶۳)

و [یاد کنید] هنگامی که از شما [بر پیروی از حق] پیمان گرفتیم، و کوه طور را بالای سرتان برافراشتیم، [و گفتیم:] آنچه را [از آیات کتاب آسمانی] به شما داده ایم، با قدرت و قوّت دریافت کنید، و آنچه را در آن است [برای اجرا کردن] به یاد داشته باشید تا پرهیزکار شوید. (۶۳)

ثُمَّ تَوَلَّيْتُم مِّن بَعْدِ ذَلِكَ فَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَكُنتُم مِّنَ الْخَاسِرِينَ (۶۴)

آن گاه بعد از [پیمان گرفتن، از وفاکردن به آن] سرپیچی کردید، و اگر فضل و رحمت خدا بر شما نبود، قطعاً از زیانکاران بودید. (۶۴)

وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ الَّذِينَ اعْتَدَوْا مِنكُمْ فِي السَّبْتِ فَقُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ (۶۵)

بی تردید شما [سرگذشتِ کسانی از هم مسلکان خود را] که در روز شنبه [از فرمان خدا که صید ماهی را حرام کرده بود] عصیان ورزیدند دانستید که [به کیفر عصیانشان] به آنان نهیب زدیم که به صورت بوزینگانی خوار و رانده شده درآیید. (۶۵)

فَجَعَلْنَاهَا نَكَالًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهَا وَمَا خَلْفَهَا وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ (۶۶)

در نتیجه، آن [مجازات] را عبرتی برای کسانی که شاهدِ حادثه بودند، وکسانی که بعد از آنان می آیند، و پندی برای پرواپیشگان قرار دادیم. (۶۶)

وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَن تَذْبَحُوا بَقَرَةً قَالُوا أَتَتَّخِذُنَا هُزُوًا قَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ (۶۷)

و [یاد کنید] زمانی که موسی به قومش گفت: خدا به شما فرمان می دهد گاوی را ذبح کنید، گفتند: آیا ما را مسخره می کنی؟! گفت: به خدا پناه می برم از اینکه از نادانان باشم. (۶۷)

قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّن لَّنَا مَا هِيَ قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَّا فَارِضٌ وَلَا بِكْرٌ عَوَانٌ بَيْنَ ذَلِكَ فَافْعَلُوا مَا تُؤْمَرُونَ (۶۸)

گفتند: از پروردگارت بخواه برای ما بیان کند که آن گاو چگونه گاوی باشد؟ گفت: او می فرماید که آن گاوی است نه پیر از کارمانده، نه جوان نارسیده، [بلکه] گاوی میان این دو نوع گاو است. پس آنچه را به آن فرمان داده اند، انجام دهید. (۶۸)

قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّن لَّنَا مَا لَوْنُهَا قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَاءُ فَاقِعٌ لَّوْنُهَا تَسُرُّ النَّاظِرِينَ (۶۹)

گفتند: از پروردگارت بخواه که برای ما توضیح دهد رنگش چگونه باشد؟ گفت: خدا می گوید: گاوی است زرد و رنگش روشن که بینندگان را شاد و مسرور می کند. (۶۹)

قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّن لَّنَا مَا هِيَ إِنَّ الْبَقَرَ تَشَابَهَ عَلَيْنَا وَإِنَّا إِن شَاءَ اللَّهُ لَمُهْتَدُونَ (۷۰)

گفتند: از پروردگارت بخواه برای ما بیان کند که [نهایتاً آن گاو] چه گاوی است؟ زیرا این گاو بر ما مُبهم و مُشتبه شده، و اگر خدا بخواهد [به شناخت آن] هدایت خواهیم شد. (۷۰)

قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَّا ذَلُولٌ تُثِيرُ الْأَرْضَ وَلَا تَسْقِي الْحَرْثَ مُسَلَّمَةٌ لَّا شِيَةَ فِيهَا قَالُوا الْآنَ جِئْتَ بِالْحَقِّ فَذَبَحُوهَا وَمَا كَادُوا يَفْعَلُونَ (۷۱)

گفت: او می گوید: گاوی است که نه رام است تا زمین را شخم زند و نه زراعت را آبیاری نماید، [از هر عیب و نقصی] سالم است، و رنگی مخالف رنگ اصلی در آن نیست، گفتند: اکنون حق را برای ما آوردی. پس آن را ذبح کردند، در حالی که نزدیک بود فرمان خدا را اجرا نکنند!! (۷۱)

وَإِذْ قَتَلْتُمْ نَفْسًا فَادَّارَأْتُمْ فِيهَا وَاللَّهُ مُخْرِجٌ مَّا كُنتُمْ تَكْتُمُونَ (۷۲)

و [یاد کنید] هنگامی که کسی را کشتید و درباره [قاتل] او به نزاع و ستیز برخاستید؛ و خدا آشکار کننده چیزی است که پنهان می داشتید. (۷۲)

فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَى وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (۷۳)

پس گفتیم: پاره ای از آن [گاو ذبح شده] را به مقتول بزنید [تا زنده شود و قاتل را معرفی کند]. خدا مردگان را این گونه زنده می کند و نشانه هایِ [قدرت و ربوبیّت] خود را به شما نشان می دهد، تا بیندیشید. (۷۳)

ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُم مِّن بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً وَإِنَّ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَشَّقَّقُ فَيَخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (۷۴)

سپس دل های شما بعد از آن [معجزه شگفت انگیز] سخت شد، مانند سنگ یا سخت تر؛ زیرا پاره ای از سنگ هاست که از آنها نهرها می جوشد، و پاره ای از آنها می شکافد و آب از آن بیرون می آید، و پاره ای از آنها از ترس خدا [از بلندی] سقوط می کند؛ و خدا از آنچه انجام می دهید بی خبر نیست. (۷۴)

أَفَتَطْمَعُونَ أَن يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِن بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ (۷۵)

آیا [شما مردم مؤمن] امید دارید که [آن سخت دلان] به [دین] شما ایمان بیاورند؟! در حالی که گروهی از آنان کلام خدا را همواره می شنیدند، سپس بعد از آنکه [معنا و مفهومش را] درک می کردند، [به سبب دنیاطلبی و امور مادی] به دلخواه خود تغییرش می دادند، در صورتی که می دانستند [به کلام خدا و به مردم جویای حق خیانت می کنند]. (۷۵)

وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَا بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ قَالُوا أَتُحَدِّثُونَهُم بِمَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ لِيُحَاجُّوكُم بِهِ عِندَ رَبِّكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۷۶)

و هنگامی که با مؤمنان دیدار کنند، می گویند: ما ایمان آوردیم. و چون با هم خلوت می کنند [از روی اعتراض و ایراد] به یکدیگر می گویند: چرا حقایقی را که خدا [در تورات درباره پیامبر اسلام] برای شما بیان کرده به مؤمنان می گویید تا [روز قیامت با این حقایق] در پیشگاه پروردگارتان بر ضد شما استدلال کنند؟ آیا تعقّل نمی کنید [که نباید زمینه استدلال بر ضد خود را در اختیار مؤمنان گذارید؟!] (۷۶)

ص: ۱۱

أَوَلَا يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ (۷۷)

آیا [آن سخت دلان] نمی دانند که خدا آنچه را پنهان می دارند و آنچه را آشکار می کنند، می داند؟! (۷۷)

وَمِنْهُمْ أُمِّيُّونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِيَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ (۷۸)

و گروهی از یهود، که جاهل و بی سوادند [غیر از تورات فعلی] که جز بافته های دروغین [عالمان خائن آنان نیست] نمی دانند، و حال آن که [در امر دین به سبب عدم تحقیق و دنبال نکردن علم و دانش] فقط در مسیر گمان و خیال واهی قدم برمی دارند. (۷۸)

فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَـٰذَا مِنْ عِندِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَّهُم مِّمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَّهُم مِّمَّا يَكْسِبُونَ (۷۹)

پس وای بر کسانی که با دست هاشان نوشته ای را می نویسند، سپس می گویند: این [نوشته] از سوی خداست. تا با این [کار زشت و خائنانه] بهایی ناچیز به دست آورند؛ پس وای بر آنان از آنچه دست هاشان نوشت، و وای بر آنان از آنچه به دست می آورند. (۷۹)

وَقَالُوا لَن تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَّعْدُودَةً قُلْ أَتَّخَذْتُمْ عِندَ اللَّهِ عَهْدًا فَلَن يُخْلِفَ اللَّهُ عَهْدَهُ أَمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (۸۰)

و گفتند: آتش [دوزخ] جز چند روزی به ما نمی رسد. بگو: آیا [بر این عقیده خود] از نزد خدا پیمانی گرفته اید؟ که هرگز خدا از آن پیمان تخلّف نخواهد کرد، یا جاهلانه چیزی را به خدا نسبت می دهید؟ (۸۰)

بَلَی مَن كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (٨١)

[نه چنین است که می گویید] بلکه کسانی که مرتکب گناه شدند وآثار گناه، سراسر وجودشان را فرا گرفت، آنان اهل آتشند و در آن جاودانه اند. (٨١)

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (٨٢)

و کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، اهل بهشت اند و در آن جاودانه اند. (٨٢)

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاهَ وَآتُوا الزَّكَاهَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنكُمْ وَأَنتُم مُّعْرِضُونَ (٨٣)

و [یاد کنید] زمانی که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خدا را نپرستید، و به پدر و مادر و خویشان ویتیمان ومستمندان نیکی کنید، و با مردم با خوش زبانی سخن گویید، و نماز را بر پا دارید، و زکات بپردازید، سپس همه شما جز اندکی [از پیمان خدا] روی گردانیدید؛ و شما [به طور عادت] روی گردان هستید. (٨٣)

ص: ١٢

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَلَا تُخْرِجُونَ أَنفُسَكُم مِّن دِيَارِكُمْ ثُمَّ أَقْرَرْتُمْ وَأَنتُمْ تَشْهَدُونَ (٨۴)

و [یاد کنید] هنگامی که از شما پیمان گرفتیم که خون همدیگر را نریزید، و یکدیگر را از خانه های خود آواره نکنید، سپس [به پیمانتان] اقرار کردید و بر آن هم گواهی می دهید. (٨۴)

ثُمَّ أَنتُمْ هَؤُلَاءِ تَقْتُلُونَ أَنفُسَكُمْ وَتُخْرِجُونَ فَرِيقًا مِّنكُم مِّن دِيَارِهِمْ تَظَاهَرُونَ عَلَيْهِم بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَإِن يَأْتُوكُمْ أُسَارَى تُفَادُوهُمْ وَهُوَ مُحَرَّمٌ عَلَيْكُمْ إِخْرَاجُهُمْ أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ فَمَا جَزَاءُ مَن يَفْعَلُ ذَلِكَ مِنكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاهِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ الْقِيَامَهِ يُرَدُّونَ إِلَى أَشَدِّ الْعَذَابِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (٨۵)

باز این شما هستید که یکدیگر را می کشید، و گروهی از خودتان را از خانه هایشان آواره می کنید، و از روی گناه و تجاوز یکدیگر را بر ضد آنان [که آواره کرده اید] یاری و کمک می دهید، و اگر آنان در حال اسارت نزد شما آیند، برای آزاد شدنشان فدیه می دهید، در صورتی که آواره کردنشان بر شما حرام بود. آیا به بخشی از کتاب [آسمانی] ایمان می آورید و به بخشی دیگر کفر می ورزید؟ [حرام بودن جنگ و آواره کردن را مردود می شمارید، و وجوب آزاد کردن هم کیشان را از اسارت قبول می کنید!] پس کیفر کسانی از شما که چنین تبعیضی را [در آیات خدا] روا می دارند، جز خواری و رسوایی در زندگی دنیا نیست، و روز قیامت به سوی سخت ترین عذاب بازگردانیده می شوند، و خدا از آنچه انجام می دهید، بی خبر نیست. (٨۵)

أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرَوُا الْحَيَاهَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَهِ فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمُ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ (٨۶)

اینان کسانی اند که زندگی [زودگذر] دنیا را به جای آخرت خریدند؛ پس نه عذاب از آنان سبک شود و نه یاری شوند. (۸۶)

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَقَفَّيْنَا مِن بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنفُسُكُمُ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ (۸۷)

و یقیناً ما به موسی کتاب دادیم و پس از او پیامبرانی به دنبال هم فرستادیم، و به عیسی بن مریم دلایل روشن و آشکار عطا نمودیم، و او را به وسیله روح القدس توانایی بخشیدیم؛ پس چرا هرگاه پیامبری آیین و احکامی که مطابق هوا و هوستان نبود برای شما آورد، سرکشی کردید؟ پس [نبوّتِ] گروهی را تکذیب نمودید و گروهی را می کشتید. (۸۷)

وَقَالُوا قُلُوبُنَا غُلْفٌ بَل لَّعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَقَلِيلًا مَّا يُؤْمِنُونَ (۸۸)

و گفتند: دل های ما در غلاف و پوشش است [به این علتْ کلام تو را نمی فهمیم، ولی چنین نیست که می گویند] بلکه خدا به سبب کفرشان آنان را از رحمتش دور کرده [در نتیجه از پذیرفتن اسلام خودداری می کنند] پس اندکی ایمان می آورند. (۸۸)

ص: ۱۳

وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِّنْ عِندِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ وَكَانُوا مِن قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُم مَّا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ (۸۹)

و هنگامی که برای آنان از سوی خدا کتابی [چون قرآن] آمد که تصدیق کننده توراتی است که با آنان است، و همواره پیش از نزولش به خودشان [در سایه ایمان به آن] مژده پیروزی بر کافران می دادند، پس [با این وصف] زمانی که قرآن [که پیش از نزولش آن را با پیشگویی تورات می شناختند] نزد آنان آمد، به آن کافر شدند؛ پس لعنت خدا بر کافران باد. (۸۹)

بِئْسَمَا اشْتَرَوْا بِهِ أَنفُسَهُمْ أَن يَكْفُرُوا بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ بَغْيًا أَن يُنَزِّلَ اللَّهُ مِن فَضْلِهِ عَلَى مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ فَبَاءُوا بِغَضَبٍ عَلَى غَضَبٍ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُّهِينٌ (۹۰)

بد چیزی است آنچه خود را به آن فروختند که کفر ورزیدن از روی حسادت به کتابی است که خدا نازل کرده [معترضانه می گویند:] چرا خدا از فضل و احسانش به هر که از بندگانش بخواهد [کتاب آسمانی] نازل می کند، پس آنان به خشمی بر روی خشمی سزاوار شدند. و برای کافران عذابی خوار کننده است. (۹۰)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ قَالُوا نُؤْمِنُ بِمَا أُنزِلَ عَلَيْنَا وَيَكْفُرُونَ بِمَا وَرَاءَهُ وَهُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَهُمْ قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ أَنبِيَاءَ اللَّهِ مِن قَبْلُ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ (۹۱)

هنگامی که به آنان گویند: به آنچه که خدا [بر پیامبر اسلام] نازل کرده ایمان آورید، گویند: به توراتی که بر خود ما یهودیان

نازل شده ایمان می آوریم و به غیر آن در حالی که حق است و تصدیق کننده توراتی است که با آنان است، کفر می ورزند. بگو: اگر شما [از روی درستی و راستی به تورات] مؤمن بودید، پس چرا پیش از این پیامبران خدا را می کشتید؟ (۹۱)

وَلَقَدْ جَاءَكُم مُّوسَى بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِن بَعْدِهِ وَأَنتُمْ ظَالِمُونَ (۹۲)

و قطعاً موسی برای شما معجزات و دلایلی روشن آورد، سپس شما پس از [رفتن] او [به کوه طور] گوساله را معبود خود گرفتید، در حالی که [به خود و دلایل آشکار و روشن حق] ستمکار بودید. (۹۲)

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُم بِقُوَّةٍ وَاسْمَعُوا قَالُوا سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَأُشْرِبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ بِكُفْرِهِمْ قُلْ بِئْسَمَا يَأْمُرُكُم بِهِ إِيمَانُكُمْ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ (۹۳)

و [یاد کنید] زمانی که از شما [برای پیروی از موسی] پیمان گرفتیم، و کوه طور را بالای سرتان برافراشتیم [و گفتیم:] آنچه را [چون تورات] به شما دادیم با قدرت و قوّت دریافت کنید [و دستورهای ما و پیامبرتان را بشنوید، به ظاهر] گفتند: شنیدیم و [در باطن گفتند:] نافرمانی کردیم. و به سبب کفرشان دوستی گوساله با دل هایشان در آمیخت. بگو: اگر شما مؤمن هستید [و ایمانتان شما را به این همه ظلم و جنایت و فساد فرمان می دهد] پس بد چیزی است آنچه ایمانتان به آن فرمان می دهد. (۹۳)

قُلْ إِن كَانَتْ لَكُمُ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِندَ اللَّهِ خَالِصَةً مِّن دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوُا الْمَوْتَ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (۹۴)

بگو: اگر [آن گونه که می پندارید] سرای آخرت [با همه نعمت هایش] نزد خدا ویژه شماست نه مردم دیگر، پس چنانچه راستگویید مرگ را آرزو کنید. (۹۴)

وَلَن يَتَمَنَّوْهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ (۹۵)

و آنان هرگز مرگ را به سبب گناهانی که مرتکب شده اند، آرزو نمی کنند؛ و خدا به ستمکاران داناست. (۹۵)

وَلَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَاةٍ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرُ أَلْفَ سَنَةٍ وَمَا هُوَ بِمُزَحْزِحِهِ مِنَ الْعَذَابِ أَن يُعَمَّرَ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ (۹۶)

و یقیناً آنان را حریص ترین مردم به زندگی [دراز مدت] خواهی یافت و [حتی حریص تر] از مشرکان. هر یک از آنان آرزومند است که ای کاش هزار سال عمرش دهند، ولی آن عمر طولانی دور کننده او از عذاب نیست؛ و خدا به آنچه انجام می دهند، بیناست. (۹۶)

قُلْ مَن كَانَ عَدُوًّا لِّجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَى قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ (۹۷)

[آنان می گویند: چون جبرئیل، وحی را برای تو می آورد ما با او دشمنیم؛ بنابراین به تو ایمان نمی آوریم] بگو: هر که دشمن

جبرئیل است [دشمن خداست] زیرا او قرآن را به فرمان خدا بر قلب تو نازل کرده است، در حالی که تصدیق کننده کتاب های پیش از خود و هدایت وبشارت برای مؤمنان است. (۹۷)

مَن كَانَ عَدُوًّا لِّلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِّلْكَافِرِينَ (۹۸)

هر که با خدا و فرشتگان و رسولانش و جبرئیل و میکائیل دشمن باشد [کافر است]، و بی تردید خدا دشمن کافران است. (۹۸)

وَلَقَدْ أَنزَلْنَا إِلَيْكَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَمَا يَكْفُرُ بِهَا إِلَّا الْفَاسِقُونَ (۹۹)

و یقیناً به سوی تو آیاتی روشن نازل کردیم، و به آنها جز فاسقان کافر نمی شوند. (۹۹)

أَوَكُلَّمَا عَاهَدُوا عَهْدًا نَّبَذَهُ فَرِيقٌ مِّنْهُم بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (۱۰۰)

آیا چنین نیست که هرگاه یهود پیمانی [با خدا و رسولانش] بستند، گروهی از آنان، آن را شکستند؟ [آنان نه فقط عهد شکنند] بلکه بیشترشان ایمان نمی آورند. (۱۰۰)

وَلَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِّنْ عِندِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ نَبَذَ فَرِيقٌ مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ كِتَابَ اللَّهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۱۰۱)

و زمانی که فرستاده ای از سوی خدا به سویشان آمد که تصدیق کننده کتابی است که با آنان است، گروهی از آنان که [دانش] کتاب به آنان داده شده بود [با کمال گستاخی] کتاب خدا را پشت سر انداختند [و با آن به مخالفت برخاستند]، گویی نمی دانند [که کلام خداست]. (۱۰۱)

ص: ۱۵

وَاتَّبَعُوا مَا تَتْلُو الشَّيَاطِينُ عَلَى مُلْكِ سُلَيْمَانَ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ وَمَا أُنزِلَ عَلَى الْمَلَكَيْنِ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَمَارُوتَ وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ وَمَا هُم بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنفَعُهُمْ وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ وَلَبِئْسَ مَا شَرَوْا بِهِ أَنفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (۱۰۲)

و [یهودیان] از آنچه شیاطین در زمان پادشاهی سلیمان [از علم سحر بر مردم می خواندند] پیروی کردند. و [سلیمان دست به سحر نیالود تا کافر شود، بنابراین] سلیمان کافر نشد، ولی شیاطین که به مردم سحر می آموختند، کافر شدند. و [نیز یهودیان] از آنچه بر دو فرشته هاروت و ماروت در شهر بابل نازل شد [پیروی کردند]، و حال آنکه آن دو فرشته به هیچ کس نمی آموختند مگر آنکه می گفتند: ما فقط مایه آزمایشیم [و علم سحر را برای مبارزه با ساحران و باطل کردن سحرشان به تو تعلیم می دهیم]، پس [با به کار گرفتن آن در مواردی که ممنوع و حرام است] کافر مشو. اما آنان از آن دو فرشته مطالبی [از سحر] می آموختند که با آن میان مرد و همسرش جدایی می انداختند؛ در حالی که آنان به وسیله آن سحر جز به اذن خدا قدرت

آسیب رساندن به کسی را نداشتند؛ و همواره چیزی را می آموختند که به آنان آسیب می رسانید و سودی نمی بخشید؛ و یقیناً [یهود] می دانستند که هر کس خریدار سحر باشد، در آخرت هیچ بهره ای ندارد. و همانا بدچیزی است آنچه خود را به آن فروختند اگر معرفت می داشتند. (۱۰۲)

وَلَوْ أَنَّهُمْ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَمَثُوبَةٌ مِّنْ عِندِ اللَّهِ خَيْرٌ لَّوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (۱۰۳)

و اگر آنان [از روی حقیقت] ایمان می آوردند و [از سحر و جادو] پرهیز می کردند، قطعاً پاداشی که از جانب خداست [برای آنان] بهتر بود، اگر می دانستند. (۱۰۳)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَقُولُوا انظُرْنَا وَاسْمَعُوا وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱۰۴)

ای کسانی که ایمان آورده اید! [هنگام سخن گفتن با پیامبر] مگویید: راعنا [یعنی: در ارائه احکام، امیال و هوس های ما را رعایت کن] و بگویید: انظرنا [یعنی: مصلحت دنیا و آخرت ما را ملاحظه کن] و [فرمان های خدا و پیامبرش را] بشنوید. و برای کافران عذابی دردناک است. (۱۰۴)

مَّا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَلَا الْمُشْرِكِينَ أَن يُنَزَّلَ عَلَيْكُم مِّنْ خَيْرٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَاللَّهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (۱۰۵)

نه کافران از اهل کتاب و نه مشرکان، دوست ندارند که هیچ خیری از سوی پروردگارتان بر شما نازل شود، در حالی که خدا هرکه را بخواهد به رحمت خود اختصاص می دهد؛ و خدا دارای فضل بزرگی است. (۱۰۵)

ص: ۱۶

مَا نَنسَخْ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِّنْهَا أَوْ مِثْلِهَا أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱۰۶)

هر آیه ای را که [محتوی حکم یا احکامی است وقتی بر پایه مصلحت یا اقتضای زمان] از میان برداریم یا به تأخیر اندازیم، بهتر از آن یا مانندش را می آوریم. آیا ندانسته ای که خدا بر هر کاری تواناست؟! (۱۰۶)

أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ اللَّهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ (۱۰۷)

آیا ندانسته ای که فرمانروایی و حکومت آسمان ها و زمین فقط در سیطره اوست و شما را جز خدا هیچ سرپرست و یاوری نیست؟ (۱۰۷)

أَمْ تُرِيدُونَ أَن تَسْأَلُوا رَسُولَكُمْ كَمَا سُئِلَ مُوسَى مِن قَبْلُ وَمَن يَتَبَدَّلِ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ (۱۰۸)

بلکه می خواهید از پیامبرتان [کارهای نامعقول و بیهوده] درخواست کنید، همان گونه که پیش از این از موسی درخواست شد؟ و کسی که کفر را به جای ایمان اختیار کند، تحقیقاً راه راست را گم کرده است. (۱۰۸)

وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُم مِّن بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِّنْ عِندِ أَنفُسِهِم مِّن بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱۰۹)

بسیاری از اهل کتاب پس از آنکه حق برای آنان روشن شد به سبب حسدی که از وجودشان شعله کشیده، دوست دارند که شما را پس از ایمانتان به کفر بازگردانند. هم اکنون [از ستیز و جدال با آنان] درگذرید، و [از آنان] روی بگردانید، تا خدا فرمانش را [به جنگ یا جزیه] اعلام کند؛ یقیناً خدا بر هر کاری تواناست. (۱۰۹)

وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُم مِّنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِندَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۱۱۰)

و نماز را برپا دارید، و زکات بپردازید، و آنچه از کار نیک برای خود پیش فرستید آن را نزد خدا خواهید یافت. مسلماً خدا به آنچه انجام می دهید، بیناست. (۱۱۰)

وَقَالُوا لَن يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَن كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَى تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (۱۱۱)

و گفتند: هرگز کسی وارد بهشت نمی شود مگر آنکه یهودی یا نصرانی باشد، این دروغ ها و اباطیل آنان است؛ بگو: اگر راستگویید دلیل و برهان خود را بیاورید. (۱۱۱)

بَلَى مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِندَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۱۱۲)

آری، کسانی که همه وجود خود را تسلیم خدا کنند در حالی که نیکوکارند، برای آنان نزد پروردگارشان پاداشی شایسته و مناسب است، نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می شوند. (۱۱۲)

وَقَالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتِ النَّصَارَى عَلَى شَيْءٍ وَقَالَتِ النَّصَارَى لَيْسَتِ الْيَهُودُ عَلَى شَيْءٍ وَهُمْ يَتْلُونَ الْكِتَابَ كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَهِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ (۱۱۳)

ویهودیان گفتند: نصرانی ها بر آیین و روش درستی نیستند و نصرانی ها گفتند: یهودیان بر آیین و روش درستی نیستند، در حالی که همه آنان کتاب [آسمانی] را می خوانند [که هر دو آیین در زمان مخصوص به خود درست و بر حق بوده] کسانی که نادانند [هم چون مشرکان] سخنی مانند سخن آنان [درباره آیین مسلمانان] گفتند؛ پس خدا روز قیامت در میان آنان درباره آنچه با هم اختلاف می کردند، داوری می کند. (۱۱۳)

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن مَّنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَن يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَى فِي خَرَابِهَا أُولَئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَن يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَهِ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۱۱۴)

و چه کسانی ستمکارتر از کسانی می باشند که از بردن نام خدا در مساجد خدا جلوگیری کردند، و در خرابی آنها کوشیدند؟

آنان را شایسته نیست که در آن [مراکز عبادت] درآیند، جز در حال ترس [از عدالت و انتقام خدا]. برای آنان در دنیا خواری و زبونی است و در آخرت عذابی بزرگ است. (۱۱۴)

وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (۱۱۵)

مالکیّتِ مشرق و مغرب فقط ویژه خداست؛ پس به هر کجا رو کنید آنجا روی خداست. یقیناً خدا بسیار عطا کننده و داناست. (۱۱۵)

وَقَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ بَل لَّهُ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلٌّ لَّهُ قَانِتُونَ (۱۱۶)

و [یهود و نصاری] گفتند: خدا [برای خود] فرزندی گرفته، منزّه است او [از اوصاف دروغ و باطلی که به حضرتش نسبت می دهند]، بلکه آنچه در آسمان ها و زمین است مخلوق و مملوک اویند [نه فرزند او؛ زیرا فرزند، هم جنس پدر و مادر است و چیزی در جهان هم جنس خدا نیست تا فرزند خدا باشد] و همه در برابر او مطیع و فرمانبردارند. (۱۱۶)

بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَضَى أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُن فَيَكُونُ (۱۱۷)

[بی سابقه ماده، مدت و نقشه] پدیدآورنده آسمان ها و زمین است. وهنگامی که فرمان به وجود آمدن چیزی را صادر کند فقط به آن می گوید: «باش». پس بی درنگ می باشد. (۱۱۷)

وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ لَوْلَا يُكَلِّمُنَا اللَّهُ أَوْ تَأْتِينَا آيَةٌ كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِم مِّثْلَ قَوْلِهِمْ تَشَابَهَتْ قُلُوبُهُمْ قَدْ بَيَّنَّا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ (۱۱۸)

و کسانی که نادان و ناآگاهند، گفتند: چرا خدا با ما سخن نمی گوید یا نشانه و معجزه ای برای ما نمی آید؟ گذشتگان آنان نیز مانند گفته ایشان را گفتند؛ دل هایشان [در تعصّب، لجاجت، عناد و نادانی] شبیه هم است. تحقیقاً ما [به اندازه لازم] نشانه ها را برای اهل باور بیان کرده ایم. (۱۱۸)

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَا تُسْأَلُ عَنْ أَصْحَابِ الْجَحِيمِ (۱۱۹)

قطعاً ما تو را به درستی و راستی، بشارت دهنده وبیم رسان فرستادیم، و تو [بعد از ابلاغ پیام حق] مسؤولِ [ایمان نیاوردن و وضع و حال] دوزخیان نیستی. (۱۱۹)

ص: ۱۸

وَلَن تَرْضَى عَنكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنَّ هُدَى اللَّهِ هُوَ الْهُدَى وَلَئِنِ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُم بَعْدَ الَّذِی جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ (۱۲۰)

یهود و نصاری هرگز از تو راضی نمی شوند تا آنکه از آیینشان پیروی کنی. بگو: مسلماً هدایت خدا فقط هدایت [واقعی]

است. و اگر پس از دانشی که [چون قرآن] برایت آمده از هوا و هوس های آنان پیروی کنی، از سوی خدا هیچ سرپرست و یاوری برای تو نخواهد بود. (۱۲۰)

الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَن يَكْفُرْ بِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (۱۲۱)

کسانی که کتاب آسمانی به آنان عطا کرده ایم، آن را به طوری که شایسته آن است قرائت می کنند [و آن قرائت نمودن با تدبر و به قصد عمل است] اهل ایمان به آن [کتاب] هستند و کسانی که به آن کفر می ورزند فقط آنان زیانکارند. (۱۲۱)

يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ (۱۲۲)

ای بنی اسرائیل! نعمت های مرا که به شما عطا کردم و اینکه شما را بر جهانیان [زمان خودتان] برتری دادم، یاد کنید. (۱۲۲)

وَاتَّقُوا يَوْمًا لَّا تَجْزِي نَفْسٌ عَن نَّفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا تَنفَعُهَا شَفَاعَةٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ (۱۲۳)

و از روزی پروا کنید که نه کسی از کسی عذابی را دفع می کند، و نه از کسی [در برابر گناهانش] فدیه و عوضی می گیرند، و نه کسی را شفاعتی سود دهد، و نه [برای رهایی از آتش دوزخ] یاری می شوند. (۱۲۳)

وَإِذِ ابْتَلَى إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِن ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ (۱۲۴)

و [یاد کنید] هنگامی که ابراهیم را پروردگارش به اموری [دشوار و سخت] آزمایش کرد، پس او همه را به طور کامل به انجام رسانید، پروردگارش [به خاطر شایستگی ولیاقت او] فرمود: من تو را برای همه مردم پیشوا و امام قرار دادم. ابراهیم گفت: و از دودمانم [نیز پیشوایانی برگزین]. [پروردگار] فرمود: پیمان من [که امامت و پیشوایی است] به ستمکاران نمی رسد. (۱۲۴)

وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَعَهِدْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَن طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ (۱۲۵)

و [یاد کنید] هنگامی که ما این خانه [کعبه] را برای همه مردم محل گردهمایی و جای امن وامان قرار دادیم، و [فرمان دادیم:] از مقام ابراهیم جایگاهی برای نماز انتخاب کنید. و به ابراهیم و اسماعیل سفارش کردیم که خانه ام را برای طواف کنندگان و اعتکاف کنندگان و رکوع کنندگان وسجده گذاران [از هر آلودگی ظاهری و باطنی] پاکیزه کنید. (۱۲۵)

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُم بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ قَالَ وَمَن كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَى عَذَابِ النَّارِ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (۱۲۶)

و [یاد کنید] آن گاه که ابراهیم گفت: پروردگارا! این [مکان] را شهری امن قرار ده و اهلش را آنان که به خدا و روز قیامت ایمان آورده اند از هر نوع میوه و محصول روزی بخش. خدا فرمود: [دعایت را درباره مؤمنان اجابت کردم، ولی] هر که کفر

ورزد بهره اندکی به او خواهم داد، سپس او را به عذاب آتش می کشانم و آن بد بازگشت گاهی است. (۱۲۶)

ص: ۱۹

وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّکَ أَنتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۱۲۷)

و [یاد کنید] زمانی که ابراهیم و اسماعیل پایه های خانه کعبه را بالا می بردند [و به پیشگاه حق می گفتند:] پروردگارا! [این عمل را] از ما بپذیر که تو شنوا و دانایی، (۱۲۷)

رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمَيْنِ لَکَ وَمِن ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُّسْلِمَةً لَّکَ وَأَرِنَا مَنَاسِکَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّکَ أَنتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (۱۲۸)

پروردگارا! ما را [با همه وجود] تسلیم خود قرار ده، و نیز از دودمان ما امتی که تسلیم تو باشند پدید آر، و راه و رسم عبادتمان را به ما نشان ده، و توبه ما را بپذیر، که تو بسیار توبه پذیر و مهربانی، (۱۲۸)

رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِکَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْکِتَابَ وَالْحِکْمَةَ وَيُزَکِّيهِمْ إِنَّکَ أَنتَ الْعَزِيزُ الْحَکِيمُ (۱۲۹)

پروردگارا! در میان آنان پیامبری از خودشان برانگیز، که آیات تو را بر آنان بخواند، و آنان را کتاب و حکمت بیاموزد، و [از آلودگی های ظاهری و باطنی] پاکشان کند؛ زیرا تو توانای شکست ناپذیر و حکیمی. (۱۲۹)

وَمَن يَرْغَبُ عَن مِّلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَن سَفِهَ نَفْسَهُ وَلَقَدِ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ (۱۳۰)

وکیست که از آیین ابراهیم روی گردان شود، جز کسی که [خود را خوار و بی ارزش کند و] خویش را به نادانی و سبک مغزی زند؟ یقیناً ما ابراهیم را در دنیا [به امامت و رسالت] برگزیدیم، و قطعاً در آخرت از شایستگان است. (۱۳۰)

إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمْ قَالَ أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ (۱۳۱)

[و یاد کنید] هنگامی که پروردگارش به او فرمود: تسلیم باش. گفت: به پروردگار جهانیان تسلیم شدم. (۱۳۱)

وَوَصَّى بِهَا إِبْرَاهِيمُ بَنِيهِ وَيَعْقُوبُ يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى لَکُمُ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ (۱۳۲)

و ابراهیم و یعقوب پسرانشان را به آیین اسلام سفارش کردند که ای پسران من! یقیناً خدا این دین را برای شما برگزیده، پس شما باید جز در حالی که مسلمان باشید، نمیرید. (۱۳۲)

أَمْ کُنتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتُ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِن بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَکَ وَإِلَهَ آبَائِکَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ (۱۳۳)

آیا شما [یهودیان که ادعا می کنید یعقوب پسرانش را به آیین شما سفارش کرد] هنگامی که یعقوب را مرگ در رسید [کنار بستر او] حاضر بودید؟ [یقیناً حاضر نبودید] آن گاه که به پسران خود گفت: پس از من چه چیزی را می پرستید؟ گفتند:

خدای تو و خدای پدرانت ابراهیم و اسماعیل و اسحاق را که خدای یگانه است می پرستیم، و ما تسلیم اوییم. (۱۳۳)

تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُم مَّا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۳۴)

آنان گروهی بودند که درگذشتند، آنچه [از طاعت و معصیت] به دست آوردند مربوط به خود آنان است، و آنچه شما به دست آوردید مربوط به خود شماست؛ و شما در برابر آنچه آنان انجام می دادند، مسؤول نیستید. (۱۳۴)

ص: ۲۰

وَقَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى تَهْتَدُوا قُلْ بَلْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۱۳۵)

و [اهل کتاب به مردم مؤمن] گفتند: یهودی یا نصرانی باشید تا هدایت یابید. بگو: بلکه از آیین ابراهیم یکتاپرست و حق گرا [پیروی می کنیم نه از آیین تحریف شده شما که عین گمراهی است] و او هرگز از مشرکان نبود. (۱۳۵)

قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَى وَعِيسَى وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِن رَّبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ (۱۳۶)

[شما مردم مؤمن از روی حقیقت اقرار کنید و] بگویید: ما به خدا و آنچه به سوی ما نازل شده، و به آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و نوادگانِ [دارای مقام نبوّت] آنان فرود آمده، و به آنچه به موسی و عیسی و آنچه به پیامبران از ناحیه پروردگارشان داده شده ایمان آوردیم؛ میان هیچ یک از آنان [در اینکه از سوی خدا برای هدایت مردم مبعوث شده اند] فرقی نمی گذاریم، و ما در برابر او تسلیم هستیم. (۱۳۶)

فَإِنْ آمَنُوا بِمِثْلِ مَا آمَنتُم بِهِ فَقَدِ اهْتَدَوا وَّإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا هُمْ فِي شِقَاقٍ فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۱۳۷)

پس اگر آنان هم به آنچه شما به آن ایمان آورده اید، ایمان آورند [که ایمان به قرآن و به پیامبر است] مسلماً هدایت یافته اند، و اگر روی برتابند جز این نیست که در ستیز و دشمنی اند؛ پس به زودی خدا شرّ آنان را [به کشته شدن یا آوارگی از خانه و کاشانه] دفع خواهد کرد؛ و او شنوا و داناست. (۱۳۷)

صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ (۱۳۸)

[به یهود و نصاری بگویید:] رنگ خدا را [که اسلام است، انتخاب کنید] و چه کسی رنگش نیکوتر از رنگ خداست؟ و ما فقط پرستش کنندگان اوییم. (۱۳۸)

قُلْ أَتُحَاجُّونَنَا فِي اللَّهِ وَهُوَ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ وَلَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُخْلِصُونَ (۱۳۹)

بگو: آیا با ما در باره خدا گفتگوی بی منطق و احتجاج نادرست می کنید؟! در حالی که او پروردگار ما و شماست [و همه کارهایش بر وفق حکمت و مصلحت است، و جای گفتگوی بی منطق و احتجاج نادرست نیست]؛ و اعمال ما مربوط به خود

ما و اعمال شما مربوط به خود شماست، و ما [در ایمان، اعتقاد، طاعت و عبادت] برای او اخلاص می ورزیم. (۱۳۹)

أَمْ تَقُولُونَ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطَ كَانُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى قُلْ أَأَنْتُمْ أَعْلَمُ أَمِ اللَّهُ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن كَتَمَ شَهَادَةً عِندَهُ مِنَ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (۱۴۰)

آیا می گویید: ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و نوادگان [دارای مقام نبوّت] آنان یهودی یا نصرانی بودند؟! بگو: شما داناترید یا خدا؟ [شما به یقین می دانید که آنان یهودی و نصرانی نبودند، پس چرا واقعیت را پنهان می دارید؟!] وستمکارتر از کسی که شهادتی را که از خدا نزد اوست پنهان کند، کیست؟ وخدا از آنچه انجام می دهید، بی خبر نیست. (۱۴۰)

تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُم مَّا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۴۱)

آنان گروهی بودند که درگذشتند؛ آنچه [طاعت و معصیت] به دست آوردند مربوط به خود آنان است و آنچه شما به دست آوردید مربوط به خود شماست؛ و شما در برابر آنچه آنان انجام می دادند، مسؤول نیستید. (۱۴۱)

ص: ۲۱

جزء ۲

ادامه سوره البقره

سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَّاهُمْ عَن قِبْلَتِهِمُ الَّتِي كَانُوا عَلَيْهَا قُل لِّلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ يَهْدِي مَن يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ (۱۴۲)

به زودی مردم سبک مغز می گویند: چه چیزی مسلمانان را از قبله ای که بر آن بودند [یعنی بیت المقدس، به سوی کعبه] گردانید؟ بگو: مالکیّتِ مشرق و مغرب فقط ویژه خداست، هر که را بخواهد به راه راست هدایت می کند. (۱۴۲)

وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِّتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَن يَتَّبِعُ الرَّسُولَ مِمَّن يَنقَلِبُ عَلَى عَقِبَيْهِ وَإِن كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ (۱۴۳)

و همان گونه [که شما را به راه راست هدایت کردیم] شما را امتی میانه [ومعتدل و پیراسته از افراط و تفریط] قرار دادیم تا [در ایمان، عمل، درستی و راستی] بر مردم گواه باشید و پیامبر هم گواه بر شما باشد. و ما قبله ای را که بر آن بودی فقط به خاطر این قرار دادیم تا کسانی که از پیامبر پیروی می کنند از کسانی که از اسلام و اطاعت پیامبر برمی گردند [و متعصبانه به قبله پیش از کعبه می مانند] معلوم و مشخص کنیم؛ گر چه این حکم جز بر کسانی که خدا هدایتشان کرده گران و دشوار بود. و خدا بر آن نیست که ایمان شما را تباه کند؛ زیرا خدا به همه مردم رؤوف و مهربان است. (۱۴۳)

قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ

وَإِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِن رَّبِّهِمْ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ (۱۴۴)

ما گردانیدن رویت را در [جهت] آسمان [چون کسی که به انتظار مطلبی باشد] می بینیم؛ پس یقیناً تو را به سوی قبله ای که آن را بپسندی برمی گردانیم؛ پس رویت را به سوی مسجد الحرام گردان؛ و [شما ای مسلمانان!] هر جا که باشید، روی خود را به سوی آن برگردانید. و مسلماً اهل کتاب می دانند که این تغییر قبله [از بیت المقدس به کعبه] از سوی پروردگارشان [کاری] درست و حق است؛ [زیرا در تورات و انجیلشان خوانده اند که پیامبر اسلام به دو قبله نماز خواهد خواند] و خدا از آنچه [بر ضد پیامبر و مؤمنان] انجام می دهند، بی خبر نیست. (۱۴۴)

وَلَئِنْ أَتَيْتَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ بِكُلِّ آيَةٍ مَّا تَبِعُوا قِبْلَتَكَ وَمَا أَنتَ بِتَابِعٍ قِبْلَتَهُمْ وَمَا بَعْضُهُم بِتَابِعٍ قِبْلَةَ بَعْضٍ وَلَئِنِ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُم مِّن بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّكَ إِذًا لَّمِنَ الظَّالِمِينَ (۱۴۵)

به خدا سوگند اگر برای اهل کتاب هر نشانه و دلیلی بیاوری، از قبله تو پیروی نمی کنند، و تو هم از قبله آنان پیروی نخواهی کرد و [نیز] برخی از آنان [که یهودی اند] از قبله دیگران [که نصرانی اند] پیروی نخواهند کرد. اگر پس از دانشی که [چون قرآن] برایت آمده از هوا و هوس های آنان پیروی کنی، مسلماً در آن صورت از ستمکاران خواهی بود. (۱۴۵)

ص: ۲۲

الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَإِنَّ فَرِيقًا مِّنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ (۱۴۶)

اهل کتاب، پیامبر اسلام را [بر اساس اوصافش که در تورات و انجیل خوانده اند] می شناسند، به گونه ای که پسران خود را می شناسند؛ و مسلماً گروهی از آنان حق را در حالی که می دانند، پنهان می دارند. (۱۴۶)

الْحَقُّ مِن رَّبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ (۱۴۷)

[ای امت این] حق [که تغییرِ قبله است] از سوی پروردگار توست؛ بنابراین از تردید کنندگان نسبت به حق مباش. (۱۴۷)

وَلِكُلٍّ وِجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّيهَا فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱۴۸)

برای هر گروهی قبله ای است که خدا گرداننده روی آن گروه به آن قبله است؛ پس [درباره قبله، نزاع و کشمکش نکنید و به جای بحث و گفتگو] به جانب نیکی ها و کارهای خیر پیشی جویید. خدا همه شما را هر جا که باشید [به صحرای محشر] می آورد؛ مسلماً خدا بر هر کاری تواناست. (۱۴۸)

وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِنَّهُ لَلْحَقُّ مِن رَّبِّكَ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (۱۴۹)

از هر جا [برای سفر یا کار دیگر] بیرون شدی، رویت را [در حال اقامه نماز] به سوی مسجد الحرام بگردان. بدون تردید این فرمان از نزد پروردگارت درست وحق است و خدا از آنچه انجام می دهید، بی خبر نیست. (۱۴۹)

وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِي وَلِأُتِمَّ نِعْمَتِي عَلَيْكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (۱۵۰)

[آری] و از هرجا بیرون شدی، رویت را [در حال اقامه نماز] به سوی مسجدالحرام بگردان؛ و [شما ای مؤمنان!] هر جا که باشید، رویتان را [در حال اقامه نماز] به سوی آن بگردانید، تا مردم را جز ستمکاران [لجوج، متکبر و یاوه گو] بر ضد شما دلیل و برهانی نباشد. [مشرکان نگویند: اگر آیین ابراهیم را ادعا دارد چرا به قبله او که کعبه است رو نمی کند؟ و اهل کتاب نگویند: پیامبری که تورات و انجیل وعده داده، قبله اش مسجدالحرام است، پس این شخص که به قبله ما نماز می خواند، پیامبر موعود نیست؛] بنابراین از آنان نترسید و از من بترسید، و [تغییر قبله] برای آن است که نعمتم را بر شما کامل کنم تا [به احکام و سنن الهی] هدایت شوید. (۱۵۰)

كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِّنكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ (۱۵۱)

همان گونه که [تغییر قبله، کامل کردن نعمت است، این حقیقت هم کامل کردن نعمت است که] در میان شما رسولی از خودتان فرستادیم که همواره آیات ما را بر شما می خواند، و شما را [از هر نوع آلودگی ظاهری و باطنی] پاک و پاکیزه می کند، و کتاب وحکمت به شما می آموزد، وآنچه را نمی دانستید به شما تعلیم می دهد. (۱۵۱)

فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ (۱۵۲)

پس مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم و مرا سپاس گزارید و کفران نعمت نکنید. (۱۵۲)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ (۱۵۳)

ای اهل ایمان از صبر و نماز [برای حل مشکلات خود و پاک ماندن از آلودگی ها و رسیدن به رحمت حق] کمک بخواهید زیرا خدا با صابران است. (۱۵۳)

ص: ۲۳

وَلَا تَقُولُوا لِمَن يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِن لَّا تَشْعُرُونَ (۱۵۴)

و به آنان که در راه خدا کشته می شوند مرده نگویید، بلکه [در عالم برزخ] دارای حیات اند، ولی شما [کیفیت آن حیات را] درک نمی کنید. (۱۵۴)

وَلَنَبْلُوَنَّكُم بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ (۱۵۵)

و بی تردید شما را به چیزی اندک از ترس و گرسنگی و کاهش بخشی از اموال و کسان و محصولات [نباتی یا ثمرات باغ زندگی از زن و فرزند] آزمایش می کنیم. و صبرکنندگان را بشارت ده. (۱۵۵)

الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُم مُّصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ (۱۵۶)

همان کسانی که چون بلا و آسیبی به آنان رسد گویند: ما مملوک خداییم و یقیناً به سوی او بازمی گردیم. (۱۵۶)

أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ (۱۵۷)

آنانند که درودها و رحمتی از سوی پروردگارشان بر آنان است و آنانند که هدایت یافته اند. (۱۵۷)

إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِن شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوِ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَن يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَن تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ (۱۵۸)

بی تردید صفا و مروه از نشانه های خداست؛ پس کسی که حج خانه کعبه کند، یا عمره انجام دهد، بر او گناهی نیست که بر آن دو طواف کند. و کسی که [به خواست خودش افزون بر واجبات] کار نیکی [چون طواف و سعی مستحب] انجام دهد، بدون تردید خدا [در برابر عمل او] پاداش دهنده و [به کار وحال او] داناست. (۱۵۸)

إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَى مِن بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ (۱۵۹)

یقیناً کسانی که آنچه را ما از دلایل آشکار و [وسیله] هدایت نازل کردیم، پس از آنکه همه آن را در کتاب [تورات و انجیل] برای مردم روشن ساختیم، پنهان می کنند [تا مردم به قرآن و پیامبر ایمان نیاورند] خدا لعنتشان می کند، و لعنت کنندگان هم لعنتشان می کنند. (۱۵۹)

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنُوا فَأُولَئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (۱۶۰)

مگر کسانی که توبه کردند، و [مفاسد خود را] اصلاح نمودند، و [آنچه را پنهان کرده بودند] برای مردم روشن ساختند، پس توبه آنان را می پذیرم؛ زیرا من بسیار توبه پذیر و مهربانم. (۱۶۰)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ (۱۶۱)

قطعاً کسانی که کافر شدند، و در حال کفر از دنیا رفتند، لعنت خدا و فرشتگان و همه مردم بر آنان است. (۱۶۱)

خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمُ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ (۱۶۲)

در آن لعنت جاودانه اند، نه عذاب از آنان سبک شود و نه مهلتشان دهند [تا عذر خواهی کنند]. (۱۶۲)

وَإِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ لَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ (۱۶۳)

و خدای شما خدای یگانه است، جز او خدایی نیست، رحمتش بی اندازه و مهربانی اش همیشگی است. (۱۶۳)

إِنَّ فِی خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّیْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْکِ الَّتِی تَجْرِی فِی الْبَحْرِ بِمَا یَنفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِن مَّاءٍ فَأَحْیَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِیهَا مِن کُلِّ دَابَّهٍ وَتَصْرِیفِ الرِّیَاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَیْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَآیَاتٍ لِّقَوْمٍ یَعْقِلُونَ (۱۶۴)

بی تردید در آفرینش آسمان ها و زمین و رفت و آمد شب و روز و کشتی هایی که در دریاها [با جابجا کردن مسافر و کالا] به سود مردم رواننـد و بارانی که خدا از آسمان نازل کرده و به وسیله آن زمین را پس از مردگی اش زنده ساخته و در آن از هر نوع جنبنده ای پراکنده کرده و گرداندن بادها و ابرِ مسخّر میان آسمان و زمین، نشانه هایی است [از توحید، ربوبیّت و قدرت خدا] برای گروهی که می اندیشند. (۱۶۴)

وَمِنَ النَّاسِ مَن یَتَّخِذُ مِن دُونِ اللَّهِ أَندَادًا یُحِبُّونَهُمْ کَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِینَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِّلَّهِ وَلَوْ یَرَی الَّذِینَ ظَلَمُوا إِذْ یَرَوْنَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّهَ لِلَّهِ جَمِیعًا وَأَنَّ اللَّهَ شَدِیدُ الْعَذَابِ (۱۶۵)

و برخی از مردم به جای خدا معبودهایی انتخاب می کنند که آنها را آن گونه که سزاوار است خدا را دوست داشته باشند، دوست می دارند؛ ولی آنان که ایمان آورده اند، محبت و عشقشان به خدا بیشتر و قوی تر است. و اگر کسانی که [با انتخاب معبودهای باطل] ستم روا داشتند، هنگامی که عذاب را ببینند، بی تردید بفهمند که همه قدرت ویژه خداست [و معبودهای باطل، هیچ و پوچ اند] و خدا سخت کیفر است. (۱۶۵)

إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِینَ اتُّبِعُوا مِنَ الَّذِینَ اتَّبَعُوا وَرَأَوُا الْعَذَابَ وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ (۱۶۶)

در آن هنگام پیشوایان [شرک و کفر] از پیروانشان بیزاری جویند، و عذاب را مشاهده کنند، و همه دست آویزها و پیوندها از آنان بریده شود. (۱۶۶)

وَقَالَ الَّذِینَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّ لَنَا کَرَّهً فَنَتَبَرَّأَ مِنْهُمْ کَمَا تَبَرَّءُوا مِنَّا کَذَلِکَ یُرِیهِمُ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ حَسَرَاتٍ عَلَیْهِمْ وَمَا هُم بِخَارِجِینَ مِنَ النَّارِ (۱۶۷)

و آنان که [به جای خدا از پیشوایان شرک و کفر] پیروی کردند، گویند: کاش برای ما بازگشتی [به دنیا] بود تا ما هم از آنان بیزاری می جستیم، همان گونه که آنان از ما بیزاری جستند. خدا این گونه اعمالشان را که برای آنان مایه اندوه و دریغ است، به آنان نشان می دهد و اینان هرگز از آتش بیرون آمدنی نیستند. (۱۶۷)

یَا أَیُّهَا النَّاسُ کُلُوا مِمَّا فِی الْأَرْضِ حَلَالًا طَیِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّیْطَانِ إِنَّهُ لَکُمْ عَدُوٌّ مُّبِینٌ (۱۶۸)

ای مردم! از آنچه [از انواع میوه ها و خوردنی ها] در زمین حلال و پاکیزه است، بخورید و از گام های شیطان پیروی نکنید؛ زیرا او نسبت به شما دشمنی آشکار است. (۱۶۸)

إِنَّمَا يَأْمُرُكُم بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ وَأَن تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (۱۶۹)

فقط شما را به بدی و زشتی فرمان می دهد، و اینکه جاهلانه اموری را [به عنوان حلال و حرام] به خدا نسبت دهید. (۱۶۹)

ص: ۲۵

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوَلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ (۱۷۰)

و هنگامی که به آنان [که مشرک و کافرند] گویند: از آنچه خدا نازل کرده پیروی کنید، می گویند: نه، بلکه از آیینی که پدرانمان را بر آن یافتیم، پیروی می کنیم. آیا هر چند پدرانشان چیزی نمی فهمیدند و راه [حق را به سبب کوردلی] نمی یافتند [باز هم کورکورانه از آنان پیروی خواهند کرد؟!] (۱۷۰)

وَمَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِی يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً وَنِدَاءً صُمٌّ بُكْمٌ عُمْیٌ فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ (۱۷۱)

داستان [دعوت کننده] کافران [به ایمان]، مانند کسی است که به حیوانی [برای رهاندنش از خطر] بانگ می زند، ولی آن حیوان جز آوا و صدا [آن هم آوا و صدایی که مفهومش را درک نمی کند] نمی شنود. [کافران، در حقیقت] کر و لال و کورند، به همین سبب [درباره حقایق] اندیشه نمی کنند. (۱۷۱)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ (۱۷۲)

ای اهل ایمان! از انواع میوه ها و خوردنی های پاکیزه ای که روزی شما کرده ایم، بخورید و خدا را سپاس گزارید، اگر فقط او را می پرستید. (۱۷۲)

إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنزِيرِ وَمَا أُهِلَّ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ فَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱۷۳)

جز این نیست که خدا [برای مصون ماندن شما از زیان های جسمی و روحی] مردار و خون و گوشت خوک و حیوانی را که [هنگام ذبح] نام غیر خدا بر آن برده شده، بر شما حرام کرده. پس کسی که [برای نجات جانش از خطر] به خوردن آنها ناچار شود، در حالی که خواهان لذت نباشد و از حدّ لازم تجاوز نکند، گناهی بر او نیست؛ زیرا خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (۱۷۳)

إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ وَيَشْتَرُونَ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ مَا يَأْكُلُونَ فِی بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱۷۴)

قطعاً کسانی که آنچه را خدا از کتاب [تورات و انجیل به عنوان حلال و حرام] نازل کرده [به سود خود، از بی سوادان یهود و نصاری] پنهان می کنند، و در برابر این پنهان کاری بهای اندکی به دست می آورند، جز آتش به شکم های خود نمی ریزند. و خدا روز قیامت با آنان سخن نمی گوید، و [از گناهان و زشتی ها] پاکشان نمی کند، و برای آنان عذابی دردناک است.

(۱۷۴)

أُولَئِکَ الَّذِینَ اشْتَرَوُا الضَّلَالَهَ بِالْهُدَی وَالْعَذَابَ بِالْمَغْفِرَهِ فَمَا أَصْبَرَهُمْ عَلَی النَّارِ (۱۷۵)

اینانند که گمراهی را به جای هدایت، و عذاب را به عوض آمرزش خریده اند، شگفتا! چه شکیبایند بر آتش. (۱۷۵)

ذَلِکَ بِأَنَّ اللَّهَ نَزَّلَ الْکِتَابَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ الَّذِینَ اخْتَلَفُوا فِی الْکِتَابِ لَفِی شِقَاقٍ بَعِیدٍ (۱۷۶)

آن عذاب به خاطر این است که خدا کتاب آسمانی را به درستی و راستی نازل کرد [ولی اینان، آن را واگذاشتند و در تکذیبش کوشیدند و آن را مایه اختلاف قرار دادند] و یقیناً آنان که در [مفهوم و محتوای] کتاب اختلاف کردند [تا حقایق از مردم پنهان بماند] در دشمنی دور و درازی قرار دارند. (۱۷۶)

ص: ۲۶

لَیْسَ الْبِرَّ أَن تُوَلُّوا وُجُوهَکُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَکِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْیَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِکَهِ وَالْکِتَابِ وَالنَّبِیِّینَ وَآتَی الْمَالَ عَلَی حُبِّهِ ذَوِی الْقُرْبَی وَالْیَتَامَی وَالْمَسَاکِینَ وَابْنَ السَّبِیلِ وَالسَّائِلِینَ وَفِی الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاهَ وَآتَی الزَّکَاهَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِینَ فِی الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِینَ الْبَأْسِ أُولَئِکَ الَّذِینَ صَدَقُوا وَأُولَئِکَ هُمُ الْمُتَّقُونَ (۱۷۷)

نیکی این نیست که روی خود را به سوی مشرق و مغرب کنید، بلکه نیکی [واقعی و کامل، که شایسته است در همه امور شما ملاک و میزان قرار گیرد، منش و رفتار و حرکات] کسانی است که به خدا و روز قیامت و فرشتگان و کتاب آسمانی و پیامبران ایمان آورده اند، و مال و ثروتشان را با آنکه دوست دارند به خویشان و یتیمان و درماندگان و در راه ماندگان و سائلان و [در راه آزادی] بردگان می دهند، و نماز را [با همه شرایطش] برپای می دارند، و زکات می پردازند، و چون پیمان بندند وفاداران به پیمان خویشند، و در تنگدستی و تهیدستی و رنج و بیماری و هنگام جنگ شکیبایند؛ اینانند که [در دین داری و پیروی از حق] راست گفتند، و اینانند که پرهیزکارند. (۱۷۷)

یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا کُتِبَ عَلَیْکُمُ الْقِصَاصُ فِی الْقَتْلَی الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنثَی بِالْأُنثَی فَمَنْ عُفِیَ لَهُ مِنْ أَخِیهِ شَیْءٌ فَاتِّبَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَیْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِکَ تَخْفِیفٌ مِّن رَّبِّکُمْ وَرَحْمَهٌ فَمَنِ اعْتَدَی بَعْدَ ذَلِکَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِیمٌ (۱۷۸)

ای اهل ایمان! در مورد کشته شدگان بر شما قصاص مقرّر و لازم شده: آزاد در برابر آزاد، برده در برابر برده، زن در برابر زن. پس کسی که [مرتکب قتل شده چنانچه] از سوی برادر [دینی] اش [که ولیّ مقتول است] مورد چیزی از عفو قرار گرفت [که به جای قصاص، دیه و خون بها پرداخت شود] پس پیروی از روش شایسته و پسندیده [نسبت به وضع مادی قاتل بر عهده عفو کننده است]، و پرداخت دیه و خون بها با نیکویی و خوش رویی [بر عهده قاتل است]. این [حکم] تخفیف و رحمتی است از سوی پروردگارتان؛ پس هر که بعد از عفو، تجاوز کند [و به قصاص قاتل برخیزد] برای او عذابی دردناک است. (۱۷۸)

وَلَکُمْ فِی الْقِصَاصِ حَیَاهٌ یَا أُولِی الْأَلْبَابِ لَعَلَّکُمْ تَتَّقُونَ (۱۷۹)

ای صاحبان خرد! برای شما در قصاص مایه زندگی است، باشد که [از ریختن خون مردم بدون دلیل شرعی] بپرهیزید. (۱۷۹)

كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِن تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ (۱۸۰)

بر شما مقرّر و لازم شده چون یکی از شما را مرگ در رسد، اگر مالی از خود به جا گذاشته است، برای پدر و مادر و خویشان به طور شایسته و پسندیده وصیت کند. این حقّی است بر عهده پرهیزکاران. (۱۸۰)

فَمَن بَدَّلَهُ بَعْدَمَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۱۸۱)

پس کسانی که بعد از شنیدن وصیت، آن را تغییر دهند، گناهش فقط بر عهده آنانی است که تغییرش می دهند؛ یقیناً خدا شنوا و داناست. (۱۸۱)

فَمَنْ خَافَ مِن مُّوصٍ جَنَفًا أَوْ إِثْمًا فَأَصْلَحَ بَيْنَهُمْ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱۸۲)

پس کسی که از انحراف وصیت کننده [در مورد حقوق ورثه] یا از گناه او [که به کار نامشروع و ناحقّی وصیت کند] بترسد، و میان ورثه [با تغییر دادن وصیت بر اساس احکام دین] اصلاح دهد، گناهی بر او نیست؛ یقیناً خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (۱۸۲)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (۱۸۳)

ای اهل ایمان! روزه بر شما مقرّر و لازم شده، همان گونه که بر پیشینیان شما مقرّر و لازم شد، تا پرهیزکار شوید. (۱۸۳)

أَيَّامًا مَّعْدُودَاتٍ فَمَن كَانَ مِنكُم مَّرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ فَمَن تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَّهُ وَأَن تَصُومُوا خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ (۱۸۴)

[در] روزهایی چند [روزه بگیرید]؛ پس هر که از شما بیمار یا در سفر باشد [به تعداد روزه های فوت شده] از روزهای دیگر [را روزه بگیرد]؛ و بر آنان که روزه گرفتن طاقت فرساست، طعام دادن به یک نیازمند [به جای هر روز] کفاره آن است. و هر که به خواست خودش افزون بر کفاره واجب، بر طعام نیازمند بیفزاید، برایش بهتر است و روزه گرفتن [هر چند دشوار و سخت باشد] اگر [فضیلت و ثوابش را] بدانید برای شما بهتر است. (۱۸۴)

شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ فَمَن شَهِدَ مِنكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَمَن كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۱۸۵)

[این است] ماه رمضان که قرآن در آن نازل شده، قرآنی که سراسرش هدایتگر مردم است و دارای دلایلی روشن و آشکار از

هدایت می باشد، و مایه جدایی [حق از باطل] است. پس کسی که در این ماه [در وطنش] حاضر باشد باید آن را روزه بدارد، و آنکه بیمار یا در سفر است، تعدادی از روزهای غیر ماه رمضان را [به تعداد روزه های فوت شده، روزه بدارد]. خدا آسانی و راحت شما را می خواهد نه دشواری و مشقت شما را. و [قضای روزه] برای این است: شما روزه هایی را [که به خاطر عذر شرعی افطار کرده اید] کامل کنید، و خدا را بر اینکه شما را هدایت فرموده بزرگ شمارید، و نیز برای این که سپاس گزاری کنید. (۱۸۵)

وَإِذَا سَأَلَکَ عِبَادِی عَنِّی فَإِنِّی قَرِیبٌ أُجِیبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْیَسْتَجِیبُوا لِی وَلْیُؤْمِنُوا بِی لَعَلَّهُمْ یَرْشُدُونَ (۱۸۶)

هنگامی که بندگانم از تو درباره من بپرسند، [بگو:] یقیناً من نزدیکم، دعای دعا کننده را زمانی که مرا بخواند اجابت می کنم؛ پس باید دعوتم را بپذیرند و به من ایمان آورند، تا [به حقّ و حقیقت] راه یابند [و به مقصد اعلی برسند]. (۱۸۶)

ص: ۲۸

أُحِلَّ لَکُمْ لَیْلَةَ الصِّیَامِ الرَّفَثُ إِلَی نِسَائِکُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَّکُمْ وَأَنتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّکُمْ کُنتُمْ تَخْتَانُونَ أَنفُسَکُمْ فَتَابَ عَلَیْکُمْ وَعَفَا عَنکُمْ فَالْآنَ بَاشِرُوهُنَّ وَابْتَغُوا مَا کَتَبَ اللَّهُ لَکُمْ وَکُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّی یَتَبَیَّنَ لَکُمُ الْخَیْطُ الْأَبْیَضُ مِنَ الْخَیْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتِمُّوا الصِّیَامَ إِلَی اللَّیْلِ وَلَا تُبَاشِرُوهُنَّ وَأَنتُمْ عَاکِفُونَ فِی الْمَسَاجِدِ تِلْکَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرَبُوهَا کَذَلِکَ یُبَیِّنُ اللَّهُ آیَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ یَتَّقُونَ (۱۸۷)

در شبِ روزهایی که روزه دار هستید، آمیزش با زنانتان برای شما حلال شد. آنان برای شما لباسند و شما برای آنان لباسید. خدا می دانست که شما [پیش از حلال شدن این کار] به خود خیانت می کردید، پس توبه شما را پذیرفت و از شما در گذشت. اکنون [آزاد هستید که] با آنان آمیزش کنید و آنچه را خدا [در این کار] برای شما مقرّر داشته [از فضیلت، ثواب، پاکدامنی از حرام و فرزند شایسته] طلب کنید. و بخورید و بیاشامید تا رشته سپید صبح از رشته سیاه شب برای شما آشکار شود؛ سپس روزه را تا شب به پایان برید. و در حالی که در مساجد معتکف هستید با زنان آمیزش نکنید. اینها حدود خداست، به آنها نزدیک نشوید. خدا این گونه آیاتش را برای مردم بیان می کند تا [از مخالفت اوامر و نواهی او] بپرهیزند. (۱۸۷)

وَلَا تَأْکُلُوا أَمْوَالَکُم بَیْنَکُم بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَی الْحُکَّامِ لِتَأْکُلُوا فَرِیقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنتُمْ تَعْلَمُونَ (۱۸۸)

و اموالتان را در میان خود به باطل و ناحق مخورید. و آن را به عنوان رشوه به سوی حاکمان و قاضیان سرازیر نکنید تا بخشی از اموال مردم را [با تکیه بر حکم ظالمانه آنان] به گناه و معصیت بخورید، در حالی که [زشتیِ کارتان را] می دانید. (۱۸۸)

یَسْأَلُونَکَ عَنِ الْأَهِلَّهِ قُلْ هِیَ مَوَاقِیتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ وَلَیْسَ الْبِرُّ بِأَن تَأْتُوا الْبُیُوتَ مِن ظُهُورِهَا وَلَکِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَی وَأْتُوا الْبُیُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ (۱۸۹)

از تو درباره هلال های ماه می پرسند، بگو: آنها وسیله تعیین اوقات [برای امور دنیایی و نظام زندگی] مردم و [تعیین زمان مراسم] حج است. و نیکی آن نیست که به خانه ها از پشت آنها وارد شوید، [چنان که اعراب جاهلی در حال احرام حج از

پشت دیوار خانه خود وارد می شدند نه از در ورودی] بلکه نیکی [روش و منشِ] کسی است که [از هر گناه و معصیتی] می پرهیزد. و به خانه ها از درهای آنها وارد شوید؛ و از خدا پروا کنید تا رستگار شوید. (۱۸۹)

وَقَاتِلُوا فِی سَبِیلِ اللَّهِ الَّذِینَ یُقَاتِلُونَکُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا یُحِبُّ الْمُعْتَدِینَ (۱۹۰)

و در راه خدا با کسانی که با شما می جنگند بجنگید، و [هنگام جنگ از حدود الهی] تجاوز نکنید، که خدا تجاوزکاران را دوست ندارد. (۱۹۰)

ص: ۲۹

وَاقْتُلُوهُمْ حَیْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُم مِّنْ حَیْثُ أَخْرَجُوکُمْ وَالْفِتْنَهُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا تُقَاتِلُوهُمْ عِندَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّی یُقَاتِلُوکُمْ فِیهِ فَإِن قَاتَلُوکُمْ فَاقْتُلُوهُمْ کَذَلِکَ جَزَاءُ الْکَافِرِینَ (۱۹۱)

و آنان را [که از شرک و کفر و هیچ ستمی بازنمی ایستند] هر کجا یافتید، به قتل برسانید و از جایی که شما را بیرون کردند بیرونشان کنید و فتنه [که شرک، بت پرستی، بیرون کردن مردم از خانه و کاشانه و وطنشان باشد] از قتل وکشتار بدتر است. و کنار مسجدالحرام با آنان نجنگید مگر آنکه در آنجا با شما بجنگند؛ پس اگر با شما جنگیدند، آنان را به قتل برسانید که پاداش وکیفر کافران همین است. (۱۹۱)

فَإِنِ انتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِیمٌ (۱۹۲)

اگر از فتنه گری وجنگ بازایستند، یقیناً خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (۱۹۲)

وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّی لَا تَکُونَ فِتْنَهٌ وَیَکُونَ الدِّینُ لِلَّهِ فَإِنِ انتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَی الظَّالِمِینَ (۱۹۳)

و با آنان بجنگید تا فتنه ای [چون شرک، بت پرستی و حاکمیّت کفّار] بر جای نماند و دین فقط ویژه خدا باشد. پس اگر بازایستند [به جنگ با آنان پایان دهید و از آن پس] تجاوزی جز بر ضد ستمکاران جایز نیست. (۱۹۳)

الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنِ اعْتَدَی عَلَیْکُمْ فَاعْتَدُوا عَلَیْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَی عَلَیْکُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِینَ (۱۹۴)

ماه حرام در برابر ماه حرام است [اگر دشمن حرمت آن را رعایت نکرد و با شما در آن جنگید، شما هم برای حفظ کیان خود در همان ماه با او بجنگید.] و همه حرمت ها دارای قصاص اند. پس هر که بر شما تعدّی کرد، شما هم به مثل آن بر او تعدّی کنید، و از خدا پروا نمایید، و بدانید که خدا با پروا پیشگان است. (۱۹۴)

وَأَنفِقُوا فِی سَبِیلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَیْدِیکُمْ إِلَی التَّهْلُکَهِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ یُحِبُّ الْمُحْسِنِینَ (۱۹۵)

و در راه خدا انفاق کنید و [با ترک این کار پسندیده، یا هزینه کردن مال در راه نامشروع] خود را به هلاکت نیندازید، ونیکی

کنید که یقیناً خدا نیکوکاران را دوست دارد. (۱۹۵)

وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ فَإِنْ أُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ وَلَا تَحْلِقُوا رُءُوسَكُمْ حَتَّى يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحِلَّهُ فَمَن كَانَ مِنكُم مَّرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِّن رَّأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِّن صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ فَإِذَا أَمِنتُمْ فَمَن تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَن لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشَرَةٌ كَامِلَةٌ ذَلِكَ لِمَن لَّمْ يَكُنْ أَهْلُهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (۱۹۶)

حج وعمره را برای خدا به پایان برید، و اگر [به علتی] از انجام آن ممنوع شدید، آنچه را از قربانی برای شما میسر است [قربانی کنید و از احرام در آیید]؛ و سر خود را نتراشید تا قربانی به محلش برسد؛ و از شما اگر کسی بیمار بود یا در سرش ناراحتی و آسیب داشت [و ناچار بود سر بتراشد، جایز است سر بتراشد و] کفّاره ای چون روزه، یا صدقه یا قربانی بر عهده اوست. و هنگامی که [از علل ممنوعیّت] در امان بودید، پس هر که با پایان بردن عمره تمتّع به سوی حج تمتّع رود، آنچه از قربانی میسر است [قربانی کند]. و کسی که قربانی نیابد، سه روزْ روزه، در همان سفر حج و هفت روزْ روزه، هنگامی که بازگشتید بر عهده اوست؛ این ده روز کامل است [و قابل کم و زیاد شدن نیست]. این وظیفه کسی است که [خود و] خانواده اش ساکن و مقیم [منطقه] مسجد الحرام نباشد. و از خدا پروا کنید و بدانید که خدا سخت کیفر است. (۱۹۶)

ص: ۳۰

الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَاتٌ فَمَن فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمْهُ اللَّهُ وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى وَاتَّقُونِ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ (۱۹۷)

حج در ماه های معین و معلومی است [شوال، ذوالقعده، ذوالحجه] پس کسی که در این ماه ها حج را [با احرام بستن و تلبیه] بر خود واجب کرد، [بداند که] در حج، آمیزش با زنان و گناه و جدال [جایز] نیست. و آنچه از کار خیر انجام دهید خدا می داند. و به نفع خود توشه برگیرید که بهترین توشه، پرهیزکاری است و ای صاحبانِ خرد! از من پروا کنید. (۱۹۷)

لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَن تَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ فَإِذَا أَفَضْتُم مِّنْ عَرَفَاتٍ فَاذْكُرُوا اللَّهَ عِندَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَاذْكُرُوهُ كَمَا هَدَاكُمْ وَإِن كُنتُم مِّن قَبْلِهِ لَمِنَ الضَّالِّينَ (۱۹۸)

بر شما گناهی نیست که [در ایام حج] از پروردگارتان [به وسیله تجارت و داد و ستد] فضل و روزی و منافع مادی بطلبید. و هنگامی که از عرفات کوچ کردید، خدا را در مشعر الحرام یاد کنید. [آری] او را یاد کنید همان گونه که شما را هدایت کرد. و همانا شما پیش از این از گمراهان بودید. (۱۹۸)

ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱۹۹)

سپس از همان جایی که مردم روانه می شوند [به سوی منی،] روانه شوید، و از خدا آمرزش بخواهید؛ زیرا خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (۱۹۹)

فَإِذَا قَضَيْتُم مَّنَاسِكَكُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا فَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ (۲۰۰)

پس هنگامی که مناسک [حجّتان] را انجام دادید، پس خدا را آن گونه که پدرانتان را یاد می کنید یا بهتر و بیشتر از آن یاد کنید. پس گروهی از مردم [کوتاه فکر] می گویند: پروردگارا! به ما در دنیا [کالای زندگی] عطا کن. و آنان را در آخرت هیچ بهره ای نیست. (۲۰۰)

وَمِنْهُم مَّن يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ (۲۰۱)

و گروهی از آنان می گویند: پروردگارا! به ما در دنیا نیکی و در آخرت هم نیکی عطا کن، و ما را از عذاب آتش نگاه دار. (۲۰۱)

أُولَئِكَ لَهُمْ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ (۲۰۲)

اینانند که از آنچه به دست آورده اند، نصیب و بهره فراوانی دارند، و خدا حسابرسی سریع است. (۲۰۲)

ص: ۳۱

وَاذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَّعْدُودَاتٍ فَمَن تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَن تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ اتَّقَى وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (۲۰۳)

و خدا را در روزهای معلوم و معینی [که یازدهم، دوازدهم و سیزدهم ماه ذوالحجه ایام وقوف در منی است] یاد کنید. پس هر که در دو روز [واجبات منی را انجام دهد و به کوچ کردن از آن] شتاب ورزد، گناهی بر او نیست، و هر که [تا روز سوم] تأخیر کند، بر او هم گناهی نیست، [اختیار کردن وقوف در منی چه در دو روز، چه در سه روز] برای کسی است که [از محرمات احرام] پرهیز کرده است. و از خدا پروا کنید و بدانید که یقیناً همه شما به سوی او محشور خواهید شد. (۲۰۳)

وَمِنَ النَّاسِ مَن يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهِدُ اللَّهَ عَلَى مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ (۲۰۴)

و از مردم کسی است که گفتارش در زندگی دنیا تو را خوش آید، و [برای اینکه چنین وانمود کند که زبانش با دلش یکی است] خدا را بر آنچه در دل دارد شاهد می گیرد، در حالی که سرسخت ترین دشمنان است. (۲۰۴)

وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفَسَادَ (۲۰۵)

و هنگامی که [چنین دشمن سرسختی] قدرت و حکومتی یابد، می کوشد که در زمین فساد و تباهی به بار آورد، و زراعت و نسل را نابود کند؛ و خدا فساد و تباهی را دوست ندارد. (۲۰۵)

وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ وَلَبِئْسَ الْمِهَادُ (۲۰۶)

و چون به او گویند: از خدا پروا کن، غرور و سرسختی و تعصّب و لجاجت، او را به گناه وا می دارد؛ پس دوزخ او را بس است، و یقیناً بد جایگاهی است. (۲۰۶)

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ (۲۰۷)

و از مردم کسی است که جانش را برای خشنودی خدا می فروشد [مانند امیرالمؤمنین (علیه السلام)] و خدا به بندگان مهربان است. (۲۰۷)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ (۲۰۸)

ای اهل ایمان! همگی در عرصه تسلیم و فرمان بری [از خدا] در آیید، و از گام های شیطان پیروی نکنید، که او نسبت به شما دشمنی آشکار است. (۲۰۸)

فَإِن زَلَلْتُم مِّن بَعْدِ مَا جَاءَتْكُمُ الْبَيِّنَاتُ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۲۰۹)

پس اگر بعد از آنکه دلایل و نشانه های روشن برای شما آمد، لغزیدید [و به شرک و کفر روی کردید] نهایتاً بدانید که خدا [در انتقام از شما] توانای شکست ناپذیر و حکیم است. (۲۰۹)

هَلْ يَنظُرُونَ إِلَّا أَن يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِّنَ الْغَمَامِ وَالْمَلَائِكَةُ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ (۲۱۰)

آیا [اهل لغزش و پیروان شیطان] جز این را انتظار دارند که [عذاب] خدا و فرشتگان [مأمور عذاب] در سایبان هایی از ابر به سوی آنان آیند و کار نابودی آنان تمام شود؟ و همه کارها به سوی خدا بازگردانده می شود. (۲۱۰)

ص: ۳۲

سَلْ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَمْ آتَيْنَاهُم مِّنْ آيَةٍ بَيِّنَةٍ وَمَن يُبَدِّلْ نِعْمَةَ اللَّهِ مِن بَعْدِ مَا جَاءَتْهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (۲۱۱)

از بنی اسرائیل بپرس: چه بسیار نشانه های روشن به آنان عطا کردیم، و هرکس نعمتِ [هدایت] خدا را پس از آنکه به او رسید، تبدیل [به کفر] کند، [بداند] که یقیناً خدا سخت کیفر است. (۲۱۱)

زُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَيَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ اتَّقَوْا فَوْقَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَن يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ (۲۱۲)

زندگی [زودگذرِ] دنیا برای کافران آراسته شده، و [به این سبب] مؤمنان را مسخره می کنند، در حالی که پروا پیشگان در روز قیامت [از هر جهت] برتر از آنان هستند، و خدا هر که را بخواهد، بی حساب روزی می دهد. (۲۱۲)

كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِن بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمُ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي

مَن يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ (۲۱۳)

مردم [در ابتدای تشکیل اجتماع] گروهی واحد و یک دست بودند [و اختلاف و تضادی در امور زندگی نداشتند]، پس [از پدید آمدن اختلاف و تضاد] خدا پیامبرانی را مژده دهنده و بیم رسان برانگیخت، و با آنان به درستی و راستی کتاب را نازل کرد، تا میان مردم در آنچه با هم اختلاف داشتند، داوری کند. [آن گاه در خود کتاب اختلاف پدید شد] و اختلاف را در آن پدید نیاوردند مگر کسانی که به آنان کتاب داده شد، [این اختلاف] بعد از دلایل و برهان های روشن و آشکاری بود که برای آنان آمد، [و سبب آن] برتری جویی و حسد در میان خودشان بود. پس خدا اهل ایمان را به توفیق خود، به حقّی که در آن اختلاف کردند، راهنمایی کرد. و خدا هر که را بخواهد به راهی راست هدایت می کند. (۲۱۳)

أَمْ حَسِبْتُمْ أَن تَدْخُلُوا الْجَنَّهَ وَلَمَّا يَأْتِكُم مَّثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِن قَبْلِكُم مَّسَّتْهُمُ الْبَأْسَاءُ وَالضَّرَّاءُ وَزُلْزِلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصْرُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ (۲۱۴)

آیا پنداشته اید در حالی که هنوز حادثه هایی مانند حوادث گذشتگان شما را نیامده، وارد بهشت می شوید؟! به آنان سختی ها و آسیب هایی رسید وچنان متزلزل و مضطرب شدند تا جایی که پیامبر و کسانی که با او ایمان آورده بودند [در مقام دعا و درخواست یاری] می گفتند: یاری خدا چه زمانی است؟ [به آنان گفتیم:] آگاه باشید! یقیناً یاری خدا نزدیک است. (۲۱۴)

يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنفِقُونَ قُلْ مَا أَنفَقْتُم مِّنْ خَيْرٍ فَلِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ (۲۱۵)

از تو می پرسند: چه چیز انفاق کنند؟ بگو: هر مال و مایه سودمندی که انفاق می کنید باید برای پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و نیازمندان و در راه مانده گان باشد، و هر کار نیکی انجام دهید، خدا به آن داناست. (۲۱۵)

كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهٌ لَّكُمْ وَعَسَى أَن تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَى أَن تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (۲۱۶)

جنگ [با دشمن] بر شما مقرّر و لازم شده، و حال آنکه برایتان ناخوشایند است. و بسا چیزی را خوش ندارید و آن برای شما خیر است، وبسا چیزی را دوست دارید و آن برای شما بد است؛ وخدا [مصلحت شما را در همه امور] می داند و شما نمی دانید. (۲۱۶)

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ وَصَدٌّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَكُفْرٌ بِهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِندَ اللَّهِ وَالْفِتْنَهُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَن دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا وَمَن يَرْتَدِدْ مِنكُمْ عَن دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَهِ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۲۱۷)

از تو درباره جنگ در ماه حرام می پرسند. بگو: هر جنگی در آن [گناهی] بزرگ است، ولی هر نوع بازداشتن [مردم] از راه

خـدا و کفرورزی به او و [بازداشـتن مردم از] مسـجد الحرام و بیرون رانـدن اهلش از آن، نزد خـدا بزرگ تر [از جنـگ در ماه حرام] است؛ و فتنه [شرک و بت پرستی] از کشتار بزرگ تر است. و مشرکان همواره با شما می جنگند تا شما را اگر بتوانند از دینتان برگردانند. و از شـما کسانی که از دینشان برگردنـد و در حال کفر بمیرنـد، همه اعمال خوبشان در دنیا و آخرت تباه و بی اثر می شود، و آنان اهل آتش اند و در آن جاودانه اند. (۲۱۷)

إِنَّ الَّذِینَ آمَنُوا وَالَّذِینَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِی سَبِیلِ اللَّهِ أُولَئِکَ یَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِیمٌ (۲۱۸)

یقیناً کسانی که ایمان آورده، و آنان که هجرت کرده و در راه خدا به جهاد برخاستند، به رحمت خدا امید دارند؛ و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (۲۱۸)

یَسْأَلُونَکَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَیْسِرِ قُلْ فِیهِمَا إِثْمٌ کَبِیرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَکْبَرُ مِن نَّفْعِهِمَا وَیَسْأَلُونَکَ مَاذَا یُنفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ کَذَلِکَ یُبَیِّنُ اللَّهُ لَکُمُ الْآیَاتِ لَعَلَّکُمْ تَتَفَکَّرُونَ (۲۱۹)

دربـاره شـراب و قمـار از تو می پرسـند، بگو: در آن دو، گناهی بزرگ و سودهایی برای مردم است، و گناه هر دو از سودشان بیشتر است. و از تو می پرسـند: چه چیز انفاق کننـد؟ بگو: از آنچه افزون بر نیاز است. خـدا این گونه آیاتش را برای شـما بیان می کند تا بیندیشید. (۲۱۹)

ص: ۳۴

فِی الدُّنْیَا وَالْآخِرَهِ وَیَسْأَلُونَکَ عَنِ الْیَتَامَی قُلْ إِصْلَاحٌ لَّهُمْ خَیْرٌ وَإِن تُخَالِطُوهُمْ فَإِخْوَانُکُمْ وَاللَّهُ یَعْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ الْمُصْلِحِ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَعْنَتَکُمْ إِنَّ اللَّهَ عَزِیزٌ حَکِیمٌ (۲۲۰)

[آری، تا] درباره [آنچه به صـلاح] دنیا و آخرت [است] بیندیشید. و از تو درباره یتیمان می پرسند، بگو: اصلاح امور آنان بهتر است، و اگر با آنان معاشـرت کنید و امورتان را با امورشان بیامیزید [کاری خداپسـندانه است] آنان برادر دینی شـما هسـتند، و خـدا افسادگر [در امور یتیم] را از اصـلاح گر بازمی شـناسد. و اگر خدا می خواست شـما را [در تکلیف و مسؤولیت نسبت به مال و جان یتیم] به زحمت می انداخت؛ مسلماً خدا توانای شکست ناپذیر و حکیم است. (۲۲۰)

وَلَا تَنکِحُوا الْمُشْرِکَاتِ حَتَّی یُؤْمِنَّ وَلَأَمَهٌ مُّؤْمِنَهٌ خَیْرٌ مِّن مُّشْرِکَهٍ وَلَوْ أَعْجَبَتْکُمْ وَلَا تُنکِحُوا الْمُشْرِکِینَ حَتَّی یُؤْمِنُوا وَلَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَیْرٌ مِّن مُّشْرِکٍ وَلَوْ أَعْجَبَکُمْ أُولَئِکَ یَدْعُونَ إِلَی النَّارِ وَاللَّهُ یَدْعُو إِلَی الْجَنَّهِ وَالْمَغْفِرَهِ بِإِذْنِهِ وَیُبَیِّنُ آیَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ یَتَذَکَّرُونَ (۲۲۱)

و با زنان مشـرک ازدواج نکنیـد تا زمانی که ایمان بیاورند. قطعاً کنیز با ایمان از زن آزاد مشرک بهتر است، هر چند [زیبایی، مال و موقعیت او] شـما را خوش آید. و زنان با ایمان را به ازدواج مردان مشـرک در نیاورید تا زمانی که ایمان بیاورند. مسـلماً برده بـا ایمـان از مرد آزاد مشـرک بهتر است، هر چنـد [جمـال، مال و منال او] شـما را خوش آیـد. اینان [که مشـرکند، نه تنها مردم، بلکه بی رحمانه زن و فرزنـد خود را] به سوی آتش می خواننـد، و خـدا به توفیق خود به سوی بهشت و آمرزش دعوت می کند، و آیاتش را برای مردم بیان می فرماید تا متذکّر شوند. (۲۲۱)

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذًى فَاعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّى يَطْهُرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ (۲۲۲)

از تو درباره حیض می پرسند، بگو: حیض، حالت ناملایم و زیان باری است؛ پس در زمان حیض از [آمیزش با] زنان کناره گیری کنید، و با آنان نزدیکی ننمایید تا پاک شوند؛ و هنگامی که پاک شدند از جایی که خدا به شما فرمان داده با آنان آمیزش کنید. یقیناً خدا کسانی را که بسیار توبه می کنند، و کسانی را که خود را [با پذیرش انواع پاکی ها از همه آلودگی ها] پاکیزه می کنند. دوست دارد. (۲۲۲)

نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأْتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ (۲۲۳)

زنان شما کشتزار شمایند، هر زمان و هر کجا که خواستید به کشتزار خود در آیید. و [با رعایت حقوق یکدیگر، و حفظ عفت و پاکی، در سایه زناشویی و تولید نسلی پاک و شایسته و صالح، خیر و ثوابی] برای خودتان پیش فرستید، و از خدا پروا کنید، و بدانید که او را ملاقات خواهید کرد، و مؤمنان را بشارت ده. (۲۲۳)

وَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِأَيْمَانِكُمْ أَنْ تَبَرُّوا وَتَتَّقُوا وَتُصْلِحُوا بَيْنَ النَّاسِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۲۲۴)

و خدا را در معرض سوگندهایی که می خورید قرار ندهید، [به اینکه سوگند بخورید] که نیکی نکنید، و تقوا پیشه نسازید، و میان مردم آشتی ندهید [خدا رضایت ندارد که نامش وسیله خودداری از کارهایی شود که خودش به انجام آنها فرمان داده است] و خدا [نسبت به همه گفته های شما] شنوا، [و نسبت به تمام کارهای شما] داناست. (۲۲۴)

لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا كَسَبَتْ قُلُوبُكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ (۲۲۵)

خدا شما را به خاطر سوگندهای لغوتان [که جدی و حقیقی نیست و عادتاً بدون قصد قلبی بر زبان جاری می شود] مؤاخذه نمی کند، ولی شما را به خاطر آنچه دل هایتان [از سوگند جدی و حقیقی] مرتکب شده مؤاخذه می کند؛ و خدا بسیار آمرزنده و بردبار است. (۲۲۵)

لِلَّذِينَ يُؤْلُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ تَرَبُّصُ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ فَإِنْ فَاءُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۲۲۶)

برای کسانی که سوگند یاد می کنند [که از آمیزش] با زنان خود دوری گزینند، [شرعاً] چهار ماه مهلت است، چنانچه [در این مدت به آنچه مقتضای زناشویی است] بازگشتند [گناهی بر آنان نیست]؛ زیرا خدا بسیار آمرزنده ومهربان است. (۲۲۶)

وَإِنْ عَزَمُوا الطَّلَاقَ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۲۲۷)

و اگر [برای پایان یافتن مشکلات] تصمیم به طلاق گرفتند، [در صورت رعایت شرایط مانعی ندارد] مسلماً خدا [به گفتار و

کردارشان] شنوا و داناست. (۲۲۷)

وَالْمُطَلَّقَاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَن يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِی أَرْحَامِهِنَّ إِن كُنَّ يُؤْمِنَّ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَبُعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِی ذَلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِی عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۲۲۸)

زنان طلاق داده شده باید به سر آمدن سه پاکی [از حیض را] انتظار برند [و پیش از به سر رسیدن آن، از شوهر کردن خودداری ورزند]. و اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارند [به خاطر رعایت شرایط ایام عدّه] نباید آنچه را خدا در رحم هایشان [از حیض یا جنین] آفریده، پنهان دارند. و شوهرانشان در این مدت چنانچه خواهان صلح و سازش اند، به بازگرداندن آنان [به زندگی دوباره] سزاوارترند. و برای زنان، حقوق شایسته ای بر عهده مردان است، مانند حقوقی که برای مردان بر عهده آنان است، و مردان را بر آنان [به خاطر کارگزاری، و تدبیر امور زندگی در امر میراث و دیه، گواهی در دادگاه و غیر این امور حقوقی] افزون تر است؛ و خدا توانای شکست ناپذیر و حکیم است. (۲۲۸)

الطَّلَاقُ مَرَّتَانِ فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ أَن تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا إِلَّا أَن يَخَافَا أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَن يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (۲۲۹)

طلاقِ [رجعی که برای شوهر در آن حقّ رجوع وبازگشت به همسر است] دوبار است. [شوهر در هر مرتبه از رجوع] باید [همسرش را] به طور شایسته ومتعارف نگه دارد، یا [با ترک رجوع، او را] به نیکی و خوشی رها کند. و برای شما حلال نیست از آنچه [به عنوان مهریه] به آنان پرداخته اید چیزی را بازستانید، مگر آنکه هر دو بترسند که حدود و مقرّرات خدا را [در روش همسرداری] برپا ندارند. پس شما [حاکمان شرع] اگر بترسید که آن دو نفر حدود خدا را برپا ندارند در آنچه زن برای رهایی خود [عوض طلاق] فدیه بپردازد، گناهی بر آنان نیست. اینها حدود خداست؛ پس از آنها تجاوز نکنید و کسانی که از حدود خدا تجاوز کنند، آنان بی تردید ستمکارند. (۲۲۹)

فَإِن طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِن بَعْدُ حَتَّى تَنكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ فَإِن طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَن يَتَرَاجَعَا إِن ظَنَّا أَن يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ يُبَيِّنُهَا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (۲۳۰)

پس اگر [بعد از دو طلاق و رجوع، بار سوم] او را طلاق داد، آن زن بر وی حلال نخواهد بود، مگر آنکه با همسری غیر از او ازدواج کند. و اگر [همسر دوم] او را طلاق داد بر وی و شوهر اول گناهی نیست که به یکدیگرباز گردند، در صورتی که امیدوار باشند حدود الهی را [در روش همسرداری] رعایت می کنند. و اینها حدود خداست که آن را برای گروهی که دانایند بیان می کند. (۲۳۰)

ص: ۳۶

وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لِّتَعْتَدُوا وَمَن يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ

ظَلَمَ نَفْسَهُ وَلَا تَتَّخِذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمَا أَنزَلَ عَلَيْكُم مِّنَ الْكِتَابِ وَالْحِكْمَةِ يَعِظُكُم بِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۲۳۱)

و هنگامی که زنان را طلاق دادید و به پایان عدّه خود نزدیک شدند، آنان را [با رجوع کردن] به طور شایسته و متعارف، نگه دارید یا [با ترک رجوع] به نیکی و خوشی رها کنید. و آنان را برای آزار رساندن و زیان زدن نگه ندارید تا بر آنان تعدّی و ستم کنید. و هر که چنین کند قطعاً به خود ستم کرده است. و آیات خدا را به مسخره نگیرید و نعمت خدا را بر خود و آنچه از کتاب و حکمت بر شما نازل کرده که شما را به آن پند می دهد، به یاد آرید. و از خدا پروا کنید و بدانید که خدا به همه چیز داناست. (۲۳۱)

وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ أَن يَنكِحْنَ أَزْوَاجَهُنَّ إِذَا تَرَاضَوْا بَيْنَهُم بِالْمَعْرُوفِ ذَلِكَ يُوعَظُ بِهِ مَن كَانَ مِنكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكُمْ أَزْكَى لَكُمْ وَأَطْهَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (۲۳۲)

و زمانی که زنان را طلاق دادید، و به پایان عدّه خود رسیدند، آنان را از ازدواج با شوهران سابق خود در صورتی که میان خودشان به روشی شایسته و متعارف توافق کنند باز مدارید. با این [حکم،] کسانی از شما که به خدا و روز قیامت ایمان دارند، پند داده می شوند. این برای شما سودمندتر وپاکیزه تر است؛ وخدا [مصالح شما را در همه امور] می داند وشما نمی دانید. (۲۳۲)

وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَن يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَّهُ بِوَلَدِهِ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَن تَرَاضٍ مِّنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدتُّمْ أَن تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُم مَّا آتَيْتُم بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۲۳۳)

و مادران باید فرزندانشان را دو سال کامل شیر دهند. [این حکم] برای کسی است که می خواهد دوران شیرخوارگی [کودک] را تکمیل کند. تأمین خوراک و پوشاک مادران شیردهنده به طور شایسته و متعارف بر عهده پدر فرزند است. هیچ کس جز به اندازه توانش تکلیف نمی شود. نباید مادری به خاطر فرزندش زیان بیند، و نه پدری برای فرزندش دچار ضرر شود [بر پدر است که مخارج مادر و کودک را در حدّ متعارف بپردازد، و بر مادر است که بیش از طاقت مالی شوهر از شوهر طلب خوراک و پوشاک نکند]. و [چنانچه پدر کودک از دنیا برود] هزینه مادر و کودک به اندازه متعارف [از میراث به جا مانده] بر عهده وارث است. و اگر پدر و مادر بر اساس توافق و مشورتشان بخواهند کودک را [قبل از دو سال] از شیر بگیرند، گناهی بر آنان نیست. و اگر بخواهید برای فرزندانتان دایه بگیرید، گناهی بر شما نیست، در صورتی که مزدی را که باید بدهید، به طور شایسته و متعارف بپردازید. و از خدا پروا کنید و بدانید یقیناً خدا به آنچه انجام می دهید، بیناست. (۲۳۳)

ص: ۳۷

وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْنَ فِي

أَنفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (۲۳۴)

و کسانی از شما که می میرند و همسرانی باقی می گذارند، باید همسرانْ چهار ماه و ده روز انتظار برند [و از شوهر کردن خودداری ورزند]؛ پس چون به پایان مدتشان رسیدند، در آنچه درباره خودشان به طور شایسته و متعارف [نسبت به ازدواج یا ترک آن] انجام دهند بر شما [حاکمان، وارثان متوفّی و اقوام زنان] گناهی نیست؛ و خدا از آنچه انجام می دهید، آگاه است. (۲۳۴)

وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا عَرَّضْتُم بِهِ مِنْ خِطْبَةِ النِّسَاءِ أَوْ أَكْنَنتُمْ فِى أَنفُسِكُمْ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ سَتَذْكُرُونَهُنَّ وَلَكِن لَّا تُوَاعِدُوهُنَّ سِرًّا إِلَّا أَن تَقُولُوا قَوْلًا مَّعْرُوفًا وَلَا تَعْزِمُوا عُقْدَةَ النِّكَاحِ حَتَّى يَبْلُغَ الْكِتَابُ أَجَلَهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِى أَنفُسِكُمْ فَاحْذَرُوهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ (۲۳۵)

در سخنانی که هنگام خواستگاری زن ها [یی که در عدّه وفات اند] بدون صراحت و وضوح گویید [مانند اینکه من «خوش معاشرتم» و «زن دوستم» و به زنی که دارای چنین صفاتی باشد علاقه مندم] یا قصد ازدواج با آنان را در دل پنهان دارید، گناهی بر شما نیست. خدا می داند که شما به زودی آنان را [بر اساس میل فطری و خواسته طبیعی] یاد خواهید کرد؛ ولی با آنان در پنهانی و خلوت قرار ازدواج نگذارید، جز آنکه گفتاری پسندیده [و بدون صراحت و وضوح] بگویید. و هرگز تصمیم بستن عقد ازدواج نگیرید تا عدّه وفات به پایان رسد، و بدانید که خدا آنچه در دل دارید می داند؛ بنابراین از [مخالفت با] او بپرهیزید، و بدانید که خدا بسیار آمرزنده و بردبار است. (۲۳۵)

لَّا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِن طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمَسُّوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً وَمَتِّعُوهُنَّ عَلَى الْمُوسِعِ قَدَرُهُ وَعَلَى الْمُقْتِرِ قَدَرُهُ مَتَاعًا بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ (۲۳۶)

اگر زنان را پیش از آمیزش جنسی یا تعیین مهریه طلاق دادید [در این طلاق] بر شما گناهی نیست؛ و [در چنین موقعیتی بر شما واجب است] آنان را [از مال خود] بهره ای شایسته و متعارف دهید؛ توانگر به اندازه خویش، و تنگدست به اندازه خویش که این حقّی لازم بر عهده نیکوکاران است. (۲۳۶)

وَإِن طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِن قَبْلِ أَن تَمَسُّوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ إِلَّا أَن يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوَ الَّذِى بِيَدِهِ عُقْدَةُ النِّكَاحِ وَأَن تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى وَلَا تَنسَوُا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۲۳۷)

و اگر آنان را پیش از آمیزش جنسی طلاق دهید، در حالی که برای آنان مهری تعیین کرده اید، پس [بر شما واجب است] نصف آنچه تعیین کرده اید [به آنان بپردازید]، مگر آنکه خود آنان یا کسی که پیوند ازدواج به دست اوست [مانند ولی یا وکیل] آن را ببخشند. و گذشت و بخشش شما [که تمام مهریه را به زن بپردازید،] به پرهیزکاری نزدیک تر است. و فزون بخشی و نیکوکاری را در میان خودتان فراموش نکنید که خدا به آنچه انجام می دهید، بیناست. (۲۳۷)

حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ (۲۳۸)

بر همه نمازهـا و به ویژه نماز میانه [که بر اساس پاره ای از روایات، نماز ظهر است] محافظت کنیـد، و [هنگام عبادت] فروتنانه برای خدا قیام کنید. (۲۳۸)

فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ رُكْبَانًا فَإِذَا أَمِنتُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَمَا عَلَّمَكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ (۲۳۹)

پس اگر [از دشـمن یا حیوانات درنـده یا خطر دیگر] ترس داشتید، [نماز را] پیاده یا سواره بخوانید و هنگامی که امنیت یافتید، خدا را [با خواندن نماز] یاد کنید، نمازی که آن را در ضـمن سایر برنامه های دینی که دانای به آنها نبودید، به شـما آموخت. (۲۳۹)

وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا وَصِيَّةً لِّأَزْوَاجِهِم مَّتَاعًا إِلَى الْحَوْلِ غَيْرَ إِخْرَاجٍ فَإِنْ خَرَجْنَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا فَعَلْنَ فِي أَنفُسِهِنَّ مِن مَّعْرُوفٍ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۲۴۰)

و کسانی از شما که مرگشان نزدیک می شود، و همسرانی به جا می گذارند، باید برای همسرانشان وصیت کنند که آنان را تا یک سال بدون بیرون کردن از خانه از هزینه زندگی بهره مند سازند. پس اگر [به اختیار خود] بیرون رفتند، در آنچه نسـبت به خود [از ازدواج یا انتخاب شـغل] به طور شایسـته و متعارف انجام دهند، بر شـما [وارثان میّت به سـبب نپرداختن هزینه زندگی آنان] گناهی نیست؛ و خدا توانای شکست ناپذیر و حکیم است. (۲۴۰)

وَلِلْمُطَلَّقَاتِ مَتَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ (۲۴۱)

و [سـزاوار است از سوی شوهران] به طور شایسـته و متعارف، کالا و وسایل زنـدگی به زنان طلاق داده شـده پرداخت شود که این حقّی لازم بر عهده پرهیزکاران است. (۲۴۱)

كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (۲۴۲)

این گونه خدا آیاتش را برای شما بیان می کند، باشد که بیندیشید. (۲۴۲)

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِن دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ (۲۴۳)

آیا به کسانی که از ترس مرگ از خانه های خود در حالی که هزاران نفر بودند، بیرون آمدند [با دیده عبرت] ننگریستی؟ پس خـدا به آنـان فرمود: بمیریـد [و آنـان بـدون فاصله مردنـد،] سـپس آنان را زنـده کرد [تا بداننـد رهایی از چنگ مرگ ممکن نیست]. خدا نسبت به مردم دارای فضل و احسان است، ولی بیشتر مردم سپاس نمی گزارند. (۲۴۳)

وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۲۴۴)

و در راه خدا پیکار کنید و بدانید که یقیناً خدا شنوا و داناست. (۲۴۴)

مَّن ذَا الَّذِی یُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَیُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا کَثِیرَةً وَاللَّهُ یَقْبِضُ وَیَبْسُطُ وَإِلَیْهِ تُرْجَعُونَ (۲۴۵)

کیست آنکه به خدا وام نیکو دهد، تا آن را برایش چندین برابر بیفزاید؟ و خداست که [روزی را] تنگ می گیرد و وسعت می دهد؛ و [همه شما برای دریافت پاداش] به سوی او بازگردانده می شوید. (۲۴۵)

ص: ۳۹

أَلَمْ تَرَ إِلَى الْمَلَإِ مِن بَنِی إِسْرَائِیلَ مِن بَعْدِ مُوسَى إِذْ قَالُوا لِنَبِیٍّ لَّهُمُ ابْعَثْ لَنَا مَلِكًا نُّقَاتِلْ فِی سَبِیلِ اللَّهِ قَالَ هَلْ عَسَیْتُمْ إِن كُتِبَ عَلَیْكُمُ الْقِتَالُ أَلَّا تُقَاتِلُوا قَالُوا وَمَا لَنَا أَلَّا نُقَاتِلَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ وَقَدْ أُخْرِجْنَا مِن دِیَارِنَا وَأَبْنَائِنَا فَلَمَّا كُتِبَ عَلَیْهِمُ الْقِتَالُ تَوَلَّوْا إِلَّا قَلِیلًا مِّنْهُمْ وَاللَّهُ عَلِیمٌ بِالظَّالِمِینَ (۲۴۶)

آیا [با دیده عبرت] آن گروه از سران و اشراف بنی اسرائیل را پس از موسی ندیدی که به پیامبرشان گفتند: برای ما زمامدار و فرمانروایی برانگیز تا در راه خدا جنگ کنیم؟ گفت: آیا احتمال نمی دهید، اگر جنگ بر شما مقرّر و لازم شود، جنگ نکنید [و سر به نافرمانی بزنید؟] گفتند: ما را چه هدف و مرادی است که در راه خدا جنگ نکنیم، در حالی که از میان خانه ها و فرزندانمان بیرون رانده شده ایم؟! پس چون جنگ بر آنان مقرّر و لازم شد، همه جز اندکی از آنان روی گرداندند؛ و خدا به ستمکاران داناست. (۲۴۶)

وَقَالَ لَهُمْ نَبِیُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّى یَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَیْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ یُؤْتَ سَعَةً مِّنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَیْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِی الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ یُؤْتِی مُلْكَهُ مَن یَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِیمٌ (۲۴۷)

و پیامبرشان به آنان گفت: بی تردید خدا طالوت را برای شما به زمامداری برانگیخت. گفتند: [شگفتا!] چگونه او را بر ما حکومت باشد و حال آنکه ما به فرمانروایی از او سزاوارتریم، و به او وسعت و فراخی مالی داده نشده [پس ما کجا و زمامداری انسانی تهیدست کجا!؟] [پیامبرشان] گفت: خدا او را بر شما برگزیده و وی را در دانش و نیروی جسمی فزونی داده؛ و خدا زمامداریش را به هر کس که بخواهد عطا می کند؛ و خدا بسیار عطا کننده و داناست. (۲۴۷)

وَقَالَ لَهُمْ نَبِیُّهُمْ إِنَّ آیَةَ مُلْكِهِ أَن یَأْتِیَكُمُ التَّابُوتُ فِیهِ سَكِینَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَبَقِیَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَى وَآلُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ إِنَّ فِی ذَلِكَ لَآیَةً لَّكُمْ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِینَ (۲۴۸)

و پیامبرشان به آنان گفت: یقیناً نشانه فرمانروایی او این است که آن صندوق [که موسی را در آن گذاشتند و به دریا انداختند] نزد شما خواهد آمد، در آن آرامشی از سوی پروردگارتان است، و باقی مانده ای از آنچه خاندان موسی و هارون به جا گذاشته اند [چون الواح تورات، عصای موسی و عمامه هارون] و فرشتگان آن را حمل می کنند، البته در آن نشانه ای برای شماست اگر مؤمن باشید. (۲۴۸)

ص: ۴۰

فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُم بِنَهَرٍ فَمَن شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّی وَمَن لَّمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّی إِلَّا مَنِ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرِبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُم مُّلَاقُو اللَّهِ كَم مِّن فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ (۲۴۹)

پس زمانی که طالوت با سپاهیان [برای جنگ با دشمن از شهر] بیرون رفت، گفت: بی تردید خدا شما را به وسیله نهر آبی آزمایش می کند؛ پس هر که [به هنگام تشنگی] از آن [سیر] بنوشد، از من نیست و هر که از آن نخورد، از من است، مگر کسی که با دستش کفی آب برگیرد [که او نه از من است و نه مردود از سپاه]. پس جز اندکی از آنان همگی از آن نوشیدند. و زمانی که او و کسانی که با او ایمان آورده بودند از نهر گذشتند، [گروهی از آنان] گفتند: ما را امروز قدرت مقابله با جالوت و سپاهیانش نیست. ولی کسانی که یقین داشتند که دیدارکننده خدایند، گفتند: چه بسا گروه اندکی که به توفیق خدا بر گروه بسیاری پیروز شدند، و خدا باشکیبایان است. (۲۴۹)

وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ (۲۵۰)

و چون [طالوت و اهل ایمان] برای جنگ با جالوت و سپاهیانش ظاهر شدند، گفتند: پروردگارا! بر ما صبر و شکیبایی فرو ریز، و گام هایمان را استوار ساز، و ما را بر گروه کافران پیروز گردان. (۲۵۰)

فَهَزَمُوهُم بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُودُ جَالُوتَ وَآتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لَّفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ (۲۵۱)

پس آنان را به توفیق خدا شکست دادند. و داود [جوان مؤمن نیرومندی که در سپاه طالوت بود] جالوت را کشت، و خدا او را فرمانروایی و حکمت داد، و از آنچه می خواست به او آموخت. و اگر خدا [تجاوز و ستم] برخی از مردم را به وسیله برخی دیگر دفع نمی کرد، قطعاً زمین را فساد فرا می گرفت؛ ولی خدا نسبت به جهانیان دارای فضل و احسان است. (۲۵۱)

تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ (۲۵۲)

این [داستان ها و حادثه های واقعی] نشانه های [توحید، ربوبیّت و قدرت] خداست که به حقّ و راستی بر تو می خوانیم و یقیناً تو از فرستادگانی. (۲۵۲)

ص: ۴۱

جزء ۳

ادامه سوره البقره

تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ مِّنْهُم مَّن كَلَّمَ اللَّهُ وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا اقْتَتَلَ الَّذِينَ مِن بَعْدِهِم مِّن بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَلَكِنِ اخْتَلَفُوا فَمِنْهُم مَّنْ آمَنَ وَمِنْهُم مَّن كَفَرَ وَلَوْ شَاءَ

اللَّهُ مَا اقْتَتَلُوا وَلَكِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ (۲۵۳)

از آن فرستادگان برخی را بر برخی برتری بخشیدیم. از آنان کسی است که خدا با او سخن گفت، و برخی از آنان را درجات و مراتبی بالا برد. و عیسی بن مریم را دلایل و نشانه های روشن دادیم، و او را به وسیله روح القدس توانایی بخشیدیم. و اگر خدا می خواست کسانی که بعد از آنان [در طول قرون و اعصار] آمدند، پس از آنکه دلایل و براهین روشن به آنان رسید، با هم نمی جنگیدند، ولی [درباره ایمان و کفر با هم] اختلاف کردند، پس برخی از آنان ایمان آوردند و برخی کفر ورزیدند، قطعاً خدا اگر می خواست نمی جنگیدند، ولی خدا آنچه را می خواهد [از روی حکمت و مصلحت] انجام می دهد. (۲۵۳)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُم مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِيَ يَوْمٌ لَّا بَيْعٌ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ (۲۵۴)

ای اهل ایمان! از آنچه به شما روزی کرده ایم انفاق کنید، پیش از آنکه روزی بیاید که در آن نه داد و ستدی است و نه دوستی و نه شفاعتی؛ و تنها کافران ستمکارند. (۲۵۴)

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ لَّهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَن ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِندَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ (۲۵۵)

خدای یکتا که جز او هیچ معبودی نیست، زنده و قائم به ذات [و مدّبر و برپا دارنده و نگه دارنده همه مخلوقات] است، هیچ گاه خواب سبک و سنگین او را فرا نمی گیرد، آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است در سیطره مالکیّت و فرمانروایی اوست. کیست آنکه جز به اذن او در پیشگاهش شفاعت کند؟ آنچه را پیش روی مردم است [که نزد ایشان حاضر و مشهود است] و آنچه را پشت سر آنان است [که نسبت به آنان دور و پنهان است] می داند. و آنان به چیزی از دانش او احاطه ندارند مگر به آنچه او بخواهد. تخت [حکومت، قدرت و سلطنت] ش آسمان ها و زمین را فرا گرفته و نگهداری آنان بر او گران و مشقت آور نیست؛ و او بلند مرتبه و بزرگ است. (۲۵۵)

لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَد تَّبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَن يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِن بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى لَا انفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۲۵۶)

در دین، هیچ اکراه و اجباری نیست [کسی حق ندارد کسی را از روی اجبار وادار به پذیرفتن دین کند، بلکه هر کسی باید آزادانه با به کارگیری عقل و با تکیه بر مطالعه و تحقیق، دین را بپذیرد]. مسلماً راه هدایت از گمراهی [به وسیله قرآن، پیامبر و امامان معصوم] روشن و آشکار شده است. پس هر که به طاغوت [که شیطان، بت و هر طغیان گری است] کفر ورزد و به خدا ایمان بیاورد، بی تردید به محکم ترین دستگیره که آن را گسستن نیست، چنگ زده است؛ و خدا شنوا و داناست. (۲۵۶)

ص: ۴۲

اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ

أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۲۵۷)

خـدا سرپرست و يـار كسـانى است كه ايمـان آورده انـد؛ آنـان را از تـاريكى هـا [ى جهل، شرك، فسق وفجور] به سوى نورِ [ايمان، اخلاق حسنه و تقوا] بيرون مى برد. و كسانى كه كافر شدنـد، سرپرسـتان آنان طغيان گرانند كه آنان را از نور به سوى تاريكى ها بيرون مى برند؛ آنان اهل آتش اند و قطعاً در آنجا جاودانه اند. (۲۵۷)

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّيَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا أُحْيِي وَأُمِيتُ قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۲۵۸)

آيـا [بـا ديـده عـبرت] ننگريستى بـه كسـى كـه چـون خـدا او را پادشـاهى داده بـود [از روى كـبر و غـرور] بـا ابراهيـم دربـاره پروردگارش به مجادله و ستيز و گفتگوى بى منطق پرداخت؟! هنگامى كه ابراهيم گفت: پروردگارم كسـى است كه زنده مى كنـد و مى ميرانـد [او] گفـت: مـن هـم زنـده مى كنم و مى ميرانم. [و براى مشـتبه كردن كـار بر مردم، دسـتور داد دو زنـدانى محكـوم را حاضـر كردنـد، يكى را آزاد و ديگرى را كشـت.] ابراهيـم [براى بسـتن راه مغـالطه و تزوير به روى دشـمن] گفت: مسـلماً خـدا خورشـيد را از مشـرق بيرون مى آورد، تو آن را از مغرب برآور! پس آنكه كافر شـده بود، متحير و مبهوت شد. و خدا گروه ستم گر را [به خاطر تجاوز، ستم، پافشارى بر عناد و لجاجشان] هدايت نمى كند. (۲۵۸)

أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّى يُحْيِي هَٰذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتَ مِائَةَ عَامٍ فَانْظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ وَانْظُرْ إِلَى حِمَارِكَ وَلِنَجْعَلَكَ آيَةً لِلنَّاسِ وَانْظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنْشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوهَا لَحْمًا فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۲۵۹)

يـا چون آن كسـى كه به دهكـده اى گـذر كرد، در حـالى كه ديوارهـاى آن بر روى سـقف هـايش فرو ريخته بود [و اجسـاد ساكنانش پوسـيده و متلاشـى به نظر مى آمـد] گفت: خـدا چگونه اينان را پس از مرگشان زنـده مى كند؟ پس خدا او را صـد سال ميراند، سپس وى را برانگيخت، به او فرمود: چه مقدار [در اين منطقه] درنگ كرده اى؟ گفت: يك روز يا بخشى از يك روز درنگ كرده ام. [خدا] فرمود: بلكه صد سال درنگ كرده اى! به خوراكى و نوشـيدنى خود بنگر كه [پس از گذشت صد سال و رفت و آمـد فصول چهارگانه] تغييرى نكرده، و به دراز گوش خود نظر كن [كه جسـمش متلاشـى شـده، ما تو را زنـده كرديم تا به پاسخ پرسشت برسى و به واقع شدن اين حقيقت مطمئن شوى]، و تا تو را نشانه اى [از قدرت و ربوبيّت خود] براى مردم [در مورد زنده شدن مردگان] قرار دهيم، اكنون به استخوان ها [ى دراز گوشت] بنگر كه چگونه آنها را برمى داريم و به هم پيونـد مى دهيم، سـپس بر آنها گوشت مى پوشانيم. چون [كيفيتِ زنـده شـدنِ مردگان] بر او روشن شد، گفت: اكنون مى دانم كه يقيناً خدا بر هر كارى تواناست. (۲۵۹)

ص: ۴۳

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى قَالَ أَوَلَمْ تُؤْمِنْ قَالَ بَلَى وَلَٰكِنْ لِيَطْمَئِنَّ قَلْبِي قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَى كُلِّ جَبَلٍ مِنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ سَعْيًا وَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۲۶۰)

و [یاد کنید] هنگامی که ابراهیم گفت: پروردگارا! به من نشان ده که مردگان را چگونه زنده می کنی؟ [خدا] فرمود: آیا [به قدرتم نسبت به زنده کردن مردگان] ایمان نیاورده ای؟! گفت: چرا، ولی [مشاهده این حقیقت را خواستم] تا قلبم آرامش یابد. [خدا] فرمود: پس چهار پرنده بگیر و آنها را [برای دقت در آفرینش هر یک] به خود نزدیک کن، و [بعد از کشتن، ریز ریز کردن و مخلوط کردنشان به هم] بر هر کوهی [در این منطقه] بخشی از آنها را قرار ده، سپس آنها را بخوان که شتابان به سویت می آیند؛ و بدان که یقیناً خدا توانای شکست ناپذیر و حکیم است. (۲۶۰)

مَّثَلُ الَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِى سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِى كُلِّ سُنبُلَةٍ مِّائَةُ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (۲۶۱)

مَثَل آنان که اموالشان را در راه خدا انفاق می کنند، مانند دانه ای است که هفت خوشه برویاند، در هر خوشه صد دانه باشد؛ و خدا برای هر که بخواهد چند برابر می کند و خدا بسیار عطا کننده و داناست. (۲۶۱)

الَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِى سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتْبِعُونَ مَا أَنفَقُوا مَنًّا وَلَا أَذًى لَّهُمْ أَجْرُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۲۶۲)

کسانی که اموالشان را در راه خدا انفاق می کنند، سپس منت و آزاری به دنبال انفاقشان نمی آورند، برای آنان نزد پروردگارشان پاداشی شایسته و مناسب است، و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می شوند. (۲۶۲)

قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِّن صَدَقَةٍ يَتْبَعُهَا أَذًى وَاللَّهُ غَنِىٌّ حَلِيمٌ (۲۶۳)

گفتاری پسندیده [در برابر تهیدستان] و عفو [ی کریمانه نسبت به خشم و بد زبانی مستمندان] بهتر از بخششی است که دنبالش آزاری باشد، و خدا بی نیاز و بردبار است. (۲۶۳)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُم بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِى يُنفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَّا يَقْدِرُونَ عَلَى شَىْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِى الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ (۲۶۴)

ای اهل ایمان! صدقه هایتان را با منت و آزار باطل نکنید، مانند کسی که مالش را به ریا به مردم انفاق می کند و به خدا و روز قیامت ایمان ندارد، که وصفش مانند سنگ سخت و خارایی است که بر آن [پوششی نازک از] خاک قرار دارد و رگباری تند و درشت به آن برسد و آن سنگ را صاف [و بدون خاک] واگذارد [صدقه ریایی مانند آن خاک است و این ریاکاران] به چیزی از آنچه کسب کرده اند، دست نمی یابند و خدا مردم کافر را هدایت نمی کند. (۲۶۴)

ص: ۴۴

وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَالَهُمُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَثْبِيتًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِن لَّمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلٌّ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۲۶۵)

ومثل کسانی که اموالشان را برای طلب خشنودی خدا و استوار کردن نفوسشان [بر حقایق ایمانی و فضایل اخلاقی] انفاق می کنند، مانند بوستانی است در جایی بلند که بارانی تند به آن برسد، در نتیجه میوه اش را دو چندان بدهد، و اگر باران تندی به آن نرسد باران ملایمی می رسد [و آن برای شادابی و محصول دادنش کافی است] و خدا به آنچه انجام می دهید، بیناست. (۲۶۵)

أَيَوَدُّ أَحَدُكُمْ أَن تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِّن نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَأَصَابَهُ الْكِبَرُ وَلَهُ ذُرِّيَّةٌ ضُعَفَاءُ فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ (۲۶۶)

آیا یکی از شما دوست دارد که او را بوستانی از درختان خرما و انگور باشد که از زیرِ [درختانِ] آن نهرها جاری است و برای وی در آن بوستان از هر گونه میوه و محصولی باشد، در حالی که پیری به او رسیده و دارای فرزندان ناتوان [و خردسال] است، پس گردبادی که در آن آتش سوزانی است به آن بوستان برسد و یک پارچه بسوزد؟ [ریا و منت و آزار به همین صورت انفاق را نابود می کند] این گونه خدا آیاتش را برای شما توضیح می دهد تا بیندیشید. (۲۶۶)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنفِقُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنفِقُونَ وَلَسْتُم بِآخِذِيهِ إِلَّا أَن تُغْمِضُوا فِيهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ (۲۶۷)

ای اهل ایمان! از پاکیزه های آنچه [از راه داد و ستد] به دست آورده اید، و آنچه [از گیاهان و معادن] برای شما از زمین بیرون آورده ایم، انفاق کنید و برای انفاق کردن دنبال مال ناپاک و بی ارزش و معیوب نروید، در حالی که اگر آن را به عنوان حقّ شما به خود شما می دادند، جز [با] چشم پوشی [و دلسردی] نمی گرفتید و بدانید که خدا، بی نیاز و ستوده است. (۲۶۷)

الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِّنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (۲۶۸)

شیطان، شما را [به هنگام انفاق مال با ارزش] از تهیدستی و فقر می ترساند، و شما را به کار زشت [چون بخل وخودداری از زکات و صدقات] امر می کند، و خدا شما را از سوی خود وعده آمرزش و فزونی رزق می دهد؛ و خدا بسیار عطا کننده و داناست. (۲۶۸)

يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَن يَشَاءُ وَمَن يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ (۲۶۹)

حکمت را به هر کس بخواهد می دهد، و آنکه به او حکمت داده شود، بی تردید او را خیر فراوانی داده اند، و جز صاحبان خرد، کسی متذکّر نمی شود. (۲۶۹)

ص: ۴۵

وَمَا أَنفَقْتُم مِّن نَّفَقَةٍ أَوْ نَذَرْتُم مِّن نَّذْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنصَارٍ (۲۷۰)

و هر نفقه ای که انفاق کردید و هر نذری را که برعهده گرفتید، یقیناً خدا آن را می داند، [در نتیجه فرمانبر را پاداش می دهد و ستمکار به آیات خدا و حقوق مردم را عذاب می کند] و برای ستمکاران در قیامت یاوری نیست. (۲۷۰)

إِن تُبْدُوا الصَّدَقَاتِ فَنِعِمَّا هِیَ وَإِن تُخْفُوهَا وَتُؤْتُوهَا الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَیْرٌ لَّکُمْ وَیُکَفِّرُ عَنکُم مِّن سَیِّئَاتِکُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِیرٌ (۲۷۱)

اگر صدقه ها را آشکار کنید، کاری نیکوست، و اگر آنها را پنهان دارید و به تهیدستان دهید برای شما بهتر است؛ و خدا [به این سبب] بخشی از گناهانتان را محو می کند؛ و خدا به آنچه انجام می دهید، آگاه است. (۲۷۱)

لَّیْسَ عَلَیْکَ هُدَاهُمْ وَلَکِنَّ اللَّهَ یَهْدِی مَن یَشَاءُ وَمَا تُنفِقُوا مِنْ خَیْرٍ فَلِأَنفُسِکُمْ وَمَا تُنفِقُونَ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ وَمَا تُنفِقُوا مِنْ خَیْرٍ یُوَفَّ إِلَیْکُمْ وَأَنتُمْ لَا تُظْلَمُونَ (۲۷۲)

[ای پیامبر!] هدایت آنان [به سوی اخلاص در انفاق و ترک منّت و آزار] بر عهده تو نیست، [وظیفه تو ابلاغ پیام و اتمام حجّت است] بلکه خداست که هر کس را بخواهد هدایت می کند. [ای اهل ایمان!] و هر مالی را که انفاق کنید به سود خود شماست، و این در صورتی است که انفاق نکنید جز برای طلب خشنودی خدا. و آنچه از مال [باارزش و بی عیب] انفاق کنید، پاداشش به طور کامل به شما داده می شود، و مورد ستم قرار نخواهید گرفت. (۲۷۲)

لِلْفُقَرَاءِ الَّذِینَ أُحْصِرُوا فِی سَبِیلِ اللَّهِ لَا یَسْتَطِیعُونَ ضَرْبًا فِی الْأَرْضِ یَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِیَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُم بِسِیمَاهُمْ لَا یَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا وَمَا تُنفِقُوا مِنْ خَیْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِیمٌ (۲۷۳)

[صدقاتْ] حقِّ نیازمندانی است که در راه خدا [به سبب جنگ یا طلب دانش یا بیماری یا عوامل دیگر] در مضیقه و تنگنا افتاده اند [و برای فراهم کردن هزینه زندگی] نمی توانند در زمین سفر کنند؛ فرد ناآگاه آنان را از شدت پارسایی وعفّتی که دارند توانگر و بی نیاز می پندارد. [تو ای رسول من!] آنان را از سیمایشان می شناسی. [آنان] از مردم به اصرار چیزی نمی خواهند. و شما ای اهل ایمان! آنچه از مال [با ارزش و بی عیب] انفاقکنید، یقیناً خدا به آن داناست. (۲۷۳)

الَّذِینَ یُنفِقُونَ أَمْوَالَهُم بِاللَّیْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِیَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَلَا هُمْ یَحْزَنُونَ (۲۷۴)

کسانی که [چون علی بن أبی طالب (علیه السلام)] اموالشان را در شب و روز و پنهان و آشکار انفاق می کنند، برای آنان نزد پروردگارشان پاداشی شایسته و مناسب است؛ و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می شوند. (۲۷۴)

ص: ۴۶

الَّذِینَ یَأْکُلُونَ الرِّبَا لَا یَقُومُونَ إِلَّا کَمَا یَقُومُ الَّذِی یَتَخَبَّطُهُ الشَّیْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِکَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَیْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَیْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَن جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّهِ فَانتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِکَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِیهَا خَالِدُونَ (۲۷۵)

کسانی که ربا می خورند [در میان مردم و برای امر معیشت و زندگی] به پای نمی خیزند، مگر مانند به پای خاستن کسی که شیطان او را با تماس خود آشفته حال کرده [و تعادل روانی و عقلی اش را مختل ساخته] است، این بدان سبب است که آنان

گفتند: خرید و فروش هم مانند رباست. در حالی که خدا خرید و فروش را حلال، و ربا را حرام کرده است. پس هر که از سوی پروردگارش پندی به او رسد و [از کار زشت خود] بازایستد، سودهایی که [پیش از تحریم آن] به دست آورده، مال خود اوست، و کارش [از جهت آثار گناه و کیفر آخرتی] با خداست. و کسانی که [به عمل زشت خود] بازگردند [و نهی خدا را احترام نکنند] پس آنان اهل آتش اند، و در آن جاودانه اند. (۲۷۵)

يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِی الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ (۲۷۶)

خدا ربا را نابود می کند، و صدقات را فزونی می دهد؛ و خدا هیچ ناسپاس بزه کاری را دوست ندارد. (۲۷۶)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۲۷۷)

مسلماً کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، و نماز را به پا داشتند، و زکات پرداختند، برای آنان نزد پروردگارشان پاداشی [شایسته و مناسب] است، و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می شوند. (۲۷۷)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ (۲۷۸)

ای اهل ایمان! از خدا پروا کنید، و اگر مؤمن [واقعی] هستید آنچه را از ربا [بر عهده مردم] باقی مانده رها کنید. (۲۷۸)

فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِن تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ (۲۷۹)

واگر چنین نکردید [و به رباخواری اصرار ورزیدید] به جنگی بزرگ از سوی خدا و رسولش [بر ضد خود] یقین کنید؛ و اگر توبه کردید، اصل سرمایه های شما برای خود شماست [و سودهای گرفته شده را به مردم بازگردانید] که در این صورت نه ستم می کنید و نه مورد ستم قرار می گیرید. (۲۷۹)

وَإِن كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَى مَيْسَرَةٍ وَأَن تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ (۲۸۰)

و اگر [بدهکار] تنگدست بود [بر شماست که] او را تا هنگام توانایی مهلت دهید؛ و بخشیدن همه وام [و چشم پوشی و گذشت از آن در صورتی که توانایی پرداختش را ندارد] اگر [فضیلت وثوابش را] بدانید برای شما بهتر است. (۲۸۰)

وَاتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (۲۸۱)

و پروا کنید از روزی که در آن به سوی خدا بازگردانده می شوید، سپس به هر کس آنچه انجام داده، به طور کامل داده می شود؛ و آنان مورد ستم قرار نمی گیرند [زیرا هر چه را دریافت می کنند، تجسّمِ عینی اعمال خودشان است]. (۲۸۱)

ص: ۴۷

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَنتُم بِدَيْنٍ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَلْيَكْتُب بَّيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَن يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ

اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ وَلْيُمْلِلِ الَّذِی عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا يَبْخَسْ مِنْهُ شَيْئًا فَإِن كَانَ الَّذِی عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ أَن يُمِلَّ هُوَ فَلْيُمْلِلْ وَلِيُّهُ بِالْعَدْلِ وَاسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِن رِّجَالِكُمْ فَإِن لَّمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّن تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَن تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى وَلَا يَأْبَ الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا وَلَا تَسْأَمُوا أَن تَكْتُبُوهُ صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَى أَجَلِهِ ذَلِكُمْ أَقْسَطُ عِندَ اللَّهِ وَأَقْوَمُ لِلشَّهَادَةِ وَأَدْنَى أَلَّا تَرْتَابُوا إِلَّا أَن تَكُونَ تِجَارَةً حَاضِرَةً تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَلَّا تَكْتُبُوهَا وَأَشْهِدُوا إِذَا تَبَايَعْتُمْ وَلَا يُضَارَّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ وَإِن تَفْعَلُوا فَإِنَّهُ فُسُوقٌ بِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَيُعَلِّمُكُمُ اللَّهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۲۸۲)

ای اهل ایمان! چنانچه وامی به یکدیگر تا سر آمد معینی، دادید، لازم است آن را بنویسید. و باید نویسنده ای [سَنَدش را] در میان خودتان به عدالت بنویسد. و نباید هیچ نویسنده ای از نوشتن سند همان گونه که خدا [بر اساس قوانین شرعی] به او آموخته است، دریغ ورزد. او باید بنویسد، و کسی که حقّ به عهده اوست باید [کلامش را جهت تنظیم سند برای نویسنده] املاـ کند، و از خدا که پروردگار اوست پروا نماید و از حق چیزی را نکاهد. و اگر کسی که حق به عهده اوست، سفیه یا ناتوان باشد، یا [به علتی] نتواند املا کند، ولیّ و سرپرست او به عدالت املا کند. و دو شاهد از مردانتان را [بر این حق] شاهد بگیرید، و اگر دو مرد نبود، یک مرد و دو زن را از میان شاهدانی که می پسندید، شاهد بگیرید تا اگر یکی از آن دو زن [واقعیت را] فراموش کرد، آن دیگری او را یادآوری کند. و شاهدان هنگامی که [برای ادای شهادت] دعوت شوند [از پاسخ دعوت] امتناع نورزند، و از نوشتن [سندِ وام] تا سرآمد معیّنش، کوچک باشد یا بزرگ، ملول نشوید، این [کار] نزد خدا عادلانه تر و برای اقامه شهادت پابرجاتر، و به اینکه [در جنس وام، اندازه آن و زمان پرداختش] شک نکنید [و ستیز و نزاعی پیش نیاید،] نزدیک تر است. مگر آنکه داد و ستدی نقدی باشد که آن را میان خود دست به دست می کنید، در این صورت بر شما گناهی نیست که آن را ننویسید. و هرگاه داد و ستد کنید، شاهد بگیرید. و نباید به نویسنده و شاهد زیان برسد و اگر زیان برسانید، خروج از اطاعت خداست که گریبانگیر شما شده است و از خدا پروا کنید و خدا [احکامش را] به شما می آموزد و خدا به همه چیز داناست. (۲۸۲)

ص: ۴۸

وَإِن كُنتُمْ عَلَى سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُوا كَاتِبًا فَرِهَانٌ مَّقْبُوضَةٌ فَإِنْ أَمِنَ بَعْضُكُم بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ الَّذِی اؤْتُمِنَ أَمَانَتَهُ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَن يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آثِمٌ قَلْبُهُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ (۲۸۳)

و اگر در سفر بودید و نویسنده ای [برای ثبت سند] نیافتید، وثیقه های دریافت شده [جایگزین سند و شاهد] است. و اگر یکدیگر را امین دانستید [وثیقه لازم نیست] پس باید کسی که امینش دانسته اند، امانتش را ادا کند. و از خدا پروردگار خود، پروا نماید و [شما ای شاهدان!] شهادت را پنهان نکنید و هر که آن را پنهان کند، یقیناً دلش گناهکار است؛ و خدا به آنچه انجام می دهید داناست. (۲۸۳)

لِّلَّهِ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَمَا فِی الْأَرْضِ وَإِن تُبْدُوا مَا فِی أَنفُسِكُمْ أَوْ تُخْفُوهُ يُحَاسِبْكُم بِهِ اللَّهُ فَيَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۲۸۴)

آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است، فقط در سیطره مالکیت و فرمانروایی خداست، و اگر آنچه [از نیّت های فاسد و

افکار باطل] در دل دارید آشکار کنید یا پنهان سازید، خدا شما را به آن محاسبه می کند؛ پس هر که را بخواهد می آمرزد، و هر که را بخواهد عذاب می کند؛ و خدا بر هر کاری تواناست. (۲۸۴)

آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِن رَّبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّن رُّسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ (۲۸۵)

پیامبر به آنچه از پروردگارش به او نازل شده، ایمان آورده، و مؤمنان همگی به خدا و فرشتگان و کتاب ها و پیامبرانش، ایمان آورده اند [و بر اساس ایمان استوارشان گفتند:] ما میان هیچ یک از پیامبران او فرق نمی گذاریم. و گفتند: شنیدیم و اطاعت کردیم، پروردگارا! آمرزشت را خواهانیم و بازگشت [همه] به سوی توست. (۲۸۵)

لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِن نَّسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ (۲۸۶)

خدا هیچ کس را جز به اندازه توانایی اش تکلیف نمی کند. هر کس عمل شایسته ای انجام داده، به سود اوست، و هر کس مرتکب کار زشتی شده، به زیان اوست. [مؤمنان گویند:] پروردگارا! اگر فراموش کردیم یا مرتکب اشتباه شدیم، ما را مؤاخذه مکن. پروردگارا! تکالیف سنگینی برعهده ما مگذار، چنان که بر عهده کسانی که پیش از ما بودند گذاشتی. پروردگارا! و آنچه را به آن تاب و توان نداریم بر ما تحمیل مکن؛ و از ما درگذر؛ و ما را بیامرز؛ و بر ما رحم کن؛ تو سرپرست مایی؛ پس ما را بر گروه کافران پیروز فرما. (۲۸۶)

ص: ۴۹

سوره آل عمران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الم (۱)

الم (۱)

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ (۲)

خدای یکتا که جز او هیچ معبودی نیست، زنده و قائم به ذات [و مدبّر و برپا دارنده ونگه دارنده همه مخلوقات] است. (۲)

نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنزَلَ التَّوْرَاةَ وَالْإِنجِيلَ (۳)

این کتاب را تدریجاً به حق و راستی بر تو نازل کرد که تصدیق کننده کتاب های پیش از خود است؛ و تورات و انجیل را (۳)

مِن قَبْلُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَأَنزَلَ الْفُرْقَانَ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ (۴)

پیش از این برای هدایت مردم فرستاد، و فرقان را [که مایه جدایی حق از باطل است] نازل کرد. مسلماً کسانی که به آیات خدا کافر شدند، برای آنان [به کیفرِ کفرشان] عذابی سخت است؛ وخدا توانای شکست ناپذیر و صاحب انتقام است. (۴)

إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ (۵)

یقیناً چیزی در زمین و در آسمان بر خدا پوشیده نیست. (۵)

هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۶)

اوست که شما را در رحم ها [یِ مادران] به هر گونه که می خواهد تصویر می کند. جز او هیچ معبودی نیست؛ توانای شکست ناپذیر و حکیم است. (۶)

هُوَ الَّذِي أَنزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُّحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِّنْ عِندِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ (۷)

اوست که این کتاب را بر تو نازل کرد که بخشی از آن کتاب، آیات محکم است [که دارای کلماتی صریح و مفاهیمی روشن است] آنها اصل و اساس کتاب اند، و بخشی دیگر آیات متشابه است [که کلماتش غیر صریح و معانی اش مختلف و گوناگون است و جز به وسیله آیات محکم و روایات استوار تفسیر نمی شود] ولی کسانی که در قلوبشان انحراف [از هدایت الهی] است برای فتنه انگیزی و طلب تفسیرِ [نادرست و به تردید انداختن مردم و گمراه کردن آنان] از آیات متشابهش پیروی می کنند، و حال آنکه تفسیر واقعی و حقیقی آنها را جز خدا نمی داند. و استواران در دانش [و چیره دستان در بینش] می گویند: ما به آن ایمان آوردیم، همه [چه محکم، چه متشابه] از سوی پروردگار ماست. و [این حقیقت را] جز صاحبان خرد متذکّر نمی شوند. (۷)

رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِن لَّدُنكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنتَ الْوَهَّابُ (۸)

[و می گویند:] پروردگارا! دل هایمان را پس از آنکه هدایتمان فرمودی منحرف مکن، و از سوی خود رحمتی برما ببخش؛ زیرا تو بسیار بخشنده ای. (۸)

رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَّا رَيْبَ فِيهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ (۹)

پروردگارا! قطعاً تو در روزی که هیچ شکی در آن نیست، گردآورنده همه مردمی؛ مسلماً خدا خلف وعده نمی کند. (۹)

ص: ۵۰

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَن تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُم مِّنَ اللَّهِ شَيْئًا وَأُولَئِكَ هُمْ وَقُودُ النَّارِ (۱۰)

یقیناً اموال و فرزندان کافران هرگز چیزی از [عذاب] خدا را از آنان برطرف نمی کند؛ و اینانند که آتشگیره آتش اند. (۱۰)

كَدَأْبِ آلِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ (۱۱)

[روشِ آنان] مانند روش فرعونیان و کسانی است که پیش از آنان بودند که آیات ما را تکذیب کردند، پس خدا هم آنان را به گناهانشان مؤاخذه کرد؛ و خدا سخت کیفر است. (۱۱)

قُل لِّلَّذِينَ كَفَرُوا سَتُغْلَبُونَ وَتُحْشَرُونَ إِلَى جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمِهَادُ (۱۲)

به کافران بگو: به زودی شکست می خورید و به سوی دوزخ محشور می شوید، و آن بد آرامگاهی است. (۱۲)

قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِئَتَيْنِ الْتَقَتَا فِئَةٌ تُقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأُخْرَى كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُم مِّثْلَيْهِمْ رَأْيَ الْعَيْنِ وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصْرِهِ مَن يَشَاءُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ (۱۳)

تحقیقاً برای شما در دو گروهی که [در جنگ بدر] با هم رو به رو شدند، نشانه ای [از قدرت خدا و حقّانیّت نبوّت پیامبر] بود، گروهی در راه خدا می جنگیدند، و گروه دیگر کافر بودند، که اهل ایمان را به چشم خویش دو برابر می دیدند [به همین خاطر شکست خوردند] و خدا هر که را بخواهد با یاری خود تأیید می کند؛ مسلماً در این [واقعیت] عبرتی برای دارندگان بصیرت است. (۱۳)

زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِندَهُ حُسْنُ الْمَآبِ (۱۴)

محبت و عشق به خواستنی ها [که عبارت است] از زنان و فرزندان و اموال فراوان از طلا و نقره و اسبان نشاندار و چهارپایان و کشت و زراعت، برای مردم آراسته شده است؛ اینها کالای زندگیِ [زودگذرِ] دنیاست؛ و خداست که بازگشت نیکو نزد اوست. (۱۴)

قُلْ أَؤُنَبِّئُكُم بِخَيْرٍ مِّن ذَلِكُمْ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِندَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَأَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ (۱۵)

بگو: آیا شما را به بهتر از این [امور] خبر دهم؟ برای آنان که [در همه شؤون زندگی] پرهیزکاری پیشه کرده اند، در نزد پروردگارشان بهشت هایی است که از زیرِ [درختانِ] آن نهرها جاری است، در آنجا جاودانه اند و [نیز برای آنان] همسرانی پاکیزه و خشنودی و رضایتی از سوی خداست؛ و خدا به بندگان بیناست. (۱۵)

ص: ۵۱

الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ (۱۶)

آنان که می گویند: پروردگارا! قطعاً ما ایمان آوردیم، پس گناهانمان را بیامرز وما را از عذاب آتش نگاه دار. (۱۶)

الصَّابِرِینَ وَالصَّادِقِینَ وَالْقَانِتِینَ وَالْمُنفِقِینَ وَالْمُسْتَغْفِرِینَ بِالْأَسْحَارِ (۱۷)

آنان که صبر کنندگان و راستگویان و فرمانبرداران و انفاق کنندگان و استغفار کنندگان در سحرهایند؛ (۱۷)

شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِکَهُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ (۱۸)

خدا در حالی که برپا دارنده عدل است [با منطق وحی، با نظام مُتقن آفرینش و با زبان همه موجودات] گواهی می دهد که هیچ معبودی جز او نیست؛ و فرشتگان و صاحبان دانش نیز گواهی می دهند که هیچ معبودی جز او نیست؛ معبودی که توانای شکست ناپذیر و حکیم است. (۱۸)

إِنَّ الدِّینَ عِندَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِینَ أُوتُوا الْکِتَابَ إِلَّا مِن بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْیًا بَیْنَهُمْ وَمَن یَکْفُرْ بِآیَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِیعُ الْحِسَابِ (۱۹)

مسلماً دینِ [واقعی که همه پیامبرانْ مُبلّغ آن بودند] نزد خدا، اسلام است. و اهل کتاب [درباره آن] اختلاف نکردند مگر پس از آنکه آنان را [نسبت به حقّانیّت آن] آگاهی و دانش آمد، این اختلاف به خاطر حسد و تجاوز میان خودشان بود؛ و هر کس به آیات خدا کافر شود [بداند که] خدا حسابرسی، سریع است. (۱۹)

فَإِنْ حَاجُّوکَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَجْهِیَ لِلَّهِ وَمَنِ اتَّبَعَنِ وَقُل لِّلَّذِینَ أُوتُوا الْکِتَابَ وَالْأُمِّیِّینَ أَأَسْلَمْتُمْ فَإِنْ أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوا وَّإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَیْکَ الْبَلَاغُ وَاللَّهُ بَصِیرٌ بِالْعِبَادِ (۲۰)

پس اگر با تو جدال و گفتگوی خصومت آمیز کردند، [فقط در پاسخشان] بگو: من و همه پیروانمْ وجود خود را تسلیم خدا کرده ایم. و به اهل کتاب و به بی سوادانِ [مشرک] بگو: آیا شما هم تسلیم شده اید؟ پس اگر تسلیم شوند، قطعاً هدایت یافته اند، و اگر روی گردانند [برتو دشوار و سخت نیاید] که آنچه بر عهده توست فقط ابلاغ [پیام خدا] ست؛ و خدا به بندگان بیناست. (۲۰)

إِنَّ الَّذِینَ یَکْفُرُونَ بِآیَاتِ اللَّهِ وَیَقْتُلُونَ النَّبِیِّینَ بِغَیْرِ حَقٍّ وَیَقْتُلُونَ الَّذِینَ یَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُم بِعَذَابٍ أَلِیمٍ (۲۱)

کسانی که پیوسته به آیات خدا کفر می ورزند، و همواره پیامبران را به ناحق می کشند، و از مردم کسانی را که امر به عدالت می کنند به قتل می رسانند، پس آنان را به عذابی دردناک بشارت ده. (۲۱)

أُولَئِکَ الَّذِینَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِی الدُّنْیَا وَالْآخِرَهِ وَمَا لَهُم مِّن نَّاصِرِینَ (۲۲)

آنان کسانی اند که اعمالشان در دنیا و آخرت تباه و بی اثر شده، و برای آنان هیچ یاوری نخواهد بود. (۲۲)

ص: ۵۲

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِّنَ الْكِتَابِ يُدْعَوْنَ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ يَتَوَلَّى فَرِيقٌ مِّنْهُمْ وَهُم مُّعْرِضُونَ (٢٣)

آیا به کسانی که بهره ای اندک از کتاب [تورات و انجیل] به آنان داده شده ننگریستی که به سوی کتاب خدا خوانده می شوند تا در میان آنان [درباره احکام الهی و نبوّت پیامبر اسلام] داوری کنند؟ سپس گروهی از آنان در حالی که اعراض کننده [از حق و حقیقت] اند، روی می گردانند. (٢٣)

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَن تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَّعْدُودَاتٍ وَغَرَّهُمْ فِي دِينِهِم مَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ (٢٤)

این روی گردانی به خاطر آن است که گفتند: هرگز آتش [دوزخ در روز قیامت] جز چند روزی به ما نمی رسد و آنچه همواره افترا و دروغ [به خدا] می بستند، آنان را در دینشان مغرور کرده است. (٢٤)

فَكَيْفَ إِذَا جَمَعْنَاهُمْ لِيَوْمٍ لَّا رَيْبَ فِيهِ وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (٢٥)

پس چه خواهند کرد، هنگامی که آنان را برای روزی که هیچ شکی در آن نیست گرد آوریم، و به هر کس آنچه [از نیک و بد] به دست آورده، به طور کامل داده شود، و آنان مورد ستم قرار نخواهند گرفت. (٢٥)

قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَن تَشَاءُ وَتَنزِعُ الْمُلْكَ مِمَّن تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَن تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَن تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (٢٦)

بگو: خدایا! ای مالک همه موجودات! به هر که خواهی حکومت می دهی و از هر که خواهی حکومت را می ستانی، و هر که را خواهی عزت می بخشی و هر که را خواهی خوار و بی مقدار می کنی، هر خیری به دست توست، یقیناً تو بر هر کاری توانایی. (٢٦)

تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرْزُقُ مَن تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ (٢٧)

شب را در روز در می آوری و روز را در شب در می آوری، و زنده را از مرده بیرون می آوری و مرده را از زنده بیرون می آوری؛ و هر که را بخواهی بی حساب روزی می دهی. (٢٧)

لَّا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِن دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَن يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَن تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ (٢٨)

مؤمنان نباید کافران را به جای اهل ایمان، سرپرست و دوست بگیرند؛ و هر کس چنین کند در هیچ پیوند و رابطه ای با خدا نیست، مگر آنکه بخواهید به سبب دفع خطری که متوجه شماست از آنان تقیّه کنید؛ خدا شما را از [عذاب] خود بر حذر می دارد، و بازگشت [همه] به سوی خداست. (٢٨)

قُلْ إِن تُخْفُوا مَا فِي صُدُورِكُمْ أَوْ تُبْدُوهُ يَعْلَمْهُ اللَّهُ وَيَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (٢٩)

بگو: اگر آنچه [از نیّت های فاسد و افکار باطل] در سینه های شماست، پنهان دارید یا آشکار کنید، خدا آن را می داند. و نیز آنچه را در آسمان ها و آنچه را در زمین است، می داند و خدا بر هر چیز تواناست. (۲۹)

ص: ۵۳

يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِن سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ (۳۰)

روزی که هر کس آنچه را از کار نیک انجام داده و آنچه را از کار زشت مرتکب شده حاضر شده می یابد، و آرزو می کند که ای کاش میان او و کارهای زشتش زمان دور و درازی فاصله بود. و خدا شما را از [عذاب] خود برحذر می دارد؛ و خدا به بندگان مهربان است. (۳۰)

قُلْ إِن كُنتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِی يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۳۱)

بگو: اگر خدا را دوست دارید، پس مرا پیروی کنید تا خدا هم شما را دوست بدارد، و گناهانتان را بیامرزد؛ و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (۳۱)

قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ (۳۲)

بگو: از خدا و پیامبر اطاعت کنید. پس اگر روی گردانیدند [بدانند که] یقیناً خدا کافران را دوست ندارد. (۳۲)

إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ (۳۳)

بی تردید خدا آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را [به خاطر شایستگی های ویژه ای که در آنان بود] بر جهانیان برگزید. (۳۳)

ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِن بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۳۴)

فرزندانی [را برگزید] که [از نظر پاکی، تقوا، درستی و راستی] برخی از [آنان از نسل] برخی دیگرند؛ و خدا شنوا و داناست. (۳۴)

إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّی نَذَرْتُ لَكَ مَا فِی بَطْنِی مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّی إِنَّكَ أَنتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۳۵)

[یاد کنید] هنگامی که همسر عمران گفت: پروردگارا! برای تو نذر کردم که آنچه را در شکم خود دارم [برای خدمت خانه تو از ولایت و سرپرستی من] آزاد باشد، بنابراین از من بپذیر؛ یقیناً تو شنوا و دانایی. (۳۵)

فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّی وَضَعْتُهَا أُنثَى وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعَتْ وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنثَى وَإِنِّی سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَإِنِّی أُعِيذُهَا بِكَ

وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ (۳۶)

زمانی که او را زایید، گفت: پروردگارا! من او را دختر زاییدم. و خدا به آنچه او زایید داناتر بود؛ و آن پسر [که زاییدن او را آرزو داشت، در کرامت، عظمت، ارزش و شخصیت] مانند این دختر نیست؛ [پس در مقام نام گذاریش گفت:] البته من نامش را «مریم» نهادم، و او و فرزندانش را از خطرات مهلک و وسوسه های بنیان برانداز شیطان رانده شده به پناه تو می آورم. (۳۶)

فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِندَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِندِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَن يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ (۳۷)

پس پرودگارش او را به صورت نیکویی پذیرفت، و به طرز نیکویی نشو و نما داد، و زکریا را کفیلِ [رشد و تربیت معنوی] او قرار داد. هر زمان که زکریا در محراب [عبادت] بر او وارد می شد، رزق ویژه ای نزدش می یافت. [روزی در کمال شگفتی] گفت: ای مریم! این رزق ویژه برای تو از کجاست؟! گفت: از سوی خداست، یقیناً خدا هر کس را بخواهد، رزق بی حساب می دهد. (۳۷)

ص: ۵۴

هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِن لَّدُنكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ (۳۸)

در آنجا بود که زکریا [با دیدن کرامت و عظمت مریم] پروردگار خود را خوانده، گفت: پروردگارا! مرا از سوی خود فرزندی پاک و پاکیزه عطا کن، یقیناً تو شنوای دعایی. (۳۸)

فَنَادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيَحْيَى مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِّنَ اللَّهِ وَسَيِّدًا وَحَصُورًا وَنَبِيًّا مِّنَ الصَّالِحِينَ (۳۹)

پس فرشتگان، او را در حالی که در محراب عبادت به نماز ایستاده بود، ندا دادند که خدا تو را به یحیی بشارت می دهد که تصدیق کننده کلمه ای از سوی خدا [یعنی مسیح] است و سرور و پیشوا، و [از روی زهد و حیا] نگاهدار خود از مُشتهیات نفسانی، و پیامبری از شایستگان است. (۳۹)

قَالَ رَبِّ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَقَدْ بَلَغَنِيَ الْكِبَرُ وَامْرَأَتِي عَاقِرٌ قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ (۴۰)

گفت: پروردگارا! چگونه برای من پسری خواهد بود، در حالی که پیری به من رسیده و همسرم نازاست؟ خدا فرمود: چنین است [که می گویی، ولی کار خدا مُقیّد به علل و اسباب نیست] خدا هر چه را بخواهد [با مشیّت مطلقه خود] انجام می دهد. (۴۰)

قَالَ رَبِّ اجْعَل لِّي آيَةً قَالَ آيَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا رَمْزًا وَاذْكُر رَّبَّكَ كَثِيرًا وَسَبِّحْ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ (۴۱)

گفت: پروردگارا! برای من نشانه ای [جهت الهی بودن این بشارت] قرار ده. گفت: نشانه تو این است که سه روز نتوانی با مردم جز با رمز و اشاره سخن گویی، و پروردگارت را بسیار یاد کن و [او را] شام گاه و بامداد تسبیح گوی. (۴۱)

وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ (۴۲)

و [یاد کنید] هنگامی که فرشتگان گفتند: ای مریم! قطعاً خدا تو را برگزیده و [از همه آلودگی های ظاهری و باطنی] پاک ساخته، و بر زنان جهانیان برتری داده است. (۴۲)

يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ (۴۳)

ای مریم! فروتنانه برای پروردگارت به طاعت برخیز و سجده به جای آور و با رکوع کنندگان رکوع کن. (۴۳)

ذَلِكَ مِنْ أَنبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ وَمَا كُنتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يُلْقُونَ أَقْلَامَهُمْ أَيُّهُمْ يَكْفُلُ مَرْيَمَ وَمَا كُنتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَخْتَصِمُونَ (۴۴)

این [حقایق] از خبرهای غیبی است که به تو وحی می کنیم. و تو هنگامی که آنان قلم های خود را [به عنوان قرعه زدن در آب] می انداختند که کدامیک از آنان سرپرستی مریم را عهده دار شود، و نیز زمانی که [برای کفالت او] با یکدیگر جدال و ستیز می کردند، نزد آنان نبودی. (۴۴)

إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِّنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ (۴۵)

[یاد کنید] زمانی که فرشتگان گفتند: ای مریم! یقیناً خدا تو را به کلمه ای از سوی خود که نامش مسیح عیسی بن مریم است مژده می دهد که در دنیا و آخرت دارای مقبولیّت و آبرومندی و از مقربّان است. (۴۵)

ص: ۵۵

وَيُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَمِنَ الصَّالِحِينَ (۴۶)

و با مردم در گهواره [به صورت کاری خارق العاده] و در میان سالی [با زبان وحی] سخن می گوید و از شایستگان است. (۴۶)

قَالَتْ رَبِّ أَنَّى يَكُونُ لِي وَلَدٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِي بَشَرٌ قَالَ كَذَلِكِ اللَّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ إِذَا قَضَى أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُن فَيَكُونُ (۴۷)

[مریم] گفت: پروردگارا! چگونه برای من فرزندی خواهد بود، در حالی که هیچ بشری با من تماس نگرفته؟! [خدا] فرمود: چنین است که می گویی [ولی کار خدا مُقیّد به علل و اسباب نیست،] خدا هر چه را بخواهد [با مشیّت مطلقه خود] می آفریند، چون چیزی را اراده کند جز این نیست که به آن می گوید: «باش» پس بی درنگ می باشد؛ (۴۷)

وَيُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَاةَ وَالْإِنجِيلَ (۴۸)

و به او کتاب و حکمت و تورات و انجیل می آموزد. (۴۸)

وَرَسُولًا إِلَى بَنِى إِسْرَائِيلَ أَنِّى قَدْ جِئْتُكُم بِآيَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ أَنِّى أَخْلُقُ لَكُم مِّنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ وَأُحْيِي الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُنَبِّئُكُم بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا تَدَّخِرُونَ فِى بُيُوتِكُمْ إِنَّ فِى ذَلِكَ لَآيَةً لَّكُمْ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ (۴۹)

و به رسالت و پیامبری به سوی بنی اسرائیل می فرستد که [به آنان گوید:] من از سوی پروردگارتان برای شما نشانه ای [بر صدق رسالتم] آورده ام؛ من از گِل برای شما چیزی به شکل پرنده می سازم و در آن می دَمم که به اراده و مشیّت خدا پرنده ای [زنده و قادر به پرواز] می شود؛ و کور مادرزاد و مبتلای به پیسی را بهبود می بخشم؛ و مردگان را به اِذن خدا زنده می کنم؛ و شما را از آنچه می خورید و آنچه در خانه هایتان ذخیره می کنید خبر می دهم؛ مسلماً اگر مؤمن باشید این [معجزات] برای شما نشانه ای [بر صدق رسالت من] است؛ (۴۹)

وَمُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَىَّ مِنَ التَّوْرَاةِ وَلِأُحِلَّ لَكُم بَعْضَ الَّذِى حُرِّمَ عَلَيْكُمْ وَجِئْتُكُم بِآيَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ (۵۰)

وآنچه را از تورات پیش از من بوده، تصدیق دارم و [آمده ام] تا برخی از چیزهایی را که [در گذشته به سزای ستمکاری وگناهانتان] بر شما حرام شده حلال کنم، وبرای شما نشانه ای [برصدق رسالتم] از سوی پروردگارتان آورده ام؛ پس [ای بنی اسرائیل!] از خدا پروا کنید و مرا فرمان برید؛ (۵۰)

إِنَّ اللَّهَ رَبِّى وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ (۵۱)

یقیناً خدا پروردگار من و پرودگار شماست؛ پس او را بپرستید، این است راه راست. (۵۱)

فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسَى مِنْهُمُ الْكُفْرَ قَالَ مَنْ أَنصَارِى إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنصَارُ اللَّهِ آمَنَّا بِاللَّهِ وَاشْهَدْ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ (۵۲)

زمانی که عیسی از آنان احساس کفر کرد، گفت: [برای اقامه دین و سلوک و حرکت] کیانند یاران من به سوی خدا؟ حواریون گفتند: ما یاران خداییم، به خدا ایمان آوردیم؛ و گواه باش که ما در برابر خدا [و فرمان ها و احکام او] تسلیم هستیم. (۵۲)

ص: ۵۶

رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ (۵۳)

پروردگارا! به آنچه نازل کردی ایمان آوردیم و از این پیامبر پیروی کردیم؛ پس ما را در زمره گواهان [که پیامبران تواند] بنویس. (۵۳)

وَمَكَرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ (۵۴)

و [کافران از بنی اسرائیل درباره عیسی و آیینش] نیرنگ زدند، و خدا هم جزای نیرنگشان را داد؛ و خدا بهترین جزا دهنده نیرنگ زنندگان است. (۵۴)

إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى إِنِّي مُتَوَفِّيكَ وَرَافِعُكَ إِلَيَّ وَمُطَهِّرُكَ مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَجَاعِلُ الَّذِينَ اتَّبَعُوكَ فَوْقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأَحْكُمُ بَيْنَكُمْ فِيمَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ (۵۵)

[یاد کنید] هنگامی که خدا فرمود: ای عیسی! من تو را [از روی زمین و از میان مردم] بر می گیرم، و به سوی خود بالا می برم، و از بودن در میان اجتماع آلوده کافران پاک می کنم، و آنان را که از تو پیروی کردند تا روز قیامت برتر از کسانی که کافر شدند قرار می دهم؛ سپس بازگشت شما به سوی من است، و در میان شما در آنچه با هم اختلاف داشتید [به حقّ و عدالت] داوری می کنم؛ (۵۵)

فَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَأُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُم مِّن نَّاصِرِينَ (۵۶)

اما کسانی که کافر شدند، آنان را در دنیا و آخرت به عذابی سخت شکنجه می کنم و برای آنان هیچ یاوری نخواهد بود؛ (۵۶)

وَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ (۵۷)

و اما کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، خدا پاداششان را به طور کامل می دهد؛ و خدا ستمکاران را [که به دین کافر شدند، یا از دین فقط به اسم آن قناعت کردند] دوست ندارد. (۵۷)

ذَلِكَ نَتْلُوهُ عَلَيْكَ مِنَ الْآيَاتِ وَالذِّكْرِ الْحَكِيمِ (۵۸)

این داستان هایی که بر تو می خوانیم از آیات [الهی] و پندهای حکیمانه است. (۵۸)

إِنَّ مَثَلَ عِيسَى عِندَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِن تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُن فَيَكُونُ (۵۹)

قطعاً داستان عیسی نزد خدا [از نظر چگونگی آفرینش] مانند داستان آدم است که [پیکر] او را از خاک آفرید، سپس به او فرمود: [موجود زنده] باش؛ پس بی درنگ [موجود زنده] شد. (۵۹)

الْحَقُّ مِن رَّبِّكَ فَلَا تَكُن مِّنَ الْمُمْتَرِينَ (۶۰)

حق از [ناحیه] پروردگار توست؛ بنابراین از تردیدکنندگان مباش. (۶۰)

فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِن بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنفُسَنَا وَأَنفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَل لَّعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ (۶۱)

پس هر که با تو درباره او [عیسی] پس از آنکه بر تو [به واسطه وحی، نسبت به احوال وی] علم و آگاهی آمد، مجادله و ستیز کند، بگو: بیایید ما پسرانمان را و شما پسرانتان را، و ما زنانمان را و شما زنانتان را، و ما نفوسمان را و شما نفوستان را دعوت کنیم؛ سپس یکدیگر را نفرین نماییم، پس لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم (۶۱)

ص: ۵۷

إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْقَصَصُ الْحَقُّ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۶۲)

یقیناً این [واقعیاتی که بیان شد،] همان داستان راست و درست [مسیح] است؛ [و الوهیّت او یا فرزند خدا بودنش از پندارهای واهی و ادعاهای باطل نصاری است] و هیچ معبودی جز خدا نیست؛ و یقیناً خداست که توانای شکست ناپذیر و حکیم است. (۶۲)

فَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِالْمُفْسِدِينَ (۶۳)

چنانچه [با این همه دلایل روشن از اعتراف به توحید و پذیرفتن اسلام] روی گرداندند، [بدانند که] یقیناً خدا به [وضع و حال] مفسدان آگاه است. (۶۳)

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِّن دُونِ اللَّهِ فَإِن تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ (۶۴)

بگو: ای اهل کتاب! بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است [و همه کتاب های آسمانی و پیامبران آن را ابلاغ کردند] که جز خدای یگانه را نپرستیم، و چیزی را شریک او قرار ندهیم، و بعضی از ما بعضی را اربابانی به جای خدا نگیرد. پس اگر [از دعوتت به این حقایق] روی گرداندند [تو و پیروانت] بگویید: گواه باشید که ما [در برابر خدا و فرمان ها و احکام او] تسلیم هستیم. (۶۴)

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تُحَاجُّونَ فِي إِبْرَاهِيمَ وَمَا أُنزِلَتِ التَّوْرَاةُ وَالْإِنجِيلُ إِلَّا مِن بَعْدِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۶۵)

ای اهل کتاب! چرا درباره ابراهیم مجادله و ستیز می کنید [شما قوم یهود، او را یهودی می دانید، و شما گروه نصاری، او را نصرانی می شمارید] در حالی که تورات و انجیل بعد از او نازل شد؛ آیا نمی اندیشید؟! (۶۵)

هَا أَنتُمْ هَؤُلَاءِ حَاجَجْتُمْ فِيمَا لَكُم بِهِ عِلْمٌ فَلِمَ تُحَاجُّونَ فِيمَا لَيْسَ لَكُم بِهِ عِلْمٌ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (۶۶)

آگاه باشید! شما کسانی هستید که درباره آنچه به آن آگاهی داشتید مجادله و ستیز کردید، [ستیز شما یهودیان با نصاری این بود که مسیح، فرزند خدا نیست، و ستیز شما نصاری با یهودیان این بود که عیسی دارای مقام نبوّت است و ایمان به او واجب است،] پس چرا درباره آنچه به آن آگاهی ندارید [و آن آیین ابراهیم است] مجادله و ستیز می کنید؟! و خدا می داند و شما نمی دانید. (۶۶)

مَا كَانَ إِبْرَاهِيمُ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلَكِن كَانَ حَنِيفًا مُّسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۶۷)

ابراهیم نه یهودی بود و نه نصرانی، بلکه یکتاپرست و حق گرایی تسلیم بود، و از مشرکان نبود. (۶۷)

إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ (۶۸)

مسلماً نزدیک ترین مردم به ابراهیم [از جهت پیوند وانتساب معنوی] کسانی اند که [از روی حقیقت] از او پیروی کردند، و این پیامبر و کسانی که [به او] ایمان آورده اند [از همه به او نزدیک ترند] و خدا یاور و سرپرست مؤمنان است. (۶۸)

وَدَّت طَّائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يُضِلُّونَكُمْ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ (۶۹)

گروهی از اهل کتاب آرزو دارند که کاش شما را [از راه خدا] گمراه کنند، در حالی که جز خودشان را گمراه نمی کنند، و [این واقعیت را] درک نمی کنند. (۶۹)

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأَنتُمْ تَشْهَدُونَ (۷۰)

ای اهل کتاب! چرا به آیات خدا [در تورات و انجیل درباره اوصاف پیامبر اسلام] کفر می ورزید در حالی که خودتان گواهی می دهید [که این آیات از سوی خدا نازل شده است؟!] (۷۰)

ص: ۵۸

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَأَنتُمْ تَعْلَمُونَ (۷۱)

ای اهل کتاب! چرا در حالی که [به حقایق و واقعیات] آگاهید، حق را به باطل مُشتبه می کنید، و حق را پنهان می دارید [تا مردم گمراه بمانند؟!] (۷۱)

وَقَالَت طَّائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ آمِنُوا بِالَّذِی أُنزِلَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَجْهَ النَّهَارِ وَاكْفُرُوا آخِرَهُ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (۷۲)

و گروهی از [عالمانِ] اهل کتاب [به پیروان خود] گفتند: اول روز به آنچه [از آیات قرآن] بر مؤمنان نازل شده [به مکر و حیله] ایمان آورید، و در پایان روز کفر ورزید، شاید [مؤمنان با این ایمان و انکار شما به تردید افتند و] از دینشان بازگردند!! (۷۲)

وَلَا تُؤْمِنُوا إِلَّا لِمَن تَبِعَ دِينَكُمْ قُلْ إِنَّ الْهُدَى هُدَى اللَّهِ أَن يُؤْتَى أَحَدٌ مِّثْلَ مَا أُوتِيتُمْ أَوْ يُحَاجُّوكُمْ عِندَ رَبِّكُمْ قُلْ إِنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (۷۳)

و [نیز گفتند: در توضیح حقایق] جز به کسی که از دینتان پیروی می کند، اطمینان نورزید [تا دیگران هدایت نیابند]. بگو: یقیناً هدایت، هدایت خداست. سپس گفتند: گمان نکنید آنچه به شما اهل کتاب [از نبوّت، معجزه، قبله مستقل و آیات

آسمانی] داده شده به کسی [از عرب و غیر عرب] داده شود، یا اینکه مؤمنان می توانند نزد پروردگارشان با شما محاجّه و گفتگو کنند. [در پاسخ یاوه های آنان] بگو: فضل و رحمت [که از جلوه هایش نبوّت، کتاب، معجزه و قبله است،] به دست خداست، به هر کس بخواهد می دهد؛ و خدا بسیار عطا کننده و داناست. (۷۳)

يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (۷۴)

هر که را بخواهد، به رحمت خود اختصاص می دهد و خدا دارای فضل بزرگ است. (۷۴)

وَمِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِن تَأْمَنْهُ بِقِنطَارٍ يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ وَمِنْهُم مَّنْ إِن تَأْمَنْهُ بِدِينَارٍ لَّا يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ قَائِمًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِّيِّينَ سَبِيلٌ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ (۷۵)

و از اهل کتاب کسی است که اگر او را بر مال فراوانی امین شماری، آن را به تو بازمی گرداند؛ و از آنان کسی است که اگر او را به یک دینار امین شماری، آن را به تو بازنمی گرداند، مگر آنکه همواره بالای سرش بایستی [و مال خود را با سخت گیری از او بستانی]. این به خاطر آن است که آنان گفتند: [چون ما اهل کتابیم] رعایت کردن حقوق غیر اهل کتاب بر عهده ما نیست، [و در ضایع کردن حقوق دیگران گناه و عقوبتی نداریم] و اینان [در حالی که باطل بودن گفتار خود را] می دانند بر خدا دروغ می بندند. (۷۵)

بَلَى مَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ وَاتَّقَى فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ (۷۶)

آری، هر که به پیمان خود [در تعهد به اجرای احکام دین] وفا کرد، و [در همه امور زندگی] تقوا پیشه ساخت، [بداند که] یقیناً خدا تقوا پیشگان را دوست دارد. (۷۶)

إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۷۷)

قطعاً کسانی که پیمان خدا و سوگندهایشان را [برای رسیدن به مقاصد دنیایی] به بهای اندکی می فروشند، برای آنان در آخرت بهره ای نیست؛ و خدا با آنان سخن نمی گوید، و در قیامت به آنان نظر [لطف و رحمت] نمی نماید، و [از گناه و آلودگی] پاکشان نمی کند؛ و برای آنان عذاب دردناکی خواهد بود. (۷۷)

ص: ۵۹

وَإِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلْوُونَ أَلْسِنَتَهُم بِالْكِتَابِ لِتَحْسَبُوهُ مِنَ الْكِتَابِ وَمَا هُوَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِندِ اللَّهِ وَمَا هُوَ مِنْ عِندِ اللَّهِ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ (۷۸)

و از یهود گروهی هستند که هنگام [خواندن] دست نوشته ها [ی دروغ و بر بافته های خود] زبان [و صدایشان] را چنان پیچ و خم می دهند تا شما گمان کنید که [آنچه می خوانند] از کتاب آسمانی است، در حالی که از کتاب [آسمانی] نیست؛ و [با

بی شرمی] می گویند: آنچه می خوانیم از سوی خداست. در حالی که از سوی خدا نیست؛ و با آنکه می دانند [از سوی خدا نیست] به خدا دروغ می بندند. (۷۸)

مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَن يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَادًا لِّي مِن دُونِ اللَّهِ وَلَكِن كُونُوا رَبَّانِيِّينَ بِمَا كُنتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكِتَابَ وَبِمَا كُنتُمْ تَدْرُسُونَ (۷۹)

هیچ انسانی را نسزد که خدا او را کتاب و حکمت و نبوّت دهد، سپس به مردم بگوید: به جای خدا بندگان من باشید بلکه [تکلیف الهی و انسانی او اقتضا می کند به مردم بگوید:] به خاطر آنکه کتاب خدا را تعلیم می دادید، و به سبب آنکه آن را می خواندید، دانشمندانِ «الهی مسلک» [و کاملان در دین] باشید. (۷۹)

وَلَا يَأْمُرَكُمْ أَن تَتَّخِذُوا الْمَلَائِكَةَ وَالنَّبِيِّينَ أَرْبَابًا أَيَأْمُرُكُم بِالْكُفْرِ بَعْدَ إِذْ أَنتُم مُّسْلِمُونَ (۸۰)

و نیز نَسِزد که به شما فرمان دهد که فرشتگان و پیامبران را خدایان خود گیرید. آیا [چنین انسان والایی که دارای نبوّت و حکمت است] شما را پس از آنکه تسلیم [خدا و فرمان ها و احکام او] شده اید، امر به کفر می کند؟ (۸۰)

وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُم مِّن كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُّصَدِّقٌ لِّمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنصُرُنَّهُ قَالَ أَأَقْرَرْتُمْ وَأَخَذْتُمْ عَلَى ذَلِكُمْ إِصْرِي قَالُوا أَقْرَرْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا وَأَنَا مَعَكُم مِّنَ الشَّاهِدِينَ (۸۱)

و [یاد کنید] هنگامی که خدا از همه پیامبران [و امت هایشان] پیمان گرفت که هر گاه کتاب و حکمت به شما دادم، سپس [در آینده] پیامبری برای شما آمد که آنچه را [از کتاب های آسمانی] نزد شماست تصدیق کرد، قطعاً باید به او ایمان آورید و وی را یاری دهید. [آن گاه خدا] فرمود: آیا اقرار کردید و بر این [حقیقت] پیمان محکم مرا [به صورتی که به آن وفا کنید] دریافت نمودید؟ گفتند: اقرار کردیم. فرمود: پس [بر این پیمان] گواه باشید و من هم با شما از گواهانم. (۸۱)

فَمَن تَوَلَّى بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (۸۲)

پس کسانی که بعد از این [پیمان محکم و استوار از آن] روی برتافتند فقط آنان هستند که از دایره انسانیت بیرون شده اند. (۸۲)

أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ (۸۳)

آیا [اهل کتاب پس از این همه دلایل روشن] غیر دین خدا را خواستارند؟ در حالی که هر که در آسمان ها وزمین است از روی رغبت یا کراهت در برابر او [و اراده و فرمانش] تسلیم است، وهمه به سوی او بازگردانده می شوند. (۸۳)

ص: ۶۰

قُلْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ عَلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَى وَعِيسَى وَالنَّبِيُّونَ مِن

رَّبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ (۸۴)

[ای پیامبر! از جانب خود و پیروانت به همه] بگو: ما به خدا و آنچه بر ما نازل شده و آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و نوادگان [دارای مقام نبوتشان] فرود آمده، و آنچه به موسی و عیسی و پیامبران از سوی پروردگارشان داده شده ایمان آوردیم، و میان هیچ یک از آنان فرق نمی گذاریم، و ما در برابر او [و فرمان ها و احکام او] تسلیم هستیم. (۸۴)

وَمَن يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَن يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ (۸۵)

و هرکه جز اسلام، دینی طلب کند، هرگز از او پذیرفته نمی شود و او در آخرت از زیانکاران است. (۸۵)

كَيْفَ يَهْدِي اللَّهُ قَوْمًا كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ وَشَهِدُوا أَنَّ الرَّسُولَ حَقٌّ وَجَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۸۶)

چگونه خدا گروهی را هدایت کند که بعد از آنکه ایمان آوردند، و به حقّانیّت رسول اسلام شهادت دادند، و دلایل روشن و آشکار برای آنان آمد، کافر شدند؟ و خدا گروه ستمکاران را هدایت نمی کند. (۸۶)

أُولَئِكَ جَزَاؤُهُمْ أَنَّ عَلَيْهِمْ لَعْنَةَ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ (۸۷)

اینان کیفرشان این است که لعنت خدا و فرشتگان و همه مردم بر آنان است. (۸۷)

خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمُ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ (۸۸)

در آن لعنت جاودانه اند؛ نه عذاب از آنان سبک شود، و نه مهلتشان دهند. (۸۸)

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِن بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۸۹)

مگر کسانی که بعد از آن توبه کردند و [مفاسد خود را] اصلاح نمودند؛ زیرا خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (۸۹)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ ثُمَّ ازْدَادُوا كُفْرًا لَّن تُقْبَلَ تَوْبَتُهُمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الضَّالُّونَ (۹۰)

مسلماً کسانی که پس از ایمانشان کافر شدند، سپس بر کفر [خود] افزودند، هرگز توبه آنان پذیرفته نخواهد شد؛ و اینانند که گمراهند. (۹۰)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ فَلَن يُقْبَلَ مِنْ أَحَدِهِم مِّلْءُ الْأَرْضِ ذَهَبًا وَلَوِ افْتَدَى بِهِ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ وَمَا لَهُم مِّن نَّاصِرِينَ (۹۱)

قطعاً کسانی که کافر شدند و در حال کفر از دنیا رفتند، هرگز از هیچ یک از آنان [برای رهایی از عذاب] هر چند به اندازه آکندگی زمین از طلا فدیه و عوض دهد، پذیرفته نمی شود؛ برای آنان عذابی دردناک خواهد بود، و هیچ یاوری نخواهند داشت. (۹۱)

لَن تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنفِقُوا مِن شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ (۹۲)

هرگز به [حقیقتِ] نیکی [به طور کامل] نمی رسید تا از آنچه دوست دارید انفاق کنید؛ و آنچه از هر چیزی انفاق می کنید [خوب یا بد، کم یا زیاد، به اخلاص یا ریا] یقیناً خدا به آن داناست. (۹۲)

جزء ۴

ادامه سوره آل عمران

كُلُّ الطَّعَامِ كَانَ حِلًّا لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ إِلَّا مَا حَرَّمَ إِسْرَائِيلُ عَلَى نَفْسِهِ مِن قَبْلِ أَن تُنَزَّلَ التَّوْرَاةُ قُلْ فَأْتُوا بِالتَّوْرَاةِ فَاتْلُوهَا إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (۹۳)

همه خوراکی ها بر بنی اسرائیل حلال بود، جز آنچه اسرائیل [یعنی حضرت یعقوب] پیش از آنکه تورات نازل شود [به علتی] بر خود حرام کرد؛ [بنابراین آنچه از خوراکی ها در توراتْ حرام شده به کیفر گناهان بنی اسرائیل است نه آنکه از آیین ابراهیم به جا مانده باشد] بگو: اگر راستگویید [و حقیقت غیر از این است] تورات را [که از نظرها پنهان کرده اید] بیاورید و آن را بخوانید، [و اگر از آوردن تورات و خواندنش خودداری ورزید، اعتراف کنید که به تورات دروغ می بندید.] (۹۳)

فَمَنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ مِن بَعْدِ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (۹۴)

پس کسانی که بعد از این [دلایل روشن] بر خدا دروغ بندند، [و بگویند: آنچه از خوراکی ها در تورات حرام شده از شریعت ابراهیم باقی مانده و نسخ آن محال است،] ایناناند که یقیناً ستمکارند. (۹۴)

قُلْ صَدَقَ اللَّهُ فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۹۵)

بگو: خدا راست گفت [که خوراکی ها در آیین ابراهیم حرام نبوده]. بنابراین از آیین ابراهیم که یکتاپرست و حق گرا بود و از مشرکان نبود، پیروی کنید. (۹۵)

إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ (۹۶)

یقیناً نخستین خانه ای که برای [نیایش و عبادت] مردم نهاده شد، همان است که در مکه است، که پر برکت و وسیله هدایت برای جهانیان است. (۹۶)

فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَن دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ (۹۷)

در آن نشانه هایی روشن [از ربوبیّت، لطف، رحمت خدا و از جمله] مقام ابراهیم است؛ و هر که وارد آن شود در امان است؛ و

خدا را حقّی ثابت و لازم بر عهده مردم است که [برای ادای مناسک حج] آهنگ آن خانه کنند، [البته] کسانی که [از جهت سلامت جسمی و توانمندی مالی و باز بودن مسیر] بتوانند به سوی آن راه یابند، و هر که ناسپاسی ورزد [و از رفتن به آنجا خودداری کند، به خود زیان زده]؛ زیرا خدا از جهانیان بی نیاز است. (۹۷)

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ شَهِيدٌ عَلَى مَا تَعْمَلُونَ (۹۸)

بگو: ای اهل کتاب! چرا به آیات خدا کفر می ورزید؟ در حالی که خدا بر آنچه انجام می دهید، گواه است. (۹۸)

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ آمَنَ تَبْغُونَهَا عِوَجًا وَأَنتُمْ شُهَدَاءُ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (۹۹)

بگو: ای اهل کتاب! چرا کسانی را که ایمان آورده اند از راه خدا در حالی که خواهان کج نشان دادن آن هستید بازمی دارید؟ با اینکه شما [به مستقیم بودن و حقّانیّتش] گواهید، و خدا از آنچه انجام می دهید بی خبر نیست. (۹۹)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تُطِيعُوا فَرِيقًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ يَرُدُّوكُم بَعْدَ إِيمَانِكُمْ كَافِرِينَ (۱۰۰)

ای اهل ایمان! اگر از گروهی از کسانی که به آنان کتاب داده شده اطاعت کنید، شما را پس از ایمانتان به کفر بازمی گردانند. (۱۰۰)

ص: ۶۲

وَكَيْفَ تَكْفُرُونَ وَأَنتُمْ تُتْلَى عَلَيْكُمْ آيَاتُ اللَّهِ وَفِيكُمْ رَسُولُهُ وَمَن يَعْتَصِم بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ (۱۰۱)

و چگونه کفر می ورزید در حالی که آیات خدا بر شما خوانده می شود، و پیامبر او در میان شماست؟! و هر کس به خدا تمسّک جوید، قطعاً به راه راست هدایت شده است. (۱۰۱)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ (۱۰۲)

ای اهل ایمان! از خدا آن گونه که شایسته پروای از اوست، پروا کنید، و نمیرید مگر در حالی که [در برابر او و فرمان ها و احکامش] تسلیم باشید. (۱۰۲)

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُم بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ فَأَنقَذَكُم مِّنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (۱۰۳)

و همگی به ریسمان خدا [قرآن و اهل بیت (علیهم السلام)] چنگ زنید، و پراکنده و گروه گروه نشوید؛ و نعمت خدا را بر خود یاد کنید آن گاه که [پیش از بعثت پیامبر و نزول قرآن] با یکدیگر دشمن بودید، پس میان دل های شما پیوند و الفت برقرار کرد، در نتیجه به رحمت و لطف او با هم برادر شدید، و بر لب گودالی از آتش بودید، پس شما را از آن نجات داد؛ خدا این گونه، نشانه های [قدرت، لطف و رحمت] خود را برای شما روشن می سازد تا هدایت شوید. (۱۰۳)

وَلْتَكُن مِّنكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۱۰۴)

و باید از شما گروهی باشند که [همه مردم را] به سوی خیر [اتحاد، اتفاق، الفت، برادری، مواسات و درستی] دعوت نمایند، و به کار شایسته و پسندیده وادارند، و از کار ناپسند و زشت بازدارند؛ و اینانند که یقیناً رستگارند. (۱۰۴)

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِن بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۱۰۵)

و [شما ای اهل ایمان!] مانند کسانی نباشید که پس از آنکه دلایل روشن برای آنان آمد، پراکنده و گروه گروه شدند و [در دین] اختلاف پیدا کردند، و آنان را عذابی بزرگ است؛ (۱۰۵)

يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَكَفَرْتُم بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنتُمْ تَكْفُرُونَ (۱۰۶)

در روزی که چهره هایی سپید و چهره هایی سیاه شود، اما آنان که چهره هایشان سیاه شده [به آنان گویند:] آیا پس از ایمانتان کافر شدید؟ پس به کیفر آنکه کفر می ورزیدید، این عذاب را بچشید. (۱۰۶)

وَأَمَّا الَّذِينَ ابْيَضَّتْ وُجُوهُهُمْ فَفِي رَحْمَةِ اللَّهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۱۰۷)

و اما آنان که چهره هایشان سپید گشته، همواره در رحمت خدایند، و در آن جاودانه اند. (۱۰۷)

تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِّلْعَالَمِينَ (۱۰۸)

اینها [که سرگذشت اهل کتاب، مژده ها، بیم ها و امور مربوط به آخرت است] آیات خداست که آن را به درستی و راستی بر تو می خوانیم؛ و خدا هیچ ستم و بیدادی بر جهانیان نمی خواهد. (۱۰۸)

ص: ۶۳

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ (۱۰۹)

و آنچه در آسمان و آنچه در زمین است، فقط در سیطره مالکیت و فرمانروایی خداست، و همه امور به سوی او بازگردانده می شود. (۱۰۹)

كُنتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُم مِّنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ (۱۱۰)

شما بهترین امتی هستید که [برای اصلاح جوامع انسانی] پدیدار شده اید، به کار شایسته و پسندیده فرمان می دهید و از کار ناپسند و زشت بازمی دارید، و [از روی تحقیق، معرفت، صدق و اخلاص] به خدا ایمان می آورید. و اگر اهل کتاب ایمان می آوردند قطعاً برای آنان بهتر بود؛ برخی از آنان مؤمن [به قرآن و پیامبرند] و بیشترشان فاسقند. (۱۱۰)

لَن يَضُرُّوكُمْ إِلَّا أَذًى وَإِن يُقَاتِلُوكُمْ يُوَلُّوكُمُ الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يُنصَرُونَ (۱۱۱)

هرگز به شما جز آزاری اندک نمی رسانند، و اگر با شما بجنگند [شکست می خورند و] به شما پشت کرده [فرار می کنند] آن گاه [از جانب دیگران] یاری نمی شوند. (۱۱۱)

ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ أَيْنَ مَا ثُقِفُوا إِلَّا بِحَبْلٍ مِّنَ اللَّهِ وَحَبْلٍ مِّنَ النَّاسِ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الْمَسْكَنَةُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ الْأَنبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوا وَّكَانُوا يَعْتَدُونَ (۱۱۲)

هر زمان و هر کجا یافت شوند، [داغ] خواری و ذلت بر آنان زده شده، مگر [آنکه] به ریسمانی از جانب خدا [که ایمان به قرآن و نبوّت پیامبر است] و یا ریسمانی از سوی مردم [مؤمن که پذیرش ذمه و شرایط آن است، چنگ زنند] و به خشمی از سوی خدا سزاوار شده اند و [داغ] بینوایی و بدبختی بر آنان زده شد. این بدان سبب است که آنان همواره به آیات خدا کفر می ورزیدند و پیامبران را به ناحق می کشتند، و این [کفرورزی و کشتن پیامبران] به سبب این است که [خدا را] نافرمانی نمودند و همواره [از حدود الهی] تجاوز می کردند. (۱۱۲)

لَيْسُوا سَوَاءً مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ (۱۱۳)

[همه اهل کتاب] یکسان نیستند، از اهل کتاب گروهی درستکار [و رعایت کننده حقّ خدا و مردم] هستند، آیات خدا را در ساعاتی از شب می خوانند و [به پیشگاه حق از روی تواضع و فروتنی] سجده می کنند. (۱۱۳)

يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنكَرِ وَيُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ (۱۱۴)

[در سایه قرآن و نبوّت پیامبر] به خدا و روز قیامت ایمان می آورند و به کار شایسته و پسندیده فرمان می دهند، و از کار ناپسند و زشت بازمی دارند و در کارهای خیر می شتابند؛ و اینان از شایستگانند. (۱۱۴)

وَمَا يَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَن يُكْفَرُوهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ (۱۱۵)

و هر کار خیری انجام دهند، هرگز درباره آن مورد ناسپاسی قرار نخواهند گرفت؛ و خدا به تقواپیشگان داناست. (۱۱۵)

ص: ۶۴

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَن تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُم مِّنَ اللَّهِ شَيْئًا وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۱۱۶)

قطعاً کسانی که کافر شدند، هرگز اموال و اولادشان چیزی از [عذاب] خدا را از آنان دفع نخواهد کرد؛ و آنان اهل آتشند و در آن جاودانه اند. (۱۱۶)

مَثَلُ مَا يُنفِقُونَ فِي هَذِهِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَثَلِ رِيحٍ فِيهَا صِرٌّ أَصَابَتْ حَرْثَ قَوْمٍ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ فَأَهْلَكَتْهُ وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَكِنْ أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (۱۱۷)

داستان آنچه [کافران] در این زندگی دنیا انفاق می کنند، مانند بادی آمیخته با سرمایی سخت است که [به عنوان مجازات] به کشتزار قومی که بر خود ستم کرده اند برسد و آن را نابود کند؛ و خدا به آنان ستم نکرده است، ولی آنان به خویشتن ستم می ورزند. (۱۱۷)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بِطَانَةً مِّن دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِن كُنتُمْ تَعْقِلُونَ (۱۱۸)

ای اهل ایمان! از غیر خودتان برای خود محرم راز نگیرید؛ آنان از هیچ توطئه و فسادی درباره شما کوتاهی نمی کنند؛ شدت گرفتاری و رنج و زیان شما را دوست دارند؛ تحقیقاً دشمنی [با اسلام و مسلمانان] از لابلای سخنانشان پدیدار است و آنچه سینه هایشان [از کینه و نفرت] پنهان می دارد بزرگ تر است. ما نشانه ها [یِ دشمنی و کینه آنان] را اگر می اندیشید برای شما روشن ساختیم. (۱۱۸)

هَا أَنتُمْ أُولَاءِ تُحِبُّونَهُمْ وَلَا يُحِبُّونَكُمْ وَتُؤْمِنُونَ بِالْكِتَابِ كُلِّهِ وَإِذَا لَقُوكُمْ قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا عَضُّوا عَلَيْكُمُ الْأَنَامِلَ مِنَ الْغَيْظِ قُلْ مُوتُوا بِغَيْظِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۱۱۹)

آگاه باشید! این شمایید که آنان را دوست دارید، و آنان شما را دوست ندارند. و شما به همه کتاب ها [یِ آسمانی] ایمان دارید [ولی آنان ایمان ندارند]. و چون با شما دیدار کنند، می گویند: ایمان آوردیم. و زمانی که با یکدیگر خلوت نمایند از شدت خشمی که بر شما دارند، سر انگشتان خود را می گزند. بگو: به خشمتان بمیرید. یقیناً خدا به آنچه در سینه هاست، داناست. (۱۱۹)

إِن تَمْسَسْكُمْ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَإِن تُصِبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا وَإِن تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ (۱۲۰)

اگر به شما خیر و خوشی [و پیروزی و غنیمت] رسد، آنان را بدحال [و دلتنگ] می کند، و اگر بدی و ناخوشی [و حادثه تلخی] رسد به سبب آن خوشحال می شوند؛ و اگر شکیبایی ورزید و پرهیزکاری کنید، نیرنگشان هیچ زیانی به شما نمی رساند؛ مسلماً خدا به آنچه انجام می دهند، احاطه دارد. (۱۲۰)

وَإِذْ غَدَوْتَ مِنْ أَهْلِكَ تُبَوِّئُ الْمُؤْمِنِينَ مَقَاعِدَ لِلْقِتَالِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۱۲۱)

و [یاد کن] زمانی را که صبحگاهان [برای جنگ احد] از میان خانواده ات بیرون آمدی تا مؤمنان را برای جنگیدن در سنگرهای نظامی جای دهی؛ و خدا شنوا [یِ به گفته ها] و دانا [یِ بهنیّت ها] ست. (۱۲۱)

ص: ۶۵

إِذْ هَمَّت طَّائِفَتَانِ مِنكُمْ أَن تَفْشَلَا وَاللَّهُ وَلِيُّهُمَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (۱۲۲)

[یاد کنید که] در آن هنگام دو گروه از شما بر آن شدند که سستی و ناتوانی نشان دهند [و از جنگ منصرف شده، برگردند]، در حالی که خدا یار و یاورشان بود [لذا از این قصد شیطانی بازشان داشت] و مؤمنان باید فقط بر خدا توکل کنند. (۱۲۲)

وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۱۲۳)

و بی تردید خدا در [جنگِ] بدر شما را یاری داد، در حالی که [از نظر ساز و برگ جنگی و شمار نفرات نسبت به دشمن] ناتوان بودید؛ بنابراین از خدا پروا کنید، باشد که سپاس گزاری نمایید. (۱۲۳)

إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَن يَكْفِيَكُمْ أَن يُمِدَّكُمْ رَبُّكُم بِثَلَاثَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُنزَلِينَ (۱۲۴)

آن هنگام که به مؤمنان می گفتی: آیا شما را بس نیست که پروردگارتان به سه هزار فرشته نازل شده شما را یاری دهد؟ (۱۲۴)

بَلَى إِن تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّن فَوْرِهِمْ هَذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُم بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ (۱۲۵)

آری، اگر شکیبایی ورزید و پرهیزکاری کنید و دشمنان در همین لحظه، جوشان و خروشان بر شما بتازند، پروردگارتان شما را با پنج هزار فرشته نشان دار یاری می دهد. (۱۲۵)

وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَى لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُم بِهِ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِندِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ (۱۲۶)

و خدا [وعده یاری و پیروزی] را جز بشارتی برای شما و برای آنکه دل هایتان به آن آرامش یابد، قرار نداد؛ و یاری و نصرت جز از سوی خدای توانای شکست ناپذیر و حکیم نیست. (۱۲۶)

لِيَقْطَعَ طَرَفًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْ يَكْبِتَهُمْ فَيَنقَلِبُوا خَائِبِينَ (۱۲۷)

تا برخی از کافران را [از ریشه و بن] نابود کند، یا آنان را خوار و ذلیل سازد، تا نومید بازگردند. (۱۲۷)

لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ أَوْ يُعَذِّبَهُمْ فَإِنَّهُمْ ظَالِمُونَ (۱۲۸)

زمام چیزی از امور [مشرکان و مؤمنانِ فراری از جنگ] در اختیار تو نیست، یا توبه آنان را [به شرط آنکه توبه کنند] می پذیرد یا عذابشان می کند؛ زیرا آنان ستمکارند. (۱۲۸)

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱۲۹)

و آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است، فقط در سیطره مالکیت و فرمانروایی خداست. هر که را بخواهد می آمرزد و هر که را بخواهد عذاب می کند؛ و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (۱۲۹)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُّضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۱۳۰)

ای اهل ایمان! ربا را که سودهای چند برابر است نخورید، و از خدا پروا کنید تا رستگار شوید. (۱۳۰)

وَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِی أُعِدَّتْ لِلْکَافِرِینَ (۱۳۱)

و از آتشی که برای کافران آماده شده است بپرهیزید. (۱۳۱)

وَأَطِیعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّکُمْ تُرْحَمُونَ (۱۳۲)

و از خدا و پیامبر فرمان برید تا مورد رحمت قرار گیرید. (۱۳۲)

ص: ۶۶

وَسَارِعُوا إِلَی مَغْفِرَهٍ مِّن رَّبِّکُمْ وَجَنَّهٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِینَ (۱۳۳)

و به سوی آمرزشی از پروردگارتان و بهشتی که پهنایش [به وسعتِ] آسمان ها و زمین است بشتابید؛ بهشتی که برای پرهیزکاران آماده شده است؛ (۱۳۳)

الَّذِینَ یُنفِقُونَ فِی السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْکَاظِمِینَ الْغَیْظَ وَالْعَافِینَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ یُحِبُّ الْمُحْسِنِینَ (۱۳۴)

آنان که در گشایش و تنگ دستی انفاق می کنند، و خشم خود را فرو می برند، و از [خطاهایِ] مردم در می گذرند؛ و خدا نیکوکاران را دوست دارد. (۱۳۴)

وَالَّذِینَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَهً أَوْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ ذَکَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَن یَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ یُصِرُّوا عَلَی مَا فَعَلُوا وَهُمْ یَعْلَمُونَ (۱۳۵)

و آنان که چون کار زشتی مرتکب شوند یا بر خود ستم ورزند، خدا را یاد کنند و برای گناهانشان آمرزش خواهند؛ و چه کسی جز خدا گناهان را می آمرزد؟ و دانسته و آگاهانه بر آنچه مرتکب شده اند، پا فشاری نمی کنند؛ (۱۳۵)

أُولَئِکَ جَزَاؤُهُم مَّغْفِرَهٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَجَنَّاتٌ تَجْرِی مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِینَ فِیهَا وَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِینَ (۱۳۶)

پاداش آنان آمرزشی است از سوی پروردگارشان، و بهشت هایی که از زیرِ [درختانِ] آن نهرها جاری است، در آن جاودانه اند؛ و پاداش عمل کنندگان، نیکوست. (۱۳۶)

قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِکُمْ سُنَنٌ فَسِیرُوا فِی الْأَرْضِ فَانظُرُوا کَیْفَ کَانَ عَاقِبَهُ الْمُکَذِّبِینَ (۱۳۷)

قطعاً پیش از شما روش هایی [در میان ملل و جوامع بوده که از میان رفته است]، پس در زمین گردش کنید و با دقت و تامّل بنگرید که سرانجام تکذیب کنندگانِ [حقایق] چگونه بود. (۱۳۷)

هَذَا بَيَانٌ لِّلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ (۱۳۸)

این [قرآن] برای مردم، بیانگر [حوادث و واقعیات] و برای پرهیزکاران، سراسر هدایت و اندرز است. (۱۳۸)

وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ (۱۳۹)

و [در انجام فرمان هایِ حق و در جهاد با دشمن] سستی نکنید و [از پیش آمدها و حوادث و سختی هایی که به شما می رسد] اندوهگین مشوید که شما اگر مؤمن باشید، برترید. (۱۳۹)

إِن يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِّثْلُهُ وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنكُمْ شُهَدَاءَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ (۱۴۰)

اگر [در جنگ احد] به شما آسیب و جراحتی رسید، آن گروه را نیز [در جنگ بدر] آسیب و جراحتی مانند آن رسید. و ما این روزها [یِ پیروزی و ناکامی] را [به عنوان امتحان] در میان مردم می گردانیم [تا عبرت گیرند] و خدا کسانی را که [از روی حقیقت و خلوص] ایمان آورده اند، مشخص کند و از میان شما گواهانی [نسبت به پیروزی ها که نتیجه طاعت و تقواست، و شکست ها که محصول نافرمانی و بی تقوایی است] بگیرد؛ و خدا ستمکاران را [که با سستی و بی تقوایی بر خود ستم می کنند] دوست ندارد. (۱۴۰)

ص: ۶۷

وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ (۱۴۱)

و [نیز این پیروزی ها و ناکامی ها] برای آن است که کسانی را که [از روی حقیقت] ایمان آورده اند [از عیوب و آلودگی ها] تصفیه و پاک کند، و کافران را نابود نماید. (۱۴۱)

أَمْ حَسِبْتُمْ أَن تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنكُمْ وَيَعْلَمَ الصَّابِرِينَ (۱۴۲)

آیا پنداشته اید [با ایمانِ بدون عمل] وارد بهشت می شوید، در حالی که هنوز خدا کسانی از شما را که در راه خدا جهاد کرده اند وشکیبایان را [از دیگران] مشخص و معلوم نکرده است؟! (۱۴۲)

وَلَقَدْ كُنتُمْ تَمَنَّوْنَ الْمَوْتَ مِن قَبْلِ أَن تَلْقَوْهُ فَقَدْ رَأَيْتُمُوهُ وَأَنتُمْ تَنظُرُونَ (۱۴۳)

و یقیناً شما [پس از آگاهی از درجات شُهدایِ بدر] مرگ [در میدان جنگ] را پیش از رویارویی با آن سخت آرزو می کردید، و هنگامی که با آن روبرو شدید [به هراس افتادید و بدون هیچ اقدامی] به تماشای آن پرداختید!! (۱۴۳)

وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِن مَّاتَ أَوْ قُتِلَ انقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَن يَنقَلِبْ عَلَى عَقِبَيْهِ فَلَن يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ (۱۴۴)

و محمّد جز فرستاده ای از سوی خدا که پیش از او هم فرستادگانی [آمده و] گذشته اند، نیست. پس آیا اگر او بمیرد یا کشته شود، [ایمان و عمل صالح را ترک می کنید و] به روش گذشتگان و نیاکان خود برمی گردید؟! و هر کس به روش گذشتگان خود برگردد، هیچ زیانی به خدا نمی رساند؛ و یقیناً خدا سپاس گزاران را پاداش می دهد. (۱۴۴)

وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَن تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ كِتَابًا مُّؤَجَّلًا وَمَن يُرِدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَن يُرِدْ ثَوَابَ الْآخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهَا وَسَنَجْزِي الشَّاكِرِينَ (۱۴۵)

و هیچ کس جز به مشیّت و فرمان خدا نمی میرد. سرنوشتی است مقرّر شده و هر که پاداش دنیا را بخواهد [اندکی از آن] به او می دهیم، و هر که خواستار پاداش آخرت باشد، او را از آن می بخشیم؛ و یقیناً سپاس گزاران را پاداش خواهیم داد. (۱۴۵)

وَكَأَيِّن مِّن نَّبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ (۱۴۶)

چه بسا پیامبرانی که انبوهی دانشمندانِ الهی مسلک [و کاملان در دین] به همراه او با دشمنان جنگیدند، پس در برابر آسیب هایی که در راه خدا به آنان رسید، سستی نکردند و ناتوان نشدند و [در برابر دشمن] سر تسلیم و فروتنی فرود نیاوردند؛ و خدا شکیبایان را دوست دارد. (۱۴۶)

وَمَا كَانَ قَوْلَهُمْ إِلَّا أَن قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ (۱۴۷)

و سخن آنان [در گرما گرم و سختی جنگ] جز این نبود که گفتند: پروردگارا! گناهان ما و زیاده روی در کارمان را بر ما ببخش و قدم هایمان را استوار بدار و ما را بر گروه کافران یاری ده. (۱۴۷)

فَآتَاهُمُ اللَّهُ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَحُسْنَ ثَوَابِ الْآخِرَةِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (۱۴۸)

پس خدا پاداش این دنیا و پاداش نیک آخرت را به آنان عطا فرمود؛ و خدا نیکوکاران را دوست دارد. (۱۴۸)

ص: ۶۸

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تُطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يَرُدُّوكُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ فَتَنقَلِبُوا خَاسِرِينَ (۱۴۹)

ای اهل ایمان! اگر از کافران فرمان برید، شما را به [عقاید و روش های کافرانه] گذشتگانتان بازمی گردانند، در نتیجه زیانکار خواهید شد. (۱۴۹)

بَلِ اللَّهُ مَوْلَاكُمْ وَهُوَ خَيْرُ النَّاصِرِينَ (۱۵۰)

[آنان نه سرپرست شما و نه شایسته اطاعت هستند] بلکه خدا یار و سرپرست شماست؛ و او بهترین یاری دهندگان است. (۱۵۰)

سَنُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ بِمَا أَشْرَكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَمَأْوَاهُمُ النَّارُ وَبِئْسَ مَثْوَى الظَّالِمِينَ (۱۵۱)

به زودی در دل های کافران ترس می اندازیم؛ زیرا چیزی را که خدا بر [حقّانیّت] آن دلیلی نازل نکرده، شریک خدا قرار داده اند، و جایگاهشان آتش است؛ و بد است جایگاه ستمکاران. (۱۵۱)

وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَحُسُّونَهُم بِإِذْنِهِ حَتَّى إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَعَصَيْتُم مِّن بَعْدِ مَا أَرَاكُم مَّا تُحِبُّونَ مِنكُم مَّن يُرِيدُ الدُّنْيَا وَمِنكُم مَّن يُرِيدُ الْآخِرَةَ ثُمَّ صَرَفَكُمْ عَنْهُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْ وَلَقَدْ عَفَا عَنكُمْ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ (۱۵۲)

و یقیناً خدا وعده اش را [در جنگ احد] برای شما تحقّق داد، آن گاه که دشمنان را به فرمان او تا مرز ریشه کن شدنشان می کشتید، تا زمانی که سست شدید و در کارِ [جنگ و غنیمت و حفظ سنگری که محل رخنه دشمن بود] به نزاع و ستیز برخاستید، و پس از آنکه [در شروع جنگ] آنچه را از پیروزی و غنیمت دوست داشتید، به شما نشان داد [از فرمان پیامبر در رابطه با حفظ سنگر] سر پیچی کردید، برخی از شما دنیا را می خواست و برخی از شما خواهان آخرت بود، سپس برای آنکه شما را امتحان کند از [پیروزی بر] آنان بازداشت و از شما درگذشت؛ و خدا بر مؤمنان دارای فضل است. (۱۵۲)

إِذْ تُصْعِدُونَ وَلَا تَلْوُونَ عَلَى أَحَدٍ وَالرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ فِي أُخْرَاكُمْ فَأَثَابَكُمْ غَمًّا بِغَمٍّ لِّكَيْلَا تَحْزَنُوا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا مَا أَصَابَكُمْ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (۱۵۳)

[یاد کنید] زمانی که [از میدان جنگ احد] تا مرز پنهان شدن از دیده ها دور می شدید و به هیچ کس توجه نمی کردید، در صورتی که پیامبر [که اجابت دعوتش واجب است] شما را از پشت سرتان فرا می خواند، پس خدا شما را به اندوهی روی اندوهی مجازات کرد تا بر آنچه [از پیروزی و غنیمت] از دستتان رفته و به آنچه [از آسیب و مصیبت] به شما رسیده، اندوهگین نشوید؛ و خدا به آنچه انجام می دهید، آگاه است. (۱۵۳)

ص: ۶۹

ثُمَّ أَنزَلَ عَلَيْكُم مِّن بَعْدِ الْغَمِّ أَمَنَةً نُّعَاسًا يَغْشَى طَائِفَةً مِّنكُمْ وَطَائِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ يَقُولُونَ هَل لَّنَا مِنَ الْأَمْرِ مِن شَيْءٍ قُلْ إِنَّ الْأَمْرَ كُلَّهُ لِلَّهِ يُخْفُونَ فِي أَنفُسِهِم مَّا لَا يُبْدُونَ لَكَ يَقُولُونَ لَوْ كَانَ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ مَّا قُتِلْنَا هَاهُنَا قُل لَّوْ كُنتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَى مَضَاجِعِهِمْ وَلِيَبْتَلِيَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَلِيُمَحِّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۱۵۴)

سپس بعد از آن اندوه و غم، خواب آرام بخشی بر شما فرود آمد که گروهی از شما را [که بر اثر پشیمانی، دست از فرار برداشته به سوی پیامبر آمدید] فرا گرفت، و گروهی که فکر حفظ جانشان آنان را [در آن میدان پر حادثه] پریشان خاطر و غمگین کرده بود، و درباره خدا گمان ناحق و ناروا هم چون گمان هایِ [زمانِ] جاهلیت می بردند [که چون خدا وعده پیروزی داده پس پیروزی بدون هر قید و شرطی حقّ مسلّم آنان است! اما وقتی شکست خوردند درباره وعده خدا دچار تردید شدند و] گفتند: آیا ما را در این امر [پیروزی] اختیاری هست؟ بگو: یقیناً اختیار همه امور به دست خداست. [این نیست که چون خدا وعده پیروزی به شما داده بدون قید و شرط برای شما حاصل شود، پیروزیِ وعده داده شده، محصول صبر و تقوا، و شکست معلول سستی و نافرمانی است]. آنان در دل هایشان چیزی را پنهان می کنند که برای تو آشکار نمی سازند، می

گوینـد: اگر ما را در این امر [پیروزی] اختیاری بود [و وعـده خدا و پیامبر حقیقت داشت] در اینجا کشـته نمی شدیم. بگو: اگر شمـا در خانه های خود هم بودیـد کسانی که کشـته شـدن بر آنان لازم و مقرّر شـده بود، یقیناً به سوی خوابگاه های خود [در معرکه جهاد و جنگ] بیرون می آمدنـد. و [تحقّق دادن این برنامه ها] به سـبب این است که خـدا آنچه را [از نیّت ها] در سینه های شماست [در مقام عمل] بیازماید، و آنچه را [از عیوب و آلودگی ها] در دل های شماست، خالص و پاک گرداند؛ و خدا به آنچه در سینه هاست، داناست. (۱۵۴)

إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا وَلَقَدْ عَفَا اللَّهُ عَنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ (۱۵۵)

قطعاً کسانی از شـما روزی که [در نبرد احد] که دو گروه [مؤمن و مشـرک] با هم رویاروی شدند، به دشمن پشت کردند، جز این نیست که شـیطان آنان را به سـبب برخی از گناهانی که مرتکب شـده بودنـد لغزانیـد، و یقیناً خدا از آنان در گذشت؛ زیرا خدا بسیار آمرزنده و بردبار است. (۱۵۵)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا وَقَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ إِذَا ضَرَبُوا فِي الْأَرْضِ أَوْ كَانُوا غُزًّى لَّوْ كَانُوا عِندَنَا مَا مَاتُوا وَمَا قُتِلُوا لِيَجْعَلَ اللَّهُ ذَلِكَ حَسْرَةً فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۱۵۶)

ای اهل ایمان! مانند کسانی نباشـید که کفر ورزیدند و درباره برادرانشان هنگامی که آنان به سفر رفتند [و در سفر مُردند] و یا جهادگر بودنـد [و شـهید شدند]، گفتند: اگر نزد ما مانده بودند نمی مردند و شـهید نمی شدند. [شـما به کافران اعتنا نکنید] تا خـدا این [اعتقاد و گفتار] را حسـرتی در دل هایشان قرار دهـد. و خداست که زنده می کند و می میراند؛ و خدا به آنچه انجام می دهید، بیناست. (۱۵۶)

وَلَئِن قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مُتُّمْ لَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَحْمَةٌ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ (۱۵۷)

و اگر در راه خدا شهید شوید یا بمیرید، یقیناً آمرزش و رحمتی از سوی خدا، بهتر است از آنچه [آنان از مال و منال دنیا] جمع می کنند. (۱۵۷)

ص: ۷۰

وَلَئِن مُّتُّمْ أَوْ قُتِلْتُمْ لَإِلَى اللَّهِ تُحْشَرُونَ (۱۵۸)

و اگر بمیرید یا شهید شوید، به سوی خدا محشور خواهید شد. (۱۵۸)

فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ (۱۵۹)

[ای پیـامبر!] پس به مهر و رحمتی از سوی خـدا بـا آنـان نرم خوی شـدی، و اگر درشت خوی و سـخت دل بودی از پیرامونت پراکنـده می شدند؛ بنابراین از آنان گذشت کن، و برای آنان آمرزش بخواه، و در کارها با آنان مشورت کن، و چون تصـمیم

گرفتی بر خدا توکل کن؛ زیرا خدا توکل کنندگان را دوست دارد. (۱۵۹)

إِن يَنصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِن يَخْذُلْكُمْ فَمَن ذَا الَّذِی يَنصُرُكُم مِّن بَعْدِهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (۱۶۰)

اگر خدا شما را یاری کند، هیچ کس بر شما چیره و غالب نخواهد شد، و اگر شما را واگذارد، چه کسی بعد از او شما را یاری خواهد داد؟ و مؤمنان باید فقط بر خدا توکل کنند. (۱۶۰)

وَمَا كَانَ لِنَبِیٍّ أَن يَغُلَّ وَمَن يَغْلُلْ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَهِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (۱۶۱)

هیچ پیامبری را نَسِزد که [در اموال، غنایم، سایر امور به امت خود] خیانت ورزد و هر که خیانت کند، روز قیامت با آنچه در آن خیانت کرده بیاید؛ سپس به هر کس آنچه را مرتکب شده به طور کامل می دهند، و آنان مورد ستم قرار نمی گیرند. (۱۶۱)

أَفَمَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَ اللَّهِ كَمَن بَاءَ بِسَخَطٍ مِّنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (۱۶۲)

پس آیا کسی که [با طاعت و عبادت] از خشنودی خدا پیروی کرده، همانند کسی است که [بر اثر گناه] به خشمی از سوی خدا سزاوار شده؟ و جایگاه او دوزخ است و آن بد بازگشت گاهی است. (۱۶۲)

هُمْ دَرَجَاتٌ عِندَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ (۱۶۳)

همه آنان را [چه مؤمن، چه کافر] نزد خدا درجات و منزلت هایی [متفاوت] است، و خدا به آنچه انجام می دهند، بیناست. (۱۶۳)

لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَهَ وَإِن كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِی ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۱۶۴)

یقیناً خدا بر مؤمنان منّت نهاد که در میان آنان پیامبری از خودشان برانگیخت که آیات او را بر آنان می خواند و [از آلودگی های فکری و روحی] پاکشان می کند، و کتاب و حکمت به آنان می آموزد، و به راستی که آنان پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند. (۱۶۴)

أَوَلَمَّا أَصَابَتْكُم مُّصِيبَهٌ قَدْ أَصَبْتُم مِّثْلَيْهَا قُلْتُمْ أَنَّى هَذَا قُلْ هُوَ مِنْ عِندِ أَنفُسِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَیْءٍ قَدِيرٌ (۱۶۵)

آیا زمانی که [در جنگ احد] آسیبی به شما رسید که بی تردید دو برابرش را [در جنگ بدر به دشمن] رساندید، [از روی بی صبری، جزع، ناراحتی و اضطراب] می گویید: این آسیب چگونه و از کجاست؟ بگو: از ناحیه خود شماست [که بر اثر سستی در جنگ، نافرمانی از پیامبر، نزاع و اختلاف، به شما رسید]. یقیناً خدا بر هر کاری تواناست. (۱۶۵)

وَمَا أَصَابَكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ فَبِإِذْنِ اللَّهِ وَلِيَعْلَمَ الْمُؤْمِنِينَ (۱۶۶)

و آنچه [در جنگ احد] روزی که دو گروه [مؤمن و مشرک] با هم رویاروی شدند به شما رسید به اذن خدا بود، [تا شما را امتحان کند] و مؤمنان را معلوم و مشخص نماید. (۱۶۶)

وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ نَافَقُوا وَقِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوِ ادْفَعُوا قَالُوا لَوْ نَعْلَمُ قِتَالًا لَّاتَّبَعْنَاكُمْ هُمْ لِلْكُفْرِ يَوْمَئِذٍ أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلْإِيمَانِ يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِم مَّا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ (۱۶۷)

و نیز کسانی را که نفاق و دورویی ورزیدند، معلوم و مشخص کند. و به آنان گفته شد: بیایید در راه خدا بجنگید یا [از مدینه و کیان جامعه] دفاع کنید. گفتند: اگر جنگیدن می دانستیم، قطعاً از شما پیروی می کردیم. آنان در آن روز به کفر نزدیک تر بودند تا ایمان. به زبانشان چیزی را می گویند که در دل هایشان نیست؛ و خدا به آنچه پنهان می کنند، داناتر است. (۱۶۷)

الَّذِينَ قَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ وَقَعَدُوا لَوْ أَطَاعُونَا مَا قُتِلُوا قُلْ فَادْرَءُوا عَنْ أَنفُسِكُمُ الْمَوْتَ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (۱۶۸)

همان کسانی که [از جنگ کناره گرفتند]، و در خانه های خود نشستند، و درباره برادرانشان گفتند: اگر از ما فرمان می بردند کشته نمی شدند. بگو: [چنانچه اختیار مرگ در دست شماست] پس مرگ را از خود دفع کنید، اگر راستگویید. (۱۶۸)

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِندَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ (۱۶۹)

و هرگز گمان مبر آنان که در راه خدا کشته شدند مرده اند، بلکه زنده اند و نزد پروردگارشان روزی داده می شوند. (۱۶۹)

فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِن فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِم مِّنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۱۷۰)

در حالی که خدا به آنچه از بخشش و احسان خود به آنان عطا کرده شادمانند، و برای کسانی که از پی ایشانند و هنوز به آنان نپیوسته اند [و سرانجام به شرف شهادت نایل می شوند] شادی می کنند، که نه بیمی بر آنان است ونه اندوهگین می شوند. (۱۷۰)

يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ (۱۷۱)

[شهیدان] به نعمت و فضلی از سوی خدا و اینکه خدا پاداش مؤمنان را تباه نمی کند، شادمان و مسرورند. (۱۷۱)

الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِن بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقَوْا أَجْرٌ عَظِيمٌ (۱۷۲)

برای نیکوکاران و تقواپیشگان از کسانی که خدا و رسول را پس از آنکه زخم و جراحت به آنان رسیده بود [برای جنگی دیگر بعد از جنگ احد] اجابت کردند، پاداشی بزرگ است. (۱۷۲)

الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ (۱۷۳)

همان کسانی که مردم [منافق و عوامل نفوذی دشمن] به آنان گفتند: لشکری انبوه از مردم [مکه] برای جنگ با شما گرد آمده اند، از آنان بترسید. ولی [این تهدید] بر ایمانشان افزود، و گفتند: خدا ما را بس است، و او نیکو وکیل و [نیکو کارگزاری] است. (۱۷۳)

ص: ۷۲

فَانقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَّمْ يَمْسَسْهُمْ سُوءٌ وَاتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ (۱۷۴)

پس با نعمت و بخششی از سوی خدا [از میدان جنگ] بازگشتند، در حالی که هیچ گزند و آسیبی به آنان نرسیده بود، و از خشنودی خدا پیروی کردند؛ و خدا دارای فضلی بزرگ است. (۱۷۴)

إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُونِ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ (۱۷۵)

در حقیقت این شیطان است که دوستانش را [با شایعه پراکنی و گفتار وحشت زا، از رفتن به جهاد] می ترساند؛ پس اگر مؤمن هستید از آنان نترسید و از من بترسید. (۱۷۵)

وَلَا يَحْزُنكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَن يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا يُرِيدُ اللَّهُ أَلَّا يَجْعَلَ لَهُمْ حَظًّا فِي الْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۱۷۶)

و مبادا آنان که در کفر می شتابند، تو را اندوهگین کنند، آنان هرگز به خدا هیچ زیانی نمی رسانند، خدا می خواهد [به سزای کفرشان] هیچ بهره ای در آخرت برای آنان قرار ندهد، و برای آنان عذابی بزرگ است. (۱۷۶)

إِنَّ الَّذِينَ اشْتَرَوُا الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ لَن يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱۷۷)

مسلماً کسانی که کفر را به بهای از دست دادن ایمان خریدند، هرگز به خدا هیچ زیانی نمی رسانند، و برای آنان عذابی دردناک است. (۱۷۷)

وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمْلِي لَهُمْ خَيْرٌ لِّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمْلِي لَهُمْ لِيَزْدَادُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ (۱۷۸)

و کسانی که کافر شدند، گمان نکنند مهلتی که به آنان می دهیم به سودشان خواهد بود، جز این نیست که مهلتشان می دهیم تا بر گناه خود بیفزایند، و برای آنان عذابی خوار کننده است. (۱۷۸)

مَّا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى مَا أَنتُمْ عَلَيْهِ حَتَّى يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَجْتَبِي مِن رُّسُلِهِ مَن يَشَاءُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَإِن تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا فَلَكُمْ أَجْرٌ عَظِيمٌ (۱۷۹)

خدا بر آن نیست که مؤمنان را بر این [وضعی] که شما بر آن قرار دارید [که منافق از مؤمن، و خوب از بد مشخص و معلوم نیست] واگذارد، [بر آن است] تا پلید را از پاک [به سبب آزمایش های مختلف] جدا سازد. و خدا بر آن نیست که شما را بر غیب آگاه کند. ولی خدا از میان فرستادگانش هر کس را بخواهد [برای آگاه کردن به غیب] برمی گزیند، پس به خدا و

فرستادگانش ایمان آورید. و اگر ایمان آورید و تقوا پیشه کنید، برای شما پاداشی بزرگ خواهد بود. (۱۷۹)

وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخَلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِن فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُم بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (۱۸۰)

و کسانی که خدا به آنچه از فضلش به آنان داده بخل می ورزند، گمان نکنند که آن بخل به سود آنان است، بلکه آن بخل به زیانشان خواهد بود. به زودی آنچه به آن بخل ورزیدند در روز قیامت طوق گردنشان می شود. و میراث آسمان ها و زمین فقط در سیطره مالکیت خداست، و خدا به آنچه انجام می دهید، آگاه است. (۱۸۰)

ص: ۷۳

لَّقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ أَغْنِيَاءُ سَنَكْتُبُ مَا قَالُوا وَقَتْلَهُمُ الْأَنبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَنَقُولُ ذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ (۱۸۱)

محققاً خدا سخن کسانی را که گفتند: «خدا نیازمند است و ما بی نیازیم»، شنید. بی تردید آنچه را گفتند، و [نیز] کشتن پیامبران را از روی ستم [در پرونده اعمالشان] می نویسیم، و [روز قیامت] می گوییم: عذاب سوزان را بچشید. (۱۸۱)

ذَلِكَ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ (۱۸۲)

این [عذاب] به خاطر فسق و فجور و گناهانی است که خود پیش فرستادید، و گرنه خدا به بندگان ستمکار نیست. (۱۸۲)

الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ عَهِدَ إِلَيْنَا أَلَّا نُؤْمِنَ لِرَسُولٍ حَتَّى يَأْتِيَنَا بِقُرْبَانٍ تَأْكُلُهُ النَّارُ قُلْ قَدْ جَاءَكُمْ رُسُلٌ مِّن قَبْلِي بِالْبَيِّنَاتِ وَبِالَّذِي قُلْتُمْ فَلِمَ قَتَلْتُمُوهُمْ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (۱۸۳)

کسانی که گفتند: خدا به ما سفارش کرده است که به هیچ پیامبری ایمان نیاوریم تا برای ما [به نشانه صدق نبوتش] یک قربانی بیاورد که آن را آتش [غیبی] بسوزاند، بگو: پیش از من پیامبرانی دلایل روشن و آنچه گفتید برای شما آوردند؛ اگر راستگویید، پس چرا آنان را کشتید؟ (۱۸۳)

فَإِن كَذَّبُوكَ فَقَدْ كُذِّبَ رُسُلٌ مِّن قَبْلِكَ جَاءُوا بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَالْكِتَابِ الْمُنِيرِ (۱۸۴)

اگر [این یهودیان بهانه جو] تو را تکذیب کردند، [غمگین مباش] مسلماً رسولانی هم که پیش از تو دلایل روشن، و نوشته ها [ی مشتمل بر پند و موعظه] و کتاب روشنگر آورده بودند، تکذیب شدند؟ (۱۸۴)

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّوْنَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَن زُحْزِحَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ (۱۸۵)

هر کسی مرگ را می چشد؛ و بدون تردید روز قیامت پاداش هایتان به طور کامل به شما داده می شود. پس هر که را از آتش دور دارند و به بهشت درآورند مسلماً کامیاب شده است؛ و زندگی این دنیا جز کالای فریبنده نیست. (۱۸۵)

لَتُبْلَوُنَّ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنفُسِكُمْ وَلَتَسْمَعُنَّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذًى كَثِيرًا وَإِن تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ (۱۸۶)

یقیناً در اموال و جان هایتان امتحان خواهید شد، و مسلماً از کسانی که پیش از شما کتاب آسمانی به آنان داده شده و [نیز] از کسانی که شرک آوردند، سخنان رنج آور بسیاری خواهید شنید، و اگر [در برابر آزار اینان] شکیبایی ورزید و [از تجاوز از حدود الهی] بپرهیزید [سزاوارتر است.] این اموری است که ملازمت بر آن از واجبات است. (۱۸۶)

ص: ۷۴

وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَهُ فَنَبَذُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَاشْتَرَوْا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَبِئْسَ مَا يَشْتَرُونَ (۱۸۷)

و [یاد کنید] هنگامی که خدا از کسانی که به آنان کتاب آسمانی داده شد، پیمان گرفت که حتماً باید [احکام و حقایق] آن را برای مردم بیان کنید و پنهانش ننمایید. پس آن [عهد و کتاب] را ترک کردند و به آن اعتنایی ننمودند، و در برابر ترک آن اندک بهایی به دست آوردند؛ و بد چیزی است آنچه به دست می آورند. (۱۸۷)

لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَا أَتَوا وَّيُحِبُّونَ أَن يُحْمَدُوا بِمَا لَمْ يَفْعَلُوا فَلَا تَحْسَبَنَّهُم بِمَفَازَةٍ مِّنَ الْعَذَابِ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱۸۸)

البته مپندار کسانی که به آنچه [از پنهان داشتن حقایق و باز داشتن مردم از اسلام] انجام دادند، شادمانی می کنند، و دوست دارند به آنچه انجام نداده اند ستایش شوند [از عذاب خدا در امانند،] پس گمان مبر که برای آنان نجاتی از عذاب است، [بلکه] برای آنان عذابی دردناک خواهد بود. (۱۸۸)

وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱۸۹)

و مالکیت و فرمانروایی آسمان ها و زمین فقط در سیطره خداست، و خدا بر هر کاری تواناست. (۱۸۹)

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ (۱۹۰)

یقیناً در آفرینش آسمان ها و زمین، و آمد و رفت شب و روز، نشانه هایی [بر توحید، ربوبیّت و قدرت خدا] برای خردمندان است. (۱۹۰)

الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَى جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَٰذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ (۱۹۱)

آنان که همواره خدا را ایستاده و نشسته و به پهلو آرمیده یاد می کنند، و پیوسته در آفرینش آسمان ها و زمین می اندیشند، [و از عمق قلب همراه با زبان می گویند:] پروردگارا! این [جهان با عظمت] را بیهوده نیافریدی، تو از هر عیب و نقصی منزّه و

پاکی؛ پس ما را از عذاب آتش نگاهدار. (۱۹۱)

رَبَّنَا إِنَّکَ مَن تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَیْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِینَ مِنْ أَنصَارٍ (۱۹۲)

پروردگارا! بی تردید هر که را تو در آتش در آوری، قطعاً خوار و رسوایش کرده ای، و برای ستمکاران هیچ یاری وجود ندارد. (۱۹۲)

رَّبَّنَا إِنَّنَا سَمِعْنَا مُنَادِیًا یُنَادِی لِلْإِیمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّکُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَکَفِّرْ عَنَّا سَیِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ (۱۹۳)

پروردگارا! بی تردید ما [صدای] ندا دهنده ای را شنیدیم [که مردم را] به ایمان فرا می خواند که به پروردگارتان ایمان آورید. پس ما ایمان آوردیم. پروردگارا! گناهان ما را بیامرز، و بدی هایمان را از ما محو کن، و ما را در زمره نیکوکاران بمیران. (۱۹۳)

رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدتَّنَا عَلَى رُسُلِکَ وَلَا تُخْزِنَا یَوْمَ الْقِیَامَهِ إِنَّکَ لَا تُخْلِفُ الْمِیعَادَ (۱۹۴)

پروردگارا! آنچه را که به وسیله فرستادگانت به ما وعده داده ای به ما عطا فرما و روز قیامت، ما را رسوا و خوار مکن؛ زیرا تو خلف وعده نمی کنی؟ (۱۹۴)

ص: ۷۵

فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّی لَا أُضِیعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِّنکُم مِّن ذَکَرٍ أَوْ أُنثَى بَعْضُکُم مِّن بَعْضٍ فَالَّذِینَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِن دِیَارِهِمْ وَأُوذُوا فِی سَبِیلِی وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُکَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَیِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِی مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِّنْ عِندِ اللَّهِ وَاللَّهُ عِندَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ (۱۹۵)

پس پروردگارشان دعای آنان را اجابت کرد [که] یقیناً من عمل هیچ عمل کننده ای از شما را از مرد یا زن که همه از یکدیگرند تباه نمی کنم؛ پس کسانی که [برای خدا] هجرت کردند، و از خانه هایشان رانده شدند، و در راه من آزار دیدند، و جنگیدند و کشته شدند، قطعاً بدی هایشان را محو خواهم کرد و آنان را به بهشت هایی که از زیرِ [درختانِ] آن نهرها جاری است، وارد می کنم [که] پاداشی است از سوی خدا و خداست که پاداش نیکو نزد اوست. (۱۹۵)

لَا یَغُرَّنَّکَ تَقَلُّبُ الَّذِینَ کَفَرُوا فِی الْبِلَادِ (۱۹۶)

رفت و آمد کافران در شهرها [با وسایل و ابزار فراوان و شوکت ظاهری] تو را به طمع نیندازد. (۱۹۶)

مَتَاعٌ قَلِیلٌ ثُمَّ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمِهَادُ (۱۹۷)

[این] برخورداری اندک [و ناچیزی از زندگی زود گذر دنیا] است؛ سپس جایگاهشان دوزخ است، و آن بد آرامگاهی است. (۱۹۷)

لَكِنِ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِی مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نُزُلًا مِّنْ عِندِ اللَّهِ وَمَا عِندَ اللَّهِ خَيْرٌ لِّلْأَبْرَارِ (۱۹۸)

کسانی که از پروردگارشان پروا کردند [و فریفته زرق و برق زندگی مادی نشدند] برای آنان بهشت هایی است که از زیرِ [درختانِ] آن نهرها جاری است، در آنجا جاودانه اند. [این به عنوان آغاز] پذیرایی از سوی خداست، و آنچه [غیر از بهشت و نعمت هایش] نزد خداست، برای نیکوکاران بهتر است. (۱۹۸)

وَإِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَمَن يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ خَاشِعِينَ لِلَّهِ لَا يَشْتَرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ (۱۹۹)

بی تردید از اهل کتاب کسانی هستند که به خدا و آنچه به سوی شما نازل شده و آنچه به سوی خودشان فرود آمده ایمان می آورند، در حالی که در برابر خدا فروتن و خاکسار بوده، آیات خدا را به بهای اندک نمی فروشند. برای آنان نزد پروردگارشان پاداشی شایسته و مناسب است؛ یقیناً خدا حسابرسی سریع است. (۱۹۹)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۲۰۰)

ای اهل ایمان! [در برابر حوادث] شکیبایی کنید، و دیگران را هم به شکیبایی وادارید، و با یکدیگر [چه در حال آسایش چه در بلا و گرفتاری] پیوند و ارتباط برقرار کنید و از خدا پروا نمایید تا رستگار شوید. (۲۰۰)

ص: ۷۶

سوره النساء

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِی خَلَقَكُم مِّن نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِی تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا (۱)

ای مردم! از [مخالفت با فرمان هایِ] پروردگارتان بپرهیزید، آنکه شما را از یک تن آفرید و جفتش را [نیز] از [جنس] او پدید آورد و از آن دو تن، مردان و زنان بسیاری را پراکنده و منتشر ساخت. و از خدایی که به نام او از یکدیگر درخواست می کنید، پروا کنید و از [قطع رابطه با] خویشاوندان بپرهیزید. یقیناً خدا همواره بر شما حافظ و نگهبان است. (۱)

وَآتُوا الْيَتَامَى أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَتَبَدَّلُوا الْخَبِيثَ بِالطَّيِّبِ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَى أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا (۲)

اموال یتیمان را [پس از رشدشان] به آنان بدهید، و [اموال] پست و بی ارزش [خود] را با [اموالِ] مرغوب و با ارزش [آنان] عوض نکنید؛ و اموالشان را با ضمیمه کردن به اموال خود نخورید؛ زیرا آن گناهی بزرگ است. (۲)

وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِی الْيَتَامَى فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُم مِّنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَى أَلَّا تَعُولُوا (۳)

واگر می ترسید که نتوانید در مورد دختران یتیم [در صورت ازدواج با آنان] عدالت ورزید، بنابراین از [دیگر] زنانی که شما را خوش آید دو دو و سه سه و چهار چهار به همسری بگیرید. پس اگر می ترسید که با آنان به عدالت رفتار نکنید، به یک زن یا به کنیزانی که مالك شده اید [اکتفا کنید]؛ این [اکتفای به یک همسر عقدی] به اینکه ستم نورزید و از راه عدالت منحرف نشوید، نزدیک تر است. (۳)

وَآتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِن طِبْنَ لَكُمْ عَن شَيْءٍ مِّنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَّرِيئًا (۴)

ومهریه زنان را به عنوان هدیه ای الهی با میل و رغبت [و بدون چشم داشت و منّت گذاری] به خودشان بدهید؛ واگر چیزی از آن را با میل و رضایت خود به شما ببخشند، آن را حلال و گوارا بخورید. (۴)

وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَّعْرُوفًا (۵)

و اموالتان را که خدا مایه قوام و برپایی [زندگی] شما گردانیده به سبک مغزان ندهید، ولی آنان را از درآمد آن بخورانید و لباس بپوشانید و با آنان به صورتی شایسته و پسندیده سخن گویید. (۵)

وَابْتَلُوا الْيَتَامَى حَتَّى إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُم مِّنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَأْكُلُوهَا إِسْرَافًا وَبِدَارًا أَن يَكْبَرُوا وَمَن كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ وَمَن كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ فَإِذَا دَفَعْتُمْ إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ فَأَشْهِدُوا عَلَيْهِمْ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا (۶)

و یتیمان را [نسبت به امور زندگی] بیازمایید تا زمانی که به حدّ ازدواج برسند، پس اگر در آنان رشد لازم را یافتید اموالشان را به خودشان بدهید و آن را از [ترس] آنکه مبادا به سن رشد رسند [و از شما بگیرند] به اسراف وشتاب مخورید. و [از سرپرستان ایتام] آنکه توانگر است باید [از تصرّف در مال یتیم به عنوان حق الزحمه] خودداری کند؛ و هر که تهیدست است به اندازه متعارف مصرف نماید؛ وهنگامی که خواستید اموالشان را به خودشان بدهید [برای آنکه در آینده اختلاف و نزاعی پیش نیاید] بر آنان گواه بگیرید؛ و خدا برای محاسبه کافی است. (۶)

ص: ۷۷

لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا (۷)

برای مردان از آنچه پدر و مادر و نزدیکان [پس از مرگ خود] به جای می گذارند سهمی است؛ و برای زنان هم آنچه پدر و مادر و نزدیکان به جای می گذارند سهمی است، اندك باشد یا بسیار، سهمی است لازم وواجب. (۷)

وَإِذَا حَضَرَ الْقِسْمَةَ أُولُو الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينُ فَارْزُقُوهُم مِّنْهُ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَّعْرُوفًا (۸)

چون هنگام تقسیم کردن ارث، خویشاوندان و یتیمان و مستمندان حاضر شدند، چیزی از آن را به ایشان بدهید، و با آنان سخنی شایسته و پسندیده گویید. (۸)

وَلْيَخْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكُوا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعَافًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَلْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا (۹)

و کسانی که اگر فرزندانی ناتوان پس از خود به جای می گذارند، بر آنان [از ضایع شدن حقوقشان] بیم دارند، باید [از اینکه حقوق یتیمان دیگران را ضایع کنند] بترسند. پس لازم است [نسبت به شأن یتیمان] از خدا پروا کنند، و [درباره آنان] سخنی درست و استوار گویند. (۹)

إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا (۱۰)

بی تردید کسانی که اموال یتیمان را به ستم می خورند، فقط در شکم های خود آتش می خورند، و به زودی در آتش فروزان در آیند. (۱۰)

يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيَيْنِ فَإِن كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ وَإِن كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ وَلِأَبَوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِن كَانَ لَهُ وَلَدٌ فَإِن لَّمْ يَكُن لَّهُ وَلَدٌ وَوَرِثَهُ أَبَوَاهُ فَلِأُمِّهِ الثُّلُثُ فَإِن كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمِّهِ السُّدُسُ مِن بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ لَا تَدْرُونَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ لَكُمْ نَفْعًا فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا (۱۱)

خدا شما را درباره [ارث] فرزندانتان سفارش می کند که سهم پسر مانند سهم دو دختر است. و اگر [میراث برانِ میّت] دخترند و بیش از دو دختر باشند، سهم آنان دو سوم میراث است؛ و اگر یک دختر باشد، نصف میراث سهم اوست. و برای هر یک از پدر و مادر میّت چنانچه میّت فرزندی داشته باشد، یک ششم میراث است؛ و اگر فرزندی نداشته باشد، و [تنها] پدر و مادرش ارث می برند، برای مادرش یک سوم است [و باقی مانده میراثْ سهم پدر اوست] و اگر میّت برادرانی داشته باشد، سهم مادرش یک ششم است. [همه این سهام] پس از وصیتی است که [نسبت به مال خود] می کند، یا [پس از] دَیْنی است [که باید از اصل مال پرداخت شود.] شما نمی دانید پدران و فرزندانتان کدام یک برای شما سودمندترند [بنابراین اختلاف سهم ها، شما را نگران نکند و موجب اعتراض نشود]. [این تقسیم بندی] فریضه ای از سوی خداست؛ زیرا خدا همواره دانا و حکیم است. (۱۱)

ص: ۷۸

وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِن لَّمْ يَكُن لَّهُنَّ وَلَدٌ فَإِن كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ فَلَكُمُ الرُّبُعُ مِمَّا تَرَكْنَ مِن بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِينَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَلَهُنَّ الرُّبُعُ مِمَّا تَرَكْتُمْ إِن لَّمْ يَكُن لَّكُمْ وَلَدٌ فَإِن كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمُنُ مِمَّا تَرَكْتُم مِّن بَعْدِ وَصِيَّةٍ تُوصُونَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَإِن كَانَ رَجُلٌ يُورَثُ كَلَالَةً أَوِ امْرَأَةٌ وَلَهُ أَخٌ أَوْ أُخْتٌ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ فَإِن كَانُوا أَكْثَرَ مِن ذَٰلِكَ فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي الثُّلُثِ مِن بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصَى بِهَا أَوْ دَيْنٍ غَيْرَ مُضَارٍّ وَصِيَّةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَلِيمٌ (۱۲)

نصف میراثی که همسرانتان به جای می گذارند، اگر فرزندی نداشته باشند برای شماست، و اگر فرزندی داشته باشند یک چهارم میراث حقّ شماست، پس از وصیتی که نسبت به مال خود می کنند یا [پس از] دَیْنی [که باید از اصل مال پرداخت شود]. و برای زنانتان چنانچه فرزندی نداشته باشید یک چهارم میراثی است که از شما به جای می ماند، و اگر فرزندی داشته

باشید یک هشتم میراث حقّ آنان است، پس از وصیتی که کرده اید یا [پس از] دینی [که باید از اصل مال پرداخت شود]. و اگر مرد یا زنی که از او ارث می برند، کلاله [یعنی بی اولاد و بدون پدر و مادر] باشد و دارای برادر و خواهری است، پس برای هر یک از آن دو نفر یک ششم میراث است؛ و اگر بیش از این باشند در یک سوم میراث شریک اند، پس از وصیتی که [نسبت به مال] شده یا پس از دینی [که باید از اصل مال پرداخت شود]. [همه اینها در صورتی است که با وصیت و اقرار به دین] در وصیتش به وارثان زیان نزند. این سفارشی است از سوی خدا، و خدا دانا و بردبار است. (۱۲)

تِلْکَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَن يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِکَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۱۳)

اینها حدود خداست، و هر که از خدا و رسولش اطاعت کند، خدا او را به بهشت هایی که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است درآورد؛ در آن جاودانه اند، و آن است کامیابی بزرگ. (۱۳)

وَمَن يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُّهِينٌ (۱۴)

و هر که از خدا و رسولش نافرمانی کند و از حدود او تجاوز نماید، خدا او را در آتشی درآورد که در آن جاودانه است و برای او عذابی خوارکننده است. (۱۴)

ص: ۷۹

وَاللَّاتِى يَأْتِينَ الْفَاحِشَةَ مِن نِّسَائِكُمْ فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةً مِّنكُمْ فَإِن شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِى الْبُيُوتِ حَتَّى يَتَوَفَّاهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا (۱۵)

و از زنان شما [امتِ اسلام] کسانی که مرتکب زنا می شوند، چهار نفر مرد از خودتان را بر آنان به گواهی بخواهید؛ پس اگر [به ارتکاب آن] گواهی دادند، آن زشت کاران را در خانه ها [به عنوان حبس ابد] نگاه دارید تا مرگشان فرا رسد، یا خدا [برای نجات] آنان راهی قرار دهد. (۱۵)

وَاللَّذَانِ يَأْتِيَانِهَا مِنكُمْ فَآذُوهُمَا فَإِن تَابَا وَأَصْلَحَا فَأَعْرِضُوا عَنْهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ تَوَّابًا رَّحِيمًا (۱۶)

و از شما [مسلمانان] آن مرد و زنی که مرتکب آن [کار زشت] می شوند [در صورتی که بدون همسر باشند] آنان را [با اجرای حدود خدا] بیازارید؛ و اگر توبه کنند و [مفاسد خود را] اصلاح نمایند از آنان دست بردارید؛ زیرا خدا همواره بسیار توبه پذیر و مهربان است. (۱۶)

إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِن قَرِيبٍ فَأُولَئِکَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا (۱۷)

بی تردید توبه نزد خدا فقط برای کسانی است که از روی نادانی مرتکب کار زشت می شوند، سپس به زودی توبه می کنند؛ ایناننند که خدا توبه آنان را می پذیرد، و خدا همواره دانا و حکیم است. (۱۷)

وَلَيْسَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّى إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ إِنِّي تُبْتُ الْآنَ وَلَا الَّذِينَ يَمُوتُونَ وَهُمْ كُفَّارٌ أُولَئِكَ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا (۱۸)

و برای کسانی که پیوسته کارهای زشت مرتکب می شوند، تا زمانی که مرگ یکی از آنان فرا رسد [و در آن لحظه که تمام فرصت ها از دست رفته] گوید: اکنون توبه کردم. و نیز برای آنان که در حال کفر از دنیا می روند، توبه نیست. اینانند که عذابی دردناک برای آنان آماده کرده ایم. (۱۸)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَن تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرْهًا وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَن يَأْتِينَ بِفَاحِشَةٍ مُّبَيِّنَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِن كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَن تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا (۱۹)

ای اهل ایمان! برای شما ارث بردن از زنان در حالی که خوشایند شما نیستند [و فقط به طمع به دست آوردن اموالشان پس از مرگشان با آنان زندگی می کنید] حلال نیست. و آنان را در تنگنا و فشار مگذارید تا بخشی از آنچه را [به عنوان مهریه] به آنان داده اید پس بگیرید، مگر آنکه کار زشت آشکاری مرتکب شوند. و با آنان به صورتی شایسته و پسندیده رفتار کنید. و اگر [به علتی] از آنان نفرت داشتید [باز هم با آنان به صورتی شایسته و پسندیده رفتار کنید] چه بسا چیزی خوشایند شما نیست و خدا در آن خیر فراوانی قرار می دهد. (۱۹)

ص: ۸۰

وَإِنْ أَرَدتُّمُ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَّكَانَ زَوْجٍ وَآتَيْتُمْ إِحْدَاهُنَّ قِنطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا أَتَأْخُذُونَهُ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا (۲۰)

و اگر خواستید همسری دیگر به جای همسر پیشین جایگزین کنید و به همسر پیشین مال فراوانی [به عنوان مهریه] پرداخته اید، چیزی از آن را پس مگیرید. آیا آن را با تکیه به تهمت و گناهی آشکار پس می گیرید؟! (۲۰)

وَكَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ وَأَخَذْنَ مِنكُم مِّيثَاقًا غَلِيظًا (۲۱)

و چگونه آن را پس می گیرید در حالی که [با آمیزش جسمی، تماس روحی و معاشرت] به یکدیگر رسیده اید، و آنان از شما [به وسیله قرارداد ازدواج] پیمانی محکم گرفته اند. (۲۱)

وَلَا تَنكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُم مِّنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَمَقْتًا وَسَاءَ سَبِيلًا (۲۲)

و با زنانی که پدرانتان با آنان ازدواج کرده اند ازدواج نکنید، مگر آنچه [پیش از اعلام این حکم] انجام گرفته باشد. یقیناً این عمل، عملی بسیار زشت و منفور و بد راهی است. (۲۲)

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُم مِّنَ الرَّضَاعَةِ وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبَائِبُكُمُ اللَّاتِي فِي حُجُورِكُم مِّن نِّسَائِكُمُ اللَّاتِي دَخَلْتُم بِهِنَّ فَإِن لَّمْ تَكُونُوا دَخَلْتُم بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَحَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ وَأَن تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا (۲۳)

[ازدواج بـا این زنـان] بر شـما حرام شـده است: مادرانتـان، و دخترانتـان، و خواهرانتان، و عمه هایتان، و خاله هایتان، و دختران برادر، و دختران خواهر، و مادرانی که شما را شیر داده اند، و خواهران رضاعی شما، و مادران همسرانتان، و دختران همسرانتان که در دامـان شـمایند [و تحت سرپرستی شـما پرورش یـافته انـد، البته] از آن همسـرانی که بـا آنان آمیزش داشـته ایـد، و اگر آمیزش نداشـته اید، بر شـما گناهی نیست [که مادرشان را رها کرده با آنان ازدواج کنید]، و [نیز] همسران پسرانتان که از نسل شمـا هسـتند [بر شـما حرام شـده است]. و هم چنین جمع میـان دو خواهر [در یک زمان ممنوع است]، جز آنچه [پیش از اعلام این حکم] انجام گرفته باشد؛ زیرا خدا همواره بسیار آمرزنده و مهربان است. (۲۳)

جزء ۵

ادامه سوره النساء

وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كِتَابَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَأُحِلَّ لَكُم مَّا وَرَاءَ ذَلِكُمْ أَن تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُم مُّحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُم بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُم بِهِ مِن بَعْدِ الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا (۲۴)

و [ازدواج با] زنان شوهردار [بر شـما حرام شده است] مگر زنانی که [به سـبب جنگ با شوهران کافرشان از راه اسارت] مالک شده اید؛ [این احکام] مقرّر شده خدا بر شـماست. و زنان دیگر غیر از این [زنانی که حرمت ازدواج با آنان بیان شد] برای شما حلال است، که آنان را با [هزینه کردن] اموالتان [به عنوان ازدواج] بخواهیـد در حالی که [قصـد دارید با آن ازدواج] پاکدامن باشـید نه زناکـار. و از هر کـدام از زنـان بهره منـد شدیـد، مهریه او را به عنوان واجب مالی بپردازیـد، و در آنچه پس از تعیین مهریه [نسـبت به مـدت عقـد یا کم یا زیاد کردن مهریه] با یکدیگر توافق کردید بر شـما گناهی نیست؛ یقیناً خدا همواره دانا و حکیم است. (۲۴)

وَمَن لَّمْ يَسْتَطِعْ مِنكُمْ طَوْلًا أَن يَنكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِن مَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُم مِّن فَتَيَاتِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِكُم بَعْضُكُم مِّن بَعْضٍ فَانكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ وَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَاتٍ غَيْرَ مُسَافِحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ فَإِذَا أُحْصِنَّ فَإِنْ أَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ الْعَنَتَ مِنكُمْ وَأَن تَصْبِرُوا خَيْرٌ لَّكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۲۵)

و از شـما کسـی که به سبب تنگـدستی نتواند با زنان آزاد مؤمن ازدواج کند، با کنیزان جوان با ایمانتان [ازدواج کنید و اظهار ایمـان از سوی کنیزان در جواز ازدواج بـا آنـان کـافی است]. و خـدا به ایمان شـما [که کـدام ظاهری و کـدام حقیقی و واقعی است] دانـاتر است. [آزاد و کنیز در اصـل و نسب و در رابطه ایمـانی] از یکـدیگر، [و اعضـای یـک پیکریـد]، پس با کنیزان با اجازه صاحبانشان ازدواج کنید، و مهریه آنان را به طور شایسـته و پسـندیده به خودشان بپردازید. [جواز این ازدواج مشروط به آن اسـت کـه کنیزان] پاکـدامن باشـند نـه زناکـار و نه گیرنـدگان دوست پنهـانی. پس هنگـامی که به ازدواج درآمدنـد، اگر مرتکـب کـار زشـت شونـد، بر آنـان نصـف مجازاتی است که بر زنـان آزاد است. این [جـواز ازدواج بـا کنیز] برای کسـی از

شماست که از مشقت [غریزه جنسی و دچار شدن به زنا] بترسد، و شکیبایی کردن برای شما بهتر است؛ و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (۲۵)

يُرِيدُ اللَّهُ لِيُبَيِّنَ لَكُمْ وَيَهْدِيَكُمْ سُنَنَ الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ وَيَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۲۶)

خدا می خواهد [احکام و مقرّراتش را] برای شما بیان کند و شما را به روش های [پاک و صحیح] کسانی که پیش از شما بودند، راهنمایی نماید و رحمت و مغفرتش را بر شما فرو ریزد؛ و خدا دانا و حکیم است. (۲۶)

وَاللَّهُ يُرِيدُ أَن يَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَيُرِيدُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ أَن تَمِيلُوا مَيْلًا عَظِيمًا (۲۷)

و خدا می خواهد با رحمت و لطفش به شما توجه کند؛ و آنان که از شهوات پیروی می کنند می خواهند شما [در روابط جنسی از حدود و مقرّرات حق] به انحراف بزرگی دچار شوید. (۲۷)

يُرِيدُ اللَّهُ أَن يُخَفِّفَ عَنكُمْ وَخُلِقَ الْإِنسَانُ ضَعِيفًا (۲۸)

خدا می خواهد [با تشریع ازدواج با زنان مؤمن، و ازدواج با کنیزان مؤمن، و ازدواج موقت، بار مشکلات زندگی و مشقت های روابط نامشروع جنسی را] بر شما سبک کند؛ و انسان [در برابر مشکلات و شهوات جنسی] ناتوان آفریده شده است. (۲۸)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَن تَكُونَ تِجَارَةً عَن تَرَاضٍ مِّنكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا (۲۹)

ای اهل ایمان! اموال یکدیگر را در میان خود به باطل [و از راه حرام و نامشروع] مخورید، مگر آنکه تجارتی از روی خشنودی و رضایت میان خودتان انجام گرفته باشد. و خودکشی نکنید؛ زیرا خدا همواره به شما مهربان است. (۲۹)

وَمَن يَفْعَلْ ذَٰلِكَ عُدْوَانًا وَظُلْمًا فَسَوْفَ نُصْلِيهِ نَارًا وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا (۳۰)

و هر که خوردن مال به باطل و قتل نفس را از روی تجاوز [از حدود خدا] و ستم [بر خود و دیگران] مرتکب شود، به زودی او را در آتشی [آزار دهنده و سوزان] درآوریم؛ واین کار بر خدا آسان است. (۳۰)

إِن تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلْكُم مُّدْخَلًا كَرِيمًا (۳۱)

اگر از گناهان بزرگی که از آنها نهی می شوید دوری کنید، گناهان کوچکتان را از شما محو می کنیم، و شما را به جایگاهی ارزشمند و نیکو وارد می کنیم. (۳۱)

وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِن فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا (۳۲)

و نعمت ها و مال و ثروتی که خدا به سبب آن برخی از شما را بر برخی برتری داده آرزو مکنید [که آرزویش مایه حسد و فساد است. این تفاوت ها و برتری ها لازمه زندگی دنیا و بر اساس محاسبات حکیمانه است، اما در عین حال] برای مردان از آنچه کسب کرده اند بهره ای است، و برای زنان هم از آنچه کسب کرده اند بهره ای است. و [با کمک تقوا و عمل صالح] از بخشش خدا بخواهید، یقیناً خدا همواره به همه چیز داناست. (۳۲)

وَلِكُلٍّ جَعَلْنَا مَوَالِيَ مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَالَّذِينَ عَقَدَتْ أَيْمَانُكُمْ فَآتُوهُمْ نَصِيبَهُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا (۳۳)

و برای هر کسی از آنچه به جای گذاشته وارثانی قرار داده ایم، که از میراث پدر و مادر و خویشاوندان ارث ببرند و کسانی که با آنان پیمان [ازدواج یا پیمان های شرعی و عرفی] بسته اید؛ پس سهم ارث آنان را بدهید؛ یقیناً خدا بر همه چیز گواه است. (۳۳)

ص: ۸۳

الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيًّا كَبِيرًا (۳۴)

مردان، کارگزاران و تدبیرکنندگانِ [زندگی] زنانند، به خاطر آنکه خدا مردان را [از جهت توان جسمی، تحمل مشکلات و قدرت روحی و فکری] بر زنان برتری داده، و به خاطر آنکه [مردان] از اموالشان هزینه زندگی زنان را [به عنوان حقّی واجب] می پردازند؛ پس زنان شایسته و درست کار [با رعایت قوانین حق] فرمانبردار [و مطیع شوهر] ند [و] در برابر حقوقی که خدا [به نفع آنان برعهده شوهرانشان] نهاده است، در غیاب شوهر [حقوق و اسرار و اموال او را] حفظ می کنند. و زنانی که از سرکشی و نافرمانی آنان بیم دارید [در مرحله اول] پندشان دهید، و [در مرحله بعد] در خوابگاه ها از آنان دوری کنید، و [اگر اثر نبخشید] آنان را [به گونه ای که احساس آزار به دنبال نداشته باشد] تنبیه کنید؛ پس اگر از شما اطاعت کردند برای آزار دادن آنان هیچ راهی مجویید؛ یقیناً خدا بلند مرتبه و بزرگ است. (۳۴)

وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِّنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِّنْ أَهْلِهَا إِن يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا (۳۵)

و [شما ای حاکمان شرع و عُقلا و بزرگان خانواده!] اگر از جدایی و ناسازگاری میان زن و شوهر بیم داشتید، پس داوری از خانواده مرد، و داوری از خانواده زن [برای رفع اختلاف] برانگیزید که اگر هر دو داور قصد اصلاح داشته باشند، خدا میان دو داور توافق و سازگاری ایجاد می کند [تا به صلاح زن و شوهر حکم کنند]؛ یقیناً خدا [به نیّات و اعمال شما] دانا و آگاه است. (۳۵)

وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِی الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِی الْقُرْبَى وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَن كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا (۳۶)

و خدا را بپرستید، و چیزی را شریک او قرار ندهید، و به پدر و مادر و خویشاوندان و یتیمان و مستمندان و همسایه نزدیک و همسایه دور و همنشینان و همراهان و در راه ماندگان و بردگان نیکی کنید؛ یقیناً خدا کسی را که متکبر و خودستاست، دوست ندارد. (۳۶)

الَّذِينَ يَبْخَلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَيَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِن فَضْلِهِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُّهِينًا (۳۷)

کسانی که [از انفاق اموالشان در راه خدا] بخل می ورزند، و مردم را به بخل فرمان می دهند، و آنچه را خدا از فضل خود به آنان داده پنهان می کنند، [کافرند] و ما برای کافران عذابی خوارکننده آماده کرده ایم. (۳۷)

ص: ۸۴

وَالَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَن يَكُنِ الشَّيْطَانُ لَهُ قَرِينًا فَسَاءَ قَرِينًا (۳۸)

و آنان که اموالشان را از روی ریا و خودنمایی به مردم انفاق می کنند، و به خدا و روز قیامت ایمان ندارند [شیطان همدم آنان است]. و هر کس شیطانْ همدم او باشد بی تردید بد همدمی است. (۳۸)

وَمَاذَا عَلَيْهِمْ لَوْ آمَنُوا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقَهُمُ اللَّهُ وَكَانَ اللَّهُ بِهِمْ عَلِيمًا (۳۹)

و بر آنان چه زیانی بود اگر به خدا و روز قیامت ایمان می آوردند، و از آنچه خدا به آنان داده انفاق می کردند؟ و خدا همواره به آنان داناست. (۳۹)

إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ وَإِن تَكُ حَسَنَةً يُضَاعِفْهَا وَيُؤْتِ مِن لَّدُنْهُ أَجْرًا عَظِيمًا (۴۰)

یقیناً خدا به اندازه وزن ذرّه ای [به اَحدی] ستم نمی کند، و اگر [هم وزن آن ذرّه] کار نیکی باشد، آن را دو چندان می کند، و از نزد خود پاداشی بزرگ می دهد. (۴۰)

فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِن كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا (۴۱)

پس چگونه است [حال مردم] هنگامی که از هر امتی گواهی [که پیامبر آنان است بر اعمالشان] بیاوریم، و تو را بر آنان گواه آوریم؟! (۴۱)

يَوْمَئِذٍ يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَعَصَوُا الرَّسُولَ لَوْ تُسَوَّى بِهِمُ الْأَرْضُ وَلَا يَكْتُمُونَ اللَّهَ حَدِيثًا (۴۲)

در آن روز کسانی که کفر ورزیده اند و از رسول نافرمانی کرده اند، آرزو می کنند که ای کاش با زمین یکسان می شدند. و

از خدا هیچ سخنی را [که در دنیا درباره قرآن و پیامبر به باطل و ناروا می گفتند] نمی توانند بپوشانند. (۴۲)

یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاهَ وَأَنتُمْ سُکَارَی حَتَّی تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِی سَبِیلٍ حَتَّی تَغْتَسِلُوا وَإِن کُنتُم مَّرْضَی أَوْ عَلَی سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِّنکُم مِّنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَیَمَّمُوا صَعِیدًا طَیِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِکُمْ وَأَیْدِیکُمْ إِنَّ اللَّهَ کَانَ عَفُوًّا غَفُورًا (۴۳)

ای اهل ایمان! در حالی که مستید به نماز نزدیک نشوید تا زمانی که [مستیِ شما برطرف شود و از روی هوشیاری] بدانید [که در حال نماز] چه می گویید. و در حال جنابت هم به نماز نزدیک نشوید تا غسل کنید مگر در حال سفر [که آب نیابید، پس با تیمّم نماز بخوانید]. و اگر بیمارید، یا در سفرید، یا یکی از شما از قضای حاجت [دستشویی] آمده، یا با زنان آمیزش کرده اید و آبی [برای وضو یا غسل] نیافتید، به خاکی پاک، تیمم کنید و بخشی از صورت و دست هایتان را [با آن] مسح نمایید؛ یقیناً خدا همواره گذشت کننده و بسیار آمرزنده است. (۴۳)

أَلَمْ تَرَ إِلَی الَّذِینَ أُوتُوا نَصِیبًا مِّنَ الْکِتَابِ یَشْتَرُونَ الضَّلَالَهَ وَیُرِیدُونَ أَن تَضِلُّوا السَّبِیلَ (۴۴)

آیا به کسانی که بهره ای اندک از علم کتابِ [تورات و انجیل] به آنان داده شده ننگریستی [که با پنهان داشتن حقایق کتاب و تحریف آیاتش] گمراهی را می خرند، و [از روی حسادت و دشمنی] می خواهند شما هم از راه مستقیم گمراه شوید؟! (۴۴)

ص: ۸۵

وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِأَعْدَائِکُمْ وَکَفَی بِاللَّهِ وَلِیًّا وَکَفَی بِاللَّهِ نَصِیرًا (۴۵)

و خدا به دشمنان شما داناتر است. و بس است که خدا سرپرست شما باشد، و کافی است که خدا یاور شما باشد. (۴۵)

مِّنَ الَّذِینَ هَادُوا یُحَرِّفُونَ الْکَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهِ وَیَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَیْنَا وَاسْمَعْ غَیْرَ مُسْمَعٍ وَرَاعِنَا لَیًّا بِأَلْسِنَتِهِمْ وَطَعْنًا فِی الدِّینِ وَلَوْ أَنَّهُمْ قَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَاسْمَعْ وَانظُرْنَا لَکَانَ خَیْرًا لَّهُمْ وَأَقْوَمَ وَلَکِن لَّعَنَهُمُ اللَّهُ بِکُفْرِهِمْ فَلَا یُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِیلًا (۴۶)

برخی از کسانی که یهودی اند، حقایق [کتاب آسمانی] را [با تفسیرهای نابجا و تحلیل های غلط و ناصواب] از جایگاه های اصلی و معانی حقیقی اش تغییر می دهند، و [به زبان ظاهر به پیامبر] می گویند: [دعوتت را] شنیدیم و [به باطن می گویند:] نافرمانی کردیم و [از روی توهین به پیامبر بر ضد او فریاد می زنند: سخنان ما را] بشنو که [ای کاش] ناشنوا شوی. و با پیچ و خم دادن زبان و آوازشان و به نیّت عیب جویی از دین [به آهنگی، کلمه] راعنا [را که در عربی به معنای «ما را رعایت کن» است، تلفظ می کنند که برای شنونده، راعنا که مفهومی خارج از ادب دارد، تداعی می شود]. و اگر آنان [به جای این همه اهانت از روی صدق و حقیقت] می گفتند: شنیدیم و اطاعت کردیم و [سخنان ما را] بشنو و ما را مهلت ده [تا معارف اسلام را درک کنیم] قطعاً برای آنان بهتر و درست تر بود، ولی خدا آنان را به سبب کفرشان لعنت کرده، پس جز عده اندکی ایمان نمی آورند. (۴۶)

یَا أَیُّهَا الَّذِینَ أُوتُوا الْکِتَابَ آمِنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَکُم مِّن قَبْلِ أَن نَّطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلَی أَدْبَارِهَا أَوْ نَلْعَنَهُمْ کَمَا لَعَنَّا

أَصْحَابَ السَّبْتِ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا (۴۷)

ای کسانی که به شما کتاب آسمانی داده شده! به آنچه [بر پیامبر اسلام] نازل کردیم که تصدیق کننده تورات و انجیلی است که با شماست ایمان آورید، پیش از آنکه چهره هایی را [از شکل و شخصیت انسانی] محو کنیم، و [به کیفر تکبّر در برابر پیامبر اسلام و قرآن] به کفر و گمراهی بازگردانیم، یا چنان که اصحاب سبت را لعنت کردیم، لعنت کنیم؛ و فرمان خدا همواره شدنی است. (۴۷)

إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَن يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَن يَشَاءُ وَمَن يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدِ افْتَرَى إِثْمًا عَظِيمًا (۴۸)

مسلماً خدا اینکه به او شرک ورزیده شود نمی آمرزد، و غیر آن را برای هر کس که بخواهد می آمرزد. و هر که به خدا شرک بیاورد، مسلماً گناه بزرگی را مرتکب شده است. (۴۸)

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يُزَكُّونَ أَنفُسَهُم بَلِ اللَّهُ يُزَكِّي مَن يَشَاءُ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا (۴۹)

آیا به کسانی که خود را به پاکی می ستایند، ننگریستی؟ [این خودستایی هیچ ارزشی و اعتباری ندارد] بلکه خداست که هر که را بخواهد [بر اساس ملاک های تعیین شده از سوی خود] می ستاید، و [گروهی که به ناحق، خود را می ستایند در کیفر و مجازات] به اندازه رشته میان هسته خرما مورد ستم قرار نمی گیرند. (۴۹)

انظُرْ كَيفَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَكَفَى بِهِ إِثْمًا مُّبِينًا (۵۰)

با تأمل بنگر چگونه [قوم یهود با ادعای پاکی خویش در پیشگاه حق] بر خدا دروغ می بندند، و همین گناه آشکار [برای خواری و عذاب آنان] کافی است. (۵۰)

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِّنَ الْكِتَابِ يُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَيَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا هَؤُلَاءِ أَهْدَى مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا سَبِيلًا (۵۱)

آیا به کسانی که بهره ای اندک از [دانش] کتاب [تورات و انجیل] به آنان داده شده ننگریستی که به هر معبودی غیر خدا، و هر طغیان گری ایمان می آورند؟! و درباره کسانی که کافر شده اند، می گویند: آنان از کسانی که ایمان [به قرآن و پیامبر] آورده اند، راه یافته ترند. (۵۱)

ص: ۸۶

أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَمَن يَلْعَنِ اللَّهُ فَلَن تَجِدَ لَهُ نَصِيرًا (۵۲)

اینانند که خدا لعنتشان کرده و هر که را خدا لعنت کند، هرگز برای او یاوری نخواهی یافت. (۵۲)

أَمْ لَهُمْ نَصِيبٌ مِّنَ الْمُلْكِ فَإِذًا لَّا يُؤْتُونَ النَّاسَ نَقِيرًا (۵۳)

آیـا آنـان را بهره ای از حکومت است [که بخواهنـد چیزی به مردم دهنـد و کارسـاز دنیـا و آخرتشـان باشـند، اگر هم بهره ای باشد] در این صورت به اندازه گودی پشت هسته خرما به مردم نمی پردازند. (۵۳)

أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِن فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُم مُّلْكًا عَظِيمًا (۵۴)

بلکه آنان به مردم [که در حقیقتْ پیامبر و اهل بیت اوینـد] به خاطر آنچه خـدا از فضـلش به آنان عطا کرده، حسـد می ورزند. تحقیقاً ما به خاندان ابراهیم کتاب و حکمت دادیم، و به آنان فرمانروایی بزرگی بخشیدیم. (۵۴)

فَمِنْهُم مَّنْ آمَنَ بِهِ وَمِنْهُم مَّن صَدَّ عَنْهُ وَكَفَى بِجَهَنَّمَ سَعِيرًا (۵۵)

پس برخی از آنان [که اهل کتاب اند] به او [که پیامبر اسـلام و والاترین فرد از خاندان ابراهیم است] ایمان آوردند، و گروهی از او روی گردانیده اند، و دوزخ که آتشی سوزان و برافروخته است، برای آنان کافی است. (۵۵)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُصْلِيهِمْ نَارًا كُلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُم بَدَّلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا (۵۶)

یقیناً کسـانی که به آیـات ما کافر شدنـد به زودی آنان را به آتشـی [شـکنجه آور و سوزان] درآوریم، هرگاه پوسـتشان بریان شود، پوست های دیگری جایگزین آن می کنیم تا عذاب را بچشند؛ یقیناً خدا توانای شکست ناپذیر و حکیم است. (۵۶)

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَّهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ وَنُدْخِلُهُمْ ظِلًّا ظَلِيلًا (۵۷)

و کسانی که ایمان آورده اند و کارهای شایسته انجام داده اند، به زودی آنان را در بهشت هایی که از زیرِ [درختانِ] آن نهرها جـاری است، وارد کنیم، در آنجـا جـاودانه انـد؛ آنـان را در آنجـا همسـرانی پاکیزه است، و آنان را در زیر سایه ای پایـدار [و دلپذیر، آرام بخش و خنک] درآوریم. (۵۷)

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَن تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَى أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُم بَيْنَ النَّاسِ أَن تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُم بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا (۵۸)

خـدا قاطعـانه به شـما فرمـان می دهـد که امـانت هـا را به صاحبانش بازگردانیـد و هنگامی که میان مردم داوری می کنیـد، به عـدالت داوری کنیـد. یقیناً [فرمان بازگردانیدن امانت و عدالت در داوری] نیکو چیزی است که خدا شـما را به آن موعظه می کند؛ بی تردید خدا همواره شنوا و بیناست. (۵۸)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا (۵۹)

ای اهل ایمان! از خـدا اطاعت کنیـد و [نیز] از پیامبر و صاحبان امر خودتان [که امامان از اهل بیت اند و چون پیامبر دارای مقام عصـمت می باشـند] اطـاعت کنیـد. و اگر دربـاره چیزی [از احکام و امور مادی و معنوی و حکومت و جانشـینی پس از پیامبر] نزاع داشتیـد، آن را [برای فیصـله یافتنش] اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید، به خدا و پیامبر ارجاع دهید؛ این [ارجاع دادن] برای شما بهتر واز نظر عاقبت نیکوتر است. (۵۹)

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِن قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَن يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَن يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَن يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا (۶۰)

آیا به کسانی که گمان می کننـد به آنچه بر تو و پیش از تو نازل شـده ایمان آورده انـد، ننگریستی، که می خواهند [در موارد نزاع و اختلافشان] داوری و محاکمه نزد طاغوت برنـد؟ [همان حاکمان سـتمکار و قاضـیان رشوه خواری که جز به باطل حکم نمی رانند،] در حالی که فرمان یافته اند به طاغوت کفر ورزند، و شـیطان [با سوق دادنشان به محاکم طاغوت] می خواهد آنان را به گمراهی دوری [که هرگز به رحمت خدا دست نیابند] دچار کند. (۶۰)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَى مَا أَنزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ رَأَيْتَ الْمُنَافِقِينَ يَصُدُّونَ عَنكَ صُدُودًا (۶۱)

چون به آنان گوینـد: [برای داوری و محاکمه] به سوی آنچه خـدا نازل کرده، و به سوی پیامبر آییـد، منافقان را می بینی که از تو به شدت روی می گردانند! (۶۱)

فَكَيْفَ إِذَا أَصَابَتْهُم مُّصِيبَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ ثُمَّ جَاءُوكَ يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا إِحْسَانًا وَتَوْفِيقًا (۶۲)

پس [وضع و حالشان] چگونه خواهـد بود هنگامی که به سـبب آنچه مرتکب شـده انـد، حادثه ناگواری به آنان برسد، آن گاه در حالی که به خـدا سوگنـد می خورند، نزد تو می آیند که ما [از داوری بردن نزد طاغوت] نیّتی جز نیکی و برقراری صـلح و سازش [میان طرفین نزاع] نداشتیم. (۶۲)

أُولَئِكَ الَّذِينَ يَعْلَمُ اللَّهُ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَعِظْهُمْ وَقُل لَّهُمْ فِي أَنفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا (۶۳)

اینـان کسـانی هسـتند که خـدا آنچه را که [از نیّات شوم، کینه و نفـاق] در دل های آنان است می دانـد؛ بنابراین از آنان روی برتاب، و پندشان ده، و به آنان سخنی رسا که در دلشان اثر کند بگوی. (۶۳)

وَمَا أَرْسَلْنَا مِن رَّسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذ ظَّلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَّحِيمًا (۶۴)

و هیـچ پیامبری را نفرسـتادیم مگر آنکه به توفیق خدا از او اطاعت شود. و اگر آنان هنگامی که [با ارتکاب گناه] به خود سـتم کردند، نزد تو می آمدند و از خدا آمرزش می خواسـتند، و پیامبر هم برای آنان طلب آمرزش می کرد، یقیناً خدا را بسیار توبه

پذیر و مهربان می یافتند. (۶۴)

فَلَا وَرَبِّکَ لَا یُؤْمِنُونَ حَتَّى یُحَکِّمُوکَ فِیمَا شَجَرَ بَیْنَهُمْ ثُمَّ لَا یَجِدُوا فِی أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَیْتَ وَیُسَلِّمُوا تَسْلِیمًا (۶۵)

به پروردگارت سوگند که آنان مؤمن حقیقی نخواهند بود، مگر آنکه تو را در آنچه میان خود نزاع واختلاف دارند به داوری بپذیرند؛ سپس از حکمی که کرده ای دروجودشان هیچ دل تنگی و ناخشنودی احساس نکنند، وبه طور کامل تسلیم شوند. (۶۵)

وَلَوْ أَنَّا کَتَبْنَا عَلَیْهِمْ أَنِ اقْتُلُوا أَنفُسَکُمْ أَوِ اخْرُجُوا مِن دِیَارِکُم مَّا فَعَلُوهُ إِلَّا قَلِیلٌ مِّنْهُمْ وَلَوْ أَنَّهُمْ فَعَلُوا مَا یُوعَظُونَ بِهِ لَکَانَ خَیْرًا لَّهُمْ وَأَشَدَّ تَثْبِیتًا (۶۶)

و اگر بر آنان مقرّر می کردیم که خودکشی کنید، یا از دیار و کاشانه خود بیرون روید، جز اندکی از آنان انجام نمی دادند. و اگر آنچه را که به آن پند داده می شوند عمل می کردند، مسلماً برای آنان بهتر و در [جهت تثبیت ایمان و] استواری قدم، مؤثرتر و قوی تر بود. (۶۶)

وَإِذًا لَّآتَیْنَاهُم مِّن لَّدُنَّا أَجْرًا عَظِیمًا (۶۷)

و ما نیز در آن صورت آنان را به طور یقین پاداشی بزرگ می دادیم. (۶۷)

وَلَهَدَیْنَاهُمْ صِرَاطًا مُّسْتَقِیمًا (۶۸)

و بی تردید آنان را به راهی راست راهنمایی می کردیم. (۶۸)

وَمَن یُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِکَ مَعَ الَّذِینَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَیْهِم مِّنَ النَّبِیِّینَ وَالصِّدِّیقِینَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِینَ وَحَسُنَ أُولَئِکَ رَفِیقًا (۶۹)

و کسانی که از خدا و پیامبر اطاعت کنند، در زمره کسانی از پیامبران و صدّیقان و شهیدان و شایستگان خواهند بود که خدا به آنان نعمت [ایمان، اخلاق و عمل صالح] داده؛ و اینان نیکو رفیقانی هستند. (۶۹)

ذَلِکَ الْفَضْلُ مِنَ اللَّهِ وَکَفَى بِاللَّهِ عَلِیمًا (۷۰)

این [رفاقت با آنان] بخشش و فضلی از سوی خداست، و [در استحقاق این کرامت و فضل] کافی است که خدا [به نیّات و اعمال مطیعان] داناست. (۷۰)

یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَکُمْ فَانفِرُوا ثُبَاتٍ أَوِ انفِرُوا جَمِیعًا (۷۱)

ای اهل ایمان! [در برابر دشمنْ مهیا و آماده باشید و] سلاح ها و ساز و برگ جنگی خود را برگیرید، پس گروه گروه یا دسته

جمعی [به سوی جنگ با دشمن] کوچ کنید. (۷۱)

وَإِنَّ مِنكُمْ لَمَن لَّيُبَطِّئَنَّ فَإِنْ أَصَابَتْكُم مُّصِيبَةٌ قَالَ قَدْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيَّ إِذْ لَمْ أَكُن مَّعَهُمْ شَهِيدًا (۷۲)

یقیناً از شما کسی است که [از رفتن به سوی جنگ] درنگ و کُندی می کند، پس اگر به شما [رزمندگانی که به جنگ رفته اید] آسیبی رسد، گوید: خدا بر من محبت و لطف داشت که با آنان [در میدان جنگ] حاضر نبودم. (۷۲)

وَلَئِنْ أَصَابَكُمْ فَضْلٌ مِّنَ اللَّهِ لَيَقُولَنَّ كَأَن لَّمْ تَكُن بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُ مَوَدَّةٌ يَا لَيْتَنِي كُنتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا (۷۳)

و اگر بخشش و فضلی از سوی خدا به شما رسد چنان که گویی میان شما و او هرگز دوستی و مودّتی نبوده، [و از جنگ شما با دشمن آگاهی نداشته، و برای اینکه از پیروزی و غنیمت سهمی نبرده، آه سردی می کشد و] می گوید: ای کاش من هم با آنان بودم، پس به کامیابی بزرگی دست می یافتم. (۷۳)

فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَن يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا (۷۴)

باید کسانی که زندگیِ زودگذرِ دنیا را با سرای جاویدان آخرت مبادله می کنند، در راه خدا بجنگند. و هر که در راه خدا بجنگد و کشته شود، یا بر دشمن پیروز گردد، پس پاداش بزرگی به او خواهیم داد. (۷۴)

ص: ۸۹

وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَـٰذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ وَلِيًّا وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ نَصِيرًا (۷۵)

شما را چه شده که در راه خدا و [رهایی] مردان و زنان و کودکان مستضعف [ی که ستمکاران هر گونه راه چاره را بر آنان بسته اند] نمی جنگید؟ آن مستضعفانی که همواره می گویند: پروردگارا! ما را از این شهری که اهلش ستمکارند، بیرون ببر و از سوی خود، سرپرستی برای ما بگمار و از جانب خود برای ما یاوری قرار ده. (۷۵)

الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا (۷۶)

آنان که ایمان آورده اند، در راه خدا می جنگند؛ و کسانی که کافر شده اند، در راه طاغوت می جنگند. پس شما با یاران شیطان بجنگید، که یقیناً نیرنگ و توطئه شیطان [در برابر اراده خدا و پایداری شما] سست و بی پایه است. (۷۶)

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِّنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْلَا أَخَّرْتَنَا إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّمَنِ اتَّقَى وَلَا تُظْلَمُونَ فَتِيلًا (۷۷)

آیا ندیدی کسانی را که [پیش از اعلام حکم جهاد] به آنان گفته شد: [چون زمینه جنگ فراهم نیست] دست از جنگ بازدارید و [در این شرایط] نماز را بر پا دارید، و زکات بپردازید. ولی هنگامی که جنگ بر آنان لازم و مقرّر شد، ناگاه گروهی از آنان مانند ترس از [عقوبت] خدا یا ترسی سخت تر از آن از مردم [مُشرک] ترسیدند و گفتند: پروردگارا! چرا جنگ را بر ما لازم و مقرّر کردی؟ و چرا ما را تا زمانی نزدیک [که زمان مرگ طبیعی است] مهلت ندادی؟ بگو: متاع دنیا اندک، و آخرت برای آنان که تقوا ورزیده اند بهتر است؛ و به اندازه رشته میان هسته خرما مورد ستم قرار نمی گیرند. (٧٧)

أَیْنَمَا تَکُونُوا یُدْرِککُّمُ الْمَوْتُ وَلَوْ کُنتُمْ فِی بُرُوجٍ مُّشَیَّدَهٍ وَإِن تُصِبْهُمْ حَسَنَهٌ یَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِندِ اللَّهِ وَإِن تُصِبْهُمْ سَیِّئَهٌ یَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِندِکَ قُلْ کُلٌّ مِّنْ عِندِ اللَّهِ فَمَالِ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ لَا یَکَادُونَ یَفْقَهُونَ حَدِیثًا (٧٨)

هر کجا باشید هر چند در قلعه های مرتفع و استوار، مرگ شما را درمی یابد. و اگر خیری [چون پیروزی و غنیمت] به آنان [که سست ایمان و منافق اند] برسد، می گویند: این از سوی خداست. و اگر سختی وحادثه ای [چون بیماری، تنگدستی، شکست وناکامی] به آنان رسد [به پیامبر اسلام] می گویند: از ناحیه توست. بگو: همه اینها از سوی خداست. این گروه را چه شده که نمی خواهند [معارف الهیّه وحقایق را] بفهمند؟! (٧٨)

مَّا أَصَابَکَ مِنْ حَسَنَهٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَکَ مِن سَیِّئَهٍ فَمِن نَّفْسِکَ وَأَرْسَلْنَاکَ لِلنَّاسِ رَسُولًا وَکَفَی بِاللَّهِ شَهِیدًا (٧٩)

[ای انسان!] آنچه از نیکی به تو رسد، از سوی خداست و آنچه از بدی به تو رسد، از سوی خود توست. و [ای پیامبر! از نیکی هایی که از سوی ماست اینکه] تو را برای مردم به پیامبری فرستادیم، و گواه بودن خدا [بر پیامبریِ تو] کافی است. (٧٩)

ص: ٩٠

مَّن یُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَن تَوَلَّی فَمَا أَرْسَلْنَاکَ عَلَیْهِمْ حَفِیظًا (٨٠)

هر که از پیامبر اطاعت کند، در حقیقت از خدا اطاعت کرده و هر که روی برتابد [حسابش با ماست.] ما تو را بر آنان نگهبان [اعمالشان که به طور اجبار از فسق و فجور حفظشان کنی] نفرستادیم. (٨٠)

وَیَقُولُونَ طَاعَهٌ فَإِذَا بَرَزُوا مِنْ عِندِکَ بَیَّتَ طَائِفَهٌ مِّنْهُمْ غَیْرَ الَّذِی تَقُولُ وَاللَّهُ یَکْتُبُ مَا یُبَیِّتُونَ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَتَوَکَّلْ عَلَی اللَّهِ وَکَفَی بِاللَّهِ وَکِیلًا (٨١)

و [آنان در محضر تو] می گویند: ما مطیع و فرمانبرداریم، ولی هنگامی که از نزد تو بیرون می روند، گروهی از آنان در شب نشینی های مخفیانه خود بر خلاف آنچه تو می گویی، [و غیر آنچه در حضورت می گفتند] تدبیر می کنند. خدا آنچه را که در شب نشینی های مخفیانه تدبیر می کنند [در پرونده اعمالشان] می نویسد. بنابراین از آنان روی برتاب، و بر خدا توکل کن؛ و کارساز بودنِ خدا [نسبت به امور بندگان] کافی است. (٨١)

أَفَلَا یَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ کَانَ مِنْ عِندِ غَیْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِیهِ اخْتِلَافًا کَثِیرًا (٨٢)

آیا به قرآن [عمیقاً] نمی اندیشند؟ چنانچه از سوی غیر خدا بود، همانا در آن اختلاف و ناهمگونی بسیاری می یافتند. (۸۲)

وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِّنَ الْأَمْنِ أَوِ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا (۸۳)

و هنگامی که خبری از ایمنی و ترس [چون پیروزی و شکست] به آنان [که مردمی سست ایمان اند] رسد، [بدون بررسی در درستی و نادرستی اش] آن را منتشر می کنند، و [در صورتی که] اگر آن خبر را به پیامبر و اولیای امورشان [که به سبب بینش و بصیرتْ دارای قدرت تشخیص و اهل تحقیق اند] ارجاع می دادند، درستی و نادرستی اش را در می یافتند؛ [چنانچه به مصلحت جامعه بود، انتشارش را اجازه می دادند و اگر نبود، از انتشارش منع می کردند] و اگر فضل و رحمت خدا بر شما نبود، یقیناً همه شما جز اندکی، از شیطان پیروی می کردید. (۸۳)

فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا تُكَلَّفُ إِلَّا نَفْسَكَ وَحَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَسَى اللَّهُ أَن يَكُفَّ بَأْسَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَاللَّهُ أَشَدُّ بَأْسًا وَأَشَدُّ تَنكِيلًا (۸۴)

پس در راه خدا به جنگ برخیز. تو فقط به [وظایف و اعمال] خودت مکلّف می باشی، و مؤمنان را [هم به جنگ با دشمن برانگیز و] تشویق کن؛ امید است خدا آسیب و گزند کافران را [از تو و مؤمنان] بازدارد؛ و خداست که صولت وقدرتش شدیدتر، وعذاب وکیفرش سخت تر است. (۸۴)

مَّن يَشْفَعْ شَفَاعَةً حَسَنَةً يَكُن لَّهُ نَصِيبٌ مِّنْهَا وَمَن يَشْفَعْ شَفَاعَةً سَيِّئَةً يَكُن لَّهُ كِفْلٌ مِّنْهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُّقِيتًا (۸۵)

هر کس وساطت پسندیده ای کند، [تا کار خیری چون جهاد، احسان به مردم و حلّ مشکلات جامعه انجام گیرد] بهره ای از آن برای او خواهد بود، و هر کس وساطت ناپسندی کند [تا شرّی و باطلی به وجود آید و زیانی به مردم رسد] سهمی از [گناه و وبال] آن برای او خواهد بود؛ و خدا همواره نگهبان بر هر چیزی است. (۸۵)

وَإِذَا حُيِّيتُم بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا (۸۶)

و هنگامی که به شما درود گویند، شما درودی نیکوتر از آن، یا همانندش را پاسخ دهید؛ یقیناً خدا همواره بر همه چیز حسابرس است. (۸۶)

ص: ۹۱

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا (۸۷)

خداست که هیچ معبودی جز او نیست. مسلماً شما را [از گورهایتان] به سوی [دادگاهِ حسابرسی] روز قیامت که هیچ شکی در آن نیست گرد می آورد؛ و راستگوتر از خدا در گفتار کیست؟ (۸۷)

فَمَا لَكُمْ فِی الْمُنَافِقِینَ فِئَتَیْنِ وَاللَّهُ أَرْكَسَهُم بِمَا كَسَبُوا أَتُرِیدُونَ أَن تَهْدُوا مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ وَمَن یُضْلِلِ اللَّهُ فَلَن تَجِدَ لَهُ سَبِیلًا (۸۸)

شما را چه شده که درباره منافقین دو گروه شده اید؟ [گروهی شفیع و طرفدار، و گروهی مخالف و دشمن آنان] در صورتی که خدا آنان را به کیفر اعمال ناپسندی که مرتکب شده اند [در چاه کفر و گمراهی] نگونسار کرده است. آیا می خواهید کسانی را که خدا [به خاطر اعمال ناپسندشان] گمراه کرده هدایت کنید؟ [ای پیامبر!] در حالی که خدا هر که را گمراه کند هرگز برای او راهی [به سوی هدایت] نخواهی یافت. (۸۸)

وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً فَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ أَوْلِیَاءَ حَتَّی یُهَاجِرُوا فِی سَبِیلِ اللَّهِ فَإِن تَوَلَّوْا فَخُذُوهُمْ وَاقْتُلُوهُمْ حَیْثُ وَجَدتُّمُوهُمْ وَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ وَلِیًّا وَلَا نَصِیرًا (۸۹)

آنان دوست دارند همان گونه که خود کافر شده اند، شما هم کافر شوید، تا [در کفر و ضلالت] با هم برابر و یکسان باشید. بنابراین از آنان دوستانی انتخاب نکنید تا آنکه در راه خدا [برای پذیرش دین] هجرت کنند؛ پس اگر [از هجرت] روی برتافتند [و به خیانت و جنایتشان بر ضد شما ادامه دادند] آنان را هر کجایافتید بگیرید و بکشید، و از آنان یار و یاوری نگیرید. (۸۹)

إِلَّا الَّذِینَ یَصِلُونَ إِلَی قَوْمٍ بَیْنَكُمْ وَبَیْنَهُم مِّیثَاقٌ أَوْ جَاءُوكُمْ حَصِرَتْ صُدُورُهُمْ أَن یُقَاتِلُوكُمْ أَوْ یُقَاتِلُوا قَوْمَهُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَسَلَّطَهُمْ عَلَیْكُمْ فَلَقَاتَلُوكُمْ فَإِنِ اعْتَزَلُوكُمْ فَلَمْ یُقَاتِلُوكُمْ وَأَلْقَوْا إِلَیْكُمُ السَّلَمَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَیْهِمْ سَبِیلًا (۹۰)

مگر آنان که به گروهی که میان شما و ایشان پیمانی [چون پیمان متارکه جنگ یا پیمان های دیگر] است بپیوندند، یا در حالی که سینه هایشان از جنگیدن با شما یا قوم خودشان به تنگ آمده باشد به نزد شما آیند. و اگر خدا می خواست قطعاً آنان را بر شما مسلط می کرد، در آن صورت به طور یقین با شما می جنگیدند. پس اگر از شما کناره گرفتند، و با شما به جنگ برنخاستند، و پیشنهاد صلح و آشتی دادند، [به آنان تعدّی نکنید که] خدا در این صورت برای تجاوز به آنان راهی برای شما قرار نداده است. (۹۰)

سَتَجِدُونَ آخَرِینَ یُرِیدُونَ أَن یَأْمَنُوكُمْ وَیَأْمَنُوا قَوْمَهُمْ كُلَّ مَا رُدُّوا إِلَی الْفِتْنَهِ أُرْكِسُوا فِیهَا فَإِن لَّمْ یَعْتَزِلُوكُمْ وَیُلْقُوا إِلَیْكُمُ السَّلَمَ وَیَكُفُّوا أَیْدِیَهُمْ فَخُذُوهُمْ وَاقْتُلُوهُمْ حَیْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأُولَئِكُمْ جَعَلْنَا لَكُمْ عَلَیْهِمْ سُلْطَانًا مُّبِینًا (۹۱)

به زودی گروهی دیگر را می یابید که می خواهند [با پیمان متارکه جنگ] از ناحیه شما و قوم [مُشرِک] خود ایمن و آسوده باشند، [ولی اینان به خاطر خباثت باطنشان نسبت به پیمان هایشان مورد اطمینان نیستند، به همین سبب] هر بار به فتنه [و جنگ با مسلمانان] دعوت شدند، با سر در آن فرو می افتند. پس اگر [از جنگ با شما] کناره نگرفتند، و پیشنهاد صلح و آشتی نکردند، و بر ضد شما دست [از فتنه و آشوب] برنداشتند، آنان را هر جا یافتید بگیرید و بکشید؛ آنانند که ما برای شما نسبت به [گرفتن و کشتن] آنان دلیلی روشن و آشکار قرار دادیم. (۹۱)

ص: ۹۲

وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَن يَقْتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَأً وَمَن قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَأً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُّؤْمِنَةٍ وَدِيَةٌ مُّسَلَّمَةٌ إِلَى أَهْلِهِ إِلَّا أَن يَصَّدَّقُوا فَإِن كَانَ مِن قَوْمٍ عَدُوٍّ لَّكُمْ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُّؤْمِنَةٍ وَإِن كَانَ مِن قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُم مِّيثَاقٌ فَدِيَةٌ مُّسَلَّمَةٌ إِلَى أَهْلِهِ وَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُّؤْمِنَةٍ فَمَن لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ تَوْبَةً مِّنَ اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا (۹۲)

هیچ مؤمنی را نسزد که مؤمنی را بکشد، مگر آنکه این عمل از روی خطا و اشتباه اتفاق افتد. و کسی که مؤمنی را از روی خطا و اشتباه بکشد، باید یک برده مؤمن آزاد کند، و خون بهایی به وارثان مقتول پرداخت نماید؛ مگر آنکه آنان خون بها را ببخشند. و اگر مقتول از گروهی باشد که دشمن شمایند و خود او مؤمن است، فقط آزاد کردن یک برده مؤمن بر عهده قاتل است. و اگر مقتول مؤمن، از گروهی باشد که میان شما و آنان پیمانی برقرار است، باید خون بهایش را به وارثان او پرداخت کند، و نیز یک برده مؤمن آزاد نماید. و کسی که برده نیافت، باید دو ماه پیاپی روزه بگیرد. [این حکم] به سبب [پذیرش] توبه [قاتل] از سوی خداست؛ و خدا همواره دانا و حکیم است. (۹۲)

وَمَن يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُّتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا (۹۳)

و هر کس مؤمنی را از روی عمد بکشد، کیفرش دوزخ است که در آن جاودانه خواهد بود، و خدا بر او خشم گیرد، و وی را لعنت کند و عذابی بزرگ برایش آماده سازد. (۹۳)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَى إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَعِندَ اللَّهِ مَغَانِمُ كَثِيرَةٌ كَذَلِكَ كُنتُم مِّن قَبْلُ فَمَنَّ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنُوا إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا (۹۴)

ای اهل ایمان! هنگامی که در راه خدا [برای نبرد با دشمن] سفر می کنید [در مسیر سفر نسبت به شناخت مؤمن از کافر] تحقیق و تفحّص کامل کنید. و به کسی که نزد شما اظهار اسلام می کند، نگویید: مؤمن نیستی. [تا] برای به دست آوردن کالای بی ارزش و ناپایدار زندگی دنیا [او را بکشید، اگر خواهان غنیمت هستید] پس [برای شما] نزد خدا غنایم فراوانی است. شما هم پیش از این ایمانتان ایمانی ظاهری بود؛ خدا بر شما منّت نهاد [تا به ایمان استوار و محکم رسیدید]. پس باید تحقیق و تفحّص کامل کنید [تا به دست شما کاری خلاف اوامر خدا انجام نگیرد] یقیناً خدا همواره به آنچه انجام می دهید، آگاه است. (۹۴)

ص: ۹۳

لَّا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا (۹۵)

آن گروه از مؤمنانی که بدون بیماری جسمی [و نقص مالی، و عذر دیگر، از رفتن به جهاد خودداری کردند و] در خانه نشستند، با مجاهدانی که در راه خدا با اموال و جان هایشان به جهاد برخاستند، یکسان نیستند. خدا کسانی را که با اموال و جان هایشان جهاد می کنند به مقام و مرتبه ای بزرگ بر خانه نشینان برتری بخشیده است. و هر یک [از این دو گروه] را [به خاطر ایمان و عمل صالحشان] وعده پاداش نیک داده، و جهادکنندگان را بر خانه نشینانِ [بی عُذر] به پاداشی بزرگ برتری داده است. (۹۵)

دَرَجَاتٍ مِّنْهُ وَمَغْفِرَةً وَرَحْمَةً وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا (۹۶)

به درجات و رتبه هایی، و آمرزش و رحمتی ویژه از سوی خود؛ و خدا همواره بسیار آمرزنده و مهربان است. (۹۶)

إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا (۹۷)

قطعاً کسانی که [با ترک هجرت از دیار کفر، و ماندن زیر سلطه کافران و مشرکان] بر خویش ستم کردند [هنگامی که] فرشتگانْ آنان را قبض روح می کنند، به آنان می گویند: [از نظر دین داری و زندگی] در چه حالی بودید؟ می گویند: ما در زمین، مستضعف بودیم. فرشتگان می گویند: آیا زمین خدا وسیع و پهناور نبود تا در آن [از محیط شرک به دیار ایمان] مهاجرت کنید؟! پس جایگاهشان دوزخ است و آن بد بازگشت گاهی است. (۹۷)

إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا (۹۸)

مگر مردان و زنان و کودکان مستضعفی که [برای نجات خود از محیط کفر و شرک] هیچ چاره ای ندارند، و راهی [برای هجرت] نمی یابند. (۹۸)

فَأُولَئِكَ عَسَى اللَّهُ أَن يَعْفُوَ عَنْهُمْ وَكَانَ اللَّهُ عَفُوًّا غَفُورًا (۹۹)

پس اینانند که امید است خدا از آنان درگذرد؛ و خدا همواره گذشت کننده و بسیار آمرزنده است. (۹۹)

وَمَن يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاغَمًا كَثِيرًا وَسَعَةً وَمَن يَخْرُجْ مِن بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا (۱۰۰)

و هر کس در راه خدا هجرت کند، اقامت گاه های فراوان و فراخیِ معیشت خواهد یافت. و کسی که از خانه خود به قصد مهاجرت به سوی خدا و پیامبرش بیرون رود، سپس مرگ او را دریابد، مسلماً پاداشش بر خداست؛ و خدا همواره بسیار آمرزنده و مهربان است. (۱۰۰)

وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَن تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَن يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِينًا (۱۰۱)

و هنگامی که در روی زمین سفر می کنید، اگر بترسید که کافران به شما آسیب و آزار رسانند، بر شما گناهی نیست که از نمازها [یِ چهار رکعتی خود، دو رکعت] بکاهید؛ زیرا کافران همواره برای شما دشمنی آشکارند. (۱۰۱)

ص: ۹۴

وَإِذَا كُنتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلْتَقُمْ طَائِفَةٌ مِّنْهُم مَّعَكَ وَلْيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ فَإِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا مِن وَرَائِكُمْ وَلْتَأْتِ طَائِفَةٌ

أَخْرَى لَمْ يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ وَدَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُم مَّيْلَةً وَاحِدَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِن كَانَ بِكُمْ أَذًى مِّن مَّطَرٍ أَوْ كُنتُم مَّرْضَى أَن تَضَعُوا أَسْلِحَتَكُمْ وَخُذُوا حِذْرَكُمْ إِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُّهِينًا (۱۰۲)

و هنگامی که در [عرصه نبرد و خطر] میان آنان باشی، و برای آنان [به جماعت] اقامه نماز کنی، پس باید گروهی از رزمندگان در حالی که لازم است سلاحشان را برگیرند، همراهت به نماز ایستند، و چون سجده کردند [و رکعت دوم را بدون اتصال به جماعت به پایان بردند] باید [برای حفاظت از شما] پشت سرتان قرار گیرند. و آن گروه دیگر که [به خاطر مشغول بودن به حفاظت] نماز نخوانده اند بیایند و با تو نماز گزارند. و آنان باید [در حال نماز] از هوشیاری و احتیاط [نسبت به دشمن] غافل نباشند، و سلاحشان را با خود برگیرند؛ چون کافران دوست دارند شما از سلاح ها و ساز و برگ جنگی خود غفلت ورزید، تا یک باره به شما هجوم کنند. و اگر از باران در زحمت و مشقت هستید، یا بیمارید، بر شما گناهی نیست که سلاحتان بر زمین گذارید، ولی باید هوشیاری و احتیاط خود را حفظ کنید؛ یقیناً خدا برای کافران عذاب خوارکننده ای آماده کرده است. (۱۰۲)

فَإِذَا قَضَيْتُمُ الصَّلَاةَ فَاذْكُرُوا اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَى جُنُوبِكُمْ فَإِذَا اطْمَأْنَنتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّوْقُوتًا (۱۰۳)

پس هنگامی که نماز را [در میدان جنگ] به پایان بردید، خدا را در حال ایستاده و نشسته و خوابیده یاد کنید. و همین که [از فتنه و آشوب دشمن] مطمئن شدید، نماز را [به صورت معمولش] اقامه کنید. مسلماً نماز همواره در اوقاتی مشخص و معین وظیفه ای مقرّر و لازم بر مؤمنان است. (۱۰۳)

وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ إِن تَكُونُوا تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمُونَ وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا (۱۰۴)

و در تعقیب و جستجوی دشمن سستی نکنید. اگر شما [در رویارویی با دشمن] درد و رنج می بینید، آنان نیز چون شما درد و رنج می بینند، و شما چیزی را [چون پیروزی و پاداش] از خدا امید دارید که آنان امید ندارند؛ و خدا همواره دانا و حکیم است. (۱۰۴)

إِنَّا أَنزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ وَلَا تَكُن لِّلْخَائِنِينَ خَصِيمًا (۱۰۵)

یقیناً این کتاب را به درستی و راستی بر تو نازل کردیم؛ تا میان مردم به آنچه خدا به تو آموخته داوری کنی، و حمایت گر خائنان مباش. (۱۰۵)

ص: ۹۵

وَاسْتَغْفِرِ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا (۱۰۶)

و از خدا آمرزش بخواه؛ زیرا خدا همواره بسیار آمرزنده و مهربان است. (۱۰۶)

وَلَا تُجَادِلْ عَنِ الَّذِينَ يَخْتَانُونَ أَنفُسَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَن كَانَ خَوَّانًا أَثِيمًا (١٠٧)

و از كسانى كه به خود خيانت مى كنند دفاع مكن؛ زيرا خدا هر كس را كه خيانت پيشه و گناه كار است دوست ندارد. (١٠٧)

يَسْتَخْفُونَ مِنَ النَّاسِ وَلَا يَسْتَخْفُونَ مِنَ اللَّهِ وَهُوَ مَعَهُمْ إِذْ يُبَيِّتُونَ مَا لَا يَرْضَى مِنَ الْقَوْلِ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطًا (١٠٨)

[خيانت پيشگانْ خيانت خود را] از مردم پنهان مى دارند، و [نمى توانند] از خدا پنهان نمايند، و خدا با آنان بود آن گاه كه در جلسه مخفى شبانه، درباره طرح و نقشه و سخنى كه خدا به آن رضايت نداشت، چاره انديشى مى كردند و خدا همواره به آنچه انجام مى دهند، احاطه دارد. (١٠٨)

هَا أَنتُمْ هَؤُلَاءِ جَادَلْتُمْ عَنْهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَمَن يُجَادِلُ اللَّهَ عَنْهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَم مَّن يَكُونُ عَلَيْهِمْ وَكِيلًا (١٠٩)

اين شما [قبيله و عشيره خائنين] هستيد كه در زندگى دنيا از آنان دفاع كرديد، ولى چه كسى است كه در روز قيامت در برابر خدا از آنان دفاع كند؟ يا چه كسى است كه [براى رهايى آنان از عذاب] كارسازشان باشد؟ (١٠٩)

وَمَن يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَّحِيمًا (١١٠)

و هر كس كار زشتى كند يا برخود ستم ورزد، سپس از خدا آمرزش بخواهد، خدا را بسيار آمرزنده و مهربان خواهد يافت. (١١٠)

وَمَن يَكْسِبْ إِثْمًا فَإِنَّمَا يَكْسِبُهُ عَلَى نَفْسِهِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا (١١١)

و هر كس مرتكب گناهى شود، فقط به زيان خود مرتكب مى شود؛ و خدا همواره دانا و حكيم است. (١١١)

وَمَن يَكْسِبْ خَطِيئَةً أَوْ إِثْمًا ثُمَّ يَرْمِ بِهِ بَرِيئًا فَقَدِ احْتَمَلَ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا (١١٢)

و هر كس مرتكب خطا يا گناهى شود، سپس آن را به بى گناهى نسبت دهد، بى ترديد بهتان و گناهى آشكار بر دوش گرفته است. (١١٢)

وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَتُهُ لَهَمَّت طَّائِفَةٌ مِّنْهُمْ أَن يُضِلُّوكَ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَضُرُّونَكَ مِن شَيْءٍ وَأَنزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُن تَعْلَمُ وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا (١١٣)

و اگر فضل و رحمت خدا بر تو نبود، گروهى از عشيره و قبيله خائنان تصميم داشتند تو را [از داورى عادلانه] منحرف كنند، [اين سبک مغزانِ خيالباف] جز خودشان را منحرف نمى كنند، و هيچ زيانى به تو نمى رسانند. و خدا كتاب و حكمت را بر تو نازل كرد، و آنچه را نمى دانستى به تو آموخت؛ و همواره فضل خدا بر تو بزرگ است. (١١٣)

لَّا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِّن نَّجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ وَمَن يَفْعَلْ ذَلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا (۱۱۴)

در بسیاری از رازگویی های آنان خیری نیست، جز کسی که [از این طریق] به صدقه، یا کار نیک، یا اصلاح در میان مردم فرمان دهد؛ و هر که برای طلب خشنودی خدا چنین کند، پس پاداش بزرگی به او خواهیم داد. (۱۱۴)

وَمَن يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِن بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَى وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّى وَنُصْلِهِ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا (۱۱۵)

و هر کس بعد از آنکه [راه] هدایت برایش روشن و آشکار شد، با پیامبر مخالفت و دشمنی کند و از راهی جز راه مؤمنان پیروی نماید، او را به همان سو که رو کرده واگذاریم، و به دوزخ درآوریم؛ و آن بد بازگشت گاهی است. (۱۱۵)

إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَن يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَن يَشَاءُ وَمَن يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا (۱۱۶)

مسلماً خدا این را که به او شرک آورده شود نمی آمرزد، و فروتر از آن را برای هر که بخواهد می آمرزد. و هر که به خدا شرک ورزد، یقیناً به گمراهی بسیار دوری دچار شده است. (۱۱۶)

إِن يَدْعُونَ مِن دُونِهِ إِلَّا إِنَاثًا وَإِن يَدْعُونَ إِلَّا شَيْطَانًا مَّرِيدًا (۱۱۷)

مشرکان به جای خدا جز جماداتی را [که هیچ اثری ندارند، و همیشه محکوم تأثیر عوامل دیگرند] نمی پرستند، و در حقیقت جز شیطانِ سرکشِ گمراه را اطاعت نمی کنند. (۱۱۷)

لَّعَنَهُ اللَّهُ وَقَالَ لَأَتَّخِذَنَّ مِنْ عِبَادِكَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا (۱۱۸)

خدا شیطان را از رحمتش دور کرد؛ و [او] گفت: سوگند می خورم که از میان بندگانت سهمی مُعیّن [برای پیروی از فرهنگ ویرانگرم] برخواهم گرفت. (۱۱۸)

وَلَأُضِلَّنَّهُمْ وَلَأُمَنِّيَنَّهُمْ وَلَآمُرَنَّهُمْ فَلَيُبَتِّكُنَّ آذَانَ الْأَنْعَامِ وَلَآمُرَنَّهُمْ فَلَيُغَيِّرُنَّ خَلْقَ اللَّهِ وَمَن يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِّن دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُّبِينًا (۱۱۹)

و یقیناً آنان را گمراه می کنم، و دچار آرزوهای دور و دراز [و واهی و پوچ] می سازم، و آنان را وادار می کنم که گوش های چهارپایان را [به نشانه حرام بودن بهره گیری از آنان] بشکافند، و فرمانشان می دهم که آفرینش خدایی را تغییر دهند [به این صورت که جنسیت مرد را به زن و زن را به مرد برگردانند، و فطرت پاکشان را به شرک بیالایند، و زیبایی های طبیعی، روحی، جسمی خود را به زشتی ها تبدیل کنند]. و هر کس شیطان را به جای خدا سرپرست ویار خود گیرد، مسلماً به زیان آشکاری دچار شده است. (۱۱۹)

يَعِدُهُمْ وَيُمَنِّيهِمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا (۱۲۰)

شیطان به آنان وعده [دروغ] می دهد، و در آرزوها [ی سرابوار] می اندازد، و جز وعده فریبنده به آنان نمی دهد. (۱۲۰)

أُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَلَا يَجِدُونَ عَنْهَا مَحِيصًا (۱۲۱)

اینان [که پیروان شیطان اند] جایگاهشان دوزخ است، و از آن هیچ راه فراری نیابند. (۱۲۱)

ص: ۹۷

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَعْدَ اللَّهِ حَقًّا وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا (۱۲۲)

و کسانی که ایمان آورده اند و کارهای شایسته انجام داده اند، به زودی آنان را در بهشت هایی که از زیرِ [درختانِ] آن نهرها جاری است، درآوریم، در آن جاودانه اند. وعده خدا حق است، و راستگوتر از خدا در گفتار کیست؟ (۱۲۲)

لَّيْسَ بِأَمَانِيِّكُمْ وَلَا أَمَانِيِّ أَهْلِ الْكِتَابِ مَن يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ وَلَا يَجِدْ لَهُ مِن دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا (۱۲۳)

[کیفر و پاداش] نه بر وفق آرزوهایِ [واهیِ] برخی از شما [مسلمانان] است، و نه بر وفق آرزوهایِ [پوچ] اهل کتاب. هر کس مرتکب کار زشتی شود، به آن کیفر داده می شود؛ و جز خدا سرپرست و یاوری برای خود نخواهد یافت. (۱۲۳)

وَمَن يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِن ذَكَرٍ أَوْ أُنثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا (۱۲۴)

و کسانی از مردان یا زنان که بخشی از کارهای شایسته را انجام دهند، در حالی که مؤمن باشند، پس اینان وارد بهشت می شوند، و به اندازه گودی پشت هسته خرما مورد ستم قرار نمی گیرند. (۱۲۴)

وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِّمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا (۱۲۵)

و دین چه کسی بهتر است از آنکه همه وجودش را تسلیم خدا کرده و نیکوکار است، و از آیین ابراهیم یکتاپرست حق گرا پیروی کرده است؟ وخدا ابراهیم را [برای حق گرایی، خلوص، پاکی اخلاق واعمالش] دوست خود گرفت. (۱۲۵)

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطًا (۱۲۶)

و آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است، فقط در سیطره مالکیت و فرمانروایی خداست؛ و خدا همواره بر هر چیزی احاطه دارد. (۱۲۶)

وَيَسْتَفْتُونَكَ فِي النِّسَاءِ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِيهِنَّ وَمَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ فِي يَتَامَى النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا تُؤْتُونَهُنَّ مَا كُتِبَ لَهُنَّ وَتَرْغَبُونَ أَن تَنكِحُوهُنَّ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الْوِلْدَانِ وَأَن تَقُومُوا لِلْيَتَامَى بِالْقِسْطِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِهِ عَلِيمًا (۱۲۷)

دربـاره [حقوق ازدواج و نیز ارث] زنـان از تو فتوا می خواهنـد. بگو: فقط خـدا درباره آنان [مطابق با آیاتی که در اوایل همین سوره گـذشت] به شـما فتوا می دهـد، و درباره دختران یتیمی که حقوق لازم و مقرّر آنان را نمی پردازیـد، و [به قصد خوردن اموالشـان] میلی به ازدواج با آنان داریـد، برابر احکامی که در این کتاب بر شـما خوانـده می شود به شـما فتوا می دهـد. و [نیز درباره] کودکان مستضـعف [ی که حقوق مالی و انسانی آنان را پایمال می کنیـد، مطابق احکامی که در قرآن بر شـما تلاوت می شود به شما فتوا می دهد]. و [نیز سفارش می کند] که با یتیمان به عدالت رفتار کنید؛ و آنچه را [درباره زنان، دختران یتیم و کودکان مستضعف] از هر خیری انجام می دهید، یقیناً خدا همواره به آن داناست. (۱۲۷)

ص: ۹۸

وَإِنِ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِن بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَن يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُحْضِرَتِ الْأَنفُسُ الشُّحَّ وَإِن تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا (۱۲۸)

و اگر زنی از ناسازگاری شوهرش، یا روی گردانی اش [از حقوق همسـرداری] بترسـد، بر آن دو گناهی نیست که با یکـدیگر به طور شایسـته و پسـندیده آشتی کننـد، [گرچه به چشم پوشـی بخشـی از حقوقشان باشد.] و [در حقیقت] صـلح و آشتی بهتر است. و بخل، نزد نفوس [آدمیان] حاضر است [به این خاطر هر یک از دو زوج در عفو و گذشت و سازش و ادای حقوق بخل می ورزند]. و اگر [شـما شوهران] نیکی کنید و [از سرکشـی و ناسازگاری نسبت به زنان] بپرهیزید [از ثواب و پاداش حق بهره مند می شوید]؛ یقیناً خدا همواره به آنچه انجام می دهید، آگاه است. (۱۲۸)

وَلَن تَسْتَطِيعُوا أَن تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمَيْلِ فَتَذَرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ وَإِن تُصْلِحُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا (۱۲۹)

و شـما هر چند حریص [بر عدالت] باشید، هرگز نمی توانید [از نظر علاقه و میل قلبی] میان زن ها [یی که در عقد خود دارید] عـدالت ورزید، پس تمایل خود را به طور کامل متوجه یک طرف ننمایید تا دیگری را به صورت زنی سـرگردان و بلاتکلیف رهـا کنیـد. و اگر توافق و سازش نماییـد و تقوا را [در محیط خانواده] رعایت کنیـد [مورد آمرزش قرار می گیریـد]؛ زیرا خـدا همواره بسیار آمرزنده و مهربان است. (۱۲۹)

وَإِن يَتَفَرَّقَا يُغْنِ اللَّهُ كُلًّا مِّن سَعَتِهِ وَكَانَ اللَّهُ وَاسِعًا حَكِيمًا (۱۳۰)

و اگر [زن و شوهر راهی برای صـلح و سازش نیافتنـد و] از یکـدیگر جـدا شونـد، خـدا هر یک را از توانگری خود بی نیاز می کند؛ و خدا همواره بسیار عطا کننده و حکیم است. (۱۳۰)

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَلَقَدْ وَصَّيْنَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ وَإِيَّاكُمْ أَنِ اتَّقُوا اللَّهَ وَإِن تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ غَنِيًّا حَمِيدًا (۱۳۱)

و آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است، فقط در سیطره مالکیّت و فرمانروایی خداست. و البته ما کسانی را که پیش از شما

کتاب آسمانی به آنان داده شده است، و نیز شما را سفارش کردیم که [در همه امورتان] از خدا پروا کنید. و [هشدار دادیم] اگر کفر ورزید [زیانی به او نمی رسانید]؛ زیرا آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است، فقط در سیطره مالکیّت و فرمانروایی خداست، و خدا همواره بی نیاز و ستوده است. (۱۳۱)

وَلِلَّهِ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَمَا فِی الْأَرْضِ وَكَفَی بِاللَّهِ وَكِيلًا (۱۳۲)

و آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است، فقط در سیطره مالکیّت و فرمانروایی خداست، و خدا نسبت به کارسازی [همه امور جهان آفرینش] کافی است. (۱۳۲)

إِن يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ وَيَأْتِ بِآخَرِينَ وَكَانَ اللَّهُ عَلَی ذَلِكَ قَدِيرًا (۱۳۳)

ای مردم! اگر خدا بخواهد همه شما را از میان برمی دارد، و گروه دیگری را [به جای شما] می آورد؛ و خدا همواره بر این کار تواناست. (۱۳۳)

مَّن كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِندَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا بَصِيرًا (۱۳۴)

کسی که فقط پاداش دنیا را بخواهد [دچار اشتباه وکوته بینی شده است؛ زیرا] پاداش دنیا وآخرت که [محصول ایمان و تقواست] نزد خداست؛ و خدا همواره شنوا و بیناست. (۱۳۴)

ص: ۹۹

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَی أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ إِن يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَی بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَی أَن تَعْدِلُوا وَإِن تَلْوُوا أَوْ تُعْرِضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا (۱۳۵)

ای اهل ایمان! [همواره در همه امور زندگی] قیام کننده به عدل، و گواهی دهنده برای خدا باشید، هر چند به زیان خود یا پدر و مادر یا خویشانتان باشد. اگر [یکی از دو طرف نزاع] توانگر یا فقیر باشد [با لحاظ کردن وضع آنان، بر خلاف خدا گواهی ندهید؛ زیرا] خدا به حمایت از آنان و رعایت حالشان سزاوارتر است. پس [در هنگام گواهی دادن] از هوای نفس پیروی نکنید تا از حق منحرف شوید. و اگر زبانتان را [به سوی گواهی ناحق و دروغ] بپیچانید، یا از گواهی دادن روی برتابید؛ یقیناً خدا همواره به آنچه انجام می دهید، آگاه است. (۱۳۵)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِی نَزَّلَ عَلَی رَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِی أَنزَلَ مِن قَبْلُ وَمَن يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا (۱۳۶)

ای اهل ایمان! به خدا و پیامبرش و کتابی که بر پیامبرش نازل کرده و به کتابی که پیش از این فرستاده [از روی صدق و حقیقت] ایمان بیاورید. و هر که به خدا و فرشتگان و کتاب های آسمانی و پیامبران او و روز قیامت کافر شود، یقیناً به گمراهیِ دور و درازی دچار شده است. (۱۳۶)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ ازْدَادُوا كُفْرًا لَّمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيَغْفِرَ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ سَبِيلًا (۱۳۷)

کسانی که ایمان آوردند، سپس کفر ورزیدند، باز ایمان آوردند، و بار دیگر کافر شدند، آن گاه بر کفر خود افزودند، خدا بر آن نیست که آنان را بیامرزد، و به راهی هدایت کند. (۱۳۷)

بَشِّرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا (۱۳۸)

منافقان را بشارت ده که عذابی دردناک برای آنان است. (۱۳۸)

الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِن دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَيَبْتَغُونَ عِندَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا (۱۳۹)

همان کسانی که کافران را به جای مؤمنانْ سرپرست و دوست خود می گیرند؛ آیا عزت و قدرت را نزد آنان می طلبند؟ یقیناً همه عزت و قدرت فقط برای خداست. (۱۳۹)

وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ إِنَّكُمْ إِذًا مِّثْلُهُمْ إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا (۱۴۰)

البته خدا [این فرمان را] در قرآن بر شما نازل کرده است که چون بشنوید گروهی آیات خدا را مورد انکار و استهزا قرار می دهند، با آنان ننشینید تا در سخنی دیگر درآیند، [اگر بنشینید] شما هم [در به دوش کشیدن بار گناه انکار و استهزا] مانند آنان خواهید بود؛ یقیناً خدا همه منافقان و کافران را در دوزخ گرد خواهد آورد. (۱۴۰)

ص: ۱۰۰

الَّذِينَ يَتَرَبَّصُونَ بِكُمْ فَإِن كَانَ لَكُمْ فَتْحٌ مِّنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُن مَّعَكُمْ وَإِن كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحْوِذْ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعْكُم مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَن يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا (۱۴۱)

آنان که همواره حوادثی را برای شما انتظار می برند، اگر از سوی خدا برایتان فتح و پیروزی رسد، می گویند: مگر ما با شما [در میدان جنگ] نبودیم؟ [پس سهم ما را از غنایم جنگی بپردازید.] و اگر برای کافران بهره ای اندک [از غلبه و پیروزی] باشد، به آنان می گویند: آیا [ما که در میان ارتش اسلام بودیم] بر شما چیره و مسلّط نبودیم؟ [ولی دیدید که ازضربه زدن به شما خودداری کردیم] و شما را [ازآسیب و زیان مؤمنان] مانع می شدیم [پس سهم غنیمت ما را بدهید.] خدا روز قیامت میان شما داوری می کند؛ و خدا هرگز هیچ راه سلطه ای به سود کافران بر ضد مؤمنان قرار نداده است. (۱۴۱)

إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى يُرَاءُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا (۱۴۲)

منافقان همواره با خدا نیرنگ می کنند، و حال آنکه خدا کیفر دهنده نیرنگ آنان است. و هنگامی که به نماز می ایستند، با کسالت می ایستند، و همواره در برابر مردم ریاکاری می کنند؛ و خدا را جز اندکی به یاد نمی آورند. (۱۴۲)

مُّذَبْذَبِينَ بَيْنَ ذَلِکَ لَا إِلَی هَؤُلَاءِ وَلَا إِلَی هَؤُلَاءِ وَمَن يُضْلِلِ اللَّهُ فَلَن تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا (۱۴۳)

منافقـان میـان کفر و ایمـان متحیّر و سـر گرداننـد، نه [بـا تمـام وجود] با مؤمنانند و نه با کافران. و هر که را خـدا [به کیفر اعمال زشتش] گمراه کند، هرگز برای او راهی [به سوی هدایت] نخواهی یافت. (۱۴۳)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْکَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِن دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَتُرِيدُونَ أَن تَجْعَلُوا لِلَّهِ عَلَيْکُمْ سُلْطَانًا مُّبِينًا (۱۴۴)

ای اهل ایمان! کافران را به جای مؤمنان، سرپرست و یار خود مگیرید. آیا می خواهید برای خدا بر ضد خودتان دلیلی آشکار [نسبت به عذابتان در دنیا و آخرت] قرار دهید؟! (۱۴۴)

إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِی الدَّرْکِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَن تَجِدَ لَهُمْ نَصِيرًا (۱۴۵)

بی تردید منافقان در پایین ترین طبقه از آتش اند، و هرگز برای آنان یاوری نخواهی یافت. (۱۴۵)

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَاعْتَصَمُوا بِاللَّهِ وَأَخْلَصُوا دِينَهُمْ لِلَّهِ فَأُولَئِکَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ وَسَوْفَ يُؤْتِ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ أَجْرًا عَظِيمًا (۱۴۶)

مگر کسانی که [از گناه بزرگ نفاق] توبه کردند، و [مفاسد خود را] اصـلاح نمودند، و به خدا تمسّک جسـتند، وعبادتشان را برای خدا خالص ساختند؛ پس آنان در زمره مؤمنان اند، وخدا به مؤمنان پاداشی بزرگ خواهد داد. (۱۴۶)

مَّا يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَذَابِکُمْ إِن شَکَرْتُمْ وَآمَنتُمْ وَکَانَ اللَّهُ شَاکِرًا عَلِيمًا (۱۴۷)

اگر شما سپاس گزارِ [نعمت هایِ بی شمارِ حق] باشید و ایمان آورید، خدا را با عذاب شما چه کار؟ خدا همواره پاداش دهنده و داناست. (۱۴۷)

ص: ۱۰۱

جزء ۶

ادامه سوره النساء

لَّا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَن ظُلِمَ وَکَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا (۱۴۸)

خدا افشای بدی های دیگران را دوست ندارد، جز برای کسـی که مورد سـتم قرار گرفته است [که بر سـتمدیده برای دفع ستم، افشای بدی های ستمکار جایز است]؛ و خدا شنوا و داناست. (۱۴۸)

إِن تُبْدُوا خَيْرًا أَوْ تُخْفُوهُ أَوْ تَعْفُوا عَن سُوءٍ فَإِنَّ اللَّهَ کَانَ عَفُوًّا قَدِيرًا (۱۴۹)

اگر کار خیری را آشـکار کنیـد، یا آن راپنهان داریـد، یا از بـدیِ [دیگران] گـذشت کنیـد، [کاری مورد پسـند خدا انجام داده

اید]؛ یقیناً خدا [با قدرت داشتن بر انتقام] همواره گذشت کننده و تواناست. (۱۴۹)

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيُرِيدُونَ أَن يُفَرِّقُوا بَيْنَ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ وَيُرِيدُونَ أَن يَتَّخِذُوا بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا (۱۵۰)

بی تردید کسانی که به خدا و پیامبرانش کافر می شوند و می خواهند میان خدا و پیامبرانش [با ایمان آوردن به خدا و کفرورزی به پیامبران] جدایی اندازند، و می گویند: به بعضی ایمان می آوریم و به برخی کافر می شویم و می خواهند میان کفر و ایمان راهی [خاص] برگزینند، [سبک مغز و بی شعورند.] (۱۵۰)

أُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ حَقًّا وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُّهِينًا (۱۵۱)

اینان در حقیقت کافرند؛ و ما برای کافران عذابی خوار کننده آماده کرده ایم. (۱۵۱)

وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَمْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ أُولَئِكَ سَوْفَ يُؤْتِيهِمْ أُجُورَهُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا (۱۵۲)

وکسانی که به خدا و پیامبرانش ایمان آوردند و میان هیچ یک از آنان جدایی نینداختند، خدا پاداششان را می دهد؛ و خدا همواره بسیار آمرزنده و مهربان است. (۱۵۲)

يَسْأَلُكَ أَهْلُ الْكِتَابِ أَن تُنَزِّلَ عَلَيْهِمْ كِتَابًا مِّنَ السَّمَاءِ فَقَدْ سَأَلُوا مُوسَى أَكْبَرَ مِن ذَلِكَ فَقَالُوا أَرِنَا اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْهُمُ الصَّاعِقَةُ بِظُلْمِهِمْ ثُمَّ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ مِن بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمُ الْبَيِّنَاتُ فَعَفَوْنَا عَن ذَلِكَ وَآتَيْنَا مُوسَى سُلْطَانًا مُّبِينًا (۱۵۳)

اهل کتاب [بنا به خواستِ نامعقولشان] از تو می خواهند که از آسمان، کتابی برای آنان نازل کنی، البته [این بازیگران زشت باطن] از موسی بزرگ تر از آن را خواستند، و گفتند: خدا را آشکارا به ما نشان ده. پس آنان را به کیفر ستمشان صاعقه فرو گرفت. باز پس از آنکه [بر وحدانیّت حق و ضرورت خداپرستی] دلایل روشن برای آنان آمد، گوساله را به عنوان معبود گرفتند، و ما از این [گناه بزرگ و زشت هم] گذشتیم و به موسی برهانی روشن و قدرتی آشکار دادیم. (۱۵۳)

وَرَفَعْنَا فَوْقَهُمُ الطُّورَ بِمِيثَاقِهِمْ وَقُلْنَا لَهُمُ ادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُلْنَا لَهُمْ لَا تَعْدُوا فِي السَّبْتِ وَأَخَذْنَا مِنْهُم مِّيثَاقًا غَلِيظًا (۱۵۴)

و کوه طور را به سبب پیمانشان [به پذیرفتن تورات، عمل به آن و ایمان به موسی] برفرازشان برافراشتیم، و به آنان گفتیم: با تواضع و فروتنی و سجده کنان، از دروازه [شهر یا درِ معبد] درآیید. و [نیز] به آنان گفتیم: روز شنبه [از حکم حرمت صید ماهی] تجاوز نکنید. و از آنان [برای اجرای احکام تورات و فرمان های موسی] پیمانی محکم و استوار گرفتیم. (۱۵۴)

ص: ۱۰۲

فَبِمَا نَقْضِهِم مِّيثَاقَهُمْ وَكُفْرِهِم بِآيَاتِ اللَّهِ وَقَتْلِهِمُ الْأَنبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَقَوْلِهِمْ قُلُوبُنَا غُلْفٌ بَلْ طَبَعَ اللَّهُ عَلَيْهَا بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا (۱۵۵)

پس به کیفر پیمان شکنی آنان و کفرشان به آیات خدا، و به ناحق کشتن پیامبران، و گفتار [بی پایه و باطل] شان که دل های ما در پوشش و حجاب است [از این رو سخن حق را درک نمی کنیم، لعنتشان کردیم؛] بلکه به سبب کفرشان بر دل هایشان مُهر [محرومیت از فهم معارف] زدیم؛ به همین سبب جز اندکی ایمان نمی آورند. (۱۵۵)

وَبِكُفْرِهِمْ وَقَوْلِهِمْ عَلَى مَرْيَمَ بُهْتَانًا عَظِيمًا (۱۵۶)

و [نیز] به سبب کفرشان [به نبوّت عیسی] و گفتارشان بر مریم [پاکدامن و آراسته به عفت] که افترا و بهتان بزرگی بود [لعنتشان کردیم.] (۱۵۶)

وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِن شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مَا لَهُم بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا (۱۵۷)

و به سبب گفتارِ [سراسر دروغ] شان که ما عیسی بن مریم فرستاده خدا را کشتیم. در صورتی که او رانکشتند و به دار نیاویختند، بلکه بر آنان مُشتبه شد [به این خاطر شخصی را به گمان اینکه عیسی است به دار آویختند و کشتند]؛ و کسانی که درباره او اختلاف کردند، نسبت به وضع وحال او در شک هستند، و جز پیروی از گمان و وهم، هیچ آگاهی و علمی به آن ندارند، و یقیناً او را نکشتند. (۱۵۷)

بَل رَّفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا (۱۵۸)

بلکه خدا او را به سوی خود بالا برد؛ و خدا همواره توانای شکست ناپذیر و حکیم است. (۱۵۸)

وَإِن مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا (۱۵۹)

و هیچ یک از اهل کتاب نیست مگر آنکه پیش از مرگش [که لحظه روشن شدن حقایق است] به مسیح ایمان می آورد [که او فرستاده خدا، بنده او و مژده دهنده به ظهور پیامبر اسلام است، ولی ایمان در آن لحظه سودبخش نیست] و مسیح روز قیامت بر [عقاید و اعمال] آنان گواه است. (۱۵۹)

فَبِظُلْمٍ مِّنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ وَبِصَدِّهِمْ عَن سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيرًا (۱۶۰)

پس به کیفر ستمی که یهودیان [به آیات خدا و بر خود و دیگران] روا داشتند، و به سزای آنکه بسیاری از مردم را از راه خدا بازداشتند، چیزهای پاکیزه ای را که بر آنان حلال شده بود [مانند صید ماهی و خوردنِ چربی و شیر و گوشت حیوانات] حرام کردیم. (۱۶۰)

وَأَخْذِهِمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا (۱۶۱)

و [نیز به سبب] ربا گرفتنشان با آنکه از آن نهی شده بودند، و خوردن اموال مردم به باطل و نامشروع [پاکیزه های حلال شده

را بر آنان حرام کردیم] و ما برای کافران عذابی دردناک آماده کرده ایم. (۱۶۱)

لَّكِنِ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَالْمُؤْمِنُونَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِن قَبْلِكَ وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ وَالْمُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالْمُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أُولَئِكَ سَنُؤْتِيهِمْ أَجْرًا عَظِيمًا (۱۶۲)

ولی از میان آنان، ثابت قدمان در دانش، مؤمنانِ [به موسی و تورات] برپادارندگان نماز، پرداخت کنندگان زکات، مؤمنان به خدا و روز قیامت، به آنچه بر تو و [بر پیامبران] پیش از تو نازل شده ایمان واقعی می آورند آنان هستند که یقیناً پاداش بزرگی به ایشان عطا خواهیم کرد. (۱۶۲)

ص: ۱۰۳

إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِن بَعْدِهِ وَأَوْحَيْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَعِيسَى وَأَيُّوبَ وَيُونُسَ وَهَارُونَ وَسُلَيْمَانَ وَآتَيْنَا دَاوُودَ زَبُورًا (۱۶۳)

ما به تو وحی کردیم، همان گونه که به نوح و پیامبران پس از او وحی کردیم؛ و به ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و نوادگان [دارای مقام نبوتشان] و عیسی و ایوب و یونس و هارون و سلیمان نیز وحی نمودیم؛ و به داود، زبور دادیم. (۱۶۳)

وَرُسُلًا قَدْ قَصَصْنَاهُمْ عَلَيْكَ مِن قَبْلُ وَرُسُلًا لَّمْ نَقْصُصْهُمْ عَلَيْكَ وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا (۱۶۴)

و به پیامبرانی [وحی کردیم] که سرگذشت آنان را پیش از این برای توگفتیم، و پیامبرانی [را برانگیخته ایم] که سرگذشتشان را برای تو حکایت نکرده ایم. و خدا با موسی به صورتی ویژه و بیواسطه سخن گفت. (۱۶۴)

رُّسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا (۱۶۵)

پیامبرانی که مژده رسان و بیم دهنده بودند تا مردم را [در دنیا و آخرت در برابر خدا] پس از فرستادن پیامبران، عذر و بهانه و حجتی نباشد؛ و خدا همواره توانای شکست ناپذیر و حکیم است. (۱۶۵)

لَّكِنِ اللَّهُ يَشْهَدُ بِمَا أَنزَلَ إِلَيْكَ أَنزَلَهُ بِعِلْمِهِ وَالْمَلَائِكَةُ يَشْهَدُونَ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا (۱۶۶)

ولی [در برابر کبرورزی و لجاجت اهل کتاب، که به حقّانیّت قرآن و رسالت تو گواهی نمی دهند] خدا به وسیله آنچه بر تو نازل کرده گواهی می دهد که آن را به علم و دانش خود نازل کرده، و [نیز] فرشتگان هم گواهی می دهند، گرچه گواهی خدا کافی است. (۱۶۶)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا (۱۶۷)

مسلماً کسانی که کافر شدند و [مردم را] از راه خدا بازداشتند، یقیناً به گمراهی دور و درازی دچار شده اند. (۱۶۷)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَظَلَمُوا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيَغْفِرَ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ طَرِيقًا (۱۶۸)

بی تردید کسانی که کافر شدند و [به آیات الهی، به خود و به دیگران] ستم ورزیدند، خدا بر آن نیست که آنان را بیامرزد و به راهی [مستقیم و استوار] هدایت کند. (۱۶۸)

إِلَّا طَرِيقَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا (۱۶۹)

مگر به راه دوزخ که در آن جاودانه اند؛ و این کار بر خدا آسان است. (۱۶۹)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمُ الرَّسُولُ بِالْحَقِّ مِن رَّبِّكُمْ فَآمِنُوا خَيْرًا لَّكُمْ وَإِن تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا (۱۷۰)

ای مردم! البته پیامبری از سوی پروردگارتان به درستی و راستی به سوی شما آمد؛ پس به او ایمان آورید که به خیر شماست. و اگر کفر ورزید [بدانید که خدا از شما و ایمانتان بی نیاز است] زیرا آنچه در آسمان ها و زمین است، در سیطره مالکیّت و فرمانروایی خداست، و خدا همواره دانا و حکیم است. (۱۷۰)

ص: ۱۰۴

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِّنْهُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَا تَقُولُوا ثَلَاثَةٌ انتَهُوا خَيْرًا لَّكُمْ إِنَّمَا اللَّهُ إِلَهٌ وَاحِدٌ سُبْحَانَهُ أَن يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ لَّهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا (۱۷۱)

ای اهل کتاب! در دین خود غلوّ [و افراط] نورزید، [و از چهارچوب آیات نازل شده از سوی خدا و آنچه پیامبران به شما آموخته اند، خارج نشوید] و نسبت به خدا جز حق مگویید. جز این نیست که مسیح عیسی بن مریم فرستاده خدا و کلمه اوست که به مریم القا کرد و [این بنده پاک و خالص] روحی از سوی اوست؛ پس به خدا و فرستادگانش ایمان آورید، و مگویید: [خدا] ترکیبی از سه حقیقت [اَب، اِبن و روح القدس] است. [از این عقیده باطل] خودداری کنید که به خیر شماست. جز این نیست که خدا معبودی یگانه است. منزّه و پاک است از اینکه فرزندی برای او باشد. آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است فقط در سیطره مالکیّت و فرمانروایی اوست، و خدا از نظر کارسازی [همه امور آفرینش] کافی است. (۱۷۱)

لَّن يَسْتَنكِفَ الْمَسِيحُ أَن يَكُونَ عَبْدًا لِّلَّهِ وَلَا الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ وَمَن يَسْتَنكِفْ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيَسْتَكْبِرْ فَسَيَحْشُرُهُمْ إِلَيْهِ جَمِيعًا (۱۷۲)

مسیح از اینکه بنده خدا باشد، هرگز امتناع ندارد، و فرشتگان مقرّب هم امتناع ندارند؛ و کسانی که از بندگی او امتناع کنند و تکبر ورزند، به زودی همه آنان را [برای حسابرسی] به سوی خود گردآوری خواهد کرد. (۱۷۲)

فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَيَزِيدُهُم مِّن فَضْلِهِ وَأَمَّا الَّذِينَ اسْتَنكَفُوا وَاسْتَكْبَرُوا فَيُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَلَا يَجِدُونَ لَهُم مِّن دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا (۱۷۳)

اما کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، پاداششان را به طور کامل می دهد، و از فضل و احسانش بر آنان می افزاید؛ و اما کسانی که [از ایمان و عمل شایسته] امتناع کردند و تکبّر ورزیدند، به عذاب دردناکی عذاب می کند؛ و برای خود جز خدا سرپرست و یاوری نخواهند یافت. (۱۷۳)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُم بُرْهَانٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَأَنزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُّبِينًا (۱۷۴)

ای مردم! یقیناً از سوی پروردگارتان برای شما برهان [و دلیلی چون پیامبر و معجزاتش] آمد؛ و نور روشنگری [مانند قرآن] به سوی شما نازل کردیم. (۱۷۴)

فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِّنْهُ وَفَضْلٍ وَيَهْدِيهِمْ إِلَيْهِ صِرَاطًا مُّسْتَقِيمًا (۱۷۵)

اما کسانی که به خدا ایمان آوردند و به او تمسّک جستند، به زودی آنان را در رحمت و فضلی از سوی خود درآورد، و به راهی راست به سوی خود راهنمایی می کند. (۱۷۵)

يَسْتَفْتُونَكَ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِي الْكَلَالَةِ إِنِ امْرُؤٌ هَلَكَ لَيْسَ لَهُ وَلَدٌ وَلَهُ أُخْتٌ فَلَهَا نِصْفُ مَا تَرَكَ وَهُوَ يَرِثُهَا إِن لَّمْ يَكُن لَّهَا وَلَدٌ فَإِن كَانَتَا اثْنَتَيْنِ فَلَهُمَا الثُّلُثَانِ مِمَّا تَرَكَ وَإِن كَانُوا إِخْوَةً رِّجَالًا وَنِسَاءً فَلِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيَيْنِ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ أَن تَضِلُّوا وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۱۷۶)

از تو درباره کلاله [یعنی میراث برادران و خواهران] فتوا می خواهند، بگو: خدا درباره کلاله به شما فتوا می دهد: اگر مردی که فرزند ندارد، از دنیا برود وبرای او خواهری باشد، نصف میراثی را که از او به جا مانده خواهر به ارث می برد، و اگر خواهری از دنیا برود و وارثش فقط یک برادر باشد، همه میراث به جا مانده خواهر را برادرش به ارث می برد، و اگر خواهران میّت دو نفر باشند، دو سوم میراث به جا مانده را ارث می برند، و اگر خواهران و برادران متعدد باشند، سهم ارث برای مرد مانند دو زن است. خدا [احکامش را] برای شما بیان می کند تا گمراه نشوید؛ و خدا به همه چیز داناست. (۱۷۶)

سوره المائده

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ أُحِلَّتْ لَكُم بَهِيمَةُ الْأَنْعَامِ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ غَيْرَ مُحِلِّي الصَّيْدِ وَأَنتُمْ حُرُمٌ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ (۱)

ای اهل ایمان! به همه قراردادها [یِ فردی، خانوادگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، نذر، عهد و سوگند] وفا کنید. [گوشتِ] چهارپایان جز آنچه [در آیات بعد، حُرمتش] بر شما خوانده می شود برایتان حلال است، [و توجه داشته باشید که] نباید شکار را در حالی که مُحرم [به احرام حج و عمره] هستید، حلال بشمارید؛ یقیناً خدا آنچه را بخواهد [بر پایه علم و حکمتش و بر اساس رعایت مصلحت شما] حکم می کند. (۱)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُحِلُّوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا آمِّينَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّن رَّبِّهِمْ وَرِضْوَانًا وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ أَن صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَن تَعْتَدُوا وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (۲)

ای اهل ایمان! [هتکِ حرمتِ] شعایر خدا [مانند مناسک حج] و ماه های حرام [رجب، ذوالقعده، ذوالحجه ومحرم] و قربانی بی نشان، و قربانی نشان دار و قاصدان [و راهیان به سوی] بیت الحرام را که فضل و خشنودی پروردگارشان را می طلبند، حلال مشمارید. و چون از احرام بیرون آمدید [اگر مایل باشید، می توانید] شکار کنید. و کینه توزی و دشمنی گروهی که شما را از [ورود به] مسجد الحرام بازداشتند وادارتان نکند که [به آنان] تعدّی و تجاوز کنید. و یکدیگر را بر انجام کارهای خیر و پرهیزکاری یاری نمایید، و یکدیگر را بر گناه و تجاوز یاری ندهید؛ و از خدا پروا کنید که خدا سخت کیفر است. (۲)

ص: ۱۰۶

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنزِيرِ وَمَا أُهِلَّ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصُبِ وَأَن تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ذَٰلِكُمْ فِسْقٌ الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا فَمَنِ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرَ مُتَجَانِفٍ لِّإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۳)

[خوردن مواد ناپاک که تناسبی با جسم و روح شما ندارند] بر شما حرام شده است [مانند] گوشت مردار و خون و گوشت خوک و آنچه به نام غیر خدا کشته اند و حیوان خفه شده و آنچه به ضرب چوب و سنگ مرده و آنچه به سبب پرت شدن از بلندی جان داده و حیوانی که به ضرب شاخ حیوان دیگر از بین رفته و حیوانی که درنده ای آن را کشته و از آن خورده، مگر آنچه را که در آستانه مرگ، قابل تذکیه بوده و شما به دستور شرع تذکیه کرده اید، و نیز آنچه برای بت ها قربانی شده، و آنچه به وسیله تیرهای قمار سهم بندی می کنید بر شما حرام گشته است. [همه] این [امور] فسق و نافرمانی [از احکام خدا] ست. امروز کفرپیشگان از [شکست] دین شما ناامید شده اند؛ بنابراین از آنان مترسید و از من بترسید. امروز [با نصبِ علی بن ابی طالب به ولایت، امامت، حکومت و فرمانروایی بر امت] دینتان را برای شما کامل، و نعمتم را بر شما تمام کردم، و اسلام را برایتان به عنوان دین پسندیدم. پس هر که در حال گرسنگی شدید بی آنکه مایل به گناه باشد [به خوردن مُحرّمات بیان شده] ناچار شود، [می تواند به اندازه ضرورت از آنها بهره گیرد]؛ یقیناً خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (۳)

يَسْأَلُونَكَ مَاذَا أُحِلَّ لَهُمْ قُلْ أُحِلَّ لَكُمُ الطَّيِّبَاتُ وَمَا عَلَّمْتُم مِّنَ الْجَوَارِحِ مُكَلِّبِينَ تُعَلِّمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللَّهُ فَكُلُوا مِمَّا أَمْسَكْنَ عَلَيْكُمْ وَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ (۴)

از تو می پرسند: چه چیزی بر آنان حلال شده؟ بگو: همه پاکیزه ها و شکاری که حیوانات شکاری که به آنها شکار کردن را تعلیم داده اید، در حالی که از احکام تذکیه ای که خدا به شما آموخته به آنها می آموزید، بر شما حلال شده است؛ بنابراین از آنچه آنان برای شما [گرفته اند و] نگاه داشته اند بخورید، و نام خدا را [هنگام فرستادن حیوان شکاری] بر آن بخوانید، و از خدا پروا کنید؛ زیرا خدا حسابرسی سریع است. (۴)

الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمُ الطَّيِّبَاتُ وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حِلٌّ لَّكُمْ وَطَعَامُكُمْ حِلٌّ لَّهُمْ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِی أَخْدَانٍ وَمَن يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِی الْآخِرَهِ مِنَ الْخَاسِرِينَ (۵)

امروز همه پاکیزه ها [ی از رزق خدا] برای شما حلال شد، و طعام اهل کتاب [که مخلوط با مواد حرام و نجس نیست] بر شما حلال و طعام شما هم بر آنان حلال است. و زنان پاکدامن مؤمن، و زنان پاکدامن از اهل کتاب [از طریق ازدواج شرعی] در صورتی که مهریه آنان را بپردازید بر شما حلال است، در حالی که مایل باشید پاکدامن بمانید نه زناکار، و نه انتخاب کننده معشوقه نامشروع در خلوت و پنهان. و هر کس در ایمان [به خدا و پیامبران وقیامت] کفر ورزد، قطعاً عملش تباه شده و فقط او در آخرت از زیانکاران است. (۵)

ص: ۱۰۷

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَی الصَّلَاهِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَی الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَی الْكَعْبَيْنِ وَإِن كُنتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَإِن كُنتُم مَّرْضَی أَوْ عَلَی سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِّنكُم مِّنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُم مِّنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُم مِّنْ حَرَجٍ وَلَكِن يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۶)

ای اهل ایمان! هنگامی که به [قصدِ] نماز برخیزید، صورت و دست هایتان را تا آرنج بشویید و بخشی از سرتان و روی پاهایتان را تا برآمدگی پشت پا مسح کنید و اگر جُنُب بودید، غسل کنید و اگر بیمار هستید یا در سفر می باشید یا یکی از شما از قضای حاجت [دستشویی] آمده، یا با زنان آمیزش کرده اید و آبی [برای وضو یا غسل] نیافتید، به خاکی پاک، تیمم کنید و از آن بخشی از صورت و دست هایتان را مسح نمایید. خدا نمی خواهد [با احکامش] بر شما تنگی و مشقت قرار دهد، بلکه می خواهد شما را [از آلودگی ها] پاک کند و نعمتش را بر شما تمام نماید، تا سپاس گزارید. (۶)

وَاذْكُرُوا نِعْمَهَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمِيثَاقَهُ الَّذِی وَاثَقَكُم بِهِ إِذْ قُلْتُمْ سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۷)

و نعمت خدا را بر خود و پیمانش را که [در لزوم اطاعت از او و پیامبرش] با شما محکم و استوار کرد، یاد کنید، هنگامی که گفتید: شنیدیم و اطاعت کردیم. و از خدا پروا کنید؛ زیرا خدا به آنچه در سینه هاست، داناست. (۷)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ عَلَی أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَی وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (۸)

ای اهل ایمان! همواره [در همه امور] قیام کننده برای خدا و گواهان به عدل و داد باشید. و نباید دشمنی با گروهی شما را بر آن دارد که عدالت نورزید؛ عدالت کنید که آن به پرهیزکاری نزدیک تر است. و از خدا پروا کنید؛ زیرا خدا به آنچه انجام می دهید آگاه است. (۸)

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُم مَّغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ (۹)

خدا به کسانی که ایمان آورده اند و کارهای شایسته انجام داده اند، وعده داده است که برای آنان آمرزش و پاداشی بزرگ است. (۹)

ص: ۱۰۸

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ (۱۰)

وکسانی که کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند، اهل دوزخ اند. (۱۰)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ هَمَّ قَوْمٌ أَن يَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ فَكَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (۱۱)

ای اهل ایمان! نعمت خدا را بر خود یاد کنید زمانی که گروهی قصد کردند که [برای نابودی تان] به شما شبیخون زنند، ولی خدا توطئه آنان را از شما بازداشت. و از خدا پروا کنید و مؤمنان فقط باید بر خدا توکل کنند. (۱۱)

وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَآمَنتُم بِرُسُلِي وَعَزَّرْتُمُوهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا لَّأُكَفِّرَنَّ عَنكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَلَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ فَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ (۱۲)

خدا از بنی اسرائیل [بر لزوم اطاعت از آیینش و پیروی از موسی] پیمان گرفت، و از میان آنان دوازده سرپرست برانیگختیم [تا هر یک عهده دار امور قبیله ای از قبایل بنی اسرائیل باشد]، و خدا به آنان فرمود: یقیناً من با شمایم، اگر نماز را برپا دارید، و زکات بپردازید، و به پیامبرانم ایمان آورید، و آنان را تقویت و یاری کنید و به خدا وامی نیکو دهید، مسلماً گناهانتان را محو می کنم، و شما را در بهشت هایی که از زیرِ [درختانِ] آن نهرها جاری است در می آورم؛ پس هر که از شما بعد از این کافر شود، یقیناً راه راست را گم کرده است. (۱۲)

فَبِمَا نَقْضِهِم مِّيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهِ وَنَسُوا حَظًّا مِّمَّا ذُكِّرُوا بِهِ وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِّنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (۱۳)

پس آنان را به سبب پیمان شکستنشان لعنت کردیم، و دل هایشان را بسیار سخت گردانیدیم، [تا جایی که] کلمات خدا را از جایگاه اصلی اش و معنای حقیقی اش تغییر می دهند، و بخشی از آنچه را [از معارف و احکام تورات واقعی] که به وسیله آن پند داده شدند، از یاد بردند [و نادیده گرفتند]، و همواره از اعمال خائنانه آنان جز اندکی از ایشان [که وفادار به پیمان خدایند] آگاه می شوی؛ پس [تا نزول حکم جهاد] از آنان درگذر و [از مجازاتشان] روی گردان؛ زیرا خدا نیکوکاران را دوست دارد. (۱۳)

ص: ۱۰۹

وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى أَخَذْنَا مِيثَاقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا مِّمَّا ذُكِّرُوا بِهِ فَأَغْرَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَسَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ (۱۴)

و از کسانی که گفتند: ما نصرانی هستیم، [بر لزوم اطاعت از خود و پیروی از عیسی] پیمان گرفتیم، پس بخشی از آنچه را [از معارف و احکام انجیل واقعی] که به وسیله آن پند داده شدند، از یاد بردند [و نادیده گرفتند]، بر این اساس میان آنان تا روز قیامت کینه و دشمنی انداختیم، و خدا آنان را از آنچه همواره انجام می دادند، آگاه می کند. (۱۴)

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِّمَّا كُنتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُو عَن كَثِيرٍ قَدْ جَاءَكُم مِّنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُّبِينٌ (۱۵)

ای اهل کتاب! یقیناً پیامبر ما به سوی شما آمد که بسیاری از آنچه را که شما از کتاب [تورات و انجیل درباره نشانه های او و قرآن] همواره پنهان می داشتید برای شما بیان می کند، و از بسیاری [از پنهان کاری های ناروای شما هم] درمی گذرد. بی تردید از سوی خدا برای شما نور و کتابی روشنگر آمده است. (۱۵)

يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ (۱۶)

خدا به وسیله آن [نور و کتاب] کسانی را که از خشنودی او پیروی کنند به راه های سلامت راهنمایی می کند، و آنان را به توفیق خود از تاریکی ها [یِ جهل، کفر، شرک و نفاق] به سوی روشناییِ [معرفت، ایمان و عمل صالح] بیرون می آورد، و به جانب راه راست هدایت می کند. (۱۶)

لَّقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ قُلْ فَمَن يَمْلِكُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ أَن يُهْلِكَ الْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ وَمَن فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱۷)

مسلماً آنان که گفتند: خدا همان مسیح، فرزند مریم است. یقیناً کافر شده اند. بگو: اگر خدا بخواهد، مسیح و مادرش و تمام کسانی که در روی زمین اند، هلاک کند، چه کسی می تواند در برابر اراده و قدرت او بایستد؟ و مالکیّت و فرمانروایی آسمان ها و زمین و آنچه میان آن دو قرار دارد، فقط در سیطره خداست، هر چه را بخواهد می آفریند، و خدا بر هر کاری تواناست. (۱۷)

ص: ۱۱۰

وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّاؤُهُ قُلْ فَلِمَ يُعَذِّبُكُم بِذُنُوبِكُم بَلْ أَنتُم بَشَرٌ مِّمَّنْ خَلَقَ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ (۱۸)

و یهود و نصاری گفتند: ما پسران خدا و دوستان اوییم. بگو: [اگر گفتار شما درست است] پس چرا خدا شما را به گناهانتان

عـذاب می کنـد؟ بلکـه شـما هم بشـری هستیـد از مخلوقـاتی که خـدا آفریـده است. هر که را بخواهـد می آمرزد، و هر که را بخواهـد عـذاب می کند. و مالکیّت و فرمانروایی آسـمان ها و زمین و آنچه میان آن دو قرار دارد، فقط در سیطره خداست، و بازگشت به سوی اوست. (۱۸)

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ عَلَى فَتْرَةٍ مِّنَ الرُّسُلِ أَن تَقُولُوا مَا جَاءَنَا مِن بَشِيرٍ وَلَا نَذِيرٍ فَقَدْ جَاءَكُم بَشِيرٌ وَنَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱۹)

ای اهـل کتاب! بی تردیـد رسول ما پس از روزگار فترت و خلأ پیامبران به سوی شـما آمـد [و آنچه را مورد نیاز دنیا و آخرت شماست] برای شـما بیان می کنـد که [روز قیامت در پیشـگاه خـدا] نگوییـد: برای ما هیـچ مژده دهنده و بیم رسانی نیامد، یقیناً مژده دهنده و بیم رسان به سویتان آمد؛ وخدا بر هر کاری تواناست. (۱۹)

وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنبِيَاءَ وَجَعَلَكُم مُّلُوكًا وَآتَاكُم مَّا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِّنَ الْعَالَمِينَ (۲۰)

و [یاد کنید] هنگامی که موسی به قومش گفت: ای قوم من! نعمت خدا را بر خود یاد کنید، آن گاه که در میان شما پیامبرانی قرار داد، و شما را حاکمان و فرمانروایان ساخت، و به شما نعمت های ویژه ای داد که به هیچ یک از جهانیان نداد. (۲۰)

يَا قَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَرْتَدُّوا عَلَى أَدْبَارِكُمْ فَتَنقَلِبُوا خَاسِرِينَ (۲۱)

ای قوم من! به سـرزمین مقدسـی که خـدا برایتان مقرّر فرموده در آیید و [به گناه، عصـیان، سـرپیچی از فرمان ها و احکام حق] بازنگردید که زیانکار می شوید. (۲۱)

قَالُوا يَا مُوسَى إِنَّ فِيهَا قَوْمًا جَبَّارِينَ وَإِنَّا لَن نَّدْخُلَهَا حَتَّى يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِن يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِنَّا دَاخِلُونَ (۲۲)

گفتند: ای موسـی! مسـلماً در آنجا مردمی زورگو و ستم گر قرار دارند، و ما هرگز وارد آنجا نمی شویم تا آنان از آنجا بیرون روند، پس اگر از آنجا بیرون روند البته ما وارد خواهیم شد. (۲۲)

قَالَ رَجُلَانِ مِنَ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمَا ادْخُلُوا عَلَيْهِمُ الْبَابَ فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَإِنَّكُمْ غَالِبُونَ وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ (۲۳)

دو مرد از کسانی که [از خدا] می ترسیدند و خدا به هر دو نعمتِ [معرفت، ایمان و شهامت] داده بود، گفتند: از این دروازه به آنان یورش برید، چون به آنجا درآیید یقیناً پیروزید؛ و اگر مؤمن هستید بر خدا توکل کنید. (۲۳)

ص: ۱۱۱

قَالُوا يَا مُوسَى إِنَّا لَن نَّدْخُلَهَا أَبَدًا مَّا دَامُوا فِيهَا فَاذْهَبْ أَنتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ (۲۴)

گفتند: ای موسی! تا آنان در آنجایند، ما هرگز وارد آنجا نخواهیم شد، پس تو و پروردگارت بروید [با آنان] بجنگید که ما [تا پایان کار] در همین جا نشسته ایم. (۲۴)

قَالَ رَبِّ إِنِّی لَا أَمْلِكُ إِلَّا نَفْسِی وَأَخِی فَافْرُقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ (۲۵)

[موسی] گفت: پروردگارا! من جز بر خود و برادرم تسلطی ندارم، پس میان ما و این گروه نافرمان و بدکار جدایی انداز. (۲۵)

قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيهُونَ فِی الْأَرْضِ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ (۲۶)

[خدا] فرمود: این سرزمین مقدس [به کیفر نافرمانی از خواسته های حق] تا چهل سال بر آنان حرام شد، همواره در طول این مدت در زمینِ [سینا] سرگردان خواهند بود، پس بر این گروه نافرمان وبدکار غمگین مباش. (۲۶)

وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنَیْ آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقُبِّلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ (۲۷)

وداستان دو پسر آدم را [که سراسر پند و عبرت است] به درستی و راستی بر آنان بخوان، هنگامی که هر دو نفر با انجام کار نیکی به پروردگار تقرّب جستند، پس از یکی پذیرفته شد، و از دیگری پذیرفته نشد. [برادری که عملش پذیرفته نشد از روی حسد و خودخواهی به برادرش] گفت: بی تردید تو را می کشم. [او] گفت: خدا فقط از پرهیزکاران می پذیرد. (۲۷)

لَئِن بَسَطتَ إِلَیَّ يَدَكَ لِتَقْتُلَنِی مَا أَنَا بِبَاسِطٍ يَدِیَ إِلَيْكَ لِأَقْتُلَكَ إِنِّی أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ (۲۸)

مسلماً اگر تو برای کشتن من دستت را دراز کنی، من برای کشتن تو دستم را دراز نمی کنم؛ زیرا از خدا پروردگار جهانیان می ترسم. (۲۸)

إِنِّی أُرِيدُ أَن تَبُوءَ بِإِثْمِی وَإِثْمِكَ فَتَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ وَذَلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ (۲۹)

من می خواهم به گناه کشتن من و گناه خودت [که سبب مردود شدن کار نیکت بود، به پیشگاه خدا] بازگردی و در نتیجه از دوزخیان باشی؛ و این است پاداش ستمکاران. (۲۹)

فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ فَأَصْبَحَ مِنَ الْخَاسِرِينَ (۳۰)

نفس [طغیان گرش]، کشتن برادرش را در نظرش سهل و آسان جلوه داد، پس او را کشت و از زیانکاران شد. (۳۰)

فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِی الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُوَارِی سَوْءَةَ أَخِيهِ قَالَ يَا وَيْلَتَا أَعَجَزْتُ أَنْ أَكُونَ مِثْلَ هَذَا الْغُرَابِ فَأُوَارِیَ سَوْءَةَ أَخِی فَأَصْبَحَ مِنَ النَّادِمِينَ (۳۱)

پس [در کنار جسد برادرش سرگردان بود که] خدا کلاغی را برانگیخت که زمین را می کاوید تا به او نشان دهد که چگونه

جسد برادرش را پنهان کند. [با دیدن حرکات کلاغ] فریاد زد: وای بر من! آیا ناتوان و عاجز بودم از اینکه مانند این کلاغ باشم تا جسد برادرم را پنهان کنم؟! نهایتاً از پشیمانان شد. (۳۱)

ص: ۱۱۲

مِنْ أَجْلِ ذَلِکَ کَتَبْنَا عَلَی بَنِی إِسْرَائِیلَ أَنَّهُ مَن قَتَلَ نَفْسًا بِغَیْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِی الْأَرْضِ فَکَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِیعًا وَمَنْ أَحْیَاهَا فَکَأَنَّمَا أَحْیَا النَّاسَ جَمِیعًا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَیِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ کَثِیرًا مِّنْهُم بَعْدَ ذَلِکَ فِی الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ (۳۲)

به این سبب بر بنی اسرائیل لازم و مقرّر کردیم که هر کس انسانی را جز برای حق، [قصاص] یا بدون آنکه فسادی در زمین کرده باشد، بکشد، چنان است که همه انسان ها را کشته، و هر کس انسانی را از مرگ برهاند و زنده بدارد، گویی همه انسان ها را زنده داشته است. و یقیناً پیامبران دلایل روشنی برای بنی اسرائیل آوردند، سپس بسیاری از آنان بعد از آن در روی زمین به [تجاوز از حدود حقّ و فساد و] زیاده روی برخاستند. (۳۲)

إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِینَ یُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَیَسْعَوْنَ فِی الْأَرْضِ فَسَادًا أَن یُقَتَّلُوا أَوْ یُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَیْدِیهِمْ وَأَرْجُلُهُم مِّنْ خِلَافٍ أَوْ یُنفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِکَ لَهُمْ خِزْیٌ فِی الدُّنْیَا وَلَهُمْ فِی الْآخِرَهِ عَذَابٌ عَظِیمٌ (۳۳)

کیفر آنان که با خدا و پیامبرش می جنگند، و در زمین به فساد و تباهی می کوشند، فقط این است که کشته شوند، یا به دارشان آویزند، یا دست راست و پای چپشان بریده شود، یا از وطن خود تبعیدشان کنند. این برای آنان رسوایی و خواری در دنیاست، و برای آنان در آخرت عذابی بزرگ است. (۳۳)

إِلَّا الَّذِینَ تَابُوا مِن قَبْلِ أَن تَقْدِرُوا عَلَیْهِمْ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِیمٌ (۳۴)

مگر کسانی که پیش از دست یافتنتان بر آنان توبه کنند؛ پس بدانید که خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (۳۴)

یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَیْهِ الْوَسِیلَهَ وَجَاهِدُوا فِی سَبِیلِهِ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ (۳۵)

ای اهل ایمان! از خدا پروا کنید و دست آویز و وسیله ای [از ایمان، عمل صالح و آبروی مقرّبان درگاهش] برای تقرّب به سوی او بجویید؛ و در راه او جهاد کنید تا رستگار شوید. (۳۵)

إِنَّ الَّذِینَ کَفَرُوا لَوْ أَنَّ لَهُم مَّا فِی الْأَرْضِ جَمِیعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لِیَفْتَدُوا بِهِ مِنْ عَذَابِ یَوْمِ الْقِیَامَهِ مَا تُقُبِّلَ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِیمٌ (۳۶)

قطعاً کسانی که کافر شدند اگر همه آنچه در زمین است و همانند آن را نیز با آن همراه خود داشته باشند، تا آن را برای نجاتشان از عذاب روز قیامت فدیه و عوض دهند، از آنان پذیرفته نخواهد شد؛ و برای آنان عذابی دردناک است. (۳۶)

ص: ۱۱۳

یُرِیدُونَ أَن یَخْرُجُوا مِنَ النَّارِ وَمَا هُم بِخَارِجِینَ مِنْهَا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِیمٌ (۳۷)

همواره می خواهند از آتش بیرون آیند، ولی از آن بیرون شدنی نیستند؛ و برای آنان عذابی دائم و پایدار است. (۳۷)

وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۳۸)

و دست مرد و زن دزد را به کیفر کار زشتی که مرتکب شده اند به عنوان مجازاتی از سوی خدا قطع کنید؛ و خدا توانای شکست ناپذیر است. (۳۸)

فَمَن تَابَ مِن بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۳۹)

پس کسی که بعد از ستم کردنش توبه کند و [مفاسد خود را] اصلاح نماید، یقیناً خدا توبه اش را می پذیرد؛ زیرا خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (۳۹)

أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَيَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۴۰)

آیا ندانسته ای که فرمانروایی آسمان ها و زمین در سیطره خداست، هر کس را بخواهد عذاب می کند، و هر کس را بخواهد می آمرزد؛ و خدا بر هر کاری تواناست؟ (۴۰)

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ لَا يَحْزُنكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا بِأَفْوَاهِهِمْ وَلَمْ تُؤْمِن قُلُوبُهُمْ وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا سَمَّاعُونَ لِلْكَذِبِ سَمَّاعُونَ لِقَوْمٍ آخَرِينَ لَمْ يَأْتُوكَ يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ مِن بَعْدِ مَوَاضِعِهِ يَقُولُونَ إِنْ أُوتِيتُمْ هَذَا فَخُذُوهُ وَإِن لَّمْ تُؤْتَوْهُ فَاحْذَرُوا وَمَن يُرِدِ اللَّهُ فِتْنَتَهُ فَلَن تَمْلِكَ لَهُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا أُولَئِكَ الَّذِينَ لَمْ يُرِدِ اللَّهُ أَن يُطَهِّرَ قُلُوبَهُمْ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۴۱)

ای پیامبر! کسانی که در کفر می شتابند تو را غمگین نسازند، چه آنان که به زبانشان گفتند: ایمان آوردیم و دل هایشان ایمان نیاورده، و چه آنان که یهودی اند که به شدت شنونده دروغند [با آنکه می دانند دروغ است] و به شدت گوش به فرمان گروهی دیگرند که [از روی حسد و کبر] نزد تو نیامده اند. [آن گروهی که] کلمات [خدا] را پس از استواری در جایگاه هایش تحریف می کنند، [و معنای حقیقی اش را تغییر می دهند و به مقلّدان و مطیعان بی سواد خود] می گویند: اگر [از طرف پیامبر اسلام] احکام [و فرمان هایی مطابق میل ما] به شما ابلاغ کردند بپذیرید، و اگر آن را [مطابق میل ما] ابلاغ نکردند [از آن] بپرهیزید. و کسانی که خدا عذاب [و رسوایی و ذلت] شان را بخواهد، تو هرگز نمی توانی چیزی از عذاب خدا را از آنان برطرف کنی. اینانند کسانی که خدا نخواسته دل هایشان را [از آلودگی] پاک کند؛ برای آنان در دنیا خواری و رسوایی، و در آخرت عذابی بزرگ است. (۴۱)

ص: ۱۱۴

سَمَّاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَّالُونَ لِلسُّحْتِ فَإِن جَاءُوكَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ وَإِن تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَن يَضُرُّوكَ شَيْئًا وَإِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ (۴۲)

آنان فوق العاده شِنوای دروغ اند [با آنکه می دانند دروغ است و] بسیار خورنده مال حرام؛ پس اگر نزد تو آمدند میان آنان [در آنچه تو را داور قرار دادند] داوری کن، یا [اگر نخواستی داوری کنی] از آنان روی برتاب. و اگر روی برتابی هرگز هیچ زیانی به تو نمی رسانند. و اگر میانشان داوری کردی به عدالت داوری کن؛ زیرا خدا عدالت پیشگان را دوست دارد. (۴۲)

وَكَيْفَ يُحَكِّمُونَكَ وَعِندَهُمُ التَّوْرَاةُ فِيهَا حُكْمُ اللَّهِ ثُمَّ يَتَوَلَّوْنَ مِن بَعْدِ ذَلِكَ وَمَا أُولَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ (۴۳)

چگونه تو را داور قرار می دهند در حالی که تورات که در آن حکم خداست نزد آنان است؟ سپس بعد از آنکه میانشان با حکمی که مطابق حکم تورات است داوری کردی روی برمی تابند، و [این روی برتافتن نشانه این است که] آنان [به تورات هم] ایمان ندارند. (۴۳)

إِنَّا أَنزَلْنَا التَّوْرَاةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِن كِتَابِ اللَّهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَاخْشَوْنِ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَمَن لَّمْ يَحْكُم بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ (۴۴)

بی تردید ما تورات را که در آن هدایت و نور است نازل کردیم. پیامبرانی که [تا زمان عیسی] تسلیم تورات بودند بر اساس آن برای یهودیان داوری می کردند، و [نیز] دانشمندان الهی مَسلک [وکاملان در دین] و عالمان یهود به سبب آنکه حفظ و حراست کتاب خدا از آنان خواسته شده بود و بر [درستی و راستی] آن گواه بودند به وسیله آن داوری می کردند. پس [ای دانشمندان یهود!] از مردم نترسید و از من بترسید، و آیاتم را به بهایی اندک مفروشید. و کسانی که بر طبق آنچه خدا نازل کرده داوری نکنند، هم ایناننند که کافرند. (۴۴)

وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنفَ بِالْأَنفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ فَمَن تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَّهُ وَمَن لَّمْ يَحْكُم بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (۴۵)

و ما در تورات بر بنی اسرائیل لازم و مقرّر داشتیم که [در قانون قصاص] جان در برابر جان، و چشم در مقابل چشم، و بینی به عوض بینی، و گوش به جای گوش، و دندان در برابر دندان، و زخم ها را قصاصی است. و هر که از آن قصاص گذشت کند، پس آن گذشت کفّاره ای برای [خطاها و معاصیِ] اوست. و آنان که بر طبق آنچه خدا نازل کرده داوری نکنند، هم ایناننند که ستمکارند. (۴۵)

ص: ۱۱۵

وَقَفَّيْنَا عَلَى آثَارِهِم بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَاةِ وَآتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ فِيهِ هُدًى وَنُورٌ وَمُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَاةِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ (۴۶)

و به دنبال پیامبران گذشته، عیسی بن مریم را درآوردیم در حالی که تصدیق کننده تورات پیش از خود بود، و انجیل را که در آن هدایت و نور است به او عطا کردیم و آن هم تصدیق کننده تورات پیش از خود، و برای پرهیزکاران هدایت و موعظه بود. (۴۶)

وَلْيَحْكُمْ أَهْلُ الْإِنجِيلِ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فِيهِ وَمَن لَّمْ يَحْكُم بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (۴۷)

و بایـد اهل انجیل بر طبق آنچه خـدا در آن نازل کرده داوری کنند، و آنان که بر طبق آنچه خدا نازل کرده داوری نکنند، هم اینانند که فاسق اند. (۴۷)

وَأَنزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيْمِنًا عَلَيْهِ فَاحْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ لِكُلٍّ جَعَلْنَا مِنكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِن لِّيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ (۴۸)

و مـا این کتـاب [قرآن] را به درستی و راستی به سوی تو نـازل کردیم در حـالی که تصـدیق کننـده کتاب های پیش از خود و نگهبان و گواه بر [حقّانیّت همه] آنان است؛ پس میان آنان بر طبق آنچه خدا نازل کرده است داوری کن، و [به هنگام داوری] سرپیچی از حقّی که به سوی تو آمـده از هواهـای نفسـانی آنـان پیروی مکن. برای هر یک از شـما شـریعت و راه روشـنی قرار دادیم. و اگر خدا می خواست همه شما را امت واحدی قرار می داد، ولی می خواهد شما را در آنچه به شما داده امتحان کند؛ پس به سوی کارهای نیک بر یکدیگر پیشی گیرید. بازگشت همه شـما به سوی خداست؛ پس شما را به آنچه همواره درباره آن اختلاف می کردید، آگاه می کند. (۴۸)

وَأَنِ احْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَاحْذَرْهُمْ أَن يَفْتِنُوكَ عَن بَعْضِ مَا أَنزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ فَإِن تَوَلَّوْا فَاعْلَمْ أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَن يُصِيبَهُم بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ (۴۹)

و میـان آنـان بر طبق آنچه خـدا نازل کرده است داوری کن، و از هواهای نفسانی آنان پیروی مکن، و از آنان برحـذر باش که مبـادا تو را از بخشـی از آنچه خـدا به سویت نازل کرده است، منحرف کننـد. پس اگر [ازداوری حکیمانه ات] روی گرداننـد، بدان که خدا می خواهد آنان را به سبب پاره ای از گناهانشان مجازات کند؛ و مسلماً بسیاری از مردم فاسق اند. (۴۹)

أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ (۵۰)

پس آیـا [بـا وجودِ مشـعل نبوّت و آیات روشن قرآن در میانشان] داوری جاهلیت را می طلبنـد؟! و برای قومی که یقین دارنـد، چه کسی در داوری بهتر از خدا است؟ (۵۰)

ص: ۱۱۶

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَن يَتَوَلَّهُم مِّنكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۵۱)

ای اهل ایمان! یهود و نصاری را سرپرسـتان و دوستان خود مگیرید، آنان سرپرستان و دوستان یکدیگرند [و تنها به روابط میان خود وفا دارنـد]. و هر کس از شـما، یهود و نصاری را سـرپرست و دوست خود گیرد از زمره آنان است؛ بی تردیـد خدا گروه ستمکار را هدایت نمی کند. (۵۱)

فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ يُسَارِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ نَخْشَى أَن تُصِيبَنَا دَائِرَةٌ فَعَسَى اللَّهُ أَن يَأْتِيَ بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِّنْ عِندِهِ فَيُصْبِحُوا عَلَى مَا أَسَرُّوا فِي أَنفُسِهِمْ نَادِمِينَ (۵۲)

کسانی که در دل هایشان بیماری [دورویی] است، می بینی که در دوستی با یهود و نصاری شتاب می ورزند و [بر پایه خیال باطلشان که مبادا اسلام و مسلمانان تکیه گاه استواری نباشند] می گویند: می ترسیم آسیب و گزند ناگواری به ما برسد [به این سبب باید برای دوستی به سوی یهود و نصاری بشتابیم]. امید است خدا از سوی خود پیروزی یا واقعیت دیگری [به نفع مسلمانان] پیش آرد تا این بیماردلان بر آنچه در دل هایشان پنهان می داشتند، پشیمان شوند. (۵۲)

وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا أَهَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ إِنَّهُمْ لَمَعَكُمْ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَأَصْبَحُوا خَاسِرِينَ (۵۳)

و کسانی که ایمان آورده اند [به مؤمنان دیگر] می گویند: آیا این بیماردلان آنانند که به سخت ترین سوگندهایشان به خدا سوگند می خوردند که با شما مؤمنانند؟! [ولی روشن شد که دروغ می گفتند. آنان یهود و نصاری را به سرپرستی و دوستی گرفتند و به این سبب] اعمالشان تباه و بی اثر شد، در نتیجه زیانکار شدند. (۵۳)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَن يَرْتَدَّ مِنكُمْ عَن دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (۵۴)

ای اهل ایمان! هر کس از شما از دینش برگردد [زیانی به خدا نمی رساند] خدا به زودی گروهی را می آورد که آنان را دوست دارد، و آنان هم خدا را دوست دارند؛ در برابر مؤمنانْ فروتن اند، و در برابر کافرانْ سرسخت و قدرتمندند، همواره در راه خدا جهاد می کنند، و از سرزنش هیچ سرزنش کننده ای نمی ترسند. این فضل خداست که به هر کس بخواهد می دهد؛ و خدا بسیار عطاکننده و داناست. (۵۴)

إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ (۵۵)

سرپرست و دوست شما فقط خدا و رسول اوست و مؤمنانی [مانند علی بن ابی طالب اند] که همواره نماز را برپا می دارند و در حالی که در رکوعند [به تهیدستان] زکات می دهند. (۵۵)

وَمَن يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ (۵۶)

و کسانی که خدا و رسولش و مؤمنانی [چون علی بن ابی طالب] را به سرپرستی و دوستی بپذیرند [حزب خدایند،] و یقیناً حزب خدا [در هر زمان و همه جا] پیروزند. (۵۶)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُوًا وَلَعِبًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ وَالْكُفَّارَ أَوْلِيَاءَ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ (۵۷)

ای مؤمنان! کسانی که دین شما را مسخره و بازیچه گرفته اند، چه از اهل کتاب و چه از کافران، سرپرستان و دوستان خود

مگیرید؛ و اگر مؤمن هستید از خدا پروا کنید. (۵۷)

ص: ۱۱۷

وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُوًا وَلَعِبًا ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَّا يَعْقِلُونَ (۵۸)

و چون برای نماز ندا در می دهید، آن را به مسخره و بازی می گیرند؛ این کار زشتشان به سبب این است که آنان گروهی هستند که [در حقایق و معارف] اندیشه نمی کنند. (۵۸)

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ هَلْ تَنقِمُونَ مِنَّا إِلَّا أَنْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ مِن قَبْلُ وَأَنَّ أَكْثَرَكُمْ فَاسِقُونَ (۵۹)

بگو: ای اهل کتاب! آیا جز این را بر ما عیب می گیرید که ما به خدا و آنچه از سوی او بر ما نازل شده و آنچه پیش از ما [بر پیامبران] فرود آمده ایمان آورده ایم؟! و این [عیب جویی شما به سبب این است] که بیشتر شما فاسق هستید. (۵۹)

قُلْ هَلْ أُنَبِّئُكُم بِشَرٍّ مِّن ذَٰلِكَ مَثُوبَةً عِندَ اللَّهِ مَن لَّعَنَهُ اللَّهُ وَغَضِبَ عَلَيْهِ وَجَعَلَ مِنْهُمُ الْقِرَدَةَ وَالْخَنَازِيرَ وَعَبَدَ الطَّاغُوتَ أُولَٰئِكَ شَرٌّ مَّكَانًا وَأَضَلُّ عَن سَوَاءِ السَّبِيلِ (۶۰)

بگو: آیا شما را از کسانی که کیفرشان [از مؤمنانی که به خیال خود از آنان عیب می گیرید و آنان را سزاوار عذاب می دانید] نزد خدا بدتر است، خبر دهم؟ [آنان] کسانی [از گذشتگان خود شما] هستند که خدا لعنتشان کرده، و بر آنان خشم گرفته، و برخی از آنان را به صورت بوزینه و خوک درآورده، و [نیز آنان که] طاغوت را پرستیدند؛ ایناننـد که جایگاه و منزلتشان بدتر و از راه راست گمراه ترند. (۶۰)

وَإِذَا جَاءُوكُمْ قَالُوا آمَنَّا وَقَد دَّخَلُوا بِالْكُفْرِ وَهُمْ قَدْ خَرَجُوا بِهِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا كَانُوا يَكْتُمُونَ (۶۱)

و هنگامی که نزد شما آیند، گویند: ایمان آوردیم. در حالی که با کفر وارد می شوند، و با کفر بیرون می روند؛ و خدا به کفر و نفاقی که همواره پنهان می کنند، داناتر است. (۶۱)

وَتَرَىٰ كَثِيرًا مِّنْهُمْ يُسَارِعُونَ فِي الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۶۲)

و بسیاری از آنان را می بینی که در گناه و تجاوز [از حدود خدا] و حرام خوری خود می شتابند؛ همانا بد است اعمالی که همواره انجام می دادند. (۶۲)

لَوْلَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ عَن قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ (۶۳)

چرا دانشمندان الهی مَسلک [و کاملان در دین] و عالمان یهود، آنان را از گفتار گناه آلود و حرام خواری بازنمی دارند؟ بسیار زشت است سکوتی که همواره پیش می گرفتند. (۶۳)

وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِّنْهُم مَّا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا وَأَلْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِّلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ (۶۴)

و یهود گفتند: دست [قدرت] خدا [نسبت به تصرّف در امور آفرینش، تشریع قوانین و عطا کردنِ روزی] بسته است. دست هاشان بسته باد و به کیفر گفتار باطلشان بر آنان لعنت باد؛ بلکه هر دو دست خدا همواره گشوده و باز است [به هر چیز و به هر کس] هر گونه بخواهد، روزی می دهد. و مسلماً آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده است، بر سرکشی و کفر بسیاری از آنان می افزاید. و ما میان [یهود، نصاری و گروه های دیگر] آنان تا روز قیامت کینه و دشمنی انداختیم. هر زمان آتشی را برای جنگ [با اهل ایمان] افروختند خدا آن را خاموش کرد، و همواره در زمین برای فساد می کوشند، و خدا مفسدان را دوست ندارد. (۶۴)

ص: ۱۱۸

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَكَفَّرْنَا عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأَدْخَلْنَاهُمْ جَنَّاتِ النَّعِيمِ (۶۵)

و اگر اهل کتاب [به آیین اسلام] ایمان می آوردند و پرهیزکاری می کردند، یقیناً گناهانشان را محو می کردیم، و آنان را در بهشت های پر نعمت در می آوردیم. (۶۵)

وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَاةَ وَالْإِنجِيلَ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِم مِّن رَّبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِن فَوْقِهِمْ وَمِن تَحْتِ أَرْجُلِهِم مِّنْهُمْ أُمَّةٌ مُّقْتَصِدَةٌ وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ (۶۶)

و اگر آنان تورات و انجیل [واقعی] و آنچه را که از سوی پروردگارشان به آنان نازل شده برپا می داشتند، بی تردید از برکات آسمان و زمین بهره مند می شدند. از آنان گروهی میانه رو و معتدل اند، و بسیاری از آنان بد است آنچه را انجام می دهند. (۶۶)

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ وَإِن لَّمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ (۶۷)

ای پیامبر! آنچه از سوی پروردگارت [درباره ولایت و رهبری علی بن أبی طالب امیرالمؤمنین (علیه السلام)] بر تو نازل شده ابلاغ کن؛ و اگر انجام ندهی پیام خدا را نرسانده ای. و خدا تو را از [آسیب و گزند] مردم نگه می دارد؛ قطعاً خدا گروه کافران را هدایت نمی کند. (۶۷)

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَى شَيْءٍ حَتَّى تُقِيمُوا التَّوْرَاةَ وَالْإِنجِيلَ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِّنْهُم مَّا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ (۶۸)

بگو: ای اهل کتاب! شما بر مسلک صحیح و درستی نیستید تا زمانی که تورات و انجیل و آنچه از جانب پروردگارتان به

سوی شما نازل شده بر پا دارید، و بی تردید آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده، بر سرکشی و کفر بسیاری از آنان می افزاید، پس بر گروه کافران غمگین مباش. (۶۸)

إِنَّ الَّذِینَ آمَنُوا وَالَّذِینَ هَادُوا وَالصَّابِئُونَ وَالنَّصَارَی مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْیَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَلَا هُمْ یَحْزَنُونَ (۶۹)

یقیناً کسانی که [از روی ظاهر] به اسلام گرویده اند و یهودی ها و صابئان و نصاری [با مُتّصف بودن به عنوان اسلام یا یهودیت یا صابئیت یا نصرانیّتْ، اهل سعادت و نجات نیستند،] هر کدام [از این گروه ها در زمان هر پیامبری از روی یقین و اخلاص] به خدا و روز قیامت ایمان آورده و کار شایسته انجام داده باشند، نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می شوند. (۶۹)

لَقَدْ أَخَذْنَا مِیثَاقَ بَنِی إِسْرَائِیلَ وَأَرْسَلْنَا إِلَیْهِمْ رُسُلًا كُلَّمَا جَاءَهُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَی أَنفُسُهُمْ فَرِیقًا كَذَّبُوا وَفَرِیقًا یَقْتُلُونَ (۷۰)

البته ما از بنی اسرائیل [بر اطاعت از خدا و پیروی از موسی] پیمان گرفتیم و پیامبرانی به سوی ایشان فرستادیم؛ هرگاه پیامبری احکام و قوانینی که دلخواهشان نبود برای آنان می آورد، گروهی را تکذیب کرده و گروهی را می کشتند!! (۷۰)

ص: ۱۱۹

وَحَسِبُوا أَلَّا تَكُونَ فِتْنَةٌ فَعَمُوا وَصَمُّوا ثُمَّ تَابَ اللَّهُ عَلَیْهِمْ ثُمَّ عَمُوا وَصَمُّوا كَثِیرٌ مِّنْهُمْ وَاللَّهُ بَصِیرٌ بِمَا یَعْمَلُونَ (۷۱)

وپنداشتند که عذاب و مجازاتی وجود ندارد؛ بنابراین [از دیدن واقعیات] کور و [از شنیدن حقایق و معارف] کر شدند، سپس [بعد از آگاهی و توبه کردن] خدا توبه آنان را پذیرفت. باز بسیاری از آنان کور و کر شدند! و خدا به آنچه انجام می دهند، بیناست. (۷۱)

لَقَدْ كَفَرَ الَّذِینَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِیحُ ابْنُ مَرْیَمَ وَقَالَ الْمَسِیحُ یَا بَنِی إِسْرَائِیلَ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّی وَرَبَّكُمْ إِنَّهُ مَن یُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَیْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِینَ مِنْ أَنصَارٍ (۷۲)

آنان که گفتند: خدا همان مسیح، فرزند مریم است، بی تردید کافر شدند؛ و حال آنکه مسیح گفت: ای بنی اسرائیل! خدای یکتا را که پروردگار من و پروردگار شماست بپرستید، مسلماً هر کس به خدا شرک ورزد، بی تردید خدا بهشت را بر او حرام کند، و جایگاهش آتش است، و برای ستمکاران هیچ یاوری نیست. (۷۲)

لَّقَدْ كَفَرَ الَّذِینَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَالِثُ ثَلَاثَةٍ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا إِلَهٌ وَاحِدٌ وَإِن لَّمْ یَنتَهُوا عَمَّا یَقُولُونَ لَیَمَسَّنَّ الَّذِینَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِیمٌ (۷۳)

آنان که گفتند: خدا یکی از [این] سه تاست [پدر، پسر، روح] یقیناً کافر شدند، و حال آنکه هیچ معبودی جز خدای یکتا نیست. و اگر از آنچه می گویند بازنایستند، قطعاً به کسانی از آنان که [به سبب چنین اعتقادی] کافر شدند، عذابی دردناک

خواهد رسید. (۷۳)

أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى اللَّهِ وَيَسْتَغْفِرُونَهُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۷۴)

آیا به سوی خدا بازنمی گردند، و از او درخواست آمرزش نمی کنند؟ و حال آنکه خدا بسیار آمرزنده ومهربان است. (۷۴)

مَّا الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِهِ الرُّسُلُ وَأُمُّهُ صِدِّيقَةٌ كَانَا يَأْكُلَانِ الطَّعَامَ انظُرْ كَيْفَ نُبَيِّنُ لَهُمُ الْآيَاتِ ثُمَّ انظُرْ أَنَّى يُؤْفَكُونَ (۷۵)

مسیح، فرزند مریم جز فرستاده ای [از سوی خدا] نیست که پیش از او هم فرستادگانی گذشته اند. و مادرش زن بسیار راستگو [و درست کاری] بود. هر دو [مانند انسان های دیگر] غذا می خوردند. با تأمل بنگر چگونه نشانه ها را برای آنان بیان می کنیم [تا بدانند متولد شدگان و نیازمندان به خوراک، خدا نیستند]؛ سپس با تأمل بنگر که آنان چگونه [از حق به باطل] منحرف می شوند؟! (۷۵)

قُلْ أَتَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَاللَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۷۶)

بگو: آیا به جای خدا چیزی را می پرستید که برای شما قدرت دفع هیچ زیان و جلب هیچ سودی را ندارد؟! و خداست که شنوا [یِ همه گفتارها] و دانا [یِ همه اسرار و رازها] ست. (۷۶)

ص: ۱۲۰

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا مِن قَبْلُ وَأَضَلُّوا كَثِيرًا وَضَلُّوا عَن سَوَاءِ السَّبِيلِ (۷۷)

بگو: ای اهل کتاب! به ناحق در دینتان غلوّ نکنید، و از امیال و هوس های گروهی که یقیناً پیش از این گمراه شدند وبسیاری را گمراه کردند و از راه راست دور شدند، پیروی مکنید. (۷۷)

لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُودَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَٰلِكَ بِمَا عَصَوا وَّكَانُوا يَعْتَدُونَ (۷۸)

از بنی اسرائیل آنان که کافر شدند به زبان داود و عیسی بن مریم لعنت شدند. لعنت شدنشان برای این بود که [نسبت به فرمان های خدا و انبیا] سرپیچی داشتند و همواره [از حدود الهی] تجاوز می کردند. (۷۸)

كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَن مُّنكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ (۷۹)

آنان یکدیگر را ازکارهای زشتی که مرتکب می شدند بازنمی داشتند. مسلماً بد بود آنچه را انجام می دادند. (۷۹)

تَرَى كَثِيرًا مِّنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَبِئْسَ مَا قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنفُسُهُمْ أَن سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَفِي الْعَذَابِ هُمْ خَالِدُونَ (۸۰)

بسیاری از آنان را می بینی که با کسانی که کفر ورزیدند، همواره دوستی می کنند. قطعاً بد است آنچه نفوسِ [طغیان گرشان

برای قیامت] آنان پیش فرستاده است؛ [و نتیجه آن این است] که خدا بر آنان خشم گرفت و در عذاب جاودانه اند. (۸۰)

وَلَوْ كَانُوا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالنَّبِيِّ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مَا اتَّخَذُوهُمْ أَوْلِيَاءَ وَلَكِنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ فَاسِقُونَ (۸۱)

اگر به خدا و پیامبر و آنچه بر او نازل شده ایمان می آوردند، [از برکت آن ایمان] کفّار و مشرکان را سرپرست و دوست خود نمی گرفتند؛ ولی بسیاری از آنان فاسق اند. (۸۱)

جزء ۷

ادامه سوره المائده

لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِّلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُم مَّوَدَّةً لِّلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى ذَلِكَ بِأَنَّ مِنْهُمْ قِسِّيسِينَ وَرُهْبَانًا وَأَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ (۸۲)

یقیناً سرسخت ترین مردم را در کینه و دشمنی نسبت به مؤمنان، یهودیان و مشرکان خواهی یافت. و البته نزدیک ترینشان را در دوستی با مؤمنان، کسانی می یابی که گفتند: ما نصرانی هستیم. این واقعیت برای آن است که گروهی از آنان کشیشان دانشمند و عابدان خدا ترس اند، و آنان [در پیروی از حق] تکبر نمی کنند. (۸۲)

ص: ۱۲۱

وَإِذَا سَمِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَى أَعْيُنَهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ (۸۳)

و چون آنچه را که بر پیامبر اسلام نازل شده بشنوند، دیدگانشان را می بینی به سبب آنچه از حق شناخته اند، لبریز از اشک می شود، می گویند: پروردگارا! ایمان آوردیم، پس ما را در زمره گواهان [به حقّانیّت پیامبر و قرآن] بنویس. (۸۳)

وَمَا لَنَا لَا نُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا جَاءَنَا مِنَ الْحَقِّ وَنَطْمَعُ أَن يُدْخِلَنَا رَبُّنَا مَعَ الْقَوْمِ الصَّالِحِينَ (۸۴)

و بر پایه چه عذر و بهانه ای به خدا و آنچه از حق برای ما آمده ایمان نیاوریم؟ و حال آنکه امید داریم که پروردگارمان ما را در زمره شایستگان درآورد. (۸۴)

فَأَثَابَهُمُ اللَّهُ بِمَا قَالُوا جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ (۸۵)

پس خدا به پاس این سخنان [و عقاید صادقانه] به آنان بهشت هایی پاداش داد که از زیرِ [درختانِ] آن نهرها جاری است، در آن جاودانه اند؛ و این است پاداش نیکوکاران. (۸۵)

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ (۸۶)

و آنان که کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند، اهل آتش اند. (۸۶)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُحَرِّمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ (٨٧)

ای اهل ایمان! چیزهای پاکیزه ای را که خدا برای شما حلال کرده بر خود حرام نکنید، و [از حدود خدا] تجاوز ننمایید؛ یقیناً خدا متجاوزان را دوست ندارد. (٨٧)

وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنتُم بِهِ مُؤْمِنُونَ (٨٨)

و از نعمت های حلال و پاکیزه ای که خدا روزی شما فرموده، بخورید؛ و از خدایی که به او ایمان دارید، پروا کنید. (٨٨)

لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِن يُؤَاخِذُكُم بِمَا عَقَّدتُّمُ الْأَيْمَانَ فَكَفَّارَتُهُ إِطْعَامُ عَشَرَةِ مَسَاكِينَ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعِمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْوَتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ فَمَن لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ذَلِكَ كَفَّارَةُ أَيْمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ وَاحْفَظُوا أَيْمَانَكُمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (٨٩)

خدا شما را به خاطر سوگندهای لغو و بی هدفتان مجازات نمی کند، ولی به سبب [شکستنِ] سوگندهایی که به طور جدّی و با قصد و اراده خورده اید، مؤاخذه می کند؛ پس کفّاره [شکستن] این گونه سوگندها، طعام دادن به ده نفر مسکین از غذاهای متوسطی است که به خانواده خود می خورانید، یا لباس پوشاندن بر آن ده نفر، یا آزاد کردن یک برده. و کسی که هیچ یک [از این کفّاراتِ سه گانه] را نیابد کفّاره اش سه روزْ روزه است. این است کفّاره سوگندهایتان زمانی که سوگند خوردید [و آن را شکستید]. لازم است سوگندهای خود را حفظ کنید. این گونه خدا آیاتش را برای شما بیان می کند تا سپاس گزارید. (٨٩)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (٩٠)

ای اهل ایمان! جز این نیست که همه مایعات مست کننده و قمار و بت هایی که [برای پرستش] نصب شده وپاره چوب هایی که به آن تفأل زده می شود، پلید و از کارهای شیطان است؛ پس از آنها دوری کنید تا رستگار شوید. (٩٠)

إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَن يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنتُم مُّنتَهُونَ (٩١)

مسلماً شیطان می خواهد با شراب و قمار، میان شما دشمنی و کینه [سخت] اندازد، و از یاد خدا و نماز بازتان دارد؛ آیا شما [از این امور با همه زیان ها وخطراتی که دارد] خودداری خواهید کرد؟ (٩١)

وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَاحْذَرُوا فَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّمَا عَلَى رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ (٩٢)

و از خدا اطاعت کنید و از پیامبر فرمان برید، و [از مخالفت با خدا و پیامبر] بپرهیزید، پس اگر روی گردانید [سزاوار کیفر می شوید]، و بدانید که بر عهده پیامبر ما فقط رساندن آشکارِ [پیام وحی] است. (٩٢)

لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جُنَاحٌ فِيمَا طَعِمُوا إِذَا مَا اتَّقَوا وَّآمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ثُمَّ اتَّقَوا وَّآمَنُوا ثُمَّ اتَّقَوا وَّأَحْسَنُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (۹۳)

بر کسانی که ایمان آورده اند و کارهای شایسته انجام داده اند نسبت به آنچه [پیش از حکم تحریم، از مسکرات و منافع قمار و سایر مُحرّمات] خورده اند، گناهی نیست، هرگاه بپرهیزند و ایمان [واقعی] آورند و [خالصانه] کارهای شایسته انجام دهند؛ سپس پرهیزکاری را تداوم بخشند و ایمان خود را ادامه دهند، و بر پرهیزکاری پافشاری ورزند و کار نیک بجا آورند؛ و خدا نیکوکاران را دوست دارد. (۹۳)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَيَبْلُوَنَّكُمُ اللَّهُ بِشَيْءٍ مِّنَ الصَّيْدِ تَنَالُهُ أَيْدِيكُمْ وَرِمَاحُكُمْ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَخَافُهُ بِالْغَيْبِ فَمَنِ اعْتَدَى بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۹۴)

ای اهل ایمان! بی تردید خدا شما را به چیزی از شکار [حیوانات در حالی که مُحرم هستید] آزمایش می کند، چه شکاری که [به آسانی و بدون اسلحه] دست شما به آن برسد، و [چه شکاری که به سبب وحشی بودنش] نیزه های شما [آن را صید می کند؛] تا خدا کسی را که در نهان از او می ترسد، معلوم و مشخص نماید. و هر که پس از این [امتحان از حدود خدا] تجاوز کند [و در حال احرام به شکار برخیزد] برای او عذابی دردناک است. (۹۴)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنتُمْ حُرُمٌ وَمَن قَتَلَهُ مِنكُم مُّتَعَمِّدًا فَجَزَاءٌ مِّثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعَمِ يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنكُمْ هَدْيًا بَالِغَ الْكَعْبَةِ أَوْ كَفَّارَةٌ طَعَامُ مَسَاكِينَ أَوْ عَدْلُ ذَلِكَ صِيَامًا لِّيَذُوقَ وَبَالَ أَمْرِهِ عَفَا اللَّهُ عَمَّا سَلَفَ وَمَنْ عَادَ فَيَنتَقِمُ اللَّهُ مِنْهُ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ (۹۵)

ای اهل ایمان! در حالی که در احرام [حج یا عمره] هستید، شکار را نکشید. و هر کس از شما عمداً آن را بکشد، کفّاره ای همانند آن از جنس چهارپایانِ [اهلی] بر عهده اوست؛ که [همانند بودن آن را] دو عادل از خودتان گواهی دهند، و به عنوان قربانی به [حریم] کعبه رسد، یا به کفّاره [آن شکار کشته شده معادل قیمت قربانی] به مستمندان طعام دهد، یا برابر تعداد مستمندی که طعام می دهد روزه بگیرد، تا کیفر کار خود را بچشد. خدا از [گناه] کشتن شکارهایی که پیش از این حکم انجام گرفته، درگذشت. و هر که [پس از کفّاره دادن] به شکار کردن بازگردد، خدا از او انتقام می گیرد؛ و خدا توانای شکست ناپذیر و صاحب انتقام است. (۹۵)

ص: ۱۲۳

أُحِلَّ لَكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ وَطَعَامُهُ مَتَاعًا لَّكُمْ وَلِلسَّيَّارَةِ وَحُرِّمَ عَلَيْكُمْ صَيْدُ الْبَرِّ مَا دُمْتُمْ حُرُمًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (۹۶)

برای بهره مند شدن شما و کاروانیان، شکار کردن از دریا و خوراکی آن [در حال احرام] بر شما حلال شد. و شکار صحرا و بیابان تا زمانی که مُحرم هستید، بر شما حرام است. و از خدایی که به سوی او گردآوری می شوید، پروا کنید. (۹۶)

جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِّلنَّاسِ وَالشَّهْرَ الْحَرَامَ وَالْهَدْيَ وَالْقَلَائِدَ ذَلِكَ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي

الْأَرْضِ وَأَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۹۷)

خدا، [زیارتِ] کعبه، آن خانه با حرمت، و ماه های حرام، و قربانی های بی نشان، و قربانی های نشان دار را وسیله قوام و برپایی [زندگی، معیشت و سامان دنیا و آخرت] مردم قرار داد. این [شرایع و احکام] برای آن است که بدانید: یقیناً خدا آنچه را در آسمان ها و آنچه را در زمین است می داند؛ و قطعاً خدا به همه چیز داناست. (۹۷)

اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ وَأَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۹۸)

بدانید مسلماً خدا [نسبت به نافرمانی بندگان] سخت کیفر، و [نسبت به طاعت آنان] بسیار آمرزنده و مهربان است. (۹۸)

مَّا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ (۹۹)

بر عهده پیامبر جز رساندن [پیام خدا] نیست. و خدا آنچه را آشکار می کنید و آنچه را پنهان می دارید، می داند. (۹۹)

قُل لَّا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ وَلَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ الْخَبِيثِ فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۱۰۰)

بگو: ناپاک و پاک [مانند کافر و مؤمن، معصیت و طاعت، حرام و حلال، و معیوب و سالم] یکسان نیستند؛ هر چند فراوانی ناپاک ها تو را به شگفت آورد. پس ای صاحبان خرد! از خدا پروا کنید تا رستگار شوید. (۱۰۰)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءَ إِن تُبْدَ لَكُمْ تَسُؤْكُمْ وَإِن تَسْأَلُوا عَنْهَا حِينَ يُنَزَّلُ الْقُرْآنُ تُبْدَ لَكُمْ عَفَا اللَّهُ عَنْهَا وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ (۱۰۱)

ای اهل ایمان! از احکام و معارفی [که شریعت اسلام از بیان آنها خودداری می کند و خدا هم به خاطر آسان گرفتن بر بندگانْ نهی و امری نسبت به آنها ندارد] مپرسید؛ که اگر برای شما آشکار شود، غمگینتان کند. و اگر هنگامی که قرآن نازل می شود از آنها بپرسید، برای شما روشن می شود. خدا از [اینکه شما را به] آن احکام و معارف [که باعث غم و اندوه شماست مُکلّف کند] گذشت کرد؛ و خدا بسیار آمرزنده و بردبار است. (۱۰۱)

قَدْ سَأَلَهَا قَوْمٌ مِّن قَبْلِكُمْ ثُمَّ أَصْبَحُوا بِهَا كَافِرِينَ (۱۰۲)

گروهی از پیشینیان شما از آن احکام و معارف پرسیدند، [چون برای آنان روشن شد، از اجرایش روی گرداندند] سپس به آن کافر شدند. (۱۰۲)

مَا جَعَلَ اللَّهُ مِن بَحِيرَةٍ وَلَا سَائِبَةٍ وَلَا وَصِيلَةٍ وَلَا حَامٍ وَلَكِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَأَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ (۱۰۳)

خدا هیچ حیوانی را به عنوان بحیره [ماده شتری که پنجمین حمل مادر خود باشد] و سائبه [شتری که ده ماده زاییده] و وصیله [گوسفند ماده ای که همزاد با بره نر است] و حام [شتر نری که ده شتر از او پدید آمده]، مقدس و ممنوع از تصرّف قرار نداده است. ولی کسانی که کفر ورزیده اند [این امور را] بر خدا دروغ می بندند و بیشترشان اندیشه نمی کنند. (۱۰۳)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَى مَا أَنزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوَلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ (۱۰۴)

و هنگامی که به آنان گویند: به سوی آنچه خدا نازل کرده و به سوی پیامبر آیید، گویند: روش و آیینی که پدرانمان را بر آن یافته ایم، ما را بس است. آیا هر چند پدرانشان چیزی نمی دانستند و هدایت نیافته باشند [باز هم این تقلید جاهلانه و ناروا را بر خود می پسندند؟!] (۱۰۴)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُم مَّن ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۱۰۵)

ای اهل ایمان! مراقبِ [ایمان و ارزش های معنوی] خود باشید؛ اگر شما هدایت یافتید، گمراهی کسی که گمراه شده به شما زیانی نمی رساند. بازگشت همه شما به سوی خداست؛ پس شما را از آنچه انجام می دادید، آگاه خواهد کرد. (۱۰۵)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا شَهَادَةُ بَيْنِكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنَانِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنكُمْ أَوْ آخَرَانِ مِنْ غَيْرِكُمْ إِنْ أَنتُمْ ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَأَصَابَتْكُم مُّصِيبَةُ الْمَوْتِ تَحْبِسُونَهُمَا مِن بَعْدِ الصَّلَاةِ فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ إِنِ ارْتَبْتُمْ لَا نَشْتَرِي بِهِ ثَمَنًا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَى وَلَا نَكْتُمُ شَهَادَةَ اللَّهِ إِنَّا إِذًا لَّمِنَ الْآثِمِينَ (۱۰۶)

ای اهل ایمان! هنگامی که یکی از شما را [آثارِ] مرگ فرا می رسد، باید در حال وصیت، دو عادل از هم کیشان خود را بر وصیت شاهد بگیرید؛ یا اگر در سفر بودید و مرگِ شما فرا رسید [و شاهدی از مؤمنان نیافتید] دو نفر از غیر هم کیشان خود را شاهد وصیت بگیرید. و اگر [شما وارثان در صداقت و راستی آن دو شاهد غیر مسلمان] شک کردید، هر دو را بعد از نماز حبس کنید، پس به خدا سوگند یاد می کنند که ما این شهادت را به هیچ قیمتی نمی فروشیم هر چند [مورد شهادت] خویشاوندان ما باشد، و شهادت الهی را [که در حقیقت شهادت بر وصیت است] پنهان نمی کنیم، که اگر پنهان کنیم از گناهکاران خواهیم بود. (۱۰۶)

فَإِنْ عُثِرَ عَلَى أَنَّهُمَا اسْتَحَقَّا إِثْمًا فَآخَرَانِ يَقُومَانِ مَقَامَهُمَا مِنَ الَّذِينَ اسْتَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْأَوْلَيَانِ فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ لَشَهَادَتُنَا أَحَقُّ مِن شَهَادَتِهِمَا وَمَا اعْتَدَيْنَا إِنَّا إِذًا لَّمِنَ الظَّالِمِينَ (۱۰۷)

پس اگر اطلاعی حاصل شود که آن دو شاهد [با شهادت ناحقّ خود] مرتکب گناه شده اند، دو شاهد دیگر از کسانی که به میّت نزدیک تر [و از کم و بیش وصیت آگاه تر] ند به جای آن دو شاهدِ [خائن] می ایستند، و به خدا سوگند می خورند که شهادتمان از شهادت آن دو نفر درست تر و به حق نزدیک تر است، و [در شهادتی که بر خلاف شهادت آنان می دهیم] بنای تجاوز از حق را نداریم، [که اگر داشته باشیم] قطعاً از ستمکاران خواهیم بود. (۱۰۷)

ذَلِكَ أَدْنَى أَن يَأْتُوا بِالشَّهَادَةِ عَلَى وَجْهِهَا أَوْ يَخَافُوا أَن تُرَدَّ أَيْمَانٌ بَعْدَ أَيْمَانِهِمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاسْمَعُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ (۱۰۸)

این [حکم به ترتیبی که خدا برای شما مقرّر کرده] برای اینکه شاهدان شهادت را به صورتی درست و صحیح ادا کنند یا بترسند، [از اینکه مشتشان باز شود و سوگندشان مورد توجه قرار نگیرد] و حقّ سوگندشان به دیگران برگردانده شود، به حقیقت نزدیک تر است. و از خدا پروا کنید و [فرمان هایش را] بشنوید؛ و خدا گروه فاسقان را هدایت نمی کند. (۱۰۸)

يَوْمَ يَجْمَعُ اللَّهُ الرُّسُلَ فَيَقُولُ مَاذَا أُجِبْتُمْ قَالُوا لَا عِلْمَ لَنَا إِنَّكَ أَنتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ (۱۰۹)

[از] روزی [پروا کنید] که خدا پیامبران را جمع می کند، و [به آنان] می فرماید: [در برابر دعوتتان به اجرای دستورهای خدا] چه پاسخی به شما داده شد؟ گویند: ما را [در برابرِ دانشِ تو] هیچ دانشی نیست؛ یقیناً تویی که به نهان ها بسیار دانایی. (۱۰۹)

إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ اذْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَى وَالِدَتِكَ إِذْ أَيَّدتُّكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ تُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَإِذْ عَلَّمْتُكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَاةَ وَالْإِنجِيلَ وَإِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي فَتَنفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِي وَتُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِي وَإِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَى بِإِذْنِي وَإِذْ كَفَفْتُ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَنكَ إِذْ جِئْتَهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ (۱۱۰)

[یاد کنید] هنگامی که خدا فرمود: ای عیسی بن مریم! نعمتم را بر خود و بر مادرت یاد کن، آن گاه که تو را به وسیله روح القدس توانایی بخشیدم، که با مردم در گهواره [به اعجاز] و در میان سالی [به وحی] سخن گفتی، و آن گاه که تو را کتاب و حکمت و تورات و انجیل آموختم، و هنگامی که به اذن من از گِل، مجسمه ای به شکل پرنده می ساختی، پس در آن می دمیدی و به فرمان من پرنده ای زنده می شد، و کور مادر زاد و شخص پیس را به اذن من شفا می دادی، و زمانی که مردگان را به اجازه من [زنده از گور] بیرون می آوردی، و آن گاه که [شرّ و آسیب] بنی اسرائیل را هنگامی که برای آنان دلایل روشن آوردی از تو بازداشتم، پس کسانی که از آنان کافر شدند، گفتند: این [دلایل و معجزات] جز افسونی آشکار نیست. (۱۱۰)

وَإِذْ أَوْحَيْتُ إِلَى الْحَوَارِيِّينَ أَنْ آمِنُوا بِي وَبِرَسُولِي قَالُوا آمَنَّا وَاشْهَدْ بِأَنَّنَا مُسْلِمُونَ (۱۱۱)

و [یاد کنید] هنگامی که به حواریون وحی کردم که به من و فرستاده من ایمان آورید. گفتند: ایمان آوردیم و شاهد باش که ما [در برابر خدا، فرمان ها و احکام او] تسلیم هستیم. (۱۱۱)

إِذْ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ أَن يُنَزِّلَ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِّنَ السَّمَاءِ قَالَ اتَّقُوا اللَّهَ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ (۱۱۲)

[و یاد کنید] زمانی که حواریون گفتند: ای عیسی بن مریم! آیا پروردگارت می تواند برای ما سفره ای که غذا در آن باشد از آسمان نازل کند؟! گفت: اگر ایمان دارید، از خدا پروا کنید. (۱۱۲)

قَالُوا نُرِيدُ أَن نَّأْكُلَ مِنْهَا وَتَطْمَئِنَّ قُلُوبُنَا وَنَعْلَمَ أَن قَدْ صَدَقْتَنَا وَنَكُونَ عَلَيْهَا مِنَ الشَّاهِدِينَ (۱۱۳)

گفتنـد: می خواهیم از آن بخوریم و دل هـای ما آرامش یابـد، و بـدانیم که تو [در ادعای نبوتت] به ما راست گفته ای، و ما بر آن از گواهان باشیم. (۱۱۳)

قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِّنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا عِيدًا لِّأَوَّلِنَا وَآخِرِنَا وَآيَةً مِّنكَ وَارْزُقْنَا وَأَنتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ (۱۱۴)

عیسی بن مریم گفت: خدایا! ای پروردگار ما! برای ما از آسمان سفره ای پر از غذا نازل کن تا عیدی باشد برای اهل زمان ما و نسل آینده ما، و نشانه ای از سوی تو؛ و ما را روزی بخش که تو بهترین روزی دهندگانی. (۱۱۴)

قَالَ اللَّهُ إِنِّي مُنَزِّلُهَا عَلَيْكُمْ فَمَن يَكْفُرْ بَعْدُ مِنكُمْ فَإِنِّي أُعَذِّبُهُ عَذَابًا لَّا أُعَذِّبُهُ أَحَدًا مِّنَ الْعَالَمِينَ (۱۱۵)

خدا فرمود: من مسلماً آن را بر شما نازل می کنم، پس اگر کسی از شما بعد از آن کافر شود [و به انکار نبوّت عیسی و معجزه اش برخیزد] بی تردید او را عذابی خواهم کرد که هیچ یک از جهانیان را آن گونه عذاب نکنم. (۱۱۵)

وَإِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ أَأَنتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَأُمِّيَ إِلَهَيْنِ مِن دُونِ اللَّهِ قَالَ سُبْحَانَكَ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقٍّ إِن كُنتُ قُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ تَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِي وَلَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ إِنَّكَ أَنتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ (۱۱۶)

و [عرصه هول انگیز قیامت را یاد کنیـد] هنگامی که خدا به عیسی بن مریم می فرماید: آیا تو به مردم گفتی که مرا و مادرم را به عنوان دو معبود به جای خـدا انتخاب کنیـد؟! می گوید: منزّه و پاکی، مرا چنین قدرتی نمی باشد که آنچه را حقّ من نیست بگـویم، اگر آن را گفتـه بـاشم یقیناً تـو آن را می دانی، تـو از آنچه در جـان و روح من است آگـاهی، و من از آنچه در ذات توست نمی دانم؛ زیرا تو بر نهان ها بسیار دانایی. (۱۱۶)

مَا قُلْتُ لَهُمْ إِلَّا مَا أَمَرْتَنِي بِهِ أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ وَكُنتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَّا دُمْتُ فِيهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنتَ أَنتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ وَأَنتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ (۱۱۷)

من به آنان جز آنچه را که به من دسـتور دادی نگفتم، [گفتم:] خـدایی را بپرستید که پروردگار من و شـماست. و تا زمانی که در میـان آنـان بودم گواهشـان بودم، و چون مرا [از میان آنان به سوی خود] برگرفتی، خود مراقب و نگاهبانشان بودی؛ و تو بر همه چیز گواهی. (۱۱۷)

إِن تُعَذِّبْهُمْ فَإِنَّهُمْ عِبَادُكَ وَإِن تَغْفِرْ لَهُمْ فَإِنَّكَ أَنتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۱۱۸)

اگر آنان را [به سبب شرک ورزیـدنشان] عـذاب کنی، بنـدگان توانـد، و اگر آنان را بیامرزی، یقیناً تویی که توانای شکست ناپذیر و حکیمی. (۱۱۸)

قَالَ اللَّهُ هَـذَا يَوْمُ يَنفَعُ الصَّادِقِينَ صِـدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَّضِـىَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (١١٩)

خدا فرمود: این روزی است که راستان را راستی و صدقشان سود دهد. برای آنان بهشت هایی است که از زیرِ [درختانِ] آن نهرها جاری است، همیشه در آن جاودانه اند، خدا از آنان خشنود و آنان هم از خدا خشنودند؛ این است رستگاری بزرگ. (١١٩)

لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا فِيهِنَّ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (١٢٠)

مالکیّت و فرمانروایی آسمان ها و زمین و آنچه در آنهاست، فقط در سیطره خداست، و او بر هر کاری تواناست. (١٢٠)

ص: ١٢٧

سوره الأنعام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِى خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ (١)

همه ستایش ها ویژه خداست که آسمان ها و زمین را آفرید و تاریکی ها و روشنی را پدید آورد. [با این همه نشانه ها که گواهی بر یکتایی و قدرت اوست] باز کافران برای پروردگارشان [بت ها و معبودهای باطل را] شریک و همتا قرار می دهند. (١)

هُوَ الَّذِى خَلَقَكُم مِّن طِينٍ ثُمَّ قَضَى أَجَلًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى عِندَهُ ثُمَّ أَنتُمْ تَمْتَرُونَ (٢)

اوست که شما را از گِلی مخصوص آفرید، سپس برای عمر شما مدتی مقرّر کرد، و اجل حتمی و ثابت نزد اوست، [شگفتا! که] باز شما [با این همه دلایل آشکار در یکتایی و ربوبیّت و خالقیّت او] شک می کنید. (٢)

وَهُوَ اللَّهُ فِى السَّمَاوَاتِ وَفِى الْأَرْضِ يَعْلَمُ سِرَّكُمْ وَجَهْرَكُمْ وَيَعْلَمُ مَا تَكْسِبُونَ (٣)

و او در آسمان ها و در زمین، خداست که نهان و آشکار شما را می داند، و نیز به آنچه [از خیر و شر] به دست می آورید، آگاه است. (٣)

وَمَا تَأْتِيهِم مِّنْ آيَهٍ مِّنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ (۴)

و هیچ نشانه ای از نشانه های پروردگارشان برای آنان نیامد مگر آنکه از آن روی گردانیدند. (۴)

فَقَدْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَسَوْفَ يَأْتِيهِمْ أَنبَاءُ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (۵)

آنان حق را هنگامی که به سویشان آمد تکذیب کردند، پس [ظهور و تحقّق] خبرهای آنچه را همواره به آن استهزا می

کردند، به آنان خواهد رسید. (۵)

أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا مِن قَبْلِهِم مِّن قَرْنٍ مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ مَا لَمْ نُمَكِّن لَّكُمْ وَأَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِم مِّدْرَارًا وَجَعَلْنَا الْأَنْهَارَ تَجْرِي مِن تَحْتِهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُم بِذُنُوبِهِمْ وَأَنشَأْنَا مِن بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ (۶)

آیا ندانسته اند که پیش از ایشان چه بسیار از ملت ها و اقوام را هلاک کردیم؟ که به آنان در پهنه زمین، نعمت ها و امکاناتی دادیم که به شما ندادیم، و بر آنان باران های پی در پی و پر ریزش فرستادیم و نهرهایی از زیر پای آنان جاری ساختیم [ولی ناسپاسی کردند]؛ پس آنان را به کیفر گناهانشان هلاک کردیم، و بعد از آنان اقوامی دیگر را پدید آوردیم. (۶)

وَلَوْ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ كِتَابًا فِي قِرْطَاسٍ فَلَمَسُوهُ بِأَيْدِيهِمْ لَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ (۷)

و اگر ما نوشته ای روی صحفه ای بر تو نازل کنیم که آنان آن را با دست خود لمس کنند، باز کفر پیشگان می گویند: این جز جادویی آشکار نیست!! (۷)

وَقَالُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ مَلَكٌ وَلَوْ أَنزَلْنَا مَلَكًا لَّقُضِيَ الْأَمْرُ ثُمَّ لَا يُنظَرُونَ (۸)

و گفتند: چرا فرشته ای [که در معرض دید ما قرار گیرد] بر او نازل نشده است؟ اگر فرشته ای نازل کنیم، کار هلاکت [این بهانه جویان] تمام می شود و لحظه ای مهلت نیابند. (۸)

ص: ۱۲۸

وَلَوْ جَعَلْنَاهُ مَلَكًا لَّجَعَلْنَاهُ رَجُلًا وَلَلَبَسْنَا عَلَيْهِم مَّا يَلْبِسُونَ (۹)

[این مغالطه گران لجوج می گویند: چرا پیامبر از جنس فرشتگان نیست؟] اگر او را فرشته ای قرار می دادیم، یقیناً وی را به شکل مردی در می آوردیم، و قطعاً حقیقت را همانطور که آنان بر دیگران مُشتبه می کنند [به سزای لجاجتشان] بر خود آنان مُشتبه می ساختیم، [تا بر فرض پیامبر قرار دادن فرشته، باز بگویند: چرا پیامبری از جنس بشر برای ما قرار داده است؟] (۹)

وَلَقَدِ اسْتُهْزِئَ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُم مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (۱۰)

مسلماً پیامبران پیش از تو هم مسخره شدند؛ پس بر کسانی که پیامبران را مسخره می کردند، عذاب و کیفری که همواره به استهزا می گرفتند نازل شد و آنان را فرا گرفت. (۱۰)

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ (۱۱)

بگو: در زمین بگردید، سپس با تأمل بنگرید که فرجام تکذیب کنندگان چگونه بوده است؟ (۱۱)

قُل لِّمَن مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُل لِّلَّهِ كَتَبَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ

فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (۱۲)

بگو: مالکیّت و فرمانروایی آنچه در آسمان ها و زمین است در سیطره کیست؟ بگو: در سیطره خداست که رحمت را بر خود لازم و مقرّر کرده؛ یقیناً همه شما را در روز قیامت که تردیدی در آن نیست جمع خواهد کرد. فقط کسانی که سرمایه وجودشان را تباه کرده اند، ایمان نمی آورند. (۱۲)

وَلَهُ مَا سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۱۳)

و همه موجوداتی که در [عرصه] شب و روز آرام دارند، در سیطره مالکیّت خدا هستند؛ و او شنوا و داناست. (۱۳)

قُلْ أَغَيْرَ اللَّهِ أَتَّخِذُ وَلِيًّا فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ يُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَسْلَمَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۱۴)

بگو: آیا جز خدا را که آفریننده آسمان ها و زمین است، سرپرست و یاور خود گیرم؟ و اوست که روزی می دهد و خود بی نیاز از روزی است. بگو: من مأمورم نخستین کسی باشم که فرمان خدا را گردن نهد، و فرمان یافته ام که هرگز از مشرکان مباش. (۱۴)

قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ (۱۵)

بگو: مسلماً اگر پروردگارم را نافرمانی کنم، از عذاب روزی بزرگ می ترسم (۱۵)

مَّن يُصْرَفْ عَنْهُ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمَهُ وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ (۱۶)

هر کس در آن روز، عذاب از او برگردانده شود، قطعاً خدا به او رحم کرده، و آن است کامیابی آشکار. (۱۶)

وَإِن يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِن يَمْسَسْكَ بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱۷)

و اگر خدا تو را آسیب و گزندی رساند، کسی جز او برطرف کننده آن نیست، و اگر تو را خیری رساند [حفظ و دوامش فقط به دست اوست]؛ پس او بر هر کاری تواناست. (۱۷)

وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ (۱۸)

اوست که بر بندگانش چیره و غالب است، و او حکیم و آگاه است. (۱۸)

ص: ۱۲۹

قُلْ أَيُّ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً قُلِ اللَّهُ شَهِيدٌ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَأُوحِيَ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنُ لِأُنذِرَكُم بِهِ وَمَن بَلَغَ أَئِنَّكُمْ لَتَشْهَدُونَ أَنَّ مَعَ اللَّهِ آلِهَةً أُخْرَى قُل لَّا أَشْهَدُ قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَإِنَّنِي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ (۱۹)

[به کافران و مشرکان که برای حق بودنِ نبوتت گواه می طلبند] بگو: گواهی چه کسی از همه گواهان بزرگ تر است [تا او را بر حقّانیّت نبوتم برای شما گواه آورم]؟ بگو: خدا میان من وشما گواه است [که گواهی اش بزرگ ترین ومطمئن ترین و صحیح ترین گواهی هاست]، و این قرآن [که گواهی خدا بر حقّانیّت نبوّت من است] به من وحی شده تا به وسیله آن شما وهر کس را که این قرآن به او می رسد بیم دهم. آیا شما [با دلیل استوار و محکم] گواهی می دهید که با خدا معبودهای دیگری به عنوان شریک هست؟ بگو: [چون دلیلی وجود ندارد] من گواهی نمی دهم. بگو: فقط معبود یگانه و یکتا اوست، و من از معبودهای باطلی که شریک او قرار می دهید، بیزارم. (۱۹)

الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمُ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (۲۰)

کسانی که به آنان کتاب آسمانی دادیم، همان گونه که پسرانشان را می شناسند [بر اساس اوصافی که در کتاب هایشان بیان شده] پیامبر را می شناسند؛ فقط کسانی که سرمایه وجودشان را تباه کردند، ایمان نمی آورند. (۲۰)

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ (۲۱)

ستمکارتر از کسی که بر خدا دروغ بسته، یا آیات او را تکذیب کرده، کیست؟ یقیناً ستمکاران، رستگار نخواهند بود. (۲۱)

وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا أَيْنَ شُرَكَاؤُكُمُ الَّذِينَ كُنتُمْ تَزْعُمُونَ (۲۲)

و [یاد کنید] روزی که همه آنان را [در عرصه قیامت] جمع می کنیم، سپس به کسانی که شرک ورزیده اند، می گوییم: شریکانتان که آنان را شریک خدا می پنداشتید، کجایند [تا شما را از عذاب امروز نجات دهند؟] (۲۲)

ثُمَّ لَمْ تَكُن فِتْنَتُهُمْ إِلَّا أَن قَالُوا وَاللَّهِ رَبِّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ (۲۳)

پس [آن روز] بهانه و عذرشان [برای رهایی از عذاب] فقط این است که خواهند گفت: به خدا پروردگارمان سوگند، که ما مشرک نبودیم!! (۲۳)

انظُرْ كَيْفَ كَذَبُوا عَلَى أَنفُسِهِمْ وَضَلَّ عَنْهُم مَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ (۲۴)

با تأمل بنگر که چگونه بر خود دروغ می بندند؛ وآنچه را به دروغ شریک خدا می دانستند از دستشان رفت وگم شد. (۲۴)

وَمِنْهُم مَّن يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَن يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِن يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ لَّا يُؤْمِنُوا بِهَا حَتَّى إِذَا جَاءُوكَ يُجَادِلُونَكَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (۲۵)

گروهی از آنان به سخنانت گوش می دهند، و ما [به کیفر لجاجت وکفرشان] بر دل هایشان پوشش هایی قرار دادیم که آن را نفهمند، و در گوش هایشان سنگینی نهادیم [تا نشنوند]. و اگر همه نشانه های حق را ببینند باز هم به آن ایمان نمی آورند؛ تا آنجا که وقتی به محضرت می آیند با تو مجادله وستیزه می کنند، کافران [از روی لجاجت وعناد] می گویند: این [قرآن] جز

افسانه های پیشینیان نیست. (۲۵)

وَهُمْ يَنْهَوْنَ عَنْهُ وَيَنْأَوْنَ عَنْهُ وَإِن يُهْلِكُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ (۲۶)

و آنان دیگران را [از توجه به قرآن] بازمی دارند و خود نیز از آن دور می شوند، اینان جز خود را به هلاکت نمی اندازند، و [این خطر را] درک نمی کنند. (۲۶)

وَلَوْ تَرَى إِذْ وُقِفُوا عَلَى النَّارِ فَقَالُوا يَا لَيْتَنَا نُرَدُّ وَلَا نُكَذِّبَ بِآيَاتِ رَبِّنَا وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (۲۷)

اگر هنگامی که آنان را بر آتش [دوزخ] نگه داشته اند ببینی [حالتی ذلت بار و وضعی هول انگیز می بینی] می گویند: ای کاش به دنیا بازگردانده می شدیم، و در آنجا آیات پروردگارمان را تکذیب نمی کردیم، و از مؤمنان می شدیم. (۲۷)

ص: ۱۳۰

بَلْ بَدَا لَهُم مَّا كَانُوا يُخْفُونَ مِن قَبْلُ وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ (۲۸)

[ولی آرزوی آنان از روی صدق و راستی نیست] بلکه آنچه [از حقّانیّت توحید و نبوّت و معاد] پیش از این پنهان می داشتند برای آنان آشکار شده [که این گونه آرزو می کنند]، و اگر به دنیا بازگردانده شوند، یقیناً به کفر و شرکی که از آن نهی شده اند بازمی گردند؛ و مسلماً آنان دروغگویند. (۲۸)

وَقَالُوا إِنْ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ (۲۹)

و [زمانی که در دنیا بودند] گفتند: جز این زندگی دنیای ما زندگی دیگری نیست و [پس از مرگ] برانگیخته نخواهیم شد. (۲۹)

وَلَوْ تَرَى إِذْ وُقِفُوا عَلَى رَبِّهِمْ قَالَ أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَى وَرَبِّنَا قَالَ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنتُمْ تَكْفُرُونَ (۳۰)

و اگر ببینی هنگامی که در پیشگاه پروردگارشان بازداشته شوند [وضعی شگفت انگیز می بینی]، خدا می فرماید: آیا این [برانگیخته شدن و زنده گشتن پس از مرگ] حق نیست؟ می گویند: سوگند به پروردگارمان حق است. [خدا] می فرماید: پس به کیفر آنکه کفر می ورزیدید، این عذاب را بچشید. (۳۰)

قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ حَتَّى إِذَا جَاءَتْهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً قَالُوا يَا حَسْرَتَنَا عَلَى مَا فَرَّطْنَا فِيهَا وَهُمْ يَحْمِلُونَ أَوْزَارَهُمْ عَلَى ظُهُورِهِمْ أَلَا سَاءَ مَا يَزِرُونَ (۳۱)

کسانی که دیدار [پاداش و مقام قرب] خدا را تکذیب کردند، یقیناً دچار زیان شدند. تا هنگامی که قیامت به طور ناگهان و غافل گیرانه به آنان رسد، می گویند: ای بر ما دریغ و افسوس که نسبت به تکالیف و وظایف شرعی خود کوتاهی کردیم. و آنان بار سنگین گناهانشان را بر دوش می کشند؛ آگاه باشید! بد باری است که بر دوش خواهند کشید. (۳۱)

وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَلَلدَّارُ الْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۳۲)

و زنـدگی دنیا [بدون ایمان و عمل صالح] بازی و سرگرمی است، و یقیناً سرای آخرت برای آنان که همواره پرهیزکاری می کنند، بهتر است. آیا نمی اندیشید؟ (۳۲)

قَدْ نَعْلَمُ إِنَّهُ لَيَحْزُنُكَ الَّذِي يَقُولُونَ فَإِنَّهُمْ لَا يُكَذِّبُونَكَ وَلَكِنَّ الظَّالِمِينَ بِآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ (۳۳)

آنچه را کـافران و مشرکان [بر ضـد قرآن و تو] می گوینـد می دانیم که تو را غمگین می کنـد. پس آنـان تو را تکـذیب نمی کنند، بلکه ستمکاران آیات خدا را تکذیب می نمایند. (۳۳)

وَلَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِّن قَبْلِكَ فَصَبَرُوا عَلَى مَا كُذِّبُوا وَأُوذُوا حَتَّى أَتَاهُمْ نَصْرُنَا وَلَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ وَلَقَدْ جَاءَكَ مِن نَّبَإِ الْمُرْسَلِينَ (۳۴)

مسلماً پیش از تو رسولانی تکـذیب شدنـد [و مورد آزار قرار گرفتنـد] و بر تکذیب و آزاری که دیدند، شکیبایی ورزیدند تا یاری ما به آنان رسید، [تو نیز شکیبایی کن تا یاری ما به تو برسد. این سنّت خداست،] و سنّت های خدا را تغییر دهنده ای نیست. و قطعاً بخشی از سرگذشت پیامبران [در آیاتی که پیش از این نازل شده] به تو رسیده است. (۳۴)

وَإِن كَانَ كَبُرَ عَلَيْكَ إِعْرَاضُهُمْ فَإِنِ اسْتَطَعْتَ أَن تَبْتَغِيَ نَفَقًا فِي الْأَرْضِ أَوْ سُلَّمًا فِي السَّمَاءِ فَتَأْتِيَهُم بِآيَةٍ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَمَعَهُمْ عَلَى الْهُدَى فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْجَاهِلِينَ (۳۵)

و اگر روی گردانـدن آنـان [از قرآن و نبوّت] بر تو سنگین و دشوار است، اگر بتوانی نقبی در زمین، یا نردبانی برای راه یافتن در آسمان بجویی تا [از عمق زمین و پهنه آسمان] معجزه ای دیگر [غیر قرآن] برای آنان بیاوری [این کار را انجام ده ولی آنها ایمان نمی آورند]؛ و اگر خدا می خواست همه آنان را [به جبر و زور] به راه هدایت گرد می آورد؛ [ولی هدایت اجباری فاقد ارزش است] پس هرگز [نسبت به روحیات و اوصاف کافران لجوج که خواستار هدایت نیستند] از بی خبران مباش. (۳۵)

ص: ۱۳۱

إِنَّمَا يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ وَالْمَوْتَى يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ ثُمَّ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ (۳۶)

فقط کسانی [دعوتت را] پاسخ می دهند که [سخنانت را با دقّت، تدبّر، اندیشه و تفکّر] می شنوند، [مشرکان و کافران لجوج، مردگانند] و خدا مردگان را [در قیامت] برمی انگیزد، آنگه [برای حسابرسی] به سوی او بازگردانده می شوند. (۳۶)

وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّن رَّبِّهِ قُلْ إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ عَلَى أَن يُنَزِّلَ آيَةً وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۳۷)

و [مرده دلان] گفتنـد: چرا معجزه ای از سوی پروردگارش [هماننـد معجزات پیامبران گذشـته] بر او نازل نمی شود؟ بگو: یقیناً خدا قدرت دارد که معجزه ای [نظیر آنچه آنان درخواست دارند] نازل کند، ولی [این گونه درخواست های نابجا به سبب این

است که] بیشترشان [شرایط و موقعیت ها را] نمی دانند. (۳۷)

وَمَا مِن دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَالُكُم مَّا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِن شَيْءٍ ثُمَّ إِلَى رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ (۳۸)

و هیچ جنبنده ای در زمین نیست، و نه هیچ پرنده ای که با دو بال خود پرواز می کند، مگر آنکه گروه هایی مانند شمایند؛ ما چیزی را در کتاب [تکوین از نظر ثبت جریانات هستی و برنامه های آفرینش] فروگذار نکرده ایم، سپس همگی به سوی پروردگارشان گردآوری می شوند. (۳۸)

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا صُمٌّ وَبُكْمٌ فِي الظُّلُمَاتِ مَن يَشَإِ اللَّهُ يُضْلِلْهُ وَمَن يَشَأْ يَجْعَلْهُ عَلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ (۳۹)

کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، کرها و لال هایی فرو رفته در تاریکی های جهل و گمراهی اند؛ خدا هر که را بخواهد [به کیفر تکذیب آیاتش] گمراه می کند، و هر که را بخواهد [به پاداش تصدیق آیاتش] بر راه راست قرار می دهد. (۳۹)

قُلْ أَرَأَيْتَكُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ أَوْ أَتَتْكُمُ السَّاعَةُ أَغَيْرَ اللَّهِ تَدْعُونَ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (۴۰)

بگو: اگر راستگویید به من خبر دهید چنانچه عذاب خدا بر شما درآید یا قیامت به شما رسد، آیا کسی را جز خدا [برای یاری خویش] می خوانید؟ (۴۰)

بَلْ إِيَّاهُ تَدْعُونَ فَيَكْشِفُ مَا تَدْعُونَ إِلَيْهِ إِن شَاءَ وَتَنسَوْنَ مَا تُشْرِكُونَ (۴۱)

[قطعاً چنین نیست] بلکه فقط خدا را می خوانید، و او هم اگر بخواهد آسیب و گزندی که به سبب آن او را خوانده اید برطرف می کند، و [آن زمان است که] بت هایی که برای او شریک قرار می دهید، فراموش می کنید. (۴۱)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَى أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُم بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ (۴۲)

و بی تردید ما به سوی امت هایی که پیش از تو بودند [پیامبرانی] فرستادیم؛ پس آنان را [هنگامی که با پیامبران به مخالفت و دشمنی برخاستند] به تهیدستی و سختی و رنج و بیماری دچار کردیم، باشد که [در پیشگاه ما] فروتنی و زاری کنند. (۴۲)

فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُم بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَلَكِن قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۴۳)

پس چرا هنگامی که عذاب ما به آنان رسید، فروتنی و زاری نکردند؟ بلکه دل هایشان سخت شد و شیطان، اعمال ناپسندی که همواره مرتکب می شدند در نظرشان آراست. (۴۳)

فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُم بَغْتَةً فَإِذَا هُم مُّبْلِسُونَ (۴۴)

پس چون حقایقی را که [برای عبرت گرفتنشان] به آن یادآوری شده بودند، فراموش کردند، درهای همه نعمت ها را به روی آنان گشودیم، تا هنگامی که به آنچه داده شدند، مغرورانه خوشحال گشتند، به ناگاه آنان را [به عذاب] گرفتیم، پس یکباره

[از نجات خود] درمانده و نومید شدند. (۴۴)

ص: ۱۳۲

فَقُطِعَ دَابِرُ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۴۵)

در نتیجه ریشه کسانی که [به آیات ما و به مردم] ستم ورزیدند، بریده شد؛ و همه ستایش ها ویژه خدا مالک و مربی جهانیان است. (۴۵)

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَخَذَ اللَّهُ سَمْعَكُمْ وَأَبْصَارَكُمْ وَخَتَمَ عَلَى قُلُوبِكُم مَّنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُم بِهِ انظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ ثُمَّ هُمْ يَصْدِفُونَ (۴۶)

[به آنان که برای خدا به خیال باطلشان شریکانی قرار داده اند] بگو: به من خبر دهید اگر خدا گوش ها و چشم هایتان را بگیرد، و بر دل هایتان مُهر [تیره بختی] نِهد، کدام معبودی جز خداست که آنها را به شما دهد؟! با تأمل بنگر چگونه آیات خود را به صورت های گوناگون [برای هدایت اینان] بیان می کنیم، سپس آنان روی می گردانند. (۴۶)

قُلْ أَرَأَيْتَكُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ بَغْتَةً أَوْ جَهْرَةً هَلْ يُهْلَكُ إِلَّا الْقَوْمُ الظَّالِمُونَ (۴۷)

بگو: به من خبر دهید اگر عذاب خدا ناگهان [مانند صاعقه و صیحه آسمانی] یا آشکار [مانند بیماری های مهلک] به سوی شما آید، آیا جز گروه ستمکار هلاک می شوند؟ (۴۷)

وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ فَمَنْ آمَنَ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۴۸)

و پیامبران را جز مژده دهنده و بیم رسان نمی فرستیم؛ پس کسانی که ایمان بیاورند و [مفاسد خود را] اصلاح کنند نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می شوند. (۴۸)

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا يَمَسُّهُمُ الْعَذَابُ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ (۴۹)

و آنان که آیات ما را تکذیب کردند، به سزای نافرمانی هایشان عذاب به آنان خواهد رسید. (۴۹)

قُل لَّا أَقُولُ لَكُمْ عِندِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَى إِلَيَّ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ (۵۰)

بگو: من به شما نمی گویم که خزینه ها و گنجینه های خدا نزد من است، و نیز غیب هم نمی دانم، و نمی گویم که فرشته ام؛ فقط از آنچه به من وحی شده پیروی می کنم. بگو: آیا [اعراض کننده از وحی که] نابینا [ست] و [پیروِ وحی که] بینا [ست] یکسانند؟! پس چرا نمی اندیشید؟! (۵۰)

وَأَنذِرْ بِهِ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَن يُحْشَرُوا إِلَى رَبِّهِمْ لَيْسَ لَهُم مِّن دُونِهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ لَّعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ (۵۱)

و به وسیله این قرآن کسانی را که از محشور شدن به سوی پروردگارشان می ترسند، هشدار ده که آنان را [در آن روز هول انگیز] جز خدا سرپرست و شفیعی نخواهد بود؛ باشد که بپرهیزند. (۵۱)

وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُم بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ مَا عَلَيْكَ مِنْ حِسَابِهِم مِّن شَيْءٍ وَمَا مِنْ حِسَابِكَ عَلَيْهِم مِّن شَيْءٍ فَتَطْرُدَهُمْ فَتَكُونَ مِنَ الظَّالِمِينَ (۵۲)

و آنان که بامدادان و شامگاهان پروردگارشان را می خوانند [و با این خواندن] خشنودی او را می خواهند، از خود مران. نه چیزی از حساب [عمل] آنان بر عهده توست، و نه چیزی از حساب [کار] تو بر عهده آنان است تا آنان را برانی و [به سبب راندنشان] از ستمکاران باشی. (۵۲)

ص: ۱۳۳

وَكَذَلِكَ فَتَنَّا بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لِّيَقُولُوا أَهَؤُلَاءِ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْهِم مِّن بَيْنِنَا أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِالشَّاكِرِينَ (۵۳)

و ما این گونه توانگران را به مؤمنان تهیدستی که در کنار تو هستند آزمودیم، تا [توانگران با تعجب و استهزا] بگویند: آیا اینانند که خدا از میان ما بر آنان منّت نهاده [و نعمت ایمان و عمل صالح داده و بر ما برتری بخشیده؟!] آیا خدا به سپاس گزاران داناتر نیست؟ (۵۳)

وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِن بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۵۴)

و هرگاه کسانی که به آیات ما ایمان می آورند به نزد تو آیند، بگو: سلام بر شما، پروردگارتان رحمت را بر خود لازم و مقرّر کرده؛ بنابراین هر کس از شما به نادانی کار زشتی مرتکب شود، سپس بعد از آن توبه کند و [مفاسد خود را] اصلاح نماید [مشمول آمرزش و رحمت خدا شود]؛ زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است. (۵۴)

وَكَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ وَلِتَسْتَبِينَ سَبِيلُ الْمُجْرِمِينَ (۵۵)

و این گونه آیات را بیان می کنیم تا [حق روشن شود و] راه و رسم گناهکاران آشکار گردد. (۵۵)

قُلْ إِنِّي نُهِيتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ قُل لَّا أَتَّبِعُ أَهْوَاءَكُمْ قَدْ ضَلَلْتُ إِذًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُهْتَدِينَ (۵۶)

بگو: من از پرستیدن کسانی که شما به جای خدا می پرستید نهی شده ام. بگو: من از هواهای نفسانی شما پیروی نمی کنم، که در آن صورت گمراه شده ام و از راه یافتگان نخواهم بود. (۵۶)

قُلْ إِنِّي عَلَى بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي وَكَذَّبْتُم بِهِ مَا عِندِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ إِنِ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ يَقُصُّ الْحَقَّ وَهُوَ خَيْرُ الْفَاصِلِينَ (۵۷)

بگو: من بر دلیل روشنی [مانند قرآن] از سوی پروردگارم هستم و حال آنکه شما آن را تکذیب کردید، عذابی که به آن شتاب دارید در اختیار من نیست. فرمان و حکم فقط به دست خداست، همواره حق را بیان می کند و او بهترین داوران و جداکنندگان [حق از باطل] است. (۵۷)

قُل لَّوْ أَنَّ عِندِی مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ لَقُضِیَ الْأَمْرُ بَیْنِی وَبَیْنَکُمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِالظَّالِمِینَ (۵۸)

بگو: اگر عذابی که به آن شتاب دارید در اختیار من بود، یقیناً کار میان من و شما به سرعت تمام شده بود؛ و خدا به ستمکاران داناتر است [که چه زمانی آنان را عذاب کند.] (۵۸)

وَعِندَهُ مَفَاتِحُ الْغَیْبِ لَا یَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَیَعْلَمُ مَا فِی الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِن وَرَقَةٍ إِلَّا یَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِی ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا یَابِسٍ إِلَّا فِی کِتَابٍ مُّبِینٍ (۵۹)

و کلیدهای غیب فقط نزد اوست، و کسی آنها را جز او نمی داند. و به آنچه در خشکی و دریاست، آگاه است، و هیچ برگی نمی افتد مگر آنکه آن را می داند، و هیچ دانه ای در تاریکی های زمین، و هیچ تر و خشکی نیست مگر آنکه در کتابی روشن [ثبت] است. (۵۹)

ص: ۱۳۴

وَهُوَ الَّذِی یَتَوَفَّاکُم بِاللَّیْلِ وَیَعْلَمُ مَا جَرَحْتُم بِالنَّهَارِ ثُمَّ یَبْعَثُکُمْ فِیهِ لِیُقْضَی أَجَلٌ مُّسَمًّی ثُمَّ إِلَیْهِ مَرْجِعُکُمْ ثُمَّ یُنَبِّئُکُم بِمَا کُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۶۰)

او کسی است که شبانگاهان روح شما را به وقت خواب می گیرد، و آنچه را در روز [از نیکی و بدی] به دست می آورید می داند؛ سپس شما را در روز [با برگرداندن روح به جسمتان از خواب] بر می انگیزد تا اجل مُعیّن سر آید؛ آن گاه بازگشت شما به سوی اوست؛ سپس شما را به آنچه همواره انجام می دادید آگاه می کند. (۶۰)

وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَیُرْسِلُ عَلَیْکُم حَفَظَةً حَتَّی إِذَا جَاءَ أَحَدَکُمُ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا یُفَرِّطُونَ (۶۱)

و اوست که بر بندگانش چیره و غالب است، و همواره نگهبانانی [از فرشتگان] برای [حفاظتِ] شما [از حوادث و بلاها] می فرستد تا هنگامی که یکی از شما را مرگ در رسد [در این وقت] فرستادگان ما جانش را می گیرند؛ و آنان [در مأموریت خود] کوتاهی نمی کنند. (۶۱)

ثُمَّ رُدُّوا إِلَی اللَّهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقِّ أَلَا لَهُ الْحُکْمُ وَهُوَ أَسْرَعُ الْحَاسِبِینَ (۶۲)

سپس [همه] به سوی خدا، سرپرست و مولای به حقّشان بازگردانده می شوند. آگاه باشید! [که در آن روز] فرمانروایی و حکومت مطلق فقط ویژه اوست؛ و او سریع ترین حساب گران است. (۶۲)

قُلْ مَن يُنَجِّيكُم مِّن ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ تَدْعُونَهُ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً لَّئِنْ أَنجَانَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ (۶۳)

بگو: چه کسی شما را از تاریکی هایِ خشکی و دریا نجات می دهد؟ در حالی که او را [برای نجات خود] از روی فروتنی و زاری و مخفیانه به کمک می طلبید؛ [و می گویید] که اگر ما را از این [تنگناها و مهلکه ها] نجات دهد، بی تردید از سپاس گزاران خواهیم بود. (۶۳)

قُلِ اللَّهُ يُنَجِّيكُم مِّنْهَا وَمِن كُلِّ كَرْبٍ ثُمَّ أَنتُمْ تُشْرِكُونَ (۶۴)

بگو: خدا شما را از آن [سختی ها] و از هر اندوهی نجات می دهد، باز شما به او شرک می ورزید [و به ناسپاسی می گرایید.] (۶۴)

قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَى أَن يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّن فَوْقِكُمْ أَوْ مِن تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبِسَكُمْ شِيَعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُم بَأْسَ بَعْضٍ انظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ (۶۵)

بگو: او تواناست که از بالای سرتان یا از زیر پاهایتان عذابی بر شما برانگیزد، یا شما را گروه گروه و حزب حزب به جان هم اندازد، [تا وضعتان به اختلافات سنگین و کینه های سخت بیانجامد،] و مزه تلخ جنگ و خونریزی را به هر گروه شما به وسیله گروه دیگر بچشاند؛ با تأمل بنگر چگونه آیات خود را به صورت های گوناگون بیان می کنیم تا بفهمند. (۶۵)

وَكَذَّبَ بِهِ قَوْمُكَ وَهُوَ الْحَقُّ قُل لَّسْتُ عَلَيْكُم بِوَكِيلٍ (۶۶)

و قوم تو [قرآن] را در حالی که حق است تکذیب کردند؛ بگو: من بر [هدایت، پاداش و کیفر] شما کارساز و صاحب اختیار نیستم. (۶۶)

لِّكُلِّ نَبَإٍ مُّسْتَقَرٌّ وَسَوْفَ تَعْلَمُونَ (۶۷)

برای هر خبری [از مژده ها و بیم ها] قرارگاهی است، و به زودی [ظهور و تحقّق آنها را در قرارگاه هایشان] خواهید دانست. (۶۷)

وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ وَإِمَّا يُنسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرَى مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (۶۸)

و هرگاه کسانی را دیدی که در آیات ما [به قصد شبهه اندازی] به یاوه گویی و سخن بی منطق می پردازند از آنان روی گردان [و مجلسشان را ترک کن] تا در سخنی دیگر در آیند. و اگر شیطان تو را [نسبت به ترک مجلسشان] به فراموشی اندازد، پس از یاد آوردن [به سرعت بیرون برو و] با گروه ستمکاران منشین. (۶۸)

وَمَا عَلَى الَّذِينَ يَتَّقُونَ مِنْ حِسَابِهِم مِّن شَيْءٍ وَلَكِن ذِكْرَى لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ (۶۹)

و چیزی از حساب ستمکاران [مغالطه گر] بر عهده کسانی که [به ناچار سخنان آنان را می شنوند ولی از نشستن با آنان] می پرهیزند نیست؛ بلکه [بر عهده اهل تقواست که یاوه گویان را] پند دهند، تا [از گفتار باطل و بی پایه خود] بپرهیزند. (۶۹)

وَذَرِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَعِبًا وَلَهْوًا وَغَرَّتْهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَذَكِّرْ بِهِ أَن تُبْسَلَ نَفْسٌ بِمَا كَسَبَتْ لَيْسَ لَهَا مِن دُونِ اللَّهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ وَإِن تَعْدِلْ كُلَّ عَدْلٍ لَّا يُؤْخَذْ مِنْهَا أُولَئِكَ الَّذِينَ أُبْسِلُوا بِمَا كَسَبُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِّنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ (۷۰)

و کسانی که دینشان را بازی و سرگرمی گرفتند، و زندگی دنیا آنان را فریفت، و اگذار؛ و [مردم را] با قرآن اندرز ده؛ که مبادا کسی [در روز قیامت] به [کیفر] آنچه [از گناهان] مرتکب شده [از رحمت و ثواب] محروم ماند [و به هلاکت سپرده شود]؛ و او را جز خدا سرپرست و یاور و شفیعی نباشد؛ و اگر [برای رهایی اش از عذاب] هر گونه عوض و فدیه ای بدهد از او پذیرفته نشود. آنانند که به سبب آنچه [از اعمال زشت] مرتکب شده اند [از رحمت و ثواب] محروم مانده [و به هلاکت سپرده شده] اند. و به خاطر آنکه همواره [به آیات الهی] کفر می ورزیدند برای آنان نوشابه ای از آب جوشان و عذابی دردناک است. (۷۰)

قُلْ أَنَدْعُو مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنفَعُنَا وَلَا يَضُرُّنَا وَنُرَدُّ عَلَى أَعْقَابِنَا بَعْدَ إِذْ هَدَانَا اللَّهُ كَالَّذِي اسْتَهْوَتْهُ الشَّيَاطِينُ فِي الْأَرْضِ حَيْرَانَ لَهُ أَصْحَابٌ يَدْعُونَهُ إِلَى الْهُدَى ائْتِنَا قُلْ إِنَّ هُدَى اللَّهِ هُوَ الْهُدَى وَأُمِرْنَا لِنُسْلِمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ (۷۱)

بگو: آیا به جای خدا معبودی را بپرستیم که نه سودی به ما رساند و نه زیانی؟ و پس از آنکه خدا ما را هدایت کرد [به سبب شرک و بت پرستی] به فرهنگ و فضای جاهلیت بازمان گردانند، مانند کسی که شیاطین عقلش را ربوده اند و در زمین سرگردان [و بی هدف و گمراه] است، در حالی که برای او یارانی است که وی را به سوی هدایت دعوت می کنند که به جانب ما بیا [ولی او به سبب سرگردانی و حیرت زدگی نمی پذیرد.] بگو: یقیناً هدایت خدا همان هدایت [واقعی] است، و ما مأموریم که تسلیم پروردگار جهانیان باشیم. (۷۱)

وَأَنْ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَاتَّقُوهُ وَهُوَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (۷۲)

و [نیز فرمان یافته ایم] به اینکه نماز را بر پا دارید و از خدا پروا کنید، و اوست که به سویش گردآوری می شوید. (۷۲)

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَيَوْمَ يَقُولُ كُن فَيَكُونُ قَوْلُهُ الْحَقُّ وَلَهُ الْمُلْكُ يَوْمَ يُنفَخُ فِي الصُّورِ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ (۷۳)

و اوست که آسمان ها و زمین را به درستی و راستی آفرید؛ و روزی که [اراده اش به آفریدن چیزی تعلق گیرد] می گوید: باش، پس بی درنگ می باشد؛ گفتارش حق است؛ و روزی که در صور دمیده شود فرمانروایی و حاکمیّت مطلق ویژه اوست، دانای نهان و آشکار است، و او حکیم و آگاه است. (۷۳)

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ آزَرَ أَتَتَّخِذُ أَصْنَامًا آلِهَةً إِنِّی أَرَاکَ وَقَوْمَکَ فِی ضَلَالٍ مُّبِینٍ (۷۴)

و [یاد کنید] هنگامی را که ابراهیم به پدرش آزر [شخصی که بنابر روایات اهل بیت، پدر خوانده یا عمویش بود] گفت: آیا بت هایی را به عنوان معبود خود انتخاب می کنی؟ قطعاً من تو را و قومت را در گمراهی آشکار می بینم. (۷۴)

وَكَذَلِكَ نُرِی إِبْرَاهِیمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِینَ (۷۵)

و این گونه فرمانروایی و مالکیت و ربوبیّت خود را بر آسمان ها و زمین به ابراهیم نشان می دهیم تا از یقین کنندگان شود. (۷۵)

فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَى كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّی فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أُحِبُّ الْآفِلِینَ (۷۶)

پس چون [تاریکی] شب او را پوشانید، ستاره ای دید [برای محکوم کردن ستاره پرستان با تظاهر به ستاره پرستی] گفت: این پروردگار من است؛ هنگامی که ستاره غروب کرد، گفت: من غروب کنندگان را دوست ندارم. (۷۶)

فَلَمَّا رَأَى الْقَمَرَ بَازِغًا قَالَ هَذَا رَبِّی فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَئِن لَّمْ یَهْدِنِی رَبِّی لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّینَ (۷۷)

هنگامی که ماه را در حال طلوع دید [برای محکوم کردن ماه پرستان با تظاهر به ماه پرستی]، گفت: این پروردگار من است؛ چون ماه غروب کرد، گفت: یقیناً اگر پروردگارم مرا هدایت نکند بدون شک از گروه گمراهان خواهم بود. (۷۷)

فَلَمَّا رَأَى الشَّمْسَ بَازِغَةً قَالَ هَذَا رَبِّی هَذَا أَكْبَرُ فَلَمَّا أَفَلَتْ قَالَ یَا قَوْمِ إِنِّی بَرِیءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ (۷۸)

وقتی خورشید را در حال طلوع دید [برای محکوم کردن خورشیدپرستان با تظاهر به خورشید پرستی] گفت: این پروردگار من است، این بزرگ تر است؛ و هنگامی که غروب کرد، گفت: ای قوم من! بی تردید من [با همه وجود] از آنچه شریک خدا قرار می دهید، بیزارم. (۷۸)

إِنِّی وَجَّهْتُ وَجْهِیَ لِلَّذِی فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِیفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِینَ (۷۹)

من به دور از انحراف و با قلبی حق گرا همه وجودم را به سوی کسی که آسمان ها و زمین را آفرید، متوجه کردم و از مشرکان نیستم. (۷۹)

وَحَاجَّهُ قَوْمُهُ قَالَ أَتُحَاجُّونِّی فِی اللَّهِ وَقَدْ هَدَانِ وَلَا أَخَافُ مَا تُشْرِكُونَ بِهِ إِلَّا أَن یَشَاءَ رَبِّی شَیْئًا وَسِعَ رَبِّی كُلَّ شَیْءٍ عِلْمًا أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ (۸۰)

قومش با او به گفتگوی بی منطق و ستیز برخاستند، گفت: آیا درباره خدا با من گفتگوی بی منطق و ستیز می کنید و حال آنکه او مرا هدایت کرد؟ و من از آنچه که شما شریک او قرار می دهید نمی ترسم مگر آنکه پروردگارم چیزی را [درباره من] بخواهد، دانش پروردگارم همه چیز را فراگرفته است، آیا [برای فهم توحید] متذکّر نمی شوید؟ (۸۰)

وَكَيْفَ أَخَافُ مَا أَشْرَكْتُمْ وَلَا تَخَافُونَ أَنَّكُمْ أَشْرَكْتُم بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا فَأَيُّ الْفَرِيقَيْنِ أَحَقُّ بِالْأَمْنِ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ (۸۱)

چگونه از آنچه شما شریک او قرار داده اید بترسم؟! در حالی که خود شما از اینکه چیزی را شریک خدا گرفته اید که خدا هیچ دلیلی بر حقّانیّت آن بر شما نازل نکرده نمی ترسید، اگر حقایق را می دانید [بگویید] کدام یک از دو گروه [خداپرستان و مشرکان] به ایمنی [از عذاب خدا] سزاوارترند؟ (۸۱)

ص: ۱۳۷

الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُم بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُم مُّهْتَدُونَ (۸۲)

کسانی که ایمان آوردند و ایمانشان را به ستمی [چون شرک] نیامیختند، ایمنی [از عذاب] برای آنان است، و آنان راه یافتگانند. (۸۲)

وَتِلْكَ حُجَّتُنَا آتَيْنَاهَا إِبْرَاهِيمَ عَلَى قَوْمِهِ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَّن نَّشَاءُ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ (۸۳)

و آن [دلایل استوار و محکم] حجت و برهان ما بود که به ابراهیم در برابر قومش عطا کردیم؛ هر که را بخواهیم [به] درجاتی بالا می بریم؛ زیرا پروردگارت حکیم و داناست. (۸۳)

وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ كُلًّا هَدَيْنَا وَنُوحًا هَدَيْنَا مِن قَبْلُ وَمِن ذُرِّيَّتِهِ دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسَى وَهَارُونَ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (۸۴)

و اسحاق و یعقوب را به ابراهیم بخشیدیم، [و] هر یک را هدایت کردیم، و [نیز] نوح را پیش از این هدایت نمودیم، و از فرزندان او داود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون را [هدایت کردیم؛] و این گونه نیکوکاران را پاداش می دهیم. (۸۴)

وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَى وَعِيسَى وَإِلْيَاسَ كُلٌّ مِّنَ الصَّالِحِينَ (۸۵)

و زکریا و یحیی و عیسی و الیاس را [نیز که از نسل اویند، هدایت نمودیم] همه از شایستگان بودند. (۸۵)

وَإِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَيُونُسَ وَلُوطًا وَكُلًّا فَضَّلْنَا عَلَى الْعَالَمِينَ (۸۶)

و اسماعیل و یَسَع و یونس و لوط را [هدایت کردیم]، و همه را بر جهانیان برتری دادیم. (۸۶)

وَمِنْ آبَائِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَإِخْوَانِهِمْ وَاجْتَبَيْنَاهُمْ وَهَدَيْنَاهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ (۸۷)

و از پدران و فرزندان و برادرانشان برخی را [برتری عطا کردیم]، و آنان را برگزیدیم و به راهی راست هدایت نمودیم. (۸۷)

ذَلِکَ هُدَی اللَّهِ یَهْدِی بِهِ مَن یَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَلَوْ أَشْرَکُوا لَحَبِطَ عَنْهُم مَّا کَانُوا یَعْمَلُونَ (۸۸)

این هدایت خداست که هر کس از بندگانش را بخواهد به آن هدایت می کند، و اگر [آنان با همه عظمت و مقامی که داشتند برای خدا] شریک قرار داده بودند، یقیناً آنچه عمل شایسته انجام می دادند، تباه و بی اثر می شد. (۸۸)

أُولَئِکَ الَّذِینَ آتَیْنَاهُمُ الْکِتَابَ وَالْحُکْمَ وَالنُّبُوَّهَ فَإِن یَکْفُرْ بِهَا هَؤُلَاءِ فَقَدْ وَکَّلْنَا بِهَا قَوْمًا لَّیْسُوا بِهَا بِکَافِرِینَ (۸۹)

آنان کسانی هستند که به ایشان کتاب ومنصب داوری ونبوّت دادیم؛ پس اگر اینان [که به سبب مشرک بودنشان دشمنی و مخالفت می کنند] به این حقایق [که پایه های آیین الهی اند] کفر ورزند، یقیناً گروهی را [برای نگهبانی و مراعات امر نبوّت و برنامه دین] می گماریم که نسبت به آنها کافر نیستند. (۸۹)

أُولَئِکَ الَّذِینَ هَدَی اللَّهُ فَبِهُدَاهُمُ اقْتَدِهْ قُل لَّا أَسْأَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْرًا إِنْ هُوَ إِلَّا ذِکْرَی لِلْعَالَمِینَ (۹۰)

آنان [که در آیات گذشته به عنوان پیامبران از ایشان یاد شد] کسانی هستند که خدا هدایتشان کرد، پس به هدایت آنان اقتدا کن، [و به قوم خود] بگو: در برابر رسالتم پاداشی از شما نمی خواهم، این [قرآن] جز تذکّر و پندی برای جهانیان نیست. (۹۰)

ص: ۱۳۸

وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِذْ قَالُوا مَا أَنزَلَ اللَّهُ عَلَی بَشَرٍ مِّن شَیْءٍ قُلْ مَنْ أَنزَلَ الْکِتَابَ الَّذِی جَاءَ بِهِ مُوسَی نُورًا وَهُدًی لِّلنَّاسِ تَجْعَلُونَهُ قَرَاطِیسَ تُبْدُونَهَا وَتُخْفُونَ کَثِیرًا وَعُلِّمْتُم مَّا لَمْ تَعْلَمُوا أَنتُمْ وَلَا آبَاؤُکُمْ قُلِ اللَّهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ فِی خَوْضِهِمْ یَلْعَبُونَ (۹۱)

[یهودیان بر ضد پیامبر اسلام به سفسطه گری پرداختند چون] آنان خدا را آن گونه که سزاوار اوست نشناختند، چرا که گفتند: خدا بر هیچ بشری چیزی نازل نکرده. بگو: کتابی را که موسی آورده چه کسی نازل کرده؟ کتابی که برای مردم نور [و روشنگر حقایق] و [سرتاسر] هدایت است، شما آن را در طومارهای پراکنده قرار می دهید، بخشی از آن را [که دلخواه شماست برای مردم] آشکار می کنید و بسیاری از آن را [که گواه نبوّت پیامبر اسلام است] پنهان می دارید و حال آنکه حقایقی که نه شما می دانستید و نه پدرانتان [به وسیله تورات] به شما آموخته شد. بگو: خدا، سپس آنان را رها کن تا در باطل گویی و خرافاتشان بازی کنند. (۹۱)

وَهَذَا کِتَابٌ أَنزَلْنَاهُ مُبَارَکٌ مُّصَدِّقُ الَّذِی بَیْنَ یَدَیْهِ وَلِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَی وَمَنْ حَوْلَهَا وَالَّذِینَ یُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَهِ یُؤْمِنُونَ بِهِ وَهُمْ عَلَی صَلَاتِهِمْ یُحَافِظُونَ (۹۲)

و این [قرآن] کتابی است پرفایده، که ما آن را نازل کردیم، تصدیق کننده کتاب های آسمانی پیش از خود است، و [نزولش] برای این است که مردم مکه و کسانی را که پیرامون آنند بیم دهی؛ و آنان که به آخرت ایمان دارند به آن ایمان می آورند، و آنان همواره بر نمازشان محافظت می کنند. (۹۲)

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَی عَلَی اللَّهِ کَذِبًا أَوْ قَالَ أُوحِیَ إِلَیَّ وَلَمْ یُوحَ إِلَیْهِ شَیْءٌ وَمَن قَالَ سَأُنزِلُ مِثْلَ مَا أَنزَلَ اللَّهُ وَلَوْ تَرَی إِذِ الظَّالِمُونَ

فِی غَمَرَاتِ الْمَوْتِ وَالْمَلَائِکَهُ بَاسِطُو أَیْدِیهِمْ أَخْرِجُوا أَنفُسَکُمُ الْیَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا کُنتُمْ تَقُولُونَ عَلَی اللَّهِ غَیْرَ الْحَقِّ وَکُنتُمْ عَنْ آیَاتِهِ تَسْتَکْبِرُونَ (۹۳)

چه کسی ستمکارتر از کسی است که به خدا دروغ می بندد، یا می گوید: به من وحی شده؛ در حالی که چیزی به او وحی نشده است، و نیز کسی که بگوید: من به زودی مانند آنچه خدا نازل کرده نازل می کنم؟! ای کاش ستمکاران را هنگامی که در سختی ها و شداید مرگ اند ببینی در حالی که فرشتگان دست های خود را [به سوی آنان] گشوده [و فریاد می زنند] جانتان را بیرون کنید، امروز [که روز وارد شدن به جهان دیگر است] به سبب سخنانی که به ناحق درباره خدا می گفتید واز پذیرفتن آیات او تکبّر می کردید، به عذاب خوارکننده ای مجازات می شوید. (۹۳)

وَلَقَدْ جِئْتُمُونَا فُرَادَی کَمَا خَلَقْنَاکُمْ أَوَّلَ مَرَّهٍ وَتَرَکْتُم مَّا خَوَّلْنَاکُمْ وَرَاءَ ظُهُورِکُمْ وَمَا نَرَی مَعَکُمْ شُفَعَاءَکُمُ الَّذِینَ زَعَمْتُمْ أَنَّهُمْ فِیکُمْ شُرَکَاءُ لَقَد تَّقَطَّعَ بَیْنَکُمْ وَضَلَّ عَنکُم مَّا کُنتُمْ تَزْعُمُونَ (۹۴)

و [لحظه ورود به جهان دیگر به آنان خطاب می شود:] همان گونه که شما را نخستین بار [در رحم مادر تنها و دست خالی از همه چیز] آفریدیم، اکنون هم تنها به نزد ما آمدید، و آنچه را در دنیا به شما داده بودیم پشت سر گذاشته و همه را از دست دادید، و شفیعانتان را که [در ربوبیّت و عبادت ما] شریک می پنداشتید، همراه شما نمی بینیم، یقیناً پیوندهای شما [با همه چیز] بریده، و آنچه را شریکان خدا گمان می کردید از دستتان رفته و گم شده است. (۹۴)

ص: ۱۳۹

إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَی یُخْرِجُ الْحَیَّ مِنَ الْمَیِّتِ وَمُخْرِجُ الْمَیِّتِ مِنَ الْحَیِّ ذَلِکُمُ اللَّهُ فَأَنَّی تُؤْفَکُونَ (۹۵)

بی تردید خدا شکافنده دانه و هسته است؛ زنده را از مرده بیرون می آورد، و بیرون آورنده مرده از زنده است؛ این است خدا، پس چگونه [از حق] منصرفتان می کنند؟ (۹۵)

فَالِقُ الْإِصْبَاحِ وَجَعَلَ اللَّیْلَ سَکَنًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ حُسْبَانًا ذَلِکَ تَقْدِیرُ الْعَزِیزِ الْعَلِیمِ (۹۶)

شکافنده صبح [از پرده تاریک شب است] و شب را برای آرامش قرار داد، و خورشید و ماه را وسیله ای برای محاسبه و اندازه گیری زمان مقرّر فرمود؛ این است اندازه گیری آن توانای شکست ناپذیر ودانا. (۹۶)

وَهُوَ الَّذِی جَعَلَ لَکُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِی ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ قَدْ فَصَّلْنَا الْآیَاتِ لِقَوْمٍ یَعْلَمُونَ (۹۷)

و اوست که ستارگان را برای شما قرار داد تا به وسیله آنها در تاریکی های خشکی و دریا راه یابید؛ مسلماً ما آیات خود را برای قومی که دانایند بیان کردیم. (۹۷)

وَهُوَ الَّذِی أَنشَأَکُم مِّن نَّفْسٍ وَاحِدَهٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ قَدْ فَصَّلْنَا الْآیَاتِ لِقَوْمٍ یَفْقَهُونَ (۹۸)

و اوست که شما را از یک تن آفرید، برخی [از شما] استقرار یافته [در زمین] و برخی به ودیعت نهاده [در اصلاب و رحم هایند]؛ ما آیات خود را برای قومی که می فهمند، بیان کردیم. (۹۸)

وَهُوَ الَّذِی أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ کُلِّ شَیْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُّخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مُّتَرَاکِبًا وَمِنَ النَّخْلِ مِن طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِیَةٌ وَجَنَّاتٍ مِّنْ أَعْنَابٍ وَالزَّیْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُشْتَبِهًا وَغَیْرَ مُتَشَابِهٍ انظُرُوا إِلَی ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَیَنْعِهِ إِنَّ فِی ذَلِکُمْ لَآیَاتٍ لِّقَوْمٍ یُؤْمِنُونَ (۹۹)

و اوست که از آسمان آبی فرستاد، و به وسیله آن گیاهان گوناگون را [از زمین] رویاندیم، و از آن ساقه ها و شاخه های سبز درآوردیم، و از آن دانه های متراکم را خارج می کنیم، و از شکوفه درخت خرما خوشه های سر فروهشته [به وجود می آوریم]، و باغ هایی از انگور و زیتون و انار شبیه به هم و بی شباهت به هم [بیرون می آوریم]؛ به میوه اش چون میوه دهد و به رسیدن و کامل شدنش با تأمل بنگرید، مسلماً در این [امور] برای قومی که ایمان می آورند، نشانه هایی [بر توحید، ربوبیّت و قدرت خدا] ست. (۹۹)

وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَکَاءَ الْجِنَّ وَخَلَقَهُمْ وَخَرَقُوا لَهُ بَنِینَ وَبَنَاتٍ بِغَیْرِ عِلْمٍ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَی عَمَّا یَصِفُونَ (۱۰۰)

[مشرکان] برای خدا شریکانی از جن قرار دادند، در حالی که همه آنها را خدا آفرید، و از روی جهل و بی دانشی برای خدا پسران و دخترانی انگاشتند؛ منزّه و برتر است از آنچه آنان توصیف می کنند. (۱۰۰)

بَدِیعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنَّی یَکُونُ لَهُ وَلَدٌ وَلَمْ تَکُن لَّهُ صَاحِبَةٌ وَخَلَقَ کُلَّ شَیْءٍ وَهُوَ بِکُلِّ شَیْءٍ عَلِیمٌ (۱۰۱)

[او] پدید آورنده آسمان ها و زمین است، چگونه او را فرزندی باشد؟! در صورتی که برای او همسری نبوده، و همه چیز را او آفریده؛ و او به همه چیز داناست. (۱۰۱)

ص: ۱۴۰

ذَلِکُمُ اللَّهُ رَبُّکُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَالِقُ کُلِّ شَیْءٍ فَاعْبُدُوهُ وَهُوَ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ وَکِیلٌ (۱۰۲)

این است خدا پروردگار شما، جز او معبودی نیست، آفریننده همه چیز است؛ پس تنها او را بپرستید، و او کارساز هر چیز است. (۱۰۲)

لَّا تُدْرِکُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ یُدْرِکُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِیفُ الْخَبِیرُ (۱۰۳)

چشم ها او را در نمی یابند، ولی او چشم ها را درمی یابد، و او لطیف و آگاه است. (۱۰۳)

قَدْ جَاءَکُم بَصَائِرُ مِن رَّبِّکُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِیَ فَعَلَیْهَا وَمَا أَنَا عَلَیْکُم بِحَفِیظٍ (۱۰۴)

بی تردید برای شما از سوی پروردگارتان دلایلی روشن آمده، پس هر که [به وسیله آن دلایل بینا شود و حقایق را با چشم

دل] ببینـد به سود خود اوست و هر که [بـا پشت کردن به دلایـل] کوردل شود [و از دیـدن حقـایق محروم گردد] به زیان خود اوست، [وظیفه من ابلاغ پیام خداست] و بر شما حافظ و نگهبان نیستم. (۱۰۴)

وَكَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ وَلِيَقُولُوا دَرَسْتَ وَلِنُبَيِّنَهُ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (۱۰۵)

این چنین، آیـات [خود] را به صورت هـای گونـاگون بیـان می کنیم [تـا هـدف هـایی تحقق یابـد]، یکی اینکه منکران با متهم کردن تو که این آیـات را از دیگران فرا گرفته ای، شـقاوت خود را کامل کننـد و دیگر اینکه آن را برای گروهی که داناینـد، روشن سازیم. (۱۰۵)

اتَّبِعْ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ (۱۰۶)

از آنچه از سوی پروردگارت به تو وحی شده پیروی کن، هیچ معبودی جز او نیست، و از مشرکان روی بگردان. (۱۰۶)

وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكُوا وَمَا جَعَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا وَمَا أَنتَ عَلَيْهِم بِوَكِيلٍ (۱۰۷)

اگر خـدا می خواست آنان [به طور اجبار] شـرک نمی آوردند، [ولی خواست خدا آزادی انسان در انتخاب است] و ما تو را بر آنان نگهبان و کارساز قرار ندادیم [تا آنان را به اجبار به پذیرش دین وادار کنی.] (۱۰۷)

وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيَّنَّا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلَهُمْ ثُمَّ إِلَى رَبِّهِم مَّرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۰۸)

و معبودانی را که کافران به جای خـدا می پرسـتند، دشـنام ندهید، که آنان هم از روی دشـمنی و نادانی خدا را دشـنام خواهند داد. این گونه برای هر امتی عملشان را آراستیم [تا به کیفر لجاجت و عنادشان گمان کننـدکه آنچه انجام می دهند نیکوست،] سپس بازگشت همه آنان به سوی پروردگارشان خواهد بود، پس آنان را به اعمالی که همواره انجام می دادند، آگاه می کند. (۱۰۸)

وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِن جَاءَتْهُمْ آيَةٌ لَّيُؤْمِنُنَّ بِهَا قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِندَ اللَّهِ وَمَا يُشْعِرُكُمْ أَنَّهَا إِذَا جَاءَتْ لَا يُؤْمِنُونَ (۱۰۹)

با سـخت ترین سوگنـدهایشان به خدا سوگند خوردند که اگر معجزه دلخواهشان برای آنان آید، قطعاً به آن ایمان می آورند، بگو: معجزات فقط در اختیار خـداست، و شـما [ای مردم مؤمن!] چه می دانیـد [که حقیقت چیست؟] حقیقت این است که اگر آن معجزه هم بیاید، ایمان نمی آورند. (۱۰۹)

وَنُقَلِّبُ أَفْئِدَتَهُمْ وَأَبْصَارَهُمْ كَمَا لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَنَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ (۱۱۰)

و دل ها و دیدگانشان را [که وسیله فهم و بصیرت است، به سزای لجاجت و عنادشان] وارونه و دگرگون کردیم، [به این سبب بـا آمـدن معجزه دلخواهشـان هم ایمـان نمی آورنـد] همـان گونه که نخستین بـار به آیـات قرآن ایمـان نیاوردنـد، آنـان را در

طغیانشان رها می کنیم تا پیوسته سرگردان باشند. (۱۱۰)

ص: ۱۴۱

جزء ۸

ادامه سوره الأنعام

وَلَوْ أَنَّنَا نَزَّلْنَا إِلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةَ وَكَلَّمَهُمُ الْمَوْتَى وَحَشَرْنَا عَلَيْهِمْ كُلَّ شَيْءٍ قُبُلًا مَّا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا إِلَّا أَن يَشَاءَ اللَّهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ يَجْهَلُونَ (۱۱۱)

و مسلماً اگر ما فرشتگان را به سوی آنان نازل می کردیم، و مردگان با آنان سخن می گفتند، و همه چیز را گروه گروه در برابرشان گرد می آوردیم، باز هم [از روی اراده و اختیار] ایمان نمی آوردند؛ مگر آنکه خدا [ایمان آوردنشان را به طور اجبار] بخواهد، ولی بیشترشان نادانی و جهالت می ورزند. (۱۱۱)

وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ (۱۱۲)

و این گونه برای هر پیامبری دشمنانی از شیاطین انس و جن قرار دادیم، که برای فریب مردم همواره گفتاری باطل ولی به ظاهر آراسته و دلپسند به یکدیگر القاء می کنند، و اگر پروردگارت می خواست چنین نمی کردند، پس آنان و آنچه را به دروغ به هم می بافند واگذار. (۱۱۲)

وَلِتَصْغَى إِلَيْهِ أَفْئِدَةُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَلِيَرْضَوْهُ وَلِيَقْتَرِفُوا مَا هُم مُّقْتَرِفُونَ (۱۱۳)

و [ما به عنوان آزمایش بندگان از القای گفتار باطل توسط شیاطین انس و جن به یکدیگر مانع نشدیم] تا دل های کسانی که به آخرت ایمان ندارند به آن القائات متمایل شود، و آن را بپسندد و [برای رسیدن به منتهای شقاوت که کیفر لجاجت و عناد آنان است] هر عمل زشتی را که بخواهند انجام دهند، نهایتاً انجام دهند. (۱۱۳)

أَفَغَيْرَ اللَّهِ أَبْتَغِي حَكَمًا وَهُوَ الَّذِي أَنزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا وَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ مُنَزَّلٌ مِّن رَّبِّكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ (۱۱۴)

آیا جز خدا حاکم و داوری بطلبم؟! در حالی که اوست که این کتاب آسمانی را که [همه معارف و احکام در آن] به تفصیل بیان شده به سوی شما نازل کرد؛ و اهل کتاب [به ویژه دانشمندان آنان] می دانند که این کتاب [قرآن] از سوی پروردگارت به درستی و راستی نازل شده؛ پس [در اینکه معجزه خواهی منکران و مخالفت های اهل کتاب از روی حقیقت جویی نیست] از تردیدکنندگان مباش. (۱۱۴)

وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَّا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۱۱۵)

و سخن پروردگارت از روی راستی و عدل کامل شد، سخنان او را تغییر دهنده ای نیست؛ و او شنوا و داناست. (۱۱۵)

وَإِن تُطِعْ أَكْثَرَ مَن فِی الْأَرْضِ یُضِلُّوکَ عَن سَبِیلِ اللَّهِ إِن یَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا یَخْرُصُونَ (۱۱۶)

اگر از بیشتر مردم روی زمین پیروی کنی [و آرا و خواسته هایشان را گردن نهی] تو را از راه خدا گمراه می کنند؛ آنان فقط از گمان و پندار [که پایه علمی و منطقی ندارد] پیروی می کنند، و تنها به حدس و تخمین تکیه می زنند. (۱۱۶)

إِنَّ رَبَّکَ هُوَ أَعْلَمُ مَن یَضِلُّ عَن سَبِیلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِینَ (۱۱۷)

یقیناً پروردگارت به کسی که از راه او گمراه می شود و نیز به راه یافتگان داناتر است. (۱۱۷)

فَكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَیْهِ إِن كُنتُم بِآیَاتِهِ مُؤْمِنِینَ (۱۱۸)

پس اگر به آیات خدا ایمان دارید، از آنچه [از گوشت حیوان حلال گوشتی] که [وقت ذبح شدن] نام خدا بر او برده شده بخورید [نه از ذبیحه گمراهان.] (۱۱۸)

ص: ۱۴۲

وَمَا لَكُمْ أَلَّا تَأْكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَیْهِ وَقَدْ فَصَّلَ لَكُم مَّا حَرَّمَ عَلَیْكُمْ إِلَّا مَا اضْطُرِرْتُمْ إِلَیْهِ وَإِنَّ كَثِیرًا لَّیُضِلُّونَ بِأَهْوَائِهِم بِغَیْرِ عِلْمٍ إِنَّ رَبَّکَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُعْتَدِینَ (۱۱۹)

و شما را چه شده [که به دنبال یاوه گویی مشرکان] از آنچه [چون گوشت ذبیحه ای] که نام خدا بر آن برده شده نمی خورید؟! در صورتی که آنچه را خدا بر شما حرام نموده برای شما بیان کرده است، مگر چیزی که [برای حفظ جانتان] به خوردن آن ناچار شوید؛ و قطعاً بسیاری [از بداندیشان]، دیگران را از روی جهل و نادانی با هواهای نفسانی خود گمراه می کنند؛ یقیناً پروردگارت به تجاوزکاران [از حدود حق] داناتر است. (۱۱۹)

وَذَرُوا ظَاهِرَ الْإِثْمِ وَبَاطِنَهُ إِنَّ الَّذِینَ یَكْسِبُونَ الْإِثْمَ سَیُجْزَوْنَ بِمَا كَانُوا یَقْتَرِفُونَ (۱۲۰)

گناه آشکار و پنهان را رها کنید؛ قطعاً کسانی که مرتکب گناه می شوند به زودی در برابر آنچه همواره مرتکب می شدند، مجازات خواهند شد. (۱۲۰)

وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ یُذْكَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَیْهِ وَإِنَّهُ لَفِسْقٌ وَإِنَّ الشَّیَاطِینَ لَیُوحُونَ إِلَى أَوْلِیَائِهِمْ لِیُجَادِلُوكُمْ وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ (۱۲۱)

از آنچه [هنگام ذبح شدن] نام خدا بر آن برده نشده نخورید؛ مسلماً خوردن آن فسق [و بیرون رفتن از عرصه طاعت خدا] است؛ قطعاً شیاطین [شبهات ناروایی را به ضد احکام خدا] به دوستانشان القاء می کنند تا با شما [درباره احکام خدا] مجادله و ستیزه کنند، و اگر از آنان پیروی کنید، یقیناً شما هم مشرکید. (۱۲۱)

أَوَمَن كَانَ مَيْتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَن مَّثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِّنْهَا كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۲۲)

آیا کسی که [از نظر عقلی و روحی] مرده بود و ما او را [به وسیله هدایت و ایمان] زنده کردیم، و برای وی نوری قرار دادیم تا در پرتو آن در میان مردم [به درستی و سلامت] حرکت کند، مانند کسی است که در تاریکی ها [یِ جهل و گمراهی] است و از آن بیرون شدنی نیست؟! این گونه برای کافران [به خاطر لجاجت و عنادشان] آنچه انجام می دادند، آراسته شد [تا گمان کنند اعمالی را که انجام می دهند نیکوست.] (۱۲۲)

وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ أَكَابِرَ مُجْرِمِيهَا لِيَمْكُرُوا فِيهَا وَمَا يَمْكُرُونَ إِلَّا بِأَنفُسِهِمْ وَمَا يَشْعُرُونَ (۱۲۳)

و این گونه [که در مکه می بینی] در هر آبادی و شهری رؤسا و سردمداران گنهکاری قرار دادیم تا در آن [برای گمراه کردن مردم] نیرنگ زنند، ولی جز به خودشان نیرنگ نمی زنند، و [این واقعیت را] درک نمی کنند. (۱۲۳)

وَإِذَا جَاءَتْهُمْ آيَةٌ قَالُوا لَن نُّؤْمِنَ حَتَّى نُؤْتَى مِثْلَ مَا أُوتِيَ رُسُلُ اللَّهِ اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ سَيُصِيبُ الَّذِينَ أَجْرَمُوا صَغَارٌ عِندَ اللَّهِ وَعَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا كَانُوا يَمْكُرُونَ (۱۲۴)

و چون آیه و معجزه ای [بخاطر هدایت یافتنشان] به سوی آنان آید، می گویند: هرگز ایمان نمی آوریم تا نظیر آنچه به پیامبران خدا داده شده به ما هم داده شود. خدا داناتر است که مقام رسالت را در کجا قرار دهد؛ به زودی آنان را که گناه کرده اند به کیفر نیرنگی که [همواره برای گمراه کردن مردم] می زدند، در پیشگاه خدا ذلت و خواری و عذابی سخت خواهد رسید. (۱۲۴)

ص: ۱۴۳

فَمَن يُرِدِ اللَّهُ أَن يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَن يُرِدْ أَن يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصَّعَّدُ فِي السَّمَاءِ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ (۱۲۵)

پس کسی را که خدا بخواهد هدایت کند، سینه اش را برای [پذیرفتن] اسلام می گشاید؛ و کسی را که [به خاطر لجاجت و عنادش] بخواهد گمراه نماید، سینه اش را چنان تنگ می کند که گویی به زحمت در آسمان بالا می رود؛ خدا این گونه پلیدی را بر کسانی که ایمان نمی آورند، قرار می دهد. (۱۲۵)

وَهَذَا صِرَاطُ رَبِّكَ مُسْتَقِيمًا قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ (۱۲۶)

و این [قرآن و اسلام] راه راست پروردگار توست؛ ما آیات را برای گروهی که متذکّر می شوند، بیان کردیم. (۱۲۶)

لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِندَ رَبِّهِمْ وَهُوَ وَلِيُّهُم بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۲۷)

برای آنان نزد پروردگارشان خانه سلامت و امن است؛ و به پاداش کارهای پسندیده ای که همواره انجام می دادند یار و سرپرست آنان است. (۱۲۷)

وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ قَدِ اسْتَكْثَرْتُم مِّنَ الْإِنسِ وَقَالَ أَوْلِيَاؤُهُم مِّنَ الْإِنسِ رَبَّنَا اسْتَمْتَعَ بَعْضُنَا بِبَعْضٍ وَبَلَغْنَا أَجَلَنَا الَّذِی أَجَّلْتَ لَنَا قَالَ النَّارُ مَثْوَاكُمْ خَالِدِينَ فِيهَا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّ رَبَّکَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ (۱۲۸)

و [یاد کنید] روزی که همه جن و انس را جمع می کنیم [و به طایفه جن می گوییم:] ای گروه جن! شما [با وسوسه و اغواگریِ خود] در بسیاری از انسان ها میل و رغبت کردید [تا آنان را گمراه کنید] و دوستانشان از میان انسان ها می گویند: پروردگارا! هر یک از ما دو گروه [پیشوایان و پیروان] از دیگری بهره برداری کردیم [ما پیروان به بهره های نامشروع رسیدیم، و پیشوایان از منحرف کردن ما بهره ناروا بردند] تا به آن مدت از عمری که برای ما مقرّر کرده بودی، رسیدیم. [خدا] می گوید: آتش، جایگاه شماست، در آن جاودانه اید، مگر آنکه خدا نجات شما را بخواهد؛ یقیناً پروردگارت حکیم و داناست. (۱۲۸)

وَكَذَلِکَ نُوَلِّی بَعْضَ الظَّالِمِينَ بَعْضًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۱۲۹)

این گونه برخی ستمکاران را بر برخی به کیفر گناهانی که همواره مرتکب می شدند، مسلط و چیره می کنیم. (۱۲۹)

يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِی وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُوا شَهِدْنَا عَلَى أَنفُسِنَا وَغَرَّتْهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَشَهِدُوا عَلَى أَنفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ (۱۳۰)

[در قیامت خطاب می رسد:] ای گروه جن و انس! آیا برای شما از جنس خودتان پیامبرانی نیامدند که همواره آیات مرا بر شما می خواندند و شما را از دیدار امروزتان هشدار می دادند؟ می گویند: ما به زیان خود گواهی می دهیم [که آمدند، ولی ما تکذیبشان کردیم] و [جلوه های پر زرق و برق] زندگی دنیا آنان را فریفت، و [اکنون در این عرصه هول انگیز] به زیان خود گواهی می دهند که [در دنیا] کافر بودند. (۱۳۰)

ذَلِکَ أَن لَّمْ يَكُن رَّبُّکَ مُهْلِکَ الْقُرَى بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا غَافِلُونَ (۱۳۱)

این [فرستادن پیامبران] برای این است که پروردگارت مردم شهرها و آبادی ها را در حالی که اهلشان [پیش از آمدن پیامبران] بی خبر [از توحید و معاد و حقایق] باشند، از روی ستم هلاک نمی کند. (۱۳۱)

ص: ۱۴۴

وَلِكُلٍّ دَرَجَاتٌ مِّمَّا عَمِلُوا وَمَا رَبُّکَ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ (۱۳۲)

و [در قیامت] برای هر کدام [از دو گروه جن و انس] به سزای آنچه انجام می دادند، درجاتی [از ثواب و عذاب] است؛ و پروردگارت از آنچه انجام می دهند، بی خبر نیست. (۱۳۲)

وَرَبُّكَ الْغَنِيُّ ذُو الرَّحْمَهِ إِن يَشَأْ يُذْهِبْكَمْ وَيَسْتَخْلِفْ مِن بَعْدِكُم مَّا يَشَاءُ كَمَا أَنشَأَكُم مِّن ذُرِّيَّهِ قَوْمٍ آخَرِينَ (۱۳۳)

و پروردگارت بی نیاز و صاحب رحمت است، اگر بخواهد همه شما را هلاک می نماید، و پس از شما هر نسلی که بخواهد جایگزین شما می کند، همان گونه که شما را از نسل گروهی دیگر پدید آورد. (۱۳۳)

إِنَّ مَا تُوعَدُونَ لَآتٍ وَمَا أَنتُم بِمُعْجِزِينَ (۱۳۴)

بی تردید آنچه [از ثواب و عقاب] به شما وعده می دهند، آمدنی است؛ و شما عاجز کننده خدا نیستید [تا بتوانید از دسترس قدرتش بیرون روید.] (۱۳۴)

قُلْ يَا قَوْمِ اعْمَلُوا عَلَى مَكَانَتِكُمْ إِنِّى عَامِلٌ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَن تَكُونُ لَهُ عَاقِبَهُ الدَّارِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ (۱۳۵)

بگو: ای قوم! تا جایی که در قدرت شماست [برای مبارزه با من و آیینم] بکوشید، من هم [در انجام دادن وظایفم] می کوشم، سپس خواهید دانست که سرانجام خوش و نیکوی سرای آخرت برای کیست؟ قطعاً ستمکاران رستگار نمی شوند. (۱۳۵)

وَجَعَلُوا لِلَّهِ مِمَّا ذَرَأَ مِنَ الْحَرْثِ وَالْأَنْعَام نَصِيبًا فَقَالُوا هَذَا لِلَّهِ بِزَعْمِهِمْ وَهَذَا لِشُرَكَائِنَا فَمَا كَانَ لِشُرَكَائِهِمْ فَلَا يَصِلُ إِلَى اللَّهِ وَمَا كَانَ لِلَّهِ فَهُوَ يَصِلُ إِلَى شُرَكَائِهِمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ (۱۳۶)

و مشرکان از زراعت و چهارپایانی که خدا آفریده برای او سهمی قرار دادند، و به گمان بی اساس خود گفتند: این سهم خدا، و این سهم بُتان ما؛ [و عقیده داشتند] آنچه برای بتانشان باشد به خدا نمی رسد و آنچه برای خدا باشد [در صورتی که سهم بتان کمبودی داشته باشد] به آنها می رسد؛ بد است آنچه داوری می کنند. (۱۳۶)

وَكَذَلِكَ زَيَّنَ لِكَثِيرٍ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ قَتْلَ أَوْلَادِهِمْ شُرَكَاؤُهُمْ لِيُرْدُوهُمْ وَلِيَلْبِسُوا عَلَيْهِمْ دِينَهُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ (۱۳۷)

مانند [این سهم بندی بی اساس که هوای نفسشان در نظرشان آراست] بتان، کشتن فرزندانشان را در نظرشان آراستند تا سرگردان و هلاکشان سازند و دینشان را بر آنان مُشتبه [و آمیخته به بدعت ها و خرافات] کنند؛ اگر خدا می خواست [اجباراً] آن کار را نمی کردند [ولی اجبار به عمل و ترک آن مشمول خواست خدا نیست؛] پس آنان را با آنچه دروغ می سازند واگذار. (۱۳۷)

ص: ۱۴۵

وَقَالُوا هَذِهِ أَنْعَامٌ وَحَرْثٌ حِجْرٌ لَّا يَطْعَمُهَا إِلَّا مَن نَّشَاءُ بِزَعْمِهِمْ وَأَنْعَامٌ حُرِّمَتْ ظُهُورُهَا وَأَنْعَامٌ لَّا يَذْكُرُونَ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا افْتِرَاءً عَلَيْهِ سَيَجْزِيهِم بِمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ (۱۳۸)

و به گمان بی اساس خود گفتند: این چهار پایان و زراعتی که [سهم خدا و بتان است، خوردنش] ممنوع است، فقط کسی که

ما بخواهیم باید از آنها بخورد، و [اینها] چهارپایانی است که سوار شدن بر آنان حرام است، و [نیز آنان را] چهارپایانی [بود] که [هنگام ذبح] نام خدا را بر آنها نمی بردند، در حالی که [این سنت ها و قوانین را به دروغ] به خدا نسبت می دادند؛ به زودی خدا آنان را در برابر آنچه دروغ می بستند، مجازات خواهد کرد. (۱۳۸)

وَقَالُوا مَا فِي بُطُونِ هَـٰذِهِ الْأَنْعَامِ خَالِصَةٌ لِّذُكُورِنَا وَمُحَرَّمٌ عَلَى أَزْوَاجِنَا وَإِن يَكُن مَّيْتَةً فَهُمْ فِيهِ شُرَكَاءُ سَيَجْزِيهِمْ وَصْفَهُمْ إِنَّهُ حَكِيمٌ عَلِيمٌ (۱۳۹)

و گفتند: آنچه در شکم این چهارپایان است [در صورتی که زنده بیرون آید] ویژه مردان ماست، و بر همسرانمان حرام است، و اگر مرده باشد همگی در آن شریکند؛ به زودی خدا آنان را بر این توصیف بی پایه و باطلشان جزا خواهد داد، زیرا خدا حکیم و داناست. (۱۳۹)

قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ وَحَرَّمُوا مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ افْتِرَاءً عَلَى اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ (۱۴۰)

قطعاً کسانی که فرزندان خود را از روی سبک مغزی و جهالت کشته اند، و آنچه را خدا روزی آنان کرده بود بر پایه دروغ بستن به خدا حرام شمرده اند، زیان کردند؛ به راستی که گمراه شدند و هدایت یافته نبودند. (۱۴۰)

وَهُوَ الَّذِي أَنشَأَ جَنَّاتٍ مَّعْرُوشَاتٍ وَغَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أُكُلُهُ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُتَشَابِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ كُلُوا مِن ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ (۱۴۱)

و اوست که باغ هایی [که درختانش برافراشته] بر داربست و باغ هایی [که درختانش] بدون داربست [است]، و درخت خرما، و کشتزار با محصولات گوناگون، و زیتون، و انار شبیه به هم و بی شباهت به هم را پدید آورد. از میوه های آنها هنگامی که میوه داد بخورید، و حقّ [الهی] آن را روز دروکردنش [که به تهیدستان اختصاص داده شده] بپردازید، و از اسراف [در خوردن وخرج کردن] بپرهیزید، که قطعاً خدا اسراف کنندگان را دوست ندارد. (۱۴۱)

وَمِنَ الْأَنْعَامِ حَمُولَةً وَفَرْشًا كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ (۱۴۲)

و از دام ها، حیوانات باربر و حیوانات کُرک دار و پشم دهنده را [آفرید]؛ از آنچه خدا روزی شما کرده بخورید، و از گام های شیطان پیروی نکنید، که بی تردید او برای شما دشمنی آشکار است. (۱۴۲)

ص: ۱۴۶

ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ مِّنَ الضَّأْنِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْمَعْزِ اثْنَيْنِ قُلْ آلذَّكَرَيْنِ حَرَّمَ أَمِ الْأُنثَيَيْنِ أَمَّا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ أَرْحَامُ الْأُنثَيَيْنِ نَبِّئُونِي بِعِلْمٍ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (۱۴۳)

[از حیوانات حلال گوشت و قابل استفاده شما] هشت نوع همراه با جفتش [را آفرید] از گوسفند یک نر و یک ماده، از بز یک نر و یک ماده، بگو: آیا خدا، نر گوسفند و بز، یا ماده گوسفند و بز را یا آنچه را که رحم آن دو ماده در برگرفته حرام

کرده؟ اگر راستگویید از روی علم و دانش به من خبر دهید. (۱۴۳)

وَمِنَ الْإِبِلِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْبَقَرِ اثْنَيْنِ قُلْ آلذَّكَرَيْنِ حَرَّمَ أَمِ الْأُنثَيَيْنِ أَمَّا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ أَرْحَامُ الْأُنثَيَيْنِ أَمْ كُنتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ وَصَّاكُمُ اللَّهُ بِهَذَا فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا لِّيُضِلَّ النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِى الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۱۴۴)

و از شتر یک نر و یک ماده و از گاو یک نر و یک ماده [را آفرید] بگو: آیا خدا نرینه شتر و گاو یا ماده هر دو را یا آنچه را که رحم آن دو ماده دربرگرفته حرام کرده؟ یا زمانی که خدا شما را به این [حرام ساختگی] سفارش کرد، حاضر بودید، پس ستمکارتر از کسی که به خدا دروغ بندد تا مردم را از روی نادانی و جهالت گمراه کند، کیست؟! مسلماً خدا گروه ستمکاران را هدایت نمی کند. (۱۴۴)

قُل لَّا أَجِدُ فِى مَا أُوحِىَ إِلَىَّ مُحَرَّمًا عَلَى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَن يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَّسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خِنزِيرٍ فَإِنَّهُ رِجْسٌ أَوْ فِسْقًا أُهِلَّ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ فَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ رَبَّكَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱۴۵)

بگو: در احکامی که به من وحی شده [خوراک] حرامی را بر خورنده ای که میل دارد آن را بخورد نمی یابم، مگر آنکه مردار یا خون ریخته شده [از رگ های حیوان] یا گوشت خوک باشد که یقیناً همه نجس و پلیدند، یا حیوانی که از روی نافرمانی از دستور خدا [هنگام ذبح] نام غیر خدا بر آن برده شده؛ پس کسی که [برای نجات جانش از خطر] به خوردن آنها ناچار شود در حالی که خواهان لذت نباشد و از حدّ لازم تجاوز نکند [گناهی بر او نیست؛] یقیناً پروردگارت بسیار آمرزنده و مهربان است. (۱۴۵)

وَعَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا كُلَّ ذِى ظُفُرٍ وَمِنَ الْبَقَرِ وَالْغَنَمِ حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ شُحُومَهُمَا إِلَّا مَا حَمَلَتْ ظُهُورُهُمَا أَوِ الْحَوَايَا أَوْ مَا اخْتَلَطَ بِعَظْمٍ ذَلِكَ جَزَيْنَاهُم بِبَغْيِهِمْ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ (۱۴۶)

و هر حیوان ناخن دار، و پیه گاو و گوسفند را بر یهودیان حرام کردیم مگر چربی هایی که بر پشت یا روده های آنان است یا آنچه آمیخته و مخلوط با استخوان است؛ این [تحریم] را به سبب ستم کردنشان به آنان کیفر دادیم، و یقیناً ما راستگوییم. (۱۴۶)

ص: ۱۴۷

فَإِن كَذَّبُوكَ فَقُل رَّبُّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ (۱۴۷)

اگر تو را تکذیب کردند، بگو: پروردگارمان صاحب رحمتی گسترده است، ولی عذاب او هم از گروه مجرمان بازگردانده نخواهد شد. (۱۴۷)

سَيَقُولُ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكْنَا وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا حَرَّمْنَا مِن شَىْءٍ كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ حَتَّى ذَاقُوا بَأْسَنَا قُلْ هَلْ عِندَكُم مِّنْ عِلْمٍ فَتُخْرِجُوهُ لَنَا إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ أَنتُمْ إِلَّا تَخْرُصُونَ (۱۴۸)

کسانی که برای خدا شریک و همتا قرار دادند به زودی خواهند گفت: اگر خدا می خواست نه ما شرک می ورزیدیم و نه پدرانمان، و نه چیزی [از حلال خدا را خودسرانه] حرام می کردیم [پس شرک و تحریم ما جبری بوده نه اختیاری] کسانی که پیش از اینان بودند [بر اساس همین عقیده باطل پیامبران را] تکذیب کردند تا عذاب و انتقام ما را چشیدند؛ بگو: آیا نزد شما دانشی [استوار و منطقی مُستدل بر عقایدتان] هست که آن را برای ما آشکار کنید؟ شما فقط از پندارهای واهی و پوچ پیروی می کنید و جز به حدس و گمان تکیه نمی زنید. (۱۴۸)

قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ فَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ (۱۴۹)

بگو: دلیل و برهان رسا [که قابل ردّ، ایراد، شک و تردید نیست] مخصوص خداست، و اگر خدا می خواست قطعاً همه شما را [به طور جبر] هدایت می کرد. (۱۴۹)

قُلْ هَلُمَّ شُهَدَاءَكُمُ الَّذِينَ يَشْهَدُونَ أَنَّ اللَّهَ حَرَّمَ هَـٰذَا فَإِن شَهِدُوا فَلَا تَشْهَدْ مَعَهُمْ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَهُم بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ (۱۵۰)

[به مدعیان تحریم های خودسرانه] بگو: گواهان خود را که گواهی می دهند بر اینکه خدا این امور را حرام کرده بیاورید. پس اگر گواهان هم گواهی دادند تو با آنان گواهی مده؛ [زیرا گواهی دادنشان ناحق و نارواست] و از هواهای نفسانی آنان که آیات ما را تکذیب کردند، و کسانی که به آخرت ایمان ندارند، و برای پروردگارشان شریک و همتا قرار می دهند، پیروی مکن. (۱۵۰)

قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُم مِّنْ إِمْلَاقٍ نَّحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَٰلِكُمْ وَصَّاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (۱۵۱)

بگو: بیایید تا آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده بخوانم: اینکه چیزی را شریک او قرار مدهید، و به پدر و مادر نیکی کنید، و فرزندانتان را از [ترسِ] تنگدستی نکشید، ما شما و آنان را روزی می دهیم، و به کارهای زشت چه آشکار و چه پنهانش نزدیک نشوید، و انسانی را که خدا محترم شمرده جز به حق نکشید؛ خدا این [گونه] به شما سفارش کرده تا بیندیشید. (۱۵۱)

ص: ۱۴۸

وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّى يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَٰلِكُمْ وَصَّاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (۱۵۲)

و به مال یتیم جز به روشی که نیکوتر است، نزدیک نشوید تا به حدّ بلوغِ [بدنی و عقلیِ] خود برسد، و پیمانه و ترازو را بر اساس عدالت و انصاف کامل و تمام بدهید؛ هیچ کس را جز به اندازه توانش تکلیف نمی کنیم؛ و هنگامی که سخن گویید، عدالت ورزید هر چند درباره خویشان باشد، و به پیمان خدا وفا کنید؛ خدا این [گونه] به شما سفارش کرده تا پند گیرید.

(۱۵۲)

وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِی مُسْتَقِیمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِکُمْ عَن سَبِیلِهِ ذَلِکُمْ وَصَّاکُم بِهِ لَعَلَّکُمْ تَتَّقُونَ (۱۵۳)

و مسلماً این [برنامه های محکم و استوار و قوانین و مقرّرات حکیمانه] راه راست من است؛ بنابراین از آن پیروی کنید و از راه های دیگر پیروی مکنید که شما را از راه او پراکنده می کند؛ خدا این [گونه] به شما سفارش کرده تا پرهیزکار شوید. (۱۵۳)

ثُمَّ آتَیْنَا مُوسَی الْکِتَابَ تَمَامًا عَلَی الَّذِی أَحْسَنَ وَتَفْصِیلًا لِّکُلِّ شَیْءٍ وَهُدًی وَرَحْمَةً لَّعَلَّهُم بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ یُؤْمِنُونَ (۱۵۴)

سپس به موسی کتاب دادیم برای اینکه [نعمت خود را] بر آنان که نیکی کردند کامل کنیم، و برای اینکه همه احکام و معارفی که مورد نیاز بنی اسرائیل بود، تفصیل و توضیح دهیم و برای اینکه هدایت و رحمت [بر آنان] باشد تا به دیدار [پاداش و مقام قرب] پروردگارشان ایمان آورند. (۱۵۴)

وَهَذَا کِتَابٌ أَنزَلْنَاهُ مُبَارَکٌ فَاتَّبِعُوهُ وَاتَّقُوا لَعَلَّکُمْ تُرْحَمُونَ (۱۵۵)

و این [قرآن] کتابی پرفایده است که ما آن را نازل کردیم پس آن را پیروی کنید و [از مخالفت با آن] بپرهیزید تا مشمول رحمت شوید. (۱۵۵)

أَن تَقُولُوا إِنَّمَا أُنزِلَ الْکِتَابُ عَلَی طَائِفَتَیْنِ مِن قَبْلِنَا وَإِن کُنَّا عَن دِرَاسَتِهِمْ لَغَافِلِینَ (۱۵۶)

[آری، قرآن را نازل کردیم] تا [شما مشرکان] نگویید: کتاب آسمانی فقط بر دو گروه پیش از ما [یهود و نصاری] نازل شد و [چون به لغت ما نبود] از [یاد گرفتن] قرائت آنان و آموزششان بی خبر ماندیم. (۱۵۶)

أَوْ تَقُولُوا لَوْ أَنَّا أُنزِلَ عَلَیْنَا الْکِتَابُ لَکُنَّا أَهْدَی مِنْهُمْ فَقَدْ جَاءَکُم بَیِّنَةٌ مِّن رَّبِّکُمْ وَهُدًی وَرَحْمَةٌ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن کَذَّبَ بِآیَاتِ اللَّهِ وَصَدَفَ عَنْهَا سَنَجْزِی الَّذِینَ یَصْدِفُونَ عَنْ آیَاتِنَا سُوءَ الْعَذَابِ بِمَا کَانُوا یَصْدِفُونَ (۱۵۷)

یا نگویید: اگر کتاب آسمانی بر ما نازل می شد، مسلماً از آنان راه یافته تر بودیم، اینک برهانی آشکار و هدایت و رحمتی از سوی پروردگارتان برای شما آمد، پس ستمکارتر از کسی که آیات خدا را تکذیب کند و از آن ها روی بگرداند کیست؟ به زودی کسانی [را] که از آیات ما روی می گردانند، به خاطرِ روی گرداندنشان به عذابی سخت مجازات خواهیم کرد. (۱۵۷)

ص: ۱۴۹

هَلْ یَنظُرُونَ إِلَّا أَن تَأْتِیَهُمُ الْمَلَائِکَةُ أَوْ یَأْتِیَ رَبُّکَ أَوْ یَأْتِیَ بَعْضُ آیَاتِ رَبِّکَ یَوْمَ یَأْتِی بَعْضُ آیَاتِ رَبِّکَ لَا یَنفَعُ نَفْسًا إِیمَانُهَا لَمْ تَکُنْ آمَنَتْ مِن قَبْلُ أَوْ کَسَبَتْ فِی إِیمَانِهَا خَیْرًا قُلِ انتَظِرُوا إِنَّا مُنتَظِرُونَ (۱۵۸)

آیا جز این انتظار دارند که فرشتگانِ [عذاب] به سویشان آیند، یا [قیامت] پروردگارت [که روز جلوه کامل حق و ظهور وانکشاف تام توحید است] بیاید، یا برخی از نشانه های پروردگارت [مانند مرگ و آثار پس از آن] تحقق یابد؟ روزی که

برخی از نشانه های پروردگارت به ظهور آید، ایمان آوردن کسی که پیش از این ایمان نیاورده یا در حال ایمانش عمل شایسته ای انجام نداده سودی نخواهد داشت. بگو: [شما با این وضع ناروایی که دارید] منتظر [عذاب] باشید. ما هم منتظریم [که عذاب خدا به شما برسد.] (۱۵۸)

إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيَعًا لَّسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ (۱۵۹)

مسلماً کسانی که دینشان را بخش بخش کردند، وگروه گروه شدند، تو را هیچ پیوندی با آنان نیست، کار آنان فقط با خداست، سپس به اعمالی که همواره انجام می دادند، آگاهشان می کند. (۱۵۹)

مَن جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَن جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (۱۶۰)

هر کس کار نیک بیاورد، پاداشش ده برابر آن است، و آنان که کار بد بیاورند، جز به مانند آن مجازات نیابند و ایشان مورد ستم قرار نمی گیرند. (۱۶۰)

قُلْ إِنَّنِي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ دِينًا قِيَمًا مِّلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۱۶۱)

بگو: یقیناً پروردگارم مرا به راه راست هدایت کرد، به دینی پایدار و استوار، دین ابراهیم یکتاپرست حق گرا، و او از مشرکان نبود. (۱۶۱)

قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۱۶۲)

بگو: مسلماً نماز و عبادتم و زندگی کردن و مرگم برای خدا پروردگار جهانیان است. (۱۶۲)

لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ (۱۶۳)

او را شریکی نیست، و به این [یگانه پرستی] مأمورم، و نخستین کسی هستم که [در این آیین] تسلیم [فرمان ها و احکام] اویم. (۱۶۳)

قُلْ أَغَيْرَ اللَّهِ أَبْغِي رَبًّا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى ثُمَّ إِلَى رَبِّكُم مَّرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ (۱۶۴)

بگو: آیا جز خدا پروردگاری بجویم در حالی که او پروردگار هر چیزی است؟! و هیچ کس جز به زیان خود [عمل زشتی] مرتکب نمی شود، و هیچ سنگین باری بار گناه دیگری را بر نمی دارد؛ سپس بازگشت همه شما به سوی پروردگارتان خواهد بود، پس شما را به [حقّانیّت] آنچه درباره آن [با مردم مؤمن] اختلاف می کردید، آگاه می کند. (۱۶۴)

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱۶۵)

اوست کسی که شما را در زمین، جانشینان [نسل های گذشته] قرار داد، و [پایه های مادی و معنوی] برخی از شما را بر برخی دیگر به درجاتی بالاـ برد تا شما را در آنچه به شما عطا کرده، بیازماید؛ قطعاً پروردگارت زود کیفر است، و یقیناً بسیار آمرزنده و مهربان است. (۱۶۵)

ص: ۱۵۰

سوره الأعراف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ المص (۱)

المص (۱)

كِتَابٌ أُنزِلَ إِلَيْكَ فَلَا يَكُن فِي صَدْرِكَ حَرَجٌ مِّنْهُ لِتُنذِرَ بِهِ وَذِكْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ (۲)

این کتابی [با عظمت] است که به سوی تو نازل شده است؛ پس نباید در سینه ات از ناحیه [تبلیغِ] آن تنگی و فشار باشد، تا به وسیله آن مردم را بیم دهی، و برای مؤمنان [مایه] تذکّر و پند باشد. (۲)

اتَّبِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا مِن دُونِهِ أَوْلِيَاءَ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ (۳)

آنچه را از سوی پروردگارتان به جانب شما نازل شده پیروی کنید، و از معبودانی غیر او پیروی ننمایید، ولی بسیار اندک و کم، پند می گیرید. (۳)

وَكَم مِّن قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا فَجَاءَهَا بَأْسُنَا بَيَاتًا أَوْ هُمْ قَائِلُونَ (۴)

چه بسیار شهرهایی که اهلش را [به سبب گناهانشان] هلاک کردیم و عذاب ما در حالی که شب یا نیم روز در استراحت و آرامش بودند، به آنان رسید!! (۴)

فَمَا كَانَ دَعْوَاهُمْ إِذْ جَاءَهُم بَأْسُنَا إِلَّا أَن قَالُوا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ (۵)

زمانی که عذاب ما به سویشان آمد، اعترافشان جز این نبود که گفتند: قطعاً ما ستمکار بوده ایم. (۵)

فَلَنَسْأَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلَنَسْأَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ (۶)

[روز قیامت] از کسانی که پیامبران به سویشان فرستاده شده [درباره پذیرفتن و نپذیرفتن رسالت پیامبران]، و از شخص پیامبران [درباره تبلیغ دین] به طور یقین پرسش خواهیم کرد. (۶)

فَلَنَقُصَّنَّ عَلَيْهِم بِعِلْمٍ وَمَا كُنَّا غَائِبِينَ (۷)

بی تردید برای آنان [در آن روز، عقاید، اعمال و اخلاقشان را] از روی دانشی [دقیق و فراگیر] بیان خواهیم کرد؛ [زیرا] ما هیچ گاه از آنان غایب نبوده ایم. (۷)

وَالْوَزْنُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ فَمَن ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۸)

میزان [سنجش اعمال] در آن روز حق است؛ پس کسانی که اعمال وزن شده آنان سنگین و با ارزش باشد، رستگارند. (۸)

وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُم بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَظْلِمُونَ (۹)

و کسانی که اعمال وزن شده آنان سبک و بی ارزش باشد، به سبب اینکه همواره به آیات ما ستم می ورزیدند، به خود زیان زده [و سرمایه وجودشان راتباه کرده] اند. (۹)

وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ (۱۰)

و شما را در زمین جای دادیم، و در آن برای شما وسایل و ابزارزندگی قرار دادیم، ولی بسیار اندک و کم، سپاس می گزارید. (۱۰)

وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ لَمْ يَكُن مِّنَ السَّاجِدِينَ (۱۱)

و شما را آفریدیم، سپس شما را صورت گری کردیم، آن گاه به فرشتگان گفتیم: بر آدم سجده کنید؛ بی درنگ همه سجده کردند، جز ابلیس که از سجده کنندگان نبود. (۱۱)

ص: ۱۵۱

قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِي مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن طِينٍ (۱۲)

خدا فرمود: هنگامی که تو را امر کردم، چه چیز تو را مانع شد که سجده نکردی؟ گفت: من از او بهترم، مرا از آتش پدید آورده ای و او را از گِل آفریدی. (۱۲)

قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَن تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ (۱۳)

خدا فرمود: از این جایگاه و منزلتت [که عرصه فروتنی و فرمانبرداری است] فرود آی؛ زیرا تو را نرسد که در این جایگاه بلند، بزرگ منشی کنی پس بیرون شو که قطعاً از خوارشدگانی. (۱۳)

قَالَ أَنظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ (۱۴)

گفت: مرا تا روزی که [مردگان] برانگیخته شوند، مهلت ده. (۱۴)

قَالَ إِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ (۱۵)

خدا فرمود: البته تو از مهلت یافتگانی. (۱۵)

قَالَ فَبِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ (۱۶)

گفت: به سبب اینکه مرا به بیراهه و گمراهی انداختی، یقیناً بر سر راه راست تو [که رهروانش را به سعادت ابدی می رساند] در کمین آنان خواهم نشست. (۱۶)

ثُمَّ لَآتِيَنَّهُم مِّن بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَن شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ (۱۷)

سپس از پیش رو و پشت سر و از طرف راست و از جانب چپشان بر آنان می تازم و [تا جایی آنان را دچار وسوسه و اغواگری می کنم که] بیشترشان را سپاس گزار نخواهی یافت. (۱۷)

قَالَ اخْرُجْ مِنْهَا مَذْءُومًا مَّدْحُورًا لَّمَن تَبِعَكَ مِنْهُمْ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنكُمْ أَجْمَعِينَ (۱۸)

خدا فرمود: از این جایگاه و منزلت نکوهیده و مطرود بیرون شو که قطعاً هر که از آنان از تو پیروی کند، بی تردید جهنم را از همه شما لبریز خواهم کرد. (۱۸)

وَيَا آدَمُ اسْكُنْ أَنتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ فَكُلَا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ (۱۹)

و [گفتیم:] ای آدم! تو و همسرت در این بهشت سکونت گیرید، و از هر جا [و هر نوع میوه ای] که خواستید بخورید، و به این درخت نزدیک مشوید که ازستمکاران [بر خود] خواهید شد. (۱۹)

فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِن سَوْآتِهِمَا وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَـٰذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَن تَكُونَا مَلَكَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ (۲۰)

پس شیطان، آن دو را وسوسه کرد تا آنچه از شرمگاه بدنشان بر آنان پوشیده بود نمایان کند، [وسوسه اش این بود که به هر دو] گفت: پروردگارتان شما را از این درخت نهی نکرده مگر از این جهت که مبادا دو فرشته گردید، یا از جاودانان شوید. (۲۰)

وَقَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ (۲۱)

و برای هر دو سوگند سخت و استوار یاد کرد که یقیناً من برای شما از خیر خواهانم [و قصد فریب شما را ندارم.] (۲۱)

فَدَلَّاهُمَا بِغُرُورٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِن وَرَقِ الْجَنَّةِ وَنَادَاهُمَا رَبُّهُمَا أَلَمْ أَنْهَكُمَا عَن تِلْكُمَا الشَّجَرَةِ وَأَقُل لَّكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُّبِينٌ (۲۲)

پس آن دو را با مکر و فریب از مقام و منزلتشان فرود آورد [و به خوردن درخت ممنوعه نزدیک کرد]، هنگامی که از آن درخت چشیدند، شرمگاه بدنشان بر دو نفرشان نمایان شد و هر دو دست به کار چسبانیدن برگ [درختان] بهشت به خود شدند؛ و پروردگارشان بر آن دو بانگ زد: آیا من شما را از آن درخت نهی نکردم، وبه شما نگفتم: بی تردید شیطان برای شما دشمنی آشکار است؟! (۲۲)

ص: ۱۵۲

قَالَا رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ (۲۳)

گفتند: پروردگارا! ما بر خود ستم ورزیدیم، و اگر ما را نیامرزی و به ما رحم نکنی مسلماً از زیانکاران خواهیم بود. (۲۳)

قَالَ اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَى حِينٍ (۲۴)

خدا فرمود: از این جایگاه و مقام فرود آیید، در حالی که دشمن یکدیگرید، و برای شما در زمین تا مدتی قرارگاه و مایه برخورداری است. (۲۴)

قَالَ فِيهَا تَحْيَوْنَ وَفِيهَا تَمُوتُونَ وَمِنْهَا تُخْرَجُونَ (۲۵)

پروردگار فرمود: در آن زندگی می کنید، و در آن می میرید، و از آن بیرون می آیید. (۲۵)

يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُوَارِي سَوْآتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَى ذَلِكَ خَيْرٌ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ (۲۶)

ای فرزندان آدم! ما لباسی که شرمگاهتان را می پوشاند، و لباسی فاخر و گران که مایه زینت و جمال است، برای شما نازل کردیم؛ و لباس تقوا [که انسان را از آلودگی های ظاهر و باطن بازمی دارد] بهتر است، و این [لباس که با استفاده از آن انسان به سعادت ابدی می رسد] از نشانه های خداست، باشد که متذکّر [این حقیقت] شوند. (۲۶)

يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْآتِهِمَا إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ (۲۷)

ای فرزندان آدم! شیطان، شما را نفریبد چنان که پدر و مادرتان را [با فریبکاریش] از بهشت بیرون کرد، لباسشان را از اندامشان بر می کشید تا شرمگاهشان را به آنان بنمایاند، او و دار و دسته اش شما را از آنجا که شما آنان را نمی بینید می بینند، ما شیاطین را سرپرست و یاران کسانی قرار دادیم که ایمان نمی آورند. (۲۷)

وَإِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا وَاللَّهُ أَمَرَنَا بِهَا قُلْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (۲۸)

چون کار زشتی مرتکب می شوند، می گویند: پدرانمان را بر آن [کار] یافتیم و خدا ما را به آن فرمان داده. بگو: یقیناً خدا به کار زشت فرمان نمی دهد، آیا چیزی را که نمی دانید [از روی جهل و نادانی] به خدا نسبت می دهید؟! (۲۸)

قُلْ أَمَرَ رَبِّی بِالْقِسْطِ وَأَقِیمُوا وُجُوهَکُمْ عِندَ کُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِینَ لَهُ الدِّینَ کَمَا بَدَأَکُمْ تَعُودُونَ (۲۹)

بگو: پروردگارم به میانه روی [در همه امور و به اجتناب از افراط و تفریط] فرمان داده و [امر فرموده]: در هر مسجدی [به هنگام عبادت] روی [دل] خود را [آن گونه] متوجه خدا کنید [که از هر چیزی غیر او مُنقطع شود]، و او را در حالی که ایمان و عبادت را برای وی از هر گونه شرکی خالص می کنید بخوانید؛ همان گونه که شما را آفرید، [پس از مرگ به او] بازمی گردید. (۲۹)

فَرِیقًا هَدَی وَفَرِیقًا حَقَّ عَلَیْهِمُ الضَّلَالَهُ إِنَّهُمُ اتَّخَذُوا الشَّیَاطِینَ أَوْلِیَاءَ مِن دُونِ اللَّهِ وَیَحْسَبُونَ أَنَّهُم مُّهْتَدُونَ (۳۰)

در حالی که گروهی را [به خاطر داشتن لیاقت] هدایت کرد، و گروهی [به سبب نداشتن شایستگی] گمراهی بر آنان ثابت و قطعی شد، چون اینان شیاطین را به جای خدا سرپرستان و دوستان خود گرفتند، و گمان می کنند که راه یافتگانند!! (۳۰)

ص: ۱۵۳

یَا بَنِی آدَمَ خُذُوا زِینَتَکُمْ عِندَ کُلِّ مَسْجِدٍ وَکُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا یُحِبُّ الْمُسْرِفِینَ (۳۱)

ای فرزندان آدم! [هنگام هر نماز و] در هر مسجدی، آرایش و زینتِ [مادی و معنوی خود را متناسب با آن عمل و مکان] همراه خود برگیرید، و بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید؛ زیرا خدا اسراف کنندگان را دوست ندارد. (۳۱)

قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِینَهَ اللَّهِ الَّتِی أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّیِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِیَ لِلَّذِینَ آمَنُوا فِی الْحَیَاهِ الدُّنْیَا خَالِصَهً یَوْمَ الْقِیَامَهِ کَذَلِکَ نُفَصِّلُ الْآیَاتِ لِقَوْمٍ یَعْلَمُونَ (۳۲)

بگو: زینت های خدا و روزی های پاکیزه ای را که برای بندگانش پدید آورد، چه کسی حرام کرده؟! بگو: این [زینتها و روزی های پاکیزه] در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آورده اند [البته اگر چه غیر مؤمنان هم با آنان در بهرهوری شریکند، ولی] در قیامت فقط ویژه مؤمنان است؛ ما این گونه آیات خود را برای گروهی که می دانند [و اهل دانش و بصیرت اند] بیان می کنیم. (۳۲)

قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّیَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَالْإِثْمَ وَالْبَغْیَ بِغَیْرِ الْحَقِّ وَأَن تُشْرِکُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ یُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَأَن تَقُولُوا عَلَی اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (۳۳)

بگو: پروردگارم فقط کارهای زشت را چه آشکارش باشد و چه پنهانش، و گناه و ستم ناحق را، و اینکه چیزی را که خدا بر حقّانیّت آن دلیلی نازل نکرده شریک او قرار دهید، و اینکه اموری را از روی نادانی و جهالت به خدا نسبت دهید، حرام کرده است. (۳۳)

وَلِکُلِّ أُمَّهٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا یَسْتَأْخِرُونَ سَاعَهً وَلَا یَسْتَقْدِمُونَ (۳۴)

برای هر امتی زمانی [معین و اجلی محدود] است، هنگامی که اجلشان سرآید، نه ساعتی پس می مانند و نه ساعتی پیش می افتند. (۳۴)

یَا بَنِی آدَمَ إِمَّا یَأْتِیَنَّکُمْ رُسُلٌ مِّنکُمْ یَقُصُّونَ عَلَیْکُمْ آیَاتِی فَمَنِ اتَّقَی وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَلَا هُمْ یَحْزَنُونَ (۳۵)

ای فرزندان آدم! چون پیامبرانی از جنس خودتان به سویتان آیند که آیاتم را بر شما بخوانند [به آنان ایمان آورید و آیاتم را عمل کنید]؛ پس کسانی که [از مخالفت با آنان] بپرهیزند و [مفاسد خود را] اصلاح کنند، نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین شوند. (۳۵)

وَالَّذِینَ کَذَّبُوا بِآیَاتِنَا وَاسْتَکْبَرُوا عَنْهَا أُولَئِکَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِیهَا خَالِدُونَ (۳۶)

و آنان که آیات ما را تکذیب کردند، و از پذیرفتن آنها تکبر ورزیدند اهلِ آتش و در آن جاودانه اند. (۳۶)

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَی عَلَی اللَّهِ کَذِبًا أَوْ کَذَّبَ بِآیَاتِهِ أُولَئِکَ یَنَالُهُمْ نَصِیبُهُم مِّنَ الْکِتَابِ حَتَّی إِذَا جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا یَتَوَفَّوْنَهُمْ قَالُوا أَیْنَ مَا کُنتُمْ تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا وَشَهِدُوا عَلَی أَنفُسِهِمْ أَنَّهُمْ کَانُوا کَافِرِینَ (۳۷)

پس ستمکارتر از کسانی که بر خدا دروغ می بندند، یا آیات او را تکذیب می کنند، کیست؟! آنانند که سهمشان از آنچه که [از نعمت ها] مقرّر و مقدّر شده به آنان می رسد. تا هنگامی که فرستادگان ما برای ستاندن جانشان به سویشان آیند، می گویند: بت ها و معبودهایی که به جای خدا می پرستیدید، کجایند؟ [تا شما را از سختی های مرگ و پس از آن نجات دهند] می گویند: از دست ما رفتند؛ و بر ضد خود گواهی دهند که کافر بوده اند. (۳۷)

ص: ۱۵۴

قَالَ ادْخُلُوا فِی أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِکُم مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ فِی النَّارِ کُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَّعَنَتْ أُخْتَهَا حَتَّی إِذَا ادَّارَکُوا فِیهَا جَمِیعًا قَالَتْ أُخْرَاهُمْ لِأُولَاهُمْ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ أَضَلُّونَا فَآتِهِمْ عَذَابًا ضِعْفًا مِّنَ النَّارِ قَالَ لِکُلٍّ ضِعْفٌ وَلَکِن لَّا تَعْلَمُونَ (۳۸)

خدا می فرماید: شما هم در میان گروه هایی از جن و انس که پیش از شما بودند در آتش درآیید، هرگاه گروهی وارد شوند، هم مسلکان خود را لعنت کنند تا آنکه همه آنان با خفت و خواری در آتش جمع شوند، آن گاه پیروانشان درباره پیشوایانشان گویند: پروردگارا! اینان ما را به گمراهی کشیدند، پس عذابشان را از آتش، دو چندان گردان؛ خدا می فرماید: برای هر کدامتان دو چندان است، ولی نمی دانید. (۳۸)

وَقَالَتْ أُولَاهُمْ لِأُخْرَاهُمْ فَمَا کَانَ لَکُمْ عَلَیْنَا مِن فَضْلٍ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا کُنتُمْ تَکْسِبُونَ (۳۹)

و پیشوایانشان به پیروانشان گویند: شما را بر ماهیچ برتری و امتیازی نیست [که عذابتان کمتر باشد] پس به کیفر آن اعمال زشتی که مرتکب می شدید، عذاب را بچشید. (۳۹)

إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تُفَتَّحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُجْرِمِينَ (۴۰)

قطعاً کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، و از پذیرفتن آنها تکبر ورزیدند، درهای آسمان [برای نزول رحمت] بر آنان گشوده نخواهد شد، و در بهشت هم وارد نمی شوند مگر آنکه شتر در سوراخ سوزن درآید!! [پس هم چنانکه ورود شتر به سوراخ سوزن محال است، ورود آنان هم به بهشت محال است؛] این گونه گنهکاران را کیفر می دهیم. (۴۰)

لَهُم مِّن جَهَنَّمَ مِهَادٌ وَمِن فَوْقِهِمْ غَوَاشٍ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ (۴۱)

برای آنان بستری از دوزخ و برفرازشان پوشش هایی از آتش است، و ما این گونه ستمکاران را پاداش می دهیم. (۴۱)

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۴۲)

و کسانی که ایمان آوردند و [به اندازه طاقت خود] کارهای شایسته انجام دادند، اهل بهشت اند و در آن جاودانه اند، [چرا که] ما هیچ کس را جز به اندازه طاقتش تکلیف نمی کنیم. (۴۲)

وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِم مِّنْ غِلٍّ تَجْرِي مِن تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ وَنُودُوا أَن تِلْكُمُ الْجَنَّةُ أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۴۳)

و آنچه از کینه و خشم در سینه های آنان است، بَر می کنیم [تا در بهشت با خوشی و سلامت کامل کنار هم زندگی کنند؛] از زیر [کاخ ها و عمارت های] شان نهرها جاری است و می گویند: و همه ستایش ها ویژه خداست که ما را به این [نعمت ها] هدایت کرد، و اگر خدا ما را هدایت نمی کرد هدایت نمی یافتیم، مسلماً پیامبران پروردگارمان حق را به سوی ما آوردند، و ندایشان می دهند به پاداش اعمال شایسته ای که همواره انجام می دادید، این بهشت را به ارث بردید. (۴۳)

ص: ۱۵۵

وَنَادَى أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابَ النَّارِ أَن قَدْ وَجَدْنَا مَا وَعَدَنَا رَبُّنَا حَقًّا فَهَلْ وَجَدتُّم مَّا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا قَالُوا نَعَمْ فَأَذَّنَ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ أَن لَّعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ (۴۴)

و بهشتیان، دوزخیان را آواز می دهند که ما آنچه را که پروردگارمان به ما وعده داده بود، حق یافتیم، آیا شما هم آنچه را که پروردگارتان وعده داده بود، حق یافتید؟ گویند: آری؛ پس آواز دهنده ای در میان آنان آواز دهد که لعنت خدا بر ستمکاران باد. (۴۴)

الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُم بِالْآخِرَةِ كَافِرُونَ (۴۵)

هم آنان که مردم را همواره از راه خدا بازمی دارند و می خواهند آن را [با وسوسه و اغواگری] کج نشان دهند، و ایشان به

روز قیامت کافرند. (۴۵)

وَبَيْنَهُمَا حِجَابٌ وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ وَنَادَوْا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَن سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَمْ يَدْخُلُوهَا وَهُمْ يَطْمَعُونَ (۴۶)

و میان آن دو [گروه بهشتیان و دوزخیان] حائلی است، و بر اعراف، مردانی [با مقام و منزلت اند] که هر کدام از دو گروه را به نشانه هایشان می شناسند، و بهشتیان را که وارد بهشت نشده اند، ولی ورود به آن را امید دارند، آواز می دهند که درود بر شما. (۴۶)

وَإِذَا صُرِفَتْ أَبْصَارُهُمْ تِلْقَاءَ أَصْحَابِ النَّارِ قَالُوا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (۴۷)

و چون بهشتیان، چشمانشان ناخواسته به سوی دوزخیان گردانده شود، گویند: پروردگارا! ما را با گروه ستمکاران قرار مده. (۴۷)

وَنَادَى أَصْحَابُ الْأَعْرَافِ رِجَالًا يَعْرِفُونَهُم بِسِيمَاهُمْ قَالُوا مَا أَغْنَى عَنكُمْ جَمْعُكُمْ وَمَا كُنتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ (۴۸)

و اهل اعراف مردانی را که از نشانه هایشان می شناسند، آواز می دهند [و به عنوان سرزنش] می گویند: [امکانات مادیو] جمعیت [انسانی] شما و تکبّری که می ورزیدید، عذابی را از شما دفع نکرد. (۴۸)

أَهَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمْتُمْ لَا يَنَالُهُمُ اللَّهُ بِرَحْمَةٍ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَلَا أَنتُمْ تَحْزَنُونَ (۴۹)

[سپس با توجه دادن دوزخیان به سوی اهل ایمان می گویند:] آیا اینان کسانی نبودند که در دنیا سوگند یاد می کردید که خدا آنان را به رحمتی نمی رساند؟ [پس به مؤمنان می گویند:] به بهشت در آیید که نه بیمی برشماست و نه اندوهگین می شوید. (۴۹)

وَنَادَى أَصْحَابُ النَّارِ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ أَفِيضُوا عَلَيْنَا مِنَ الْمَاءِ أَوْ مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَهُمَا عَلَى الْكَافِرِينَ (۵۰)

و دوزخیان بهشتیان را آواز می دهند که از آب [خوشگوار] یا از آنچه خدا روزی شما فرموده بر ما فرو ریزید. [بهشتیان] گویند: خدا آب و نعمت های بهشتی را بر کافران حرام کرده است. (۵۰)

الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَهْوًا وَلَعِبًا وَغَرَّتْهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ نَنسَاهُمْ كَمَا نَسُوا لِقَاءَ يَوْمِهِمْ هَذَا وَمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ (۵۱)

آنان که دینشان را سرگرمی و بازی گرفتند و زندگی دنیا آنان را فریفت، پس ما امروز از یاد می بریمشان، همان گونه که آنان دیدار امروزشان را از یاد بردند وهمواره آیات ما را انکار می کردند. (۵۱)

ص: ۱۵۶

وَلَقَدْ جِئْنَاهُم بِكِتَابٍ فَصَّلْنَاهُ عَلَى عِلْمٍ هُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (۵۲)

و برای آنان کتابی [عظیم و با ارزش] آوردیم که آن را از روی دانشی [گسترده و دقیق] بیان کردیم، در حالی که برای گروهی که ایمان آوردند، سراسر هدایت و رحمت است. (۵۲)

هَلْ يَنظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلُهُ يَقُولُ الَّذِينَ نَسُوهُ مِن قَبْلُ قَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ فَهَل لَّنَا مِن شُفَعَاءَ فَيَشْفَعُوا لَنَا أَوْ نُرَدُّ فَنَعْمَلَ غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ قَدْ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُم مَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ (۵۳)

آیا [منکران قرآن برای باور کردن آن] جز تحقّق وعده هایش را انتظار می برند؟! روزی که حقایق بیان شده در آن [به صورتی ظاهر و آشکار] بیاید، کسانی که از پیش، آن را فراموش کرده بودند، می گویند: یقیناً فرستادگان پروردگارمان حق را آوردند [ولی ما آن را نپذیرفتیم،] پس آیا [در چنین روزی] شفاعت کنندگانی برای ما هست که ما را شفاعت کنند یا [به دنیا] بازگردانده می شویم تا کاری غیر آنچه انجام می دادیم، انجام دهیم؟! به راستی آنان [سرمایه] وجودشان را تباه کردند و آنچه را به دروغ [به عنوان شریک خدا به خدا] نسبت می دادند [از دستشان رفت و] گم شد. (۵۳)

إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ (۵۴)

به یقین پروردگار شما خداست که آسمان ها و زمین را در شش روز آفرید، سپس بر تخت [فرمانروایی و تدبیر امور آفرینش] چیره و مسلط شد، شب را در حالی که همواره با شتابْ روز را می جوید بر روز می پوشاند، و خورشید و ماه و ستارگان را که مُسخّر فرمان اویند [پدید آورد]؛ آگاه باشید که آفریدن و فرمان [نافذ نسبت به همه موجودات] مخصوص اوست؛ همیشه سودمند و با برکت است، پروردگار عالمیان. (۵۴)

ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ (۵۵)

پروردگارتان را از روی فروتنی و زاری و مخفیانه بخوانید [و از آداب و شرایط دعا تجاوز نکنید]؛ یقیناً خدا متجاوزان را دوست ندارد. (۵۵)

وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ (۵۶)

و در زمین پس از اصلاح آن [به وسیله رسالت پیامبران] فساد مکنید، و خدا را از روی بیم و امید بخوانید، که یقیناً رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است. (۵۶)

وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ حَتَّى إِذَا أَقَلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا سُقْنَاهُ لِبَلَدٍ مَّيِّتٍ فَأَنزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ كَذَلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتَى لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (۵۷)

و اوست که بادها را پیشاپیشِ [بارانِ] رحمتش به عنوان مژده دهنده می فرستد تا هنگامی که ابرهای سنگین بار را بردارند، آن را به سوی سرزمینی مرده می رانیم، پس به وسیله آن باران نازل می کنیم و به وسیله باران از هر نوع میوه [از زمین] بیرون می آوریم [و] مردگان را نیز [در روز قیامت] این گونه [از لابلای گورها] بیرون می آوریم، [باد، ابر، باران، زمین، روییدن گیاهان

و انواع میوه ها را مثل زدیم] تا متذکّر و یادآور [اراده و قدرت بی نهایت خدا] شوید. (۵۷)

وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِی خَبُثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا كَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ (۵۸)

و زمین پاک است که گیاهش به اذن پروردگارش بیرون می آید، و زمینی که ناپاک است، جز گیاهی اندک و بی سود از آن بیرون نمی آید؛ این گونه نشانه ها را برای گروهی که سپاس گزارند [به صورت های گوناگون] بیان می کنیم. (۵۸)

لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ إِنِّی أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ (۵۹)

به یقین، نوح را به سوی قومش فرستادیم، پس به آنان گفت: ای قوم من! خدا را بپرستید، که شما را جز او معبودی نیست، من قطعاً از عذاب روزی بزرگ بر شما می ترسم. (۵۹)

قَالَ الْمَلَأُ مِن قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِی ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۶۰)

اشراف و سران قومش گفتند: مسلماً ما تو را در گمراهی آشکار می بینیم! (۶۰)

قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِی ضَلَالَةٌ وَلَكِنِّی رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ (۶۱)

گفت: ای قوم من! هیچ گمراهی و انحرافی در من نیست، بلکه من فرستاده ای از سوی پروردگار جهانیانم. (۶۱)

أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّی وَأَنصَحُ لَكُمْ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (۶۲)

پیام های پروردگارم را به شما می رسانم، و برای شما خیرخواهی می کنم و از سوی خدا حقایقی را می دانم که شما نمی دانید. (۶۲)

أَوَعَجِبْتُمْ أَن جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَلَى رَجُلٍ مِّنكُمْ لِيُنذِرَكُمْ وَلِتَتَّقُوا وَلَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (۶۳)

آیا تعجب کردید که بر مردی از جنس خودتان معارفی از سوی پروردگارتان آمده تا شما را [از عذاب دنیا و آخرت] بیم دهد، و تا شما پرهیزکاری کنید و برای اینکه مورد رحمت قرار گیرید؟! (۶۳)

فَكَذَّبُوهُ فَأَنجَيْنَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ فِی الْفُلْكِ وَأَغْرَقْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا عَمِينَ (۶۴)

پس او را تکذیب کردند، ما هم او و کسانی که در کشتی همراهش بودند، نجات دادیم و کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، غرق نمودیم؛ زیرا آنان گروهی کوردل بودند. (۶۴)

وَإِلَى عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ (۶۵)

و به سوی قوم عاد، برادرشان هود را فرستادیم، گفت: ای قوم من! خدا را بپرستید که شما را جز او معبودی نیست، آیا [از زشتی ها] نمی پرهیزید؟ (۶۵)

قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي سَفَاهَةٍ وَإِنَّا لَنَظُنُّكَ مِنَ الْكَاذِبِينَ (۶۶)

اشراف و سران قومش که کافر بودند گفتند: ما تو را در سبک مغزی و نادانی می بینیم و تو را از دروغگویان می پنداریم!! (۶۶)

قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي سَفَاهَةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ (۶۷)

گفت: ای قوم من! در من هیچ سبک مغزی و نادانی نیست، بلکه من فرستاده ای از سوی پروردگار جهانیانم. (۶۷)

ص: ۱۵۸

أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ (۶۸)

پیام های پروردگارم را به شما می رسانم و برای شما خیرخواهی اَمینم. (۶۸)

أَوَعَجِبْتُمْ أَن جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَلَى رَجُلٍ مِّنكُمْ لِيُنذِرَكُمْ وَاذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِن بَعْدِ قَوْمِ نُوحٍ وَزَادَكُمْ فِي الْخَلْقِ بَسْطَةً فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۶۹)

آیا تعجب کردید که بر مردی از جنس خودتان معارفی از سوی پروردگارتان آمده تا شما را [از عذاب دنیا و آخرت] بیم دهد؟! و به یاد آورید که شما را جانشینانی پس از قوم نوح قرار داد، و شما را در آفرینش [جسم و جان] نیرومندی و قدرت افزود، پس نعمت های خدا را به یاد آورید تا رستگار شوید. (۶۹)

قَالُوا أَجِئْتَنَا لِنَعْبُدَ اللَّهَ وَحْدَهُ وَنَذَرَ مَا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِن كُنتَ مِنَ الصَّادِقِينَ (۷۰)

گفتند: آیا به سوی ما آمده ای که ما فقط خدا را بپرستیم، و آنچه را پدرانمان می پرستیدند واگذاریم؟ اگر از راستگویانی آنچه را از عذاب و گزند به ما وعده می دهی برای ما بیاور. (۷۰)

قَالَ قَدْ وَقَعَ عَلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ رِجْسٌ وَغَضَبٌ أَتُجَادِلُونَنِي فِي أَسْمَاءٍ سَمَّيْتُمُوهَا أَنتُمْ وَآبَاؤُكُم مَّا نَزَّلَ اللَّهُ بِهَا مِن سُلْطَانٍ فَانتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُم مِّنَ الْمُنتَظِرِينَ (۷۱)

گفت: یقیناً از سوی پروردگارتان بر شما عذاب و خشمی مقرّر شده، آیا درباره نام های [بی هویتی] که خود و پدرانتان بت ها را به آن نامیده اید، و خدا هیچ دلیل و برهانی بر [حقّانیّت] آنان نازل نکرده با من مجادله و ستیزه می کنید؟ پس منتظر [عذاب خدا] باشید و من هم با شما از منتظرانم. (۷۱)

فَأَنجَيْنَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِّنَّا وَقَطَعْنَا دَابِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَمَا كَانُوا مُؤْمِنِينَ (۷۲)

پس [هنگام نزول عذاب] او و کسانی را که همراهش بودند به رحمتی از سوی خود نجات دادیم و بنیاد آنان که آیات ما را تکذیب کردند و مؤمن نبودند، برکندیم. (۷۲)

وَإِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَتْكُم بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةً فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۷۳)

و به سوی قوم ثمود، برادرشان صالح را فرستادیم، گفت: ای قوم من! خدا را بپرستید که شما را جز او معبودی نیست، برای شما دلیلی روشن از جانب پروردگارتان آمده است، این ماده شتر [از سوی] خدا برای شما نشانه ای [بر صدق رسالت من] است، پس او را واگذارید تا در زمین خدا بخورد و آزار و گزندی به او نرسانید که عذابی دردناک شما را خواهد گرفت. (۷۳)

ص: ۱۵۹

وَاذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِن بَعْدِ عَادٍ وَبَوَّأَكُمْ فِي الْأَرْضِ تَتَّخِذُونَ مِن سُهُولِهَا قُصُورًا وَتَنْحِتُونَ الْجِبَالَ بُيُوتًا فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ (۷۴)

و به یاد آورید که خدا شما را جانشینانی پس از قوم عاد قرار داد، و در زمین، جای [مناسبی] به شما بخشید که از مکان های هموارش برای خود قصرها بنا می کنید، و از کوه ها خانه هایی می تراشید، پس نعمت های خدا را یاد کنید و در زمین تبهکارانه فتنه و آشوب برپا نکنید. (۷۴)

قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِن قَوْمِهِ لِلَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا لِمَنْ آمَنَ مِنْهُمْ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ صَالِحًا مُّرْسَلٌ مِّن رَّبِّهِ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلَ بِهِ مُؤْمِنُونَ (۷۵)

اشراف و سران قومش که تکبر و سرکشی می ورزیدند به مستضعفانی که ایمان آورده بودند، گفتند: آیا شما یقین دارید که صالح از سوی پروردگارش فرستاده شده؟ گفتند: به طور یقین ما به آیینی که فرستاده شده مؤمنیم. (۷۵)

قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا بِالَّذِي آمَنتُم بِهِ كَافِرُونَ (۷۶)

مستکبران گفتند: ما به آیینی که شما به آن ایمان آوردید، کافریم! (۷۶)

فَعَقَرُوا النَّاقَةَ وَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ وَقَالُوا يَا صَالِحُ ائْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِن كُنتَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ (۷۷)

پس آن ماده شتر را پی کردند، و از فرمان پروردگارشان سرپیچی نمودند و به صالح گفتند: اگر از پیامبران هستی عذابی که همواره به ما وعده می دهی، بیاور. (۷۷)

فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَهُ فَأَصْبَحُوا فِی دَارِهِمْ جَاثِمِینَ (۷۸)

پس زلزله ای سخت آنان را فرا گرفت، و در خانه هایشان [به رو درافتاده] جسمی بی جان شدند! (۷۸)

فَتَوَلَّی عَنْهُمْ وَقَالَ یَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُکُمْ رِسَالَهَ رَبِّی وَنَصَحْتُ لَکُمْ وَلَکِن لَّا تُحِبُّونَ النَّاصِحِینَ (۷۹)

پس صالح از آنان روی گرداند و گفت: ای قوم من! قطعاً من پیام پروردگارم را به شما رساندم، و برایتان خیرخواهی کردم، ولی شما خیرخواهان را دوست ندارید. (۷۹)

وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَهَ مَا سَبَقَکُم بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِّنَ الْعَالَمِینَ (۸۰)

و لوط را [به یاد آورید] هنگامی که به قومش گفت: آیا آن کار بسیار زشت و قبیح را که هیچ کس از جهانیان در آن بر شما پیشی نگرفته است، مرتکب می شوید؟! (۸۰)

إِنَّکُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَهً مِّن دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ (۸۱)

شما [بدون توجه به حقوق همسران و غافل از اینکه نعمت غریزه جنسی برای بقای نسل است] از روی میل شدیدی که به آن [کار بسیار زشت] دارید به سوی مردان می آیید، [نه فقط در این کار متجاوز از حدود انسانیّت هستید] بلکه در امور دیگر هم گروهی زیاده طلب هستید. (۸۱)

ص: ۱۶۰

وَمَا کَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَن قَالُوا أَخْرِجُوهُم مِّن قَرْیَتِکُمْ إِنَّهُمْ أُنَاسٌ یَتَطَهَّرُونَ (۸۲)

وپاسخ قومش جز این نبود که به یکدیگر گفتند: اینان را از شهرتان بیرون کنید؛ زیرا مردمانی اند که همواره خود را پاک نشان می دهند. (۸۲)

فَأَنجَیْنَاهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ کَانَتْ مِنَ الْغَابِرِینَ (۸۳)

پس او و اهلش را نجات دادیم مگر همسرش که از باقی ماندگان [در میان کافران] بود. (۸۳)

وَأَمْطَرْنَا عَلَیْهِم مَّطَرًا فَانظُرْ کَیْفَ کَانَ عَاقِبَهُ الْمُجْرِمِینَ (۸۴)

و بر آنان بارشی [بی نظیر از سنگ های آتشین] باراندیم، پس با تأمل بنگر که سرانجام گنهکاران چگونه بود؟! (۸۴)

وَإِلَی مَدْیَنَ أَخَاهُمْ شُعَیْبًا قَالَ یَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَکُم مِّنْ إِلَهٍ غَیْرُهُ قَدْ جَاءَتْکُم بَیِّنَهٌ مِّن رَّبِّکُمْ فَأَوْفُوا الْکَیْلَ وَالْمِیزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْیَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِی الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِکُمْ خَیْرٌ لَّکُمْ إِن کُنتُم مُّؤْمِنِینَ (۸۵)

و به سوی مردم مدین، برادرشان شعیب را [فرستادیم،] گفت: ای قوم من! خدا را بپرستید که شما را جز او معبودی نیست، یقیناً برهانی روشن از سوی پروردگارتان برای شما آمد، پس پیمانه و ترازو را تمام و کامل بدهید، و از اجناس و اموال و حقوق مردم مکاهید، و در زمین پس از اصلاح آن [به وسیله رسالت پیامبران] فساد مکنید، این [امور] برای شما بهتر است، اگر مؤمنید. (۸۵)

وَلَا تَقْعُدُوا بِكُلِّ صِرَاطٍ تُوعِدُونَ وَتَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِهِ وَتَبْغُونَهَا عِوَجًا وَاذْكُرُوا إِذْ كُنتُمْ قَلِيلًا فَكَثَّرَكُمْ وَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ (۸۶)

و بر سر هر راهی منشینید که کسانی را که به خدا ایمان آورده اند [به مصادره اموال، شکنجه و باج خواهی] بترسانید، و از راه خدا بازدارید، و بخواهید آن را [با وسوسه و اغواگری] کج نشان دهید؛ و به یاد آورديد زمانی که جمعیت اندکی بودید، ولی [پروردگارتان] شما را فزونی داد، و با تأمل بنگرید که سرانجام مفسدین و تبهکاران چگونه بود؟ (۸۶)

وَإِن كَانَ طَائِفَةٌ مِّنكُمْ آمَنُوا بِالَّذِي أُرْسِلْتُ بِهِ وَطَائِفَةٌ لَّمْ يُؤْمِنُوا فَاصْبِرُوا حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ (۸۷)

و اگر گروهی از شما به آیینی که من به آن فرستاده شده ام، ایمان آوردند و گروهی ایمان نیاوردند، پس [شما مؤمنان] شکیبایی ورزید تا خدا میان ما داوری کند، که او بهترین داوران است. (۸۷)

ص: ۱۶۱

جزء ۹

ادامه سوره الأعراف

قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِن قَوْمِهِ لَنُخْرِجَنَّكَ يَا شُعَيْبُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَكَ مِن قَرْيَتِنَا أَوْ لَتَعُودُنَّ فِي مِلَّتِنَا قَالَ أَوَلَوْ كُنَّا كَارِهِينَ (۸۸)

اشراف و سران قومش که [از پذیرفتن حق] تکبّر ورزیدند، گفتند: ای شعیب! مسلماً تو و کسانی را که با تو ایمان آورده اند از شهرمان بیرون می کنیم یا اینکه بی چون و چرا به آیین ما بازگردید. گفت: آیا هر چند که نفرت و کراهت [از آن آیین] داشته باشیم؟! (۸۸)

قَدِ افْتَرَيْنَا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا إِنْ عُدْنَا فِي مِلَّتِكُم بَعْدَ إِذْ نَجَّانَا اللَّهُ مِنْهَا وَمَا يَكُونُ لَنَا أَن نَّعُودَ فِيهَا إِلَّا أَن يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّنَا وَسِعَ رَبُّنَا كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ (۸۹)

اگر پس از آنکه خدا ما را از آن [آیین شرک آلود] نجات داده به آیین شما بازگردیم [و بگوییم: خدا دارای شریک و همتاست] یقیناً بر خدا دروغ بسته ایم؛ بنابراین امکان ندارد به آیین شما بازگردیم، مگر اینکه خدا که پروردگار ماست بخواهد [که او هم مشرک شدن و کافر شدن کسی را هرگز نمی خواهد] پروردگار ما از نظر دانش بر همه چیز احاطه دارد،

فقط بر خدا توکل کردیم. پروردگارا! میان ما و قوم ما به حق داوری کن که تو بهترین داورانی. (۸۹)

وَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن قَوْمِهِ لَئِنِ اتَّبَعْتُمْ شُعَيْبًا إِنَّكُمْ إِذًا لَّخَاسِرُونَ (۹۰)

و اشراف و سران کافر قومش [به مردم] گفتند: اگر از شعیب پیروی کنید، مسلماً شما هم از زیانکارانید. (۹۰)

فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَاثِمِينَ (۹۱)

پس زلزله ای سخت آنان را فراگرفت و در خانه هایشان [به رو درافتاده] جسمی بی جان شدند! (۹۱)

الَّذِينَ كَذَّبُوا شُعَيْبًا كَأَن لَّمْ يَغْنَوْا فِيهَا الَّذِينَ كَذَّبُوا شُعَيْبًا كَانُوا هُمُ الْخَاسِرِينَ (۹۲)

کسانی که شعیب را تکذیب کردند [چنان نابود شدند که] گویی در آن شهر سکونت نداشتند، [آری،] آنان که شعیب را تکذیب کردند، همان زیانکاران بودند. (۹۲)

فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ فَكَيْفَ آسَى عَلَى قَوْمٍ كَافِرِينَ (۹۳)

پس شعیب از آنان روی گردانید و گفت: ای قوم من! یقیناً من پیام های پروردگارم را به شما رساندم، و برای شما خیرخواهی کردم، با این حال چگونه بر گروهی که کافرند دریغ و تأسف خورم؟ (۹۳)

وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَضَّرَّعُونَ (۹۴)

هیچ پیامبری را در شهری نفرستادیم مگر آنکه اهلش را [پس از تکذیب آن پیامبر] به تهیدستی و سختی و رنج و بیماری دچار کردیم، باشد که [به پیشگاه ما] فروتنی و زاری کنند. (۹۴)

ثُمَّ بَدَّلْنَا مَكَانَ السَّيِّئَةِ الْحَسَنَةَ حَتَّى عَفَوا وَّقَالُوا قَدْ مَسَّ آبَاءَنَا الضَّرَّاءُ وَالسَّرَّاءُ فَأَخَذْنَاهُم بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (۹۵)

سپس [هنگامی که این مصایب، مایه بیداری آنان نشد] به جای آن مصایب، رفاه وفراوانی نعمت قرار دادیم تا [ازنظر مال، ثروت، جمعیت و قدرت] فزونی یافتند، [بلکه بیدار شوند ولی رفاه و فراوانی نعمت در بیدار کردنشان مؤثّر نیفتاد] و گفتند: به پدران ما هم به طور طبیعی تهیدستی و سختی و رنج و بیماری رسید [و ربطی به رویارویی ما با پیامبران و خشم خدا نداشت]؛ پس به ناگاه آنان را در حالی که درک نمی کردند [به عذابی سخت و نابود کننده] گرفتیم. (۹۵)

ص: ۱۶۲

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۹۶)

و اگر اهل شهرها و آبادی ها ایمان می آوردند و پرهیزکاری پیشه می کردند، یقیناً [درهایِ] برکاتی از آسمان و زمین را بر آنان می گشودیم، ولی [آیات الهی و پیامبران را] تکذیب کردند، ما هم آنان را به کیفر اعمالی که همواره مرتکب می شدند

[به عذابی سخت] گرفتیم. (۹۶)

أَفَأَمِنَ أَهْلُ الْقُرَى أَن يَأْتِيَهُم بَأْسُنَا بَيَاتًا وَهُمْ نَائِمُونَ (۹۷)

آیا اهل شهرها ایمنند از اینکه هنگام شب، عذاب ما در حالی که خوابند بر آنان درآید؟! (۹۷)

أَوَأَمِنَ أَهْلُ الْقُرَى أَن يَأْتِيَهُم بَأْسُنَا ضُحًى وَهُمْ يَلْعَبُونَ (۹۸)

آیا اهل شهرها ایمنند از اینکه هنگام روز، عذاب ما در حالی که سرگرم [امور دنیایی] اند بر آنان در آید؟! (۹۸)

أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللَّهِ فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ (۹۹)

آیا از عذاب و انتقام خدا ایمنند در حالی که جز گروه زیانکاران خود را از عذاب و انتقام خدا ایمن نمی دانند؟! (۹۹)

أَوَلَمْ يَهْدِ لِلَّذِينَ يَرِثُونَ الْأَرْضَ مِن بَعْدِ أَهْلِهَا أَن لَّوْ نَشَاءُ أَصَبْنَاهُم بِذُنُوبِهِمْ وَنَطْبَعُ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ (۱۰۰)

آیا [سرگذشت عبرت آموز پیشینیان] برای کسانی که زمین را پس از صاحبانش به ارث می برند، روشن نکرده که اگر ما بخواهیم آنان را به کیفر گناهانشان می رسانیم و بر دل هایشان مهر می زنیم، پس آنان [دعوت حق را] نشنوند؟ (۱۰۰)

تِلْكَ الْقُرَى نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنبَائِهَا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا مِن قَبْلُ كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِ الْكَافِرِينَ (۱۰۱)

این شهرهاست که بخشی از داستان هایش را برای تو بیان می کنیم، و یقیناً پیامبرانشان برای آنان دلایل روشن آوردند، ولی آنان بر آن نبودند که به حقایقی که پیش از آمدن آن دلایل تکذیب کرده بودند ایمان بیاورند؛ این گونه خدا بر دل های کافران [به سزای لجاجت وعنادشان] مُهر می زند. (۱۰۱)

وَمَا وَجَدْنَا لِأَكْثَرِهِم مِّنْ عَهْدٍ وَإِن وَجَدْنَا أَكْثَرَهُمْ لَفَاسِقِينَ (۱۰۲)

و برای بیشتر آنان هیچ گونه پای بندی وتعهدی [نسبت به وعده هایشان مبنی برایمان آوردن پس از دیدن معجزات ودلایل] نیافتیم، و در حقیقت بیشتر آنان را نافرمان [و پیمان شکن] یافتیم. (۱۰۲)

ثُمَّ بَعَثْنَا مِن بَعْدِهِم مُّوسَى بِآيَاتِنَا إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَظَلَمُوا بِهَا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ (۱۰۳)

سپس بعد از پیامبران گذشته موسی را با آیات خود به سوی فرعون و اشراف و سران قومش فرستادیم؛ ولی آنان به آن آیات ستم ورزیدند. پس با تأمل بنگر که سرانجام مفسدین و تبهکاران چگونه بود؟ (۱۰۳)

وَقَالَ مُوسَى يَا فِرْعَوْنُ إِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ (۱۰۴)

وموسی گفت: ای فرعون! یقیناً من فرستاده ای از سوی پروردگار جهانیانم. (۱۰۴)

حَقِیقٌ عَلَی أَن لَّا أَقُولَ عَلَی اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ قَدْ جِئْتُکُم بِبَیِّنَهٍ مِّن رَّبِّکُمْ فَأَرْسِلْ مَعِیَ بَنِی إِسْرَائِیلَ (۱۰۵)

سزوار است که درباره خدا سخنی جز حق نگویم. بی تردید من دلیلی روشن [بر صدق رسالتم] از سوی پروردگارتان برای شما آورده ام، [از حکومت ظالمانه ات دست بردار] و بنی اسرائیل را [برای کوچ کردن از این سرزمین] با من روانه کن. (۱۰۵)

قَالَ إِن کُنتَ جِئْتَ بِآیَهٍ فَأْتِ بِهَا إِن کُنتَ مِنَ الصَّادِقِینَ (۱۰۶)

[فرعون] گفت: اگر [در ادعای پیامبری] از راستگویانی چنانچه معجزه ای آورده ای آن را ارائه کن. (۱۰۶)

فَأَلْقَی عَصَاهُ فَإِذَا هِیَ ثُعْبَانٌ مُّبِینٌ (۱۰۷)

پس موسی عصایش را انداخت، پس به ناگاه اژدهایی آشکار شد. (۱۰۷)

وَنَزَعَ یَدَهُ فَإِذَا هِیَ بَیْضَاءُ لِلنَّاظِرِینَ (۱۰۸)

و دستش را از گریبانش بیرون کشید که ناگاه دست برای بینندگان سپید و درخشان گشت. (۱۰۸)

قَالَ الْمَلَأُ مِن قَوْمِ فِرْعَوْنَ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ عَلِیمٌ (۱۰۹)

اشراف و سران قوم فرعون گفتند: قطعاً این جادوگری [زبردست و] داناست. (۱۰۹)

یُرِیدُ أَن یُخْرِجَکُم مِّنْ أَرْضِکُمْ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ (۱۱۰)

می خواهد شما را از سرزمینتان بیرون کند؛ اینک [درباره او] چه رأی و نظری می دهید؟ (۱۱۰)

قَالُوا أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَأَرْسِلْ فِی الْمَدَائِنِ حَاشِرِینَ (۱۱۱)

گفتند: [مجازات] او و برادرش را به تأخیر انداز و نیروهای گردآورنده را به شهرها روانه کن. (۱۱۱)

یَأْتُوکَ بِکُلِّ سَاحِرٍ عَلِیمٍ (۱۱۲)

تا هر جادوگری دانا را به نزد تو آورند. (۱۱۲)

وَجَاءَ السَّحَرَهُ فِرْعَوْنَ قَالُوا إِنَّ لَنَا لَأَجْرًا إِن کُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِینَ (۱۱۳)

و جادوگران نزد فرعون آمدند [و] گفتند: آیا اگر پیروز شویم، حتماً برای ما پاداش و مزد قابل توجهی خواهد بود؟ (۱۱۳)

قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ (۱۱۴)

گفت: آری، و یقیناً از مقرّبان خواهید بود. (۱۱۴)

قَالُوا يَا مُوسَى إِمَّا أَن تُلْقِيَ وَإِمَّا أَن نَّكُونَ نَحْنُ الْمُلْقِينَ (۱۱۵)

جادوگران گفتند: ای موسی! یا تو [چوب دست خود را] بینداز، یا اینکه ما می اندازیم. (۱۱۵)

قَالَ أَلْقُوا فَلَمَّا أَلْقَوْا سَحَرُوا أَعْيُنَ النَّاسِ وَاسْتَرْهَبُوهُمْ وَجَاءُوا بِسِحْرٍ عَظِيمٍ (۱۱۶)

[موسی] گفت: شما بیندازید. هنگامی که انداختند، چشم های مردم را جادو کردند و آنان را سخت ترساندند، و جادویی بزرگ و شگفت آور به میان آوردند. (۱۱۶)

وَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ (۱۱۷)

و به موسی وحی کردیم: عصایت را بینداز. ناگهان آنچه را جادوگران به دروغ بافته بودند، به سرعت بلعید! (۱۱۷)

فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۱۸)

پس حق ثابت شد و آنچه را همواره جادوگران [به عنوان سِحر] انجام می دادند، باطل و پوچ گشت. (۱۱۸)

فَغُلِبُوا هُنَالِكَ وَانقَلَبُوا صَاغِرِينَ (۱۱۹)

پس [فرعونیان] در آنجا مغلوب شدند و با ذلت و خواری بازگشتند. (۱۱۹)

وَأُلْقِيَ السَّحَرَةُ سَاجِدِينَ (۱۲۰)

و جادوگران [با دیدن آن معجزه عظیم و باطل شدن سِحر خویش] به سجده افتادند. (۱۲۰)

ص: ۱۶۴

قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ (۱۲۱)

گفتند: [از روی حقیقت] به پروردگار جهانیان ایمان آوردیم، (۱۲۱)

رَبِّ مُوسَى وَهَارُونَ (۱۲۲)

پروردگار موسی و هارون. (۱۲۲)

قَالَ فِرْعَوْنُ آمَنتُم بِهِ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ إِنَّ هَذَا لَمَكْرٌ مَّكَرْتُمُوهُ فِی الْمَدِينَهِ لِتُخْرِجُوا مِنْهَا أَهْلَهَا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ (۱۲۳)

فرعون گفت: آیا پیش از آنکه من به شما اجازه دهم به او ایمان آوردید؟! مسلماً این توطئه و نیرنگی است که [شما و موسی] در این شهر برپا کرده اید تا مردمش را از آن بیرون کنید، ولی به زودی خواهید دانست. (۱۲۳)

لَأُقَطِّعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُم مِّنْ خِلَافٍ ثُمَّ لَأُصَلِّبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ (۱۲۴)

قطعاً دست ها و پاهایتان را یکی از چپ و یکی از راست جدا می کنم، سپس همه شما را به دار خواهم آویخت. (۱۲۴)

قَالُوا إِنَّا إِلَى رَبِّنَا مُنقَلِبُونَ (۱۲۵)

گفتند: ما به سوی پروردگارمان بازمی گردیم [بنابراین ترسی از مجازات تو نداریم.] (۱۲۵)

وَمَا تَنقِمُ مِنَّا إِلَّا أَنْ آمَنَّا بِآيَاتِ رَبِّنَا لَمَّا جَاءَتْنَا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَوَفَّنَا مُسْلِمِينَ (۱۲۶)

و تو ما را جز به این سبب به کیفر نمی رسانی که ما به آیات پروردگارمان هنگامی که به سوی ما آمد، ایمان آوردیم. [آن گاه به دعا روی آوردند و گفتند:] پروردگارا! صبر و شکیبایی بر ما فرو ریز و ما را در حالی که تسلیم [فرمان ها و احکامت] باشیم، بمیران. (۱۲۶)

وَقَالَ الْمَلَأُ مِن قَوْمِ فِرْعَوْنَ أَتَذَرُ مُوسَى وَقَوْمَهُ لِيُفْسِدُوا فِی الْأَرْضِ وَيَذَرَكَ وَآلِهَتَكَ قَالَ سَنُقَتِّلُ أَبْنَاءَهُمْ وَنَسْتَحْيِی نِسَاءَهُمْ وَإِنَّا فَوْقَهُمْ قَاهِرُونَ (۱۲۷)

اشراف و سران قوم فرعون گفتند: آیا موسی و قومش را رها می کنی تا در این سرزمین فساد و تباهی کنند و تو و معبودهایت را واگذارند؟ گفت: به زودی پسرانشان را به صورتی وسیع و گسترده به قتل می رسانیم و زنانشان را زنده می گذاریم و ما بر آنان چیره و مُسلّطیم. (۱۲۷)

قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَهُ لِلْمُتَّقِينَ (۱۲۸)

موسی به قومش گفت: از خدا یاری بخواهید، و شکیبایی ورزید، یقیناً زمین در سیطره مالکیت و فرمانروایی خداست، آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد می بخشد، و سرانجام نیک، برای پرهیزکاران است. (۱۲۸)

قَالُوا أُوذِينَا مِن قَبْلِ أَن تَأْتِيَنَا وَمِن بَعْدِ مَا جِئْتَنَا قَالَ عَسَى رَبُّكُمْ أَن يُهْلِكَ عَدُوَّكُمْ وَيَسْتَخْلِفَكُمْ فِی الْأَرْضِ فَيَنظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ (۱۲۹)

گفتند: پیش از آنکه تو نزد ما بیایی شکنجه و آزار شدیم، و نیز پس از آنکه آمده ای [مورد شکنجه و آزاریم]. گفت: امید

است که پروردگارتان دشمنانتان را نابود کند، و شما را در این سرزمین، جانشین [آنان] گرداند، پس بنگرد که شما [پس از فرعونیان] چگونه عمل می کنید؟ (۱۲۹)

وَلَقَدْ أَخَذْنَا آلَ فِرْعَوْنَ بِالسِّنِينَ وَنَقْصٍ مِّنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ (۱۳۰)

و فرعونیان را به قحطی و خشکسالی های متعدد و کمبود بسیار شدیدِ بخشی از محصولات دچار نمودیم تا متذکّر شوند. (۱۳۰)

ص: ۱۶۵

فَإِذَا جَاءَتْهُمُ الْحَسَنَهُ قَالُوا لَنَا هَٰذِهِ وَإِن تُصِبْهُمْ سَيِّئَهٌ يَطَّيَّرُوا بِمُوسَىٰ وَمَن مَّعَهُ أَلَا إِنَّمَا طَائِرُهُمْ عِندَ اللَّهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۱۳۱)

پس هنگامی که رفاه و نعمت به آنان روی می کرد، می گفتند: این به سبب [شایستگیِ] خود ماست، و چون گزند و آسیبی به آنان می رسید، به موسی و همراهانش فال بد می زدند؛ آگاه باشید که [سررشته و] علت شومی و نحوست فرعونیان [که عکس العمل زشتی های خود آنان است] نزد خداست، ولی بیشترشان نمی دانند. (۱۳۱)

وَقَالُوا مَهْمَا تَأْتِنَا بِهِ مِنْ آيَهٍ لِّتَسْحَرَنَا بِهَا فَمَا نَحْنُ لَکَ بِمُؤْمِنِينَ (۱۳۲)

فرعونیان گفتند: [ای موسی! از دعوتت دست بردار که] هر چه را به عنوان معجزه برای ما بیاوری تا به وسیله آن ما را جادو کنی به تو ایمان نمی آوریم. (۱۳۲)

فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ وَالْجَرَادَ وَالْقُمَّلَ وَالضَّفَادِعَ وَالدَّمَ آيَاتٍ مُّفَصَّلَاتٍ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُّجْرِمِينَ (۱۳۳)

پس ما توفان و هجوم ملخ و شپش و قورباغه و آلوده شدن وسایل زندگی را به خون که عذاب های گوناگونی بود به سوی آنان فرستادیم، باز هم تکبر و سرکشی کردند و گروهی مجرم و گناهکار بودند. (۱۳۳)

وَلَمَّا وَقَعَ عَلَيْهِمُ الرِّجْزُ قَالُوا يَا مُوسَى ادْعُ لَنَا رَبَّکَ بِمَا عَهِدَ عِندَکَ لَئِن كَشَفْتَ عَنَّا الرِّجْزَ لَنُؤْمِنَنَّ لَکَ وَلَنُرْسِلَنَّ مَعَکَ بَنِی إِسْرَائِيلَ (۱۳۴)

و هرگاه عذاب بر آنان فرود آمد، گفتند: ای موسی! پروردگارت را به پیمانی که با تو دارد [و آن مستجاب کردن دعای توست] برای ما بخوان که اگر این عذاب را از مابرطرف کنی یقیناً به تو ایمان می آوریم و بنی اسرائیل را با تو روانه می کنیم. (۱۳۴)

فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمُ الرِّجْزَ إِلَى أَجَلٍ هُم بَالِغُوهُ إِذَا هُمْ يَنكُثُونَ (۱۳۵)

پس هنگامی که عذاب را تا مدتی که [می باید همه] آنان به پایان مهلتآن می رسیدند از ایشان برطرف کردیم، به دور از

انتظار پیمانشان را می شکستند. (۱۳۵)

فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ فِی الْیَمِّ بِأَنَّهُمْ کَذَّبُوا بِآیَاتِنَا وَکَانُوا عَنْهَا غَافِلِینَ (۱۳۶)

نهایتاً به سبب اینکه آیات ما را تکذیب کردند، و از آنها غافل و بی خبر بودند، از آنان انتقام گرفتیم و در دریا غرقشان کردیم. (۱۳۶)

وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِینَ کَانُوا یُسْتَضْعَفُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِی بَارَکْنَا فِیهَا وَتَمَّتْ کَلِمَتُ رَبِّکَ الْحُسْنَی عَلَی بَنِی إِسْرَائِیلَ بِمَا صَبَرُوا وَدَمَّرْنَا مَا کَانَ یَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهُ وَمَا کَانُوا یَعْرِشُونَ (۱۳۷)

و به آن گروهی که همواره ناتوان و زبونشان شمرده بودند، نواحی شرقی و غربی آن سرزمین را که در آن [از جهت فراوانی نعمت، ارزانی و حاصل خیزی] برکت قرار داده بودیم، بخشیدیم؛ و وعده نیکوتر و زیباتر پروردگارت بر بنی اسرائیل به [پاداش] صبری که [بر سختی ها و بلاها] کردند تحقّق یافت، و آنچه را که همواره فرعون وفرعونیان [از کاخ و قصرهای مجلّل] و سایه بان های خوش نشین می افراشتند، نابود کردیم. (۱۳۷)

وَجَاوَزْنَا بِبَنِی إِسْرَائِیلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَی قَوْمٍ یَعْکُفُونَ عَلَی أَصْنَامٍ لَهُمْ قَالُوا یَا مُوسَی اجْعَل لَنَا إِلَهًا کَمَا لَهُمْ آلِهَهٌ قَالَ إِنَّکُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ (۱۳۸)

و بنی اسرائیل را از دریا [پی که فرعونیان را در آن غرق کردیم] عبور دادیم؛ پس به گروهی گذر کردند که همواره بر پرستش بت های خود ملازمت داشتند، گفتند: ای موسی! همان گونه که برای آنان معبودانی است، تو هم برای ما معبودی قرار بده!! موسی گفت: قطعاً شما گروهی هستید که جهالت و نادانی می ورزید. (۱۳۸)

إِنَّ هَؤُلَاءِ مُتَبَّرٌ مَا هُمْ فِیهِ وَبَاطِلٌ مَا کَانُوا یَعْمَلُونَ (۱۳۹)

بی تردید آنچه اینان در آن قرار دارند [وآن عقاید شرک آلود و آیین بت پرستی است] نابود شده و فاسد است، و آنچه همواره انجام می دهند، باطل و بیهوده است. (۱۳۹)

قَالَ أَغَیْرَ اللَّهِ أَبْغِیکُمْ إِلَهًا وَهُوَ فَضَّلَکُمْ عَلَی الْعَالَمِینَ (۱۴۰)

[موسی با یک دنیا شگفتی و تعجب] گفت: آیا غیر خدا را [که هیچ گونه شایستگی پرستش ندارد] به عنوان معبود برایتان طلب کنم؟ در حالی که اوست که شما را بر جهانیان [روزگارتان] برتری داد. (۱۴۰)

وَإِذْ أَنجَیْنَاکُم مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ یَسُومُونَکُمْ سُوءَ الْعَذَابِ یُقَتِّلُونَ أَبْنَاءَکُمْ وَیَسْتَحْیُونَ نِسَاءَکُمْ وَفِی ذَلِکُم بَلَاءٌ مِّن رَّبِّکُمْ عَظِیمٌ (۱۴۱)

و [یاد کنید] هنگامی را که شما را از [چنگال ظالمانه] فرعونیان نجات دادیم، هم آنان که شما را به سخت ترین صورت

شکنجه می کردند، [و به شکلی گسترده] پسرانتان را می کشتند، و زنانتان را [برای به عزا نشستن در مرگ پسران و بیگاری] زنده می گذاشتند، و برای شما در این [امور] آزمایشی بزرگ از سوی پروردگارتان بود. (۱۴۱)

وَوَاعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتْمَمْنَاهَا بِعَشْرٍ فَتَمَّ مِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ (۱۴۲)

و با موسی [برای عبادتی ویژه و دریافت تورات] سی شب وعده گذاشتیم و آن را با [افزودن] ده شب کامل کردیم، پس میعادگاه پروردگارش به چهل شب پایان گرفت، و موسی [هنگامی که به میعادگاه می رفت] به برادرش هارون گفت: در میان قومم جانشین من باش و به اصلاح برخیز و از راه و روش مفسدان پیروی مکن. (۱۴۲)

وَلَمَّا جَاءَ مُوسَى لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي أَنْظُرْ إِلَيْكَ قَالَ لَن تَرَانِي وَلَكِنِ انظُرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرَانِي فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَى صَعِقًا فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ (۱۴۳)

زمانی که موسی به میعادگاه ما آمد، و پروردگارش با وی سخن گفت، عرض کرد: پروردگارا! جمال با کمال ذات بی نهایتت را [به قلب من] بنمای تا تو را [به رؤیت ویژه باطنی] بنگرم. خدا فرمود: هرگز مرا نخواهی دید، ولی به این کوه بنگر اگر [پس از جلوه من] بر جای خود ثابت و برقرار ماند، تو هم مرا خواهی دید. چون پروردگارش بر کوه جلوه کرد، آن را متلاشی نمود و موسی بی هوش شد، پس هنگامی که به هوش آمد گفت: تو منزّهی [از اینکه مشاهده شوی،] به سویت بازگشتم، و من [در میان مردم این روزگار] نخستین باور کننده [این حقیقت که هرگز دیده نمی شوی] هستم. (۱۴۳)

ص: ۱۶۷

قَالَ يَا مُوسَى إِنِّي اصْطَفَيْتُكَ عَلَى النَّاسِ بِرِسَالَاتِي وَبِكَلَامِي فَخُذْ مَا آتَيْتُكَ وَكُن مِّنَ الشَّاكِرِينَ (۱۴۴)

[خدا] فرمود: ای موسی! من تو را به [ابلاغ] پیام هایم و به سخن گفتنم با تو بر همه مردم برگزیدم؛ پس آنچه را [از پیام هایم] به تو دادم، دریافت کن، [وبه کار بند] و از سپاس گزاران باش. (۱۴۴)

وَكَتَبْنَا لَهُ فِي الْأَلْوَاحِ مِن كُلِّ شَيْءٍ مَّوْعِظَةً وَتَفْصِيلًا لِّكُلِّ شَيْءٍ فَخُذْهَا بِقُوَّةٍ وَأْمُرْ قَوْمَكَ يَأْخُذُوا بِأَحْسَنِهَا سَأُرِيكُمْ دَارَ الْفَاسِقِينَ (۱۴۵)

و برای او در الواح [تورات] از هر چیزی [که در باب دین مورد نیاز مردم باشد] پندی و برای هر چیزی [که تأمین کننده هدایت انسان ها باشد] سخنی روشن نوشتیم؛ پس [به او گفتیم:] آن را با قدرت [ی تمام و عزمی استوار] دریافت کن، [و به کار بند] و قوم خود را فرمان ده که آن را به نیکوترین صورت دریافت کنند [و به کار بندند.] به زودی سرای فاسقان را [که در دنیا ویرانی کاخ ها و خانه های آنان، و در آخرت دوزخ است] به شما نشان می دهم. (۱۴۵)

سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِيَ الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَإِن يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ لَّا يُؤْمِنُوا بِهَا وَإِن يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَإِن يَرَوْا سَبِيلَ الْغَيِّ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ (۱۴۶)

به زودی کسانی را که در روی زمین به ناحق گردنکشی و تکبّر می کنند از [فهم] آیاتم بازمی دارم که اگر هر آیه ای را ببینند، به آن ایمان نمی آورند و چون راه هدایت را مشاهده کنند، آن را راه و رسم زندگی نگیرند و اگر راه گمراهی را ببینند، آن را راه و روش خود گیرند؛ این [بازداشتن از فهم آیاتم] به سبب آن است که آیات ما را تکذیب کردند و از آنها غافل و بی خبر بودند. (۱۴۶)

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۴۷)

و آنان که آیات ما و دیدار آخرت را تکذیب کردند، اعمالشان تباه و بی اثر شد. آیا جز به آنچه همواره [بر طبق کفر و انحرافشان] انجام می دادند، کیفر داده می شوند؟! (۱۴۷)

وَاتَّخَذَ قَوْمُ مُوسَى مِن بَعْدِهِ مِنْ حُلِيِّهِمْ عِجْلًا جَسَدًا لَّهُ خُوَارٌ أَلَمْ يَرَوْا أَنَّهُ لَا يُكَلِّمُهُمْ وَلَا يَهْدِيهِمْ سَبِيلًا اتَّخَذُوهُ وَكَانُوا ظَالِمِينَ (۱۴۸)

و قوم موسی پس از [رفتن] او [به میعادگاه پروردگار]، از زیورهای خود مجسمه گوساله ای ساختند که صدای گاو داشت! آیا نمی دیدند که آن مجسمه با آنان سخن نمی گوید و آنان را به راهی هدایت نمی کند؟! [ولی با روشن بودن این حقیقت که مجسمه ای بیش نیست و هیچ کاری از دستش بر نمی آید] آن را [به عنوان معبودی برای پرستش] گرفتند و [در صورتی که در این انتخاب] از ستمکاران بودند. (۱۴۸)

وَلَمَّا سُقِطَ فِي أَيْدِيهِمْ وَرَأَوْا أَنَّهُمْ قَدْ ضَلُّوا قَالُوا لَئِن لَّمْ يَرْحَمْنَا رَبُّنَا وَيَغْفِرْ لَنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ (۱۴۹)

و هنگامی که به شدت پشیمان شدند [و به باطل بودن گوساله پرستی آگاه گشتند] و دانستند که قطعاً گمراه شده اند، گفتند: اگر پروردگارمان به ما رحم نکند و ما را نیامرزد، یقیناً از زیانکاران خواهیم بود. (۱۴۹)

ص: ۱۶۸

وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَى إِلَى قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ بِئْسَمَا خَلَفْتُمُونِي مِن بَعْدِي أَعَجِلْتُمْ أَمْرَ رَبِّكُمْ وَأَلْقَى الْأَلْوَاحَ وَأَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ إِلَيْهِ قَالَ ابْنَ أُمَّ إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضْعَفُونِي وَكَادُوا يَقْتُلُونَنِي فَلَا تُشْمِتْ بِيَ الْأَعْدَاءَ وَلَا تَجْعَلْنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (۱۵۰)

و هنگامی که موسی [پس از آگاهی از آن پیش آمد خطرناک] خشمگین و بسیار اندوهناک به سوی قومش بازگشت، گفت: پس از من بد جانشینانی برایم بودید، آیا [با پرستش گوساله] بر فرمان پروردگارتان [که در تورات آمده] پیشی گرفتید [و صبر نکردید تا من بیایم و فرمان خدا را به شما ابلاغ کنم؟] و الواح را افکند و سر برادرش را گرفت [وبا خشم] او را به سوی خود می کشید. [هارون] گفت: ای فرزند مادرم! این گروه مرا ناتوان وزبون شمردند، و نزدیک بود مرا به قتل برسانند، پس مرا با مؤاخذه کردنم دشمنْ شاد مکن، و [هم طراز] باگروه ستمکاران قرار مده. (۱۵۰)

قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِأَخِي وَأَدْخِلْنَا فِي رَحْمَتِكَ وَأَنتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ (۱۵۱)

[موسی] گفت: پروردگارا! مرا و برادرم را بیامرز، و ما را در رحمتت درآور، که تو مهربان ترین مهربانانی. (۱۵۱)

إِنَّ الَّذِينَ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ سَيَنَالُهُمْ غَضَبٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَذِلَّةٌ فِی الْحَيَاهِ الدُّنْيَا وَكَذَلِكَ نَجْزِی الْمُفْتَرِينَ (۱۵۲)

بی تردید کسانی که گوساله را [به پرستش] گرفتند، به زودی خشمی سخت از پروردگارشان، و خواری و ذلتی در زندگی دنیا به آنان خواهد رسید؛ و این گونه دروغ بافان را کیفر می دهیم. (۱۵۲)

وَالَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ ثُمَّ تَابُوا مِن بَعْدِهَا وَآمَنُوا إِنَّ رَبَّكَ مِن بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱۵۳)

و آنان که مرتکب بدی ها شدند، سپس بعد از آن توبه کردند، وایمان آوردند [امیدوار باشند که] یقیناً پروردگارت پس از آن [توبه وایمان] بسیار آمرزنده و مهربان است. (۱۵۳)

وَلَمَّا سَكَتَ عَن مُّوسَی الْغَضَبُ أَخَذَ الْأَلْوَاحَ وَفِی نُسْخَتِهَا هُدًی وَرَحْمَةٌ لِّلَّذِينَ هُمْ لِرَبِّهِمْ يَرْهَبُونَ (۱۵۴)

وهنگامی که خشم موسی فرو نشست، الواح را برگرفت، و در نوشته هایش برای کسانی که از [مخالفت بافرمان های] پروردگارشان می ترسند، هدایت ورحمت بود. (۱۵۴)

وَاخْتَارَ مُوسَی قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِّمِيقَاتِنَا فَلَمَّا أَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَهُ قَالَ رَبِّ لَوْ شِئْتَ أَهْلَكْتَهُم مِّن قَبْلُ وَإِيَّایَ أَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ السُّفَهَاءُ مِنَّا إِنْ هِیَ إِلَّا فِتْنَتُكَ تُضِلُّ بِهَا مَن تَشَاءُ وَتَهْدِی مَن تَشَاءُ أَنتَ وَلِيُّنَا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنتَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ (۱۵۵)

موسی از میان قومش هفتاد مرد را برای میعادگاه ما بر گزید؛ پس هنگامی که [به سبب درخواست نابجایشان] آن زلزله شدید نابود کننده، آنان را فرا گرفت، گفت: پروردگارا! اگر می خواستی می توانستی همه آنان و مرا پیش از این هلاک کنی [ای کاش پیش از این هلاک می کردی تا بنی اسرائیل گمان نکنند که مرا در این حادثه توطئه و مکری بوده] آیا ما را به خاطر گناهی که سبک مغزانمان مرتکب شدند، هلاک می کنی؟ این [حادثه] چیزی جز آزمایش تو نیست، هر که را بخواهی [به آزمایشت] گمراه می کنی، و هر که را بخواهی هدایت می نمایی، تو سرپرست و یاور مایی، ما را بیامرز و به ما رحم کن که تو بهترین آمرزندگانی. (۱۵۵)

ص: ۱۶۹

وَاكْتُبْ لَنَا فِی هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَهً وَفِی الْآخِرَهِ إِنَّا هُدْنَا إِلَيْكَ قَالَ عَذَابِی أُصِيبُ بِهِ مَنْ أَشَاءُ وَرَحْمَتِی وَسِعَتْ كُلَّ شَیْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاهَ وَالَّذِينَ هُم بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ (۱۵۶)

و برای ما در این دنیا و آخرت، نیکی مقرّر کن که ما به سوی تو بازگشته ایم. خدا فرمود: عذابم را به هر کس بخواهم می رسانم و رحمتم همه چیز را فرا گرفته است، پس به زودی آن را برای کسانی که [از شرک، کفر، بت پرستی و ارتداد] می پرهیزند و زکات می پردازند و به آیاتم ایمان می آورند، مقرّر و لازم می دارم. (۱۵۶)

الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِی يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِندَهُمْ فِی التَّوْرَاهِ وَالْإِنجِيلِ يَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِی كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ

الَّذِی أَنزِلَ مَعَهُ أُولَئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۱۵۷)

همـان کسـانی که از این رسول و پیـامبر «ناخوانـده درس» که او را نزد خود [بـا همه نشـانه هـا و اوصـافش] در تورات وانجیل نگاشـته می یابنـد، پیروی می کننـد؛ پیـامبری که آنـان را به کارهای شایسـته فرمان می دهـد، و از اعمال زشت بازمی دارد، و پاکیزه ها را بر آنان حلال می نماید، و ناپاک ها را بر آنان حرام می کند، و بارهای تکالیف سنگین و زنجیره ها [یِ جهل، بی خبری و بدعت را] که بر دوش عقل وجان آنان است برمی دارد؛ پس کسانی که به او ایمان آوردند و او را [در برابر دشـمنان] حمایت کردند و یاریش دادند و از نوری که بر او نازل شده پیروی نمودند، فقط آنان رستگارانند. (۱۵۷)

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّی رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِی لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِی وَيُمِيتُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِی يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (۱۵۸)

بگو: ای مردم! یقیناً من فرسـتاده خدا به سوی همه شـمایم؛ خدایی که مالکیّت و فرمانروایی آسـمان ها و زمین فقط در سـیطره اوست، جز او معبـودی نیست، زنـده می کنـد و می میرانـد، پس به خـدا و رسـول او پیـامبر ناخوانـده درس که به خـدا و تمـام سخنان او ایمان دارد، ایمان بیاورید، و از او پیروی کنید تا هدایت یابید. (۱۵۸)

وَمِن قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ (۱۵۹)

و از قوم موسـی گروهی هسـتند که مردم را بـا [موازین و روش هـایِ] حق هـدایت می کننـد و به درسـتی و راستی داوری می نمایند. (۱۵۹)

ص: ۱۷۰

وَقَطَّعْنَاهُمُ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ أَسْبَاطًا أُمَمًا وَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى إِذِ اسْتَسْقَاهُ قَوْمُهُ أَنِ اضْرِب بِّعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانبَجَسَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَّشْرَبَهُمْ وَظَلَّلْنَا عَلَيْهِمُ الْغَمَامَ وَأَنزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَى كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (۱۶۰)

و ما بنی اسرائیل را به دوازده قبیله که هر یک امتی بودند، تقسیم کردیم، و به موسی هنگامی که قومش از او درخواست آب کردند، وحی نمودیم که عصایت را بر این سـنگ بزن؛ در نتیجه دوازده چشـمه از آن جوشید؛ هر گروهی چشمه ویژه خود را شناخت؛ و ابر را بر سـر آنان سایبان قرار دادیم، و برای آنان منّ و سـلوی [یعنی ترنجبین و مرغی مخصوص] نازل کردیم [و به آنان گفتیم:] از روزی های پاکیزه ای که به شـما دادیم، بخورید. و [آنان با سـرپیچی از فرمان های ما] بر ما ستم نکردند، ولی همواره بر خود ستم می ورزیدند. (۱۶۰)

وَإِذْ قِيلَ لَهُمُ اسْكُنُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ وَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ وَقُولُوا حِطَّةٌ وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا نَّغْفِرْ لَكُمْ خَطِيئَاتِكُمْ سَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ (۱۶۱)

و [یاد کنیـد] هنگامی را که به بنی اسـرائیل گفته شـد: در این شـهر [بیت المقـدس] سـکونت گزینیـد، و از هر جا که خواستید

[ازمیوه و محصولاتش] بخورید، و بگویید: [خدایا! خواسته ما] ریزش گناهان است. و از دروازه [شهر یا درِ معبد] فروتنانه و سجده کنان درآیید، تا گناهانتان را بیامرزم، قطعاً [پاداش] نیکوکاران را بیفزایم. (۱۶۱)

فَبَدَّلَ الَّذِینَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ قَوْلًا غَیْرَ الَّذِی قِیلَ لَهُمْ فَأَرْسَلْنَا عَلَیْهِمْ رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا کَانُوا یَظْلِمُونَ (۱۶۲)

پس ستمکاران از آنان، سخنی را که [بیرون دروازه شهر] به آنان گفته شده بود [پس از ورود به شهر] به سخنی دیگر تبدیل کردند، [به جای درخواست ریزش گناهان درخواست امور مادی نمودند] نهایتاً به کیفر ستمی که همواره مرتکب می شدند، عذابی از آسمان بر آنان فرستادیم. (۱۶۲)

وَاسْأَلْهُمْ عَنِ الْقَرْیَهِ الَّتِی کَانَتْ حَاضِرَهَ الْبَحْرِ إِذْ یَعْدُونَ فِی السَّبْتِ إِذْ تَأْتِیهِمْ حِیتَانُهُمْ یَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرَّعًا وَیَوْمَ لَا یَسْبِتُونَ لَا تَأْتِیهِمْ کَذَلِکَ نَبْلُوهُم بِمَا کَانُوا یَفْسُقُونَ (۱۶۳)

از آنان سرگذشت شهری را که در ساحل دریا بود بپرس، هنگامی که [اهلش] در [روز تعطیلیِ] شنبه [از حکم خدا] تجاوز می کردند؛ به این صورت که روز [تعطیلیِ] شنبه ماهی هایشان [به اراده خدا از اعماق آب به سوی ساحل می آمدند و] به روی آب آشکار می شدند و غیر شنبه ها نمی آمدند [وآنان بر خلاف حکم خدا در تعطیلی شنبه به صید می پرداختند؛] این گونه آنان را در برابر نافرمانی و فسقی که همواره داشتند، آزمایش می کردیم. (۱۶۳)

ص: ۱۷۱

وَإِذْ قَالَتْ أُمَّهٌ مِّنْهُمْ لِمَ تَعِظُونَ قَوْمًا اللَّهُ مُهْلِکُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِیدًا قَالُوا مَعْذِرَهً إِلَی رَبِّکُمْ وَلَعَلَّهُمْ یَتَّقُونَ (۱۶۴)

و گروهی از بنی اسرائیل [که در برابر بد کاری های دیگران ساکت بودند، به پند دهندگان خیرخواه و دلسوز] گفتند: چرا گروهی را که خداهلاک کننده آنان یا عذاب کننده آنان به عذابی سخت است، پند می دهید؟ [پند دادن شما کاری نابجاست.] گفتند: برای اینکه در پیشگاه پروردگارمان [نسبت به رفع مسؤولیت خود] حجت و عذر داشته باشیم و شاید آنان [از گناهانشان] بپرهیزند. (۱۶۴)

فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُکِّرُوا بِهِ أَنجَیْنَا الَّذِینَ یَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِینَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَئِیسٍ بِمَا کَانُوا یَفْسُقُونَ (۱۶۵)

پس چون پندی را که به آنان داده شد، فراموش کردند [در لحظه نزول عذاب] پند دهندگانی که مردم را از بدی ها بازمی داشتند، نجات دادیم و آنان را که ستم کردند به کیفر آنکه همواره نافرمانی می کردند، به عذابی سخت گرفتیم. (۱۶۵)

فَلَمَّا عَتَوْا عَن مَّا نُهُوا عَنْهُ قُلْنَا لَهُمْ کُونُوا قِرَدَهً خَاسِئِینَ (۱۶۶)

و هنگامی که از آنچه نهی شدند سرکشی کردند، به آنان گفتیم: به شکل بوزینگانی رانده شده درآیید! (۱۶۶)

وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّکَ لَیَبْعَثَنَّ عَلَیْهِمْ إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَهِ مَن یَسُومُهُمْ سُوءَ الْعَذَابِ إِنَّ رَبَّکَ لَسَرِیعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَّحِیمٌ (۱۶۷)

و [یاد کن] هنگامی را که پروردگارت اعلام کرد که بی تردید تا روز قیامت کسانی را بر ضد یهودیان [متجاوز و سرکش] برانگیزد و مسلط کند که همواره عذابی سخت به آنان بچشاند؛ مسلماً پروردگارت زود کیفر و یقیناً [نسبت به تائبان] بسیار آمرزنده و مهربان است. (۱۶۷)

وَقَطَّعْنَاهُمْ فِی الْأَرْضِ أُمَمًا مِّنْهُمُ الصَّالِحُونَ وَمِنْهُمْ دُونَ ذَلِکَ وَبَلَوْنَاهُم بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (۱۶۸)

و آنان را در زمین [به صورت] گروه گروه پراکنده کردیم، گروهی از آنان مردمی شایسته و گروهی از آنان غیر شایسته اند، و آنان را با خوشی ها و سختی ها آزمودیم، باشد که [غیر شایسته ها به صلاح، درستی، صواب و راستی] باز گردند. (۱۶۸)

فَخَلَفَ مِن بَعْدِهِمْ خَلْفٌ وَرِثُوا الْكِتَابَ يَأْخُذُونَ عَرَضَ هَـٰذَا الْأَدْنَى وَيَقُولُونَ سَيُغْفَرُ لَنَا وَإِن يَأْتِهِمْ عَرَضٌ مِّثْلُهُ يَأْخُذُوهُ أَلَمْ يُؤْخَذْ عَلَيْهِم مِّيثَاقُ الْكِتَابِ أَن لَّا يَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ وَدَرَسُوا مَا فِيهِ وَالدَّارُ الْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۱۶۹)

پس بعد از آنان جانشینانی [ناشایسته وگناهکار] که کتاب [تورات] را به ارث بردند به جای ایشان قرار گرفتند، [آنان] متاع پست و از دست رفتنی این دنیا [یِ زودگذر] را [از هر راه نامشروعی] به چنگ می زنند و [به ناحق] می گویند: به زودی آمرزیده خواهیم شد. و [به سبب دنیاگرایی وغفلت از حقایق] اگر متاع نامشروعی دیگر همانند متاع اول به آنان برسد [باز هم] آن را به چنگ می زنند؛ آیا از آنان در کتاب [تورات] در حالی که آنچه را در آن است مکرر خوانده و فهمیده اند، پیمان [محکم و استوار] گرفته نشده است که نسبت به خدا جز حق نگویند؟! [پس چرا آمرزشی که بدون توبه از حرام خواری و زشت کاری به آنان تعلق نمی گیرد به خدا نسبت می دهند؟] و سرای آخرت برای کسانی که [همواره از مال نامشروع و نسبت ناروا] می پرهیزند، بهتر است؛ آیا نمی اندیشید؟ (۱۶۹)

وَالَّذِينَ يُمَسِّكُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ (۱۷۰)

و آنان که به کتاب [آسمانی] چنگ می زنند [و عملاً به آیاتش پای بندند] و نماز را بر پا داشته اند [دارای پاداشند] یقیناً ما پاداش اصلاح گران را ضایع نمی کنیم. (۱۷۰)

ص: ۱۷۲

وَإِذْ نَتَقْنَا الْجَبَلَ فَوْقَهُمْ كَأَنَّهُ ظُلَّةٌ وَظَنُّوا أَنَّهُ وَاقِعٌ بِهِمْ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُم بِقُوَّةٍ وَاذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (۱۷۱)

و [یاد کنید] هنگامی [را] که کوه [طور] را برکندیم، [و] چنان که گویی سایبانی است بالای سرشان قرار دادیم و [به خاطرضعف ایمان] پنداشتند که بر سرشان سقوط می کند. [به آنان گفتیم:] آنچه [از کتاب، شریعت و احکام] به شما داده ایم با قدرت [ی تمام و عزمی استوار] بگیرید، و آنچه [از معارف و حقایق] در آن است متذکّر شوید [و فرا گیرید و همواره به خاطر داشته باشید] تا [با عمل به آن] پرهیزکار شوید. (۱۷۱)

وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِن بَنِی آدَمَ مِن ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى شَهِدْنَا أَن تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ (۱۷۲)

و [به یاد آر] هنگامی را که پروردگارت از صلب بنی آدم نسلشان را پدید آورد، و آنان را [در ارتباط با پروردگاریش] بر خودشان گواه گرفت [و فرمود:] آیا من پروردگار شما نیستم؟ [انسان ها با توجه به وابستگی وجودشان و وجود همه موجودات به پروردگاری و ربوبیّت حق] گفتند: آری، گواهی دادیم. [پس اقرار به پروردگاری خود را در این دنیا از شما گرفتیم] تا روز قیامت نگویید: ما از این [حقیقت آشکار و روشن] بی خبر بودیم. (۱۷۲)

أَوْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَشْرَكَ آبَاؤُنَا مِن قَبْلُ وَكُنَّا ذُرِّيَّةً مِّن بَعْدِهِمْ أَفَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ الْمُبْطِلُونَ (۱۷۳)

یا نگویید: پدرانمان پیش از ما مشرک بودند، و ما فرزندانی پس از آنان بودیم [و راهی جز تقلید از آنان نداشتیم] آیا ما را به خاطر آنچه باطل گرایان انجام دادند، هلاک می کنی؟ (۱۷۳)

وَكَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ وَلَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (۱۷۴)

و این گونه آیات را [مُستدل و منطقی] تفصیل و توضیح می دهیم [تا تدبّر کنند] و برای اینکه [از شرک به توحید] بازگردند. (۱۷۴)

وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانسَلَخَ مِنْهَا فَأَتْبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ (۱۷۵)

و سرگذشت کسی که آیات خود را به او عطا کردیم و او عملاً از آنان جدا شد، برای آنان بخوان؛ پس شیطان او را دنبال کرد [تا به دامش انداخت] و در نتیجه از گمراهان شد. (۱۷۵)

وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِن تَحْمِلْ عَلَيْهِ يَلْهَثْ أَوْ تَتْرُكْهُ يَلْهَث ذَّلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَاقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (۱۷۶)

و اگر می خواستیم [درجات و مقاماتش را] به وسیله آن آیات بالا می بردیم، ولی او به امور ناچیز مادی و لذت هایِ زودگذرِ دنیایی تمایل پیدا کرد واز هوای نفسش پیروی نمود؛ پس داستانش چون داستان سگ است [که] اگر به او هجوم بری، زبان از کام بیرون می آورد، واگر به حال خودش واگذاری [باز هم] زبان از کام بیرون می آورد. این داستان گروهی است که آیات ما را تکذیب کردند؛ پس این داستان را [برای مردم] حکایت کن، شاید [نسبت به امور خویش] بیندیشند. (۱۷۶)

سَاءَ مَثَلًا الْقَوْمُ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَأَنفُسَهُمْ كَانُوا يَظْلِمُونَ (۱۷۷)

بد است داستان گروهی که آیات ما را تکذیب کردند وهمواره به خود ستم روا می داشتند. (۱۷۷)

مَن يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِي وَمَن يُضْلِلْ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (۱۷۸)

هر که را خدا هدایت کند، پس او راه یافته واقعی است، و کسانی را که [به سبب عناد و لجاجتشان] گمراه نماید، پس فقط اینان زیانکارانند. (۱۷۸)

وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَّا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَّا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَّا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ (۱۷۹)

و مسلماً بسیاری از جنّیان و آدمیان را برای دوزخ آفریده ایم [زیرا] آنان را دل هایی است که به وسیله آن [معارف الهی را] در نمی یابند، و چشمانی است که توسط آن [حقایق و نشانه های حق را] نمی بینند، و گوش هایی است که به وسیله آن [سخن خدا و پیامبران را] نمی شنوند، آنان مانند چهارپایانند بلکه گمراه ترند؛ اینانند که بی خبر و غافل [ازمعارف و آیات خدای] اند. (۱۷۹)

وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا وَذَرُوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَائِهِ سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۸۰)

و نیکوترین نام ها [به لحاظ معانی] ویژه خداست، پس او را با آن نام ها بخوانید؛ و آنان که در نام های خدا به انحراف می گرایند [و او را با نام هایی که نشان دهنده کاستی و نقص است، می خوانند] رها کنید؛ آنان به زودی به همان اعمالی که همواره انجام می دادند، جزا داده می شوند. (۱۸۰)

وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ (۱۸۱)

و از میان کسانی که آفریده ایم [یعنی جنّیان وآدمیان] گروهی [هستند که هم نوعان خود را] به حق هدایت می کنند و به درستی و راستی داوری می نمایند. (۱۸۱)

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُم مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ (۱۸۲)

و کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، به تدریج ازجایی که نمی دانند [به ورطه سقوط و هلاکت می کشانیم تا عاقبت به عذاب دنیا و آخرت دچار شوند.] (۱۸۲)

وَأُمْلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ (۱۸۳)

و به آنان مهلت می دهیم؛ [زیرا از سیطره قدرت ما بیرون رفتنی نیستند] یقیناً تدبیر ونقشه من استوار است. (۱۸۳)

أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِهِم مِّن جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ (۱۸۴)

آیا اندیشه نکردند که در همنشین آنان [یعنی پیامبر اسلام] هیچ نوع جنونی نیست؛ او فقط بیم دهنده ای آشکار [نسبت به سرانجام شوم بدکاران] است. (۱۸۴)

أَوَلَمْ يَنظُرُوا فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ مِن شَيْءٍ وَأَنْ عَسَى أَن يَكُونَ قَدِ اقْتَرَبَ أَجَلُهُمْ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ (۱۸۵)

آیا در [فرمانروایی و] مالکیت [و ربوبیّت] بر آسمان ها و زمین و هر چیزی که خدا آفریده و اینکه شاید پایان عمرشان نزدیک شده باشد با تأمل ننگریسته اند؟ [و اگر به قرآن مجید، این کتاب هدایتگر ایمان نیاورند] پس بعد ازآن به کدام سخن ایمان می آورند؟! (۱۸۵)

مَن يُضْلِلِ اللَّهُ فَلَا هَادِىَ لَهُ وَيَذَرُهُمْ فِى طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ (۱۸۶)

برای کسانی که خدا [به سبب لجاجت و عنادشان] گمراهشان کند، هدایت کننده ای نیست؛ و آنان را در سرکشی و تجاوزشان وا می گذارد تا در [گمراهی شان] سرگردان و حیران بمانند. (۱۸۶)

يَسْأَلُونَکَ عَنِ السَّاعَهِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِندَ رَبِّى لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَهً يَسْأَلُونَکَ كَأَنَّکَ حَفِىٌّ عَنْهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِندَ اللَّهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (۱۸۷)

همواره درباره قیامت از تو می پرسند که وقوع آن چه وقت است؟ بگو: دانش آن فقط نزد پروردگار من است، غیر او آن را در وقت معینش آشکار نمی کند؛ [تحملِ این حادثه عظیم و هولناک،] بر آسمان ها و زمین سنگین و دشوار است، جز به طور ناگهانی بر شما نمی آید. آن گونه از تو می پرسند که گویا تو از وقت وقوعش به شدت کنجکاوی کرده ای [و کاملاً از آن آگاهی]، بگو: دانش آن فقط نزد خداست، ولی بیشتر مردم نمی دانند [که این دانش، مخصوص به خدا و فقط در اختیار اوست.] (۱۸۷)

ص: ۱۷۴

قُل لَّا أَمْلِکُ لِنَفْسِى نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَوْ كُنتُ أَعْلَمُ الْغَيْبَ لَاسْتَكْثَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِىَ السُّوءُ إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (۱۸۸)

بگو: من قدرتِ [جلبِ] سودی و [دفعِ] زیانی را از خود ندارم جز آنچه خدا خواهد، و [غیب هم نمی دانم] اگر غیب می دانستم، یقیناً برای خود ازهر خیری فراوان و بسیار فراهم می کردم وهیچ گزند وآسیبی به من نمی رسید؛ من فقط برای گروهی که ایمان می آورند، بیم دهنده و مژده رسانم. (۱۸۸)

هُوَ الَّذِى خَلَقَكُم مِّن نَّفْسٍ وَاحِدَهٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيفًا فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَت دَّعَوَا اللَّهَ رَبَّهُمَا لَئِنْ آتَيْتَنَا صَالِحًا لَّنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ (۱۸۹)

او کسی است که شما را از یک تن آفرید، و همسرش را از او پدید آورد تا در کنارش آرامش یابد؛ پس هنگامی که مرد با زن آمیزش نمود، زن به حملی سبک حامله شد، پس با آن حمل سبک، زندگی را ادامه داد؛ پس چون سنگین بار شد، زن و شوهر پروردگارشان را خواندند که اگر به ما فرزندی تندرست و سالم عطا کنی، مسلماً از سپاس گزاران خواهیم بود. (۱۸۹)

فَلَمَّا آتَاهُمَا صَالِحًا جَعَلَا لَهُ شُرَكَاءَ فِيمَا آتَاهُمَا فَتَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ (۱۹۰)

پس هنگامی که به آن زن و شوهر فرزندی تندرست و سالم داد [غیر از خدا را در اعطای این نعمت مؤثر دانستند، از این جهت] برای خدا در کنار نعمتی که به آنان عطا کرده بود، شریکان وهمتایانی قرار دادند!! پس خدا برتر و والاتر از آن است که برایش شریکان و همتایان قرار دهند. (۱۹۰)

أَيُشْرِكُونَ مَا لَا يَخْلُقُ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ (۱۹۱)

آیا موجوداتی را شریک او قرار می دهند که قدرت ندارند کمترین چیزی را بیافرینند و خودشان آفریده می شوند؟! (۱۹۱)

وَلَا يَسْتَطِيعُونَ لَهُمْ نَصْرًا وَلَا أَنفُسَهُمْ يَنصُرُونَ (۱۹۲)

و [این شریکانی که برای خدا قرار می دهند] نه می توانند پرستش کنندگان خود را یاری دهند، ونه قدرت دارند خودشان را یاری کنند. (۱۹۲)

وَإِن تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَى لَا يَتَّبِعُوكُمْ سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ أَدَعَوْتُمُوهُمْ أَمْ أَنتُمْ صَامِتُونَ (۱۹۳)

و اگر آن شریکان را به سوی هدایت بخوانید، از شما پیروی نمی کنند، برای شما یکسان است که آنان را بخوانید یا خاموش باشید [در هر صورت چیزی از آنان نصیب شما نمی شود.] (۱۹۳)

إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ عِبَادٌ أَمْثَالُكُمْ فَادْعُوهُمْ فَلْيَسْتَجِيبُوا لَكُمْ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (۱۹۴)

یقیناً کسانی را که به جای خدا می پرستید بندگان و مملوکانی ناتوانْ چون شما هستند؛ پس اگر راستگویید [که می توانند در زندگی شما مؤثر باشند] آنان را [در گرفتاری ها و نیازمندی های خود] بخوانید پس [هنگامی که بخوانید [باید شما را اجابت کنند] ولی خود می دانید که در هیچ موردی جواب شما را نمی دهند.] (۱۹۴)

أَلَهُمْ أَرْجُلٌ يَمْشُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ أَيْدٍ يَبْطِشُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ أَعْيُنٌ يُبْصِرُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا قُلِ ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ كِيدُونِ فَلَا تُنظِرُونِ (۱۹۵)

آیا آنها پاهایی دارند که با آن راه روند، یا دست هایی دارند که با آن بگیرند، یا چشم هایی دارند که با آن ببینند، یا گوش هایی دارند که با آن بشنوند؟! بگو: شریکان خود را [به کمک خویش] بخوانید، سپس [بر ضدِّ من هر توطئه و] نیرنگی [دارید] به کار گیرید و [برای نابودی من لحظه ای مرا [مهلت ندهید] تا برای شما ثابت شود که هیچ کاری در هیچ زمینه ای از غیر خدا بر نمی آید.] (۱۹۵)

ص: ۱۷۵

إِنَّ وَلِيِّيَ اللَّهُ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ (۱۹۶)

یقیناً سرپرست و یار من خدایی است که قرآن را نازل کرده و او همواره شایستگان را سرپرستی و یاری می کند. (۱۹۶)

وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَكُمْ وَلَا أَنفُسَهُمْ يَنصُرُونَ (۱۹۷)

و کسانی را که به جای خدا می خوانید، نه می توانند شما را یاری دهند و نه خود را یاری رسانند. (۱۹۷)

وَإِن تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَى لَا يَسْمَعُوا وَتَرَاهُمْ يَنظُرُونَ إِلَيْكَ وَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ (۱۹۸)

و اگر آنان را به سوی هدایت دعوت کنید، نمی شنوند و آنان را می بینی که به سوی تو می نگرند در حالی که نمی بینند. (۱۹۸)

خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ (۱۹۹)

عفو و گذشت را پیشه کن، و به کار پسندیده فرمان ده، و از نادانان روی بگردان. (۱۹۹)

وَإِمَّا يَنزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۲۰۰)

و اگر [وسوسه ای از سوی] شیطان، تو را [به خشم بر مردم و ترکِ مهربانی و ملاطفت] تحریک کند، به خدا پناه جوی؛ زیرا خدا شنوا و داناست. (۲۰۰)

إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُم مُّبْصِرُونَ (۲۰۱)

مسلماً کسانی که [نسبت به گناهان، معاصی و آلودگی های ظاهری وباطنی] تقوا ورزیده اند، هرگاه وسوسه هایی از سوی شیطان به آنان رسد [خدا و قیامت را] یاد کنند، پس بی درنگ بینا شوند [و از دام وسوسه هایش نجات یابند.] (۲۰۱)

وَإِخْوَانُهُمْ يَمُدُّونَهُمْ فِي الْغَيِّ ثُمَّ لَا يُقْصِرُونَ (۲۰۲)

و برادران بی تقوایان [که شیاطین هستند] همواره آنان را به عمق گمراهی می کشانند؛ سپس [در به گمراهی کشیدنشان] کوتاهی نمی ورزند. (۲۰۲)

وَإِذَا لَمْ تَأْتِهِم بِآيَةٍ قَالُوا لَوْلَا اجْتَبَيْتَهَا قُلْ إِنَّمَا أَتَّبِعُ مَا يُوحَى إِلَيَّ مِن رَّبِّي هَذَا بَصَائِرُ مِن رَّبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (۲۰۳)

و هرگاه برای مخالفان [به سبب تأخیر وحی] آیه ای نیاوری [بر پایه گمان پوچ و باطلشان که قرآن را از پیش خود می آوری] می گویند: چرا آیه ای از نزد خود انتخاب نکردی [تا برای ما بیاوری]؟ بگو: من فقط آنچه از سوی پروردگارم به من وحی می شود، پیروی می کنم. این قرآن دلایلی روشن از سوی پروردگار شماست و برای گروهی که ایمان می آورند، سراسر هدایت و رحمت است. (۲۰۳)

وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (۲۰۴)

و هنگامی که قرآن خوانده شود، به آن گوش فرا دهید و سکوت کنید تا مشمول رحمت شوید. (۲۰۴)

وَاذْکُر رَّبَّکَ فِی نَفْسِکَ تَضَرُّعًا وَخِیفَهً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ وَلَا تَکُن مِّنَ الْغَافِلِینَ (۲۰۵)

و پروردگارت را در دل خود بامدادان و شامگاهان از روی فروتنی و زاری و بیم و ترس به صدایی آرام وآهسته یاد کن و [نسبت به ذکر خدا] از بی خبران مباش. (۲۰۵)

إِنَّ الَّذِینَ عِندَ رَبِّکَ لَا یَسْتَکْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَیُسَبِّحُونَهُ وَلَهُ یَسْجُدُونَ (۲۰۶)

یقیناً مقرّبان و نزدیکان خدا هیچ گاه از عبادت و بند گی اش تکبر نمی ورزند، وهمواره او را تسبیح می گویند، و پیوسته برای او سجده می کنند. (۲۰۶)

ص: ۱۷۶

سوره الأنفال

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ یَسْأَلُونَکَ عَنِ الْأَنفَالِ قُلِ الْأَنفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَیْنِکُمْ وَأَطِیعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِن کُنتُم مُّؤْمِنِینَ (۱)

از تو درباره انفال] یعنی غنایم جنگی و هر گونه مالی که مالک معینی ندارد [می پرسند، [که مالک آنها کیست و چگونه باید تقسیم شود؟] بگو: [مالکیّتِ حقیقیِ] انفال ویژه خدا وپیامبر است، پس اگر مؤمن هستید [نسبت به انفال] از خدا پروا کنید و [اختلاف و نزاع] بین خود را اصلاح نمایید، و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید. (۱)

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِینَ إِذَا ذُکِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِیَتْ عَلَیْهِمْ آیَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِیمَانًا وَعَلَی رَبِّهِمْ یَتَوَکَّلُونَ (۲)

مؤمنان، فقط کسانی هستند که چون یاد خدا شود، دل هایشان ترسان می شود، وهنگامی که آیات او بر آنان خوانده شود بر ایمانشان می افزاید، و بر پروردگارشان توکل می کنند. (۲)

الَّذِینَ یُقِیمُونَ الصَّلَاهَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ یُنفِقُونَ (۳)

هم آنان که نماز را برپا می دارند و ازآنچه به آنان روزی داده ایم، انفاق می کنند. (۳)

أُولَئِکَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَّهُمْ دَرَجَاتٌ عِندَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَهٌ وَرِزْقٌ کَرِیمٌ (۴)

مؤمنان واقعی و حقیقی فقط آنانند، برای ایشان نزد پروردگارشان درجاتی بالا و آمرزش و رزق نیکو و فراوانی است. (۴)

کَمَا أَخْرَجَکَ رَبُّکَ مِن بَیْتِکَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ فَرِیقًا مِّنَ الْمُؤْمِنِینَ لَکَارِهُونَ (۵)

همان گونه که پروردگارت تو را به درستی و راستی از خانه ات [به سوی جنگ بدر] بیرون آورد و گروهی ازمؤمنان [از رفتن به جنگ] ناخشنود بودند [همان گونه گروهی از آنان از کیفیتِ تقسیمِ غنایم جنگی ناخشنودند.] (۵)

يُجَادِلُونَكَ فِي الْحَقِّ بَعْدَمَا تَبَيَّنَ كَأَنَّمَا يُسَاقُونَ إِلَى الْمَوْتِ وَهُمْ يَنظُرُونَ (۶)

پس از آنکه حق [بودنِ انگیزه های رفتنت به جنگ بدر] روشن شد با تو در این حقّ [روشن و آشکار] مجادله و ستیزه می کنند [تا رأی خود را در ترک جنگ به عنوان اینکه جنگی نابرابر است، تحمیل کنند؛ چنان از شرکت در جنگ ترسیده بودند] که گویا به سوی مرگ رانده می شوند و آن را با چشم خود می بینند!! (۶)

وَإِذْ يَعِدُكُمُ اللَّهُ إِحْدَى الطَّائِفَتَيْنِ أَنَّهَا لَكُمْ وَتَوَدُّونَ أَنَّ غَيْرَ ذَاتِ الشَّوْكَةِ تَكُونُ لَكُمْ وَيُرِيدُ اللَّهُ أَن يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ (۷)

و [یاد کنید] هنگامی را که خدا پیروزی بر یکی ازدو گروه [سپاه دشمن یا کاروان تجارتی قریش] را به شما وعده داد، و شما دوست داشتید بر کاروان تجارتی قریش دست یابید، ولی خدا می خواست پیروزی در میدان جنگ را با فرمان نافذی [که دایر بر پیروزی مؤمنان و شکست دشمنان جاری ساخته بود] تحقّق دهد و ریشه کافران را قطع کند. (۷)

لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ (۸)

تا حق را ثابت [و پابرجا و استوار نماید] وباطل را نابود سازد، هر چند مجرمان خوش نداشته باشند. (۸)

ص: ۱۷۷

إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُم بِأَلْفٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْدِفِينَ (۹)

[یاد کنید] هنگامی را که [در حال مشاهده دشمنِ تا دندان مسلح با دعا و زاری] ازپروردگارتان یاری خواستید، و او درخواست شما را اجابت کرد که من مسلماً شما را با هزار فرشته که پی در پی نازل می شوند، یاری می دهم. (۹)

وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَى وَلِتَطْمَئِنَّ بِهِ قُلُوبُكُمْ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِندِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۱۰)

و خدا آن [وعده یاری] را فقط مژده و نویدی برای شما قرار داد و نیز برای آنکه دل هایتان به سبب آن آرامش یابد؛ و گرنه پیروزی فقط از سوی خداست؛ زیرا خدا توانای شکست ناپذیر و حکیم است. (۱۰)

إِذْ يُغَشِّيكُمُ النُّعَاسَ أَمَنَةً مِّنْهُ وَيُنَزِّلُ عَلَيْكُم مِّنَ السَّمَاءِ مَاءً لِّيُطَهِّرَكُم بِهِ وَيُذْهِبَ عَنكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ (۱۱)

و [یاد کنید] هنگامی را که به سبب امنیت و آرامشی که ازسوی خدا یافتید، خواب سبکی را به همه شما مسلط کرد و برایتان آبی از آسمان نازل کرد تا شما را به وسیله آن [از آلودگی ها] پاک کند، و وسوسه شیطان را [که از بدترین کثافات است] از شما برطرف نماید، و دل هایتان را استحکام دهد، و گام هایتان را به آن استوار و پا برجا کند. (۱۱)

إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَثَبِّتُوا الَّذِينَ آمَنُوا سَأُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ فَاضْرِبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَاضْرِبُوا

مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ (١٢)

[یاد کن] هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان وحی کرد که من با شمایم، پس مؤمنان را [برای نبرد با دشمن] ثابت قدم دارید، [و] به زودی در دل کافران ترس می اندازم، پس سرهایشان را در هم کوبید و همه انگشتانشان را قطع کنید. (١٢)

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُّوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَمَن يُشَاقِقِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (١٣)

این [کیفر سخت] به سبب این است که آنان با خدا و پیامبرش دشمنی و مخالفت کردند، و هر کس با خدا و پیامبرش دشمنی و مخالفت ورزد، پس [بداند که] یقیناً خدا سخت کیفر است. (١٣)

ذَلِكُمْ فَذُوقُوهُ وَأَنَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابَ النَّارِ (١۴)

این [مجازات شما در دنیاست]، پس آن رابچشید، و [بدانید] برای کافران در قیامت، عذاب آتش است. (١۴)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحْفًا فَلَا تُوَلُّوهُمُ الْأَدْبَارَ (١۵)

ای اهل ایمان! هنگامی که با کافران در حالی که بر ضد شما لشکرکشی می کنند روبرو می شوید، به آنان پشت نکنید [و نگریزید.] (١۵)

وَمَن يُوَلِّهِمْ يَوْمَئِذٍ دُبُرَهُ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِّقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّزًا إِلَى فِئَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (١۶)

و هر کس در آن موقعیت به آنان پشت کند [و بگریزد] سزاوار خشمی از سوی خدا شود و جایگاهش دوزخ است ودوزخ بازگشت گاه بدی است مگر [اینکه گریزش برای انتخاب محلی دیگر] جهت ادامه نبرد بادشمن، یا پیوستن به گروهی [تازه نفس از مجاهدان برای حمله به دشمن] باشد. (١۶)

ص: ١٧٨

فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى وَلِيُبْلِيَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءً حَسَنًا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (١٧)

[به کشتن دشمنان بر خود مبالید] شما آنان را نکشتید، بلکه خدا آنان را کشت. [ای پیامبر!] هنگامی که به سوی دشمنان تیر پرتاب کردی، تو پرتاب نکردی، بلکه خدا پرتاب کرد [تا آنان را هلاک کند] و مؤمنان را از سوی خود به آزمایشی نیکو بیازماید؛ زیرا خدا شنوا و داناست. (١٧)

ذَلِكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ مُوهِنُ كَيْدِ الْكَافِرِينَ (١٨)

[سرنوشت مؤمنان و کافران از] این [قرار است که دیدید]، و قطعاً خدا سست کننده نیرنگ کافران است. (١٨)

إِن تَسْتَفْتِحُوا فَقَدْ جَاءَكُمُ الْفَتْحُ وَإِن تَنتَهُوا فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَإِن تَعُودُوا نَعُدْ وَلَن تُغْنِيَ عَنكُمْ فِئَتُكُمْ شَيْئًا وَلَوْ كَثُرَتْ وَأَنَّ اللَّهَ مَعَ

الْمُؤْمِنِينَ (١٩)

[شما ای مشرکان!] اگر پیروزی [آیینِ حق] را می خواستید، اینک پیروزی برای آیینِ حق آمد [پس به آن ایمان آورید]، و اگر [از دشمنی و مخالفت با خدا و رسول] بازایستید، برای شما بهتر است، و اگر [به دشمنی و مخالفت] بازگردید، ما نیز [بر ضد شما] بازمی گردیم، و هرگز جمعیت شما هر چند زیاد باشد، چیزی [از عذاب خدا] را از شما دفع نمی کند، و یقیناً خدا با مؤمنان است. (١٩)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَوَلَّوْا عَنْهُ وَأَنتُمْ تَسْمَعُونَ (٢٠)

ای اهل ایمان! از خدا و پیامبرش اطاعت کنید و در حالی که [سخنان بر حقّ او را] می شنوید، از او روی نگردانید. (٢٠)

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ قَالُوا سَمِعْنَا وَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ (٢١)

و مانند کسانی نباشید که [از روی تظاهر] گفتند: شنیدیم در حالی که [از روی حقیقت] نمی شنوند. (٢١)

إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِندَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ (٢٢)

قطعاً بدترین جُنبندگان نزد خدا، کرانِ [از شنیدن حق] و لالانِ [از گفتن حق] هستند که [کلام حق را] نمی اندیشند! (٢٢)

وَلَوْ عَلِمَ اللَّهُ فِيهِمْ خَيْرًا لَّأَسْمَعَهُمْ وَلَوْ أَسْمَعَهُمْ لَتَوَلَّوا وَّهُم مُّعْرِضُونَ (٢٣)

اگر خدا [نسبت به پذیرفتن هدایت، شایستگی و] خیری در آنان می دید، یقیناً ایشان را شنوا [ی حقایق و معارف] می کرد، و اگر [با لجبازی و عنادی که فعلاً دارند] آنان را شنوا کند، باز اعراض کنان، روی [از حق] می گردانند. (٢٣)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (٢٤)

ای اهل ایمان! هنگامی که خدا و پیامبرش شما را به حقایقی که به شما [حیات معنوی و] زندگی [واقعی] می بخشد، دعوت می کنند اجابت کنید، و بدانید که خدا میان آدمی و دلش حایل و مانع می شود [تا حق را باطل و باطل را حق مپندارد] و مسلماً همه شما به سوی او گردآوری خواهید شد. (٢٤)

وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَّا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (٢٥)

و از عذابی [که نتیجه گناه، فساد، نزاع، اختلاف و ترک امر به معروف و نهی از منکر است] بپرهیزید، [عذابی] که فقط به ستمکاران از شما نمی رسد [بلکه وقتی نازل شود، همه را فرا می گیرد، ستمکاران را به خاطر ستم و اهل ایمان را به سبب اختلاف و نزاع و ترک امر به معروف و نهی از منکر] و بدانید که خدا سخت کیفر است. (٢٥)

وَاذْكُرُوا إِذْ أَنتُمْ قَلِيلٌ مُّسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ أَن يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ فَآوَاكُمْ وَأَيَّدَكُم بِنَصْرِهِ وَرَزَقَكُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۲۶)

و یاد کنید هنگامی را که شما در زمین گروهی اندک بودید، و ناتوان و زبون شمرده می شدید، و همواره می ترسیدید که مردم [مشرک و کافر] شما را بربایند [تا شکنجه و آزار دهند ونابود کنند] پس خدا شما را [در شهر مدینه] جای داد و با یاریش نیرومندتان ساخت، و از [نعمت های] پاکیزه اش به شما روزی بخشید تا سپاس گزاری کنید. (۲۶)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنتُمْ تَعْلَمُونَ (۲۷)

ای اهل ایمان! [با فاش کردنِ اسرار و جاسوسی برای دشمن] به خدا و پیامبر خیانت نکنید، و به امانت های میان خود هم خیانت نورزید، در حالی که می دانید [خیانت، عملی بسیار زشت است.] (۲۷)

وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِندَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ (۲۸)

و بدانید که اموال و فرزندانتان فقط وسیله آزمایش شماست، وخداست که پاداشی بزرگ نزد اوست. (۲۸)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَل لَّكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (۲۹)

ای اهل ایمان! اگر [در همه امورتان] از خدا پروا کنید، برای شما [بینایی و بصیرتی ویژه] برای تشخیص حق از باطل قرار می دهد، و گناهانتان را محو می کند، و شما را می آمرزد؛ و خدا دارای فضل بزرگ است. (۲۹)

وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ (۳۰)

و [یاد کن] هنگامی را که کفرپیشگان درباره تو نیرنگ می زدند تا تو را به زندان دراندازند، یا به قتل برسانند یا [از وطن] بیرونت کنند، و [در آینده هم، همواره بر ضد تو] نیرنگ می زنند و خدا هم جزای نیرنگشان را می دهد و خدا بهترین جزا دهنده نیرنگ زنندگان است. (۳۰)

وَإِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا قَالُوا قَدْ سَمِعْنَا لَوْ نَشَاءُ لَقُلْنَا مِثْلَ هَذَا إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (۳۱)

و هنگامی که آیات ما را بر آنان می خوانند، می گویند: البته شنیدیم [ولی این آیات، مطلب فوق العاده ای نیست] ما هم اگر بخواهیم مانند آن را می گوییم، این آیات جز افسانه پیشینیان نیست!! (۳۱)

وَإِذْ قَالُوا اللَّهُمَّ إِن كَانَ هَذَا هُوَ الْحَقَّ مِنْ عِندِكَ فَأَمْطِرْ عَلَيْنَا حِجَارَةً مِّنَ السَّمَاءِ أَوِ ائْتِنَا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (۳۲)

و [یاد کن] هنگامی را که گفتند: خدایا! اگر این [قرآن] همان حقِّ [نازل شده] از نزد توست، پس بر ما سنگ هایی از آسمان ببار یا عذابی دردناک بر ما بیاور!! (۳۲)

وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ (۳۳)

و خدا بر آن نیست که آنان را در حالی که تو در میان آنان به سر می بری، عذاب کند و تا ایشان طلب آمرزش می کنند، خدا عذاب کننده آنان نخواهد بود. (۳۳)

ص: ۱۸۰

وَمَا لَهُمْ أَلَّا يُعَذِّبَهُمُ اللَّهُ وَهُمْ يَصُدُّونَ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَمَا كَانُوا أَوْلِيَاءَهُ إِنْ أَوْلِيَاؤُهُ إِلَّا الْمُتَّقُونَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۳۴)

و چه چیزی مانع آنان است که خدا عذابشان نکند، در حالی که [مردم مؤمن را] از ورود به مسجدالحرام [و عبادت در آن] با آنکه متولّیان آن نیستند، بازمی دارند؛ متولّیانِ [شایسته و واقعیِ] این [مکان مقدس] فقط پرهیزکارانند، ولی بیشتر مشرکان نمی دانند [که تولیت آنجا شایسته آنان نیست.] (۳۴)

وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِندَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءً وَتَصْدِيَةً فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنتُمْ تَكْفُرُونَ (۳۵)

و نماز و دعایشان در کنار خانه [خدا] چیزی جز سوت کشیدن و کف زدن نبود، پس به کیفر کفری که همواره می ورزیدید، عذاب [دنیا و آخرت را] بچشید. (۳۵)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ فَسَيُنفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ وَالَّذِينَ كَفَرُوا إِلَى جَهَنَّمَ يُحْشَرُونَ (۳۶)

مسلماً کسانی که کافرند، اموالشان را هزینه می کنند تا مردم را از راه خدا بازدارند، و به زودی همه اموالشان را [برای جلوگیری از گسترش اسلام] خرج می کنند؛ سپس [این عمل] برای آنان مایه حسرت و ندامت می شود [زیرا خواهند دید که ثروتشان را از دست داده اند و اسلام هم گسترش یافته] و آن گاه مغلوب می شوند، و آنان که کافرند به سوی دوزخ گردآوری خواهند شد. (۳۶)

لِيَمِيزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَيَجْعَلَ الْخَبِيثَ بَعْضَهُ عَلَى بَعْضٍ فَيَرْكُمَهُ جَمِيعًا فَيَجْعَلَهُ فِي جَهَنَّمَ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (۳۷)

تا خدا ناپاکان را از پاکان جدا کند، وناپاکان را روی یکدیگر گذارد، پس همه را متراکم وانباشته سازد و یکجا در جهنم قرار دهد؛ [به راستی] آنانند که زیانکار واقعی اند. (۳۷)

قُل لِّلَّذِينَ كَفَرُوا إِن يَنتَهُوا يُغْفَرْ لَهُم مَّا قَدْ سَلَفَ وَإِن يَعُودُوا فَقَدْ مَضَتْ سُنَّتُ الْأَوَّلِينَ (۳۸)

به کسانی که کافرند بگو: اگر از کفر خود بازایستند [و به اسلام روی آورند] گناهان [ی چون جنگ با پیامبر و بازداشتن مردم از راه خدا، ومنع کردن مؤمنان از ورود به مسجدالحرام] از آنان بخشیده خواهد شد، واگر [به گناهانشان] بازگردند، بی تردید همان سنت خدا که در رابطه با [عذاب وهلاک] پیشینیان جاری شد [بر آنان نیز جاری می شود.] (۳۸)

وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنِ انتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۳۹)

و با آنان بجنگید تا هیچ نوع فساد و فتنه [و خونریزی وناامنی] بر جا نماند، و دین [در سراسر گیتی] ویژه خدا شود؛ پس اگر از فتنه بازایستند [با آنان نجنگید] زیرا خدا به آنچه انجام می دهند، بیناست. (۳۹)

وَإِن تَوَلَّوْا فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَوْلَاكُمْ نِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ (۴۰)

و اگر روی گرداندند [باک نداشته باشید] بدانید که خدا سرپرست و یار شماست؛ نیکو سرپرست و نیکو یاوری است. (۴۰)

ص: ۱۸۱

جزء ۱۰

ادامه سوره الأنفال

وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُم مِّن شَيْءٍ فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِن كُنتُمْ آمَنتُم بِاللَّهِ وَمَا أَنزَلْنَا عَلَى عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۴۱)

و بدانید هر چیزی را که [از راه جهاد یا کسب یا هر طریق مشروعی] به عنوان غنیمت و فایده به دست آوردید [کم باشد یا زیاد] یک پنجم آن برای خدا و رسول خدا (صلی الله علیه وآله) و خویشان پیامبر، و یتیمان و مسکینان و در راه ماندگان است، اگر به خدا و آنچه بر بنده اش روز جدا کننده حق از باطل، روز رویارویی دو گروه [مؤمن وکافر در جنگ بدر] نازل کردیم، ایمان آورده اید [پس آن را به عنوان حقّی واجب به خدا و رسول و دیگر نامبردگان بپردازید]؛ و خدا بر هرکاری تواناست. (۴۱)

إِذْ أَنتُم بِالْعُدْوَةِ الدُّنْيَا وَهُم بِالْعُدْوَةِ الْقُصْوَى وَالرَّكْبُ أَسْفَلَ مِنكُمْ وَلَوْ تَوَاعَدتُّمْ لَاخْتَلَفْتُمْ فِي الْمِيعَادِ وَلَكِن لِّيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا لِّيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَن بَيِّنَةٍ وَيَحْيَى مَنْ حَيَّ عَن بَيِّنَةٍ وَإِنَّ اللَّهَ لَسَمِيعٌ عَلِيمٌ (۴۲)

و [یاد کنید] هنگامی را که شما [در جنگ بدر] بر دامنه ای نزدیک تر به سطح زمین بودید [که برای جنگ جایی نامناسب بود] و دشمن در دامنه ای بالاتر [و مناسب برای جنگ] قرار داشت، و کاروان [تجاری قریش] در مکانی پایین تر ازشما بود [که توانست دور از دید شما بگریزد]؛ و اگر [برای رویارویی] با دشمن [زمانی معین و جایی مشخص] وعده می گذاشتید، نسبت به وعده گاه اختلاف می کردید [ظاهر امر نشان می داد که شکست حتمی با شما و پیروزی قطعی با دشمن است، ولی این پیروزی به صورتی غیر عادی نصیب شما شد] تا خدا پیروزی شما و شکست آنان را که [بر اساس اراده اش] انجام شدنی بود تحقق دهد، تا هر که هلاک می شود از روی دلیلی روشن هلاک شود، وهر که زندگی می کند ازروی برهانی آشکار زندگی کند؛ و یقیناً خدا شنوا و داناست. (۴۲)

إِذْ يُرِيكَهُمُ اللَّهُ فِي مَنَامِكَ قَلِيلًا وَلَوْ أَرَاكَهُمْ كَثِيرًا لَّفَشِلْتُمْ وَلَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَلَكِنَّ اللَّهَ سَلَّمَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۴۳)

و [یاد کن] هنگامی را که خدا دررؤیاهای مکرّرت [نفراتِ] آنان را [که بر ضد تو و اهل ایمان تصمیم به جنگ داشتند] به تو اندک و ناچیز نشان داد [تا آن را برای یارانت بیان کنی]؛ و اگر آنان را بسیار و زیاد نشان می داد، شما [ای یاران پیامبر!] قطعاً سست می شدید و در کار جنگ نزاع و اختلاف می کردید، ولی خدا شما را [با آگاه شدن از رؤیای پیامبر، از سستی و اختلاف] رهایی بخشید؛ زیرا او به آنچه در سینه هاست، داناست. (۴۳)

وَإِذْ يُرِيكُمُوهُمْ إِذِ الْتَقَيْتُمْ فِي أَعْيُنِكُمْ قَلِيلًا وَيُقَلِّلُكُمْ فِي أَعْيُنِهِمْ لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ (۴۴)

و [یاد کنید] هنگامی را که در جنگ بدر باهم برخورد کردید، دشمن را در چشم شما اندک نشان داد، و شما را نیز در چشم آنان اندک نشان داد [اگر چه در گرما گرم جنگ، شما را در نظر آنان بسیار و آنان را در نظر شما اندک نشان داد] تا خدا پیروزی شما و شکست آنان را که [بر اساس اراده اش] انجام شدنی بود، تحقّق دهد؛ و همه کارها به سوی خدا بازگردانده می شود. (۴۴)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۴۵)

ای اهل ایمان! هنگامی که [در میدان نبرد] با گروهی [از مشرکان و کافران] برخورد کردید، ایستادگی نمایید و خدا را بسیار یاد کنید تا رستگار شوید. (۴۵)

ص: ۱۸۲

وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ (۴۶)

و از خدا و پیامبرش فرمان برید، و با یکدیگر نزاع و اختلاف مکنید، که سست و بد دل می شوید، و قدرت و شوکتتان از میان می رود؛ و شکیبایی ورزید؛ زیرا خدا با شکیبایان است. (۴۶)

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِن دِيَارِهِم بَطَرًا وَرِئَاءَ النَّاسِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَاللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ (۴۷)

و مانند کسانی مباشید که از خانه هایشان از روی مستی و غرور، و برای خودنمایی بیرون آمدند و مردم را از راه خدا بازمی داشتند [ولی سرانجام دچار شکست ذلت باری شدند]؛ و خدا به آنچه انجام می دهند، احاطه دارد. (۴۷)

وَإِذْ زَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ وَقَالَ لَا غَالِبَ لَكُمُ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ وَإِنِّي جَارٌ لَّكُمْ فَلَمَّا تَرَاءَتِ الْفِئَتَانِ نَكَصَ عَلَى عَقِبَيْهِ وَقَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِّنكُمْ إِنِّي أَرَى مَا لَا تَرَوْنَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ (۴۸)

و [یاد کنید] هنگامی را که شیطان اعمالشان را [که در راه دشمنی با پیامبر و لشکرکشی بر ضد اهل ایمان بود] در نظرشان آراست و گفت: امروز [به سبب جمعیت بسیار و آرایش جنگی شما] هیچ کس از مردمان [با ایمان] پیروز شونده بر شما نیست، و من پناه دهنده به شمایم، ولی زمانی که دو گروه [مؤمن و مشرک] با یکدیگر برخورد کردند، به عقب برگشت و پا به فرار گذاشت، و گفت: من از شما [یاران و پیروانم] بیزارم، من چیزی را [چون نزول فرشتگان] می بینم که شما نمی بینید،

البته من از خدا می ترسم و خدا سخت کیفر است. (۴۸)

إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ غَرَّ هَؤُلَاءِ دِينُهُمْ وَمَن يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۴۹)

و [یاد کنید] هنگامی را که منافقان و آنان که در دل هایشان بیماری [شک و تردید نسبت به حقایق] است، می گفتند: مؤمنان را دینشان [با این جمعیت اندک و اسلحه ناچیز برای شرکت در میدان نبرد] فریفت، و [آنان باور نمی کردند که] هر کس بر خدا توکل کند [بی تردید پیروز می شود]؛ زیرا خدا توانای شکست ناپذیر و حکیم است. (۴۹)

وَلَوْ تَرَى إِذْ يَتَوَفَّى الَّذِينَ كَفَرُوا الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ (۵۰)

و اگر آن زمانی را که فرشتگان جان کافران را می ستانند، مشاهده کنی [می بینی] که بر چهره و پشتشان ضربات سنگینی می کوبند و [به آنان نهیب می زنند که] عذاب سوزان را بچشید!! (۵۰)

ذَلِكَ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ (۵۱)

این به سبب گناهانی است که مرتکب شده اند و گرنه خدا نسبت به بندگانش [حتی به کمترین چیزی از ستم] ستمکار نیست. (۵۱)

كَدَأْبِ آلِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ (۵۲)

[عادتِ اینان] مانند عادت فرعونیان و پیشینیان آنان است که به آیات خدا کافر شدند، پس خدا آنان را به کیفر گناهانشان [به عذابی سخت] گرفت؛ زیرا خدا نیرومند و سخت کیفر است. (۵۲)

ص: ۱۸۳

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِّعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۵۳)

این [کیفر سخت] به سبب این است که خدا بر آن نیست که نعمتی را که به قومی عطا کرده [به عذاب و نقمت] تغییر دهد تا زمانی که آنان آنچه را در خود [از عقاید حقّه، حالات پاک و اخلاق حسنه ای که] دارند [به کفر، شرک، عصیان و گناه] تغییر دهند؛ و یقیناً خدا شنوا و داناست. (۵۳)

كَدَأْبِ آلِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُم بِذُنُوبِهِمْ وَأَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَكُلٌّ كَانُوا ظَالِمِينَ (۵۴)

[عادت اینان] مانند عادت فرعونیان و پیشینیان آنان است که آیات پروردگارشان را تکذیب کردند، در نتیجه ایشان را به کیفر گناهانشان هلاک نمودیم، و فرعونیان را غرق کردیم و همه آنان ستمکار بودند. (۵۴)

إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِندَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (۵۵)

یقیناً بدترین جنبندگان نزد خدا کسانی هستند که کافرند و [به سبب لجبازی و عنادشان] ایمان نمی آورند. (۵۵)

الَّذِینَ عَاهَدتَّ مِنْهُمْ ثُمَّ یَنقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِی کُلِّ مَرَّةٍ وَهُمْ لَا یَتَّقُونَ (۵۶)

همان کسانی که با برخی از آنان [بارها] پیمان بستی، ولی هر بار پیمانشان را می شکنند و از خدا پروا نمی کنند. (۵۶)

فَإِمَّا تَثْقَفَنَّهُمْ فِی الْحَرْبِ فَشَرِّدْ بِهِم مَّنْ خَلْفَهُمْ لَعَلَّهُمْ یَذَّکَّرُونَ (۵۷)

پس اگر در میدان جنگ، بر آنان دست یافتی [با وارد کردن مجازات و عقوبت سنگین بر ایشان] دیگر کسانی را که دنبال آنانند [و قصد جنگ با تو را دارند] تار و مار کن تا متذکّر [قدرت شما] شوند [و از خیال جنگ با تو بازایستند.] (۵۷)

وَإِمَّا تَخَافَنَّ مِن قَوْمٍ خِیَانَةً فَانبِذْ إِلَیْهِمْ عَلَی سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا یُحِبُّ الْخَائِنِینَ (۵۸)

و اگر از خیانت و پیمان شکنی گروهی [که با آنان هم پیمانی] بیم داری، پس به آنان خبر ده که [پیمان] به صورتی مساوی [و طرفینی] گسسته است؛ زیرا خدا خائنان را دوست ندارد. (۵۸)

وَلَا یَحْسَبَنَّ الَّذِینَ کَفَرُوا سَبَقُوا إِنَّهُمْ لَا یُعْجِزُونَ (۵۹)

و آنان که کافرند گمان نکنند که با پیمان شکنی خود [بر قدرتِ حق] پیشی جسته اند، اینان نمی توانند [ما را] عاجزکنند [تا از دسترس قدرت ما بیرون روند.] (۵۹)

وَأَعِدُّوا لَهُم مَّا اسْتَطَعْتُم مِّن قُوَّةٍ وَمِن رِّبَاطِ الْخَیْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّکُمْ وَآخَرِینَ مِن دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ یَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنفِقُوا مِن شَیْءٍ فِی سَبِیلِ اللَّهِ یُوَفَّ إِلَیْکُمْ وَأَنتُمْ لَا تُظْلَمُونَ (۶۰)

و در برابر آنان آنچه در قدرت و توان دارید از نیرو [و نفرات و ساز و برگ جنگی] و اسبان ورزیده [برای جنگ] آماده کنید تا به وسیله آنها دشمن خدا و دشمن خودتان ودشمنانی غیر ایشان را که نمی شناسید، ولی خدا آنان را می شناسد بترسانید. و هر چه در راه خدا هزینه کنید، پاداشش به طور کامل به شما داده می شود، و مورد ستم قرار نخواهید گرفت. (۶۰)

وَإِن جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَکَّلْ عَلَی اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ (۶۱)

و اگر دشمنان به صلح گرایند، تو هم به صلح گرای، و بر خدا توکل کن، که یقیناً او شنوا و داناست. (۶۱)

ص: ۱۸۴

وَإِن یُرِیدُوا أَن یَخْدَعُوکَ فَإِنَّ حَسْبَکَ اللَّهُ هُوَ الَّذِی أَیَّدَکَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِینَ (۶۲)

و اگر بخواهند [در زمینه صلح و آشتی] تو را بفریبند، یقیناً خدا تو را بس است؛ اوست کسی که تو را با یاری خود و به وسیله مؤمنان نیرومند ساخت. (۶۲)

وَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَّا أَلَّفْتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلَّفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۶۳)

و میان دل هایشان الفت و پیوند برقرار کرد که اگر همه آنچه را در روی زمین است، هزینه می کردی نمی توانستی میان دل هایشان الفت اندازی، ولی خدا میان آنان ایجاد الفت کرد؛ زیرا خدا توانای شکست ناپذیر و حکیم است. (۶۳)

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (۶۴)

ای پیامبر! خدا و مؤمنانی که از تو پیروی می کنند [از نظر حمایت و پشتیبانی] برای تو بس است. (۶۴)

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِن يَكُن مِّنكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِن يَكُن مِّنكُم مِّائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَّا يَفْقَهُونَ (۶۵)

ای پیامبر! مؤمنان را به جنگ برانگیز که اگر از شما بیست نفر صابر باشند بر دویست نفر چیره می شوند، و اگر از شما صد نفر [صابر] باشند بر هزار نفر از کافران چیره می شوند؛ زیرا آنان گروهی هستند [که حقایق توحید و قدرت خدا را] نمی فهمند. (۶۵)

الْآنَ خَفَّفَ اللَّهُ عَنكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِن يَكُن مِّنكُم مِّائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِن يَكُن مِّنكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفَيْنِ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ (۶۶)

اکنون خدا به شما تخفیف داد و معلوم داشت که در شما ضعفی هست؛ بنابراین اگر از شما صد نفر صابر باشند بر دویست نفر چیره می شوند، و اگر هزار نفر [صابر] باشند، به فرمان خدا بر دو هزار نفر چیره می شوند؛ و خدا با صابران است. (۶۶)

مَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَن يَكُونَ لَهُ أَسْرَى حَتَّى يُثْخِنَ فِي الْأَرْضِ تُرِيدُونَ عَرَضَ الدُّنْيَا وَاللَّهُ يُرِيدُ الْآخِرَةَ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۶۷)

هیچ پیامبری را نسزد و نشاید که [پیش از جنگ و پیروزی بر دشمن] اسیران جنگی بگیرد، تا زمانی که [دشمن را به طور کامل] در زمین از قدرت و توان بیندازد [و موقعیت دین و مؤمنان در جهان پابرجا و استوار گردد آن گاه اسیر بگیرد؛ شما ای یاران پیامبر!] متاع ناچیز و ناپایدار دنیا را می خواهید، و خدا [برای شما] آخرت را می خواهد؛ و خدا توانای شکست ناپذیر و حکیم است. (۶۷)

لَّوْلَا كِتَابٌ مِّنَ اللَّهِ سَبَقَ لَمَسَّكُمْ فِيمَا أَخَذْتُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۶۸)

اگر فرمان و حکم لازمی که از سوی خدا گذشته است، نبود [که پیش از اتمام حجت کسی را عذاب نکند] مسلماً شما را به سبب اسیرانی که [بدون اجازه پیامبر و پیش از شروع جنگ] گرفتید، عذابی بزرگ می رسید. (۶۸)

فَكُلُوا مِمَّا غَنِمْتُمْ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۶۹)

آنچه از غنیمت [در میدان جنگ] گرفته اید، حلال و پاکیزه بخورید و از خدا پروا کنید؛ یقیناً خدا بسیار آمرزنده و مهربان

است. (۶۹)

ص: ۱۸۵

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُل لِّمَن فِي أَيْدِيكُم مِّنَ الْأَسْرَى إِن يَعْلَمِ اللَّهُ فِي قُلُوبِكُمْ خَيْرًا يُؤْتِكُمْ خَيْرًا مِّمَّا أُخِذَ مِنكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۷۰)

ای پیامبر! به اسیرانی که در اختیار شمایند، بگو: اگر خدا خیری در دل های شما بداند، بهتر از مالی که [در برابر آزادی شما] از شما گرفته اند به شما می دهد، و گناهانتان را می آمرزد و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (۷۰)

وَإِن يُرِيدُوا خِيَانَتَكَ فَقَدْ خَانُوا اللَّهَ مِن قَبْلُ فَأَمْكَنَ مِنْهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۷۱)

و اگر اسیران آزاد شده بخواهند [پس از آزاد شدنشان] به تو خیانت ورزند، [کار جدید و تازه ای نیست] آنان پیش از این هم به خدا خیانت ورزیدند، پس او تو را بر آنان مسلط ساخت؛ و خدا دانا و حکیم است. (۷۱)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوا وَّنَصَرُوا أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُم مِّن وَلَايَتِهِم مِّن شَيْءٍ حَتَّى يُهَاجِرُوا وَإِنِ اسْتَنصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ إِلَّا عَلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُم مِّيثَاقٌ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۷۲)

مسلماً کسانی که ایمان آوردند، و هجرت کردند، و با اموال و جان هایشان در راه خدا جهاد نمودند، و کسانی که مهاجران را پناه و جا دادند و یاری کردند، اینانند که یار و دوست یکدیگرند. و کسانی که ایمان آوردند و هجرت نکردند شما را از دوستی آنان هیچ سودی نیست تازمانی که هجرت کنند؛ و اگر در امور دین از شما یاری طلبند، بر شماست که آنان را یاری دهید مگر آنکه یاری دادن شما به زیان گروهی باشد که میان شما و آنان پیمان [ترک جنگ] برقرار است؛ و خدا به آنچه انجام می دهید، بیناست. (۷۲)

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُن فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ (۷۳)

و آنان که کافرند، دوستان و یاران یکدیگرند [و] اگر شما فرمان پیوند [با اهل ایمان و قطع رابطه با کافران] را به اجرا نگذارید فتنه و فسادی بزرگ در زمین پیدا خواهد شد. (۷۳)

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوا وَّنَصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَّهُم مَّغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ (۷۴)

و کسانی که ایمان آوردند و هجرت کردند و در راه خدا جهاد نمودند و آنان که مهاجران را پناه دادند و یاری کردند، مؤمنان حقیقی فقط آنانند، برای آنان آمرزش و رزق نیکو و فراوانی است. (۷۴)

وَالَّذِينَ آمَنُوا مِن بَعْدُ وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا مَعَكُمْ فَأُولَئِكَ مِنكُمْ وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَى بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ

عَلِيمٌ (٧۵)

و آنان که بعد [از مؤمنان و نخستین مهاجران] ایمان آوردند و هجرت کردند و همراه شما با دشمنان جنگیدند، از شمایند؛ و خویشاوندان [بنابر آنچه نسبت به برنامه ارث] در کتاب خدا مقرّر شده از دیگران سزاوارترند؛ یقیناً خدا به همه چیز داناست. (٧۵)

ص: ١٨۶

سوره التوبه

بَرَاءَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدتُّم مِّنَ الْمُشْرِكِينَ (١)

این [اعلام] بیزاری و لغو پیمان از سوی خدا و پیامبرش به کسانی از مشرکان است که با آنان پیمان بسته اید. (١)

فَسِيحُوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَأَنَّ اللَّهَ مُخْزِي الْكَافِرِينَ (٢)

بنابراین، چهار ماه حرام را [در کمال آزادی و امنیت] در زمین گردش کنید و بدانید که شما عاجز کننده خدا نیستید [تا بتوانید از دسترس قدرت او بیرون روید] و خدا خوار کننده کافران است. (٢)

وَأَذَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ فَإِن تُبْتُمْ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَبَشِّرِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (٣)

و این اعلامی است از سوی خدا و پیامبرش به همه مردم در روز حج اکبر که: یقیناً خدا و پیامبرش از مشرکان بیزارند [و هیچ تعهدی نسبت به آنان ندارند]؛ پس [ای مشرکان!] اگر [از پیمان شکنی و خیانت] توبه کنید [و مسلمان شوید] برای شما بهتر است و اگر روی [از وفای به پیمان و اسلام] بگردانید، بدانید که شما عاجز کننده خدا نیستید [تا بتوانید از دسترس قدرت او بیرون روید]؛ و کسانی را که کفر ورزیدند، به عذابی دردناک مژده ده. (٣)

إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدتُّم مِّنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنقُصُوكُمْ شَيْئًا وَلَمْ يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدًا فَأَتِمُّوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَى مُدَّتِهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ (۴)

مگر کسانی از مشرکان که با آنان پیمان بستید، سپس چیزی [از شرایط پیمان را] نسبت به شما نکاستند و احدی [از دشمنان را] بر ضد شما یاری نکردند، پس به پیمانشان تا پایان مدتشان وفادار باشید؛ زیرا خدا پرهیزکاران را دوست دارد. (۴)

فَإِذَا انسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرُمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدتُّمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَاحْصُرُوهُمْ وَاقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصَدٍ فَإِن تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۵)

پس هنگامی که ماه های حرام سپری شود، مشرکان را هر جا یافتید، بکشید و به اسیری بگیرید و محاصره کنید و در هر کمین

گاهی به کمین آنان بنشینید؛ ولی اگر توبه کردند و نماز را بر پا داشتند و زکات پرداختند، پس آزادشان گذارید؛ زیرا خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (۵)

وَإِنْ أَحَدٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَّا يَعْلَمُونَ (۶)

و اگر یکی از مشرکان از تو پناه خواست، پس پناهش بده تا سخن خدا را بشنود، آن گاه او را به جایگاه امنش برسان؛ این به سبب آن است که آنان گروهی هستند که [حقایق را] نمی دانند [باشد که در پناه تو و شنیدن سخن حق مسلمان شوند.] (۶)

ص: ۱۸۷

كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِندَ اللَّهِ وَعِندَ رَسُولِهِ إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدتُّمْ عِندَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ (۷)

چگونه مشرکان را نزد خدا و پیامبرش پیمانی [استوار] تواند بود [در صورتی که همواره پیمان شکنی می کنند] مگر کسانی که با آنان در کنار مسجد الحرام پیمان بسته اید، پس تا زمانی که [به پیمانشان] با شما پایداری کنند، شما هم به پیمانتان با آنان پایداری کنید؛ زیرا خدا پرهیزکاران را دوست دارد. (۷)

كَيْفَ وَإِن يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلًّا وَلَا ذِمَّةً يُرْضُونَكُم بِأَفْوَاهِهِمْ وَتَأْبَى قُلُوبُهُمْ وَأَكْثَرُهُمْ فَاسِقُونَ (۸)

چگونه [مشرکان بر پیمان خود پای بندند؟] و در صورتی که اگر بر شما چیره شوند، نه [پیوندِ] خویشاوندی را در حقّ شما رعایت می کنند، نه پیمانی را!! شما را با زبانشان خشنود می کنند، ولی دل هایشان [از خشنود کردن شما] امتناع دارد و بیشترشان فاسقند. (۸)

اشْتَرَوْا بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَصَدُّوا عَن سَبِيلِهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۹)

آیات خدا را در برابر بهایی اندک فروختند و مردم را از راه خدا بازداشتند؛ راستی چه بد است آنچه را همواره انجام می دادند. (۹)

لَا يَرْقُبُونَ فِي مُؤْمِنٍ إِلًّا وَلَا ذِمَّةً وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُعْتَدُونَ (۱۰)

در حقّ هیچ مؤمنی رعایتِ [پیوندِ] خویشاوندی و پیمانی را نمی کنند؛ و آنان همان تجاوز کارانند. (۱۰)

فَإِن تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَنُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (۱۱)

پس اگر [از پیمان شکنی، قطع رحم، کفر و شرک] توبه کنند و نماز را بر پا دارند و زکات بپردازند، برادران دینی شمایند؛ و ما آیات خود را برای گروهی که [واقعیات را] می دانند، به صورت های گوناگون بیان می کنیم. (۱۱)

وَإِن نَّكَثُوا أَيْمَانَهُم مِّن بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أَئِمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنتَهُونَ (١٢)

و اگر پیمان هایشان را پس از تعهدشان شکستند و در دین شما زبان به طعنه و عیب جویی گشودند، در این صورت با پیشوایان کفر بجنگید که آنان را [نسبت به پیمان هایشان] هیچ تعهدی نیست، باشد که [از طعنه زدن و پیمان شکنی] بازایستند. (١٢)

أَلَا تُقَاتِلُونَ قَوْمًا نَّكَثُوا أَيْمَانَهُمْ وَهَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَهُم بَدَءُوكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ أَتَخْشَوْنَهُمْ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَن تَخْشَوْهُ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ (١٣)

چرا و برای چه نمی جنگید؟ آن هم با گروهی که پیمان های خود را شکستند، و عزمشان را بر بیرون کردن پیامبر از وطنش جزم کردند و هم آنان بودند که نخستین بار با شما جنگیدند، آیا از آنان می ترسید؟! در صورتی که اگر مؤمن هستید، خدا سزاوارتر است که از او بترسید. (١٣)

ص: ١٨٨

قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبْهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَيُخْزِهِمْ وَيَنصُرْكُمْ عَلَيْهِمْ وَيَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُّؤْمِنِينَ (١۴)

با آنان بجنگید تا خدا آنان را به دست شما عذاب کند و رسوایشان نماید و شما را بر آنان پیروزی دهد و سینه های [پر سوز و غم] مردم مؤمن را شفا بخشد. (١۴)

وَيُذْهِبْ غَيْظَ قُلُوبِهِمْ وَيَتُوبُ اللَّهُ عَلَى مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (١۵)

و خشم دل هایشان را از میان ببرد؛ و خدا توبه هر کس را بخواهد می پذیرد؛ و خدا دانا و حکیم است. (١۵)

أَمْ حَسِبْتُمْ أَن تُتْرَكُوا وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنكُمْ وَلَمْ يَتَّخِذُوا مِن دُونِ اللَّهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِيجَةً وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (١۶)

آیا گمان کرده اید که شما را به خود واگذارند [و به بوته آزمایش نیازمایند] در حالی که هنوز کسانی از شما را که جهاد کردند و غیر خدا و پیامبرش و مؤمنان را محرم اسرار خود نگرفتند، از دیگران معلوم و مشخص نکرده است [یقیناً باید آزمایش شوید تا مؤمن از غیر مؤمن معلوم و مشخص شود]؛ و خدا به آنچه انجام می دهید، آگاه است. (١۶)

مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَن يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَى أَنفُسِهِم بِالْكُفْرِ أُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ (١٧)

و مشرکان در حالی که بر ضد خود به کفر [و انکار حقایق] گواهی می دهند، صلاحیت آباد کردن مساجد خدا را ندارند؛ ایناناند که اعمالشان تباه و بی اثر است و در آتش جاودانه اند. (١٧)

إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَى أُولَئِكَ أَن يَكُونُوا مِنَ

الْمُهْتَدِينَ (۱۸)

آباد کردن مساجد خدا فقط در صلاحیت کسانی است که به خدا و روز قیامت ایمان آورده و نماز را بر پا داشته و زکات پرداخته و جز از خدا نترسیده اند؛ پس امید است که اینان از راه یافتگان باشند. (۱۸)

أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِندَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۱۹)

آیا آب دادن به حاجیان و آباد کردن مسجدالحرام را مانند [عمل] کسی قرار داده اید که به خدا و روز قیامت ایمان آورده و در راه خدا جهاد کرده است؟! [این دو] نزد خدا برابر و یکسان نیستند و خدا گروه ستمکاران را هدایت نمی کند. (۱۹)

الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ أَعْظَمُ دَرَجَةً عِندَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ (۲۰)

آنان که ایمان آوردند و هجرت کردند و با اموال و جان هایشان در راه خدا به جهاد برخاستند، منزلتشان در پیشگاه خدا بزرگ تر و برتر است، و فقط اینانند که کامیابند. (۲۰)

ص: ۱۸۹

يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُم بِرَحْمَةٍ مِّنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ لَّهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ (۲۱)

پروردگارشان آنان را نزد خود به رحمت و خشنودی و بهشت هایی که برای آنان در آنها نعمت های پایدار است، مژده می دهد. (۲۱)

خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا إِنَّ اللَّهَ عِندَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ (۲۲)

همواره در آنجا جاودانه اند؛ یقیناً نزد خدا پاداشی بزرگ است. (۲۲)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ وَإِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ وَمَن يَتَوَلَّهُم مِّنكُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (۲۳)

ای اهل ایمان! اگر پدرانتان و برادرانتان کفر را بر ایمان ترجیح دهند، آنان را دوستان و سرپرستان خود مگیرید؛ و کسانی از شما که آنان را دوست و سرپرست خود گیرند، هم اینانند که ستمکارند. (۲۳)

قُلْ إِن كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُم مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ (۲۴)

بگو: اگر پدرانتان و فرزندانتان و برادرانتان و همسرانتان و خویشانتان و اموالی که فراهم آورده اید و تجارتی که از بی رونقی

و کسادی اش می ترسید و خانه هایی که به آنها دل خوش کرده اید، نزد شما از خدا و پیامبرش و جهاد در راهش محبوب ترند، پس منتظر بمانید تا خدا فرمان عذابش را بیاورد؛ و خدا گروه فاسقان را هدایت نمی کند. (۲۴)

لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَيَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنكُمْ شَيْئًا وَضَاقَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ ثُمَّ وَلَّيْتُم مُّدْبِرِينَ (۲۵)

بی تردید خدا شما را در جبهه های زیاد و عرصه های بسیار یاری کرد و [به ویژه] روز [نبرد] حنین، آن زمان که فزونی افرادتان شما را مغرور و شگفت زده کرد، ولی [فزونی عدد] چیزی از خطر را از شما برطرف نکرد، و زمین با همه وسعت و فراخی اش بر شما تنگ شد، سپس پشت به دشمن از عرصه نبرد گریختید. (۲۵)

ثُمَّ أَنزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَنزَلَ جُنُودًا لَّمْ تَرَوْهَا وَعَذَّبَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ (۲۶)

آن گاه خدا آرامش خود را [که حالت طمأنینه قلبی است] بر پیامبرش و مؤمنان نازل کرد، و لشکریانی که آنان را نمی دیدید [برای یاری مؤمنان] فرود آورد، و کسانی را که کفر می ورزیدند، به عذاب سختی مجازات کرد؛ و این است کیفر کفرپیشگان. (۲۶)

ص: ۱۹۰

ثُمَّ يَتُوبُ اللَّهُ مِن بَعْدِ ذَلِكَ عَلَى مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۲۷)

سپس خدا بعد از این [گناه بزرگ که فرار از جنگ است] توبه هر کس را که بخواهد می پذیرد؛ و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (۲۷)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِن فَضْلِهِ إِن شَاءَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۲۸)

ای اهل ایمان! جز این نیست که مشرکان پلیدند؛ پس نباید بعد از امسال به مسجدالحرام نزدیک شوند؛ و اگر [به سبب قطع رابطه با آنان و تعطیل شدن داد و ستد با ایشان] از بی نوایی و تنگدستی می ترسید، خدا اگر بخواهد شما را از فضل و احسانش بی نیاز می کند؛ یقیناً خدا دانا و حکیم است. (۲۸)

قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَن يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ (۲۹)

با کسانی از اهل کتاب که به خدا و روز قیامت ایمان نمی آورند، و آنچه را خدا و پیامبرش حرام کرده اند، حرام نمی شمارند، و دین حق را نمی پذیرند، بجنگید تا با دست خود در حالی که [نسبت به احکام دولت اسلامی] متواضع و فروتن اند، جزیه بپردازند. (۲۹)

وَقالَتِ الْيَهُودُ عُزَيْرٌ ابْنُ اللَّهِ وَقالَتِ النَّصارَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ ذلِكَ قَوْلُهُم بِأَفْوَاهِهِمْ يُضَاهِئُونَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن قَبْلُ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ (۳۰)

و یهود گفتند: عُزیر، پسر خداست. و نصاری گفتند: مسیح، پسر خداست. این گفتاری [بی دلیل و برهان] است که به زبان می آورند، و به گفتار کسانی که پیش از این [به حقایق] کفر ورزیدند، شباهت دارد؛ خدا آنان را نابود کند، چگونه [از حق به باطل] منحرف می شوند. (۳۰)

اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِّن دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا لَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ (۳۱)

آنان دانشمندان و راهبانشان و مسیح پسر مریم را به جای خدا به خدایی گرفتند؛ در حالی که مأمور نبودند مگر اینکه معبود یگانه را که هیچ معبودی جز او نیست بپرستند؛ منزّه و پاک است از آنچه شریک او قرار می دهند. (۳۱)

ص: ۱۹۱

يُرِيدُونَ أَن يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَن يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ (۳۲)

همواره می خواهند نور خدا را با سخنان باطل [و تبلیغاتِ بی پایه] خود خاموش کنند؛ ولی خدا جز اینکه نور خود را کامل کند، نمی خواهد، هر چند کافران خوش نداشته باشند. (۳۲)

هُوَ الَّذِی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ (۳۳)

اوست که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاد، تا آن را بر همه ادیان پیروز گرداند، هر چند مشرکان خوش نداشته باشند. (۳۳)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْأَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنفِقُونَهَا فِی سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (۳۴)

ای اهل ایمان! یقیناً بسیاری از عالمان یهود و راهبان، اموال مردم را به باطل [و به صورتی نامشروع] می خورند و همواره [مردم را] از راه خدا بازمی دارند؛ و کسانی را که طلا و نقره می اندوزند و آن را در راه خدا هزینه نمی کنند، به عذاب دردناکی مژده ده. (۳۴)

يَوْمَ يُحْمَى عَلَيْهَا فِی نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنَزْتُمْ لِأَنفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنتُمْ تَكْنِزُونَ (۳۵)

روزی که آن اندوخته ها را در آتش دوزخ به شدّت گرما دهند و پیشانی و پهلو و پشتشان را به آن داغ کنند [و به آنان نهیب زنند] این است ثروتی که برای خود اندوختید، پس کیفر زراندوزی خود را بچشید. (۳۵)

إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِندَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِى كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنفُسَكُمْ وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ (۳۶)

یقیناً شماره ماه ها در پیشگاه خدا از روزی که آسمان ها و زمین را آفریده در کتاب [علم] خدا دوازده ماه است؛ از آنها چهار ماهش ماه حرام است؛ این است حساب استوار و پایدار؛ پس در این چهار ماه [با جنگ و فتنه و خونریزی] بر خود ستم روا مدارید و با همه مشرکان همان گونه که آنان با همه شما می جنگند، بجنگید و بدانید خدا با پرهیزکاران است. (۳۶)

ص: ۱۹۲

إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِى الْكُفْرِ يُضَلُّ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُحِلُّونَهُ عَامًا وَيُحَرِّمُونَهُ عَامًا لِّيُوَاطِئُوا عِدَّةَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ فَيُحِلُّوا مَا حَرَّمَ اللَّهُ زُيِّنَ لَهُمْ سُوءُ أَعْمَالِهِمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِى الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ (۳۷)

بی تردید به تأخیر انداختن [حرمت ماهی به ماه دیگر] افزایشی در کفر است؛ [و این بدعتی است که سردمداران کفر] کافران را به سبب آن [نسبت به ماه های حرام واقعی] گمراه می کنند، یک سال ماه حرام را حلال می شمارند و در دیگر سال آن را حرام می دانند تا با شماره ماه هایی که خدا حرام کرده هماهنگ و مطابق سازند ولی [در نهایت] آنچه را خدا حرام کرده از پیش خود حلال می کنند؛ زشتی کارهایشان در نظرشان آراسته شده و خدا گروه کافران را هدایت نمی کند. (۳۷)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمُ انفِرُوا فِى سَبِيلِ اللَّهِ اثَّاقَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرَضِيتُم بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِى الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ (۳۸)

ای اهل ایمان! شما را چه عذر و بهانه ای است هنگامی که به شما گویند: برای نبرد در راه خدا باشتاب [از شهر و دیارتان] بیرون روید؛ به سستی و کاهلی می گرایید [و به دنیا و شهواتش میل می کنید؟!] آیا به زندگی دنیا به جای آخرت دل خوش شده اید؟ کالای زندگی دنیا در برابر آخرت جز کالایی اندک نیست. (۳۸)

إِلَّا تَنفِرُوا يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَيَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّوهُ شَيْئًا وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۳۹)

اگر باشتاب بیرون نروید، خدا شما را به عذابی دردناک عذاب می کند و گروه دیگری را به جای شما می آورد؛ و شما [با نرفتن به میدان نبرد] هیچ زیانی به خدا نمی رسانید؛ و خدا بر هر کاری تواناست. (۳۹)

إِلَّا تَنصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيَ اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِى الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَّمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۴۰)

اگر پیامبر را یاری ندهید، یقیناً خدا او را یاری می دهد؛ چنان که او را یاری داد هنگامی که کافران از مکه بیرونش کردند در حالی که یکی از دو تن بود، آن زمان هر دو در غار [ثور نزدیک مکه] بودند، همان زمانی که به همراهش گفت: اندوه به خود راه مده خدا با ماست. پس خدا آرامش خود را [که حالت طمأنینه قلبی است] بر پیامبر نازل کرد، و او را با لشکریانی که شما ندیدید، نیرومند ساخت، و شعار کافران را پست تر قرار داد، و شعار خداست که شعار والاتر و برتر است؛ و خدا توانای

شکست ناپذیر و حکیم است. (۴۰)

ص: ۱۹۳

انفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِکُمْ وَأَنفُسِکُمْ فِی سَبِیلِ اللَّهِ ذَلِکُمْ خَیْرٌ لَّکُمْ إِن کُنتُمْ تَعْلَمُونَ (۴۱)

با شتاب با تجهیزات سبک و سنگین [و سواره، پیاده، پیر و جوان به سوی میدان نبرد] بیرون روید، و با اموال و جان هایتان در راه خدا جهاد کنید که اگر دانا [یِ به حقایق] باشید این برای شما بهتر است. (۴۱)

لَوْ کَانَ عَرَضًا قَرِیبًا وَسَفَرًا قَاصِدًا لَّاتَّبَعُوکَ وَلَکِن بَعُدَتْ عَلَیْهِمُ الشُّقَّهُ وَسَیَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَوِ اسْتَطَعْنَا لَخَرَجْنَا مَعَکُمْ یُهْلِکُونَ أَنفُسَهُمْ وَاللَّهُ یَعْلَمُ إِنَّهُمْ لَکَاذِبُونَ (۴۲)

اگر [برای مسلمانان سست اراده و منافقانِ مسلمان نما] غنیمتی [بی رنج و مشقت] در دسترس بود و [راه] سفر [به سوی میدان نبرد] کوتاه و آسان بود، مسلماً به دنبال تو می آمدند، ولی پیمودن راه طولانی پر مشقت به نظرشان طاقت فرسا آمد، و به زودی به خدا سوگند می خورند که اگر توانایی داشتیم یقیناً با شما بیرون می آمدیم [آنان] خود را [به دروغ و تزویرشان] هلاک می کنند و خدا می داند که بی تردید آنان دروغگویند. (۴۲)

عَفَا اللَّهُ عَنکَ لِمَ أَذِنتَ لَهُمْ حَتَّی یَتَبَیَّنَ لَکَ الَّذِینَ صَدَقُوا وَتَعْلَمَ الْکَاذِبِینَ (۴۳)

خدا تو را مورد بخشش و لطف قرار دهد، چرا پیش از آنکه [راستگویی] راستگویان بر تو روشن شود، و دروغگویان را بشناسی [از روی مهر و محبتی که به ایشان داری] به آنان اجازه [ترک جنگ] دادی؟ (۴۳)

لَا یَسْتَأْذِنُکَ الَّذِینَ یُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْیَوْمِ الْآخِرِ أَن یُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ وَاللَّهُ عَلِیمٌ بِالْمُتَّقِینَ (۴۴)

آنان که به خدا و روز قیامت ایمان دارند از تو برای بازایستادن از جهاد با اموال و جان هایشان اجازه نمی خواهند [بلکه در هر شرایطی مشتاقانه به سوی میدان نبرد بیرون می روند]؛ و خدا به پرواپیشگان داناست. (۴۴)

إِنَّمَا یَسْتَأْذِنُکَ الَّذِینَ لَا یُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْیَوْمِ الْآخِرِ وَارْتَابَتْ قُلُوبُهُمْ فَهُمْ فِی رَیْبِهِمْ یَتَرَدَّدُونَ (۴۵)

فقط کسانی از تو اجازه ترک جهاد می خواهند که به خدا و روز قیامت ایمان ندارند و دل هایشان [در انجام فرمان های حق] دچار تردید است و همواره در تردیدشان سرگردانند. (۴۵)

وَلَوْ أَرَادُوا الْخُرُوجَ لَأَعَدُّوا لَهُ عُدَّهً وَلَکِن کَرِهَ اللَّهُ انبِعَاثَهُمْ فَثَبَّطَهُمْ وَقِیلَ اقْعُدُوا مَعَ الْقَاعِدِینَ (۴۶)

و اگر برای بیرون رفتن [به سوی میدان نبرد] تصمیم جدّی داشتند، مسلماً برای آن ساز و برگ آماده می کردند، ولی خدا [به سبب سستی اراده و نفاقشان] برانگیختن آنان را [به سوی میدان نبرد] خوش نداشت، پس آنان را از حرکت بازداشت، و [انگار به آنان] گفته شد: با نشستگان [در خانه ها که به علتی معذور از جنگند] بنشینید. (۴۶)

لَوْ خَرَجُوا فِيكُم مَّا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا وَلَأَوْضَعُوا خِلَالَكُمْ يَبْغُونَكُمُ الْفِتْنَةَ وَفِيكُمْ سَمَّاعُونَ لَهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ (۴۷)

اگر [هم] با شما بیرون می آمدند، جز شرّ و فساد به شما نمی افزودند و مسلماً خود را برای سخن چینی [و نمّامی] در میان شما قرار می دادند تا [برای از هم گسستن شیرازه سپاه اسلام] فتنه جویی کنند و در میان شما جاسوسانی برای آنان هستند [که به نفعشان خبرچینی می کنند]؛ و خدا به ستمکاران داناست. (۴۷)

ص: ۱۹۴

لَقَدِ ابْتَغَوُا الْفِتْنَةَ مِن قَبْلُ وَقَلَّبُوا لَكَ الْأُمُورَ حَتَّى جَاءَ الْحَقُّ وَظَهَرَ أَمْرُ اللَّهِ وَهُمْ كَارِهُونَ (۴۸)

قطعاً پیش از این هم فتنه جویی می کردند و امور را بر تو وارونه و دگرگون می ساختند، تا آنکه [یاریِ] حق آمد و فرمان خدا [که تحقّق پیروزی و موفقیت شماست] آشکار شد، در حالی که آنان خوش نداشتند. (۴۸)

وَمِنْهُم مَّن يَقُولُ ائْذَن لِّي وَلَا تَفْتِنِّي أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ (۴۹)

و از منافقان کسانی هستند که می گویند: ما را اجازه ترک نبرد ده و به فتنه و گناه دچار مکن. آگاه باش که [آنان با این درخواست ناهنجارشان] به فتنه و گناه افتاده اند؛ و یقیناً دوزخ بر کافران احاطه دارد. (۴۹)

إِن تُصِبْكَ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَإِن تُصِبْكَ مُصِيبَةٌ يَقُولُوا قَدْ أَخَذْنَا أَمْرَنَا مِن قَبْلُ وَيَتَوَلَّوا وَّهُمْ فَرِحُونَ (۵۰)

اگر [در میدان نبرد] پیروزی و غنیمت به تو رسد، غمگینشان می کند، و اگر تو را آسیب و زیانی رسد، می گویند: ما پیش از این تصمیم خود را [بر شرکت نکردن در جنگ] گرفته بودیم [و احتیاط را از دست ندادیم] و در حالی که خوشحال و شادمانند [به خانه و زندگی و به سوی امور مادی] بازمی گردند. (۵۰)

قُل لَّن يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (۵۱)

بگو: هرگز به ما جز آنچه خدا لازم و مقرّر کرده، نخواهد رسید، او سرپرست و یار ماست و مؤمنان فقط باید بر خدا توکل کنند. (۵۱)

قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا إِلَّا إِحْدَى الْحُسْنَيَيْنِ وَنَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمْ أَن يُصِيبَكُمُ اللَّهُ بِعَذَابٍ مِّنْ عِندِهِ أَوْ بِأَيْدِينَا فَتَرَبَّصُوا إِنَّا مَعَكُم مُّتَرَبِّصُونَ (۵۲)

بگو: آیا درباره ما جز یکی از دو نیکی [پیروزی یا شهادت] را انتظار می برید؟ در صورتی که ما درباره شما انتظار می بریم که خدا از سوی خود یا به دست ما عذابی به شما برساند؛ پس انتظار برید که ما هم با شما منتظریم. (۵۲)

قُلْ أَنفِقُوا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا لَّن يُتَقَبَّلَ مِنكُمْ إِنَّكُمْ كُنتُمْ قَوْمًا فَاسِقِينَ (۵۳)

بگو: [ای منافقان!] چه از روی میل و رغبت یا بی میلی و اکراه انفاق کنید، هرگز از شما پذیرفته نشود؛ زیرا شما گروهی فاسق هستید. (۵۳)

وَمَا مَنَعَهُمْ أَن تُقْبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَاتُهُمْ إِلَّا أَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ وَلَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَهُمْ كُسَالَى وَلَا يُنفِقُونَ إِلَّا وَهُمْ كَارِهُونَ (۵۴)

هیچ چیز آنان را از پذیرفته شدن انفاقشان بازنداشت، مگر آنکه آنان به خدا و پیامبرش کافر شدند، و نماز را جز با کسالت وسستی به جا نمی آورند، و جز با بی میلی و ناخشنودی انفاق نمی کنند. (۵۴)

ص: ۱۹۵

فَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُم بِهَا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ (۵۵)

اموال و فرزندانشان تو را به شگفت نیاورد؛ خدا می خواهد آنان را در این زندگی دنیا به وسیله آنها عذاب کند، و جانشان در حالی که کافرند بیرون رود. (۵۵)

وَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنَّهُمْ لَمِنكُمْ وَمَا هُم مِّنكُمْ وَلَكِنَّهُمْ قَوْمٌ يَفْرَقُونَ (۵۶)

[با کمال بی شرمی] به خدا سوگند یاد می کنند که حتماً از زمره شمایند؛ در صورتی که از شما نیستند، بلکه گروهی اند که از شما [به سبب ایمان استوارتان] در اضطراب و ترس به سر می برند. (۵۶)

لَوْ يَجِدُونَ مَلْجَأً أَوْ مَغَارَاتٍ أَوْ مُدَّخَلًا لَّوَلَّوْا إِلَيْهِ وَهُمْ يَجْمَحُونَ (۵۷)

اگر پناهگاهی یا غارهایی یا گریزگاهی می یافتند، شتابان به سوی آنها روی می آوردند. (۵۷)

وَمِنْهُم مَّن يَلْمِزُكَ فِي الصَّدَقَاتِ فَإِنْ أُعْطُوا مِنْهَا رَضُوا وَإِن لَّمْ يُعْطَوْا مِنْهَا إِذَا هُمْ يَسْخَطُونَ (۵۸)

برخی از آنان نسبت به [تقسیم] صدقات بر تو خرده می گیرند، پس اگر از صدقات به آنان داده شود خشنود می شوند، و اگر داده نشود، ناگاه خشمگین می شوند. (۵۸)

وَلَوْ أَنَّهُمْ رَضُوا مَا آتَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ سَيُؤْتِينَا اللَّهُ مِن فَضْلِهِ وَرَسُولُهُ إِنَّا إِلَى اللَّهِ رَاغِبُونَ (۵۹)

و اگر آنان به آنچه خدا و پیامبرش به ایشان عطا کرده اند، خشنود می شدند و می گفتند: خدا ما را بس است؛ خدا و پیامبرش به زودی از فضل و احسان خود به ما عطا می کنند [و] ما فقط به سوی خدا مایل و علاقمندیم [برای آنان بهتر بود.] (۵۹)

إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۶۰)

صدقات، فقط ویژه نیازمندان و تهیدستان [زمین گیر] و کارگزاران [جمع و پخش آن] و آنانکه باید [به خاطر تمایل به اسلام]

قلوبشان را به دست آورد، و برای [آزادی] بردگان و [پرداخت بدهی] بدهکاران و [هزینه کردن] در راه خدا [که شامل هر کار خیر و عام المنفعه می باشد] و در راه ماندگان است؛ [این احکام] فریضه ای از سوی خداست، و خدا دانا و حکیم است. (۶۰)

وَمِنْهُمُ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ قُلْ أُذُنُ خَيْرٍ لَّكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةٌ لِّلَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۶۱)

و از منافقان کسانی هستند که همواره پیامبر را آزار می دهند، و می گویند: شخص زود باور و نسبت به سخن این و آن سراپا گوش است. بگو: او در جهت مصلحت شما سراپا گوش و زود باور خوبی است، به خدا ایمان دارد و فقط به مؤمنان اعتماد می ورزد، و برای کسانی از شما که ایمان آورده اند، رحمت است، و برای آنانکه همواره پیامبر خدا را آزار می دهند، عذابی دردناک است. (۶۱)

ص: ۱۹۶

يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ لِيُرْضُوكُمْ وَاللَّهُ وَرَسُولُهُ أَحَقُّ أَن يُرْضُوهُ إِن كَانُوا مُؤْمِنِينَ (۶۲)

آنان برای شما [از روی حیله و تزویر برای معذور نشان دادن خود نسبت به کارهای ناهنجارشان] به خدا سوگند می خورند تا شما را راضی و خشنود سازند، در صورتی که اگر مؤمن بودند، شایسته تر آن بود که خدا و رسولش را خشنود کنند. (۶۲)

أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّهُ مَن يُحَادِدِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَأَنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا ذَٰلِكَ الْخِزْيُ الْعَظِيمُ (۶۳)

آیا ندانسته اند که هر کس با خدا و رسولش دشمنی و مخالفت کند، مسلماً آتش دوزخ برای اوست که در آن جاودانه است؛ این [همان] رسوایی بزرگ است. (۶۳)

يَحْذَرُ الْمُنَافِقُونَ أَن تُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ سُورَةٌ تُنَبِّئُهُم بِمَا فِي قُلُوبِهِمْ قُلِ اسْتَهْزِئُوا إِنَّ اللَّهَ مُخْرِجٌ مَّا تَحْذَرُونَ (۶۴)

منافقان از اینکه سوره ای بر ضدشان نازل شود که آنان را از اسراری که [در جهت دشمنی با خدا، پیامبر، مؤمنان و حکومت اسلامی] در دل هایشان وجود دارد، آگاه نماید اظهار ترس و نگرانی می کنند؛ بگو: مسخره کنید، خدا آنچه را از آن بیمناک و نگرانید، آشکار خواهد کرد. (۶۴)

وَلَئِن سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَنَلْعَبُ قُلْ أَبِاللَّهِ وَآيَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنتُمْ تَسْتَهْزِئُونَ (۶۵)

و اگر [نسبت به اعمال ناهنجار و گفتار باطلشان] از آنان بازخواست کنی، قاطعانه می گویند: فقط شوخی وبازی کردیم! بگو: آیا خدا وآیات او و پیامبرش را مسخره می کردید؟! (۶۵)

لَا تَعْتَذِرُوا قَدْ كَفَرْتُم بَعْدَ إِيمَانِكُمْ إِن نَّعْفُ عَن طَائِفَةٍ مِّنكُمْ نُعَذِّبْ طَائِفَةً بِأَنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ (۶۶)

[بگو: نسبت به اعمال و گفتارتان] عذرخواهی نکنید که [عذرخواهی شما را پایه واساسی نیست] یقیناً شما پس از ایمانتان کافر شدید؛ اگر از گروهی از شما [که تابع و دنباله رو بودید] درگذریم، گروه دیگر را [که سردمداران برنامه های منافقانه بودند] به سبب آنکه همواره [در جامعه اسلامی] دست به جرم و خطا می زدند، قطعاً عذاب می کنیم. (۶۶)

الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُم مِّن بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (۶۷)

مردان و زنان منافق همانند و مشابه یکدیگرند، به کار بد فرمان می دهند و از کار نیک باز می دارند و از انفاق در راه خدا امساک می ورزند، خدا را فراموش کردند و خدا هم آنان را [از لطف و رحمت خود] محروم کرد؛ یقیناً منافقانند که فاسق اند. (۶۷)

وَعَدَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا هِيَ حَسْبُهُمْ وَلَعَنَهُمُ اللَّهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ (۶۸)

خدا آتش دوزخ را به مردان و زنان منافق و کافران وعده داده، در آن جاودانه اند، همان برای آنان بس است و خدا لعنتشان کرده و برای آنان عذابی پایدار است. (۶۸)

ص: ۱۹۷

كَالَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنكُمْ قُوَّةً وَأَكْثَرَ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا فَاسْتَمْتَعُوا بِخَلَاقِهِمْ فَاسْتَمْتَعْتُم بِخَلَاقِكُمْ كَمَا اسْتَمْتَعَ الَّذِينَ مِن قَبْلِكُم بِخَلَاقِهِمْ وَخُضْتُمْ كَالَّذِي خَاضُوا أُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (۶۹)

[همه شما منافقان و کافران در نفاق و کفر] مانند کسانی هستید که پیش از شما بودند؛ آنان از شما نیرومندتر و اموال و فرزندانشان بیشتر بود؛ آنان از سهمشان [که در دنیا از نعمت های خدا داشتند در امور باطل] بهره گرفتند؛ پس شما نیز از سهمتان همان گونه که آنان از سهمشان بهره گرفتند بهره گرفتید، و به صورتی که [آنان در شهواتشان] فرو رفتند فرو رفتید؛ اینانند که اعمالشان در دنیا و آخرت تباه و بی اثر است و در حقیقت اینانند که زیانکارند. (۶۹)

أَلَمْ يَأْتِهِمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَقَوْمِ إِبْرَاهِيمَ وَأَصْحَابِ مَدْيَنَ وَالْمُؤْتَفِكَاتِ أَتَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (۷۰)

آیا خبر کسانی که پیش از آنان بودند به اینان نرسیده؟ خبر قوم نوح و عاد و ثمود و قوم ابراهیم و اصحاب مدین و شهرهای زیر و رو شده [قوم لوط] که پیامبرانشان برای آنان دلایل روشن آوردند [ولی نپذیرفتند]؛ خدا بر آن نبود که به آنان ستم ورزد، ولی آنان بودند که همواره بر خود ستم می کردند. (۷۰)

وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۷۱)

مردان و زنان با ایمان دوست و یار یکدیگرند؛ همواره به کارهای نیک و شایسته فرمان می دهند و از کارهای زشت و ناپسند بازمی دارند، و نماز را برپا می کنند، و زکات می پردازند، و از خدا و پیامبرش اطاعت می نمایند؛ یقیناً خدا آنان را مورد رحمت قرار می دهد؛ زیرا خدا توانای شکست ناپذیر و حکیم است. (۷۱)

وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۷۲)

خدا به مردان و زنان با ایمان بهشت هایی را وعده داده که از زیرِ [درختانِ] آن نهرها جاری است؟ در آن جاودانه اند، و نیز سراهای پاکیزه ای را در بهشت های ابدی [وعده فرموده] و هم چنین خشنودی و رضایتی از سوی خدا [که از همه آن نعمت ها] بزرگ تر است؛ این همان کامیابی بزرگ است. (۷۲)

ص: ۱۹۸

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (۷۳)

ای پیامبر! با کافران و منافقان به جهاد برخیز و نسبت به آنان سخت گیری کن [و درشت خو باش]؛ و جایگاهشان دوزخ است؛ و دوزخ بد بازگشت گاهی است. (۷۳)

يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ مَا قَالُوا وَلَقَدْ قَالُوا كَلِمَةَ الْكُفْرِ وَكَفَرُوا بَعْدَ إِسْلَامِهِمْ وَهَمُّوا بِمَا لَمْ يَنَالُوا وَمَا نَقَمُوا إِلَّا أَنْ أَغْنَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ مِن فَضْلِهِ فَإِن يَتُوبُوا يَكُ خَيْرًا لَّهُمْ وَإِن يَتَوَلَّوْا يُعَذِّبْهُمُ اللَّهُ عَذَابًا أَلِيمًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ مِن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ (۷۴)

همواره سوگند می خورند که [بر ضد پیامبر سخن ناروا و نادرست] نگفته اند، در صورتی که سخن کفرآمیز گفته اند و پس از اسلامشان کافر شده اند و به آنچه [از اهداف خائنانه ای که] دست نیافتند، اهتمام ورزیدند، و زبان به عیب جویی و انکار [نسبت به پیامبر] نگشودند مگر پس از آنکه خدا و پیامبرش آنان را از فضل و احسان خود توانگر ساختند؛ پس اگر توبه کنند برای آنان بهتر است؛ و اگر روی [از خدا و پیامبر] برگردانند، خدا آنان را در دنیا و آخرت به عذابی دردناک مجازات خواهد کرد و آنان را در زمین سرپرست و یاری [برای نجاتشان از چنگال عذاب] نخواهد بود. (۷۴)

وَمِنْهُم مَّنْ عَاهَدَ اللَّهَ لَئِنْ آتَانَا مِن فَضْلِهِ لَنَصَّدَّقَنَّ وَلَنَكُونَنَّ مِنَ الصَّالِحِينَ (۷۵)

از منافقان کسانی هستند که با خدا پیمان بستند، چنانچه خدا از فضل و احسانش به ما عطا کند، یقیناً صدقه خواهیم داد و از شایستگان خواهیم شد. (۷۵)

فَلَمَّا آتَاهُم مِّن فَضْلِهِ بَخِلُوا بِهِ وَتَوَلَّوا وَّهُم مُّعْرِضُونَ (۷۶)

هنگامی که خدا از فضل و احسانش به آنان عطا کرد نسبت به [هزینه کردن] آن [در راه خدا] بخل ورزیدند و اعراض کنان [از پیمانشان] روی گرداندند. (۷۶)

فَأَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِی قُلُوبِهِمْ إِلَی یَوْمِ یَلْقَوْنَهُ بِمَا أَخْلَفُوا اللَّهَ مَا وَعَدُوهُ وَبِمَا کَانُوا یَکْذِبُونَ (۷۷)

پس برای آنکه به وعده های خود با خدا وفا نکردند، و همواره دروغ می گفتند، نفاقی [ثابت] در دل هایشان تا روزی که خدا را ملاقات کنند، باقی گذاشت. (۷۷)

أَلَمْ یَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ یَعْلَمُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ وَأَنَّ اللَّهَ عَلَّامُ الْغُیُوبِ (۷۸)

آیا ندانستند که خدا اسرار و پنهان سخن گفتن آنان را می داند و قطعاً خدا دانای به همه نهان هاست؟! (۷۸)

الَّذِینَ یَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِینَ مِنَ الْمُؤْمِنِینَ فِی الصَّدَقَاتِ وَالَّذِینَ لَا یَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ فَیَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِیمٌ (۷۹)

آنان که در رابطه باصدقات از مؤمنانی که [افزون بر صدقه واجبشان از روی رضا ورغبت] صدقه [مستحبی] می پردازند، عیب جویی می کنند، و کسانی را که جز به اندازه قدرتشان [ثروت و مالی] نمی یابند [تا صدقه دهند] مسخره می کنند؛ خدا هم کیفر مسخره آنان را خواهدداد و برای آنان عذابی دردناک خواهدبود. (۷۹)

ص: ۱۹۹

اسْتَغْفِرْ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ إِن تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِینَ مَرَّةً فَلَن یَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ذَلِکَ بِأَنَّهُمْ کَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاللَّهُ لَا یَهْدِی الْقَوْمَ الْفَاسِقِینَ (۸۰)

برای آنان [که عیب جویان مسخره کننده اند] چه آمرزش بخواهی چه نخواهی [یکسان است] اگر برای آنان هفتاد بار هم آمرزش بخواهی، خدا هرگز آنان را نخواهد آمرزید؛ زیرا آنان به خدا و پیامبرش کفر ورزیدند و خدا گروه فاسقان را هدایت نمی کند. (۸۰)

فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ وَکَرِهُوا أَن یُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ فِی سَبِیلِ اللَّهِ وَقَالُوا لَا تَنفِرُوا فِی الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَّوْ کَانُوا یَفْقَهُونَ (۸۱)

بر جای ماندگان [از جنگ تبوک] از خانه نشستن خود به سبب مخالفت با پیامبر خدا خوشحال شدند و خوش نداشتند که با اموال و جانهایشان در راه خدا جهاد کنند، و [به مؤمنان] گفتند: در این گرما [برای جهاد] بیرون نروید. بگو: آتش دوزخ در حرارت و گرمی، بسیار سخت تر است، اگر می فهمیدید. (۸۱)

فَلْیَضْحَکُوا قَلِیلًا وَلْیَبْکُوا کَثِیرًا جَزَاءً بِمَا کَانُوا یَکْسِبُونَ (۸۲)

پس به کیفر گناهانی که همواره مرتکب می شدند باید کمتر بخندند و بسیار بگریند. (۸۲)

فَإِن رَّجَعَکَ اللَّهُ إِلَی طَائِفَةٍ مِّنْهُمْ فَاسْتَأْذَنُوکَ لِلْخُرُوجِ فَقُل لَّن تَخْرُجُوا مَعِیَ أَبَدًا وَلَن تُقَاتِلُوا مَعِیَ عَدُوًّا إِنَّکُمْ رَضِیتُم بِالْقُعُودِ أَوَّلَ

مَرَّةٍ فَاقْعُدُوا مَعَ الْخَالِفِينَ (۸۳)

چنانچه خدا تو را [از سفر جنگ تبوک] به سوی گروهی از آنان [که بدون عذر از جنگ بازماندند] بازگرداند و آنان برای بیرون آمدن [به سوی جنگی دیگر] از تو اجازه خواستند، پس بگو: هرگز با من بیرون نخواهید آمد، و هرگز همراه من با هیچ دشمنی نخواهید جنگید؛ زیرا شما نخستین بار به نشستن در خانه [و ترک جنگ] خوشحال شدید، اکنون هم با مخالفین بنشینید. (۸۳)

وَلَا تُصَلِّ عَلَى أَحَدٍ مِّنْهُم مَّاتَ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَاتُوا وَهُمْ فَاسِقُونَ (۸۴)

و هرگز به جنازه هیچ کدام از آنان نماز مخوان و بر گورش [برای دعا و طلب آمرزش] نایست؛ زیرا آنان به خدا و پیامبرش کافر شدند و در حالی که فاسق بودند، از دنیا رفتند. (۸۴)

وَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَأَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَن يُعَذِّبَهُم بِهَا فِي الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ (۸۵)

اموال و فرزندانشان تو را به شگفت نیاورد [این ها برای آنان خوشبختی نیست] خدا فقط می خواهد آنان را در دنیا به اموال و فرزندانشان عذاب کند، و در حالی که کافرند جانشان درآید. (۸۵)

وَإِذَا أُنزِلَتْ سُورَةٌ أَنْ آمِنُوا بِاللَّهِ وَجَاهِدُوا مَعَ رَسُولِهِ اسْتَأْذَنَكَ أُولُو الطَّوْلِ مِنْهُمْ وَقَالُوا ذَرْنَا نَكُن مَّعَ الْقَاعِدِينَ (۸۶)

و چون سوره ای نازل شود که: [در آن سوره از آنان خواسته اند] به خدا ایمان آورید و همراه پیامبرش جهاد کنید؛ ثروتمندان و قدرتمندان [منافق] از تو اجازه می خواهند [که در جهاد شرکت نکنند] و می گویند: بگذار که ما با خانه نشینان باشیم. (۸۶)

ص: ۲۰۰

رَضُوا بِأَن يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ وَطُبِعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ (۸۷)

آنان راضی شده اند که با خانه نشینان باشند!! بر دل هایشان مهر تیره بختی زده شده پس [به همین سبب] آنان [منافع جهاد در راه خدا و بهره های آخرتی آن را] نمی فهمند. (۸۷)

لَكِنِ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ وَأُولَئِكَ لَهُمُ الْخَيْرَاتُ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۸۸)

ولی پیامبر و کسانی که با او ایمان آوردند با اموال و جان هایشان جهاد کردند، اینانند که همه خیرات [دنیا و آخرت] برای آنان است و اینانند که رستگارند. (۸۸)

أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۸۹)

خدا برای آنان بهشت هایی را آماده کرده است که از زیر [درختانِ] آن نهرها جاری است، در آنجا جاودانه اند، این است

کامیابی بزرگ. (۸۹)

وَجَاءَ الْمُعَذِّرُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ لِيُؤْذَنَ لَهُمْ وَقَعَدَ الَّذِينَ كَذَبُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ سَيُصِيبُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۹۰)

عذر آورندگان از بادیه نشینان نزد تو آمدند تا به آنان اجازه [ترک جنگ] داده شود، و کسانی که به خدا و رسولش دروغ گفتند [بدون آمدن نزد تو و بی هیچ عذری در خانه] نشستند، به زودی به کسانی از آنان که کفر ورزیدند، عذابی دردناک خواهد رسید. (۹۰)

لَيْسَ عَلَى الضُّعَفَاءِ وَلَا عَلَى الْمَرْضَى وَلَا عَلَى الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا يُنفِقُونَ حَرَجٌ إِذَا نَصَحُوا لِلَّهِ وَرَسُولِهِ مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِن سَبِيلٍ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۹۱)

بر ناتوانان و بیماران و آنان که چیزی برای هزینه کردن [در راه جهاد] نمی یابند، گناهی نیست [که در جهاد شرکت نکنند] در صورتی که [در پشت جبهه با اعمال و گفتارشان] برای خدا و پیامبرش خیرخواهی کنند [و از این طریق به حمایت رزمندگان برخیزند]؛ آری، بر نیکوکاران [معذور] هیچ مؤاخذه و سرزنشی نیست، و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (۹۱)

وَلَا عَلَى الَّذِينَ إِذَا مَا أَتَوْكَ لِتَحْمِلَهُمْ قُلْتَ لَا أَجِدُ مَا أَحْمِلُكُمْ عَلَيْهِ تَوَلَّوا وَّأَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ حَزَنًا أَلَّا يَجِدُوا مَا يُنفِقُونَ (۹۲)

و نیز بر کسانی که هنگامی که نزد تو آمدند تا آنان را [برای رفتن به سوی نبرد] سوار مرکبی کنی، گفتی: [به سبب نبود امکانات] بر مرکبی دسترسی ندارم تا شما را به جهاد برم، هیچ مؤاخذه و سرزنشی نیست؛ [از نزد تو] بازگشتند در حالی که به خاطر غصه و اندوه از دیدگانشان اشک می ریخت که چرا چیزی نمی یابند تا [در نبرد با دشمنان] هزینه کنند. (۹۲)

جزء ۱۱

ادامه سوره التوبه

إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ وَهُمْ أَغْنِيَاءُ رَضُوا بِأَن يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ وَطَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۹۳)

راه مؤاخذه و سرزنش فقط بر ضد کسانی باز است که با آنکه توانگرند [باز هم برای ترک نبرد] از تو اجازه می خواهند؛ آنان راضی شدند که با خانه نشینان باشند، خدا بر دل هایشان مهر تیره بختی زد به همین سبب [حقایق را] نمی دانند. (۹۳)

ص: ۲۰۱

يَعْتَذِرُونَ إِلَيْكُمْ إِذَا رَجَعْتُمْ إِلَيْهِمْ قُل لَّا تَعْتَذِرُوا لَن نُّؤْمِنَ لَكُمْ قَدْ نَبَّأَنَا اللَّهُ مِنْ أَخْبَارِكُمْ وَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَى عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۹۴)

هنگامی که به سوی آنان بازگردید، از شما [به سبب شرکت نکردن در جنگ] عذرخواهی می کنند، بگو: عذرخواهی نکنید، ما هرگز شما را باور نخواهیم کرد، خدا ما را از خیانت های شما آگاه کرد، و [دیگر بار هم] یقیناً خدا و پیامبرش کارهای شما

را می بینند [و برای آنان روشن است که باز هم خیانت می ورزید] آنگاه [پس از پایان مهلت مقرر] به سوی دانای نهان و آشکار بازگردانده می شوید و شما را به خیانت هایی که همواره مرتکب می شدید، آگاه خواهد کرد. (۹۴)

سَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ إِذَا انقَلَبْتُمْ إِلَيْهِمْ لِتُعْرِضُوا عَنْهُمْ فَأَعْرِضُوا عَنْهُمْ إِنَّهُمْ رِجْسٌ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۹۵)

هنگامی که به سوی آنان بازگردید، برای شما [در جهت معذور بودن خود] زود سوگند می خورند تا از آنان صرف نظر کنید؛ پس از آنان روی برگردانید؛ زیرا پلیدند و جایگاهشان به کیفر خیانت هایی که همواره مرتکب می شدند، دوزخ است. (۹۵)

يَحْلِفُونَ لَكُمْ لِتَرْضَوْا عَنْهُمْ فَإِن تَرْضَوْا عَنْهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَرْضَى عَنِ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ (۹۶)

برای شما [در جهت معذور بودن خود] سوگند می خورند تا از آنان راضی شوید، اگر شما هم از آنان راضی شوید، یقیناً خدا از گروه فاسقان راضی نخواهد شد. (۹۶)

الْأَعْرَابُ أَشَدُّ كُفْرًا وَنِفَاقًا وَأَجْدَرُ أَلَّا يَعْلَمُوا حُدُودَ مَا أَنزَلَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۹۷)

بادیه نشینانِ [جزیره العرب به سبب دوری از علم، دانش، فرهنگ و بینش] در کفر و نفاق [از دیگران] سخت تر و به جاهل بودن به احکام و حدود آنچه را خدا بر پیامبرش نازل کرده سزاوارترند، و خدا دانا و حکیم است. (۹۷)

وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَن يَتَّخِذُ مَا يُنفِقُ مَغْرَمًا وَيَتَرَبَّصُ بِكُمُ الدَّوَائِرَ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۹۸)

و گروهی از بادیه نشینان کسانی هستند که آنچه را انفاق می کنند غرامت و تاوان می شمارند، و پیش آمدهای بدی را برای شما انتظار می برند، پیش آمدهای بد بر خودشان باد؛ و خدا شنوا و داناست. (۹۸)

وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَن يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَتَّخِذُ مَا يُنفِقُ قُرُبَاتٍ عِندَ اللَّهِ وَصَلَوَاتِ الرَّسُولِ أَلَا إِنَّهَا قُرْبَةٌ لَّهُمْ سَيُدْخِلُهُمُ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۹۹)

و گروهی از بادیه نشینانِ [جزیره العرب] کسانی هستند که به خدا و روز قیامت ایمان دارند و آنچه را انفاق می کنند، مایه قرب به خدا و دعاهای پیامبر می دانند؛ آگاه باشید! انفاقشان وسیله تقرّب برای آنان است، به زودی خدا آنان را در رحمتش در آورد؛ زیرا خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (۹۹)

ص: ۲۰۲

وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُم بِإِحْسَانٍ رَّضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتَهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۱۰۰)

پیشگامان نخستین از مهاجران و انصار و کسانی که به نیکی و درستی از آنان پیروی کردند، خدا از ایشان خشنود است و آنان

هم از خدا راضی هستند؛ برای ایشان بهشت هایی آماده کرده که از زیرِ [درختانِ] آن نهرها جاری است، در آنجا برای ابد جاودانه اند؛ این است کامیابی بزرگ. (۱۰۰)

وَمِمَّنْ حَوْلَكُم مِّنَ الْأَعْرَابِ مُنَافِقُونَ وَمِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُوا عَلَى النِّفَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ سَنُعَذِّبُهُم مَّرَّتَيْنِ ثُمَّ يُرَدُّونَ إِلَى عَذَابٍ عَظِيمٍ (۱۰۱)

و گروهی از بادیه نشینانی که پیرامونتان هستند منافق اند؛ و نیز گروهی از اهل مدینه بر نفاق خو گرفته اند، تو آنان را نمی شناسی ما آنان را می شناسیم، به زودی آنان را دوبار عذاب می کنیم [عذابی در دنیا و عذابی در برزخ] سپس به سوی عذابی بزرگ بازگردانده می شوند. (۱۰۱)

وَآخَرُونَ اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَآخَرَ سَيِّئًا عَسَى اللَّهُ أَن يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱۰۲)

و دیگرانی هستند که به گناهانشان اعتراف کردند، [و] اعمال شایسته را با اعمال بد درآمیختند، امید است خدا توبه آنان را بپذیرد زیرا خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (۱۰۲)

خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِم بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَّهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۱۰۳)

از اموالشان زکاتی دریافت کن که به سبب آن [نفوس و اموالشان را] پاک می کنی، و آنان را رشد و تکامل می دهی؛ و [به هنگام دریافت زکات] بر آنان دعا کن؛ زیرا دعای تو مایه آرامشی برای آنان است؛ و خدا شنوا و داناست. (۱۰۳)

أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (۱۰۴)

آیا ندانسته اند که فقط خداست که از بندگانش توبه را می پذیرد و صدقات را دریافت می کند؟ و یقیناً خداست که بسیار توبه پذیر و مهربان است. (۱۰۴)

وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ إِلَى عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۱۰۵)

و بگو: عمل کنید یقیناً خدا و پیامبرش و مؤمنان اعمال شما را می بینند، و به زودی به سوی دانای نهان و آشکار بازگردانده می شوید، پس شما را به آنچه همواره انجام می دادید، آگاه می کند. (۱۰۵)

وَآخَرُونَ مُرْجَوْنَ لِأَمْرِ اللَّهِ إِمَّا يُعَذِّبُهُمْ وَإِمَّا يَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۱۰۶)

و گروهی دیگر کارشان موقوف به مشیّت خداست، یا آنان را عذاب می کند یا توبه آنان را می پذیرد؛ و خدا دانا و حکیم است. (۱۰۶)

وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِّمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِن قَبْلُ وَلَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَى وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ (۱۰۷)

و [از منافقان] کسانی هستند که بر پایه دورویی و نفاق، مسجدی ساختند برای آسیب رساندن و ترویج کفر و تفرقه افکنی میان مؤمنان و کمین گاهی برای [گردآمدن] کسانی که پیش از این با خدا و پیامبرش جنگیده بودند، سوگند سخت می خورند که ما با ساختن این مسجد جز خوبی [و خدمت] قصدی نداشتیم، ولی خدا گواهی می دهد که بی تردید آنان دروغگویند. (۱۰۷)

لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لَّمَسْجِدٌ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَن تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَن يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَّهِّرِينَ (۱۰۸)

هرگز [برای عبادت و نماز] در آن مسجد نایست، قطعاً مسجدی که از نخستین روز بر پایه تقوا بنا شده شایسته تر است که در آن [به نماز و عبادت] بایستی، در آن مردانی هستند که خواهان پاکیزگی [و طهارت جسم و جان] هستند؛ و خدا پاکیزگان را دوست دارد. (۱۰۸)

أَفَمَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَى تَقْوَى مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ أَم مَّنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَى شَفَا جُرُفٍ هَارٍ فَانْهَارَ بِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۱۰۹)

آیا کسی که بنیاد [امورش] را بر پایه تقوای الهی و رضای او نهاده بهتر است یا کسی که بنیاد [امورش] را بر لب پرتگاهی سست و فروریختنی نهاده؟! و آن بنا با بناکننده اش در جهنم سقوط می کند؛ و خدا گروه ستمکاران را هدایت نمی کند. (۱۰۹)

لَا يَزَالُ بُنْيَانُهُمُ الَّذِي بَنَوْا رِيبَةً فِي قُلُوبِهِمْ إِلَّا أَن تَقَطَّعَ قُلُوبُهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۱۱۰)

همواره آن ساختمانی که بنا نهاده اند در دل هایشان مایه شک و تردید است تا دل هایشان [به سبب مرگ] پاره پاره شود، و خدا دانا و حکیم است. (۱۱۰)

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُم بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَاةِ وَالْإِنجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُم بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۱۱۱)

یقیناً خدا از مؤمنان جان ها و اموالشان را به بهای آنکه بهشت برای آنان باشد خریده؛ همان کسانی که در راه خدا پیکار می کنند، پس [دشمن را] می کشند و [خود در راه خدا] کشته می شوند [خدا آنان را] بر عهده خود در تورات و انجیل و قرآن [وعده بهشت داده است] وعده ای حق؛ و چه کسی به عهد و پیمانش از خدا وفادارتر است؟ پس [ای مؤمنان!] به این داد و ستدی که انجام داده اید، خوشحال و شاد باشید؛ و این است کامیابی بزرگ. (۱۱۱)

التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ (۱۱۲)

[آن مؤمنان، همان] توبه کنندگان، عبادت کنندگان، سپاس گزاران، روزه داران، رکوع کنندگان، سجده کنندگان، فرمان دهندگان به معروف و بازدارندگان از منکر و پاسداران حدود و مقرّرات خدایند؛ و مؤمنان را [به رحمت و رضوان خدا] مژده ده. (۱۱۲)

مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَن يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا أُولِي قُرْبَى مِن بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ (۱۱۳)

پیامبر و اهل ایمان را نسزد که برای مشرکان پس از آنکه روشن شد که آنان اهل دوزخند، درخواست آمرزش کنند، هر چند از خویشان باشند. (۱۱۳)

وَمَا كَانَ اسْتِغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَن مَّوْعِدَةٍ وَعَدَهَا إِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِّلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ (۱۱۴)

و آمرزش خواهی ابراهیم برای پدرش جز به سبب وعده ای که به او داده بود، نبود [که اگر از بت پرستی خودداری کند، برای او آمرزش بخواهد] چون برای او روشن شد که وی دشمن خداست از او بیزاری جست؛ یقیناً ابراهیم بسیار مهربان و بردبار بود. (۱۱۴)

وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا بَعْدَ إِذْ هَدَاهُمْ حَتَّى يُبَيِّنَ لَهُم مَّا يَتَّقُونَ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۱۱۵)

و خدا بر آن نیست که قومی را پس از آنکه هدایت کرد، گمراه سازد، مگر آنکه اموری را که باید از آن بپرهیزند برای آنان بیان کند [و آنان مخالفت ورزند]؛ مسلماً خدا به همه چیز داناست. (۱۱۵)

إِنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ اللَّهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ (۱۱۶)

یقیناً خداست که مالکیّت و فرمانروایی آسمان ها و زمین در سیطره اوست؛ زنده می کند و می میراند؛ و شما را هیچ سرپرست و یاری جز خدا نیست. (۱۱۶)

لَّقَد تَّابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنصَارِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ الْعُسْرَةِ مِن بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبُ فَرِيقٍ مِّنْهُمْ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ إِنَّهُ بِهِمْ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ (۱۱۷)

مسلماً خدا رحمت ویژه اش را بر پیامبر و مهاجران و انصار که در آن ساعت دشوار [جنگ تبوک] از او پیروی کردند، ارزانی داشت، پس از آنکه نزدیک بود دل های گروهی از آنان [به سبب سختی مسیر جنگ از حق] منحرف شود [و از ادامه مسیر بازایستند و به مدینه برگردند] سپس خدا توبه آنان را پذیرفت زیرا خدا نسبت به آنان بسیار رؤوف و مهربان است. (۱۱۷)

وَعَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خُلِّفُوا حَتَّى إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ وَضَاقَتْ عَلَيْهِمْ أَنفُسُهُمْ وَظَنُّوا أَن لَّا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (١١٨)

و [نیز رحمتش] شامل حال آن سه نفری [بود] که [با بهانه تراشیِ واهی از شرکت در جنگ] بازمانده بودند [و همه مسلمانان به دستور پیامبر با آنان قطع رابطه کردند] تا جایی که زمین با همه وسعت و فراخی اش بر آنان تنگ شد و [از شدت غصه، اندوه و عذاب وجدان] دل هایشان هم در تنگی و مضیقه قرار گرفت، و دانستند که هیچ پناهگاهی از خدا جز به سوی او نیست؛ پس خدا به رحمتش بر آنان توجه کرد تا توبه کنند؛ زیرا خدا بسیار توبه پذیر و مهربان است. (١١٨)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ (١١٩)

ای کسانی که ایمان آورده اید! از خدا پروا کنید و با صادقان باشید [صادقانی که کامل ترینشان پیامبران و اهل بیت رسول بزرگوار اسلام هستند.] (١١٩)

مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُم مِّنَ الْأَعْرَابِ أَن يَتَخَلَّفُوا عَن رَّسُولِ اللَّهِ وَلَا يَرْغَبُوا بِأَنفُسِهِمْ عَن نَّفْسِهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلَا نَصَبٌ وَلَا مَخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَطَئُونَ مَوْطِئًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوٍّ نَّيْلًا إِلَّا كُتِبَ لَهُم بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ (١٢٠)

شایسته نیست که اهل مدینه و بادیه نشینانی که پیرامون آنانند، از رسول خدا تخلف کنند؛ و آنان را نسزد که به سبب پرداختن به خویش از حفظ جان او [در شداید و سختی ها] دریغ ورزند؛ زیرا هیچ تشنگی و رنج و گرسنگی در راه خدا به آنان نمی رسد، و در هیچ مکانی که کافران را به خشم می آورد، قدم نمی گذارند، و از هیچ دشمنی انتقام نمی گیرند [و با نبرد با او به کام دل نمی رسند] مگر آنکه به پاداش هر یک از آنان عمل شایسته ای در پرونده آنان ثبت می شود؛ چرا که خدا پاداش نیکوکاران را تباه نمی کند. (١٢٠)

وَلَا يُنفِقُونَ نَفَقَةً صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً وَلَا يَقْطَعُونَ وَادِيًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (١٢١)

و هیچ مال کوچک و بزرگی را هزینه نمی کنند و هیچ سرزمینی را [برای نبرد با دشمن یا انجام کار خیری] نمی پیمایند مگر آنکه در پرونده اعمالشان ثبت می شود، تا خدا به آنان [نسبت به همه اعمالشان] با معیار گرفتن بهترین عملی که همواره انجام می دادند، پاداش دهد. (١٢١)

وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ (١٢٢)

و مؤمنان را نسزد که همگی [به سوی جهاد] بیرون روند؛ چرا از هر جمیعتی گروهی [به سوی پیامبر] کوچ نمی کنند تا در دین آگاهی یابند و قوم خود را هنگامی که به سوی آنان بازگشتند، بیم دهند، باشد که [از مخالفت با خدا و عذاب او] بپرهیزند. (١٢٢)

ص: ۲۰۶

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُم مِّنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ (۱۲۳)

ای اهل ایمان! با کافرانی که هم جوار شما هستند، نبرد کنید؛ و آنان باید در شما سرسختی و شدت یابند؛ و بدانید که خدا با پرهیزکاران است. (۱۲۳)

وَإِذَا مَا أُنزِلَتْ سُورَةٌ فَمِنْهُم مَّن يَقُولُ أَيُّكُمْ زَادَتْهُ هَذِهِ إِيمَانًا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَزَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَهُمْ يَسْتَبْشِرُونَ (۱۲۴)

و هنگامی که سوره ای نازل شود، برخی از منافقان به اهل ایمان گویند: این سوره، ایمان کدام یک از شما را افزود؟ ولی کسانی که ایمان آورده اند این سوره بر ایمانشان افزود، و آنان [از نزول این سوره] شادمان می شوند. (۱۲۴)

وَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ فَزَادَتْهُمْ رِجْسًا إِلَى رِجْسِهِمْ وَمَاتُوا وَهُمْ كَافِرُونَ (۱۲۵)

اما کسانی که در دل هایشان بیماری [نفاق] است، پس پلیدی بر پلیدیشان افزود و در حالی که کافر بودند از دنیا رفتند. (۱۲۵)

أَوَلَا يَرَوْنَ أَنَّهُمْ يُفْتَنُونَ فِي كُلِّ عَامٍ مَّرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ لَا يَتُوبُونَ وَلَا هُمْ يَذَّكَّرُونَ (۱۲۶)

آیا نمی بینند که در هر سال یک بار یا دو بار [به وسیله جهاد یا پیش آمدهای دیگر] آزمایش می شوند، ولی نه توبه می کنند ونه پند می گیرند. (۱۲۶)

وَإِذَا مَا أُنزِلَتْ سُورَةٌ نَّظَرَ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ هَلْ يَرَاكُم مِّنْ أَحَدٍ ثُمَّ انصَرَفُوا صَرَفَ اللَّهُ قُلُوبَهُم بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَّا يَفْقَهُونَ (۱۲۷)

و هنگامی که سوره ای نازل شود برخی از منافقان به برخی دیگر، نگاهِ [مرموزانه] می کنند [و به سبب نگرانی از برملا شدن نفاقشان می گویند:] آیا کسی شما را می بیند؟ سپس [به صورت مخفیانه از محضر پیامبر خدا] بازمی گردند، خدا دل هایشان را [از حق] گردانیده است؛ زیرا آنان گروهی هستند که [حقایق را] نمی فهمند. (۱۲۷)

لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُم بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ (۱۲۸)

یقیناً پیامبری از جنس خودتان به سویتان آمد که به رنج و مشقت افتادنتان بر او دشوار است، اشتیاق شدیدی به [هدایتِ] شما دارد، و نسبت به مؤمنان رؤوف و مهربان است. (۱۲۸)

فَإِن تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ (۱۲۹)

پس اگر [منافقان] از حق روی گرداندند، بگو: خدا مرا بس است، هیچ معبودی جز او نیست، فقط بر او توکل کردم، و او پروردگار عرش بزرگ است. (۱۲۹)

ص: ۲۰۷

سوره یونس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الر تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ (۱)

الر این آیات [با عظمت] کتاب محکم و استوار است. (۱)

أَكَانَ لِلنَّاسِ عَجَبًا أَنْ أَوْحَيْنَا إِلَى رَجُلٍ مِّنْهُمْ أَنْ أَنذِرِ النَّاسَ وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ عِندَ رَبِّهِمْ قَالَ الْكَافِرُونَ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ مُّبِينٌ (۲)

آیا برای مردم شگفت آور است که بر مردی از خودشان وحی فرستادیم که مردم را [از عاقبت کفر، ناسپاسی، گناه و تجاوز] بیم ده، و به کسانی که ایمان آورده اند مژده ده که آنان را نزد پروردگارشان سابقه ای نیک [و مقام، مرتبه ای بلند و پاداشی شایسته] است. کافران [لجوج و بی منطق] گفتند: همانا این مرد، جادوگری آشکار است!! (۲)

إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مَا مِن شَفِيعٍ إِلَّا مِن بَعْدِ إِذْنِهِ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (۳)

یقیناً پروردگارتان خدای یکتاست که آسمان ها و زمین را در شش روز پدید آورد، آن گاه بر تخت فرمانروایی و حکومت بر آفرینش چیره شد، همواره کار جهان را [با قوانینی استوار و منظم] تدبیر می کند. [کار] هیچ واسطه ای [در همه جهان هستی برای جابجایی عناصر وترکیب اجزا وبه جریان انداختن امور] جز پس از اذن او نیست. این است خدا، پروردگار شما، پس او را بپرستید؛ آیا متذکّر [حقایق] نمی شوید؟ (۳)

إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا وَعْدَ اللَّهِ حَقًّا إِنَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ بِالْقِسْطِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِّنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ (۴)

بازگشت همه شما فقط به سوی اوست. [خدا شما را وعده داد] وعده ای حق وثابت؛ بی تردید اوست که جهان آفرینش را می آفریند، سپس آن را [به قیامت] بازمی گرداند تا کسانی که ایمان آورده اند و کارهای شایسته انجام داده اند، به عدالت و انصاف پاداش دهد، و برای کسانی که کافر شدند به کیفر کفری که همواره می ورزیدند، شربتی از آب بسیار جوشان و عذابی دردناک است. (۴)

هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسَ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَّرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ مَا خَلَقَ اللَّهُ ذَلِكَ إِلَّا بِالْحَقِّ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (۵)

اوست که خورشید را فروزان و ماه را تابان قرار داد، و برای ماه منازلی [چون هلال، تربیع، بدر و محاق] مقدّر ساخت تا شمار سال و حساب [ماه، هفته، اوقات امور زندگی و تنظیم برنامه های معیشت] را بدانید. خدا آنها را جز به درستی و راستی نیافریده؛ او نشانه ها را برای گروهی که دانایند [بدون هر گونه ابهام] بیان می کند. (۵)

إِنَّ فِی اخْتِلَافِ اللَّیْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ فِی السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآیَاتٍ لِّقَوْمٍ یَتَّقُونَ (۶)

به یقین در رفت و آمد شب و روز و آنچه را خدا در آسمان ها و زمین پدید آورد، برای گروهی که همواره تقوا پیشه اند، نشانه هایی [بر توحید، ربوبیّت و قدرت خدا] ست. (۶)

ص: ۲۰۸

إِنَّ الَّذِینَ لَا یَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَیَاهِ الدُّنْیَا وَاطْمَأَنُّوا بِهَا وَالَّذِینَ هُمْ عَنْ آیَاتِنَا غَافِلُونَ (۷)

مسلماً کسانی که دیدارِ [قیامتِ] ما [و محاسبه شدن اعمالشان] را امید ندارند و به زندگی دنیا خشنود شده اند و به آن آرام یافته اند و آنانکه از آیات ما بی خبرند. (۷)

أُولَئِکَ مَأْوَاهُمُ النَّارُ بِمَا کَانُوا یَکْسِبُونَ (۸)

آنانند که به کیفر گناهانی که همواره مرتکب می شدند، جایگاهشان آتش است. (۸)

إِنَّ الَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ یَهْدِیهِمْ رَبُّهُم بِإِیمَانِهِمْ تَجْرِی مِن تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ فِی جَنَّاتِ النَّعِیمِ (۹)

بی تردید کسانی که ایمان آورده اند و کارهای شایسته انجام داده اند، پروردگارشان آنان را به سبب ایمانشان به بهشت های پر نعمت که نهرها از زیر [قصرهایِ] آنها جاری است، راهنمایی می کند. (۹)

دَعْوَاهُمْ فِیهَا سُبْحَانَکَ اللَّهُمَّ وَتَحِیَّتُهُمْ فِیهَا سَلَامٌ وَآخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ (۱۰)

[آغازِ] نیایششان در آنجا [این است که]: خدایا! از هر عیب و نقصی منزّهی، و درود خدا در آنجا به آنان عطا کردن سلامتی کامل است، و پایان بخشِ نیایششان این است که همه ستایش ها ویژه خدا مالک و مربی جهانیان است. (۱۰)

وَلَوْ یُعَجِّلُ اللَّهُ لِلنَّاسِ الشَّرَّ اسْتِعْجَالَهُم بِالْخَیْرِ لَقُضِیَ إِلَیْهِمْ أَجَلُهُمْ فَنَذَرُ الَّذِینَ لَا یَرْجُونَ لِقَاءَنَا فِی طُغْیَانِهِمْ یَعْمَهُونَ (۱۱)

و اگر خدا برای مردم در عذاب و مجازات همان گونه که آنان در طلب خیر و خوشی شتاب دارند، شتاب می ورزید، قطعاً مدت عمرشان [با نزول عذاب و مجازات] پایان می یافت؛ پس کسانی که دیدارِ [قیامتِ] ما [و محاسبه شدن اعمالشان] را امید ندارند، وا می گذاریم تا در طغیانشان سرگردان بمانند. (۱۱)

وَإِذَا مَسَّ الْإِنسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا لِجَنبِهِ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَائِمًا فَلَمَّا کَشَفْنَا عَنْهُ ضُرَّهُ مَرَّ کَأَن لَّمْ یَدْعُنَا إِلَی ضُرٍّ مَّسَّهُ کَذَلِکَ زُیِّنَ لِلْمُسْرِفِینَ مَا کَانُوا یَعْمَلُونَ (۱۲)

و چون انسان را گزند و آسیبی رسد، ما را [در همه حالات] به پهلو خوابیده یا نشسته یا ایستاده [به یاری] می خواند، پس زمانی که گزند و آسیبش را برطرف کنیم، آن چنان به راه ناسپاسی و گناه می رود که گویی هرگز ما را برای برطرف کردن

گزند و آسیبی که به او رسیده [به یاری] نخوانده است!! این گونه برای اسراف کاران اعمالی که همواره انجام می دادند، آراسته شده [تا جایی که زشتی اعمالشان را نمی فهمند.] (۱۲)

وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ مِن قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ وَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا كَذَلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ (۱۳)

یقیناً اقوام پیش از شما را هنگامی که ستم ورزیدند، هلاک کردیم، و پیامبرانشان برای آنان دلایل روشن آوردند، ولی آنان بر آن نبودند که ایمان بیاورند؛ این گونه گروه گناهکار را کیفر می دهیم. (۱۳)

ثُمَّ جَعَلْنَاكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ مِن بَعْدِهِمْ لِنَنظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ (۱۴)

سپس شما را بعد از آنان در زمین جانشین قرار دادیم تا [بر پایه سنّت آزمایش] بنگریم، چگونه عمل می کنید؟ (۱۴)

ص: ۲۰۹

وَإِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا ائْتِ بِقُرْآنٍ غَيْرِ هَـٰذَا أَوْ بَدِّلْهُ قُلْ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أُبَدِّلَهُ مِن تِلْقَاءِ نَفْسِي إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَى إِلَيَّ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ (۱۵)

و هنگامی که آیات روشن ما بر آنان خوانده شود، کسانی که دیدار [قیامت] ما [و محاسبه شدن اعمالشان] را امید ندارند، می گویند: قرآنی غیر این بیاور یا آن را [به آیاتی دیگر که خوش آیند طبع ما باشد] تغییر ده!! بگو: مرا نرسد که آن را از نزد خود تغییر دهم؛ جز آنچه را به من وحی می شود، پیروی نمی کنم؛ من اگر پروردگارم را نافرمانی کنم، از عذاب روزی بزرگ می ترسم. (۱۵)

قُل لَّوْ شَاءَ اللَّهُ مَا تَلَوْتُهُ عَلَيْكُمْ وَلَا أَدْرَاكُم بِهِ فَقَدْ لَبِثْتُ فِيكُمْ عُمُرًا مِّن قَبْلِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۱۶)

بگو: اگر خدا می خواست آن را بر شما نمی خواندم، و او هم شما را به آن آگاه نمی کرد؛ همانا مدت ها پیش از نزول قرآن در میان شما بودم، [و ادعای پیامبری نداشتم، اکنون صدق پیامبری خود را با این قرآن اثبات می کنم] آیا نمی اندیشید؟ (۱۶)

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْمُجْرِمُونَ (۱۷)

پس ستمکارتر از کسی که بر خدا دروغ ببندد یا آیاتش را تکذیب کند، کیست؟ یقیناً گنهکاران، رستگار نخواهند شد. (۱۷)

وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شُفَعَاؤُنَا عِندَ اللَّهِ قُلْ أَتُنَبِّئُونَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ (۱۸)

و آنان به جای خدا چیزهایی را می پرستند که نه زیانی به آنان می رسانند و نه سودی به آنان می دهند؛ و می گویند: اینان شفیعان ما نزد خدایند. بگو: آیا خدا را به شفیعانی خبر می دهید که آنها را در آسمان ها و زمین [به عنوان شفیع] نمی شناسد؟ او از آنچه که شریک او قرار می دهند، منزّه و برتر است. (۱۸)

وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ لَقُضِیَ بَیْنَهُمْ فِیمَا فِیهِ یَخْتَلِفُونَ (۱۹)

و مردم [بر محور یکتاپرستی] جز امت واحدی نبودند؛ پس [چیزی نگذشت که درباره دین] دچار اختلاف شدند؛ و اگر از سوی پروردگارت، فرمانی مقرّر نشده بود [که عذاب اختلاف کنندگان تا قیامت به تأخیر افتد] یقیناً میان آنان در آنچه اختلاف می کنند، داوری می شد [و نتیجه داوری نابودی آنان و انقراض نسلشان بود.] (۱۹)

وَیَقُولُونَ لَوْلَا أُنزِلَ عَلَیْهِ آیَةٌ مِّن رَّبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَیْبُ لِلَّهِ فَانتَظِرُوا إِنِّی مَعَکُم مِّنَ الْمُنتَظِرِینَ (۲۰)

و می گویند: چرا از سوی پروردگارش معجزه ای [چون عصای موسی وناقه صالح وغیر آن] بر او نازل نشده؟ بگو: [آمدن و نیامدن معجزه از امور غیبی است و] غیب ویژه خداست؛ پس [به خاطر لجاجت و مخالفت با حق] به انتظار [عذاب] باشید که من هم با شما از منتظرانم. (۲۰)

ص: ۲۱۰

وَإِذَا أَذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً مِّن بَعْدِ ضَرَّاءَ مَسَّتْهُمْ إِذَا لَهُم مَّکْرٌ فِی آیَاتِنَا قُلِ اللَّهُ أَسْرَعُ مَکْرًا إِنَّ رُسُلَنَا یَکْتُبُونَ مَا تَمْکُرُونَ (۲۱)

و چون مردم را پس از رنج و آسیبی که به آنان رسیده، رفاه و آسایشی بچشانیم [به جای سپاس و ستایش] ناگاه در آیات ما به نیرنگ و بداندیشی برخیزند [و برای نپذیرفتن آن به بهانه ها و توجیهات بی پایه متوسّل شوند] بگو: خدا در کیفر و مجازات، سریع تر و کارآمدتر است. مسلماً فرستادگان ما [که فرشتگان و نویسندگانِ اعمالند] آنچه نیرنگ و بداندیشی می کنید [در نامه عمل شما] ثبت می کنند. (۲۱)

هُوَ الَّذِی یُسَیِّرُکُمْ فِی الْبَرِّ وَالْبَحْرِ حَتَّی إِذَا کُنتُمْ فِی الْفُلْكِ وَجَرَیْنَ بِهِم بِرِیحٍ طَیِّبَةٍ وَفَرِحُوا بِهَا جَاءَتْهَا رِیحٌ عَاصِفٌ وَجَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِن کُلِّ مَکَانٍ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ أُحِیطَ بِهِمْ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِینَ لَهُ الدِّینَ لَئِنْ أَنجَیْتَنَا مِنْ هَذِهِ لَنَکُونَنَّ مِنَ الشَّاکِرِینَ (۲۲)

او کسی است که شما را در خشکی و دریا گردش می دهد، تا آن گاه که در کشتی ها باشید و کشتی ها مسافرانش را با بادی ملایم و آرام حرکت دهند، و کشتی نشینان به آن باد ملایم و آرام شادمان شوند، ناگاه بادی تند و سخت بر آن کشتی وَزَد و از هر طرف موجی سهمگین بر آنان تازد، و یقین کنند که در محاصره [امواج خطرناک] افتاده اند [و راهی برای نجات ندارند]، [در آن هنگامه هلاکت بار] خدا را در حالی که ایمان و عبادت را از هر گونه شرکی برای او خالص می کنند، می خوانند که اگر ما را از این [عرصه هلاکت بار] نجات دهی، مسلماً و قطعاً از سپاس گزاران خواهیم شد. (۲۲)

فَلَمَّا أَنجَاهُمْ إِذَا هُمْ یَبْغُونَ فِی الْأَرْضِ بِغَیْرِ الْحَقِّ یَا أَیُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا بَغْیُکُمْ عَلَی أَنفُسِکُم مَّتَاعَ الْحَیَاةِ الدُّنْیَا ثُمَّ إِلَیْنَا مَرْجِعُکُمْ فَنُنَبِّئُکُم بِمَا کُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۲۳)

پس هنگامی که آنان را نجات بخشد، ناگهان در زمین به ناحق تجاوز و سرکشی می کنند. ای مردم! تجاوز و سرکشی شما فقط به زیان خود شماست؛ [چند روزی محدود از] کالای زندگی دنیا [بهره می برید]؛ آن گاه بازگشتتان به سوی ماست؛ پس شما را به اعمالی که همواره انجام می دادید، آگاه می کنیم. (۲۳)

إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ حَتَّى إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَن لَّمْ تَغْنَ بِالْأَمْسِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (۲۴)

در حقیقت، داستان زندگی دنیا [در زود گذر بودن] مانند آبی است که از آسمان نازل کردیم، پس گیاهان و روییدنی های زمین از آنچه مردم و چهارپایان از آن می خورند، با آن آب در آمیخت [و رشد و نمو یافت] تا آن گاه که زمین [سرسبزی و نهایت زیبایی و] زینتش را [از آن همه روییدنی های رنگارنگ هم چون عروس] بر خود گرفت، و اهل آن گمان کردند که قدرت [هر نوع بهره برداری را] از آن [چهره زیبا و آراسته] دارند، [که ناگهان] فرمان ما در شبی یا روزی [به صورت سرمایی سخت یا صاعقه ای آتش زا یا توفانی بنیان کن] به زمین رسید، پس همه گیاهان را به صورت گیاهان خشک درو شده درآوردیم که گویی دیروز [چنین زراعتی] وجود نداشته. این گونه نشانه ها [ی قدرت خود] را برای گروهی که می اندیشند، بیان می کنیم. (۲۴)

وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى دَارِ السَّلَامِ وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ (۲۵)

و خدا [مردم را] به سرای سلامت و امنیت [که بهشتِ عنبر سرشت است] دعوت می کند و هر که را بخواهد به راهی راست هدایت می نماید. (۲۵)

ص: ۲۱۱

لِّلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَى وَزِيَادَةٌ وَلَا يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ وَلَا ذِلَّةٌ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۲۶)

برای کسانی که نیکی کردند، [بهترین] پاداش و افزون [بر آن] است؛ و چهره آنان را سیاهی و خواری نمی پوشاند؛ آنان اهل بهشت اند [و] در آن جاودانه اند. (۲۶)

وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا وَتَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ مَّا لَهُم مِّنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ كَأَنَّمَا أُغْشِيَتْ وُجُوهُهُمْ قِطَعًا مِّنَ اللَّيْلِ مُظْلِمًا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۲۷)

و کسانی که مرتکب بدی ها شدند، کیفر هر بدی مانند همان بدی است و خواری آنان را فرامی گیرد، برای آنان از [خشم و عذاب] خدا هیچ حافظ و نگه دارنده ای نخواهد بود؛ گویی چهره هایشان با پاره هایی از شب تاریک پوشیده شده؛ آنان اهل آتش اند و در آن جاودانه اند. (۲۷)

وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا مَكَانَكُمْ أَنتُمْ وَشُرَكَاؤُكُمْ فَزَيَّلْنَا بَيْنَهُمْ وَقَالَ شُرَكَاؤُهُم مَّا كُنتُمْ إِيَّانَا تَعْبُدُونَ (۲۸)

و [یاد کن] روزی را که همه آنان را [در قیامت] جمع می کنیم، آن گاه به مشرکان می گوییم: شما و معبودانتان در جایگاه خود بایستید؛ پس میان آنان و معبودشان جدایی می اندازیم، و معبودانشان به آنان خطاب می کنند: شما در دنیا ما را نمی پرستیدید [بلکه شیطان و هوای نفس خود را می پرستیدید.] (۲۸)

فَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ إِن كُنَّا عَنْ عِبَادَتِكُمْ لَغَافِلِينَ (۲۹)

پس خدا میان ما و شما از جهت شهادت کافی است که ما یقیناً از پرستش شما نسبت به خود بی خبر بودیم. (۲۹)

هُنَالِكَ تَبْلُو كُلُّ نَفْسٍ مَّا أَسْلَفَتْ وَرُدُّوا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقِّ وَضَلَّ عَنْهُم مَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ (۳۰)

آنجاست که هر کسی [به پاداش] هر عملی که از پیش فرستاده گرفتار آید، همه به سوی خدا سرپرست حقیقی خود بازگردانده می شوند، و آنچه را همواره به دروغ شریک خدا انگاشته بودند [گم شده] از دستشان می رود. (۳۰)

قُلْ مَن يَرْزُقُكُم مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَمَّن يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَمَن يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَن يُدَبِّرُ الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ (۳۱)

بگو: کیست که شما را از آسمان و زمین روزی می دهد؟ یا کیست که بر گوش ها و چشم ها مالکیّت و حکومت دارد؟ و کیست که زنده را از مرده، و مرده را از زنده بیرون می آورد؟ و کیست که همواره امور [جهان هستی] را تدبیر می کند؟ به زودی خواهند گفت: خدا! پس بگو: آیا [از پرستش غیر او] نمی پرهیزید؟! (۳۱)

فَذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمُ الْحَقُّ فَمَاذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ فَأَنَّى تُصْرَفُونَ (۳۲)

این است خدا، پروردگار حقیقی شما، بنابراین بعد از حق چیزی جز گمراهی و ضلالت وجود دارد؟ پس چگونه شما را از حق بازمی گردانند؟ (۳۲)

كَذَلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ فَسَقُوا أَنَّهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (۳۳)

این گونه فرمان قاطعانه پروردگارت درباره فاسقان محقّق و ثابت شد که اینان [به سبب گناه و لجاجت] ایمان نمی آورند. (۳۳)

ص: ۲۱۲

قُلْ هَلْ مِن شُرَكَائِكُم مَّن يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ قُلِ اللَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ (۳۴)

بگو: آیا از معبودهای شما کسی هست که جهان آفرینش را ایجاد نماید و سپس آن را [پس ازفانی شدن، به قیامت] بازگرداند؟ بگو: فقط خداست که جهان آفرینش را می آفریند سپس آن را [پس از فنا] بازمی گرداند، پس چگونه [از حق] منصرفتان می کنند؟ (۳۴)

قُلْ هَلْ مِن شُرَكَائِكُم مَّن يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ قُلِ اللَّهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ أَفَمَن يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَن يُتَّبَعَ أَمَّن لَّا يَهِدِّي إِلَّا أَن يُهْدَى فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ (۳۵)

بگو: آیا از معبودان شما کسی هست که به سوی حق هدایت کند؟ بگو: فقط خداست که به سوی حق هدایت می کند؛ پس آیا کسی که به سوی حق هدایت می کند، برای پیروی شدن شایسته تر است یا کسی که هدایت نمی یابد مگر آنکه هدایتش کنند؟ شما را چه شده؟ چگونه [بدون بصیرت و دانش] داوری می کنید؟ (۳۵)

وَمَا يَتَّبِعُ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ (۳۶)

و بیشتر آنان [در عقاید و آرایشان] جز از گمان و ظن پیروی نمی کنند، یقیناً گمان و ظن به هیچوجه انسان را از حق بی نیاز نمی کند، [و جای معرفت و دانش را نمی گیرد] مسلماً خدا به آنچه انجام می دهند، داناست. (۳۶)

وَمَا كَانَ هَذَا الْقُرْآنُ أَن يُفْتَرَى مِن دُونِ اللَّهِ وَلَكِن تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِن رَّبِّ الْعَالَمِينَ (۳۷)

و این قرآن را نسزد که دروغی ساختگی از سوی غیر خدا باشد، بلکه [با آیات محکم و استوارش] تصدیق کننده کتاب های پیش از خود و شرح و توضیحی بر هر کتاب [آسمانی] است، در آن هیچ تردیدی نیست که از سوی پروردگار جهانیان است. (۳۷)

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ وَادْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُم مِّن دُونِ اللَّهِ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (۳۸)

ولی [این سبک مغزان بی منطق، در عین روشن بودن حقیقت] می گویند: [پیامبر] آن را به دروغ بافته است. بگو: پس اگر [در ادعای خود] راستگو هستید، سوره ای مانند آن بیاورید، و هر که را جز خدا می توانید [برای این کار] به یاری خود دعوت کنید. (۳۸)

بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ (۳۹)

آری، [عجولانه] حقیقتی را تکذیب کردند که به معارف و مفاهیمش احاطه نداشتند و هنوز تفسیر عینی و تحقّق و ظهور آیاتش [که در قیامت انجام می گیرد] برای آنان نیامده است، کسانی که پیش از آنان بودند [نیز آیات الهی و پیامبران را] این گونه تکذیب کردند؛ پس با تأمل بنگر که سرانجام ستمکاران چگونه بود؟ (۳۹)

وَمِنْهُم مَّن يُؤْمِنُ بِهِ وَمِنْهُم مَّن لَّا يُؤْمِنُ بِهِ وَرَبُّكَ أَعْلَمُ بِالْمُفْسِدِينَ (۴۰)

و گروهی از مردم به قرآن ایمان می آورند و گروهی ایمان نمی آورند؛ و پروردگارت به مفسدان، داناتر است. (۴۰)

وَإِن كَذَّبُوكَ فَقُل لِّي عَمَلِي وَلَكُمْ عَمَلُكُمْ أَنتُم بَرِيئُونَ مِمَّا أَعْمَلُ وَأَنَا بَرِيءٌ مِّمَّا تَعْمَلُونَ (۴۱)

و اگر تو را تکذیب کردند [تا آنجا که از ایمان آوردنشان ناامید شدی] بگو: عمل من برای من وعمل شما برای شماست، شما از آنچه من انجام می دهم، بیزارید، ومن از آنچه شما انجام می دهید، بیزارم. (۴۱)

وَمِنْهُم مَّن يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ أَفَأَنتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ وَلَوْ كَانُوا لَا يَعْقِلُونَ (۴۲)

و برخی از آنـان به تو گوش می دهنـد [ولی گویـا نمی شـنوند] آیا تو می توانی کران را گرچه انـدیشه نمی کننـد، بشـنوانی؟ (۴۲)

ص: ۲۱۳

وَمِنْهُم مَّن يَنظُرُ إِلَيْکَ أَفَأَنتَ تَهْدِی الْعُمْیَ وَلَوْ كَانُوا لَا يُبْصِرُونَ (۴۳)

و گروهی از آنـان تـو را می نگرنـد [ولی گویـا از درک معجزاتت، فهم آیـات قرآن، سـلامت اخلاـق و کردارت بـا چشم دل ناتوانند]. آیا تو می توانی نابینایان را گرچه از روی بصیرت و بینش نبینند، هدایت کنی؟ (۴۳)

إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَكِنَّ النَّاسَ أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (۴۴)

یقیناً خدا هیچ ستمی به مردم روا نمی دارد، ولی مردم [با روی گردانی از حق] بر خود ستم می ورزند. (۴۴)

وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ كَأَن لَّمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّنَ النَّهَارِ يَتَعَارَفُونَ بَيْنَهُمْ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ (۴۵)

و یـاد کن روزی را که خـدا آنـان را [در قیـامت] گرد می آورد، در حـالی که گویـا [در دنیا] جز ساعتی از روز درنگ نکرده انـد، آنان میان خودشان یکـدیگر را [به گونه ای که در دنیا می شـناختند] می شناسـند؛ یقیناً کسانی که دیدار [قیامت] خدا [و محاسبه شدن اعمالشان] را تکذیب کردند، سرمایه وجودشان را تباه نمودند و از راه یافتگان نبودند. (۴۵)

وَإِمَّا نُرِيَنَّکَ بَعْضَ الَّذِی نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّکَ فَإِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ اللَّهُ شَهِيدٌ عَلَى مَا يَفْعَلُونَ (۴۶)

اگر پاره ای از عـذاب هایی را که [به سـبب کفرشان] به آنان وعـده می دهیم، به تو نشان دهیم [می بینی که عـذابی سـخت و دردنـاک اسـت] یـا اگر [پیش از آنکه عـذاب آنـان را به تـو نشـان دهیم] تـو را قبض روح کنیم [انـدوه مخـور که در قیـامت، عذابشان را خواهی دید] پس بازگشتشان به سوی ماست؛ آن گاه خدا بر آنچه انجام می دهند، گواه است. (۴۶)

وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (۴۷)

و برای هر امتی پیـامبری است؛ پس هنگـامی که پیامبرشان [در قیامت] به سویشان آیـد، در میانشان به عـدالت وانصاف داوری شود و مورد ستم قرار نخواهند گرفت. (۴۷)

وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (۴۸)

و [به صورتی مسخره آمیز] می گویند: این وعده [آمدن قیامت و محاسبه اعمال] چه زمانی است، اگر راستگویید؟ (۴۸)

قُل لَّا أَمْلِکُ لِنَفْسِی ضَرًّا وَلَا نَفْعًا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ إِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ فَلَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ (۴۹)

بگو: من برای خود قـدرت دفع زیـان و جلب سود نـدارم، مگر آنچه را که خـدا بخواهـد؛ [وظیفه من فقط ابلاغ پیام خـداست]

برای هر امتی سرآمدی معین و اجلی محدود است، هنگامی که اجلشان سرآید، نه لحظه ای پس می مانند و نه پیش می افتند. (۴۹)

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُهُ بَيَاتًا أَوْ نَهَارًا مَّاذَا يَسْتَعْجِلُ مِنْهُ الْمُجْرِمُونَ (۵۰)

بگو: به من خبر دهید که اگر عذاب خدا شما را در شب یا در روز فرا رسد [چه قدرتی بر دفع آن دارید؟] گنهکاران چه چیزی از عذاب را به شتاب می خواهند؟ (۵۰)

أَثُمَّ إِذَا مَا وَقَعَ آمَنتُم بِهِ آلْآنَ وَقَدْ كُنتُم بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ (۵۱)

سپس آیا هنگامی که عذاب فرا می رسد به درستی و حق بودنش ایمان می آورید؟ [در لحظه فرا رسیدن عذاب به شما گفته می شود:] حالا و ایمان؟! [این همان عذابی است] که همواره به رسیدن آن شتاب ورزیدید! (۵۱)

ثُمَّ قِيلَ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا بِمَا كُنتُمْ تَكْسِبُونَ (۵۲)

آن گاه به کسانی که ستم کرده اند، گفته می شود: عذاب جاودانه را بچشید، آیا جز به کیفر آنچه همواره مرتکب می شدید، جزا داده می شوید؟ (۵۲)

وَيَسْتَنبِئُونَكَ أَحَقٌّ هُوَ قُلْ إِي وَرَبِّي إِنَّهُ لَحَقٌّ وَمَا أَنتُم بِمُعْجِزِينَ (۵۳)

و از تو خبر می گیرند: آیا [عذاب جاودانه ای که به آن تهدید می شویم] حق است؟ بگو: آری، سوگند به پروردگارم یقیناً حق است، و شما عاجز کننده [خدا] نیستید [تا بتوانید از دسترس قدرت او بیرون روید.] (۵۳)

وَلَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ مَا فِي الْأَرْضِ لَافْتَدَتْ بِهِ وَأَسَرُّوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (۵۴)

اگر [در قیامت] برای هر کسی که ستم کرده همه ثروتی که در زمین است فراهم باشد، یقیناً آن را برای بازخرید خود [از عذاب جاودانه] می پردازد؛ و زمانی که عذاب را ببینند [از شدت شرمساری] پشیمانی و اندوه خود را پنهان می کنند، ومیان آنان به عدالت و انصاف داوری می شود و مورد ستم قرار نخواهند گرفت. (۵۴)

أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَلَا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۵۵)

آگاه باشید! مسلماً آنچه در آسمان ها وزمین است، فقط در سیطره مالکیّت و فرمانروایی خداست. بدانید که بی تردید وعده خدا حق است، ولی بیشترشان [این حقایق را] نمی دانند. (۵۵)

هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۵۶)

او زنده می کند ومی میراند وبه سوی او بازگردانده می شوید. (۵۶)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَتْكُم مَّوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ (۵۷)

ای مردم! یقیناً از سوی پروردگارتان برای شما پند وموعظه ای آمده، و شفاست برای آنچه [ازبیماری های اعتقادی و اخلاقی] در سینه هاست، و سراسر هدایت و رحمتی است برای مؤمنان. (۵۷)

قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ (۵۸)

بگو: [این موعظه، دارو، هدایت و رحمت] به فضل و رحمت خداست، پس باید مؤمنان به آن شاد شوند که آن از همه ثروتی که جمع می کنند، بهتر است. (۵۸)

قُلْ أَرَأَيْتُم مَّا أَنزَلَ اللَّهُ لَكُم مِّن رِّزْقٍ فَجَعَلْتُم مِّنْهُ حَرَامًا وَحَلَالًا قُلْ آللَّهُ أَذِنَ لَكُمْ أَمْ عَلَى اللَّهِ تَفْتَرُونَ (۵۹)

بگو: به من خبر دهید که آنچه خدا از رزق و روزی برای شما نازل کرده و شما بخشی از آن را حرام و بخشی را حلال کردید. بگو: آیا خدا این حرام و حلال کردن را به شما اجازه داده یا بر خدا دروغ می بندید؟! (۵۹)

وَمَا ظَنُّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ (۶۰)

و کسانی که بر خدا دروغ می بندند، گمانشان به روز قیامت چیست؟ بی تردید خدا نسبت به همه مردم، صاحب فضل و احسان است، ولی بیشترشان سپاس نمی گزارند. (۶۰)

وَمَا تَكُونُ فِي شَأْنٍ وَمَا تَتْلُو مِنْهُ مِن قُرْآنٍ وَلَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا إِذْ تُفِيضُونَ فِيهِ وَمَا يَعْزُبُ عَن رَّبِّكَ مِن مِّثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَلَا أَصْغَرَ مِن ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ (۶۱)

[ای پیامبر!] در هیچ شغل و کاری نمی باشی، و هیچ بخشی از قرآن را که از سوی خداست، تلاوت نمی کنی، و [شما ای مردم!] هیچ کاری انجام نمی دهید، مگر آنکه وقتی سرگرم به آن کار هستید، گواه و شاهد شماییم. و به اندازه وزن ذره ای در زمین و آسمان از پروردگارت پوشیده نیست و نه کوچک تر از آن ذره و نه بزرگ تر از آن نیست، مگر آنکه در کتابی روشن ثبت است. (۶۱)

ص: ۲۱۵

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۶۲)

آگاه باشید! یقیناً دوستان خدا نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می شوند. (۶۲)

الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ (۶۳)

آنان که ایمان آورده اند و همواره پرهیزکاری دارند. (۶۳)

لَهُمُ الْبُشْرَى فِى الْحَيَاهِ الدُّنْيَا وَفِى الْآخِرَهِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۶۴)

آنان را در زندگی دنیا وآخرت مژده و بشارت است [در دنیا به وسیله وحی و در آخرت به خطاب خدا و گفتار فرشتگان] در کلمات خدا [که وعده ها و بشارت های اوست] هیچ دگرگونی نیست؛ این است کامیابی بزرگ. (۶۴)

وَلَا يَحْزُنكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّهَ لِلَّهِ جَمِيعًا هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۶۵)

و گفتار [بی اساس و تبلیغاتِ نارواي] مخالفان، تو را غمگین نکند؛ زیرا همه عزت و توانمندی برای خداست؛ او شنوا و داناست. (۶۵)

أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَن فِى السَّمَاوَاتِ وَمَن فِى الْأَرْضِ وَمَا يَتَّبِعُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ شُرَكَاءَ إِن يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ (۶۶)

آگاه باشید! یقیناً هر که در آسمان ها و هر که در زمین است در سیطره مالکیّت و فرمانروایی خداست؛ و کسانی که به جای خدا معبودانی را می پرستند، از حق پیروی نمی کنند؛ آنان [در این پرستش] فقط از گمان و ظن پیروی می کنند و آنان فقط دروغ می بافند. (۶۶)

هُوَ الَّذِى جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ فِى ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ (۶۷)

اوست کسی که شبِ [تاریک] را برای شما پدید آورد تا در آن بیارامید، و روز را نور افشان [قرار داد تا در آن به کار و کوشش بپردازید]؛ یقیناً در این امور برای گروهی که حقایق را بشنوند، نشانه هایی [از توحید و قدرت و ربوبیّت خدا] ست. (۶۷)

قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ هُوَ الْغَنِيُّ لَهُ مَا فِى السَّمَاوَاتِ وَمَا فِى الْأَرْضِ إِنْ عِندَكُم مِّن سُلْطَانٍ بِهَذَا أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (۶۸)

[مشرکان بر پایه گمان واهی خود] گفتند: خدا برای خود فرزندی گرفته است!! او منزّه از هر عیب و نقصی است، او از هر چیزی بی نیاز است، آنچه در آسمان ها و زمین است، در سیطره مالکیّت و فرمانروایی اوست؛ نزد شما بر این ادعا [یِ پوچ] هیچ دلیل و برهانی نیست، آیا چیزی را از روی جهل و نادانی به خدا نسبت می دهید؟! (۶۸)

قُلْ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ (۶۹)

بگو: کسانی که بر خدا دروغ می بندند، یقیناً رستگار نمی شوند. (۶۹)

مَتَاعٌ فِى الدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ نُذِيقُهُمُ الْعَذَابَ الشَّدِيدَ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ (۷۰)

در دنیا [بهره آنان از دروغ بستن] بهره ای [اندک] است؛ آن گاه بازگشتشان به سوی ماست؛ سپس به آنان به کیفر آنکه کفر می ورزیدند، عذابی سخت می چشانیم. (۷۰)

وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ نُوحٍ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِن كَانَ كَبُرَ عَلَيْكُم مَّقَامِي وَتَذْكِيرِي بِآيَاتِ اللَّهِ فَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ فَأَجْمِعُوا أَمْرَكُمْ وَشُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ أَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غُمَّةً ثُمَّ اقْضُوا إِلَيَّ وَلَا تُنظِرُونِ (۷۱)

و سرگذشت [پر فایده و عبرت آموز] نوح را برای آنان بگو، آن گاه که به قوم خود گفت: ای قوم من! اگر اقامت طولانی من میان شما و پند واندرزم به وسیله آیات خدا، بر شما گران و دشوار است [از هیچ کاری بر ضد من کوتاهی نکنید] من بر خدا توکل کردم، پس شما عزم و تصمیم خود و قدرت معبودانتان را [که گمان می کنید شما را یاری می دهند] روی هم بگذارید تا تلاشتان [بر ضد من] بر شما مبهم و پوشیده نباشد، آن گاه به زندگی من خاتمه دهید و مرا [چشم به هم زدنی] مهلت ندهید. (۷۱)

فَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَمَا سَأَلْتُكُم مِّنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ (۷۲)

اگر [از پذیرش دعوتم] روی بگردانید [خود زیان کرده اید] من از شما [در برابر ابلاغ رسالتم] پاداشی نمی خواهم؛ پاداش من فقط بر عهده خداست و مأمورم که از تسلیم شدگان [در برابر فرمان های حق] باشم. (۷۲)

فَكَذَّبُوهُ فَنَجَّيْنَاهُ وَمَن مَّعَهُ فِي الْفُلْكِ وَجَعَلْنَاهُمْ خَلَائِفَ وَأَغْرَقْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنذَرِينَ (۷۳)

پس او را تکذیب کردند؛ ما هم او و کسانی را که در کشتی همراه او بودند [از آن توفانِ مُهلک] نجات دادیم، و آنان را جانشینان [غرق شدگان] نمودیم، و کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، غرق کردیم؛ پس [با تأمل] بنگر که سرانجام کسانی که بیم داده شدند، چگونه بود؟! (۷۳)

ثُمَّ بَعَثْنَا مِن بَعْدِهِ رُسُلًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاءُوهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا بِهِ مِن قَبْلُ كَذَلِكَ نَطْبَعُ عَلَى قُلُوبِ الْمُعْتَدِينَ (۷۴)

سپس بعد از نوح، پیامبرانی را به سوی قومشان فرستادیم، پس برای آنان دلایل آشکار آوردند، ولی قومشان بر آن نبودند که به آنچه پیش از آن تکذیب کرده بودند ایمان آورند؛ این گونه دل های متجاوزان را مُهر [بدبختی] می زنیم. (۷۴)

ثُمَّ بَعَثْنَا مِن بَعْدِهِم مُّوسَى وَهَارُونَ إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ بِآيَاتِنَا فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُّجْرِمِينَ (۷۵)

آن گاه پس از آنان موسی و هارون را با آیات خود به سوی فرعون و اشراف و سران قومش فرستادیم، پس آنان تکبّر ورزیدند و آنان گروهی گنهکار بودند. (۷۵)

فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِندِنَا قَالُوا إِنَّ هَذَا لَسِحْرٌ مُّبِينٌ (۷۶)

پس هنگامی که حق از نزد ما به سویشان آمد، گفتند: مسلماً این جادویی است آشکار. (۷۶)

قَالَ مُوسَى أَتَقُولُونَ لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَكُمْ أَسِحْرٌ هَذَا وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُونَ (۷۷)

موسی گفت: آیا درباره حق هنگامی که به سویتان آمد، می گویید: آیا این جادوست؟ [نه، این جادو نیست، اگر جادو بود پیروزی نداشت] زیرا جادوگران پیروز نمی شوند. (۷۷)

قَالُوا أَجِئْتَنَا لِتَلْفِتَنَا عَمَّا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا وَتَكُونَ لَكُمَا الْكِبْرِيَاءُ فِي الْأَرْضِ وَمَا نَحْنُ لَكُمَا بِمُؤْمِنِينَ (۷۸)

گفتند: آیا به سوی ما آمده ای تا ما را از آیینی که پدرانمان را بر آن یافته ایم، برگردانی و [با نابود کردن ما] قدرت و حکومت در این سرزمین برای شما دو نفر باشد؟ و ما به شما دو نفر ایمان نمی آوریم! (۷۸)

ص: ۲۱۷

وَقَالَ فِرْعَوْنُ ائْتُونِي بِكُلِّ سَاحِرٍ عَلِيمٍ (۷۹)

و فرعون گفت: [برای درهم کوبیدن این دو نفر] هر جادوگر دانا و زبردستی را نزد من آورید. (۷۹)

فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ قَالَ لَهُم مُّوسَى أَلْقُوا مَا أَنتُم مُّلْقُونَ (۸۰)

چون جادوگران آمدند، موسی به آنان گفت: آنچه را بر افکندن آن مصمم هستید، بیفکنید. (۸۰)

فَلَمَّا أَلْقَوْا قَالَ مُوسَى مَا جِئْتُم بِهِ السِّحْرُ إِنَّ اللَّهَ سَيُبْطِلُهُ إِنَّ اللَّهَ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ (۸۱)

پس هنگامی که افکندند، موسی گفت: آنچه را در این صحنه آوردید، جادوست؛ مسلماً خدا آن را به زودی باطل می کند، قطعاً خدا، کار مفسدان را [که برای تقویت طاغیان انجام می دهند] به سامان نمی آورد. (۸۱)

وَيُحِقُّ اللَّهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ (۸۲)

و خدا حق را با دلایل و معجزاتش ثابت و پابرجا می کند، گرچه گنهکاران خوش نداشته باشند. (۸۲)

فَمَا آمَنَ لِمُوسَى إِلَّا ذُرِّيَّةٌ مِّن قَوْمِهِ عَلَى خَوْفٍ مِّن فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِمْ أَن يَفْتِنَهُمْ وَإِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ (۸۳)

پس [در ابتدای کار] کسی به موسی ایمان نیاورد، مگر فرزندانی [انگشت شمار] از قومش آن هم با ترسی [شدید] از فرعون و اشراف و سران قوم خودشان که مبادا فرعونیان آنان را شکنجه و عذاب دهند؛ و مسلماً فرعون در سرزمین مصر برتری خواه، و [در گناه، معصیت و ستم] از اسراف کاران بود. (۸۳)

وَقَالَ مُوسَى يَا قَوْمِ إِن كُنتُمْ آمَنتُم بِاللَّهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوا إِن كُنتُم مُّسْلِمِينَ (۸۴)

و موسی گفت: ای قوم من! اگر به خدا ایمان آورده اید، پس بر او توکل کنید اگر از تسلیم شدگان [در برابر فرمان های حق] هستید. (۸۴)

فَقَالُوا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (۸۵)

پس گفتند: ما فقط بر خدا توکل کردیم. پروردگارا! ما را دستخوش شکنجه و عذاب ستمکاران قرار مده. (۸۵)

وَنَجِّنَا بِرَحْمَتِكَ مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ (۸۶)

و ما را به رحمتت از گروه کافران رهایی ده. (۸۶)

وَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى وَأَخِيهِ أَن تَبَوَّآ لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ بُيُوتًا وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ (۸۷)

و به موسی و برادرش وحی کردیم که خانه هایی در سرزمین مصر برای قوم خود فراهم آورید، و خانه هایتان را روبروی هم قرار دهید، و نماز را برپا دارید، و مؤمنان را [به رهایی از چنگال فرعونیان] مژده ده. (۸۷)

وَقَالَ مُوسَى رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَأَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوا عَن سَبِيلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَى أَمْوَالِهِمْ وَاشْدُدْ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّى يَرَوُا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ (۸۸)

و موسی گفت: پروردگارا! فرعون و اشراف و سرانش را در زندگی دنیا زیور و زینت [بسیار] و اموال [فراوان] داده ای که [نهایتاً مردم را] از راه تو گمراه کنند، پروردگارا! اموالشان را نابود کن و دل هایشان را سخت گردان که ایمان نیاورند تا آنکه عذاب دردناک را ببینند. (۸۸)

ص: ۲۱۸

قَالَ قَدْ أُجِيبَت دَّعْوَتُكُمَا فَاسْتَقِيمَا وَلَا تَتَّبِعَانِّ سَبِيلَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ (۸۹)

[خدا] فرمود: دعای شما دو نفر پذیرفته شد؛ بنابراین [در ابلاغ پیام خدا] پابرجا واستوار باشید واز روش کسانی که جاهل و نادانند، پیروی نکنید. (۸۹)

وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتْبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ وَجُنُودُهُ بَغْيًا وَعَدْوًا حَتَّى إِذَا أَدْرَكَهُ الْغَرَقُ قَالَ آمَنتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي آمَنَتْ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ (۹۰)

وبنی اسرائیل را از دریا گذراندیم، پس فرعون و لشکریانش آنان را از روی ستم وتجاوز دنبال کردندتا هنگامی که بلای غرق شدن، او را فروگرفت، گفت: ایمان آوردم که هیچ معبودی جز همان که بنی اسرائیل به او ایمان آوردند، نیست و من از

تسلیم شدگان [در برابر فرمان های حق] هستم. (۹۰)

آلْآنَ وَقَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ وَكُنتَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ (۹۱)

[به او گفته شد:] اکنون [که به نابودی خود یقین داری و زمان بازگشت به خدا سپری شده ایمان می آوری؟!] در حالی که پیش از این عصیان می ورزیدی و از تبهکاران بودی؟ (۹۱)

فَالْيَوْمَ نُنَجِّيكَ بِبَدَنِكَ لِتَكُونَ لِمَنْ خَلْفَكَ آيَةً وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ عَنْ آيَاتِنَا لَغَافِلُونَ (۹۲)

پس امروز تو را با بدن بی جانت نجات می دهم [وبر بلندایی از ساحل دریا می گذارم] تا برای آیندگانت نشانه ای [از قدرت ما و زبونی و خواری گردنکشان] باشی؛ و یقیناً بسیاری از مردم از نشانه های ما بی خبرند. (۹۲)

وَلَقَدْ بَوَّأْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مُبَوَّأَ صِدْقٍ وَرَزَقْنَاهُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ فَمَا اخْتَلَفُوا حَتَّى جَاءَهُمُ الْعِلْمُ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ (۹۳)

به راستی ما بنی اسرائیل را در جایگاهی [خوش آب و هوا و منطقه ای سرشار از نعمت ها] جای دادیم و به آنان از انواع روزی های پاکیزه، روزی بخشیدیم [ولی آنان در نبوّت موسی و در دین خدا روی به اختلاف آوردند]؛ و اختلاف نکردند مگر پس از آنکه دانش [به حقایق و معارف] برای آنان آمد؛ یقیناً پروردگارت روز قیامت میان آنان درباره آنچه در آن اختلاف می کردند، داوری خواهد کرد. (۹۳)

فَإِن كُنتَ فِي شَكٍّ مِّمَّا أَنزَلْنَا إِلَيْكَ فَاسْأَلِ الَّذِينَ يَقْرَءُونَ الْكِتَابَ مِن قَبْلِكَ لَقَدْ جَاءَكَ الْحَقُّ مِن رَّبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ (۹۴)

و [به فرض محال] اگر از آنچه بر تو نازل کردیم در شک و تردیدی، از آنان که پیش از تو کتاب [آسمانی] می خواندند بپرس [کتابی که نزول قرآن را از سوی خدا خبر داده] تا روشن شود که حق از سوی پروردگارت به سوی تو آمده؛ بنابراین از تردیدکنندگان مباش. (۹۴)

وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ فَتَكُونَ مِنَ الْخَاسِرِينَ (۹۵)

و هرگز از کسانی مباش که آیات ما را تکذیب کردند که از زیانکاران خواهی شد. (۹۵)

إِنَّ الَّذِينَ حَقَّتْ عَلَيْهِمْ كَلِمَتُ رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ (۹۶)

مسلماً کسانی که عذاب پروردگارت بر آنان محقق و ثابت شده، ایمان نمی آورند. (۹۶)

وَلَوْ جَاءَتْهُمْ كُلُّ آيَةٍ حَتَّى يَرَوُا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ (۹۷)

گرچه همه نشانه ها و معجزه ها برای آنان بیاید تا آن زمان که عذاب دردناک را ببینند [که آن هنگام ایمان آوردنشان هیچ سودی نخواهد داشت.] (۹۷)

ص: ۲۱۹

فَلَوْلَا كَانَتْ قَرْيَةٌ آمَنَتْ فَنَفَعَهَا إِيمَانُهَا إِلَّا قَوْمَ يُونُسَ لَمَّا آمَنُوا كَشَفْنَا عَنْهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَى حِينٍ (۹۸)

پس چرا هیچ شهری نبوده است که [اهلش] ایمان بیاورد تا ایمانشان به آنان سود دهد؟ مگر قوم یونس که وقتی ایمان آوردند، عذاب رسوایی را در زندگی دنیا از آنان برطرف کردیم و آنان را تا پایان عمرشان [از الطاف و نعمت های خود] برخوردار نمودیم. (۹۸)

وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَآمَنَ مَن فِي الْأَرْضِ كُلُّهُمْ جَمِيعًا أَفَأَنتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ (۹۹)

اگر پروردگارت می خواست یقیناً همه کسانی که روی زمین اند [اجباراً] ایمان می آوردند؛ [ای پیامبر! در حالی که خدا از بندگانش ایمان اجباری نخواسته] پس آیا تو مردم را وادار می کنی تا به اجبار مؤمن شوند؟! (۹۹)

وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَن تُؤْمِنَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَجْعَلُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ (۱۰۰)

هیچ کس را نسزد [و قدرت نباشد] که ایمان بیاورد مگر به اذن و توفیق خدا، و خدا پلیدی [ضلالت] را [پس از بیان حقایق] بر کسانی قرار می دهد که [در حقایق] نمی اندیشند. (۱۰۰)

قُلِ انظُرُوا مَاذَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا تُغْنِي الْآيَاتُ وَالنُّذُرُ عَن قَوْمٍ لَّا يُؤْمِنُونَ (۱۰۱)

بگو: با تأمل بنگرید که در آسمان ها و زمین [از شگفتی های آفرینش و عجایب خلقت] چه چیزها هست؟ ولی نشانه ها و هشدارها به حال گروهی که ایمان نمی آورند، سودی نمی دهد. (۱۰۱)

فَهَلْ يَنتَظِرُونَ إِلَّا مِثْلَ أَيَّامِ الَّذِينَ خَلَوْا مِن قَبْلِهِمْ قُلْ فَانتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُم مِّنَ الْمُنتَظِرِينَ (۱۰۲)

پس آیا جز مانند روزهای [سخت و شکننده] کسانی را که پیش از آنان درگذشتند، انتظار می برند؟ بگو: پس منتظر بمانید که من [هم] با شما از منتظرانم. (۱۰۲)

ثُمَّ نُنَجِّي رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا كَذَلِكَ حَقًّا عَلَيْنَا نُنجِ الْمُؤْمِنِينَ (۱۰۳)

آن گاه پیامبران خود و کسانی را که ایمان آورده اند [روز نزول عذاب] می رهانیم، همین گونه بر ما فریضه و لازم است که مؤمنان را نجات دهیم. (۱۰۳)

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنتُمْ فِي شَكٍّ مِّن دِينِي فَلَا أَعْبُدُ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ أَعْبُدُ اللَّهَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُمْ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (۱۰۴)

بگو: ای مردم! اگر شما در [حقّانیّت] دین من تردید دارید [من در حقّانیّت دینم و بطلان آیین شما هیچ تردیدی ندارم] من آنهایی را که شما به جای خدا می پرستید، نمی پرستم، بلکه خدایی را می پرستم که جان همه شما را می ستاند، و من مأمورم که از مؤمنان باشم. (۱۰۴)

وَأَنْ أَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۱۰۵)

و [دستور یافته ام] که [حق گرایانه و بدون انحراف با همه وجود] به سوی [این] دین درست واستوار روی آور، و از مشرکان مباش. (۱۰۵)

وَلَا تَدْعُ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنفَعُكَ وَلَا يَضُرُّكَ فَإِن فَعَلْتَ فَإِنَّكَ إِذًا مِّنَ الظَّالِمِينَ (۱۰۶)

و به جای خدا چیزی را که سودی به تو نمی رساند و زیانی نمی زند، مَپَرست؛ که اگر بپرستی قطعاً از زیانکاران خواهی بود. (۱۰۶)

ص: ۲۲۰

وَإِن يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِن يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ يُصِيبُ بِهِ مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (۱۰۷)

و اگر خدا گزند و آسیبی به تو رساند، آن را جز او برطرف کننده ای نیست، و اگر برای تو خیری خواهد فضل و احسانش را دفع کننده ای نیست؛ خیرش را به هر کس از بندگانش بخواهد می رساند و او بسیار آمرزنده و مهربان است. (۱۰۷)

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمُ الْحَقُّ مِن رَّبِّكُمْ فَمَنِ اهْتَدَى فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَن ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُم بِوَكِيلٍ (۱۰۸)

بگو: ای مردم! یقیناً حق از سوی پروردگارتان برای شما آمد؛ پس هر که هدایت یابد، فقط به سود خود هدایت می یابد و هر که گمراه گردد، فقط به زیان خود گمراه می شود، و من نگهبان شما نیستم. (۱۰۸)

وَاتَّبِعْ مَا يُوحَى إِلَيْكَ وَاصْبِرْ حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ (۱۰۹)

و از آنچه به سویت وحی می شود، پیروی کن و [در برابر پیش آمدها و تکذیب منکران] شکیبا باش تا خدا [میان تو و مخالفانت] داوری کند؛ و او بهترین داوران است. (۱۰۹)

سوره هود

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الر كِتَابٌ أُحْكِمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِن لَّدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ (١)

الر [این] کتابی [با عظمت] است که آیاتش [به صورت حقیقتی واحد] استواری واستحکام یافته، سپس از سوی حکیمی آگاه [در قالب سوره ها، آیه ها، حقایق اعتقادی، اخلاقی و عملی] تفصیل داده شده است. (١)

أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنَّنِی لَکُم مِّنْهُ نَذِیرٌ وَبَشِیرٌ (٢)

که جز خدا را نپرستید، یقیناً من از سوی او برای شما بیم دهنده [از عذاب] و مژده دهنده [به بهشت و رضوان] هستم. (٢)

وَأَنِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّکُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَیْهِ یُمَتِّعْکُم مَّتَاعًا حَسَنًا إِلَی أَجَلٍ مُّسَمًّی وَیُؤْتِ کُلَّ ذِی فَضْلٍ فَضْلَهُ وَإِن تَوَلَّوْا فَإِنِّی أَخَافُ عَلَیْکُمْ عَذَابَ یَوْمٍ کَبِیرٍ (٣)

و اینکه از پروردگارتان آمرزش بخواهید، سپس به سوی او بازگردید تا آنکه شما را تا پایان زندگی از بهره نیک و خوشی برخوردار کند، و هر که را صفات پسندیده و اعمال شایسته او افزون تر است، پاداش زیادتری عطا کند، و اگر روی از حق برگردانید، من از عذاب روزی بزرگ بر شما بیمناکم. (٣)

إِلَی اللَّهِ مَرْجِعُکُمْ وَهُوَ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ (۴)

بازگشت شما فقط به سوی خداست و او بر هر کاری تواناست. (۴)

أَلَا إِنَّهُمْ یَثْنُونَ صُدُورَهُمْ لِیَسْتَخْفُوا مِنْهُ أَلَا حِینَ یَسْتَغْشُونَ ثِیَابَهُمْ یَعْلَمُ مَا یُسِرُّونَ وَمَا یُعْلِنُونَ إِنَّهُ عَلِیمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۵)

آگاه باشید که مشرکان سر در گریبان فرو می برند تا [خود را] از شنیدن قرآن [به هنگام تلاوتش به وسیله پیامبر و مؤمنان] پنهان بدارند؛ آگاه باشید! چون جامه هایشان را بر سر و روی خود می پوشانند [تا دیده نشوند، این پنهانکاری سودی به حال آنان ندارد] خدا آنچه را پنهان می کنند وآنچه را آشکار می نمایند، می داند؛ یقیناً او به آنچه در سینه هاست، داناست. (۵)

ص: ٢٢١

جزء ١٢

ادامه سوره هود

وَمَا مِن دَابَّةٍ فِی الْأَرْضِ إِلَّا عَلَی اللَّهِ رِزْقُهَا وَیَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا کُلٌّ فِی کِتَابٍ مُّبِینٍ (۶)

و هیچ جنبده ای در زمین نیست مگر اینکه روزیِ او برخداست، و [او] قرارگاه واقعی و جایگاه موقت آنان را می داند؛ همه در کتابی روشن ثبت است. (۶)

وَهُوَ الَّذِی خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِی سِتَّةِ أَیَّامٍ وَکَانَ عَرْشُهُ عَلَی الْمَاءِ لِیَبْلُوَکُمْ أَیُّکُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَلَئِن قُلْتَ إِنَّکُم مَّبْعُوثُونَ مِن

بَعْدِ الْمَوْتِ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ (٧)

و او کسی است که آسمان ها و زمین را در شش روز آفرید، در حالی که تخت فرمانروایی اش بر آب [که زیربنای حیات است] قرار داشت، تا شما را بیازماید که کدام یک نیکوکارترید؟ و اگر بگویی: [ای مردم!] شما یقیناً پس از مرگ برانگیخته می شوید، بی تردید کافران می گویند: این سخنان جز جادویی آشکار نیست. (٧)

وَلَئِنْ أَخَّرْنَا عَنْهُمُ الْعَذَابَ إِلَى أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ لَّيَقُولُنَّ مَا يَحْبِسُهُ أَلَا يَوْمَ يَأْتِيهِمْ لَيْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (٨)

و اگر عذاب را از آنان تا مدتی اندک به تأخیر اندازیم، مسلماً [از روی استهزا] خواهند گفت: چه عاملی آن را [از آمدن] باز می دارد؟! آگاه باشید! روزی که عذاب به آنان رسد، از آنان بازگشتنی و بازداشتنی نیست و عذابی را که همواره مسخره می کردند، آنان را فراخواهد گرفت. (٨)

وَلَئِنْ أَذَقْنَا الْإِنسَانَ مِنَّا رَحْمَةً ثُمَّ نَزَعْنَاهَا مِنْهُ إِنَّهُ لَيَئُوسٌ كَفُورٌ (٩)

و اگر از سوی خود رحمتی [چون سلامتی، ثروت، اولاد و امنیت] به انسان بچشانیم، سپس آن را [به علتی حکیمانه] از او سلب کنیم [نسبت به آینده زندگی] بسیار نومید شونده و [نسبت به نعمت هایی که دارا بود] بسیار کفران کننده است. (٩)

وَلَئِنْ أَذَقْنَاهُ نَعْمَاءَ بَعْدَ ضَرَّاءَ مَسَّتْهُ لَيَقُولَنَّ ذَهَبَ السَّيِّئَاتُ عَنِّي إِنَّهُ لَفَرِحٌ فَخُورٌ (١٠)

و اگر پس از گزند و آسیبی که به او رسیده خوشی و رفاهی به او بچشانیم، قطعاً خواهد گفت: همه [گزندها و] آسیب ها از فضای زندگی ام رفت [و دیگر آسیبی نمی بینم و] مسلماً در آن حال [که غافل از حوادث آینده است] بسیار شادمان و خودستا خواهد بود. (١٠)

إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ لَهُم مَّغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ (١١)

مگر کسانی که [در خوشی ها و آسیب ها] شکیبایی ورزیدند و کارهای شایسته انجام دادند، ایناننند که برای آنان آمرزش و پاداشی بزرگ است. (١١)

فَلَعَلَّكَ تَارِكٌ بَعْضَ مَا يُوحَى إِلَيْكَ وَضَائِقٌ بِهِ صَدْرُكَ أَن يَقُولُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ كَنزٌ أَوْ جَاءَ مَعَهُ مَلَكٌ إِنَّمَا أَنتَ نَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ (١٢)

ممکن است به سبب آنکه [دشمنان] می گویند: چرا گنجی بر او نازل نشده، یا فرشته ای همراهش نیامده؟ برخی از آنچه را به تو وحی می شود ترک کنی وسینه ات [از ابلاغ و اظهار آن] تنگ شود [به سبب موضع گیری های دشمنان از ابلاغ پیام حق خودداری مکن] تو فقط بیم دهنده ای و خدا بر هر چیز نگهبان است. (١٢)

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوَرٍ مِّثْلِهِ مُفْتَرَيَاتٍ وَادْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُم مِّن دُونِ اللَّهِ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (۱۳)

بلکه [در برابر همه قرآن می ایستند و] می گویند: او این قرآن را از نزد خود ساخته [و به خدا نسبت می دهد] بگو: اگر راستگویید، شما هم ده سوره مانند آن بیاورید و هر کس را غیر خدا می توانید، به یاری خود دعوت کنید. (۱۳)

فَإِلَّمْ يَسْتَجِيبُوا لَكُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّمَا أُنزِلَ بِعِلْمِ اللَّهِ وَأَن لَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَهَلْ أَنتُم مُّسْلِمُونَ (۱۴)

پس اگر آنان دعوت شما را اجابت نکردند [که هرگز اجابت نمی کنند] بدانید که آنچه نازل شده به دانش خداست وهیچ معبودی جز او نیست، پس آیا تسلیم [حق] می شوید؟ (۱۴)

مَن كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا نُوَفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ (۱۵)

کسانی که زندگی دنیا و زیور و زینتش را بخواهند، ثمره تلاششان را به طور کامل در [همین] دنیا به آنان می دهیم و در اینجا چیزی از آنان کاسته نخواهد شد. (۱۵)

أُولَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَحَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَبَاطِلٌ مَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۶)

اینان کسانی هستند که در آخرت، سهمی جز آتش برای آنان نیست و آنچه [در دنیا از کار خیر] کرده اند، در آخرت تباه و بی اثر می شود، و آنچه همواره [ریاکارانه] انجام می دادند، باطل است. (۱۶)

أَفَمَن كَانَ عَلَى بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِّنْهُ وَمِن قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَى إِمَامًا وَرَحْمَةً أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَن يَكْفُرْ بِهِ مِنَ الْأَحْزَابِ فَالنَّارُ مَوْعِدُهُ فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِّنْهُ إِنَّهُ الْحَقُّ مِن رَّبِّكَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ (۱۷)

آیا کسانی که از سوی پروردگارشان بر دلیلی روشن [از بصیرت و بینش] متکی هستند و شاهدی از سوی او [چون قرآن برای تأیید آن دلیل روشن] از پی درآید و پیش از قرآن [هم] کتاب موسی در حالی که [برای مؤمنان] پیشوا و رحمت بود [بر حقّانیّت قرآن گواهی داده مانند کسانی می باشند که چنین نیستند] اینان [که متکی بر دلیل روشن اند] به قرآن ایمان می آورند، و هر کس از گروه ها [چه یهود، چه نصاری و چه مشرکان] به آن کفر ورزد، وعده گاهش آتش است؛ پس [ای انسان!] درباره قرآن در تردید مباش که آن از سوی پروردگارت حق است، ولی بیشتر مردم [به خاطر کبر باطنی، لجاجت و جهل] ایمان [به آن] نمی آورند. (۱۷)

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أُولَئِكَ يُعْرَضُونَ عَلَى رَبِّهِمْ وَيَقُولُ الْأَشْهَادُ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى رَبِّهِمْ أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ (۱۸)

و ستمکارتر از کسانی که به خدا دروغ بندند چه کسی است؟ اینان [در قیامت] بر پروردگارشان عرضه خواهند شد، وگواهان

[اعمال] می گویند: اینان کسانی هستند که بر پروردگارشان دروغ بستند؛ آگاه باشید! لعنت خدا بر ستمکاران باد. (۱۸)

الَّذِینَ یَصُدُّونَ عَن سَبِیلِ اللَّهِ وَیَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُم بِالْآخِرَهِ هُمْ کَافِرُونَ (۱۹)

آنان که مردم را از راه خدا باز می دارند و می خواهند آن را [با وسوسه و اغواگری] کج نشان دهند و به آخرت کافرند. (۱۹)

ص: ۲۲۳

أُولَئِکَ لَمْ یَکُونُوا مُعْجِزِینَ فِی الْأَرْضِ وَمَا کَانَ لَهُم مِّن دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِیَاءَ یُضَاعَفُ لَهُمُ الْعَذَابُ مَا کَانُوا یَسْتَطِیعُونَ السَّمْعَ وَمَا کَانُوا یُبْصِرُونَ (۲۰)

اینان در زمین، عاجزکننده [خدا] نیستند تا [بتوانند از دسترس قدرت او بیرون روند]، و برای آنان سرپرستان و یاورانی جز خدا نیست، عذابشان [در روز قیامت] دو چندان خواهد شد؛ آنان [به سبب بسیاریِ گناه] تاب وتوانِ شنیدنِ [حق را] نداشتند و [با چشم بصیرت، حقیقت را] نمی دیدند. (۲۰)

أُولَئِکَ الَّذِینَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُم مَّا کَانُوا یَفْتَرُونَ (۲۱)

اینان کسانی هستند که سرمایه وجودشان را تباه کردند، و آنچه را همواره به دروغ [به عنوان شریکان خدا به خدا] نسبت می دادند [گم شده] از دستشان می رود. (۲۱)

لَا جَرَمَ أَنَّهُمْ فِی الْآخِرَهِ هُمُ الْأَخْسَرُونَ (۲۲)

ثابت و یقینی است که اینانند که در آخرت از همه زیانکارترند. (۲۲)

إِنَّ الَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَخْبَتُوا إِلَی رَبِّهِمْ أُولَئِکَ أَصْحَابُ الْجَنَّهِ هُمْ فِیهَا خَالِدُونَ (۲۳)

قطعاً کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند و به پروردگارشان آرامش و اطمینان یافتند، اهل بهشت اند و در آن جاودانه اند. (۲۳)

مَثَلُ الْفَرِیقَیْنِ کَالْأَعْمَی وَالْأَصَمِّ وَالْبَصِیرِ وَالسَّمِیعِ هَلْ یَسْتَوِیَانِ مَثَلًا أَفَلَا تَذَکَّرُونَ (۲۴)

وصف این دو گروه [مشرک و مؤمن] همانند نابینا و کر و بینا و شنواست؛ آیا [این دو گروه] در صفت و حال یکسانند؟ پس آیا متذکّر نمی شوید؟ (۲۴)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَی قَوْمِهِ إِنِّی لَکُمْ نَذِیرٌ مُّبِینٌ (۲۵)

بی تردید نوح را به سوی قومش فرستادیم [که به آنان بگو:] من برای شما بیم دهنده ای آشکارم. (۲۵)

أَن لَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّی أَخَافُ عَلَیْکَمْ عَذَابَ یَوْمٍ أَلِیمٍ (۲۶)

که جز خدا را نپرستید؛ من بر شما از عذاب روزی دردناک بیمناکم. (۲۶)

فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِینَ کَفَرُوا مِن قَوْمِهِ مَا نَرَاکَ إِلَّا بَشَرًا مِّثْلَنَا وَمَا نَرَاکَ اتَّبَعَکَ إِلَّا الَّذِینَ هُمْ أَرَاذِلُنَا بَادِیَ الرَّأْیِ وَمَا نَرَی لَکُمْ عَلَیْنَا مِن فَضْلٍ بَلْ نَظُنُّکُمْ کَاذِبِینَ (۲۷)

اشراف و سران کافر قومش گفتند: ما تو را جز بشری مانند خود نمی بینیم، و کسی را جز فرومایگان که نسنجیده و بدون اندیشه از تو پیروی کرده باشند مشاهده نمی کنیم، و برای شما هیچ برتری و فضیلتی بر خود نمی بینیم، بلکه شما را دروغگو می پنداریم. (۲۷)

قَالَ یَا قَوْمِ أَرَأَیْتُمْ إِن کُنتُ عَلَی بَیِّنَهٍ مِّن رَّبِّی وَآتَانِی رَحْمَهً مِّنْ عِندِهِ فَعُمِّیَتْ عَلَیْکُمْ أَنُلْزِمُکُمُوهَا وَأَنتُمْ لَهَا کَارِهُونَ (۲۸)

نوح گفت: ای قوم من! مرا خبر دهید: اگر من بر دلیل روشنی از سوی پروردگارم متکی باشم و مرا از نزد خود رحمتی عطا کرده باشد که بر شما مخفی مانده [باز هم نبوّت مرا تکذیب می کنید؟] آیا [در صورتی که اجباری در پذیرش دین نیست] می توان شما را به پذیرش آن دلیل روشن در حالی که آن را خوش ندارید، وادار کنیم؟ (۲۸)

ص: ۲۲۴

وَیَا قَوْمِ لَا أَسْأَلُکُمْ عَلَیْهِ مَالًا إِنْ أَجْرِیَ إِلَّا عَلَی اللَّهِ وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الَّذِینَ آمَنُوا إِنَّهُم مُّلَاقُو رَبِّهِمْ وَلَکِنِّی أَرَاکُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ (۲۹)

و ای قوم من! من از شما [در برابر ابلاغ رسالتم] هیچ پاداشی نمی خواهم؛ پاداشم فقط بر عهده خداست، و من [برای به دست آوردن دل شما] طرد کننده کسانی که ایمان آورده اند [و شما آنان را فرومایه می دانید] نخواهم بود؛ زیرا اینان دیدارکنندگان [پاداش و مقام قرب] پروردگار خویش اند. ولی من شما را گروهی می بینم که جهالت می ورزید. (۲۹)

وَیَا قَوْمِ مَن یَنصُرُنِی مِنَ اللَّهِ إِن طَرَدتُّهُمْ أَفَلَا تَذَکَّرُونَ (۳۰)

و ای قوم من! اگر آنان را از خود طرد کنم، چه کسی مرا در برابر [عذاب] خدا یاری می دهد؟ آیا متذکّر نمی شوید؟ (۳۰)

وَلَا أَقُولُ لَکُمْ عِندِی خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَیْبَ وَلَا أَقُولُ إِنِّی مَلَکٌ وَلَا أَقُولُ لِلَّذِینَ تَزْدَرِی أَعْیُنُکُمْ لَن یُؤْتِیَهُمُ اللَّهُ خَیْرًا اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا فِی أَنفُسِهِمْ إِنِّی إِذًا لَّمِنَ الظَّالِمِینَ (۳۱)

و من به شما نمی گویم که گنجینه های [عنایات و الطاف] خدا نزد من است [تا به طور مستقل بتوانم حاجات شما را برآورم و هر تصرفی را که مایل باشم در آسمان ها و زمین بنمایم]، و ادعا نمی کنم که غیب هم می دانم، و نمی گویم که من فرشته ام و درباره آنان که چشمانتان فرومایه و خوارشان می نگرد، نمی گویم که خدا هرگز خیری به آنان نخواهد داد؛ خدا به آنچه در دل آنان است آگاه تر است؛ اگر چنین گویم از ستمکاران خواهم بود. (۳۱)

قَالُوا يَا نُوحُ قَدْ جَادَلْتَنَا فَأَكْثَرْتَ جِدَالَنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِن كُنتَ مِنَ الصَّادِقِينَ (۳۲)

گفتند: ای نوح! با ما جدال و ستیزه کردی و بسیار هم جدال و ستیزه کردی، نهایتاً اگر از راستگویانی آنچه را [از عذاب] به ما وعده می دهی، برایمان بیاور. (۳۲)

قَالَ إِنَّمَا يَأْتِيكُم بِهِ اللَّهُ إِن شَاءَ وَمَا أَنتُم بِمُعْجِزِينَ (۳۳)

گفت: جز این نیست که اگر خدا بخواهد آن را برای شما می آورد و شما عاجز کننده [خدا] نیستید [تا بتوانید از دسترس قدرت او بیرون روید.] (۳۳)

وَلَا يَنفَعُكُمْ نُصْحِي إِنْ أَرَدتُّ أَنْ أَنصَحَ لَكُمْ إِن كَانَ اللَّهُ يُرِيدُ أَن يُغْوِيَكُمْ هُوَ رَبُّكُمْ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۳۴)

و اگر بخواهم برای شما خیرخواهی کنم در صورتی که خدا بخواهد شما را [به کیفر گناهانتان] گمراه کند، خیرخواهی من سودی به شما نخواهد داد، او پروردگار شماست و به سویش بازگردانده می شوید. (۳۴)

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ إِنِ افْتَرَيْتُهُ فَعَلَيَّ إِجْرَامِي وَأَنَا بَرِيءٌ مِّمَّا تُجْرِمُونَ (۳۵)

آیا مشرکان می گویند: پیامبر، این قرآن را از نزد خود به دروغ ساخته [و به خدا نسبت داده؟] بگو: اگر آن را به دروغ ساخته باشم، گناهم فقط بر عهده خود من است، و من از گناهانی که شما مرتکب می شوید، بیزارم. (۳۵)

وَأُوحِيَ إِلَى نُوحٍ أَنَّهُ لَن يُؤْمِنَ مِن قَوْمِكَ إِلَّا مَن قَدْ آمَنَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ (۳۶)

و به نوح وحی شد که از قوم تو جز کسانی که [تاکنون] ایمان آورده اند، هرگز کسی ایمان نخواهد آورد؛ بنابراین از کارهایی که همواره [بر ضد حق] انجام می دادند، اندوهگین مباش. (۳۶)

وَاصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا وَلَا تُخَاطِبْنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُم مُّغْرَقُونَ (۳۷)

و با نظارت ما و [بر اساس] وحی ما کِشتی را بساز، و با من درباره کسانی که ستم کرده اند، سخن مگو که یقیناً آنان غرق شدنی هستند. (۳۷)

ص: ۲۲۵

وَيَصْنَعُ الْفُلْكَ وَكُلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ مَلَأٌ مِّن قَوْمِهِ سَخِرُوا مِنْهُ قَالَ إِن تَسْخَرُوا مِنَّا فَإِنَّا نَسْخَرُ مِنكُمْ كَمَا تَسْخَرُونَ (۳۸)

و [نوح] کشتی را می ساخت و هرگاه گروهی از [اشراف و سرانِ] قومش بر او عبور می کردند، او را به مسخره می گرفتند. گفت: اگر شما ما را مسخره می کنید، مسلماً ما هم شما را [به هنگام پدید آمدن توفان] همان گونه که ما را مسخره می کنید، مسخره خواهیم کرد. (۳۸)

فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَن يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيمٌ (۳۹)

سپس خواهید دانست که چه کسی را [در دنیا] عذابی خوارکننده و [در آخرت عذابی] پایدار خواهد رسید. (۳۹)

حَتَّى إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِن كُلٍّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَن سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَمَنْ آمَنَ وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ (۴۰)

[رویاروییِ نوح و قومش هم چنان ادامه داشت] تا هنگامی که فرمان ما فرا رسید و تنور فوران کرد، گفتیم: از هر [نوع حیوانی] یک زوج دوتایی [یک نر و یک ماده] و نیز خاندانت و آنان را که ایمان آورده اند، در کشتی سوار کن مگر کسی که پیش تر فرمان غرق شدن را بر ضد او لازم کرده ایم. و جز اندکی همراه او ایمان نیاوردند. (۴۰)

وَقَالَ ارْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَمُرْسَاهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ (۴۱)

و نوح گفت: در آن سوار شوید که حرکت کردنش و لنگر انداختنش فقط به نام خداست، یقیناً پروردگارم بسیار آمرزنده و مهربان است. (۴۱)

وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ وَنَادَى نُوحٌ ابْنَهُ وَكَانَ فِي مَعْزِلٍ يَا بُنَيَّ ارْكَب مَّعَنَا وَلَا تَكُن مَّعَ الْكَافِرِينَ (۴۲)

آن کشتی آنان را در میان موج هایی کوه آسا حرکت می داد، و نوح فرزندش را که در کناری بود، بانگ زد که ای پسرم! همراه ما سوار شو و با کافران مباش. (۴۲)

قَالَ سَآوِي إِلَى جَبَلٍ يَعْصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ قَالَ لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَن رَّحِمَ وَحَالَ بَيْنَهُمَا الْمَوْجُ فَكَانَ مِنَ الْمُغْرَقِينَ (۴۳)

گفت: به زودی به کوهی که مرا از [این] آب نگه دارد، پناه می برم. نوح گفت: امروز در برابر عذاب خدا هیچ نگه دارنده ای نیست مگر کسی که [خدا بر او] رحم کند. و موج میان آن دو حایل شد و پسر از غرق شدگان گردید. (۴۳)

وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ وَيَا سَمَاءُ أَقْلِعِي وَغِيضَ الْمَاءُ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَاسْتَوَتْ عَلَى الْجُودِيِّ وَقِيلَ بُعْدًا لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (۴۴)

و [پس از هلاک شدن کافران] گفته شد: ای زمین! آب خود را فرو بر، و ای آسمان! [از ریختن باران] باز ایست، و آب کاستی گرفت و کار پایان یافت و کشتی بر [کوهِ] جودی قرار گرفت و گفته شد: دوری [از رحمت خدا] بر گروه ستمکاران باد. (۴۴)

وَنَادَى نُوحٌ رَّبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ (۴۵)

و نوح [پیش از توفان] پروردگارش را ندا داد و گفت: پروردگارا! به راستی که پسرم از خاندان من است و یقیناً وعده ات [به نجات خاندانم] حق است و تو بهترین داورانی. (۴۵)

قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْأَلْنِ مَا لَيسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّی أَعِظُكَ أَن تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ (۴۶)

خدا فرمود: ای نوح! به یقین او از خاندان تو نیست، او [دارای] کرداری ناشایسته است، پس چیزی را که به آن علم نداری از من مخواه، همانا من تو را اندرز می دهم که مبادا از ناآگاهان باشی. (۴۶)

قَالَ رَبِّ إِنِّی أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيسَ لِی بِهِ عِلْمٌ وَإِلَّا تَغْفِرْ لِی وَتَرْحَمْنِی أَكُن مِّنَ الْخَاسِرِينَ (۴۷)

نوح گفت: پروردگارا! من از اینکه چیزی را که به آن علم ندارم از تو بخواهم به تو پناه می برم و اگر مرا نیامرزی و بر من رحم نکنی از زیانکاران خواهم بود. (۴۷)

قِيلَ يَا نُوحُ اهْبِطْ بِسَلَامٍ مِّنَّا وَبَرَكَاتٍ عَلَيْكَ وَعَلَى أُمَمٍ مِّمَّن مَّعَكَ وَأُمَمٌ سَنُمَتِّعُهُمْ ثُمَّ يَمَسُّهُم مِّنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ (۴۸)

گفته شد: ای نوح! با سلام و برکاتی از سوی ما بر تو و امت هایی که با تواند [از کشتی] فرود آی و امت هایی [از نسل همراهانت به وجود می آیند] که به زودی آنان را [از نعمت های خود] برخوردار می کنیم، سپس آنان را از سوی ما [به سبب کفران نعمت] عذابی دردناک خواهد رسید. (۴۸)

تِلْكَ مِنْ أَنبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ مَا كُنتَ تَعْلَمُهَا أَنتَ وَلَا قَوْمُكَ مِن قَبْلِ هَذَا فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَاقِبَهَ لِلْمُتَّقِينَ (۴۹)

اینها از خبرهای غیبی است که آن را به تو وحی می کنیم، نه تو آنها را پیش از این می دانستی و نه قوم تو؛ پس [در ابلاغ پیام ما با بهره گرفتن از این خبرها] شکیبایی ورز؛ یقیناً فرجام [نیک] برای پرهیزکاران است. (۴۹)

وَإِلَى عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ إِنْ أَنتُمْ إِلَّا مُفْتَرُونَ (۵۰)

و به سوی قوم عاد، برادرشان هود را [فرستادیم] گفت: ای قوم من! خدا را بپرستید که شما را جز او هیچ معبودی نیست، شما [که شریکانی برای خدا قرار داده اید] جز مردمی دروغ پرداز نیستید. (۵۰)

يَا قَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ أَجْرِیَ إِلَّا عَلَى الَّذِی فَطَرَنِی أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۵۱)

ای قوم من! از شما [در برابر ابلاغ رسالتم] هیچ پاداشی نمی خواهم، پاداشم فقط بر عهده کسی است که مرا آفریده؛ آیا نمی اندیشید؟ (۵۱)

وَيَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُم مِّدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّهً إِلَى قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ (۵۲)

ای قوم من! از پروردگارتان آمرزش بخواهید، آن گاه به سوی او بازگردید، [تا] برای شما باران فراوان و پی در پی فرستد و نیرویی بر نیرویتان بیفزاید، و مجرمانه روی [از حق] برمگردانید. (۵۲)

قَالُوا يَا هُودُ مَا جِئْتَنَا بِبَيِّنَهٍ وَمَا نَحْنُ بِتَارِكِی آلِهَتِنَا عَن قَوْلِکَ وَمَا نَحْنُ لَکَ بِمُؤْمِنِینَ (۵۳)

گفتند: ای هود! دلیل روشنی [که پسند خاطر ما باشد] برای ما نیاوردی، و ما به گفته تو رهاکننده معبودهای خود نیستیم، و ما به تو ایماننمی آوریم. (۵۳)

إِن نَّقُولُ إِلَّا اعْتَرَاکَ بَعْضُ آلِهَتِنَا بِسُوءٍ قَالَ إِنِّی أُشْهِدُ اللَّهَ وَاشْهَدُوا أَنِّی بَرِیءٌ مِّمَّا تُشْرِکُونَ (۵۴)

[ما درباره تو] جز این نمی گوییم که برخی از معبودهای ما به تو گزند و آسیب [روحی] رسانده اند [به همین سبب سخنان جنون آمیز و بی منطق می گویی]. هود گفت: من خدا را گواه می گیرم و شما هم گواه باشید که یقیناً من از آنچه شریک او قرار می دهید، بیزارم. (۵۴)

مِن دُونِهِ فَکِیدُونِی جَمِیعًا ثُمَّ لَا تُنظِرُونِ (۵۵)

[آری، از هر معبودی] به غیر او [بیزارم] پس همه شما بر ضد من نیرنگ بزنید، سپس مهلتم ندهید. (۵۵)

إِنِّی تَوَکَّلْتُ عَلَی اللَّهِ رَبِّی وَرَبِّکُم مَّا مِن دَابَّهٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِیَتِهَا إِنَّ رَبِّی عَلَی صِرَاطٍ مُّسْتَقِیمٍ (۵۶)

یقیناً من بر خدا که پروردگار من و پروردگار شماست توکل کردم؛ هیچ جنبنده ای نیست مگر اینکه او مهارش را به دست [قدرت و فرمانروایی خود] گرفته است، مسلماً پروردگارم بر راهی راست است. (۵۶)

فَإِن تَوَلَّوْا فَقَدْ أَبْلَغْتُکُم مَّا أُرْسِلْتُ بِهِ إِلَیْکُمْ وَیَسْتَخْلِفُ رَبِّی قَوْمًا غَیْرَکُمْ وَلَا تَضُرُّونَهُ شَیْئًا إِنَّ رَبِّی عَلَی کُلِّ شَیْءٍ حَفِیظٌ (۵۷)

پس اگر روی [از حق] برگردانید [زیانش متوجه خود شماست] یقیناً آنچه را که من برای آن به سوی شما فرستاده شده ام به شما ابلاغ کردم، و پروردگارم گروهی غیر از شما را جایگزینِ [شما] خواهد کرد، و نمی توانید هیچ زیانی به او رسانید؛ زیرا پروردگارم بر همه چیز نگهبان است. (۵۷)

وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّیْنَا هُودًا وَالَّذِینَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَهٍ مِّنَّا وَنَجَّیْنَاهُم مِّنْ عَذَابٍ غَلِیظٍ (۵۸)

و هنگامی که فرمان ما [بر عذاب آنان] فرا رسید، هود و آنان را که با او ایمان آورده بودند با رحمتی از سوی خود نجات دادیم و آنان را از عذابی سخت رهایی بخشیدیم. (۵۸)

وَتِلْکَ عَادٌ جَحَدُوا بِآیَاتِ رَبِّهِمْ وَعَصَوْا رُسُلَهُ وَاتَّبَعُوا أَمْرَ کُلِّ جَبَّارٍ عَنِیدٍ (۵۹)

و اینان قوم عاد بودند که آیات پروردگارشان را انکار کردند، و از پیامبران او نافرمانی نمودند، و فرمان هر سرکش ستیزه جویی را پیروی کردند. (۵۹)

وَأُتْبِعُوا فِی هَذِهِ الدُّنْیا لَعْنَهً وَیوْمَ الْقِیامَهِ أَلَا إِنَّ عَادًا کَفَرُوا رَبَّهُمْ أَلَا بُعْدًا لِّعَادٍ قَوْمِ هُودٍ (۶۰)

و در این دنیا و روز قیامت با لعنتی بدرقه شدند. آگاه باشید که [قومِ] عاد به پروردگارشان کافر شدند، هان! دوری [از رحمت خدا] بر عاد، قوم هود باد. (۶۰)

وَإِلَی ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ یا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَکُم مِّنْ إِلَهٍ غَیرُهُ هُوَ أَنشَأَکُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَکُمْ فِیهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تُوبُوا إِلَیهِ إِنَّ رَبِّی قَرِیبٌ مُّجِیبٌ (۶۱)

و به سوی قوم ثمود، برادرشان صالح را [فرستادیم] گفت: ای قوم من! خدا را بپرستید؛ شما را جز او هیچ معبودی نیست، و او شما را از زمین به وجود آورد و از شما خواست که در آن آبادانی کنید؛ بنابراین از او آمرزش بخواهید، سپس به سوی او بازگردید؛ زیرا پروردگارم [به بندگانش] نزدیک و اجابت کنندهدعای آنان است. (۶۱)

قَالُوا یا صَالِحُ قَدْ کُنتَ فِینَا مَرْجُوًّا قَبْلَ هَذَا أَتَنْهَانَا أَن نَّعْبُدَ مَا یعْبُدُ آبَاؤُنَا وَإِنَّنَا لَفِی شَکٍّ مِّمَّا تَدْعُونَا إِلَیهِ مُرِیبٍ (۶۲)

گفتند: ای صالح! پیش از این در میان ما [به عنوان انسانی عاقل و خردمند] مورد امید بودی، آیا ما را از پرستیدن آنچه پدرانمان می پرستیدند، باز می داری؟ و ما بی تردید در [درستی و صحّت] تعالیمی که به آن دعوتمان می کنی در شکی شدید و سخت هستیم [چنان شکی که در خردمندی تو نیز دچار تردیدیم.] (۶۲)

ص: ۲۲۸

قَالَ یا قَوْمِ أَرَأَیتُمْ إِن کُنتُ عَلَی بَینَهٍ مِّن رَّبِّی وَآتَانِی مِنْهُ رَحْمَهً فَمَن ینصُرُنِی مِنَ اللَّهِ إِنْ عَصَیتُهُ فَمَا تَزِیدُونَنِی غَیرَ تَخْسِیرٍ (۶۳)

گفت: ای قوم من! مرا خبر دهید اگر من بر دلیلی روشن از سوی پروردگارم متکی باشم و از سوی خود رحمتی به من عطا کرده باشد، چنانچه [در ابلاغ پیامش] از او نافرمانی کنم، چه کسی مرا [از عذابش] نجات می دهد؟ پس شما [در صورتی که خواسته های بی جایتان را بپذیرم] چیزی جز خسارت بر من نمی افزایید. (۶۳)

وَیا قَوْمِ هَذِهِ نَاقَهُ اللَّهِ لَکُمْ آیهً فَذَرُوهَا تَأْکُلْ فِی أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَیأْخُذَکُمْ عَذَابٌ قَرِیبٌ (۶۴)

و ای قوم من! این ناقه خداست که برای شما [در اثبات صدق نبوّت من] نشانه ای [عظیم] است، پس بگذاریدش در زمین خدا بچرد، و هیچ آسیب و گزندی به او نرسانید که عذابی زود هنگام شما را خواهد گرفت. (۶۴)

فَعَقَرُوهَا فَقَالَ تَمَتَّعُوا فِی دَارِکُمْ ثَلَاثَهَ أَیامٍ ذَلِکَ وَعْدٌ غَیرُ مَکْذُوبٍ (۶۵)

پس آن را [از روی طغیان و سرکشی] پی کردند. پس صالح گفت: سه روز [فرصت دارید که] در خانه هایتان از زندگی برخوردار باشید. این وعده ای بی دروغ است. (۶۵)

فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّینَا صَالِحًا وَالَّذِینَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَهٍ مِّنَّا وَمِنْ خِزْی یوْمِئِذٍ إِنَّ رَبَّکَ هُوَ الْقَوِی الْعَزِیزُ (۶۶)

پس هنگامی که فرمان ما [بر عذاب آنان] فرا رسید، صالح و آنان را که همراه او ایمان آورده بودند با رحمتی از سوی خود نجات دادیم، و از خواری و رسوایی آن روز [رهایی بخشیدیم]. مسلماً فقط پروردگارت نیرومند و توانای شکست ناپذیر است. (۶۶)

وَأَخَذَ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دِيَارِهِمْ جَاثِمِينَ (۶۷)

و کسانی را که ستم کردند، فریاد مرگبار فروگرفت، پس در خانه هایشان به رو درافتاده، جسمی بی جان شدند. (۶۷)

كَأَن لَّمْ يَغْنَوْا فِيهَا أَلَا إِنَّ ثَمُودَ كَفَرُوا رَبَّهُمْ أَلَا بُعْدًا لِّثَمُودَ (۶۸)

گویی در آنجا اقامت نداشتند. آگاه باشید! قطعاً قوم ثمود به پروردگارشان کافر شدند. هان! دوری [از رحمت خدا] بر قوم ثمود باد. (۶۸)

وَلَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى قَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ فَمَا لَبِثَ أَن جَاءَ بِعِجْلٍ حَنِيذٍ (۶۹)

و به راستی فرستادگان ما ابراهیم را مژده آورده، سلام گفتند، او هم گفت: سلام [بر شما]. و درنگ نکرد تا گوساله ای بریان [برای آنان] آورد. (۶۹)

فَلَمَّا رَأَى أَيْدِيَهُمْ لَا تَصِلُ إِلَيْهِ نَكِرَهُمْ وَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا لَا تَخَفْ إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَى قَوْمِ لُوطٍ (۷۰)

و چون دید دست هایشان به سوی غذا دراز نمی شود، آنان را ناشناس یافت و از آنان احساس ترس و دلهره کرد، گفتند: مترس که ما به سوی قوم لوط فرستاده شده ایم. (۷۰)

وَامْرَأَتُهُ قَائِمَةٌ فَضَحِكَتْ فَبَشَّرْنَاهَا بِإِسْحَاقَ وَمِن وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ (۷۱)

پس همسرش در حالی که ایستاده بود [از شنیدن گفتگوی فرشتگان با ابراهیم] خندید. پس او را به اسحاق و پس از اسحاق به یعقوب مژده دادیم. (۷۱)

ص: ۲۲۹

قَالَتْ يَا وَيْلَتَى أَأَلِدُ وَأَنَا عَجُوزٌ وَهَذَا بَعْلِي شَيْخًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجِيبٌ (۷۲)

[همسر ابراهیم] گفت: ای وای بر من! آیا فرزند آورم در حالی که من پیرزنم و این شوهر من است که در سنّ سالخوردگی است؟ یقیناً این چیزی بسیار شگفت است!! (۷۲)

قَالُوا أَتَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحْمَتُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ (۷۳)

گفتند: آیا از کار خدا شگفتی می کنی؟ [در حالی که] رحمت خدا و برکاتش بر شما خانواده است. یقیناً او ستوده و بزرگوار

است. (۷۳)

فَلَمَّا ذَهَبَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ الرَّوْعُ وَجَاءَتْهُ الْبُشْرَى يُجَادِلُنَا فِي قَوْمِ لُوطٍ (۷۴)

پس هنگامی که ترس و دلهره از ابراهیم برطرف شد و آن مژده به او رسید، با ما درباره قوم لوط [به قصد دفع عذاب از آنان] به گفتگو پرداخت. (۷۴)

إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَحَلِيمٌ أَوَّاهٌ مُّنِيبٌ (۷۵)

به راستی که ابراهیم بسیار بردبار و دلسوز و روی آورنده [به سوی خدا] بود. (۷۵)

يَا إِبْرَاهِيمُ أَعْرِضْ عَنْ هَذَا إِنَّهُ قَدْ جَاءَ أَمْرُ رَبِّكَ وَإِنَّهُمْ آتِيهِمْ عَذَابٌ غَيْرُ مَرْدُودٍ (۷۶)

ای ابراهیم! از این [گفتگو] درگذر؛ زیرا فرمان پروردگارت [بر عذاب قوم لوط] فرا رسیده و یقیناً آنان را عذابی بدون بازگشت خواهد آمد. (۷۶)

وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِيءَ بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا وَقَالَ هَذَا يَوْمٌ عَصِيبٌ (۷۷)

و هنگامی که فرستادگان ما نزد لوط آمدند، به سبب آمدنشان تنگدل و اندوهگین شد؛ [زیرا خود را برای دفع خطر از مهمانانش در برابر قوم تبهکارش توانمند نیافت،] و گفت: این روز سخت و دشواری است. (۷۷)

وَجَاءَهُ قَوْمُهُ يُهْرَعُونَ إِلَيْهِ وَمِن قَبْلُ كَانُوا يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ قَالَ يَا قَوْمِ هَؤُلَاءِ بَنَاتِي هُنَّ أَطْهَرُ لَكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تُخْزُونِ فِي ضَيْفِي أَلَيْسَ مِنكُمْ رَجُلٌ رَّشِيدٌ (۷۸)

و قومش شتابان به سویش آمدند [تا به خیال خود به مهمانانش دست درازی کنند، آن قومی] که پیش از آن کارهای زشت و ناپسند مرتکب می شدند، گفت: ای قوم من! اینان دختران من هستند، اینان [از نظر ازدواج] برای شما پاکیزه ترند، از خدا پروا کنید و مرا در میان مهمانانم رسوا نکنید؛ آیا از میان شما مردی راه یافته نیست؟ (۷۸)

قَالُوا لَقَدْ عَلِمْتَ مَا لَنَا فِي بَنَاتِكَ مِنْ حَقٍّ وَإِنَّكَ لَتَعْلَمُ مَا نُرِيدُ (۷۹)

گفتند: مسلماً دانسته ای که ما را به دخترانت هیچ حاجت و نیازی نیست و خوب می دانی که ما چه می خواهیم!! (۷۹)

قَالَ لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوِي إِلَى رُكْنٍ شَدِيدٍ (۸۰)

گفت: ای کاش برای مبارزه با شما قدرت و نیرویی داشتم یا به پناهگاهی استوار مأوی می گرفتم. (۸۰)

قَالُوا يَا لُوطُ إِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَن يَصِلُوا إِلَيْكَ فَأَسْرِ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِّنَ اللَّيْلِ وَلَا يَلْتَفِتْ مِنكُمْ أَحَدٌ إِلَّا امْرَأَتَكَ إِنَّهُ مُصِيبُهَا مَا أَصَابَهُمْ إِنَّ مَوْعِدَهُمُ الصُّبْحُ أَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ (۸۱)

[میهمانان] گفتند: ای لوط! ما فرستادگان پروردگار توایم، آنان هرگز به تو دسترسی پیدا نمی کنند، پس خانواده ات را در پاره ای از [همین] شب حرکت ده و نباید هیچ یک از شما به سوی شهر بازگردد، اما همسرت را با خود مبر زیرا عذابی که به تبهکاران می رسد به او هم خواهد رسید. یقیناً وعده گاهشان [برای دچار شدن به عذاب] صبح [فردا] است، آیا صبح نزدیک نیست؟ (۸۱)

ص: ۲۳۰

فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا جَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهَا حِجَارَةً مِّن سِجِّيلٍ مَّنضُودٍ (۸۲)

پس هنگامی که عذاب ما فرا رسید، بالاترین آن [سرزمین آلوده] را فروترینش نمودیم و بر آن سنگ هایی از نوع سنگِ گِلِ لایه لایه فرو ریختیم. (۸۲)

مُّسَوَّمَةً عِندَ رَبِّكَ وَمَا هِيَ مِنَ الظَّالِمِينَ بِبَعِيدٍ (۸۳)

[سنگ هایی] که نزد پروردگارت نشانه دار بود و آن سنگ ها از ستمکاران دور نیست. (۸۳)

وَإِلَى مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ وَلَا تَنقُصُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ إِنِّي أَرَاكُم بِخَيْرٍ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُّحِيطٍ (۸۴)

و به سوی [مردم] مَدین، برادرشان شعیب را [فرستادیم.] گفت: ای قوم من! خدا را بپرستید، شما را جز او هیچ معبودی نیست؛ و از پیمانه و ترازو مکاهید، همانا من شما را در توانگری و نعمت [ی که بی نیاز کننده از کم فروشی است] می بینم و بر شما از عذاب روزی فراگیر بیمناکم. (۸۴)

وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ (۸۵)

و ای قوم من، پیمانه و ترازو را عادلانه [و منصفانه] کامل و تمام بدهید، و اجناس مردم را [هنگام خریدن] کم شمارتر و کم ارزش تر [از آنچه که هست] به حساب نیاورید و در زمین تبهکارانه فتنه و آشوب برپا نکنید. (۸۵)

بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ وَمَا أَنَا عَلَيْكُم بِحَفِيظٍ (۸۶)

آنچه خدا [در کسب و کارتان از سود و بهره پس از پرداخت حق مردم] باقی می گذارد، برای شما بهتر است اگر مؤمن باشید، و من بر شما نگهبان نیستم. (۸۶)

قَالُوا يَا شُعَيْبُ أَصَلَاتُكَ تَأْمُرُكَ أَن نَّتْرُكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا أَوْ أَن نَّفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ إِنَّكَ لَأَنتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ (۸۷)

گفتند: ای شعیب! آیا نمازت به تو فرمان می دهد که آنچه را پدرانمان می پرستیدند رها کنیم؟ یا از اینکه در اموالمان به هر کیفیتی که می خواهیم تصرف کنیم دست برداریم؟ به راستی که تو [انسانی] بردبار و راه یافته ای [پس چرا می خواهی در

برابر آزادی ما نسبت به بت پرستی وهزینه کردن اموالمان به هر کیفیتی که بخواهیم بایستی؟!] (۸۷)

قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِن كُنتُ عَلَى بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّى وَرَزَقَنِى مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا وَمَا أُرِيدُ أَنْ أُخَالِفَكُمْ إِلَى مَا أَنْهَاكُمْ عَنْهُ إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِى إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ (۸۸)

گفت: ای قوم من! مرا خبر دهید اگر من بر دلیل روشنی از سوی پروردگارم متکی باشم و از جانب او رزق نیکویی به من داده باشد [آیا رواست که خلاف خواسته او عمل کنم؟] و من نمی خواهم آنچه که شما را از آن باز می دارم خود مرتکب شوم؛ تا جایی که قدرت دارم جز اصلاح [شما را] نمی خواهم؛ و توفیقم فقط به [یاری] خداست؛ بر او توکل کردم و به سوی او باز می گردم. (۸۸)

وَيَا قَوْمِ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شِقَاقِى أَن يُصِيبَكُم مِّثْلُ مَا أَصَابَ قَوْمَ نُوحٍ أَوْ قَوْمَ هُودٍ أَوْ قَوْمَ صَالِحٍ وَمَا قَوْمُ لُوطٍ مِّنكُم بِبَعِيدٍ (۸۹)

ای قوم من! دشمنی و مخالفت با من، شما را به جایی نرساند، که [عذابی] مانند آنچه به قوم نوح یا قوم هود یا قوم صالح رسید به شما هم برسد، و قوم لوط از شما [چه از جهت زمان و چه از جهت مکان] چندان دور نیست. (۸۹)

وَاسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّى رَحِيمٌ وَدُودٌ (۹۰)

از پروردگارتان آمرزش بطلبید، سپس به سوی او بازگردید؛ زیرا پروردگارم مهربان و بسیار دوستدار [توبه کنندگان] است. (۹۰)

قَالُوا يَا شُعَيْبُ مَا نَفْقَهُ كَثِيرًا مِّمَّا تَقُولُ وَإِنَّا لَنَرَاكَ فِينَا ضَعِيفًا وَلَوْلَا رَهْطُكَ لَرَجَمْنَاكَ وَمَا أَنتَ عَلَيْنَا بِعَزِيزٍ (۹۱)

گفتند: ای شعیب! بسیاری از مطالبی که می گویی نمی فهمیم، و به راستی تو را در [مقایسه با] خود، ناتوان و ضعیف می بینیم، و اگر عشیره ات نبودند، بی تردید سنگسارت می کردیم، وتو بر ما پیروز نیستی. (۹۱)

قَالَ يَا قَوْمِ أَرَهْطِى أَعَزُّ عَلَيْكُم مِّنَ اللَّهِ وَاتَّخَذْتُمُوهُ وَرَاءَكُمْ ظِهْرِيًّا إِنَّ رَبِّى بِمَا تَعْمَلُونَ مُحِيطٌ (۹۲)

گفت: ای قوم من! آیا عشیره کوچکم نزد شما از خدا عزیزتر است که او را پشت سر قرار داده و فراموشش کرده اید؟! یقیناً پروردگارم به همه اعمالی که انجام می دهید، احاطه دارد. (۹۲)

وَيَا قَوْمِ اعْمَلُوا عَلَى مَكَانَتِكُمْ إِنِّى عَامِلٌ سَوْفَ تَعْلَمُونَ مَن يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَمَنْ هُوَ كَاذِبٌ وَارْتَقِبُوا إِنِّى مَعَكُمْ رَقِيبٌ (۹۳)

و ای قوم من! به اندازه ای که در قدرت و توان شماست، عمل کنید، من [هم] بی تردید [به وظیفه الهی خود] عمل می کنم؛ به زودی خواهید دانست، چه کسی را عذاب رسوا کننده خواهد آمد و دروغگو کیست؟! و منتظر بمانید که من هم با شما منتظرم. (۹۳)

وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا شُعَيْبًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَهٍ مِّنَّا وَأَخَذَتِ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَهُ فَأَصْبَحُوا فِی دِيَارِهِمْ جَاثِمِينَ (۹۴)

و هنگامی که عذاب ما رسید، شعیب و کسانی را که با او ایمان آورده بودند، با رحمتی از سوی خود نجات دادیم، و کسانی را که [به آیات ما] ستم کردند، فریاد مرگبار فرا گرفت، پس در خانه هایشان به رو در افتاده جسمی بی جان شدند. (۹۴)

كَأَن لَّمْ يَغْنَوْا فِيهَا أَلَا بُعْدًا لِّمَدْيَنَ كَمَا بَعِدَتْ ثَمُودُ (۹۵)

گویی در آنجا اقامت نداشتند. آگاه باشید! مَدین [از رحمت خدا] دور باد، همان گونه که ثمود دور شد. (۹۵)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُّبِينٍ (۹۶)

همانا موسی را با نشانه های خود و برهانی روشن فرستادیم، (۹۶)

إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَاتَّبَعُوا أَمْرَ فِرْعَوْنَ وَمَا أَمْرُ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ (۹۷)

به سوی فرعون و اشراف و سرانِ [قومِ] او، ولی [آنان برای حفظ مقام و مال خود] از فرمان فرعون پیروی کردند، در حالی که فرمان فرعون راهنمای به سوی سعادت و خوشبختی نبود. (۹۷)

ص: ۲۳۲

يَقْدُمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيَامَهِ فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ وَبِئْسَ الْوِرْدُ الْمَوْرُودُ (۹۸)

[فرعون] روز قیامت پیشاپیش قومش می رود، پس آنان را به آتش درمی آورد، و بد نصیب و سهمی است [آتشی] که در آن وارد می شود. (۹۸)

وَأُتْبِعُوا فِی هَذِهِ لَعْنَهً وَيَوْمَ الْقِيَامَهِ بِئْسَ الرِّفْدُ الْمَرْفُودُ (۹۹)

و در این دنیا و روز قیامت به لعنتی بدرقه شدند [و آن لعنت] بد عطیه ای است که به آنان می دهند. (۹۹)

ذَلِكَ مِنْ أَنبَاءِ الْقُرَى نَقُصُّهُ عَلَيْكَ مِنْهَا قَائِمٌ وَحَصِيدٌ (۱۰۰)

این از گزارش های شهرها [و اهل آنها] است که آن را بر تو حکایت می کنیم، برخی از آن [شهر] ها هنوز برجایند، و برخی درو شده بر باد رفته اند! (۱۰۰)

وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِن ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ فَمَا أَغْنَتْ عَنْهُمْ آلِهَتُهُمُ الَّتِی يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مِن شَيْءٍ لَّمَّا جَاءَ أَمْرُ رَبِّكَ وَمَا زَادُوهُمْ غَيْرَ تَتْبِيبٍ (۱۰۱)

و ما بر آنان ستم نکردیم، ولی آنان بر خویشتن ستم ورزیدند، پس هنگامی که عذاب پروردگارت فرا رسید، معبودانی که به

جای خدا می پرستیدند، چیزی [از عذاب را] از آنان دفع نکردند، و به آنان جز خسارت و هلاکت نیفزودند. (۱۰۱)

وَكَذَلِكَ أَخْذُ رَبِّكَ إِذَا أَخَذَ الْقُرَى وَهِيَ ظَالِمَةٌ إِنَّ أَخْذَهُ أَلِيمٌ شَدِيدٌ (۱۰۲)

و چنین است مؤاخذه کردن پروردگارت، هنگامی که [مردم] آبادی ها را در آن حال که ستمکارند مؤاخذه می کند. بی تردید مؤاخذه او دردناک و سخت است. (۱۰۲)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّمَنْ خَافَ عَذَابَ الْآخِرَهِ ذَلِكَ يَوْمٌ مَّجْمُوعٌ لَّهُ النَّاسُ وَذَلِكَ يَوْمٌ مَّشْهُودٌ (۱۰۳)

یقیناً در آن مؤاخذه ها برای کسی که از عذاب آخرت می ترسد، عبرت است، [و] آن روزی است که مردم را برای آن گرد می آورند، و آن روزی است که [همه صحنه های آن] مورد مشاهده است. (۱۰۳)

وَمَا نُؤَخِّرُهُ إِلَّا لِأَجَلٍ مَّعْدُودٍ (۱۰۴)

و ما آن روز را جز برای مدتی اندک به تأخیر نمی اندازیم. (۱۰۴)

يَوْمَ يَأْتِ لَا تَكَلَّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ (۱۰۵)

روزی که چون فرا رسد، هیچ کس جز به اجازه او سخن نمی گوید؛ پس برخی تیره بخت و برخی نیک بخت اند. (۱۰۵)

فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُوا فَفِي النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ (۱۰۶)

اما تیره بختان [که خود سبب تیره بختی خود بوده اند] در آتش اند، برای آنان در آنجا ناله های حسرت بار و عربده و فریاد است. (۱۰۶)

خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِّمَا يُرِيدُ (۱۰۷)

در آن تا آسمان ها و زمین پابرجاست جاودانه اند، مگر آنچه را که مشیّت پروردگارت اقتضا کرده است؛ بی تردید پروردگارت هر چه را اراده می کند، انجام می دهد. (۱۰۷)

وَأَمَّا الَّذِينَ سُعِدُوا فَفِي الْجَنَّهِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءً غَيْرَ مَجْذُوذٍ (۱۰۸)

اما نیک بختان [که به توفیق و رحمت خدا سعادت یافته اند] تا آسمان ها و زمین پابرجاست، در بهشت جاودانه اند مگر آنچه را مشیّت پروردگارت اقتضا کرده، [بهشت] عطایی قطع ناشدنی و بی پایان است. (۱۰۸)

ص: ۲۳۳

فَلَا تَكُ فِي مِرْيَهٍ مِّمَّا يَعْبُدُ هَؤُلَاءِ مَا يَعْبُدُونَ إِلَّا كَمَا يَعْبُدُ آبَاؤُهُم مِّن قَبْلُ وَإِنَّا لَمُوَفُّوهُمْ نَصِيبَهُمْ غَيْرَ مَنقُوصٍ (۱۰۹)

پس در باطل بودن معبودانی که مشرکان می پرستند، شک نداشته باش؛ اینان نمی پرستند مگر به همان صورت که پدرانشان پیش از این می پرستیدند [و آن پرستشی از روی جهل و بی خردی بود]. و ما سهمشان را [از عذاب] به طور کامل و بی کم و کاست خواهیم داد. (۱۰۹)

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتُلِفَ فِيهِ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيبٍ (۱۱۰)

و به راستی به موسی کتاب دادیم، پس در آن اختلاف شد، و اگر از سوی پروردگارت [به سبب اتمام حجت] مهلتی برای انسان تا اجل معینش مقدر نشده بود، یقیناً میانشان [به عذاب] داوری شده بود [و هیچ کس از آنان پس از آن داوری زنده نمی ماند] و این یهودی ها [یِ عصر تو] درباره تورات [که بخشی از آیاتش تحریف شده و پاره ای از مطالبش آمیخته با خرافات و قسمتی از نوشته هایش دور از فطرت و غیر قابل اجراست] در تردیدی آمیخته با بدگمانی اند. (۱۱۰)

وَإِنَّ كُلًّا لَّمَّا لَيُوَفِّيَنَّهُمْ رَبُّكَ أَعْمَالَهُمْ إِنَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (۱۱۱)

و یقیناً پروردگارت [پاداشِ] اعمال همه آنان را [در قیامت] کامل و تمام پرداخت خواهد کرد؛ زیرا او به آنچه انجام می دهند، آگاه است. (۱۱۱)

فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَن تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۱۱۲)

پس همان گونه که فرمان یافته ای ایستادگی کن؛ و نیز آنان که همراهت به سوی خدا روی آورده اند [ایستادگی کنند] و سرکشی مکنید که او به آنچه انجام می دهید، بیناست. (۱۱۲)

وَلَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ (۱۱۳)

و به کسانی که [به آیات خدا، پیامبر و مردم مؤمن] ستم کرده اند، تمایل و اطمینان نداشته باشید و تکیه مکنید که آتش [دوزخ] به شما خواهد رسید ودر آن حال شما را جز خدا هیچ سرپرستی نیست، سپس یاری نمی شوید. (۱۱۳)

وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفَيِ النَّهَارِ وَزُلَفًا مِّنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرَى لِلذَّاكِرِينَ (۱۱۴)

و نماز را در دو طرف روز و ساعات نخستین شب برپا دار، که یقیناً نیکی ها، بدی ها را از میان می برند، این برای یادکنندگان تذکّر و یاد آوری است. (۱۱۴)

وَاصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ (۱۱۵)

و شکیبایی کن که یقیناً خدا پاداش نیکوکاران را تباه نمی کند. (۱۱۵)

فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِن قَبْلِكُمْ أُولُو بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّنْ أَنجَيْنَا مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ (۱۱۶)

پس چرا در میان امت هایی که پیش از شما بودند، مصلحانی دلسوز نبودند که [مردم را] از فساد در زمین بازدارند؟ مگر اندکی که [به سبب بازداشتن مردم از فساد] نجاتشان دادیم. و آنان که ستم کردند، دنباله رو [و دل بسته] چیزی از نعمت و ثروت شدند [که در آن به سرکشی و طغیان افتادند] و آنان گنهکار بودند. (۱۱۶)

وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَى بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا مُصْلِحُونَ (۱۱۷)

و پروردگارت بر آن نبوده است که شهرهایی را در حالی که مردمش درست کارند، ظالمانه هلاک کند. (۱۱۷)

ص: ۲۳۴

وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ (۱۱۸)

اگر پروردگارت می خواست یقیناً تمام مردم را [از روی اجبار، در مسیر هدایت] امت واحدی قرار می داد، [ولی نخواست به همین سبب] همواره [در امر دین] در اختلاف اند. (۱۱۸)

إِلَّا مَن رَّحِمَ رَبُّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ (۱۱۹)

مگر کسانی که پروردگارت به آنان رحم کرده و به همین سبب آنان را آفریده است. و فرمان حتمی پروردگارت تحقق یافت که همانا دوزخ را از همه جن و انس [که راه کفر و عناد را برگزیدند] پر خواهم کرد. (۱۱۹)

وَكُلًّا نَّقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُثَبِّتُ بِهِ فُؤَادَكَ وَجَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ وَمَوْعِظَةٌ وَذِكْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ (۱۲۰)

و هر سرگذشتی از سرگذشت های [پندآموز] پیامبران را که برایت می خوانیم، حقیقتی است که دل تو را به آن پابرجا و استوار کنیم، و برای تو در این سرگذشت ها حق و برای بهره بردن مؤمنان پند و تذکّری آمده است. (۱۲۰)

وَقُل لِّلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ اعْمَلُوا عَلَى مَكَانَتِكُمْ إِنَّا عَامِلُونَ (۱۲۱)

و به کسانی که ایمان نمی آورند، بگو: به اندازه قدرتتان عمل کنید، و ما هم [بی تردید به وظایف الهی خود] عمل می کنیم. (۱۲۱)

وَانتَظِرُوا إِنَّا مُنتَظِرُونَ (۱۲۲)

و [به خاطر اعمال ناهنجارتان] به انتظار [عذاب] بمانید که ما هم [عذاب شما را] منتظریم. (۱۲۲)

وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَيْهِ يُرْجَعُ الْأَمْرُ كُلُّهُ فَاعْبُدْهُ وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (۱۲۳)

نهان آسمان ها و زمین فقط در سیطره دانش خداست، همه کارها به او باز گردانده می شود؛ پس او را بندگی کن و بر او توکل داشته باش، و پروردگارت از آنچه انجام می دهید، بی خبر نیست. (۱۲۳)

سوره یوسف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الر تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ (١)

الر این است آیات کتاب روشنگر. (١)

إِنَّا أَنزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَّعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (٢)

ما آن را قرآنی به زبان عربی نازل کردیم تا شما [درباره حقایق، مفاهیم، اشارات و لطایفش] تعقّل کنید. (٢)

نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَذَا الْقُرْآنَ وَإِن كُنتَ مِن قَبْلِهِ لَمِنَ الْغَافِلِينَ (٣)

ما بهترین داستان را با وحی کردن این قرآن بر تو می خوانیم و تو یقیناً پیش از آن از بی خبران [نسبت به این بهترین داستان] بودی. (٣)

إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ (٤)

[یاد کن] آن گاه که یوسف به پدرش گفت: پدرم! من در خواب دیدم یازده ستاره و خورشید و ماه برایم سجده کردند! (٤)

ص: ٢٣٥

قَالَ يَا بُنَيَّ لَا تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ عَلَى إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنسَانِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ (٥)

[پدر] گفت: ای پسرک من! خواب خود را برای برادرانت مگو که نقشه ای خطرناک بر ضد تو به کار می بندند، بدون شک شیطان برای انسان دشمنی آشکار است. (٥)

وَكَذَلِكَ يَجْتَبِيكَ رَبُّكَ وَيُعَلِّمُكَ مِن تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَيُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَعَلَى آلِ يَعْقُوبَ كَمَا أَتَمَّهَا عَلَى أَبَوَيْكَ مِن قَبْلُ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبَّكَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (٦)

و این چنین پروردگارت تو را برمی گزیند و از تفسیر خواب ها به تو می آموزد، و نعمتش را بر تو و بر آل یعقوب تمام می کند، چنانکه پیش از این بر پدرانت ابراهیم و اسحاق تمام کرد؛ یقیناً پروردگارت دانا و حکیم است. (٦)

لَّقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَإِخْوَتِهِ آيَاتٌ لِّلسَّائِلِينَ (٧)

بی تردید [در داستان] یوسف و برادرانش نشانه هایی [از ربوبیّت، رحمت و لطف خدا] برای مردم کنجکاو است. (٧)

إِذْ قَالُوا لَيُوسُفُ وَأَخُوهُ أَحَبُّ إِلَى أَبِينَا مِنَّا وَنَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّ أَبَانَا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (٨)

[یاد کن] هنگامی را که برادران گفتند: با اینکه ما گروهی نیرومندیم، یوسف و برادرش نزد پدرمان از ما محبوب ترند، و قطعاً

پدرمان در اشتباه روشن و آشکاری است. (۸)

اقْتُلُوا يُوسُفَ أَوِ اطْرَحُوهُ أَرْضًا يَخْلُ لَكُمْ وَجْهُ أَبِيكُمْ وَتَكُونُوا مِن بَعْدِهِ قَوْمًا صَالِحِينَ (۹)

[یکی گفت:] یوسف را بکشید و یا او را در سرزمین نامعلومی بیندازید، تا توجه و محبت پدرتان فقط معطوف به شما شود. و پس از این گناه [با بازگشت به خدا و عذرخواهی از پدر] مردمی شایسته خواهید شد. (۹)

قَالَ قَائِلٌ مِّنْهُمْ لَا تَقْتُلُوا يُوسُفَ وَأَلْقُوهُ فِي غَيَابَتِ الْجُبِّ يَلْتَقِطْهُ بَعْضُ السَّيَّارَةِ إِن كُنتُمْ فَاعِلِينَ (۱۰)

یکی از آنان گفت: یوسف را نکشید، اگر می خواهید کاری بر ضد او انجام دهید، وی را در مخفی گاه آن چاه اندازید، که برخی رهگذران او را برگیرند [و با خود ببرند!!] (۱۰)

قَالُوا يَا أَبَانَا مَا لَكَ لَا تَأْمَنَّا عَلَى يُوسُفَ وَإِنَّا لَهُ لَنَاصِحُونَ (۱۱)

گفتند: ای پدر! تو را چه شده که ما را نسبت به یوسف امین نمی دانی با اینکه ما بدون تردید خیرخواه اوییم. (۱۱)

أَرْسِلْهُ مَعَنَا غَدًا يَرْتَعْ وَيَلْعَبْ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ (۱۲)

فردا او را با ما روانه کن تا [در دشت و صحرا] بگردد و بازی کند، قطعاً ما حافظ و نگهبان او خواهیم بود. (۱۲)

قَالَ إِنِّي لَيَحْزُنُنِي أَن تَذْهَبُوا بِهِ وَأَخَافُ أَن يَأْكُلَهُ الذِّئْبُ وَأَنتُمْ عَنْهُ غَافِلُونَ (۱۳)

گفت: بردن او مرا سخت اندوهگین می کند، و می ترسم شما از او غفلت کنید و گرگ، او را بخورد. (۱۳)

قَالُوا لَئِنْ أَكَلَهُ الذِّئْبُ وَنَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّا إِذًا لَّخَاسِرُونَ (۱۴)

گفتند: اگر با بودن ما که گروهی نیرومندیم، گرگ او را بخورد، یقیناً ما در این صورت زیانکار و بی مقداریم. (۱۴)

ص: ۲۳۶

فَلَمَّا ذَهَبُوا بِهِ وَأَجْمَعُوا أَن يَجْعَلُوهُ فِي غَيَابَتِ الْجُبِّ وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ لَتُنَبِّئَنَّهُم بِأَمْرِهِمْ هَذَا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (۱۵)

پس هنگامی که وی را بردند و تصمیم گرفتند که او را در مخفی گاه آن چاه قرارش دهند [تصمیم خود را به مرحله اجرا گذاشتند] و ما هم به او الهام کردیم که از این کار آگاهشان خواهی ساخت در حالی که آنان نمی فهمند [که تو همان یوسفی.] (۱۵)

وَجَاءُوا أَبَاهُمْ عِشَاءً يَبْكُونَ (۱۶)

و شبان گاه گریه کنان نزد پدر آمدند. (۱۶)

قَالُوا يَا أَبَانَا إِنَّا ذَهَبْنَا نَسْتَبِقُ وَتَرَكْنَا يُوسُفَ عِندَ مَتَاعِنَا فَأَكَلَهُ الذِّئْبُ وَمَا أَنتَ بِمُؤْمِنٍ لَّنَا وَلَوْ كُنَّا صَادِقِينَ (۱۷)

گفتند: ای پدر! ما یوسف را در کنار بار و کالای خود نهادیم و برای مسابقه رفتیم؛ پس گرگ، او را خورد و تو ما را تصدیق نخواهی کرد اگرچه راست بگوییم! (۱۷)

وَجَاءُوا عَلَى قَمِيصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبْرٌ جَمِيلٌ وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ (۱۸)

و خونی دروغین بر پیراهنش آوردند [تا یعقوب مرگ یوسف را باور کند]. گفت: چنین نیست که می گویید، بلکه نفس شما کاری [زشت را] در نظرتان آراست [تا انجامش بر شما آسان شود] در این حال صبری نیکو [مناسب تر است]؛ و خداست که بر آنچه شما [از وضع یوسف] شرح می دهید از او یاری خواسته می شود. (۱۸)

وَجَاءَتْ سَيَّارَةٌ فَأَرْسَلُوا وَارِدَهُمْ فَأَدْلَى دَلْوَهُ قَالَ يَا بُشْرَى هَذَا غُلَامٌ وَأَسَرُّوهُ بِضَاعَةً وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَعْمَلُونَ (۱۹)

و کاروانی آمد، پس آب آورشان را فرستادند، او دلوش را به چاه انداخت، گفت: مژده! این پسری نورس است! و او را به عنوان کالا [ی تجارت] پنهان کردند؛ و خدا به آنچه می خواستند انجام دهند، دانا بود. (۱۹)

وَشَرَوْهُ بِثَمَنٍ بَخْسٍ دَرَاهِمَ مَعْدُودَةٍ وَكَانُوا فِيهِ مِنَ الزَّاهِدِينَ (۲۰)

و او را به بهایی ناچیز، درهمی چند فروختند و نسبت به او بی رغبت بودند. (۲۰)

وَقَالَ الَّذِي اشْتَرَاهُ مِن مِّصْرَ لِامْرَأَتِهِ أَكْرِمِي مَثْوَاهُ عَسَى أَن يَنفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ وَلِنُعَلِّمَهُ مِن تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَى أَمْرِهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (۲۱)

آن مرد مصری که یوسف را خرید، به همسرش گفت: جایگاهش را گرامی دار، امید است [در امور زندگی] به ما سودی دهد، یا او را به فرزندی انتخاب کنیم. این گونه یوسف را در سرزمین مصر مکانت بخشیدیم [تا زمینه فرمانروایی وحکومتش فراهم شود] و به او از تعبیر خواب ها بیاموزیم؛ و خدا بر کار خود چیره و غالب است، ولی بیشتر مردم نمی دانند. (۲۱)

وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (۲۲)

و هنگامی که یوسف به سنّ کمال رسید، حکمت و دانش به او عطا کردیم، و ما نیکوکاران را این گونه پاداش می دهیم. (۲۲)

ص: ۲۳۷

وَرَاوَدَتْهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَن نَّفْسِهِ وَغَلَّقَتِ الْأَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ

و آن [زنی] که یوسف در خانه اش بود، از یوسف با نرمی و مهربانی خواستار کام جویی شد، و [در فرصتی مناسب] همه درهای کاخ را بست و به او گفت: پیش بیا [که من در اختیار توام] یوسف گفت: پناه به خدا، او پروردگار من است، جایگاهم را نیکو داشت، [من هرگز به پروردگارم خیانت نمی کنم] به یقین ستمکاران رستگار نمی شوند. (۲۳)

وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَن رَّأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ (۲۴)

بانوی کاخ [چون خود را در برابر یوسفِ پاکدامن، شکست خورده دید با حالتی خشم آلود] به یوسف حمله کرد و یوسف هم اگر برهان پروردگارش را [که جلوه ربوبیت و نور عصمت و بصیرت است] ندیده بود [به قصد دفاع از شرف و پاکی اش] به او حمله می کرد [و در آن حال زد و خورد سختی پیش می آمد و با مجروح شدن بانوی کاخ، راه اتهام بر ضد یوسف باز می شد، ولی دیدن برهان پروردگارش او را از حمله بازداشت و راه هر گونه اتهام از سوی بانوی کاخ بر او بسته شد]. [ما] این گونه [یوسف را یاری دادیم] تا زد و خورد [ی که سبب اتهام می شد] و [نیز] عمل خلاف عفت آن بانو را از او بگردانیم؛ زیرا او از بندگان خالص شده ما [از هر گونه آلودگی ظاهری و باطنی] بود. (۲۴)

وَاسْتَبَقَا الْبَابَ وَقَدَّتْ قَمِيصَهُ مِن دُبُرٍ وَأَلْفَيَا سَيِّدَهَا لَدَى الْبَابِ قَالَتْ مَا جَزَاءُ مَنْ أَرَادَ بِأَهْلِكَ سُوءًا إِلَّا أَن يُسْجَنَ أَوْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۲۵)

و هر دو به سوی در کاخ پیشی گرفتند، و بانو پیراهن یوسف را از پشت پاره کرد و [در آن حال] در کنار [آستانه] در به شوهر وی برخوردند؛ بانو به شوهرش گفت: کسی که نسبت به خانواده ات قصد بدی داشته باشد، کیفرش جز زندان یا شکنجه دردناک [چه خواهد بود؟!] (۲۵)

قَالَ هِيَ رَاوَدَتْنِي عَن نَّفْسِي وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِّنْ أَهْلِهَا إِن كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِن قُبُلٍ فَصَدَقَتْ وَهُوَ مِنَ الْكَاذِبِينَ (۲۶)

یوسف گفت: او از من خواستار کام جویی شد. و گواهی از خاندان بانو چنین داوری کرد: اگر پیراهن یوسف از جلو پاره شده، بانو راست می گوید و یوسف دروغگوست. (۲۶)

وَإِن كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِن دُبُرٍ فَكَذَبَتْ وَهُوَ مِنَ الصَّادِقِينَ (۲۷)

و اگر پیراهنش از پشت پاره شده، بانو دروغ می گوید و یوسف راستگوست. (۲۷)

فَلَمَّا رَأَى قَمِيصَهُ قُدَّ مِن دُبُرٍ قَالَ إِنَّهُ مِن كَيْدِكُنَّ إِنَّ كَيْدَكُنَّ عَظِيمٌ (۲۸)

پس همسر بانو چون دید پیراهن یوسف از پشت پاره شده، گفت: این [فتنه و فساد] از نیرنگ شما [زنان] است، بی تردید نیرنگ شما بزرگ است. (۲۸)

يُوسُفُ أَعْرِضْ عَنْ هَذَا وَاسْتَغْفِرِى لِذَنبِكِ إِنَّكِ كُنتِ مِنَ الْخَاطِئِينَ (۲۹)

یوسفا! این داستان را ندیده بگیر. و تو [ای بانو!] از گناهت استغفار کن؛ زیرا تو از خطاکارانی. (۲۹)

وَقَالَ نِسْوَةٌ فِى الْمَدِينَهِ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ تُرَاوِدُ فَتَاهَا عَن نَّفْسِهِ قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا إِنَّا لَنَرَاهَا فِى ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۳۰)

و گروهی از زنان در شهر شایع کردند که همسر عزیز [مصر] در حالی که عشق آن نوجوان در درون قلبش نفوذ کرده از او درخواست کام جویی می کند؛ یقیناً ما او را در گمراهی آشکاری می بینیم. (۳۰)

ص: ۲۳۸

فَلَمَّا سَمِعَتْ بِمَكْرِهِنَّ أَرْسَلَتْ إِلَيْهِنَّ وَأَعْتَدَتْ لَهُنَّ مُتَّكَأً وَآتَتْ كُلَّ وَاحِدَهٍ مِّنْهُنَّ سِكِّينًا وَقَالَتِ اخْرُجْ عَلَيْهِنَّ فَلَمَّا رَأَيْنَهُ أَكْبَرْنَهُ وَقَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ وَقُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا هَذَا بَشَرًا إِنْ هَذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ (۳۱)

پس هنگامی که بانوی کاخ گفتارِ مکرآمیز آنان را شنید [برای آنکه به آنان ثابت کند که در این رابطه، سخنی نابجا دارند] به مهمانی دعوتشان کرد، و برای آنان تکیه گاه آماده نمود و به هر یک از آنان [برای خوردن میوه] کاردی داد و به یوسف گفت: به مجلس آنان در آی. هنگامی که او را دیدند به حقیقت در نظرشان بزرگ [و بسیار زیبا] یافتند و [از شدت شگفتی و حیرت به جای میوه] دست هایشان را بریدند و گفتند: حاشا که این بشر باشد! او جز فرشته ای بزرگوار نیست. (۳۱)

قَالَتْ فَذَلِكُنَّ الَّذِى لُمْتُنَّنِى فِيهِ وَلَقَدْ رَاوَدتُّهُ عَن نَّفْسِهِ فَاسْتَعْصَمَ وَلَئِن لَّمْ يَفْعَلْ مَا آمُرُهُ لَيُسْجَنَنَّ وَلَيَكُونًا مِّنَ الصَّاغِرِينَ (۳۲)

بانوی کاخ گفت: این همان کسی است که مرا درباره عشق او سرزنش کردید. به راستی من از او خواستار کام جویی شدم، ولی او در برابر خواست من به شدت خودداری کرد، و اگر فرمانم را اجرا نکند یقیناً خوار و حقیر به زندان خواهد رفت. (۳۲)

قَالَ رَبِّ السِّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِى إِلَيْهِ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّى كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُن مِّنَ الْجَاهِلِينَ (۳۳)

یوسف گفت: پروردگارا! زندان نزد من محبوب تر است از عملی که مرا به آن می خوانند، و اگر نیرنگشان را از من نگردانی به آنان رغبت می کنم و از نادانان می شوم. (۳۳)

فَاسْتَجَابَ لَهُ رَبُّهُ فَصَرَفَ عَنْهُ كَيْدَهُنَّ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۳۴)

پس پروردگارش خواسته اش را اجابت کرد و نیرنگ زنان را از او بگردانید؛ زیرا خدا شنوا و داناست. (۳۴)

ثُمَّ بَدَا لَهُم مِّن بَعْدِ مَا رَأَوُا الْآيَاتِ لَيَسْجُنُنَّهُ حَتَّى حِينٍ (۳۵)

آن گاه آنان پس از آنکه نشانه ها [یِ پاکی و پاکدامنی یوسف] را دیده بودند، عزمشان بر این جزم شد که تا مدتی او را به زندان اندازند. (۳۵)

وَدَخَلَ مَعَهُ السِّجْنَ فَتَيَانِ قَالَ أَحَدُهُمَا إِنِّی أَرَانِی أَعْصِرُ خَمْرًا وَقَالَ الْآخَرُ إِنِّی أَرَانِی أَحْمِلُ فَوْقَ رَأْسِی خُبْزًا تَأْکُلُ الطَّیْرُ مِنْهُ نَبِّئْنَا بِتَأْوِیلِهِ إِنَّا نَرَاکَ مِنَ الْمُحْسِنِینَ (۳۶)

و دو غلام [پادشاه مصر] با یوسف به زندان افتادند. یکی از آن دو نفر گفت: من پی در پی خواب می بینم که [برای] شراب، [انگور] می فشارم، و دیگری گفت: من خواب می بینم که بر سر خود نان حمل می کنم [و] پرندگان از آن می خورند، از تعبیر آن ما را خبر ده؛ زیرا ما تو را از نیکوکاران می دانیم. (۳۶)

قَالَ لَا یَأْتِیکُمَا طَعَامٌ تُرْزَقَانِهِ إِلَّا نَبَّأْتُکُمَا بِتَأْوِیلِهِ قَبْلَ أَن یَأْتِیَکُمَا ذَلِکُمَا مِمَّا عَلَّمَنِی رَبِّی إِنِّی تَرَکْتُ مِلَّهَ قَوْمٍ لَّا یُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَهُم بِالْآخِرَهِ هُمْ کَافِرُونَ (۳۷)

گفت: هیچ جیره غذایی برای شما نمی آید مگر آنکه من شما را پیش از آمدنش از تعبیر آن خواب آگاه می کنم، این از حقایقی است که خدا به من آموخته است؛ زیرا من آیین مردمی را که به خدا ایمان ندارند و به سرای آخرت کافرند، رها کرده ام. (۳۷)

ص: ۲۳۹

وَاتَّبَعْتُ مِلَّهَ آبَائِی إِبْرَاهِیمَ وَإِسْحَاقَ وَیَعْقُوبَ مَا کَانَ لَنَا أَن نُّشْرِکَ بِاللَّهِ مِن شَیْءٍ ذَلِکَ مِن فَضْلِ اللَّهِ عَلَیْنَا وَعَلَی النَّاسِ وَلَکِنَّ أَکْثَرَ النَّاسِ لَا یَشْکُرُونَ (۳۸)

و [از ابتدا] از آیین پدرانم ابراهیم و اسحاق و یعقوب پیروی کرده ام، برای ما شایسته نیست که چیزی را شریک خدا قرار دهیم. این از فضل خدا بر ما و بر مردم است، ولی بیشتر مردم ناسپاسند. (۳۸)

یَا صَاحِبَیِ السِّجْنِ أَأَرْبَابٌ مُّتَفَرِّقُونَ خَیْرٌ أَمِ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ (۳۹)

ای دو یار زندان! آیا معبودان متعدد و متفرق بهتر است یا خدای یگانه مقتدر؟ (۳۹)

مَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِهِ إِلَّا أَسْمَاءً سَمَّیْتُمُوهَا أَنتُمْ وَآبَاؤُکُم مَّا أَنزَلَ اللَّهُ بِهَا مِن سُلْطَانٍ إِنِ الْحُکْمُ إِلَّا لِلَّهِ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِیَّاهُ ذَلِکَ الدِّینُ الْقَیِّمُ وَلَکِنَّ أَکْثَرَ النَّاسِ لَا یَعْلَمُونَ (۴۰)

شما به جای خدا جز [بت هایی] با نام هایی بی اثر و بی معنا که خود و پدرانتان آنها را نامگذاری کرده اید نمی پرستید، خدا [که صاحب اختیار همه هستی است] هیچ دلیلی بر [حقّانیّت آنها برای پرستش] نازل نکرده است. حکم فقط ویژه خداست، او فرمان داده که جز او را نپرستید. دین درست و راست و آیین پابرجا و حق همین است، ولی بیشتر مردم [حقایق را] نمی دانند. (۴۰)

یَا صَاحِبَیِ السِّجْنِ أَمَّا أَحَدُکُمَا فَیَسْقِی رَبَّهُ خَمْرًا وَأَمَّا الْآخَرُ فَیُصْلَبُ فَتَأْکُلُ الطَّیْرُ مِن رَّأْسِهِ قُضِیَ الْأَمْرُ الَّذِی فِیهِ تَسْتَفْتِیَانِ (۴۱)

ای دو یار زنـدان! اما یکی از شـما [از زندان رهایی می یابد و] سـرور خود را شـراب می نوشاند، اما دیگری به دار آویخته می شود و پرندگان از سر او خواهند خورد. تعبیر خوابی که از من جویا شدید، تحققّش قطعی و انجامش حتمی شده است. (۴۱)

وَقَالَ لِلَّذِی ظَنَّ أَنَّهُ نَاجٍ مِّنْهُمَا اذْکُرْنِی عِندَ رَبِّکَ فَأَنسَاهُ الشَّیْطَانُ ذِکْرَ رَبِّهِ فَلَبِثَ فِی السِّجْنِ بِضْعَ سِنِینَ (۴۲)

و به یکی از آن دو نفر که دانست آزاد می شـود، گفت: مرا نزد سـرور خـود یـاد کن. ولی شـیطان یـاد کردنِ از یوسف را نزد سرورش از یاد او برد؛ در نتیجه چند سالی در زندان ماند. (۴۲)

وَقَالَ الْمَلِکُ إِنِّی أَرَی سَبْعَ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ یَأْکُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ وَسَبْعَ سُنبُلَاتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ یَابِسَاتٍ یَا أَیُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِی فِی رُؤْیَایَ إِن کُنتُمْ لِلرُّؤْیَا تَعْبُرُونَ (۴۳)

و پادشاه [مصـر به بارگاه نشینانش] گفت: پی در پی در خواب می بینم که هفت گاو لاغر، هفت گاو فربه را می خورند، و نیز هفت خوشه سـبز و هفت خوشه خشـک را مشاهـده می کنم؛ شـما ای بزرگـان! اگر تعـبیر خواب می دانیـد دربـاره خوابم نظر دهید. (۴۳)

ص: ۲۴۰

قَالُوا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ وَمَا نَحْنُ بِتَأْوِیلِ الْأَحْلَامِ بِعَالِمِینَ (۴۴)

گفتند: [این] خواب هایی پریشان و آشفته است و ما به تعبیر خواب های پریشان و آشفته دانا نیستیم. (۴۴)

وَقَالَ الَّذِی نَجَا مِنْهُمَا وَادَّکَرَ بَعْدَ أُمَّهٍ أَنَا أُنَبِّئُکُم بِتَأْوِیلِهِ فَأَرْسِلُونِ (۴۵)

از آن دو زندانی آنکه آزاد شده بود و پس از مدتی [یوسف را] به یاد آورد گفت: من یقیناً شـما را از تعبیر آن آگاه می کنم، پس [مرا به زندان] بفرستید. (۴۵)

یُوسُفُ أَیُّهَا الصِّدِّیقُ أَفْتِنَا فِی سَـبْعِ بَقَرَاتٍ سِـمَانٍ یَأْکُلُهُنَّ سَـبْعٌ عِجَافٌ وَسَـبْعِ سُـنبُلَاتٍ خُضْـرٍ وَأُخَرَ یَابِسَاتٍ لَّعَلِّی أَرْجِعُ إِلَی النَّاسِ لَعَلَّهُمْ یَعْلَمُونَ (۴۶)

[سـپس به زندان نزد یوسف رفت و گفت:] تو ای یوسف! ای راسـتگویِ [راست کردار!] درباره هفت گاو فربه که هفت [گاو] لاغر آنـان را می خورنـد، و هفت خوشه سبز و [هفت خوشه] خشـک دیگر، نظرت را برای مـا بیـان کن. امیـد است نزد مردم برگردم، باشد که [از تعبیر این خواب عجیب] آگاه شوند. (۴۶)

قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِینَ دَأَبًا فَمَا حَصَدتُّمْ فَذَرُوهُ فِی سُنبُلِهِ إِلَّا قَلِیلًا مِّمَّا تَأْکُلُونَ (۴۷)

گفت: هفت سال با تلاش پی گیر زراعت کنیـد، پس آنچه را درو کردید جز اندکی که خوراک شـماست در خوشه اش باقی گذارید. (۴۷)

ثُمَّ يَأْتِي مِن بَعْدِ ذَلِکَ سَبْعٌ شِدَادٌ يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّا تُحْصِنُونَ (۴۸)

سپس بعد از آن [هفت سال فراوانی و گشایش] هفت سال سخت و دشوار [پیش] می آید که آنچه را برای آن [سال ها] ذخیره کرده اید مگر اندکی که برای کاشتن نگهداری می کنید، می خورید. (۴۸)

ثُمَّ يَأْتِي مِن بَعْدِ ذَلِکَ عَامٌ فِيهِ يُغَاثُ النَّاسُ وَفِيهِ يَعْصِرُونَ (۴۹)

آن گاه بعد از آن [دوره سخت و دشوار،] سالی می آید که مردم در آن بارانِ [فراوان] یابند و در آن [سال از محصولات کشاورزی] عصاره میوه می گیرند. (۴۹)

وَقَالَ الْمَلِکُ ائْتُونِي بِهِ فَلَمَّا جَاءَهُ الرَّسُولُ قَالَ ارْجِعْ إِلَى رَبِّکَ فَاسْأَلْهُ مَا بَالُ النِّسْوَةِ اللَّاتِي قَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ إِنَّ رَبِّي بِكَيْدِهِنَّ عَلِيمٌ (۵۰)

و پادشاه [مصر] گفت: یوسف را نزد من آورید. هنگامی که فرستاده [پادشاه] نزد یوسف آمد، یوسف گفت: نزد سرورت باز گرد و از او بپرس حال و داستان زنانی که دست های خود را بریدند، چه بود؟ یقیناً پروردگارم به نیرنگ آنان داناست. (۵۰)

قَالَ مَا خَطْبُكُنَّ إِذْ رَاوَدتُّنَّ يُوسُفَ عَن نَّفْسِهِ قُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا عَلِمْنَا عَلَيْهِ مِن سُوءٍ قَالَتِ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ الْآنَ حَصْحَصَ الْحَقُّ أَنَا رَاوَدتُّهُ عَن نَّفْسِهِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ (۵۱)

[پادشاه به زنان] گفت: داستان شما هنگامی که یوسف را به کام جویی دعوت کردید چیست؟ [زنان] گفتند: پاک و منزّه است خدا! ما هیچ بدی در او سراغ نداریم. همسر عزیز گفت: اکنون حق [پس از پنهان ماندنش] به خوبی آشکار شد، من [بودم که] از او درخواست کام جویی کردم، یقیناً یوسف از راستگویان است. (۵۱)

ذَلِکَ لِيَعْلَمَ أَنِّي لَمْ أَخُنْهُ بِالْغَيْبِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي كَيْدَ الْخَائِنِينَ (۵۲)

[من به پاکی او و گناه خود اعتراف کردم] و این اعتراف برای این است که یوسف بداند من در غیاب او به وی خیانت نورزیدم و اینکه خدا نیرنگ خیانت کاران را به نتیجه نمی رساند. (۵۲)

ص: ۲۴۱

جزء ۱۳

ادامه سوره یوسف

وَمَا أُبَرِّئُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۵۳)

من خود را از گناه تبرئه نمی کنم؛ زیرا نفس طغیان گر، بسیار به بدی فرمان می دهد مگر زمانی که پروردگارم رحم کند؛

زیرا پروردگارم بسیار آمرزنده و مهربان است. (۵۳)

وَقَالَ الْمَلِكُ ائْتُونِي بِهِ أَسْتَخْلِصْهُ لِنَفْسِي فَلَمَّا كَلَّمَهُ قَالَ إِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنَا مَكِينٌ أَمِينٌ (۵۴)

و پادشاه گفت: یوسف را نزد من آورید تا او را برای کارهای خود برگزینم. پس هنگامی که با یوسف سخن گفت به او اعلام کرد: تو امروز نزد ما دارای منزلت ومقامی و [در همه امور] امینی. (۵۴)

قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ (۵۵)

یوسف گفت: مرا سرپرست خزانه های این سرزمین قرار ده؛ زیرا من نگهبان دانایی هستم. (۵۵)

وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَتَبَوَّأُ مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ نُصِيبُ بِرَحْمَتِنَا مَن نَّشَاءُ وَلَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ (۵۶)

این گونه یوسف را در [آن] سرزمین مکانت و قدرت دادیم که هر جای آن بخواهد اقامت نماید. رحمت خود را به هر کس که بخواهیم می رسانیم و پاداش نیکوکاران را تباه نمی کنیم. (۵۶)

وَلَأَجْرُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ (۵۷)

و یقیناً پاداش آخرت برای کسانی که ایمان آورده اند وهمواره پرهیزکاری می کردند، بهتر است. (۵۷)

وَجَاءَ إِخْوَةُ يُوسُفَ فَدَخَلُوا عَلَيْهِ فَعَرَفَهُمْ وَهُمْ لَهُ مُنكِرُونَ (۵۸)

و برادران یوسف [با روی آوردن خشکسالی به کنعان، جهت تهیه آذوقه به مصر] آمدند وبر او وارد شدند. پس او آنان را شناخت وآنان او را نشناختند. (۵۸)

وَلَمَّا جَهَّزَهُم بِجَهَازِهِمْ قَالَ ائْتُونِي بِأَخٍ لَّكُم مِّنْ أَبِيكُمْ أَلَا تَرَوْنَ أَنِّي أُوفِي الْكَيْلَ وَأَنَا خَيْرُ الْمُنزِلِينَ (۵۹)

و هنگامی که زاد و توشه آنان را در اختیارشان قرار داد، گفت: برادر پدری خود را نزد من آورید، آیا نمی بینید که من پیمانه را کامل و تمام می پردازم و بهتر از هر کس مهمانداری می کنم؟ (۵۹)

فَإِن لَّمْ تَأْتُونِي بِهِ فَلَا كَيْلَ لَكُمْ عِندِي وَلَا تَقْرَبُونِ (۶۰)

پس اگر او را نزد من نیاورید، هیچ پیمانه ای پیش من ندارید و نزدیک من نیایید. (۶۰)

قَالُوا سَنُرَاوِدُ عَنْهُ أَبَاهُ وَإِنَّا لَفَاعِلُونَ (۶۱)

گفتند: می کوشیم رضایت پدرش را به آوردن او جلب کنیم، و یقیناً این کار را انجام خواهیم داد. (۶۱)

وَقَالَ لِفِتْيَانِهِ اجْعَلُوا بِضَاعَتَهُمْ فِي رِحَالِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَعْرِفُونَهَا إِذَا انقَلَبُوا إِلَى أَهْلِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (۶۲)

و [یوسف] به کارگزاران و گماشتگانش گفت: اموالشان را [که در برابر دریافت آذوقه پرداختند] در بارهایشان بگذارید، امید است وقتی به خاندان خود برگشتند آن را بشناسند، باشد که دوباره برگردند. (۶۲)

فَلَمَّا رَجَعُوا إِلَى أَبِيهِمْ قَالُوا يَا أَبَانَا مُنِعَ مِنَّا الْكَيْلُ فَأَرْسِلْ مَعَنَا أَخَانَا نَكْتَلْ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ (۶۳)

پس هنگامی که به سوی پدرشان بازگشتند، گفتند: ای پدر! پیمانه از ما منع شد، پس برادرمان را با ما روانه کن تا پیمانه بگیریم، یقیناً ما او را حفظ خواهیم کرد. (۶۳)

ص: ۲۴۲

قَالَ هَلْ آمَنُكُمْ عَلَيْهِ إِلَّا كَمَا أَمِنتُكُمْ عَلَى أَخِيهِ مِن قَبْلُ فَاللَّهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ (۶۴)

گفت: آیا همان گونه که شما را پیش از این نسبت به برادرش امین پنداشتم، درباره او هم امین پندارم؟ [من به مراقبت و نگهبانی شما امید ندارم] پس خدا بهترین نگهبان است و او مهربان ترین مهربانان است. (۶۴)

وَلَمَّا فَتَحُوا مَتَاعَهُمْ وَجَدُوا بِضَاعَتَهُمْ رُدَّتْ إِلَيْهِمْ قَالُوا يَا أَبَانَا مَا نَبْغِي هَذِهِ بِضَاعَتُنَا رُدَّتْ إِلَيْنَا وَنَمِيرُ أَهْلَنَا وَنَحْفَظُ أَخَانَا وَنَزْدَادُ كَيْلَ بَعِيرٍ ذَلِكَ كَيْلٌ يَسِيرٌ (۶۵)

و هنگامی که کالایشان را گشودند، دیدند اموالشان را به آنان بازگردانده اند، گفتند: ای پدر! [بهتر از این] چه می خواهیم؟ این اموال ماست که به ما بازگردانده و ما [دوباره با همین اموال] برای خانواده خود آذوقه می آوریم و برادرمان را حفظ می کنیم، و بار شتری اضافه می کنیم و آن [بار شتر از نظر عزیز که مردی کریم است] باری ناچیز است. (۶۵)

قَالَ لَنْ أُرْسِلَهُ مَعَكُمْ حَتَّى تُؤْتُونِ مَوْثِقًا مِّنَ اللَّهِ لَتَأْتُنَّنِي بِهِ إِلَّا أَن يُحَاطَ بِكُمْ فَلَمَّا آتَوْهُ مَوْثِقَهُمْ قَالَ اللَّهُ عَلَى مَا نَقُولُ وَكِيلٌ (۶۶)

گفت: برادرتان را همراه شما [به مصر] نمی فرستم تا اینکه پیمان محکمی از خدا به من بسپارید که او را حتماً به من بازگردانید، مگر اینکه [به سبب بسته شدن همه راه ها به روی شما] نتوانید. پس هنگامی که پیمان استوارشان را به پدر سپردند، گفت: خدا بر آنچه می گوییم، وکیل است. (۶۶)

وَقَالَ يَا بَنِيَّ لَا تَدْخُلُوا مِن بَابٍ وَاحِدٍ وَادْخُلُوا مِنْ أَبْوَابٍ مُّتَفَرِّقَةٍ وَمَا أُغْنِي عَنكُم مِّنَ اللَّهِ مِن شَيْءٍ إِنِ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَعَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ (۶۷)

و گفت: ای پسرانم! [در این سفر] از یک در وارد نشوید بلکه از درهای متعدد وارد شوید، و البته من [با این تدبیر] نمی توانم هیچ حادثه ای را که از سوی خدا برای شما رقم خورده از شما برطرف کنم، حکم فقط ویژه خداست، [تنها] بر او توکل کرده ام، و [همه] توکل کنندگان باید به خدا توکل کنند. (۶۷)

وَلَمَّا دَخَلُوا مِنْ حَيْثُ أَمَرَهُمْ أَبُوهُم مَّا كَانَ يُغْنِي عَنْهُم مِّنَ اللَّهِ مِن شَيْءٍ إِلَّا حَاجَةً فِي نَفْسِ يَعْقُوبَ قَضَاهَا وَإِنَّهُ لَذُو عِلْمٍ لِّمَا عَلَّمْنَاهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (۶۸)

هنگامی که فرزندان یعقوب از آنجایی که پدرشان دستور داده بود، وارد شدند، تدبیر یعقوب نمی توانست هیچ حادثه ای را که از سوی خدا رقم خورده بود، از آنان برطرف کند جز خواسته ای که در دل یعقوب بود [که فرزندانش به سلامت و دور از چشم زخم وارد شوند] که خدا آن را به انجام رساند، یعقوب به سبب آنکه تعلیمش داده بودیم از دانشی [ویژه] برخوردار بود ولی بیشتر مردم [که فقط چشمی ظاهربین دارند، این حقایق را] نمی دانند. (۶۸)

وَلَمَّا دَخَلُوا عَلَى يُوسُفَ آوَى إِلَيْهِ أَخَاهُ قَالَ إِنِّي أَنَا أَخُوكَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۶۹)

و هنگامی که بر یوسف وارد شدند، برادر [مادری] ش را کنار خود جای داد، گفت: بی تردید من برادر تو هستم، بنابراین بر آنچه آنان همواره انجام می دادند [و من برای تو فاش کردم] اندوهگین مباش. (۶۹)

ص: ۲۴۳

فَلَمَّا جَهَّزَهُم بِجَهَازِهِمْ جَعَلَ السِّقَايَةَ فِي رَحْلِ أَخِيهِ ثُمَّ أَذَّنَ مُؤَذِّنٌ أَيَّتُهَا الْعِيرُ إِنَّكُمْ لَسَارِقُونَ (۷۰)

پس هنگامی که بارشان را آماده کرد، آبخوری [پادشاه] را در بار برادرش گذاشت. سپس ندا دهنده ای بانگ زد: ای کاروان! یقیناً شما دزد هستید! (۷۰)

قَالُوا وَأَقْبَلُوا عَلَيْهِم مَّاذَا تَفْقِدُونَ (۷۱)

کاروانیان روی به گماشتگان کردند و گفتند: چه چیزی گم کرده اید؟ (۷۱)

قَالُوا نَفْقِدُ صُوَاعَ الْمَلِكِ وَلِمَن جَاءَ بِهِ حِمْلُ بَعِيرٍ وَأَنَا بِهِ زَعِيمٌ (۷۲)

گفتند: آبخوری شاه را گم کرده ایم و هر کس آن را بیاورد، یک بار شتر مژدگانی اوست و من ضامن آن هستم. (۷۲)

قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ عَلِمْتُم مَّا جِئْنَا لِنُفْسِدَ فِي الْأَرْضِ وَمَا كُنَّا سَارِقِينَ (۷۳)

گفتند: به خدا سوگند شما به خوبی دانستید که ما نیامده ایم در این سرزمین فساد کنیم، و هیچ گاه دزد نبوده ایم. (۷۳)

قَالُوا فَمَا جَزَاؤُهُ إِن كُنتُمْ كَاذِبِينَ (۷۴)

گماشتگان گفتند: اگر شما دروغگو باشید [و سارق در میان شما یافت شود] کیفرش چیست؟ (۷۴)

قَالُوا جَزَاؤُهُ مَن وُجِدَ فِي رَحْلِهِ فَهُوَ جَزَاؤُهُ كَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ (۷۵)

گفتنـد: کسـی که آبخوری در بـار و بنه اش پیـدا شود، کیفرش خود اوست [که به غلامـی گرفته شود]. مـا سـتمکاران را [در کنعان] به همین صورت کیفر می دهیم. (۷۵)

فَبَدَأَ بِأَوْعِيَتِهِمْ قَبْلَ وِعَاءِ أَخِيهِ ثُمَّ اسْتَخْرَجَهَا مِن وِعَاءِ أَخِيهِ كَذَلِكَ كِدْنَا لِيُوسُفَ مَا كَانَ لِيَأْخُذَ أَخَاهُ فِي دِينِ الْمَلِكِ إِلَّا أَن يَشَاءَ اللَّهُ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَّن نَّشَاءُ وَفَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ (۷۶)

پس [یوسف] پیش از [بررسـی] بارِ برادرش، شـروع به [بررسـی] بارهای [دیگر] برادران کرد، آن گاه آبخوری پادشاه را از بار برادرش بیرون آورد. ما این گونه برای یوسف چاره اندیشـی نمودیم؛ زیرا او نمی توانست بر پایه قوانین پادشاه [مصر] برادرش را بازداشت کنـد مگر اینکه خدا بخواهد [بازداشت برادرش از راهی دیگر عملی شود]. هر که را بخواهیم [به] درجاتی بالا می بریم و برتر از هر صاحب دانشی، دانشمندی است. (۷۶)

قَالُوا إِن يَسْرِقْ فَقَدْ سَرَقَ أَخٌ لَّهُ مِن قَبْلُ فَأَسَرَّهَا يُوسُفُ فِي نَفْسِهِ وَلَمْ يُبْدِهَا لَهُمْ قَالَ أَنتُمْ شَرٌّ مَّكَانًا وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَصِفُونَ (۷۷)

برادران گفتنـد: اگر ایـن شـخص دزدی می کنـد [خلاف انتظـار نیسـت]؛ زیرا پیش تر برادر [ی داشت که] او هم دزدی کرد. یوسف [به مقتضای کرامت و جوانمردی] این تهمت را در دل خود پنهان داشت و نسبت به آن سخنی نگفت و این راز را فاش نساخت. در پاسـخ آنان گفت: منزلت شـما بـدتر [و دامنتان آلوده تر از این] است [که ظاهرتان نشان می دهـد] و خدا به آنچه بیان می کنید، داناتر است. (۷۷)

قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ إِنَّ لَهُ أَبًا شَيْخًا كَبِيرًا فَخُذْ أَحَدَنَا مَكَانَهُ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ (۷۸)

گفتنـد: ای عزیز! او را پـدری سـالخورده و بزرگـوار است، پس یکی از مـا را به جـای او بـازداشت کن، بی تردیـد مـا تو را از نیکوکاران می بینیم. (۷۸)

ص: ۲۴۴

قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ أَن نَّأْخُذَ إِلَّا مَن وَجَدْنَا مَتَاعَنَا عِندَهُ إِنَّا إِذًا لَّظَالِمُونَ (۷۹)

گفت: پناه بر خدا از اینکه بازداشت کنیم مگر کسـی را که متاع خود را نزد وی یافته ایم، که در این صورت سـتمکار خواهیم بود. (۷۹)

فَلَمَّا اسْتَيْأَسُوا مِنْهُ خَلَصُوا نَجِيًّا قَالَ كَبِيرُهُمْ أَلَمْ تَعْلَمُوا أَنَّ أَبَاكُمْ قَدْ أَخَذَ عَلَيْكُم مَّوْثِقًا مِّنَ اللَّهِ وَمِن قَبْلُ مَا فَرَّطتُمْ فِي يُوسُفَ فَلَنْ أَبْرَحَ الْأَرْضَ حَتَّى يَأْذَنَ لِي أَبِي أَوْ يَحْكُمَ اللَّهُ لِي وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ (۸۰)

پس هنگامی که از عزیز مأیوس شدنـد، در کناری [با یکـدیگر] به گفتگوی پنهان پرداختنـد. بزرگشان گفت: آیا ندانستید که پـدرتان از شـما پیمـان اسـتوار خـدایی گرفت و پیش تر هم درباره یوسف کوتاهی کردیـد، بنابراین من هرگز از این سـرزمین بیرون نمی آیم تا پدرم به من اجازه دهد، یا خدا درباره من حکم کند؛ و او بهترین حکم کنند گان است. (۸۰)

ارْجِعُوا إِلَى أَبِيكَمْ فَقُولُوا يَا أَبَانَا إِنَّ ابْنَکَ سَرَقَ وَمَا شَهِدْنَا إِلَّا بِمَا عَلِمْنَا وَمَا کُنَّا لِلْغَيْبِ حَافِظِينَ (٨١)

شما به سوی پـدرتان بازگردیـد، پس به او بگوییـد: ای پـدر! بدون شک پسـرت دزدی کرد، و ما جز به آنچه دانستیم گواهی ندادیم وحافظ ونگهبان نهان هم [که در آن چه اتفاقی افتاده] نبودیم. (٨١)

وَاسْأَلِ الْقَرْيَهَ الَّتِی کُنَّا فِيهَا وَالْعِيرَ الَّتِی أَقْبَلْنَا فِيهَا وَإِنَّا لَصَادِقُونَ (٨٢)

حقیقت را از شـهری که در آن بودیم [و در و دیوارش گواه است] و از کاروانی که با آن آمدیم بپرس؛ و یقیناً ما راسـتگوییم. (٨٢)

قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَکُمْ أَنفُسُکُمْ أَمْرًا فَصَبْرٌ جَمِيلٌ عَسَى اللَّهُ أَن يَأْتِيَنِی بِهِمْ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَکِيمُ (٨٣)

[برادران پس از بازگشت به کنعان، ماجرا را برای پـدر بیان کردنـد، یعقوب] گفت: [نه چنین است که می گویید] بلکه نفوس شما کاری [زشت] را در نظرتان آراست [تا انجامش بر شـما آسان شود] پس من بـدون جزع و بیتابی شـکیبایی می ورزم، امید است خدا همه آنان را پیش من آرد؛ زیرا او بی تردید، دانا و حکیم است. (٨٣)

وَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا أَسَفَى عَلَى يُوسُفَ وَابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ کَظِيمٌ (٨۴)

و از آنان کناره گرفت و گفت: دریغا بر یوسف! و در حالی که از غصّه لبریز بود دو چشمش از اندوه، سپید شد. (٨۴)

قَالُوا تَاللَّهِ تَفْتَأُ تَذْکُرُ يُوسُفَ حَتَّى تَکُونَ حَرَضًا أَوْ تَکُونَ مِنَ الْهَالِکِينَ (٨۵)

گفتند: به خدا آن قدر از یوسف یاد می کنی تا سخت ناتوان شوی یا جانت را از دست بدهی. (٨۵)

قَالَ إِنَّمَا أَشْکُو بَثِّی وَحُزْنِی إِلَى اللَّهِ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (٨۶)

گفت: شکوه اندوه شدید و غم و غصه ام را فقط به خدا می برم و از خدا می دانم آنچه را که شما نمی دانید. (٨۶)

ص: ٢۴۵

يَا بَنِيَّ اذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِن يُوسُفَ وَأَخِيهِ وَلَا تَيْأَسُوا مِن رَّوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْأَسُ مِن رَّوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْکَافِرُونَ (٨٧)

ای پسـرانم! برویـد آن گاه از یوسف و برادرش جستجو کنیـد و از رحمت خـدا مأیوس نباشـید؛ زیرا جز مردم کافر از رحمت خدا مأیوس نمی شوند. (٨٧)

فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَيْهِ قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَا الضُّرُّ وَجِئْنَا بِبِضَاعَهٍ مُّزْجَاهٍ فَأَوْفِ لَنَا الْکَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِی الْمُتَصَدِّقِينَ (٨٨)

پس هنگامی که بر یوسف وارد شدند، گفتند: عزیزا! از سختی [قحطی و خشکسالی] به ما و خانواده ما گزند و آسیب رسیده و [برای دریافت آذوقه] مال ناچیزی آورده ایم، پس پیمانه ما را کامل بده و بر ما صدقه بخش؛ زیرا خدا صدقه دهندگان را پاداش می دهد. (۸۸)

قَالَ هَلْ عَلِمْتُم مَّا فَعَلْتُم بِيُوسُفَ وَأَخِيهِ إِذْ أَنتُمْ جَاهِلُونَ (۸۹)

گفت: آیا زمانی که نادان بودید، دانستید با یوسف و برادرش چه کردید؟ (۸۹)

قَالُوا أَإِنَّکَ لَأَنتَ يُوسُفُ قَالَ أَنَا يُوسُفُ وَهَذَا أَخِی قَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا إِنَّهُ مَن يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ (۹۰)

گفتند: شگفتا! آیا تو خود یوسفی؟! گفت: من یوسفم و این برادر من است، همانا خدا بر ما منت نهاده است؛ بی تردید هر کس پرهیزکاری کند و شکیبایی ورزد، [پاداش شایسته می یابد]؛ زیرا خدا پاداش نیکوکاران را تباه نمی کند. (۹۰)

قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ آثَرَکَ اللَّهُ عَلَيْنَا وَإِن کُنَّا لَخَاطِئِينَ (۹۱)

گفتند: به خدا سوگند یقیناً که خدا تو را بر ما برتری بخشید و به راستی که ما خطاکار بودیم. (۹۱)

قَالَ لَا تَثْرِيبَ عَلَيْکُمُ الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَکُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ (۹۲)

گفت: امروز هیچ ملامت و سرزنشی بر شما نیست، خدا شما را می آمرزد و او مهربان ترین مهربانان است. (۹۲)

اذْهَبُوا بِقَمِيصِی هَذَا فَأَلْقُوهُ عَلَى وَجْهِ أَبِی يَأْتِ بَصِيرًا وَأْتُونِی بِأَهْلِکُمْ أَجْمَعِينَ (۹۳)

این پیراهنم را ببرید، و روی صورت پدرم بیندازید، او بینا می شود و همه خاندانتان را نزد من آورید. (۹۳)

وَلَمَّا فَصَلَتِ الْعِيرُ قَالَ أَبُوهُمْ إِنِّی لَأَجِدُ رِيحَ يُوسُفَ لَوْلَا أَن تُفَنِّدُونِ (۹۴)

و زمانی که کاروان [از مصر] رهسپار [کنعان] شد، پدرشان گفت: بی تردید، بوی یوسف را می یابم اگر مرا سبک عقل ندانید. (۹۴)

قَالُوا تَاللَّهِ إِنَّکَ لَفِی ضَلَالِکَ الْقَدِيمِ (۹۵)

گفتند: به خدا سوگند تو در همان خطا و گمراهی دیرینت هستی. (۹۵)

ص: ۲۴۶

فَلَمَّا أَن جَاءَ الْبَشِيرُ أَلْقَاهُ عَلَى وَجْهِهِ فَارْتَدَّ بَصِيرًا قَالَ أَلَمْ أَقُل لَّکُمْ إِنِّی أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (۹۶)

پس هنگامی که مژده رسان آمد، پیراهن را بر صورت او افکند و او دوباره بینا شد، گفت: آیا به شما نگفتم که من از خدا حقایقی می دانم که شما نمی دانید؟ (۹۶)

قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ (۹۷)

گفتند: ای پدر! آمرزش گناهانمان را بخواه، بی تردید ما خطاکار بوده ایم. (۹۷)

قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّی إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (۹۸)

گفت: برای شما از پروردگارم درخواست آمرزش خواهم کرد؛ زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است. (۹۸)

فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَى يُوسُفَ آوَى إِلَيْهِ أَبَوَيْهِ وَقَالَ ادْخُلُوا مِصْرَ إِن شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ (۹۹)

پس زمانی که بر یوسف وارد شدند، پدر و مادرش را کنار خود جای داد و گفت: همگی با خواست خدا [آسوده خاطر و] در کمال امنیت وارد مصر شوید. (۹۹)

وَرَفَعَ أَبَوَيْهِ عَلَى الْعَرْشِ وَخَرُّوا لَهُ سُجَّدًا وَقَالَ يَا أَبَتِ هَذَا تَأْوِيلُ رُؤْيَایَ مِن قَبْلُ قَدْ جَعَلَهَا رَبِّی حَقًّا وَقَدْ أَحْسَنَ بِی إِذْ أَخْرَجَنِی مِنَ السِّجْنِ وَجَاءَ بِكُم مِّنَ الْبَدْوِ مِن بَعْدِ أَن نَّزَغَ الشَّيْطَانُ بَيْنِی وَبَيْنَ إِخْوَتِی إِنَّ رَبِّی لَطِيفٌ لِّمَا يَشَاءُ إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ (۱۰۰)

و پدر و مادرش را بر تخت بالا برد و همه برای او به سجده افتادند و گفت: ای پدر! این تعبیر خواب پیشین من است که پروردگارم آن را تحقق داد، و یقیناً به من احسان کرد که از زندان رهاییم بخشید، و شما را پس از آنکه شیطان میان من و برادرانم فتنه انداخت، از آن بیابان نزد من آورد، پروردگارم برای هر چه بخواهد با لطف برخورد می کند؛ زیرا او دانا و حکیم است. (۱۰۰)

رَبِّ قَدْ آتَيْتَنِی مِنَ الْمُلْكِ وَعَلَّمْتَنِی مِن تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنتَ وَلِيِّی فِی الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ تَوَفَّنِی مُسْلِمًا وَأَلْحِقْنِی بِالصَّالِحِينَ (۱۰۱)

پروردگارا! تو بخشی از فرمانروایی را به من عطا کردی و برخی از تعبیر خواب ها را به من آموختی. ای پدید آورنده آسمان ها و زمین! تو در دنیا و آخرت سرپرست و یار منی در حالی که تسلیم [فرمان های تو] باشم جانم را بگیر، و به شایستگان مُلحقم کن. (۱۰۱)

ذَلِكَ مِنْ أَنبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ وَمَا كُنتَ لَدَيْهِمْ إِذْ أَجْمَعُوا أَمْرَهُمْ وَهُمْ يَمْكُرُونَ (۱۰۲)

این از سرگذشت های پرفایده غیب است که به تو وحی می کنیم، و تو هنگامی که آنان در کارشان تصمیم گرفتند و [برای انجامش] نیرنگ می کردند، نزدشان نبودی. (۱۰۲)

وَمَا أَكْثَرُ النَّاسِ وَلَوْ حَرَصْتَ بِمُؤْمِنِينَ (۱۰۳)

بیشتر مردم هر چند رغبت شدید [به ایمان آوردنشان] داشته باشی، ایمان نمی آورند. (۱۰۳)

ص: ۲۴۷

وَمَا تَسْأَلُهُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ (۱۰۴)

و در حالی که هیچ پاداشی [در برابر ابلاغ قرآن] از آنان نمی خواهی، این [قرآن] جز پندی برای جهانیان نیست. (۱۰۴)

وَكَأَيِّن مِّنْ آيَةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَمُرُّونَ عَلَيْهَا وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ (۱۰۵)

و [برای هدایت مردم] در آسمان ها و زمین چه بسیار نشانه هاست که [در غفلت و بی خبری] بر آنها می گذرند در حالی که از آنها روی می گردانند. (۱۰۵)

وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُم بِاللَّهِ إِلَّا وَهُم مُّشْرِكُونَ (۱۰۶)

و بیشترشان به خدا ایمان نمی آورند مگر آنکه [برای او] شریک قرار می دهند. (۱۰۶)

أَفَأَمِنُوا أَن تَأْتِيَهُمْ غَاشِيَةٌ مِّنْ عَذَابِ اللَّهِ أَوْ تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (۱۰۷)

آیا ایمنند از اینکه فراگیرنده ای از عذاب خدا بیایدشان، یا ناگاه قیامت در حالی که نمی فهمند بر آنان فرا رسد؟ (۱۰۷)

قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۱۰۸)

بگو: این طریقه و راه من است که من و هر کس پیرو من است بر پایه بصیرت و بینایی به سوی خدا دعوت می کنیم، و خدا از هر عیب و نقصی منزّه است و من از مشرکان نیستم. (۱۰۸)

وَمَا أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُّوحِي إِلَيْهِم مِّنْ أَهْلِ الْقُرَى أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ اتَّقَوْا أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۱۰۹)

و پیش از تو [بخاطر هدایت مردم] جز مردانی از اهل آبادی ها را که به آنان وحی می نمودیم نفرستادیم. آیا [مخالفان حق] به گردش و سفر در زمین نرفتند تا با تأمل بنگرند که عاقبت کسانی که پیش از آنان بودند [و از روی کبر و عناد به مخالفت با حق برخاستند] چگونه بود؟ و مسلماً سرای آخرت برای کسانی که پرهیزکاری کردند، بهتر است؛ آیا نمی اندیشید؟ (۱۰۹)

حَتَّى إِذَا اسْتَيْأَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا فَنُجِّيَ مَن نَّشَاءُ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُنَا عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ (۱۱۰)

[پیامبران، مردم را به خدا خواندند و مردم هم حق را منکر شدند] تا زمانی که پیامبران [از ایمان آوردن اکثر مردم] مأیوس شدند و گمان کردند که به آنان [از سوی مردم در وعده یاری و حمایت] دروغ گفته شده است. [ناگهان] یاری ما به پیامبران رسید؛ پس کسانی را که خواستیم رهایی یافتند و عذاب ما از گروه مجرمان برگردانده نمی شود. (۱۱۰)

لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَى وَلَكِن تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (۱۱۱)

به راستی در سر گذشت آنان عبرتی برای خردمندان است. [قرآن] سخنی نیست که به دروغ بافته شده باشد، بلکه تصدیق کننده کتاب های آسمانی پیش از خود است و بیان گر هر چیز است و برای مردمی که ایمان دارند، سراسر هدایت و رحمت است. (۱۱۱)

ص: ۲۴۸

سوره الرعد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ المر تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ وَالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ الْحَقُّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ (۱)

المر این آیاتِ [با عظمتِ] کتابِ [الهی] است، و آنچه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده، سراسر حق و راستی است [چنان حقّی که هیچ باطلی در آن راه ندارد] ولی بیشتر مردم [به سبب عناد و لجاجت] ایمان نمی آورند. (۱)

اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى يُدَبِّرُ الْأَمْرَ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُم بِلِقَاءِ رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ (۲)

خداست که آسمان ها را بدون پایه هایی که آنها را ببینید، برافراشت، آن گاه بر تخت فرمانروایی [و حکومت بر آفرینش] چیره و مسلط شد، و خورشید و ماه را رام و مسخّر ساخت، که هر کدام تا زمان معینی روانند، کار [جهان و جهانیان] را تدبیر می کند، نشانه ها [ی قدرت و حکمتش] را [در پهنه آفرینش] به روشنی بیان می کند تا شما به دیدار [قیامت و محاسبه شدن اعمال به وسیله] پروردگارتان یقین کنید. (۲)

وَهُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْهَارًا وَمِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (۳)

و اوست که زمین را گسترانید، و در آن کوه هایی استوار و نهرهایی پدید آورد و در آن از همه محصولات و میوه ها جفت دوتایی [که نر و ماده است] قرار داد، شب را به روز می پوشاند، [تا ادامه حیات برای همه نباتات و موجودات زنده ممکن باشد]؛ یقیناً در این امور برای مردمی که می اندیشند نشانه هایی [بر توحید، ربوبیّت و قدرت خدا] ست. (۳)

وَفِي الْأَرْضِ قِطَعٌ مُّتَجَاوِرَاتٌ وَجَنَّاتٌ مِّنْ أَعْنَابٍ وَزَرْعٌ وَنَخِيلٌ صِنْوَانٌ وَغَيْرُ صِنْوَانٍ يُسْقَى بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَنُفَضِّلُ بَعْضَهَا عَلَى بَعْضٍ فِي الْأُكُلِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (۴)

در زمین قطعه هایی مختلف و گوناگون، و باغ هایی از انگور و کشتزار و درختان خرمایی است که بر یک ریشه و غیر یک ریشه [می رویند]. ما برخی از آنان را در میوه و محصول با آنکه از یک آب سیراب می شوند بر برخی دیگر برتری می دهیم.

بی تردید در این امور برای مردمی که تعقّل می کنند، نشانه هایی [بر توحید، ربوبیّت و قدرت خدا] ست. (۴)

وَإِن تَعْجَبْ فَعَجَبٌ قَوْلُهُمْ أَإِذَا كُنَّا تُرَابًا أَإِنَّا لَفِی خَلْقٍ جَدِیدٍ أُولَئِكَ الَّذِینَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ الْأَغْلَالُ فِی أَعْنَاقِهِمْ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِیهَا خَالِدُونَ (۵)

اگر بخواهی تعجب کنی، پس تعجب از گفتار منکران لجوج است که [بدون توجه به قدرت خدا که آنان را از خاک پدید آورد، می گویند]: آیا ما هنگامی که [پس از مردن] خاک شدیم، به راستی در آفرینش جدیدی خواهیم بود؟! اینانند که به پروردگارشان کافر شدند، و اینانند که در گردنشان بندها و زنجیرها [ی گمراهی در دنیا و عذاب در آخرت] است، و اینان اهل آتش اند و در آن جاودانه اند. (۵)

ص: ۲۴۹

وَیَسْتَعْجِلُونَكَ بِالسَّیِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ وَقَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِهِمُ الْمَثُلَاتُ وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ لِّلنَّاسِ عَلَى ظُلْمِهِمْ وَإِنَّ رَبَّكَ لَشَدِیدُ الْعِقَابِ (۶)

و از تو [بر پایه تمسخر، استهزا، جهل و نادانی] پیش از [درخواست] خیر و خوشی تقاضای شتاب در [فرود آمدن] عذاب می کنند، [اینان گمان می کنند که عذاب ها و مجازات های الهی دروغ است] با اینکه پیش از آنان عذاب ها و عقوبت های عبرت آموز [بر کافران و منکران] گذشته است و قطعاً پروردگارت نسبت به مردم با ظلم و ستمی که می کنند صاحب آمرزش است، و مسلماً پروردگارت سخت کیفر است. (۶)

وَیَقُولُ الَّذِینَ كَفَرُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَیْهِ آیَةٌ مِّن رَّبِّهِ إِنَّمَا أَنتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ (۷)

و کافران می گویند: چرا از سوی پروردگارش معجزه ای [غیر قرآن] بر او نازل نشده؟ تو فقط بیم دهنده ای [نه اعجاز کننده ای که هر زمان هر کس و برای هر هدفی غیر منطقی بخواهد، دست به اعجاز بزنی] وبرای هر قومی هدایت کننده ای است. (۷)

اللَّهُ یَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنثَى وَمَا تَغِیضُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَزْدَادُ وَكُلُّ شَیْءٍ عِندَهُ بِمِقْدَارٍ (۸)

خدا [حالات، صفات و زمان ولادت] جنین هایی را که هر انسان و حیوان ماده ای آبستن است، و آنچه را رحم ها [از زمان طبیعی حمل] می کاهند و آنچه را می افزایند، می داند؛ و هر چیزی نزد او اندازه معینی دارد. (۸)

عَالِمُ الْغَیْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِیرُ الْمُتَعَالِ (۹)

دانای نهان و آشکار و بزرگ و بلندمرتبه است. (۹)

سَوَاءٌ مِّنكُم مَّنْ أَسَرَّ الْقَوْلَ وَمَن جَهَرَ بِهِ وَمَنْ هُوَ مُسْتَخْفٍ بِاللَّیْلِ وَسَارِبٌ بِالنَّهَارِ (۱۰)

[برای او] یکسان است که کسی از شما گفتارش را پنهان کند یا آشکار سازد، و کسی مخفیانه در دل شب حرکت نماید یا در روز راه بپیماید. (۱۰)

لَهُ مُعَقِّبَاتٌ مِّن بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَمَا لَهُم مِّن دُونِهِ مِن وَالٍ (۱۱)

برای انسان از پیش رو و پشت سر، مأمورانی است که همواره او را به فرمان خدا [از آسیب ها و گزندها] حفظ می کنند. یقیناً خدا سرنوشت هیچ ملتی را [به سوی بلا، نکبت، شکست و شقاوت] تغییر نمی دهد تا آنکه آنان آنچه را [از صفات خوب و رفتارشایسته و پسندیده] در وجودشان قرار دارد به زشتی ها و گناه تغییر دهند. و هنگامی که خدا نسبت به ملتی آسیب و گزند بخواهد [برای آن آسیب و گزند] هیچ راه بازگشتی نیست؛ زیرا برای آنان جز خدا هیچ یاوری نخواهد بود. (۱۱)

هُوَ الَّذِي يُرِيكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنشِئُ السَّحَابَ الثِّقَالَ (۱۲)

اوست که برق [جهنده را از میان قطعه های ابر] که مایه ترس و امید است، به شما نشان می دهد، و ابرهای سنگین بار را پدید می آورد. (۱۲)

وَيُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَالْمَلَائِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِ وَيُرْسِلُ الصَّوَاعِقَ فَيُصِيبُ بِهَا مَن يَشَاءُ وَهُمْ يُجَادِلُونَ فِي اللَّهِ وَهُوَ شَدِيدُ الْمِحَالِ (۱۳)

و رعد، همراه با ستایش خدا تسبیح می گوید و فرشتگان نیز از بیمش [تسبیح می گویند]، و صاعقه ها را می فرستد و به وسیله آن به هر کس بخواهد آسیب می رساند، در حالی که اینان [با مشاهده این همه آثار قدرت که صادر شده از خدای یکتاست، باز هم] درباره خدا مجادله و ستیز می کنند در صورتی که خدا [دارایِ قدرتی بی نهایت و] سخت کیفر است. (۱۳)

ص: ۲۵۰

لَهُ دَعْوَةُ الْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ لَهُم بِشَيْءٍ إِلَّا كَبَاسِطِ كَفَّيْهِ إِلَى الْمَاءِ لِيَبْلُغَ فَاهُ وَمَا هُوَ بِبَالِغِهِ وَمَا دُعَاءُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ (۱۴)

دعوت حق [که اجابتش مایه سعادت دنیا و آخرت است] فقط ویژه خداست. و کسانی را که مشرکان به جای خدا می خوانند، چیزی [از درخواست ها و نیازهایشان را] برای آنان برآورده نمی کنند [درخواست این بی خردان از بتان بی جان و جاندار نیست] مگر مانند کسی که دو دستش را به سوی آبی [که با آن فاصله زیادی دارد] می گشاید تا آب به دهانش برسد و حال آنکه هرگز نخواهد رسید، و دعا و درخواست کافران [از غیر خدا] جز در گمراهی و تباهی [که به نتیجه و هدف نمی رسد] نیست. (۱۴)

وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَظِلَالُهُم بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ (۱۵)

کسانی که در آسمان ها و زمین هستند، از روی میل و رغبت یا بی میلی و کراهت و نیز سایه هایشان بامداد و شام گاه برای

خدا سجده می کنند. (۱۵)

قُلْ مَن رَّبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ قُلْ أَفَاتَّخَذْتُم مِّن دُونِهِ أَوْلِيَاءَ لَا يَمْلِكُونَ لِأَنفُسِهِمْ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ فَتَشَابَهَ الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ قُلِ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ (۱۶)

[به مشرکان] بگو: پروردگار آسمان ها و زمین کیست؟ [خود بی درنگ] بگو: خدای یکتاست. بگو: آیا سرپرستان و معبودانی به جای او انتخاب کرده اید که اختیار هیچ سود و زیانی را برای خودشان ندارند [چه رسد برای شما؟] بگو: آیا نابینا و بینا یکسانند یا تاریکی و نور برابرند؟ یا آنان شریکانی برای خدا قرار دادند [به خیال آنکه] مانند آفرینش خدا چیزی آفریده اند، آن گاه آفریده خدا و آفریده شریکان بر آنان مشتبه شده؟ بگو: آفریننده همه چیز فقط خداست و تنها او یکتای پیروز است. (۱۶)

أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَّابِيًا وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حِلْيَةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِّثْلُهُ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ (۱۷)

خدا از آسمان آبی نازل کرد که در هر درّه و رودی به اندازه گنجایش و وسعتش [سیلابی] جاری شد، سپس سیلاب، کفی پُف کرده را به روی خود حمل کرد، و نیز از فلزاتی که برای به دست آوردن زینت و زیور یا کالا ـ و متاع، آتش بر آن می افروزند، کفی پُف کرده مانند سیلاب بر می آید؛ این گونه خدا حق و باطل را [به امور محسوس] مَثَل می زند. اما آن کفِ [روی سیل و روی فلز گداخته در حالی که کناری رفته] به حالتی متلاشی شده از میان می رود، و اما آنچه [چون آب و فلز خالص] به مردم سود می رساند، در زمین می ماند. خدا مَثَل ها را این گونه بیان می کند [تا مردم در همه امور حق را از باطل بشناسند.] (۱۷)

لِلَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمُ الْحُسْنَى وَالَّذِينَ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُ لَوْ أَنَّ لَهُم مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَافْتَدَوْا بِهِ أُولَئِكَ لَهُمْ سُوءُ الْحِسَابِ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمِهَادُ (۱۸)

برای آنان که دعوت پروردگارشان را اجابت کردند، بهترین سرانجام است؛ و آنان که دعوت او را پاسخ نگفتند، اگر مالک دو برابر همه آنچه روی زمین است باشند، بی تردید آن را برای رهایی خود از عذاب خواهند داد؛ آنان را حساب سختی است، و جایگاهشان دوزخ است، و دوزخ بد بستری است. (۱۸)

ص: ۲۵۱

أَفَمَن يَعْلَمُ أَنَّمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ الْحَقُّ كَمَنْ هُوَ أَعْمَى إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ (۱۹)

آیا کسی که می داند آنچه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده حق است، مانند کسی است که [از نظر باطن] نابیناست؟! فقط خردمندان [بینادل] متذکّر [حق] می شوند. (۱۹)

الَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَنقُضُونَ الْمِيثَاقَ (۲۰)

همان کسانی که به عهد خدا [که همانا قرآن است] وفا می کنند و پیمان را نمی شکنند. (۲۰)

وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَن يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ (۲۱)

و آنچه را خدا به پیوند آن فرمان داده پیوند، می دهند و از [عظمت و جلال] پروردگارشان همواره در هراسند و از حساب سخت و دشوار بیم دارند. (۲۱)

وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرَءُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ أُولَئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ (۲۲)

و برای به دست آوردن خشنودی پروردگارشان [در برابر گناهان و انجام وظایف و حوادث] شکیبایی ورزیدند، و نماز را بر پا داشتند، و بخشی از آنچه را روزی آنان کردیم در نهان و آشکار انفاق نمودند، و همواره با نیکیِ [عبادت] زشتی و پلیدی [گناه] را دفع می کنند [و با خوبی های خود نسبت به مردم، بدی های آنان را نسبت به خود برطرف می نمایند]، اینانند که فرجام نیک آن سرای، ویژه آنان است. (۲۲)

جَنَّاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَن صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِم مِّن كُلِّ بَابٍ (۲۳)

بهشت های جاویدی که آنان و پدران و همسران و فرزندان شایسته و درست کارشان در آن وارد می شوند، و فرشتگان از هر دری بر آنان درآیند. (۲۳)

سَلَامٌ عَلَيْكُم بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ (۲۴)

[و به آنان گویند:] سلام بر شما به پاس استقامت و صبرتان [در برابر عبادت، معصیت و مصیبت] پس نیکوست فرجام این سرای. (۲۴)

وَالَّذِينَ يَنقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِن بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَن يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ (۲۵)

و کسانی که عهد خدا را پس از استوار کردنش می شکنند، و پیوندهایی را که خدا به برقراری آن فرمان داده می گسلند، و در زمین فساد می کنند، لعنت و فرجام بد و دشوار آن سرای برای آنان است. (۲۵)

اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ وَفَرِحُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مَتَاعٌ (۲۶)

خدا روزی را برای هر کس که بخواهد، وسعت می دهد و برای هر کس که بخواهد، تنگ می گیرد. و [آنان که از حیات جاوید و پرنعمت آخرت بی خبرند] به زندگی زودگذر دنیا شادمان شدند، در حالی که زندگی دنیا در برابر آخرت جز

متاعی اندک و ناچیز نیست. (۲۶)

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّن رَّبِّهِ قُلْ إِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أَنَابَ (۲۷)

کافران می گویند: چرا معجزه ای [غیر قرآن] از سوی پروردگارش بر او نازل نشده؟ بگو: مسلماً خدا هر کس را بخواهد [پس از اتمام حجت] گمراه می کند و هر کس را که به سوی او بازگردد، هدایت می نماید. (۲۷)

الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُم بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ (۲۸)

[بازگشتگان به سوی خدا] کسانی [هستند] که ایمان آوردند و دل هایشان به یاد خدا آرام می گیرد، آگاه باشید! دل ها فقط به یاد خدا آرام می گیرد. (۲۸)

ص: ۲۵۲

الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَى لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ (۲۹)

کسانی که ایمان آوردند، و کارهای شایسته انجام دادند، برای آنان زندگی خوش و با سعادت و بازگشتی نیک است. (۲۹)

كَذَلِكَ أَرْسَلْنَاكَ فِي أُمَّةٍ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِهَا أُمَمٌ لِّتَتْلُوَ عَلَيْهِمُ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَهُمْ يَكْفُرُونَ بِالرَّحْمَنِ قُلْ هُوَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ مَتَابِ (۳۰)

آن گونه [که رسولان گذشته را ارسال کردیم] تو را در میان امتی که پیش از آن، امت هایی روزگار به پایان بردند، فرستادیم، تا آنچه را به تو وحی کردیم بر آنان بخوانی، در حالی که آنان [با روی گرداندن از وحی] به [خدایِ] رحمان کفر می ورزند. بگو: او پروردگار من است، معبودی جز او نیست، فقط بر او توکل کردم و بازگشتم فقط به سوی اوست. (۳۰)

وَلَوْ أَنَّ قُرْآنًا سُيِّرَتْ بِهِ الْجِبَالُ أَوْ قُطِّعَتْ بِهِ الْأَرْضُ أَوْ كُلِّمَ بِهِ الْمَوْتَى بَل لِّلَّهِ الْأَمْرُ جَمِيعًا أَفَلَمْ يَيْأَسِ الَّذِينَ آمَنُوا أَن لَّوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَهَدَى النَّاسَ جَمِيعًا وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا تُصِيبُهُم بِمَا صَنَعُوا قَارِعَةٌ أَوْ تَحُلُّ قَرِيبًا مِّن دَارِهِمْ حَتَّى يَأْتِيَ وَعْدُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ (۳۱)

و اگر قرآنی بود که به وسیله آن کوه ها به حرکت می آمدند، یا زمین پاره پاره می گشت، یا به وسیله آن با مردگان سخن گفته می شد [باز هم این کافران لجوج، ایمان نمی آورند، زیرا وقتی با مشاهده قرآن که بزرگ ترین معجزه است ایمان نیاورند با مشاهده هیچ معجزه ای ایمان نمی آورند! کار هدایت و ایمان اینان ارتباطی به معجزه ندارد] بلکه همه کارها فقط در اختیار خداست. پس آیا آنان که ایمان آورده اند، ندانسته اند که اگر خدا می خواست همه مردم را [از روی اجبار] هدایت می کرد؟! [ولی هدایت اجباری فاقد ارزش است] و همواره به کافران به کیفر آنچه که انجام دادند، حادثه ای کوبنده و بسیار سخت می رسد یا حادثه نزدیک خانه هایشان فرود می آید [که شهر و دیارشان و اطرافش را ناامن می کند] تا وعده [قطعی و نهاییِ] خدا [که شکست کامل کافران و عذاب آخرت است] فرا رسد؛ بی تردید خدا خُلف وعده نمی کند. (۳۱)

وَلَقَدِ اسْتُهْزِئَ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِکَ فَأَمْلَيْتُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ (۳۲)

[فقط تو را مسخره نمی کنند] قطعاً پیامبرانی که پیش از تو بودند، مسخره شدند. پس به کافران مهلت دادم، سپس آنان را [به کیفر سخت] گرفتم، پس [یافتی که] مجازات و عذاب [من] چگونه بود؟ .... (۳۲)

أَفَمَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ قُلْ سَمُّوهُمْ أَمْ تُنَبِّئُونَهُ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي الْأَرْضِ أَم بِظَاهِرٍ مِّنَ الْقَوْلِ بَلْ زُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مَكْرُهُمْ وَصُدُّوا عَنِ السَّبِيلِ وَمَن يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ (۳۳)

آیا کسی که بر همه نفوس [جهانیان] با آنچه به دست آورده اند، مسلط و حاکم و نگهبان است [و همه تحولات وجود آنان را تا رساندنشان به سر منزل مقصود در اختیار دارد، مانند کسی است که مطلقاً این صفات را ندارد؟] ولی آنان [از روی جهل و نادانی] برای خدا شریکانی قرار داده اند! بگو: [ویژگی های] آن شریکان را نام ببرید [تا روشن شود که آیا شایسته شریک قرار دادن برای خدا هستند؟!] آیا خدا را از چیزی در روی زمین که آنها را شریک خود نمی شناسد، خبر می دهید؟ یا سخنی ظاهر و پوچ و بی منطق است [که بر زبان خود می رانید؟!] بلکه برای کافران نیرنگ و دروغشان آراسته شده، و از راه خدا بازداشته شده اند [تا آنجا که موجودات بی ارزش و بی اثر را شریکان حق پنداشته اند]؛ و هر که را خدا [به سبب از دست دادن لیاقتش] گمراه کند، او را هیچ هدایت کننده ای نخواهد بود. .... (۳۳)

لَّهُمْ عَذَابٌ فِي الْحَيَاهِ الدُّنْيَا وَلَعَذَابُ الْآخِرَهِ أَشَقُّ وَمَا لَهُم مِّنَ اللَّهِ مِن وَاقٍ (۳۴)

برای آنان در زندگی دنیا عذابی است، و مسلماً عذاب آخرت سخت تر و پر مشقت تر است، و آنان را هیچ حافظ و نگه دارنده ای [از عذاب خدا] نیست. (۳۴)

ص: ۲۵۳

مَّثَلُ الْجَنَّهِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ أُكُلُهَا دَائِمٌ وَظِلُّهَا تِلْكَ عُقْبَى الَّذِينَ اتَّقَوا وَّعُقْبَى الْكَافِرِينَ النَّارُ (۳۵)

صفت بهشتی که به پرهیزکاران وعده داده شده [چنین است که] از زیر [درختانِ] آن نهرها جاری است، میوه ها و سایه اش همیشگی است. این عاقبت و فرجام کسانی است که [در همه امور زندگی] پرهیزکاری کردند و فرجام کافران آتش است. (۳۵)

وَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَفْرَحُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمِنَ الْأَحْزَابِ مَن يُنكِرُ بَعْضَهُ قُلْ إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ وَلَا أُشْرِكَ بِهِ إِلَيْهِ أَدْعُو وَإِلَيْهِ مَآبِ (۳۶)

و کسانی که کتاب آسمانی به آنان عطا کردیم از آنچه بر تو نازل شده است، خوشحالند. و برخی از گروه ها [یِ اهل کتاب] بخشی از آن را منکرند، بگو: من فرمان یافته ام که خدای یکتا را بپرستم و شریکی برای او قرار ندهم، تنها به سوی او دعوت می کنم و بازگشتم فقط به سوی اوست. (۳۶)

وَكَذَلِكَ أَنزَلْنَاهُ حُكْمًا عَرَبِيًّا وَلَئِنِ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُم بَعْدَمَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا وَاقٍ (۳۷)

و همان گونه [که پیش از این کتاب های آسمانی نازل کردیم] قرآن را فرمانی [گویا و] روشن نازل نمودیم، و اگر از هواها و تمایلات آنان پس از دانشی که [مانند قرآن] برایت آمده پیروی کنی، برای تو در برابر [عذاب] خدا هیچ یاور و نگه دارنده ای نخواهد بود. (۳۷)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِكَ وَجَعَلْنَا لَهُمْ أَزْوَاجًا وَذُرِّيَّةً وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَن يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ لِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابٌ (۳۸)

و همانا پیش از تو پیامبرانی را فرستادیم، و برای آنان همسران و فرزندانی قرار دادیم. و هیچ پیامبری را نسزد که معجزه ای بیاورد مگر به فرمان خدا. برای هر زمانی برنامه مقدّر شده ای [ثبت] است. (۳۸)

يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثْبِتُ وَعِندَهُ أُمُّ الْكِتَابِ (۳۹)

خدا هر چه را بخواهد محو می کند و هر چه را بخواهد ثابت و پابرجا می نماید، و "امّ الکتاب "نزد اوست (۳۹)

وَإِن مَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَعَلَيْنَا الْحِسَابُ (۴۰)

و اگر پاره ای از عذاب ها را که به منکران وعده می دهیم به تو نشان دهیم [می بینی که بسیار سخت و دردناک است] یا اگر تو را [پیش از فرا رسیدن آن عذاب ها] قبض روح کنیم [در قیامت عذابشان را خواهی دید؛ در هر صورت] تنها وظیفه تو ابلاغ [وحی] است و حسابرسی بر عهده ماست. (۴۰)

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا وَاللَّهُ يَحْكُمُ لَا مُعَقِّبَ لِحُكْمِهِ وَهُوَ سَرِيعُ الْحِسَابِ (۴۱)

آیا نمی دانند که ما همواره به زمین می پردازیم و از اطراف [و جوانب] آن [که ملت ها، اقوام، تمدن ها و دانشمندانش هستند] می کاهیم؟ و خدا حکم می کند؛ و هیچ بازدارنده ای برای حکمش نیست، و او در حسابرسی سریع است. (۴۱)

وَقَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَلِلَّهِ الْمَكْرُ جَمِيعًا يَعْلَمُ مَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ وَسَيَعْلَمُ الْكُفَّارُ لِمَنْ عُقْبَى الدَّارِ (۴۲)

کسانی که پیش از این کافران لجوج و منکران عنود بودند [در برابر حکومت و حکم خدا] مکر ونیرنگ کردند [ولی به هدفشان نرسیدند] چرا که همه تدبیرها و نقشه ها در اختیار خداست؛ زیرا او هر کاری را هر کس انجام می دهد، می داند [به همین سبب مکر و نیرنگ هر کس را با تدبیر و نقشه حکیمانه اش باطل و نابود می کند] و کافران و منکران به زودی خواهند دانست که فرجامِ [نیک و بدِ] سرایِ دیگر برای کیست؟ (۴۲)

ص: ۲۵۴

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِندَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ (۴۳)

کـافران می گوینـد: تـو فرسـتاده [خـدا] نیسـتی. بگو: کـافی است که خـدا [بـا آیـات محکم و اسـتوار قرآنش] و کسـی [چون امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب] که دانش کتاب نزد اوست، میان من و شما [نسبت به پیامبری ام] گواه باشند. (۴۳)

سوره ابراهیم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ الر کِتَابٌ أَنزَلْنَاهُ إِلَیْکَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَی النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَی صِرَاطِ الْعَزِیزِ الْحَمِیدِ (۱)

الر [این] کتـابی است که آن را بر تو نـازل کردیم تا مردم را به اجازه پروردگارشان از تاریکی ها [یِ جهل، گمراهی و طغیان] به سوی روشناییِ [معرفت، عدالت و ایمان و در حقیقت] به سوی راه [خدایِ] توانای شکست ناپذیر و ستوده بیرون آوری. (۱)

اللَّهِ الَّذِی لَهُ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَمَا فِی الْأَرْضِ وَوَیْلٌ لِّلْکَافِرِینَ مِنْ عَذَابٍ شَدِیدٍ (۲)

خدایی که آنچه در آسمان ها و زمین است، در سیطره مالکیّت و فرمانروایی اوست؛ و وای بر کافران از عذابی سخت. (۲)

الَّذِینَ یَسْتَحِبُّونَ الْحَیَاهَ الدُّنْیَا عَلَی الْآخِرَهِ وَیَصُدُّونَ عَن سَبِیلِ اللَّهِ وَیَبْغُونَهَا عِوَجًا أُولَئِکَ فِی ضَلَالٍ بَعِیدٍ (۳)

همانان که زنـدگی دنیا را بر آخرت ترجیـح می دهنـد و [مردم را] از راه خـدا باز می دارنـد و می خواهنـد آن را [با وسوسه و اغواگری] کج نشان دهند؛ اینان در گمراهی دوری هستند. (۳)

وَمَا أَرْسَلْنَا مِن رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ لِیُبَیِّنَ لَهُمْ فَیُضِلُّ اللَّهُ مَن یَشَاءُ وَیَهْدِی مَن یَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ (۴)

و ما هیچ پیامبری را جز به زبان قومش نفرستادیم تا [بتواند به وسیله آن زبان، پیام وحی را به روشنی] برای آنان بیان کند. پس خـدا هر کس را بخواهـد [به کیفر لجـاجت و عنـادش] گمراه می کنـد، و هر کس را بخواهـد، هـدایت می نمایـد، و او توانای شکست ناپذیر و حکیم است. (۴)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَی بِآیَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَکَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَی النُّورِ وَذَکِّرْهُم بِأَیَّامِ اللَّهِ إِنَّ فِی ذَلِکَ لَآیَاتٍ لِّکُلِّ صَبَّارٍ شَکُورٍ (۵)

و همانا موسی را با نشانه های خود فرستادیم [و به او وحی کردیم] که قوم خود را از تاریکی ها به سوی روشنایی بیرون آور و روزهای خـدا را [که روزهای رحمت، عـذاب، پیروزی و شـکست است] به آنان یادآوری کن، بی تردید در این روزهای خدا برای هر شکیبای سپاس گزاری نشانه هایی [از توحید، ربوبیّت و قدرت خدا] است. (۵)

ص: ۲۵۵

وَإِذْ قَالَ مُوسَی لِقَوْمِهِ اذْکُرُوا نِعْمَهَ اللَّهِ عَلَیْکُمْ إِذْ أَنجَاکُم مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ یَسُومُونَکُمْ سُوءَ الْعَذَابِ وَیُذَبِّحُونَ أَبْنَاءَکُمْ وَیَسْتَحْیُونَ نِسَاءَکُمْ وَفِی ذَلِکُم بَلَاءٌ مِّن رَّبِّکُمْ عَظِیمٌ (۶)

و [یـاد کـن] زمـانی را که موسـی به قـومش گفت: نعمت خـدا را بر خودتـان به یـاد آوریـد، آن گـاه که شـما را از [چنگـال]

فرعونیان رهایی بخشید، [همانان] که پیوسته شما را شکنجه سخت می دادند، و پسرانتان را سر می بریدند، و زنانتان را [برای بیگاری] زنده می گذاشتند، و در این [حوادث] آزمایش بزرگی از سوی پروردگارتان بود. (۶)

وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِى لَشَدِيدٌ (۷)

و [نیز یاد کنید] هنگامی را که پروردگارتان اعلام کرد که اگر سپاس گزاری کنید، قطعاً [نعمتِ] خود را بر شما می افزایم، و اگر ناسپاسی کنید، بی تردید عذابم سخت است. (۷)

وَقَالَ مُوسَى إِن تَكْفُرُوا أَنتُمْ وَمَن فِى الْأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ (۸)

و موسی [به بنی اسرائیل] گفت: اگر شما و همه مردم روی زمین کافر شوید [زیانی به خدا نمی رسد]؛ زیرا خدا بی نیاز و ستوده است. (۸)

أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَالَّذِينَ مِن بَعْدِهِمْ لَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا اللَّهُ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَرَدُّوا أَيْدِيَهُمْ فِى أَفْوَاهِهِمْ وَقَالُوا إِنَّا كَفَرْنَا بِمَا أُرْسِلْتُم بِهِ وَإِنَّا لَفِى شَكٍّ مِّمَّا تَدْعُونَنَا إِلَيْهِ مُرِيبٍ (۹)

آیا خبر [پندآموز] کسانی که پیش از شما بودند، به شما نرسیده؟ [خبرِ] قوم نوح و عاد و ثمود و آنان که پس از ایشان بودند که جز خدا از آنان آگاه نیست، [همه آنان اقوامی بودند که] پیامبرانشان برای آنان دلایل روشن آوردند، ولی آنان دست هایشان را [به عنوان اعتراض، استهزا، تحقیر کردن و پاسخ ندادن به دعوت پیامبران] در دهان هایشان بردند و گفتند: مسلماً ما به آن رسالتی که شما به آن فرستاده شده اید، کافریم و نسبت به آنچه ما را به آن دعوت می کنید، به شدت در شک و تردیدیم!! (۹)

قَالَتْ رُسُلُهُمْ أَفِى اللَّهِ شَكٌّ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَدْعُوكُمْ لِيَغْفِرَ لَكُم مِّن ذُنُوبِكُمْ وَيُؤَخِّرَكُمْ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى قَالُوا إِنْ أَنتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا تُرِيدُونَ أَن تَصُدُّونَا عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَأْتُونَا بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ (۱۰)

پیامبرانشان گفتند: آیا در خدا که آفریننده آسمان ها و زمین است، شکی هست؟ او شما را دعوت [به ایمان] می کند تا همه گناهانتان را بیامرزد، و شما را تا زمان معینِ [عمرتان] مهلت می دهد. پاسخ دادند: شما بشرهایی مانند ما هستید که می خواهید ما را از معبودهایی که پدرانمان می پرستیدند باز دارید؛ پس [شما] دلیل روشنی [بر اثبات رسالت خود که مورد پسند ما باشد] بیاورید. (۱۰)

ص: ۲۵۶

قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِن نَّحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَمُنُّ عَلَى مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَمَا كَانَ لَنَا أَن نَّأْتِيَكُم بِسُلْطَانٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (۱۱)

پیامبرانشان به آنان گفتند: یقینی است که ما بشری مانند شما هستیم، ولی خدا به هر کس از بندگانش که بخواهد [با عطا

کردن مقام نبوّت] منّت می نهد و ما را نسزد که جز به اجازه خدا معجزه ای برای شما بیاوریم، و باید مؤمنان فقط بر خدا توکل کنند. (۱۱)

وَمَا لَنَا أَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا وَلَنَصْبِرَنَّ عَلَى مَا آذَيْتُمُونَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ (۱۲)

و ما را چه عذر و بهانه ای است که بر خدا توکل نکنیم، در حالی که ما را به راه هایِ [خوشبختی و سعادت] مان هدایت کرد، و قطعاً بر آزاری که [در راه دعوت به توحید] از ناحیه شما به ما می رسد، شکیبایی می ورزیم، پس باید توکل کنندگان فقط بر خدا توکل کنند. (۱۲)

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّكُم مِّنْ أَرْضِنَا أَوْ لَتَعُودُنَّ فِي مِلَّتِنَا فَأَوْحَى إِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لَنُهْلِكَنَّ الظَّالِمِينَ (۱۳)

ولی کفرپیشگان به پیامبرانشان گفتند: مسلماً ما شما را از سرزمین خود بیرون خواهیم کرد، مگر اینکه هم کیش ما شوید. پس پروردگارشان به آنان وحی کرد: ما قطعاً ستمکاران را نابود می کنیم. (۱۳)

وَلَنُسْكِنَنَّكُمُ الْأَرْضَ مِن بَعْدِهِمْ ذَلِكَ لِمَنْ خَافَ مَقَامِي وَخَافَ وَعِيدِ (۱۴)

و یقیناً شما را پس از آنان در آن سرزمین ساکن خواهیم کرد. این [لطف و رحمت] ویژه کسی است که از مقام من بترسد، و از تهدید [به عذابم] بیم داشته باشد. (۱۴)

وَاسْتَفْتَحُوا وَخَابَ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ (۱۵)

و پیامبران [از خدا] درخواست گشایش و پیروزی کردند، و هر سرکش منحرفی [از رسیدن به هدفش] نومید شد. (۱۵)

مِّن وَرَائِهِ جَهَنَّمُ وَيُسْقَى مِن مَّاءٍ صَدِيدٍ (۱۶)

[سرانجام] پیش روی او دوزخ است، و او را از آبی چرکین و متعفّن می نوشانند!! (۱۶)

يَتَجَرَّعُهُ وَلَا يَكَادُ يُسِيغُهُ وَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِن كُلِّ مَكَانٍ وَمَا هُوَ بِمَيِّتٍ وَمِن وَرَائِهِ عَذَابٌ غَلِيظٌ (۱۷)

آن را [به سختی و مشقت] جرعه جرعه می نوشد، [و به خواست خود حاضر به نوشیدن نیست، بلکه به زور و جبر در گلویش می ریزند،] و [او] نمی تواند آن را به [آسانی] فرو برد، و مرگ از هر طرف به او رو می کند، ولی مردنی نیست، و عذابی سخت و انبوه به دنبال اوست. (۱۷)

مَّثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَعْمَالُهُمْ كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ لَّا يَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا عَلَى شَيْءٍ ذَلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ (۱۸)

وصف حال کسانی که به پروردگارشان کافر شدند [این گونه است] اعمالشان مانند خاکستری است که در یک روز توفانی،

تنـد بادی بر آن بوزد [و آن را به صورتی که هرگز نتوان جمع کرد، پراکنـده کنـد] آنان نمی تواننـد از اعمال خیری که انجام داده اند، چیزی [برای ارائه به بازار قیامت جهت کسب ثواب و پاداش] به دست آورند؛ این است آن گمراهی دور. (۱۸)

ص: ۲۵۷

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِن يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ (۱۹)

[ای انسان!] آیا [به طور قطع و یقین] ندانسته ای که خـدا آسـمان ها و زمین را بر پایه درستی و راستی و نظم و حساب آفرید؟ اگر بخواهد شما را از میان می برد، و خلقی جدید می آورد. (۱۹)

وَمَا ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ (۲۰)

و این [کار] بر خدا دشوار و گران نیست. (۲۰)

وَبَرَزُوا لِلَّهِ جَمِيعًا فَقَالَ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُم مُّغْنُونَ عَنَّا مِنْ عَذَابِ اللَّهِ مِن شَيْءٍ قَالُوا لَوْ هَدَانَا اللَّهُ لَهَدَيْنَاكُمْ سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَجَزِعْنَا أَمْ صَبَرْنَا مَا لَنَا مِن مَّحِيصٍ (۲۱)

و [در عرصه قیامت] همگی در پیشـگاه خـدا ظاهر می شوند؛ پس ناتوانان [ی که بدون به کار گرفتن عقل، بلکه از روی تقلید کورکورانه پیرو مستکبران بودند] به مستکبران می گویند: ما [در دنیا بدون درخواست دلیل و برهان] پیروِ [مکتب] شما بودیم، آیا امروز چیزی از عـذاب خدا را [به پاداش آنکه از شـما پیروی کردیم] از ما برطرف می کنید؟ می گویند: اگر خدا ما را [در صورت داشـتن لیاقت] هدایت کرده بود، همانا ما هم شما را هدایت می کردیم، [اکنون همه سرمایه های وجودی ما و تلاش و کوششمان بر باد رفته] چه بیتابی کنیم وچه شکیبایی ورزیم، برای ما یکسان است، ما را هیچ راه گریزی نیست. (۲۱)

وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعْدَ الْحَقِّ وَوَعَدتُّكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ وَمَا كَانَ لِيَ عَلَيْكُم مِّن سُلْطَانٍ إِلَّا أَن دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلُومُونِي وَلُومُوا أَنفُسَكُم مَّا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنتُم بِمُصْرِخِيَّ إِنِّي كَفَرْتُ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِن قَبْلُ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۲۲)

و شـیطان [در قیامت] هنگامی که کار [محاسـبه بندگان] پایان یافته [به پیروانش] می گوید: یقیناً خدا [نسـبت به برپایی قیامت، حساب بنـدگان، پاداش و عـذاب] به شـما وعده حق داد، و من به شـما وعده دادم [که آنچه خدا وعده داده، دروغ است، ولی می بینید که وعده خدا تحقّق یافت] و [من] در وعده ام نسـبت به شما وفا نکردم، مرا بر شما هیچ غلبه و تسلّطی نبود، فقط شما را دعوت کردم [به دعوتی دروغ و بی پایه] و شـما هم [بـدون انـدیشه و دقت دعوتم را] پذیرفتیـد، پس سـرزنشم نکنیـد، بلکه خود را سـرزنش کنید، نه من فریادرس شـمایم، و نه شـما فریادرس من، بی تردید من نسبت به شـرک ورزی شـما که در دنیا درباره من داشتیـد [که اطاعت از من را هم چون اطاعت خـدا قرار دادید] بیزار و منکرم؛ یقیناً برای سـتمکاران عذابی دردناک است. (۲۲)

وَأُدْخِلَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ (۲۳)

و کسانی را که ایمان آوردنـد و کارهای شایسـته انجام دادنـد، به بهشت هایی درآورنـد، که از زیرِ [درختانِ] آن نهرها جاری است، در آنجا به اجازه پروردگارشان جاودانه اند، و در آنجا درود [خدا و فرشتگان] بر آنان، سلام است. (۲۳)

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ (۲۴)

آیا نـدانستی که خـدا چگونه مثلی زده است؟ کلمه پاک [که اعتقاد واقعی به توحید است] مانند درخت پاک است، ریشه اش استوار و پابرجا و شاخه اش در آسمان است. (۲۴)

ص: ۲۵۸

تُؤْتِي أُكُلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (۲۵)

میوه اش را به اجازه پروردگارش در هر زمانی می دهد. و خدا مَثَل ها را برای مردم می زند تا متذکّر حقایق شوند. (۲۵)

وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِن فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِن قَرَارٍ (۲۶)

و مَثَل کلمه ناپاک [که عقایـد باطل و بی پایه است] ماننـد درخت ناپاک است که از زمین ریشه کن شـده و هیچ قرار و ثباتی ندارد. (۲۶)

يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ (۲۷)

خدا مؤمنان را به سبب اعتقاد و ایمانشان در زندگی دنیا و آخرت ثابت قدم و پابرجا می دارد، و خدا ستمکاران [به آیاتش] را [به علت لجاجت و عنادشان] گمراه می کند، و خدا هر چه بخواهد [بر اساس حکمتش] انجام می دهد. (۲۷)

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ (۲۸)

آیا کسانی را که [شـکر] نعمت خدا را به کفران و ناسپاسـی تبدیل کردند و قوم خود را به سرای نابودی و هلاکت درآوردند، ندیدی؟ (۲۸)

جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا وَبِئْسَ الْقَرَارُ (۲۹)

[سرای نابودی و هلاکت، همان] دوزخی است که در آن وارد می شوند، و بد قرارگاهی است. (۲۹)

وَجَعَلُوا لِلَّهِ أَندَادًا لِّيُضِلُّوا عَن سَبِيلِهِ قُلْ تَمَتَّعُوا فَإِنَّ مَصِيرَكُمْ إِلَى النَّارِ (۳۰)

و برای خـدا همتایانی قرار دادنـد تا مردم را از راه او گمراه کننـد؛ بگو: [چند روزی از زندگی زودگذر دنیا] برخوردار شوید، ولی یقیناً بازگشت شما به سوی آتش است. (۳۰)

قُل لِّعِبَادِیَ الَّذِینَ آمَنُوا یُقِیمُوا الصَّلَاهَ وَیُنفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِیَهً مِّن قَبْلِ أَن یَأْتِیَ یَوْمٌ لَّا بَیْعٌ فِیهِ وَلَا خِلَالٌ (۳۱)

به بندگان مؤمنم بگو: نماز را بر پا دارند، و از آنچه روزی آنان کرده ایم، پنهان و آشکار، انفاق کنند، پیش از آنکه روزی فرا رسد که در آن نه داد و ستدی است و نه پیوند دوستی و رفاقت. (۳۱)

اللَّهُ الَّذِی خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَّكُمْ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْفُلْكَ لِتَجْرِیَ فِی الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْأَنْهَارَ (۳۲)

خداست که آسمان ها و زمین را آفرید، و از آسمان آبی نازل کرد، و برای شما به وسیله آن از محصولات و میوه های گوناگون روزی بیرون آورد، و کِشتی ها را مسخّر شما قرار داد تا به فرمان او در دریا روان شوند، و نیز نهرها را مسخّر شما کرد. (۳۲)

وَسَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبَیْنِ وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّیْلَ وَالنَّهَارَ (۳۳)

و خورشید و ماه را که همواره با برنامه ای حساب شده در کارند، رام شما نمود و شب و روز را نیز مسخّر شما ساخت. (۳۳)

ص: ۲۵۹

وَآتَاكُم مِّن كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِن تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ الْإِنسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ (۳۴)

و از هر چیزی که [به سبب نیازتان به آن] از او خواستید، به شما عطا کرد. و اگر نعمت های خدا را شماره کنید، هرگز نمی توانید آنها را به شماره آورید. مسلماً انسان بسیار ستمکار و ناسپاس است. (۳۴)

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِیمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِی وَبَنِیَّ أَن نَّعْبُدَ الْأَصْنَامَ (۳۵)

و [یاد کن] هنگامی را که ابراهیم گفت: پروردگارا! این شهر [مکه] را منطقه ای امن قرار ده و من و فرزندانم را از پرستش بت ها دور بدار. (۳۵)

رَبِّ إِنَّهُنَّ أَضْلَلْنَ كَثِیرًا مِّنَ النَّاسِ فَمَن تَبِعَنِی فَإِنَّهُ مِنِّی وَمَنْ عَصَانِی فَإِنَّكَ غَفُورٌ رَّحِیمٌ (۳۶)

پروردگارا! آن [بت] ها بسیاری از مردم را گمراه کردند، پس هر کسی از من [که یکتاپرست و حق گرایم] پیروی کند، یقیناً از من است، و هر کس از من نافرمانی کند [شایسته شدنش برای آمرزش و رحمت بسته به عنایت توست] زیرا تو بسیار آمرزنده و مهربانی. (۳۶)

رَّبَّنَا إِنِّی أَسْكَنتُ مِن ذُرِّیَّتِی بِوَادٍ غَیْرِ ذِی زَرْعٍ عِندَ بَیْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِیُقِیمُوا الصَّلَاهَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَهً مِّنَ النَّاسِ تَهْوِی إِلَیْهِمْ وَارْزُقْهُم مِّنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ یَشْكُرُونَ (۳۷)

پروردگارا! من برخی از فرزندانم را در درّه ای بی کشت و زرع نزد خانه محترمت سکونت دادم؛ پروردگارا! برای اینکه نماز را بر پا دارند؛ پس دل های گروهی از مردم را به سوی آنان علاقمند و متمایل کن، و آنان را از انواع محصولات و میوه ها روزی بخش، باشد که سپاس گزاری کنند. (۳۷)

رَبَّنَا إِنَّکَ تَعْلَمُ مَا نُخْفِی وَمَا نُعْلِنُ وَمَا یَخْفَی عَلَی اللَّهِ مِن شَیْءٍ فِی الْأَرْضِ وَلَا فِی السَّمَاءِ (۳۸)

پروردگارا! یقیناً تو آنچه را ما پنهان می داریم و آنچه را آشکار می کنیم، می دانی و هیچ چیز در زمین و آسمان بر خدا پنهان نیست. (۳۸)

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی وَهَبَ لِی عَلَی الْکِبَرِ إِسْمَاعِیلَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبِّی لَسَمِیعُ الدُّعَاءِ (۳۹)

همه ستایش ها ویژه خدایی است که اسماعیل واسحاق را در سنّ پیری به من بخشید؛ یقیناً پروردگارم شنونده دعاست. (۳۹)

رَبِّ اجْعَلْنِی مُقِیمَ الصَّلَاهِ وَمِن ذُرِّیَّتِی رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ (۴۰)

پروردگارا! مرا بر پادارنده نماز قرار ده، و نیز از فرزندانم [برپادارندگان نماز قرار ده]. و پروردگارا! دعایم را بپذیر. (۴۰)

رَبَّنَا اغْفِرْ لِی وَلِوَالِدَیَّ وَلِلْمُؤْمِنِینَ یَوْمَ یَقُومُ الْحِسَابُ (۴۱)

پروردگارا! روزی که حساب برپا می شود، مرا و پدر و مادرم و مؤمنان را بیامرز. (۴۱)

وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَافِلًا عَمَّا یَعْمَلُ الظَّالِمُونَ إِنَّمَا یُؤَخِّرُهُمْ لِیَوْمٍ تَشْخَصُ فِیهِ الْأَبْصَارُ (۴۲)

و خدا را از آنچه ستمکاران انجام می دهند، بی خبر مپندار؛ مسلماً [کیفر] آنان را برای روزی که چشم ها در آن خیره می شود، به تأخیر می اندازد. (۴۲)

ص: ۲۶۰

مُهْطِعِینَ مُقْنِعِی رُءُوسِهِمْ لَا یَرْتَدُّ إِلَیْهِمْ طَرْفُهُمْ وَأَفْئِدَتُهُمْ هَوَاءٌ (۴۳)

[ترسان به سوی دادگاه قیامت] شتابانند، سرهایشان را بالا گرفته [و دیدگانشان ذلیلانه به برنامه های محشر دوخته شده] تا جایی که پلک هایشان به هم نمی خورد، و دل هایشان [از بیم عذاب فرو ریخته و از تدبیر و چاره جویی] تهی است. (۴۳)

وَأَنذِرِ النَّاسَ یَوْمَ یَأْتِیهِمُ الْعَذَابُ فَیَقُولُ الَّذِینَ ظَلَمُوا رَبَّنَا أَخِّرْنَا إِلَی أَجَلٍ قَرِیبٍ نُّجِبْ دَعْوَتَکَ وَنَتَّبِعِ الرُّسُلَ أَوَلَمْ تَکُونُوا أَقْسَمْتُم مِّن قَبْلُ مَا لَکُم مِّن زَوَالٍ (۴۴)

و مردم را از روزی که عذاب به سویشان می آید، هشدار ده. پس کسانی که ستم ورزیده اند، می گویند: پروردگارا! ما را تا [سرآمدی نزدیک؟ و] مدتی کوتاه مهلت ده تا دعوتت را اجابت کنیم، و از پیامبرانت پیروی نماییم. [ولی به آنان گویند:] شما

نبودید که پیش از این سوگند یاد می کردید که هرگز برای شما زوال و فنایی نیست؟! (۴۴)

وَسَكَنتُمْ فِي مَسَاكِنِ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ وَتَبَيَّنَ لَكُمْ كَيْفَ فَعَلْنَا بِهِمْ وَضَرَبْنَا لَكُمُ الْأَمْثَالَ (۴۵)

و در مساکن کسانی که به خود ستم کردند، ساکن شدید، در صورتی که برای شما روشن و آشکار است که ما با آنان [به سبب ستم هایشان] چه کردیم و برای شما مثال ها [یِ پندآموزی از جامعه هایی که به وسیله عذاب نابود شدند] ذکر کردیم. (۴۵)

وَقَدْ مَكَرُوا مَكْرَهُمْ وَعِندَ اللَّهِ مَكْرُهُمْ وَإِن كَانَ مَكْرُهُمْ لِتَزُولَ مِنْهُ الْجِبَالُ (۴۶)

و آنان [نهایت] نیرنگشان را [بر ضدِّ خدا و پیامبران] به کار گرفتند، و [کیفر عقوبت دنیایی و آخرتی] نیرنگشان نزد خداست و هر چند که از نیرنگشان کوه ها از جا کنده شود. (۴۶)

فَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ مُخْلِفَ وَعْدِهِ رُسُلَهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ (۴۷)

پس مپندار که خدا در وعده اش با پیامبرانش وفا نمی کند؛ زیرا خدا توانای شکست ناپذیر و صاحب انتقام است. (۴۷)

يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ وَبَرَزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ (۴۸)

[در] روزی که زمین به غیر این زمین، و آسمان ها [به غیر این آسمان ها] تبدیل شود، و [همه] در پیشگاه خدای یگانه قهّار حاضر شوند. (۴۸)

وَتَرَى الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ مُّقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ (۴۹)

و آن روز مجرمان را می بینی که در زنجیرها [به صورتی محکم و سخت] به هم بسته شده اند. (۴۹)

سَرَابِيلُهُم مِّن قَطِرَانٍ وَتَغْشَى وُجُوهَهُمُ النَّارُ (۵۰)

پیراهن هایشان از قطران [ماده ای متعفّن، قابل اشتعال و بدبو] است، و آتش چهره هایشان را می پوشاند. (۵۰)

لِيَجْزِيَ اللَّهُ كُلَّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ (۵۱)

تا [به این کیفیت] خدا هر کس را [به سبب] آنچه انجام داده کیفر دهد؛ یقیناً خدا حسابرسی سریع است. (۵۱)

هَذَا بَلَاغٌ لِّلنَّاسِ وَلِيُنذَرُوا بِهِ وَلِيَعْلَمُوا أَنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَلِيَذَّكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ (۵۲)

این [قرآن یا آنچه در این سوره است] پیامی برای [همه] مردم است، برای آنکه به وسیله آن هشدار داده شوند، و [با تدبّر در آیاتش] بدانند که او معبودی یگانه و یکتاست، و تا خردمندان، متذکّر [حقایق و معارف الهیّه] شوند. (۵۲)

جزء ۱۴

سوره الحجر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الر تِلْکَ آیَاتُ الْکِتَابِ وَقُرْآنٍ مُّبِینٍ (۱)

الر این [آیات بلندمرتبه] آیات کتاب الهی و آیات قرآنِ روشنگر [با عظمت] است. (۱)

رُّبَمَا یَوَدُّ الَّذِینَ کَفَرُوا لَوْ کَانُوا مُسْلِمِینَ (۲)

کافران [هنگام روبرو شدن با عذاب] چه بسا آرزو می کنند که کاش تسلیم [فرمان های خدا] بودند. (۲)

ذَرْهُمْ یَأْکُلُوا وَیَتَمَتَّعُوا وَیُلْهِهِمُ الْأَمَلُ فَسَوْفَ یَعْلَمُونَ (۳)

بگذارشان تا بخورند و [با لذاید مادی و زودگذر] کامرانی کنند، و آرزوها، سرگرمشان نماید؛ سپس [حقّانیّت اسلام و فرجام شوم خود را] خواهند فهمید. (۳)

وَمَا أَهْلَکْنَا مِن قَرْیَهٍ إِلَّا وَلَهَا کِتَابٌ مَّعْلُومٌ (۴)

و هیچ شهری را [به خاطر فساد فراگیرش] نابود نکردیم مگر اینکه برای آن سرنوشتی معین [وروزگار ودوره ای تغییرناپذیر] بود. (۴)

مَّا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّهٍ أَجَلَهَا وَمَا یَسْتَأْخِرُونَ (۵)

هیچ ملتی از اجل معین خود نه پیش می افتد و نه پس می ماند. (۵)

وَقَالُوا یَا أَیُّهَا الَّذِی نُزِّلَ عَلَیْهِ الذِّکْرُ إِنَّکَ لَمَجْنُونٌ (۶)

و گفتند: ای کسی که قرآن بر او نازل شده! قطعاً تو دیوانه ای! (۶)

لَّوْ مَا تَأْتِینَا بِالْمَلَائِکَهِ إِن کُنتَ مِنَ الصَّادِقِینَ (۷)

اگر [درباره پیامبری ات] راست می گویی، چرا فرشتگان را نزد ما نمی آوری؟! (۷)

مَا نُنَزِّلُ الْمَلَائِکَهَ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَا کَانُوا إِذًا مُّنظَرِینَ (۸)

[اینان بدانند که] ما فرشتگان را جز به درستی و راستی نازل نمی کنیم، و در آن هنگام [که نازل شوند، این منکران لجوج از

دچار شدن به عذاب] مهلت نمی یابند. (۸)

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ (۹)

همانا ما قرآن را نازل کردیم، و یقیناً ما نگهبان آن [از تحریف و زوال] هستیم. (۹)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ فِي شِيَعِ الْأَوَّلِينَ (۱۰)

و بی تردید ما پیش از تو هم پیامبرانی را در امت های پیشین فرستادیم. (۱۰)

وَمَا يَأْتِيهِم مِّن رَّسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (۱۱)

و هیچ پیامبری به سوی آنان نمی آمد مگر آنکه او را مسخره می کردند. (۱۱)

كَذَلِكَ نَسْلُكُهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ (۱۲)

ما این گونه [که قابل فهمیدن باشد] قرآن را وارد قلوب بدکاران می کنیم. (۱۲)

لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ وَقَدْ خَلَتْ سُنَّةُ الْأَوَّلِينَ (۱۳)

[با این همه] به آن ایمان نمی آورند، و البته روش پیشینیان هم [در مسخره کردن آیات خدا و استهزای پیامبران] به همین صورت بوده است. (۱۳)

وَلَوْ فَتَحْنَا عَلَيْهِم بَابًا مِّنَ السَّمَاءِ فَظَلُّوا فِيهِ يَعْرُجُونَ (۱۴)

و اگر [برای دریافت حقایق ومعارف] دری از آسمان به روی آنان بگشاییم، که همواره از آن بالا روند. (۱۴)

لَقَالُوا إِنَّمَا سُكِّرَتْ أَبْصَارُنَا بَلْ نَحْنُ قَوْمٌ مَّسْحُورُونَ (۱۵)

باز خواهند گفت: یقیناً ما چشم بندی شده ایم، بلکه گروهی جادو شده هستیم. (۱۵)

ص: ۲۶۲

وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَزَيَّنَّاهَا لِلنَّاظِرِينَ (۱۶)

به راستی که ما در آسمان، برج هایی قرار دادیم و آن را برای بینندگان [به شکل صورت های فلکی] آراستیم. (۱۶)

وَحَفِظْنَاهَا مِن كُلِّ شَيْطَانٍ رَّجِيمٍ (۱۷)

و آن را از هر شیطان رانده شده ای حفظ کردیم. (۱۷)

إِلَّا مَنِ اسْتَرَقَ السَّمْعَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ مُّبِينٌ (۱۸)

مگر آنکه دزدانه [خبرهای عالم بالا را] بشنود، که شهابی روشن او را دنبال می کند. (۱۸)

وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنبَتْنَا فِيهَا مِن كُلِّ شَيْءٍ مَّوْزُونٍ (۱۹)

و زمین را گستراندیم و در آن کوه های استوار افکندیم، واز هر گیاه موزون وسنجیده ای در آن رویاندیم. (۱۹)

وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ وَمَن لَّسْتُمْ لَهُ بِرَازِقِينَ (۲۰)

و در آن برای شما و کسانی که روزی دهنده آنان نیستید، انواع وسایل و ابزار معیشت قرار دادیم. (۲۰)

وَإِن مِّن شَيْءٍ إِلَّا عِندَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنَزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ (۲۱)

و هیچ چیزی نیست مگر آنکه خزانه هایش نزد ماست، و آن را جز به اندازه معین نازل نمی کنیم. (۲۱)

وَأَرْسَلْنَا الرِّيَاحَ لَوَاقِحَ فَأَنزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَسْقَيْنَاكُمُوهُ وَمَا أَنتُمْ لَهُ بِخَازِنِينَ (۲۲)

و بادها را باردار کننده فرستادیم، و از آسمان آبی نازل کردیم و شما را با آن سیراب ساختیم و شما ذخیره کننده آن نیستید. (۲۲)

وَإِنَّا لَنَحْنُ نُحْيِي وَنُمِيتُ وَنَحْنُ الْوَارِثُونَ (۲۳)

و یقیناً ماییم که حیات می دهیم، و می میرانیم و ما وارث [جهان و جهانیان] هستیم. (۲۳)

وَلَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَقْدِمِينَ مِنكُمْ وَلَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَأْخِرِينَ (۲۴)

و بی تردید [حالات، اعمال و شمار] پیشینیانِ شما و آیندگانتان را می دانیم. (۲۴)

وَإِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَحْشُرُهُمْ إِنَّهُ حَكِيمٌ عَلِيمٌ (۲۵)

و مسلماً پروردگار توست که محشورشان می کند؛ زیرا او حکیم و داناست. (۲۵)

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَانَ مِن صَلْصَالٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ (۲۶)

و ما انسان را از گِلی خشک که برگرفته از لجنی متعفّن و تیره رنگ است، آفریدیم. (۲۶)

وَالْجَانَّ خَلَقْنَاهُ مِن قَبْلُ مِن نَّارِ السَّمُومِ (۲۷)

و جن را پیش از آن از آتشی سوزان و بی دود پدید آوردیم. (۲۷)

وَإِذْ قَالَ رَبُّکَ لِلْمَلَائِکَهِ إِنِّی خَالِقٌ بَشَرًا مِّن صَلْصَالٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ (۲۸)

و [یاد کن] هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: من بشری از گِل خشک که برگرفته از لجنی متعفّن و تیره رنگ است، می آفرینم. (۲۸)

فَإِذَا سَوَّیْتُهُ وَنَفَخْتُ فِیهِ مِن رُّوحِی فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِینَ (۲۹)

پس چون او را درست و نیکو گردانم و از روح خود در او بدمم، برای او سجده کنان بیفتید. (۲۹)

فَسَجَدَ الْمَلَائِکَهُ کُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ (۳۰)

پس همه فرشتگان بدون استثناء سجده کردند. (۳۰)

إِلَّا إِبْلِیسَ أَبَی أَن یَکُونَ مَعَ السَّاجِدِینَ (۳۱)

مگر ابلیس که از اینکه با سجده کنان باشد، امتناع کرد. (۳۱)

ص: ۲۶۳

قَالَ یَا إِبْلِیسُ مَا لَکَ أَلَّا تَکُونَ مَعَ السَّاجِدِینَ (۳۲)

[خدا] گفت: ای ابلیس! تو را چه شده که با سجده کنان نیستی؟ (۳۲)

قَالَ لَمْ أَکُن لِّأَسْجُدَ لِبَشَرٍ خَلَقْتَهُ مِن صَلْصَالٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ (۳۳)

گفت: من آن نیستم که برای بشری که او را از گلی خشک و برگرفته از لجنی متعفّن و تیره رنگ آفریدی، سجده کنم!! (۳۳)

قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّکَ رَجِیمٌ (۳۴)

[خدا] گفت: از این [جایگاه والا که مقام مقربان است] بیرون رو که رانده شده ای، (۳۴)

وَإِنَّ عَلَیْکَ اللَّعْنَهَ إِلَی یَوْمِ الدِّینِ (۳۵)

و بی تردید تا روز قیامت لعنت بر تو خواهد بود. (۳۵)

قَالَ رَبِّ فَأَنظِرْنِی إِلَی یَوْمِ یُبْعَثُونَ (۳۶)

گفت: پروردگارا! پس مرا تا روزی که [همگان] برانگیخته می شوند، مهلت ده. (۳۶)

قَالَ فَإِنَّکَ مِنَ الْمُنظَرِینَ (۳۷)

[خدا] گفت: تو از مهلت یافتگانی، (۳۷)

إِلَی یَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ (۳۸)

تا روز [آن] وقت معین. (۳۸)

قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَیْتَنِی لَأُزَیِّنَنَّ لَهُمْ فِی الْأَرْضِ وَلَأُغْوِیَنَّهُمْ أَجْمَعِینَ (۳۹)

گفت: پروردگارا! به سبب اینکه مرا گمراه نمودی، من هم یقیناً [همه کارهای زشت را] در زمین برای آنان می آرایم [تا ارتکاب زشتی ها برای آنان آسان شود] و مسلماً همه را گمراه می کنم. (۳۹)

إِلَّا عِبَادَکَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِینَ (۴۰)

مگر [آن] بندگانت را که خالص شدگانِ [از هر نوع آلودگی ظاهری و باطنی] اند. (۴۰)

قَالَ هَذَا صِرَاطٌ عَلَیَّ مُسْتَقِیمٌ (۴۱)

خدا فرمود: این [پیراسته شدن از هر ناخالصی] راهی است مستقیم [که تحقّقش در وجود بندگان مخلصم] برعهده من [است.] (۴۱)

إِنَّ عِبَادِی لَیْسَ لَکَ عَلَیْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنِ اتَّبَعَکَ مِنَ الْغَاوِینَ (۴۲)

قطعاً تو را بر بندگانم تسلّطی نیست، مگر بر گمراهانی که از تو پیروی می کنند. (۴۲)

وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِینَ (۴۳)

و مسلماً دوزخ، وعده گاه همگی آنان است. (۴۳)

لَهَا سَبْعَهُ أَبْوَابٍ لِّکُلِّ بَابٍ مِّنْهُمْ جُزْءٌ مَّقْسُومٌ (۴۴)

برای آن هفت در است، برای هر دری گروهی از پیروان شیطان تقسیم شده اند. (۴۴)

إِنَّ الْمُتَّقِینَ فِی جَنَّاتٍ وَعُیُونٍ (۴۵)

به یقین، پرهیزکاران در بهشت ها و چشمه سارها هستند. (۴۵)

ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمِنِينَ (۴۶)

[به آنان گویند:] با سلامت و امنیت وارد آنجا شوید. (۴۶)

وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِم مِّنْ غِلٍّ إِخْوَانًا عَلَى سُرُرٍ مُّتَقَابِلِينَ (۴۷)

و آنچه از دشمنی و کینه در سینه هایشان بوده برکنده ایم که برادروار بر تخت هایی روبروی یکدیگرند. (۴۷)

لَا يَمَسُّهُمْ فِيهَا نَصَبٌ وَمَا هُم مِّنْهَا بِمُخْرَجِينَ (۴۸)

در آنجا خستگی و رنجی به آنان نمی رسد و هیچ گاه از آنجا اخراج نمی شوند. (۴۸)

نَبِّئْ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (۴۹)

به بندگانم خبر ده که یقیناً من [نسبت به مؤمنان] بسیار آمرزنده و مهربانم. (۴۹)

وَأَنَّ عَذَابِي هُوَ الْعَذَابُ الْأَلِيمُ (۵۰)

و اینکه عذابم [برای مجرمان] همان عذاب دردناك است. (۵۰)

وَنَبِّئْهُمْ عَن ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ (۵۱)

و نیز آنان را از مهمانان ابراهیم خبر ده. (۵۱)

ص: ۲۶۴

إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ إِنَّا مِنكُمْ وَجِلُونَ (۵۲)

هنگامی که بر او وارد شدند، پس سلام گفتند. [ابراهیم] گفت: ما از شما ترسانیم. (۵۲)

قَالُوا لَا تَوْجَلْ إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ (۵۳)

گفتند: نترس که ما تو را به پسری دانا مژده می دهیم. (۵۳)

قَالَ أَبَشَّرْتُمُونِي عَلَى أَن مَّسَّنِيَ الْكِبَرُ فَبِمَ تُبَشِّرُونَ (۵۴)

گفت: آیا با آنکه پیری به من رسید، مژده ام می دهید؟ به چه مژده می دهید؟ (۵۴)

قَالُوا بَشَّرْنَاكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُن مِّنَ الْقَانِطِينَ (۵۵)

گفتند: تو را به بشارتی درست و به حق [که واقع شدنی است] مژده دادیم؛ بنابراین از ناامیدان مباش. (۵۵)

قَالَ وَمَن يَقْنَطُ مِن رَّحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ (۵۶)

گفت: چه کسی جز گمراهان از رحمت پروردگارش ناامید می شود؟! (۵۶)

قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ (۵۷)

[سپس] گفت: ای فرستادگان! کار مهم شما چیست؟ (۵۷)

قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَى قَوْمٍ مُّجْرِمِينَ (۵۸)

گفتند: ما به سوی قومی گنهکار فرستاده شده ایم [تا نابودشان کنیم.] (۵۸)

إِلَّا آلَ لُوطٍ إِنَّا لَمُنَجُّوهُمْ أَجْمَعِينَ (۵۹)

مگر خاندان لوط را که قطعاً همه آنان را نجات می دهیم، (۵۹)

إِلَّا امْرَأَتَهُ قَدَّرْنَا إِنَّهَا لَمِنَ الْغَابِرِينَ (۶۰)

مگر همسرش را که [به سبب روی گردانی اش از حق] مقدّر کرده ایم از بازماندگان [در شهر و نابودشوندگان] باشد. (۶۰)

فَلَمَّا جَاءَ آلَ لُوطٍ الْمُرْسَلُونَ (۶۱)

پس هنگامی که فرستادگان خدا نزد خاندان لوط آمدند، (۶۱)

قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ مُّنكَرُونَ (۶۲)

لوط گفت: بی تردید شما گروهی ناشناخته اید. (۶۲)

قَالُوا بَلْ جِئْنَاكَ بِمَا كَانُوا فِيهِ يَمْتَرُونَ (۶۳)

گفتند: [نه، ما آشنا هستیم] با چیزی نزد تو آمده ایم که قومت همواره در آن تردید داشتند. (۶۳)

وَأَتَيْنَاكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ (۶۴)

و ما واقعیتی قطعی و مسلّم را [که همان عذاب الهی است، جهت نابودی مردم] برای تو آورده ایم و یقیناً راستگوییم. (۶۴)

فَأَسْرِ بِأَهْلِکَ بِقِطْعٍ مِّنَ اللَّیْلِ وَاتَّبِعْ أَدْبَارَهُمْ وَلَا یَلْتَفِتْ مِنکُمْ أَحَدٌ وَامْضُوا حَیْثُ تُؤْمَرُونَ (۶۵)

پس [چون] پاره ای از شب [گذشت] خاندانت را کوچ ده و خودت دنبال آنان برو و هیچ یک از شما [به شهر] بازنگردد، و آنجا که مأمور هستید، بروید. (۶۵)

وَقَضَیْنَا إِلَیْهِ ذَلِکَ الْأَمْرَ أَنَّ دَابِرَ هَؤُلَاءِ مَقْطُوعٌ مُّصْبِحِینَ (۶۶)

ما [کیفیت] این حادثه [بزرگ] را به او وحی کردیم که هنگامی که مجرمان وارد صبح شوند، بنیادشان برکنده خواهد شد. (۶۶)

وَجَاءَ أَهْلُ الْمَدِینَهِ یَسْتَبْشِرُونَ (۶۷)

و اهل شهر [با آگاه شدن از مهمانان لوط] شادی کنان [به خانه لوط] آمدند. (۶۷)

قَالَ إِنَّ هَؤُلَاءِ ضَیْفِی فَلَا تَفْضَحُونِ (۶۸)

لوط گفت: اینان مهمانان منند، آبروی مرا نبرید. (۶۸)

وَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تُخْزُونِ (۶۹)

از خدا پروا کنید و مرا [نزد مهمانانم] خوار و بی مقدار نسازید. (۶۹)

قَالُوا أَوَلَمْ نَنْهَکَ عَنِ الْعَالَمِینَ (۷۰)

گفتند: مگر ما تو را [از مهمان کردن] مردمان نهی نکردیم؟ (۷۰)

ص: ۲۶۵

قَالَ هَؤُلَاءِ بَنَاتِی إِن کُنتُمْ فَاعِلِینَ (۷۱)

[لوط] گفت: اگر می خواهید [کار درست و معقولی] انجام دهید، اینان دختران منند [که برای ازدواج مناسبند.] (۷۱)

لَعَمْرُکَ إِنَّهُمْ لَفِی سَکْرَتِهِمْ یَعْمَهُونَ (۷۲)

[ای پیامبر!] به جان تو سوگند، آنان در مستی خود فرو رفته و سرگردان بودند. (۷۲)

فَأَخَذَتْهُمُ الصَّیْحَهُ مُشْرِقِینَ (۷۳)

پس به هنگام طلوع آفتاب، صدایی [مرگبار و وحشتناک و غرّشی سهمگین] آنان را فرا گرفت. (۷۳)

فَجَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِّن سِجِّيلٍ (۷۴)

در نتیجه آن شهر را زیر و رو کردیم و بر آنان سنگ هایی از جنس سنگِ گل باراندیم. (۷۴)

إِنَّ فِی ذَلِکَ لَآیَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِینَ (۷۵)

قطعاً در این [سرگذشت اَسفبار و حادثه عبرت آموز] نشانه هایی [از قدرت خدا و خواری و رسوایی مجرمان] برای هوشمندان [که جستجوگر علل حوادث اند] وجود دارد. (۷۵)

وَإِنَّهَا لَبِسَبِیلٍ مُّقِیمٍ (۷۶)

و آن [آثار و بقایای شهر ویران شده قوم لوط] بر سر راهی است که پابرجاست. (۷۶)

إِنَّ فِی ذَلِکَ لَآیَةً لِّلْمُؤْمِنِینَ (۷۷)

مسلماً در این [شهر ویران شده] برای مؤمنان نشانه ای [پندآموز] است. (۷۷)

وَإِن کَانَ أَصْحَابُ الْأَیْکَهِ لَظَالِمِینَ (۷۸)

و بی تردید اهل ایکه [قوم شعیب] ستمکار بودند. (۷۸)

فَانتَقَمْنَا مِنْهُمْ وَإِنَّهُمَا لَبِإِمَامٍ مُّبِینٍ (۷۹)

در نتیجه از آنان انتقام گرفتیم، و [آثار] دو شهر نابود شده [قوم لوط و شعیب] بر سر جاده ای آشکار قرار دارد. (۷۹)

وَلَقَدْ کَذَّبَ أَصْحَابُ الْحِجْرِ الْمُرْسَلِینَ (۸۰)

و به راستی اهل [دیار] حجر [که سرزمینی میان مدینه و شام است] پیامبران را تکذیب کردند. (۸۰)

وَآتَیْنَاهُمْ آیَاتِنَا فَکَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِینَ (۸۱)

و ما آیات و نشانه های خود را به آنان نشان دادیم، ولی از آنان روی گردان شدند. (۸۱)

وَکَانُوا یَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُیُوتًا آمِنِینَ (۸۲)

و همواره از کوه ها خانه ها می تراشیدند در حالی که [به خیال خود به سبب استحکام آن خانه ها] ایمن [از حوادث] بودند. (۸۲)

فَأَخَذَتْهُمُ الصَّیْحَهُ مُصْبِحِینَ (۸۳)

پس هنگامی که به صبح درآمدند، صدایی [مرگبار و وحشتناک و غرّشی سهمگین] آنان را فرا گرفت. (۸۳)

فَمَا أَغْنَى عَنْهُم مَّا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۸۴)

و آنچه [از بناهای محکم و استواری که] فراهم می آوردند، عذاب خدا را از آنان دفع نکرد. (۸۴)

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَإِنَّ السَّاعَةَ لَآتِيَةٌ فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ (۸۵)

و آسمان ها و زمین و آنچه را میان آن دوتاست، جز به حق نیافریدیم، و بی تردید قیامت آمدنی است؛ پس [در برابر ناهنجاری های مردم] گذشتی کریمانه داشته باش. (۸۵)

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ (۸۶)

یقیناً پروردگارت همان آفریننده داناست. (۸۶)

وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِّنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ (۸۷)

و به راستی که هفت آیه از مثانی [یعنی سوره حمد] و قرآن بزرگ را به تو عطا کردیم. (۸۷)

لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَى مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِّنْهُمْ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَاخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ (۸۸)

بنابراین به امکانات مادی [و ثروت و اولادی] که برخی از گروه های آنان را از آن برخوردار کردیم، چشم مدوز، و بر آنان [به سبب اینکه پذیرای حق نیستند] اندوه مخور، وپر و بال [لطف و مهربانیِ] خود را برای مؤمنان فرو گیر. (۸۸)

وَقُلْ إِنِّي أَنَا النَّذِيرُ الْمُبِينُ (۸۹)

و [به اخلال گران در امر دین] بگو: بی تردید من بیم دهنده آشکارم. (۸۹)

كَمَا أَنزَلْنَا عَلَى الْمُقْتَسِمِينَ (۹۰)

[عذابی به سوی شما می فرستیم] همان گونه که بر تفرقه افکنان [در دین] فرستادیم. (۹۰)

ص: ۲۶۶

الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ (۹۱)

همانان که قرآن را بخش بخش کردند [بخشی را پذیرفتند و از پذیرفتن بخشی دیگر روی گرداندند.] (۹۱)

فَوَرَبِّكَ لَنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ (۹۲)

به پروردگارت سوگند، قطعاً از همه آنان بازخواست می کنیم. (۹۲)

عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۹۳)

از اعمالی که همواره انجام می داده اند. (۹۳)

فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ (۹۴)

پس آنچه را به آن مأموری اظهار کن و از مشرکان روی بگردان. (۹۴)

إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ (۹۵)

که ما [شرّ] استهزا کنندگان را از تو بازداشته ایم. (۹۵)

الَّذِينَ يَجْعَلُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ (۹۶)

همانان که با خدا معبود دیگری قرار می دهند، پس خواهند دانست [که مرتکب چه خطای بزرگی شده اند و مستحقّ چه عذابی هستند.] (۹۶)

وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّكَ يَضِيقُ صَدْرُكَ بِمَا يَقُولُونَ (۹۷)

ما می دانیم که تو از آنچه [مشرکان] می گویند، دلتنگ می شوی. (۹۷)

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَكُن مِّنَ السَّاجِدِينَ (۹۸)

پس [برای دفع دلتنگی] پروردگارت را همراه با سپاس و ستایش تسبیح گوی و از سجده کنان باش. (۹۸)

وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّى يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ (۹۹)

و پروردگارت را تا هنگامی که تو را مرگ بیاید، بندگی کن. (۹۹)

سوره النحل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ (۱)

فرمان حتمی خدا [در مورد عذاب کافران ومشرکان] فرا رسیده است، پس خواستار شتاب در آن نباشید؛ او منزّه وبرتر است از آنچه شریک او قرار می دهند. (۱)

يُنَزِّلُ الْمَلَائِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ أَنْ أَنذِرُوا أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ (۲)

فرشتگان را به فرمان خود همراه با روح به هر کس از بندگانش که بخواهد [برای برگزیدنش به پیامبری] نازل می کند [و به آنان فرمان می دهد] که مردم را هشدار دهید که معبودی جز من نیست؛ بنابراین از من پروا کنید. (۲)

خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ تَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ (۳)

آسمان ها و زمین را به حق آفرید. از آنچه شریک او قرار می دهند، برتر است. (۳)

خَلَقَ الْإِنسَانَ مِن نُّطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُّبِينٌ (۴)

انسان را از آبی اندک و بی ارزش آفرید، پس آن گاه [و به دور از انتظار] ستیزه جویی آشکار است. (۴)

وَالْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنَافِعُ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ (۵)

ودام ها را که برای شما در آنها [وسیله] گرمی و سودهاست آفرید، و از [محصولات لبنی و گوشتی] شان می خورید. (۵)

وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ (۶)

و برای شما در آنها زیبایی [و شکوه] است، آن گاه که [آنها را] شبان گاه از چراگاه بر می گردانید و هنگامی که صبح گاهان به چراگاه می برید. (۶)

وَتَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ إِلَى بَلَدٍ لَّمْ تَكُونُوا بَالِغِيهِ إِلَّا بِشِقِّ الْأَنفُسِ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ (۷)

و بارهای سنگین شما را تا شهری که جز با دشواری و مشقت به آن نمی رسید، حمل می کنند؛ یقیناً پروردگارتان رؤوف و بسیار مهربان است. (۷)

وَالْخَيْلَ وَالْبِغَالَ وَالْحَمِيرَ لِتَرْكَبُوهَا وَزِينَةً وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ (۸)

و اسب ها و استرها و الاغ ها را آفرید تا بر آنها سوار شوید و [برای شما] تجمل و زینت باشد، و چیزهایی [در آینده جز این وسایل نقلیه حیوانی] به وجود می آورد که شما نمی دانید. (۸)

وَعَلَى اللَّهِ قَصْدُ السَّبِيلِ وَمِنْهَا جَائِرٌ وَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ (۹)

و قرار دادن راه راست [برای هدایت بندگان به سوی سعادت ابدی] فقط برعهده خداست، و برخی از این راه ها کج و منحرف است [که حرکت در آن شما را از سعادت ابدی محروم می کند]، و اگر خدا می خواست همه شما را [به طور اجبار] به راه راست هدایت می کرد. (۹)

هُوَ الَّذِی أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لَّکُم مِّنْهُ شَرَابٌ وَمِنْهُ شَجَرٌ فِیهِ تُسِیمُونَ (١٠)

اوست که از آسمان، آبی برای شما نازل کرد که بخشی از آن نوشیدنی است و از بخشی از آن درخت و گیاه می روید که [دام هایتان] را در آن می چرانید. (١٠)

یُنبِتُ لَکُم بِهِ الزَّرْعَ وَالزَّیْتُونَ وَالنَّخِیلَ وَالْأَعْنَابَ وَمِن کُلِّ الثَّمَرَاتِ إِنَّ فِی ذَلِکَ لَآیَهً لِّقَوْمٍ یَتَفَکَّرُونَ (١١)

برای شما به وسیله آن آب، زراعت و زیتون و خرما و انگور و از همه محصولات می رویانـد؛ یقیناً در این [واقعیات شگفت انگیز طبیعی] نشانه ای است [بر توحید، و ربوبیّت وقدرت خدا] برای گروهی که می اندیشند. (١١)

وَسَخَّرَ لَکُمُ اللَّیْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ إِنَّ فِی ذَلِکَ لَآیَاتٍ لِّقَوْمٍ یَعْقِلُونَ (١٢)

و شب و روز و خورشید و ماه را نیز رام و مسخّر شما قرار داد، وستارگان هم به فرمانش رام و مسخّر شده اند؛ قطعاً در این [حقایق] نشانه هایی است [بر توحید، ربوبیّت و قدرت خدا] برای گروهی که تعقّل می کنند. (١٢)

وَمَا ذَرَأَ لَکُمْ فِی الْأَرْضِ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ إِنَّ فِی ذَلِکَ لَآیَهً لِّقَوْمٍ یَذَّکَّرُونَ (١٣)

و نیز آنچه را که در زمین به رنـگ هـای گوناگون برای شـما آفریـد [رام و مسـخّرتان ساخت]؛ مسلماً در این [امور] نشانه ای است [بر توحید، ربوبیّت و قدرت خدا] برای گروهی که متذکّر می شوند. (١٣)

وَهُوَ الَّذِی سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْکُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِیًّا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حِلْیَهً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَی الْفُلْکَ مَوَاخِرَ فِیهِ وَلِتَبْتَغُوا مِن فَضْلِهِ وَلَعَلَّکُمْ تَشْکُرُونَ (١۴)

و اوست که دریا را رام و مسخّر کرد تا از آن گوشت تازه بخورید، و زینتی را که می پوشید از آن بیرون آورید و در آن کشتی ها را می بینی که آب را می شکافند [تا شما را برای حمل کالا، تجارت و داد و ستد جابجا کنند] و برای اینکه از فضل واحسان خدا طلب کنید و [در نهایت] به سپاس گزاری خدا برخیزید. (١۴)

ص: ٢۶٨

وَأَلْقَی فِی الْأَرْضِ رَوَاسِیَ أَن تَمِیدَ بِکُمْ وَأَنْهَارًا وَسُبُلًا لَّعَلَّکُمْ تَهْتَدُونَ (١۵)

و در زمین کوه هایی استوار افکند تا شما را [در حال گردش وضعی و انتقالی] نلرزاند، و نهرها و راه هایی را [پدید آورد] تا [برای رسیدن به اهداف و مقاصد خود] راه یابید. (١۵)

وَعَلَامَاتٍ وَبِالنَّجْمِ هُمْ یَهْتَدُونَ (١۶)

و [برای اینکه در عبور از کوه ها و بیابان ها و کویرها سرگردان و گم نشوید] نشانه ها [قرار داد]، و [مردم به هنگام شب در

دل بیابان ها و بر سطح دریاها] به وسیله ستارگان راهیابی می کنند. (۱۶)

أَفَمَن يَخْلُقُ كَمَن لَّا يَخْلُقُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (۱۷)

بر این اساس آیا کسی که [همه چیز] می آفریند، مانند کسی است که [هیچ چیز] نمی آفریند؟ [پس کُرنش در برابر بتان بر پایه چه دلیلی است؟] آیا پند نمی گیرید؟ (۱۷)

وَإِن تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ اللَّهَ لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱۸)

و اگر نعمت های خدا را شماره کنید، هرگز نمی توانید آنها را به شمار آورید؛ یقیناً خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (۱۸)

وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا تُعْلِنُونَ (۱۹)

و خدا آنچه را پنهان می کنید و آنچه را آشکار می سازید، می داند. (۱۹)

وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ (۲۰)

و معبودهایی را که به جای خدا می پرستند [نه اینکه] چیزی را نمی آفرینند، بلکه خودشان آفریده می شوند. (۲۰)

أَمْوَاتٌ غَيْرُ أَحْيَاءٍ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ (۲۱)

مُردگانند نه زندگان، و نمی دانند چه زمانی برانگیخته می شوند. (۲۱)

إِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ وَاحِدٌ فَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ قُلُوبُهُم مُّنكِرَةٌ وَهُم مُّسْتَكْبِرُونَ (۲۲)

معبود شما معبودی یگانه است؛ پس کسانی که به آخرت ایمان نمی آورند، دل هایشان [حق را] انکار می کند، و آنان مستکبرند. (۲۲)

لَا جَرَمَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْتَكْبِرِينَ (۲۳)

ثابت و یقینی است که خدا آنچه را پنهان می کنند و آنچه را آشکار می نمایند، می داند؛ قطعاً او مستکبران را دوست ندارد. (۲۳)

وَإِذَا قِيلَ لَهُم مَّاذَا أَنزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (۲۴)

و هنگامی که به آنان گویند: پروردگارتان چه چیزهایی نازل کرده؟ می گویند: [چیزی نازل نکرده، آنچه به عنوان قرآن در دسترس مردم است، همان] افسانه های [دروغین] پیشینیان است!! (۲۴)

لِيَحْمِلُوا أَوْزَارَهُمْ كَامِلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمِنْ أَوْزَارِ الَّذِينَ يُضِلُّونَهُم بِغَيْرِ عِلْمٍ أَلَا سَاءَ مَا يَزِرُونَ (۲۵)

سرانجام روز قیامت بار گناهانشان را به طور کامل و بخشی از بار گناهان کسانی که از روی بی دانشی گمراهشان می کنند، به دوش می کشند. آگاه باشید! بد باری است که به دوش می کشند. (۲۵)

قَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَأَتَى اللَّهُ بُنْيَانَهُم مِّنَ الْقَوَاعِدِ فَخَرَّ عَلَيْهِمُ السَّقْفُ مِن فَوْقِهِمْ وَأَتَاهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ (۲۶)

همانا کسانی که پیش از اینان بودند [به همین صورت] نیرنگ زدند [تا حق را نابود کنند]، پس خدا بنیانشان را از پایه و اساس ویران کرد و سقف [خانه هایشان را] از بالای سرشان بر آنان فرو ریخت، و از جایی که پی نبردند، عذاب به سویشان آمد. (۲۶)

ص: ۲۶۹

ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُخْزِيهِمْ وَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنتُمْ تُشَاقُّونَ فِيهِمْ قَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ إِنَّ الْخِزْيَ الْيَوْمَ وَالسُّوءَ عَلَى الْكَافِرِينَ (۲۷)

آن گاه روز قیامت رسوایشان می کند و می گوید: [معبودانی که گمان می بردید] شریکان من [در ربوبیّت هستند] که برای آنها [با پیامبران و اهل ایمان] دشمنی و ستیز می کردید، کجایند؟ [آنان پاسخی ندارند، ولی] کسانی که به آنان دانش و بصیرت داده شده می گویند: امروز رسوایی و عذاب بر کافران است. (۲۷)

الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنفُسِهِمْ فَأَلْقَوُا السَّلَمَ مَا كُنَّا نَعْمَلُ مِن سُوءٍ بَلَى إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۲۸)

همانان که فرشتگان جانشان را در حالی که ستمکار بر خود بوده اند، می گیرند؛ پس [در آن موقعیت] از در تسلیم در آیند [و گویند:] ما هیچ کار بدی انجام نمی دادیم. [به آنان گویند: یقیناً انجام می دادید] ومسلماً خدا به آنچه همواره انجام می دادید، داناست. (۲۸)

فَادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَلَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ (۲۹)

بنابراین از درهای دوزخ وارد شوید در حالی که در آن جاودانه اید؛ و بد جایی است جایگاه مستکبران. (۲۹)

وَقِيلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا مَاذَا أَنزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا خَيْرًا لِّلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ وَلَنِعْمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ (۳۰)

و هنگامی که به پرهیزکاران گویند: پروردگارتان چه چیزی نازل کرد؟ گویند: خیر را [که قرآن هدایت گر است و سراسر آیاتش وحی الهی است، نازل کرد]. برای کسانی که نیکی کردند [پاداش] نیکویی در این دنیاست، وهمانا سرای آخرت بهتر است، و سرای پرهیزکاران چه نیکوست. (۳۰)

جَنَّاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ كَذَلِكَ يَجْزِي اللَّهُ الْمُتَّقِينَ (۳۱)

[سرای پرهیزکاران] بهشت های جاویدانی [است] که وارد آنها می شوند، از زیرِ [درختانِ] آنها نهرها جاری است، در آنجا هر چه بخواهند برای آنان فراهم است؛ خدا پرهیزکاران را این گونه پاداش می دهد. (۳۱)

الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمُ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۳۲)

آنـان در حالی که [از آلودگی های عملی و اخلاقی] پاک و پاکیزه انـد، فرشـتگانْ جانشان را می گیرنـد، به آنان می گوینـد: سلام بر شما، [اکنون] به پاداش آنچه همواره انجام می دادید، به بهشت درآیید. (۳۲)

هَلْ يَنظُرُونَ إِلَّا أَن تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ أَمْرُ رَبِّكَ كَذَلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (۳۳)

آیا [کافران و مشـرکان] جز اینکه فرشـتگانِ [قبض کننده ارواح] به سویشان آیند، یا فرمان پروردگارت [در مورد عذابشان] در رسد، انتظار می برند؟ کسانی هم که پیش از آنان بودند [در برابر حق] چنین کردند، و خدا [در عذاب کردنشان] به آنان سـتم نورزید، بلکه آنان همواره [با مرتکب شدن انواع گناهان] به خودشان ستم می کردند. (۳۳)

فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (۳۴)

پس [کیفر] بدی هایی که انجام دادند به آنان رسید، و عذابی که همواره مسخره می کردند، بر آنان نازل شد. (۳۴)

ص: ۲۷۰

وَقَالَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا عَبَدْنَا مِن دُونِهِ مِن شَيْءٍ نَّحْنُ وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا حَرَّمْنَا مِن دُونِهِ مِن شَيْءٍ كَذَلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَهَلْ عَلَى الرُّسُلِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ (۳۵)

و کسانی که [به خـدا] شـرک ورزیدند [از روی جهل، و بی خردی و بدون دلیل و برهان] گفتند: اگر خدا می خواست نه ما و نه پدرانمان هیچ چیزی را جز او نمی پرستیدیم، و هیچ چیزی را بدون [حکم و فرمان] او حرام نمی کردیم. کسانی هم پیش از اینان بودند [در برابر حق] چنین کردند، پس آیا بر عهده پیامبران جز رساندن آشکار [پیام وحی، وظیفه ای] هست؟ (۳۵)

وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُم مَّنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُم مَّنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ (۳۶)

و همانا در هر امتی پیامبری فرسـتادیم که [اعلام کند که] خدا را بپرستید و از [پرسـتش] طاغوت بپرهیزید. پس خدا گروهی از آنان را [که لیاقت نشان دادنـد] هـدایت کرد و گروهی [دیگر را به سـبب تکبر و عنادشان] گمراهی بر آنان مقرّر شد. پس در زمین بگردید و با تأمل بنگرید که سرانجام تکذیب کنندگان چگونه بود. (۳۶)

إِن تَحْرِصْ عَلَى هُدَاهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَن يُضِلُّ وَمَا لَهُم مِّن نَّاصِرِينَ (۳۷)

هر چند بر هدایتشان حریص باشی [هدایت نمی یابند]؛ زیرا خدا کسانی را که [به سبب تکبر و عنادشان] گمراه می کند، هدایت نخواهد کرد، و برای آنان هیچ یاوری [که از گمراهی نجاتشان دهد] وجود ندارد. (۳۷)

وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَن يَمُوتُ بَلَى وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (۳۸)

با سخت ترین سوگندهایشان به خدا سوگند یاد کردند که خدا کسانی را که می میرند، برنمی انگیزد!! آری، [با قدرت بی نهایتش برمی انگیزد] این وعده حقّی بر عهده اوست، ولی بیشتر مردم نمی دانند [و به علت نادانی و جهلشان انکار می کنند.] (۳۸)

لِيُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي يَخْتَلِفُونَ فِيهِ وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ كَانُوا كَاذِبِينَ (۳۹)

[یقیناً مردگان را زنده می کند] تا حقایقی را که در آن اختلاف می کنند، برای آنان روشن سازد. و تا کافران بدانند که همواره [در انکارشان نسبت به زنده شدن مردگان] دروغ می گفتند. (۳۹)

إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْنَاهُ أَن نَّقُولَ لَهُ كُن فَيَكُونُ (۴۰)

[زنده کردن مردگان برای ما دشوار نیست] فرمان ما درباره چیزی چون [به وجود آمدنش را] اراده کنیم، فقط این است که به آن می گوییم: باش، پس [بی درنگ] موجود می شود. (۴۰)

وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِن بَعْدِ مَا ظُلِمُوا لَنُبَوِّئَنَّهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَلَأَجْرُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (۴۱)

و آنان که پس از ستم دیدنشان برای به دست آوردن خشنودی خدا هجرت کردند، یقیناً آنان را در این دنیا در جایگاه و مکانی نیکو جای دهیم، و قطعاً پاداش آخرت بهتر و برتر است، اگر می دانستند [که دارای چه کمیّت و کیفیتی است.] (۴۱)

الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ (۴۲)

همانان که [در برابر مصایب، وحوادث و آزار دیدن از دیگران] صبر کردند و فقط بر پروردگارشان توکل می کنند. (۴۲)

ص: ۲۷۱

وَمَا أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُّوحِي إِلَيْهِمْ فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِن كُنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (۴۳)

و پیش از تو جز مردانی که به آنان وحی می کردیم، نفرستادیم. اگر [این حقیقت را] نمی دانید [که پیامبران از جنس بشر بودند] از اهل دانش و اطلاع بپرسید [تا دیگر نگویید که چرا فرشته ای به رسالت نازل نشده است؟!] (۴۳)

بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَأَنزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (۴۴)

[همه پیامبران را] با دلایل روشن و کتاب های آسمانی [فرستادیم]، و قرآن را [هم] به سوی تو نازل کردیم به خاطر اینکه برای

مردم آنچه را که برای [هدایتشان] به سویشان نازل شده بیان کنی و برای اینکه [در پیامبری تو و آنچه را به حق نازل شده] بیندیشند. (۴۴)

أَفَأَمِنَ الَّذِینَ مَکَرُوا السَّیِّئَاتِ أَن یَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ یَأْتِیَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَیْثُ لَا یَشْعُرُونَ (۴۵)

پس آیا کسانی که [بر ضد قرآن و پیامبر] نیرنگ های زشت به کار گرفتند، ایمنند از اینکه خدا آنان را در زمین فرو برد یا از جایی که پی نبرند، عذاب به سویشان آید؟ (۴۵)

أَوْ یَأْخُذَهُمْ فِی تَقَلُّبِهِمْ فَمَا هُم بِمُعْجِزِینَ (۴۶)

یا [ایمنند از اینکه] آنان را [در حالی که برای داد و ستد، زراعت و تجارت] در رفت و آمدند، گرفتار [عذاب] سازد؟ اینان عاجز کننده [خدا] نیستند [تا بتوانند از دسترس قدرت او بیرون روند.] (۴۶)

أَوْ یَأْخُذَهُمْ عَلَى تَخَوُّفٍ فَإِنَّ رَبَّکُمْ لَرَءُوفٌ رَّحِیمٌ (۴۷)

یا [ایمنند از اینکه] آنان را بر [پایه] ترس و بیم [و هشدارهای پی در پی به عذاب] بگیردشان؟ یقیناً پروردگارتان رؤوف و بسیار مهربان است. (۴۷)

أَوَلَمْ یَرَوْا إِلَى مَا خَلَقَ اللَّهُ مِن شَیْءٍ یَتَفَیَّأُ ظِلَالُهُ عَنِ الْیَمِینِ وَالشَّمَائِلِ سُجَّدًا لِّلَّهِ وَهُمْ دَاخِرُونَ (۴۸)

آیا به سوی آنچه خدا آفریده ننگریستند که سایه های آنان در حالی که فروتنانه برای خدا سجده می کنند، از راست و چپ برمی گردد؟ (۴۸)

وَلِلَّهِ یَسْجُدُ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَمَا فِی الْأَرْضِ مِن دَابَّةٍ وَالْمَلَائِکَةُ وَهُمْ لَا یَسْتَکْبِرُونَ (۴۹)

و آنچه در آسمان ها و زمین از جنبندگان و فرشتگان وجود دارد، فقط برای خدا سجده می کنند و تکبر و سرکشی نمی ورزند. (۴۹)

یَخَافُونَ رَبَّهُم مِّن فَوْقِهِمْ وَیَفْعَلُونَ مَا یُؤْمَرُونَ (۵۰)

از پروردگارشان که بر فراز آنان است، می ترسند، و آنچه را به آن مأمور می شوند، انجام می دهند. (۵۰)

وَقَالَ اللَّهُ لَا تَتَّخِذُوا إِلَهَیْنِ اثْنَیْنِ إِنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَإِیَّایَ فَارْهَبُونِ (۵۱)

و [فرمان قاطعانه] خدا [ست که] فرمود: دو معبود انتخاب نکنید [که این انتخابی خلاف حقیقت است]؛ جز این نیست که او معبودی یگانه است؛ پس تنها از من بترسید. (۵۱)

وَلَهُ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَهُ الدِّینُ وَاصِبًا أَفَغَیْرَ اللَّهِ تَتَّقُونَ (۵۲)

آنچه در آسمان ها و زمین است، فقط در سیطره مالکیت و فرمانروایی اوست، و نیز دین ثابت و پایدار مخصوص اوست؛ آیا از غیر او پروا می کنید؟! (۵۲)

وَمَا بِكُم مِّن نِّعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ ثُمَّ إِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فَإِلَيْهِ تَجْأَرُونَ (۵۳)

و آنچه از نعمت ها در دسترس شماست از خداست، آن گاه چون آسیبی [مانند سلبِ نعمت] به شما رسد، ناله و فریادتان را به التماس و زاری به درگاه او بلند می کنید. (۵۳)

ثُمَّ إِذَا كَشَفَ الضُّرَّ عَنكُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِّنكُم بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ (۵۴)

سپس هنگامی که آسیب را از شما برطرف کند [بر خلاف انتظار] گروهی از شما به پروردگارشان شرک می آورند!! (۵۴)

ص: ۲۷۲

لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ فَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ (۵۵)

تا به نعمت هایی که به آنان عطا کرده ایم، ناسپاسی و کفران ورزند. پس [چند روزی از کالای زودگذر دنیا] برخوردار شوید که سپس [فرجام زشت خود را] خواهید دانست. (۵۵)

وَيَجْعَلُونَ لِمَا لَا يَعْلَمُونَ نَصِيبًا مِّمَّا رَزَقْنَاهُمْ تَاللَّهِ لَتُسْأَلُنَّ عَمَّا كُنتُمْ تَفْتَرُونَ (۵۶)

و سهمی از آنچه را که به آنان روزی داده ایم، برای معبودانی قرار می دهند که جاهل به حقیقت آنهایند [که به طور مستقل هیچ سود و زیانی برای کسی ندارند]؛ به خدا سوگند از آنچه همواره افترا می بستید [که خدا دارای شریکانی است] قطعاً بازخواست خواهید شد. (۵۶)

وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ الْبَنَاتِ سُبْحَانَهُ وَلَهُم مَّا يَشْتَهُونَ (۵۷)

و دختران را [به عنوان فرزند] برای خدا قرار می دهند، او منزّه [از توالد و تناسل] است؛ ولی برای خودشان آنچه را که [از پسران] میل دارند [به عنوان فرزند قرار می دهند]. (۵۷)

وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنثَى ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ (۵۸)

و چون یکی از آنان را به [ولادت] دختر مژده دهند [از شدت خشم] چهره اش سیاه گردد، ودرونش از غصه واندوه لبریز و آکنده شود!! (۵۸)

يَتَوَارَى مِنَ الْقَوْمِ مِن سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَيُمْسِكُهُ عَلَى هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ (۵۹)

به سبب مژده بدی که به او داده اند، از قوم و قبیله اش [در جایی که او را نبینند] پنهان می شود [و نسبت به این پیش آمد در

اندیشه ای سخت فرو می رود که] آیا آن دختر را با خواری نگه دارد یا به زور، زنده به گورش کند؟! آگاه باشید! [نسبت به دختران] بد داوری می کنند. (۵۹)

لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَهِ مَثَلُ السَّوْءِ وَلِلَّهِ الْمَثَلُ الْأَعْلَى وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۶۰)

برای کسانی که به آخرت ایمان نمی آورند، صفات زشت [وسیرت بد] است، وصفات برتر و والا ویژه خداست، و او توانای شکست ناپذیر و حکیم است. (۶۰)

وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِظُلْمِهِم مَّا تَرَكَ عَلَيْهَا مِن دَابَّهٍ وَلَكِن يُؤَخِّرُهُمْ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَهً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ (۶۱)

و اگر خدا مردم را به سبب ستمشان مؤاخذه کند، هیچ جنبنده ای را [که مستحقّ مؤاخذه است] بر روی زمین باقی نمی گذاشت، ولی آنان را تا مدتی معین مهلت می دهد، پس هنگامی که اجلشان سرآید، نه ساعتی پس می مانند و نه ساعتی پیش می افتند. (۶۱)

وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ مَا يَكْرَهُونَ وَتَصِفُ أَلْسِنَتُهُمُ الْكَذِبَ أَنَّ لَهُمُ الْحُسْنَى لَا جَرَمَ أَنَّ لَهُمُ النَّارَ وَأَنَّهُم مُّفْرَطُونَ (۶۲)

و آنچه را [چون دختر] خوش ندارند، برای خدا قرار می دهند، و زبانهایشان دروغ پردازی می کند که [سرانجامِ] نیکوتر ویژه آنان است. ثابت ویقینی است که آتش برای آنان است و یقیناً پیشگامان [به سوی] آتش اند. (۶۲)

تَاللَّهِ لَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَى أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَهُوَ وَلِيُّهُمُ الْيَوْمَ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۶۳)

به خدا سوگند پیامبرانی به سوی امت های پیش از تو فرستادیم، پس شیطان کارهای [زشت] شان را در نظرشان آراست [تا انجامش برای آنان آسان گردد]، او امروز ولیّ و سرپرست اینان است [که در عقاید و رفتار پیرو مشرکان پیش اند] و برای آنان [در قیامت] عذابی دردناک است. (۶۳)

وَمَا أَنزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ وَهُدًى وَرَحْمَهً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (۶۴)

ما این کتاب را بر تو نازل نکردیم مگر برای اینکه حقایقی را که در آن اختلاف کرده اند، برای آنان توضیح دهی [تا از آرا، نظریات وسلیقه های باطلشان نسبت به حقایق دست بردارند] و برای مردمی که ایمان دارند [مایه] هدایت و رحمت باشد. (۶۴)

ص: ۲۷۳

وَاللَّهُ أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَهً لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ (۶۵)

و خدا از آسمان آبی نازل کرد، و زمین را به وسیله آن پس از مردگی اش زنده ساخت، یقیناً در این [فعل و انفعالات] نشانه ای [بر توحید، ربوبیّت و قدرت خدا] ست برای قومی که شنوای [حقایق] اند. (۶۵)

وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً نُّسْقِيكُم مِّمَّا فِي بُطُونِهِ مِن بَيْنِ فَرْثٍ وَدَمٍ لَّبَنًا خَالِصًا سَائِغًا لِّلشَّارِبِينَ (۶۶)

و بی تردید برای شما در دام ها عبرتی است، [عبرت در اینکه] از درون شکم آنان از میان علف های هضم شده وخون، شیری خالص و گوارا به شما می نوشانیم که برای نوشندگان گواراست. (۶۶)

وَمِن ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا حَسَنًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (۶۷)

و از محصولات درختان خرما و انگور [گاهی بر خلاف خواسته خدا] نوشابه ای مست کننده و [زمانی دیگر] رزقی پاکیزه و نیکو می گیرید؛ در این [حقیقت] نشانه ای [بر توحید، ربوبیّت و قدرت خدا] ست برای گروهی که تعقّل می کنند. (۶۷)

وَأَوْحَى رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنِ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ (۶۸)

و پروردگارت به زنبور عسل الهام کرد که از کوه ها و درختان و آنچه [از دار بست هایی] که [مردم] بر می افرازند، برای خود خانه هایی برگیر. (۶۸)

ثُمَّ كُلِي مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلُلًا يَخْرُجُ مِن بُطُونِهَا شَرَابٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِّلنَّاسِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (۶۹)

آن گاه از همه محصولات و میوه ها بخور، پس در راه های پروردگارت که برای تو هموار شده [به سوی کندو] برو؛ از شکم آنها [شهدی] نوشیدنی با رنگ های گوناگون بیرون می آید که در آن درمانی برای مردم است. قطعاً در این [حقیقت] نشانه ای [بر قدرت، لطف و رحمت خدا] ست برای مردمی که می اندیشند. (۶۹)

وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ ثُمَّ يَتَوَفَّاكُمْ وَمِنكُم مَّن يُرَدُّ إِلَى أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْ لَا يَعْلَمَ بَعْدَ عِلْمٍ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ قَدِيرٌ (۷۰)

و خدا شما را آفرید، آن گاه شما را می میراند، برخی از شما به سوی پست ترین مرحله عمر [که سالخوردگی و فرتوتی است] برگردانده می شود، تا پس از دانش اندکی که داشت چیزی را نداند؛ یقیناً خدا دانا و تواناست. (۷۰)

وَاللَّهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الرِّزْقِ فَمَا الَّذِينَ فُضِّلُوا بِرَادِّي رِزْقِهِمْ عَلَى مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَهُمْ فِيهِ سَوَاءٌ أَفَبِنِعْمَةِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ (۷۱)

خدا برخی از شما را در رزق و روزی بر برخی فزونی داده است؛ پس آنانکه فزونی یافته اند، حاضر نیستند از روزی خود [به صورتی قابل توجه و به اندازه لازم] به بردگان خود بپردازند که در بهرهوری از رزق و روزی باهم برابر باشند؛ پس آیا [با این تبعیض ظالمانه ای که به بردگان و زیردستان خود روا می دارند] نعمت خدا را [که عطای اوست و خود اختیار و استقلالی در تأمینش ندارند] منکرند؟! (۷۱)

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُم مِّنْ أَنفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُم مِّنْ أَزْوَاجِكُم بَنِينَ وَحَفَدَةً وَرَزَقَكُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَتِ اللَّهِ

هُمْ يَكْفُرُونَ (۷۲)

و خدا برای شما همسرانی از جنس خودتان قرار داد و از همسرانتان، فرزندان و نوادگانی پدید آورد، و از نعمت های پاکیزه و دلپذیر به شما روزی داد، [با این همه لطف و رحمت] آیا به باطل ایمان می آورند و نعمت های خدا را ناسپاسی می کنند؟! (۷۲)

ص: ۲۷۴

وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَهُمْ رِزْقًا مِّنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ شَيْئًا وَلَا يَسْتَطِيعُونَ (۷۳)

و به جای خدا معبودانی را می پرستند که از آسمان ها و زمین، مالک اندک رزقی برای آنان نیستند و هیچ قدرتی هم [برای مالک شدن روزی و رساندنش به آنان] ندارند. (۷۳)

فَلَا تَضْرِبُوا لِلَّهِ الْأَمْثَالَ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ وَأَنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (۷۴)

بنابراین برای خدا اوصافی [همانند اوصاف موجودات] مَثَل نزنید، یقیناً خدا [کُنه ذات و حقیقت صفات خود را] می داند و شما نمی دانید. (۷۴)

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا عَبْدًا مَّمْلُوكًا لَّا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ وَمَن رَّزَقْنَاهُ مِنَّا رِزْقًا حَسَنًا فَهُوَ يُنفِقُ مِنْهُ سِرًّا وَجَهْرًا هَلْ يَسْتَوُونَ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۷۵)

خدا مثلی زده است: برده زر خریدی که بر هیچ کاری قدرت ندارد، و کسی که ما از سوی خود رزق نیکویی به او داده ایم، و او در پنهان و آشکار از آن انفاق می کند، آیا [این دو نفر] یکسانند؟ [این مَثَل، بیان کننده جایگاه و منزلت خدا و مجموعه هستی است؛ خدا مالک و فرمانروا و رازق همه مخلوقات و تدبیر کننده امور آنهاست، و همه مخلوقات مملوک و محکوم قدرت اویند؛ پس چرا شما بدون اندیشه و تفکر و بی دلیل و برهان بت های ناتوان وعاجز را که مملوکی بی اراده اند، شریک ربوبیّت حق می دانید؟! آیا خدا وبت مساوی است؟!] همه ستایش ها ویژه خداست [که یگانه ویکتاست وهیچ شریکی ندارد]؛ ولی بیشتر آنان [این حقیقت را] نمی دانند. (۷۵)

وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَّجُلَيْنِ أَحَدُهُمَا أَبْكَمُ لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ وَهُوَ كَلٌّ عَلَى مَوْلَاهُ أَيْنَمَا يُوَجِّههُّ لَا يَأْتِ بِخَيْرٍ هَلْ يَسْتَوِي هُوَ وَمَن يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَهُوَ عَلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ (۷۶)

و خدا مَثَلی [دیگر] زده است: دو مرد را که یکی از آنان لال مادرزاد است [و] بر هیچ کاری قدرت ندارد و سربار سرپرست خویش است؛ او را هر کجا روانه می کند، منفعت و سودی نمی آورد، آیا چنین لال بی قدرت و بی سودی با کسی که [گویا و شنوا است و] به عدالت و انصاف فرمان می دهد و بر راهی راست قرار دارد، یکسان و مساوی است؟ [پس چرا معبودهای لال بی قدرت و بی سود را با خدای توانا و شنوا که ذاتش خیر بی نهایت است، برابر می دانید؟!] (۷۶)

وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا أَمْرُ السَّاعَهِ إِلَّا كَلَمْحِ الْبَصَرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَیْءٍ قَدِيرٌ (۷۷)

غیب آسمان ها و زمین ویژه خداست، و کار برپا کردن قیامت برای او جز مانند یک چشم بر هم زدن یا نزدیک تر از آن نیست، یقیناً خدا بر هر کاری تواناست. (۷۷)

وَاللَّهُ أَخْرَجَكُم مِّن بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۷۸)

و خدا شما را از شکم مادرانتان بیرون آورد در حالی که چیزی نمی دانستید، و برای شما گوش و چشم و قلب قرار داد تا سپاس گزاری کنید. (۷۸)

أَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ مُسَخَّرَاتٍ فِی جَوِّ السَّمَاءِ مَا يُمْسِكُهُنَّ إِلَّا اللَّهُ إِنَّ فِی ذَلِکَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (۷۹)

آیا به پرندگان که در فضای آسمان، رام و مسخّر [فرمان او] هستند، ننگریستید که آنها را [از سقوط به زمین] جز خدا نگه نمی دارد؛ یقیناً در آن [وصفی که پرندگان دارند] نشانه هایی [بر توحید، ربوبیّت و قدرت خدا] ست برای گروهی که ایمان دارند. (۷۹)

ص: ۲۷۵

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُم مِّن بُيُوتِكُمْ سَكَنًا وَجَعَلَ لَكُم مِّن جُلُودِ الْأَنْعَامِ بُيُوتًا تَسْتَخِفُّونَهَا يَوْمَ ظَعْنِكُمْ وَيَوْمَ إِقَامَتِكُمْ وَمِنْ أَصْوَافِهَا وَأَوْبَارِهَا وَأَشْعَارِهَا أَثَاثًا وَمَتَاعًا إِلَى حِينٍ (۸۰)

و خدا خانه هایتان را برای شما مایه آرامش و راحت قرار داد، و برای شما از پوست دام ها سر پناه [مانند قبّه و خیمه] مقرّر کرد، که آنها را روز کوچ کردنتان و هنگام اقامتتان [در جابجا کردن] سبک می یابید و [برای شما] از پشم ها و کرک ها و موهای آنها تا زمانی معین، وسایل زندگی و کالای تجارت پدید آورد. (۸۰)

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُم مِّمَّا خَلَقَ ظِلَالًا وَجَعَلَ لَكُم مِّنَ الْجِبَالِ أَكْنَانًا وَجَعَلَ لَكُمْ سَرَابِيلَ تَقِيكُمُ الْحَرَّ وَسَرَابِيلَ تَقِيكُم بَأْسَكُمْ كَذَلِکَ يُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْلِمُونَ (۸۱)

و خدا برای شما از آنچه آفریده سایه هایی قرار داد، از کوه ها پناه گاه هایی برایتان به وجود آورد، و تن پوش هایی برای شما قرار داد که شما را از گرما نگه می دارد و پیراهن هایی [مقاوم] که شما را از آسیب جنگ و نبردتان حفظ می کند؛ این گونه نعمت هایش را بر شما کامل می کند تا تسلیم فرمان های او شوید. (۸۱)

فَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْکَ الْبَلَاغُ الْمُبِينُ (۸۲)

پس اگر [بعد از این همه لطف و رحمت] روی از حق گرداندند [اندوهگین مشو]؛ زیرا فقط رساندن آشکار [پیام وحی] بر عهده توست. (۸۲)

يَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ ثُمَّ يُنكِرُونَهَا وَأَكْثَرُهُمُ الْكَافِرُونَ (۸۳)

آنان نعمت خدا را می شناسند، سپس [از روی کبر و لجاجت] آن را انکار می کنند و بیشترشان کافرند. (۸۳)

وَيَوْمَ نَبْعَثُ مِن كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا ثُمَّ لَا يُؤْذَنُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ (۸۴)

و روزی را [یاد کن] که از هر امتی گواهی برمی انگیزیم، سپس به کافران نه اجازه [عذر خواهی] می دهند، و نه از آنان می خواهند که [برای به دست آوردن خشنودی خدا] عذرخواهی کنند! (۸۴)

وَإِذَا رَأَى الَّذِينَ ظَلَمُوا الْعَذَابَ فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ (۸۵)

و چون که ستمکاران عذاب را ببینند [می یابند که هیچ راه گریزی از آن ندارند] پس [به کیفر ستمشان] نه عذاب از آنان سبک می شود، و نه مهلتشان دهند. (۸۵)

وَإِذَا رَأَى الَّذِينَ أَشْرَكُوا شُرَكَاءَهُمْ قَالُوا رَبَّنَا هَؤُلَاءِ شُرَكَاؤُنَا الَّذِينَ كُنَّا نَدْعُو مِن دُونِكَ فَأَلْقَوْا إِلَيْهِمُ الْقَوْلَ إِنَّكُمْ لَكَاذِبُونَ (۸۶)

و زمانی که مشرکان [در عرصه قیامت] بت هایشان را که شریکان خدا قرار داده بودند ببینند، می گویند: پروردگارا! اینان شریکانی هستند که ما آنها را به جای تو می پرستیدیم [و اینان سبب گمراهی ما شدند.] ولی شریکان به آنان پاسخ می دهند: یقیناً شما دروغگویید [؛ زیرا سبب گمراهی شما هوای نفس، کبر و لجاجت شما بود.] (۸۶)

وَأَلْقَوْا إِلَى اللَّهِ يَوْمَئِذٍ السَّلَمَ وَضَلَّ عَنْهُم مَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ (۸۷)

و در آن روز همه مشرکان در پیشگاه خدا سر تسلیم فرود آورند و معبودهایی را که همواره به دروغ [به عنوان شریک خدا] بر خدا می بستند [گم شده] از دستشان می رود. (۸۷)

ص: ۲۷۶

الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ زِدْنَاهُمْ عَذَابًا فَوْقَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يُفْسِدُونَ (۸۸)

آنان که کافر شدند، و مردم را از راه خدا بازداشتند، به سبب فسادی که همواره مرتکب می شدند، عذابی بر عذابشان می افزاییم. (۸۸)

وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِم مِّنْ أَنفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَى هَؤُلَاءِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ (۸۹)

و [یاد کن] روزی را که در هر امتی گواهی از خودشان بر آنان برمی انگیزیم، و تو را [ای پیامبر اسلام!] بر اینان گواه می آوریم؛ و این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر هر چیزی و هدایت و رحمت ومژده ای برای تسلیم شدگان [به فرمان های

خدا] ست. (۸۹)

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِی الْقُرْبَی وَيَنْهَی عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (۹۰)

به راستی خدا به عدالت و احسان و بخشش به خویشاوندان فرمان می دهد، و از فحشا و منکر و ستم گری نهی می کند. شما را اندرز می دهد تا متذکّر [این حقیقت] شوید [که فرمان های الهی، ضامن سعادت دنیا و آخرت شماست.] (۹۰)

وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدتُّمْ وَلَا تَنقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ (۹۱)

و به پیمان خدا چون پیمان بستید، وفا کنید و سوگند را پس از محکم کردنش [به وسیله عزم و قصد قطعی] در حالی که خدا را بر خود ضامن و کفیل قرار داده اید، نشکنید؛ یقیناً خدا آنچه را انجام می دهید، می داند. (۹۱)

وَلَا تَكُونُوا كَالَّتِی نَقَضَتْ غَزْلَهَا مِن بَعْدِ قُوَّةٍ أَنكَاثًا تَتَّخِذُونَ أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ أَن تَكُونَ أُمَّةٌ هِیَ أَرْبَی مِنْ أُمَّةٍ إِنَّمَا يَبْلُوكُمُ اللَّهُ بِهِ وَلَيُبَيِّنَنَّ لَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ (۹۲)

و مانند آن [زنی] که پشم های تابیده خود را پس از استحکام و استواری وا می تابانید، نباشید که سوگندهایتان را میان خود به بهانه اینکه گروهی [چون مشرکان] از گروهی [چون مؤمنان] از نظر نفرات و امکانات افزون ترند، مایه خیانت و فساد قرار دهید [به این صورت که از روی تظاهر، مؤمنان را با سوگندهایتان دلخوش کنید که با آنان هستید، و در پشت پرده سوگندهایتان را بشکنید، و به خیال اینکه از ضربه های دشمن در امان بمانید، به دشمن بپیوندید] جز این نیست که خدا شما را به وسیله آن [نفرات اندک وافزونی نفرات دشمن] آزمایش می کند، و روز قیامت آنچه را [از حق و باطل] همواره در آن اختلاف می کردید، برای شما روشن می سازد. (۹۲)

وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِن يُضِلُّ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِی مَن يَشَاءُ وَلَتُسْأَلُنَّ عَمَّا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۹۳)

اگر خدا می خواست شما را [بر محور هدایت] یک امت قرار می داد [اماهدایت اجباری فاقد ارزش است]، ولی هر کس را بخواهد [به کیفر لجاجت وتکبّرش] گمراه می کند و هر کس را بخواهد هدایت می نماید؛ و مسلماً ازآنچه همواره انجام می دادید، بازپرسی خواهیدشد. (۹۳)

ص: ۲۷۷

وَلَا تَتَّخِذُوا أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ فَتَزِلَّ قَدَمٌ بَعْدَ ثُبُوتِهَا وَتَذُوقُوا السُّوءَ بِمَا صَدَدتُّمْ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَلَكُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۹۴)

و سوگندهایتان را میان خود مایه خیانت و فساد قرار ندهید که در نتیجه، قدمی پس از استواریش بلغزد؛ و به سبب آنکه مردم را از راه خدا بازداشتید [در این دنیا] سختی و ناگواری بچشید، و برای شما [در آخرت] عذابی بزرگ باشد. (۹۴)

وَلَا تَشْتَرُوا بِعَهْدِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا إِنَّمَا عِندَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ (۹۵)

و پیمان خدا را به بهایی اندک نفروشید؛ زیرا آنچه نزد خداست، برای شما بهتر است، اگر بدانید [که ارزش وفای به پیمان خدا قابل مقایسه با همه دنیا نیست.] (۹۵)

مَا عِندَكُمْ يَنفَدُ وَمَا عِندَ اللَّهِ بَاقٍ وَلَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُم بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۹۶)

آنچه [از ثروت و مال] نزد شماست، فانی می شود و آنچه [از پاداش و ثواب] نزد خداست، باقی می ماند، و قطعاً آنان که [برای دینشان] شکیبایی ورزیدند، پاداششان را بر پایه بهترین عملی که همواره انجام می داده اند، می دهیم. (۹۶)

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّن ذَكَرٍ أَوْ أُنثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُم بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۹۷)

از مرد و زن، هر کس کار شایسته انجام دهد در حالی که مؤمن است، مسلماً او را به زندگی پاک و پاکیزه ای زنده می داریم و پاداششان را بر پایه بهترین عملی که همواره انجام می داده اند، می دهیم. (۹۷)

فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ (۹۸)

پس هنگامی که قرآن می خوانی از شیطان رانده شده به خدا پناه ببر. (۹۸)

إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ (۹۹)

یقیناً او بر کسانی که ایمان آورده اند وهمواره بر پروردگارشان توکل می کنند، تسلّطی ندارد. (۹۹)

إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ هُم بِهِ مُشْرِكُونَ (۱۰۰)

تسلّطش فقط بر کسانی است که او را سرپرست و دوست خود گرفته اند و بر کسانی است که [به وسیله اغواگری او] برای خدا شریک قرار داده اند. (۱۰۰)

وَإِذَا بَدَّلْنَا آيَةً مَّكَانَ آيَةٍ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُنَزِّلُ قَالُوا إِنَّمَا أَنتَ مُفْتَرٍ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۱۰۱)

و هنگامی که آیه ای را [که در بردارنده حکم جدیدی است] جایگزین آیه دیگر می کنیم، در حالی که خدا به آنچه نازل می کند داناتر است، مخالفان می گویند: تو فقط [بر خدا] دروغ می بندی!! [چنین نیست که می گویند] بلکه بیشترشان [اسرار تبدیلِ احکام را] نمی دانند. (۱۰۱)

قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِن رَّبِّكَ بِالْحَقِّ لِيُثَبِّتَ الَّذِينَ آمَنُوا وَهُدًى وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ (۱۰۲)

بگو: آن [آیات] را روح القدس از سوی پروردگارت به درستی و راستی نازل کرده تا کسانی را که ایمان آورده اند، ثابت قدم بدارد و برای تسلیم شدگان [به فرمان های حق] هدایت و مژده باشد. (۱۰۲)

وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّمَا يُعَلِّمُهُ بَشَرٌ لِّسَانُ الَّذِی يُلْحِدُونَ إِلَيْهِ أَعْجَمِیٌّ وَهَذَا لِسَانٌ عَرَبِیٌّ مُّبِينٌ (۱۰۳)

و ما می دانیم که آنان می گویند: یقیناً این آیات را بشری به او می آموزد!! [چنین نیست که می گویند، زیرا] زبان کسی که [آموختن قرآن را به پیامبر] به او نسبت می دهید، غیر عربی است و این قرآن به زبان عربی فصیح و روشن است. (۱۰۳)

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ لَا يَهْدِيهِمُ اللَّهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱۰۴)

قطعاً کسانی که به آیات خدا ایمان ندارند، خدا هدایتشان نمی کند، و برای آنان عذابی دردناک است. (۱۰۴)

إِنَّمَا يَفْتَرِی الْكَذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْكَاذِبُونَ (۱۰۵)

فقط کسانی [به خدا و پیامبر] دروغ می بندند که به آیات خدا ایمان ندارند، و اینانند که دروغگوی واقعی اند. (۱۰۵)

مَن كَفَرَ بِاللَّهِ مِن بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أُكْرِهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ وَلَكِن مَّن شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِّنَ اللَّهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۱۰۶)

هر کس پس از ایمان آوردنش به خدا کافر شود [به عذاب خدا گرفتار آید]؛ مگر کسی که به کفر مجبور شده [امّا] دلش مطمئن به ایمان است، ولی آنان که سینه برای پذیرفتن کفر گشاده اند، خشمی سخت از سوی خدا بر آنان است و آنان را عذابی بزرگ خواهد بود. (۱۰۶)

ذَلِكَ بِأَنَّهُمُ اسْتَحَبُّوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِی الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ (۱۰۷)

این [خشم و عذاب بزرگ] به سبب آن است که زندگی دنیا [یِ زودگذر] را بر آخرت ترجیح دادند، و مسلماً خدا مردم کفر پیشه را هدایت نمی کند. (۱۰۷)

أُولَئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَسَمْعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ (۱۰۸)

اینان کسانی هستند که خدا بر دل و گوش و چشمشان مُهر [شقاوت] زده، و اینان بی خبران واقعی اند. (۱۰۸)

لَا جَرَمَ أَنَّهُمْ فِی الْآخِرَةِ هُمُ الْخَاسِرُونَ (۱۰۹)

ثابت و یقینی است که آنان در آخرت زیانکارند. (۱۰۹)

ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ هَاجَرُوا مِن بَعْدِ مَا فُتِنُوا ثُمَّ جَاهَدُوا وَصَبَرُوا إِنَّ رَبَّكَ مِن بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱۱۰)

آن گاه یقیناً پروردگارت نسبت به کسانی که پس از آزار دیدنِ [از مشرکان، سرزمین شرک را رها کرده] هجرت نمودند، سپس جهاد کردند، و [برای حفظ دینشان] شکیبایی ورزیدند، آری، پروردگارت [نسبت به آنان] پس از این [همه بلا] بسیار آمرزنده و مهربان است. (۱۱۰)

يَوْمَ تَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ تُجَادِلُ عَن نَّفْسِهَا وَتُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (۱۱۱)

[یاد کن] روزی را که هر کس [به پیشگاه حق] می آید [برای مصون ماندنش از عذاب] از خود دفاع می کند و هر کس هر عملی انجام داده است [همه آن] به طور کامل به او داده می شود و مورد ستم قرار نخواهند گرفت. (۱۱۱)

وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُّطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّن كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ (۱۱۲)

و خدا [برای پندآموزی به ناسپاسان] مَثَلی زده است: شهری را که امنیت و آسایش داشت و رزق و روزیِ [مردمش] به فراوانی از همه جا برایش می آمد، پس نعمت خدا را ناسپاسی کردند، در نتیجه خدا به کیفر اعمالی که همواره مرتکب می شدند، بلای گرسنگی و ترس فراگیر را به آنان چشانید. (۱۱۲)

وَلَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِّنْهُمْ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ وَهُمْ ظَالِمُونَ (۱۱۳)

و همانا پیامبری از خود آنان برای [هدایت] شان آمد، ولی او را تکذیب کردند، پس عذاب [خدا] آنان را در حالی که ستمکار بودند، فراگرفت. (۱۱۳)

فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاشْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ (۱۱۴)

از نعمت هایی که خدا روزی شما کرده است، حلال وپاکیزه بخورید، و نعمت خدا را سپاس گزارید، اگر تنها خدا را می پرستید. (۱۱۴)

إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنزِيرِ وَمَا أُهِلَّ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ فَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱۱۵)

خدا فقط مردار وخون و گوشت خوك و آنچه را با نام غیر خدا ذبح کرده اند، بر شما حرام کرده است؛ پس کسی که [برای نجات جانش از خطر، به خوردن آنها] ناچار شود در حالی که خواهان لذت نباشد و از حد لازم تجاوز نکند [گناهی بر او نیست] یقیناً خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (۱۱۵)

وَلَا تَقُولُوا لِمَا تَصِفُ أَلْسِنَتُكُمُ الْكَذِبَ هَذَا حَلَالٌ وَهَذَا حَرَامٌ لِّتَفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ (۱۱۶)

و به سبب دروغی که زبانتان گویای به آن است، نگویید: این حلال است و این حرام، تا به دروغ به خدا افترا بزنید [که این حلال و حرام حکم خداست]؛ مسلماً کسانی که به خدا دروغ می بندند، رستگار نخواهند شد. (۱۱۶)

مَتَاعٌ قَلِيلٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱۱۷)

[با این کارهای زشت] بهره و برخورداری اندکی [در زندگی دنیا دارند] و برای آنان [در قیامت] عذابی دردناک است. (۱۱۷)

وَعَلَی الَّذِینَ هَادُوا حَرَّمْنَا مَا قَصَصْنَا عَلَیْکَ مِن قَبْلُ وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَکِن کَانُوا أَنفُسَهُمْ یَظْلِمُونَ (۱۱۸)

و آنچه را پیش از این برای تو شرح دادیم، بر یهود حرام کردیم، ما به آنان ستم نورزیدیم، بلکه آنان خودشان به خود ستم می کردند. (۱۱۸)

ثُمَّ إِنَّ رَبَّکَ لِلَّذِینَ عَمِلُوا السُّوءَ بِجَهَالَهٍ ثُمَّ تَابُوا مِن بَعْدِ ذَلِکَ وَأَصْلَحُوا إِنَّ رَبَّکَ مِن بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَّحِیمٌ (۱۱۹)

آن گاه پروردگارت به کسانی که از روی نادانی کار زشت مرتکب شدند، و بعد از آن توبه کردند و [مفاسد خود را] اصلاح نمودند، [لطف و عنایت دارد] زیرا پروردگارت پس از آن [توبه و اصلاح] بسیار آمرزنده و مهربان است. (۱۱۹)

إِنَّ إِبْرَاهِیمَ کَانَ أُمَّهً قَانِتًا لِّلَّهِ حَنِیفًا وَلَمْ یَکُ مِنَ الْمُشْرِکِینَ (۱۲۰)

بدون تردید، ابراهیم [به تنهایی] یک امت بود، برای خدا از روی فروتنی فرمانبردار و [یکتاپرستی] حق گرا بود واز مشرکان نبود. (۱۲۰)

شَاکِرًا لِّأَنْعُمِهِ اجْتَبَاهُ وَهَدَاهُ إِلَی صِرَاطٍ مُّسْتَقِیمٍ (۱۲۱)

سپاس گزار نعمت های او بود، خدا او را برگزید وبه راهی راست راهنمایی اش کرد. (۱۲۱)

وَآتَیْنَاهُ فِی الْدُّنْیَا حَسَنَهً وَإِنَّهُ فِی الْآخِرَهِ لَمِنَ الصَّالِحِینَ (۱۲۲)

و به او در دنیا [زندگی نیکویی] دادیم، و بی تردید در آخرت از شایستگان است. (۱۲۲)

ثُمَّ أَوْحَیْنَا إِلَیْکَ أَنِ اتَّبِعْ مِلَّهَ إِبْرَاهِیمَ حَنِیفًا وَمَا کَانَ مِنَ الْمُشْرِکِینَ (۱۲۳)

آن گاه به تو وحی کردیم که از آیین [یکتاپرستیِ] ابراهیم حق گرا پیروی کن که از مشرکان نبود. (۱۲۳)

إِنَّمَا جُعِلَ السَّبْتُ عَلَی الَّذِینَ اخْتَلَفُوا فِیهِ وَإِنَّ رَبَّکَ لَیَحْکُمُ بَیْنَهُمْ یَوْمَ الْقِیَامَهِ فِیمَا کَانُوا فِیهِ یَخْتَلِفُونَ (۱۲۴)

[تحریم ماهی گیری در] روز شنبه فقط برای کسانی که در آن [از نظر آزادی و ممنوعیت کار] اختلاف کردند، قرار داده شده است، و بی تردید پروردگارت در روز قیامت درباره آنچه در آن اختلاف می کردند، داوری خواهد کرد. (۱۲۴)

ادْعُ إِلَی سَبِیلِ رَبِّکَ بِالْحِکْمَهِ وَالْمَوْعِظَهِ الْحَسَنَهِ وَجَادِلْهُم بِالَّتِی هِیَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّکَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَن ضَلَّ عَن سَبِیلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِینَ (۱۲۵)

[مردم را] با حکمت و انـدرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن، و با آنان به نیکوترین شـیوه به بحث [و مجادله] بپرداز، یقیناً پروردگارت به کسانی که از راه او گمراه شده اند و نیز به راه یافتگان داناتر است. (۱۲۵)

وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُم بِهِ وَلَئِن صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِّلصَّابِرِينَ (۱۲۶)

و اگر [ستم گر را] مجازات کردیـد، پس فقط بهماننـد ستمی که به شـما شـده مجازات کنیـد، و اگر شـکیبایی ورزیـد [و از مجازات کردن بگذرید] این کار برای شکیبایان بهتر است. (۱۲۶)

وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ (۱۲۷)

و شـکیبایی کـن، و شـکیبایی تـو جز به توفیـق خـدا نیست، و بر [گمراهی و ضـلالت] آنـان [و کارهـایی که انجـام می دهنـد] اندوهگین مباش، و از نیرنگی که همواره به کار می گیرند، دلتنگ مشو. (۱۲۷)

إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوا وَّالَّذِينَ هُم مُّحْسِنُونَ (۱۲۸)

بی تردید خدا با کسانی که پرهیزکاری پیشه کردند و کسانی که [از هر جهت] نیکوکارند می باشد. (۱۲۸)

ص: ۲۸۱

جزء ۱۵

سوره الإسراء

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سُبْحَانَ الَّذِى أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِى بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ (۱)

منزّه و پاک است آن [خدایی] که شبی بنده اش] محمّد (صلی الله علیه وآله وسلم)] را از مسجدالحرام به مسجد الاقصی که پیرامونش را برکت دادیم، سیر [و حرکت] داد، تـا [بخشـی] از نشـانه هایِ [عظمت و قـدرت [خود را به او نشان دهیم؛ یقیناً او شنوا و داناست. (۱)

وَآتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِى إِسْرَائِيلَ أَلَّا تَتَّخِذُوا مِن دُونِى وَكِيلًا (۲)

و مـا بـه موسـی کتـاب دادیـم و آن را برای بنی اسرائیل وسـیله هـدایت قرار دادیـم [و در آن کتـاب، آنـان را بـه ایـن حقیقت راهنمایی کردیم] که جز مرا [که خدای یگانه ام] وکیل و کار ساز نگیرید. (۲)

ذُرِّيَّةَ مَنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا (۳)

[ای] نسل کسانی که با نوح [در کشتی] سوار کردیم! مسلماً او بنده ای بسـیار سپاس گزار بود [پس شما هم چون او با عمل به

فرمان های حق سپاس گزار باشید.] (۳)

وَقَضَيْنَا إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا (۴)

ما در تورات به بنی اسرائیل خبر دادیم که قطعاً دو بار در زمین فساد می کنید و [در برابر طاعت خدا] به سرکشی و طغیان [و نسبت به مردم به برتری جویی و ستمی] بزرگ دچار می شوید. (۴)

فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَّنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا (۵)

پس هنگامی که [زمان ظهور] وعده [عذاب و انتقام ما به کیفر] نخستین فسادانگیزی و طغیان شما فرا رسد، بندگان سخت پیکار ونیرومند خود را بر ضد شما برانگیزیم، آنان [برای کشتن، اسیر کردن و ربودن ثروت و اموالتان] لابه لای خانه ها را [به طور کامل و با دقت] جستجو می کنند؛ و یقیناً این وعده ای انجام شدنی است. (۵)

ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُم بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا (۶)

سپس پیروزی بر آنان را به شما باز می گردانیم و شما را به وسیله اموال و فرزندان تقویت می کنیم، و نفرات [رزمی] شما را بیشتر می گردانیم. (۶)

إِنْ أَحْسَنتُمْ أَحْسَنتُمْ لِأَنفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُوءُوا وُجُوهَكُمْ وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَلِيُتَبِّرُوا مَا عَلَوْا تَتْبِيرًا (۷)

اگر نیکی کنید به خود نیکی کرده اید، و اگر بدی کنید به خود بدی کرده اید. پس هنگامی که [زمان ظهور] وعده دوم [برای عذاب و انتقام] فرا رسد، [پیکارگرانی بسیار سخت گیر بر ضد شما برمی انگیزیم] تا شما را [با دچار کردن به مصایب سنگین و گزند و آسیب فراوان] غصه دار و اندوهگین کنند و به مسجد [الاقصی] درآیند، آن گونه که بار اول درآمدند تا هر که و هر چه را دست یابند، به شدت در هم کوبند و نابود کنند. (۷)

ص: ۲۸۲

عَسَى رَبُّكُمْ أَن يَرْحَمَكُمْ وَإِنْ عُدتُّمْ عُدْنَا وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا (۸)

امید است که پروردگارتان [در صورتی که توبه کنید] به شما رحم کند و اگر به طغیان و فساد برگردید، ما هم [به کیفر شدید و عذاب سخت] بازگردیم، و دوزخ را برای کافران، زندانی تنگ قرار دادیم. (۸)

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا (۹)

بی تردید این قرآن به استوارترین آیین هدایت می کند، و به مؤمنانی که کارهای شایسته انجام می دهند، مژده می دهد که برای آنان پاداشی بزرگ است. (۹)

وَأَنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَهِ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا (۱۰)

و برای آنان که به قیامت ایمان نمی آورند، عذابی دردناک آماده کرده ایم. (۱۰)

وَيَدْعُ الْإِنسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنسَانُ عَجُولًا (۱۱)

و انسان به همان صورت که نیکی ها را می طلبد [بدون توجه به عواقب امور و به سبب جهل به مصالح و مفاسد خویش، گزند و آسیب و] بدی ها را می طلبد و انسان بسیار شتاب زده و عجول است. (۱۱)

وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَتَيْنِ فَمَحَوْنَا آيَهَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَهَ النَّهَارِ مُبْصِرَهً لِّتَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ وَلِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ وَكُلَّ شَيْءٍ فَصَّلْنَاهُ تَفْصِيلًا (۱۲)

ما شب و روز را دو نشانه [قدرت و حکمت خود] قرار دادیم؛ پس شب را بی نور نمودیم و روز را روشن ساختیم، تا [در آن] روزی و رزقی را از پروردگارتان بطلبید و برای اینکه شماره سال ها و حساب [اوقات و زمان ها] را بدانید، و هر چیزی را [که نسبت به دنیا و دینتان و تربیت و کمالتان نیازمند به آن هستید] به روشنی و به طور کامل بیان کردیم. (۱۲)

وَكُلَّ إِنسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَهِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنشُورًا (۱۳)

و عمل هر انسانی را برای همیشه ملازم او نموده ایم، و روز قیامت نوشته ای را [که کتاب عمل اوست] برای او بیرون می آوریم که آن را پیش رویش گشوده می بیند. (۱۳)

اقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَى بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا (۱۴)

[به او می گویند:] کتاب خود را بخوان، کافی است که امروز خودت بر خود حسابگر باشی. (۱۴)

مَّنِ اهْتَدَى فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَن ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَهٌ وِزْرَ أُخْرَى وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا (۱۵)

هر کس هدایت یافت، فقط به سود خودش هدایت می یابد و هر کس گمراه شد، فقط به زیان خودش گمراه می شود. و هیچ بردارنده بار گناهی بار گناه دیگری را به دوش خود بر نمی دارد؛ و ما بدون اینکه پیامبری را [برای هدایت واتمام حجت به سوی مردم] بفرستیم، عذاب کننده [آنان] نبودیم. (۱۵)

وَإِذَا أَرَدْنَا أَن نُّهْلِكَ قَرْيَهً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا (۱۶)

هنگامی که بخواهیم شهر و دیاری را نابود کنیم، مرفّهین و خوش گذران هایش را [به وسیله وحی به طاعت، بندگی و دوری از گناه] فرمان می دهیم، چون [سرپیچی کنند و] در آن شهر به فسق و فجور روی آورند، عذاب بر آنان لازم و حتم می شود، پس آنان را به شدت درهم می کوبیم [و بنیادشان را از ریشه بر کنیم.] (۱۶)

وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنَ الْقُرُونِ مِن بَعْدِ نُوحٍ وَكَفَى بِرَبِّكَ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا (١٧)

و بسیاری از ملت های پس از نوح را [بر پایه همین روش به سبب فسق و فجورشان] نابود کردیم، و [برای نابود کردن این گونه ملت ها] کافی است که پروردگارت به گناهان بندگانش آگاه و بینا باشد. (١٧)

مَّن كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَّلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَن نُّرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلَاهَا مَذْمُومًا مَّدْحُورًا (١٨)

هر کس [همواره] دنیای زودگذر را بخواهد [چنین نیست که هر چه بخواهد بیابد بلکه] هر چه را ما برای هر که بخواهیم، به سرعت در همین دنیا به او عطا می کنیم، آن گاه دوزخ را در حالی که نکوهیده و رانده شده از رحمت خدا وارد آن می شود، برای او قرار می دهیم. (١٨)

وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَى لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ كَانَ سَعْيُهُم مَّشْكُورًا (١٩)

و کسانی که آخرت را در حالی که مؤمن هستند بخواهند و با تلاشی کامل [و خالصانه] برای [به دست آوردن] آن تلاش کنند، پس تلاششان به نیکی مقبول افتد [و به آن پاداششان دهند.] (١٩)

كُلًّا نُّمِدُّ هَؤُلَاءِ وَهَؤُلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا (٢٠)

هر یک از دو گروه دنیا طلب و آخرت خواه را [در این دنیا] از عطای پروردگارت یاری دهیم، وعطای پروردگارت [در این دنیا از کسی] ممنوع شدنی نیست. (٢٠)

انظُرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَلَلْآخِرَةُ أَكْبَرُ دَرَجَاتٍ وَأَكْبَرُ تَفْضِيلًا (٢١)

با تأمل بنگر چگونه برخی از آنان را بر برخی [در امور مادی و بهره های دنیایی] فزونی بخشیدیم، و همانا آخرت از نظر درجات برتر، و از جهت فزونی بیشتر است. (٢١)

لَّا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَقْعُدَ مَذْمُومًا مَّخْذُولًا (٢٢)

با خدا معبودی دیگر قرار مده که [نزد شایستگان] نکوهیده و [در دنیا و آخرت] بی یار و یاور شوی. (٢٢)

وَقَضَى رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِندَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُل لَّهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُل لَّهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا (٢٣)

و پروردگارت فرمان قاطع داده است که جز او را نپرستید، و به پدر و مادر نیکی کنید؛ هرگاه یکی از آنان یا دو نفرشان در کنارت به پیری رسند [چنانچه تو را به ستوه آورند] به آنان اُف مگوی و بر آنان [بانگ مزن و] پرخاش مکن، و به آنان سخنی

نرم و شایسته [و بزرگوارانه] بگو. (۲۳)

وَاخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَهِ وَقُل رَّبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِی صَغِيرًا (۲۴)

و برای هر دو از روی مهر و محبت، بال فروتنی فرود آر و بگو: پروردگارا! آنان را به پاس آنکه مرا در کودکی تربیت کردند، مورد رحمت قرار ده. (۲۴)

رَّبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا فِی نُفُوسِكُمْ إِن تَكُونُوا صَالِحِينَ فَإِنَّهُ كَانَ لِلْأَوَّابِينَ غَفُورًا (۲۵)

پروردگارتـان به نیّت ها و حالاتی که [نسبت به پـدر و مادرتان] در دل های شـماست [از خود شـما] آگاه تر است، اگر مردم شایسته ای باشید [ولی نیّت شما درباره پدر و مادر ناپسند باشد، یا حقّی از آنان ضایع کنید، اما پشیمان شوید و به خدا بازگردید، شایسته است]؛ زیرا او نسبت به بازگشت کنندگان بسیار آمرزنده است. (۲۵)

وَآتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا (۲۶)

و حقّ خویشاوندان و حقّ تهیدست و از راه مانده را بپرداز، و هیچ گونه اسراف و ولخرجی مکن. (۲۶)

إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا (۲۷)

بی تردید اسراف کنندگان و ولخرجان، برادران شیاطین اند، و شیطان همواره نسبت به پروردگارش بسیار ناسپاس است. (۲۷)

ص: ۲۸۴

وَإِمَّا تُعْرِضَنَّ عَنْهُمُ ابْتِغَاءَ رَحْمَهٍ مِّن رَّبِّكَ تَرْجُوهَا فَقُل لَّهُمْ قَوْلًا مَّيْسُورًا (۲۸)

و اگر [به خاطر تهیدستی و فقر] باید از آنان [که به پرداخت حقّشان سفارش شدی] روی بگردانی [و این روی گردانی] برای طلب رزقی است که از سوی پروردگارت رسیدن به آن را امید داری؛ پس با آنان [تا رسیدن رزق خدا] سخنی نرم و امیدوار کننده بگو. (۲۸)

وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَهً إِلَى عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا (۲۹)

و دستت را بخیلانه بسته مدار [که از انفاق در راه خدا باز مانی] و به طور کامل هم [در انفاق] دست و دل باز مباش [که چیزی برای معاش خودت باقی نماند] که در نهایت [نزد شایستگان] نکوهیده [و در زندگی خود] درمانده گردی. (۲۹)

إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا (۳۰)

یقیناً پروردگارت رزق را برای هر که بخواهد وسعت می دهد، و [برای هر که بخواهد] تنگ می گیرد؛ زیرا او به [مصلحت] بندگانش آگاه و بیناست. (۳۰)

وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَّحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْئًا كَبِيرًا (۳۱)

فرزندانتان را از بیم تنگدستی نکشید؛ ما به آنان و شما روزی می دهیم، یقیناً کشتن آنان گناهی بزرگ است. (۳۱)

وَلَا تَقْرَبُوا الزِّنَا إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا (۳۲)

و نزدیک زنا نشوید که کاری بسیار زشت و راهی بد است. (۳۲)

وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَن قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لِوَلِيِّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِف فِّي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنصُورًا (۳۳)

و کسی را که خدا کشتنش را حرام کرده [و به جانش حرمت نهاده] جز به حق نکشید، و هر کس مظلوم [و به ناحق] کشته شود، برای وارثش تسلّطی بر قاتل [جهت خونخواهی، دیه و عفو] قرار داده ایم، پس وارث مقتول نباید در کشتن زیاده روی کند؛ زیرا او [با قوانین صحیح و درستی چون دیه و قصاص] مورد حمایت قرار گرفته است. (۳۳)

وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّى يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا (۳۴)

و به مال یتیم تا زمانی که به سنّ بلوغ و رشدش برسد، جز به بهترین شیوه نزدیک نشوید؛ و به عهد و پیمان وفا کنید، زیرا [روز قیامت] درباره پیمان بازخواست خواهد شد. (۳۴)

وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا (۳۵)

و هنگامی که [جنسی را] پیمانه می کنید، پیمانه را کامل بدهید، و [اجناس قابل وزن را] با ترازوی درست و صحیح وزن کنید، این برای شما بهتر و فرجامش نیکوتر است. (۳۵)

وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا (۳۶)

و از چیزی که به آن علم نداری [بلکه برگرفته از شنیده ها، ساده نگری ها، خیالات و اوهام است] پیروی مکن؛ زیرا گوش و چشم و دل [که ابزار علم و شناخت واقعی اند] موردِ بازخواست اند. (۳۶)

وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَن تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَن تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا (۳۷)

و در زمین، با تکبر و سرمستی راه مرو که تو هرگز نمی توانی [با قدم هایت] زمین را بشکافی، و هرگز در بلندی قامت نمی توانی به کوه ها برسی. (۳۷)

كُلُّ ذَلِكَ كَانَ سَيِّئُهُ عِندَ رَبِّكَ مَكْرُوهًا (۳۸)

همه این دستورات و فرمان هایی که [در آیات گذشته بیان شد، سرپیچی از آنها] گناهش نزد پروردگارت ناپسند است. (۳۸)

ذَلِکَ مِمَّا أَوْحَی إِلَیْکَ رَبُّکَ مِنَ الْحِکْمَهِ وَلَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتُلْقَی فِی جَهَنَّمَ مَلُومًا مَّدْحُورًا (۳۹)

این [احکام و مطالب] از حکمت هایی است که پروردگارت به تو وحی کرده است، و با خدا معبودی دیگر قرار مده که نکوهیده و رانده [شده از رحمت] در دوزخ افکنده شوی. (۳۹)

أَفَأَصْفَاکُمْ رَبُّکُم بِالْبَنِینَ وَاتَّخَذَ مِنَ الْمَلَائِکَهِ إِنَاثًا إِنَّکُمْ لَتَقُولُونَ قَوْلًا عَظِیمًا (۴۰)

[ای مشرکان!] آیا پروردگارتان [با ترجیح دادن شما بر خود] شما را به [دارا بودن] پسران، برگزیده و برای خود از فرشتگان، دخترانی برگرفته؟ یقیناً [از روی دروغ و اتهام] سخنی بزرگ [و ناروا] می گویید. (۴۰)

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِی هَذَا الْقُرْآنِ لِیَذَّکَّرُوا وَمَا یَزِیدُهُمْ إِلَّا نُفُورًا (۴۱)

به راستی در این قرآن [داستان ها، حکمت ها و موعظه های] گوناگون بیان کردیم تا متذکّر و هوشیار شوند؛ ولی آنان را جز رمیدن نمی افزاید. (۴۱)

قُل لَّوْ کَانَ مَعَهُ آلِهَهٌ کَمَا یَقُولُونَ إِذًا لَّابْتَغَوْا إِلَی ذِی الْعَرْشِ سَبِیلًا (۴۲)

بگو: اگر آن گونه که می گویند، باخدا خدایانی بود، در آن هنگام به سوی صاحب عرش راهی می جستند [تا قدرتش را تصاحب کنند.] (۴۲)

سُبْحَانَهُ وَتَعَالَی عَمَّا یَقُولُونَ عُلُوًّا کَبِیرًا (۴۳)

او از آنچه می گویند، منزّه و بسیار برتر و والاتر است. (۴۳)

تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَن فِیهِنَّ وَإِن مِّن شَیْءٍ إِلَّا یُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَکِن لَّا تَفْقَهُونَ تَسْبِیحَهُمْ إِنَّهُ کَانَ حَلِیمًا غَفُورًا (۴۴)

آسمان های هفتگانه و زمین و هر کس که در آنهاست، او را تسبیح می گویند، وهیچ چیزی نیست مگر اینکه همراه با ستایش، تسبیح او می گوید، ولی شما تسبیح آنها را نمی فهمید، یقیناً او بردبار و بسیار آمرزنده است. (۴۴)

وَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَیْنَکَ وَبَیْنَ الَّذِینَ لَا یُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَهِ حِجَابًا مَّسْتُورًا (۴۵)

و هنگامی که قرآن بخوانی، میان تو و آنان که به آخرت ایمان ندارند، پرده ای نامریی قرار می دهیم [که به سزای لجاجت و کفرشان از فهم آن محروم شوند.] (۴۵)

وَجَعَلْنَا عَلَی قُلُوبِهِمْ أَکِنَّهً أَن یَفْقَهُوهُ وَفِی آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِذَا ذَکَرْتَ رَبَّکَ فِی الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَّوْا عَلَی أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا (۴۶)

و بر دل هایشـان پوشـش هـایی می گـذاریم تـا آن را نفهمنـد و در گوش هایشـان سـنگینی می نهیم [تا آن را از روی حقیقت نشنوند]؛ و چون پروردگارت را در قرآن به یگانگی یاد کنی با حالت رمیدگی از تو روی می گردانند. (۴۶)

نَّحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَسْتَمِعُونَ بِهِ إِذْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْکَ وَإِذْ هُمْ نَجْوَى إِذْ يَقُولُ الظَّالِمُونَ إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَّسْحُورًا (۴۷)

هنگامی که [وقت قرآن خوانـدنت] به تو گوش می دهنـد، ما به هدفی که برای آن گوش می دهند داناتریم، و نیز هنگامی که رازگویی می کنند [به کارشان آگاه تریم] آن زمان که [آن] سـتم گران [به یکدیگر] می گویند: شـما [اگر از او پیروی کنید] جز از مردی جادو شده پیروی نمی کنید. (۴۷)

انظُرْ کَيْفَ ضَرَبُوا لَکَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا (۴۸)

بنگر چگونه تو را به صـفاتی [چون شـاعر، کـاهن، سـاحر و مجنون] وصف می کننـد در نـتیجه گمراه شدنـد، بنـابراین قـدرت ندارند راهی [به سوی هدایت] یابند. (۴۸)

وَقَالُوا أَإِذَا کُنَّا عِظَامًا وَرُفَاتًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا (۴۹)

و گفتند؛ هنگامی که ما اسـتخوان [هایی جدا از هم و ریز ریز] و پوسـیده شدیم، آیا به طور قطع در آفرینشـی جدید برانگیخته می شویم؟! (۴۹)

ص: ۲۸۶

قُلْ کُونُوا حِجَارَةً أَوْ حَدِيدًا (۵۰)

بگو: [اینکه سهل و آسان است] شما سنگ شوید یا آهن، (۵۰)

أَوْ خَلْقًا مِّمَّا يَکْبُرُ فِي صُدُورِکُمْ فَسَيَقُولُونَ مَن يُعِيدُنَا قُلِ الَّذِی فَطَرَکُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ فَسَيُنْغِضُونَ إِلَيْکَ رُءُوسَهُمْ وَيَقُولُونَ مَتَى هُوَ قُلْ عَسَى أَن يَکُونَ قَرِيبًا (۵۱)

یا آفریـده ای از آنچه در ذهنتان [حیات یافتنش] سـخت و دشوار می آید [بدون تردید با آفرینشـی جدید برانگیخته می شوید] بی درنگ خواهند گفت: چه کسـی ما را بر می گرداند؟ بگو: همان کسـی که اولین بار شما را آفرید. پس سرهای خود را [به عنوان ریشـخند و اسـتهزا] به سوی تو می جنباننـد و می گوینـد: [این زنـده شـدن دوباره] چه زمانی خواهـد بود؟ بگو: چه بسـا نزدیک باشد. (۵۱)

يَوْمَ يَدْعُوکُمْ فَتَسْتَجِيبُونَ بِحَمْدِهِ وَتَظُنُّونَ إِن لَّبِثْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا (۵۲)

روزی که شـما را [از میان گورها برای ورود به عرصه قیامت] فرا می خواند، پس [فرا خواندنش را] در حالی که او را سپاس و ستایش می گویید، اجابت می کنید، و گمان می برید که [در دنیا یا در برزخ] جز اندکی درنگ نکرده اید. (۵۲)

وَقُل لِّعِبَادِی يَقُولُوا الَّتِی هِیَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنزَغُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا (۵۳)

و به بندگانم بگو: سخنی را که نیکوتر است، بگویند؛ زیرا شیطان میان آنان [به سبب سخنان زشت و بی منطق] دشمنی و نزاع می افکند، زیرا شیطان همواره برای انسان دشمنی آشکار است. (۵۳)

رَّبُّكُمْ أَعْلَمُ بِكُمْ إِن يَشَأْ يَرْحَمْكُمْ أَوْ إِن يَشَأْ يُعَذِّبْكُمْ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ وَكِيلًا (۵۴)

پروردگارتان به شما داناتر است، اگر بخواهد شما را مورد رحمت قرار می دهد و اگر بخواهد عذابتان می کند. و ما تو را بر آنان نگهبان و کارساز نفرستاده ایم. (۵۴)

وَرَبُّكَ أَعْلَمُ بِمَن فِی السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّينَ عَلَی بَعْضٍ وَآتَيْنَا دَاوُودَ زَبُورًا (۵۵)

و پروردگارت به هر که [و هر چه] در آسمان ها و زمین است، داناتر است. و به یقین برخی از پیامبران را بر برخی دیگر برتری دادیم وبه داود زبور عطا کردیم. (۵۵)

قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُم مِّن دُونِهِ فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضُّرِّ عَنكُمْ وَلَا تَحْوِيلًا (۵۶)

بگو: کسانی را که به جای خدا [معبودان خود] پنداشتید، [بخوانید تا بفهمید که] آنها نمی توانند آسیب و گزندی را از شما دفع کنند، و نه [آن را از شما به دیگری] انتقال دهند. (۵۶)

أُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَی رَبِّهِمُ الْوَسِيلَهَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحْذُورًا (۵۷)

کسانی [از فرشتگان، پریان و ارواح را] که آنان [به عنوان معبود] می پرستند [خود آنان برای رفع نیازمندی هایشان] به سوی پروردگارشان وسیله می جویند، تا کدامشان نزدیک تر باشد، و به رحمت او امید دارند، و از عذابش می ترسند؛ زیرا عذاب پروردگارت شایسته پرهیز است. (۵۷)

وَإِن مِّن قَرْيَهٍ إِلَّا نَحْنُ مُهْلِكُوهَا قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَهِ أَوْ مُعَذِّبُوهَا عَذَابًا شَدِيدًا كَانَ ذَلِكَ فِی الْكِتَابِ مَسْطُورًا (۵۸)

هیچ شهری [از شهرهای یاغیان و مفسدان] نیست مگر آنکه آن را پیش از قیامت [به عذاب] نابود می کنیم یا به عذابی سخت دچار می سازیم. انجام این کار در کتاب [لوح محفوظ] نگاشته شده است. (۵۸)

ص: ۲۸۷

وَمَا مَنَعَنَا أَن نُّرْسِلَ بِالْآيَاتِ إِلَّا أَن كَذَّبَ بِهَا الْأَوَّلُونَ وَآتَيْنَا ثَمُودَ النَّاقَهَ مُبْصِرَهً فَظَلَمُوا بِهَا وَمَا نُرْسِلُ بِالْآيَاتِ إِلَّا تَخْوِيفًا (۵۹)

و [ای پیامبر!] هیچ چیز، ما را از فرستادن معجزات [که همواره مشرکان و کافران خواهانِ آنند] باز نداشت جز اینکه پیشینیان، آن معجزات را تکذیب کردند [و به این سبب نابود شدند؛ واینان هم اگر به سویشان آید، تکذیب می کنند ونابود می شوند.]

و به قوم ثمود [ازلابلای سنگ های کوه] ناقه دادیم که معجزه ای روشن بود، ولی به آن ستم کردند [و او را از پا درآوردند وبه عذاب مبتلا شدند] و ما معجزات را جز برای هشدار دادن به مردم نمی فرستیم. (۵۹)

وَإِذْ قُلْنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطَ بِالنَّاسِ وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِّلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ وَنُخَوِّفُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا (۶۰)

و [یاد کن] هنگامی را که به تو گفتیم: یقیناً پروردگارت [از هر جهت] به مردم احاطه کامل دارد و آن خوابی را که به تو نشان دادیم و نیز درخت لعنت شده در قرآن را [که مصداقش درخت زقّوم، بنی امیه، طاغیان و یاغیانند] جز برای آزمایش مردم قرار ندادیم؛ و ما آنان را [از عاقبت شرک و کفر] هشدار می دهیم، ولی در آنان جز طغیانی بزرگ نمی افزاید!! (۶۰)

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ قَالَ أَأَسْجُدُ لِمَنْ خَلَقْتَ طِينًا (۶۱)

و [یاد کن] هنگامی را که به فرشتگان گفتیم: برای آدم سجده کنید. پس همه سجده کردند مگر ابلیس که گفت: آیا برای کسی که او را از گِل آفریدی، سجده کنم؟! (۶۱)

قَالَ أَرَأَيْتَكَ هَذَا الَّذِي كَرَّمْتَ عَلَيَّ لَئِنْ أَخَّرْتَنِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَأَحْتَنِكَنَّ ذُرِّيَّتَهُ إِلَّا قَلِيلًا (۶۲)

[سپس] گفت: مرا خبر ده این کسی که او را بر من برتری دادی [سببش چه بود؟] اگر تا قیامت مهلتم بخشی، بی تردید فرزندانش را جز اندکی لجام می زنم [و به دنبال خود به عرصه هلاکت و نابودی می کشم.] (۶۲)

قَالَ اذْهَبْ فَمَن تَبِعَكَ مِنْهُمْ فَإِنَّ جَهَنَّمَ جَزَاؤُكُمْ جَزَاءً مَّوْفُورًا (۶۳)

خدا فرمود: برو که از آنان هر کس تو را پیروی کند، قطعاً دوزخ کیفرتان خواهد بود، کیفری سخت و کامل. (۶۳)

وَاسْتَفْزِزْ مَنِ اسْتَطَعْتَ مِنْهُم بِصَوْتِكَ وَأَجْلِبْ عَلَيْهِم بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكْهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعِدْهُمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا (۶۴)

از آنان هر که را توانستی با آوازت [به سوی باطل] برانگیز، و [برای راندنشان به سوی طغیان و گناه] با سواره ها و پیاده هایت بر آنان بانگ زن، و با آنان [از راه سوق دادنشان به حرام] در اموال و [از طریق وسوسه کردنشان به زنا] در اولاد شریک شو، و به آنان وعده [دروغ] بده [که از قیامت، حسابرسی، بهشت و دوزخ خبری نیست] و شیطان آنان را جز از روی باطل و دروغ وعده نمی دهد. (۶۴)

إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ وَكَفَى بِرَبِّكَ وَكِيلًا (۶۵)

[ولی آگاه باش که] یقیناً تو را بر بندگانم هیچ تسلّطی نیست، و کافی است که پروردگارت نگهبان و کارساز [آنان] باشد. (۶۵)

رَّبُّکُمُ الَّذِی یُزْجِی لَکُمُ الْفُلْکَ فِی الْبَحْرِ لِتَبْتَغُوا مِن فَضْلِهِ إِنَّهُ کَانَ بِکُمْ رَحِیمًا (۶۶)

پروردگارتان کسی است که کشتی ها را در دریا برای شما روان می کند تا [با رفتن از اقلیمی به اقلیم دیگر] از رزقش بطلبید؛ زیرا او همواره به شما مهرباناست. (۶۶)

ص: ۲۸۸

وَإِذَا مَسَّکُمُ الضُّرُّ فِی الْبَحْرِ ضَلَّ مَن تَدْعُونَ إِلَّا إِیَّاهُ فَلَمَّا نَجَّاکُمْ إِلَی الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ وَکَانَ الْإِنسَانُ کَفُورًا (۶۷)

و زمانی که در دریا سختی و آسیبی به شما رسد، هر که را جز او می خوانید ناپدید و گم می شود، و هنگامی که شما را [با سوق دادنتان] به سوی خشکی نجات دهد [از خدا] روی می گردانید. و انسان [با اینکه الطاف خدا را همواره در زندگی خود لمس می کند] بسیار ناسپاس است. (۶۷)

أَفَأَمِنتُمْ أَن یَخْسِفَ بِکُمْ جَانِبَ الْبَرِّ أَوْ یُرْسِلَ عَلَیْکُمْ حَاصِبًا ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَکُمْ وَکِیلًا (۶۸)

آیا ایمن هستید از اینکه شما را در کنار خشکی [در زمین] فرو برد، یا بر شما توفانی از شن و سنگریزه فرستد، سپس برای خود حافظ و نگهبانی نیابید؟! (۶۸)

أَمْ أَمِنتُمْ أَن یُعِیدَکُمْ فِیهِ تَارَةً أُخْرَی فَیُرْسِلَ عَلَیْکُمْ قَاصِفًا مِّنَ الرِّیحِ فَیُغْرِقَکُم بِمَا کَفَرْتُمْ ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَکُمْ عَلَیْنَا بِهِ تَبِیعًا (۶۹)

یا ایمن هستید از اینکه بار دیگر شما را به دریا برگرداند، پس توفانی سخت که با خود ریگ و سنگ می آورد بر شما فرستد و به سبب اینکه ناسپاسی کردید غرقتان کند؟ آن گاه در برابر کار ما برای خود پی گیر و دفاع کننده ای نخواهید یافت. (۶۹)

وَلَقَدْ کَرَّمْنَا بَنِی آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِی الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُم مِّنَ الطَّیِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَی کَثِیرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِیلًا (۷۰)

به یقین فرزندان آدم را کرامت دادیم، و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکب هایی که در اختیارشان گذاشتیم] سوار کردیم، و به آنان از نعمت های پاکیزه روزی بخشیدیم، وآنان را بر بسیاری از آفریده های خود برتری کامل دادیم. (۷۰)

یَوْمَ نَدْعُو کُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ فَمَنْ أُوتِیَ کِتَابَهُ بِیَمِینِهِ فَأُولَئِکَ یَقْرَءُونَ کِتَابَهُمْ وَلَا یُظْلَمُونَ فَتِیلًا (۷۱)

[یاد کن] روزی را که هر گروهی از مردم را با پیشوایشان می خوانیم؛ پس کسانی که نامه اعمالشان را به دست راستشان دهند، پس آنان نامه خود را [با شادی و خوشحالی] می خوانند و به اندازه رشته میان هسته خرما مورد ستم قرار نمی گیرند. (۷۱)

وَمَن کَانَ فِی هَذِهِ أَعْمَی فَهُوَ فِی الْآخِرَهِ أَعْمَی وَأَضَلُّ سَبِیلًا (۷۲)

و کسی که در این دنیا کوردل باشد، در آخرت هم کوردل و گمراه تر است. (۷۲)

وَإِن كَادُوا لَيَفْتِنُونَکَ عَنِ الَّذِی أَوْحَيْنَا إِلَيْکَ لِتَفْتَرِیَ عَلَيْنَا غَيْرَهُ وَإِذًا لَّاتَّخَذُوکَ خَلِيلًا (۷۳)

و نزدیک بود که تو را از آنچه به تو وحی کردیم، بلغزانند تا غیر آن را از روی افترا به ما نسبت دهی و در این صورت، تو را دوست خود می گرفتند. (۷۳)

وَلَوْلَا أَن ثَبَّتْنَاکَ لَقَدْ كِدتَّ تَرْكَنُ إِلَيْهِمْ شَيْئًا قَلِيلًا (۷۴)

و اگر تو را ثابت قدم نمی داشتیم، همانا نزدیک بود اندکی به سوی آنان متمایل شوی. (۷۴)

إِذًا لَّأَذَقْنَاکَ ضِعْفَ الْحَيَاهِ وَضِعْفَ الْمَمَاتِ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَکَ عَلَيْنَا نَصِيرًا (۷۵)

در آن صورت دو برابر در دنیا و دو برابر در آخرت عذاب به تو می چشاندیم، آن گاه برای خود در برابر ما یاوری نمی یافتی. (۷۵)

ص: ۲۸۹

وَإِن كَادُوا لَيَسْتَفِزُّونَکَ مِنَ الْأَرْضِ لِيُخْرِجُوکَ مِنْهَا وَإِذًا لَّا يَلْبَثُونَ خِلَافَکَ إِلَّا قَلِيلًا (۷۶)

و نزدیک بود [مشرکان] تو را از این سرزمین حرکت دهند تا از آن بیرونت کنند، و در آن صورت پس از تو جز مدتی اندک درنگ نمی کردند [و دچار عذاب خدا می شدند.] (۷۶)

سُنَّهَ مَن قَدْ أَرْسَلْنَا قَبْلَکَ مِن رُّسُلِنَا وَلَا تَجِدُ لِسُنَّتِنَا تَحْوِيلًا (۷۷)

[مهلت نیافتن دشمنان جز مدتی اندک] شیوه ای است که همواره درباره [امت های] پیامبرانی که پیش از تو فرستادیم [جاری] بوده است، و برای شیوه ما هیچ دگرگونی و تغییری نخواهی یافت. (۷۷)

أَقِمِ الصَّلَاهَ لِدُلُوکِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا (۷۸)

نماز را از ابتدای تمایل خورشید به جانب مغرب [که شروعِ ظهرِ شرعی است] تا نهایت تاریکی شب بر پا دار، و [نیز] نماز صبح را [اقامه کن] که نماز صبح مورد مشاهده [فرشتگان شب و فرشتگان روز] است. (۷۸)

وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَهً لَّکَ عَسَى أَن يَبْعَثَکَ رَبُّکَ مَقَامًا مَّحْمُودًا (۷۹)

و پاسی از شب را برای عبادت و بندگی بیدار باش که این افزون [بر واجب،] ویژه توست، امید است پروردگارت تو را [به سبب این عبادت ویژه] به جایگاهی ستوده برانگیزد. (۷۹)

وَقُل رَّبِّ أَدْخِلْنِی مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِی مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَل لِّی مِن لَّدُنکَ سُلْطَانًا نَّصِيرًا (۸۰)

و بگـو: پروردگـارا! مرا [در هر کـار و شـغلی] به نیکی وارد کن و به نیکی بیرون آور و برایم از نزد خود نیرویی یـاری دهنـده قرار ده. (۸۰)

وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا (۸۱)

و بگو: حق آمد و باطل نابود شد؛ بی تردید باطل نابود شدنی است. (۸۱)

وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا (۸۲)

و ما از قرآن آنچه را برای مؤمنان مایه درمان ورحمت است، نازل می کنیم وستمکاران را جز خسارت نمی افزاید. (۸۲)

وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنسَانِ أَعْرَضَ وَنَأَى بِجَانِبِهِ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ كَانَ يَئُوسًا (۸۳)

و زمانی که به انسان نعمت می بخشیم [از ما] روی بگرداند و خود را مغرورانه از ما دور کند، و هنگامی که آسیبی به او برسد [به سبب بی ایمانی و غفلت از قدرت و رحمت ما] بسیار نومید و مأیوس شود. (۸۳)

قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَى سَبِيلًا (۸۴)

بگو: هر کس بر پایه خلق و خوی و عادت های اکتسابی خود عمل می کنـد، پس پروردگارتان به کسـی که راه یافته تر است، داناتر است. (۸۴)

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُم مِّنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا (۸۵)

و از تو درباره روح می پرسند، بگو: روح از امر پروردگار من است، و از دانش و علم جز اندکی به شما نداده اند. (۸۵)

وَلَئِن شِئْنَا لَنَذْهَبَنَّ بِالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ بِهِ عَلَيْنَا وَكِيلًا (۸۶)

و اگر بخواهیم قطعاً آنچه را به تو وحی کرده ایم [از یادهـا و نوشـته هـا] محو می کنیم، آن گاه در برابر ما [برای بازگرفتنش] کارسازی برای خود نخواهی یافت. (۸۶)

ص: ۲۹۰

إِلَّا رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ إِنَّ فَضْلَهُ كَانَ عَلَيْكَ كَبِيرًا (۸۷)

[ولی محو نشـدن قرآن از یادهـا و نوشـته هـا، نیست] مگر رحمتی از سوی پروردگـارت، به یقین فضـل او بر تو همواره بزرگ است. (۸۷)

قُل لَّئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنسُ وَالْجِنُّ عَلَى أَن يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا (۸۸)

بگو: قطعاً اگر جنّ و انس گرد آیند که مانند این قرآن را بیاورند، نمی توانند مانندش را بیاورند، و اگر چه پشتیبان یکدیگر باشند. (۸۸)

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِی هَذَا الْقُرْآنِ مِن کُلِّ مَثَلٍ فَأَبَی أَکْثَرُ النَّاسِ إِلَّا کُفُورًا (۸۹)

و همانا در این قرآن برای [هدایت] مردم از هر مَثَل و داستانی به صورت های گوناگون بیان کردیم، ولی بیشتر مردم جز انکار و کفران [آن نعمت عظیم را] نخواستند. (۸۹)

وَقَالُوا لَن نُّؤْمِنَ لَکَ حَتَّی تَفْجُرَ لَنَا مِنَ الْأَرْضِ یَنبُوعًا (۹۰)

و گفتند: ما به تو ایمان نمی آوریم، مگر آنکه از این سرزمین [خشک و سوزان مکه] چشمه ای پر آب و جوشان روان سازی!! (۹۰)

أَوْ تَکُونَ لَکَ جَنَّهٌ مِّن نَّخِیلٍ وَعِنَبٍ فَتُفَجِّرَ الْأَنْهَارَ خِلَالَهَا تَفْجِیرًا (۹۱)

یا برای تو باغی از درختان خرما و انگور باشد که از لابه لای آنها نهرها روان کنی. (۹۱)

أَوْ تُسْقِطَ السَّمَاءَ کَمَا زَعَمْتَ عَلَیْنَا کِسَفًا أَوْ تَأْتِیَ بِاللَّهِ وَالْمَلَائِکَهِ قَبِیلًا (۹۲)

یا آسمان را آن گونه که گمان کرده ای [قدرت داری] پاره پاره بر سر ما بیفکنی، یا خدا و فرشتگان را رو به روی ما آوری. (۹۲)

أَوْ یَکُونَ لَکَ بَیْتٌ مِّن زُخْرُفٍ أَوْ تَرْقَی فِی السَّمَاءِ وَلَن نُّؤْمِنَ لِرُقِیِّکَ حَتَّی تُنَزِّلَ عَلَیْنَا کِتَابًا نَّقْرَؤُهُ قُلْ سُبْحَانَ رَبِّی هَلْ کُنتُ إِلَّا بَشَرًا رَّسُولًا (۹۳)

یا خانه ای از طلا برای تو باشد، یا در آسمان بالا روی، و بالا رفتنت را باور نمی کنیم تا آنکه نوشته ای بر ما نازل کنی که آن را بخوانیم!! بگو: پروردگارم منزّه است [از اینکه خواسته های سبک مغزان یاوه گو را پاسخ دهد] آیا من جز بشری فرستاده هستم؟ [که مرا برای هدایت شما فرستاده اند، نه برای اینکه درخواست های بی مورد شما را پاسخ دهم.] (۹۳)

وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَن یُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَی إِلَّا أَن قَالُوا أَبَعَثَ اللَّهُ بَشَرًا رَّسُولًا (۹۴)

و چیزی مردم را زمانی که هدایت به سویشان آمد از ایمان آوردن باز نداشت، جز اینکه گفتند: آیا خدا بشری را به پیامبری برانگیخته است؟ (۹۴)

قُل لَّوْ کَانَ فِی الْأَرْضِ مَلَائِکَهٌ یَمْشُونَ مُطْمَئِنِّینَ لَنَزَّلْنَا عَلَیْهِم مِّنَ السَّمَاءِ مَلَکًا رَّسُولًا (۹۵)

بگو: اگر در زمین [به جای بشر] فرشتگانی بودند که با آرامی راه می رفتند، یقیناً فرشته ای را از آسمان برای آنان به پیامبری

نازل می کردیم [زیرا هدایتگر هر گروهی باید از جنس خودشان باشد.] (۹۵)

قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِى وَبَيْنَكُمْ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا (۹۶)

بگو: کافی است که خدا میان من و شما [در صدقِ نبوتم] شاهد باشد؛ چون او به بندگانش آگاه و بیناست. (۹۶)

ص: ۲۹۱

وَمَن يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَن يُضْلِلْ فَلَن تَجِدَ لَهُمْ أَوْلِيَاءَ مِن دُونِهِ وَنَحْشُرُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَهِ عَلَى وُجُوهِهِمْ عُمْيًا وَبُكْمًا وَصُمًّا مَّأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ كُلَّمَا خَبَتْ زِدْنَاهُمْ سَعِيرًا (۹۷)

و هر که را خدا هدایت کند، پس او هدایت یافته است، و آنان را که خدا [به کیفر لج بازی و عنادشان] گمراه سازد، هرگز در برابر خدا برای آنان یاورانی نخواهی یافت، و آنان را روز قیامت در حالی که به رو در افتاده اند، کور و لال و کر محشور می کنیم، جایگاهشان دوزخ است، هرگاه [شعله] آتشش فرو نشیند، شعله ای دیگر بر آنان می افزاییم. (۹۷)

ذَلِكَ جَزَاؤُهُم بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا وَقَالُوا أَإِذَا كُنَّا عِظَامًا وَرُفَاتًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا (۹۸)

این کیفر آنان است، به سبب اینکه به آیات ما کافر شدند و گفتند: آیا ما وقتی استخوان [جدا از هم و ریز ریز] و پوسیده شدیم، با آفرینش جدید برانگیخته خواهیم شد؟ (۹۸)

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِى خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ قَادِرٌ عَلَى أَن يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ وَجَعَلَ لَهُمْ أَجَلًا لَّا رَيْبَ فِيهِ فَأَبَى الظَّالِمُونَ إِلَّا كُفُورًا (۹۹)

آیا ندانستند خدایی که آسمان ها و زمین را آفرید، می تواند مانند آنان را [پس از پوسیده شدن] بیافریند؟ برای آنان مدتی معین قرار داده که هیچ تردیدی در آن نیست، ولی [این] ستمکاران جز انکار [قیامت و تکذیب محشور شدن در آن] را نخواستند. (۹۹)

قُل لَّوْ أَنتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَهِ رَبِّى إِذًا لَّأَمْسَكْتُمْ خَشْيَهَ الْإِنفَاقِ وَكَانَ الْإِنسَانُ قَتُورًا (۱۰۰)

[به این کافران و مغروران به امور مادی دلفریب] بگو: اگر شما مالک خزینه های رحمت پروردگارم [مانند باران، اموال، ارزاق و...] بودید، در آن صورت از ترس [تهی دستی و کم شدنش] از انفاق کردن آن بخل می ورزیدید؛ و انسان همواره بسیار بخیل و تنگ نظر است. (۱۰۰)

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى تِسْعَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ فَاسْأَلْ بَنِى إِسْرَائِيلَ إِذْ جَاءَهُمْ فَقَالَ لَهُ فِرْعَوْنُ إِنِّى لَأَظُنُّكَ يَا مُوسَى مَسْحُورًا (۱۰۱)

و به راستی به موسی آن گاه که نزد بنی اسرائیل آمد، نه معجزه روشن دادیم، بنابراین از [آگاهان] بنی اسرائیل بپرس [که آن معجزه ها چه بود؟] پس فرعون [با دیدن معجزات] به او گفت: ای موسی! بی تردید من تو را جادوشده می پندارم!! (۱۰۱)

قَالَ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا أَنزَلَ هَؤُلَاءِ إِلَّا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ بَصَائِرَ وَإِنِّي لَأَظُنُّكَ يَا فِرْعَوْنُ مَثْبُورًا (۱۰۲)

موسی گفت: مسلماً تو می دانی این معجزه ها را که بصیرت آور هستند، جز پروردگار آسمان ها و زمین نازل نکرده است، و ای فرعون! قطعاً من تو را هلاک شده می پندارم. (۱۰۲)

فَأَرَادَ أَن يَسْتَفِزَّهُم مِّنَ الْأَرْضِ فَأَغْرَقْنَاهُ وَمَن مَّعَهُ جَمِيعًا (۱۰۳)

پس [به دنبال این گفتگو] فرعون تصمیم گرفت آنان را از آن سرزمین برانگیزد و بیرون کند، ولی ما او و همه کسانی را که با او بودند، غرق کردیم. (۱۰۳)

وَقُلْنَا مِن بَعْدِهِ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ اسْكُنُوا الْأَرْضَ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ جِئْنَا بِكُمْ لَفِيفًا (۱۰۴)

و پس از فرعون به بنی اسرائیل گفتیم: در این سرزمین ساکن شوید، زمانی که وعده آخرت برسد، همه شما را با هم [به صحرای قیامت] می آوریم. (۱۰۴)

ص: ۲۹۲

وَبِالْحَقِّ أَنزَلْنَاهُ وَبِالْحَقِّ نَزَلَ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا (۱۰۵)

و قرآن را به حق نازل کردیم و به حق نازل شد، و تو را جز مژده رسان و بیم دهنده نفرستادیم. (۱۰۵)

وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنزِيلًا (۱۰۶)

و قرآن را [جدا جدا و] بخش بخش قرار دادیم تا آن را با درنگ و تأمل بر مردم بخوانی و آن را به تدریج [برپایه حوادث، پیش آمدها و نیازها] نازل کردیم. (۱۰۶)

قُلْ آمِنُوا بِهِ أَوْ لَا تُؤْمِنُوا إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِن قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَى عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ سُجَّدًا (۱۰۷)

بگو: به آن ایمان بیاورید یا نیاورید [برای آن یکسان است]، همانا کسانی که پیش از [نزول] آن معرفت و دانش یافته اند، زمانی که بر آنان می خوانند، سجده کنان به رو در می افتند. (۱۰۷)

وَيَقُولُونَ سُبْحَانَ رَبِّنَا إِن كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا (۱۰۸)

و می گویند: منزّه و پاک است پروردگارمان بی تردید وعده پروردگارمان [به پاداش مؤمنان و کیفر مجرمان] قطعاً انجام شدنی است. (۱۰۸)

وَيَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ يَبْكُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا (۱۰۹)

و گریه کنان به رو در می افتند و [شنیدن قرآن] بر فروتنی و خشوعشان می افزاید. (۱۰۹)

قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوِ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَّا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَلَا تَجْهَرْ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتْ بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا (۱۱۰)

بگو: خدا را بخوانید یا رحمان را بخوانید، هر کدام را بخوانید [ذات یکتای او را خوانده اید] نیکوترین نام ها [که این دو نام هم از آنهاست] فقط ویژه اوست. و نماز خود را با صدای بلند و نیز با صدای آهسته مخوان و میان این دو [صدا] راهی میانه بجوی. (۱۱۰)

وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُن لَّهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُن لَّهُ وَلِيٌّ مِّنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًا (۱۱۱)

و بگو: همه ستایش ها ویژه خداست که نه فرزندی گرفته و نه در فرمانروایی شریکی دارد و نه او را به سبب ناتوانی و ذلت یار و یاوری است. و او را بسیار بزرگ شمار. (۱۱۱)

سوره الکهف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنزَلَ عَلَى عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَل لَّهُ عِوَجًا (۱)

همه ستایش ها ویژه خداست که این کتاب را بر بنده اش نازل کرد و برای آن هیچ گونه انحراف و کژی قرار نداد. (۱)

قَيِّمًا لِّيُنذِرَ بَأْسًا شَدِيدًا مِّن لَّدُنْهُ وَيُبَشِّرَ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا حَسَنًا (۲)

[کتابی] است درست و استوار [و برپادارنده مصالح حیات انسان] تا از سوی خود [ستمکاران را] به عذابی سخت بیم دهد، و مؤمنانی را که کارهای شایسته انجام می دهند، مژده دهد که برای آنان پاداشی نیکوست. (۲)

مَّاكِثِينَ فِيهِ أَبَدًا (۳)

که در آن پاداش نیکو، جاودانه ماندگارند. (۳)

وَيُنذِرَ الَّذِينَ قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا (۴)

و [نیز] کسانی را که گفتند: خدا [برای خود] فرزندی گرفته است، [به آتش دوزخ] بیم دهد. (۴)

ص: ۲۹۳

مَّا لَهُم بِهِ مِنْ عِلْمٍ وَلَا لِآبَائِهِمْ كَبُرَتْ كَلِمَةً تَخْرُجُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ إِن يَقُولُونَ إِلَّا كَذِبًا (۵)

نه آنان به این [سخن خرافی و بی پایه] یقین و دانشی دارند و نه پدرانشان [بلکه گفتارشان از روی جهل و نادانی است] چه بزرگ سخنی است که [از روی افترا] از دهانشان بیرون می آید؛ آنان جز دروغ نمی گویند. (۵)

فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَّفْسَكَ عَلَى آثَارِهِمْ إِن لَّمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا (۶)

شاید تو می خواهی اگر [این معاندان لجوج] به این سخن [که قرآن کریم است] ایمان نیاورند، خود را از شدت اندوه هلاک کنی!! (۶)

إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَّهَا لِنَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا (۷)

مسلماً ما آنچه را [از درخت، نبات، حیوان، دریا و دیگر آثار] روی زمین است، زینت زمین قرار دادیم تا آنان را آزمایش کنیم که کدامشان از جهت عمل نیکوترند. (۷)

وَإِنَّا لَجَاعِلُونَ مَا عَلَيْهَا صَعِيدًا جُرُزًا (۸)

و بی تردید ما آنچه را روی زمین است، سرانجام، خاک بی گیاه خواهیم کرد. (۸)

أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا (۹)

آیا گمان کردی که اصحاب کهف و رقیم از نشانه های شگفت انگیز ما بودند؟ [چنین نیست؛ زیرا ما را در پهن دشت هستی نشانه هایی شگفت انگیزتر از اصحاب کهف است.] (۹)

إِذْ أَوَى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِن لَّدُنكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا (۱۰)

[یاد کن] هنگامی را که [آن] جوانان در غار پناه گرفتند و گفتند: پروردگارا! رحمتی از نزد خود به ما عطا کن، و برای ما در کارمان زمینه هدایتی فراهم آور. (۱۰)

فَضَرَبْنَا عَلَى آذَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا (۱۱)

پس سالیانی چند در آن غار، خواب را بر گوش هایشان چیره ساختیم. (۱۱)

ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ لِنَعْلَمَ أَيُّ الْحِزْبَيْنِ أَحْصَى لِمَا لَبِثُوا أَمَدًا (۱۲)

سپس آنان را [از خواب] برانگیختیم تا مشخص کنیم کدام یک از آن دو گروه، مدت درنگشان را [در غار] به شمار می آورند؟ (۱۲)

نَّحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى (۱۳)

ما خبر [عبرت آموز] شان را به حق و درستی برای تو بیان می کنیم: آنان جوانمردانی بودند که به پروردگارشان ایمان آوردند، و ما بر هدایتشان افزودیم. (۱۳)

وَرَبَطْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا فَقَالُوا رَبُّنَا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَن نَّدْعُوَ مِن دُونِهِ إِلَهًا لَّقَدْ قُلْنَا إِذًا شَطَطًا (۱۴)

و دل هایشان را [با یقین به حقایق،] محکم و استوار ساختیم؛ آن گاه [که در برابر شرک و بت پرستی] به پا خاستند و گفتند: پروردگار ما پروردگار آسمان ها و زمین است، هرگز جز او معبودی را نمی پرستیم که اگر بپرستیم سخنی گزاف و دور از حق گفته ایم: [که با خدا معبودی دیگر وجود دارد.] (۱۴)

هَؤُلَاءِ قَوْمُنَا اتَّخَذُوا مِن دُونِهِ آلِهَةً لَّوْلَا يَأْتُونَ عَلَيْهِم بِسُلْطَانٍ بَيِّنٍ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا (۱۵)

اینان قوم [نادان و بی منطق] ما هستند که به جای خدا معبودانی برگرفتند، چرا بر حقّانیّت معبودانشان دلیلی روشن نمی آورند؟ پس ستمکارتر از کسی که بر خدا دروغ بندد [که خدا دارای شریک است] کیست؟ (۱۵)

ص: ۲۹۴

وَإِذِ اعْتَزَلْتُمُوهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ فَأْوُوا إِلَى الْكَهْفِ يَنشُرْ لَكُمْ رَبُّكُم مِّن رَّحْمَتِهِ وَيُهَيِّئْ لَكُم مِّنْ أَمْرِكُم مِّرْفَقًا (۱۶)

و [پس از مشورت و گفتگو با یکدیگر چنین گفتند:] اکنون که از آنان و آنچه غیر خدا می پرستند، کناره گرفته اید، پس به این غار پناه گیرید تا پروردگارتان از رحمتش بر شما بگستراند و در کارتان آسایش و آسانی فراهم آورد. (۱۶)

وَتَرَى الشَّمْسَ إِذَا طَلَعَت تَّزَاوَرُ عَن كَهْفِهِمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَإِذَا غَرَبَت تَّقْرِضُهُمْ ذَاتَ الشِّمَالِ وَهُمْ فِي فَجْوَةٍ مِّنْهُ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ مَن يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَن يُضْلِلْ فَلَن تَجِدَ لَهُ وَلِيًّا مُّرْشِدًا (۱۷)

و خورشید را می بینی که وقتی طلوع می کند، از سمت راست غارشان متمایل می شود، و وقتی غروب می کند، سمت چپشان را ترک می کند، و آنان در محل وسیعی از آن غارند [که نسیم مطبوعش آنان را فرا می گیرد]؛ این از نشانه هایِ [قدرتِ] خداست. خدا هر که را هدایت کند، راه یافته است و هر که را گمراه نماید، هرگز برای او یاور و دوست هدایت کننده ای نخواهی یافت. (۱۷)

وَتَحْسَبُهُمْ أَيْقَاظًا وَهُمْ رُقُودٌ وَنُقَلِّبُهُمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَذَاتَ الشِّمَالِ وَكَلْبُهُم بَاسِطٌ ذِرَاعَيْهِ بِالْوَصِيدِ لَوِ اطَّلَعْتَ عَلَيْهِمْ لَوَلَّيْتَ مِنْهُمْ فِرَارًا وَلَمُلِئْتَ مِنْهُمْ رُعْبًا (۱۸)

و آنان را گمان می کنی که بیدارند، در حالی که خوابند، و آنان را به جانب راست و جانب چپ می گردانیم، و سگشان دو دستش را در آستانه غار گسترانیده است. اگر بر آنان آگاه می شدی از آنان روی برتافته و می گریختی و همه وجودت از [دیدن] آنان پر از ترس می شد. (۱۸)

وَكَذَلِكَ بَعَثْنَاهُمْ لِيَتَسَاءَلُوا بَيْنَهُمْ قَالَ قَائِلٌ مِّنْهُمْ كَمْ لَبِثْتُمْ قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالُوا رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا لَبِثْتُمْ فَابْعَثُوا أَحَدَكُم بِوَرِقِكُمْ هَذِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ فَلْيَنظُرْ أَيُّهَا أَزْكَى طَعَامًا فَلْيَأْتِكُم بِرِزْقٍ مِّنْهُ وَلْيَتَلَطَّفْ وَلَا يُشْعِرَنَّ بِكُمْ أَحَدًا (۱۹)

و همان گونه [که با قدرت خود خوابشان کردیم، از خواب] بیدارشان نمودیم تا میان خود از یکدیگر [از حادثه اتفاق افتاده] بپرسند. گوینده ای از آنان گفت: چه مقدار [در خواب] مانده اید؟ [برخی] گفتند: یک روز یا پاره ای از روز را [در خواب] مانده ایم. [و برخی دیگر] گفتند: پروردگارتان به مقداری که [در خواب] مانده اید، داناتر است، پس یکی از خودتان را با این پولتان به شهر روانه کنید و او باید با تأمل بنگرد کدام یک [از مغازه داران شهر] غذایش پاکیزه تر است؟ پس غذایی از آن برایتان بیاورد، و او باید [در رفت، برگشت و داد و ستد] دقت و نرمی و لطف نشان دهد و احدی را از حال شما آگاه نکند. (۱۹)

إِنَّهُمْ إِن يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ أَوْ يُعِيدُوكُمْ فِي مِلَّتِهِمْ وَلَن تُفْلِحُوا إِذًا أَبَدًا (۲۰)

زیرا اگر بر شما دست یابند، سنگسارتان می کنند یا شما را به آیین خود برمی گردانند، و در آن صورت هرگز رستگار نخواهید شد. (۲۰)

ص: ۲۹۵

وَكَذَلِكَ أَعْثَرْنَا عَلَيْهِمْ لِيَعْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا إِذْ يَتَنَازَعُونَ بَيْنَهُمْ أَمْرَهُمْ فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِم بُنْيَانًا رَّبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَى أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَّسْجِدًا (۲۱)

و این گونه [مردم آن شهر را به وسیله آن سکه قدیمی] از حال آنان آگاه کردیم تا بدانند که وعده خدا [در برانگیختن مردگان در روز قیامت] حق است و در برپا شدن قیامت هیچ تردیدی نیست. هنگامی که [کاشفانِ غار] میان خودشان در کار آنان نزاع و ستیز داشتند، پس [یک گروه] گفتند: ساختمانی به روی [جایگاه] آنان بنا کنید [تا از دیده ها پنهان بمانند] البته پروردگارشان به آنان داناتر است. ولی آنان که بر کارشان [نسبت به اصحاب کهف] پیروز شدند، گفتند: به یقین مسجدی بر روی [جایگاه] آنان بنا خواهیم کرد. (۲۱)

سَيَقُولُونَ ثَلَاثَةٌ رَّابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ وَيَقُولُونَ خَمْسَةٌ سَادِسُهُمْ كَلْبُهُمْ رَجْمًا بِالْغَيْبِ وَيَقُولُونَ سَبْعَةٌ وَثَامِنُهُمْ كَلْبُهُمْ قُل رَّبِّي أَعْلَمُ بِعِدَّتِهِم مَّا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا قَلِيلٌ فَلَا تُمَارِ فِيهِمْ إِلَّا مِرَاءً ظَاهِرًا وَلَا تَسْتَفْتِ فِيهِم مِّنْهُمْ أَحَدًا (۲۲)

به زودی خواهند گفت: سه نفر بودند، چهارمین آنان سگشان بود. و می گویند: پنج نفر بودند، و ششمین آنان سگشان بود، در حالی که [این اظهار نظرهای بی دلیل] تیر به تاریکی انداختن است. و می گویند: هفت نفر بودند، هشتمین آنان سگشان بود. بگو: پروردگارم به شماره آنان آگاه تر است، جز اندکی کسی شماره آنان را نمی داند. پس درباره آنان بحث و مجادله مکن مگر بحث و مجادله ای ظاهر، و در مورد آنان از هیچ کس نظر مخواه. (۲۲)

وَلَا تَقُولَنَّ لِشَيْءٍ إِنِّي فَاعِلٌ ذَلِكَ غَدًا (۲۳)

و هرگز درباره چیزی مگو که من فردا آن را انجام می دهم، (۲۳)

إِلَّا أَن يَشَاءَ اللَّهُ وَاذْكُر رَّبَّكَ إِذَا نَسِيتَ وَقُلْ عَسَى أَن يَهْدِيَنِ رَبِّي لِأَقْرَبَ مِنْ هَذَا رَشَدًا (۲۴)

مگر اینکه [بگویی: اگر] خدا بخواهد. و هرگاه [گفتن ان شاءالله را] از یاد بردی، پروردگات را یاد کن و بگو: امید است پروردگارم مرا به چیزی که از این به صواب و مصلحت نزدیک تر باشد، راهنمایی کند. (۲۴)

وَلَبِثُوا فِی کَهْفِهِمْ ثَلَاثَ مِائَهٍ سِنِینَ وَازْدَادُوا تِسْعًا (۲۵)

[اصحاب کهف] سیصد سال در غارشان ماندند و نُه سال به آن افزودند. (۲۵)

قُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا لَبِثُوا لَهُ غَیْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَبْصِرْ بِهِ وَأَسْمِعْ مَا لَهُم مِّن دُونِهِ مِن وَلِیٍّ وَلَا یُشْرِکُ فِی حُکْمِهِ أَحَدًا (۲۶)

بگو: خدا به مدتی که ماندند داناتر است، [برای اینکه] غیب آسمان ها و زمین ویژه اوست، چه بینا و چه شنواست، برای اهل آسمان ها و زمین سرپرست و یاوری جز او نیست و احدی را در فرمانروایی اش بر جهان هستی شریک نمی گیرد. (۲۶)

وَاتْلُ مَا أُوحِیَ إِلَیْکَ مِن کِتَابِ رَبِّکَ لَا مُبَدِّلَ لِکَلِمَاتِهِ وَلَن تَجِدَ مِن دُونِهِ مُلْتَحَدًا (۲۷)

و آنچه از کتاب پروردگارت به تو وحی شده است، بخوان. برای کلماتش تبدیل کننده ای نیست، و هرگز جز او ملجأ و پناهی نخواهی یافت. (۲۷)

ص: ۲۹۶

وَاصْبِرْ نَفْسَکَ مَعَ الَّذِینَ یَدْعُونَ رَبَّهُم بِالْغَدَاهِ وَالْعَشِیِّ یُرِیدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَیْنَاکَ عَنْهُمْ تُرِیدُ زِینَهَ الْحَیَاهِ الدُّنْیَا وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَن ذِکْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَکَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا (۲۸)

با کسانی که صبح و شام، پروردگارشان را می خوانند در حالی که همواره خشنودی او را می طلبند، خود را پایدار و شکیبا دار، و در طلب زینت و زیور زندگی دنیا دیدگانت [از التفات] به آنان [به سوی ثروتمندان] برنگردد، و از کسی که دلش را [به سبب کفر و طغیانش] از یاد خود غافل کرده ایم و از هوای نفسش پیروی کرده و کارش اسراف و زیاده روی است، اطاعت مکن. (۲۸)

وَقُلِ الْحَقُّ مِن رَّبِّکُمْ فَمَن شَاءَ فَلْیُؤْمِن وَمَن شَاءَ فَلْیَکْفُرْ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِینَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا وَإِن یَسْتَغِیثُوا یُغَاثُوا بِمَاءٍ کَالْمُهْلِ یَشْوِی الْوُجُوهَ بِئْسَ الشَّرَابُ وَسَاءَتْ مُرْتَفَقًا (۲۹)

و بگو: [سخن] حق [که قرآن است] فقط از سوی پروردگار شماست؛ پس هر که خواست ایمان بیاورد، و هر که خواست کافر شود، به یقین ما برای ستمکاران آتشی آماده کرده ایم که سراپرده هایش بر آنان احاطه دارد، و اگر [از شدت تشنگی] استغاثه کنند با آبی چون مس گداخته که چهره ها را بریان می کند [به استغاثه آنان] جواب گویند، بد آشامیدنی و بد جایگاهی است. (۲۹)

إِنَّ الَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِیعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا (۳۰)

مسلماً کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند [پاداششان داده خواهد شد] زیرا ما پاداش کسانی را که کار نیکو کرده اند، تباه نمی کنیم. (۳۰)

أُولَئِكَ لَهُمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِی مِن تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِن ذَهَبٍ وَيَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِّن سُندُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُّتَّكِئِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ نِعْمَ الثَّوَابُ وَحَسُنَتْ مُرْتَفَقًا (۳۱)

برای آنان بهشت های جاودانی است که از زیرِ درختانِ [آن] نهرها جاری است، در حالی که در آنجا بر تخت ها تکیه دارند با دستبندهایی از طلا آراسته می شوند، و جامه هایی سبز از دیبای نازک و سِتبر می پوشند، چه پاداش خوبی و چه آسایش گاه نیکویی. (۳۱)

وَاضْرِبْ لَهُم مَّثَلًا رَّجُلَيْنِ جَعَلْنَا لِأَحَدِهِمَا جَنَّتَيْنِ مِنْ أَعْنَابٍ وَحَفَفْنَاهُمَا بِنَخْلٍ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمَا زَرْعًا (۳۲)

و برای مشرکان [که از معبودان باطل دم می زنند و دل به دنیای فانی بسته اند] مَثَلی بزن: دو مرد را که به یکی از آنان دو باغ انگور دادیم و اطراف آن دو باغ را با درختان خرما پوشاندیم و فاصله میان آن دو باغ را کشتزاری قرار دادیم؛ (۳۲)

كِلْتَا الْجَنَّتَيْنِ آتَتْ أُكُلَهَا وَلَمْ تَظْلِم مِّنْهُ شَيْئًا وَفَجَّرْنَا خِلَالَهُمَا نَهَرًا (۳۳)

هر یک از این دو باغ میوه اش را می داد و چیزی از آن میوه نمی کاست، و میان آن دو باغ، نهری [پر آب] روان کردیم. (۳۳)

وَكَانَ لَهُ ثَمَرٌ فَقَالَ لِصَاحِبِهِ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَنَا أَكْثَرُ مِنكَ مَالًا وَأَعَزُّ نَفَرًا (۳۴)

و برای او میوه [فراوان] بود، پس [مغرورانه] به رفیقش در حالی که با او گفتگو می کرد، گفت: من مال و ثروتم از تو بیشتر است و از جهت نَفَرات نیرومندترم. (۳۴)

ص: ۲۹۷

وَدَخَلَ جَنَّتَهُ وَهُوَ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ قَالَ مَا أَظُنُّ أَن تَبِيدَ هَذِهِ أَبَدًا (۳۵)

و در حالی که [به سبب غرور و عصیان] بر خویشتن ستمکار بود، به باغش وارد شد [و] گفت: گمان نمی برم که این باغ هرگز نابود شود؛ (۳۵)

وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِن رُّدِدتُّ إِلَى رَبِّی لَأَجِدَنَّ خَيْرًا مِّنْهَا مُنقَلَبًا (۳۶)

و گمان نمی کنم که قیامت برپا شود، و اگر هم [بر فرض] به پروردگارم بازگردانده شوم، یقیناً در بازگشت، جایگاهی بهتر از این را خواهم یافت. (۳۶)

قَالَ لَهُ صَاحِبُهُ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَكَفَرْتَ بِالَّذِی خَلَقَکَ مِن تُرَابٍ ثُمَّ مِن نُّطْفَهٍ ثُمَّ سَوَّاکَ رَجُلًا (۳۷)

رفیقش در حالی که با او گفتگو می کرد به او گفت: آیا به آنکه تو را از خاک سپس از نطفه آفرید، آن گاه تو را به صورت مردی درست و نیکو درآورد، کافر شده ای؟ (۳۷)

لَّکِنَّا هُوَ اللَّهُ رَبِّی وَلَا أُشْرِکُ بِرَبِّی أَحَدًا (۳۸)

من [اقرار قلبی دارم که] اوست خدا، پروردگار من و هیچ کس را با پروردگارم شریک نمی گیرم؛ (۳۸)

وَلَوْلَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَکَ قُلْتَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ إِن تَرَنِ أَنَا أَقَلَّ مِنکَ مَالًا وَوَلَدًا (۳۹)

و چرا وقتی به باغ خود، وارد شدی، نگفتی: آنچه خدا بخواهد [صورت می پذیرد] و هیچ نیرویی جز به وسیله خدا نیست؛ اگر مرا از جهت ثروت و فرزند کمتر از خودت می بینی. (۳۹)

فَعَسَى رَبِّی أَن يُؤْتِيَنِ خَيْرًا مِّن جَنَّتِکَ وَيُرْسِلَ عَلَيْهَا حُسْبَانًا مِّنَ السَّمَاءِ فَتُصْبِحَ صَعِيدًا زَلَقًا (۴۰)

امید است پروردگارم بهتر از باغ تو را به من عطا کند و از آسمان آسیبی دقیق و حساب شده بر باغ تو فرستد تا به صورت زمینی صاف و بی گیاه و لغزنده شود؛ (۴۰)

أَوْ يُصْبِحَ مَاؤُهَا غَوْرًا فَلَن تَسْتَطِيعَ لَهُ طَلَبًا (۴۱)

یا آب آن در زمین فرو رود که هرگز نتوانی آن را به دست آوری. (۴۱)

وَأُحِيطَ بِثَمَرِهِ فَأَصْبَحَ يُقَلِّبُ كَفَّيْهِ عَلَى مَا أَنفَقَ فِيهَا وَهِيَ خَاوِيَهٌ عَلَى عُرُوشِهَا وَيَقُولُ يَا لَيْتَنِی لَمْ أُشْرِكْ بِرَبِّی أَحَدًا (۴۲)

[عاقبت آن مغرور مشرک، به عذاب خدا دچار شد] و تمام میوه هایش از بین رفت، پس در حالی که همه داربست ها فرو ریخته [و تاک ها روی آن بود] و در [حسرت] هزینه های [فراوانی که] متحمل شده بود، دو دستش را زیر و رو می کرد، می گفت: ای کاش من احدی را با پروردگارم شریک نگرفته بودم. (۴۲)

وَلَمْ تَكُن لَّهُ فِئَهٌ يَنصُرُونَهُ مِن دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مُنتَصِرًا (۴۳)

و برایش گروهی نبود که او را در برابر خدا یاری دهند، و خودش هم قدرت نداشت که عذاب را از خود برطرف کند. (۴۳)

هُنَالِكَ الْوَلَايَهُ لِلَّهِ الْحَقِّ هُوَ خَيْرٌ ثَوَابًا وَخَيْرٌ عُقْبًا (۴۴)

در آنجا [که گرفتاری از همه سو انسان را احاطه می کند] یاری دادن ویژه خدای به حقّ است. او از جهت پاداش بهتر و از نظر تأمین کردن عاقبت نیکوتر است. (۴۴)

وَاضْرِبْ لَهُم مَّثَلَ الْحَيَاهِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيَاحُ وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرًا (۴۵)

و زندگی دنیا را برای آنان وصف کن که [در سرعت زوال و ناپایداری] مانند آبی است که آن را از آسمان نازل کنیم، پس گیاه زمین به وسیله آن [به طور انبوه و در هم پیچیده] بروید، [و طراوت و سرسبزی شگفت انگیزی پدید آورد] آن گاه [در مدتی کوتاه] خشک و ریز ریز شود که بادها آن را به هر سو پراکنده کنند؛ و خدا بر هر کاری تواناست. (۴۵)

ص: ۲۹۸

الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَهُ الْحَيَاهِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِندَ رَبِّکَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا (۴۶)

مال و فرزندان، آرایش و زیور زندگی دنیا هستند، ولی اعمال شایسته پایدار نزد پروردگارت از جهت پاداش بهتر و از لحاظ امید داشتن به آنها نیکوتر است. (۴۶)

وَيَوْمَ نُسَيِّرُ الْجِبَالَ وَتَرَى الْأَرْضَ بَارِزَهً وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا (۴۷)

و [یاد کن] روزی را که کوه ها را [از محل استقرارشان] برانیم و نابود کنیم، و زمین را هموار و آشکار ببینی، و همه آنان را [برای ورود به عرصه قیامت] محشور می کنیم، و هیچ یک از آنان را وانمی گذاریم. (۴۷)

وَعُرِضُوا عَلَى رَبِّکَ صَفًّا لَّقَدْ جِئْتُمُونَا كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّهٍ بَلْ زَعَمْتُمْ أَلَّن نَّجْعَلَ لَكُم مَّوْعِدًا (۴۸)

و صف کشیده بر پروردگارت عرضه می شوند [به آنان گویند:] همانا [تنها] نزد ما آمدید، همان گونه که نخستین بار شما را [تنها] آفریدیم [شما در توانمندی ما نسبت به زنده کردن مردگان تردید داشتید]، بلکه می پنداشتید برای حسابرسی اعمال شما موعدی قرار نخواهیم داد. (۴۸)

وَوُضِعَ الْكِتَابُ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يَا وَيْلَتَنَا مَالِ هَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَهً وَلَا كَبِيرَهً إِلَّا أَحْصَاهَا وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا يَظْلِمُ رَبُّکَ أَحَدًا (۴۹)

کتاب [اعمال] هر کسی [در برابر دیدگانش] نهاده می شود، پس مجرمان را می بینی که از آنچه در آن است هراسان و بیمناکند و می گویند: ای وای بر ما، این چه کتابی است که هیچ عمل کوچک و بزرگی را فرو نگذاشته است مگر آنکه آن را به حساب آورده؟! و هر عملی را انجام داده اند، حاضر می یابند، و پروردگارت به هیچ کس ستم نخواهدکرد. (۴۹)

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَهِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ أَفَتَتَّخِذُونَهُ وَذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِن دُونِی وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا (۵۰)

و [یاد کن] هنگامی را که به فرشتگان گفتیم: برای آدم سجده کنید. پس همه سجده کردند، جز ابلیس که از گروه جن بود،

پس او از دایره فرمان پروردگارش بیرون رفت. [با این حال] آیا او و نسلش را به جای من سرپرست و یاور خود می گیرید، در حالی که آنها دشمن شمایند؟! [ابلیس ونسلش] برای ستمکاران، بد جایگزینی [به جای خدا] هستند. (۵۰)

مَّا أَشْهَدتُّهُمْ خَلْقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَا خَلْقَ أَنفُسِهِمْ وَمَا كُنتُ مُتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا (۵۱)

من ابلیس و نسلش را در آفرینش آسمان ها و [در پدید آوردن]، زمین و در آفرینش خودشان شاهد و گواه نگرفتم [تا یاریم دهند]؛ و من گمراه کنندگان را یار و مددکار خود نگرفته ام. (۵۱)

وَيَوْمَ يَقُولُ نَادُوا شُرَكَائِيَ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُم مَّوْبِقًا (۵۲)

و [یاد کن] روزی را که [خدا به مشرکان] می گوید: کسانی [چون فرشتگان، جنّ و بت ها را] که می پنداشتید شریکان من [در قدرت و ربوبیّت] هستند، صدا بزنید [تا شما را از عذاب نجات دهند] پس آنان را صدا می زنند، ولی پاسخشان را نمی دهند و میان آنان و معبودهایشان هلاکت گاهی قرار می دهیم [که هر نوع رابطه ای را بین آنان ناممکن خواهد ساخت.] (۵۲)

وَرَأَى الْمُجْرِمُونَ النَّارَ فَظَنُّوا أَنَّهُم مُّوَاقِعُوهَا وَلَمْ يَجِدُوا عَنْهَا مَصْرِفًا (۵۳)

مجرمان، آتش را می بینند ویقین می کنند که در آن خواهند افتاد و راه بازگشتی از آن نمی یابند. (۵۳)

ص: ۲۹۹

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مِن كُلِّ مَثَلٍ وَكَانَ الْإِنسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا (۵۴)

بی تردید در این قرآن از هر گونه مثلی برای مردم بیان کردیم [ولی مردم به انکار آنها برخاستند]؛ و انسان از هر چیزی [با اصرار بر یک اعتقاد بی پایه] برخوردش [خصمانه تر و] ستیزه جو تر است. (۵۴)

وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَن يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَى وَيَسْتَغْفِرُوا رَبَّهُمْ إِلَّا أَن تَأْتِيَهُمْ سُنَّةُ الْأَوَّلِينَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ قُبُلًا (۵۵)

و هنگامی که هدایت به سوی مردم آمد، چیزی مانع ایمان آوردن آنان و درخواست آمرزش از پروردگارشان نشد، مگر [کبر و دشمنی آنان با حق که در چنان فضایی آکنده از کبر و دشمنی گویی انتظار می بردند] که روش های [جاری ما در عذاب] پیشینیان [متکبر کفر پیشه] به سراغشان آید، یا عذاب رویاروی به آنان رسد [تا آن زمان ایمان بیاورند و درخواست آمرزش کنند.] (۵۵)

وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَيُجَادِلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ وَاتَّخَذُوا آيَاتِي وَمَا أُنذِرُوا هُزُوًا (۵۶)

و ما پیامبران را جز مژده رسان و بیم دهنده نمی فرستیم، و آنان که کافرند به وسیله سخن باطل، ستیزه جویی و نزاع می کنند تا به وسیله آن حق را تباه کنند! و آیات من و عذاب هایی که به آن بیمشان داده اند، به مسخره گرفتند. (۵۶)

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ فَأَعْرَضَ عَنْهَا وَنَسِيَ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ إِنَّا جَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَن يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِن تَدْعُهُمْ إِلَى الْهُدَى فَلَن يَهْتَدُوا إِذًا أَبَدًا (۵۷)

و کیست ستمکارتر از کسی که به وسیله آیات پروردگارش پند داده شود، ولی از آنها روی برگرداند و دست آورد پیشین خود را [که کفر، جدال و ستیز با حق است] فراموش کند؟ به راستی ما بر دل های آنان پوشش هایی قرار داده ایم تا قرآن را نفهمند، و در گوش هایشان سنگینی نهادیم [تا آن را نشنوند]؛ و اگر آنان را به راه هدایت فراخوانی، هرگز و هیچ گاه هدایت نیابند. (۵۷)

وَرَبُّكَ الْغَفُورُ ذُو الرَّحْمَةِ لَوْ يُؤَاخِذُهُم بِمَا كَسَبُوا لَعَجَّلَ لَهُمُ الْعَذَابَ بَل لَّهُم مَّوْعِدٌ لَّن يَجِدُوا مِن دُونِهِ مَوْئِلًا (۵۸)

و پروردگارت بسیار آمرزنده [و] صاحب رحمت است. اگر می خواست آنان را به کیفر گناهانی که مرتکب شده اند، مؤاخذه کند، قطعاً در عذابشان شتاب می نمود [اما چنین نمی کند]، بلکه آنان را وعده گاهی است که هرگز در برابر آن کمترین پناهگاهی نخواهند یافت. (۵۸)

وَتِلْكَ الْقُرَى أَهْلَكْنَاهُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَعَلْنَا لِمَهْلِكِهِم مَّوْعِدًا (۵۹)

و آن شهرها [یی که داستانشان را بر تو خواندیم] هنگامی که اهل آنها [با کفر و تکذیب آیات خدا] به خود ستم ورزیدند، هلاکشان کردیم، و برای هلاکتشان وقتی معلوم مقرّر نمودیم. (۵۹)

وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِفَتَاهُ لَا أَبْرَحُ حَتَّى أَبْلُغَ مَجْمَعَ الْبَحْرَيْنِ أَوْ أَمْضِيَ حُقُبًا (۶۰)

و [یاد کن] هنگامی را که موسی به جوان [خدمت گزار] خود گفت: همواره می روم تا به محل برخورد آن دو دریا برسم [چه اینکه زود برسم] یا روزگاری طولانی به سفرم ادامه دهم، [در هر حال می روم تا برای تحصیل دانش بیشتر، عبد صالح حق را بیابم.] (۶۰)

فَلَمَّا بَلَغَا مَجْمَعَ بَيْنِهِمَا نَسِيَا حُوتَهُمَا فَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ سَرَبًا (۶۱)

پس هنگامی که به محل برخورد دو دریا رسیدند، ماهی خود را [که برای خوردن فراهم کرده بودند] از یاد بردند، [آن] ماهی راه خود را [به طور سرازیر] در دریا پیش گرفت. (۶۱)

ص: ۳۰۰

فَلَمَّا جَاوَزَا قَالَ لِفَتَاهُ آتِنَا غَدَاءَنَا لَقَدْ لَقِينَا مِن سَفَرِنَا هَذَا نَصَبًا (۶۲)

وقتی [از آنجا] گذشتند، موسی به خدمت گزارش گفت: غذای صبح گاهی ما را بیاور که از این سفرمان سختی و خستگیِ بسیار دیدیم. (۶۲)

قَالَ أَرَأَيْتَ إِذْ أَوَيْنَا إِلَى الصَّخْرَهِ فَإِنِّی نَسِیتُ الْحُوتَ وَمَا أَنسَانِیهُ إِلَّا الشَّیْطَانُ أَنْ أَذْکُرَهُ وَاتَّخَذَ سَبِیلَهُ فِی الْبَحْرِ عَجَبًا (۶۳)

خدمت گزارش گفت: آیا ندانستی چون کنار آن سنگ جای گرفتیم، من ماهی را از یاد بردم و آن با وضعی شگفت انگیز راه خود را در دریا گرفت و رفت، و جز شیطان از خاطرم نبرد که آن را به یاد داشته باشم. (۶۳)

قَالَ ذَلِکَ مَا کُنَّا نَبْغِ فَارْتَدَّا عَلَى آثَارِهِمَا قَصَصًا (۶۴)

موسی گفت: این [جای فراموش کردن ماهی] همان است که ما در طلبش بودیم. پس با پی گرفتن جای پای خود [از راهی که آمده بودند] برگشتند. (۶۴)

فَوَجَدَا عَبْدًا مِّنْ عِبَادِنَا آتَیْنَاهُ رَحْمَهً مِّنْ عِندِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِن لَّدُنَّا عِلْمًا (۶۵)

پس بنده ای از بندگان ما را یافتند که او را از نزد خود رحمتی داده و از پیشگاه خود دانشی ویژه به او آموخته بودیم. (۶۵)

قَالَ لَهُ مُوسَى هَلْ أَتَّبِعُکَ عَلَى أَن تُعَلِّمَنِ مِمَّا عُلِّمْتَ رُشْدًا (۶۶)

موسی به او گفت: آیا [اذن می دهی که] من تو را [به این هدف] پیروی کنم که از آنچه به تو آموخته اند، مایه رشدی به من بیاموزی؟ (۶۶)

قَالَ إِنَّکَ لَن تَسْتَطِیعَ مَعِیَ صَبْرًا (۶۷)

گفت: [ای موسی!] تو هرگز نمی توانی بر همراهی من شکیبایی ورزی. (۶۷)

وَکَیْفَ تَصْبِرُ عَلَى مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خُبْرًا (۶۸)

و چگونه می توانی بر چیزی که به آن احاطه [علمی] نداری شکیبایی ورزی؟ (۶۸)

قَالَ سَتَجِدُنِی إِن شَاءَ اللَّهُ صَابِرًا وَلَا أَعْصِی لَکَ أَمْرًا (۶۹)

گفت: اگر خدا بخواهد، مرا شکیبا خواهی یافت، و هیچ فرمانی را از تو مخالفت نخواهم کرد. (۶۹)

قَالَ فَإِنِ اتَّبَعْتَنِی فَلَا تَسْأَلْنِی عَن شَیْءٍ حَتَّى أُحْدِثَ لَکَ مِنْهُ ذِکْرًا (۷۰)

گفت: [ای موسی!] اگر دنبال من آمدی، از هیچ چیز از من مپرس تا خودم درباره [حقیقتِ] آن با تو آغاز سخن کنم. (۷۰)

فَانطَلَقَا حَتَّى إِذَا رَکِبَا فِی السَّفِینَهِ خَرَقَهَا قَالَ أَخَرَقْتَهَا لِتُغْرِقَ أَهْلَهَا لَقَدْ جِئْتَ شَیْئًا إِمْرًا (۷۱)

پس هر دو به راه افتادند تا وقتی که در کشتی سوار شدند، او شکافی در کشتی ایجاد کرد. موسی گفت: آیا آن را شکافتی تا

سرنشینانش را غرق کنی؟ به راستی که کاری بسیار زشت کردی! (۷۱)

قَالَ أَلَمْ أَقُلْ إِنَّكَ لَن تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا (۷۲)

گفت: [ای موسی!] آیا نگفتم که تو هرگز نمی توانی بر همراهی من شکیبایی ورزی؟ (۷۲)

قَالَ لَا تُؤَاخِذْنِي بِمَا نَسِيتُ وَلَا تُرْهِقْنِي مِنْ أَمْرِي عُسْرًا (۷۳)

گفت: مرا بر آنچه از یاد بردم، مؤاخذه مکن و در کارم به من سخت مگیر. (۷۳)

فَانطَلَقَا حَتَّى إِذَا لَقِيَا غُلَامًا فَقَتَلَهُ قَالَ أَقَتَلْتَ نَفْسًا زَكِيَّةً بِغَيْرِ نَفْسٍ لَّقَدْ جِئْتَ شَيْئًا نُّكْرًا (۷۴)

پس [هر دو] به راه افتادند تا [زمانی که] به نوجوانی برخوردند؛ پس [بنده ما] او را کشت. موسی گفت: آیا شخص بی گناهی را بدون آنکه کسی را کشته باشد، کُشتی؟ به راستی که کاری بسیار ناپسند مرتکب شدی! (۷۴)

ص: ۳۰۱

جزء ۱۶

ادامه سوره الکهف

قَالَ أَلَمْ أَقُل لَّكَ إِنَّكَ لَن تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا (۷۵)

گفت: [ای موسی!] آیا نگفتم که تو هرگز نمی توانی بر همراهی من شکیبایی کنی؟ (۷۵)

قَالَ إِن سَأَلْتُكَ عَن شَيْءٍ بَعْدَهَا فَلَا تُصَاحِبْنِي قَدْ بَلَغْتَ مِن لَّدُنِّي عُذْرًا (۷۶)

گفت: بعد از این اگر چیزی از تو پرسیدم، دیگر با من مصاحبت مکن [برای آنکه] از جانب من به عذر قابل قبولی رسیده ای [و برای جدا شدن از من دلیل قاطعی داری.] (۷۶)

فَانطَلَقَا حَتَّى إِذَا أَتَيَا أَهْلَ قَرْيَةٍ اسْتَطْعَمَا أَهْلَهَا فَأَبَوْا أَن يُضَيِّفُوهُمَا فَوَجَدَا فِيهَا جِدَارًا يُرِيدُ أَن يَنقَضَّ فَأَقَامَهُ قَالَ لَوْ شِئْتَ لَاتَّخَذْتَ عَلَيْهِ أَجْرًا (۷۷)

پس [هر دو] به راه افتادند تا هنگامی که به مردم شهری رسیدند، از مردمش خوراک خواستند و آنان از اینکه آن دو را مهمان کنند، خودداری کردند. پس در آن شهر، دیواری یافتند که می خواست فرو ریزد، پس او آن را [به گونه ای] استوار کرد [که فرو نریزد]. موسی گفت: اگر می خواستی برای تعمیر آن دیوار، مزدی می گرفتی [که برای خود خوراک فراهم آوریم.] (۷۷)

قَالَ هَذَا فِرَاقُ بَيْنِي وَبَيْنِكَ سَأُنَبِّئُكَ بِتَأْوِيلِ مَا لَمْ تَسْتَطِع عَّلَيْهِ صَبْرًا (۷۸)

گفت: [ای موسی!] اکنون زمان جدایی میان من و توست؛ به زودی تو را به تفسیر و علت آنچه نتوانستی بر آن شکیبایی ورزی، آگاه می کنم. (۷۸)

أَمَّا السَّفِينَهُ فَكَانَتْ لِمَسَاكِينَ يَعْمَلُونَ فِي الْبَحْرِ فَأَرَدتُّ أَنْ أَعِيبَهَا وَكَانَ وَرَاءَهُم مَّلِكٌ يَأْخُذُ كُلَّ سَفِينَهٍ غَصْبًا (۷۹)

اما آن کشتی، از بی نوایانی بود که [با آن] در دریا کار می کردند و در برابرشان پادشاهی بود که هر کشتی سالم و بی عیبی را غاصبانه تصرف می کرد، من خواستم معیوبش کنم [تا به دست آن ستم گر نیفتد.] (۷۹)

وَأَمَّا الْغُلَامُ فَكَانَ أَبَوَاهُ مُؤْمِنَيْنِ فَخَشِينَا أَن يُرْهِقَهُمَا طُغْيَانًا وَكُفْرًا (۸۰)

و اما [آن] نوجوان [که او را کُشتم]، پدر و مادرش مؤمن بودند، پس ترسیدم که آن دو را [در آینده] به طغیان و کفر بکشاند. (۸۰)

فَأَرَدْنَا أَن يُبْدِلَهُمَا رَبُّهُمَا خَيْرًا مِّنْهُ زَكَاهً وَأَقْرَبَ رُحْمًا (۸۱)

پس خواستیم پروردگارشان پاک تر و مهربان تر از او را به آنان عوض دهد. (۸۱)

وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَهِ وَكَانَ تَحْتَهُ كَنزٌ لَّهُمَا وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا فَأَرَادَ رَبُّكَ أَن يَبْلُغَا أَشُدَّهُمَا وَيَسْتَخْرِجَا كَنزَهُمَا رَحْمَهً مِّن رَّبِّكَ وَمَا فَعَلْتُهُ عَنْ أَمْرِي ذَلِكَ تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْطِع عَّلَيْهِ صَبْرًا (۸۲)

و اما آن دیوار از دو نوجوان یتیم در این شهر بود، و زیرش گنجی متعلق به آن دو قرار داشت، و پدرشان مردی شایسته بود، پس پروردگارت خواست که آن دو یتیم به حد رشد رسند و گنجشان را به سبب مِهر [ی که] پروردگارت [به آن دو] داشت بیرون آورند؛ و من این را از پیش خود انجام ندادم. این است تفسیر و علت آنچه نتوانستی بر آن شکیبایی ورزی. (۸۲)

وَيَسْأَلُونَكَ عَن ذِي الْقَرْنَيْنِ قُلْ سَأَتْلُو عَلَيْكُم مِّنْهُ ذِكْرًا (۸۳)

و از تو درباره ذوالقرنین می پرسند؛ بگو: به زودی بخشی از سرگذشت او را [به وسیله آیاتی از قرآن] برای شما می خوانم. (۸۳)

ص: ۳۰۲

إِنَّا مَكَّنَّا لَهُ فِي الْأَرْضِ وَآتَيْنَاهُ مِن كُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا (۸۴)

ما به او در زمین، قدرت و تمکّن دادیم و از هر چیزی [که برای رسیدن به هدف هایش نیازمند به آن بود] وسیله ای به او عطا کردیم. (۸۴)

فَأَتْبَعَ سَبَبًا (۸۵)

پس [با توسل به وسیله،] راهی را [برای سفر به غرب] دنبال کرد. (۸۵)

حَتَّى إِذَا بَلَغَ مَغْرِبَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَغْرُبُ فِي عَيْنٍ حَمِئَةٍ وَوَجَدَ عِندَهَا قَوْمًا قُلْنَا يَا ذَا الْقَرْنَيْنِ إِمَّا أَن تُعَذِّبَ وَإِمَّا أَن تَتَّخِذَ فِيهِمْ حُسْنًا (۸۶)

تا زمانی که به محل غروب خورشید رسید [منظره غروب] خورشید را چنین یافت که در چشمه ای گرم و لجن آلود غروب می کند، و نزد آن قومی را یافت [که فساد و ستم می کردند]. گفتیم: ای ذوالقرنین! یا [این قوم را به کیفر فساد و ستمشان] عذاب می کنی و یا در میانشان شیوه ای نیک در پیش می گیری. (۸۶)

قَالَ أَمَّا مَن ظَلَمَ فَسَوْفَ نُعَذِّبُهُ ثُمَّ يُرَدُّ إِلَى رَبِّهِ فَيُعَذِّبُهُ عَذَابًا نُّكْرًا (۸۷)

ذوالقرنین گفت: اما هر که [با کفر، فساد و گناه] ستم کرده، عذابش می کنیم، آن گاه به سوی پروردگارش بازگردانده می شود، پس او را عذابی سخت خواهد کرد. (۸۷)

وَأَمَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُ جَزَاءً الْحُسْنَى وَسَنَقُولُ لَهُ مِنْ أَمْرِنَا يُسْرًا (۸۸)

و اما هر که ایمان آورده و کار شایسته انجام داده است، پس بهترین پاداش برای اوست، و ما هم از سوی خود تکلیفی آسان به او خواهیم داد. (۸۸)

ثُمَّ أَتْبَعَ سَبَبًا (۸۹)

پس [باز هم با توسل به وسیله] راهی را [برای سفر به شرق] دنبال کرد. (۸۹)

حَتَّى إِذَا بَلَغَ مَطْلِعَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَطْلُعُ عَلَى قَوْمٍ لَّمْ نَجْعَل لَّهُم مِّن دُونِهَا سِتْرًا (۹۰)

تا زمانی که به محل طلوع خورشید رسید، آن را یافت که بر قومی طلوع می کند که در برابر آن پوششی [از مسکن و لباس] برای آنان قرار نداده ایم. (۹۰)

كَذَلِكَ وَقَدْ أَحَطْنَا بِمَا لَدَيْهِ خُبْرًا (۹۱)

[سرگذشت ذوالقرنین و ملت ها] این گونه [بود]، و یقیناً ما به آنچه [از وسایل و امکانات مادی و معنوی] نزد او بود، احاطه [علمی] داشتیم. (۹۱)

ثُمَّ أَتْبَعَ سَبَبًا (۹۲)

سپس [با توسل به وسیله،] راهی را [برای سفر دیگر] دنبال کرد. (۹۲)

حَتَّى إِذَا بَلَغَ بَيْنَ السَّدَّيْنِ وَجَدَ مِن دُونِهِمَا قَوْمًا لَّا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ قَوْلًا (۹۳)

تا زمانی که میان دو کوه رسید، نزد آن دو کوه، قومی را یافت که هیچ سخنی را به آسانی نمی فهمیدند. (۹۳)

قَالُوا يَا ذَا الْقَرْنَيْنِ إِنَّ يَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَى أَن تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا (۹۴)

[آنان با رمز، اشاره و با هر وسیله ای که ممکن بود] گفتند: ای ذوالقرنین! یأجوج و مأجوج [با کشتن و غارت و تخریب] در این سرزمین فساد می کنند؛ آیا می پذیری که ما مزدی برایت قرار دهیم تا میان ما و آنان سدّی بسازی؟ (۹۴)

قَالَ مَا مَكَّنِّي فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ أَجْعَلْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا (۹۵)

گفت: آنچه پروردگارم مرا در آن تمکّن و قدرت داده [از مزد شما] بهتر است؛ پس شما مرا با نیرویی یاری دهید [تا] میان شما و آنان سدّی سخت و استوار قرار دهم. (۹۵)

آتُونِي زُبَرَ الْحَدِيدِ حَتَّى إِذَا سَاوَى بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ انفُخُوا حَتَّى إِذَا جَعَلَهُ نَارًا قَالَ آتُونِي أُفْرِغْ عَلَيْهِ قِطْرًا (۹۶)

برای من قطعه های [بزرگ] آهن بیاورید [و در شکاف این دو کوه بریزید، پس آوردند و ریختند] تا زمانی که میان آن دو کوه را هم سطح و برابر کرد، گفت: [در کوره ها] بدمید تا وقتی که آن [قطعه های آهن] را چون آتش سرخ کرد. گفت: برایم مس گداخته شده بیاورید تا روی آن بریزم. (۹۶)

فَمَا اسْطَاعُوا أَن يَظْهَرُوهُ وَمَا اسْتَطَاعُوا لَهُ نَقْبًا (۹۷)

[هنگامی که سد ساخته شد] یأجوج و مأجوج نتوانستند بر آن بالا روند، و نتوانستند در آن رخنه ای وارد کنند. (۹۷)

ص: ۳۰۳

قَالَ هَذَا رَحْمَةٌ مِّن رَّبِّي فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ رَبِّي جَعَلَهُ دَكَّاءَ وَكَانَ وَعْدُ رَبِّي حَقًّا (۹۸)

[ذوالقرنین پس از پایان یافتن کار سد] گفت: این رحمتی است از پروردگار من، ولی زمانی که وعده پروردگارم فرا رسد، آن را درهم کوبد [و به صورت خاکی مساوی با زمین قرار دهد]، و وعده پروردگارم حق است. (۹۸)

وَتَرَكْنَا بَعْضَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَمُوجُ فِي بَعْضٍ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَجَمَعْنَاهُمْ جَمْعًا (۹۹)

و در آن روز که برخی با برخی دیگر درهم و مخلوط، موج می زنند، رهایشان می کنیم و در صور دمیده شود، پس همه آنان را [در عرصه قیامت] گرد می آوریم. (۹۹)

وَعَرَضْنَا جَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ لِّلْكَافِرِينَ عَرْضًا (۱۰۰)

و دوزخ را در آن روز [به صورتی بسیار ترسناک] برای کافران آشکار می کنیم. (۱۰۰)

الَّذِينَ كَانَتْ أَعْيُنُهُمْ فِی غِطَاءٍ عَن ذِكْرِی وَكَانُوا لَا يَسْتَطِيعُونَ سَمْعًا (۱۰۱)

همان کسانی که دیده [بصیرت] شان از یاد من در پرده [غفلت] بود، و نمی توانستند [سخن خدا را] بشنوند. (۱۰۱)

أَفَحَسِبَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَن يَتَّخِذُوا عِبَادِی مِن دُونِی أَوْلِيَاءَ إِنَّا أَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ نُزُلًا (۱۰۲)

آیا کسانی که کافرند، پنداشته اند که بندگانم را، به جای من سرپرستان خود می گیرند [برای آنان در دنیا و آخرت کاری انجام می دهند؟! چنین نیست قطعاً] ما دوزخ را برای پذیرایی کافران آماده کرده ایم. (۱۰۲)

قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُم بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا (۱۰۳)

بگو: آیا شما را از زیانکارترین مردم از جهت عمل آگاه کنم؟ (۱۰۳)

الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِی الْحَيَاهِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا (۱۰۴)

[آنان] کسانی هستند که کوششان در زندگی دنیا به هدر رفته [و گم شده است] در حالی که خود می پندارند، خوب عمل می کنند. (۱۰۴)

أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَهِ وَزْنًا (۱۰۵)

آنان کسانی هستند که آیات پروردگارشان و دیدار [قیامت و محاسبه اعمال] را به وسیله او منکر شدند، در نتیجه اعمالشان تباه و بی اثر شده است، پس روز قیامت میزانی برای [محاسبه اعمال] آنان برپا نمی کنیم. (۱۰۵)

ذَلِكَ جَزَاؤُهُمْ جَهَنَّمُ بِمَا كَفَرُوا وَاتَّخَذُوا آيَاتِی وَرُسُلِی هُزُوًا (۱۰۶)

این است [وضع و حال زیانکاران] به سبب آنکه کفر ورزیدند و آیات من و پیامبرانم را به مسخره گرفتند. (۱۰۶)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا (۱۰۷)

مسلماً کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، بهشت های فردوس جای پذیرایی آنان است. (۱۰۷)

خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَبْغُونَ عَنْهَا حِوَلًا (۱۰۸)

در آن جاودانه اند و از آن درخواست انتقال به جای دیگر نمی کنند. (۱۰۸)

قُل لَّوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِّكَلِمَاتِ رَبِّی لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَن تَنفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّی وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا (۱۰۹)

بگو: اگر دریا برای [نوشتن] کلمات پروردگارم [که مخلوقات او هستند] مرکب شود، پیش از آنکه کلمات پروردگارم پایان

یابد، یقیناً دریا پایان می یابد، و اگرچه مانند آن دریا را به کمک بیاوریم. (۱۰۹)

قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَى إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَمَن كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا (۱۱۰)

بگو: جز این نیست که من هم بشری مانند شمایم که به من وحی می شود که معبود شما فقط خدای یکتاست؛ پس کسی که دیدار [پاداش و مقام قرب] پروردگارش را امید دارد، پس باید کاری شایسته انجام دهد و هیچ کس را در پرستش پروردگارش شریک نکند. (۱۱۰)

ص: ۳۰۴

سوره مریم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ كهيعص (۱)

کهیعص (۱)

ذِكْرُ رَحْمَتِ رَبِّكَ عَبْدَهُ زَكَرِيَّا (۲)

[آیاتی که بر تو خوانده می شود] یاد رحمت پروردگارت بر بنده اش زکریاست. (۲)

إِذْ نَادَى رَبَّهُ نِدَاءً خَفِيًّا (۳)

هنگامی که پروردگارش را با دعایی پنهان خواند، (۳)

قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ أَكُن بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا (۴)

گفت: پروردگارا! به راستی استخوانم سست شده و [مویِ] سرم از پیری سپید گشته، و پروردگارا! هیچ گاه درباره دعا به پیشگاهت [از اجابت] محروم و بی بهره نبودم. (۴)

وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِن وَرَائِي وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِن لَّدُنكَ وَلِيًّا (۵)

و همانا من پس از خود از خویشاوندانم بیمناکم، و همسرم [از شروع زندگی] نازا بوده است، پس مرا از سوی خود فرزندی عطا کن. (۵)

يَرِثُنِي وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا (۶)

که از من و خاندان یعقوب ارث ببرد، و او را پروردگارا! [از هر جهت] مورد رضایت [خود] قرار ده. (۶)

يَا زَكَرِيَّا إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ يَحْيَى لَمْ نَجْعَل لَّهُ مِن قَبْلُ سَمِيًّا (۷)

ای زکریا! ما تو را به پسری که نامش یحیی است، مژده می دهیم، [و] پیش از این همنامی برای او قرار نداده ایم. (۷)

قَالَ رَبِّ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا وَقَدْ بَلَغْتُ مِنَ الْكِبَرِ عِتِيًّا (۸)

گفت: پروردگارا! چگونه برایم پسری خواهد بود در حالی که همسرم نازا بوده است و خود نیز از پیری به فرتوتی رسیده ام؟! (۸)

قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ وَقَدْ خَلَقْتُكَ مِن قَبْلُ وَلَمْ تَكُ شَيْئًا (۹)

[فرشته وحی به او] گفت: چنین است [که گفتی، ولی] پروردگارت فرمود: این [کار] بر من آسان است، و همانا تو را پیش از این در حالی که چیزی نبودی آفریدم. (۹)

قَالَ رَبِّ اجْعَل لِّي آيَةً قَالَ آيَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَ لَيَالٍ سَوِيًّا (۱۰)

گفت: پروردگارا! برای من نشانه ای قرار ده. گفت: نشانه تو این است که سه شبانه روز در حالی که سالم هستی، قدرت سخن گفتن با مردم نخواهی داشت. (۱۰)

فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ مِنَ الْمِحْرَابِ فَأَوْحَى إِلَيْهِمْ أَن سَبِّحُوا بُكْرَةً وَعَشِيًّا (۱۱)

پس [به دنبال ناتوانی از سخن گفتن] از عبادتگاهش بر قومش درآمد و به آنان اشاره کرد که صبح و شام خدا را تسبیح گویید. (۱۱)

ص: ۳۰۵

يَا يَحْيَى خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَآتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا (۱۲)

ای یحیی! کتاب را به قوت و نیرومندی بگیر؛ و به او در حالی که کودک بود، حکمت دادیم. (۱۲)

وَحَنَانًا مِّن لَّدُنَّا وَزَكَاةً وَكَانَ تَقِيًّا (۱۳)

و از سوی خود مهرورزی [به همه مردم] و پاکی و شایستگی [به او عطا کردیم] و او همواره پرهیزکار بود. (۱۳)

وَبَرًّا بِوَالِدَيْهِ وَلَمْ يَكُن جَبَّارًا عَصِيًّا (۱۴)

و به پدر و مادرش نیکوکار بود و سرکش و نافرمان نبود. (۱۴)

وَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوتُ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا (۱۵)

و بر او سلام باد روزی که زاده شد، و روزی که می میرد، و روزی که زنده برانگیخته می شود. (۱۵)

وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ انتَبَذَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا (۱۶)

و در این کتاب [سرگذشتِ] مریم را یاد کن هنگامی که از خانواده اش [در] مکان شرقی کناره گرفت. (۱۶)

فَاتَّخَذَتْ مِن دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا (۱۷)

و جدا از آنان پوشش و پرده ای برای خود قرار داد. و ما روح خود را به سوی او فرستادیم، پس برای او [به صورت] بشری خوش اندام و معتدل نمودار شد. (۱۷)

قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنكَ إِن كُنتَ تَقِيًّا (۱۸)

مریم گفت: همانا من از تو به [خدای] رحمان پناه می برم، اگر پرهیزکار هستی [از من فاصله بگیر.] (۱۸)

قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَامًا زَكِيًّا (۱۹)

گفت: جز این نیست که من فرستاده پروردگار تو هستم برای آنکه پسری پاک و پاکیزه به تو ببخشم. (۱۹)

قَالَتْ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِي بَشَرٌ وَلَمْ أَكُ بَغِيًّا (۲۰)

گفت: چگونه برای من پسری خواهد بود در حالی که نه هیچ بشری با من ازدواج کرده است و نه بدکار بوده ام. (۲۰)

قَالَ كَذَلِكِ قَالَ رَبُّكِ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ وَلِنَجْعَلَهُ آيَةً لِّلنَّاسِ وَرَحْمَةً مِّنَّا وَكَانَ أَمْرًا مَّقْضِيًّا (۲۱)

گفت: چنین است [که گفتی، ولی] پروردگارت فرموده است: این کار بر من آسان است و [فرزندی بدون ازدواج به او بخشیدن] برای این [است] که او را نشانه ای [از قدرت خود] برای مردم و رحمتی از سوی خود قرار دهیم؛ و این کار شدنی است. (۲۱)

فَحَمَلَتْهُ فَانتَبَذَتْ بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا (۲۲)

پس به عیسی حامله شد و به خاطر او در مکانی دور کناره گرفت. (۲۲)

فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنتُ نَسْيًا مَّنسِيًّا (۲۳)

آن گاه درد زاییدن، او را به ناچار به جانب درخت خرما کشانید؛ [در آن حال] گفت: ای کاش پیش از این میمردم و یکسره

از خاطره ها فراموش شده بودم. (۲۳)

فَنَادَاهَا مِن تَحْتِهَا أَلَّا تَحْزَنِی قَدْ جَعَلَ رَبُّکِ تَحْتَکِ سَرِیًّا (۲۴)

پس کودک از زیر [پای] او نـدایش داد: غمگین مباش که پروردگارت از زیر [پای] تو نهر آبی پدیـد آورده است [تا بیاشامی و شستشو کنی.] (۲۴)

وَهُزِّی إِلَیْکِ بِجِذْعِ النَّخْلَهِ تُسَاقِطْ عَلَیْکِ رُطَبًا جَنِیًّا (۲۵)

و تنه خرما را به سوی خود بجنبان تا برایت خرمای تازه و از بار چیده بریزد. (۲۵)

ص: ۳۰۶

فَکُلِی وَاشْرَبِی وَقَرِّی عَیْنًا فَإِمَّا تَرَیِنَّ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا فَقُولِی إِنِّی نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أُکَلِّمَ الْیَوْمَ إِنسِیًّا (۲۶)

پس [از آن خرما] بخور و [از آن نهر] بیاشام و خاطرت را شاد و خوش دار، و اگر از مردم کسـی را دیدی [که درباره نوزادت پرسید] بگو: من برای [خدای] رحمان روزه [سکوت] نذر کرده ام، پس هرگز امروز با هیچ انسانی سخن نخواهم گفت. (۲۶)

فَأَتَتْ بِهِ قَوْمَهَا تَحْمِلُهُ قَالُوا یَا مَرْیَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَیْئًا فَرِیًّا (۲۷)

آن گاه نوزاد را در حالی که [در آغوشـش] حمل می کرد، نزد قومش آورد. گفتند: ای مریم! به راستی که تو کاری شـگفت [و بی سابقه و ناپسندی] مرتکب شده ای. (۲۷)

یَا أُخْتَ هَارُونَ مَا کَانَ أَبُوکِ امْرَأَ سَوْءٍ وَمَا کَانَتْ أُمُّکِ بَغِیًّا (۲۸)

ای خواهر هارون! نه پدرت مرد بدی بود و نه مادرت بدکاره بود [این طفل را از کجا آورده ای؟] (۲۸)

فَأَشَارَتْ إِلَیْهِ قَالُوا کَیْفَ نُکَلِّمُ مَن کَانَ فِی الْمَهْدِ صَبِیًّا (۲۹)

پس مریم به نوزاد اشاره کرد [که از او بپرسید.] گفتند: چگونه با کودکی که در گهواره است، سخن بگوییم؟! (۲۹)

قَالَ إِنِّی عَبْدُ اللَّهِ آتَانِیَ الْکِتَابَ وَجَعَلَنِی نَبِیًّا (۳۰)

نوزاد [از میان گهواره] گفت: بی تردید من بنده خدایم، به من کتاب عطا کرده و مرا پیامبر قرار داده است. (۳۰)

وَجَعَلَنِی مُبَارَکًا أَیْنَ مَا کُنتُ وَأَوْصَانِی بِالصَّلَاهِ وَالزَّکَاهِ مَا دُمْتُ حَیًّا (۳۱)

و هر جا که باشم بسیار بابرکت و سودمندم قرار داده، و مرا تا زنده ام به نماز و زکات سفارش کرده است. (۳۱)

وَبَرًّا بِوَالِدَتِی وَلَمْ یَجْعَلْنِی جَبَّارًا شَقِیًّا (۳۲)

و مرا نسبت به مادرم نیکوکار [و خوش رفتار] گردانیده و گردنکش و تیره بختم قرار نداده است. (۳۲)

وَالسَّلَامُ عَلَیَّ یَوْمَ وُلِدتُّ وَیَوْمَ أَمُوتُ وَیَوْمَ أُبْعَثُ حَیًّا (۳۳)

و سلام بر من روزی که زاده شدم، و روزی که می میرم، و روزی که زنده برانگیخته می شوم. (۳۳)

ذَلِکَ عِیسَی ابْنُ مَرْیَمَ قَوْلَ الْحَقِّ الَّذِی فِیهِ یَمْتَرُونَ (۳۴)

این است عیسی بن مریم، همان قول حق که [یهود و نصاری] درباره او در تردیدند. (۳۴)

مَا کَانَ لِلَّهِ أَن یَتَّخِذَ مِن وَلَدٍ سُبْحَانَهُ إِذَا قَضَی أَمْرًا فَإِنَّمَا یَقُولُ لَهُ کُن فَیَکُونُ (۳۵)

خدا را نسزد که هیچ فرزندی [برای خود] برگیرد؛ او منزّه است؛ چون پدید آمدن چیزی را اراده کند، فقط به آن می گوید: باش، پس بی درنگ موجود می شود. (۳۵)

وَإِنَّ اللَّهَ رَبِّی وَرَبُّکُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِیمٌ (۳۶)

[عیسی گفت:] بی تردید خدا [یِ یکتا] پروردگار من و شماست؛ پس او را بپرستید [که] این راهی راست است. (۳۶)

فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِن بَیْنِهِمْ فَوَیْلٌ لِّلَّذِینَ کَفَرُوا مِن مَّشْهَدِ یَوْمٍ عَظِیمٍ (۳۷)

ولی گروه هایی از میان آنان [درباره عیسی] اختلاف کردند، پس وای بر کسانی که [با افراط در شأن عیسی] کافر شدند از حضور در روزی بزرگ! (۳۷)

أَسْمِعْ بِهِمْ وَأَبْصِرْ یَوْمَ یَأْتُونَنَا لَکِنِ الظَّالِمُونَ الْیَوْمَ فِی ضَلَالٍ مُّبِینٍ (۳۸)

آنان روزی که به سوی ما می آیند [نسبت به حقایق] چه شنوا و چه بینا می شوند، ولی امروز ستمکاران در گمراهی آشکارند. (۳۸)

ص: ۳۰۷

وَأَنذِرْهُمْ یَوْمَ الْحَسْرَهِ إِذْ قُضِیَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِی غَفْلَهٍ وَهُمْ لَا یُؤْمِنُونَ (۳۹)

و آنان را از روز حسرت آن گاه که کار از کار بگذرد بترسان، در حالی که آنان در بی خبری [شدیدی] هستند و ایمان نمی آورند. (۳۹)

إِنَّا نَحْنُ نَرِثُ الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا وَإِلَيْنَا يُرْجَعُونَ (۴۰)

یقیناً ماییم که زمین و همه کسانی را که روی آن قرار دارند به میراث می بریم و [همه] به سوی ما بازگردانده می شوند. (۴۰)

وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَّبِيًّا (۴۱)

و در این کتاب، [سرگذشتِ] ابراهیم را یاد کن، یقیناً او بسیار راستگو و پیامبر بود. (۴۱)

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِي عَنكَ شَيْئًا (۴۲)

آن گاه که به پدر [خوانده] اَش گفت: پدرم! چرا چیزی را که نمی شنود و نمی بیند و نمی تواند هیچ آسیب و گزندی را از تو برطرف کند، می پرستی!؟ (۴۲)

يَا أَبَتِ إِنِّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا (۴۳)

پدرم! همانا برای من [از طریق وحی] دانشی آمده که تو را نیامده؛ بنابراین از من پیروی کن تا تو را به راهی راست راهنمایی کنم. (۴۳)

يَا أَبَتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا (۴۴)

پدرم! شیطان را مپرست؛ زیرا شیطان همواره نسبت به خدا نافرمان است. (۴۴)

يَا أَبَتِ إِنِّي أَخَافُ أَن يَمَسَّكَ عَذَابٌ مِّنَ الرَّحْمَنِ فَتَكُونَ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا (۴۵)

پدرم! به یقین می ترسم که عذابی از سوی [خدای] رحمان به تو برسد، و در نتیجه همنشین شیطان شوی. (۴۵)

قَالَ أَرَاغِبٌ أَنتَ عَنْ آلِهَتِي يَا إِبْرَاهِيمُ لَئِن لَّمْ تَنتَهِ لَأَرْجُمَنَّكَ وَاهْجُرْنِي مَلِيًّا (۴۶)

گفت: ای ابراهیم! آیا تو از معبودهای من روی گردانی؟ اگر [از بت ستیزی] باز نایستی، قطعاً تو را سنگسار می کنم، و [تا از من آسیبی به تو نرسیده] زمانی طولانی از من دور شو. (۴۶)

قَالَ سَلَامٌ عَلَيْكَ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي إِنَّهُ كَانَ بِي حَفِيًّا (۴۷)

ابراهیم گفت: سلام بر تو، به زودی از پروردگارم برای تو آمرزش می خواهم؛ زیرا او همواره نسبت به من بسیار نیکوکار و مهربان است. (۴۷)

وَأَعْتَزِلُكُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ وَأَدْعُو رَبِّي عَسَى أَلَّا أَكُونَ بِدُعَاءِ رَبِّي شَقِيًّا (۴۸)

و من از شما و معبودانی که به جای خدا می خوانید، کناره می گیرم و پروردگارم را می خوانم، امید است در خواندن پروردگارم [از اجابت او] محروم و بی بهره نباشم. (۴۸)

فَلَمَّا اعْتَزَلَهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَكُلًّا جَعَلْنَا نَبِيًّا (۴۹)

پس هنگامی که از آنان و آنچه جز خدا می پرستیدند، کناره گرفت، اسحاق ویعقوب را به او بخشیدیم وهر یک را پیامبر قرار دادیم. (۴۹)

وَوَهَبْنَا لَهُم مِّن رَّحْمَتِنَا وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا (۵۰)

و به آنان از رحمت خود بخشیدیم، وبرای آنان [در میان مردم] نامی نیک و ستایشی والامرتبه قرار دادیم. (۵۰)

وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مُوسَى إِنَّهُ كَانَ مُخْلَصًا وَكَانَ رَسُولًا نَّبِيًّا (۵۱)

و در این کتاب، [سرگذشتِ] موسی را یاد کن، بی تردید او انسانی خالص شده و فرستاده ای پیامبر بود. (۵۱)

ص: ۳۰۸

وَنَادَيْنَاهُ مِن جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَقَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا (۵۲)

و او را از جانب راست طور ندا کردیم، و او را در حالی که با وی راز گفتیم، مقرّب خود قرار دادیم. (۵۲)

وَوَهَبْنَا لَهُ مِن رَّحْمَتِنَا أَخَاهُ هَارُونَ نَبِيًّا (۵۳)

و از رحمت خود برادرش هارون را که دارای مقام پیامبری بود، به او بخشیدیم. (۵۳)

وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَّبِيًّا (۵۴)

و در این کتاب، [سرگذشتِ] اسماعیل را یاد کن، که او وفا کننده به عهد و فرستاده ای پیامبر بود. (۵۴)

وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِندَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا (۵۵)

و همواره خانواده اش را به نماز و زکات فرمان می داد، و نزد پروردگارش پسندیده بود. (۵۵)

وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِدْرِيسَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَّبِيًّا (۵۶)

و در این کتاب، [سرگذشتِ] ادریس را یاد کن، که او بسیار راستگو و پیامبر بود. (۵۶)

وَرَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا (۵۷)

و او را به جایگاه و مقام بلندی ارتقا دادیم. (۵۷)

أُولَئِکَ الَّذِینَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَیْهِم مِّنَ النَّبِیِّینَ مِن ذُرِّیَّهِ آدَمَ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَمِن ذُرِّیَّهِ إِبْرَاهِیمَ وَإِسْرَائِیلَ وَمِمَّنْ هَدَیْنَا وَاجْتَبَیْنَا إِذَا تُتْلَى عَلَیْهِمْ آیَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُکِیًّا (۵۸)

اینان کسانی از پیامبران بودند که خدا به آنان نعمت داد، از نسل آدم و از نسل کسانی که با نوح در کشتی سوار کردیم و از نسل ابراهیم و اسرائیل و از کسانی که آنان را هدایت کردیم و برگزیدیم؛ هنگامی که آیات [خدایِ] رحمان بر آنان خوانده می شد، سجده کنان و گریان به رو می افتادند. (۵۸)

فَخَلَفَ مِن بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاهَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسَوْفَ یَلْقَوْنَ غَیًّا (۵۹)

سپس بعد از آنان نسلی جایگزین [آنان] شد که نماز را ضایع کردند و از شهوات پیروی نمودند؛ پس [کیفر] گمراهی خود را [که عذابی دردناک است] خواهند دید. (۵۹)

إِلَّا مَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَئِکَ یَدْخُلُونَ الْجَنَّهَ وَلَا یُظْلَمُونَ شَیْئًا (۶۰)

مگر آنان که توبه کرده و ایمان آورده و کار شایسته انجام داده اند، پس آنان به بهشت درآیند و ذرّه ای مورد ستم قرار نمی گیرند. (۶۰)

جَنَّاتِ عَدْنٍ الَّتِی وَعَدَ الرَّحْمَنُ عِبَادَهُ بِالْغَیْبِ إِنَّهُ کَانَ وَعْدُهُ مَأْتِیًّا (۶۱)

بهشت های جاویدی که [خدای] رحمان به بندگانش وعده داده در حالی که اکنون از نظرها پنهان است، یقیناً وعده خدا آمدنی است. (۶۱)

لَّا یَسْمَعُونَ فِیهَا لَغْوًا إِلَّا سَلَامًا وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِیهَا بُکْرَهً وَعَشِیًّا (۶۲)

در آنجا کلام لغو و بیهوده ای نمی شنوند، بلکه آنچه می شنوند فقط سلام و درود است؛ و در آنجا صبح و شام، رزقشان برای آنان [آماده] است. (۶۲)

تِلْکَ الْجَنَّهُ الَّتِی نُورِثُ مِنْ عِبَادِنَا مَن کَانَ تَقِیًّا (۶۳)

این است بهشتی که به هر کس از بندگان خود که پرهیزکار باشد، به میراث می دهیم. (۶۳)

وَمَا نَتَنَزَّلُ إِلَّا بِأَمْرِ رَبِّکَ لَهُ مَا بَیْنَ أَیْدِینَا وَمَا خَلْفَنَا وَمَا بَیْنَ ذَلِکَ وَمَا کَانَ رَبُّکَ نَسِیًّا (۶۴)

و [ای رسول خدا! ما فرشتگان] جز به فرمان پروردگارت نازل نمی شویم. [آگاهی به] آنچه مربوط به آینده ماست و آنچه مربوط به گذشته ماست وآنچه میان گذشته و آینده است، ویژه اوست؛ و پروردگارت هیچ گاه فراموشکار نیست. (۶۴)

رَّبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَاعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا (۶۵)

[اوست] پروردگار آسمان ها و زمین و آنچه میان آن دو قرار دارد؛ پس او را بپرَست و بر پرستیدنش شکیبا باش. آیا برای او همنامی می دانی [که او هم پروردگار آسمان ها و زمین باشد؟!] (۶۵)

وَيَقُولُ الْإِنسَانُ أَإِذَا مَا مِتُّ لَسَوْفَ أُخْرَجُ حَيًّا (۶۶)

و انسان می گوید: آیا زمانی که بمیرم به راستی زنده [از خاک] بیرونم می آورند؟ (۶۶)

أَوَلَا يَذْكُرُ الْإِنسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِن قَبْلُ وَلَمْ يَكُ شَيْئًا (۶۷)

آیا انسان به یاد نمی آورد [و توجه ندارد] که ما او را پیش از این در حالی که چیزی نبود، آفریدیم. (۶۷)

فَوَرَبِّكَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَالشَّيَاطِينَ ثُمَّ لَنُحْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا (۶۸)

پس به پروردگارت سوگند، آنان را [که بدون دلیل و از روی جهل و نادانی منکر زنده شدن مردگانند] با شیاطین محشور می کنیم، سپس آنان را در حالی که به زانو درآمده اند، گرداگرد دوزخ حاضر خواهیم کرد. (۶۸)

ثُمَّ لَنَنزِعَنَّ مِن كُلِّ شِيعَةٍ أَيُّهُمْ أَشَدُّ عَلَى الرَّحْمَنِ عِتِيًّا (۶۹)

آن گاه از هر گروهی، آنان که بر خدای رحمان عاصی و سرکش تر بوده اند، بیرون می کشیم. (۶۹)

ثُمَّ لَنَحْنُ أَعْلَمُ بِالَّذِينَ هُمْ أَوْلَى بِهَا صِلِيًّا (۷۰)

سپس ما به کسانی که برای سوختن در دوزخ سزاوارترند، داناتریم. (۷۰)

وَإِن مِّنكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَى رَبِّكَ حَتْمًا مَّقْضِيًّا (۷۱)

و هیچ کس از شما نیست مگر آنکه وارد دوزخ می شود، [ورود همگان به دوزخ] بر پروردگارت مسلّم و حتمی است. (۷۱)

ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوا وَّنَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثِيًّا (۷۲)

سپس آنان را که [از کفر، شرک، فساد و گناه] پرهیز کردند، نجات می دهیم، و ستمکاران را که به زانو درافتاده اند، در دوزخ رها می کنیم. (۷۲)

وَإِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَّقَامًا وَأَحْسَنُ نَدِيًّا (۷۳)

و هنگامی که آیات روشن ما را بر آنان می خوانند، کافران به آنان که ایمان آورده اند، می گویند: کدام یک از ما دو گروه، جایگاهش [از جهت مادی] بهتر و مجلس اُنسش [از لحاظ اجتماعی و سیاسی] نیکوتر است؟ (۷۳)

وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّن قَرْنٍ هُمْ أَحْسَنُ أَثَاثًا وَرِئْيًا (۷۴)

و چه بسیار اقوامی را پیش از آنان هلاک کردیم که لوازم زندگی بهتر [و منظر] و ظاهری [خوش نماتر و] نیکوتر داشتند. (۷۴)

قُلْ مَن كَانَ فِي الضَّلَالَةِ فَلْيَمْدُدْ لَهُ الرَّحْمَنُ مَدًّا حَتَّى إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ إِمَّا الْعَذَابَ وَإِمَّا السَّاعَةَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ شَرٌّ مَّكَانًا وَأَضْعَفُ جُندًا (۷۵)

بگو: آنان که در گمراهی قرار دارند، باید [خدای] رحمان [بر پایه سنت جاری خود] به آنان مهلتی معین دهد، تا زمانی که آنچه را به آنان وعده داده اند ببینند، یا عقوبت و شکنجه [در دنیا] را یا عذاب قیامت را؛ پس به زودی خواهند دانست چه کسی جایگاهش بدتر و سپاهش ناتوان تر است؟! (۷۵)

وَيَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِندَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ مَّرَدًّا (۷۶)

و آنان که هدایت یافته اند، خدا بر هدایتشان می افزاید، و اعمال شایسته پایدار نزد پروردگارت از جهت پاداش بهتر و از لحاظ بازدهی نیکوتر است. (۷۶)

ص: ۳۱۰

أَفَرَأَيْتَ الَّذِي كَفَرَ بِآيَاتِنَا وَقَالَ لَأُوتَيَنَّ مَالًا وَوَلَدًا (۷۷)

آیا دیدی آن کسی را که به آیات ما کافر شد وگفت: [به خاطر انتخاب آیین شرک و کفر] به من مال و اولاد بسیار خواهند داد؟ (۷۷)

أَطَّلَعَ الْغَيْبَ أَمِ اتَّخَذَ عِندَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا (۷۸)

آیا [او درباره رسیدن به مال و اولاد بسیار] بر غیب آگاهی یافته، یا پیمانی [بر این عطای فراوان] از سوی [خدای] رحمان دریافت نموده است؟ (۷۸)

كَلَّا سَنَكْتُبُ مَا يَقُولُ وَنَمُدُّ لَهُ مِنَ الْعَذَابِ مَدًّا (۷۹)

این چنین نیست [که او می گوید]، ما به زودی آنچه را می گوید [در پرونده عملش] خواهیم نوشت و عذابش را همواره ادامه خواهیم داد. (۷۹)

وَنَرِثُهُ مَا يَقُولُ وَيَأْتِينَا فَرْدًا (۸۰)

و آنچه را که [از مال و فرزند] می گوید، از او به میراث می بریم، و تنها نزد ما خواهد آمد. (۸۰)

وَاتَّخَذُوا مِن دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لِّيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا (۸۱)

و به جای خدا معبودانی گرفتند تا برای آنان مایه عزت و توانمندی باشد. (۸۱)

كَلَّا سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ وَيَكُونُونَ عَلَيْهِمْ ضِدًّا (۸۲)

چنین نیست، به زودی [آن معبودان] پرستش آنان را انکار می کنند و دشمنشان خواهند شد. (۸۲)

أَلَمْ تَرَ أَنَّا أَرْسَلْنَا الشَّيَاطِينَ عَلَى الْكَافِرِينَ تَؤُزُّهُمْ أَزًّا (۸۳)

آیا ندانسته ای که ما شیطان ها را بر کافران فرستادیم تا آنان را به شدت به سوی گناهان و شهوات برانگیزند. (۸۳)

فَلَا تَعْجَلْ عَلَيْهِمْ إِنَّمَا نَعُدُّ لَهُمْ عَدًّا (۸۴)

بنابراین بر [شکست و هلاکت] آنان شتاب مکن، ما [همه اعمال و رفتار حتی لحظات عمرشان را] به دقت شماره می کنیم [تا مهلتشان تمام شود و به کیفر آنچه همواره مرتکب می شدند، برسند.] (۸۴)

يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا (۸۵)

[یاد کن] روزی را که پرهیزکاران را به ضیافت و میهمانی [خدای] رحمان گرد می آوریم. (۸۵)

وَنَسُوقُ الْمُجْرِمِينَ إِلَى جَهَنَّمَ وِرْدًا (۸۶)

و مجرمان را تشنه به سوی دوزخ می رانیم. (۸۶)

لَّا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِندَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا (۸۷)

[شفیعان در آن روز] قدرت بر شفاعت ندارند مگر کسانی [مانند پیامبران، امامان، فرشتگان و اولیا] که از نزد [خدای] رحمان، پیمانی [بر اذن شفاعت] گرفته باشند. (۸۷)

وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا (۸۸)

و [مشرکان] گفتند: [خدای] رحمان برای خود فرزندی گرفته است. (۸۸)

لَّقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا إِدًّا (۸۹)

به راستی که چیزی بسیار زشت و نسبتی بس ناروا [به میان] آورده اید. (۸۹)

تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ وَتَنشَقُّ الْأَرْضُ وَتَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًّا (۹۰)

نزدیک است آسمان ها از این [ادعای بی اصل و سخن ناروا] پاره پاره شوند، و زمین بشکافد، و کوه ها به شدت در هم بشکنند و فرو ریزند!! (۹۰)

أَن دَعَوْا لِلرَّحْمَنِ وَلَدًا (۹۱)

به خاطر آنکه برای [خدای] رحمان فرزندی ادعا کرده اند. (۹۱)

وَمَا يَنبَغِي لِلرَّحْمَنِ أَن يَتَّخِذَ وَلَدًا (۹۲)

و [خدای] رحمان را نسزد که فرزندی اختیار کند. (۹۲)

إِن كُلُّ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتِي الرَّحْمَنِ عَبْدًا (۹۳)

هیچ کس در آسمان ها و زمین نیست مگر اینکه [ذاتاً] بنده [و مملوک] به سوی [خدای] رحمان می آید. (۹۳)

لَّقَدْ أَحْصَاهُمْ وَعَدَّهُمْ عَدًّا (۹۴)

به یقین همه آنان را [با قدرت و دانشش کنترل و] احاطه نموده و درست و دقیق شماره کرده است. (۹۴)

وَكُلُّهُمْ آتِيهِ يَوْمَ الْقِيَامَهِ فَرْدًا (۹۵)

و روز قیامت همه آنان تنها به پیشگاه او می آیند. (۹۵)

ص: ۳۱۱

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا (۹۶)

قطعاً کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، به زودی [خدای] رحمان برای آنان [در دل ها] محبتی قرار خواهد داد. (۹۶)

فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ بِلِسَانِكَ لِتُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَتُنذِرَ بِهِ قَوْمًا لُّدًّا (۹۷)

جز این نیست که ما این [قرآن] را بر زبان تو آسان ساختیم تا به وسیله آن پرهیزکاران را مژده دهی و مردم ستیزه جو را بترسانی. (۹۷)

وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّن قَرْنٍ هَلْ تُحِسُّ مِنْهُم مِّنْ أَحَدٍ أَوْ تَسْمَعُ لَهُمْ رِكْزًا (۹۸)

و چه بسیار ملت ها را پیش از آنان [به سبب طغیانشان] هلاک کردیم. آیا کسی از آنان را می یابی، یا هیچ زمزمه و صدایی آهسته از آنان می شنوی؟ (۹۸)

سوره طه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ طه (۱)

طه (۱)

مَا أَنزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى (۲)

ما قرآن را بر تو نازل نکردیم تا به مشقت و زحمت افتی؛ (۲)

إِلَّا تَذْكِرَةً لِّمَن يَخْشَى (۳)

[بلکه آن را نازل کردیم] تا برای کسی که [از خدا] می ترسد، زمینه توجه و یادآوری باشد. (۳)

تَنزِيلًا مِّمَّنْ خَلَقَ الْأَرْضَ وَالسَّمَاوَاتِ الْعُلَى (۴)

در حالی که به تدریج از سوی کسی نازل شده که زمین و آسمان های بلند را آفریده است. (۴)

الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى (۵)

[خدای] رحمان بر تخت فرمانروایی و تدبیر امور آفرینش چیره و مسلّط است. (۵)

لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا تَحْتَ الثَّرَى (۶)

آنچه در آسمان ها و زمین و آنچه میان آن دو و آنچه زیر زمین است، فقط در سیطره مالکیّت و فرمانروایی اوست. (۶)

وَإِن تَجْهَرْ بِالْقَوْلِ فَإِنَّهُ يَعْلَمُ السِّرَّ وَأَخْفَى (۷)

و اگر سخن خود را با صدای بلند آشکار کنی [یا پنهان بداری، برای خدا یکسان است]؛ زیرا او پنهان وپنهان تر را می داند. (۷)

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى (۸)

خدای یکتاست که جز او هیچ معبودی نیست، نیکوترین نام ها فقط ویژه اوست. (۸)

وَهَلْ أَتَاکَ حَدِیثُ مُوسَی (۹)

و آیا سرگذشت موسی به تو رسیده است؟ (۹)

إِذْ رَأَی نَارًا فَقَالَ لِأَهْلِهِ امْکُثُوا إِنِّی آنَسْتُ نَارًا لَّعَلِّی آتِیکُم مِّنْهَا بِقَبَسٍ أَوْ أَجِدُ عَلَی النَّارِ هُدًی (۱۰)

هنگامی که آتشی دید، پس به خانواده اش گفت: درنگ کنید؛ بی تردید من آتشی دیدم [می روم] شاید شعله ای از آن را برایتان بیاورم یا نزد آتش [برای پیدا کردن راه] راهنمایی بیابم. (۱۰)

فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِیَ یَا مُوسَی (۱۱)

پس چون به آن آتش رسید، ندا داده شد: ای موسی! (۱۱)

إِنِّی أَنَا رَبُّکَ فَاخْلَعْ نَعْلَیْکَ إِنَّکَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًی (۱۲)

به یقین این منم پروردگار تو، پس کفش خود را از پایت بیفکن؛ زیرا تو در وادی مقدس طوی هستی. (۱۲)

ص: ۳۱۲

وَأَنَا اخْتَرْتُکَ فَاسْتَمِعْ لِمَا یُوحَی (۱۳)

و من تو را [به پیامبری] برگزیدم، پس به آنچه وحی می شود، گوش فرا دار. (۱۳)

إِنَّنِی أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِی وَأَقِمِ الصَّلَاهَ لِذِکْرِی (۱۴)

همانا! من خدایم که جز من معبودی نیست، پس مرا بپرست و نماز را برای یاد من برپا دار. (۱۴)

إِنَّ السَّاعَهَ آتِیَهٌ أَکَادُ أُخْفِیهَا لِتُجْزَی کُلُّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَی (۱۵)

بی تردید قیامت که می خواهم زمان وقوعش را پنهان بدارم، آمدنی است، تا هر کس را برابر تلاش و کوششی که می کند، پاداش دهند. (۱۵)

فَلَا یَصُدَّنَّکَ عَنْهَا مَن لَّا یُؤْمِنُ بِهَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَتَرْدَی (۱۶)

پس مبادا آنکه از هوای نفسش پیروی کرده و [به این سبب] به قیامت ایمان ندارد، تو را [از توجه به آن] باز دارد که هلاک می شوی. (۱۶)

وَمَا تِلْکَ بِیَمِینِکَ یَا مُوسَی (۱۷)

و ای موسی! این [قطعه چوب] در دست راستت چیست؟ (۱۷)

قَالَ هِيَ عَصَايَ أَتَوَكَّأُ عَلَيْهَا وَأَهُشُّ بِهَا عَلَى غَنَمِي وَلِيَ فِيهَا مَآرِبُ أُخْرَى (۱۸)

گفت: این عصای من است، بر آن تکیه می زنم، و با آن برگ درختان را برای گوسفندانم فرو می ریزم و مرا در آن نیازهای دیگری هم هست. (۱۸)

قَالَ أَلْقِهَا يَا مُوسَى (۱۹)

خدا فرمود: ای موسی! آن را بیفکن. (۱۹)

فَأَلْقَاهَا فَإِذَا هِيَ حَيَّةٌ تَسْعَى (۲۰)

پس آن را افکند، ناگهان ماری عظیم شد که به سرعت می شتافت. (۲۰)

قَالَ خُذْهَا وَلَا تَخَفْ سَنُعِيدُهَا سِيرَتَهَا الْأُولَى (۲۱)

خدا فرمود: آن را بگیر و مترس که بی درنگ آن را به کیفیت اولش باز می گردانیم. (۲۱)

وَاضْمُمْ يَدَكَ إِلَى جَنَاحِكَ تَخْرُجْ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ آيَةً أُخْرَى (۲۲)

و دستت را در گریبانت کن تا بدون هیچ عیبی [چون برص و پیسی] سفید و درخشان بیرون آید، [آن] معجزه ای دیگر است. (۲۲)

لِنُرِيَكَ مِنْ آيَاتِنَا الْكُبْرَى (۲۳)

تا برخی از بزرگ ترین معجزات خود را به تو نشان دهیم. (۲۳)

اذْهَبْ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى (۲۴)

به سوی فرعون برو؛ زیرا او [در برابر خدا] سرکشی کرده است. (۲۴)

قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي (۲۵)

گفت: پروردگارا! سینه ام را [برای تحمل این وظیفه سنگین] گشاده گردان، (۲۵)

وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي (۲۶)

و کارم را برایم آسان ساز، (۲۶)

وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِّن لِّسَانِی (۲۷)

و گِرهی را [که مانع روان سخن گفتن من است] از زبانم بگشای، (۲۷)

يَفْقَهُوا قَوْلِی (۲۸)

[تا] سخنم را بفهمند، (۲۸)

وَاجْعَل لِّی وَزِيرًا مِّنْ أَهْلِی (۲۹)

و از خانواده ام دستیاری برایم قرار ده، (۲۹)

هَارُونَ أَخِی (۳۰)

هارون، برادرم را (۳۰)

اشْدُدْ بِهِ أَزْرِی (۳۱)

پشتم را به او محکم کن، (۳۱)

وَأَشْرِكْهُ فِی أَمْرِی (۳۲)

واو را در کارم شریک گردان، (۳۲)

كَیْ نُسَبِّحَكَ كَثِيرًا (۳۳)

تا تو را [در میان مشرکان از داشتن شریک] بسیار و فراوان تنزیه کنیم، (۳۳)

وَنَذْكُرَكَ كَثِيرًا (۳۴)

وبسیار به یادت باشیم، (۳۴)

إِنَّكَ كُنتَ بِنَا بَصِيرًا (۳۵)

بی تردید تو به ما بینایی. (۳۵)

قَالَ قَدْ أُوتِيتَ سُؤْلَكَ يَا مُوسَى (۳۶)

خدا فرمود: ای موسی! به یقین خواسته ات به تو عطا شد. (۳۶)

وَلَقَدْ مَنَنَّا عَلَیْکَ مَرَّهً أُخْرَی (۳۷)

و بی تردید یک بار دیگر هم به تو احسان کردیم. (۳۷)

ص: ۳۱۳

إِذْ أَوْحَیْنَا إِلَی أُمِّکَ مَا یُوحَی (۳۸)

آن زمان که به مادرت آنچه را که باید الهام می شد، الهام کردیم؛ (۳۸)

أَنِ اقْذِفِیهِ فِی التَّابُوتِ فَاقْذِفِیهِ فِی الْیَمِّ فَلْیُلْقِهِ الْیَمُّ بِالسَّاحِلِ یَأْخُذْهُ عَدُوٌّ لِّی وَعَدُوٌّ لَّهُ وَأَلْقَیْتُ عَلَیْکَ مَحَبَّهً مِّنِّی وَلِتُصْنَعَ عَلَی عَیْنِی (۳۹)

که او را در صندوق بگذار، پس او را به دریا بینداز تا دریا او را به ساحل اندازد، تا دشمن من و دشمن او، وی را برگیرد. و محبوبیّتی از سوی خود بر تو انداختیم تا [همگان به تو علاقه و محبت ورزند و آنچه را انجام دادم برای این بود که] با مراقبت کامل من پرورش یابی [و ساخته شوی.] (۳۹)

إِذْ تَمْشِی أُخْتُکَ فَتَقُولُ هَلْ أَدُلُّکُمْ عَلَی مَن یَکْفُلُهُ فَرَجَعْنَاکَ إِلَی أُمِّکَ کَیْ تَقَرَّ عَیْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ وَقَتَلْتَ نَفْسًا فَنَجَّیْنَاکَ مِنَ الْغَمِّ وَفَتَنَّاکَ فُتُونًا فَلَبِثْتَ سِنِینَ فِی أَهْلِ مَدْیَنَ ثُمَّ جِئْتَ عَلَی قَدَرٍ یَا مُوسَی (۴۰)

آن گاه که خواهرت به سوی کاخ فرعون رفت، و گفت: آیا شما را به کسی که از این نوزاد سرپرستی کند، راهنمایی کنم؟ پس تو را به مادرت برگرداندیم تا خوشحال و شاد شود و غم و غصه نخورد، و کسی [از فرعونیان] را کُشتی و ما تو را از اندوه [و نگرانی بر ارتکاب قتل آن مشرک] نجات دادیم، و چنان که باید امتحانت نمودیم، پس سالیانی در میان اهل مدین ماندی، سپس ای موسی! بر اساس تقدیر الهی [برای انتخاب شدن به مقام پیامبری اینجا] آمدی، (۴۰)

وَاصْطَنَعْتُکَ لِنَفْسِی (۴۱)

و تو را برای [اجرای اهداف] خود ساختم [و انتخاب کردم.] (۴۱)

اذْهَبْ أَنتَ وَأَخُوکَ بِآیَاتِی وَلَا تَنِیَا فِی ذِکْرِی (۴۲)

تو و برادرت با معجزات من [برای هدایت گمراهان] بروید، و درباره ذکر من [که ابلاغ وحی است] سستی نورزید. (۴۲)

اذْهَبَا إِلَی فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَی (۴۳)

هر دو به سوی فرعون بروید؛ زیرا او [در برابر خدا] سرکشی کرده است. (۴۳)

فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّیِّنًا لَّعَلَّهُ یَتَذَکَّرُ أَوْ یَخْشَی (۴۴)

پس با گفتاری نرم به او بگویید، امید است که هوشیار شود و [آیین حق را بپذیرد] یا بترسد [و از سرکشی باز ایستد.] (۴۴)

قَالَا رَبَّنَا إِنَّنَا نَخَافُ أَن يَفْرُطَ عَلَيْنَا أَوْ أَن يَطْغَى (۴۵)

گفتند: پروردگارا! ما می ترسیم که [پیش از دعوت کردنش به حق] با سخت گیری و شکنجه بر [ضد] ما پیشی گیرد یا بر سرکشی خود بیفزاید. (۴۵)

قَالَ لَا تَخَافَا إِنَّنِي مَعَكُمَا أَسْمَعُ وَأَرَى (۴۶)

خدا فرمود: نترسید که من بی تردید با شما هستم [سخن او و شما را] می شنوم و [اعمالتان را] می بینم. (۴۶)

فَأْتِيَاهُ فَقُولَا إِنَّا رَسُولَا رَبِّکَ فَأَرْسِلْ مَعَنَا بَنِی إِسْرَائِيلَ وَلَا تُعَذِّبْهُمْ قَدْ جِئْنَاکَ بِآيَةٍ مِّن رَّبِّکَ وَالسَّلَامُ عَلَى مَنِ اتَّبَعَ الْهُدَى (۴۷)

بنابراین [بدون بیم و هراس] به سوی او بروید و بگویید: ما دو نفر فرستاده پروردگار تو هستیم، پس بنی اسرائیل را [از قید بندگی و بردگی خود آزاد کرده] با ما روانه کن و آنان را شکنجه مکن، به راستی ما از سوی پروردگارت معجزه ای آورده ایم؛ و درود بر کسی باد که از هدایت [حق] پیروی کند. (۴۷)

إِنَّا قَدْ أُوحِيَ إِلَيْنَا أَنَّ الْعَذَابَ عَلَى مَن كَذَّبَ وَتَوَلَّى (۴۸)

مسلماً و یقیناً به ما وحی شده است که عذاب بر کسی است که [آیات حق و پیامبران را] تکذیب کند و از آن رو برگرداند. (۴۸)

قَالَ فَمَن رَّبُّكُمَا يَا مُوسَى (۴۹)

فرعون گفت: ای موسی! پروردگار شما دو نفر کیست؟ (۴۹)

قَالَ رَبُّنَا الَّذِی أَعْطَى كُلَّ شَیْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى (۵۰)

گفت: پروردگار ما کسی است که به هر موجودی، آفرینش [ویژه] او را [آن گونه که سزاوارش بود] به وی عطا کرده، سپس هدایت نمود. (۵۰)

قَالَ فَمَا بَالُ الْقُرُونِ الْأُولَى (۵۱)

فرعون [به جای دنبال کردن بحث خداشناسی، مطلب را منحرف کرد و] گفت: پس حال امت های پیشین چگونه است؟ (۵۱)

ص: ۳۱۴

قَالَ عِلْمُهَا عِندَ رَبِّی فِی كِتَابٍ لَّا يَضِلُّ رَبِّی وَلَا يَنسَى (۵۲)

موسی گفت: علم و دانش به [حال] آنان در کتابی [مانند لوح محفوظ] نزد پروردگار من است، که پروردگارم [بر پایه آن در پاداش دادن و کیفر نمودن] نه اشتباه می کند و نه از یاد می برد. (۵۲)

الَّذِی جَعَلَ لَکُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَسَلَکَ لَکُمْ فِیهَا سُبُلًا وَأَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِّن نَّبَاتٍ شَتَّى (۵۳)

همان کسی که زمین را برای شما بستری گسترده قرار داد، و برای شما در آن [به خاطر آسان شدن رفت و آمدتان] راه هایی پدید آورد، و از آسمان آبی نازل کرد، پس به وسیله آن انواعی از روییدنی های گوناگون بیرون آوردیم. (۵۳)

کُلُوا وَارْعَوْا أَنْعَامَکُمْ إِنَّ فِی ذَلِکَ لَآیَاتٍ لِّأُولِی النُّهَى (۵۴)

[خود از این نعمت های فراوان] بخورید و دام هایتان را بچرانید، یقیناً در این امور نشانه هایی [بر توحید، ربوبیّت و قدرت خدا] برای صاحبان خرد است. (۵۴)

مِنْهَا خَلَقْنَاکُمْ وَفِیهَا نُعِیدُکُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُکُمْ تَارَةً أُخْرَى (۵۵)

شما را از زمین آفریدیم، و به آن باز می گردانیم، و بار دیگر از آن بیرونتان می آوریم. (۵۵)

وَلَقَدْ أَرَیْنَاهُ آیَاتِنَا کُلَّهَا فَکَذَّبَ وَأَبَى (۵۶)

و بی تردید ما همه معجزات خود را [که در ارتباط با نبوّت موسی و هدایت مردم بود] به فرعون نشان دادیم، ولی آنها را تکذیب کرد و به پذیرفتنش رضایت نداد. (۵۶)

قَالَ أَجِئْتَنَا لِتُخْرِجَنَا مِنْ أَرْضِنَا بِسِحْرِکَ یَا مُوسَى (۵۷)

گفت: ای موسی! آیا به سوی ما آمده ای تا ما را به وسیله جادویت از سرزمینمان بیرون کنی؟ (۵۷)

فَلَنَأْتِیَنَّکَ بِسِحْرٍ مِّثْلِهِ فَاجْعَلْ بَیْنَنَا وَبَیْنَکَ مَوْعِدًا لَّا نُخْلِفُهُ نَحْنُ وَلَا أَنتَ مَکَانًا سُوًى (۵۸)

قطعاً ما جادویی مانند آن برایت می آوریم، پس میان ما و خودت در جایی هموار و صاف که نه ما از آن تخلف کنیم و نه تو، وعده گاهی قرار ده. (۵۸)

قَالَ مَوْعِدُکُمْ یَوْمُ الزِّینَهِ وَأَن یُحْشَرَ النَّاسُ ضُحًى (۵۹)

موسی گفت: وعده گاه شما روز جشن است [روزی که] همه مردم را پیش از ظهر گرد هم می آورند. (۵۹)

فَتَوَلَّى فِرْعَوْنُ فَجَمَعَ کَیْدَهُ ثُمَّ أَتَى (۶۰)

پس فرعون [از مجلس مناظره با موسی] برگشت، پس نیرنگش را [که جادوگران و ابزار جادویشان بود] گرد آورد، سپس به

وعده گاه باز آمد. (۶۰)

قَالَ لَهُم مُّوسَى وَيْلَكُمْ لَا تَفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَيُسْحِتَكُم بِعَذَابٍ وَقَدْ خَابَ مَنِ افْتَرَى (۶۱)

موسی به فرعون و فرعونیان گفت: وای بر شما، بر خدا دروغ نبندید [که بت ها شریک اویند واین معجزات افسون وجادو است] که با عذابی شدید ریشه کن ونابودتان می کند، و یقیناً کسی که دروغ بست، محروم و نومید شد. (۶۱)

فَتَنَازَعُوا أَمْرَهُم بَيْنَهُمْ وَأَسَرُّوا النَّجْوَى (۶۲)

پس فرعونیان میان خود در کارشان [نسبت به موسی] نزاع و ستیز کردند و این رازگویی را از دیگران پنهان داشتند. (۶۲)

قَالُوا إِنْ هَذَانِ لَسَاحِرَانِ يُرِيدَانِ أَن يُخْرِجَاكُم مِّنْ أَرْضِكُم بِسِحْرِهِمَا وَيَذْهَبَا بِطَرِيقَتِكُمُ الْمُثْلَى (۶۳)

گفتند: مسلماً این دو نفر جادوگرند، می خواهند شما را با جادویشان از سرزمینتان بیرون کنند و آیین برتر شما را از بین ببرند. (۶۳)

فَأَجْمِعُوا كَيْدَكُمْ ثُمَّ ائْتُوا صَفًّا وَقَدْ أَفْلَحَ الْيَوْمَ مَنِ اسْتَعْلَى (۶۴)

پس حیله و نیرنگتان را گرد آورید، آن گاه صف کشیده بیایید که قطعاً امروز کسی کامیاب است که برتری یابد. (۶۴)

ص: ۳۱۵

قَالُوا يَا مُوسَى إِمَّا أَن تُلْقِيَ وَإِمَّا أَن نَّكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَلْقَى (۶۵)

[ساحران] گفتند: ای موسی! یا تو [عصایت را] می افکنی یا ما نخستین کسی باشیم که [ابزار و وسایل جادویش را] می افکند؟ (۶۵)

قَالَ بَلْ أَلْقُوا فَإِذَا حِبَالُهُمْ وَعِصِيُّهُمْ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِن سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعَى (۶۶)

گفت: بلکه شما بیفکنید. پس [چون افکندند] ناگهان ریسمان ها و چوب دستی هایشان بر اثر جادویشان در خیال، چنان وانمود شد که با سرعت به راه افتادند. (۶۶)

فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً مُّوسَى (۶۷)

پس موسی در دلش ترسی احساس کرد. (۶۷)

قُلْنَا لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنتَ الْأَعْلَى (۶۸)

گفتیم: مترس که بی تردید تو برتری. (۶۸)

وَأَلْقِ مَا فِی يَمِينِكَ تَلْقَفْ مَا صَنَعُوا إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدُ سَاحِرٍ وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَى (۶۹)

آنچه را در دست راست داری بیفکن تا همه ساخته هایشان را ببلعد؛ یقیناً آنچه را ساخته اند [واقعیت ندارد] فقط نیرنگ جادوگر است، و جادوگر هر جا درآید، پیروز نمی شود. (۶۹)

فَأُلْقِيَ السَّحَرَةُ سُجَّدًا قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ هَارُونَ وَمُوسَى (۷۰)

[چون عصایش را انداخت و ساخته های جادوگران را بلعید، جادوگران از عظمت کار دریافتند که امری است خدایی نه جادویی] پس سجده کنان به رو درافتادند و گفتند: ما به پروردگار هارون و موسی ایمان آوردیم. (۷۰)

قَالَ آمَنتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِی عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَأُقَطِّعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُم مِّنْ خِلَافٍ وَلَأُصَلِّبَنَّكُمْ فِی جُذُوعِ النَّخْلِ وَلَتَعْلَمُنَّ أَيُّنَا أَشَدُّ عَذَابًا وَأَبْقَى (۷۱)

[فرعون] گفت: آیا پیش از آنکه به شما اذن دهم، به او ایمان آوردید؟ یقیناً او بزرگ شماست که به شما جادو آموخته است، پس بی تردید دست ها و پاهایتان را یکی از راست و یکی از چپ قطع خواهم کرد، و شما را بر تنه های درخت خرما خواهم آویخت تا کاملاً بدانید که کدام یک از ما [من یا خدای موسی] عذابش سخت تر و پایدارتر است؟! (۷۱)

قَالُوا لَن نُّؤْثِرَكَ عَلَى مَا جَاءَنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالَّذِی فَطَرَنَا فَاقْضِ مَا أَنتَ قَاضٍ إِنَّمَا تَقْضِی هَذِهِ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا (۷۲)

گفتند: ما هرگز تو را بر دلایل روشنی که به سوی ما آمده و بر آنکه ما را آفرید، ترجیح نمی دهیم؛ پس هر حکمی را که می توانی صادر کن، تو فقط در این زندگی دنیا می توانی حکم کنی. (۷۲)

إِنَّا آمَنَّا بِرَبِّنَا لِيَغْفِرَ لَنَا خَطَايَانَا وَمَا أَكْرَهْتَنَا عَلَيْهِ مِنَ السِّحْرِ وَاللَّهُ خَيْرٌ وَأَبْقَى (۷۳)

بی تردید ما به پروردگارمان ایمان آوردیم تا خطاهایمان و آن جادویی که ما را به آن واداشتی بر ما بیامرزد؛ وخدا بهتر وپایدارتر است. (۷۳)

إِنَّهُ مَن يَأْتِ رَبَّهُ مُجْرِمًا فَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَى (۷۴)

مسلماً کسی که گنهکار به پیشگاه پروردگارش بیاید، دوزخ برای اوست که در آن نه می میرد و نه زندگی می کند. (۷۴)

وَمَن يَأْتِهِ مُؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ الصَّالِحَاتِ فَأُولَئِكَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَى (۷۵)

و کسانی که مؤمن بیایند در حالی که کارهای شایسته انجام داده اند، برای آنان برترین درجات است. (۷۵)

جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِی مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ مَن تَزَكَّى (۷۶)

[و آن] بهشت های پایداری است که از زیرِ [درختانِ] آن نهرها جاری است که در آن جاودانه اند؛ و این است پاداش کسانی که خود را [با ایمان و عمل صالح از آلودگی ها] پاک کرده اند. (۷۶)

ص: ۳۱۶

وَلَقَدْ أَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي فَاضْرِبْ لَهُمْ طَرِيقًا فِي الْبَحْرِ يَبَسًا لَّا تَخَافُ دَرَكًا وَلَا تَخْشَى (۷۷)

و همانا به موسی وحی کردیم که بندگانم را شبانه [از مصر] حرکت بده، و برای آنان راهی خشک در دریا قرار ده که [در آن موقعیت] نه از رسیدن فرعونیان بترسی و نه از غرق شدن بهراسی. (۷۷)

فَأَتْبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ بِجُنُودِهِ فَغَشِيَهُم مِّنَ الْيَمِّ مَا غَشِيَهُمْ (۷۸)

پس فرعون با لشکریانش آنان را دنبال کرد، و [بخشی] از دریا آنان را فروگرفت، چه فروگرفتنی! (۷۸)

وَأَضَلَّ فِرْعَوْنُ قَوْمَهُ وَمَا هَدَى (۷۹)

و فرعون، قومش را گمراه کرد و راهنمایی ننمود. (۷۹)

يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ قَدْ أَنجَيْنَاكُم مِّنْ عَدُوِّكُمْ وَوَاعَدْنَاكُمْ جَانِبَ الطُّورِ الْأَيْمَنَ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَى (۸۰)

ای بنی اسرائیل! به راستی شما را از دشمنتان نجات دادیم، و با شما در جانب راست طور وعده گذاشتیم و ترنجبین و مرغ بریان را بر شما نازل کردیم، (۸۰)

كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَلَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي وَمَن يَحْلِلْ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَى (۸۱)

[و گفتیم:] از خوردنی های پاکیزه [و مطبوع] که روزی شما نمودیم، بخورید و در [مورد] آن از حدود الهی تجاوز نکنید که خشم من بر شما فرود آید، و کسی که خشم من بر او فرود آید، یقیناً هلاک شده است. (۸۱)

وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى (۸۲)

و مسلماً من آمرزنده کسی هستم که توبه کرد و ایمان آورد و کار شایسته انجام داد، سپس در راه مستقیم پایداری و استقامت ورزید. (۸۲)

وَمَا أَعْجَلَكَ عَن قَوْمِكَ يَا مُوسَى (۸۳)

ای موسی! چه چیز تو را شتابان کرد که قبل از قوم خود [در آمدن به کوه طور] پیشی گرفتی؟ (۸۳)

قَالَ هُمْ أُولَاءِ عَلَى أَثَرِي وَعَجِلْتُ إِلَيْكَ رَبِّ لِتَرْضَى (۸۴)

گفت: پروردگارا! من به سوی تو شتافتم تا خشنود شوی. آنان گروهی هستند که اینک به دنبال من می آیند. (۸۴)

قَالَ فَإِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَکَ مِن بَعْدِکَ وَأَضَلَّهُمُ السَّامِرِیُّ (۸۵)

[خدا] گفت: ای موسی! ما به راستی قوم تو را پس از آمدن تو امتحان کردیم و سامری آنان را گمراه کرد. (۸۵)

فَرَجَعَ مُوسَیٰ إِلَی قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ یَا قَوْمِ أَلَمْ یَعِدْکُمْ رَبُّکُمْ وَعْدًا حَسَنًا أَفَطَالَ عَلَیْکُمُ الْعَهْدُ أَمْ أَرَدتُّمْ أَن یَحِلَّ عَلَیْکُمْ غَضَبٌ مِّن رَّبِّکُمْ فَأَخْلَفْتُم مَّوْعِدِی (۸۶)

پس موسی خشمگین و اندوهناک به سوی قومش بازگشت، گفت: ای قوم من! آیا پروردگارتان به شما [درباره نزول تورات] وعده ای نیکو نداد؟ آیا زمان آن وعده بر شما طولانی آمد یا خواستید که خشمی از پروردگارتان بر شما فرود آید که با وعده من مخالفت کردید؟! (۸۶)

قَالُوا مَا أَخْلَفْنَا مَوْعِدَکَ بِمَلْکِنَا وَلَکِنَّا حُمِّلْنَا أَوْزَارًا مِّن زِینَهِ الْقَوْمِ فَقَذَفْنَاهَا فَکَذَلِکَ أَلْقَی السَّامِرِیُّ (۸۷)

گفتند: ما با اراده خود با وعده تو مخالفت نکردیم، بلکه ما را وادار کردند که بارهایی سنگین از زیور و زینت این قوم را حمل کنیم، پس آنان را [در آتش] انداختیم و به همین صورت سامری هم [آنچه از زیور و زینت داشت] در آتش انداخت. (۸۷)

ص: ۳۱۷

فَأَخْرَجَ لَهُمْ عِجْلًا جَسَدًا لَّهُ خُوَارٌ فَقَالُوا هَذَا إِلَهُکُمْ وَإِلَهُ مُوسَی فَنَسِیَ (۸۸)

پس برای آنان مجسمه گوساله ای که صدای گاو داشت بیرون آورد، آن گاه [او و پیروانش] گفتند: این معبود شما و معبود موسی است که [موسی آن را] فراموش کرد [به این خاطر برای طلب معبود به طور رفت.] (۸۸)

أَفَلَا یَرَوْنَ أَلَّا یَرْجِعُ إِلَیْهِمْ قَوْلًا وَلَا یَمْلِکُ لَهُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا (۸۹)

پس آیا درک نمی کنند [و نمی فهمند] که [گوساله، هنگامی که آن را می خوانند] پاسخی به آنان نمی دهد و مالک و صاحب اختیار هیچ سود و زیانی برای آنان نیست؟! (۸۹)

وَلَقَدْ قَالَ لَهُمْ هَارُونُ مِن قَبْلُ یَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنتُم بِهِ وَإِنَّ رَبَّکُمُ الرَّحْمَنُ فَاتَّبِعُونِی وَأَطِیعُوا أَمْرِی (۹۰)

و به راستی هارون پیش از این به آنان گفته بود: ای قوم من! شما به وسیله این گوساله مورد امتحان قرار گرفته اید، و بی تردید پروردگارتان [خدای] رحمان است، بنابراین از من [که پیامبر او هستم] پیروی کنید و فرمانم را اطاعت نمایید. (۹۰)

قَالُوا لَن نَّبْرَحَ عَلَیْهِ عَاکِفِینَ حَتَّی یَرْجِعَ إِلَیْنَا مُوسَی (۹۱)

گفتند: ما همواره بر پرستیدن گوساله باقی می مانیم تا موسی به سوی ما باز گردد. (۹۱)

قَالَ يَا هَارُونُ مَا مَنَعَكَ إِذْ رَأَيْتَهُمْ ضَلُّوا (۹۲)

[هنگامی که موسی بازگشت، به هارون] گفت: ای هارون! وقتی دیدی آنان گمراه شدند چه چیز تو را مانع شد، (۹۲)

أَلَّا تَتَّبِعَنِ أَفَعَصَيْتَ أَمْرِي (۹۳)

از اینکه مرا [در برخورد شدید با گمراهان] پیروی کنی؟ آیا از فرمان من سرپیچی کردی؟ (۹۳)

قَالَ يَا ابْنَ أُمَّ لَا تَأْخُذْ بِلِحْيَتِي وَلَا بِرَأْسِي إِنِّي خَشِيتُ أَن تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي (۹۴)

گفت: ای پسر مادرم! نه ریش مرا بگیر و نه سرم را، من ترسیدم که بگویی: میان بنی اسرائیل تفرقه و جدایی انداختی و سفارش مرا [در حفظ وحدت بنی اسرائیل] رعایت نکردی. (۹۴)

قَالَ فَمَا خَطْبُكَ يَا سَامِرِيُّ (۹۵)

[موسی] گفت: ای سامری! سبب کار [بسیار خطرناک] تو چه بود؟ (۹۵)

قَالَ بَصُرْتُ بِمَا لَمْ يَبْصُرُوا بِهِ فَقَبَضْتُ قَبْضَةً مِّنْ أَثَرِ الرَّسُولِ فَنَبَذْتُهَا وَكَذَلِكَ سَوَّلَتْ لِي نَفْسِي (۹۶)

گفت: من به حقایق و اسراری آگاه شدم که آنان آگاه نشدند، پس اندکی از دانش و اسرار رسول را گرفتم و [بر اثر هواپرستی] آن را دور انداختم [و به گوساله سازی پرداختم]؛ و این گونه نفس من [آن کار بسیار خطرناک را برای گمراه کردن بنی اسرائیل] در نظرم آراست. (۹۶)

قَالَ فَاذْهَبْ فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَاةِ أَن تَقُولَ لَا مِسَاسَ وَإِنَّ لَكَ مَوْعِدًا لَّن تُخْلَفَهُ وَانظُرْ إِلَى إِلَهِكَ الَّذِي ظَلْتَ عَلَيْهِ عَاكِفًا لَّنُحَرِّقَنَّهُ ثُمَّ لَنَنسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا (۹۷)

[موسی] گفت: پس [از میان مردم] برو، یقیناً کیفر تو [به خاطر دور انداختن آثار رسالت و ساختن گوساله] در زندگی این است که [دچار بیماری مُسری ویژه ای شوی تا هر کس نزدیکت آید بگویی:] به من دست نزنید؛ و تو را وعده گاهی [از عذاب بسیار سخت قیامت] است که هرگز نسبت به تو از آن تخلف نخواهد شد، و [اکنون] به معبودت که همواره ملازمش بودی نگاه کن که حتماً آن را در آتش بسوزانیم، سپس سوخته اش را در دریا می پاشیم. (۹۷)

إِنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا (۹۸)

معبود شما فقط خدای یکتاست که جز او معبودی نیست، دانش او همه چیز را فرا گرفته است. (۹۸)

كَذَلِكَ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنبَاءِ مَا قَدْ سَبَقَ وَقَدْ آتَيْنَاكَ مِن لَّدُنَّا ذِكْرًا (۹۹)

این گونه بخشی از اخبار گذشته را برای تو بیان می کنیم و بی تردید ذکری [چون قرآن] از نزد خود به تو عطا کردیم. (۹۹)

مَّنْ أَعْرَضَ عَنْهُ فَإِنَّهُ يَحْمِلُ يَوْمَ الْقِيَامَهِ وِزْرًا (۱۰۰)

کسانی که از آن روی برگردانند، مسلماً روز قیامت وزر و وبال سنگینی بر دوش خواهند کشید. (۱۰۰)

خَالِدِينَ فِيهِ وَسَاءَ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَهِ حِمْلًا (۱۰۱)

در آن [وزر و وبال،] جاودانه اند و چه بد باری روز قیامت برای آنان خواهد بود. (۱۰۱)

يَوْمَ يُنفَخُ فِي الصُّورِ وَنَحْشُرُ الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرْقًا (۱۰۲)

[آن] روزی که در صور دمیده می شود و گنهکاران را در آن روز، کبودچشم و نابینا محشور می کنیم. (۱۰۲)

يَتَخَافَتُونَ بَيْنَهُمْ إِن لَّبِثْتُمْ إِلَّا عَشْرًا (۱۰۳)

در میان خودشان پنهانی و بسیار آهسته می گویند: که [در برزخ] جز ده روز درنگ نکرده اید. (۱۰۳)

نَّحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ إِذْ يَقُولُ أَمْثَلُهُمْ طَرِيقَهً إِن لَّبِثْتُمْ إِلَّا يَوْمًا (۱۰۴)

ما به آنچه می گویند داناتریم، آن گاه که مُنصف ترینشان می گوید: جز یک روز درنگ نکرده اید، (۱۰۴)

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنسِفُهَا رَبِّي نَسْفًا (۱۰۵)

و از تو درباره کوه ها می پرسند، بگو: پروردگارم آنان را ریشه کن می کند و از هم می پاشد. (۱۰۵)

فَيَذَرُهَا قَاعًا صَفْصَفًا (۱۰۶)

پس آنها را به صورت دشتی هموار و صاف وامی گذارد، (۱۰۶)

لَّا تَرَى فِيهَا عِوَجًا وَلَا أَمْتًا (۱۰۷)

که در آن هیچ کژی و پستی و بلندی نمی بینی. (۱۰۷)

يَوْمَئِذٍ يَتَّبِعُونَ الدَّاعِيَ لَا عِوَجَ لَهُ وَخَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمَنِ فَلَا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْسًا (۱۰۸)

در آن روز همه انسان ها دعوت کننده را که هیچ انحرافی ندارد [برای ورود به محشر] پیروی می کنند و صداها در برابر

[خدای] رحمان فرو می نشیند و جز صدایی آهسته [چیزی] نمی شنوی. (۱۰۸)

يَوْمَئِذٍ لَّا تَنفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا (۱۰۹)

در آن روز شفاعت کسی سودی ندهد مگر آنکه [خدای] رحمان به او اذن دهد و گفتارش را [در مورد شفاعت از دیگران] بپسندد. (۱۰۹)

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِهِ عِلْمًا (۱۱۰)

[خدا] آنچه را [از احوال و اعمال بندگان] پیش روی آنهاست و آنچه را [از ثواب و کیفر] در آینده دارند، می داند و آنان از جهت دانش به او احاطه ندارند، (۱۱۰)

وَعَنَتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ وَقَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا (۱۱۱)

و همه چهره ها در برابر [خدای] زنده قائم به ذات خاضع و فروتن می شوند، و کسی که بار ظلم و ستمی با خود برداشت، مسلماً محروم و ناامید شود، (۱۱۱)

وَمَن يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا يَخَافُ ظُلْمًا وَلَا هَضْمًا (۱۱۲)

و هر که کارهای شایسته انجام دهد، در حالی که مؤمن باشد، نه از ستمی [درباره حقّش] بیم و هراس خواهد داشت و نه از کاستی و نقصانی [در اجر و مزدش.] (۱۱۲)

وَكَذَلِكَ أَنزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا وَصَرَّفْنَا فِيهِ مِنَ الْوَعِيدِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ أَوْ يُحْدِثُ لَهُمْ ذِكْرًا (۱۱۳)

و این گونه آن را قرآنی به زبان عربی [فصیح و گویا] نازل کردیم، و در آن هشدارها و تهدیدهای گوناگون آوردیم، امید است [از عقاید و آرای بی پایه و گناه و طغیان] بپرهیزند، یا برای آنان بیداری و هشیاری پدید آورد. (۱۱۳)

ص: ۳۱۹

فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِن قَبْلِ أَن يُقْضَى إِلَيْكَ وَحْيُهُ وَقُل رَّبِّ زِدْنِي عِلْمًا (۱۱۴)

برتر و بلند مرتبه است خدا [یِ یگانه] که فرمانروای هستی و حقّ محض است؛ و پیش از آنکه وحی کردن قرآن بر تو پایان گیرد در خواندنش شتاب مکن، و بگو: پروردگارا! دانش مرا بیفزای. (۱۱۴)

وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَى آدَمَ مِن قَبْلُ فَنَسِيَ وَلَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا (۱۱۵)

یقیناً پیش از این به آدم سفارش کردیم [که از میوه آن درخت نخورد] پس فراموش کرد و عزمی استوار برای او نیافتیم. (۱۱۵)

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَهِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى (۱۱۶)

و [یاد کن] هنگامی را که به فرشتگان گفتیم: برای آدم سجده کنید. همه سجده کردند مگر ابلیس که روی برتافت. (۱۱۶)

فَقُلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَّکَ وَلِزَوْجِکَ فَلَا يُخْرِجَنَّکُمَا مِنَ الْجَنَّهِ فَتَشْقَى (۱۱۷)

پس گفتیم: ای آدم! مسلماً این [ابلیس] دشمنی است برای تو و همسرت، پس شما را از بهشت بیرون نکند که در مشقت و رنج افتی. (۱۱۷)

إِنَّ لَکَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَلَا تَعْرَى (۱۱۸)

قطعاً برای تو [در این مکان موقعیتی است که] است که نه گرسنه شوی و نه برهنه گردی. (۱۱۸)

وَأَنَّکَ لَا تَظْمَأُ فِيهَا وَلَا تَضْحَى (۱۱۹)

و نه در آن تشنه شوی و نه دچار آفتاب زدگی گردی. (۱۱۹)

فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّکَ عَلَى شَجَرَهِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَّا يَبْلَى (۱۲۰)

پس شیطان او را وسوسه کرد، گفت: ای آدم! آیا تو را به درخت جاودان و سلطنتی که کهنه نمی شود، راهنمایی کنم؟ (۱۲۰)

فَأَکَلَا مِنْهَا فَبَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِن وَرَقِ الْجَنَّهِ وَعَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى (۱۲۱)

پس هر دو [به سبب وسوسه شیطان] از میوه آن [درخت] خوردند، در نتیجه شرمگاهشان بر آنان پدیدار شد و شروع به چسباندن برگ های درختان بهشت بر [شرمگاه] خود کردند. و آدم پروردگارش را نافرمانی کرد و [از رسیدن به آنچه شیطان به او القا کرده بود] ناکام ماند. (۱۲۱)

ثُمَّ اجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَتَابَ عَلَيْهِ وَهَدَى (۱۲۲)

آن گاه پروردگارش او را برگزید و توبه اش را پذیرفت و او را راهنمایی کرد. (۱۲۲)

قَالَ اهْبِطَا مِنْهَا جَمِيعًا بَعْضُکُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ فَإِمَّا يَأْتِيَنَّکُم مِّنِّی هُدًى فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَایَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى (۱۲۳)

[خدا] گفت: هر دو با هم از بهشت [به سوی زمین] فرود آیید که برخی از شما دشمن برخی دیگرند، پس اگر از سوی من هدایتی به شما رسید، هر کس از هدایتم پیروی کند، نه گمراه می شود و نه به مشقت و رنج می افتد. (۱۲۳)

وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِکْرِی فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَهً ضَنکًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَهِ أَعْمَى (۱۲۴)

و هر کس از هدایت من [که سبب یاد نمودن از من در همه امور است] روی بگرداند، برای او زندگی تنگ [و سختی] خواهد بود، و روز قیامت او را نابینا محشور می کنیم. (۱۲۴)

قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَقَدْ كُنتُ بَصِيرًا (۱۲۵)

می گوید: پروردگارا! برای چه مرا نابینا محشور کردی، در حالی که [در دنیا] بینا بودم؟ (۱۲۵)

ص: ۳۲۰

قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيتَهَا وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنسَى (۱۲۶)

[خدا] می گوید: همین گونه که آیات ما برای تو آمد و آنها را فراموش کردی این چنین امروز فراموش می شوی. (۱۲۶)

وَكَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ أَسْرَفَ وَلَمْ يُؤْمِن بِآيَاتِ رَبِّهِ وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ وَأَبْقَى (۱۲۷)

و کسی را که [از هدایت حق] تجاوز کرده و به آیات پروردگارش ایمان نیاورده، این گونه کیفر می دهیم، و بی تردید عذاب آخرت سخت تر و پایدارتر است. (۱۲۷)

أَفَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسَاكِنِهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّأُولِي النُّهَى (۱۲۸)

پس آیا [این حقیقت] سبب هدایتشان نشده است که چه بسیار امت ها را پیش از آنان هلاک کردیم که [اینان] در مساکن آنان رفت و آمد می کنند؟ مسلماً در این [امور] نشانه هایی [عبرت آموز] برای صاحبان خرد است. (۱۲۸)

وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ لَكَانَ لِزَامًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى (۱۲۹)

و اگر سنت و روشی از پروردگارت [نسبت به تأخیر افتادن عذاب از آنان] نگذشته بود و نیز مدتی که [برای زندگی آنان] مشخص و معین شده است، قطعاً عذاب خدا بدون تأخیر بر آنان لازم و حتم می شد. (۱۲۹)

فَاصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا وَمِنْ آنَاءِ اللَّيْلِ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضَى (۱۳۰)

پس در برابر آنچه [مشرکان] می گویند، شکیبا باش، و پیش از طلوع خورشید و پیش از غروب آن پروردگارت را همراه با سپاس و ستایش تسبیح گوی، و [نیز] در بخشی از ساعات شب و اطراف روز تسبیح گوی تا [به سنت ها و تدبیرهای او] خشنود شوی. (۱۳۰)

وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَى مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِّنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَى (۱۳۱)

دیدگانت را به آنچه برخی از اصناف آنان را بهره مند کردیم مدوز، [آنچه به آنان داده ایم] شکوفه [بی میوه و زیور و زینت]

دنیاست تا آنان را در آن بیازماییم، و رزق پروردگارت بهتر و پایدارتر است. (۱۳۱)

وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَّحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى (۱۳۲)

و خانواده ات را به نماز فرمان بده و خود نیز بر آن شکیبایی ورز؛ از تو رزقی نمی طلبیم، ما به تو روزی می دهیم و عاقبت نیک برای پرهیزکاری است. (۱۳۲)

وَقَالُوا لَوْلَا يَأْتِينَا بِآيَةٍ مِّن رَّبِّهِ أَوَلَمْ تَأْتِهِم بَيِّنَةُ مَا فِي الصُّحُفِ الْأُولَى (۱۳۳)

و [مشرکان] گفتند: چرا [پیامبر] معجزه ای از سوی پروردگارش برای ما نمی آورد؟ آیا [این قرآن که] شاهد و دلیلی روشن بر [معارف] کتاب های پیشین [آسمانی است] برای آنان نیامده؟! (۱۳۳)

وَلَوْ أَنَّا أَهْلَكْنَاهُم بِعَذَابٍ مِّن قَبْلِهِ لَقَالُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِن قَبْلِ أَن نَّذِلَّ وَنَخْزَى (۱۳۴)

و اگر آنان را پیش از نزول قرآن هلاک می کردیم، قطعاً می گفتند: پروردگارا! چرا رسولی به سوی ما نفرستادی تا پیش از آنکه خوار و رسوا شویم، آیات تو را پیروی کنیم. (۱۳۴)

قُلْ كُلٌّ مُّتَرَبِّصٌ فَتَرَبَّصُوا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَى (۱۳۵)

بگو: هر یک [از ما و شما] منتظریم، پس منتظر باشید که به زودی خواهید دانست که رهروان راهِ راست و ره یافتگان چه کسانی هستند؟ (۱۳۵)

ص: ۳۲۱

جزء ۱۷

سوره الأنبياء

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ (۱)

مردم را [هنگام] حسابرسی [آنچه در مدت عمرشان انجام داده اند] نزدیک شده در حالی که آنان با [فرو افتادن] در غفلت [از دلایل اثبات کننده معاد] روی گردانند. (۱)

مَا يَأْتِيهِم مِّن ذِكْرٍ مِّن رَّبِّهِم مُّحْدَثٍ إِلَّا اسْتَمَعُوهُ وَهُمْ يَلْعَبُونَ (۲)

هیچ یادآوری و پند تازه ای از سوی پروردگارشان برای آنان نمی آید مگر آنکه آن را می شنوند و در حالی که سرگرم بازی هستند [آن را مسخره می کنند.] (۲)

لَاهِيَةً قُلُوبُهُمْ وَأَسَرُّوا النَّجْوَى الَّذِينَ ظَلَمُوا هَلْ هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكَمْ أَفَتَأْتُونَ السِّحْرَ وَأَنتُمْ تُبْصِرُونَ (۳)

دل هایشان [به امور مادی، خوشگذرانی و معصیت] مشغول است؛ و آنان که ستم پیشه اند رازگویی خود را پنهان داشتند [و گفتند:] آیا این پیامبر جز این است که بشری مانند شماست؟ آیا شما با چشم باز وشناخت وآگاهی به سوی سِحر می روید؟! (۳)

قَالَ رَبِّی يَعْلَمُ الْقَوْلَ فِی السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۴)

[پیامبر به آنان] گفت: [رازگویی خود را پنهان نکنید، زیرا] پروردگارم هر سخنی را در آسمان و زمین می داند، و او شنوا و داناست. (۴)

بَلْ قَالُوا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ بَلِ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ فَلْيَأْتِنَا بِآيَةٍ كَمَا أُرْسِلَ الْأَوَّلُونَ (۵)

[مشرکان] گفتند: [نه، قرآنْ سحر نیست] بلکه خواب هایی آشفته و پریشان است، [نه] بلکه آن را به دروغ بربافته، [نه] بلکه او شاعرِ [خیال پردازی] است، [اگر فرستاده خداست] باید برای ما معجزه ای بیاورد مانند معجزه هایی که پیامبران گذشته را [با آنها] فرستادند. (۵)

مَا آمَنَتْ قَبْلَهُم مِّن قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَفَهُمْ يُؤْمِنُونَ (۶)

پیش از آنان [اهل] هیچ شهری که آن را نابود کردیم [با دیدن معجزه] ایمان نیاوردند؛ پس آیا اینان ایمان می آورند؟! (۶)

وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ إِلَّا رِجَالًا نُّوحِی إِلَيْهِمْ فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِن كُنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (۷)

و پیش از تو [برای هدایت مردم] نفرستادیم مگر مردانی را که به آنان وحی می نمودیم. اگر نمی دانید از دانایان [به کتاب های آسمانی و آگاهان به اخبار پیشینیان] بپرسید [که همه پیامبران از جنس خود بشر بودند، نه فرشته] (۷)

وَمَا جَعَلْنَاهُمْ جَسَدًا لَّا يَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَمَا كَانُوا خَالِدِينَ (۸)

و آنان را جسدهایی که غذا نخورند قرار ندادیم، و جاویدان هم نبودند [که از دنیا نروند.] (۸)

ثُمَّ صَدَقْنَاهُمُ الْوَعْدَ فَأَنجَيْنَاهُمْ وَمَن نَّشَاءُ وَأَهْلَكْنَا الْمُسْرِفِينَ (۹)

سپس به وعده ای که به آنان داده بودیم [که شکست برای دشمنان لجوج و پیروزی برای آنان است] وفا کردیم، و آنان و هر که را می خواستیم، نجات دادیم و متجاوزان [از حدود حق] را هلاک کردیم. (۹)

لَقَدْ أَنزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۱۰)

بی تردید کتابی به سوی شما نازل کردیم که مایه [شرف، بزرگواری، رشد و سعادت] شما در آن است؛ آیا نمی اندیشید.

ص: ۳۲۲

وَكَمْ قَصَمْنَا مِن قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً وَأَنشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا آخَرِينَ (۱۱)

و چه بسیار از شهرهایی که [اهلش] ستمکار بودند، درهم شکستیم، و پس از آنان قومی دیگرپدید آوردیم. (۱۱)

فَلَمَّا أَحَسُّوا بَأْسَنَا إِذَا هُم مِّنْهَا يَرْكُضُونَ (۱۲)

پس هنگامی که عذاب ما را احساس کردند، ناگهان از آن می گریختند. (۱۲)

لَا تَرْكُضُوا وَارْجِعُوا إِلَى مَا أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَمَسَاكِنِكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْأَلُونَ (۱۳)

[از روی استهزا و تحقیر به آنان گفتند:] فرار نکنید، و به سوی زندگی مرفّهی که در آن نازپرورده [و مغرور] بودید و خانه هایتان بازگردید تا [بار دیگر به وسیله تهیدستان و مستمندان] از شما درخواست کمک شود [و شما آنان را با کبر و نخوت برانید.] (۱۳)

قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ (۱۴)

[با دیدن عذاب فریاد برداشتند و] گفتند: ای وای بر ما که ما قطعاً ستمکار بودیم! (۱۴)

فَمَا زَالَت تِّلْكَ دَعْوَاهُمْ حَتَّى جَعَلْنَاهُمْ حَصِيدًا خَامِدِينَ (۱۵)

پس همواره سخنشان همین بود تا آنکه آنان را ریشه کن و خاموش ساختیم. (۱۵)

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ (۱۶)

و ما آسمان و زمین و آنچه را میان آن دو قرار دارد به بازی نیافریده ایم. (۱۶)

لَوْ أَرَدْنَا أَن نَّتَّخِذَ لَهْوًا لَّاتَّخَذْنَاهُ مِن لَّدُنَّا إِن كُنَّا فَاعِلِينَ (۱۷)

اگر می خواستیم بازیچه و سرگرمی انتخاب کنیم، چنان چه، [بر فرض محال] کننده [این کار] بودیم، آن را از نزدِ ذاتِ خود [برابر با شأنمان] انتخاب می کردیم [نه از آسمان و زمین که مملوکِ ما هستند.] (۱۷)

بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَلَكُمُ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ (۱۸)

نه، بلکه [شأن ما این است که] با حق بر باطل می کوبیم تا آن را درهم شکند [و از هم بپاشد] پس ناگهان باطل نابود شود؛ و

وای بر شما از آنچه [درباره خدا و مخلوقات او به ناحق] توصیف می کنید. (۱۸)

وَلَهُ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ عِندَهُ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ (۱۹)

و هر که در آسمان ها و زمین است، فقط در سیطره مالکیت و فرمانروایی اوست، و کسانی که [از فرشتگان] در محضر اویند از بندگیش تکبّر نمی ورزند و خسته و درمانده نمی شوند. (۱۹)

يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ (۲۰)

شبانه روز او را بی آنکه سست شوند، تسبیح می گویند. (۲۰)

أَمِ اتَّخَذُوا آلِهَةً مِّنَ الْأَرْضِ هُمْ يُنشِرُونَ (۲۱)

آیا معبودانی از زمین اختیار کرده اند که آنان مردگان را زنده می کنند؟! (۲۱)

لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ (۲۲)

اگر در آسمان و زمین معبودانی جز خدا بود بی تردید آن دو تباه می شد؛ پس منزّه است خدای صاحب عرش از آنچه [او را به ناحق به آن] وصف می کنند. (۲۲)

لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ (۲۳)

خدا از آنچه انجام می دهد، بازخواست نمی شود و آنان [در برابر خدا] بازخواست خواهند شد. (۲۳)

أَمِ اتَّخَذُوا مِن دُونِهِ آلِهَةً قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ هَذَا ذِكْرُ مَن مَّعِيَ وَذِكْرُ مَن قَبْلِي بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ الْحَقَّ فَهُم مُّعْرِضُونَ (۲۴)

[شگفتا!] آیا به جای خدا معبودانی اختیار کرده اند؟ بگو: [اگر انتخاب شما حق است] دلیل و برهانتان را [بر آن] بیاورید، این [قرآن] یادآور امت من [نسبت به توحید و نفی شرک] و یادآور امت های پیش از من [نسبت به معارف توحیدی دیگر کتاب های آسمانی] است؛ [حق نه این است که مشرکان می گویند] بلکه بیشترشان حق را نمی شناسند و به این سبب از آن روی گردانند. (۲۴)

ص: ۳۲۳

وَمَا أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ مِن رَّسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ (۲۵)

و پیش از تو هیچ پیامبری نفرستادیم مگر آنکه به او وحی کردیم که معبودی جز من نیست، پس تنها مرا بپرستید. (۲۵)

وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ (۲۶)

و [مشركان] گفتند: [خداىِ] رحمان فرشتگان را فرزند خود گرفته است. منزّه است او، [فرشتگان، فرزند خدا نيستند] بلكه بندگانى گرامى و ارجمندند. (۲۶)

لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُم بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ (۲۷)

در گفتار بر او پيشى نمى گيرند، و آنان فقط به فرمان او عمل مى كنند. (۲۷)

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضَى وَهُم مِّنْ خَشْيَتِهِ مُشْفِقُونَ (۲۸)

خدا همه گذشته آنان و آينده شان را مى داند، و جز براى كسى كه خدا بپسندد شفاعت نمى كنند، و آنان از ترس [عظمت و جلال] او هراسان و بيمناكند. (۲۸)

وَمَن يَقُلْ مِنْهُمْ إِنِّى إِلَهٌ مِّن دُونِهِ فَذَلِكَ نَجْزِيهِ جَهَنَّمَ كَذَلِكَ نَجْزِى الظَّالِمِينَ (۲۹)

و هر كس از آنان بگويد: من هم معبودى، غير از اويم، دوزخ را به آن گوينده كيفر مى دهيم، و ستمكاران را اين گونه مجازات مى كنيم. (۲۹)

أَوَلَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ (۳۰)

آيا كافران ندانسته اند كه آسمان ها و زمين به هم بسته و پيوسته بودند و ما آن دو را شكافته و از هم باز كرديم و هر چيز زنده اى را از آب آفريديم؟ پس آيا ايمان نمى آورند؟ (۳۰)

وَجَعَلْنَا فِى الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَن تَمِيدَ بِهِمْ وَجَعَلْنَا فِيهَا فِجَاجًا سُبُلًا لَّعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ (۳۱)

و در زمين كوه هاى استوار پديد آورديم تا زمين آنان را نلرزاند، و در آن راه هايى فراخ و گشاده قرار داديم تا [به سوى اهداف خود] راه يابند. (۳۱)

وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَّحْفُوظًا وَهُمْ عَنْ آيَاتِهَا مُعْرِضُونَ (۳۲)

و آسمان را سقفى محفوظ قرار داديم در حالى كه آنان [از تأمل و دقت در] نشانه هاى آن [كه گواه توحيد، ربوبيّت و قدرت خداست] روى گردانند. (۳۲)

وَهُوَ الَّذِى خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ فِى فَلَكٍ يَسْبَحُونَ (۳۳)

و اوست كه شب و روز و خورشيد و ماه را آفريد كه هر يک در مدارى شناور است. (۳۳)

وَمَا جَعَلْنَا لِبَشَرٍ مِّن قَبْلِكَ الْخُلْدَ أَفَإِن مِّتَّ فَهُمُ الْخَالِدُونَ (۳۴)

و پیش از تو برای هیچ بشری جاودانگی قرار ندادیم؛ پس آیا اگر تو بمیری آنان جاویدان خواهند ماند؟! (۳۴)

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَنَبْلُوكُم بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ (۳۵)

هر کسی چشنده مرگ است و ما شما را [چنانکه سزاوار است] به نوعی خیر و شر [که تهیدستی، ثروت، سلامت، بیماری، امنیت و بلاست] آزمایش می کنیم، و به سوی ما بازگردانده می شوید. (۳۵)

ص: ۳۲۴

وَإِذَا رَآكَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِن يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُوًا أَهَذَا الَّذِي يَذْكُرُ آلِهَتَكُمْ وَهُم بِذِكْرِ الرَّحْمَنِ هُمْ كَافِرُونَ (۳۶)

کافران چون تو را ببینند جز به مسخره ات نمی گیرند [و می گویند:] آیا این است آن کسی که معبودان شما را [به موجوداتی بی اثر و بی اختیار] یاد می کند؟ در حالی که خود به ذکر [خدایِ] رحمان [که توحید و قرآن است] کافرند [و از این کار، باکی ندارند.] (۳۶)

خُلِقَ الْإِنسَانُ مِنْ عَجَلٍ سَأُرِيكُمْ آيَاتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُونِ (۳۷)

انسان از شتاب و عجله آفریده شده است [که با نخوت و غرور، عذابم را به شتاب می خواهد]؛ به زودی عذاب هایم را به شما نشان خواهم داد، پس [آن را] به شتاب از من نخواهید. (۳۷)

وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (۳۸)

[به پیامبر و مؤمنان] می گویند: اگر راست می گویید، این وعده کی خواهد بود؟ (۳۸)

لَوْ يَعْلَمُ الَّذِينَ كَفَرُوا حِينَ لَا يَكُفُّونَ عَن وُجُوهِهِمُ النَّارَ وَلَا عَن ظُهُورِهِمْ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ (۳۹)

اگر کافران به آن وقتی که نمی توانند آتش را از چهره ها و پشتشان باز دارند و یاری هم نمی شوند، آگاهی داشتند [عجولانه عذاب را نمی خواستند.] (۳۹)

بَلْ تَأْتِيهِم بَغْتَةً فَتَبْهَتُهُمْ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ رَدَّهَا وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ (۴۰)

بلکه ناگهان به آنان می رسد، پس چنان مبهوتشان می کند که نه قدرت دارند آن را بازگردانند، و نه [برای به تأخیر افتادنش] مهلت می یابند. (۴۰)

وَلَقَدِ اسْتُهْزِئَ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُم مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (۴۱)

و به راستی پیش از تو پیامبرانی مورد استهزا قرار گرفتند، پس عذابی را که همواره مسخره می کردند، استهزا کنندگان را فرا گرفت. (۴۱)

قُلْ مَن يَكْلَؤُكُم بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مِنَ الرَّحْمَنِ بَلْ هُمْ عَن ذِكْرِ رَبِّهِم مُّعْرِضُونَ (۴۲)

بگو: چه کسی شما را در شب و روز از [عذاب خدای] رحمان محافظت می کند؟ بلکه [حقیقت این است که] آنان از یاد پروردگارشان روی گردانند. (۴۲)

أَمْ لَهُمْ آلِهَةٌ تَمْنَعُهُم مِّن دُونِنَا لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَ أَنفُسِهِمْ وَلَا هُم مِّنَّا يُصْحَبُونَ (۴۳)

آیا برای آنان به جای ما معبودانی هست که آنان را [از عذاب ما] باز دارند در حالی که [آن معبودان] نمی توانند خود را یاری دهند و از سوی ما هم پناه داده نمی شوند؟ (۴۳)

بَلْ مَتَّعْنَا هَؤُلَاءِ وَآبَاءَهُمْ حَتَّى طَالَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ أَفَلَا يَرَوْنَ أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا أَفَهُمُ الْغَالِبُونَ (۴۴)

بلکه اینان و پدرانشان را [از انواع نعمت ها] بهره مند ساختیم تا جایی که عمرشان طولانی شد [و گمان کردند که نعمت ها و عمرشان پایان نمی پذیرد]. آیا ندانسته اند که ما همواره به زمین می پردازیم و از اطراف [و جوانب] آن [که ملت ها، اقوام، تمدن ها و دانشمندانش هستند] می کاهیم؟ پس آیا باز هم آنان پیروزند؟ (۴۴)

ص: ۳۲۵

قُلْ إِنَّمَا أُنذِرُكُم بِالْوَحْيِ وَلَا يَسْمَعُ الصُّمُّ الدُّعَاءَ إِذَا مَا يُنذَرُونَ (۴۵)

بگو: من فقط شما را به وسیله وحی بیم می دهم، ولی کران، بانگ دعوت را هنگامی که بیمشان دهند، نمی شنوند. (۴۵)

وَلَئِن مَّسَّتْهُمْ نَفْحَةٌ مِّنْ عَذَابِ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ (۴۶)

و اگر اندکی از عذاب پروردگارت به آنان برسد، خواهند گفت: ای وای بر ما که قطعاً ستمکار بودیم! (۴۶)

وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَهِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِن كَانَ مِثْقَالَ حَبَّهٍ مِّنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَى بِنَا حَاسِبِينَ (۴۷)

و ترازوهای عدالت را در روز قیامت می نهیم و به هیچ کس هیچ ستمی نمی شود؛ و اگر [عمل خوب یا بد] هم وزن دانه خردلی باشد آن را [برای وزن کردن] می آوریم، و کافی است که ما حسابگر باشیم. (۴۷)

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى وَهَارُونَ الْفُرْقَانَ وَضِيَاءً وَذِكْرًا لِّلْمُتَّقِينَ (۴۸)

یقیناً به موسی و هارون [کتابی که] جداکننده [حق از باطل] و نور و مایه یادآوری برای پرهیزکاران [است] عطا کردیم. (۴۸)

الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَهُم مِّنَ السَّاعَهِ مُشْفِقُونَ (۴۹)

همانان که در پنهانی از پروردگارشان می ترسند و از قیامت هم بیمناکند. (۴۹)

وَهَذَا ذِكْرٌ مُّبَارَكٌ أَنزَلْنَاهُ أَفَأَنتُمْ لَهُ مُنكِرُونَ (۵۰)

و این [قرآنی] که آن را نازل کرده ایم، ذکر و پندی پرمنفعت است؛ آیا باز هم شما منکر آن هستید؟ (۵۰)

وَلَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ مِن قَبْلُ وَكُنَّا بِهِ عَالِمِينَ (۵۱)

و مسلماً پیش از این به ابراهیم، رشد و هدایتی [که سزاوارش بود] عطا کردیم؛ و ما به او دانا بودیم. (۵۱)

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ (۵۲)

[یاد کن] زمانی را که به پدرش و قومش گفت: این مجسمه هایی که شما ملازم پرستش آنها شده اید، چیست؟ (۵۲)

قَالُوا وَجَدْنَا آبَاءَنَا لَهَا عَابِدِينَ (۵۳)

گفتند: پدرانمان را پرستش کنندگان آنها یافتیم [لذا به پیروی از پدرانمان آنها را می پرستیم!!] (۵۳)

قَالَ لَقَدْ كُنتُمْ أَنتُمْ وَآبَاؤُكُمْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۵۴)

گفت: به یقین شما و پدرانتان در گمراهی آشکاری هستید. (۵۴)

قَالُوا أَجِئْتَنَا بِالْحَقِّ أَمْ أَنتَ مِنَ اللَّاعِبِينَ (۵۵)

گفتند: آیا حق را برای ما آورده ای یا شوخی می کنی؟! (۵۵)

قَالَ بَل رَّبُّكُمْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الَّذِي فَطَرَهُنَّ وَأَنَا عَلَى ذَلِكُم مِّنَ الشَّاهِدِينَ (۵۶)

گفت: [شوخی نمی کنم] بلکه پروردگارتان همان پروردگار آسمان ها و زمین است، همان که آنها را آفرید و من بر این [حقیقت] از گواهی دهندگانم. (۵۶)

وَتَاللَّهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَامَكُم بَعْدَ أَن تُوَلُّوا مُدْبِرِينَ (۵۷)

سوگند به خدا پس از آنکه [به بتخانه] پشت کردید و رفتید، درباره بت هایتان تدبیری خواهم کرد. (۵۷)

ص: ۳۲۶

فَجَعَلَهُمْ جُذَاذًا إِلَّا كَبِيرًا لَّهُمْ لَعَلَّهُمْ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ (۵۸)

پس [همه] بت ها را قطعه قطعه کرد و شکست مگر بت بزرگشان را که [برای درک ناتوانی بت ها] به آن مراجعه کنند. (۵۸)

قَالُوا مَن فَعَلَ هَذَا بِآلِهَتِنَا إِنَّهُ لَمِنَ الظَّالِمِينَ (۵۹)

[چون به بتخانه آمدند، با شگفتی] گفتند: چه کسی این کار را با معبودانمان انجام داده است؟ به یقین او از ستمکاران است. (۵۹)

قَالُوا سَمِعْنَا فَتًى يَذْكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُ إِبْرَاهِيمُ (۶۰)

گفتند: از جوانی شنیدیم که از بتان ما [به عنوان عناصری بی اثر و بی اختیار] یاد می کرد که به او ابراهیم می گویند. (۶۰)

قَالُوا فَأْتُوا بِهِ عَلَى أَعْيُنِ النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَشْهَدُونَ (۶۱)

گفتند: پس او را در برابر دیدگان مردم بیاورید تا آنان [به این کار او] شهادت دهند. (۶۱)

قَالُوا أَأَنتَ فَعَلْتَ هَذَا بِآلِهَتِنَا يَا إِبْرَاهِيمُ (۶۲)

گفتند: ای ابراهیم! آیا تو با معبودان ما چنین کرده ای؟ (۶۲)

قَالَ بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هَذَا فَاسْأَلُوهُمْ إِن كَانُوا يَنطِقُونَ (۶۳)

گفت: بلکه [سالم ماندن بزرگشان نشان می دهد که] بزرگشان این کار را انجام داده است؛ پس اگر سخن می گویند، از خودشان بپرسید. (۶۳)

فَرَجَعُوا إِلَى أَنفُسِهِمْ فَقَالُوا إِنَّكُمْ أَنتُمُ الظَّالِمُونَ (۶۴)

پس آنان [با تفکر و تأمل] به خود آمدند و گفتند: شما خودتان [با پرستیدن این موجودات بی اثر و بی اختیار] ستمکارید [نه ابراهیم.] (۶۴)

ثُمَّ نُكِسُوا عَلَى رُءُوسِهِمْ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا هَؤُلَاءِ يَنطِقُونَ (۶۵)

آن گاه سرافکنده و شرمسار شدند [ولی از روی ستیزه جویی به ابراهیم گفتند:] مسلماً تو می دانی که اینان سخن نمی گویند. (۶۵)

قَالَ أَفَتَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنفَعُكُمْ شَيْئًا وَلَا يَضُرُّكُمْ (۶۶)

گفت: [با توجه به این حقیقت] آیا به جای خدا چیزهایی را می پرستید که هیچ سود و زیانی به شما نمی رسانند؟! (۶۶)

أُفٍّ لَّكُمْ وَلِمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۶۷)

اُف بر شما و بر آنچه به جای خدا می پرستید؛ پس آیا نمی اندیشید؟ (۶۷)

قَالُوا حَرِّقُوهُ وَانصُرُوا آلِهَتَكُمْ إِن كُنتُمْ فَاعِلِينَ (۶۸)

گفتند: اگر می خواهید کاری انجام دهید [و مرد کار هستید] او را بسوزانید، و معبودانتان را یاری دهید. (۶۸)

قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَى إِبْرَاهِيمَ (۶۹)

[پس او را در آتش افکندند] گفتیم: ای آتش! برابر ابراهیم سرد و بی آسیب باش! (۶۹)

وَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ (۷۰)

و بر ضد او نیرنگی سنگین به کار گرفتند [که نابودش کنند] پس آنان را زیانکارترین [مردم] قرار دادیم. (۷۰)

وَنَجَّيْنَاهُ وَلُوطًا إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا لِلْعَالَمِينَ (۷۱)

و او و لوط را [از آن سرزمین پر از شرک و فساد] نجات داده و به سوی سرزمینی که در آن برای جهانیان برکت نهاده ایم، بردیم. (۷۱)

وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً وَكُلًّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ (۷۲)

و اسحاق و یعقوب را به عنوان عطایی افزون، به او بخشیدیم و همه را افرادی شایسته قراردادیم. (۷۲)

ص: ۳۲۷

وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ (۷۳)

و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما [مردم را] هدایت می کردند، و انجام دادن کارهای نیک و برپا داشتن نماز و پرداخت زکات را به آنان وحی کردیم، و آنان فقط پرستش کنندگان ما بودند. (۷۳)

وَلُوطًا آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَت تَّعْمَلُ الْخَبَائِثَ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَاسِقِينَ (۷۴)

و به لوط، حکمت و دانش دادیم و او را از آن شهری که [اهلش] کارهای زشت مرتکب می شدند، نجات دادیم؛ بی تردید آنان قومی بد و نافرمان بودند. (۷۴)

وَأَدْخَلْنَاهُ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ (۷۵)

و او را در رحمت خود درآوردیم؛ چون او از شایستگان بود. (۷۵)

وَنُوحًا إِذْ نَادَى مِن قَبْلُ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ (۷۶)

و نوح را [یاد کن] هنگامی که پیش از این [پیامبران یاد شده] ندا کرد: [پروردگارا! مرا از این قوم فاسد و تبهکار نجات بخش.] پس ندایش را اجابت کردیم، و او و خانواده اش را از آن اندوه بزرگ نجات دادیم. (۷۶)

وَنَصَرْنَاهُ مِنَ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ (۷۷)

و او را در برابر گروهی که آیات ما را تکذیب کردند، یاری دادیم؛ قطعاً آنان گروه بدی بودند، پس همه آنان را غرق کردیم. (۷۷)

وَدَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ إِذْ يَحْكُمَانِ فِي الْحَرْثِ إِذْ نَفَشَتْ فِيهِ غَنَمُ الْقَوْمِ وَكُنَّا لِحُكْمِهِمْ شَاهِدِينَ (۷۸)

و داود و سلیمان را [یاد کن] زمانی که درباره آن کشتزار که شبانه گوسفندان قوم در آن چریده بودند، داوری می کردند، و ما گواه داوری آنان بودیم. (۷۸)

فَفَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ وَكُلًّا آتَيْنَا حُكْمًا وَعِلْمًا وَسَخَّرْنَا مَعَ دَاوُودَ الْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ وَالطَّيْرَ وَكُنَّا فَاعِلِينَ (۷۹)

پس [داوری] آن را به سلیمان فهماندیم، و هر یک را حکمت و دانش عطا کردیم، و کوه ها و پرندگان را رام و مسخّر کردیم که همواره با داود تسبیح می گفتند، و ما انجام دهنده [این کار] بودیم. (۷۹)

وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَّكُمْ لِتُحْصِنَكُم مِّن بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنتُمْ شَاكِرُونَ (۸۰)

و به سود شما صنعتِ ساختنِ پوشش های دفاعی را به او آموختیم تا شما را از [آسیب] جنگ تان محافظت نماید، پس آیا شما شکرگزار حق هستید؟ (۸۰)

وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ عَاصِفَةً تَجْرِي بِأَمْرِهِ إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَكُنَّا بِكُلِّ شَيْءٍ عَالِمِينَ (۸۱)

و برای سلیمان، تندباد را رام و مسخّر کردیم که به فرمانش به سوی آن سرزمینی که در آن برکت نهادیم، حرکت می کرد و ما همواره به همه چیز داناییم. (۸۱)

ص: ۳۲۸

وَمِنَ الشَّيَاطِينِ مَن يَغُوصُونَ لَهُ وَيَعْمَلُونَ عَمَلًا دُونَ ذَلِكَ وَكُنَّا لَهُمْ حَافِظِينَ (۸۲)

و از شیطان ها کسانی را رام و مسخّر او کردیم که برایش غوّاصی و کارهایی غیر از آن انجام می دادند، و ما نگهبان آنان بودیم. (۸۲)

وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ (۸۳)

و ایوب را [یاد کن] هنگامی که پروردگارش را ندا داد که مرا آسیب و سختی رسیده و تو مهربان ترین مهربانانی. (۸۳)

فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِن ضُرٍّ وَآتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُم مَّعَهُمْ رَحْمَةً مِّنْ عِندِنَا وَذِكْرَى لِلْعَابِدِينَ (۸۴)

پس ندایش را اجابت کردیم و آنچه از آسیب و سختی به او بود برطرف نمودیم، و خانواده اش را [که در حادثه ها از دستش رفته بودند] و مانندشان را همراه با آنان به او عطا کردیم که رحمتی از سوی ما و مایه پند و تذکری برای عبادت کنندگان بود. (۸۴)

وَإِسْمَاعِيلَ وَإِدْرِيسَ وَذَا الْكِفْلِ كُلٌّ مِّنَ الصَّابِرِينَ (۸۵)

و اسماعیل و ادریس و ذوالکفل را [یاد کن] که همه از شکیبایان بودند. (۸۵)

وَأَدْخَلْنَاهُمْ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُم مِّنَ الصَّالِحِينَ (۸۶)

و آنان را در رحمت خود درآوردیم، چون از شایستگان بودند. (۸۶)

وَذَا النُّونِ إِذ ذَّهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَن لَّن نَّقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَن لَّا إِلَهَ إِلَّا أَنتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنتُ مِنَ الظَّالِمِينَ (۸۷)

و صاحب ماهی [حضرت یونس] را [یاد کن] زمانی که خشمناک [از میان قومش] رفت و گمان کرد که ما [زندگی را] بر او تنگ نخواهیم گرفت، پس در تاریکی ها [ی شب، زیر آب، و دل ماهی] ندا داد که معبودی جز تو نیست تو از هر عیب و نقصی منزّهی، همانا من از ستمکارانم. (۸۷)

فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنجِي الْمُؤْمِنِينَ (۸۸)

پس ندایش را اجابت کردیم و از اندوه نجاتش دادیم؛ و این گونه مؤمنان را نجات می دهیم. (۸۸)

وَزَكَرِيَّا إِذْ نَادَى رَبَّهُ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ (۸۹)

و زکریا را [یاد کن] زمانی که پروردگارش را ندا داد: پروردگارا! مرا تنها [و بی فرزند] مگذار؛ و تو بهترین وارثانی. (۸۹)

فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيَى وَأَصْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ (۹۰)

پس [ندای] او را اجابت کردیم و یحیی را به او بخشیدیم و نازایی همسرش را برای وی اصلاح نمودیم، آنان همواره در کارهای خیر می شتافتند، و ما را از روی امید و بیم می خواندند، و پیوسته در برابر ما فروتن بودند. (۹۰)

ص: ۳۲۹

وَالَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهَا مِن رُّوحِنَا وَجَعَلْنَاهَا وَابْنَهَا آيَةً لِّلْعَالَمِينَ (۹۱)

و آن [زن را یاد کن] که دامن خود را پاک نگه داشت، پس ما از روح خود در او دمیدیم و او و پسرش را نشانه ای [بزرگ از قدرت خود] برای جهانیان قرار دادیم. (۹۱)

إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ (۹۲)

و بی تردید این [اسلام] آیین [حقیقی] شماست در حالی که آیینی یگانه است و منم پروردگار شما پس مرا بپرستید. (۹۲)

وَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُم بَيْنَهُمْ كُلٌّ إِلَيْنَا رَاجِعُونَ (۹۳)

ولی [آنان] آیینشان را در میان خود قطعه قطعه کردند [و نسبت به دین گروه گروه شدند و به شدت با هم اختلاف پیدا کردند]؛ و همه آنان به سوی ما باز خواهند گشت [تا کیفر سخت این گروه گرایی را ببینند.] (۹۳)

فَمَن يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا كُفْرَانَ لِسَعْيِهِ وَإِنَّا لَهُ كَاتِبُونَ (۹۴)

پس کسی که برخی از کارهای شایسته را انجام دهد در حالی که مؤمن باشد، نسبت به تلاشش ناسپاسی نخواهد شد، و ما یقیناً [تلاشش را] برای او می نویسیم. (۹۴)

وَحَرَامٌ عَلَى قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ (۹۵)

و بر [اهل] شهری که نابودشان کردیم، محال است که [در قیامت به سوی ما] باز نگردند. (۹۵)

حَتَّى إِذَا فُتِحَتْ يَأْجُوجُ وَمَأْجُوجُ وَهُم مِّن كُلِّ حَدَبٍ يَنسِلُونَ (۹۶)

تا زمانی که [سدّ] یأجوج و مأجوج گشوده شود و آنان از هر زمین بلندی سرازیر می شوند. (۹۶)

وَاقْتَرَبَ الْوَعْدُ الْحَقُّ فَإِذَا هِيَ شَاخِصَةٌ أَبْصَارُ الَّذِينَ كَفَرُوا يَا وَيْلَنَا قَدْ كُنَّا فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا بَلْ كُنَّا ظَالِمِينَ (۹۷)

و آن وعده حق [که قیامت است] نزدیک شود، پس ناگهان چشم های کافران خیره شود [و گویند:] وای بر ما! که ما از این روز در بی خبری سنگینی قرار داشتیم، بلکه ما ستمکار بودیم. (۹۷)

إِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ أَنتُمْ لَهَا وَارِدُونَ (۹۸)

[به آنان گویند:] به یقین شما و معبودانی که به جای خدا می پرستیدید، هیزمِ دوزخید؛ [بی تردید] شما در آن وارد خواهید شد. (۹۸)

لَوْ كَانَ هَؤُلَاءِ آلِهَةً مَّا وَرَدُوهَا وَكُلٌّ فِيهَا خَالِدُونَ (۹۹)

اگر اینان معبودان [برحق] بودند، وارد دوزخ نمی شدند در حالی که همگی [بتان و بت پرستان] در آن جاودانه اند. (۹۹)

لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَهُمْ فِيهَا لَا يَسْمَعُونَ (۱۰۰)

آنان در دوزخ، نعره های دردناکی دارند و در آنجا [سخنی امیدوار کننده] نمی شنوند. (۱۰۰)

إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُم مِّنَّا الْحُسْنَى أُولَئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ (۱۰۱)

بی تردید کسانی که پیش تر از سوی ما وعده نیک به آنان داده اند، از دوزخ دورشان نگه می دارند. (۱۰۱)

ص: ۳۳۰

لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا وَهُمْ فِي مَا اشْتَهَتْ أَنفُسُهُمْ خَالِدُونَ (۱۰۲)

کمترین صدای آن را [هم] نمی شنوند، و آنان در آنچه [از نعمت های الهی] دلشان بخواهد جاودانه اند. (۱۰۲)

لَا يَحْزُنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ وَتَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمُكُمُ الَّذِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ (۱۰۳)

[در آن روز] آن بزرگ ترین ترس و واهمه آنان را اندوهگین نمی کند و فرشتگان [با درود و سلام] به استقبالشان آیند [و گویند:] این است روز شما که شما را به آن وعده می دادند. (۱۰۳)

يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجِلِّ لِلْكُتُبِ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُّعِيدُهُ وَعْدًا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ (۱۰۴)

روزی که آسمان را در هم می پیچیم، مانند در هم پیچیدن طومار، همان گونه که نخستین بار آفریده ها را آفریدیم، دوباره آنان را باز می گردانیم. وعده ای است [که تحقق دادنش] بر عهده ما [ست]، به یقین آن را انجام می دهیم. (۱۰۴)

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ (۱۰۵)

و همانا ما پس از تورات در زبور نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به میراث می برند. (۱۰۵)

إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِّقَوْمٍ عَابِدِينَ (۱۰۶)

بی تردید در این [حقایق] برای [رسانیدن] مردم عبادت پیشه [به نهایت مقصود و اوج مطلوب] کفایت است. (۱۰۶)

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ (۱۰۷)

و تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم. (۱۰۷)

قُلْ إِنَّمَا يُوحَى إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَهَلْ أَنتُم مُّسْلِمُونَ (۱۰۸)

بگو: به من فقط وحی می شود که معبود شما خدای یکتاست؛ پس آیا تسلیم [فرمان ها و احکام او] می شوید؟ (۱۰۸)

فَإِن تَوَلَّوْا فَقُلْ آذَنتُكَمْ عَلَى سَوَاءٍ وَإِنْ أَدْرِی أَقَرِيبٌ أَم بَعِيدٌ مَّا تُوعَدُونَ (۱۰۹)

پس اگر روی برگرداندند بگو: من به شما به طور یکسان آگاهی و هشدار دادم، و نمی دانم آنچه شما را [از عذاب] به آن وعده داده اند، آیا نزدیک است یا دور؟ (۱۰۹)

إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ مِنَ الْقَوْلِ وَيَعْلَمُ مَا تَكْتُمُونَ (۱۱۰)

بی تردید او سخن آشکار را و آنچه را پنهان می دارید، می داند. (۱۱۰)

وَإِنْ أَدْرِی لَعَلَّهُ فِتْنَهٌ لَّكُمْ وَمَتَاعٌ إِلَى حِينٍ (۱۱۱)

و من نمی دانم شاید این [تأخیر عذاب] آزمایشی برای شما و بهره مندی اندکی [از نعمت ها] تا مدتی معین است. (۱۱۱)

قَالَ رَبِّ احْكُم بِالْحَقِّ وَرَبُّنَا الرَّحْمَنُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ (۱۱۲)

[پیامبر] گفت: پروردگارا! [میان ما و مشرکان] به حق داوری کن و پروردگار ما مهربان است و [مؤمنان] بر خلاف واقعیتی که [شما مشرکان درباره پیروزی خود وشکست ما] وصف می کنید، از او یاری می خواهند. (۱۱۲)

ص: ۳۳۱

سوره الحج

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمْ إِنَّ زَلْزَلَهَ السَّاعَهِ شَیْءٌ عَظِيمٌ (۱)

ای مردم! از پروردگارتان پروا کنید، بی تردید زلزله قیامت، واقعه ای بزرگ است. (۱)

يَوْمَ تَرَوْنَهَا تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَهٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا وَتَرَى النَّاسَ سُكَارَى وَمَا هُم بِسُكَارَى وَلَكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ (۲)

روزی که آن را ببینید [مشاهده خواهید کرد که] هر مادر شیر دهنده ای از کودکی که شیرش می دهد، بی خبر می شود، و هر ماده بارداری بار خود را سقط می کند، و مردم را مست می بینی در حالی که مست نیستند، بلکه عذاب خدا بسیار سخت است. (۲)

وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِی اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ مَّرِيدٍ (۳)

و برخی از مردم اند که [همواره] بدون هیچ دانشی [بلکه از روی جهل و نادانی] درباره خدا [با اصرار بر یک اعتقاد بی پایه] برخورد خصمانه و گفتگوی ستیزآمیز می کنند، و از هر شیطان سرکشی پیروی می نمایند. (۳)

كُتِبَ عَلَيْهِ أَنَّهُ مَن تَوَلَّاهُ فَأَنَّهُ يُضِلُّهُ وَيَهْدِيهِ إِلَى عَذَابِ السَّعِيرِ (۴)

بر آن شیطان، لازم و مقرّر شده است که هر کس که او را به سرپرستی و دوستی خود گیرد، حتماً او گمراهش می کند، و به آتش سوزنده راهنمایی اش می نماید. (۴)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُم مِّن تُرَابٍ ثُمَّ مِن نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِن مُّضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِّنُبَيِّنَ لَكُمْ وَنُقِرُّ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ وَمِنكُم مَّن يُتَوَفَّى وَمِنكُم مَّن يُرَدُّ إِلَى أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِن بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأَنبَتَتْ مِن كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ (۵)

ای مردم! اگر درباره برانگیخته شدن [پس از مرگ] در تردید هستید، پس [به این واقعیت توجه کنید که] ما شما را از خاک آفریدیم، سپس از نطفه، سپس از علقه، سپس از پاره گوشتی با آفرینشی کامل یا غیر کامل آفریدیم تا برای شما روشن کنیم [که ما به برانگیختن مردگان تواناییم]؛ و آنچه را می خواهیم تا مدتی معین در رحم ها مستقر می کنیم؛ آن گاه شما را به صورت کودک [از رحم مادر] بیرون می آوریم تا آنکه به قدرت فکری و نیرومندی جسمی خود برسید. و برخی از شما [پیش از فرتوتی] قبض روح می شود، و برخی از شما را به پست ترین دوره عمر [که ایام پیری است] برمی گردانند تا در نتیجه از دانشی که داشتند چیزی ندانند. و [از نشانه های دیگر قدرت ما اینکه] زمین را [در زمستان] خشک و افسرده می بینی، پس چون آب [باران] را بر آن نازل می کنیم، می جنبد و برمی آید و از هر نوع گیاه تر و تازه و بهجت انگیزی می رویاند. (۵)

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّهُ يُحْيِي الْمَوْتَى وَأَنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۶)

[همه] این [امور] برای این است که [بدانید] خدا همان حق است، و اینکه او مردگان را زنده می کند، و اینکه او بر هر کاری تواناست. (۶)

وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَّا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَن فِي الْقُبُورِ (۷)

و اینکه قیامت آمدنی است، هیچ شکی در آن نیست، و اینکه خدا کسانی را که در گورهایند، برمی انگیزد. (۷)

وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُّنِيرٍ (۸)

و از مردمان کسی است که همواره بدون هیچ دانشی [بلکه از روی جهل و نادانی] و بدون هیچ هدایتی، و هیچ کتاب روشنی درباره خدا مجادله و ستیزه می کند. (۸)

ثَانِيَ عِطْفِهِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ لَهُ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَنُذِيقُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَذَابَ الْحَرِيقِ (۹)

[آن هم] با حالتی متکبرانه و مغرورانه که سرانجام مردم را از راه خدا گمراه کند؛ برای او در دنیا رسوایی است و روز قیامت عذاب سوزان به وی می چشانیم. (۹)

ذَلِکَ بِمَا قَدَّمَتْ يَدَاکَ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ (۱۰)

این [رسوایی و عذاب] به کیفر اعمالی است که از پیش فرستاده ای و به آن خاطر است که خدا نسبت به بندگان ستمکار نیست. (۱۰)

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَى حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انقَلَبَ عَلَى وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ذَلِکَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ (۱۱)

و برخی از مردم اند که خدا را یک سویه [و بر پایه دست یابی به امور مادی] می پرستند، پس اگر خیری [چون ثروت، مقام و اولاد] به آنان برسد به آن آرامش یابند، و اگر بلایی [چون بیماری، تهیدستی و محرومیت از عناوین اجتماعی] به آنان برسد [از پرستش خدا] عقب گرد می کنند [و به بی دینی و ارتداد می گرایند]، دنیا و آخرت را از دست داده اند، و این است همان زیان آشکار. (۱۱)

يَدْعُو مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُ وَمَا لَا يَنفَعُهُ ذَلِکَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ (۱۲)

چیزی را به جای خدا می پرستند که نه زیانی به آنان می رساند و نه سودی به آنان می دهد؛ این است همان گمراهی بسیار دور. (۱۲)

يَدْعُو لَمَن ضَرُّهُ أَقْرَبُ مِن نَّفْعِهِ لَبِئْسَ الْمَوْلَى وَلَبِئْسَ الْعَشِيرُ (۱۳)

بلکه کسی را می پرستند که قطعاً زیانش از سودش نزدیک تر است، بد سرپرست و یاوری و بد معاشر و همدمی است! (۱۳)

إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ (۱۴)

یقیناً خدا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، در بهشت هایی در می آورد که از زیرِ [درختانِ] آن نهرها جاری است؛ مسلماً خدا هر چه را بخواهد انجام می دهد. (۱۴)

مَن كَانَ يَظُنُّ أَن لَّن يَنصُرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَلْيَمْدُدْ بِسَبَبٍ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ لْيَقْطَعْ فَلْيَنظُرْ هَلْ يُذْهِبَنَّ كَيْدُهُ مَا يَغِيظُ (۱۵)

کسی که همواره گمان می کند که خدا هرگز پیامبرش را در دنیا و آخرت یاری نخواهد داد [و اکنون یاری خدا را می بیند و به این خاطر ناامید و خشمگین است] باید طنابی از سقف [خانه اش] بیاویزد، سپس خود را حلق آویز کند، پس ببیند آیا حیله و نیرنگش آنچه را سبب خشم او شده است از بین می برد؟! (۱۵)

وَكَذَلِكَ أَنزَلْنَاهُ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَأَنَّ اللَّهَ يَهْدِی مَن يُرِيدُ (۱۶)

و این گونه، قرآن را [به صورت] آیاتی روشن نازل کردیم؛ و قطعاً خدا هر که را بخواهد، هدایت می کند. (۱۶)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئِينَ وَالنَّصَارَی وَالْمَجُوسَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَهِ إِنَّ اللَّهَ عَلَی كُلِّ شَیْءٍ شَهِيدٌ (۱۷)

همانا آنان که ایمان آوردند و آنان که یهودی اند و صابئان و نصاری و مجوس و کسانی که شرک ورزیده اند، حتماً خدا روز قیامت میانشان داوری می کند [تا گرویدگان به حق از آلودگان به باطل جدا شوند و حق پیشگان به بهشت و باطل گرایان به دوزخ درآیند]؛ بی تردید خدا بر همه چیز گواه است. (۱۷)

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَن فِی السَّمَاوَاتِ وَمَن فِی الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِّنَ النَّاسِ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ وَمَن يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن مُّكْرِمٍ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ (۱۸)

آیا ندانسته ای که هر که در آسمان ها و هر که در زمین است و خورشید و ماه و ستارگان و کوه ها و درختان و جنبندگان و بسیاری از مردم برای او سجده می کنند؟ و بر بسیاری [که از سجده امتناع دارند] عذاب، لازم و مقرّر شده است. و کسی را که خدا خوار کند، گرامی دارنده ای برای او نیست؛ به یقین خدا هر چه را بخواهد انجام می دهد. (۱۸)

هَذَانِ خَصْمَانِ اخْتَصَمُوا فِی رَبِّهِمْ فَالَّذِينَ كَفَرُوا قُطِّعَتْ لَهُمْ ثِيَابٌ مِّن نَّارٍ يُصَبُّ مِن فَوْقِ رُءُوسِهِمُ الْحَمِيمُ (۱۹)

این دو [گروهِ حق پیشه و باطل گرا] دشمن یکدیگرند که درباره پروردگارشان در جدال و ستیزند [گروه حق پیشه، پروردگار را به صفاتی وصف می کنند که شایسته اوست و گروه باطل گرا او را به اموری می ستایند که سزاوار او نیست]، پس کسانی که کافر شدند برای آنان لباس هایی از آتش [به اندازه اندامشان] بریده شده و از بالای سرشان مایع جوشان [به روی آنان] ریخته می شود، (۱۹)

يُصْهَرُ بِهِ مَا فِی بُطُونِهِمْ وَالْجُلُودُ (۲۰)

که آنچه در شکم های ایشان است و پوست بدنشان به وسیله آن گداخته می شود، (۲۰)

وَلَهُم مَّقَامِعُ مِنْ حَدِيدٍ (۲۱)

و برای آنان گرزهایی از آهن [مخصوص] است [که بر سرشان می کوبند.] (۲۱)

كُلَّمَا أَرَادُوا أَن يَخْرُجُوا مِنْهَا مِنْ غَمٍّ أُعِيدُوا فِيهَا وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ (۲۲)

هرگاه بخواهند به سبب اندوه [فراوان و غصه گلوگیر] از دوزخ درآیند، به آن بازشان می گردانند؛ و [به آنان می گویند:] عذاب سوزان را بچشید. (۲۲)

إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِن ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ (٢٣)

بی تردید خدا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، در بهشت هایی درمی آورد که از زیرِ [درختانِ] آن نهرها جاری است، در آنجا با دستبندهایی از طلا و مروارید آرایش می شوند، و لباسشان در آنجا حریر است. (۲۳)

ص: ۳۳۴

وَهُدُوا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ وَهُدُوا إِلَى صِرَاطِ الْحَمِيدِ (٢۴)

و به سوی گفتار پاک و پاکیزه [مانند سلام، الحمدلله و سبحان الله] راهنماییشان کنند، و به راه پسندیده [که راه بهشت است] هدایتشان نمایند. (۲۴)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ وَمَن يُرِدْ فِيهِ بِإِلْحَادٍ بِظُلْمٍ نُّذِقْهُ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ (٢۵)

مسلماً کسانی که کافرند و از راه خدا و [ورود مؤمنان به] مسجدالحرام که آن را برای همه مردم چه مقیم و حاضر و چه مسافر، یکسان قرار داده ایم جلوگیری می کنند، [کیفری بسیار سخت خواهند داشت]، و هر که بخواهد در آنجا با انحراف از حق روی به ستم آورد [و دست به شرک و هر گناهی بیالاید] او را عذابی دردناک می چشانیم. (۲۵)

وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَن لَّا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَطَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ (٢۶)

و [یاد کن] هنگامی را که جای خانه [کعبه] را برای ابراهیم آماده کردیم [و از او پیمان گرفتیم] که هیچ چیز را شریک من قرار مده و خانه ام را برای طواف کنندگان و قیام کنندگان و رکوع کنندگان و سجده کنندگان [از پلیدی های ظاهری و باطنی] پاک و پاکیزه گردان. (۲۶)

وَأَذِّن فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِن كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ (٢٧)

و در میان مردم برای حج بانگ زن تا پیاده و سوار بر هر شتر باریک اندام [چابک و چالاک] که از هر راه دور می آیند، به سوی تو آیند. (۲۷)

لِّيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ عَلَى مَا رَزَقَهُم مِّن بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ (٢٨)

تا منافع خود را [از برکت این سفر معنوی] مشاهده کنند، و نام خدا را در روزهایی معین [که برای قربانی اعلام شده] بر دام های زبان بسته ای که به آنان عطا کرده ذکر کنند، [چون قربانی کردید] از آن بخورید و تهیدست را نیز اطعام کنید. (۲۸)

ثُمَّ لْيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلْيُوفُوا نُذُورَهُمْ وَلْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ (٢٩)

سپس بایـد آلودگی های خود را [که در مـدت مُحرم بودن و قربانی کردن و سـر تراشـیدن بر بدن هایشان قرار گرفته] برطرف کنند و نذرهایشان را وفا نمایند و بر گرد خانه کهن طواف کنند. (۲۹)

ذَلِکَ وَمَن یُعَظِّمْ حُرُمَاتِ اللَّهِ فَهُوَ خَیْرٌ لَّهُ عِنـدَ رَبِّهِ وَأُحِلَّتْ لَکُمُ الْأَنْعَامُ إِلَّا مَا یُتْلَی عَلَیْکُمْ فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ (۳۰)

این است [آنچه به عنوان مناسک حـج قرار داده ایم] و هر کس مقرّرات خـدا را بزرگ شـمارد، برای او نزد پروردگارش بهتر است. و چهارپایان مگر آنچه [در آیات دیگر، حُرمتش] بر شـما خوانده می شود، برای شما حلال شده است؛ بنابراین از پلیدی بت ها و از گفتار باطل [چون دروغ، افترا، غیبت و شهادت ناحق] دوری گزینید. (۳۰)

ص: ۳۳۵

حُنَفَاءَ لِلَّهِ غَیْرَ مُشْرِکِینَ بِهِ وَمَن یُشْرِکْ بِاللَّهِ فَکَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخْطَفُهُ الطَّیْرُ أَوْ تَهْوِی بِهِ الرِّیحُ فِی مَکَانٍ سَحِیقٍ (۳۱)

در حالی که برای خدا حق گرا باشید [و در مناسک حج] به او شرک نورزید. و هر کس به خدا شرک ورزد، گویا چنان است که از آسمان سقوط کرده و پرندگان [شکاری] او را می ربایند، یا باد او را به جایی دور دست می اندازد. (۳۱)

ذَلِکَ وَمَن یُعَظِّمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِن تَقْوَی الْقُلُوبِ (۳۲)

این است [برنامه های حـج و حـدود و مقرّرات خدا] و هر کس شـعایر خدا را بزرگ شـمارد، بدون تردید این بزرگ شـمردن ناشی از تقوای دل هاست. (۳۲)

لَکُمْ فِیهَا مَنَافِعُ إِلَی أَجَلٍ مُّسَمًّی ثُمَّ مَحِلُّهَا إِلَی الْبَیْتِ الْعَتِیقِ (۳۳)

برای شـما در دام های قربانی تا زمانی معین سودهایی است [مانند سواری گرفتن و تغذیه از شـیر و گوشت آنها] سپس جایگاه [فرود آمدنشان برای قربانی] به سوی خانه کهن [یعنی خانه کعبه] است. (۳۳)

وَلِکُلِّ أُمَّهٍ جَعَلْنَا مَنسَکًا لِّیَذْکُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَی مَا رَزَقَهُم مِّن بَهِیمَهِ الْأَنْعَامِ فَإِلَهُکُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَلَهُ أَسْلِمُوا وَبَشِّرِ الْمُخْبِتِینَ (۳۴)

و برای هر امتی عبـادتی ویژه قرار داده ایم [که مشـتمل بر قربـانی است] تا نام خـدا را بر آنچه که از دام های زبان بسـته روزی آنـان نموده ایم [به هنگـام قربـانی] ذکر کننـد. پس [بدانیـد که] معبود شـما خـدای یکتـاست؛ بنابراین فقط تسـلیم او شویـد. و فرمانبرداران فروتن را [به لطف و رحمت خدا] مژده ده. (۳۴)

الَّذِینَ إِذَا ذُکِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَالصَّابِرِینَ عَلَی مَا أَصَابَهُمْ وَالْمُقِیمِی الصَّلَاهِ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ یُنفِقُونَ (۳۵)

همانان که وقتی خـدا یاد شود، دل هایشان می هراسد، و بر آنچه [از بلا و حادثه] به آنان می رسد، شـکیبایند و برپا دارندگان نمازند و از آنچه روزی آنان نمودیم، انفاق می کنند. (۳۵)

وَالْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُم مِّن شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافَّ فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبُهَا فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ كَذَلِكَ سَخَّرْنَاهَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۳۶)

شتران قربانی را برای شما از شعایر خدا قرار دادیم، برای شما در آنها سودی [مانند سواری گرفتن و تغذیه از شیر و گوشت آنها] ست؛ در حالی که به نظم در خط مستقیم ایستاده اند، نام خدا را [هنگام نحر کردنشان] بر آنها ذکر کنید، و زمانی که [بی جان] به پهلو در افتاده اند، از آنها بخورید و به تهیدستانی که اهل درخواست کردن نیستند و فقیرانی که اهل درخواست کردن هستند، بخورانید. این گونه آنها را برای شما رام و مسخّر کردیم تا سپاس گزاری کنید. (۳۶)

لَن يَنَالَ اللَّهَ لُحُومُهَا وَلَا دِمَاؤُهَا وَلَكِن يَنَالُهُ التَّقْوَى مِنكُمْ كَذَلِكَ سَخَّرَهَا لَكُمْ لِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ وَبَشِّرِ الْمُحْسِنِينَ (۳۷)

هرگز گوشت هایشان وخون هایشان به خدا نمی رسد، بلکه تقوای شما به او می رسد. این گونه آنها را برای شما رام و مسخّر کرد تا خدا را به [شکرانه] اینکه هدایتتان کرد به بزرگی یاد کنید؛ و نیکوکاران را [به لطف و رحمت خدا] مژده ده. (۳۷)

إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ (۳۸)

مسلماً خدا از مؤمنان دفاع می کند، قطعاً خدا هیچ خیانت کار ناسپاسی را دوست ندارد. (۳۸)

ص: ۳۳۶

أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظُلِمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَى نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ (۳۹)

به کسانی که [ستمکارانه] مورد جنگ و هجوم قرار می گیرند، چون به آنان ستم شده اذن جنگ داده شده، مسلماً خدا بر یاری دادن آنان تواناست. (۳۹)

الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِن دِيَارِهِم بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَن يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لَّهُدِّمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ (۴۰)

همانان که به ناحق از خانه هایشان اخراج شدند [و گناه و جرمی نداشتند] جز اینکه می گفتند: پروردگار ما خداست و اگر خدا برخی از مردم را به وسیله برخی دیگر دفع نمی کرد، همانا صومعه ها و کلیساها و کنیسه ها و مسجدهایی که در آنها بسیار نام خدا ذکر می شود به شدت ویران می شدند؛ و قطعاً خدا به کسانی که [دین] او را یاری می دهند یاری می رساند؛ مسلماً خدا نیرومند و توانای شکست ناپذیر است. (۴۰)

الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ (۴۱)

همانان که اگر آنان را در زمین قدرت و تمکّن دهیم، نماز را برپا می دارند، و زکات می پردازند، و مردم را به کارهای پسندیده وا می دارند و از کارهای زشت بازمی دارند؛ و عاقبت همه کارها فقط در اختیار خداست. (۴۱)

وَإِن يُكَذِّبُوکَ فَقَدْ کَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَثَمُودُ (۴۲)

و اگر تو را تکـذیب می کننـد [کار جدیـدی نیست] پیش از اینان قوم نوح و عاد و ثمود هم [پیامبرانشان را] تکـذیب کردنـد. (۴۲)

وَقَوْمُ إِبْرَاهِیمَ وَقَوْمُ لُوطٍ (۴۳)

و [نیز] قوم ابراهیم وقوم لوط، (۴۳)

وَأَصْحَابُ مَدْیَنَ وَکُذِّبَ مُوسَی فَأَمْلَیْتُ لِلْکَافِرِینَ ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ فَکَیْفَ کَانَ نَکِیرِ (۴۴)

و [هم چنین] اهل مـدین؛ و موسـی هم تکـذیب شد. پس کافران را مهلت دادم، سـپس آنان را [به عذابی سـخت] گرفتم، پس [بنگر که] کیفر و انتقام من [نسبت به آنان] چگونه بود؟ (۴۴)

فَکَأَیِّن مِّن قَرْیَهٍ أَهْلَکْنَاهَا وَهِیَ ظَالِمَهٌ فَهِیَ خَاوِیَهٌ عَلَی عُرُوشِهَا وَبِئْرٍ مُّعَطَّلَهٍ وَقَصْرٍ مَّشِیدٍ (۴۵)

و چه بسـیار شـهرها را در حالی که اهلش سـتمکار بودند، هلاک کردیم، پس [به سـبب نزول عذاب سـقف های خانه هایشان خراب شـده و دیوارهایشـان بر] سـقف هـا فرو ریخته است و [چه بسـیار] چـاه های پر آب [که به سـبب نابود شـدن مالکانش] متروک افتاده و کاخ ها و قصرهای برافراشته [ومحکمی که بی ساکن و بی صاحب مانده است.] (۴۵)

أَفَلَمْ یَسِیرُوا فِی الْأَرْضِ فَتَکُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ یَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ یَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَی الْأَبْصَارُ وَلَکِن تَعْمَی الْقُلُوبُ الَّتِی فِی الصُّدُورِ (۴۶)

آیـا در زمین گردش نکرده انـد تـا برای آنـان دل هـایی [بیـدار و بینـا] پیـدا شود که بـا آن بیندیشـند یـا گوش هایی که با آن [اندرزها را] بشنوند؟ حقیقت این است که دیده ها کور نیست بلکه دل هایی که در سینه هاست، کور است! (۴۶)

ص: ۳۳۷

وَیَسْتَعْجِلُونَکَ بِالْعَذَابِ وَلَن یُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَإِنَّ یَوْمًا عِندَ رَبِّکَ کَأَلْفِ سَنَهٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ (۴۷)

و آنان از تو [از روی مسـخره و ریشـخند] شتاب در عذاب را درخواست می کنند، در حالی که خدا هرگز از وعده اش تخلف نمی کنـد؛ و همانـا یک روز نزد پروردگارتماننـد هزار سال از سال هایی است که شـما می شـمارید [برای او زمان نزدیک، زمان دور، امروز، دیروز، گذشـته و آینده مفهومی ندارد؛ بنابراین فاصله زمانی شما با عذاب الهی شما را دچار این پندار نکند که تهدید به عذاب، تهدیدی طولانی و دروغ است.] (۴۷)

وَکَأَیِّن مِّن قَرْیَهٍ أَمْلَیْتُ لَهَا وَهِیَ ظَالِمَهٌ ثُمَّ أَخَذْتُهَا وَإِلَیَّ الْمَصِیرُ (۴۸)

و چه بسا شهرها که به [اهل] آنها در حالی که ستمکار بودند، مهلت دادم، سپس آنان را [به عذابی سخت] گرفتم؛ وبازگشت همه به سوی اوست. (۴۸)

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا أَنَا لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ (۴۹)

بگو: ای مردم! من برای شما فقط بیم دهنده ای آشکارم. (۴۹)

فَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُم مَّغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ (۵۰)

پس کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، آمرزش و رزقی نیکو برای آنهاست. (۵۰)

وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ (۵۱)

و کسانی که در [باطل کردن و بی اثر نمودن] آیات ما کوشیده اند، به گمان آنکه ما را عاجز کنند [تا از دسترس قدرت ما بیرون روند] اهل آتشِ افروخته اند. (۵۱)

وَمَا أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ مِن رَّسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّى أَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ فَيَنسَخُ اللَّهُ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ ثُمَّ يُحْكِمُ اللَّهُ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۵۲)

و پیش از تو هیچ رسول و پیامبری را نفرستادیم مگر آنکه هرگاه آرزو می کرد [اهداف پاک و سعادت بخش خود را برای نجات مردم از کفر و شرک پیاده کند] شیطان [برای بازداشتن مردم از پذیرش حق] در برابر آرزویش شبهه و وسوسه می انداخت، ولی خدا آنچه را شیطان [از وسوسه ها و شبهه ها می اندازد] می زداید و محو می کند، سپس آیاتش را محکم و استوار می سازد؛ و خدا دانا و حکیم است. (۵۲)

لِّيَجْعَلَ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ فِتْنَةً لِّلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَالْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ (۵۳)

[آزاد گذاشتن شبهه اندازی شیطان] برای این [است] که خدا آنچه را شیطان می اندازد برای آنان که در دل هایشان بیماری است و برای سنگدلان وسیله آزمایش قرار دهد؛ و قطعاً ستمکاران در دشمنی و ستیزی بسیار دور [نسبت به حق و حقیقت] قرار دارند. (۵۳)

وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِن رَّبِّكَ فَيُؤْمِنُوا بِهِ فَتُخْبِتَ لَهُ قُلُوبُهُمْ وَإِنَّ اللَّهَ لَهَادِ الَّذِينَ آمَنُوا إِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ (۵۴)

و [نیز برای این است] تا کسانی که دانش و آگاهی [دینی] به آنان عطا شده بدانند که [محو شدن و نابودی القائات شیطان و استوار شدن آیات] از سوی پروردگارت حق است، پس به آن ایمان آورند و دل هایشان برای آن رام و فروتن شود؛ و قطعاً خدا هدایت کننده اهل ایمان به سوی راهی راست است. (۵۴)

وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي مِرْيَةٍ مِّنْهُ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً أَوْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابُ يَوْمٍ عَقِيمٍ (۵۵)

و کافران همواره نسبت به آیات خدا در تردیدی سخت قرار دارند تا آنکه ناگهان قیامت بر آنان در رسد، یا عذاب روزی که روز دیگری به دنبال ندارد [بلکه ابدی است] به سراغشان آید. (۵۵)

الْمُلْکُ یَوْمَئِذٍ لِّلَّهِ یَحْکُمُ بَیْنَهُمْ فَالَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِی جَنَّاتِ النَّعِیمِ (۵۶)

آن روز، حاکمیّت و فرمانروایی ویژه خداست. میان آنان داوری می کند؛ پس کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، در بهشت های پر نعمت اند. (۵۶)

وَالَّذِینَ کَفَرُوا وَکَذَّبُوا بِآیَاتِنَا فَأُولَئِکَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِینٌ (۵۷)

و کسانی که کافر شده و آیات ما را تکذیب کرده اند، پس عذابی خوارکننده برای آنان است. (۵۷)

وَالَّذِینَ هَاجَرُوا فِی سَبِیلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوا أَوْ مَاتُوا لَیَرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ خَیْرُ الرَّازِقِینَ (۵۸)

و کسانی که در راه خدا هجرت کرده سپس کشته شده یا مرده اند، به یقین خدا رزقی نیکو به آنان می دهد؛ و قطعاً خدا بهترین روزی دهندگان است. (۵۸)

لَیُدْخِلَنَّهُم مُّدْخَلًا یَرْضَوْنَهُ وَإِنَّ اللَّهَ لَعَلِیمٌ حَلِیمٌ (۵۹)

مسلماً آنان را به جایگاهی که آن را می پسندند وارد می کند؛ و بی تردید خدا دانا و بردبار است. (۵۹)

ذَلِکَ وَمَنْ عَاقَبَ بِمِثْلِ مَا عُوقِبَ بِهِ ثُمَّ بُغِیَ عَلَیْهِ لَیَنصُرَنَّهُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٌ (۶۰)

[مطلب درباره مؤمن و کافر] همان است [که گفتیم]، و هر کس به مانند آنچه به آن عقوبت شده [متجاوز را] عقوبت کند، آن گاه به وی ستم شود، یقیناً خدا او را یاری می دهد؛ زیرا خدا باگذشت و بسیار آمرزنده است. (۶۰)

ذَلِکَ بِأَنَّ اللَّهَ یُولِجُ اللَّیْلَ فِی النَّهَارِ وَیُولِجُ النَّهَارَ فِی اللَّیْلِ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِیعٌ بَصِیرٌ (۶۱)

این [یاری ستمدیده بر ضد ستمکار] به سبب این است که خدا [دارای قدرت بی نهایت است و گوشه ای از قدرتش اینکه] همواره شب را در روز و روز را در شب درمی آورد؛ و به یقین خدا شنوا و بیناست. (۶۱)

ذَلِکَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا یَدْعُونَ مِن دُونِهِ هُوَ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِیُّ الْکَبِیرُ (۶۲)

این [قدرت بی نهایت او نسبت به امور آفرینش و نسبت به وضع و حال مردم] برای این است که فقط خدا حق است، و اینکه آنچه را جز او می پرستید، باطل است، و اینکه فقط خدا بلند مرتبه و بزرگ است. (۶۲)

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَّةً إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ (۶۳)

آیا ندانسته ای که خدا از آسمان آبی نازل می کند، در نتیجه زمین سرسبز و خرم می شود؛ به یقین خدا لطیف و آگاه است. (۶۳)

لَّهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (۶۴)

آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است، فقط در سیطره مالکیت و فرمانروایی اوست؛ و یقیناً خداست که خود بی نیاز و ستوده است. (۶۴)

ص: ۳۳۹

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي الْأَرْضِ وَالْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَيُمْسِكُ السَّمَاءَ أَن تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ (۶۵)

آیا ندانسته ای که خدا آنچه را در زمین است و [نیز] کشتی ها را که به فرمان او در دریا روانند، برای شما رام و مسخّر کرده است؟ و آسمان را نگه می دارد که بر زمین نیفتد مگر به اذن او؟ یقیناً خدا به همه مردم رؤوف و مهربان است. (۶۵)

وَهُوَ الَّذِي أَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ إِنَّ الْإِنسَانَ لَكَفُورٌ (۶۶)

و اوست که به شما حیات داد، سپس شما را می میراند، آن گاه شما را زنده می کند؛ به یقین که انسان بسیار ناسپاس است. (۶۶)

لِّكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنسَكًا هُمْ نَاسِكُوهُ فَلَا يُنَازِعُنَّكَ فِي الْأَمْرِ وَادْعُ إِلَى رَبِّكَ إِنَّكَ لَعَلَى هُدًى مُّسْتَقِيمٍ (۶۷)

برای هر امتی عبادتی ویژه قرار داده ایم که آن را انجام می دهند؛ پس نباید در این امر با تو ستیز و نزاع کنند. و به سوی پروردگارت دعوت کن که بی تردید تو بر راهی راست قرار داری. (۶۷)

وَإِن جَادَلُوكَ فَقُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ (۶۸)

و اگر با تو [با اصرار بر یک اعتقاد بی پایه برخورد خصمانه کنند و] مجادله ستیزآمیز نمایند، بگو: خدا به آنچه انجام می دهید، داناتر است. (۶۸)

اللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ (۶۹)

خدا روز قیامت درباره آنچه با یکدیگر در آن اختلاف می کردید، داوری خواهد کرد [تا مؤمنان با ورود به بهشت و ستیزه جویان با ورود به دوزخ از هم مشخص و جدا شوند.] (۶۹)

أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّ ذَلِكَ فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ (۷۰)

آیا ندانسته ای که خدا آنچه را در آسمان و زمین است، می داند؟ مسلماً [همه] این [اعمالی که انجام می دهید] در کتابی [چون لوح محفوظ، ثبت] است [و] بی تردید [ثبت در آن کتاب] بر خدا آسان است. (۷۰)

وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَمَا لَيْسَ لَهُم بِهِ عِلْمٌ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِن نَّصِيرٍ (۷۱)

و [مشرکان] به جای خدا معبودانی را می پرستند که خدا هیچ دلیل و برهانی [نسبت] به [حق بودن] آنها نازل نکرده است؛ و معبودانی را می پرستند که به آن دانشی [برای استدلال بر ربوبیّت آنها] ندارند و ستمکاران را [در قیامت] هیچ یاوری نیست. (۷۱)

وَإِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِ الَّذِينَ كَفَرُوا الْمُنكَرَ يَكَادُونَ يَسْطُونَ بِالَّذِينَ يَتْلُونَ عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا قُلْ أَفَأُنَبِّئُكُم بِشَرٍّ مِّن ذَلِكُمُ النَّارُ وَعَدَهَا اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (۷۲)

و هنگامی که آیات روشن ما را بر آنان می خوانند در چهره های کسانی که کافرند [اثرِ] انکار [و خشم] را می شناسی، آن چنان که نزدیک است [از شدت خشم] به کسانی که آیات ما را بر آنان می خوانند، بتازند، بگو: آیا شما را به بدتر از این [خشم و ناگواری که از شنیدن قرآن به شما دست می دهد] خبر دهم [آن] آتشِ [دوزخ] است که خدا آن را به کافران وعده داده است، و بد بازگشت گاهی است. (۷۲)

ص: ۳۴۰

يَا أَيُّهَا النَّاسُ ضُرِبَ مَثَلٌ فَاسْتَمِعُوا لَهُ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ لَن يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَلَوِ اجْتَمَعُوا لَهُ وَإِن يَسْلُبْهُمُ الذُّبَابُ شَيْئًا لَّا يَسْتَنقِذُوهُ مِنْهُ ضَعُفَ الطَّالِبُ وَالْمَطْلُوبُ (۷۳)

ای مردم! [برای شما و معبودانتان] مَثَلی زده شده است؛ پس به آن گوش فرا دهید، یقیناً کسانی که به جای خدا می پرستید، هرگز نمی توانند مگسی بیافرینند اگر چه برای آفریدن آن گرد آیند و اگر مگس، چیزی را از آنان برباید، نمی توانند آن را از او بازگیرند، هم پرستش کنندگان و هم معبودان ناتوانند. (۷۳)

مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ (۷۴)

خدا را آن گونه که سزاوار اوست نشناختند، بی تردید خدا نیرومند و توانای شکست ناپذیر است. (۷۴)

اللَّهُ يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ (۷۵)

خدا از میان فرشتگان و از میان مردم رسولانی [برای هدایت مردم] برمی گزینند [تا فرشتگان وحی را دریافت کنند و به پیامبران برسانند و پیامبران هم وحی را پس از دریافت از فرشتگان به مردم ابلاغ کنند]؛ یقیناً خدا شنوا و بیناست. (۷۵)

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ (٧۶)

همه اعمال و احوال گذشته [رسولان چه فرشته و چه بشر] و [همه اعمال و احوال] آینده آنان را می داند؛ و همه کارها به خدا بازگردانده می شود. (٧۶)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (٧٧)

ای اهل ایمان! رکوع به جا آورید و سجده نمایید و پروردگارتان را عبادت کنید و کار نیک انجام دهید تا رستگار شوید. (٧٧)

وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِّلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِن قَبْلُ وَفِي هَٰذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ (٧٨)

و در راه خدا چنان که شایسته جهاد است، جهاد کنید؛ او شما را برگزید و بر شما در دین هیچ مشقت و سختی قرار نداد. [در دینتان گشایش و آسانی قرار داد مانند گشایش و آسانیِ] آیین پدرتان ابراهیم، او شما را پیش از این «مسلمان» نامید و در این [قرآن هم به همین عنوان نامگذاری شده اید] تا پیامبر گواه بر شما باشد و شما هم گواه بر مردم باشید؛ پس نماز را برپا دارید و زکات را بپردازید و به خدا تمسّک جویید. او سرپرست و یاور شماست؛ چه خوب سرپرست و یاوری و چه نیکو یاری دهنده ای است. (٧٨)

ص: ٣۴١

جزء ١٨

سوره المؤمنون

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ (١)

بی تردید مؤمنان رستگار شدند. (١)

الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ (٢)

آنان که در نمازشان [به ظاهر] فروتن [و به باطن با حضور قلب] اند. (٢)

وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ (٣)

و آنان که از [هر گفتار و کردارِ] بیهوده و بی فایده روی گردانند، (٣)

وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ (۴)

و آنان که پرداخت کننده زکات اند، (۴)

وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ (۵)

و آنان که نگه دارنده دامنشان [از شهوت های حرام] اند، (۵)

إِلَّا عَلَى أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ (۶)

مگر در [کام جویی از] همسران یا کنیزانشان، که آنان [در این زمینه] مورد سرزنش نیستند. (۶)

فَمَنِ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ (۷)

پس کسانی [که در بهره گیری جنسی، راهی] غیر از این جویند، تجاوزکار [از حدود حق] هستند. (۷)

وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ (۸)

و آنان که امانت ها و پیمان های خود را رعایت می کنند، (۸)

وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ (۹)

و آنان که همواره بر [اوقات و شرایط ظاهری و معنوی] نمازهایشان محافظت دارند. (۹)

أُولَئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ (۱۰)

اینانند که وارثان اند، (۱۰)

الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۱۱)

وارثانی که [از روی شایستگی] بهشت فردوس را به میراث می برند [و] در آن جاودانه اند. (۱۱)

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَانَ مِن سُلَالَةٍ مِّن طِينٍ (۱۲)

و یقیناً ما انسان را از [عصاره و] چکیده ای از گِل آفریدیم، (۱۲)

ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ (۱۳)

سپس آن را نطفه ای در قرارگاهی استوار [چون رحم مادر] قرار دادیم. (۱۳)

ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَهَ عَلَقَهً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَهَ مُضْغَهً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَهَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ (۱۴)

آن گاه آن نطفه را علقه گرداندیم، پس آن علقه را به صورت پاره گوشتی درآوردیم، پس آن پاره گوشت را استخوان هایی ساختیم و بر استخوان ها گوشت پوشاندیم، سپس او را با آفرینشی دیگر پدید آوردیم؛ پس همیشه سودمند و بابرکت است خدا که نیکوترین آفرینندگان است. (۱۴)

ثُمَّ إِنَّكُم بَعْدَ ذَلِكَ لَمَيِّتُونَ (۱۵)

سپس همه شما بعد از این می میرید. (۱۵)

ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَهِ تُبْعَثُونَ (۱۶)

آن گاه شما مسلماً روز قیامت برانگیخته می شوید. (۱۶)

وَلَقَدْ خَلَقْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرَائِقَ وَمَا كُنَّا عَنِ الْخَلْقِ غَافِلِينَ (۱۷)

و بی تردید بالای سرتان هفت آسمان [که هر یک بر فراز دیگری است] آفریدیم، و ما از آفریده ها بی خبر نیستیم. (۱۷)

ص: ۳۴۲

وَأَنزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَسْكَنَّاهُ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّا عَلَى ذَهَابٍ بِهِ لَقَادِرُونَ (۱۸)

و از آسمان، آبی به اندازه نازل کردیم و آن را در زمین جای دادیم؛ و بی تردید به از بین بردن آن کاملاً توانمندیم. (۱۸)

فَأَنشَأْنَا لَكُم بِهِ جَنَّاتٍ مِّن نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ لَّكُمْ فِيهَا فَوَاكِهُ كَثِيرَهٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ (۱۹)

پس به وسیله آن برای شما باغ هایی از درختان خرما و انگور پدید آوردیم که برای شما در آنها میوه های فراوانی است [که از فروش آنها زندگی خود را اداره می کنید] و [نیز] از آنها می خورید. (۱۹)

وَشَجَرَهً تَخْرُجُ مِن طُورِ سَيْنَاءَ تَنبُتُ بِالدُّهْنِ وَصِبْغٍ لِّلْآكِلِينَ (۲۰)

و [به وسیله آن] درختی را که از طور سینا بیرون می آید [پدید آوردیم] که برای خورندگان، روغن و نان خورشی می رویاند. (۲۰)

وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَهً نُّسْقِيكُم مِّمَّا فِي بُطُونِهَا وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ كَثِيرَهٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ (۲۱)

و به یقین برای شما در دام ها عبرتی است، از شیری که در شکم آنهاست به شما می نوشانیم، و در آنها برای شما سودهای

فراوانی است، و از [گوشت] آنها [نیز] می خورید. (۲۱)

وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ (۲۲)

و بر آنها و بر کشتی ها حمل می شوید؛ (۲۲)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ (۲۳)

و همانا نوح را به سوی قومش فرستادیم. پس گفت: ای قوم من! خدا را بپرستید که معبودی جز او برای شما نیست، پس آیا [از پرستش معبودان باطل] نمی پرهیزید؟ (۲۳)

فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن قَوْمِهِ مَا هَـٰذَا إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُرِيدُ أَن يَتَفَضَّلَ عَلَيْكُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَنزَلَ مَلَائِكَةً مَّا سَمِعْنَا بِهَـٰذَا فِي آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ (۲۴)

پس سران و اشراف قومش که کافر بودند، گفتند: این جز بشری مانند شما نیست که می خواهد بر شما برتری جوید، و اگر خدا می خواست [پیامبری بفرستد] قطعاً فرشتگانی [را به پیامبری] می فرستاد، ما این [سخنانی] را [که نوح می گوید] میان پدران پیشین خود نشنیده ایم. (۲۴)

إِنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ بِهِ جِنَّةٌ فَتَرَبَّصُوا بِهِ حَتَّى حِينٍ (۲۵)

او نیست جز مردی که [نوعی] دیوانگی در اوست؛ بنابراین نسبت به او تا مدتی منتظر بمانید [که بمیرد یا از دیوانگی رهایی یابد.] (۲۵)

قَالَ رَبِّ انصُرْنِي بِمَا كَذَّبُونِ (۲۶)

[نوح] گفت: پروردگارا! مرا در برابر تکذیب آنان یاری ده. (۲۶)

فَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ أَنِ اصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا فَإِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ فَاسْلُكْ فِيهَا مِن كُلٍّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَن سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ مِنْهُمْ وَلَا تُخَاطِبْنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُم مُّغْرَقُونَ (۲۷)

پس به او وحی کردیم که زیر نظر ما و پیام ما کشتی بساز و هنگامی که فرمان ما به هلاکت آنان بیاید و آن تنور [از آب] فوران کند از هر گونه ای [از حیوان] دو عدد [یکی نر و دیگری ماده] و نیز خانواده ات را وارد کشتی کن، جز افرادی از آنان که فرمان [عذاب] بر او گذشته [و درباره او قطعی شده] است، و درباره کسانی که [به سبب شرک و کفر] ستم ورزیده اند، با من سخن مگوی، زیرا [همه] آنان بدون تردید غرق شدنی اند. (۲۷)

فَإِذَا اسْتَوَيْتَ أَنتَ وَمَن مَّعَكَ عَلَى الْفُلْكِ فَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی نَجَّانَا مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (۲۸)

پس هنگامی که تو و آنان که با تو هستند، بر کشتی سوار شدید، به خاطر این نعمت بگو: همه ستایش ها ویژه خداست که ما را از این گروه ستم پیشه نجات داد. (۲۸)

وَقُل رَّبِّ أَنزِلْنِی مُنزَلًا مُّبَارَكًا وَأَنتَ خَيْرُ الْمُنزِلِينَ (۲۹)

و بگو: پروردگارا! مرا در جایگاهی پرخیر و برکت فرود آور، که تو بهترین فرودآورندگانی. (۲۹)

إِنَّ فِی ذَلِکَ لَآيَاتٍ وَإِن كُنَّا لَمُبْتَلِينَ (۳۰)

همانا در این [سرگذشت] نشانه هایی [از قدرت، رحمت و انتقام خدا] برای عبرت گیرندگان است؛ و یقیناً ما آزمایش کننده بندگانیم. (۳۰)

ثُمَّ أَنشَأْنَا مِن بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ (۳۱)

سپس بعد از آنان قومی دیگر را به وجود آوردیم. (۳۱)

فَأَرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْهُمْ أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ (۳۲)

و پیامبری از خودشان در میان آنان فرستادیم که خدا را بپرستید، شما را جز او معبودی نیست، آیا [از پرستش معبودان باطل] نمی پرهیزید؟ (۳۲)

وَقَالَ الْمَلَأُ مِن قَوْمِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِلِقَاءِ الْآخِرَهِ وَأَتْرَفْنَاهُمْ فِی الْحَيَاهِ الدُّنْيَا مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ وَيَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُونَ (۳۳)

و از سران و اشراف قومش که کافر بودند و دیدار آخرت را تکذیب می کردند، و آنان را در زندگی دنیا از وسایل و ابزار مادی فراوانی برخوردار کرده بودیم، گفتند: این جز بشری مانند شما نیست که از آنچه شما می خورید می خورد، و از آنچه شما می آشامید می آشامد. (۳۳)

وَلَئِنْ أَطَعْتُم بَشَرًا مِّثْلَكُمْ إِنَّكُمْ إِذًا لَّخَاسِرُونَ (۳۴)

و بی تردید اگر بشری مانند خود را اطاعت کنید، یقیناً زیانکارید. (۳۴)

أَيَعِدُكُمْ أَنَّكُمْ إِذَا مِتُّمْ وَكُنتُمْ تُرَابًا وَعِظَامًا أَنَّكُم مُّخْرَجُونَ (۳۵)

آیا به شما وعده می دهد هنگامی که از دنیا رفتید و خاک و استخوان شدید [زنده از گور] بیرونتان می آورند؟ (۳۵)

هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ لِمَا تُوعَدُونَ (۳۶)

[از عقل ما] دور است و بسیار دور است آنچه به شما وعده می دهند، (۳۶)

إِنْ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ (۳۷)

جز این زندگی دنیای ما [زندگی دیگری] وجود ندارد، همواره [گروهی] می میریم و [گروهی دیگر] به دنیا می آییم، و ما پس از مرگ برانگیخته نخواهیم شد. (۳۷)

إِنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا وَمَا نَحْنُ لَهُ بِمُؤْمِنِينَ (۳۸)

او نیست مگر مردی که بر خدا افترا بسته است؛ و ما باور کننده او نیستیم. (۳۸)

قَالَ رَبِّ انصُرْنِي بِمَا كَذَّبُونِ (۳۹)

گفت: پروردگارا! مرا در برابر تکذیب آنان یاری ده. (۳۹)

قَالَ عَمَّا قَلِيلٍ لَّيُصْبِحُنَّ نَادِمِينَ (۴۰)

خدا فرمود: همانا پس از اندک زمانی پشیمان می شوند. (۴۰)

فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ بِالْحَقِّ فَجَعَلْنَاهُمْ غُثَاءً فَبُعْدًا لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (۴۱)

پس فریاد مرگبار [عذاب] آنان را بر [پایه وعده به] حقِّ [ما] فرو گرفت، و آنان را چون خاشاک روی سیل قرار دادیم؛ پس قوم ستمکار [از رحمت خدا] دور باد. (۴۱)

ثُمَّ أَنشَأْنَا مِن بَعْدِهِمْ قُرُونًا آخَرِينَ (۴۲)

سپس بعد از آنان قومی دیگر را به وجود آوردیم. (۴۲)

ص: ۳۴۴

مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسْتَأْخِرُونَ (۴۳)

هیچ امتی از اجلِ [معینِ] خود نه پیش می افتد و نه پس می ماند. (۴۳)

ثُمَّ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرَى كُلَّ مَا جَاءَ أُمَّةً رَّسُولُهَا كَذَّبُوهُ فَأَتْبَعْنَا بَعْضَهُم بَعْضًا وَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ فَبُعْدًا لِّقَوْمٍ لَّا يُؤْمِنُونَ (۴۴)

آن گاه پیامبران را پی در پی فرستادیم؛ هر زمان برای امتی پیامبرش می آمد او را تکذیب می کردند، و ما این [امت] ها را به

دنبال یکدیگر هلاک می کردیم و آنان را [به صورت] سرگذشت ها [برای عبرت دیگران] قرار دادیم؛ پس ملتی که ایمان نمی آورند از رحمت خدا دور باد. (۴۴)

ثُمَّ أَرْسَلْنَا مُوسَى وَأَخَاهُ هَارُونَ بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُّبِينٍ (۴۵)

سپس موسی و برادرش هارون را با معجزات و آیات خود و دلیلی روشن فرستادیم، (۴۵)

إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا عَالِينَ (۴۶)

به سوی فرعون و سران و اشراف قومش، پس تکبّر ورزیدند؛ و آنان قومی برتری جو بودند. (۴۶)

فَقَالُوا أَنُؤْمِنُ لِبَشَرَيْنِ مِثْلِنَا وَقَوْمُهُمَا لَنَا عَابِدُونَ (۴۷)

و گفتند: آیا به دو بشری که مانند خودمان هستند ایمان بیاوریم در حالی که قوم [و قبیله] آن دو بردگان ما هستند؟ (۴۷)

فَكَذَّبُوهُمَا فَكَانُوا مِنَ الْمُهْلَكِينَ (۴۸)

در نتیجه هر دو را تکذیب کردند و از هلاک شدگان شدند. (۴۸)

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ (۴۹)

همانا ما به موسی کتاب دادیم، تا آنان هدایت شوند. (۴۹)

وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ آيَةً وَآوَيْنَاهُمَا إِلَى رَبْوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ وَمَعِينٍ (۵۰)

و پسر مریم و مادرش را نشانه [قدرت و رحمت خود] قرار دادیم و آن دو را در سرزمینی بلند که [دارای] جایگاهی مستقر [و امن] و آبی روان بود، جای دادیم. (۵۰)

يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ (۵۱)

ای پیامبران! از خوردنی های پاکیزه بخورید و کار شایسته انجام دهید؛ مسلماً من به آنچه انجام می دهید، دانایم. (۵۱)

وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ (۵۲)

و بی تردید این [اسلام] آیینِ [حقیقی] شماست در حالی که آیینی یگانه است، و من پروردگار شمایم؛ بنابراین از من پروا کنید. (۵۲)

فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُم بَيْنَهُمْ زُبُرًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ (۵۳)

پس کـار [آیین] خود را میان خویش قطعه قطعه کردنـد [و گروه گروه شدنـد]، در حالی که هر گروهی به آن [آیینی] که نزد آنان است خوشحال و شادمانند [که آیینشان بر حق است.] (۵۳)

فَذَرْهُمْ فِي غَمْرَتِهِمْ حَتَّى حِينٍ (۵۴)

پس آنان را در غرقاب گمراهی و جهالتشان تا هنگامی [که مرگشان فرا رسد] واگذار. (۵۴)

أَيَحْسَبُونَ أَنَّمَا نُمِدُّهُم بِهِ مِن مَّالٍ وَبَنِينَ (۵۵)

آیا گمان می کنند افزونی و گسترشی که به سبب مال و اولاد به آنان می دهیم، (۵۵)

نُسَارِعُ لَهُمْ فِي الْخَيْرَاتِ بَل لَّا يَشْعُرُونَ (۵۶)

در حقیقت می خواهیم در عطا کردن خیرات به آنـان شـتاب ورزیم؟ [چنین نیست] بلکه [آنـان] درک نمی کننـد [که مـا می خواهیم با افزونی مال و اولاد، در تفرقه، طغیان، گمراهی و تیره بختی بیشتری فرو روند.] (۵۶)

إِنَّ الَّذِينَ هُم مِّنْ خَشْيَةِ رَبِّهِم مُّشْفِقُونَ (۵۷)

یقیناً آنان که از بیم پروردگارشان هراسان و نگرانند، (۵۷)

وَالَّذِينَ هُم بِآيَاتِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ (۵۸)

و آنان که به آیات پروردگارشان ایمان می آورند. (۵۸)

وَالَّذِينَ هُم بِرَبِّهِمْ لَا يُشْرِكُونَ (۵۹)

و آنان که به پروردگارشان شرک نمی ورزند. (۵۹)

ص: ۳۴۵

وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوا وَّقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَى رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ (۶۰)

و آنـان کـه آنچـه را [از زکـات و دیگر انفاقـات در راه خـدا] می پردازنـد، و در حـالی کـه دل هایشـان از اینکـه بـه سـوی پروردگارشان [برای محاسبه دقیق] باز می گردند، ترسان است. (۶۰)

أُولَئِكَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ (۶۱)

اینانند که در کارهای خیر می شتابند، و در [انجام دادن] آن [از دیگران] پیشی می گیرند. (۶۱)

وَلَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَلَدَيْنَا كِتَابٌ يَنطِقُ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (۶۲)

و هیچ کس را جز به اندازه گنجایش و توانش تکلیف نمی کنیم، و نزد ما کتابی [چون لوح محفوظ] است که [درباره همه امور آفرینش و نسبت به اعمال بندگان] به درستی و راستی سخن می گوید، و آنان [در پاداش و کیفر] مورد ستم قرار نمی گیرند. (۶۲)

بَلْ قُلُوبُهُمْ فِي غَمْرَةٍ مِّنْ هَذَا وَلَهُمْ أَعْمَالٌ مِّن دُونِ ذَلِكَ هُمْ لَهَا عَامِلُونَ (۶۳)

[چنین نیست که کافران تکلیف را بیش از اندازه گنجایش و توان خود حس کنند] بلکه دل هایشان از این [حقیقت] در بی خبری عمیقی است، و برای آنان غیر از این [بی خبری] اعمالی [زشت و ناپسند] است که همواره آنها را انجام می دهند، (۶۳)

حَتَّى إِذَا أَخَذْنَا مُتْرَفِيهِم بِالْعَذَابِ إِذَا هُمْ يَجْأَرُونَ (۶۴)

تا زمانی که عیّاشان و مرفّهان آنان را به عذاب بگیریم، ناگهان فریاد و ناله سر دهند و [به آوای بلند] استغاثه کنند. .... (۶۴)

لَا تَجْأَرُوا الْيَوْمَ إِنَّكُم مِّنَّا لَا تُنصَرُونَ (۶۵)

[به آنان گویند:] امروز فریاد و ناله سر ندهید؛ زیرا شما از سوی ما یاری نخواهید شد. .... (۶۵)

قَدْ كَانَتْ آيَاتِي تُتْلَى عَلَيْكُمْ فَكُنتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ تَنكِصُونَ (۶۶)

همانا آیات من را بر شما می خواندند وشما به پشت سرتان به قهقرا برمی گشتید [تا آن را نشنوید!] (۶۶)

مُسْتَكْبِرِينَ بِهِ سَامِرًا تَهْجُرُونَ (۶۷)

در حالی که به آن تکبر می ورزیدید [و در بزم] شبانه [خود درباره آن] هذیان می گفتید [و سخنان نامعقول به زبان می آوردید.] .... (۶۷)

أَفَلَمْ يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ أَمْ جَاءَهُم مَّا لَمْ يَأْتِ آبَاءَهُمُ الْأَوَّلِينَ (۶۸)

آیا در این سخن [که وحی خداست] نیندیشیدند؟ یا مگر [برای اولین بار] کتابی برای آنان آمده است که برای پدران پیشین آنان نیامده بود؟ .... (۶۸)

أَمْ لَمْ يَعْرِفُوا رَسُولَهُمْ فَهُمْ لَهُ مُنكِرُونَ (۶۹)

یا مگر پیامبرشان را [از لحاظ حسب، نسب، درستی، امانت، اخلاق و کرامت] نشناخته اند که منکر او هستند؟ .... (۶۹)

أَمْ يَقُولُونَ بِهِ جِنَّةٌ بَلْ جَاءَهُم بِالْحَقِّ وَأَكْثَرُهُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ (۷۰)

یـا می گوینـد: نـوعی دیوانگی در اوست؟ [چنین نیست که این یـاوه گویـان به هم می بافنـد] بلکه او حق را برای آنـان آورده است، و بیشترشان حق را خوش ندارند، (۷۰)

وَلَوِ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَن فِيهِنَّ بَلْ أَتَيْنَاهُم بِذِكْرِهِمْ فَهُمْ عَن ذِكْرِهِم مُّعْرِضُونَ (۷۱)

و اگر حق از هواهای نفس آنان پیروی می کرد، بی تردید آسـمان ها و زمین و هر که در آنهاست از هم می پاشید [و تباه می شـد؛ چنین نیست که حق از هواهای نفس آنان پیروی کند] بلکه کتاب [ی را که مایه شـرف و سـربلندی] آنان [است] به آنان داده ایم، ولی آنان از مایه شرف و سربلندی خود روی گردانند.، (۷۱)

أَمْ تَسْأَلُهُمْ خَرْجًا فَخَرَاجُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ (۷۲)

یـا [مگر برای ادای وظیفه ات] مزدی از آنان می خواهی [که پـذیرش دعوتت برای آنان سـنگین است؟] پس مزد پروردگارت بهتر است، و او بهترین روزی دهندگان است، (۷۲)

وَإِنَّكَ لَتَدْعُوهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ (۷۳)

و مسلماً تو آنان را به راهی راست دعوت می کنی، (۷۳)

وَإِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنَاكِبُونَ (۷۴)

و بی تردید کسانی که به آخرت ایمان نمی آورند از [این] راه منحرف اند. .... (۷۴)

ص: ۳۴۶

وَلَوْ رَحِمْنَاهُمْ وَكَشَفْنَا مَا بِهِم مِّن ضُرٍّ لَّلَجُّوا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ (۷۵)

و اگر به آنـان رحم کنیم و آسـیب و گزنـدی را که دچـار آن هسـتند [از آنـان] برطرف سـازیم، باز هم سـرگردان و متحیر در سرکشی و طغیانشان لجاجت می ورزند. (۷۵)

وَلَقَدْ أَخَذْنَاهُم بِالْعَذَابِ فَمَا اسْتَكَانُوا لِرَبِّهِمْ وَمَا يَتَضَرَّعُونَ (۷۶)

همانا ما آنان را به بلاها و آسیب ها [ی دنیایی] گرفتیم، ولی نه برای پروردگارشان فروتنی کردند و نه به پیشگاهش زاری می کنند، (۷۶)

حَتَّى إِذَا فَتَحْنَا عَلَيْهِم بَابًا ذَا عَذَابٍ شَدِيدٍ إِذَا هُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ (۷۷)

تا هنگامی که دری از عذابی سخت به روی آنان بگشاییم، ناگهان در آن حال از همه چیز مأیوس و نومید می شوند؛ (۷۷)

وَهُوَ الَّذِی أَنشَأَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَهَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ (۷۸)

و اوست كه برای شما گوش و ديده و دل پديد آورد، ولی اندكی سپاس گزاری می كنيد، (۷۸)

وَهُوَ الَّذِی ذَرَأَكُمْ فِی الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (۷۹)

و اوست كه شما را در زمين آفريد و عاقبت به سوی او گردآوری می شويد، (۷۹)

وَهُوَ الَّذِی يُحْيِی وَيُمِيتُ وَلَهُ اخْتِلَافُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۸۰)

و اوست كه حيات می دهد و می ميراند و رفت و آمد شب و روز در سيطره خواست اوست، آيا نمی انديشيد؟ (۸۰)

بَلْ قَالُوا مِثْلَ مَا قَالَ الْأَوَّلُونَ (۸۱)

[نه اينكه نمی انديشند] بلكه مانند همان [سخنان ياوه و بی منطق] را گفتند كه پيشينيان گفتند، (۸۱)

قَالُوا أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ (۸۲)

گفتند: [كه] آيا زمانی كه بميريم و خاك و استخوان شويم حتماً برانگيخته می شويم؟ (۸۲)

لَقَدْ وُعِدْنَا نَحْنُ وَآبَاؤُنَا هَذَا مِن قَبْلُ إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (۸۳)

همانا اين [برانگيخته شدن] را پيش از اين به ما و پدرانمان وعده دادند [ولی] اين جز افسانه خرافی پيشينيان نيست؛ (۸۳)

قُل لِّمَنِ الْأَرْضُ وَمَن فِيهَا إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ (۸۴)

بگو: اگر معرفت و شناخت داريد، بگوييد: زمين و هر كه در آن است از كيست؟ (۸۴)

سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (۸۵)

خواهند گفت: از خداست. بگو: با اين حال آيا متذكّر نمی شويد؟ (۸۵)

قُلْ مَن رَّبُّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ (۸۶)

بگو: مالك آسمان های هفتگانه و پروردگار عرش بزرگ كيست؟ (۸۶)

سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ (۸۷)

خواهند گفت: [آنها هم] در سيطره مالكيّت خداست. بگو: آيا [از پرستش بتان] نمی پرهيزيد؟ (۸۷)

قُلْ مَن بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْهِ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ (٨٨)

بگو: اگر معرفت و شناخت دارید [بگویید:] کیست که [حاکمیّت مطلق و] فرمانروایی همه چیز به دست اوست و او پناه دهد و برخلاف خواسته اش به کسی [از عذاب] پناه داده نمی شود. (٨٨)

سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ فَأَنَّى تُسْحَرُونَ (٨٩)

خواهند گفت: [این ویژگی ها] فقط برای خداست. بگو: پس چگونه [بازیچه] نیرنگ و افسون می شوید [و از راه خدا منحرفتان می کنند؟!] (٨٩)

بَلْ أَتَيْنَاهُم بِالْحَقِّ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ (٩٠)

چنین نیست [که آنان می گویند] بلکه ما حق را برای آنان آورده ایم، و بی تردید آنان دروغگویند. (٩٠)

مَا اتَّخَذَ اللَّهُ مِن وَلَدٍ وَمَا كَانَ مَعَهُ مِنْ إِلَهٍ إِذًا لَّذَهَبَ كُلُّ إِلَهٍ بِمَا خَلَقَ وَلَعَلَا بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يَصِفُونَ (٩١)

خدا هیچ فرزندی برای خود نگرفته است، و هیچ معبودی با او نیست؛ [اگر جز خدا معبودی بود] در این صورت هر معبودی [برای آنکه به تنهایی و مستقل تدبیر امور کند] آفریده های خود را با خود می برد [و از مدار تصرف دیگر معبودان خارج می کرد] و بر یکدیگر برتری می جستند. منزّه و پاک است خدا از آنچه [او را به آن] وصف می کنند. (٩١)

عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ (٩٢)

[همان] دانای نهان و آشکار؛ پس او از آنچه برایش شریک می گیرند، برتر است. (٩٢)

قُل رَّبِّ إِمَّا تُرِيَنِّي مَا يُوعَدُونَ (٩٣)

بگو: پروردگارا! اگر آن [عذابی] را که به آنان وعده می دهند، به من بنمایانی؛ (٩٣)

رَبِّ فَلَا تَجْعَلْنِي فِي الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (٩۴)

پس پروردگارا! مرا در میان گروه ستمکاران قرار مده [و با آنان قرین عذاب مکن.] (٩۴)

وَإِنَّا عَلَى أَن نُّرِيَكَ مَا نَعِدُهُمْ لَقَادِرُونَ (٩۵)

و به یقین ما تواناییم آن عذابی که به آنان وعده می دهیم به تو بنمایانیم. (٩۵)

ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةَ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَصِفُونَ (۹۶)

بدی را با بهترین شیوه دفع کن؛ ما به آنچه که [مشرکان به ناحق ما را به آن] وصف می کنند، داناتریم. (۹۶)

وَقُل رَّبِّ أَعُوذُ بِکَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ (۹۷)

و بگو: پروردگارا! از وسوسه های شیطان ها به تو پناه می آورم، (۹۷)

وَأَعُوذُ بِکَ رَبِّ أَن يَحْضُرُونِ (۹۸)

و پروردگارا! به تو پناه می آورم از اینکه [شیطان ها] نزد من حاضر شوند. (۹۸)

حَتَّى إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ (۹۹)

[دشمنان حق از دشمنی خود باز نمی ایستند] تا زمانی که یکی از آنان را مرگ در رسد، می گوید: پروردگارا! مرا [برای جبران گناهان و تقصیرهایی که از من سر زده به دنیا] بازگردان؛ (۹۹)

لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِن وَرَائِهِم بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ (۱۰۰)

امید است در [برابر] آنچه [از عمر، مال و ثروت در دنیا] واگذاشته ام کار شایسته ای انجام دهم. [به او می گویند:] این چنین نیست [که می گویی] بدون تردید این سخنی بی فایده است که او گوینده آن است، و پیش رویشان برزخی است تا روزی که برانگیخته می شوند. (۱۰۰)

فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ (۱۰۱)

پس هنگامی که در صور دمیده شود، در آن روز نه میانشان خویشاوندی و نسبی وجود خواهد داشت و نه از اوضاع و احوال یکدیگر می پرسند؛ (۱۰۱)

فَمَن ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۱۰۲)

پس کسانی که اعمال وزن شده آنان سنگین [و باارزش] است، همانانند که رستگارند. (۱۰۲)

وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِکَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ (۱۰۳)

و کسانی که اعمال وزن شده آنان سبک [و بی ارزش] است، همانانند که سرمایه وجودشان را از دست داده و در دوزخ جاودانه اند. (۱۰۳)

تَلْفَحُ وُجُوهَهُمُ النَّارُ وَهُمْ فِيهَا كَالِحُونَ (۱۰۴)

آتش [همواره] صورت هایشان را می سوزاند، و آنان در آنجا [از شدت سوختگی] زشت رویانی بد منظرند! (۱۰۴)

ص: ۳۴۸

أَلَمْ تَكُنْ آيَاتِي تُتْلَى عَلَيْكُمْ فَكُنتُم بِهَا تُكَذِّبُونَ (۱۰۵)

[خدا به آنان می گوید:] آیا آیات من بر شما خوانده نمی شد و شما [همواره] آنها را تکذیب می کردید؟ (۱۰۵)

قَالُوا رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَكُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ (۱۰۶)

می گویند: پروردگارا! تیره بختی و شقاوت ما بر ما چیره شد، و ما گروهی گمراه بودیم. (۱۰۶)

رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنْ عُدْنَا فَإِنَّا ظَالِمُونَ (۱۰۷)

پروردگارا! ما را از دوزخ بیرون آر، پس اگر [به بدی ها و گمراهی ها] بازگشتیم، بی تردید ستمکار خواهیم بود. (۱۰۷)

قَالَ اخْسَئُوا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونِ (۱۰۸)

[خدا] می گوید: [ای سگان!] در دوزخ گم شوید و با من سخن مگویید! (۱۰۸)

إِنَّهُ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ (۱۰۹)

[به یاد دارید که] گروهی از بندگان من بودند که می گفتند: پروردگارا! ما ایمان آوردیم، پس ما را بیامرز و به ما رحم کن که تو بهترین رحم کنندگانی. (۱۰۹)

فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سِخْرِيًّا حَتَّى أَنسَوْكُمْ ذِكْرِي وَكُنتُم مِّنْهُمْ تَضْحَكُونَ (۱۱۰)

ولی شما آنان را به مسخره گرفتید، تا [دل مشغولی شما به مسخره آنان] یاد مرا از خاطرتان برد، و شما همواره به [ایمان، عمل و دعاهای] آنان می خندیدید!! (۱۱۰)

إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ (۱۱۱)

من امروز آنان را در برابر صبری که [نسبت به مسخره و خنده شما] کردند پاداش دادم که همه آنان کامیابند. (۱۱۱)

قَالَ كَمْ لَبِثْتُمْ فِي الْأَرْضِ عَدَدَ سِنِينَ (۱۱۲)

[خدا] می گوید: از جهت شمار سال ها چه مدت در زمین درنگ داشتید؟ (۱۱۲)

قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ فَاسْأَلِ الْعَادِّينَ (۱۱۳)

می گویند: روزی یا بخشی از روزی، ولی [ای پرسنده!] از شمارندگان [پیشگاه خود] بپرس. (۱۱۳)

قَالَ إِن لَّبِثْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا لَّوْ أَنَّكُمْ كُنتُمْ تَعْلَمُونَ (۱۱۴)

[خدا] می گوید: اگر معرفت و شناخت می داشتید [می دانستید که] جز اندکی درنگ نکرده اید، (۱۱۴)

أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ (۱۱۵)

آیا پنداشته اید که شما را بیهوده و عبث آفریدیم، و اینکه به سوی ما بازگردانده نمی شوید؟ (۱۱۵)

فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ (۱۱۶)

پس برتر است خدا آن فرمانروای حق [از آنکه کارش بیهوده و عبث باشد]، هیچ معبودی جز او نیست، [او] پروردگار عرش نیکو و باارزش است. (۱۱۶)

وَمَن يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِندَ رَبِّهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ (۱۱۷)

و هر کس با خدا معبود دیگری بپرستد [که] هیچ دلیلی بر حقّانیّت آن ندارد، حسابش فقط نزد پروردگار اوست؛ بدون تردید کافران، رستگار نمی شوند. (۱۱۷)

وَقُل رَّبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ (۱۱۸)

و بگو: پروردگارا! [مرا] بیامرز و [بر من] رحم کن و تو بهترین رحم کنندگانی. (۱۱۸)

ص: ۳۴۹

سوره النور

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سُورَةٌ أَنزَلْنَاهَا وَفَرَضْنَاهَا وَأَنزَلْنَا فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لَّعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (۱)

[این] سوره ای است که آن را [از اُفق دانش خود] فرود آوردیم و [اجرای احکام و معارف آن را] لازم و واجب نمودیم و در آن آیاتی روشن نازل کردیم، تا متذکّر و هوشیار شوید. (۱)

الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُم بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلْيَشْهَدْ عَذَابَهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ (۲)

به زن زناکار و مرد زناکار صد تازیانه بزنید، و اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید، نباید شما را در [اجرای] دین خدا درباره آن دو نفر دلسوزی و مهربانی بگیرد، و باید گروهی از مؤمنان، شاهد مجازات آن دو نفر باشند. (۲)

الزَّانِي لَا يَنكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحُرِّمَ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ (۳)

مرد زناکار نبایـد جز با زن زناکار یا مشرک ازدواج کنـد، و زن زناکار نباید جز با مرد زناکار یا مشرک ازدواج نماید، و این [ازدواج] بر مؤمنان حرام شده است. (۳)

وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (۴)

و کسانی که زنان عفیفه پاکـدامن را به زنا متهم می کننـد، سپس چهار شاهد نمی آورند، پس به آنان هشـتاد تازیانه بزنید، و هرگز شهادتی را از آنان نپذیرید، و اینانند که در حقیقت فاسق اند. (۴)

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِن بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۵)

مگر کسانی که بعـد از آن توبه کننـد و مفاسـد خود را اصـلاح نماینـد که بدون تردید خدا [نسبت به آنان] بسیار آمرزنده و مهربان است. (۵)

وَالَّذِينَ يَرْمُونَ أَزْوَاجَهُمْ وَلَمْ يَكُن لَّهُمْ شُهَدَاءُ إِلَّا أَنفُسُهُمْ فَشَهَادَةُ أَحَدِهِمْ أَرْبَعُ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ (۶)

و کسانی که همسـران خود را متهم به زنا می کننـد و بر آنان شاهـدانی جز خودشان نباشد، پس هر کدام از آن شوهران [برای اثبات اتهامش] باید چهار بار شهادت دهد که سوگند به خدا، او [درباره همسرش] در این زمینه قطعاً راست می گوید، (۶)

وَالْخَامِسَةُ أَنَّ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَيْهِ إِن كَانَ مِنَ الْكَاذِبِينَ (۷)

و [شهادت] پنجم این است که [بگوید:] لعنت خدا بر او باد اگر [در این اتهام بستن] دروغگو باشد؛ (۷)

وَيَدْرَأُ عَنْهَا الْعَذَابَ أَن تَشْهَدَ أَرْبَعَ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ (۸)

و مجـازات را از آن زنی که مـورد اتهـام قرار گرفته دفع می کنـد اینکه چهـار بـار شـهادت دهـد که سوگنـد به خـدا، آن مرد دروغگوست، (۸)

وَالْخَامِسَةَ أَنَّ غَضَبَ اللَّهِ عَلَيْهَا إِن كَانَ مِنَ الصَّادِقِينَ (۹)

و [شهادت] پنجم این است که [بگوید:] خشم خدا بر او باد اگر [آن مرد در این اتهام بستن] راستگو باشد. (۹)

وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ حَكِيمٌ (۱۰)

و اگر فضل و رحمت خدا بر شـما نبود، و اینکه خدا بسیار توبه پذیر و حکیم است [به کیفرهای بسیار سختی دچار می شدید.] (۱۰)

إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِّنكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَّكُم بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ لِكُلِّ امْرِئٍ مِّنْهُم مَّا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَالَّذِی تَوَلَّی كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۱۱)

به يقين كسانی كه آن تهمت [بزرگ] را [درباره يكی از همسران پيامبر به ميان] آوردند، گروهی [هم دست و هم فكر] از [ميان] خود شما بودند، آن را برای خود شرّی مپنداريد، بلكه آن برای شما خير است، برای هر مردی از آنان كيفری به ميزان گناهی است كه مرتكب شده، و آن كس كه بخش عمده آن را بر عهده گرفته است، برايش عذابی بزرگ است. (۱۱)

لَّوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ (۱۲)

چرا هنگامی كه آن [تهمت بزرگ] را شنيديد، مردان و زنان مؤمن به خودشان گمان نيك نبردند [كه اين تهمت كار اهل ايمان نيست] و نگفتند: اين تهمتی آشكار [از سوی منافقان] است؟! [كه می خواهند در ميان اهل ايمان فتنه و آشوب و بدبينی ايجاد كنند] (۱۲)

لَّوْلَا جَاءُوا عَلَيْهِ بِأَرْبَعَهِ شُهَدَاءَ فَإِذْ لَمْ يَأْتُوا بِالشُّهَدَاءِ فَأُولَئِكَ عِندَ اللَّهِ هُمُ الْكَاذِبُونَ (۱۳)

چرا بر آن تهمت، چهار شاهد نياوردند؟ و چون شاهدان را نياوردند، پس خود آنان نزد خدا محكوم به دروغگويی اند؛ (۱۳)

وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ فِی الدُّنْيَا وَالْآخِرَهِ لَمَسَّكُمْ فِی مَا أَفَضْتُمْ فِيهِ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۱۴)

و اگر فضل و رحمت خدا در دنيا و آخرت بر شما نبود، به يقين به خاطر آن تهمت بزرگی كه در آن وارد شديد، عذابی بزرگ به شما می رسيد. (۱۴)

إِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِأَلْسِنَتِكُمْ وَتَقُولُونَ بِأَفْوَاهِكُم مَّا لَيْسَ لَكُم بِهِ عِلْمٌ وَتَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا وَهُوَ عِندَ اللَّهِ عَظِيمٌ (۱۵)

چون [كه آن تهمت بزرگ را] زبان به زبان از يكديگر می گرفتيد و با دهان هايتان چيزی می گفتيد كه هيچ معرفت و شناختی به آن نداشتيد و آن را [عملی] ناچيز و سبك می پنداشتيد و در حالی كه نزد خدا بزرگ بود. (۱۵)

وَلَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُم مَّا يَكُونُ لَنَا أَن نَّتَكَلَّمَ بِهَذَا سُبْحَانَكَ هَذَا بُهْتَانٌ عَظِيمٌ (۱۶)

و چرا وقتی كه آن را شنيديد نگفتيد: ما را نسزد [و هيچ جايز نيست] كه به اين تهمت بزرگ زبان بگشاييم، شگفتا! اين بهتانی بزرگ است. (۱۶)

يَعِظُكُمُ اللَّهُ أَن تَعُودُوا لِمِثْلِهِ أَبَدًا إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ (۱۷)

خدا شما را اندرز می دهد كه اگر ايمان داريد، هرگز مانند آن را [در حقّ كسی] تكرار نكنيد. (۱۷)

وَيُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (١٨)

و خدا آیات [خود] را برای شما بیان می کند، و خدا دانا و حکیم است. (١٨)

إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَن تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (١٩)

کسانی که دوست دارند کارهای بسیار زشت [مانند آن تهمت بزرگ] در میان اهل ایمان شایع شود، در دنیا و آخرت عذابی دردناک خواهند داشت، و خدا [آنان را] می شناسد و شما نمی شناسید. (١٩)

وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ (٢٠)

و اگر فضل و رحمت خدا بر شما نبود، و اینکه خدا رؤوف و مهربان است [به کیفرهای بسیار سختی دچار می شدید.] (٢٠)

ص: ٣٥١

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ وَمَن يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنكَرِ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَى مِنكُم مِّنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (٢١)

ای مؤمنان! از گام های شیطان پیروی نکنید؛ و هر که از گام های شیطان پیروی کند [هلاک می شود] زیرا شیطان به کار بسیار زشت و عمل ناپسند فرمان می دهد؛ و اگر فضل و رحمت خدا بر شما نبود، هرگز احدی از شما [از عقاید باطل و اعمال و اخلاق ناپسند] پاک نمی شد، ولی خدا هر که را بخواهد پاک می کند؛ و خدا شنوا و داناست. (٢١)

وَلَا يَأْتَلِ أُولُو الْفَضْلِ مِنكُمْ وَالسَّعَهِ أَن يُؤْتُوا أُولِي الْقُرْبَى وَالْمَسَاكِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَن يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (٢٢)

و از میان شما کسانی که دارندگان ثروت و گشایش مالی هستند، نباید سوگند یاد کنند که از انفاق مال به خویشاوندان و تهی دستان و مهاجرانِ در راه خدا دریغ ورزند، و باید [بدی آنان را که برای شما مؤمنان توانگر سبب خودداری از انفاق شده] عفو کنند و از مجازات درگذرند؛ آیا دوست نمی دارید خدا شما را بیامرزد؟ [اگر دوست دارید، پس شما هم دیگران را مورد عفو و گذشت قرار دهید]؛ و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (٢٢)

إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لُعِنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (٢٣)

بی تردید کسانی که زنان عفیفه پاکدامن باایمان را [که از شدت ایمان از بی عفتی و گناه بی خبرند] متهم به زنا کنند، در دنیا و آخرت لعنت می شوند، و برای آنان عذابی بزرگ است. (٢٣)

يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُم بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (٢٤)

[در] روزی که زبان ها و دست ها و پاهایشان بر ضد آنان به گناهانی که همواره انجام می دادند، شهادت دهند. (۲۴)

يَوْمَئِذٍ يُوَفِّيهِمُ اللَّهُ دِينَهُمُ الْحَقَّ وَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ (۲۵)

در آن روز خدا کیفر به حق آنان را به طور کامل می دهد، و خواهند دانست که خدا همان حقّ آشکار است. (۲۵)

الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُم مَّغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ (۲۶)

زنان پلید برای مردان پلید و مردان پلید برای زنان پلیدند، و زنان پاک برای مردان پاک و مردان پاک برای زنان پاک اند، این پاکان از سخنان ناروایی که [تهمت زنندگان] درباره آنان می گویند، مبرّا و پاک هستند، برای آنان آمرزش و رزق نیکویی است. (۲۶)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْنِسُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (۲۷)

ای اهل ایمان! به خانه هایی غیر از خانه های خودتان وارد نشوید تا آنکه اجازه بگیرید، و بر اهل آنها سلام کنید، [رعایت] این [امور اخلاقی] برای شما بهتر است، باشد که متذکّر شوید. (۲۷)

ص: ۳۵۲

فَإِن لَّمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِن قِيلَ لَكُمُ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكَى لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ (۲۸)

نهایتاً اگر کسی را در آنها نیافتید، پس وارد آن نشوید تا به شما اجازه دهند، و اگر به شما گویند: برگردید، پس برگردید که این برای شما پاکیزه تر است، و خدا به آنچه انجام می دهید، داناست. (۲۸)

لَّيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَن تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ مَسْكُونَةٍ فِيهَا مَتَاعٌ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ (۲۹)

و بر شما گناهی نیست که به خانه های غیر مسکونی که در آنها کالا و متاع و سودی دارید وارد شوید، و خدا آنچه را آشکار می کنید و آنچه را پنهان می دارید، می داند. (۲۹)

قُل لِّلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ (۳۰)

به مردان مؤمن بگو: چشمان خود را [از آنچه حرام است مانند دیدن زنان نامحرم و عورت دیگران] فرو بندند، و شرمگاه خود را حفظ کنند، این برای آنان پاکیزه تر است، قطعاً خدا به کارهایی که انجام می دهند، آگاه است. (۳۰)

وَقُل لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ

نِسَاـئِهِنَّ أَوْ مَاـ مَلَكَتْ أَيْمَاـنُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِى الْإِرْبَهِ مِنَ الرِّجَاـلِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِن زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۳۱)

و به زنـان باایمـان بگو: چشـمان خود را از آنچه حرام است فرو بندنـد، و شـرمگاه خود را حفـظ کننـد، و زینت خود را [مانند لباس های زیبا، گوشواره و گردن بنـد] مگر مقـداری که [طبیعتاً ماننـد انگشتر و حنا و سـرمه، بر دست و صورت] پیداست [در برابر کسی] آشکار نکنند، و [برای پوشاندن گردن و سینه] مقنعه های خود را به روی گریبان هایشان بیندازند، و زینت خود را آشـکار نکننـد مگر برای شوهرانشان، یا پـدرانشان، یا پدران شوهرانشان، یا پسـرانشان، یا پسـران شوهرانشان، یا برادرانشان، یا پسـران برادرانشان، یا پسـران خواهرانشان، یا زنان [هم کیش خود] شان، یا بردگان زر خریـدشان، یا خـدمتکارانشان از مردانی که سـاده لوح و کم عقـل انـد و نیـاز شـهوانی حس نمی کننـد، یـا کودکانی که [به سنّ تمیز دادن خوب و بـد نسبت به امیال جنسـی] نرسیده اند. و زنان نباید پاهایشان را [هنگام راه رفتن آن گونه] به زمین بزنند تا آنچه از زینت هایشان پنهان می دارند [به وسیله نامحرمان] شناخته شود. و [شما] ای مؤمنان! همگی به سوی خدا بازگردید تا رستگار شوید. (۳۱)

ص: ۳۵۳

وَأَنكِحُوا الْأَيَامَى مِنكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِن يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِن فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (۳۲)

[مردان و زنان] بی همسـرتان و غلامان و کنیزان شایسته خود را همسـر دهیـد؛ اگر تهیدست اند، خدا آنان را از فضل خود بی نیاز می کند؛ و خدا بسیار عطا کننده و داناست. (۳۲)

وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِن فَضْلِهِ وَالَّذِينَ يَبْتَغُونَ الْكِتَابَ مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا وَآتُوهُم مِّن مَّالِ اللَّهِ الَّذِى آتَاكُمْ وَلَا تُكْرِهُوا فَتَيَاتِكُمْ عَلَى الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا لِّتَبْتَغُوا عَرَضَ الْحَيَاهِ الدُّنْيَا وَمَن يُكْرِههُّنَّ فَإِنَّ اللَّهَ مِن بَعْدِ إِكْرَاهِهِنَّ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۳۳)

و کسانی که [وسـیله] ازدواجی نمی یابنـد بایـد پاکدامنی پیشه کنند تا خدا آنان را از فضل خود توانگرشان سازد. و کسانی از بردگانتان که درخواست نوشتن قرارداد [برای فعالیت اقتصادی و پرداخت مبلغی به مالک خود برای آزاد شدن] دارند، اگر در آنان [برای عقد این قرارداد] شایسـتگی سراغ دارید با آنان قرارداد ببندید، و چیزی از مال خدا را که به شما عطا کرده است به آنان بدهیـد، و کنیزان خود را که می خواهنـد پاکـدامن باشـند، برای به دست آوردن متاع ناچیز و زودگذر زندگی دنیا به زنا وادار مکنید، و هر که آنان را وادار [به زنا] کند، به یقین خدا پس از مجبور شدنشان [نسبت به آنان] بسـیار آمرزنده و مهربان است. (۳۳)

وَلَقَدْ أَنزَلْنَا إِلَيْكُمْ آيَاتٍ مُّبَيِّنَاتٍ وَمَثَلًا مِّنَ الَّذِينَ خَلَوْا مِن قَبْلِكُمْ وَمَوْعِظَهً لِّلْمُتَّقِينَ (۳۴)

و بی تردید آیاتی روشن و سـرگذشتی از آنان که پیش از شما درگذشتند و پندی برای پرهیزکاران به سوی شما نازل کردیم. (۳۴)

اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِن شَجَرَةٍ مُّبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَّا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُّورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَن يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۳۵)

خدا نور آسمان ها و زمین است؛ وصف نورش مانند چراغدانی است که در آن، چراغ پر فروغی است، و آن چراغ در میان قندیل بلورینی است، که آن قندیل بلورین گویی ستاره تابانی است، [و آن چراغ] از [روغن] درخت زیتونی پربرکت که نه شرقی است و نه غربی افروخته می شود، [و] روغن آن [از پاکی و صافی] نزدیک است روشنی بدهد گرچه آتشی به آن نرسیده باشد، نوری است بر فراز نوری؛ خدا هر کس را بخواهد به سوی نور خود هدایت می کند، و خدا برای مردم مثل ها می زند [تا حقایق را بفهمند] و خدا به همه چیز داناست. (۳۵)

فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَن تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ (۳۶)

[این نور] در خانه هایی است که خدا اذن داده [شأن و منزلت و قدر و عظمت آنها] رفعت یابند و نامش در آنها ذکر شود، همواره در آن خانه ها صبح و شام او را تسبیح می گویند. (۳۶)

ص: ۳۵۴

رِجَالٌ لَّا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ (۳۷)

مردانی که تجارت و داد و ستد آنان را از یاد خدا و برپا داشتن نماز و پرداخت زکات باز نمی دارد، [و] پیوسته از روزی که دل ها و دیده ها در آن زیر و رو می شود، می ترسند. (۳۷)

لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَيَزِيدَهُم مِّن فَضْلِهِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَن يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ (۳۸)

[این گونه عمل می کنند] تا خدا آنان را بر [پایه] نیکوترین عملی که انجام داده اند پاداش دهد، و از فضلش برای آنان بیفزاید، خدا به هر که بخواهد بی حساب روزی می دهد. (۳۸)

وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ بِقِيعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمْآنُ مَاءً حَتَّى إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا وَوَجَدَ اللَّهَ عِندَهُ فَوَفَّاهُ حِسَابَهُ وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ (۳۹)

و کافران اعمالشان مانند سرابی در بیابانی مسطّح و صاف است که تشنه، آن را [از دور] آب می پندارد، تا وقتی که به آن رسد آن را چیزی نیابد، و خدا را نزد اعمالش می یابد که حسابش را کامل و تمام می دهد، و خدا حسابرسی سریع است. (۳۹)

أَوْ كَظُلُمَاتٍ فِي بَحْرٍ لُّجِّيٍّ يَغْشَاهُ مَوْجٌ مِّن فَوْقِهِ مَوْجٌ مِّن فَوْقِهِ سَحَابٌ ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكَدْ يَرَاهَا وَمَن لَّمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِن نُّورٍ (۴۰)

یـا [اعمالشان]ماننـد تاریکی هایی است در دریایی بسـیار عمیق که همواره موجی آن را می پوشانـد، و بالای آن موجی دیگر است، و بر فراز آن ابری است، تاریکی هایی است برخی بالای برخی دیگر؛ [مبتلای این امواج و تاریکی ها] هرگاه دسـتش را بیرون آورد، بعید است آن را ببیند. و کسی که خدا نوری برای او قرار نداده است، برای او هیچ نوری نیست. (۴۰)

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُسَبِّحُ لَهُ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالطَّيْرُ صَافَّاتٍ كُلٌّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ (۴۱)

آیا ندانسـته ای که هرکه در آسـمان ها و زمین است و پرنـدگان بال گشوده، خدا را تسبیح می گویند؟ به یقین هریک نماز و تسبیح خود را می داند؛ و خدا به آنچه انجام می دهند داناست. (۴۱)

وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ (۴۲)

و مالکیت و فرمانروایی آسمان ها و زمین فقط در سیطره خداست، و بازگشت همه به سوی خداست. (۴۲)

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُزْجِي سَحَابًا ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيْنَهُ ثُمَّ يَجْعَلُهُ رُكَامًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ وَيُنَزِّلُ مِنَ السَّمَاءِ مِن جِبَالٍ فِيهَا مِن بَرَدٍ فَيُصِيبُ بِهِ مَن يَشَاءُ وَيَصْرِفُهُ عَن مَّن يَشَاءُ يَكَادُ سَنَا بَرْقِهِ يَذْهَبُ بِالْأَبْصَارِ (۴۳)

آیا ندانسته ای که خدا ابری را [به آرامی] می راند، آن گاه میان [اجزای] آن پیوند برقرار می کند، سپس آن را انبوه و متراکم می سازد، پس می بینی که باران از لابلای آن بیرون می آیـد، و از آسـمان از کوه هایی که در آن ابر یـخ زده است، تگرگی فرو می ریزد، پس آسیب آن را به هر که بخواهد می رساند، و از هر که بخواهد برطرف می کند، نزدیک است درخشـندگی برقش دیده ها را کور کند. (۴۳)

ص: ۳۵۵

يُقَلِّبُ اللَّهُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ (۴۴)

خدا شب و روز را [دگرگون و] جابجا می کند؛ مسلماً در این دگرگونی و جابجایی عبرتی برای صاحبان بصیرت است. (۴۴)

وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِّن مَّاءٍ فَمِنْهُم مَّن يَمْشِي عَلَى بَطْنِهِ وَمِنْهُم مَّن يَمْشِي عَلَى رِجْلَيْنِ وَمِنْهُم مَّن يَمْشِي عَلَى أَرْبَعٍ يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۴۵)

و خـدا هر جنبده ای را از آبی [که به صورت نطفه بود] آفرید، پس گروهی از آنها بر شـکمشان راه می روند، و برخی از آنها به روی دو پا حرکت می کنند، و بعضـی از آنها به روی چهار پا راه می روند. خدا آنچه را بخواهد می آفریند؛ مسـلماً خدا بر هر کاری تواناست. (۴۵)

لَّقَدْ أَنزَلْنَا آيَاتٍ مُّبَيِّنَاتٍ وَاللَّهُ يَهْدِي مَن يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ (۴۶)

همانا آیاتی روشن نازل کردیم؛ و خدا هر که را بخواهد به راهی راست راهنمایی می کند. (۴۶)

وَيَقُولُونَ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَأَطَعْنَا ثُمَّ يَتَوَلَّى فَرِيقٌ مِّنْهُم مِّن بَعْدِ ذَلِكَ وَمَا أُولَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ (۴۷)

و می گویند: به خدا و این پیامبر ایمان آوردیم و اطاعت کردیم، سپس گروهی از آنان پس از این [اعتراف] روی می گردانند، و اینان مؤمن [واقعی] نیستند. (۴۷)

وَإِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِّنْهُم مُّعْرِضُونَ (۴۸)

و زمانی که آنان را به سوی خدا و پیامبرش می خوانند تا [نسبت به اختلافاتی که دارند] میانشان داوری کند، ناگهان گروهی از آنان روی گردان می شوند. (۴۸)

وَإِن يَكُن لَّهُمُ الْحَقُّ يَأْتُوا إِلَيْهِ مُذْعِنِينَ (۴۹)

ولی اگر [بفهمند که] داوری حق به سود آنان می باشد، مطیعانه به سوی آن آیند. (۴۹)

أَفِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ أَمِ ارْتَابُوا أَمْ يَخَافُونَ أَن يَحِيفَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَرَسُولُهُ بَلْ أُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (۵۰)

آیا در دل هایشان بیماری [نفاق] است یا [در دین خدا] شک کرده اند یا می ترسند که خدا و پیامبرش بر آنان ستم کند؟ [چنین نیست] بلکه اینان خود ستمکارند. (۵۰)

إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَن يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۵۱)

گفتار مؤمنان هنگامی که آنان را به سوی خدا و پیامبرش می خوانند تا میانشان داوری کند، فقط این است که می گویند: شنیدیم و اطاعت کردیم و اینانند که رستگارند. (۵۱)

وَمَن يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشَ اللَّهَ وَيَتَّقْهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ (۵۲)

و کسانی که از خدا و پیامبرش اطاعت کنند و از خدا بترسند و از او پروا نمایند، پس آنان همان کامیابانند. (۵۲)

وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ أَمَرْتَهُمْ لَيَخْرُجُنَّ قُل لَّا تُقْسِمُوا طَاعَةٌ مَّعْرُوفَةٌ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (۵۳)

و با سخت ترین سوگندهایشان به خدا سوگند خوردند که اگر به آنان [برای بیرون رفتن به سوی جهاد] فرمان دهی حتماً بیرون می روند، بگو: سوگند نخورید، [آنچه بر شما واجب است] اطاعت پسندیده است [نه سوگند]، به یقین خدا به آنچه انجام می دهید، آگاه است. (۵۳)

ص: ۳۵۶

قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَيْكُم مَّا حُمِّلْتُمْ وَإِن تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ (۵۴)

بگو: خدا را [در همه امور] اطاعت کنید و این پیامبر را نیز اطاعت کنید؛ پس اگر روی بگردانید [زیانی متوجه پیامبر نمی شود، زیرا] بر او فقط آن [مسؤولیتی] است که بر عهده اش نهاده شده و بر شما هم آن [مسؤولیتی] است که بر عهده شما نهاده شده است. و اگر او را اطاعت کنید هدایت می یابید. و بر عهده این پیامبر جز رساندن آشکار [پیام وحی] نیست. (۵۴)

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (۵۵)

خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، وعده داده است که حتماً آنان را در زمین جانشین [دیگران] کند، همان گونه که پیشینیان آنان را جانشین [دیگران] کرد، و قطعاً دینشان را که برای آنان پسندیده به سودشان استوار و محکم نماید، و یقیناً ترس و بیمشان را تبدیل به امنیت کند، [تا جایی که] فقط مرا بپرستند [و] هیچ چیزی را شریک من نگیرند. و آنان که پس از این نعمت های ویژه ناسپاسی ورزند [در حقیقت] فاسق اند. (۵۵)

وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (۵۶)

و نماز را برپا دارید و زکات را بپردازید، و این پیامبر را اطاعت کنید تا مورد رحمت قرار گیرید. (۵۶)

لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَأْوَاهُمُ النَّارُ وَلَبِئْسَ الْمَصِيرُ (۵۷)

گمان مکن کسانی که کافر شدند [برای آنان میسر است که] عاجز کننده [خدا] در زمین باشند [تا بتوانند از دسترس قدرت او بیرون روند]؛ و جایگاهشان آتش است، و بد جایگاهی است. (۵۷)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنكُمُ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِّن قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُم مِّنَ الظَّهِيرَةِ وَمِن بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَّكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَّافُونَ عَلَيْكُم بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۵۸)

ای اهل ایمان! باید بردگانتان و کسانی از شما که به مرز بلوغ نرسیده اند [هنگام ورود به خلوت خانه شخصی شما] سه بار [در سه زمان] از شما اجازه بگیرند، پیش از نماز صبح، و هنگام [استراحت] نیم روز که جامه هایتان را کنار می نهید، و پس از نماز عشا؛ [این زمان ها] سه زمان خلوت شماست، بعد از این سه زمان بر شما و آنان گناهی نیست [که بدون اجازه وارد شوند؛ زیرا آنان] همواره نزد شما در رفت و آمدند و با یکدیگر نشست و برخاست دارید. این گونه خدا آیاتش را برای شما بیان می کند، و خدا دانا و حکیم است. (۵۸)

ص: ۳۵۷

وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۵۹)

و هنگامی که کودکان شما به مرز بلوغ رسیدند، باید [برای ورود به خلوت خانه شخصی شما] اجازه بگیرند، همان گونه که

کسانی که پیش از آنان [به مرز بلوغ رسیده بودند] اجازه می گرفتند. خدا این گونه آیاتش را برای شما بیان می کند؛ و خدا دانا و حکیم است. (۵۹)

وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَن يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَن يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۶۰)

و بر زنان از کار افتاده ای که امید ازدواجی ندارند، گناهی نیست که حجاب و روپوش خود را کنار بگذارند، در صورتی که با زیور و آرایش خویش قصد خودآرایی نداشته باشند. و پاکدامنی برای آنان بهتر است؛ و خدا شنوا و داناست. (۶۰)

لَّيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى أَنفُسِكُمْ أَن تَأْكُلُوا مِن بُيُوتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ آبَائِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أُمَّهَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ إِخْوَانِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخَوَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَعْمَامِكُمْ أَوْ بُيُوتِ عَمَّاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخْوَالِكُمْ أَوْ بُيُوتِ خَالَاتِكُمْ أَوْ مَا مَلَكْتُم مَّفَاتِحَهُ أَوْ صَدِيقِكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَن تَأْكُلُوا جَمِيعًا أَوْ أَشْتَاتًا فَإِذَا دَخَلْتُم بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَى أَنفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِّنْ عِندِ اللَّهِ مُبَارَكَةً طَيِّبَةً كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (۶۱)

بر نابینا و لنگ و بیمار و خود شما گناهی نیست که [بدون هیچ اجازه ای از خانه هایی که ذکر می شود، غذا] بخورید: از خانه های خودتان، یا خانه های پدرانتان، یا خانه های مادرانتان یا خانه های برادرانتان، یا خانه های خواهرانتان، یا خانه های عموهایتان، یا خانه های عمّه هایتان، یا خانه های دایی هایتان، یا خانه های خاله هایتان، یا خانه هایی که کلیدهایشان در اختیار شماست، یا خانه های دوستانتان؛ بر شما گناهی نیست که [با دیگر اعضای خانواده خود] دسته جمعی یا جدا جدا غذا بخورید. پس هرگاه به خانه هایی [که ذکر شد] وارد شدید، بر خودتان سلام کنید که درودی است از سوی خدا [درودی] پربرکت و پاکیزه، خدا این گونه آیات را برای شما بیان می کند تا بیندیشید. (۶۱)

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَى أَمْرٍ جَامِعٍ لَّمْ يَذْهَبُوا حَتَّى يَسْتَأْذِنُوهُ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ أُولَئِكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِذَا اسْتَأْذَنُوكَ لِبَعْضِ شَأْنِهِمْ فَأْذَن لِّمَن شِئْتَ مِنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمُ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۶۲)

مؤمنان فقط آنانند که به خدا و پیامبرش ایمان آورده اند، و هنگامی که بر سر کار مهمی [که طبیعتاً مردم را گرد هم می آورد] با پیامبر باشند تا از او اجازه نگیرند [از نزد او] نمی روند. به راستی کسانی که [برای رفتن] از تو اجازه می گیرند، آنانند که به خدا و پیامبرش ایمان دارند. پس هنگامی که برای برخی از کارهایشان از تو اجازه می خواهند، به هر کدام از آنان که خواستی اجازه بده و از خدا برای آنان آمرزش بخواه؛ زیرا خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (۶۲)

لَّا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُم بَعْضًا قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ يَتَسَلَّلُونَ مِنكُمْ لِوَاذًا فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَن تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۶۳)

دعوت پیامبر را [به ایمان، عمل صالح و امور اجتماعی] در میان خود مانند دعوت بعضی از شما از بعضی دیگر قرار ندهید،

خدا کسانی از شما را که برای [بی اعتنایی به دعوت پیامبر] با پنهان شدن پشت سر دیگران آهسته از نزد او بیرون می روند می شناسد. پس باید کسانی که از فرمانش سرپیچی می کنند، برحذر باشند از اینکه بلایی [در دنیا] یا عذابی دردناک [در آخرت] به ایشان رسد. (۶۳)

أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قَدْ يَعْلَمُ مَا أَنتُمْ عَلَيْهِ وَيَوْمَ يُرْجَعُونَ إِلَيْهِ فَيُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا وَاللَّهُ بِكُلِّ شَیْءٍ عَلِيمٌ (۶۴)

آگاه باشید! که آنچه در آسمان ها و زمین است فقط در سیطره مالکیّت و فرمانروایی خداست. به یقین آنچه را که شما [از حالات، اعمال و خواسته ها] بر آن هستید می داند، و روزی را که [برای حسابرسی] به سوی او باز گردانده می شوند، پس آنان را به آنچه انجام داده اند، آگاه می کند و خدا به همه چیز داناست. (۶۴)

سوره الفرقان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ تَبَارَكَ الَّذِی نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا (۱)

همیشه سودمند و با برکت است آنکه فرقان را [که قرآن جدا کننده حق از باطل است] به تدریج بر بنده اش نازل کرد، تا برای جهانیان بیم دهنده باشد. (۱)

الَّذِی لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُن لَّهُ شَرِيكٌ فِی الْمُلْكِ وَخَلَقَ كُلَّ شَیْءٍ فَقَدَّرَهُ تَقْدِيرًا (۲)

همان که فرمانروایی آسمان ها و زمین فقط در سیطره اوست و فرزندی برای خود نگرفته است و در فرمانروایی شریکی ندارد و هر چیزی را آفریده و آن را به اندازه قرار داده، اندازه ای درست و دقیق. (۲)

ص: ۳۵۹

وَاتَّخَذُوا مِن دُونِهِ آلِهَةً لَّا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ وَلَا يَمْلِكُونَ لِأَنفُسِهِمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَلَا يَمْلِكُونَ مَوْتًا وَلَا حَيَاةً وَلَا نُشُورًا (۳)

و [مشرکان] به جای او معبودانی اختیار کرده اند که چیزی را نمی آفرینند و خود آفریده می شوند، و برای خودشان مالک زیان و سودی نیستند، و قدرت و تسلطی بر مرگ و حیات و برانگیختن پس از مرگ ندارند، (۳)

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا إِفْكٌ افْتَرَاهُ وَأَعَانَهُ عَلَيْهِ قَوْمٌ آخَرُونَ فَقَدْ جَاءُوا ظُلْمًا وَزُورًا (۴)

و کافران گفتند: این [قرآن] چیزی نیست جز دروغی که [پیامبر] آن را از پیش خود ساخته و دیگران او را بر ساختن آن یاری داده اند، بی تردید [با این نسبت ناروا] مرتکب ستمی سنگین و دروغی بزرگ [و تهمتی زشت] شده اند. (۴)

وَقَالُوا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ اكْتَتَبَهَا فَهِیَ تُمْلَى عَلَيْهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا (۵)

و گفتند: افسانه های مکتوب پیشینیان است که نوشتن [از روی] آنها را از [نویسندگان] درخواست کرده است و آن [نوشته] ها

هر صبح و شام بر او خوانده می شود [تا حفظ کند و بر ما بخواند و بگوید: این وحی آسمانی است!!] (۵)

قُلْ أَنزَلَهُ الَّذِی یَعْلَمُ السِّرَّ فِی السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ کَانَ غَفُورًا رَّحِیمًا (۶)

بگو: آن را کسی نازل کرده است که همه نهان ها را در آسمان ها و زمین می داند، همانا او همواره بسیار آمرزنده و مهربان است. (۶)

وَقَالُوا مَالِ هَذَا الرَّسُولِ یَأْکُلُ الطَّعَامَ وَیَمْشِی فِی الْأَسْوَاقِ لَوْلَا أُنزِلَ إِلَیْهِ مَلَکٌ فَیَکُونَ مَعَهُ نَذِیرًا (۷)

و گفتند: این چه پیامبری است که غذا می خورد و در بازارها راه می رود؟ چرا فرشته ای به سوی او نازل نشده که همراه او بیم دهنده باشد؟ (۷)

أَوْ یُلْقَی إِلَیْهِ کَنزٌ أَوْ تَکُونُ لَهُ جَنَّهٌ یَأْکُلُ مِنْهَا وَقَالَ الظَّالِمُونَ إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَّسْحُورًا (۸)

یا [چرا] گنجی به سوی او افکنده نمی شود؟ یا باغی برای او نمی باشد که از [میوه های] آن بهره مند شود؟ و ستمکاران گفتند: [ای مردم!] شما جز مردی جادو شده را پیروی نمی کنید!! (۸)

انظُرْ کَیْفَ ضَرَبُوا لَکَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا یَسْتَطِیعُونَ سَبِیلًا (۹)

بنگر که چگونه [و برپایه چه امور نامعقولی] اوصافی برای تو بیان کردند، پس [به سبب لجاجت، تکبر، دشمنی و تعصّب] گمراه شدند و نمی توانند راهی [به سوی حق] بیابند. (۹)

تَبَارَکَ الَّذِی إِن شَاءَ جَعَلَ لَکَ خَیْرًا مِّن ذَلِکَ جَنَّاتٍ تَجْرِی مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَیَجْعَل لَّکَ قُصُورًا (۱۰)

همیشه سودمند و بابرکت است آنکه اگر بخواهد بهتر از آن را [در دنیا] برای تو قرار می دهد، بوستان هایی که از زیرِ [درختانِ] آن نهرها جاری باشد، و قصرهایی [استوار و مجلّل] برای تو مقرّر می نماید. (۱۰)

بَلْ کَذَّبُوا بِالسَّاعَهِ وَأَعْتَدْنَا لِمَن کَذَّبَ بِالسَّاعَهِ سَعِیرًا (۱۱)

[همه این مطالب و خواسته های نامعقول بهانه است] بلکه آنان قیامت را تکذیب کرده اند [و به این سبب نبوّت تو را باور نمی کنند] و ما برای آنان که قیامت را تکذیب کنند، آتشی سوزان آماده کرده ایم. (۱۱)

ص: ۳۶۰

إِذَا رَأَتْهُم مِّن مَّکَانٍ بَعِیدٍ سَمِعُوا لَهَا تَغَیُّظًا وَزَفِیرًا (۱۲)

که وقتی [آن آتش سوزان] آنان را از مکانی دور ببیند، از آن [نعره] خشم و خروشی هولناک بشنوند، (۱۲)

وَإِذَا أَلْقُوا مِنْهَا مَكَانًا ضَيِّقًا مُّقَرَّنِينَ دَعَوْا هُنَالِكَ ثُبُورًا (۱۳)

و هنگـامی که آنان را در حالی که با غل و زنجیر به هم بسـته شـده انـد در مکانی تنگ از آن آتش سوزان بیفکننـد، در آنجا فریاد مرگ خواهی سر دهند. (۱۳)

لَّا تَدْعُوا الْيَوْمَ ثُبُورًا وَاحِدًا وَادْعُوا ثُبُورًا كَثِيرًا (۱۴)

[به آنان می گویند:] امروز یک بار درخواست مرگ نکنید، بلکه بسیار درخواست مرگ کنید. (۱۴)

قُلْ أَذَلِكَ خَيْرٌ أَمْ جَنَّةُ الْخُلْدِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ كَانَتْ لَهُمْ جَزَاءً وَمَصِيرًا (۱۵)

بگو: آیـا این [آتش سوزان] بهتر است یـا بهشت جـاودانی که به پرهیزکـاران وعـده داده انـد که پـاداش و بـازگشت گاه آنان است؟ (۱۵)

لَّهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ خَالِدِينَ كَانَ عَلَى رَبِّكَ وَعْدًا مَّسْئُولًا (۱۶)

در آنجا هر چه بخواهنـد در حالی که جاودانه انـد برای آنان فراهم است، این بر عهده پروردگارت وعده ای است درخواسـت شده [و مورد انتظار اهل ایمان از خدای بخشنده و کریم.] (۱۶)

وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ فَيَقُولُ أَأَنتُمْ أَضْلَلْتُمْ عِبَادِي هَؤُلَاءِ أَمْ هُمْ ضَلُّوا السَّبِيلَ (۱۷)

و [یاد کن] روزی را که آنان را با معبودانی که به جای خـدا می پرستیدنـد، محشور می کنـد، پس [به آن معبودان] می گوید: آیا شما این بندگان مرا گمراه کردید، یا خودشان راه را گم کردند؟ (۱۷)

قَالُوا سُبْحَانَكَ مَا كَانَ يَنبَغِي لَنَا أَن نَّتَّخِذَ مِن دُونِكَ مِنْ أَوْلِيَاءَ وَلَكِن مَّتَّعْتَهُمْ وَآبَاءَهُمْ حَتَّى نَسُوا الذِّكْرَ وَكَانُوا قَوْمًا بُورًا (۱۸)

پاسخ می دهند: شـگفتا! سـزاوار ما نبود که در برابر تو دوستان و پیروانی برای [پرستش] خود بگیریم، ولی تو اینان و پدرانشان را [از نعمت هـا] برخوردار کردی [و آنـان به جـای شـکر نعمت هـا چنـان در شـهوات غرق شدنـد] تـا آنکه یاد تو را فراموش کردند و گروهی هلاکت یافته شدند. (۱۸)

فَقَدْ كَذَّبُوكُم بِمَا تَقُولُونَ فَمَا تَسْتَطِيعُونَ صَرْفًا وَلَا نَصْرًا وَمَن يَظْلِم مِّنكُمْ نُذِقْهُ عَذَابًا كَبِيرًا (۱۹)

[خدا می گوید: این معبودان شـما] گفته شـما را که می گفتید [اینان به جای خدا معبودان ما هستند] تکذیب کردند، اکنون نه می توانید [عذاب را ازخود] دفع کنید، و نه می توانید [برای خود یاور و] یاری بیابید. و هر که از شـما [در این دنیا] سـتم کند، در قیامت عذابی بزرگ به او می چشانیم. (۱۹)

وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا إِنَّهُمْ لَيَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَيَمْشُونَ فِي الْأَسْوَاقِ وَجَعَلْنَا بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً أَتَصْبِرُونَ وَكَانَ رَبُّكَ

بَصِيرًا (۲۰)

و ما پیش از تو هیچ یک از پیامبران را نفرستادیم مگر آنکه آنان هم غذا می خوردند و در بازارها راه می رفتند، و ما برخی از شما را [وسیله] آزمایش برخی دیگر قرار دادیم [توانگر را به تهیدست وتهیدست را به توانگر، بیمار را به تندرست و تندرست را به بیمار، پیامبر را به امت و امت را به پیامبر]. آیا [نسبت به اجرای احکام الهی و تکالیف و مسؤولیت ها] شکیبایی می ورزید؟ و پروردگارت همواره [به احوال و اعمال همه] بیناست. (۲۰)

ص: ۳۶۱

جزء ۱۹

ادامه سوره الفرقان

وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْنَا الْمَلَائِكَهُ أَوْ نَرَى رَبَّنَا لَقَدِ اسْتَكْبَرُوا فِي أَنفُسِهِمْ وَعَتَوْا عُتُوًّا كَبِيرًا (۲۱)

و آنان که به دیدار [قیامت و محاسبه اعمال به وسیله] ما امید ندارند، گفتند: چرا بر ما فرشتگانی نازل نشد، یا [چرا] پروردگارمان را نمی بینیم؟ به راستی که خودشان را در درون خود بزرگ شمردند و دچار سرکشی بزرگی شدند. (۲۱)

يَوْمَ يَرَوْنَ الْمَلَائِكَهَ لَا بُشْرَى يَوْمَئِذٍ لِّلْمُجْرِمِينَ وَيَقُولُونَ حِجْرًا مَّحْجُورًا (۲۲)

روزی که آنان فرشتگان را می بینند، آن روز برای مجرمان بشارتی نیست؛ و آنان [به فرشتگان] می گویند: [از شما درخواست داریم که ما را] امان دهید [و آسیب وگزند عذاب را از ما] مانع شوید. (۲۲)

وَقَدِمْنَا إِلَى مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَّنثُورًا (۲۳)

و ما به [بررسی و حسابرسی] هر عملی که [به عنوان عمل خیر] انجام داده اند، می پردازیم، پس همه آنها را غباری پراکنده می سازیم. (۲۳)

أَصْحَابُ الْجَنَّهِ يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ مُّسْتَقَرًّا وَأَحْسَنُ مَقِيلًا (۲۴)

اهل بهشت در آن روز، قرارگاهشان بهتر و استراحت گاهشان نیکوتر است. (۲۴)

وَيَوْمَ تَشَقَّقُ السَّمَاءُ بِالْغَمَامِ وَنُزِّلَ الْمَلَائِكَهُ تَنزِيلًا (۲۵)

و [یاد کن] روزی را که آسمان به سبب ابری [که بر فراز آن است] می شکافد و فرشتگان به تدریج [به صورتی ویژه] فرستاده شوند. (۲۵)

الْمُلْكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمَنِ وَكَانَ يَوْمًا عَلَى الْكَافِرِينَ عَسِيرًا (۲۶)

در آن روز فرمانروایی مطلق برای [خدای] رحمان ثابت است، و بر کافران روزی بسیار دشوار است، (۲۶)

وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا (۲۷)

و روزی که ستمکار، دو دست خود را [از شدت اندوه و حسرت به دندان] می گزد [و] می گوید: ای کاش همراه این پیامبر راهی به سوی حق برمی گرفتم، (۲۷)

يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا (۲۸)

ای وای، کاش من فلانی را [که سبب بدبختی من شد] به دوستی نمی گرفتم، (۲۸)

لَّقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنسَانِ خَذُولًا (۲۹)

بی تردید مرا از قرآن پس از آنکه برایم آمد گمراه کرد. و شیطان همواره انسان را [پس از گمراه کردنش تنها و غریب در وادی هلاکت] وامی گذارد؛ (۲۹)

وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا (۳۰)

و پیامبر [درقیامت] می گوید: پروردگارا! همانا قوم من این قرآن را متروک گذاشتند! (۳۰)

وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِّنَ الْمُجْرِمِينَ وَكَفَى بِرَبِّكَ هَادِيًا وَنَصِيرًا (۳۱)

و ما این گونه برای هر پیامبری دشمنانی از مجرمان قرار دادیم، و کافی است که پروردگارت [برای تو] راهنما و یاری دهنده باشد. (۳۱)

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا (۳۲)

و کافران گفتند: چرا قرآن یک باره بر او نازل نشد؟ این گونه [قرآن را به تدریج نازل می کنیم] تا قلب تو را به آن استوار سازیم، و آن را بر تو با مهلت و آرامی خواندیم. (۳۲)

ص: ۳۶۲

وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَأَحْسَنَ تَفْسِيرًا (۳۳)

و [دشمنان] هیچ وصف و سخن باطلی بر ضد تو نمی آورند، مگر آنکه ما حق را و نیکوترین تفسیر را [برای در هم شکستن آن] برای تو می آوریم. (۳۳)

الَّذِينَ يُحْشَرُونَ عَلَى وُجُوهِهِمْ إِلَى جَهَنَّمَ أُولَئِكَ شَرٌّ مَّكَانًا وَأَضَلُّ سَبِيلًا (۳۴)

همانان که [در قیامت] به رو در افتاده به سوی دوزخ محشور می شونـد، آنان بدترین جایگاه را دارند، و گمراه ترین مردم اند. (۳۴)

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَا مَعَهُ أَخَاهُ هَارُونَ وَزِيرًا (۳۵)

و به راستی به موسی کتاب دادیم، و برادرش هارون را همراه او دستیار و کمک قرار دادیم. (۳۵)

فَقُلْنَا اذْهَبَا إِلَى الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَدَمَّرْنَاهُمْ تَدْمِيرًا (۳۶)

پس گفتیم: هر دو به سوی گروهی که آیات ما را تکذیب کردند، بروید. [آن گروه در برابر حق لجاجت و تکبّر ورزیدند] در نتیجه آنان را به شدت درهم کوبیده و هلاک کردیم. (۳۶)

وَقَوْمَ نُوحٍ لَّمَّا كَذَّبُوا الرُّسُلَ أَغْرَقْنَاهُمْ وَجَعَلْنَاهُمْ لِلنَّاسِ آيَةً وَأَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ عَذَابًا أَلِيمًا (۳۷)

و قوم نوح را هنگـامی که پیامبران را تکـذیب کردنـد، غرق کردیم، و آنان را برای مردم نشانه ای [عبرت آموز] قرار دادیم، و برای ستمکاران عذابی دردناک آماده کرده ایم. (۳۷)

وَعَادًا وَثَمُودَ وَأَصْحَابَ الرَّسِّ وَقُرُونًا بَيْنَ ذَلِكَ كَثِيرًا (۳۸)

و قوم عاد و ثمود و اهل رسّ و اقوام بسیاری را [نیز که] در [فاصله] میان آن [قوم نوح و اهل رسّ بودند، هلاک کردیم.] (۳۸)

وَكُلًّا ضَرَبْنَا لَهُ الْأَمْثَالَ وَكُلًّا تَبَّرْنَا تَتْبِيرًا (۳۹)

و برای هر یک [به جهت هـدایتشان] سـرگذشت های عبرت آموز بیان کردیم، و [چون هدایت نیافتند] هر یک را به شدت در هم شکستیم وهلاک کردیم. (۳۹)

وَلَقَدْ أَتَوْا عَلَى الْقَرْيَةِ الَّتِي أُمْطِرَتْ مَطَرَ السَّوْءِ أَفَلَمْ يَكُونُوا يَرَوْنَهَا بَلْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ نُشُورًا (۴۰)

یقیناً مشـرکان مکه بر شـهری که [محل زندگی قوم لوط بود و] بر آن باران عذاب باریده شد، گذر کرده اند، پس آیا آنجا را ندیـده انـد؟ [چرا! دیـده اند] ولی [عبرت نگرفته اند، چون] برانگیخته شدن [مردگان] را [برای رسـیدن به پاداش اعمال] امید و انتظار ندارند. (۴۰)

وَإِذَا رَأَوْكَ إِن يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُوًا أَهَذَا الَّذِي بَعَثَ اللَّهُ رَسُولًا (۴۱)

و هنگامی که تو را می بیننـد جز به مسـخره ات نمی گیرنـد [و می گوینـد:] آیا این است آنکه خـدا او را به پیامبری برانگیخته است؟! (۴۱)

إِن كَادَ لَيُضِلُّنَا عَنْ آلِهَتِنَا لَوْلَا أَن صَبَرْنَا عَلَيْهَا وَسَوْفَ يَعْلَمُونَ حِينَ يَرَوْنَ الْعَذَابَ مَنْ أَضَلُّ سَبِيلًا (۴۲)

اگر ما بر پرستش بتهایمان ایستادگی نمی کردیم، نزدیک بود ما را از پرستش آنها منحرف کند. سپس وقتی که عذاب را می بینند خواهند دانست که چه کسی گمراه تر است. (۴۲)

أَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ أَفَأَنتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكِيلًا (۴۳)

آیا کسی که هوای [نفسش] را معبود خود گرفته دیدی؟ آیا تو می توانی کارساز ونگهبان او باشی [که او را به میل خود به راه راست هدایت کنی؟] (۴۳)

ص: ۳۶۳

أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا (۴۴)

آیا گمان می کنی بیشتر آنان [سخن حق را] می شنوند، یا [در حقایق] می اندیشند؟ آنان جز مانند چهارپایان نیستند بلکه آنان گمراه ترند! (۴۴)

أَلَمْ تَرَ إِلَى رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ الظِّلَّ وَلَوْ شَاءَ لَجَعَلَهُ سَاكِنًا ثُمَّ جَعَلْنَا الشَّمْسَ عَلَيْهِ دَلِيلًا (۴۵)

آیا به [قدرت و حکمت] پروردگارت ننگریستی که چگونه سایه را امتداد داد و گستراند؟ و اگر می خواست آن را ساکن و ثابت می کرد، آن گاه خورشید را برای [شناختن] آن سایه، راهنما [ی انسان ها] قرار دادیم. (۴۵)

ثُمَّ قَبَضْنَاهُ إِلَيْنَا قَبْضًا يَسِيرًا (۴۶)

سپس آن را [با بلند شدن آفتاب] اندک اندک به سوی خود باز می گیریم. (۴۶)

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِبَاسًا وَالنَّوْمَ سُبَاتًا وَجَعَلَ النَّهَارَ نُشُورًا (۴۷)

و اوست که شب را برای شما پوشش، و خواب را مایه استراحت و آرامش، و روز را [زمان] پراکنده شدن [جهت فعالیت و کوشش] قرار داد. (۴۷)

وَهُوَ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيَاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ وَأَنزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا (۴۸)

و اوست که بادها را پیشاپیش [باران] رحمتش به عنوان مژده دهنده باران فرستاد، و از آسمان آبی پاک و پاک کننده نازل کردیم. (۴۸)

لِّنُحْيِيَ بِهِ بَلْدَةً مَّيْتًا وَنُسْقِيَهُ مِمَّا خَلَقْنَا أَنْعَامًا وَأَنَاسِيَّ كَثِيرًا (۴۹)

تا به وسیله آن سرزمینی مرده را زنده کنیم و آن را به آفریده های خود از دام ها ومردمان بسیار بنوشانیم. (۴۹)

وَلَقَدْ صَرَّفْنَاهُ بَيْنَهُمْ لِيَذَّكَّرُوا فَأَبَى أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا (۵۰)

ما باران را میان آنان [از منطقه ای به منطقه دیگر] گرداندیم تا متذکّر [قدرت و رحمت من] شوند، ولی بیشتر مردم جز به ناسپاسی و کفران رضایت ندادند. (۵۰)

وَلَوْ شِئْنَا لَبَعَثْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ نَّذِيرًا (۵۱)

و اگر می خواستیم حتماً در هر شهری [پیامبری] بیم دهنده مبعوث می کردیم [ولی به سبب کمال و جامعیّت، پیامبری را به تو ختم کردیم.] (۵۱)

فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُم بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا (۵۲)

پس کافران را [که انتظار دارند از ابلاغ وحی باز ایستی،] فرمان مبر و به وسیله این [قرآن] با آنان جهاد [ی فرهنگی و تبلیغی] کن. (۵۲)

وَهُوَ الَّذِي مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا وَحِجْرًا مَّحْجُورًا (۵۳)

و اوست که دو دریا را به هم آمیخت، این خوش طعم و گوارا، و این شور و تلخ است، ومیان آن دو مانع و حایل و سدّی نفوذناپذیر واستوار قرار داد [تا به هم مخلوط نشوند.] (۵۳)

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا (۵۴)

و اوست که از آب، بشری آفرید و او را دارای [دو نوع پیوند] نسبی و سببی کرد؛ و پروردگارت همواره تواناست. (۵۴)

وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنفَعُهُمْ وَلَا يَضُرُّهُمْ وَكَانَ الْكَافِرُ عَلَى رَبِّهِ ظَهِيرًا (۵۵)

و به جای خدا چیزهایی می پرستند که نه سودشان می دهد ونه زیانشان می رساند؛ و کافر همواره بر ضد پروردگارش پشتیبان و یار [شیطان] است. (۵۵)

ص: ۳۶۴

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا (۵۶)

تو را جز مژده رسان و بیم دهنده نفرستادیم. (۵۶)

قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَن شَاءَ أَن يَتَّخِذَ إِلَى رَبِّهِ سَبِيلًا (۵۷)

بگو: من از شما [در برابر تبلیغ دین هیچ] پاداشی نمی خواهم، جز اینکه هر که بخواهد [می تواند از برکت هدایت من] راهی

به سوی پروردگارش بگیرد. (۵۷)

وَتَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَسَبِّحْ بِحَمْدِهِ وَكَفَى بِهِ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا (۵۸)

و بر آن زنده ای که هرگز نمی میرد توکل کن، و او را همراه با ستایش تسبیح گوی، و کافی است که او به گناهان بندگانش آگاه باشد. (۵۸)

الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ الرَّحْمَنُ فَاسْأَلْ بِهِ خَبِيرًا (۵۹)

همان که آسمان ها و زمین و آنچه را میان آنهاست در شش روز آفرید، آن گاه بر تخت فرمانروایی و تدبیر امور آفرینش چیره و مسلط شد، او رحمان است پس [ای انسان! درباره خدا و کیفیت آفرینش جهان هستی] از خبیر آگاهی بپرس. (۵۹)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اسْجُدُوا لِلرَّحْمَنِ قَالُوا وَمَا الرَّحْمَنُ أَنَسْجُدُ لِمَا تَأْمُرُنَا وَزَادَهُمْ نُفُورًا (۶۰)

و هنگامی که به آنان گویند: برای رحمان سجده کنید، می گویند: رحمان چیست؟! آیا برای چیزی که تو فرمان می دهی، سجده کنیم؟ و [دعوت تو] بر رمیدگی و نفرتشان می افزاید. (۶۰)

تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَجَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا وَقَمَرًا مُّنِيرًا (۶۱)

همیشه سودمند و با برکت است آنکه در آسمان برج هایی قرار داد، و در آن چراغی روشن وماهی تابان پدید آورد. (۶۱)

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خِلْفَةً لِّمَنْ أَرَادَ أَن يَذَّكَّرَ أَوْ أَرَادَ شُكُورًا (۶۲)

و اوست که برای کسی که بخواهد متذکّر [هوشیار حقایق] شود یا بخواهد سپاس گزاری کند، شب و روز را جانشین یکدیگر قرار داد. (۶۲)

وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا (۶۳)

و بندگان رحمان کسانی اند که روی زمین با آرامش و فروتنی راه می روند، و هنگامی که نادانان آنان را طرف خطاب قرار می دهند [در پاسخشان] سخنانی مسالمت آمیز می گویند، (۶۳)

وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا (۶۴)

و آنان که شب را برای پروردگارشان با سجده و قیام به صبح می رسانند، (۶۴)

وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا (۶۵)

و آنان که می گویند: پروردگارا! عذاب [دوزخ] را از ما بگردان که مسلماً عذاب آن پایدار و همیشگی است. (۶۵)

إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا (۶۶)

قطعاً دوزخ بد قرارگاه و بد اقامت گاهی است. (۶۶)

وَالَّذِينَ إِذَا أَنفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا (۶۷)

و آنان که وقتی انفاق می کننـد، نه از حدّ معمول [و متعارف] می گذرنـد و نه تنگ می گیرند، و [انفاقشان] همواره میان این دو در حدّ اعتدال است. (۶۷)

ص: ۳۶۵

وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَن يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا (۶۸)

و آنان که معبود دیگری را با خـدا نمی پرسـتند، و کسـی را که خـدا خونش را حرام کرده است، جز به حق نمی کشـند، و زنا نمی کنند؛ و کسی که این اعمال را مرتکب شود به کیفر سختی برسد. (۶۸)

يُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَهِ وَيَخْلُدْ فِيهِ مُهَانًا (۶۹)

روز قیامت عذابش دو چندان شود، و در آن با خواری و سرشکستگی جاودانه ماند. (۶۹)

إِلَّا مَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا (۷۰)

مگر آنان که توبه کننـد و ایمان آورنـد و کار شایسـته انجام دهنـد، که خدا بدی هایشان را به خوبی ها تبدیل می کند؛ و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (۷۰)

وَمَن تَابَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَإِنَّهُ يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ مَتَابًا (۷۱)

و هر که توبه کند و کار شایسته انجام دهد قطعاً به صورتی پسندیده و نیکو به سوی خدا باز می گردد. (۷۱)

وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا (۷۲)

و آنـان که در مجلس غنـا و دروغ پردازی و امور باطل حاضـر نمی شونـد، و هنگامی که بر گفتار و کردار لغو می گذرنـد، با بزرگواری و متانت می گذرند، (۷۲)

وَالَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَمْ يَخِرُّوا عَلَيْهَا صُمًّا وَعُمْيَانًا (۷۳)

و آنـان که وقتی به آیات پروردگارشان پنـدشان دهنـد، در برابر آن با حالت کری و کوری نمی افتنـد، [بلکه با گوش شـنوا و چشم بصیرت به آن دل می دهند.] (۷۳)

وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّهَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا (۷۴)

و آنان که می گویند: پروردگارا! ما را از سوی همسران و فرزندانمان خوشدلی و خوشحالی بخش، و ما را پیشوای پرهیزکاران قرار ده. (۷۴)

أُولَئِکَ یُجْزَوْنَ الْغُرْفَهَ بِمَا صَبَرُوا وَیُلَقَّوْنَ فِیهَا تَحِیَّهً وَسَلَامًا (۷۵)

اینانند که به خاطر صبری که [در برابر حوادث و اجرای تکالیف الهی] از خود نشان دادند با [برترین] مکان ها [ی بهشت] پاداششان می دهند، و در آن با درود و سلامی [از سوی خدا و فرشتگان] روبرو می شوند. (۷۵)

خَالِدِینَ فِیهَا حَسُنَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا (۷۶)

در آنجا جاودانه اند. نیکو قرارگاه و خوب اقامت گاهی است. (۷۶)

قُلْ مَا یَعْبَأُ بِکُمْ رَبِّی لَوْلَا دُعَاؤُکُمْ فَقَدْ کَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ یَکُونُ لِزَامًا (۷۷)

بگو: اگر دعایتان نباشد پروردگارم به شما ارجی ننهد، پس شما که [قاطعانه آیات خدا و پیامبرش را] تکذیب کردید، [کیفر این تکذیب برای همیشه] ملازم [شما] خواهد بود. (۷۷)

ص: ۳۶۶

سوره الشعراء

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ طسم (۱)

طسم (۱)

تِلْکَ آیَاتُ الْکِتَابِ الْمُبِینِ (۲)

این است آیات [با عظمت این] کتاب روشنگر. (۲)

لَعَلَّکَ بَاخِعٌ نَّفْسَکَ أَلَّا یَکُونُوا مُؤْمِنِینَ (۳)

شاید تو می خواهی برای اینکه آنان ایمان نمی آورند، خود را از شدت اندوه هلاک کنی! (۳)

إِن نَّشَأْ نُنَزِّلْ عَلَیْهِم مِّنَ السَّمَاءِ آیَهً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِینَ (۴)

اگر بخواهیم، معجزه ای بزرگ از آسمان بر آنان نازل می کنیم که فروتنانه و بی اختیار در برابرش گردن نهند، (۴)

وَمَا يَأْتِيهِم مِّن ذِكْرٍ مِّنَ الرَّحْمَنِ مُحْدَثٍ إِلَّا كَانُوا عَنْهُ مُعْرِضِينَ (۵)

هيچ [مايه] تذكر جديدى از سوى [خداى] رحمان براى آنان نمى آيد، مگر آنكه از آن روى گردان مى شوند. (۵)

فَقَدْ كَذَّبُوا فَسَيَأْتِيهِمْ أَنبَاءُ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (۶)

همانا [آيات و وعده هاى ما را] تكذيب كردند [تا جايى كه آنها را به مسخره گرفتند] پس به زودى خبرهاى [مهم] آنچه كه آن را مسخره مى كردند [از حقّانيّت آيات، وعده هاى ما و تحقّق عذاب هاى دنيايى و آخرتى] به آنان مى رسد. (۶)

أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الْأَرْضِ كَمْ أَنبَتْنَا فِيهَا مِن كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ (۷)

آيا [با تأمل] به اين زمين ننگريستند كه در آن چه بسيار از هر نوع [گياهان و درختان] نيكو رویانديم؟ (۷)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ (۸)

يقيناً در اين [رويانـدن انواع نباتات] نشانه اى است [بر قدرت، ربوبيّت خدا و اينكه مردگان را زنده مى كند] ولى بيشترشان [به خاطر رسوخ كبر و لجاجت در باطنشان] ايمان آور نبوده و نيستند. (۸)

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (۹)

و يقيناً پروردگارت همان تواناى شكست ناپذير مهربان است. (۹)

وَإِذْ نَادَى رَبُّكَ مُوسَى أَنِ ائْتِ الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۱۰)

[ياد كن] هنگامى را كه پروردگارت موسى را ندا داد كه خود را به قوم ستمكار برسان. (۱۰)

قَوْمَ فِرْعَوْنَ أَلَا يَتَّقُونَ (۱۱)

[به سوى] قوم فرعون [كه به آنان بگويى:] آيا [از سرانجام شرك و طغيان كه خشم و عذاب خداست] نمى پرهيزيد؟! (۱۱)

قَالَ رَبِّ إِنِّي أَخَافُ أَن يُكَذِّبُونِ (۱۲)

گفت: پروردگارا! به راستى مى ترسم مرا تكذيب كنند، (۱۲)

وَيَضِيقُ صَدْرِي وَلَا يَنطَلِقُ لِسَانِي فَأَرْسِلْ إِلَى هَارُونَ (۱۳)

و سينه ام [از اين وظيفه سنگين] تنگى مى كند، و زبانم روان و گويا نمى شود، پس به سوى هارون هم [پيام نبوّت] بفرست [تا مرا در اين وظيفه سنگين يارى دهد.] (۱۳)

وَلَهُمْ عَلَيَّ ذَنبٌ فَأَخَافُ أَن يَقْتُلُونِ (۱۴)

و آنان را بر من ادعای جرمی است که می ترسم [به سبب آن] مرا بکشند. (۱۴)

قَالَ كَلَّا فَاذْهَبَا بِآيَاتِنَا إِنَّا مَعَكُم مُّسْتَمِعُونَ (۱۵)

[خدا] گفت: این چنین نیست [که فرعون بر تو پیروز شود] پس شما دو نفر معجزات ما را ببرید که یقیناً ما همراه شما شنونده [گفتار هر دو طرف] هستیم [پس شما دو نفر را بر پایه دلیل و برهان و معجزه بر آنان پیروز می کنیم.] (۱۵)

فَأْتِيَا فِرْعَوْنَ فَقُولَا إِنَّا رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۱۶)

بنابراین خود را به فرعون برسانید و بگویید: یقیناً ما فرستاده پروردگار جهانیانیم. (۱۶)

أَنْ أَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ (۱۷)

با این وصف، بنی اسرائیل را [آزاد کن و] با ما بفرست. (۱۷)

قَالَ أَلَمْ نُرَبِّكَ فِينَا وَلِيدًا وَلَبِثْتَ فِينَا مِنْ عُمُرِكَ سِنِينَ (۱۸)

[فرعون] گفت: آیا ما تو را در کودکی در میان خود نپروراندیم، و سالیانی چند از عمر خود در میان ما درنگ نکردی؟ (۱۸)

وَفَعَلْتَ فَعْلَتَكَ الَّتِي فَعَلْتَ وَأَنتَ مِنَ الْكَافِرِينَ (۱۹)

و آن کارت را که کردی، کردی در حالی که از ناسپاسان [زحمات و نعمت های ما] بودی. (۱۹)

ص: ۳۶۷

قَالَ فَعَلْتُهَا إِذًا وَأَنَا مِنَ الضَّالِّينَ (۲۰)

گفت: آن را در آن زمان در حالی انجام دادم که بی خبر از این واقعه بودم [که با مشت من در دفاع از مظلوم، آن مرد قبطی کشته می شود.] (۲۰)

فَفَرَرْتُ مِنكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُرْسَلِينَ (۲۱)

چون از شما ترسیدم از دستتان گریختم، پس [با این گریز از عرصه زندگی ظالمانه شما این شایستگی را یافتم که] پروردگارم به من حکمت بخشید، و مرا از پیامبران قرار داد. (۲۱)

وَتِلْكَ نِعْمَةٌ تَمُنُّهَا عَلَيَّ أَنْ عَبَّدتَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ (۲۲)

آیا اینکه بنی اسرائیل را به بردگی گرفته ای نعمتی است که منتش را بر من می نهی؟! (۲۲)

قَالَ فِرْعَوْنُ وَمَا رَبُّ الْعَالَمِينَ (۲۳)

فرعون گفت: پروردگار جهانیان چیست؟ (۲۳)

قَالَ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِن كُنتُم مُّوقِنِينَ (۲۴)

گفت: اگر باور می کنید همان پروردگار آسمان ها و زمین و آنچه میان آنهاست. (۲۴)

قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْتَمِعُونَ (۲۵)

[فرعون از روی مسخره] به افراد پیرامونش گفت: آیا نمی شنوید [که چه می گوید؟!] (۲۵)

قَالَ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ (۲۶)

[موسی] گفت: [او] پروردگار شما وپروردگار پدران پیشین شماست. (۲۶)

قَالَ إِنَّ رَسُولَكُمُ الَّذِي أُرْسِلَ إِلَيْكُمْ لَمَجْنُونٌ (۲۷)

[فرعون] گفت: این پیامبرتان که به سوی شما فرستاده اند، حتماً مجنون است! (۲۷)

قَالَ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِن كُنتُمْ تَعْقِلُونَ (۲۸)

[موسی] گفت: پروردگار مشرق و مغرب و آنچه میان آنهاست، اگر می اندیشید. (۲۸)

قَالَ لَئِنِ اتَّخَذْتَ إِلَهًا غَيْرِي لَأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ (۲۹)

[فرعون] گفت: اگر معبودی جز من بگیری، قطعاً تو را از زندانیان [که زیر سخت ترین شکنجه اند] قرار خواهم داد. (۲۹)

قَالَ أَوَلَوْ جِئْتُكَ بِشَيْءٍ مُّبِينٍ (۳۰)

[موسی] گفت: آیا اگر [بر صدق نبوتم] معجزه آشکاری برایت آورده باشم [باز هم مرا به زندان می افکنی؟] (۳۰)

قَالَ فَأْتِ بِهِ إِن كُنتَ مِنَ الصَّادِقِينَ (۳۱)

گفت: اگر راستگویی آن را بیاور. (۳۱)

فَأَلْقَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ (۳۲)

پس عصایش را انداخت و ناگهان اژدهایی حقیقی نمایان شد، (۳۲)

وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّاظِرِينَ (۳۳)

و دستش را [از گریبانش] بیرون آورد و ناگهان برای بینندگان سپید و روشن بود. (۳۳)

قَالَ لِلْمَلَإِ حَوْلَهُ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ (۳۴)

[فرعون] به سران و اشراف پیرامونش گفت: یقیناً این جادوگری بسیار ماهر و داناست! (۳۴)

يُرِيدُ أَن يُخْرِجَكُم مِّنْ أَرْضِكُم بِسِحْرِهِ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ (۳۵)

می خواهد با جادویش شما را از سرزمینتان بیرون کند، پس شما چه نظر می دهید؟ (۳۵)

قَالُوا أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَابْعَثْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ (۳۶)

گفتند: کار او و برادرش را به تأخیر انداز و گروهی گردآورنده را به شهرها روانه کن، (۳۶)

يَأْتُوكَ بِكُلِّ سَحَّارٍ عَلِيمٍ (۳۷)

تا هر جادوگر کاردان بسیار دانایی را نزد تو آورند. (۳۷)

فَجُمِعَ السَّحَرَةُ لِمِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ (۳۸)

پس همه جادوگران را در وعده گاه روزی معین گرد آوردند، (۳۸)

وَقِيلَ لِلنَّاسِ هَلْ أَنتُم مُّجْتَمِعُونَ (۳۹)

و به همه مردم گفتند: آیا شما هم اجتماع خواهید کرد؟ (۳۹)

ص: ۳۶۸

لَعَلَّنَا نَتَّبِعُ السَّحَرَةَ إِن كَانُوا هُمُ الْغَالِبِينَ (۴۰)

به امید آنکه اگر جادوگران پیروز شدند، از آنان پیروی کنیم. (۴۰)

فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ قَالُوا لِفِرْعَوْنَ أَئِنَّ لَنَا لَأَجْرًا إِن كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ (۴۱)

پس هنگامی که جادوگران آمدند، به فرعون گفتند: آیا اگر ما پیروز شویم، حتماً برای ما پاداشی شایسته خواهد بود؟ (۴۱)

قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ إِذًا لَّمِنَ الْمُقَرَّبِينَ (۴۲)

گفت: آری، و در آن صورت مسلماً از مقربان [درگاه] خواهید شد. (۴۲)

قَالَ لَهُم مُّوسَى أَلْقُوا مَا أَنتُم مُّلْقُونَ (۴۳)

موسی به جادوگران گفت: بیفکنید آنچه را قصد دارید، بیفکنید. (۴۳)

فَأَلْقَوْا حِبَالَهُمْ وَعِصِيَّهُمْ وَقَالُوا بِعِزَّةِ فِرْعَوْنَ إِنَّا لَنَحْنُ الْغَالِبُونَ (۴۴)

پس ریسمان ها و عصاهایشان را افکندند، و گفتند: به عزت فرعون سوگند که به راستی ما به طور مسلّم پیروزیم. (۴۴)

فَأَلْقَى مُوسَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ (۴۵)

پس موسی عصایش را افکند، ناگاه آنچه را جادوگران با نیرنگ [و به صورت غیر واقعی] ساخته بودند، بلعید. (۴۵)

فَأُلْقِيَ السَّحَرَةُ سَاجِدِينَ (۴۶)

پس جادوگران [از هیبت و عظمت این معجزه که یافتند کاری خدایی است نه جادویی] به سجده افتادند. (۴۶)

قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ (۴۷)

گفتند: ما به پروردگار جهانیان ایمان آوردیم، (۴۷)

رَبِّ مُوسَى وَهَارُونَ (۴۸)

پروردگار موسی و هارون. (۴۸)

قَالَ آمَنتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَسَوْفَ تَعْلَمُونَ لَأُقَطِّعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُم مِّنْ خِلَافٍ وَلَأُصَلِّبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ (۴۹)

فرعون گفت: پیش از آنکه به شما اجازه دهم به او ایمان آوردید، حتماً او بزرگ شماست که جادوگری را به شما آموخته است، پس به زودی خواهید دانست که مسلماً دست ها و پاهای شما را یکی از راست و یکی از چپ قطع خواهم کرد، و یقیناً همه شما را به دار خواهم آویخت. (۴۹)

قَالُوا لَا ضَيْرَ إِنَّا إِلَى رَبِّنَا مُنقَلِبُونَ (۵۰)

گفتند: [در این شکنجه و عذاب] هیچ زیان و باکی [بر ما] نیست، یقیناً ما به سوی پروردگارمان باز می گردیم، (۵۰)

إِنَّا نَطْمَعُ أَن يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطَايَانَا أَن كُنَّا أَوَّلَ الْمُؤْمِنِينَ (۵۱)

قطعاً ما امیدواریم که چون نخستین ایمان آورندگان [از این قوم] بودیم، پروردگارمان خطاهای ما را بیامرزد. (۵۱)

وَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي إِنَّكُم مُّتَّبَعُونَ (۵۲)

و به موسی وحی کردیم که بندگان مرا شبانه کوچ بده که حتماً دشمنان از پی شما خواهند آمد. (۵۲)

فَأَرْسَلَ فِرْعَوْنُ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ (۵۳)

پس فرعون گروهی گردآورنده را [برای جمع کردن نیرو] به شهرها فرستاد (۵۳)

إِنَّ هَؤُلَاءِ لَشِرْذِمَةٌ قَلِيلُونَ (۵۴)

[و گفت:] مسلماً اینان [که بر ضد من برخاسته اند] گروهی اندکند، (۵۴)

وَإِنَّهُمْ لَنَا لَغَائِظُونَ (۵۵)

و همانا ما را همواره [با اعمالشان] به خشم می آورند، (۵۵)

وَإِنَّا لَجَمِيعٌ حَاذِرُونَ (۵۶)

و ما گروهی هوشیار و آماده باش و مهیای دفاعیم. (۵۶)

فَأَخْرَجْنَاهُم مِّن جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ (۵۷)

پس ما آنان را [به دنبال بنی اسرائیل] از باغ ها و چشمه سارها [که نعمت های ما در سرزمین مصر بود] بیرون کردیم. (۵۷)

وَكُنُوزٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ (۵۸)

واز گنج ها ومکان های نیکو [وقصرهای باشکوه بیرون کردیم]. (۵۸)

كَذَلِكَ وَأَوْرَثْنَاهَا بَنِي إِسْرَائِيلَ (۵۹)

این گونه [نعمت های خود را از چنگ آنان بیرون آوردیم] و آنها را به بنی اسرائیل به میراث دادیم. (۵۹)

فَأَتْبَعُوهُم مُّشْرِقِينَ (۶۰)

فرعونیان هنگام طلوع آفتاب آنان را دنبال کردند. (۶۰)

فَلَمَّا تَرَاءَى الْجَمْعَانِ قَالَ أَصْحَابُ مُوسَى إِنَّا لَمُدْرَكُونَ (۶۱)

چون آن دو گروه یکدیگر را دیدند، اصحاب موسی گفتند: حتماً ما به چنگ آنان خواهیم افتاد. (۶۱)

قَالَ كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ (۶۲)

موسی گفت: این چنین نیست، بی تردید پروردگارم با من است، و به زودی مرا هدایت خواهد کرد. (۶۲)

فَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنِ اضْرِب بِّعَصَاكَ الْبَحْرَ فَانفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ (۶۳)

پس به موسی وحی کردیم که عصایت را به این دریا بزن. [موسی عصایش را به دریا زد] پس [دریا] از هم شکافت و هر پاره اش چون کوهی بزرگ بود. (۶۳)

وَأَزْلَفْنَا ثَمَّ الْآخَرِينَ (۶۴)

و آن گروه دیگر را [هم در آنجا] به دریا نزدیک کردیم، (۶۴)

وَأَنجَيْنَا مُوسَى وَمَن مَّعَهُ أَجْمَعِينَ (۶۵)

و موسی و هر که با او بود، همه را نجات دادیم. (۶۵)

ثُمَّ أَغْرَقْنَا الْآخَرِينَ (۶۶)

آن گاه آن گروه دیگر را غرق کردیم. (۶۶)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ (۶۷)

بی تردید در این سرگذشت عبرتی بزرگ وجود دارد، و [قوم قبطی] بیشترشان مؤمن نبودند. (۶۷)

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (۶۸)

و یقیناً پروردگارت همان توانای شکست ناپذیر و مهربان است. (۶۸)

وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ إِبْرَاهِيمَ (۶۹)

و سرگذشت مهم ابراهیم را بر آنان بخوان، (۶۹)

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا تَعْبُدُونَ (٧٠)

هنگامی که به پدرش وقومش گفت: چه چیز را می پرستید؟ (٧٠)

قَالُوا نَعْبُدُ أَصْنَامًا فَنَظَلُّ لَهَا عَاكِفِينَ (٧١)

گفتند: بت هایی را می پرستیم و همواره ملازم پرستش آنها هستیم. (٧١)

قَالَ هَلْ يَسْمَعُونَكُمْ إِذْ تَدْعُونَ (٧٢)

گفت: آیا هنگامی که آنها را می خوانید، سخن شما را می شنوند؟ (٧٢)

أَوْ يَنفَعُونَكُمْ أَوْ يَضُرُّونَ (٧٣)

یا به شما سود و زیانی می رسانند؟ (٧٣)

قَالُوا بَلْ وَجَدْنَا آبَاءَنَا كَذَلِكَ يَفْعَلُونَ (٧٤)

گفتند: نه، بلکه پدرانمان را یافتیم که به این صورت عبادت می کردند! (٧٤)

قَالَ أَفَرَأَيْتُم مَّا كُنتُمْ تَعْبُدُونَ (٧٥)

گفت: پس آیا می دانید که آنچه می پرستید، (٧٥)

أَنتُمْ وَآبَاؤُكُمُ الْأَقْدَمُونَ (٧٦)

هم شما و هم پدران پیشین شما (٧٦)

فَإِنَّهُمْ عَدُوٌّ لِّي إِلَّا رَبَّ الْعَالَمِينَ (٧٧)

هم آنان قطعاً دشمن منند [چون اگر آنها را بپرستم، مرا دچار عذاب جاودانه خواهند کرد]، جز پروردگار جهانیان [که پرستیدنش مایه سعادت همیشگی و جاودانی است.] (٧٧)

الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ (٧٨)

همان کسی که مرا آفرید و هم او مرا هدایت می کند، (٧٨)

وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ (٧٩)

و آنکه او طعامم می دهد و سیرابم می کند (۷۹)

وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ (۸۰)

و هنگامی که بیمار می شوم، او شفایم می دهد (۸۰)

وَالَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ (۸۱)

و آنکه مرا می میراند سپس زنده ام می کند (۸۱)

وَالَّذِي أَطْمَعُ أَن يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ (۸۲)

و آنکه امید دارم روز جزا خطایم را بر من بیامرزد. (۸۲)

رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ (۸۳)

پروردگارا! به من حکمت بخش، و مرا به شایستگان ملحق کن. (۸۳)

ص: ۳۷۰

وَاجْعَل لِّي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ (۸۴)

و برای من در آیندگان نامی نیک و ستایشی والا مرتبه قرار ده، (۸۴)

وَاجْعَلْنِي مِن وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ (۸۵)

و مرا از وارثان بهشت پرنعمت گردان، (۸۵)

وَاغْفِرْ لِأَبِي إِنَّهُ كَانَ مِنَ الضَّالِّينَ (۸۶)

و پدرم را بیامرز که او از گمراهان است، (۸۶)

وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ يُبْعَثُونَ (۸۷)

و روزی که [مردگان] برانگیخته می شوند، رسوایم مکن؛ (۸۷)

يَوْمَ لَا يَنفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ (۸۸)

روزی که هیچ مال و اولادی سود نمی دهد، (۸۸)

إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ (٨٩)

مگر کسی که دلی سالم [از رذایل وخبایث] به پیشگاه خدا بیاورد، (٨٩)

وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ (٩٠)

و آن روز بهشت را برای پرهیزکاران نزدیک آورند، (٩٠)

وَبُرِّزَتِ الْجَحِيمُ لِلْغَاوِينَ (٩١)

و آتش برافروخته را برای گمراهان آشکار کنند، (٩١)

وَقِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنتُمْ تَعْبُدُونَ (٩٢)

و به آنان گویند: آنچه را می پرستیدید، کجایند؟ (٩٢)

مِن دُونِ اللَّهِ هَلْ يَنصُرُونَكُمْ أَوْ يَنتَصِرُونَ (٩٣)

[معبودانی را] به جای خدا؟! آیا شما را [برای رهایی از آتش] یاری می دهند؟ یا از خود می توانند دفع عذاب کنند؟ (٩٣)

فَكُبْكِبُوا فِيهَا هُمْ وَالْغَاوُونَ (٩٤)

پس آن بت ها و گمراهان [که آنها را می پرستیدند] به رو در آتش افروخته افکنده می شوند، (٩٤)

وَجُنُودُ إِبْلِيسَ أَجْمَعُونَ (٩٥)

با همه سپاهیان ابلیس، (٩٥)

قَالُوا وَهُمْ فِيهَا يَخْتَصِمُونَ (٩٦)

در حالی که در آن [آتش افروخته] با هم ستیز و نزاع می کنند [و به بتان] می گویند: (٩٦)

تَاللَّهِ إِن كُنَّا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (٩٧)

به خدا سوگند که ما در گمراهی آشکاری بودیم، (٩٧)

إِذْ نُسَوِّيكُم بِرَبِّ الْعَالَمِينَ (٩٨)

که شما را با پروردگار جهانیان برابر و مساوی قرار می دادیم، (٩٨)

وَمَا أَضَلَّنَا إِلَّا الْمُجْرِمُونَ (۹۹)

و ما را جز مجرمان [خائن] گمراه نکردند، (۹۹)

فَمَا لَنَا مِن شَافِعِينَ (۱۰۰)

در نتیجه برای ما نه شفیعانی است، (۱۰۰)

وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ (۱۰۱)

و نه یک دوست نزدیک و صمیمی، (۱۰۱)

فَلَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (۱۰۲)

پس ای کاش برای ما بازگشتی [به دنیا] بود تا از مؤمنان می شدیم. (۱۰۲)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ (۱۰۳)

بی تردید در این سرگذشت، عبرتی بزرگ وجود دارد، و [قوم ابراهیم] بیشترشان مؤمن نبودند، (۱۰۳)

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (۱۰۴)

و یقیناً پروردگارت همان توانای شکست ناپذیر و مهربان است. (۱۰۴)

كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ الْمُرْسَلِينَ (۱۰۵)

قوم نوح پیامبران را تکذیب کردند، (۱۰۵)

إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ (۱۰۶)

هنگامی که برادرشان نوح به آنان گفت: آیا [از سرانجام شرک و طغیان که خشم و عذاب خداست] نمی پرهیزید؟ (۱۰۶)

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ (۱۰۷)

بی تردید من برای شما فرستاده ای امینم، (۱۰۷)

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ (۱۰۸)

بنابراین از خدا پروا کنید و از من فرمان ببرید، (۱۰۸)

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِیَ إِلَّا عَلَی رَبِّ الْعَالَمِينَ (١٠٩)

و من از شما بر ابلاغ رسالتم هیچ پاداشی نمی خواهم، پاداش من فقط بر عهده پروردگار جهانیان است، (١٠٩)

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ (١١٠)

بنابراین از خدا پروا کنید و از من فرمان ببرید. (١١٠)

قَالُوا أَنُؤْمِنُ لَکَ وَاتَّبَعَکَ الْأَرْذَلُونَ (١١١)

گفتند: آیا ما به تو ایمان بیاوریم در حالی که فرومایگان از تو پیروی کرده اند؟! (١١١)

ص: ٣٧١

قَالَ وَمَا عِلْمِی بِمَا کَانُوا يَعْمَلُونَ (١١٢)

[نوح] گفت: مرا از آنچه آنان انجام می داده اند، چه اطلاعی است؟ (١١٢)

إِنْ حِسَابُهُمْ إِلَّا عَلَی رَبِّی لَوْ تَشْعُرُونَ (١١٣)

حسابشان اگر واقعاً درک می کنید، جز بر عهده پروردگارم نیست، (١١٣)

وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الْمُؤْمِنِينَ (١١٤)

و من طرد کننده مؤمنان نخواهم بود، (١١٤)

إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ (١١٥)

من جز بیم دهنده ای آشکار نیستم. (١١٥)

قَالُوا لَئِن لَّمْ تَنتَهِ يَا نُوحُ لَتَکُونَنَّ مِنَ الْمَرْجُومِينَ (١١٦)

گفتند: ای نوح! اگر [از ابلاغ دین] باز نایستی، یقیناً از سنگسار شدگان خواهی بود! (١١٦)

قَالَ رَبِّ إِنَّ قَوْمِی کَذَّبُونِ (١١٧)

گفت: پروردگارا! همانا قوم من مرا تکذیب کردند، (١١٧)

فَافْتَحْ بَيْنِی وَبَيْنَهُمْ فَتْحًا وَنَجِّنِی وَمَن مَّعِیَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (١١٨)

پس میان من و آنان چنانکه سزاوار است داوری کن و من و کسانی که از مؤمنان با من هستند از چنگ آنان نجات ده. (۱۱۸)

فَأَنجَيْنَاهُ وَمَن مَّعَهُ فِي الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ (۱۱۹)

پس او و کسانی را که با او در آن کشتی مملو [از سرنشینان، جنبندگان، متاع و ابزار] بود نجات دادیم، (۱۱۹)

ثُمَّ أَغْرَقْنَا بَعْدُ الْبَاقِينَ (۱۲۰)

آن گاه بعد از آن، همه باقی ماندگان را غرق کردیم. (۱۲۰)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ (۱۲۱)

بی تردید در این سرگذشت، عبرتی بزرگ وجود دارد، و [قوم نوح] بیشترشان مؤمن نبودند، (۱۲۱)

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (۱۲۲)

و یقیناً پروردگارت همان توانای شکست ناپذیر و مهربان است. (۱۲۲)

كَذَّبَتْ عَادٌ الْمُرْسَلِينَ (۱۲۳)

قوم عاد پیامبران را تکذیب کردند، (۱۲۳)

إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ هُودٌ أَلَا تَتَّقُونَ (۱۲۴)

هنگامی که برادرشان هود به آنان گفت: آیا [از سرانجام شرک و طغیان که خشم و عذاب خداست] نمی پرهیزید؟ (۱۲۴)

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ (۱۲۵)

بی تردید من برای شما فرستاده ای امینم، (۱۲۵)

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ (۱۲۶)

بنابراین از خدا پروا کنید و از من فرمان ببرید، (۱۲۶)

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ (۱۲۷)

و من از شما بر ابلاغ رسالتم هیچ پاداشی نمی خواهم، پاداش من فقط بر عهده پروردگار جهانیان است، (۱۲۷)

أَتَبْنُونَ بِكُلِّ رِيعٍ آيَةً تَعْبَثُونَ (۱۲۸)

آیا شما بر روی هر مکان بلندی به بیهوده کاری و بدون نیاز، برجی عظیم و برافراشته بنا می کنید؟ (۱۲۸)

وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ (۱۲۹)

و قلعه ها و کاخ های استوار و مجلل برمی گیرید، که شاید جاودانه بمانید؟ (۱۲۹)

وَإِذَا بَطَشْتُم بَطَشْتُمْ جَبَّارِينَ (۱۳۰)

و چون کسی را با شدت و قهر می گیرید ظالمانه و زورمدارانه می گیرید [بدون اینکه در عاقبت کار بیندیشید.] (۱۳۰)

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ (۱۳۱)

بنابراین از خدا پروا کنید واز من فرمان ببرید، (۱۳۱)

وَاتَّقُوا الَّذِي أَمَدَّكُم بِمَا تَعْلَمُونَ (۱۳۲)

واز کسی که شما را به وسیله آنچه خود می دانید یاری داده، پروا کنید، (۱۳۲)

أَمَدَّكُم بِأَنْعَامٍ وَبَنِينَ (۱۳۳)

به وسیله چهارپایان و فرزندانی، به شما یاری داده است. (۱۳۳)

وَجَنَّاتٍ وَعُيُونٍ (۱۳۴)

و [به وسیله] بوستان ها و چشمه سارها، (۱۳۴)

إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ (۱۳۵)

بی تردید من بر شما از عذاب روزی بزرگ می ترسم. (۱۳۵)

قَالُوا سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَوَعَظْتَ أَمْ لَمْ تَكُن مِّنَ الْوَاعِظِينَ (۱۳۶)

گفتند: تو پند و اندرز دهی یا ندهی برای ما یکسان است!! (۱۳۶)

ص: ۳۷۲

إِنْ هَذَا إِلَّا خُلُقُ الْأَوَّلِينَ (۱۳۷)

این [پند و اندرزها و تقسیم امور به حلال و حرام] جز شیوه پیشینیان [که اهل واپس گرایی و خرافات بودند] نیست، (۱۳۷)

وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ (۱۳۸)

و ما گرفتار عذابی [که تو ما را از آن بیم می دهی] نخواهیم شد. (۱۳۸)

فَكَذَّبُوهُ فَأَهْلَكْنَاهُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ (۱۳۹)

پس او را تکذیب کردند، و در نتیجه هلاکشان کردیم. بی تردید در این سرگذشت عبرتی بزرگ وجود دارد و [قوم هود] بیشترشان مؤمن نبودند، (۱۳۹)

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (۱۴۰)

و یقیناً پروردگارت همان توانای شکست ناپذیر و مهربان است. (۱۴۰)

كَذَّبَتْ ثَمُودُ الْمُرْسَلِينَ (۱۴۱)

قوم ثمود پیامبران را تکذیب کردند، (۱۴۱)

إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ صَالِحٌ أَلَا تَتَّقُونَ (۱۴۲)

هنگامی که برادرشان صالح به آنان گفت: آیا [از سرانجام شرک و طغیان که خشم و عذاب خداست] نمی پرهیزید؟ (۱۴۲)

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ (۱۴۳)

بی تردید من برای شما فرستاده ای امینم، (۱۴۳)

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ (۱۴۴)

بنابراین از خدا پروا کنید و از من فرمان ببرید، (۱۴۴)

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ (۱۴۵)

و من از شما بر ابلاغ رسالتم هیچ پاداشی نمی خواهم، پاداش من فقط بر عهده پروردگار جهانیان است، (۱۴۵)

أَتُتْرَكُونَ فِي مَا هَاهُنَا آمِنِينَ (۱۴۶)

آیا شما را در آنچه در این دنیا [از نعمت و رفاه هست] ایمن و آسوده [از تغییر و زوال] رهایتان خواهند کرد؟! (۱۴۶)

فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ (۱۴۷)

در بوستان ها و چشمه سارها، (۱۴۷)

وَزُرُوعٍ وَنَخْلٍ طَلْعُهَا هَضِيمٌ (۱۴۸)

و کشتزارها و درختان خرمایی که شکوفه هایشان انبوه و باطراوت و لطیف است؟ (۱۴۸)

وَتَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا فَارِهِينَ (۱۴۹)

و ماهرانه و هنرمندانه از کوه ها خانه هایی می تراشید؟ [به امید آنکه از هر آسیبی حتی مرگ در امان بمانید!!] (۱۴۹)

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ (۱۵۰)

بنابراین از خدا پروا کنید و مرا فرمان ببرید، (۱۵۰)

وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ (۱۵۱)

و از فرمان اسراف گران اطاعت نکنید، (۱۵۱)

الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ (۱۵۲)

همانان که در زمین فساد می کنند و به اصلاح گری نمی پردازند. (۱۵۲)

قَالُوا إِنَّمَا أَنتَ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ (۱۵۳)

گفتند: جز این نیست که تو از جادوشدگانی، (۱۵۳)

مَا أَنتَ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا فَأْتِ بِآيَةٍ إِن كُنتَ مِنَ الصَّادِقِينَ (۱۵۴)

تو جز بشری مانند ما نیستی، اگر راست می گویی معجزه ای بیاور. (۱۵۴)

قَالَ هَٰذِهِ نَاقَةٌ لَّهَا شِرْبٌ وَلَكُمْ شِرْبُ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ (۱۵۵)

گفت: این ماده شتری است [که به اذن خدا به عنوان معجزه من از دل کوه بیرون آمد] سهمی از آب [این چشمه] برای او، و سهم روز معینی برای شماست، (۱۵۵)

وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابُ يَوْمٍ عَظِيمٍ (۱۵۶)

آسیبی به او نرسانید که عذاب روزی بزرگ شما را فرا می گیرد. (۱۵۶)

فَعَقَرُوهَا فَأَصْبَحُوا نَادِمِينَ (۱۵۷)

پس ناقه را پی کردند و [از کار خود] پشیمان شدند، (۱۵۷)

فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ إِنَّ فِی ذَلِکَ لَآیَهً وَمَا کَانَ أَکْثَرُهُم مُّؤْمِنِینَ (۱۵۸)

در نتیجه عذاب آنان را فرا گرفت. بی تردید در این سرگذشت، عبرتی بزرگ وجود دارد و [قوم صالح] بیشترشان مؤمن نبودند، (۱۵۸)

وَإِنَّ رَبَّکَ لَهُوَ الْعَزِیزُ الرَّحِیمُ (۱۵۹)

و یقیناً پروردگارت همان توانای شکست ناپذیر و مهرباناست. (۱۵۹)

ص: ۳۷۳

کَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ الْمُرْسَلِینَ (۱۶۰)

قوم لوط پیامبران را تکذیب کردند، (۱۶۰)

إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ لُوطٌ أَلَا تَتَّقُونَ (۱۶۱)

هنگامی که که برادرشان لوط به آنان گفت: آیا [از سرانجام شرک و طغیان که خشم و عذاب خداست] نمی پرهیزید؟ (۱۶۱)

إِنِّی لَکُمْ رَسُولٌ أَمِینٌ (۱۶۲)

بی تردید من برای شما فرستاده ای امینم، (۱۶۲)

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِیعُونِ (۱۶۳)

بنابراین از خدا پروا کنید و از من فرمان ببرید، (۱۶۳)

وَمَا أَسْأَلُکُمْ عَلَیْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِیَ إِلَّا عَلَی رَبِّ الْعَالَمِینَ (۱۶۴)

و من از شما بر ابلاغ رسالتم هیچ پاداشی نمی خواهم، پاداش من فقط بر عهده پروردگار جهانیان است، (۱۶۴)

أَتَأْتُونَ الذُّکْرَانَ مِنَ الْعَالَمِینَ (۱۶۵)

آیا شما از میان جهانیان با مردان آمیزش می کنید؟!! (۱۶۵)

وَتَذَرُونَ مَا خَلَقَ لَكَمْ رَبُّكَم مِّنْ أَزْوَاجِكَم بَلْ أَنتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ (۱۶۶)

و آنچه را پروردگارتان برای شما از همسرانتان آفریده رها می کنید؟ [برای این کار زشت بی سابقه، دلیل و برهان استواری ندارید] بلکه شما گروهی تجاوزکار [از حدود خدا و مرزهای انسانیّت] هستید. (۱۶۶)

قَالُوا لَئِن لَّمْ تَنتَهِ يَا لُوطُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمُخْرَجِينَ (۱۶۷)

گفتند: ای لوط! اگر [از تبلیغ دین] باز نایستی، حتماً تبعید خواهی شد. (۱۶۷)

قَالَ إِنِّی لِعَمَلِكُم مِّنَ الْقَالِينَ (۱۶۸)

[لوط] گفت: بی تردید من از کار زشت شما به شدت متنفرم. (۱۶۸)

رَبِّ نَجِّنِی وَأَهْلِی مِمَّا يَعْمَلُونَ (۱۶۹)

پروردگارا! مرا و خانواده ام را [از آثار، وزر و وبال] آنچه انجام می دهند، نجات بده؛ (۱۶۹)

فَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ (۱۷۰)

پس ما او و خانواده اش همگی را نجات دادیم، (۱۷۰)

إِلَّا عَجُوزًا فِی الْغَابِرِينَ (۱۷۱)

مگر پیرزنی در [میان] باقی ماندگان، (۱۷۱)

ثُمَّ دَمَّرْنَا الْآخَرِينَ (۱۷۲)

سپس دیگران را نابود کردیم، (۱۷۲)

وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِم مَّطَرًا فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنذَرِينَ (۱۷۳)

و بارانی از سنگ گِل بر سر آنان باراندیم؛ پس بد بود باران بیم داده شدگان. (۱۷۳)

إِنَّ فِی ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ (۱۷۴)

بی تردید در این سرگذشت عبرتی بزرگ وجود دارد و قوم لوط بیشترشان مؤمن نبودند، (۱۷۴)

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (۱۷۵)

و یقیناً پروردگارت همان توانای شکست ناپذیر و مهربان است. (۱۷۵)

كَذَّبَ أَصْحَابُ الْأَيْكَهِ الْمُرْسَلِينَ (۱۷۶)

مردم اَیکه پیامبران را تکذیب کردند، (۱۷۶)

إِذْ قَالَ لَهُمْ شُعَيْبٌ أَلَا تَتَّقُونَ (۱۷۷)

هنگامی که شعیب به آنان گفت: آیا [از سرانجام شرك و طغیان که خشم و عذاب خداست] نمی پرهیزید؟ (۱۷۷)

إِنِّى لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ (۱۷۸)

بی تردید من برای شما فرستاده ای امینم، (۱۷۸)

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ (۱۷۹)

بنابراین از خدا پروا کنید و از من فرمان ببرید، (۱۷۹)

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِىَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ (۱۸۰)

من از شما بر ابلاغ رسالتم هیچ پاداشی نمی خواهم، پاداش من فقط بر عهده پروردگار جهانیان است، (۱۸۰)

أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ (۱۸۱)

پیمانه را کامل بدهید و از کم فروشان نباشید، (۱۸۱)

وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ (۱۸۲)

و [متاع و کالا را] با ترازوی درست وزن کنید، (۱۸۲)

وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْثَوْا فِى الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ (۱۸۳)

و از قیمت اشیا و اجناس مردم به هنگام خرید نکاهید، و در زمین تباهکارانه فتنه و آشوب برپا نکنید، (۱۸۳)

ص: ۳۷۴

وَاتَّقُوا الَّذِى خَلَقَكُمْ وَالْجِبِلَّهَ الْأَوَّلِينَ (۱۸۴)

و از آنکه شما و امت های پیشین را آفرید پروا کنید. (۱۸۴)

قَالُوا إِنَّمَا أَنتَ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ (۱۸۵)

گفتند: جز این نیست که تو از جادوشدگانی، (۱۸۵)

وَمَا أَنتَ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا وَإِن نَّظُنُّكَ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ (۱۸۶)

و تو جز بشری مانند ما نیستی، و بی تردید ما تو را از دروغگویان می پنداریم، (۱۸۶)

فَأَسْقِطْ عَلَيْنَا كِسَفًا مِّنَ السَّمَاءِ إِن كُنتَ مِنَ الصَّادِقِينَ (۱۸۷)

پس اگر راست می گویی پاره هایی از آسمان را بر ما فرو ریز. (۱۸۷)

قَالَ رَبِّي أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ (۱۸۸)

[شعیب] گفت: پروردگارم به آنچه انجام می دهید، داناتر است. (۱۸۸)

فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمْ عَذَابُ يَوْمِ الظُّلَّةِ إِنَّهُ كَانَ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ (۱۸۹)

پس او را تکذیب کردند؛ در نتیجه عذاب روز سایبان [یعنی روزی که ابری تیره و صاعقه زا سایه می اندازد] آنان را فرا گرفت، همانا آن عذاب روزی بزرگ بود، (۱۸۹)

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ (۱۹۰)

بی تردید در این سرگذشت، عبرتی بزرگ وجود دارد؛ و قوم شعیب بیشترشان مؤمن نبودند، (۱۹۰)

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (۱۹۱)

و یقیناً پروردگارت همان توانای شکست ناپذیر و مهربان است. (۱۹۱)

وَإِنَّهُ لَتَنزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۱۹۲)

و بی تردید این قرآن، نازل شده پروردگار جهانیان است، (۱۹۲)

نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ (۱۹۳)

که روح الامین آن را نازل کرده است، (۱۹۳)

عَلَىٰ قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ (۱۹۴)

بر قلب تو، تا از بیم دهندگان باشی، (۱۹۴)

بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُّبِينٍ (۱۹۵)

به زبان عربی روشن و گویا (۱۹۵)

وَإِنَّهُ لَفِی زُبُرِ الْأَوَّلِینَ (۱۹۶)

و بی تردید [خبر] این [قرآن] در کتاب های پیشینیان است. (۱۹۶)

أَوَلَمْ یَکُن لَّهُمْ آیَةً أَن یَعْلَمَهُ عُلَمَاءُ بَنِی إِسْرَائِیلَ (۱۹۷)

آیا آگاهی دانشمندان بنی اسرائیل به خبر قرآن [در کتاب های پیشینیان] برای مشرکان نشانه ای [بر حقّانیّت قرآن و صدق نبوّت تو] نیست؟! (۱۹۷)

وَلَوْ نَزَّلْنَاهُ عَلَى بَعْضِ الْأَعْجَمِینَ (۱۹۸)

و اگر آن را بر برخی از غیر عرب ها نازل کرده بودیم، (۱۹۸)

فَقَرَأَهُ عَلَیْهِم مَّا کَانُوا بِهِ مُؤْمِنِینَ (۱۹۹)

و او آن را بر عرب ها می خواند، باز هم به آن ایمان نمی آوردند!! (۱۹۹)

کَذَلِکَ سَلَکْنَاهُ فِی قُلُوبِ الْمُجْرِمِینَ (۲۰۰)

این گونه [که آن را به زبان عربی روشن و گویا نازل کردیم] در دل های مجرمان درآوردیم [که آن را بفهمند و به آن ایمان آورند،] (۲۰۰)

لَا یُؤْمِنُونَ بِهِ حَتَّى یَرَوُا الْعَذَابَ الْأَلِیمَ (۲۰۱)

[ولی این بیمار دلان لجوج] به آن ایمان نمی آورند تا آن عذاب دردناک را ببینند، (۲۰۱)

فَیَأْتِیَهُم بَغْتَةً وَهُمْ لَا یَشْعُرُونَ (۲۰۲)

که ناگهان در حالی که بی خبرند به سراغشان آید، (۲۰۲)

فَیَقُولُوا هَلْ نَحْنُ مُنظَرُونَ (۲۰۳)

پس [در آن موقعیت بسیار سخت] گویند: آیا ما مهلت می یابیم؟ (۲۰۳)

أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ (۲۰۴)

آیا به آمدن عذاب ما شتاب می کنند؟ (۲۰۴)

أَفَرَأَيْتَ إِن مَّتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ (۲۰۵)

پس خبر ده اگر ما آنان را سالیانی بهره مندی و برخورداری دهیم، (۲۰۵)

ثُمَّ جَاءَهُم مَّا كَانُوا يُوعَدُونَ (۲۰۶)

سپس آن عذابی که به آن تهدید می شدند، به سراغشان آید. (۲۰۶)

ص: ۳۷۵

مَا أَغْنَىٰ عَنْهُم مَّا كَانُوا يُمَتَّعُونَ (۲۰۷)

آنچه را [چند سال] همواره از آن برخورداری می یافتند [عذاب را] از آنان دفعنخواهد کرد، (۲۰۷)

وَمَا أَهْلَكْنَا مِن قَرْيَةٍ إِلَّا لَهَا مُنذِرُونَ (۲۰۸)

و [مردم] هیچ شهری را نابود نکردیم مگر آنکه بیم دهندگانی برای آنان بود، (۲۰۸)

ذِكْرَىٰ وَمَا كُنَّا ظَالِمِينَ (۲۰۹)

برای اندرز دادن و اتمام حجت؛ و ما هرگز ستمکار نبوده ایم [که مردمی را بدون فرستادن پیامبر نابود کنیم.] (۲۰۹)

وَمَا تَنَزَّلَتْ بِهِ الشَّيَاطِينُ (۲۱۰)

قرآن را شیطان ها نازل نکرده اند، (۲۱۰)

وَمَا يَنبَغِي لَهُمْ وَمَا يَسْتَطِيعُونَ (۲۱۱)

و [نزول قرآن] سزاوار آنان نیست، و قدرت [وحی کردن چنین کتابی را] ندارند، (۲۱۱)

إِنَّهُمْ عَنِ السَّمْعِ لَمَعْزُولُونَ (۲۱۲)

بی تردید آنان از شنیدن [وحی الهی و اخبار ملکوتی] محروم و برکنارند. (۲۱۲)

فَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَٰهًا آخَرَ فَتَكُونَ مِنَ الْمُعَذَّبِينَ (۲۱۳)

پس با خدا معبودی دیگر را مپرست، که از عذاب شدگان خواهی شد. (۲۱۳)

وَأَنذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ (۲۱۴)

و خویشان نزدیکت را [از عاقبت اعمال زشت] هشدار ده، (۲۱۴)

وَاخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (۲۱۵)

و پر و بال [فروتنی و تواضع] خود را برای مؤمنانی که از تو پیروی می کنند بگستر، (۲۱۵)

فَإِنْ عَصَوْكَ فَقُلْ إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تَعْمَلُونَ (۲۱۶)

پس اگر تو را نافرمانی کردند بگو: من از آنچه انجام می دهید، بیزارم؛ (۲۱۶)

وَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ (۲۱۷)

و بر توانای شکست ناپذیر مهربان توکل کن، (۲۱۷)

الَّذِي يَرَاكَ حِينَ تَقُومُ (۲۱۸)

هم او که تو را هنگامی که [برای عبادت] می ایستی، می بیند، (۲۱۸)

وَتَقَلُّبَكَ فِي السَّاجِدِينَ (۲۱۹)

و گردش و حرکت تو را در میان سجده کنندگان [مشاهده می کند،] (۲۱۹)

إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۲۲۰)

یقیناً او شنوا و داناست. (۲۲۰)

هَلْ أُنَبِّئُكُمْ عَلَى مَن تَنَزَّلُ الشَّيَاطِينُ (۲۲۱)

آیا شما را خبر دهم که شیطان ها بر چه کسانی نازل می شوند؟ (۲۲۱)

تَنَزَّلُ عَلَى كُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ (۲۲۲)

بر هر دروغ پرداز گنه پیشه ای نازل می شوند، (۲۲۲)

يُلْقُونَ السَّمْعَ وَأَكْثَرُهُمْ كَاذِبُونَ (۲۲۳)

که گوش [بر القائات و اغواگری های شیطان] می سپرند، و بیشتر شیطان ها دروغگویند، (۲۲۳)

وَالشُّعَرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ (۲۲۴)

و [پیامبر، شاعر و خیال پرداز نیست، چون] شاعران [خیال پرداز] را [که حقایق را هجو می کنند، و با مطالب بی اساس به واقعیات می تازند] گمراهان، پیروی می کنند. (۲۲۴)

أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ (۲۲۵)

آیا ندانسته ای که آنان در هر وادی [باطلی خیال پردازانه] حیران و سرگردانند؟ (۲۲۵)

وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ (۲۲۶)

و مطالبی می گویند که خود عمل نمی کنند، (۲۲۶)

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَانتَصَرُوا مِن بَعْدِ مَا ظُلِمُوا وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنقَلَبٍ يَنقَلِبُونَ (۲۲۷)

مگر آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند و خدا را بسیار یاد کردند و پس از آنکه [با شعرهای باطل دشمنان، هجویّات مشرکان و یاوه های کافران] مورد ستم قرار گرفتند [با شعرهای توحیدی و اصیل و استوار خود] به انتقام گرفتن [از دشمن و دفاع از خویش] برخاستند، و کسانی که ستم کرده اند، به زودی خواهند دانست که به چه بازگشت گاهی باز خواهند گشت؟! (۲۲۷)

ص: ۳۷۶

سوره النمل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ طس تِلْكَ آيَاتُ الْقُرْآنِ وَكِتَابٍ مُّبِينٍ (۱)

طس این آیات [باعظمت] قرآن و کتابی روشنگر است، (۱)

هُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ (۲)

[که سراسر] هدایت کننده [انسان ها] و برای مؤمنان مژده دهنده است. (۲)

الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُم بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ (۳)

همانان که نماز برپا می دارند و زکات می پردازند، و قاطعانه به آخرت یقین دارند؛ (۳)

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ زَيَّنَّا لَهُمْ أَعْمَالَهُمْ فَهُمْ يَعْمَهُونَ (۴)

به راستی کسانی که به آخرت ایمان ندارند، اعمال [زشتشان] را در نظرشان آراستیم، پس همواره در حیرت و سرگردانی اند، (۴)

أُولَئِکَ الَّذِینَ لَهُمْ سُوءُ الْعَذَابِ وَهُمْ فِی الْآخِرَهِ هُمُ الْأَخْسَرُونَ (۵)

اینان کسانی هستند که عذاب سختی برای آنان است و بی تردید آنان در آخرت زیانکارترین [مردم] اند. (۵)

وَإِنَّکَ لَتُلَقَّی الْقُرْآنَ مِن لَّدُنْ حَکِیمٍ عَلِیمٍ (۶)

یقیناً تو قرآن را از نزد حکیمی دانا فرا می گیری. (۶)

إِذْ قَالَ مُوسَی لِأَهْلِهِ إِنِّی آنَسْتُ نَارًا سَآتِیکُم مِّنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ آتِیکُم بِشِهَابٍ قَبَسٍ لَّعَلَّکُمْ تَصْطَلُونَ (۷)

[یاد کن] هنگامی را که موسی به خانواده اش گفت: به راستی من آتشی را از دور دیدم، به زودی خبری از آن برای شما می آورم، یا از آن شعله ای برگرفته به شما می رسانم تا خود را گرم کنید، (۷)

فَلَمَّا جَاءَهَا نُودِیَ أَن بُورِکَ مَن فِی النَّارِ وَمَنْ حَوْلَهَا وَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ (۸)

پس هنگامی که نزد آن آمد، ندا رسید که پربرکت باد آنکه در آتش است و آنکه پیرامون آن است، و منزّه و پاک است خدا که پروردگار جهانیان است. (۸)

یَا مُوسَی إِنَّهُ أَنَا اللَّهُ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ (۹)

ای موسی! یقیناً منم خدای توانای شکست ناپذیر و حکیم، (۹)

وَأَلْقِ عَصَاکَ فَلَمَّا رَآهَا تَهْتَزُّ کَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّی مُدْبِرًا وَلَمْ یُعَقِّبْ یَا مُوسَی لَا تَخَفْ إِنِّی لَا یَخَافُ لَدَیَّ الْمُرْسَلُونَ (۱۰)

و عصایت را بیفکن. پس وقتی آن را دید که تند و شتابان حرکت می کند، گویا ماری باریک و تیزرو است، پشت کنان رو به فرار گذاشت و به پشت برنگشت. [ندا رسید:] ای موسی! نترس که پیامبران [به سبب دارا بودن مقام عصمت و پاکی از گناه،] نزد من نمی ترسند، (۱۰)

إِلَّا مَن ظَلَمَ ثُمَّ بَدَّلَ حُسْنًا بَعْدَ سُوءٍ فَإِنِّی غَفُورٌ رَّحِیمٌ (۱۱)

مگر کسی که ستم کند [که او باید بترسد]؛ ولی زمانی که پس از بدی نیکی را [که ایمان و کار شایسته است] جایگزین آن نماید [از عذاب من در امان است و نباید بترسد]؛ زیرا من بسیار آمرزنده و مهربانم، (۱۱)

وَأَدْخِلْ یَدَکَ فِی جَیْبِکَ تَخْرُجْ بَیْضَاءَ مِنْ غَیْرِ سُوءٍ فِی تِسْعِ آیَاتٍ إِلَی فِرْعَوْنَ وَقَوْمِهِ إِنَّهُمْ کَانُوا قَوْمًا فَاسِقِینَ (۱۲)

و دستت را در گریبانت کن تا بدون هیچ عیبی، سفید و درخشان بیرون آید، [با این دو معجزه که در ضمن] نه معجزه است به سوی فرعون و قومش [برو] که قطعاً آنان گروهی نافرمانند؛ (۱۲)

فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ آيَاتُنَا مُبْصِرَةً قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ (۱۳)

هنگامی که معجزات روشن ما به سویشان آمد، گفتند: این جادویی آشکار است. (۱۳)

ص: ۳۷۷

وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ (۱۴)

و آنها را در حالی که باطنشان به الهی بودن آن معجزات یقین داشت، ستمکارانه وبرتری جویانه انکار کردند. پس با تأمل بنگر که سرانجام مفسدان چگونه بود؟! (۱۴)

وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ (۱۵)

و یقیناً ما به داود و سلیمان، دانش [ویژه] دادیم، و آن دو گفتند: همه ستایش ها ویژه خداست، همان که ما را بر بسیاری از بندگان مؤمن خود برتری عطا کرده است، (۱۵)

وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُودَ وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عُلِّمْنَا مَنطِقَ الطَّيْرِ وَأُوتِينَا مِن كُلِّ شَيْءٍ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ (۱۶)

و سلیمان وارث داود شد و گفت: ای مردم! [معرفت و آگاهی به] زبان و منطق پرندگان را به ما آموخته اند، و از هر چیزی [که به پیامبران و پادشاهان داده اند] به ما عطا کرده اند، یقیناً این امتیاز و برتری آشکاری است. (۱۶)

وَحُشِرَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودُهُ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ وَالطَّيْرِ فَهُمْ يُوزَعُونَ (۱۷)

و برای سلیمان، سپاهیانش از پریان و آدمیان و پرندگان گردآوری شدند، [و آنان را از حرکت باز می داشتند] تا گروه های دیگر به آنان ملحق شوند؛ (۱۷)

حَتَّى إِذَا أَتَوْا عَلَى وَادِ النَّمْلِ قَالَتْ نَمْلَةٌ يَا أَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ لَا يَحْطِمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَجُنُودُهُ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (۱۸)

[پس حرکت کردند] تا به وادی مورچگان درآمدند. مورچه ای گفت: ای مورچگان! به خانه هایتان درآیید تا سلیمان و سپاهیانش ناآگاهانه شما را پایمال نکنند. (۱۸)

فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِّن قَوْلِهَا وَقَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ (۱۹)

پس سلیمان از گفته اش با تبسم، حالت خنده به خود گرفت، و [به سبب نعمت فهم گفتار حیوانات] گفت: پروردگارا! به من

الهام کن تا شکر نعمتی را که به من و پدر و مادرم عطا کرده ای به جای آورم، و اینکه کار شایسته ای که آن را بپسندی انجام دهم، و مرا به رحمتت در میان بندگان شایسته ات درآور. (۱۹)

وَتَفَقَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَا أَرَى الْهُدْهُدَ أَمْ كَانَ مِنَ الْغَائِبِينَ (۲۰)

و [سلیمان] جویای پرندگان شد [و هدهد را در میان پرندگان بارگاهش نیافت] پس گفت: مرا چه شده که هدهد را نمی بینم [آیا هست و او را نمی بینم] یا از غایبان است؟ (۲۰)

لَأُعَذِّبَنَّهُ عَذَابًا شَدِيدًا أَوْ لَأَذْبَحَنَّهُ أَوْ لَيَأْتِيَنِّي بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ (۲۱)

قطعاً او را عذابی سخت خواهم کرد یا [برای عبرت دیگر پرندگان] او را سر می برم، یا باید [برای غایب بودنش] دلیلی روشن برایم بیاورد. (۲۱)

فَمَكَثَ غَيْرَ بَعِيدٍ فَقَالَ أَحَطتُ بِمَا لَمْ تُحِطْ بِهِ وَجِئْتُكَ مِن سَبَإٍ بِنَبَإٍ يَقِينٍ (۲۲)

پس [هدهد] زمانی نه چندان دور درنگ کرد [و با شتاب بازگشت،] پس گفت: [ای سلیمان!] من به چیزی آگاهی یافته ام که تو به آن آگاهی نیافته ای، و [من] از [سرزمین] سبا خبری مهم و یقینی برایت آورده ام. (۲۲)

ص: ۳۷۸

إِنِّي وَجَدتُّ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِن كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ (۲۳)

به راستی من زنی را یافتم که بر آنان حکومت می کند، و از هر چیزی [که از وسایل و لوازم حکومت و قدرت است] به او داده اند و تختی بزرگ دارد، (۲۳)

وَجَدتُّهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِن دُونِ اللَّهِ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ (۲۴)

او و قومش را یافتم که به جای خدا برای خورشید سجده می کنند و شیطان، اعمال [زشتشان] را برای آنان آراسته و در نتیجه آنان را از راه [حق] بازداشته است به این سبب هدایت نمی یابند، (۲۴)

أَلَّا يَسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي يُخْرِجُ الْخَبْءَ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُخْفُونَ وَمَا تُعْلِنُونَ (۲۵)

[و شیطان آنان را این گونه فریب داده] تا برای خدا سجده نکنند، همان که نهان در آسمان ها و زمین را بیرون می آورد و آنچه را پنهان می دارید و آنچه را آشکار می کنید، می داند. (۲۵)

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ (۲۶)

خدای یکتا که معبودی جز او نیست، پروردگار عرش بزرگ است. (۲۶)

قَالَ سَنَنظُرُ أَصَدَقْتَ أَمْ كُنتَ مِنَ الْكَاذِبِينَ (۲۷)

[سلیمان به هدهد] گفت: به زودی [درباره ادعایت] تأمل و بررسی می کنم که آیا راست گفته ای یا از دروغگویانی، (۲۷)

اذْهَب بِّكِتَابِي هَذَا فَأَلْقِهْ إِلَيْهِمْ ثُمَّ تَوَلَّ عَنْهُمْ فَانظُرْ مَاذَا يَرْجِعُونَ (۲۸)

این نامه مرا ببر و به سوی آنان بیفکن، سپس به دور از دیدگان آنان خود را کناری بگیر و بنگر چه پاسخیمی دهند؟ (۲۸)

قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ إِنِّي أُلْقِيَ إِلَيَّ كِتَابٌ كَرِيمٌ (۲۹)

[ملکه سبا پس از آگاهی از مضمون نامه] گفت: ای سران و اشراف! همانا نامه ای نیکو و با ارزشی به سوی من افکنده اند، (۲۹)

إِنَّهُ مِن سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۳۰)

یقیناً این نامه از سوی سلیمان است و سرآغازش به نام خدای رحمان و رحیم است، (۳۰)

أَلَّا تَعْلُوا عَلَيَّ وَأْتُونِي مُسْلِمِينَ (۳۱)

و [مضمونش این است که] بر من برتری مجویید و همه با حالت تسلیم نزد من آیید. (۳۱)

قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي أَمْرِي مَا كُنتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّى تَشْهَدُونِ (۳۲)

گفت: ای سران و اشراف! در کارم به من نظر دهید تا شما نزد من حضور داشتید، من [بدون شما] فیصله دهنده کاری نبوده ام. (۳۲)

قَالُوا نَحْنُ أُولُو قُوَّةٍ وَأُولُو بَأْسٍ شَدِيدٍ وَالْأَمْرُ إِلَيْكِ فَانظُرِي مَاذَا تَأْمُرِينَ (۳۳)

گفتند: ما دارای قدرت و مالک وسایل رزمی سختی هستیم، پس بنگر چه فرمان می دهی؟ (۳۳)

قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعِزَّةَ أَهْلِهَا أَذِلَّةً وَكَذَلِكَ يَفْعَلُونَ (۳۴)

گفت: همانا پادشاهان هنگامی که [با ابزار، ادوات جنگی و سپاهی رزمی] وارد شهری می شوند، آن را تباه می کنند و عزیزان اهلش را به ذلت و خواری می نشانند و [آنان] همواره چنین می کنند! (۳۴)

وَإِنِّي مُرْسِلَةٌ إِلَيْهِم بِهَدِيَّةٍ فَنَاظِرَةٌ بِمَ يَرْجِعُ الْمُرْسَلُونَ (۳۵)

من به سوی آنان هدیه ای [قابل توجه] می فرستم، پس با تأمل می نگرم که فرستادگان با چه پاسخی بر می گردند؟ (۳۵)

فَلَمَّا جَاءَ سُلَيْمَانَ قَالَ أَتُمِدُّونَنِ بِمَالٍ فَمَا آتَانِيَ اللَّهُ خَيْرٌ مِّمَّا آتَاكُم بَلْ أَنتُم بِهَدِيَّتِكُمْ تَفْرَحُونَ (۳۶)

هنگامی که [فرستاده ملکه سبا] نزد سلیمان آمد، [سلیمان] گفت: آیا مرا با مالی [اندک و ناچیز] یاری می دهید؟ آنچه خدا [از نبوّت و حکومت و ثروت] به من عطا کرده، بهتر است از آنچه به شما داده [هدیه شما برای من شادی آور نیست]، این شمایید که با هدیه خود شادمانی می کنید، (۳۶)

ارْجِعْ إِلَيْهِمْ فَلَنَأْتِيَنَّهُم بِجُنُودٍ لَّا قِبَلَ لَهُم بِهَا وَلَنُخْرِجَنَّهُم مِّنْهَا أَذِلَّةً وَهُمْ صَاغِرُونَ (۳۷)

به سوی آنان بازگرد که ما حتماً با سپاهیانی به سوی آنان خواهیم آمد که قدرت رویارویی با آن را ندارند، و آنان را در حالی که [در آن منطقه] حقیر و بی ارزش شده اند، با خواری و ذلت از آنجا بیرون می کنیم. (۳۷)

قَالَ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَيُّكُمْ يَأْتِينِي بِعَرْشِهَا قَبْلَ أَن يَأْتُونِي مُسْلِمِينَ (۳۸)

[سلیمان] گفت: ای سران و اشراف! کدام یک از شما تخت او را پیش از آنکه همگی به حالت تسلیم نزد من آیند، برایم می آورد؟ (۳۸)

قَالَ عِفْرِيتٌ مِّنَ الْجِنِّ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَن تَقُومَ مِن مَّقَامِكَ وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ (۳۹)

یکی از جنّیان کاردان و تیزهوش گفت: من آن را پیش از آنکه از مسند خود برخیزی نزد تو می آورم، و من بر این [کار] توانا و امینم، (۳۹)

قَالَ الَّذِي عِندَهُ عِلْمٌ مِّنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَن يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رَآهُ مُسْتَقِرًّا عِندَهُ قَالَ هَـٰذَا مِن فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ وَمَن شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ (۴۰)

کسی که دانشی از کتاب [لوح محفوظ] نزد او بود گفت: من آن را پیش از آنکه پلک دیده ات به هم بخورد، نزد تو می آورم. [و آن را در همان لحظه آورد]. پس هنگامی که سلیمان تخت را نزد خود پابرجا دید، گفت: این از فضل و احسان پروردگار من است، تا مرا بیازماید که آیا سپاس گزارم یا بنده ای ناسپاسم؟ و هر کس که سپاس گزاری کند، به سود خود سپاس گزاری می کند و هر کس ناسپاسی ورزد، [زیانی به خدا نمی رساند]؛ زیرا پروردگارم بی نیاز و کریم است. (۴۰)

قَالَ نَكِّرُوا لَهَا عَرْشَهَا نَنظُرْ أَتَهْتَدِي أَمْ تَكُونُ مِنَ الَّذِينَ لَا يَهْتَدُونَ (۴۱)

گفت: تختش را [با تغییر دادن در زینت و آرایش] برایش ناشناس کنید تا ببینیم آیا [به شناخت آن] راه می یابد، یا از کسانی است که راه نمی یابند؟ (۴۱)

فَلَمَّا جَاءَتْ قِيلَ أَهَكَذَا عَرْشُكِ قَالَتْ كَأَنَّهُ هُوَ وَأُوتِينَا الْعِلْمَ مِن قَبْلِهَا وَكُنَّا مُسْلِمِينَ (۴۲)

پس زمانی که [ملکه سبا] آمد، گفتند: آیا تخت تو نیز این گونه است؟ گفت: گویا این همان است!! و ما را پیش از این [به حقّانیّت و قدرت سلیمان] آگاه کردند و [همان زمان] تسلیم شدیم؛ (۴۲)

وَصَدَّهَا مَا كَانَت تَّعْبُدُ مِن دُونِ اللَّهِ إِنَّهَا كَانَتْ مِن قَوْمٍ كَافِرِينَ (۴۳)

چیزی را که [ملکه سبا] به جای خدا می پرستید او را [از تسلیم شدن به حق] بازداشته بود؛ زیرا او از گروه کافران بود [و در میان آنان رشد کرده بود و به روش و رفتار آنان خو گرفته بود.] (۴۳)

قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً وَكَشَفَتْ عَن سَاقَيْهَا قَالَ إِنَّهُ صَرْحٌ مُّمَرَّدٌ مِّن قَوَارِيرَ قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَأَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۴۴)

به او گفتند: به حیاط قصر درآی. هنگامی که آن را دید، پنداشت آبی فراوان [چون دریاچه] است، پس دامن جامه از دو ساق پایش بالا زد [که به خیال خود وارد آب شود]، سلیمان گفت: این محوطه ای است صاف و هموار از شیشه [نه از آب]. [ملکه سبا] گفت: پروردگارا! قطعاً من به خود ستم کردم، اینک همراه سلیمان، تسلیم [فرمان ها و احکام] خدا، پروردگار جهانیان شدم. (۴۴)

ص: ۳۸۰

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ فَإِذَا هُمْ فَرِيقَانِ يَخْتَصِمُونَ (۴۵)

همانا به سوی قوم ثمود برادرشان صالح را فرستادیم که خدا را بپرستید. پس ناگهان آنان دو گروه [مؤمن و کافر] شدند که با یکدیگر نزاع و دشمنیمی کردند. (۴۵)

قَالَ يَا قَوْمِ لِمَ تَسْتَعْجِلُونَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ لَوْلَا تَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (۴۶)

گفت: ای قوم من! چرا بر عذاب و هلاکت، پیش از توبه و ایمان شتاب می کنید؟! چرا از خدا درخواست آمرزش نمی کنید تا مورد رحمت قرار گیرید؟! (۴۶)

قَالُوا اطَّيَّرْنَا بِكَ وَبِمَن مَّعَكَ قَالَ طَائِرُكُمْ عِندَ اللَّهِ بَلْ أَنتُمْ قَوْمٌ تُفْتَنُونَ (۴۷)

گفتند: ما به تو و همراهانت فال بد زده ایم [و شما را سبب بروز این همه مشکلات و بدبختی خود می دانیم]. گفت: سبب بروز مشکلات و بدبختی شما [طغیان و گناهان شماست که عکس العملش] نزد خداست، [ربطی به ما ندارد] بلکه شما گروهی هستید که [به مشکلات و مصایب] امتحان می شوید [شاید به این سبب توبه کنید و مؤمن شوید.] (۴۷)

وَكَانَ فِي الْمَدِينَةِ تِسْعَةُ رَهْطٍ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ (۴۸)

در آن شهر نُه نفر از اشراف و سران بودند که در آن فساد می کردند و اصلاح گر نبودند، (۴۸)

قَالُوا تَقَاسَمُوا بِاللَّهِ لَنُبَيِّتَنَّهُ وَأَهْلَهُ ثُمَّ لَنَقُولَنَّ لِوَلِيِّهِ مَا شَهِدْنَا مَهْلِكَ أَهْلِهِ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ (۴۹)

[آنان به یکدیگر] گفتند: هم قسم شوید که حتماً به صالح و خانواده اش شبیخون می زنیم [تا همه را نابود کنیم]، آن گاه به خونخواهش بگوییم: ما زمان هلاک شدن خانواده اش حضور نداشتیم و یقیناً راستگوییم. (۴۹)

وَمَكَرُوا مَكْرًا وَمَكَرْنَا مَكْرًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (۵۰)

آنان نیرنگ مهمی به کار گرفتند و ما هم در حالی که بی خبر بودند [با کیفر بسیار سختی] نیرنگ آنان را از بین بردیم. (۵۰)

فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ مَكْرِهِمْ أَنَّا دَمَّرْنَاهُمْ وَقَوْمَهُمْ أَجْمَعِينَ (۵۱)

پس با تأمل بنگر که سرانجام نیرنگشان چگونه بود؟ که ما آنان و قومشان را همگی درهم کوبیدیم و هلاک کردیم. (۵۱)

فَتِلْكَ بُيُوتُهُمْ خَاوِيَةً بِمَا ظَلَمُوا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (۵۲)

این خانه های آنان است که به سبب ستمشان [از سکنه] خالی مانده. بی تردید در این سرگذشت برای گروهی که معرفت و شناخت دارند، عبرتی بزرگ وجود دارد، (۵۲)

وَأَنجَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ (۵۳)

و آنان را که ایمان آوردند و همواره پرهیزکاری می کردند، نجات دادیم. (۵۳)

وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ وَأَنتُمْ تُبْصِرُونَ (۵۴)

و لوط را [یاد کن] هنگامی که به قومش گفت: آیا این عمل بسیار زشت را در حالی که [وقت انجام دادنش با بی شرمی کامل به هم] نگاه می کنید، مرتکب می شوید؟! (۵۴)

أَئِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِّن دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ (۵۵)

آیا شما از روی میل و شهوت به جای زنان با مردان آمیزش می کنید؟ [شما برای این کار زشت دلیل و برهانی ندارید] بلکه شما گروهی نادان هستید. (۵۵)

ص: ۳۸۱

جزء ۲۰

ادامه سوره النمل

فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَن قَالُوا أَخْرِجُوا آلَ لُوطٍ مِّن قَرْيَتِكُمْ إِنَّهُمْ أُنَاسٌ يَتَطَهَّرُونَ (۵۶)

پس جواب قومش جز این نبود که گفتند: خاندان لوط را از شهرتان بیرون کنید؛ زیرا آنان مردمانی اند که همواره خواهان پاکی اند. (۵۶)

فَأَنجَيْنَاهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ قَدَّرْنَاهَا مِنَ الْغَابِرِينَ (۵۷)

پس او و خانواده اش را نجاتدادیم مگر همسرش را که مقدر کرده بودیم در باقی ماندگان [در شهر برای هلاکت بماند.] (۵۷)

وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِم مَّطَرًا فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنذَرِينَ (۵۸)

و بارانی از [سنگ گِل] بر آنان باراندیم، پس بد بود باران بیم داده شدگان. (۵۸)

قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى آللَّهُ خَيْرٌ أَمَّا يُشْرِكُونَ (۵۹)

بگو: همه ستایش ها ویژه خداست، و درود بر آن بندگانش که آنان را برگزیده است. آیا خدا بهتر است یا آنچه شریک او قرار می دهند؟ (۵۹)

أَمَّنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنزَلَ لَكُم مِّنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ مَّا كَانَ لَكُمْ أَن تُنبِتُوا شَجَرَهَا أَإِلَهٌ مَّعَ اللَّهِ بَلْ هُمْ قَوْمٌ يَعْدِلُونَ (۶۰)

[آیا آن شریکان انتخابی شما بهترند] یا آنکه آسمان ها و زمین را آفرید، و برای شما از آسمان آبی نازل کرد که به وسیله آن باغ هایی خرم و باطراوت رویاندیم، که رویاندن درختانش در قدرت شما نیست؛ آیا با خدا معبودی دیگر هست [که شریک در قدرت و ربوبیت او باشد؟ نه، نیست]، بلکه آنان مردمی منحرف اند [که برای او شریک می گیرند.] (۶۰)

أَمَّن جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا وَجَعَلَ خِلَالَهَا أَنْهَارًا وَجَعَلَ لَهَا رَوَاسِيَ وَجَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا أَإِلَهٌ مَّعَ اللَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۶۱)

[آیا آن شریکان انتخابی شما بهترند] یا آنکه زمین را [برای موجوداتش] آرام و قرارگاه ساخت و در شکاف هایش نهرهایی پدید آورد، و برای آن کوه هایی استوار قرار داد [تا زیر پای اهلش نلرزد]، و میان دو دریا [ی شیرین و شور] مانع و حایلی قرار داد [که با هم مخلوط نشوند]؛ آیا با خدا معبودی دیگر هست [که شریک در قدرت و ربوبیت او باشد]؟! [نه، نیست] بلکه بیشترشان اهل معرفت و دانش نیستند. (۶۱)

أَمَّن يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أَإِلَهٌ مَّعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ (۶۲)

[آیا آن شریکان انتخابی شما بهترند] یا آنکه وقتی درمانده ای او را بخواند اجابت می کند و آسیب و گرفتاریش را دفع می نماید، و شما را جانشینان [دیگران در روی] زمین قرار می دهد؟ آیا با خدا معبودی دیگر هست [که شریک در قدرت و ربوبیت او باشد؟!] اندکی متذکّر و هوشیار می شوند. (۶۲)

أَمَّن يَهْدِيكُمْ فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَن يُرْسِلُ الرِّيَاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ أَإِلَهٌ مَّعَ اللَّهِ تَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ (۶۳)

[آیـا آن شـریکان انتخابی شـما بهترنـد] یا آنکه شـما را در تاریکی های خشـکی و دریا [به وسـیله سـتارگان و دیگر نشانه ها] راهنمایی می کند؟! و کیست که پیشاپیش [باران] رحمتش بادها را مژده رسان می فرستد؟ آیا با خدا معبودی دیگر هست [که شریک در قدرت و ربوبیت او باشد؟!] خدا برتر است از آنچه برای او شریک قرار می دهند. (۶۳)

أَمَّن يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَمَن يَرْزُقُكُم مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَإِلَهٌ مَّعَ اللَّهِ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (۶۴)

[آیـا آن شـریکان انتخابی شـما بهترنـد] یا آنکه مخلوقات را می آفرینـد، آن گاه آنان را [پس از مرگشان] بازمی گردانـد؟! و کیست آنکه از آسـمان و زمین شـما را روزی می دهـد؟ آیـا با خـدا معبودی دیگر هست [که شـریک در قـدرت و ربوبیت او باشد؟] بگو: اگر راستگویید دلیل خود را بیاورید. (۶۴)

قُل لَّا يَعْلَمُ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ (۶۵)

بگو: در آسمان ها و زمین هیچ کس جز خدا غیب نمی داند، و آنان آگاهی ندارند چه زمانی برانگیخته می شوند؟ (۶۵)

بَلِ ادَّارَكَ عِلْمُهُمْ فِي الْآخِرَةِ بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِّنْهَا بَلْ هُم مِّنْهَا عَمُونَ (۶۶)

بلکه دانش و آگاهی آنان نسبت به آخرت [به خاطر هزینه کردن عمرشان در امور مادی] به پایان رسـیده، بلکه درباره آخرت در تردیدند، بلکه اینان از [فهم] آن کوردل اند، (۶۶)

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَإِذَا كُنَّا تُرَابًا وَآبَاؤُنَا أَئِنَّا لَمُخْرَجُونَ (۶۷)

و کافران گفتند: آیا زمانی که ما و پدرانمان خاک شدیم به راستی ما را از آن [زنده] بیرون می آورند؟ (۶۷)

لَقَدْ وُعِدْنَا هَذَا نَحْنُ وَآبَاؤُنَا مِن قَبْلُ إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (۶۸)

همانا پیش از این [زنـده بیرون آمـدن از خاک را] به ما و پـدرانمان وعـده داده اند، ولی این مطلب جز افسانه خرافی پیشـینیان نیست! (۶۸)

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ (۶۹)

بگو: در زمین بگردید پس با تأمل بنگرید که سرانجام گنهکاران چگونه بود؟ (۶۹)

وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُن فِي ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ (۷۰)

و بر آنان [که با حق دشمنی می کنند] اندوه مخور و از نیرنگی که همواره به کار می گیرند، دلتنگ مباش. (۷۰)

وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (۷۱)

و می گویند: اگر راستگویید این وعده [عذاب] کی خواهد بود؟ (۷۱)

قُلْ عَسَى أَن يَكُونَ رَدِفَ لَكُم بَعْضُ الَّذِى تَسْتَعْجِلُونَ (۷۲)

بگو: امید است بخشی از آن عذابی که رسیدنش را با شتاب می خواهید، دنبال شما باشد، (۷۲)

وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ (۷۳)

و یقیناً پروردگارت بر مردم دارای فضلی بزرگ است، ولی بیشترشان سپاس نمی گزارند، (۷۳)

وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ (۷۴)

و به راستی پروردگارت آنچه را سینه هایشان پنهان می دارد و آنچه را آشکار می کند، می داند، (۷۴)

وَمَا مِنْ غَائِبَةٍ فِى السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِلَّا فِى كِتَابٍ مُّبِينٍ (۷۵)

هیچ پوشیده و پنهانی در آسمان و زمین وجود ندارد مگر آنکه در کتابی روشن [چون لوح محفوظ] است. (۷۵)

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَقُصُّ عَلَى بَنِى إِسْرَائِيلَ أَكْثَرَ الَّذِى هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ (۷۶)

بی تردید این قرآن بیشتر آنچه را بنی اسرائیل [از روی جهالت] در آن اختلاف دارند، برای آنان بیان می کند، (۷۶)

ص: ۳۸۳

وَإِنَّهُ لَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ (۷۷)

و یقیناً قرآن برای مؤمنان، سراسر هدایت و رحمت است. (۷۷)

إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِى بَيْنَهُم بِحُكْمِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ (۷۸)

قطعاً پروردگارت [روز قیامت] به حکم خود میان بنی اسرائیل [در آنچه از امور دینی و معنوی اختلاف دارند] داوری می کند؛ و او توانای شکست ناپذیر و داناست. (۷۸)

فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّكَ عَلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ (۷۹)

پس بر خدا توکل کن؛ زیرا تو [متکی بر آیین] حقّ آشکاری. (۷۹)

إِنَّکَ لَا تُسْمِعُ الْمَوْتَی وَلَا تُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِینَ (۸۰)

بی تردید تو نمی توانی [دعوتت را] به مردگان بشنوانی، و نیز نمی توانی آن را به کران که پشت کنان روی برمی گردانند بشنوانی، (۸۰)

وَمَا أَنتَ بِهَادِی الْعُمْیِ عَن ضَلَالَتِهِمْ إِن تُسْمِعُ إِلَّا مَن یُؤْمِنُ بِآیَاتِنَا فَهُم مُّسْلِمُونَ (۸۱)

و تو هدایت کننده کوردلان از گمراهی شان نیستی، و نمی توانی [دعوتت را] جز به آنان که به آیات ما ایمان می آورند و تسلیم [فرمان ها و احکام] خدا هستند، بشنوانی. (۸۱)

وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَیْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُکَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ کَانُوا بِآیَاتِنَا لَا یُوقِنُونَ (۸۲)

و هنگامی که [در اوقات پایانی دنیا] وعده عذاب ما بر آنان حتمی و لازم شود، جنبنده ای را از زمین برای آنان بیرون می آوریم که با آنان سخن می گوید [تا به آیات ما وآخرت واصول آن یقین کنند]؛ زیرا مردم پیش از این به آیات ما یقین نداشتند. (۸۲)

وَیَوْمَ نَحْشُرُ مِن کُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِّمَّن یُکَذِّبُ بِآیَاتِنَا فَهُمْ یُوزَعُونَ (۸۳)

و [یاد کن] روزی را که از هر امتی گروهی از آنان را که آیات ما را تکذیب می کنند، محشور می کنیم و آنان را [از حرکت] باز می دارند [تا گروه های دیگر به آنان ملحق شوند،] (۸۳)

حَتَّی إِذَا جَاءُوا قَالَ أَکَذَّبْتُم بِآیَاتِی وَلَمْ تُحِیطُوا بِهَا عِلْمًا أَمَّاذَا کُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۸۴)

تا وقتی که [به محل حساب] آیند، [خدا] می گوید: آیا آیات مرا تکذیب کردید در حالی که هیچ احاطه علمی به آنها نداشتید؟ یا شما [غیر از تکذیب آیات] چه کارها [ی دیگری] انجام می دادید؟ (۸۴)

وَوَقَعَ الْقَوْلُ عَلَیْهِم بِمَا ظَلَمُوا فَهُمْ لَا یَنطِقُونَ (۸۵)

و به سبب ستمی که [به آیات ما] روا داشتند، عذاب ما بر آنان حتمی و لازم می شود، پس [برای معذور نشان دادن خود] سخن نمی گویند. (۸۵)

أَلَمْ یَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا اللَّیْلَ لِیَسْکُنُوا فِیهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ فِی ذَٰلِکَ لَآیَاتٍ لِّقَوْمٍ یُؤْمِنُونَ (۸۶)

آیا ندانسته اند که ما شب را قرار داده ایم تا در آن بیارامند، و روز را روشن نموده ایم [تا در آن به تلاش اقتصادی برخیزند؟] به راستی در این امور برای مردمی که ایمان می آورند، نشانه هایی [بر توحید، ربوبیت و قدرت خدا] ست. (۸۶)

وَیَوْمَ یُنفَخُ فِی الصُّورِ فَفَزِعَ مَن فِی السَّمَاوَاتِ وَمَن فِی الْأَرْضِ إِلَّا مَن شَاءَ اللَّهُ وَکُلٌّ أَتَوْهُ دَاخِرِینَ (۸۷)

و [یاد کن] روزی را که در صور می دمند، پس هر که در آسمان ها و هر که در زمین است دچار هراس شود، مگر کسی که خدا بخواهد؛ و همه خوار و فروتن به پیشگاه او آیند، (۸۷)

وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ صُنْعَ اللَّهِ الَّذِي أَتْقَنَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ (۸۸)

و کوه ها را می بینی [و] آنها را [در جای خود] بی حرکت می پنداری، در حالی که آنها مانند ابر گذر می کنند. آفرینش خداست که [آفرینش] هر چیزی را محکم و استوار کرده است؛ یقیناً او به آنچه انجام می دهید، آگاه است. (۸۸)

ص: ۳۸۴

مَن جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِّنْهَا وَهُم مِّن فَزَعٍ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ (۸۹)

آنان که کارهای خیر و نیک [به آخرت] بیاورند، پاداشی بهتر از آن دارند، و آنان در آن روز از هول و هراسی بزرگ ایمن اند، (۸۹)

وَمَن جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُبَّتْ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۹۰)

و آنان که کارهای بد و زشت بیاورند به رو در آتش افکنده می شوند؛ [و به آنان گویند:] آیا جز آنچه انجام دادید پاداشتان داده اند؟ (۹۰)

إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ رَبَّ هَذِهِ الْبَلْدَةِ الَّذِي حَرَّمَهَا وَلَهُ كُلُّ شَيْءٍ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ (۹۱)

من فقط فرمان یافته ام که پروردگار این شهر را که آن را بسیار محترم شمرده و همه چیز در سیطره مالکیّت و فرمانروایی اوست، بپرستم و فرمان یافته ام که از تسلیم شدگان [فرمان ها و احکام او] باشم، (۹۱)

وَأَنْ أَتْلُوَ الْقُرْآنَ فَمَنِ اهْتَدَى فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَن ضَلَّ فَقُلْ إِنَّمَا أَنَا مِنَ الْمُنذِرِينَ (۹۲)

و اینکه قرآن را بخوانم؛ پس هر که راه یابد فقط به سود خود راه یافته است، و هر که گمراه شود [آثار شوم گمراهی فقط متوجه خود اوست] پس [به مردم] بگو: من فقط از بیم دهندگانم، (۹۲)

وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ سَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ فَتَعْرِفُونَهَا وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (۹۳)

و بگو: همه ستایش ها ویژه خداست؛ به زودی نشانه های خود را [که شکست شما و گرفتاری های سخت دنیایی و مرگ و عذاب آخرت است] به شما [مشرکان و کافران] نشان خواهد داد، پس آنها را [به خوبی] خواهید شناخت. و پروردگارت از آنچه انجام می دهید، بی خبر نیست. (۹۳)

سوره القصص

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ طسم (۱)

طسم (۱)

تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ (۲)

این آیات [باعظمت] کتاب روشنگر است. (۲)

نَتْلُو عَلَيْكَ مِن نَّبَإِ مُوسَى وَفِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (۳)

بخشی از سرگذشت [مهم] موسی و فرعون را برای [عبرت گرفتن] مردمی که ایمان می آورند به حق و راستی بر تو می خوانیم. (۳)

إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضْعِفُ طَائِفَةً مِّنْهُمْ يُذَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ (۴)

همانا فرعون [در سرزمین مصر] برتری جویی و سرکشی کرد و مردمش را گروه گروه ساخت، در حالی که گروهی از آنان را ناتوان و زبون گرفت، پسرانشان را سر می برید، و زنانشان را [برای بیگاری گرفتن] زنده می گذاشت؛ بی تردید او از مفسدان بود. (۴)

وَنُرِيدُ أَن نَّمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ (۵)

و ما می خواستیم به آنان که در آن سرزمین به ناتوانی و زبونی گرفته شده بودند، نعمت های باارزش دهیم، و آنان را پیشوایان مردم و وارثان [اموال، ثروت ها و سرزمین های فرعونیان] گردانیم. (۵)

ص: ۳۸۵

وَنُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِيَ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُم مَّا كَانُوا يَحْذَرُونَ (۶)

و برای آنان در آن سرزمین، زمینه قدرت و حکومت آماده کنیم، و به فرعون و هامان و سپاهشان که از ایشان اند چیزی را که از آن هراسناک و در حذر بودند [و آن پیروزی بنی اسرائیل بر آنان بود] نشان دهیم. (۶)

وَأَوْحَيْنَا إِلَى أُمِّ مُوسَى أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خِفْتِ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكِ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ (۷)

و به مادر موسی الهام کردیم که او را شیر بده، پس هنگامی که [از سوی فرعونیان] بر او بترسی به دریایش انداز، و مترس و غمگین مباش که ما حتماً او را به تو باز می گردانیم، و او را از پیامبران قرار می دهیم. (۷)

فَالْتَقَطَهُ آلُ فِرْعَوْنَ لِيَكُونَ لَهُمْ عَدُوًّا وَحَزَنًا إِنَّ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا كَانُوا خَاطِئِينَ (۸)

[مادرش به الهام خدا او را به دریا انداخت] پس خاندان فرعون او را [از آب] گرفتند تا سرانجام، دشمنشان و مایه اندوهشان شود. مسلماً فرعون و هامان و سپاهیان آن دو خطاکار بودند؛ (۸)

وَقَالَتِ امْرَأَتُ فِرْعَوْنَ قُرَّتُ عَيْنٍ لِّی وَلَکَ لَا تَقْتُلُوهُ عَسَى أَن يَنفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (۹)

و همسر فرعون گفت: [این نوزاد] برای من و تو مایه شادمانی و خوشحالی است، او را نکشید، امید است ما را سود دهد، یا وی را به فرزندی خود بگیریم. ولی آنان آگاه نبودند [که دشمنشان را به دست خود می پرورند.] (۹)

وَأَصْبَحَ فُؤَادُ أُمِّ مُوسَى فَارِغًا إِن كَادَتْ لَتُبْدِی بِهِ لَوْلَا أَن رَّبَطْنَا عَلَى قَلْبِهَا لِتَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (۱۰)

و قلب مادر موسی [از هر چیز جز یاد فرزندش] تهی شد [و در اضطراب و نگرانی فرو رفت]. اگر قلبش را [با لطف خود] محکم و استوار نکرده بودیم تا از باورکنندگان وعده ما باشد، به درستی که نزدیک بود آن [حادثه پنهانی] را فاش کند، (۱۰)

وَقَالَتْ لِأُخْتِهِ قُصِّيهِ فَبَصُرَتْ بِهِ عَن جُنُبٍ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (۱۱)

و به خواهر موسی گفت: [اوضاع و احوال] او را پی گیری کن. پس او موسی را از دور [در آغوش فرعونیان] دید در حالی که خاندان فرعون [پی گیری او را] درک نمی کردند. (۱۱)

وَحَرَّمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ مِن قَبْلُ فَقَالَتْ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَى أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ وَهُمْ لَهُ نَاصِحُونَ (۱۲)

و ما پیش از آن [خوردن شیر] همه زنان شیردهنده را بر او حرام کردیم [تا پستان هیچ زنی را نگیرد،] پس [خواهرش پیش آمد و] گفت: آیا می خواهید شما را به خانواده ای راهنمایی کنم که سرپرستی او را برای شما به عهده گیرند و خیرخواه او باشند؟ (۱۲)

فَرَدَدْنَاهُ إِلَى أُمِّهِ كَیْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ وَلِتَعْلَمَ أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۱۳)

پس او را به مادرش برگردانیم تا خوشحال و شادمان شود و اندوه نخورد و بداند که حتماً وعده خدا حق است، ولی بیشتر مردم [که محروم از بصیرت اند این حقایق را] نمی دانند. (۱۳)

ص: ۳۸۶

وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَى آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِکَ نَجْزِی الْمُحْسِنِينَ (۱۴)

چون به توانایی [جسمی و عقلی] خود رسید و رشد و کمال یافت، به او حکمت و دانش دادیم؛ و این گونه نیکوکاران را پاداش می دهیم. (۱۴)

وَدَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَى حِينِ غَفْلَةٍ مِّنْ أَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَتِلَانِ هَذَا مِن شِيعَتِهِ وَهَذَا مِنْ عَدُوِّهِ فَاسْتَغَاثَهُ الَّذِی مِن شِيعَتِهِ عَلَى

الَّذِی مِنْ عَدُوِّهِ فَوَكَزَهُ مُوسَی فَقَضَی عَلَیْهِ قَالَ هَذَا مِنْ عَمَلِ الشَّیْطَانِ إِنَّهُ عَدُوٌّ مُّضِلٌّ مُّبِینٌ (۱۵)

و [موسی] به شهر وارد شد در حالی که اهل آن [در خانه ها استراحت می کردند و از آنچه در شهر می گذشت] بی خبر بودند، پس دو مرد را در آنجا یافت که با هم [به قصد نابودی یکدیگر] زد و خورد می کردند، این یک از پیروانش، و آن دیگر از دشمنانش، آنکه از پیروانش بود از موسی بر ضد کسی که از دشمنانش بود درخواست یاری کرد، پس موسی مشتی به او زد و او را کشت، گفت: این [نزاع میان آن دو] از عمل شیطان است، قطعاً او گمراه کننده و دشمنی اش آشکار است. (۱۵)

قَالَ رَبِّ إِنِّی ظَلَمْتُ نَفْسِی فَاغْفِرْ لِی فَغَفَرَ لَهُ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِیمُ (۱۶)

گفت: پروردگارا! [از اینکه از جایگاهم درآمدم و وارد شهر شدم] به خود ستم کردم [مرا از شرّ دشمنانم حفظ کن] و آمرزشت را نصیب من فرما. پس خدا او را آمرزید؛ زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است. (۱۶)

قَالَ رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَیَّ فَلَنْ أَكُونَ ظَهِیرًا لِّلْمُجْرِمِینَ (۱۷)

گفت: پروردگارا! به خاطر قدرت و نیرویی که به من عطا کردی، هرگز پشتیبان مجرمان نخواهم شد. (۱۷)

فَأَصْبَحَ فِی الْمَدِینَهِ خَائِفًا یَتَرَقَّبُ فَإِذَا الَّذِی اسْتَنصَرَهُ بِالْأَمْسِ یَسْتَصْرِخُهُ قَالَ لَهُ مُوسَی إِنَّکَ لَغَوِیٌّ مُّبِینٌ (۱۸)

پس [موسی آن شب را] در آن شهر با حالت بیم و نگرانی صبح کرد، در حالی که [آثار و عواقب حادثه اتفاق افتاده را] انتظار می کشید؛ پس ناگهان دید آنکه دیروز از او یاری خواسته بود، دوباره وی را به فریادرسی می خواند، [موسی به او] گفت: همانا تو گمراهی آشکار هستی، [و گمراهیت از اینکه بدون قدرت و نیرو با فرعونیان به زد و خورد می پردازی، پیداست.] (۱۸)

فَلَمَّا أَنْ أَرَادَ أَن یَبْطِشَ بِالَّذِی هُوَ عَدُوٌّ لَّهُمَا قَالَ یَا مُوسَی أَتُرِیدُ أَن تَقْتُلَنِی كَمَا قَتَلْتَ نَفْسًا بِالْأَمْسِ إِن تُرِیدُ إِلَّا أَن تَكُونَ جَبَّارًا فِی الْأَرْضِ وَمَا تُرِیدُ أَن تَكُونَ مِنَ الْمُصْلِحِینَ (۱۹)

هنگامی که خواست با کسی که دشمن هر دوی آنان بود به سختی برخورد کند [و از آن بنی اسرائیلی مظلوم دفاع نماید، مرد ستمدیده با ارزیابی اشتباهش در حقّ موسی به تصور آنکه موسی قصد وی را دارد] گفت: ای موسی! آیا می خواهی مرا بکشی چنان که دیروز یک نفر را کشتی؟ تو می خواهی در این سرزمین فقط یاغی و سرکش باشی، ونمی خواهی از مصلحان به شمار آیی! (۱۹)

وَجَاءَ رَجُلٌ مِّنْ أَقْصَی الْمَدِینَهِ یَسْعَی قَالَ یَا مُوسَی إِنَّ الْمَلَأَ یَأْتَمِرُونَ بِکَ لِیَقْتُلُوکَ فَاخْرُجْ إِنِّی لَکَ مِنَ النَّاصِحِینَ (۲۰)

و مردی از دورترین [نقطه] شهر شتابان آمد [و] گفت: ای موسی! اشراف و سران [فرعونی] درباره تو مشورت می کنند که تو را بکشند! بنابراین [از این شهر] بیرون برو که یقیناً من از خیرخواهان توام. (۲۰)

فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ نَجِّنِی مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِینَ (۲۱)

پس موسی ترسان و نگران در حالی که [حوادث تلخی را] انتظار می کشید از شهر بیرون رفت، [در آن حال] گفت: پروردگارا! مرا از این مردم ستمکار نجات بده. (۲۱)

ص: ۳۸۷

وَلَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقَاءَ مَدْیَنَ قَالَ عَسَی رَبِّی أَن یَهْدِیَنِی سَوَاءَ السَّبِیلِ (۲۲)

هنگامی که به سوی مدین روی آورد، گفت: امید است پروردگارم مرا به راه راست [که انسان را به نتیجه مطلوب می رساند] راهنمایی کند. (۲۲)

وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْیَنَ وَجَدَ عَلَیْهِ أُمَّةً مِّنَ النَّاسِ یَسْقُونَ وَوَجَدَ مِن دُونِهِمُ امْرَأَتَیْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُکُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِی حَتَّی یُصْدِرَ الرِّعَاءُ وَأَبُونَا شَیْخٌ کَبِیرٌ (۲۳)

هنگامی که به آب مدین رسید، گروهی از مردم را بر آن یافت که دام هایشان را آب می دادند، و غیر آنان دو زن را دید که [دام هایشان را از رفتن به سوی آب] بازمی دارند؛ گفت: چه چیزی شما را بر بازداشتن [گوسفندان] وامی دارد؟ گفتند: ما [این دام هایمان را] آب نمی دهیم تا [این] شبانان [دام هایشان را] برگردانند و پدر ما پیری کهنسال است [به این علت از انجام این کار معذور است.] (۲۳)

فَسَقَی لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّی إِلَی الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّی لِمَا أَنزَلْتَ إِلَیَّ مِنْ خَیْرٍ فَقِیرٌ (۲۴)

پس [موسی] دام هایشان را [به جهت کمک کردن به آن دو] آب داد، سپس به سوی سایه برگشت و گفت: پروردگارا! به آنچه از خیر بر من نازل می کنی، نیازمندم. (۲۴)

فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِی عَلَی اسْتِحْیَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِی یَدْعُوکَ لِیَجْزِیَکَ أَجْرَ مَا سَقَیْتَ لَنَا فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَیْهِ الْقَصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِینَ (۲۵)

پس یکی از آن دو [زن] در حالی که با حالت شرم و حیا گام برمی داشت، نزد او آمد [و] گفت: پدرم تو را می طلبد تا پاداش اینکه [دام های] ما را آب دادی به تو بدهد. چون نزد او آمد و داستانش را بیان کرد، گفت: دیگر نترس که از آن گروه ستمکار نجات یافتی. (۲۵)

قَالَتْ إِحْدَاهُمَا یَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَیْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِیُّ الْأَمِینُ (۲۶)

یکی از آن دو زن گفت: ای پدر! او را استخدام کن؛ زیرا بهترین کسی که استخدام می کنی آن کسی است که نیرومند و امین باشد [و او دارای این صفات است.] (۲۶)

قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُنكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ عَلَى أَن تَأْجُرَنِي ثَمَانِيَ حِجَجٍ فَإِنْ أَتْمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِندِكَ وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَشُقَّ عَلَيْكَ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ (۲۷)

گفت: می خواهم یکی از این دو دخترم را به نکاح تو درآورم به شرط آنکه هشت سال اجیر من باشی، و اگر ده سال را تمام کردی، اختیارش با خود توست [و ربطی به اصل قرار داد ندارد]، و من نمی خواهم بر تو سخت گیرم، و به خواست خدا مرا از شایستگان خواهی یافت. (۲۷)

قَالَ ذَلِكَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ أَيَّمَا الْأَجَلَيْنِ قَضَيْتُ فَلَا عُدْوَانَ عَلَيَّ وَاللَّهُ عَلَى مَا نَقُولُ وَكِيلٌ (۲۸)

[موسی] گفت: این قرارداد میان من و تو باشد، هر یک از این دو مدت را به پایان برم هیچ تعدّی و ستمی بر من نیست، و خدا بر آنچه می گوییم، نگهبان و وکیل است. (۲۸)

ص: ۳۸۸

فَلَمَّا قَضَى مُوسَى الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ آنَسَ مِن جَانِبِ الطُّورِ نَارًا قَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَّعَلِّي آتِيكُم مِّنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ جَذْوَةٍ مِّنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ (۲۹)

چون موسی آن مدت را به پایان برد و با خانواده اش رهسپار [مصر] شد، از جانب طور آتشی دید، به خانواده اش گفت: درنگ کنید که من آتشی دیدم، [می روم] شاید خبری از آن برای شما بیاورم یا پاره ای از آتش را می آورم تا گرم شوید. (۲۹)

فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ مِن شَاطِئِ الْوَادِ الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ أَن يَا مُوسَى إِنِّي أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ (۳۰)

چون نزد آن آمد، از جانب راست آن وادی در آن جایگاه مبارک از آن درخت ندا رسید که ای موسی! یقیناً منم خدا پروردگار جهانیان، (۳۰)

وَأَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا رَآهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّى مُدْبِرًا وَلَمْ يُعَقِّبْ يَا مُوسَى أَقْبِلْ وَلَا تَخَفْ إِنَّكَ مِنَ الْآمِنِينَ (۳۱)

و عصایت را بیفکن. پس وقتی آن را دید که تند و سریع حرکت می کند، گویا ماری باریک و تیزرو است، پشت کنان گریخت و به پشت سر برنگشت. [ندا آمد:] ای موسی! پیش آی و مترس، بی تردید تو [از آسیب و گزند آن] در امانی، (۳۱)

اسْلُكْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجْ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ وَاضْمُمْ إِلَيْكَ جَنَاحَكَ مِنَ الرَّهْبِ فَذَانِكَ بُرْهَانَانِ مِن رَّبِّكَ إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ (۳۲)

دستت را در گریبانت ببر تا بدون هیچ عیبی سفید و درخشان بیرون آید، و برای [از بین رفتن] ترسی که دچارش شده ای دو دستت را بر سینه بگذار، پس این دو معجزه از ناحیه پروردگار توست به سوی فرعون و اشراف و سران او که همواره مردمی

نافرمان هستند. (۳۲)

قَالَ رَبِّ إِنِّی قَتَلْتُ مِنْهُمْ نَفْسًا فَأَخَافُ أَن يَقْتُلُونِ (۳۳)

گفت: پروردگارا! من یک نفر از آنان را کشته ام، می ترسم مرا بکشند، (۳۳)

وَأَخِی هَارُونُ هُوَ أَفْصَحُ مِنِّی لِسَانًا فَأَرْسِلْهُ مَعِیَ رِدْءًا يُصَدِّقُنِی إِنِّی أَخَافُ أَن يُكَذِّبُونِ (۳۴)

و برادرم هارون زبانش از من گویاتر است، پس او را همراه من بفرست که یاور و دستیارم باشد تا [در همه امور] مرا تصدیق کند؛ زیرا می ترسم [فرعون و فرعونیان] تکذیبم کنند. (۳۴)

قَالَ سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ وَنَجْعَلُ لَكُمَا سُلْطَانًا فَلَا يَصِلُونَ إِلَيْكُمَا بِآيَاتِنَا أَنتُمَا وَمَنِ اتَّبَعَكُمَا الْغَالِبُونَ (۳۵)

[خدا] گفت: به زودی قدرت و نیرویت را به وسیله برادرت افزون کنم، و برای هر دوی شما به خاطر معجزات ما [که در اختیارتان نهاده ام] قدرتی قرار می دهم که آنان به شما دست نیابند، شما و آنان که از شما پیروی کنند، پیروزید. (۳۵)

ص: ۳۸۹

فَلَمَّا جَاءَهُم مُّوسَى بِآيَاتِنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّفْتَرًى وَمَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِی آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ (۳۶)

پس هنگامی که موسی آیات روشن ما را برای آنان آورد، گفتند: این جز جادویی ساختگی و دروغین نیست، و ما این [ادعای نبوّت و دعوت به توحید] را از پدران پیشین خود نشنیده ایم [که به ما گفته باشند کسی در میانشان به عنوان پیامبر و دعوت کننده به توحید آمده باشد!!] (۳۶)

وَقَالَ مُوسَى رَبِّی أَعْلَمُ بِمَن جَاءَ بِالْهُدَى مِنْ عِندِهِ وَمَن تَكُونُ لَهُ عَاقِبَةُ الدَّارِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ (۳۷)

و موسی گفت: پروردگارم به کسی که از نزد او هدایت آورده و به کسی که سرانجام نیک برای اوست داناتر است؛ بی تردید ستمکاران پیروز نمی شوند. (۳۷)

وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ مَا عَلِمْتُ لَكُم مِّنْ إِلَهٍ غَيْرِی فَأَوْقِدْ لِی يَا هَامَانُ عَلَى الطِّينِ فَاجْعَل لِّی صَرْحًا لَّعَلِّی أَطَّلِعُ إِلَى إِلَهِ مُوسَى وَإِنِّی لَأَظُنُّهُ مِنَ الْكَاذِبِينَ (۳۸)

و فرعون گفت: ای اشراف و سران [مملکت]! من برای شما هیچ معبودی جز خود نمی شناسم، پس ای هامان! برایم بر گِل آتش بیفروز [تا آجر محکم و قوی به دست آید]، پس برایم برجی بلند بساز شاید بر معبود موسی آگاهی و اطلاع یابم، و البته من او را از دروغگویان می پندارم. (۳۸)

وَاسْتَكْبَرَ هُوَ وَجُنُودُهُ فِی الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ إِلَيْنَا لَا يُرْجَعُونَ (۳۹)

او و سپاهیانش به ناحق در زمین سرکشی و تکبر کردند، و پنداشتند که آنان را به سوی ما بازنمی گردانند، (۳۹)

فَأَخَذْنَاهُ وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِی الْیَمِّ فَانظُرْ کَیْفَ کَانَ عَاقِبَهُ الظَّالِمِینَ (۴۰)

پس او و سپاهیانش را گرفتیم و در دریا افکندیم؛ پس با تأمل بنگر که سرانجام ستمکاران چگونه بود؟ (۴۰)

وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّهً یَدْعُونَ إِلَی النَّارِ وَیَوْمَ الْقِیَامَهِ لَا یُنصَرُونَ (۴۱)

و آنان را [به کیفر طغیانشان] پیشوایانی که دعوت به آتش می کنند قرار دادیم، و روز قیامت یاری نمی شوند، (۴۱)

وَأَتْبَعْنَاهُمْ فِی هَذِهِ الدُّنْیَا لَعْنَهً وَیَوْمَ الْقِیَامَهِ هُم مِّنَ الْمَقْبُوحِینَ (۴۲)

و آنان را در این دنیا با لعنت بدرقه کردیم، و روز قیامت از زشت رویان [و مطرودان] از رحمت خدایند، (۴۲)

وَلَقَدْ آتَیْنَا مُوسَی الْکِتَابَ مِن بَعْدِ مَا أَهْلَکْنَا الْقُرُونَ الْأُولَی بَصَائِرَ لِلنَّاسِ وَهُدًی وَرَحْمَهً لَّعَلَّهُمْ یَتَذَکَّرُونَ (۴۳)

و پس از آنکه اقوام پیشین را [چون قوم نوح و هود و صالح و لوط] هلاک کردیم، به موسی کتاب دادیم که برای مردم وسیله بینایی و هدایت و رحمتی بود، تا متذکّر و هوشیار شوند. (۴۳)

ص: ۳۹۰

وَمَا کُنتَ بِجَانِبِ الْغَرْبِیِّ إِذْ قَضَیْنَا إِلَی مُوسَی الْأَمْرَ وَمَا کُنتَ مِنَ الشَّاهِدِینَ (۴۴)

تو در جانب غربی [وادی طور] حضور نداشتی هنگامی که ما [با نازل کردن تورات] امر نبوّت موسی را به انجام رساندیم، و از شاهدان [آن واقعه مهم هم] نبودی. (۴۴)

وَلَکِنَّا أَنشَأْنَا قُرُونًا فَتَطَاوَلَ عَلَیْهِمُ الْعُمُرُ وَمَا کُنتَ ثَاوِیًا فِی أَهْلِ مَدْیَنَ تَتْلُو عَلَیْهِمْ آیَاتِنَا وَلَکِنَّا کُنَّا مُرْسِلِینَ (۴۵)

ولی ما ملت هایی را پدید آوردیم، پس روزگار درازی بر آنان گذشت [تا جایی که سرگذشتشان فراموش شد، اکنون ما سرگذشتشان را به تو وحی می کنیم تا برای مردم بیان کنی]. و تو در میان مردم مدین ساکن نبودی تا نشانه های [قدرت و خشم] ما را [که به آنان رسید] بر اینان [که در مکه، آلوده به طغیان و فسادند] بخوانی، ولی ما بودیم که تو را به پیامبری فرستادیم [و سرگذشت مردم مدین را به تو وحی کردیم تا بر آنان بخوانی.] (۴۵)

وَمَا کُنتَ بِجَانِبِ الطُّورِ إِذْ نَادَیْنَا وَلَکِن رَّحْمَهً مِّن رَّبِّکَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أَتَاهُم مِّن نَّذِیرٍ مِّن قَبْلِکَ لَعَلَّهُمْ یَتَذَکَّرُونَ (۴۶)

و زمانی که ما موسی را ندا دادیم، تو در ناحیه طور نبودی ولی به سبب رحمتی از پروردگارت [سرگذشت موسی را به تو وحی کردیم] تا به مردمی که پیش از تو [تا زمان عیسی] بیم دهنده ای برای آنان نیامده بود، بیم دهی تا متذکّر و هوشیار شوند. (۴۶)

وَلَوْلَا أَن تُصِيبَهُم مُّصِيبَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَيَقُولُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (۴۷)

و اگر نه آن بود که به سبب گناهانی که مرتکب شدند عذابی به آنان برسد، پس بگویند: پروردگارا! چرا پیامبری به سوی ما نفرستادی تا از آیاتت پیروی کنیم و از مؤمنان باشیم [بی تردید در عذاب کردن و هلاکتشان شتاب می نمودیم.] (۴۷)

فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِندِنَا قَالُوا لَوْلَا أُوتِيَ مِثْلَ مَا أُوتِيَ مُوسَىٰ أَوَلَمْ يَكْفُرُوا بِمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ مِن قَبْلُ قَالُوا سِحْرَانِ تَظَاهَرَا وَقَالُوا إِنَّا بِكُلٍّ كَافِرُونَ (۴۸)

پس هنگامی که حق [چون قرآن و پیامبر] از سوی ما برای آنان آمد [به جای آنکه بپذیرند] گفتند: چرا مانند آنچه به موسی دادند به او نداده اند؟ آیا پیش از این به آنچه به موسی داده شد، کفر نورزیدند؟! گفتند: [این تورات و قرآن] دو جادویند که پشتیبان یکدیگرند!! و گفتند: ما منکر هر دو هستیم!! (۴۸)

قُلْ فَأْتُوا بِكِتَابٍ مِّنْ عِندِ اللَّهِ هُوَ أَهْدَىٰ مِنْهُمَا أَتَّبِعْهُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (۴۹)

بگو: [بنا بر ادعای شما چنانچه تورات و قرآن از جانب خدا نیست] اگر راست می گویید کتابی از نزد خدا بیاورید که هدایت کننده تر از این دو باشد تا آن را پیروی کنم. (۴۹)

فَإِن لَّمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِّنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۵۰)

پس اگر پاسخ تو را ندادند بدان که فقط از هواهای نفسانی خود پیروی می کنند و گمراه تر از کسی که بدون هدایتی از سوی خدا از هواهای نفسانی خود پیروی کند، کیست؟ مسلماً خدا مردم ستمکار را هدایت نمی کند. (۵۰)

ص: ۳۹۱

وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (۵۱)

ما این قرآن را برای آنان پی در پی و به هم پیوسته [به صورت سوره ای پس از سوره ای و آیه ای بعد از آیه ای] آوردیم تا متذکّر و هوشیار [حقایق] شوند. (۵۱)

الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ مِن قَبْلِهِ هُم بِهِ يُؤْمِنُونَ (۵۲)

[و برخی از] کسانی که پیش از قرآن کتابشان دادیم، به قرآن ایمان می آورند، (۵۲)

وَإِذَا يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ قَالُوا آمَنَّا بِهِ إِنَّهُ الْحَقُّ مِن رَّبِّنَا إِنَّا كُنَّا مِن قَبْلِهِ مُسْلِمِينَ (۵۳)

و هنگامی که بر آنان خوانند، می گویند: به آن ایمان آوردیم، یقیناً این قرآن از سوی پروردگارمان حق و درست است، البته

ما پیش از نزول آن [به سبب راهنمایی های تورات و انجیل] تسلیم بودیم. (۵۳)

أُولَئِکَ يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُم مَّرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا وَيَدْرَءُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ (۵۴)

اینان به علت صبری که [بر ایمان و عمل به قرآن] کردند و بدی [مردم] را با نیکی و خوبی خود دفع می کنند و از آنچه به آنان روزی کرده ایم، انفاق می نمایند، دوبار پاداششان می دهند. (۵۴)

وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَقَالُوا لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَا نَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ (۵۵)

و هنگامی که سخن بیهوده ای بشنوند، از آن روی برمی گردانند و می گویند: اعمال ما برای ما و اعمال شما برای شما، سلام بر شما [سلام متارکه]، ما خواستار [همنشینی و معاشرت با] نادانان نیستیم. (۵۵)

إِنَّکَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَن يَشَاءُ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ (۵۶)

قطعاً تو نمی توانی هر که را خود دوست داری هدایت کنی، بلکه خدا هر که را بخواهد هدایت می کند؛ و او به هدایت پذیران داناتر است، (۵۶)

وَقَالُوا إِن نَّتَّبِعِ الْهُدَى مَعَکَ نُتَخَطَّفْ مِنْ أَرْضِنَا أَوَلَمْ نُمَكِّن لَّهُمْ حَرَمًا آمِنًا يُجْبَى إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ رِّزْقًا مِّن لَّدُنَّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۵۷)

و [مشرکان برای معذور بودن خود در نپذیرفتن هدایت] گفتند: اگر ما همراه تو از هدایت [قرآن] پیروی کنیم [به وسیله مشرکان قلدر عرب] از سرزمینمان [شهر مکه] ربوده خواهیم شد! آیا ما آنان را در حرم امنی جای ندادیم که همواره [در همه فصول سال] هر نوع میوه و محصولی که رزقی از سوی ماست به سوی آن گردآوری می شود؟ ولی بیشتر آنان معرفت و دانش [نسبت به واقعیات] ندارند. (۵۷)

وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِن قَرْيَةٍ بَطِرَتْ مَعِيشَتَهَا فَتِلْکَ مَسَاكِنُهُمْ لَمْ تُسْكَن مِّن بَعْدِهِمْ إِلَّا قَلِيلًا وَكُنَّا نَحْنُ الْوَارِثِينَ (۵۸)

چه بسیار [اهل] شهرهایی را که [به سبب فراوانی نعمت] در زندگی خود گرفتار سرمستی و طغیان شده بودند، هلاک کردیم، پس این ها خانه های ایشان است که پس از آنان [خراب و ویران شده و] جز اندکی مورد سکونت قرار نگرفته اند، و فقط ما وارث آنان هستیم! (۵۸)

وَمَا كَانَ رَبُّکَ مُهْلِکَ الْقُرَى حَتَّى يَبْعَثَ فِي أُمِّهَا رَسُولًا يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا وَمَا كُنَّا مُهْلِكِي الْقُرَى إِلَّا وَأَهْلُهَا ظَالِمُونَ (۵۹)

و پروردگارت بر آن نبوده است که شهرها را نابود کند، تا آنکه [پیش از نابودی] در مرکز آنها پیامبری برانگیزد که آیات ما را بر آنان بخواند، و ما [در هیچ حالی از احوال] نابودکننده شهرها نبوده ایم مگر در حالی که اهلش ستمکار بوده اند. (۵۹)

وَمَا أُوتِيتُم مِّن شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَزِينَتُهَا وَمَا عِندَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۶۰)

آنچه به شما داده شده کالا و ابزار زندگی دنیا و زینت آن است، و آنچه نزد خداست بهتر و پایدارتر است؛ آیا نمی اندیشید؟ (۶۰)

أَفَمَن وَعَدْنَاهُ وَعْدًا حَسَنًا فَهُوَ لَاقِيهِ كَمَن مَّتَّعْنَاهُ مَتَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ هُوَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ الْمُحْضَرِينَ (۶۱)

پس آیا کسی که وعده نیک به او داده ایم و حتماً به آن خواهد رسید، مانند کسی است که او را [فقط] از کالا و ابزار زندگی دنیا برخوردارش کرده ایم، سپس او در روز قیامت از احضار شوندگان [برای عذاب] است؟! (۶۱)

وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنتُمْ تَزْعُمُونَ (۶۲)

و [یاد کن] روزی را که خدا آنان را ندا می دهد و می گوید: کجایند معبودانی که می پنداشتید شریکان من [در ربوبیت] هستند؟ (۶۲)

قَالَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَغْوَيْنَا أَغْوَيْنَاهُمْ كَمَا غَوَيْنَا تَبَرَّأْنَا إِلَيْكَ مَا كَانُوا إِيَّانَا يَعْبُدُونَ (۶۳)

کسانی که عذاب بر آنان حتمی و لازم شده [از سردمداران شرک و کفر که مردم را به اطاعت و بندگی خود واداشتند] می گویند: پروردگارا! اینانند [مطیعان ما] که گمراهشان کردیم، همان گونه که ما [به اختیار خود] گمراه شدیم آنان را نیز [به اختیار و انتخاب خودشان] گمراه کردیم، [از آنان] به سوی تو بیزاری می جوییم، ما را نمی پرستیدند، [بلکه هوای نفسشان را می پرستیدند،] (۶۳)

وَقِيلَ ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَرَأَوُا الْعَذَابَ لَوْ أَنَّهُمْ كَانُوا يَهْتَدُونَ (۶۴)

و [به مطیعان] گفته شود: شریکان خود را [که می پرستیدید] بخوانید. پس آنها را می خوانند ولی آنها پاسخشان را نمی دهند، و عذاب را می بینند و آرزو می کنند که ای کاش هدایت می یافتند، (۶۴)

وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ مَاذَا أَجَبْتُمُ الْمُرْسَلِينَ (۶۵)

و روزی که خدا آنان را ندا می دهد و می گوید: چه پاسخی به پیامبران دادید؟ (۶۵)

فَعَمِيَتْ عَلَيْهِمُ الْأَنبَاءُ يَوْمَئِذٍ فَهُمْ لَا يَتَسَاءَلُونَ (۶۶)

پس در آن روز [به خاطر ترس و هراس فراگیر و به سبب محجوب بودن دل هایشان و قطع رابطه آنان با علل و اسباب، همه] اخبار [واقعی] بر آنان پوشیده ماند [و راه نجات از همه طرف بر آنان مسدود است]، بنابراین از یکدیگر پرسش هم نمی کنند، (۶۶)

فَأَمَّا مَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَعَسَى أَن يَكُونَ مِنَ الْمُفْلِحِينَ (۶۷)

و اما کسی که [از شرک و عصیان] توبه کرده و ایمان آورده و کار شایسته انجام داده، امید است که از رستگاران باشد، (۶۷)

وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ (۶۸)

و پروردگارت آنچه را بخواهد می آفریند و [آنچه را بخواهد] بر می گزیند، برای آنان [در برابر اراده او در قلمرو تکوین و تشریع] اختیاری نیست؛ منزّه است خدا و برتر است از آنچه برای او شریک می گیرند، (۶۸)

وَرَبُّكَ يَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ (۶۹)

و پروردگارت آنچه را سینه هایشان پنهان می نماید و آنچه را آشکار می کند، می داند (۶۹)

وَهُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَى وَالْآخِرَةِ وَلَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۷۰)

و اوست خدا که معبودی جز او نیست، همه ستایش ها در دنیا و آخرت ویژه اوست، و فرمانروایی فقط برای اوست، و تنها به سوی او بازگردانده می شوید. (۷۰)

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِن جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ اللَّيْلَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُم بِضِيَاءٍ أَفَلَا تَسْمَعُونَ (۷۱)

بگو: به من خبر دهید، اگر خدا شب را بر شما تا روز قیامت پاینده و جاوید کند، کدام معبودی است جز خدا که برای شما روشنایی بیاورد؟ پس آیا [دعوت او را] نمی شنوید؟ (۷۱)

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِن جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ النَّهَارَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُم بِلَيْلٍ تَسْكُنُونَ فِيهِ أَفَلَا تُبْصِرُونَ (۷۲)

بگو: به من خبر دهید اگر خدا روز را بر شما تا روز قیامت پاینده و جاوید کند، کدام معبودی است جز خدا که شبی را برای شما بیاورد تا در آن بیارامید؟ پس آیا [آثار قدرت او را] نمی بینید؟ (۷۲)

وَمِن رَّحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِن فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۷۳)

و از رحمت خود شب و روز را برای شما قرار داد، تا در شب بیارامید و [در روز] رزق و روزی بجویید، باشد که سپاس گزاری کنید. (۷۳)

وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنتُمْ تَزْعُمُونَ (۷۴)

و [یاد کن] روزی را که خدا آنان را ندا می کند و می گوید: کجایند معبودانی که می پنداشتید شریکان من [در ربوبیت]

هستند؟ (۷۴)

وَنَزَعْنَا مِن كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا فَقُلْنَا هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ فَعَلِمُوا أَنَّ الْحَقَّ لِلَّهِ وَضَلَّ عَنْهُم مَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ (۷۵)

و از هر امتی گواه مطلع و آگاهی [چون پیامبر یا امام معصوم یا شخصی عادل و صالح] بیرون می آوریم، و [در محضر او به امت] می گوییم: دلیل خود را [بر درستی آیین شرک] بیاورید. پس برای آنان یقینی شود که بی تردید حق [یعنی توحید] ویژه خداست، و آنچه را به دروغ [به عنوان شریک خدا] می ساختند از دستشان می رود و گم می شود. (۷۵)

إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِن قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ وَآتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ بِالْعُصْبَةِ أُولِي الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ (۷۶)

همانا قارون از قوم موسی بود که بر آنان تعدی و تجاوز کرد، و از گنجینه های مال و ثروت آن اندازه به او دادیم که حمل کلیدهایش بر گروهی نیرومند گران و دشوار می آمد. [یاد کن] هنگامی که قومش به او گفتند: [متکبرانه و مغرورانه] شادی مکن، قطعاً خدا شادمانان [متکبر و مغرور] را دوست ندارد. (۷۶)

وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِن كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفَسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ (۷۷)

در آنچه خدا به تو عطا کرده است سرای آخرت را بجوی، و سهم خود را از دنیا فراموش مکن، و نیکی کن همان گونه که خدا به تو نیکی کرده است، و در زمین خواهان فساد مباش، بی تردید خدا مفسدان را دوست ندارد. (۷۷)

قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَى عِلْمٍ عِندِي أَوَلَمْ يَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ مِن قَبْلِهِ مِنَ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَأَكْثَرُ جَمْعًا وَلَا يُسْأَلُ عَن ذُنُوبِهِمُ الْمُجْرِمُونَ (۷۸)

گفت: جز این نیست که این [ثروت و مال انبوه] را بر پایه دانشی که نزد من است به من داده اند. آیا نمی دانست که خدا پیش از او اقوامی را هلاک کرده است که از او نیرومندتر و ثروت اندوزتر بودند؟ و مجرمان [که جرمشان معلوم و مشهود است] از گناهانشان بازپرسی نمی شود. (۷۸)

فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ (۷۹)

[قارون] در میان آرایش و زینت خود بر قومش درآمد؛ آنانکه خواهان زندگی دنیا بودند، گفتند: ای کاش مانند آنچه به قارون داده اند برای ما هم بود، واقعاً او دارای بهره بزرگی است. (۷۹)

وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَيْلَكُمْ ثَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ لِّمَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا وَلَا يُلَقَّاهَا إِلَّا الصَّابِرُونَ (۸۰)

و کسانی که معرفت و دانش به آنان عطا شده بود، گفتند: وای بر شما پاداش خدا برای کسانی که ایمان آورده و کار شایسته انجام داده اند بهتر است. و [این حقیقت الهیه را] جز شکیبایان در نمی یابند. (۸۰)

فَخَسَفْنَا بِهِ وَبِدَارِهِ الْأَرْضَ فَمَا كَانَ لَهُ مِن فِئَةٍ يَنصُرُونَهُ مِن دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُنتَصِرِينَ (۸۱)

پس او و خانه اش را در زمین فرو بردیم، و هیچ گروهی غیر از خدا برای او نبود که وی را [برای رهایی از عذاب] یاری دهد، و خود نیز نتوانست از خود دفاع کند. (۸۱)

وَأَصْبَحَ الَّذِينَ تَمَنَّوْا مَكَانَهُ بِالْأَمْسِ يَقُولُونَ وَيْكَأَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَوْلَا أَن مَّنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا لَخَسَفَ بِنَا وَيْكَأَنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ (۸۲)

و بامدادان، آنانکه دیروز مقام و جایگاه او را آرزو داشتند [چنان حالی شدند که] می گفتند: وه! گویی خدا رزق را برای هر کس از بندگانش بخواهد وسعت می دهد، و [برای هر که بخواهد] تنگ می گیرد، اگر خدا بر ما منت نگذاشته بود، ما را نیز در زمین فرو برده بود، وه، گویی کافران رستگار نمی شوند. (۸۲)

تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ (۸۳)

آن سرای [پرارزش] آخرت را برای کسانی قرار می دهیم که در زمین هیچ برتری و تسلّط و هیچ فسادی را نمی خواهند؛ و سرانجام [نیک] برای پرهیزکاران است. (۸۳)

مَن جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِّنْهَا وَمَن جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى الَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۸۴)

هر کس کار نیکی [به پیشگاه خدا] بیاورد، پاداشی بهتر از آن برای اوست، و هر کس کار بدی بیاورد [پس بدانند آنان که کارهای ناشایسته انجام داده اند] جزا داده نمی شوند مگر آنچه را همواره انجام می داده اند. (۸۴)

ص: ۳۹۵

إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَى مَعَادٍ قُل رَّبِّي أَعْلَمُ مَن جَاءَ بِالْهُدَى وَمَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۸۵)

یقیناً کسی که [ابلاغ و عمل کردن به] قرآن را بر تو واجب کرده است، حتماً تو را به بازگشت گاه [رفیع و بلند مرتبه ات، شهر مکه] بازمی گرداند. بگو: پروردگارم به کسی که هدایت را آورده است و به کسی که در گمراهی آشکاری است، داناتر است. (۸۵)

وَمَا كُنتَ تَرْجُو أَن يُلْقَى إِلَيْكَ الْكِتَابُ إِلَّا رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ ظَهِيرًا لِّلْكَافِرِينَ (۸۶)

و تو امید و انتظار نداشتی که این کتاب بر تو القا شود، لکن رحمتی از سوی پروردگارت بود [که بر تو القا شد]؛ پس هرگز پشتیبان کافران مباش، (۸۶)

وَلَا يَصُدُّنَّکَ عَنْ آيَاتِ اللَّهِ بَعْدَ إِذْ أُنزِلَتْ إِلَيْکَ وَادْعُ إِلَى رَبِّکَ وَلَا تَکُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِکِينَ (۸۷)

و مبادا [کفر پیشگان لجوج] تو را از [ابلاغ] آیات خدا پس از آنکه به سوی تو نازل شد باز دارند، و به جانب پروردگارت دعوت کن، و هرگز از مشرکان مباش، (۸۷)

وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ کُلُّ شَيْءٍ هَالِکٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُکْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۸۸)

و با خدا معبودی دیگر مخوان، جز او معبودی نیست، هر چیزی مگر ذات او هلاک شدنی است، فرمانروایی [بر همه جهان هستی] ویژه اوست، و فقط به سوی او بازگردانده می شوید. (۸۸)

سوره العنکبوت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الم (۱)

الم (۱)

أَحَسِبَ النَّاسُ أَن يُتْرَکُوا أَن يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ (۲)

آیا مردم گمان کرده اند، همین که بگویند: ایمان آوردیم، رها می شوند و آنان [به وسیله جان، مال، اولاد و حوادث] مورد آزمایش قرار نمی گیرند؟ (۲)

وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْکَاذِبِينَ (۳)

در حالی که یقیناً کسانی را که پیش از آنان بودند، آزمایش کرده ایم [پس اینان هم بی تردید آزمایش می شوند]، و بی تردید خدا کسانی را که [در ادعای ایمان] راست گفته اند می شناسد، و قطعاً دروغگویان را نیز می شناسد. (۳)

أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ أَن يَسْبِقُونَا سَاءَ مَا يَحْکُمُونَ (۴)

آیا آنان که مرتکب زشتی ها می شوند، پنداشته اند که می توانند بر ما پیشی گیرند [تا از مجازات و عذاب زشت کاری هایشان بگریزند؟!] چه بد داوری می کنند. (۴)

مَن کَانَ يَرْجُو لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۵)

هر که امید دیدار [پاداش و مقام قرب] خدا را دارد [باید در عرصه طاعت و عبادت بکوشد]؛ زیرا زمان معین شده [از سوی خدا [که روز قیامت است] حتماً آمدنی است؛ و او شنوا و داناست. (۵)

وَمَن جَاهَدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ (۶)

و کسی که [در راه خدا] بکوشد فقط به سود خودش می کوشد؛ زیرا خدا از جهانیان بی نیاز است. (۶)

ص: ۳۹۶

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَحْسَنَ الَّذِى كَانُوا يَعْمَلُونَ (۷)

و آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، گناهانشان را قطعاً از آنان می پوشانیم و بر پایه بهترین عملی که همواره انجام می داده اند، پاداششان می دهیم. (۷)

وَوَصَّيْنَا الْإِنسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا وَإِن جَاهَدَاكَ لِتُشْرِكَ بِى مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۸)

انسان را درباره پدر و مادرش به نیکی کردن سفارش کرده ایم؛ و اگر آن دو نفر تلاش کنند تا بر پایه جهالت و نادانی [وبدون معرفت و دانش که روشنگر حقایق است] چیزی را شریک من قرار دهی، از آنان اطاعت مکن. بازگشت شما فقط به سوی من است، پس شما را به آنچه همواره انجام می داده اید، آگاه می کنم. (۸)

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِى الصَّالِحِينَ (۹)

و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، حتماً در زمره شایستگان درمی آوریم. (۹)

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ فَإِذَا أُوذِىَ فِى اللَّهِ جَعَلَ فِتْنَةَ النَّاسِ كَعَذَابِ اللَّهِ وَلَئِن جَاءَ نَصْرٌ مِّن رَّبِّكَ لَيَقُولُنَّ إِنَّا كُنَّا مَعَكُمْ أَوَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِمَا فِى صُدُورِ الْعَالَمِينَ (۱۰)

و از مردم کسانی هستند که می گویند: به خدا ایمان آوردیم. پس هنگامی که در راه خدا شکنجه و آزار شوند، شکنجه و آزار مردم را مانند عذاب خدا [غیر قابل تحمل] شمارند [و از بیم ادامه یافتنش از ایمان دست برمی دارند]، و اگر از سوی پروردگارت یاری و نصرتی [چون پیروزی و غنیمت] بیاید، [به مؤمنان] قاطعانه می گویند: ما هم با شما بودیم. آیا [حال آنان از دید خدا پنهان است] و خدا به آنچه در سینه های جهانیان است [از همه] آگاه تر نیست؟ (۱۰)

وَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْمُنَافِقِينَ (۱۱)

و یقیناً خدا کسانی را که ایمان آورده اند، می شناسد و بی تردید منافقان را نیز می شناسد، (۱۱)

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا اتَّبِعُوا سَبِيلَنَا وَلْنَحْمِلْ خَطَايَاكُمْ وَمَا هُم بِحَامِلِينَ مِنْ خَطَايَاهُم مِّن شَىْءٍ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ (۱۲)

و کافران به مؤمنان گفتند: از راه ما پیروی کنید تا ما [اگر آخرتی و عذابی در کار باشد] گناهان شما را به عهده گیریم. و آنان [به اختیار خود] بر عهده گیرنده چیزی از گناهان اینان نیستند، آنان یقیناً [در پیشنهادی که به مؤمنان می دهند] دروغگویند، (۱۲)

وَلَيَحْمِلُنَّ أَثْقَالَهُمْ وَأَثْقَالًا مَّعَ أَثْقَالِهِمْ وَلَيُسْأَلُنَّ يَوْمَ الْقِيَامَهِ عَمَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ (۱۳)

و مسلماً بارهای [گناهان] خود را با بارهای دیگری [از گناهان کسانی که گمراهشان کردند] همراه با بارهای خود حمل خواهند کرد، و روز قیامت از آنچه [به خدا و پیامبر و قرآن] افترا می بستند، حتماً بازپرسی خواهند شد، (۱۳)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَهٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ (۱۴)

و همانا نوح را به سوی قومش فرستادیم پس نهصد و پنجاه سال در میانشان درنگ کرد [ولی بیشتر مردم به او ایمان نیاوردند]، سرانجام توفان آنان را در حالی که ستمکار بودند، فرا گرفت. (۱۴)

ص: ۳۹۷

فَأَنجَيْنَاهُ وَأَصْحَابَ السَّفِينَهِ وَجَعَلْنَاهَا آيَهً لِّلْعَالَمِينَ (۱۵)

پس او و اهل کشتی را نجات بخشیدیم و آن [حادثه] را عبرتی بسیار مهم برای جهانیان قرار دادیم. (۱۵)

وَإِبْرَاهِيمَ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ (۱۶)

و ابراهیم را [نیز فرستادیم] آن گاه به قومش گفت: خدا را بپرستید و از او پروا کنید، این برای شما بهتر است، اگر بدانید؛ (۱۶)

إِنَّمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا وَتَخْلُقُونَ إِفْكًا إِنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا فَابْتَغُوا عِندَ اللَّهِ الرِّزْقَ وَاعْبُدُوهُ وَاشْكُرُوا لَهُ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۱۷)

جز این نیست که شما به جای خدا بت هایی را می پرستید و [در نامگذاری آنها به آلهه و شفیع و مؤثر] دروغی را می سازید، بی تردید کسانی را که به جای خدا می پرستید، رزقی را برای شما مالک نیستند [تا آن را به شما برسانند]، پس رزق را نزد خدا بجویید و او را بندگی کنید و او را شکر کنید که [فقط] به سوی او بازگردانده می شوید، (۱۷)

وَإِن تُكَذِّبُوا فَقَدْ كَذَّبَ أُمَمٌ مِّن قَبْلِكُمْ وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ (۱۸)

و اگر [مرا] تکذیب کنید [چیز جدیدی نیست]؛ زیرا امت هایی پیش از شما نیز [پیامبران را] تکذیب کردند، و بر عهده پیامبر جز رساندن آشکار [پیام وحی] نیست. (۱۸)

أَوَلَمْ يَرَوْا كَيْفَ يُبْدِئُ اللَّهُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ (۱۹)

آیا ندانسته اند که چگونه خدا مخلوقات را می آفریند سپس آنان را [پس از مرگشان] باز خواهد گرداند، یقیناً این [کار] بر خدا آسان است. (۱۹)

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۲۰)

بگو: در زمین بگردید پس با تأمل بنگرید که چگونه مخلوقات را آفرید، سپس خدا جهان آخرت را ایجاد می کند؛ زیرا خدا بر هر کاری تواناست، (۲۰)

يُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَيَرْحَمُ مَن يَشَاءُ وَإِلَيْهِ تُقْلَبُونَ (۲۱)

هر کس را بخواهد عذاب می کند، و هر کس را بخواهد مورد رحمت قرار می دهد، و فقط به سوی او بازگردانده می شوید. (۲۱)

وَمَا أَنتُم بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ اللَّهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ (۲۲)

و شما نه در زمین و نه در آسمان نمی توانید خدا را عاجز کنید [تا از دسترس قدرت او بیرون روید]، و شما را به جای خدا هیچ سرپرست و یاوری نیست، (۲۲)

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَلِقَائِهِ أُولَئِكَ يَئِسُوا مِن رَّحْمَتِي وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۲۳)

وکسانی که به آیات خدا و دیدار [قیامت و محاسبه اعمال به وسیله] او کفر ورزیدند، آنان از رحمت من مأیوسند وبرای آنان عذابی دردناک است. (۲۳)

ص: ۳۹۸

فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَن قَالُوا اقْتُلُوهُ أَوْ حَرِّقُوهُ فَأَنجَاهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (۲۴)

پس جواب قوم ابراهیم جز این نبود که گفتند: او را بکشید یا بسوزانیدش. پس خدا او را از آن آتش رهایی بخشید، مسلماً در این [حادثه] برای مردمی که ایمان دارند، عبرت هاست، (۲۴)

وَقَالَ إِنَّمَا اتَّخَذْتُم مِّن دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا مَّوَدَّةَ بَيْنِكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُ بَعْضُكُم بِبَعْضٍ وَيَلْعَنُ بَعْضُكُم بَعْضًا وَمَأْوَاكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّن نَّاصِرِينَ (۲۵)

و [ابراهیم] گفت: جز این نیست که به جای خدا بتهایی را [برای خود به عنوان معبود] گرفته اید [که علت آن] دوستی میان خودتان در زندگی دنیاست، سپس روز قیامت برخی از شما برخی دیگر را انکار می کنند، و بعضی از شما بعضی دیگر را لعنت می نمایند، و جایگاه شما آتش است، و برای شما هیچ یاوری نخواهد بود. (۲۵)

فَآمَنَ لَهُ لُوطٌ وَقَالَ إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَى رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۲۶)

پس لوط به ابراهیم ایمان آورد، و [ابراهیم] گفت: به درستی که من به سوی پروردگارم مهاجرت می کنم، که فقط او توانای

شکست ناپذیر و حکیم است. (۲۶)

وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِ النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ وَآتَيْنَاهُ أَجْرَهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ (۲۷)

و اسحاق و یعقوب را به او بخشیدیم و پیامبری و کتاب را در نسلش قرار دادیم و پاداشش را در دنیا به او دادیم، و بی تردید او در آخرت از زمره شایستگان است. (۲۷)

وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُم بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِّنَ الْعَالَمِينَ (۲۸)

و لوط را [نیز فرستادیم]، آن گاه به قومش گفت: شما کار بسیار زشتی مرتکب می شوید که پیش از شما هیچ یک از جهانیان آن را انجام نداده اند. (۲۸)

أَئِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ وَتَقْطَعُونَ السَّبِيلَ وَتَأْتُونَ فِي نَادِيكُمُ الْمُنكَرَ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَن قَالُوا ائْتِنَا بِعَذَابِ اللَّهِ إِن كُنتَ مِنَ الصَّادِقِينَ (۲۹)

آیا شما با مردان آمیزش می کنید و راه [توالد و تناسل] را قطع می نمایید و در محفل عمومی خود [در انظار یکدیگر] این کار بسیار زشت را مرتکب می شوید. پس جواب قوم او جز این نبود که گفتند: اگر تو از راستگویانی عذاب خدا را برای ما بیاور. (۲۹)

قَالَ رَبِّ انصُرْنِي عَلَى الْقَوْمِ الْمُفْسِدِينَ (۳۰)

گفت: پروردگارا! مرا بر این مردم فسادکار یاری ده. (۳۰)

ص: ۳۹۹

وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى قَالُوا إِنَّا مُهْلِكُو أَهْلِ هَذِهِ الْقَرْيَةِ إِنَّ أَهْلَهَا كَانُوا ظَالِمِينَ (۳۱)

و زمانی که فرستادگان ما با بشارت [ولادت اسحاق] نزد ابراهیم آمدند، گفتند: ما یقیناً اهل شهر را نابود می کنیم؛ زیرا اهل آن ستمکارند. (۳۱)

قَالَ إِنَّ فِيهَا لُوطًا قَالُوا نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَن فِيهَا لَنُنَجِّيَنَّهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ (۳۲)

گفت: لوط در آنجاست. گفتند: ما به کسانی که در آنجا هستند، داناتریم، حتماً او و خانواده اش را نجات می دهیم، مگر همسرش را که از باقی ماندگان خواهد بود، (۳۲)

وَلَمَّا أَن جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِيءَ بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا وَقَالُوا لَا تَخَفْ وَلَا تَحْزَنْ إِنَّا مُنَجُّوكَ وَأَهْلَكَ إِلَّا امْرَأَتَكَ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ (۳۳)

و چون فرستادگان ما نزد لوط آمدند به سبب [حضور] آنان [به صورت جوانانی آراسته] بدحال و بی طاقت شد، و گفتند: مترس و غمگین مباش، قطعاً ما نجات دهنده تو و خانواده ات هستیم، مگر همسرت را که از باقی ماندگان خواهد بود، (۳۳)

إِنَّا مُنزِلُونَ عَلَى أَهْلِ هَذِهِ الْقَرْيَةِ رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ (۳۴)

ما بر اهل این شهر به علت کار بسیار زشتی که مرتکب می شوند، عذاب سختی از آسمان نازل خواهیم کرد. (۳۴)

وَلَقَد تَّرَكْنَا مِنْهَا آيَةً بَيِّنَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (۳۵)

[پس با عذاب آسمانی، شهر و اهلش را در هم کوبیدیم] و از آن شهر نشانه ای روشن [از سنگ هایی که بر سر اهلش فرو باریدیم] برای مردمی که می اندیشند، بر جای گذاشتیم. (۳۵)

وَإِلَى مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَارْجُوا الْيَوْمَ الْآخِرَ وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ (۳۶)

و نیز به سوی مدین برادرشان شعیب را فرستادیم؛ پس گفت: ای قوم من! خدا را بپرستید و روز قیامت را انتظار برید و در زمین تبهکارانه فتنه و آشوب برپا نکنید، (۳۶)

فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَاثِمِينَ (۳۷)

پس او را تکذیب کردند؛ در نتیجه زلزله سختی آنان را فرا گرفت، پس در خانه هایشان به رو در افتاده جسمی بی جان شدند، (۳۷)

وَعَادًا وَثَمُودَ وَقَد تَّبَيَّنَ لَكُم مِّن مَّسَاكِنِهِمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَكَانُوا مُسْتَبْصِرِينَ (۳۸)

و [قوم] عاد و ثمود را [نیز نابود کردیم]، و از خانه های [خراب شده و خالی] آنان [سرنوشت شومشان] برای شما نمایان است، و شیطان عمل های [زشت] آنان را برایشان آراست، در نتیجه آنان را از راه [خدا] باز داشت در حالی که [برای تشخیص حق از باطل] بصیرت داشتند. (۳۸)

ص: ۴۰۰

وَقَارُونَ وَفِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَلَقَدْ جَاءَهُم مُّوسَى بِالْبَيِّنَاتِ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانُوا سَابِقِينَ (۳۹)

و قارون و فرعون و هامان را [نیز نابود کردیم]. و همانا موسی برای آنان دلایل روشن آورد، پس آنان در زمین تکبّر و سرکشی کردند، ولی پیشی گیرنده [بر اراده و قضا و قدر ما] نبودند [تا بتوانند از عذاب ما بگریزند.] (۳۹)

فَكُلًّا أَخَذْنَا بِذَنبِهِ فَمِنْهُم مَّنْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِ حَاصِبًا وَمِنْهُم مَّنْ أَخَذَتْهُ الصَّيْحَةُ وَمِنْهُم مَّنْ خَسَفْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَمِنْهُم مَّنْ أَغْرَقْنَا وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (۴۰)

پس همه را به گناهانشان گرفتیم، بر برخی از آنان توفانی سخت [که با خود ریگ و سنگ می آورد] فرستادیم، و بعضی را فریاد مرگبار گرفت، و برخی را به زمین فرو بردیم، و بعضی را غرق کردیم؛ و خدا بر آن نبود که به آنان ستم کند، ولی آنان بودند که به خودشان ستم کردند. (۴۰)

مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِن دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (۴۱)

داستان کسانی که به جای خدا سرپرستانی گرفته اند، مانند داستان عنکبوت است که خانه ای [بی دیوار، بی سقف و بی حفاظ] برای خود بنا کرده باشد، و بی تردید سست ترین خانه ها خانه عنکبوت است، اگر [به این واقعیت] معرفت و شناخت داشتند [بت ها را سرپرستان خود نمی گرفتند.] (۴۱)

إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يَدْعُونَ مِن دُونِهِ مِن شَيْءٍ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۴۲)

یقیناً خدا می داند به جای او چه چیزهایی را می پرستند [چیزهایی که نه دارای ارزش و اعتبارند و نه قدرت تصرف در کاری را دارند!!] و فقط او توانای شکست ناپذیر و حکیم است، (۴۲)

وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ (۴۳)

و این مثل ها را برای مردم می زنیم، ولی جز اهل معرفت و دانش در آنها تعقّل نمی کنند. (۴۳)

خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ (۴۴)

خدا آسمان ها و زمین را به حق آفرید؛ یقیناً در این [آفرینش] نشانه ای [بر توحید، ربوبیت و قدرت خدا] برای مؤمنان است. (۴۴)

اتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ (۴۵)

آنچه را از این کتاب به تو وحی شده است، بخوان و نماز را برپا دار، یقیناً نماز از کارهای زشت، و کارهای ناپسند باز می دارد؛ و همانا ذکر خدا بزرگ تر است، و خدا آنچه را انجام می دهید، می داند. (۴۵)

ص: ۴۰۱

جزء ۲۱

ادامه سوره العنکبوت

وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَأُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَإِلَهُنَا وَإِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ (۴۶)

و با اهل کتاب جز با نیکوترین شیوه مجادله و گفتگو مکنید، مگر با کسانی از آنان که [در مجادله با شما] ظالمانه به میدان آیند، و بگویید: به آنچه به سوی ما و به سوی شما نازل شده است، ایمان داریم و معبود ما و معبود شما یکی است و ما تسلیم [فرمان ها و احکام] او هستیم. (۴۶)

وَكَذَلِكَ أَنزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ فَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمِنْ هَؤُلَاءِ مَن يُؤْمِنُ بِهِ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الْكَافِرُونَ (۴۷)

و همان گونه [که بر پیامبران پیشین کتاب نازل کردیم] این کتاب را بر تو نازل نمودیم، پس [برخی از] کسانی که کتابشان دادیم به آن ایمان می آورند، و از اینان [هم که مشرک اند] اندکی به آن ایمان می آورند، و آیات ما را جز کافران انکار نمی کنند، (۴۷)

وَمَا كُنتَ تَتْلُو مِن قَبْلِهِ مِن كِتَابٍ وَلَا تَخُطُّهُ بِيَمِينِكَ إِذًا لَّارْتَابَ الْمُبْطِلُونَ (۴۸)

و پیش از این [قرآن]، تو هیچ نوشته ای را نمی خواندی و آن را با دست خود نمی نوشتی وگرنه باطل گرایان یاوه گو [در وحی بودن و حقّانیّت آن] شک می کردند، (۴۸)

بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الظَّالِمُونَ (۴۹)

بلکه این قرآن، آیات روشنی است در سینه کسانی که به آنان معرفت و دانش عطا شده است؛ و آیات ما را جز ستمکاران انکار نمی کنند. (۴۹)

وَقَالُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَاتٌ مِّن رَّبِّهِ قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِندَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ (۵۰)

گفتند: چرا از سوی پروردگارش معجزاتی [مانند معجزات پیامبران پیشین] بر او نازل نمی شود. بگو: این معجزات فقط در اختیار خداست و من فقط بیم دهنده ای آشکارم. (۵۰)

أَوَلَمْ يَكْفِهِمْ أَنَّا أَنزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ يُتْلَى عَلَيْهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَرَحْمَةً وَذِكْرَى لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (۵۱)

آیا [در قرآن عیب و نقصی می یابند؟ و] برای آنان کافی نبوده است که ما این کتاب را که [همواره] بر آنان خوانده می شود بر تو نازل کردیم؟! همانا در این کتاب رحمتی است [ویژه و مایه یادآوری] و پندی برای مردمی که ایمان می آورند. (۵۱)

قُلْ كَفَى بِاللَّهِ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ شَهِيدًا يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالَّذِينَ آمَنُوا بِالْبَاطِلِ وَكَفَرُوا بِاللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (۵۲)

بگو: کافی است که خدا [نسبت به حقّانیّت نبوّتم] میان من و شما شاهد باشد، [او] آنچه را در آسمان ها و زمین است می داند، و آنان که به باطل [چون بت و طاغوت] گرویده و به خدا کفر ورزیده اند همان زیانکاران [واقعی] اند. (۵۲)

وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَوْلَا أَجَلٌ مُّسَمًّى لَّجَاءَهُمُ الْعَذَابُ وَلَيَأْتِيَنَّهُم بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (۵۳)

آنان شتاب در آوردن عذاب را از تو می خواهند، اگر مدتی معین [برای آنان] مقرّر نبود، قطعاً آن عذاب را [که خواهانش هستند] بر آنان می آمد و حتماً ناگاه در حالی که بی خبرند، به سراغشان خواهد آمد. (۵۳)

يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ (۵۴)

[آنان] شتاب در آوردن عذاب را از تو می خواهند، بدون تردید هم اکنون دوزخ بر کافران حاطه دارد. (۵۴)

يَوْمَ يَغْشَاهُمُ الْعَذَابُ مِن فَوْقِهِمْ وَمِن تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ وَيَقُولُ ذُوقُوا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۵۵)

آنان را متوجه روزی کن که عذاب از بالای سرشان و از زیر پایشان آنان را فرو پوشاند و [خدا به آنان] می گوید: آنچه را همواره انجام می دادید [اکنون به صورت سخت ترین عذاب] بچشید. (۵۵)

يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةٌ فَإِيَّايَ فَاعْبُدُونِ (۵۶)

ای بندگان من که ایمان آورده اید! یقیناً زمین من وسیع و پهناور است؛ پس [با انتخاب سرزمینی مناسب و شایسته که ارزش ها در آن حفظ شود] فقط مرا بپرستید، (۵۶)

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ثُمَّ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ (۵۷)

هر جانداری چشنده مرگ خواهد بود، سپس به سوی ما بازگردانده می شوید، (۵۷)

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُبَوِّئَنَّهُم مِّنَ الْجَنَّةِ غُرَفًا تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ (۵۸)

و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند حتماً آنان را در قصرهایی رفیع و با ارزش از بهشت که از زیرِ [درختانِ] آن نهرها جاری است، جای خواهیم داد، در آنجا جاودانه اند؛ چه نیکوست پاداش عمل کنندگان. (۵۸)

الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ (۵۹)

همانان که [برای حفظ ایمان، اخلاق و عمل صالح] شکیبایی ورزیدند و همواره بر پروردگارشان توکل می کنند. (۵۹)

وَكَأَيِّن مِّن دَابَّةٍ لَّا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۶۰)

چه بسیارند جنبندگانی که قدرت ندارند [به دست آوردن] روزی خود را بر عهده بگیرند، خداست که به آنان و شما روزی می دهد، و او شنوا و داناست. (۶۰)

وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فَأَنَّى يُؤْفَكُونَ (۶۱)

اگر از آنان [که شرک می ورزند] بپرسی: چه کسی آسمان ها و زمین را آفریده و خورشید و ماه را رام و مسخّر کرده؟ بی تردید خواهند گفت: خدا. پس چگونه [از حق به باطل] منحرف می شوند؟! (۶۱)

اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۶۲)

خدا روزی را برای هرکس از بندگانش که بخواهد وسعت می دهد و یا تنگ می گیرد؛ یقیناً خدا بر هر کاری تواناست، (۶۲)

وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّن نَّزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ مِن بَعْدِ مَوْتِهَا لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ (۶۳)

و اگر از آنان بپرسی: چه کسی از آسمان آبی نازل کرد و به وسیله آن زمین را پس از مردگی اش زنده ساخت؟ بی تردید خواهند گفت: خدا. بگو: همه ستایش ها ویژه خداست [و مشرکان دور از حقیقت اند]، بلکه بیشترشان تعقّل نمی کنند. (۶۳)

ص: ۴۰۳

وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (۶۴)

و این زندگی دنیا جز سرگرمی و بازی نیست و بی تردید سرای آخرت، همان زندگی [واقعی و ابدی] است؛ اگر اینان معرفت و دانش داشتند [دنیا را به قیمت از دست دادن آخرت برنمی گزیدند.] (۶۴)

فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلْكِ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ (۶۵)

[مشرکان تا در امنیت و آسایشند، بر آیین شرک تعصّب دارند،] پس زمانی که در کشتی سوار می شوند [و در وسط دریا امواج خطرناک آنان را محاصره می کند] خدا را در حالی که ایمان و عبادت را برای او [از هرگونه شرکی] خالص می کنند، می خوانند، و چون به سوی خشکی نجاتشان می دهیم به ناگاه به آیین شرک روی می آورند، (۶۵)

لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ وَلِيَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ (۶۶)

سرانجام به آنچه [از نعمت] به آنان عطا کردیم، ناسپاسی ورزند، و [از زندگی شرک آلودشان] برخوردار شوند؛ سپس [نتیجه این ناسپاسی و زندگی شرک آلود را] خواهند دانست. (۶۶)

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا وَيُتَخَطَّفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَهِ اللَّهِ يَكْفُرُونَ (۶۷)

آیا ندانسته اند که ما [شهرشان مکه را] حرم امنی قرار داده ایم [که در آن با آسایش و آرامش و محفوظ از قتل و غارت زندگی می کنند] در حالی که مردم از اطراف آنان [به وسیله دزدان و غارتگران عرب] ربوده می شوند؟ پس آیا [با دارا بودن این نعمت باارزش الهی] به باطل می گروند و به نعمت خدا کفران می ورزند؟! (۶۷)

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ (۶۸)

و کیست ستمکارتر از کسی که دروغی را بر خدا ببندد [که خدا بتان را شریک خود گرفته؟] یا حق را زمانی که به سویش آمد تکذیب کند؟ آیا در دوزخ جایگاهی برای کافران نیست؟ (۶۸)

وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ (۶۹)

و کسانی که برای [به دست آوردن خشنودی] ما [با جان و مال] کوشیدند، بی تردید آنان را به راه های خود [راه رشد، سعادت، کمال، کرامت، بهشت و مقام قرب] راهنمایی می کنیم؛ و یقیناً خدا با نیکوکاران است. (۶۹)

سوره الروم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الم (۱)

الم (۱)

غُلِبَتِ الرُّومُ (۲)

رومیان مغلوب شدند، (۲)

فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُم مِّن بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ (۳)

در نزدیک ترین سرزمین [خود به حجاز که نواحی شام است]، و آنان پس از مغلوب شدنشان به زودی پیروز خواهند شد، (۳)

فِي بِضْعِ سِنِينَ لِلَّهِ الْأَمْرُ مِن قَبْلُ وَمِن بَعْدُ وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ (۴)

[البته] در ظرف چند سال. عاقبت و نتیجه کار پیش [از مغلوب شدن رومیان] و پس [از پیروزی رومیان] فقط در سیطره اراده و فرمان خداست، و آن روز [که رومیان پیروز شوند] مؤمنان شادمان و خوشحال خواهند شد، (۴)

بِنَصْرِ اللَّهِ يَنصُرُ مَن يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (۵)

به سبب نصرت و یاری خدا، [آری او] هرکس را بخواهد یاری می دهد، و تنها او توانای شکست ناپذیر و مهربان است. (۵)

ص: ۴۰۴

وَعْدَ اللَّهِ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (۶)

خدا این وعده را داده است؛ و خدا از وعده اش تخلف نمی کند، ولی بیشتر مردم معرفت و شناخت [نسبت به وفای قطعی خدا در مورد وعده اش] ندارند. (۶)

يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ (۷)

[تنها] ظاهری [محسوس] از زندگی دنیا را می شناسند و آنان از آخرت [که سرای ابدی و دارای نعمت های جاودانی و حیات سرمدی است] بی خبرند. (۷)

أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِم مَّا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ لَكَافِرُونَ (۸)

آیا در [خلوت] درون خود نیندیشیده اند؟ [که] خدا آسمان ها و زمین و آنچه را میان آنهاست، جز به حقّ و راستی و برای مدتی معین نیافریده است؛ و همانا بسیاری از مردم به دیدار [قیامت و محاسبه اعمال به وسیله] پروردگارشان کافرند. (۸)

أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَثَارُوا الْأَرْضَ وَعَمَرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (۹)

آیا [به غفلت نانی می خورند و بی خبر به سر می برند و] در زمین گردش نکرده اند تا با تأمل بنگرند سرانجام کسانی که پیش از اینان بودند چگونه بود؟ آنان قوی تر و نیرومندتر از اینان بودند، و زمین را [برای هدف های گوناگون] زیر و رو کردند و آن را بیش از آنچه اینان آبادش کردند، آباد نمودند، و پیامبرانشان دلایل روشن برای آنان آوردند [ولی به سبب تکذیب پیامبرانشان هلاک شدند]؛ پس خدا بر آن نبود که به آنان ستم کند، ولی آنان بودند که به خودشان ستم می کردند. (۹)

ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةَ الَّذِينَ أَسَاءُوا السُّوأَى أَن كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ (۱۰)

آن گاه بدترین سرانجام، سرانجام کسانی بود که مرتکب زشتی شدند به سبب اینکه آیات خدا را تکذیب کردند و همواره آنها را به مسخره می گرفتند. (۱۰)

اللَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۱۱)

خدا مخلوقات را می آفریند، سپس آنان را [بعد از مرگشان] باز می گرداند، آن گاه به سوی او باز گردانده می شوید، (۱۱)

وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُبْلِسُ الْمُجْرِمُونَ (۱۲)

و روزی که قیامت برپا شود گنهکاران [از شدت سختی و هولناکی آن اندوهگین گردند و به علت پذیرفته نشدن بهانه و عذرشان از رحمت خدا] مأیوس شوند، (۱۲)

وَلَمْ يَكُن لَّهُم مِّن شُرَكَائِهِمْ شُفَعَاءُ وَكَانُوا بِشُرَكَائِهِمْ كَافِرِينَ (۱۳)

و از معبودانشان [که آنها را کورکورانه می پرستیدند] برای آنان شفیعانی نخواهد بود، و آنان معبودانشان را [از روی واقعیت] انکار می کنند، (۱۳)

وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يَوْمَئِذٍ يَتَفَرَّقُونَ (۱۴)

و روزی که قیامت برپا شود آن روز [همه] از هم جدا می شوند، (۱۴)

فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَهُمْ فِي رَوْضَةٍ يُحْبَرُونَ (۱۵)

اما کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، آنان را در بوستانی [سرسبز و خرم] مسرور وشادمان می دارند. (۱۵)

ص: ۴۰۵

وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ فَأُولَئِكَ فِي الْعَذَابِ مُحْضَرُونَ (۱۶)

و اما کسانی که کفر ورزیده و آیات ما و دیدار آخرت را تکذیب کرده اند، احضارشدگان در عذاب اند. (۱۶)

فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ (۱۷)

پس خدا را هنگامی که وارد شب می شوید و هنگامی که به صبح در می آیید، تسبیح گویید، (۱۷)

وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ (۱۸)

همه ستایش ها در آسمان ها و زمین ویژه اوست و شب و آن گاه که وارد ظهر می شوید [نیز خدا را تسبیح گویید.] (۱۸)

يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذَلِكَ تُخْرَجُونَ (۱۹)

زنده را از مرده بیرون می آورد و مرده را از زنده بیرون می آورد، و زمین را پس از مردگی اش زنده می کند؛ و این گونه [از گورها] بیرون آورده می شوید. (۱۹)

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُم مِّن تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنتُم بَشَرٌ تَنتَشِرُونَ (۲۰)

و از نشانه های [قدرت و ربوبیت] او این است که شما را از خاکی [بی جان] آفرید؛ پس اکنون بشری هستید که [روی زمین] پراکنده و منتشرید، (۲۰)

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُم مِّنْ أَنفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِّتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُم مَّوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (۲۱)

و از نشانه های [قدرت و ربوبیت] او این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در کنارشان آرامش یابید و در میان شما دوستی و مهربانی قرار داد؛ یقیناً در این [کار شگفت انگیز] نشانه هایی است برای مردمی که می اندیشند، (۲۱)

وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَأَلْوَانِكُمْ إِنَّ فِی ذَلِکَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالِمِينَ (۲۲)

و از نشانه های [قدرت و ربوبیت] او آفرینش آسمان ها وزمین و اختلاف و گوناگونی زبان ها و رنگ های شماست؛ بی تردید در این [واقعیات] نشانه هایی است برای دانایان، (۲۲)

وَمِنْ آيَاتِهِ مَنَامُكُم بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَابْتِغَاؤُكُم مِّن فَضْلِهِ إِنَّ فِی ذَلِکَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ (۲۳)

و از نشانه های [قدرت و ربوبیت] او خواب شما وجستجویتان برای تأمین معاش در شب وروز است، یقیناً در این [امور] نشانه هایی است برای مردمی که گوش شنوا دارند، (۲۳)

وَمِنْ آيَاتِهِ يُرِيكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنَزِّلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُحْيِی بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِی ذَلِکَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (۲۴)

و از نشانه های [قدرت و ربوبیت] اوست که برق را مایه ترس [از صاعقه] و امید [به باران] به شما می نمایاند، و از آسمان، آبی نازل می کند که زمین را پس از مردگی اش به وسیله آن زنده می کند؛ قطعاً در این [شگفتی های آفرینش] نشانه هایی است برای مردمی که تعقّل می کنند. (۲۴)

ص: ۴۰۶

وَمِنْ آيَاتِهِ أَن تَقُومَ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ بِأَمْرِهِ ثُمَّ إِذَا دَعَاكُمْ دَعْوَةً مِّنَ الْأَرْضِ إِذَا أَنتُمْ تَخْرُجُونَ (۲۵)

و از نشانه های [قدرت و ربوبیت] او این است که آسمان و زمین به فرمانش برپایند، سپس زمانی که شما را با یک دعوت از زمین بخواند، ناگاه [از گورها] بیرون می آیید، (۲۵)

وَلَهُ مَن فِی السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلٌّ لَّهُ قَانِتُونَ (۲۶)

و هر که در آسمان ها و زمین است، فقط در سیطره مالکیت و فرمانروایی اوست، و همه برای او فروتن و خاضع اند، (۲۶)

وَهُوَ الَّذِی يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَهُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ وَلَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَى فِی السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۲۷)

و اوست که مخلوقات را می آفریند سپس آنان را [پس از مرگشان] باز می گرداند؛ و این [کار] برای او آسان تر است. و برترین وصف ها در آسمان ها و زمین ویژه اوست؛ و او توانای شکست ناپذیر و حکیم است. (۲۷)

ضَرَبَ لَكُم مَّثَلًا مِّنْ أَنفُسِكُمْ هَل لَّكُم مِّن مَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُم مِّن شُرَكَاءَ فِی مَا رَزَقْنَاكُمْ فَأَنتُمْ فِيهِ سَوَاءٌ تَخَافُونَهُمْ كَخِيفَتِكُمْ أَنفُسَكُمْ كَذَلِکَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (۲۸)

خدا از [وضع و حال] خودتان برای شما مثلی زده است، آیا از بردگانتان در آنچه [از نعمت ها و ثروت ها] به شما روزی داده ایم، شریکانی دارید که شما در آن [نعمت ها و ثروت ها] با هم برابر و یکسان باشید، و همان گونه که از یکدیگر می ترسید

[که یکی از شما نعمت و ثروت مشترک را ویژه خود کند] از بردگانتان هم بترسید؟ [بی تردید در میان آزاد و برده و مولا و عبد و مالک و مملوک چنین شرکتی وجود ندارد، پس چگونه ممکن است مملوک خدا در خدایی، ربوبیت، خالقیت و مالکیّت شریک او باشد؟!] این گونه آیات خود را برای مردمی که تعقّل می کنند، بیان می کنیم. (۲۸)

بَلِ اتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَهْوَاءَهُم بِغَيْرِ عِلْمٍ فَمَن يَهْدِي مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ وَمَا لَهُم مِّن نَّاصِرِينَ (۲۹)

[اعتقاد و عمل مشرکان بر پایه تعقّل نیست] بلکه آنان که [با شرکورزی] ستم کرده اند از روی جهل و نادانی از هواهای نفسانی خود پیروی نموده اند؛ پس کسانی را که خدا [به کیفر پیروی از هواها] گمراه کرده است، چه کسی هدایت می کند؟ و آنان هیچ یاری کننده ای [که از گمراهی و عذاب نجاتشان دهد] نخواهند داشت. (۲۹)

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (۳۰)

پس [با توجه به بی پایه بودن شرک] حق گرایانه و بدون انحراف با همه وجودت به سوی این دین [توحیدی] روی آور، [پای بند و استوار بر] سرشت خدا که مردم را بر آن سرشته است باش برای آفرینش خدا هیچگونه تغییر و تبدیلی نیست؛ این است دین درست و استوار؛ ولی بیشتر مردم معرفت و دانش [به این حقیقت اصیل] ندارند. (۳۰)

مُنِيبِينَ إِلَيْهِ وَاتَّقُوهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۳۱)

[پای بند به همان سرشت خدایی باشید] در حالی که روی آورندگان به سوی او هستید و از او پروا کنید و نماز را برپا دارید و از مشرکان نباشید. (۳۱)

مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيَعًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ (۳۲)

مشرکانی که دینشان را بخش بخش کردند و [سرانجام] گروه گروه شدند، در حالی که هر گروهی به آنچه [از بخشی از دین] نزد آنان است [به تصور اینکه حق است] شادمانند! (۳۲)

ص: ۴۰۷

وَإِذَا مَسَّ النَّاسَ ضُرٌّ دَعَوْا رَبَّهُم مُّنِيبِينَ إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا أَذَاقَهُم مِّنْهُ رَحْمَةً إِذَا فَرِيقٌ مِّنْهُم بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ (۳۳)

هنگامی که به مردم آسیب و گزندی برسد، پروردگارشان را در حالی که به سوی او روی آورده اند، می خوانند، سپس زمانی که رحمتی از سوی خود [چون نعمت، ثروت، اولاد و امنیت] به آنان بچشاند، ناگهان گروهی از آنان به پروردگارشان شرک می ورزند. (۳۳)

لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ فَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ (۳۴)

بگذار تا به آنچه به آنان داده ایم، ناسپاسی کنند، بنابراین [از نعمت های اندک و زودگذر] برخوردار شوید که سپس خواهید دانست [سرنوشت و کیفر ناسپاسان چیست؟] (۳۴)

أَمْ أَنزَلْنَا عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا فَهُوَ يَتَكَلَّمُ بِمَا كَانُوا بِهِ يُشْرِكُونَ (۳۵)

یا [مگر] دلیلی استوار بر آنان نازل کرده ایم که آن دلیل [بر حقّانیّت] معبودانی که به وسیله آن [به خدا] شرک می ورزند، سخن می گوید؟ (۳۵)

وَإِذَا أَذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً فَرِحُوا بِهَا وَإِن تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ إِذَا هُمْ يَقْنَطُونَ (۳۶)

و هرگاه به مردم رحمتی [چون نعمت، ثروت، اولاد و امنیت] بچشانیم به آن شادمان می شوند، و چون به سبب گناهانی که مرتکب شده اند آسیب و گزندی به آنان رسد، ناگهان ناامید می شوند. (۳۶)

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (۳۷)

آیا ندانسته اند که خدا رزق و روزی را برای هرکه بخواهد فراخ و گشاده قرار می دهد و [برای هر که بخواهد] تنگ می گیرد؟ یقیناً در این [برنامه] نشانه هایی است برای مردمی که ایمان دارند. (۳۷)

فَآتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ ذَلِكَ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۳۸)

پس [با توجه به فراخ بخشی خدا در روزی و رزق] حقّ خویشاوند و مسکین و در راه مانده را بده. این انفاق برای آنان که خشنودی خدا را می خواهند بهتر است؛ و اینان [که حقوق مالی را می پردازند] همان رستگارانند. (۳۸)

وَمَا آتَيْتُم مِّن رِّبًا لِّيَرْبُوَ فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُو عِندَ اللَّهِ وَمَا آتَيْتُم مِّن زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ (۳۹)

اموال و اجناسی را که [به صورت وام] به ربا می دهید تا در میان اموال مردم فزونی یابد، نزد خدا فزونی نخواهد یافت؛ و آنچه از زکات می دهید که [به سبب پرداختنش] خشنودی خدا را می خواهید [مایه فزونی است]؛ پس این زکات دهندگانند که مال و ثوابشان دو چندان می شود. (۳۹)

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ هَلْ مِن شُرَكَائِكُم مَّن يَفْعَلُ مِن ذَلِكُم مِّن شَيْءٍ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ (۴۰)

خداست که شما را آفرید، آن گاه به شما روزی داد، سپس شما را می میراند، و پس از آن شما را زنده می کند؛ آیا از معبودان شما کسی هست که چیزی از این [کارها] را انجام دهد؟ او منزّه و برتر است از اینکه به او شرک ورزند. (۴۰)

ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُم بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (۴۱)

در خشکی و دریا به سبب اعمال زشتی که مردم به دست خود مرتکب شدنـد، فساد و تباهی نمودار شده است تا [خدا کیفر] برخی از آنچه را انجام داده اند به آنان بچشاند، باشد که [از گناه و طغیان] برگردند. (۴۱)

ص: ۴۰۸

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلُ كَانَ أَكْثَرُهُم مُّشْرِكِينَ (۴۲)

بگو: در زمین بگردیـد پس بـا تأمل بنگریـد که سـرانجام کسانی که پیش تر بودنـد [و مرتکب کار زشت شدنـد] چگونه بود؟ بیشتر آنان مشرک بودند. (۴۲)

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ الْقَيِّمِ مِن قَبْلِ أَن يَأْتِيَ يَوْمٌ لَّا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ يَوْمَئِذٍ يَصَّدَّعُونَ (۴۳)

پس [با توجه به بی پایه بودن شـرک] با همه وجودت به سوی این دین درست و استوار روی آور پیش از آنکه روزی فرا رسد که از سوی خدا هیچ بازگشتی برای آن نیست، آن روز [همه مردم] دسته دسته و گروه گروه شوند. (۴۳)

مَن كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِأَنفُسِهِمْ يَمْهَدُونَ (۴۴)

کسانی که کافر شوند کفرشان به زیان خود آنان است، و آنان که کار شایسـته انجام دهند، [بستر امن و آسایشـی و اقامت گاه جاویدی] برای خود آماده می کنند، (۴۴)

لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِن فَضْلِهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ (۴۵)

تا خـدا به کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسـته انجام داده انـد از فضل خود پاداش دهـد [و کافران را از رحمتش محروم کند]؛ زیرا خدا کافران را دوست ندارد. (۴۵)

وَمِنْ آيَاتِهِ أَن يُرْسِلَ الرِّيَاحَ مُبَشِّرَاتٍ وَلِيُذِيقَكُم مِّن رَّحْمَتِهِ وَلِتَجْرِيَ الْفُلْكُ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِن فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۴۶)

و از نشـانه هـای [قـدرت و ربوبیت] او این است که بادها را مژده دهنـده می فرسـتد، و تا بخشـی از [باران] رحمتش را به شـما بچشاند، و تا کشتی ها [به وسـیله بادها] به فرمان او حرکت کنند، و نیز برای اینکه از رزق و روزی او بجویید، و باشد که شـما سپاس گزاری کنید. (۴۶)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاءُوهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَانتَقَمْنَا مِنَ الَّذِينَ أَجْرَمُوا وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ (۴۷)

و به راستی پیش از تو پیامبرانی را به سوی قومشان فرسـتادیم که برای آنان دلایل روشن آوردند، سپس ما از آنان که مرتکب گناه شدند، انتقام گرفتیم [و مؤمنان را یاری دادیم]؛ و یاری مؤمنان حقّی بر عهده ماست. (۴۷)

اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَاحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَيَبْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ كَيْفَ يَشَاءُ وَيَجْعَلُهُ كِسَفًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ فَإِذَا أَصَابَ بِهِ مَن

يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ (۴۸)

خداست که بادها را می فرستد تا ابری را برمی انگیزد، پس آن را در آسمان آن گونه که بخواهد می گستراند و به صورت بخش بخش و پاره های مختلف در می آورد، پس باران را می بینی که از لابه لای آن بیرون می آید و چون آن را به هرکس از بندگانش که بخواهد می رساند، آن گاه شادمان و خوشحال می شوند. (۴۸)

وَإِن كَانُوا مِن قَبْلِ أَن يُنَزَّلَ عَلَيْهِم مِّن قَبْلِهِ لَمُبْلِسِينَ (۴۹)

و همانا پیش از آنکه باران بر آنان نازل شود، [آری] پیش از آن مأیوس و ناامید بودند. (۴۹)

فَانظُرْ إِلَى آثَارِ رَحْمَتِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ ذَلِكَ لَمُحْيِي الْمَوْتَى وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۵۰)

پس با تأمل به آثار رحمت خدا بنگر که چگونه زمین را پس از مردگی اش زنده می کند، بی تردید این [خدای قدرتمند] زنده کننده مردگان است و او بر هر کاری تواناست. (۵۰)

ص: ۴۰۹

وَلَئِنْ أَرْسَلْنَا رِيحًا فَرَأَوْهُ مُصْفَرًّا لَّظَلُّوا مِن بَعْدِهِ يَكْفُرُونَ (۵۱)

و اگر بادی [سوزان و زیانبار] بفرستیم، پس آن [کشت و زرع] را زرد شده ببینند، پس از آن [به جای جبران گناهانی که سبب این آسیب شده] ناسپاس می شوند. (۵۱)

فَإِنَّكَ لَا تُسْمِعُ الْمَوْتَى وَلَا تُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ (۵۲)

[اینان که کفر را بر ایمان ترجیح داده اند، مانند مردگان اند] پس تو نمی توانی [دعوتت را] به مردگان بشنوانی و نمی توانی دعوتت را به کران زمانی که پشت کنان روی می گردانند، بشنوانی. (۵۲)

وَمَا أَنتَ بِهَادِ الْعُمْيِ عَن ضَلَالَتِهِمْ إِن تُسْمِعُ إِلَّا مَن يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُم مُّسْلِمُونَ (۵۳)

و تو هدایت کننده کوردلان از گمراهی شان نیستی، و جز به آنان که به آیات ما ایمان می آورند و تسلیم [فرمان ها و احکام ما] هستند، نمی توانی [دعوتت] را بشنوانی. (۵۳)

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُم مِّن ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِن بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِن بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ (۵۴)

خداست که شما را از ناتوانی آفرید، سپس بعد از ناتوانی قدرت و نیرو داد، آن گاه بعد از نیرومندی و توانایی، ناتوانی و پیری قرار داد؛ هرچه بخواهد می آفریند و او دانا و تواناست. (۵۴)

وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُقْسِمُ الْمُجْرِمُونَ مَا لَبِثُوا غَيْرَ سَاعَةٍ كَذَلِكَ كَانُوا يُؤْفَكُونَ (۵۵)

و روزی که قیامت برپا می شود، مجرمان سوگند می خورند که [فاصله مرگ تا قیامت را] جز ساعتی درنگ نکرده اند، این گونه [که در قیامت دروغ می گویند و منحرف از حقیقت هستند در دنیا نیز همواره از حق به باطل] منحرف می شدند. (۵۵)

وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ لَقَدْ لَبِثْتُمْ فِی كِتَابِ اللَّهِ إِلَى يَوْمِ الْبَعْثِ فَهَذَا يَوْمُ الْبَعْثِ وَلَكِنَّكُمْ كُنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (۵۶)

و کسانی که دانش و ایمان به آنان داده شده است می گویند: بی تردید شما [بر طبق قضا و قدر ثبت شده] در کتاب خدا [لوح محفوظ] تا روز قیامت درنگ کرده اید و این روز قیامت است، ولی شما [به اینکه قیامت حق است] معرفت و دانش نداشتید. (۵۶)

فَيَوْمَئِذٍ لَّا يَنفَعُ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَعْذِرَتُهُمْ وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ (۵۷)

پس در آن روز کسانی که [به آیات ما و پیامبران] ستم کرده اند، عذرخواهی شان به آنان سود نمی دهد، و نه از آنان می خواهند که [برای به دست آوردن خشنودی خدا] عذرخواهی کنند، (۵۷)

وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِی هَذَا الْقُرْآنِ مِن كُلِّ مَثَلٍ وَلَئِن جِئْتَهُم بِآيَةٍ لَّيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ أَنتُمْ إِلَّا مُبْطِلُونَ (۵۸)

و به راستی در این قرآن برای مردم از هرگونه مثلی زدیم. و اگر برای آنان معجزه ای [که خود درخواست دارند] بیاوری آنان که کفر ورزیده اند، قطعاً خواهند گفت: شما جز باطل گرا نیستید [و این معجزه ای که آوردید، جز باطل نیست.] (۵۸)

كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ (۵۹)

خدا این گونه بر دل های کسانی که معرفت و دانش ندارند مُهر [تیره بختی] می نهد. (۵۹)

فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَا يَسْتَخِفَّنَّكَ الَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ (۶۰)

پس [بر آزار و یاوه گویی این تیره بختان] شکیبایی کن که یقیناً وعده خدا [در مورد یاری و پیروزی تو] حق است، و مبادا آنان که یقین [به وعده های حق و برپا شدن قیامت] ندارند تو را به ناشکیبایی و سبک سری وادارند. (۶۰)

ص: ۴۱۰

سوره لقمان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الم (۱)

الم (۱)

تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ (۲)

این آیات [با عظمتِ] کتاب محکم و استوار است، (۲)

هُدًى وَرَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِينَ (۳)

که سراسر هدایت و رحمتی است برای نیکوکاران. (۳)

الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُم بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ (۴)

همانان که نماز را برپا می دارند و زکات می دهند و به آخرت یقین دارند. (۴)

أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۵)

اینانند که از سوی پروردگارشان بر بلندای هدایتند، و اینانند که رستگارند، (۵)

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ (۶)

و برخی از مردم اند که افسانه های بیهوده و سخنان یاوه و سرگرم کننده را می خرند تا از روی نادانی و بی دانشی [مردم را] از راه خدا گمراه کنند و آن را به مسخره بگیرند؛ اینانند که برای آنان عذابی خوارکننده خواهد بود. (۶)

وَإِذَا تُتْلَى عَلَيْهِ آيَاتُنَا وَلَّى مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا كَأَنَّ فِي أُذُنَيْهِ وَقْرًا فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (۷)

چون آیات ما بر او خوانده شود متکبرانه روی برمی گرداند، گویی آنها را نشنیده است، انگار در دو گوشش سنگینی است، پس او را به عذابی دردناک مژده ده؛ (۷)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتُ النَّعِيمِ (۸)

و یقیناً کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، برای آنان بهشت های پرنعمت خواهد بود، (۸)

خَالِدِينَ فِيهَا وَعْدَ اللَّهِ حَقًّا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۹)

که در آنجا جاودانه اند؛ خدا وعده کرده است وعده ای به حقّ و درست، و او توانای شکست ناپذیر و حکیم است. (۹)

خَلَقَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا وَأَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَن تَمِيدَ بِكُمْ وَبَثَّ فِيهَا مِن كُلِّ دَابَّةٍ وَأَنزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنبَتْنَا فِيهَا مِن كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ (۱۰)

آسمان ها را بدون ستون هایی که آنها را ببینند، آفریده و در زمین کوه هایی استوار افکنده است تا شما را نلرزاند و به اضطراب نیندازد، و در آن از هر جنبنده ای پراکنده کرده است، و از آسمان آبی نازل کردیم پس [به وسیله آن] از هر نوع گیاه نیکو و با ارزش در آن رویاندیم. (۱۰)

هَذَا خَلْقُ اللَّهِ فَأَرُونِی مَاذَا خَلَقَ الَّذِینَ مِن دُونِهِ بَلِ الظَّالِمُونَ فِی ضَلَالٍ مُّبِینٍ (۱۱)

این است آفرینش خدا. پس به من نشان دهید آنها که غیر اویند [و شما به عنوان معبود برگزیده اید] چه چیزی آفریده اند؟ [آنها چیزی نیافریده اند] بلکه ستمکاران در گمراهی آشکاری هستند. (۱۱)

وَلَقَدْ آتَیْنَا لُقْمَانَ الْحِکْمَهَ أَنِ اشْکُرْ لِلَّهِ وَمَن یَشْکُرْ فَإِنَّمَا یَشْکُرُ لِنَفْسِهِ وَمَن کَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِیٌّ حَمِیدٌ (۱۲)

و به راستی ما به لقمان حکمت عطا کردیم که نسبت به خدا سپاس گزار و شاکر باش و هرکه سپاس گزارد تنها به سود خود سپاس می گزارد، و هرکه ناسپاسی کند [به خدا زیان نمی زند، زیرا] خدا بی نیاز و ستوده است. (۱۲)

وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ یَعِظُهُ یَا بُنَیَّ لَا تُشْرِکْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْکَ لَظُلْمٌ عَظِیمٌ (۱۳)

و [یاد کن] هنگامی که لقمان به پسرش در حالی که او را موعظه می کرد، گفت: پسرکم! به خدا شرک نورز، بی تردید شرک ستمی بزرگ است. (۱۳)

وَوَصَّیْنَا الْإِنسَانَ بِوَالِدَیْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَی وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِی عَامَیْنِ أَنِ اشْکُرْ لِی وَلِوَالِدَیْکَ إِلَیَّ الْمَصِیرُ (۱۴)

و انسان را درباره پدر و مادرش سفارش کردیم، مادرش به او حامله شد [در حالی که] سستی به روی سستی [به او دست می داد] و باز گرفتنش [از شیر] در دو سال است [و سفارش کردیم] که برای من و پدر و مادرت سپاس گزاری کن؛ بازگشت [همه] فقط به سوی من است. (۱۴)

وَإِن جَاهَدَاکَ عَلَی أَن تُشْرِکَ بِی مَا لَیْسَ لَکَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبْهُمَا فِی الدُّنْیَا مَعْرُوفًا وَاتَّبِعْ سَبِیلَ مَنْ أَنَابَ إِلَیَّ ثُمَّ إِلَیَّ مَرْجِعُکُمْ فَأُنَبِّئُکُم بِمَا کُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۱۵)

و اگر آن دو نفر تلاش کنند تا بر پایه جهالت و نادانی [و بدون معرفت و دانش که روشنگر حقایق است] چیزی را شریک من قرار دهی، از آنان اطاعت مکن؛ ولی در دنیا با آن دو نفر به شیوه ای پسندیده معاشرت کن و راه کسی را پیروی کن که [با توبه و ایمان و اخلاص] به من بازگشته است؛ سپس بازگشت شما فقط به سوی من است، پس شما را از آنچه انجام می دادید، آگاه می کنم. (۱۵)

یَا بُنَیَّ إِنَّهَا إِن تَکُ مِثْقَالَ حَبَّهٍ مِّنْ خَرْدَلٍ فَتَکُن فِی صَخْرَهٍ أَوْ فِی السَّمَاوَاتِ أَوْ فِی الْأَرْضِ یَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِیفٌ خَبِیرٌ (۱۶)

پسرکم! اگر عمل هموزن دانه خردلی و در درون سنگی یا در آسمان ها یا در دل زمین باشد، خدا آن را [در قیامت برای حسابرسی] می آورد؛ یقیناً خدا لطیف و آگاه است. (۱۶)

یَا بُنَیَّ أَقِمِ الصَّلَاهَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنکَرِ وَاصْبِرْ عَلَی مَا أَصَابَکَ إِنَّ ذَلِکَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ (۱۷)

پسرکم! نماز را برپا دار و مردم را به کار پسندیده وادار و از کار زشت بازدار و بر آنچه [از مشکلات و سختی ها] به تو می رسد شکیبایی کن، که اینها از اموری است که ملازمت بر آن از واجبات است. (۱۷)

وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ (۱۸)

متکبرانه روی از مردم برمگردان، و در زمین با ناز و غرور راه مرو، همانا خدا هیچ خودپسند فخرفروش را دوست ندارد. (۱۸)

وَاقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاغْضُضْ مِن صَوْتِكَ إِنَّ أَنكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ (۱۹)

و در راه رفتنت میانه رو باش، و از صدایت بکاه که بی تردید ناپسندترین صداها صدای خران است. (۱۹)

ص: ۴۱۲

أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُّنِيرٍ (۲۰)

آیا ندانسته اید که خدا آنچه را در آسمان ها و آنچه را در زمین است، مسخّر و رام شما کرده، و نعمت های آشکار و نهانش را بر شما فراوان و کامل ارزانی داشته، و برخی از مردم اند که همواره بدون هیچ دانشی [بلکه از روی جهل و نادانی] و بدون هیچ هدایتی و هیچ کتاب روشنی درباره خدا مجادله و ستیز می کنند. (۲۰)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوَلَوْ كَانَ الشَّيْطَانُ يَدْعُوهُمْ إِلَى عَذَابِ السَّعِيرِ (۲۱)

و چون به آنان گویند: از آنچه خدا نازل کرده است، پیروی کنید، می گویند: [پیروی نمی کنیم] بلکه ما از آنچه پدرانمان را بر آن یافته ایم، پیروی می کنیم. آیا [کورکورانه از گذشتگان پیروی می کنند] و هرچند که شیطان آنان را با این پیروی به عذاب فروزان دعوت کند؟! (۲۱)

وَمَن يُسْلِمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى وَإِلَى اللَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ (۲۲)

و هرکس همه وجود خود را به سوی خدا کند در حالی که نیکوکار باشد بی تردید به محکم ترین دستگیره چنگ زده است؛ و سرانجام و عاقبت همه کارها فقط به سوی خداست. (۲۲)

وَمَن كَفَرَ فَلَا يَحْزُنكَ كُفْرُهُ إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ فَنُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۲۳)

و هرکس کفر ورزد، کفرش تو را اندوهگین نسازد؛ بازگشت آنان فقط به سوی ماست، پس آنان را از آنچه انجام داده اند آگاه می کنیم؛ یقیناً خدا به نیّات و اسرار سینه ها داناست. (۲۳)

نُمَتِّعُهُمْ قَلِيلًا ثُمَّ نَضْطَرُّهُمْ إِلَى عَذَابٍ غَلِيظٍ (۲۴)

اندکی [از نعمت های مادی] برخوردارشان می کنیم، سپس آنان را [به وارد شدن] در عذابی سخت ناچار می کنیم، (۲۴)

وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۲۵)

و اگر از آنان بپرسی: چه کسی آسمان ها و زمین را آفریده است؟ قطعاً می گویند: خدا. بگو: همه ستایش ها ویژه خداست [آیا درک می کنند که همه امور به دست خداست؟ نه] بلکه بیشترشان معرفت و دانش ندارند؛ (۲۵)

لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (۲۶)

آنچه در آسمان ها و زمین است، فقط در سیطره مالکیّت و فرمانروایی خداست؛ یقیناً خدا همان بی نیاز و ستوده است. (۲۶)

وَلَوْ أَنَّمَا فِي الْأَرْضِ مِن شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِن بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَّا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۲۷)

اگر [برای نوشتن و ثبت کردن کلمات خدا که در حقیقت مخلوقات او هستند] آنچه درخت در زمین است قلم باشد و دریا [مرکب] و هفت دریای دیگر آن را پس از پایان یافتنش مدد رسانند، کلمات خدا پایان نپذیرد؛ یقیناً خدا توانای شکست ناپذیر و حکیم است. (۲۷)

مَّا خَلْقُكُمْ وَلَا بَعْثُكُمْ إِلَّا كَنَفْسٍ وَاحِدَةٍ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ (۲۸)

آفریدن شما و برانگیختنتان [برای ما] جز مانند [آفریدن و برانگیختن] یک تن نیست؛ یقیناً خدا شنوا و بیناست. (۲۸)

ص: ۴۱۳

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى وَأَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (۲۹)

آیا ندانسته ای که خدا شب را در روز فرو می برد و روز را در شب فرو می برد، و خورشید و ماه را مسخّر و رام کرده است که هر کدام تا مدتی معین روانند؛ و یقیناً خدا به آنچه انجام می دهید، آگاه است. (۲۹)

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِن دُونِهِ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ (۳۰)

این [آفریده های شگفت و این تغییرات و تحولات] دلیل بر این است که خدا فقط حق است و آنچه به جای او می پرستند باطل است، و بی تردید خدا همان والا مرتبه و بزرگ است. (۳۰)

أَلَمْ تَرَ أَنَّ الْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِنِعْمَتِ اللَّهِ لِيُرِيَكُم مِّنْ آيَاتِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ (۳۱)

آیا ندانسته ای که کشتی ها به سبب نعمت های خدا [چون باد، هوا و دیگر عوامل] در دریا روانند تا خدا برخی از نشانه های قدرت خود را به شما نشان دهد؛ بی تردید در این [واقعیت] برای هر شکیبای سپاس گزاری نشانه هایی [از توحید، قدرت و

ربوبیت خدا] ست. (۳۱)

وَإِذَا غَشِيَهُم مَّوْجٌ كَالظُّلَلِ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ فَمِنْهُم مُّقْتَصِدٌ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا كُلُّ خَتَّارٍ كَفُورٍ (۳۲)

و چون آنان را [در دریا] موجی [به دنبال موجی] مانند ابرهای سایه انداز فرو پوشد، خدا را در حالی که ایمان و عبادت را برای او [از هرگونه شرکی] خالص می کنند، می خوانند، و زمانی که آنان را به خشکی می رساند برخی از آنان به راه میانه و معتدل [که راه توحید است] می روند [و برخی پیمان می شکنند] و آیات ما را جز هر پیمان شکن خائن و کفر پیشه ای انکار نمی کند. (۳۲)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمْ وَاخْشَوْا يَوْمًا لَّا يَجْزِي وَالِدٌ عَن وَلَدِهِ وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ جَازٍ عَن وَالِدِهِ شَيْئًا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُم بِاللَّهِ الْغَرُورُ (۳۳)

ای مردم! از پروردگارتان پروا کنید، و بترسید از روزی که هیچ پدری چیزی [از عذاب دوزخ را] از فرزندش دفع نمی کند، و نه هیچ فرزندی دفع کننده چیزی از [عذاب] پدر خویش است. بی تردید وعده خدا حق است، پس زندگی دنیا شما را نفریبد، و مبادا شیطان شما را به [کرم و رحمت] خدا مغرور کند. (۳۳)

إِنَّ اللَّهَ عِندَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ (۳۴)

یقیناً خداست که دانش قیامت فقط نزد اوست، و [تنها او] باران را نازل می کند، و [اوضاع و احوال] آنچه را در رحم هاست می داند؛ و هیچ کس نمی داند فردا چه چیزی [از خیر و شر] به دست می آورد، و هیچ کس نمی داند در چه سرزمینی می میرد؛ بی تردید خدا دانا و آگاه است. (۳۴)

ص: ۴۱۴

سوره السجده

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الم (۱)

الم (۱)

تَنزِيلُ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِن رَّبِّ الْعَالَمِينَ (۲)

نازل کردن این کتاب که هیچ تردیدی در [وحی بودن] آن نیست، از سوی پروردگار جهانیان است. (۲)

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ الْحَقُّ مِن رَّبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أَتَاهُم مِّن نَّذِيرٍ مِّن قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ (۳)

آیا [مشرکان لجوج] می گویند: [پیامبر] آن را از نزد خود ساخته و پرداخته [و به خدا نسبت داده است؟ چنین نیست] بلکه آن [کتابی] حق و درست است [که] از سوی پروردگارت [نازل شده است]، تا به مردمی که پیش از تو هیچ بیم دهنده ای برای آنان نیامده است بیم دهی تا هدایت یابند. (۳)

اللَّهُ الَّذِی خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَیْنَهُمَا فِی سِتَّهِ أَیَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ مَا لَکُم مِّن دُونِهِ مِن وَلِیٍّ وَلَا شَفِیعٍ أَفَلَا تَتَذَکَّرُونَ (۴)

خداست که آسمان ها و زمین را و آنچه را میان آنهاست در شش روز آفرید، سپس بر تخت فرمانروایی و تدبیر امور آفرینش چیره و مسلط شد. برای شما جز او هیچ یاور و شفاعت کننده ای نیست، [با این حال] آیا متذکّر و هوشیار نمی شوید؟ (۴)

یُدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ یَعْرُجُ إِلَیْهِ فِی یَوْمٍ کَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَهٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ (۵)

[همه] امور را [همواره] از آسمان تا زمین تدبیر و تنظیم می کند، سپس در روزی که اندازه آن به شمارش شما هزار سال است به سوی او بالا می رود. (۵)

ذَلِکَ عَالِمُ الْغَیْبِ وَالشَّهَادَهِ الْعَزِیزُ الرَّحِیمُ (۶)

این است [پروردگار] دانای نهان و آشکار که توانای شکست ناپذیر و مهربان است، (۶)

الَّذِی أَحْسَنَ کُلَّ شَیْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنسَانِ مِن طِینٍ (۷)

همان کسی که آنچه را آفرید نیکو ساخت، و آفرینش انسان را از گِل آغاز کرد، (۷)

ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِن سُلَالَهٍ مِّن مَّاءٍ مَّهِینٍ (۸)

سپس نسل او را از چکیده ای از آب پست و بی مقدار قرار داد، (۸)

ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِیهِ مِن رُّوحِهِ وَجَعَلَ لَکُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَهَ قَلِیلًا مَّا تَشْکُرُونَ (۹)

آن گاه او را [از جهت اندام] درست و نیکو نمود، و از روح خود در وی دمید و برای شما گوش و چشم و قلب آفرید در حالی که اندک سپاس گزاری می کنید. (۹)

وَقَالُوا أَإِذَا ضَلَلْنَا فِی الْأَرْضِ أَإِنَّا لَفِی خَلْقٍ جَدِیدٍ بَلْ هُم بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ کَافِرُونَ (۱۰)

و [منکران لجوج] گفتند: آیا زمانی که [پس از مردنمان بدن ما ریز ریز شد و پوسید و] در زمین گم شدیم، آیا به راستی ما در آفرینشی جدید خواهیم آمد؟ [نه اینکه این لجوجان متکبر فقط منکر قدرت حق باشند] بلکه آنان منکر دیدار [قیامت و محاسبه اعمال به وسیله] پروردگارشان هستند، (۱۰)

قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَّلَکُ الْمَوْتِ الَّذِی وُکِّلَ بِکُمْ ثُمَّ إِلَی رَبِّکُمْ تُرْجَعُونَ (۱۱)

بگو: فرشته مرگ که بر شما گماشته شده است [روح] شما را می گیرد، سپس به سوی پروردگارتان باز گردانده می شوید. (۱۱)

ص: ۴۱۵

وَلَوْ تَرَی إِذِ الْمُجْرِمُونَ نَاکِسُو رُءُوسِهِمْ عِندَ رَبِّهِمْ رَبَّنَا أَبْصَرْنَا وَسَمِعْنَا فَارْجِعْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا إِنَّا مُوقِنُونَ (۱۲)

و اگر ببینی زمانی که [این] مجرمان [منکر قیامت] نزد پروردگارشان سرهایشان را به زیر افکنده اند [می بینی که می گویند:] پروردگارا! [به آنچه ما را وعده داده بودی] بینا شدیم و [به دعوت حق] شنوا گشتیم، پس ما را به دنیا برگردان تا کار شایسته انجام دهیم، بی تردید ما باور کننده [همه حقایق] هستیم. (۱۲)

وَلَوْ شِئْنَا لَآتَیْنَا کُلَّ نَفْسٍ هُدَاهَا وَلَکِنْ حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّی لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّهِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِینَ (۱۳)

و اگر می خواستیم، هدایت هرکسی را [از روی اجبار] به او عطا می کردیم، [اما همه را آزاد و مختار آفریدیم تا راه هدایت یا گمراهی را خود انتخاب کنند] ولی فرمان من بر عذاب لازم و حتم شده است که بی تردید دوزخ را از همه جنّیان و آدمیان [که آیات من را تکذیب کردند] پر خواهم کرد. (۱۳)

فَذُوقُوا بِمَا نَسِیتُمْ لِقَاءَ یَوْمِکُمْ هَذَا إِنَّا نَسِینَاکُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ بِمَا کُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۱۴)

پس [به آنان گویند:] به کیفر آنکه دیدار امروزتان را فراموش کردید [عذاب دوزخ را] بچشید، که ما [هم] شما را واگذاشته ایم، و به کیفر آنچه همواره انجام می دادید، عذاب جاودانه را بچشید. (۱۴)

إِنَّمَا یُؤْمِنُ بِآیَاتِنَا الَّذِینَ إِذَا ذُکِّرُوا بِهَا خَرُّوا سُجَّدًا وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا یَسْتَکْبِرُونَ (۱۵)

فقط کسانی به آیات ما ایمان می آورند که وقتی به وسیله آن آیات به آنان تذکر داده شود، سجده کنان به رو در می افتند و همراه با سپاس، پروردگارشان را از هر عیب و نقصی تنزیه می کنند در حالی که [از سجده و سپاس و تنزیه] تکبّر و سرکشی نمی ورزند؛ (۱۵)

تَتَجَافَی جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ یَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ یُنفِقُونَ (۱۶)

[ملازم بستر استراحت و خواب نیستند، بلکه] پهلوهایشان از خوابگاه هایشان دور می شود در حالی که همواره پروردگارشان را به علت بیم [از عذاب] و امید [به رحمت و پاداش] می خوانند و از آنچه آنان را روزی داده ایم، انفاق می کنند. (۱۶)

فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِیَ لَهُم مِّن قُرَّهِ أَعْیُنٍ جَزَاءً بِمَا کَانُوا یَعْمَلُونَ (۱۷)

پس هیچ کس نمی داند چه چیزهایی که مایه شادمانی و خوشحالی آنان است به پاداش اعمالی که همواره انجام می داده اند، برای آنان پنهان داشته اند. (۱۷)

أَفَمَن كَانَ مُؤْمِنًا كَمَن كَانَ فَاسِقًا لَّا يَسْتَوُونَ (۱۸)

با این حال آیا کسانی که مؤمن اند مانند کسانی هستند که فاسق اند؟ [نه هرگز این دو گروه] مساوی و یکسان نیستند. (۱۸)

أَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَى نُزُلًا بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۹)

اما کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، پس برای آنان بهشت هایی که اقامت گاه دائمی است خواهد بود [که به آنان] به پاداش اعمالی که همواره انجام می دادند، پیشکش می شود. (۱۹)

وَأَمَّا الَّذِينَ فَسَقُوا فَمَأْوَاهُمُ النَّارُ كُلَّمَا أَرَادُوا أَن يَخْرُجُوا مِنْهَا أُعِيدُوا فِيهَا وَقِيلَ لَهُمْ ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّذِى كُنتُم بِهِ تُكَذِّبُونَ (۲۰)

اما کسانی که نافرمانی کرده اند اقامتگاهشان آتش است، هرگاه بخواهند از آن بیرون آیند در آن بازگردانده می شوند، و به آنان گویند: عذاب آتش را که همواره آن را تکذیب می کردید، بچشید. (۲۰)

ص: ۴۱۶

وَلَنُذِيقَنَّهُم مِّنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَى دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (۲۱)

و بی تردید آنان را غیر از عذاب بزرگ تر [در قیامت] از عذاب نزدیک تر [در دنیا] می چشانیم، باشد که [از فسق و فجور] برگردند. (۲۱)

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَا إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُنتَقِمُونَ (۲۲)

ستمکارتر از کسی که به وسیله آیات پروردگارش تذکر داده شود، سپس از آنها روی برگرداند، کیست؟ بی تردید ما از مجرمان انتقام می گیریم. (۲۲)

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَلَا تَكُن فِى مِرْيَةٍ مِّن لِّقَائِهِ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِى إِسْرَائِيلَ (۲۳)

و به راستی ما به موسی کتاب دادیم، پس تو در دریافت کتاب [به وسیله موسی] هیچ تردیدی نداشته باش، و آن را برای بنی اسرائیل هدایت قرار دادیم، (۲۳)

وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ (۲۴)

و برخی از آنان را چون [در برابر مشکلات، سختی ها و حادثه های تلخ و شیرین] صبر کردند و همواره به آیات ما یقین داشتند، پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما [مردم را] هدایت می کردند. (۲۴)

إِنَّ رَبَّکَ هُوَ یَفْصِلُ بَیْنَهُمْ یَوْمَ الْقِیَامَهِ فِیمَا کَانُوا فِیهِ یَخْتَلِفُونَ (۲۵)

یقیناً پروردگارت روز قیامت، خود میان آنان درباره آنچه همواره در آن اختلاف می کردند، داوری خواهد کرد. (۲۵)

أَوَلَمْ یَهْدِ لَهُمْ کَمْ أَهْلَکْنَا مِن قَبْلِهِم مِّنَ الْقُرُونِ یَمْشُونَ فِی مَسَاکِنِهِمْ إِنَّ فِی ذَلِکَ لَآیَاتٍ أَفَلَا یَسْمَعُونَ (۲۶)

آیا مشرکان را [داستان] بسیاری از ملت هایی که ما پیش از آنان هلاک کردیم که [اینان] در مسکن هایشان قدم می زنند هدایت نکرد [و برای آنان روشن نساخت که سرانجام کفرپیشگان هلاکت است؟] همانا در این [سرگذشت ها] عبرت هاست، آیا نمی شنوند؟! (۲۶)

أَوَلَمْ یَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَی الْأَرْضِ الْجُرُزِ فَنُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا تَأْکُلُ مِنْهُ أَنْعَامُهُمْ وَأَنفُسُهُمْ أَفَلَا یُبْصِرُونَ (۲۷)

آیا ندانسته اند که ما آب را به سوی زمین بی گیاه می رانیم و به وسیله آن زراعتی را بیرون می آوریم که دام هایشان و خودشان از آن می خورند؟ پس آیا [آثار رحمت خدا را] نمی بینند؟! (۲۷)

وَیَقُولُونَ مَتَی هَذَا الْفَتْحُ إِن کُنتُمْ صَادِقِینَ (۲۸)

و [مشرکان از روی مسخره به مؤمنان] می گویند: اگر راست می گویید این فتح و پیروزی [که به خود وعده می دهید و به آن دلخوش هستید] کی خواهد بود؟ (۲۸)

قُلْ یَوْمَ الْفَتْحِ لَا یَنفَعُ الَّذِینَ کَفَرُوا إِیمَانُهُمْ وَلَا هُمْ یُنظَرُونَ (۲۹)

بگو: روز فتح و پیروزی [حتمی مؤمنان] کسانی که کفر ورزیده اند، نه ایمان آوردنشان سودشان دهد و نه به آنان مهلت داده می شود؛ (۲۹)

فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَانتَظِرْ إِنَّهُم مُّنتَظِرُونَ (۳۰)

بنابراین از آنان روی برگردان و منتظر [رسیدن پیروزی] باش که آنان هم [به گمان خود] منتظرند [که بر شما پیروز شوند.] (۳۰)

سوره الأحزاب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ یَا أَیُّهَا النَّبِیُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْکَافِرِینَ وَالْمُنَافِقِینَ إِنَّ اللَّهَ کَانَ عَلِیمًا حَکِیمًا (۱)

ای پیامبر! بر تقوای الهی ثابت قدم و استوار باش، و از کافران و منافقان اطاعت مکن که خدا همواره دانا و حکیم است. (۱)

وَاتَّبِعْ مَا يُوحَى إِلَيْکَ مِن رَّبِّکَ إِنَّ اللَّهَ کَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا (۲)

و آنچه را که از سوی پروردگارت به تو وحی می شود پیروی کن؛ قطعاً خدا به آنچه انجام می دهید، آگاه است. (۲)

وَتَوَکَّلْ عَلَى اللَّهِ وَکَفَى بِاللَّهِ وَکِيلًا (۳)

و بر خدا توکل کن؛ و کافی است که خدا نگهبان و کارساز [همه امور بندگان] باشد. (۳)

مَّا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِّن قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ وَمَا جَعَلَ أَزْوَاجَکُمُ اللَّائِي تُظَاهِرُونَ مِنْهُنَّ أُمَّهَاتِکُمْ وَمَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَکُمْ أَبْنَاءَکُمْ ذَلِکُمْ قَوْلُکُم بِأَفْوَاهِکُمْ وَاللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ وَهُوَ يَهْدِي السَّبِيلَ (۴)

خدا برای هیچ مردی در درونش دو قلب قرار نداده، و همسرانتان را که همواره با آنان «ظهار» می کنید [یعنی بر پایه فرهنگ جاهلی با خواندن صیغه ای خاص آنان را به منزله مادرانتان به شمار آورده بر خود حرام می نمایید] مادران شما نگردانیده، و پسر خواندگانتان را پسران [واقعی] شما ننموده است. این سخن [باطل و بی پایه] شماست که به زبان شما [جاری] است، و خدا همواره حق را می گوید، و همواره راه پسر [درست و راست که شما را به سعادت می رساند] می نمایاند. (۴)

ادْعُوهُمْ لِآبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِندَ اللَّهِ فَإِن لَّمْ تَعْلَمُوا آبَاءَهُمْ فَإِخْوَانُکُمْ فِي الدِّينِ وَمَوَالِيکُمْ وَلَيْسَ عَلَيْکُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُم بِهِ وَلَکِن مَّا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُکُمْ وَکَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا (۵)

پسر خواندگانتان را به نام پدرانشان بخوانید که این نزد خدا عادلانه تر است؛ و اگر پدرانشان را نمی شناسید، پس برادران و دوستان دینی شمایند. و بر شما در آنچه [از انتساب هایی] که به خطا انجام داده اید، گناهی نیست؛ ولی آنچه را که دل هایتان تعمد و قصد جدی داشته است [گناه است]؛ و خدا همواره بسیار آمرزنده و مهربان است. (۵)

النَّبِيُّ أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَى بِبَعْضٍ فِي کِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَن تَفْعَلُوا إِلَى أَوْلِيَائِکُم مَّعْرُوفًا کَانَ ذَلِکَ فِي الْکِتَابِ مَسْطُورًا (۶)

پیامبر، نسبت به مؤمنان از خودشان اولی و سزاوارتر است، و همسرانش [حرمت ازدواج به منزله] مادران آنانند، و بر طبق کتاب خدا دارندگان قرابت نسبی [در میراث بردن] از یکدیگر از مؤمنان و مهاجران [که پیش از این بر پایه ایمان و هجرت میراث می بردند] سزاوارترند، مگر اینکه بخواهید [در وصیت کردن به پرداخت ارث] درباره دوستانتان احسان کنید که این امری ثبت شده در کتاب [خدا] ست. (۶)

ص: ۴۱۸

وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنکَ وَمِن نُّوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَأَخَذْنَا مِنْهُم مِّيثَاقًا غَلِيظًا (۷)

و [یاد کن] زمانی را که از پیامبران [برای ابلاغ وحی] پیمان گرفتیم، و [نیز] از تو و از نوح و از ابراهیم و موسی و عیسی پسر

مریم، و از همه آنان پیمانی محکم و استوار گرفتیم، (۷)

لِّيَسْأَلَ الصَّادِقِينَ عَن صِدْقِهِمْ وَأَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا أَلِيمًا (۸)

تا صادقان را از صدقشان بپرسد [و پاداش صدقشان را به آنان عطا کند] و برای کافران عذابی دردناک آماده کرده است. (۸)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَّمْ تَرَوْهَا وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا (۹)

ای اهل ایمان! نعمت خدا را بر خود یاد کنید، هنگامی که سپاهیانی [به قصد نابود کردنتان] به سوی شما آمدند، پس بادی [کوبنده] و لشکریانی که آنها را نمی دیدید بر ضد آنان فرستادیم [تا آنان را در هم کوبیدند]؛ و خدا به آنچه انجام می دهید، بیناست. (۹)

إِذْ جَاءُوكُم مِّن فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونَا (۱۰)

زمانی که از بالا و از پایین [لشکرگاه] تان به سویتان آمدند، و آن گاه که دیده ها [از شدت ترس] خیره شد و جان ها به گلو رسید، و به خدا آن گمان ها [ی ناروا] را [که خود می دانید] می بردید. (۱۰)

هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زِلْزَالًا شَدِيدًا (۱۱)

آنجا بود که مؤمنان مورد آزمایش قرار گرفتند و به تزلزل و اضطرابی سخت دچار شدند. (۱۱)

وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ مَّا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا (۱۲)

و آن گاه که منافقان و آنان که در دل هایشان بیماری [ضعف ایمان] بود، می گفتند: خدا و پیامبرش جز به فریب، ما را وعده [پیروزی] نداده اند! (۱۲)

وَإِذْ قَالَت طَّائِفَةٌ مِّنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِّنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِن يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا (۱۳)

و آن گاه که گروهی از آنان گفتند: ای اهل مدینه! [میدان نبرد] جای درنگ و ماندن شما نیست، پس برگردید. و گروهی از آنان از پیامبر اجازه [برگشتن] می خواستند، و می گفتند: خانه های ما بدون حفاظ است. در صورتی که بدون حفاظ نبود، و آنان جز فرار را قصد نداشتند! (۱۳)

وَلَوْ دُخِلَتْ عَلَيْهِم مِّنْ أَقْطَارِهَا ثُمَّ سُئِلُوا الْفِتْنَةَ لَآتَوْهَا وَمَا تَلَبَّثُوا بِهَا إِلَّا يَسِيرًا (۱۴)

و اگر از پیرامون خانه هایشان بر آنان حمله می شد و از آنان بازگشت [به شرک و جنگ با مؤمنان] درخواست می شد، آن را

می پذیرفتند و برای آن جز مدت کوتاهی [به اندازه تجهیز خود بر ضد مؤمنان] درنگ نمی کردند!! (۱۴)

وَلَقَدْ كَانُوا عَاهَدُوا اللَّهَ مِن قَبْلُ لَا يُوَلُّونَ الْأَدْبَارَ وَكَانَ عَهْدُ اللَّهِ مَسْئُولًا (۱۵)

و همانا آنان از پیش با خدا پیمان بسته بودند که [به دشمن] پشت نکنند؛ و پیمان خدا همواره بازخواست شدنی است. (۱۵)

ص: ۴۱۹

قُل لَّن يَنفَعَكُمُ الْفِرَارُ إِن فَرَرْتُم مِّنَ الْمَوْتِ أَوِ الْقَتْلِ وَإِذًا لَّا تُمَتَّعُونَ إِلَّا قَلِيلًا (۱۶)

بگو: اگر از مرگ یا کشته شدن بگریزید، گریز شما هرگز سودتان نمی دهد، و در این صورت [اگر هم سودتان دهد، از این زندگی زودگذر فانی] جز اندکی برخوردار نخواهید شد. (۱۶)

قُلْ مَن ذَا الَّذِي يَعْصِمُكُم مِّنَ اللَّهِ إِنْ أَرَادَ بِكُمْ سُوءًا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ رَحْمَةً وَلَا يَجِدُونَ لَهُم مِّن دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا (۱۷)

بگو: اگر خدا برای شما آسیب و گزندی یا پیروزی و غنیمتی بخواهد، کیست که شما را در برابر [تقدیرات و قضای] خدا نگه دارد؟ در صورتی که غیر از خدا نه کارسازی برای خود می یابند، نه یاری دهنده ای. (۱۷)

قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الْمُعَوِّقِينَ مِنكُمْ وَالْقَائِلِينَ لِإِخْوَانِهِمْ هَلُمَّ إِلَيْنَا وَلَا يَأْتُونَ الْبَأْسَ إِلَّا قَلِيلًا (۱۸)

یقیناً خدا بازدارندگان را از میان شما [که مجاهدان را با وسوسه و اغواگری از شرکت در جهاد باز می دارند] و کسانی را که به برادرانشان [آن براداران دینی که ایمانشان سست است] می گویند: [برای عیش و نوش] به سوی ما بیایید [شما را به شرکت در جهاد چه کار؟] می شناسد؛ و جز اندکی به جهاد نمی آیند. (۱۸)

أَشِحَّةً عَلَيْكُمْ فَإِذَا جَاءَ الْخَوْفُ رَأَيْتَهُمْ يَنظُرُونَ إِلَيْكَ تَدُورُ أَعْيُنُهُمْ كَالَّذِي يُغْشَى عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَإِذَا ذَهَبَ الْخَوْفُ سَلَقُوكُم بِأَلْسِنَةٍ حِدَادٍ أَشِحَّةً عَلَى الْخَيْرِ أُولَئِكَ لَمْ يُؤْمِنُوا فَأَحْبَطَ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا (۱۹)

در حالی که نسبت به شما [برای هزینه کردن هر نوع کمکی] بخیل اند؛ و چون [به سبب افروخته شدن آتش جنگ] ترس پیش آید آنان را می بینی به سوی تو می نگرند در حالی که چشمانشان [بی اختیار در حدقه] می گردد، مانند کسی که بیهوشی مرگ او را فرو می پوشد، پس هنگامی که ترس برطرف شود با زبان هایی تیز و تند به شما آزار می دهند، در حالی که بر [سخن] خیر [و زبان خوش و نرم] بخیل اند؛ اینان ایمان نیاورده اند، به این خاطر خدا اعمالشان را تباه و بی اثر کرده است؛ و این [کار] بر خدا آسان است. (۱۹)

يَحْسَبُونَ الْأَحْزَابَ لَمْ يَذْهَبُوا وَإِن يَأْتِ الْأَحْزَابُ يَوَدُّوا لَوْ أَنَّهُم بَادُونَ فِي الْأَعْرَابِ يَسْأَلُونَ عَنْ أَنبَائِكُمْ وَلَوْ كَانُوا فِيكُم مَّا قَاتَلُوا إِلَّا قَلِيلًا (۲۰)

[این بزدلان منافق] می پندارند که گروه های دشمن نرفته اند و اگر بار دیگر گروه های دشمن بیایند، آنان دوست دارند که

کاش در میان اعراب بادیه نشین بودند، و [همانجا] از خبرهای شما می پرسیدند، و اگر در میان شما بودند جز اندکی جنگ نمی کردند. (۲۰)

لَّقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا (۲۱)

یقیناً برای شما در [روش و رفتار] پیامبر خدا الگوی نیکویی است برای کسی که همواره به خدا و روز قیامت امید دارد؛ و خدا را بسیار یاد می کند. (۲۱)

وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا (۲۲)

هنگامی که مؤمنان [در نبرد خندق] گروه های دشمن را دیدند، گفتند: این است آنچه خدا وپیامبرش به ما وعده داده اند [که ثواب و پاداش عظیم روز بازپسین بدون تحمل سختی ها و سرافراز بیرون آمدن از آزمایش ها، میسر نیست] و خدا و پیامبرش راست گفته اند، و [جنگ خندق] جز بر ایمان و تسلیم آنان نیفزود. (۲۲)

ص: ۴۲۰

مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُم مَّن قَضَى نَحْبَهُ وَمِنْهُم مَّن يَنتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا (۲۳)

از مؤمنان مردانی هستند که به آنچه با خدا بر آن پیمان بستند [و آن ثبات قدم و دفاع از حق تا نثار جان بود] صادقانه وفا کردند، برخی از آنان پیمانشان را به انجام رساندند [و به شرف شهادت نایل شدند] و برخی از آنان [شهادت را] انتظار می برند و هیچ تغییر و تبدیلی [در پیمانشان] نداده اند، (۲۳)

لِّيَجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ إِن شَاءَ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا (۲۴)

تا سرانجام خدا صادقان را به سبب صدقشان پاداش دهد، و منافقان را اگر بخواهد عذاب کند یا [اگر توبه کنند] توبه آنان را بپذیرد؛ زیرا خدا همواره بسیار آمرزنده و مهربان است. (۲۴)

وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيزًا (۲۵)

و خدا کافران [شرکت کننده در جنگ خندق] را در حالی که به پیروزی و غنیمت دست نیافتند با خشم و اندوهشان برگرداند، و خدا [سختی و مشقت] جنگ را از مؤمنان برداشت؛ و خدا همواره نیرومند و توانای شکست ناپذیر است. (۲۵)

وَأَنزَلَ الَّذِينَ ظَاهَرُوهُم مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِن صَيَاصِيهِمْ وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ وَتَأْسِرُونَ فَرِيقًا (۲۶)

و [خدا] کسانی را از اهل کتاب که گروه های دشمن را پشتیبانی کردند از قلعه های محکم و استوارشان پایین کشید و در دل هایشان ترس و بیم افکند، گروهی را می کشتید و گروهی را اسیر می کردید، (۲۶)

وَأَوْرَثَكَمْ أَرْضَهُمْ وَدِيَارَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ وَأَرْضًا لَّمْ تَطَئُوهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا (٢٧)

و سرزمینشان و دیار و اموالشان و سرزمینی که به آن قدم نگذاشته بودید به شما میراث داد؛ و خدا بر هر کاری تواناست. (٢٧)

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُل لِّأَزْوَاجِكَ إِن كُنتُنَّ تُرِدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُنَّ وَأُسَرِّحْكُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا (٢٨)

ای پیامبر! به همسرانت بگو: اگر شما زندگی دنیا و زیور و زینتش را می خواهید بیایید تا برخوردارتان نمایم و با روشی پسندیده رهایتان کنم، (٢٨)

وَإِن كُنتُنَّ تُرِدْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالدَّارَ الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنكُنَّ أَجْرًا عَظِيمًا (٢٩)

و اگر خدا و پیامبر او و سرای آخرت را می خواهید، پس خدا یقیناً برای نیکوکاران شما پاداشی بزرگ آماده کرده است. (٢٩)

يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَن يَأْتِ مِنكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبَيِّنَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا (٣٠)

ای همسران پیامبر! هرکس از شما کار بسیار زشت آشکاری مرتکب شود [قطعاً پیوند همسری با پیامبر به او مصونیّت نمی دهد، بلکه] عذاب برای او دو چندان خواهد شد، و این [کار] بر خدا آسان است. (٣٠)

ص: ۴۲۱

جزء ۲۲

ادامه سوره الأحزاب

وَمَن يَقْنُتْ مِنكُنَّ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَتَعْمَلْ صَالِحًا نُّؤْتِهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا (٣١)

و هرکس از شما برای خدا و پیامبرش اطاعت خاضعانه کند و کار شایسته انجام دهد، پاداشش را دو برابر به او می دهیم و برای او رزقی نیکو و با ارزش آماده کرده ایم. (٣١)

يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِى فِى قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا (٣٢)

ای همسران پیامبر! شما اگر پرهیزکاری پیشه کنید [از نظر منزلت و موقعیت] مانند هیچ یک از زنان نیستید، پس در گفتار خود، نرمی و طنّازی [چنانکه عادت بیشتر زنان است] نداشته باشید تا کسی که بیمار دل است طمع کند، و سخن پسندیده و شایسته گویید. (٣٢)

وَقَرْنَ فِى بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا (٣٣)

و در خانه هایتان قرار و آرام گیرید، و [در میان نامحرمان و کوچه و بازار] مانند زنان دوران جاهلیت پیشین [که برای خودنمایی با زینت و آرایش و بدون پوشش در همه جا ظاهر می شدند] ظاهر نشوید، و نماز را برپا دارید و زکات بدهید، و خدا و پیامبرش را اطاعت کنید، جز این نیست که همواره خدا می خواهد هرگونه پلیدی را از شما اهل بیت [که به روایت شیعه و سنی محمّد، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام اند] برطرف نماید، و شما را چنان که شایسته است [از همه گناهان و معاصی] پاک و پاکیزه گرداند. (۳۳)

وَاذْكُرْنَ مَا يُتْلَى فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا (۳۴)

[ای همسران پیامبر!] و آنچه را از آیات خدا و حکمت در خانه های شما می خوانند به یاد داشته باشید؛ یقیناً خدا لطیف و آگاه است. (۳۴)

إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُم مَّغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا (۳۵)

مسلماً خدا برای مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان با ایمان، و مردان و زنان عبادت پیشه، و مردان و زنان راستگو و مردان و زنان شکیبا، و مردان و زنان فروتن، و مردان و زنان صدقه دهنده، و مردان و زنان روزه دار، و مردان و زنان حفظ کننده خود از پلیدی های جنسی، و مردان و زنانی که بسیار یاد خدا می کنند، آمرزش و پاداشی بزرگ آماده کرده است. (۳۵)

ص: ۴۲۲

وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَن يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَن يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا (۳۶)

و هیچ مرد و زن مؤمنی را نرسد هنگامی که خدا و پیامبرش کاری را حکم کنند برای آنان در کار خودشان اختیار باشد؛ و هرکس خدا و پیامبرش را نافرمانی کند یقیناً به صورتی آشکار گمراه شده است. (۳۶)

وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَن تَخْشَاهُ فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِّنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا (۳۷)

و [یاد کن] زمانی را که به آن شخص که خدا به او نعمت [اسلام] بخشیده بود، و تو هم [با آزاد کردنش از طوق بردگی] به او احسان کرده بودی، می گفتی: همسرت را برای خود نگه دار و از خدا پروا کن. و تو در باطن خود چیزی را [چون فرمان خدا به ازدواج با مطلقه او] پنهان می داشتی که خدا آشکار کننده آن بود [تا برای مردم در ازدواج مطلقه پسر خوانده هایشان ممنوعیت و مشکلی نباشد] و [برای بیان فرمان خدا نسبت به مشروعیت ازدواج مطلقه پسر خوانده] از مردم می ترسیدی و در

حالی که خدا سزاوارتر بود که از او بترسی، پس هنگامی که «زید» نیاز خود را از همسرش به پایان برد [و او را طلاق داد] وی را به همسری تو درآوردیم تا برای مؤمنان نسبت به ازدواج با همسران پسر خوانده هایشان زمانی که نیازشان را از آنان به پایان برده باشند سختی و حرجی نباشد؛ و همواره فرمان خدا شدنی است. (۳۷)

مَّا كَانَ عَلَى النَّبِيِّ مِنْ حَرَجٍ فِيمَا فَرَضَ اللَّهُ لَهُ سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِن قَبْلُ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ قَدَرًا مَّقْدُورًا (۳۸)

بر پیامبر در آنچه خدا برای او مقرّر و لازم کرده منعی نیست، خدا این روش را درباره کسانی [از پیامبران] که پیش از این گذشته اند مقرّر داشته است و همواره فرمان خدا نافذ و اندازه گیری شده است. (۳۸)

الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا (۳۹)

[آری این روش خداست درباره] آنان که همواره پیامهای خدا را به مردم می رسانند و از [عظمت و مقام] او می ترسند و از هیچ کس جز او واهمه ندارند و برای حسابرسی [کار با ارزش اینان] خدا کافی است. (۳۹)

مَّا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا (۴۰)

محمّد، پدر هیچ یک از مردان شما نیست، ولی فرستاده خدا و خاتم پیامبران است؛ و خدا به هر چیزی داناست. (۴۰)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا (۴۱)

ای اهل ایمان! خدا را بسیار یاد کنید، (۴۱)

وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا (۴۲)

و صبح و شام او را تسبیح گویید. (۴۲)

هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا (۴۳)

اوست که با فرشتگان خود بر شما درود می فرستد تا شما را از تاریکی ها به سوی نور بیرون آورد، و او به مؤمنان مهربان است. (۴۳)

ص: ۴۲۳

تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ سَلَامٌ وَأَعَدَّ لَهُمْ أَجْرًا كَرِيمًا (۴۴)

درود و تحیّت [خدا] بر آنان، روزی که با [پاداش و مقام قرب] او دیدار می کنند، سلام است، و [خدا] برای آنان پاداشی نیکو و باارزش آماده کرده است. (۴۴)

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاکَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا (۴۵)

ای پیامبر! به راستی ما تو را شاهد [بر امت] و مژده رسان و بیم دهنده فرستادیم. (۴۵)

وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُّنِيرًا (۴۶)

و تو را دعوت کننده به سوی خدا به فرمان او و چراغی فروزان [برای هدایت جهانیان] قرار دادیم، (۴۶)

وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُم مِّنَ اللَّهِ فَضْلًا کَبِيرًا (۴۷)

و مؤمنان را مژده ده که برای آنان از سوی خدا فضل بزرگی خواهد بود، (۴۷)

وَلَا تُطِعِ الْکَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ وَدَعْ أَذَاهُمْ وَتَوَکَّلْ عَلَى اللَّهِ وَکَفَى بِاللَّهِ وَکِيلًا (۴۸)

و از کافران و منافقان اطاعت مکن و آزارشان را واگذار و بر خدا توکل کن، و کافی است که خدا نگهبان و کارساز [انسان] باشد، (۴۸)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَکَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِن قَبْلِ أَن تَمَسُّوهُنَّ فَمَا لَکُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ تَعْتَدُّونَهَا فَمَتِّعُوهُنَّ وَسَرِّحُوهُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا (۴۹)

ای اهل ایمان! هنگامی که زنان مؤمن را به همسری خود درآوردید، آن گاه پیش از آنکه با آنان آمیزش کنید طلاقشان دادید، برای شما بر عهده آنان عدّه ای نیست که آن را بشمارید، پس آنان را [به پرداخت نصف مهریه] بهره مندشان کنید و به صورت پسندیده ای رهایشان سازید. (۴۹)

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَحْلَلْنَا لَکَ أَزْوَاجَکَ اللَّاتِي آتَيْتَ أُجُورَهُنَّ وَمَا مَلَکَتْ يَمِينُکَ مِمَّا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَيْکَ وَبَنَاتِ عَمِّکَ وَبَنَاتِ عَمَّاتِکَ وَبَنَاتِ خَالِکَ وَبَنَاتِ خَالَاتِکَ اللَّاتِي هَاجَرْنَ مَعَکَ وَامْرَأَةً مُّؤْمِنَةً إِن وَهَبَتْ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ إِنْ أَرَادَ النَّبِيُّ أَن يَسْتَنکِحَهَا خَالِصَةً لَّکَ مِن دُونِ الْمُؤْمِنِينَ قَدْ عَلِمْنَا مَا فَرَضْنَا عَلَيْهِمْ فِي أَزْوَاجِهِمْ وَمَا مَلَکَتْ أَيْمَانُهُمْ لِکَيْلَا يَکُونَ عَلَيْکَ حَرَجٌ وَکَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا (۵۰)

ای پیامبر! برایت حلال کردیم آن همسرانت را که مهرشان را داده ای و کنیزانی که خدا غنیمت به تو داده است و دختر عموها و دختر عمه ها و دختر دایی ها و دختر خاله هایت را که با تو مهاجرت نموده اند و زن مؤمنی که خود را به پیامبر [مجانی و بدون مهر] هبه کند، اگر پیامبر او را به همسری بخواهد؛ این حکم ویژه توست نه مؤمنان. یقیناً ما آنچه را در مورد همسران و کنیزانشان بر آنان لازم و مقرّر داشته ایم، می دانیم؛ [این گشایش در ازدواج] برای آن است که بر تو سختی و حَرَجی نباشد؛ و خدا همواره بسیار آمرزنده و مهربان است. (۵۰)

تُرْجِی مَن تَشَاءُ مِنْهُنَّ وَتُؤْوِی إِلَيْكَ مَن تَشَاءُ وَمَنِ ابْتَغَيْتَ مِمَّنْ عَزَلْتَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكَ ذَلِكَ أَدْنَى أَن تَقَرَّ أَعْيُنُهُنَّ وَلَا يَحْزَنَّ وَيَرْضَيْنَ بِمَا آتَيْتَهُنَّ كُلُّهُنَّ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِی قُلُوبِكُمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَلِيمًا (۵۱)

نوبت هر یک از آنان را که بخواهی به تأخیر انداز و هر کدام را که میل داری نزد خود جای ده، و هر کدام از آنان را که از او کناره گرفته باشی [اگر] نزد خود بطلبی بر تو گناهی نیست. این [برنامه ریزی آزادانه،] به خوشحال نمودنشان و اینکه اندوهگین نشوند و همگی به آنچه به آنان داده ای خشنود شوند، نزدیک تر است؛ و خدا آنچه را در دل های شماست می داند؛ و خدا دانا و بردبار است. (۵۱)

لَّا يَحِلُّ لَكَ النِّسَاءُ مِن بَعْدُ وَلَا أَن تَبَدَّلَ بِهِنَّ مِنْ أَزْوَاجٍ وَلَوْ أَعْجَبَكَ حُسْنُهُنَّ إِلَّا مَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَیْءٍ رَّقِيبًا (۵۲)

[غیر از زن هایی که گفته شد] از این پس زنان دیگر برای تو حلال نیست، و [نیز] جایز نیست که آنان را به همسرانی دیگر تبدیل کنی گرچه زیبایی آنان تو را خوش آید، مگر کنیزی که مالکش شوی؛ و خدا نگهبان و مراقب همه چیز است. (۵۲)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِیِّ إِلَّا أَن يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَى طَعَامٍ غَيْرَ نَاظِرِينَ إِنَاهُ وَلَكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانتَشِرُوا وَلَا مُسْتَأْنِسِينَ لِحَدِيثٍ إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ يُؤْذِی النَّبِیَّ فَيَسْتَحْيِی مِنكُمْ وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيِی مِنَ الْحَقِّ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِن وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ وَمَا كَانَ لَكُمْ أَن تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَن تَنكِحُوا أَزْوَاجَهُ مِن بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ عِندَ اللَّهِ عَظِيمًا (۵۳)

ای مؤمنان! به خانه های پیامبر جز آنکه برای خوردن غذایی به شما اجازه دهند وارد نشوید، چشم انتظار فرا رسیدن وقت خوردن آن هم نباشید [که پی در پی آوردنش را بخواهید و از این جهت اسائه ادب کنید]؛ ولی هنگامی که دعوت شدید وارد شوید، و چون غذا خوردید و بی آنکه [پس از صرف غذا] سرگرم سخن گردید، پراکنده شوید، این [کار که بنشینید و سرگرم سخن گردید] پیامبر را آزار می دهد و از شما حیا می کند [که بیرونتان کند] ولی خدا از حق حیا نمی کند. و زمانی که از همسرانش متاعی خواستید از پشت پرده و حجابی از آنان بخواهید، که این برای قلب شما و قلب های آنان پاکیزه تر است. و شما را نسزد [و جایز نباشد] که پیامبر خدا را آزار دهید. و بر شما هرگز جایز نیست که پس از او با همسرانش ازدواج کنید؛ که این [کار] نزد خدا بزرگ است. (۵۳)

إِن تُبْدُوا شَيْئًا أَوْ تُخْفُوهُ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَیْءٍ عَلِيمًا (۵۴)

اگر چیزی را آشکار کنید یا آن را پنهان نمایید [خدا می داند]؛ یقیناً خدا به هر چیزی داناست. (۵۴)

ص: ۴۲۵

لَّا جُنَاحَ عَلَيْهِنَّ فِی آبَائِهِنَّ وَلَا أَبْنَائِهِنَّ وَلَا إِخْوَانِهِنَّ وَلَا أَبْنَاءِ إِخْوَانِهِنَّ وَلَا أَبْنَاءِ أَخَوَاتِهِنَّ وَلَا نِسَائِهِنَّ وَلَا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ وَاتَّقِينَ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَیْءٍ شَهِيدًا (۵۵)

همسران پیامبر را نزد پدرانشان و پسرانشان و برادرانشان و پسران برادرانشان و پسران خواهرانشان و زنان هم کیششان و بردگانشان [در ترک پوشش و حجاب] گناهی نیست؛ و از خدا پروا کنید که خدا به هر چیزی گواه است. (۵۵)

إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا (۵۶)

همانا خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود و رحمت می فرستند. ای اهل ایمان! بر او درود فرستید و آن گونه که شایسته است، تسلیم او باشید. (۵۶)

إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَهِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُّهِينًا (۵۷)

قطعاً آنان که خدا و پیامبرش را می آزارند، خدا در دنیا و آخرت لعنتشان می کند، و برای آنان عذابی خوارکننده آماده کرده است. (۵۷)

وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدِ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا (۵۸)

و کسانی که مردان و زنان مؤمن را [با متهم کردن] به اعمالی که انجام نداده اند، می آزارند، بی تردید بهتان و گناه بزرگی بر عهده گرفته اند. (۵۸)

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُل لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِن جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَن يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا (۵۹)

ای پیامبر! به همسرانت و دخترانت و همسران کسانی که مؤمن هستند بگو: چادرهایشان را بر خود فرو پوشند [تا بدن و آرایش و زیورهایشان در برابر دید نامحرمان قرار نگیرد.] این [پوشش] به اینکه [به عفت و پاکدامنی] شناخته شوند نزدیک تر است، و در نتیجه [از سوی اهل فسق و فجور] مورد آزار قرار نخواهند گرفت؛ و خدا همواره بسیار آمرزنده و مهربان است. (۵۹)

لَّئِن لَّمْ يَنتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَهِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا (۶۰)

اگر منافقان و آنان که در دل هایشان بیماری [ضعف ایمان] است و آنانکه در مدینه شایعه های دروغ و دلهره آور پخش می کنند [از رفتار زشتشان] باز نایستند، تو را بر ضد آنان برمی انگیزیم [که یا تبعیدشان کنی یا با آنان بجنگی]، آن گاه در این شهر جز اندکی [که خالص و پاک هستند] در کنار تو نخواهند ماند. (۶۰)

مَّلْعُونِينَ أَيْنَمَا ثُقِفُوا أُخِذُوا وَقُتِّلُوا تَقْتِيلًا (۶۱)

[این چند گروه به علت اعمال ناهنجارشان] طردشدگان [از رحمت خدای] اند، هرجا که یافت شوند باید دستگیر شوند، و به سختی به قتل برسند. (۶۱)

سُنَّهَ اللَّهِ فِی الَّذِینَ خَلَوْا مِن قَبْلُ وَلَن تَجِدَ لِسُنَّهِ اللَّهِ تَبْدِیلًا (۶۲)

خدا شیوه و روش خود را درباره کسانی [مانند این خائنان] که پیش تر درگذشتند، این گونه قرار داده است، و برای شیوه و روش خدا هرگز تغییر و دگرگونی نخواهی یافت. (۶۲)

ص: ۴۲۶

یَسْأَلُکَ النَّاسُ عَنِ السَّاعَهِ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِندَ اللَّهِ وَمَا یُدْرِیکَ لَعَلَّ السَّاعَهَ تَکُونُ قَرِیبًا (۶۳)

مردم درباره [وقت] قیامت از تو می پرسند، بگو: دانش و آگاهی آن فقط نزد خداست. و تو چه می دانی؟ شاید قیامت نزدیک باشد. (۶۳)

إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْکَافِرِینَ وَأَعَدَّ لَهُمْ سَعِیرًا (۶۴)

همانا خدا کافران را لعنت کرده، و آتشی افروخته برای آنان آماده کرده است. (۶۴)

خَالِدِینَ فِیهَا أَبَدًا لَّا یَجِدُونَ وَلِیًّا وَلَا نَصِیرًا (۶۵)

همیشه در آن جاودانه اند، و سرپرست و یاوری [که آنان را نجات دهد] نیابند. (۶۵)

یَوْمَ تُقَلَّبُ وُجُوهُهُمْ فِی النَّارِ یَقُولُونَ یَا لَیْتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا الرَّسُولَا (۶۶)

روزی که چهره هایشان را در آتش از سویی به سویی می گردانند، [و] می گویند: ای کاش ما [در دنیا] از خدا و پیامبر اطاعت کرده بودیم، (۶۶)

وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَکُبَرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِیلَا (۶۷)

و می گویند: پروردگارا! همانا ما از فرمانروایان و بزرگانمان اطاعت کردیم، در نتیجه گمراهمان کردند. (۶۷)

رَبَّنَا آتِهِمْ ضِعْفَیْنِ مِنَ الْعَذَابِ وَالْعَنْهُمْ لَعْنًا کَبِیرًا (۶۸)

پروردگارا! آنان را از عذاب دو چندان ده، و کاملاً از رحمتت دورشان ساز. (۶۸)

یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لَا تَکُونُوا کَالَّذِینَ آذَوْا مُوسَی فَبَرَّأَهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا وَکَانَ عِندَ اللَّهِ وَجِیهًا (۶۹)

ای اهل ایمان! [درباره پیامبرتان] مانند کسانی نباشید که موسی را [با تهمت و دروغ بستن به او] آزار دادند و خدا او را از آنچه درباره او می گفتند، پاک و مبرّا ساخت، و او نزد خدا آبرومند بود. (۶۹)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا (۷۰)

ای اهل ایمان! از خدا پروا کنید و سخن درست و استوار گویید. (۷۰)

يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَن يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا (۷۱)

تا [خدا] اعمالتان را برای شما اصلاح کند و گناهتان را بر شما بیامرزد. و هرکس خدا و پیامبرش را اطاعت کند، بی تردید رستگاری بزرگی یافته است. (۷۱)

إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَن يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا (۷۲)

یقیناً ما امانت را [که تکالیف شرعیه سعادت بخش است] بر آسمان ها و زمین و کوه ها عرضه کردیم و آنها از به عهده گرفتنش [به سبب اینکه استعدادش را نداشتند] امتناع ورزیدند و از آن ترسیدند، و انسان آن را پذیرفت بی تردید او [به علت ادا نکردن امانت] بسیار ستمکار، و [نسبت به سرانجام خیانت در امانت] بسیار نادان است. (۷۲)

لِّيُعَذِّبَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ وَيَتُوبَ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا (۷۳)

تا نهایتاً خدا مردان و زنان منافق، و مردان و زنان مشرک را [به سبب خیانت در امانت] عذاب کند و توبه مردان و زنان مؤمن را [به علت لغزش در امانت] بپذیرد؛ و خدا همواره بسیار آمرزنده و مهربان است. (۷۳)

ص: ۴۲۷

سوره سبإ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ (۱)

همه ستایش ها ویژه خداست که آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است در سیطره مالکیّت و فرمانروایی اوست، و همه ستایش ها در آخرت مخصوص اوست، و او حکیم و آگاه است. (۱)

يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ (۲)

[خدا] آنچه در زمین فرو می رود و آنچه از آن بیرون می آید و آنچه از آسمان فرود می آید و آنچه در آن بالا می رود عالم و آگاه است؛ و او مهربان و بسیار آمرزنده است. (۲)

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَأْتِينَا السَّاعَةُ قُلْ بَلَى وَرَبِّي لَتَأْتِيَنَّكُمْ عَالِمِ الْغَيْبِ لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَلَا أَصْغَرُ مِن ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرُ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ (۳)

و کافران گفتند: قیامت بر ما نخواهد آمد. بگو: آری، سوگند به پروردگارم که دانای غیب است، حتماً بر شما خواهد آمد؛ در

آسمان ها و زمین هم وزن ذرّه ای از او پوشیده نیست، و نه کوچک تر از آن و نه بزرگ تر از آن هست مگر اینکه در کتابی روشن [ثبت] است. (۳)

لِّيَجْزِىَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ لَهُم مَّغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ (۴)

[آری، قیامت حتماً می آید] تا خدا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، پاداش دهد، اینانند که برای آنان آمرزشی و رزق نیکو و ارزشمندی خواهد بود. (۴)

وَالَّذِينَ سَعَوْا فِى آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مِّن رِّجْزٍ أَلِيمٌ (۵)

و کسانی که در [انکار و تکذیب] آیات ما کوشیدند، به گمان اینکه [می توانند] ما را عاجز کنند [تا از دسترس قدرت ما بیرون روند] برای آنان عذابی دردناک از سخت ترین عذاب هاست. (۵)

وَيَرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِى أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ هُوَ الْحَقَّ وَيَهْدِى إِلَى صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ (۶)

و کسانی که معرفت و دانش به آنان عطا شده، می دانند که آنچه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده حق است، و به راه خدای توانای شکست ناپذیر و ستوده هدایت می کند. (۶)

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ نَدُلُّكُمْ عَلَى رَجُلٍ يُنَبِّئُكُمْ إِذَا مُزِّقْتُمْ كُلَّ مُمَزَّقٍ إِنَّكُمْ لَفِى خَلْقٍ جَدِيدٍ (۷)

و کافران گفتند: [ای مردم!] آیا شما را به مردی دلالت کنیم که به شما خبر [عجیبی] می دهد، هنگامی که [در خاک گور] به طور کامل متلاشی [و قطعه قطعه] شوید، در آفرینشی جدید و تازه خواهید آمد! (۷)

ص: ۴۲۸

أَفْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَم بِهِ جِنَّةٌ بَلِ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ فِى الْعَذَابِ وَالضَّلَالِ الْبَعِيدِ (۸)

آیا [به نظر شما این خبر دهنده] بر خدا دروغ بسته، یا دچار نوعی جنون است؟! [نه، چنین نیست که می پندارند] بلکه کسانی که به آخرت ایمان ندارند، در عذاب و گمراهی دوری هستند. (۸)

أَفَلَمْ يَرَوْا إِلَى مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُم مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِن نَّشَأْ نَخْسِفْ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ نُسْقِطْ عَلَيْهِمْ كِسَفًا مِّنَ السَّمَاءِ إِنَّ فِى ذَلِكَ لَآيَةً لِّكُلِّ عَبْدٍ مُّنِيبٍ (۹)

آیا به آنچه از آسمان و زمین پیش رو و پشت سر آنان است، ننگریستند [که همان خدایی که جهان هستی را آفرید بر زنده کردن مردگان تواناست؟] ما اگر بخواهیم آنان را در زمین فرو می بریم یا پاره هایی از آسمان را بر سرشان می افکنیم؛ بی تردید در این [آفرینش] برای هر بنده بازگشت کننده، نشانه ای [بر قدرت خدا] ست. (۹)

وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ مِنَّا فَضْلًا يَا جِبَالُ أَوِّبِي مَعَهُ وَالطَّيْرَ وَأَلَنَّا لَهُ الْحَدِيدَ (١٠)

همانا به داود از سوی خود فضلی بزرگ عطا کردیم، [و گفتیم:] ای کوه ها و ای پرندگان! [در تسبیح خدا] با او، هم صدا شوید. و آهن را برای او نرم کردیم. (١٠)

أَنِ اعْمَلْ سَابِغَاتٍ وَقَدِّرْ فِي السَّرْدِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (١١)

[و به او گفتیم] که زره های فراخ بساز، و حلقه ها [ی آن] را متناسب و هماهنگ اندازه گیری کن. و تو و خاندان و قومت کار شایسته انجام دهید؛ یقیناً من به آنچه انجام می دهید بینایم. (١١)

وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ غُدُوُّهَا شَهْرٌ وَرَوَاحُهَا شَهْرٌ وَأَسَلْنَا لَهُ عَيْنَ الْقِطْرِ وَمِنَ الْجِنِّ مَن يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَمَن يَزِغْ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنَا نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ (١٢)

و باد را برای سلیمان [مسخّر و رام کردیم]، که رفتن صبح گاهش [به اندازه] یک ماه و رفتن شام گاهش [به اندازه] یک ماه بود؛ و چشمه مس را برای او روان ساختیم، و گروهی از جن به اذن پروردگارش نزد او کار می کردند، و هر کدام از آنان از فرمان ما سرپیچی می کرد از عذاب سوزان به او می چشاندیم. (١٢)

يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِن مَّحَارِيبَ وَتَمَاثِيلَ وَجِفَانٍ كَالْجَوَابِ وَقُدُورٍ رَّاسِيَاتٍ اعْمَلُوا آلَ دَاوُودَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ (١٣)

[گروه جن] برای او هرچه می خواست، می ساختند از معبدها، و مجسمه ها، و ظروف بزرگی مانند حوض ها، و دیگ هایی ثابت. ای خاندان داود! به خاطر سپاس گزاری [به فرمان ها حق] عمل کنید؛ و از بندگانم اندکی سپاس گزارند. (١٣)

فَلَمَّا قَضَيْنَا عَلَيْهِ الْمَوْتَ مَا دَلَّهُمْ عَلَى مَوْتِهِ إِلَّا دَابَّةُ الْأَرْضِ تَأْكُلُ مِنسَأَتَهُ فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْجِنُّ أَن لَّوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ (١۴)

پس هنگامی که مرگ را بر او مقرّر کردیم، جنیان را از مرگش جز موریانه ای که عصایش را می خورد، آگاه نکرد؛ زمانی که به روی زمین در افتاد، جنّیان [که ادعای علم غیب داشتند] فهمیدند که اگر غیب می دانستند در آن عذاب خوارکننده [که کارهای بسیار پرزحمت و طاقت فرسا بود] درنگ نمی کردند. (١۴)

ص: ۴۲۹

لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكَنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَن يَمِينٍ وَشِمَالٍ كُلُوا مِن رِّزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ بَلْدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبٌّ غَفُورٌ (١۵)

یقیناً برای قوم سبا در جای اقامتشان نشانه ای [از قدرت و رحمت خدا] وجود داشت، دو باغ از طرف راست و چپ. [گفتیم:] از رزق و روزی پروردگارتان بخورید، و برای او سپاس گزاری کنید، سرزمینی خوش و دلپذیر [دارید]، و پروردگاری بسیار آمرزنده (١۵)

فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ وَبَدَّلْنَاهُم بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَوَاتَىْ أُكُلٍ خَمْطٍ وَأَثْلٍ وَشَىْءٍ مِّن سِدْرٍ قَلِيلٍ (۱۶)

ولی [آنـان از سـپاس گزاری در برابر نعمت، و از فرمـان ها او و دعوت پیامبرشان] روی گرداندنـد، در نتیجه سـیل [ویران گر] «عرم» را بر ضـد آنـان جاری کردیم [که دو باغ آباد راست و چپ منطقه را نابود کرد]، و ما آن دو باغ پر حاصلشـتان را به دو باغستانی تبدیل کردیم که دارای میوه هایی تلخ و درخت شوره گز و چیزی اندک از درخت سدر بودند!! (۱۶)

ذَلِکَ جَزَيْنَاهُم بِمَا كَفَرُوا وَهَلْ نُجَازِى إِلَّا الْكَفُورَ (۱۷)

این [سیل ویران گر] را در برابر کفرشان به آنان کیفر دادیم. آیا جز کفران کننده را کیفر می دهیم؟ (۱۷)

وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِى بَارَكْنَا فِيهَا قُرًى ظَاهِرَةً وَقَدَّرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سِيرُوا فِيهَا لَيَالِىَ وَأَيَّامًا آمِنِينَ (۱۸)

و میـان مردم سـبا و شـهرهایی که در آن هـا برکت نهادیم، آبادی های به هم پیوسـته و نمایان قرار دادیم، و سـیر و سـفر را در [میان] آنان متناسب و به اندازه مقرّر داشتیم، [و گفتیم:] شب ها و روزها با امنیت در آنها مسافرت کنید. (۱۸)

فَقَالُوا رَبَّنَا بَاعِدْ بَيْنَ أَسْفَارِنَا وَظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ فَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ وَمَزَّقْنَاهُمْ كُلَّ مُمَزَّقٍ إِنَّ فِى ذَلِکَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ (۱۹)

پس [این مغرورشدگان به رفاه و خوشـی و ناسپاسان در برابر نعمت] گفتند: پروردگارا! میان سفرهای ما، دوری و فاصله انداز. [این را درخواست کردنـد تـا تهیدسـتان و پـا برهنگـان نتواننـد در کنـار آنان سـفر کننـد]، و [این گونه آنان] بر خودشان سـتم کردنـد، پس مـا آنـان را داسـتان هایی [برای عبرت آینـدگان] قرار دادیم و جمعشان را به شـدت متلاشـی و تار و مار کردیم، همانا در این [سرگذشت ها] برای هر صبرکننده سپاس گزاری عبرت هاست (۱۹)

وَلَقَدْ صَدَّقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ فَاتَّبَعُوهُ إِلَّا فَرِيقًا مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ (۲۰)

و همانا ابلیس، پندارش را [که گفته بود: نسل آدم را گمراه می کنم] درباره آنان تحقق یافت که همه جز گروهی از مؤمنان از او پیروی کردند. (۲۰)

وَمَا كَانَ لَهُ عَلَيْهِم مِّن سُلْطَانٍ إِلَّا لِنَعْلَمَ مَن يُؤْمِنُ بِالْآخِرَهِ مِمَّنْ هُوَ مِنْهَا فِى شَكٍّ وَرَبُّكَ عَلَى كُلِّ شَىْءٍ حَفِيظٌ (۲۱)

و ابلیس را بر آنان [در اینکه فرمان بردارشان کند] هیچ تسلطی نبود [جز وسوسه کردن و باز بودن راه وسوسه بر او، هیچ سببی نـداشت] مگر اینکه می خواسـتیم کسـانی را که به آخرت ایمـان دارنـد از آنـان که دربـاره آن در تردیدنـد مشخص کنیم؛ و پروردگارت بر هر چیزی نگهبان است. (۲۱)

قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُم مِّن دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ مِثْقَالَ ذَرَّهٍ فِى السَّمَاوَاتِ وَلَا فِى الْأَرْضِ وَمَا لَهُمْ فِيهِمَا مِن شِرْكٍ وَمَا لَهُ مِنْهُم مِّن ظَهِيرٍ (۲۲)

بگو: کسـانی را که به جـای خـدا [سـزاوار پرستیـدن] پنداشـته ایـد، بخوانیـد [تا خواسـته هایتان را اجابت کننـد، ولی آنها هیچ

خواسته ای را از شما اجابت نمی کنند؛ زیرا] در آسمان ها و زمین، هموزن ذره ای را مالک نیستند و آنها را در آن دو هیچ سهم و شرکتی نیست، و از میان آنها هیچ پشتیبانی برای خدا وجود ندارد. (۲۲)

وَلَا تَنفَعُ الشَّفَاعَةُ عِندَهُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُ حَتَّى إِذَا فُزِّعَ عَن قُلُوبِهِمْ قَالُوا مَاذَا قَالَ رَبُّكُمْ قَالُوا الْحَقَّ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ (۲۳)

شفاعت در پیشگاه خدا جز برای کسانی که به آنان اذن دهد سودی ندارد، [آن روز شفیعان و امیدواران به شفاعت مضطربانه به انتظار اذن خدا برای شفاعت هستند] تا زمانی که با صدور اذن شفاعت دل هایشان آرام گیرد [در این هنگام مجرمان به شفیعان] گویند: پروردگارتان چه گفت؟ می گویند: حق گفت و او بلند مرتبه و بزرگ است. (۲۳)

قُلْ مَن يَرْزُقُكُم مِّنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ وَإِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَى هُدًى أَوْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۲۴)

[به مشرکان] بگو: چه کسی از آسمان ها و زمین به شما روزی می دهد؟ بگو: خدا. و بی تردید ما یا شما بر هدایت یا در گمراهی آشکار هستیم. (۲۴)

قُل لَّا تُسْأَلُونَ عَمَّا أَجْرَمْنَا وَلَا نُسْأَلُ عَمَّا تَعْمَلُونَ (۲۵)

بگو: شما از گناه ما بازخواست نخواهید شد، و ما هم از آنچه شما انجام می دهید، بازخواست نخواهیم شد. (۲۵)

قُلْ يَجْمَعُ بَيْنَنَا رَبُّنَا ثُمَّ يَفْتَحُ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَهُوَ الْفَتَّاحُ الْعَلِيمُ (۲۶)

بگو: پروردگارمان میان ما و شما را [روز قیامت] جمع می کند، سپس میان ما و شما به حق داوری خواهد کرد، و او داور دانایی است. (۲۶)

قُلْ أَرُونِيَ الَّذِينَ أَلْحَقْتُم بِهِ شُرَكَاءَ كَلَّا بَلْ هُوَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۲۷)

بگو: کسانی را که به عنوان شریکان به او ملحق کرده اید به من نشان دهید [تا بنگرم آیا صفاتی که واجب است در یک معبود باشد در آنها هست؟ یقیناً] این چنین [صفاتی در آنها] نیست، بلکه فقط خدا توانای شکست ناپذیر و حکیم است. (۲۷)

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (۲۸)

و ما تو را برای همه مردم جز مژده رسان و بیم دهنده نفرستادیم، ولی بیشتر مردم [به این واقعیت] معرفت و آگاهی ندارند. (۲۸)

وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (۲۹)

و [از روی مسخره] می گویند: اگر راستگویید این وعده [قیامت و عذاب] کی خواهد بود؟ (۲۹)

قُل لَّكُم مِّيعَادُ يَوْمٍ لَّا تَسْتَأْخِرُونَ عَنْهُ سَاعَةً وَلَا تَسْتَقْدِمُونَ (۳۰)

بگو: وعده گاه شما روزی است که نه ساعتی از آن تأخیر می کنید و نه بر آن پیشی می گیرید. (۳۰)

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَن نُّؤْمِنَ بِهَٰذَا الْقُرْآنِ وَلَا بِالَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلَوْ تَرَى إِذِ الظَّالِمُونَ مَوْقُوفُونَ عِندَ رَبِّهِمْ يَرْجِعُ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ الْقَوْلَ يَقُولُ الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لَوْلَا أَنتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ (۳۱)

و کافران گفتند: ما به این قرآن و کتاب هایی که پیش از آن بوده است، هرگز ایمان نمی آوریم. و اگر ستمکاران را زمانی که در پیشگاه پروردگارشان [برای محاکمه] بازداشت شده اند، ببینی در حالی که هر کدام گناه و بدبختی خود را بر عهده دیگری می اندازد [امر عجیبی می بینی] مستضعفان به مستکبران می گویند: اگر شما سر راه ما نبودید یقیناً ما مؤمن بودیم. (۳۱)

ص: ۴۳۱

قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لِلَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا أَنَحْنُ صَدَدْنَاكُمْ عَنِ الْهُدَى بَعْدَ إِذْ جَاءَكُم بَلْ كُنتُم مُّجْرِمِينَ (۳۲)

مستکبران به مستضعفان می گویند: آیا ما شما را از هدایت الهی بعد از آنکه به شما رسید باز داشتیم؟ [نه، باور نداریم] بلکه شما خودتان مجرم بودید. (۳۲)

وَقَالَ الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا بَلْ مَكْرُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ إِذْ تَأْمُرُونَنَا أَن نَّكْفُرَ بِاللَّهِ وَنَجْعَلَ لَهُ أَندَادًا وَأَسَرُّوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ وَجَعَلْنَا الْأَغْلَالَ فِي أَعْنَاقِ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۳۳)

مستضعفان به مستکبران می گویند: بلکه نیرنگ های [پی گیر شما در] شب و روز که به ما فرمان می دادید به خدا کافر شویم و همتایانی برای او قرار دهیم [ما را گمراه کرد]. و هنگامی که عذاب را ببینند، اظهار پشیمانی کنند [شاید نجات یابند]. و ما در گردن کافران غل و زنجیر می نهیم؛ آیا جز آنچه را انجام می دادند جزا داده می شوند. (۳۳)

وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُم بِهِ كَافِرُونَ (۳۴)

در هیچ شهری هیچ بیم دهنده ای نفرستادیم مگر آنکه خوش گذرانانِ مغرور و سرمستِ آنان گفتند: ما به آنچه شما را به آن فرستاده اند، کافریم! (۳۴)

وَقَالُوا نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ (۳۵)

و گفتند: اموال و فرزندان ما از شما بیشتر است و [این دلیل توجه ویژه خدا به ماست؛ بنابراین اگر عذابی هم باشد] ما را عذاب نخواهند کرد. (۳۵)

قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (۳۶)

بگو: یقیناً پروردگارم روزی را برای هر کس بخواهد وسعت می دهد یا تنگ می گیرد، ولی بیشتر مردم [نسبت به مصلحت خدا] معرفت و آگاهی ندارند. (۳۶)

وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُم بِالَّتِی تُقَرِّبُكُمْ عِندَنَا زُلْفَی إِلَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَئِكَ لَهُمْ جَزَاءُ الضِّعْفِ بِمَا عَمِلُوا وَهُمْ فِی الْغُرُفَاتِ آمِنُونَ (۳۷)

و اموال و فرزندانتان چیزهایی نیستند که شما را نزد ما مقرب کنند مگر آنان که ایمان آورده و کار شایسته انجام داده اند [که به سبب ایمان و کار شایسته، مقرب ما هستند]؛ پس اینانند که برای آنان در برابر آنچه انجام داده اند، پاداش مضاعف است، و آنان در غرفه ها [ی بهشتی از هر گزند و آسیبی] آسوده خاطرند. (۳۷)

وَالَّذِینَ یَسْعَوْنَ فِی آیَاتِنَا مُعَاجِزِینَ أُولَئِكَ فِی الْعَذَابِ مُحْضَرُونَ (۳۸)

و کسانی که همواره در [انکار و ابطال] آیات ما می کوشند، به گمان اینکه می توانند ما را عاجز کنند [تا از دسترس قدرت ما بیرون روند]، اینان احضار شدگان در عذاب خواهند بود. (۳۸)

قُلْ إِنَّ رَبِّی یَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن یَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَیَقْدِرُ لَهُ وَمَا أَنفَقْتُم مِّن شَیْءٍ فَهُوَ یُخْلِفُهُ وَهُوَ خَیْرُ الرَّازِقِینَ (۳۹)

بگو: یقیناً پروردگارم روزی را برای هر کس از بندگانش بخواهد وسعت می دهد و یا تنگ می گیرد، و هرچه را انفاق می کنید [چه کم و چه زیاد] خدا عوضی را جایگزین آن می کند؛ و او بهترین روزی دهندگان است. (۳۹)

ص: ۴۳۲

وَیَوْمَ یَحْشُرُهُمْ جَمِیعًا ثُمَّ یَقُولُ لِلْمَلَائِكَهِ أَهَؤُلَاءِ إِیَّاكُمْ كَانُوا یَعْبُدُونَ (۴۰)

و [یاد کن] روزی را که [خدا] همه آنان را محشور می کند، آن گاه به فرشتگان می گوید: آیا اینان شما را می پرستیدند؟ (۴۰)

قَالُوا سُبْحَانَكَ أَنتَ وَلِیُّنَا مِن دُونِهِم بَلْ كَانُوا یَعْبُدُونَ الْجِنَّ أَكْثَرُهُم بِهِم مُّؤْمِنُونَ (۴۱)

می گویند: تو منزهی [از اینکه در پرستیده شدن شریک و همتا داشته باشی]، تو سرپرست و یار مایی نه آنان، [آنان ما را نمی پرستیدند] بلکه جنّیان را می پرستیدند [و] بیشترشان به آنها ایمان داشتند. (۴۱)

فَالْیَوْمَ لَا یَمْلِكُ بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ نَّفْعًا وَلَا ضَرًّا وَنَقُولُ لِلَّذِینَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّتِی كُنتُم بِهَا تُكَذِّبُونَ (۴۲)

امروز برای یکدیگر مالک سود و زیانی نیستید، و به آنان که ستم کردند می گوییم: عذاب آتشی را که انکار می کردید، بچشید. (۴۲)

وَإِذَا تُتْلَی عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَـٰذَا إِلَّا رَجُلٌ يُرِيـدُ أَن يَصُـدَّكُمْ عَمَّا كَانَ يَعْبُـدُ آبَاؤُكُمْ وَقَالُوا مَا هَـٰذَا إِلَّا إِفْكٌ مُّفْتَرًی وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ (۴۳)

و هنگامی که آيات روشن ما بر آنان خوانـده شود، می گوینـد: این نیست مگر مردی که می خواهـد شـما را از آنچه پدرانتان می پرستیدنـد، باز دارد. و می گویند: این قرآن جز دروغی ساختگی نیست. و کافران درباره حق، هنگامی که به سویشان آمد گفتند: این جز جادویی آشکار نیست!! (۴۳)

وَمَا آتَيْنَاهُم مِّن كُتُبٍ يَدْرُسُونَهَا وَمَا أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمْ قَبْلَكَ مِن نَّذِيرٍ (۴۴)

و [این در حالی است که] هیچ کتابی به آنان نداده ایم که آن را بخوانند [تا به تکیه بر آن قرآن را دروغی ساختگی بدانند]، و پیش از تو هیچ پیامبری نفرستادیم تا [با اعتماد به گفتار او] نبوّت تو را انکار کنند، (۴۴)

وَكَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَمَا بَلَغُوا مِعْشَارَ مَا آتَيْنَاهُمْ فَكَذَّبُوا رُسُلِی فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ (۴۵)

و کسانی که پیش از اینان بودنـد [آیات ما و پیامبران را] تکـذیب کردنـد، و اینان به یک دهم قدرت و ثروتی که به آنان داده بودیم، نرسیده اند، پس پیامبرانم را تکذیب کردند [در نتیجه هلاکشان کردیم]؛ پس [بنگر] عذاب من چگونه بود؟ (۴۵)

قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُم بِوَاحِـدَةٍ أَن تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَی وَفُرَادَی ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِكُم مِّن جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَّكُم بَيْنَ يَدَیْ عَذَابٍ شَدِيدٍ (۴۶)

بگو: من شـما را فقط به یک حقیقت اندرز می دهم [و آن] اینکه دو دو و یک یک برای خدا قیام کنید، سپس درباره رفیقتان [محمّـد که عمری با پاکی، امانت، صدق و درستی در میان شـما زندگی کرده است] بیندیشید که هیچ گونه جنونی ندارد، او برای شما از عذاب سختی که پیش روست، جز بیم دهنده ای نیست. (۴۶)

قُلْ مَا سَأَلْتُكُم مِّنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أَجْرِیَ إِلَّا عَلَی اللَّهِ وَهُوَ عَلَی كُلِّ شَیْءٍ شَهِيدٌ (۴۷)

بگو: هر گونه پاداشـی که از شـما خواسـتم، آن پاداش برای خودتان، پاداش من فقط بر عهـده خداست، و او بر همه چیز گواه است. (۴۷)

قُلْ إِنَّ رَبِّی يَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَّامُ الْغُيُوبِ (۴۸)

بگو: همانا پروردگارم که دانای غیب است، حق را [بر قلوب پیامبرانش] القا می کند. (۴۸)

ص: ۴۳۳

قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَمَا يُبْدِئُ الْبَاطِلُ وَمَا يُعِيدُ (۴۹)

بگو: حق آمد و باطل [که آن را به جای خدا می پرستید] نه می تواند چیزی را به وجود آورد، و نه می تواند [چیزی که از بین رفته] بر گرداند. (۴۹)

قُلْ إِن ضَلَلْتُ فَإِنَّمَا أَضِلُّ عَلَى نَفْسِي وَإِنِ اهْتَدَيْتُ فَبِمَا يُوحِي إِلَيَّ رَبِّي إِنَّهُ سَمِيعٌ قَرِيبٌ (۵۰)

بگو: اگر من گمراه شده باشم، فقط به زیان خود گمراه شده ام، و اگر هدایت شده باشم به سبب آن است که پروردگارم به من وحی می کند؛ زیرا او شنوا و نزدیک است. (۵۰)

وَلَوْ تَرَى إِذْ فَزِعُوا فَلَا فَوْتَ وَأُخِذُوا مِن مَّكَانٍ قَرِيبٍ (۵۱)

و اگر ببینی [مشرکان] زمانی که [با ظهور قیامت] ترسان و وحشت زده می شوند [امر عجیبی می بینی] و [آن اینکه برای آنان] توانایی [گریز از عذاب] نیست، و از جایی نزدیک [که موقف قیامت است] بازداشت می شوند. (۵۱)

وَقَالُوا آمَنَّا بِهِ وَأَنَّى لَهُمُ التَّنَاوُشُ مِن مَّكَانٍ بَعِيدٍ (۵۲)

و [در آن موقعیت بسیار سخت] می گویند: به حق ایمان آوردیم. کجا و چگونه می توانند از فاصله بسیار دور [که فاصله قیامت تا دنیاست] به آن ایمان دسترسی پیدا کنند! [زیرا آخرت جای تکلیف نیست و دنیایی که جای تکلیف است برای همیشه از دستشان رفته است.] (۵۲)

وَقَدْ كَفَرُوا بِهِ مِن قَبْلُ وَيَقْذِفُونَ بِالْغَيْبِ مِن مَّكَانٍ بَعِيدٍ (۵۳)

[اینان] پیش از این [که در دنیا می زیستند] به حق کافر شدند، و ناآگاهانه و دور از معرفت و علم [درباره حق به عنوان اینکه شعر، جادو، افسانه خرافی و دورغ ساختگی است] سخن پراکنی می کردند. (۵۳)

وَحِيلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ كَمَا فُعِلَ بِأَشْيَاعِهِم مِّن قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا فِي شَكٍّ مُّرِيبٍ (۵۴)

و [در نتیجه] میان آنان و همه خواسته هایشان [به وسیله مرگ] جدایی انداخته شد، همان گونه که پیش از این با هم کیشانشان رفتار شد؛ زیرا آنان همواره [نسبت به حق] در تردیدی سخت بودند. (۵۴)

سوره فاطر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَهِ رُسُلًا أُولِي أَجْنِحَهٍ مَّثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱)

همه ستایش ها ویژه خداست که آفریننده آسمان ها و زمین است [و] فرشتگان را که دارای بالهایی دوگانه و سه گانه و چهارگانه اند رسولانی [برای انجام دادن فرمان های تکوینی و تشریعی اش] قرار داده است. هرچه بخواهد در آفرینش می افزاید؛ یقیناً خدا بر هر کاری تواناست. (۱)

مَّا يَفْتَحِ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِن رَّحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَمَا يُمْسِكْ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِن بَعْدِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (٢)

چون خدا رحمتی را برای مردم بگشاید، بازدارنده ای برای آن نیست، و چون بازدارد، بعد از او فرستنده ای برایش وجود ندارد، و او توانای شکست ناپذیر و حکیماست. (٢)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرُ اللَّهِ يَرْزُقُكُم مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ (٣)

ای مردم! نعمت خدا را بر خودتان یاد کنید. آیا جز خدا آفریننده ای هست که از آسمان و زمین شما را روزی دهد؟ هیچ معبودی جز او نیست، پس چگونه [از حق] منصرفتان می کنند؟ (٣)

ص: ۴۳۴

وَإِن يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِّن قَبْلِكَ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ (۴)

اگر تو را تکذیب می کنند [اندوهگین مباش] یقیناً پیش از تو هم پیامبرانی تکذیب شده اند. و همه امور به خدا بازگردانده می شود. (۴)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُم بِاللَّهِ الْغَرُورُ (۵)

ای مردم! بی تردید وعده خدا [درباره قیامت] حق است، پس این زندگی دنیا [ی زودگذر،] شما را نفریبد و شیطان فریبنده، شما را [به کرم] خدا مغرور نکند. (۵)

إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُو حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ (۶)

بی تردید شیطان، دشمن شماست، پس او را دشمن خود بگیرید. [او] گروهش را فقط [به این سبب به فسق و فجور] دعوت می کند که اهل آتش سوزان گردند. (۶)

الَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُم مَّغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ (٧)

کسانی که کفر ورزیدند، عذاب سختی برای آنان خواهد بود، و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، برای آنان آمرزش و پاداشی بزرگ است. (٧)

أَفَمَن زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ فَرَآهُ حَسَنًا فَإِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ فَلَا تَذْهَبْ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ حَسَرَاتٍ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَصْنَعُونَ (٨)

پس آیا کسی که کردار زشتش برای او زینت داده شده و [به این سبب] آن را خوب دیده [مانند کسی است که در پرتو ایمان، خوبو بد را تشخیص داده است؟] همانا خدا هر که را بخواهد [به کیفر تکبرش در برابر حق] گمراه می کند و هر که را

بخواهـد هـدایت می نمایـد. پس مبادا جانت به سـبب حسـرت هایی که بر آنان می خوری از بین برود؛ بی تردید خدا به آنچه انجام می دهند داناست. (۸)

وَاللَّهُ الَّذِی أَرْسَلَ الرِّیَاحَ فَتُثِیرُ سَحَابًا فَسُقْنَاهُ إِلَی بَلَدٍ مَّیِّتٍ فَأَحْیَیْنَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا کَذَلِکَ النُّشُورُ (۹)

خـداست که بادها را فرسـتاد تا ابری را برانگیزند، پس ما آن را به سوی سـرزمین مرده راندیم و زمین را پس از مردگی اش به وسیله آن زنده کردیم؛ زنده شدن مردگان هم این گونه است. (۹)

مَن کَانَ یُرِیـدُ الْعِزَّهَ فَلِلَّهِ الْعِزَّهُ جَمِیعًا إِلَیْهِ یَصْعَدُ الْکَلِمُ الطَّیِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ یَرْفَعُهُ وَالَّذِینَ یَمْکُرُونَ السَّیِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِیدٌ وَمَکْرُ أُولَئِکَ هُوَ یَبُورُ (۱۰)

کسی که عزت می خواهد، پس [باید آن را از خدا بخواهد، زیرا] همه عزت ویژه خداست. حقایق پاک [چون عقاید و اندیشه هـای صـحیح] به سوی او بالا می رود و عمل شایسـته آن را بالا می برد. و کسانی که حیله های زشت به کار می گیرنـد، برای آنان عذابی سخت خواهد بود، و بی تردید حیله آنان نابود می شود. (۱۰)

وَاللَّهُ خَلَقَکُم مِّن تُرَابٍ ثُمَّ مِن نُّطْفَهٍ ثُمَّ جَعَلَکُمْ أَزْوَاجًا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنثَی وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ وَمَا یُعَمَّرُ مِن مُّعَمَّرٍ وَلَا یُنقَصُ مِنْ عُمُرِهِ إِلَّا فِی کِتَابٍ إِنَّ ذَلِکَ عَلَی اللَّهِ یَسِیرٌ (۱۱)

و خـدا شـما را از خاک [مرده]، سـپس از نطفه آفرید، آن گاه شـما را زوج هایی [نر و ماده] قرار داد. هیچ ماده ای باردار نمی شود و بارش را نمی نهـد مگر به علم او، و هیـچ کس عمر طولانی نمی کنـد واز عمرش کاسـته نمی شود مگر اینکه در کتابی [چون لوح محفوظ] ثبت است. بی تردید این [کارها] بر خدا آسان است. (۱۱)

ص: ۴۳۵

وَمَا یَسْتَوِی الْبَحْرَانِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ سَائِغٌ شَرَابُهُ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَمِن کُلٍّ تَأْکُلُونَ لَحْمًا طَرِیًّا وَتَسْتَخْرِجُونَ حِلْیَهً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَی الْفُلْکَ فِیهِ مَوَاخِرَ لِتَبْتَغُوا مِن فَضْلِهِ وَلَعَلَّکُمْ تَشْکُرُونَ (۱۲)

دو دریا مساوی نیسـتند، این یکی شـیرین و از بین برنـده تشـنگی و نوشـیدنش گوارا و آن یکی شور و تلخ است؛ و از هر یک گوشتی تازه می خورید و زینتی که آن را می پوشید، استخراج می کنید. و کشتی ها را در آن می بینی که آب را می شکافند و می روند تا شما [با رسیدن به مقاصد و هدف هایتان] از فضل او بجویید و باشد که سپاس گزاری کنید. (۱۲)

یُولِجُ اللَّیْلَ فِی النَّهَارِ وَیُولِجُ النَّهَارَ فِی اللَّیْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ کُلٌّ یَجْرِی لِأَجَلٍ مُّسَمًّی ذَلِکُمُ اللَّهُ رَبُّکُمْ لَهُ الْمُلْکُ وَالَّذِینَ تَدْعُونَ مِن دُونِهِ مَا یَمْلِکُونَ مِن قِطْمِیرٍ (۱۳)

شب را در روز فرو می برد و روز را در شب فرو می برد، و خورشـید و ماه را مسـخّر و رام کرده است که هر کدام تا سرآمدی معین روانـنـد. این است خـدا پروردگـار شـما، فرمانروایی، ویژه اوست و کسانی را که به جای او می پرستیدیـد، مالک پوسـت

هسته خرمایی هم نیستند. (۱۳)

إِن تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دُعَاءَكُمْ وَلَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ وَيَوْمَ الْقِيَامَهِ يَكْفُرُونَ بِشِرْكِكُمْ وَلَا يُنَبِّئُكَ مِثْلُ خَبِيرٍ (۱۴)

اگر آنها را بخوانید، خواندنتان را نمی شنوند و اگر [بر فرض محال] بشنوند، پاسختان را نمی دهند، و روز قیامت شرک شما را انکار می کنند؛ و هیچ کس مانند [خدای] آگاه تو را [از حقایق] خبردار نمی کند. (۱۴)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (۱۵)

ای مردم! شمایید نیازمندان به خدا، و فقط خدا بی نیاز و ستوده است. (۱۵)

إِن يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ (۱۶)

اگر بخواهید شما را از بین می برد و آفریده تازه ای می آورد. (۱۶)

وَمَا ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ (۱۷)

و این کار بر خدا دشوار نیست، (۱۷)

وَلَا تَزِرُ وَازِرَهٌ وِزْرَ أُخْرَى وَإِن تَدْعُ مُثْقَلَهٌ إِلَى حِمْلِهَا لَا يُحْمَلْ مِنْهُ شَيْءٌ وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَى إِنَّمَا تُنذِرُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَأَقَامُوا الصَّلَاهَ وَمَن تَزَكَّى فَإِنَّمَا يَتَزَكَّى لِنَفْسِهِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ (۱۸)

و هیچ سنگین باری بار گناه دیگری را برنمی دارد، و اگر سنگین باری دعوت کند که از بارش بردارند، چیزی از بار گناهش برداشته نمی شود، گرچه [دعوت شونده] از نزدیکان و خویشان باشد. تو فقط کسانی را بیم می دهی که در نهان از پروردگارشان می ترسند و نماز را برپا می دارند؛ و هر کس [از آلودگی ها] پاک شود به سود خود پاک می شود، و بازگشت فقط به سوی خداست. (۱۸)

ص: ۴۳۶

وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ (۱۹)

نابینا و بینا [کافر و مؤمن،] یکسان نیستند، (۱۹)

وَلَا الظُّلُمَاتُ وَلَا النُّورُ (۲۰)

و نه تاریکی ها و نه روشنایی، (۲۰)

وَلَا الظِّلُّ وَلَا الْحَرُورُ (۲۱)

و نه سایه و نه باد گرم سوزان، (۲۱)

وَمَا يَسْتَوِی الْأَحْيَاءُ وَلَا الْأَمْوَاتُ إِنَّ اللَّهَ يُسْمِعُ مَن يَشَاءُ وَمَا أَنتَ بِمُسْمِعٍ مَّن فِی الْقُبُورِ (۲۲)

و زندگان و مردگان هم یکسان نیستند. بی تردید خدا [دعوت حق را] به هر کس بخواهد می شنواند؛ و تو نمی توانی [دعوت حق را] به کسانی که در قبرهایند بشنوانی. (۲۲)

إِنْ أَنتَ إِلَّا نَذِيرٌ (۲۳)

تو فقط بیم دهنده ای، (۲۳)

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَإِن مِّنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ (۲۴)

یقیناً ما تو را در حالی که مژده دهنده و هشدار دهنده ای، به حق و راستی فرستادیم، و هیچ امتی نبوده مگر آنکه در میان آنان بیم دهنده ای گذاشته است. (۲۴)

وَإِن يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ وَبِالزُّبُرِ وَبِالْكِتَابِ الْمُنِيرِ (۲۵)

اگر تو را تکذیب می کنند [اندوهگین مباش] همانا کسانی هم که پیش از اینان بودند [پیامبران را] تکذیب می کردند، در حالی که پیامبرانشان معجزه های آشکار، و نوشته ها [یی مشتمل بر پند و موعظه و مناجات] و کتاب روشن [که حاوی احکام و قوانین بود] برای آنان آوردند. (۲۵)

ثُمَّ أَخَذْتُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ (۲۶)

سپس کافران را [به سبب کفرشان به عذابی سخت] گرفتیم؛ پس کیفر من چگونه بود؟! (۲۶)

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُّخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بِيضٌ وَحُمْرٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَغَرَابِيبُ سُودٌ (۲۷)

آیا ندانسته ای که خدا از آسمان آبی نازل کرده است، پس به وسیله آن میوه هایی که رنگ هایش گوناگون است، پدید آورده ایم، و در برخی از کوه ها راه هایی است به رنگ های مختلف: سپید و سرخ و سیاه پر رنگ، (۲۷)

وَمِنَ النَّاسِ وَالدَّوَابِّ وَالْأَنْعَامِ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ كَذَلِكَ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ (۲۸)

و نیز از انسان ها و جنبدگان و چهارپایان [مانند میوه ها و راه های کوهستانی] رنگ های گوناگون وجود دارد. از بندگان خدا فقط دانشمندان از او می ترسند؛ یقیناً خدا توانای شکست ناپذیر و بسیار آمرزنده است. (۲۸)

إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّن تَبُورَ (۲۹)

قطعاً کسانی [مانند علی بن ابی طالب (علیه السلام)] که همواره کتاب خدا را می خوانند و نماز را برپا می دارند و از آنچه روزی آنان کرده ایم در نهان و آشکار انفاق می کنند، تجارتی را امید دارند که هرگز کساد و نابود نمی شود. (۲۹)

لِيُوَفِّيَهُمْ أُجُورَهُمْ وَيَزِيدَهُم مِّن فَضْلِهِ إِنَّهُ غَفُورٌ شَكُورٌ (۳۰)

[این همه را انجام می دهند] تا [خدا] پاداششان را کامل عطا کند و از فضلش بر آنان بیفزاید؛ یقیناً او بسیار آمرزنده و عطا کننده پاداش فراوان در برابر عمل اندک است. (۳۰)

ص: ۴۳۷

وَالَّذِى أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ هُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ إِنَّ اللَّهَ بِعِبَادِهِ لَخَبِيرٌ بَصِيرٌ (۳۱)

و آنچه از کتاب به تو وحی کرده ایم، همان حق است، [و] تصدیق کننده [کتاب هایی که] پیش از آن بوده است؛ یقیناً خدا به بندگانش آگاه و بیناست. (۳۱)

ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ وَمِنْهُم مُّقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ بِإِذْنِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ (۳۲)

سپس این کتاب را به کسانی از بندگانمان که برگزیدیم به میراث دادیم؛ پس برخی از آنان [در ترک عمل به کتاب] ستمکار بر خویش اند، و برخی از آنان میانه رو، و برخی از آنان به اذن خدا در کارهای خیر [بر دیگران] پیشی می گیرند، این است آن فضل بزرگ. (۳۲)

جَنَّاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِن ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ (۳۳)

[پاداششان] بهشت های جاودانه ای [است] که در آنها درآیند، در آنجا با دستبندهایی از طلا و مروارید آرایش می شوند، و لباسشان در آنجا حریر است. (۳۳)

وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِى أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزَنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ (۳۴)

و می گویند: همه ستایش ها ویژه خداست که اندوه را از ما برطرف کرد؛ بی تردید پروردگارمان بسیارآمرزنده و عطا کننده پاداش فراوان در برابر عمل اندک است. (۳۴)

الَّذِى أَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامَهِ مِن فَضْلِهِ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ (۳۵)

همان که از فضلش ما را در این سرای جاودان جای داد، که در آن هیچ رنجی و هیچ سستی و افسردگی به ما نمی رسد. (۳۵)

وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ نَارُ جَهَنَّمَ لَا يُقْضَى عَلَيْهِمْ فَيَمُوتُوا وَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُم مِّنْ عَذَابِهَا كَذَلِكَ نَجْزِى كُلَّ كَفُورٍ (۳۶)

و برای کـافران آتش دوزخ است، نه فرمان مرگشان صادر می شود که بمیرنـد، و نه عـذاب از آنان سبک می شود؛ این گونه هر کفران کننده ای را کیفر می دهیم. (۳۶)

وَهُمْ يَصْطَرِخُونَ فِيهَا رَبَّنَا أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا غَيْرَ الَّذِی كُنَّا نَعْمَلُ أَوَلَمْ نُعَمِّرْكُم مَّا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَن تَذَكَّرَ وَجَاءَكُمُ النَّذِيرُ فَذُوقُوا فَمَا لِلظَّالِمِينَ مِن نَّصِيرٍ (۳۷)

و آنان در آنجا شیون و فریاد می زنند: پروردگارا! ما را بیرون بیاور تا کار شایسته انجام دهیم غیر آنچه انجام می دادیم. [می گویم:] آیا شما را چندان عمر ندادیم که هر کس می خواست در آن مقدار عمر متذکّر شود، متذکّر می شد؛ و [آیا] بیم دهنده ای به سوی شما نیامد؟ پس بچشید که برای ستمکاران هیچ یاوری نیست. (۳۷)

إِنَّ اللَّهَ عَالِمُ غَيْبِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۳۸)

یقیناً خدا دانای غیب آسمان ها و زمین است و بی تردید به نیّات و اسرار سینه ها آگاه است. (۳۸)

ص: ۴۳۸

هُوَ الَّذِی جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ فِی الْأَرْضِ فَمَن كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ إِلَّا مَقْتًا وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ إِلَّا خَسَارًا (۳۹)

او کسی است که شما را در زمین جانشینان [دیگران] قرار داد. پس کسی که کافر شود کفرش به زیان خود اوست، و کافران را کفرشان نزد پروردگارشان جز دشمنی و خشم نمی افزاید، و کافران را کفرشان جز خسارت اضافه نمی کند. (۳۹)

قُلْ أَرَأَيْتُمْ شُرَكَاءَكُمُ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ أَرُونِی مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِی السَّمَاوَاتِ أَمْ آتَيْنَاهُمْ كِتَابًا فَهُمْ عَلَى بَيِّنَتٍ مِّنْهُ بَلْ إِن يَعِدُ الظَّالِمُونَ بَعْضُهُم بَعْضًا إِلَّا غُرُورًا (۴۰)

بگو: از [قدرت و تدبیر] معبودانتان که به جای خدا می پرستید، مرا خبر دهید، به من نشان دهید که چه چیزی از زمین را آفریده اند یا اینکه شرکتی [با خدا] در آفرینش آسمان ها دارند، یا به آنان کتابی داده ایم که از آن [بر حقّانیّت اعتقاد و ادعای خود] دلیل و برهانی دارند؟ [چنین نیست] بلکه ستمکاران یکدیگر را جز از روی فریب وعده نمی دهند. (۴۰)

إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَن تَزُولَا وَلَئِن زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِّن بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا (۴۱)

یقیناً خدا آسمان ها و زمین را از اینکه از جای خود منحرف شوند [و فرو ریزند] نگه می دارد. و اگر منحرف شوند هیچ کس بعد از او نمی تواند نگاهشان دارد؛ مسلماً خدا همواره بردبار و بسیار آمرزنده است. (۴۱)

وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِن جَاءَهُمْ نَذِيرٌ لَّيَكُونُنَّ أَهْدَى مِنْ إِحْدَى الْأُمَمِ فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ مَّا زَادَهُمْ إِلَّا نُفُورًا (۴۲)

و [مشرکان] با سخت ترین سوگندهایشان به خدا سوگند خوردند که اگر بیم دهنده ای به سوی آنان آید هدایت یافته ترین

ها خواهند بود، پس چون [پیامبری] بیم دهنده برای آنان آمد، آنان را [دعوت او] جز نفرت و دوری از هدایت نیفزود. (۴۲)

اسْتِکْبَارًا فِی الْأَرْضِ وَمَکْرَ السَّیِّئِ وَلَا یَحِیقُ الْمَکْرُ السَّیِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ فَهَلْ یَنظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِینَ فَلَن تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِیلًا وَلَن تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِیلًا (۴۳)

این نفرت به سبب گردن کشی و تکبر آنان در زمین و نیرنگ زشتشان بود؛ و نیرنگ زشت جز اهلش را احاطه نمی کند. پس آیا جز سنت [جاری شده در] پیشینیان را [که هلاکتشان به سبب تکبرشان بود] انتظار دارند؟ پس هرگز برای سنت خدا تبدیلی نمی یابی، و هرگز برای سنت خدا دگرگونی نخواهی یافت. (۴۳)

أَوَلَمْ یَسِیرُوا فِی الْأَرْضِ فَیَنظُرُوا کَیْفَ کَانَ عَاقِبَةُ الَّذِینَ مِن قَبْلِهِمْ وَکَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَمَا کَانَ اللَّهُ لِیُعْجِزَهُ مِن شَیْءٍ فِی السَّمَاوَاتِ وَلَا فِی الْأَرْضِ إِنَّهُ کَانَ عَلِیمًا قَدِیرًا (۴۴)

آیا در زمین گردش نکردند تا بنگرند سرانجام کسانی که پیش از اینان زندگی می کردند و از اینان نیرومندتر بودند چگونه بود؟ و هیچ چیز در آسمان ها و زمین نیست که بتواند خدا را عاجز کند [تا از دسترس قدرت او بیرون رود]؛ زیرا او همواره دانا و تواناست. (۴۴)

ص: ۴۳۹

وَلَوْ یُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِمَا کَسَبُوا مَا تَرَکَ عَلَی ظَهْرِهَا مِن دَابَّةٍ وَلَکِن یُؤَخِّرُهُمْ إِلَی أَجَلٍ مُّسَمًّی فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ کَانَ بِعِبَادِهِ بَصِیرًا (۴۵)

اگر خدا مردم را به کیفر گناهانشان مجازات می کرد، هیچ جنبنده ای را بر پشت زمین وا نمی گذاشت؛ ولی آنان را تا سرآمدی معین مهلت می دهد، پس هنگامی که اجلشان فرا رسد [آنان را در قیامت مجازات خواهد کرد]؛ بی تردید خدا [به احوال] بندگانش بیناست. (۴۵)

سوره یس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ یس (۱)

یس (۱)

وَالْقُرْآنِ الْحَکِیمِ (۲)

سوگند به قرآن کریم، (۲)

إِنَّکَ لَمِنَ الْمُرْسَلِینَ (۳)

که بی تردید تو از فرستادگانی، (۳)

عَلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ (۴)

بر راهی راست [قرار داری.] (۴)

تَنزِيلَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ (۵)

[قرآن] نازل شده توانای شکست ناپذیر و مهربان است. (۵)

لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أُنذِرَ آبَاؤُهُمْ فَهُمْ غَافِلُونَ (۶)

تا مردمی را بیم دهی که پدرانشان را بیم نداده اند و به این علت [از حقایق] بی خبرند. (۶)

لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَى أَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (۷)

یقیناً فرمان عذاب بر بیشترشان محقق و ثابت شده است، به این سبب ایمان نمی آورند. (۷)

إِنَّا جَعَلْنَا فِي أَعْنَاقِهِمْ أَغْلَالًا فَهِيَ إِلَى الْأَذْقَانِ فَهُم مُّقْمَحُونَ (۸)

مسلماً ما غل هایی بر گردنشان نهاده ایم که تا چانه هایشان قرار دارد به طوری که سرهایشان بالا مانده است، (۸)

وَجَعَلْنَا مِن بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ (۹)

و از پیش رویشان حایلی و از پشت سرشان [نیز] حایلی قرار داده ایم، و به صورت فراگیر دیدگانشان را فرو پوشانده ایم، به این خاطر حقایق را نمی بینند، (۹)

وَسَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَأَنذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (۱۰)

و برای آنان یکسان است چه بیمشان دهی یا بیمشان ندهی، ایمان نمی آورند، (۱۰)

إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَنَ بِالْغَيْبِ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ (۱۱)

بیم دادنت فقط برای کسی ثمربخش است که از قرآن پیروی کند و در نهان از خدای رحمان بترسد، پس او را به آمرزش و پاداشی نیکو و باارزش مژده ده. (۱۱)

إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَى وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ (۱۲)

بی تردید ما مردگان را زنده می کنیم و آنچه را پیش فرستاده اند و [خوبی ها و بدی های] بر جا مانده از ایشان را ثبت می

کنیم و همه چیز را در کتابی روشن [که اصل همه کتاب هاست و آن لوح محفوظ است] برشمرده ایم. (۱۲)

ص: ۴۴۰

وَاضْرِبْ لَهُم مَّثَلًا أَصْحَابَ الْقَرْيَةِ إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ (۱۳)

و برای آنان [که با تو برخورد خصمانه دارند] اهل آن شهر را مثل بزن، هنگامی که پیامبران به آنجا آمدند، (۱۳)

إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا إِنَّا إِلَيْكُم مُّرْسَلُونَ (۱۴)

زمانی که دو پیامبر را به سوی آنان فرستادیم، پس آن دو را انکار کردند و با پیامبر سومی آنان را تقویت کردیم، پس [همگی] گفتند: ما را به سوی شما فرستاده اند. (۱۴)

قَالُوا مَا أَنتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا وَمَا أَنزَلَ الرَّحْمَنُ مِن شَيْءٍ إِنْ أَنتُمْ إِلَّا تَكْذِبُونَ (۱۵)

[اهل شهر] گفتند: شما جز بشرهایی مانند ما نیستید و [خدای] رحمان هیچ چیزی نازل نکرده است، شما فقط دروغ می گویید. (۱۵)

قَالُوا رَبُّنَا يَعْلَمُ إِنَّا إِلَيْكُمْ لَمُرْسَلُونَ (۱۶)

گفتند: پروردگارمان می داند که یقیناً ما به سوی شما فرستاده شده ایم، (۱۶)

وَمَا عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ (۱۷)

و بر عهده ما جز رساندن آشکار [پیام وحی] نیست. (۱۷)

قَالُوا إِنَّا تَطَيَّرْنَا بِكُمْ لَئِن لَّمْ تَنتَهُوا لَنَرْجُمَنَّكُمْ وَلَيَمَسَّنَّكُم مِّنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱۸)

گفتند: همانا ما شما را به شومی و فال بد گرفته ایم، اگر [از دعوت خود] باز نایستید، قطعاً شما را سنگسار می کنیم، و از سوی ما شکنجه دردناکی به شما خواهد رسید. (۱۸)

قَالُوا طَائِرُكُم مَّعَكُمْ أَئِن ذُكِّرْتُم بَلْ أَنتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ (۱۹)

گفتند: شومی شما از خود شماست [و این شومی نتیجه کفر و طغیان و گناه است، شگفتا!] آیا اگر به شما تذکر دهند [آن تذکر سعادت بخش را به شومی و فال بد می گیرید؟ نه، شومی از ما نیست] بلکه شما مردمی تجاوزکارید. (۱۹)

وَجَاءَ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ (۲۰)

و از دورترین نقطه شهر مردی شتابان آمد، گفت: ای قوم من! از این فرستادگان [خدا] پیروی کنید، (۲۰)

اتَّبِعُوا مَن لَّا يَسْأَلُكُمْ أَجْرًا وَهُم مُّهْتَدُونَ (۲۱)

از کسانی پیروی کنید که پاداشی از شما نمی خواهند و آنان راه یافته اند، (۲۱)

وَمَا لِيَ لَا أَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۲۲)

و مرا چیست که [از روی یقین] کسی را نپرستم که مرا آفریده و به سوی او بازگردانده می شوید؟ (۲۲)

أَأَتَّخِذُ مِن دُونِهِ آلِهَةً إِن يُرِدْنِ الرَّحْمَنُ بِضُرٍّ لَّا تُغْنِ عَنِّي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا وَلَا يُنقِذُونِ (۲۳)

آیا به جای او معبودانی را برگزینم که اگر [خدای] رحمان برای من آسیب وگزندی بخواهد نه شفاعتشان چیزی را از من دفع می کند و نه می توانند نجاتم دهند؟! (۲۳)

إِنِّي إِذًا لَّفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۲۴)

اگر چنین کنم، بی تردید در گمراهی آشکار خواهم بود. (۲۴)

إِنِّي آمَنتُ بِرَبِّكُمْ فَاسْمَعُونِ (۲۵)

[ای رسولان!] بی تردید به پروردگار شما ایمان آورده ام؛ بنابراین از من بشنوید. (۲۵)

قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ (۲۶)

[سرانجام به دست آن مشرکان شهید شد، و به او] گفته شد: به بهشت درآی. گفت: ای کاش قوم من معرفت و آگاهی داشتند، (۲۶)

بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ (۲۷)

به اینکه پروردگارم مرا آمرزید و از کرامت یافتگان قرارم داد. (۲۷)

ص: ۴۴۱

جزء ۲۳

ادامه سوره یس

وَمَا أَنزَلْنَا عَلَى قَوْمِهِ مِن بَعْدِهِ مِن جُندٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَمَا كُنَّا مُنزِلِينَ (۲۸)

و بعد از شهادت او هیچ سپاهی از آسمان بر [هلاکت] قومش نازل نکردیم، و بر آن نبوده ایم که نازل کنیم. (۲۸)

إِن كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ خَامِدُونَ (۲۹)

[کیفرشان] جز یک فریاد مرگبار نبود که ناگهان [پس از آن فریاد] همه بی حرکت و خاموش شدند! (۲۹)

يَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِم مِّن رَّسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (۳۰)

ای دریغ و افسوس بر این بندگان که هیچ پیامبری برای هدایتشان نمی آمد مگر اینکه او را مسخره می کردند! (۳۰)

أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّنَ الْقُرُونِ أَنَّهُمْ إِلَيْهِمْ لَا يَرْجِعُونَ (۳۱)

آیا [مشرکان مکه] ندانسته اند چه بسیار از اقوام پیش از آنان را [به سبب کفر و طغیانشان] هلاک کردیم که آنان هرگز نزد اینان برنمی گردند، [و در دنیا زندگی دوباره نمی یابند،] (۳۱)

وَإِن كُلٌّ لَّمَّا جَمِيعٌ لَّدَيْنَا مُحْضَرُونَ (۳۲)

و همه آنان [بدون استثنا گردآوری خواهند شد و] در قیامت نزد ما احضار می شوند. (۳۲)

وَآيَةٌ لَّهُمُ الْأَرْضُ الْمَيْتَةُ أَحْيَيْنَاهَا وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ (۳۳)

و این زمین مرده برای آنان نشانه ای [آشکار بر اینکه ما مردگان را در قیامت زنده می کنیم] می باشد که آن را زنده کردیم و از آن دانه بیرون می آوریم که از آن می خورند، (۳۳)

وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ مِّن نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ وَفَجَّرْنَا فِيهَا مِنَ الْعُيُونِ (۳۴)

و در آن بوستان هایی از درختان خرما و انگور قرار دادیم، و در آن از چشمه های گوناگون روان ساختیم، (۳۴)

لِيَأْكُلُوا مِن ثَمَرِهِ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ أَفَلَا يَشْكُرُونَ (۳۵)

تا از میوه آن و آنچه دست هایشان به عمل می آورد [مانند شیره، کشمش، شربت و...] بخورند، آیا سپاس گزاری نمی کنند؟ (۳۵)

سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ (۳۶)

منزّه [از هر عیب و نقصی] است آنکه همه زوج ها را آفرید از آنچه زمین می رویاند و از وجود خودشان و از آنچه نمی دانند، (۳۶)

وَآيَةٌ لَّهُمُ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُم مُّظْلِمُونَ (۳۷)

و نشانه ای [از نشانه های قدرت و حکمت ما] برای آنها شب است که [پوشش] روز را از آن برمی کنیم، پس ناگاه آنان به تاریکی درآیند، (۳۷)

وَالشَّمْسُ تَجْرِی لِمُسْتَقَرٍّ لَّهَا ذَلِکَ تَقْدِیرُ الْعَزِیزِ الْعَلِیمِ (۳۸)

و خورشید [نیز برای آنان نشانه ای از قدرت ماست] که همواره به سوی قرارگاهش حرکت می کند. این اندازه گیری توانای شکست ناپذیر و داناست، (۳۸)

وَالْقَمَرَ قَدَّرْنَاهُ مَنَازِلَ حَتَّى عَادَ کَالْعُرْجُونِ الْقَدِیمِ (۳۹)

و برای ماه منزل هایی قرار دادیم تا اینکه به صورت شاخه کهنه هلالی شکل و زرد رنگ خرما برگردد [و باز به تدریج بدر کامل شود،] (۳۹)

لَا الشَّمْسُ یَنبَغِی لَهَا أَن تُدْرِکَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّیْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَکُلٌّ فِی فَلَکٍ یَسْبَحُونَ (۴۰)

نه برای خورشید این توان هست که به ماه برسد، و نه شب از روز پیشی می گیرد، و هر کدام در مداری شناورند. (۴۰)

ص: ۴۴۲

وَآيَةٌ لَّهُمْ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِی الْفُلْکِ الْمَشْحُونِ (۴۱)

و برای آنان نشانه ای دیگر [از قدرت و رحمت ما] این [است] که فرزندانشان را در کشتی هایی پر [از اجناس و وسایل] حمل کردیم، (۴۱)

وَخَلَقْنَا لَهُم مِّن مِّثْلِهِ مَا یَرْکَبُونَ (۴۲)

و برای آنان چیزهایی مانند کشتی [چون اسب، قاطر و دیگر وسایل نقلیه] آفریدیم که بر آن سوار می شوند، (۴۲)

وَإِن نَّشَأْ نُغْرِقْهُمْ فَلَا صَرِیخَ لَهُمْ وَلَا هُمْ یُنقَذُونَ (۴۳)

و اگر بخواهیم آنان را غرق می کنیم در این صورت هیچ فریادرسی برای آنان نخواهد بود، و نجات هم نیابند، (۴۳)

إِلَّا رَحْمَةً مِّنَّا وَمَتَاعًا إِلَى حِینٍ (۴۴)

مگر [اینکه] رحمتی از سوی ما [نجاتشان دهد] و تا مدتی [از زندگی دنیا] بهره مندشان کنیم، (۴۴)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَمَا خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (۴۵)

و هنگامی که به آنان گویند: از آنچه [عذاب های دنیا و آخرت] پیش رو و پشت سر شماست بپرهیزید تا مورد رحمت قرار گیرید [به این هشدار قطعی و یقینی توجه نمی کنند،] (۴۵)

وَمَا تَأْتِيهِم مِّنْ آيَةٍ مِّنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ (۴۶)

و هیچ آیه ای از آیات پروردگارشان برای آنان نمی آید مگر اینکه از آن روی می گردانند. (۴۶)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ أَنفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنُطْعِمُ مَن لَّوْ يَشَاءُ اللَّهُ أَطْعَمَهُ إِنْ أَنتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۴۷)

و هنگامی که به آنان گویند: از آنچه خدا روزی شما کرده، انفاق کنید، کافران به مؤمنان گویند: آیا کسانی را اطعام کنیم که اگر خدا می خواست آنان را اطعام می کرد؟ [پس گرسنگی را خدا بر آنان خواسته است] ولی شما [ای کفرپیشگان!] جز در گمراهی آشکاری نیستند. (۴۷)

وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (۴۸)

و می گویند: اگر راستگویید، این وعده [قیامت و عذاب] کی خواهد بود؟ (۴۸)

مَا يَنظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ (۴۹)

اینان جز یک فریاد مرگبار [آسمانی] را انتظار نمی کشند که آنان را در حالی که سرگرم مجادله و ستیز [در امور دنیایی] اند فراگیرد. (۴۹)

فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً وَلَا إِلَى أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ (۵۰)

[فریادی که وقتی بر سر آنان زده شود] نه می توانند وصیتی کنند و نه [اگر بیرون خانه باشند] می توانند به خانواده خود برگردند، (۵۰)

وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُم مِّنَ الْأَجْدَاثِ إِلَى رَبِّهِمْ يَنسِلُونَ (۵۱)

و در صور دمیده شود، ناگاه همه آنان از قبرها به سوی پروردگارشان می شتابند. (۵۱)

قَالُوا يَا وَيْلَنَا مَن بَعَثَنَا مِن مَّرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ (۵۲)

می گویند: ای وای بر ما، چه کسی ما را از خواب گاهمان برانگیخت؟ این واقعیتی است که [خدای] رحمان وعده داده بود و پیامبران راست گفته بودند!! (۵۲)

إِن كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَّدَيْنَا مُحْضَرُونَ (۵۳)

[آن صحنه عظیم] جز یک فریاد نیست، پس به ناگاه همه آنان [گردآوری شده و] نزد ما احضار می شوند. (۵۳)

فَالْيَوْمَ لَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۵۴)

در این روز به هیچ کس ذره ای ستم نمی شود، و جز آنچه را انجام می دادید پاداش داده نمی شوید. (۵۴)

ص: ۴۴۳

إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّهِ الْيَوْمَ فِي شُغُلٍ فَاكِهُونَ (۵۵)

همانا بهشتیان در چنین روزی در سرگرمی وصف ناپذیری شیرین کام و خوش اند. (۵۵)

هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلَالٍ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَّكِئُونَ (۵۶)

آنان و همسرانشان در زیر سایه هایی [آرام بخش] بر تخت هایی [آراسته چون حجله عروس] تکیه می زنند. (۵۶)

لَهُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَلَهُم مَّا يَدَّعُونَ (۵۷)

برای آنان در آنجا میوه ها [ی عالی و مطبوع] و آنچه دلشان بخواهد فراهم است. (۵۷)

سَلَامٌ قَوْلًا مِّن رَّبٍّ رَّحِيمٍ (۵۸)

با سلام [ی پرارزش و سلامت بخش] که گفتاری از پروردگاری مهربان است. (۵۸)

وَامْتَازُوا الْيَوْمَ أَيُّهَا الْمُجْرِمُونَ (۵۹)

و [ندا آید:] ای گناهکاران! امروز [از صف نیکان] جدا شوید. (۵۹)

أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَن لَّا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ (۶۰)

ای فرزندان آدم! آیا به شما سفارش نکردم که شیطان را مپرستید که او بی تردید دشمن آشکاری برای شماست؟ (۶۰)

وَأَنِ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ (۶۱)

و اینکه مرا بپرستید که این راهی است مستقیم، (۶۱)

وَلَقَدْ أَضَلَّ مِنكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا أَفَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ (۶۲)

و همانا شیطان گروه بسیاری از شما را گمراه کرد، آیا تعقّل نمی کردید [که پیروانش به چه سرنوشت شومی دچار شدند؟] (۶۲)

هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِی کُنتُمْ تُوعَدُونَ (۶۳)

این است دوزخی که به شما وعده می دادند. (۶۳)

اصْلَوْهَا الْیَوْمَ بِمَا کُنتُمْ تَکْفُرُونَ (۶۴)

امروز به کیفر کفری که همواره می ورزیدید، در آن درآیید. (۶۴)

الْیَوْمَ نَخْتِمُ عَلَى أَفْوَاهِهِمْ وَتُکَلِّمُنَا أَیْدِیهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُم بِمَا کَانُوا یَکْسِبُونَ (۶۵)

امروز بر دهان هایشان مُهر خاموشی نهیم و دست هایشان با ما سخن می گویند و پاهایشان به اعمالی که همواره مرتکب می شدند، گواهی می دهند! (۶۵)

وَلَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا عَلَى أَعْیُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَأَنَّى یُبْصِرُونَ (۶۶)

و اگر بخواهیم [در همین دنیا] دیدگانشان را محو می کنیم، پس به [سوی همان] راه [گمراهی] بر یکدیگر پیشی می گیرند؛ نهایتاً چگونه و کجا می توانند [صراط مستقیم را] ببینند؟ (۶۶)

وَلَوْ نَشَاءُ لَمَسَخْنَاهُمْ عَلَى مَکَانَتِهِمْ فَمَا اسْتَطَاعُوا مُضِیًّا وَلَا یَرْجِعُونَ (۶۷)

و [نیز] اگر بخواهیم آنان را در جای خودشان مسخ می کنیم، [و به صورت جمادی خشک درمی آوریم] که نه بتوانند بروند و نه بازگردند، (۶۷)

وَمَن نُّعَمِّرْهُ نُنَکِّسْهُ فِی الْخَلْقِ أَفَلَا یَعْقِلُونَ (۶۸)

و به هر کس عمر طولانی دهیم، او را در عرصه آفرینش [به سوی حالت ضعف، سستی، نقصان و فراموشی] واژگونش می کنیم؛ پس آیا تعقّل نمی کنند؟ (۶۸)

وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشِّعْرَ وَمَا یَنبَغِی لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِکْرٌ وَقُرْآنٌ مُّبِینٌ (۶۹)

و به پیامبر، شعر نیاموختیم و [شعرگویی] شایسته او نیست. کتاب [او] جز مایه یادآوری و قرآنی روشنگر [حقایق] نیست، (۶۹)

لِّیُنذِرَ مَن کَانَ حَیًّا وَیَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْکَافِرِینَ (۷۰)

تا کسانی را که [به عقل و هوش و استعداد] زنده اند هشدار دهد، و فرمان عذاب بر کافران محقق و ثابت شود. (۷۰)

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُم مِّمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَا أَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا مَالِكُونَ (۷۱)

آیا ندیده اند که ما از آنچه به قدرت خود انجام داده ایم برای آنان چهارپایانی آفریده ایم که آنان مالکشان هستند. (۷۱)

وَذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ (۷۲)

و چهارپایان را برای آنان رام کردیم که برخی از آنها مرکب سواری آنان هستند و از [گوشت] برخی از آنها می خورند، (۷۲)

وَلَهُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَمَشَارِبُ أَفَلَا يَشْكُرُونَ (۷۳)

و برای آنان در آن چهارپایان سودهایی [چون پشم، کُرک و پوست] و نوشیدنی هایی [چون شیر و فرآورده های آن] هست؛ آیا سپاس گزاری نمی کنند؟ (۷۳)

وَاتَّخَذُوا مِن دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لَّعَلَّهُمْ يُنصَرُونَ (۷۴)

و به جای خدا معبودانی انتخاب کرده اند به امید اینکه [به وسیله آنها] یاری شوند، (۷۴)

لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَهُمْ وَهُمْ لَهُمْ جُندٌ مُّحْضَرُونَ (۷۵)

در حالی که [معبودان،] قدرت یاری دادن به آنان را ندارند و آنان [که سبک مغزان روی برتافته از حق اند] برای آن معبودان [از سوی شیطان] سپاهی احضار شده اند [تا عمر و مالشان را فدای این معبودان باطل کنند.] (۷۵)

فَلَا يَحْزُنكَ قَوْلُهُمْ إِنَّا نَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ (۷۶)

پس گفتارشان تو را اندوهگین نکند، بی تردید ما آنچه را پنهان می دارند و آنچه را آشکار می کنند، می دانیم. (۷۶)

أَوَلَمْ يَرَ الْإِنسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِن نُّطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُّبِينٌ (۷۷)

آیا انسان ندانسته که ما او را از نطفه ای [پست و ناچیز] آفریده ایم و اینک ستیزه گری آشکار است؟ (۷۷)

وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَن يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ (۷۸)

در حالی که آفرینش نخستین خود را از یاد برده برای ما مثلی زد [و] گفت: چه کسی این استخوان ها را در حالی که پوسیده اند، زنده می کند؟ (۷۸)

قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِی أَنشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّهٍ وَهُوَ بِکُلِّ خَلْقٍ عَلِیمٌ (۷۹)

بگو: همان کسی که نخستین بار آن را پدید آورد. زنده اش می کند، و او به هر چیزی داناست (۷۹)

الَّذِی جَعَلَ لَکُم مِّنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنتُم مِّنْهُ تُوقِدُونَ (۸۰)

همان کسی که برای شما از درخت سبز، «آتش زنه» آفرید، که اکنون شما از آن آتش می افروزید. (۸۰)

أَوَلَیْسَ الَّذِی خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَادِرٍ عَلَی أَن یَخْلُقَ مِثْلَهُم بَلَی وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِیمُ (۸۱)

آیا کسی که آسمان ها و زمین را آفریده است، قدرت ندارد که [پس از مرگشان] همانند آنان را بیافریند؟ چرا قدرت دارد؛ زیرا اوست که آفریننده بسیار داناست. (۸۱)

إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَیْئًا أَن یَقُولَ لَهُ کُن فَیَکُونُ (۸۲)

شأن او این است که چون پدید آمدن چیزی را اراده کند، فقط به آن می گوید: باش، پس بی درنگ موجود می شود. (۸۲)

فَسُبْحَانَ الَّذِی بِیَدِهِ مَلَکُوتُ کُلِّ شَیْءٍ وَإِلَیْهِ تُرْجَعُونَ (۸۳)

بنابراین [از هر عیب و نقصی] منزّه است خدایی که مالکیت و فرمانروایی همه چیز به دست اوست، و به سوی او بازگردانده می شوید. (۸۳)

ص: ۴۴۵

سوره الصافات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ وَالصَّافَّاتِ صَفًّا (۱)

سوگند به صف بستگان [مانند فرشتگان، نمازگزاران و جهادگران] که صفی [منظم و استوار] بسته اند، (۱)

فَالزَّاجِرَاتِ زَجْرًا (۲)

و به بازدارندگان که [انسان را از گناهان] به شدت باز می دارند، (۲)

فَالتَّالِیَاتِ ذِکْرًا (۳)

و به تلاوت کنندگان وحی، (۳)

إِنَّ إِلَهَکُمْ لَوَاحِدٌ (۴)

که بی تردید معبود شما یگانه است، (۴)

رَّبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَرَبُّ الْمَشَارِقِ (۵)

پروردگار آسمان ها وزمین وآنچه میان آنهاست، و پروردگار مشرق ها، (۵)

إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةٍ الْكَوَاكِبِ (۶)

همانا ما آسمان دنیا را به زیور ستارگان آراستیم، (۶)

وَحِفْظًا مِّن كُلِّ شَيْطَانٍ مَّارِدٍ (۷)

و آن را از هر شیطان سرکشی حفظ کردیم، (۷)

لَّا يَسَّمَّعُونَ إِلَى الْمَلَإِ الْأَعْلَى وَيُقْذَفُونَ مِن كُلِّ جَانِبٍ (۸)

آنان نمی توانند به سخنان فرشتگان بسیار مکرم و شریف گوش فرا دهند، و [هرگاه به گوش دادن برخیزند] از هر سو [شهاب] به سویشان پرتاب می شود، (۸)

دُحُورًا وَلَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ (۹)

تا با خفت وخواری رانده شوند، وبرای آنان عذابی همیشگی است، (۹)

إِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ (۱۰)

مگر آنکه شیطانی خبری را [دزدانه و] با سرعت برباید [و فرار کند] که در این صورت گلوله ای آتشین و شکافنده او را دنبال می کند. (۱۰)

فَاسْتَفْتِهِمْ أَهُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَم مَّنْ خَلَقْنَا إِنَّا خَلَقْنَاهُم مِّن طِينٍ لَّازِبٍ (۱۱)

پس از منکران معاد بپرس: آیا آفرینش آنان سخت تر و دشوارتر است یا آنچه [مانند فرشتگان، آسمان ها، زمین، کوه ها و...] آفریده ایم؟ [به یقین آفرینش آنان کاری ناچیز است چون] ما آنان را از گِلی چسبنده آفریده ایم، (۱۱)

بَلْ عَجِبْتَ وَيَسْخَرُونَ (۱۲)

بلکه [تو از انکارشان] تعجب می کنی و آنان مسخره می کنند، (۱۲)

وَإِذَا ذُكِّرُوا لَا يَذْكُرُونَ (۱۳)

و هنگامی که به آنان تذکر، می دهند متذکّر نمی شوند؛ (۱۳)

وَإِذَا رَأَوْا آيَةً يَسْتَسْخِرُونَ (۱۴)

و چون معجزه ای را می بینند به شدت مسخره می کنند [و دیگران را هم به مسخره وامی دارند،] (۱۴)

وَقَالُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ (۱۵)

و می گویند: این جز جادویی آشکار نیست. (۱۵)

أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ (۱۶)

[می گویند:] آیا زمانی که ما مُردیم و خاک و استخوان شدیم، حتماً برانگیخته می شویم؟ (۱۶)

أَوَآبَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ (۱۷)

و آیا پدران پیشین ما [هم برانگیخته می شوند؟] (۱۷)

قُلْ نَعَمْ وَأَنتُمْ دَاخِرُونَ (۱۸)

بگو: آری، [برانگیخته می شوید] در حالی که خوار و ناچیز هستید. (۱۸)

فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ فَإِذَا هُمْ يَنظُرُونَ (۱۹)

جز این نیست که آن یک فریاد عظیم است که [وقتی واقع شود] ناگاه [همه زنده می شوند و حیرت زده منظره قیامت را] می نگرند، (۱۹)

وَقَالُوا يَا وَيْلَنَا هَذَا يَوْمُ الدِّينِ (۲۰)

و می گویند: ای وای بر ما! این روز جزاست! (۲۰)

هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ الَّذِى كُنتُم بِهِ تُكَذِّبُونَ (۲۱)

[آری] این همان روز جدایی [میان حق و باطل] است که همواره آن را انکار می کردید. (۲۱)

احْشُرُوا الَّذِينَ ظَلَمُوا وَأَزْوَاجَهُمْ وَمَا كَانُوا يَعْبُدُونَ (۲۲)

[آن گاه ندا رسد:] ستمکاران و هم ردیفان آنان و معبودهایی را که همواره به جای خدا می پرستیدند، گرد آورید. (۲۲)

مِن دُونِ اللَّهِ فَاهْدُوهُمْ إِلَى صِرَاطِ الْجَحِيمِ (۲۳)

پس همه را به سوی راه دوزخ راهنمایی کنید. (۲۳)

وَقِفُوهُمْ إِنَّهُم مَّسْئُولُونَ (۲۴)

آنان را نگه دارید که حتماً مورد بازپرسی قرار می گیرند. (۲۴)

ص: ۴۴۶

مَا لَكُمْ لَا تَنَاصَرُونَ (۲۵)

[به آنان گویند:] شما را چه شده که یکدیگر را [برای رهایی از عذاب] یاری نمی دهید؟ (۲۵)

بَلْ هُمُ الْيَوْمَ مُسْتَسْلِمُونَ (۲۶)

[نه اینکه نمی توانند یکدیگر را یاری دهند] بلکه آنان امروز فروتنانه تسلیم [قدرت حق] هستند، (۲۶)

وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ (۲۷)

به یکدیگر رو کرده از هم می پرسند: [این چه وضعی است؟] (۲۷)

قَالُوا إِنَّكُمْ كُنتُمْ تَأْتُونَنَا عَنِ الْيَمِينِ (۲۸)

[پس پیروان گمراه به پیشوایان گمراه کننده] می گویند: همانا شما از راه خیرخواهی به سوی ما می آمدید، [ولی کارتان جز فریب و نیرنگ نبود!] (۲۸)

قَالُوا بَل لَّمْ تَكُونُوا مُؤْمِنِينَ (۲۹)

می گویند: [ما را تقصیری نیست] بلکه خود شما اهل ایمان نبودید، (۲۹)

وَمَا كَانَ لَنَا عَلَيْكُم مِّن سُلْطَانٍ بَلْ كُنتُمْ قَوْمًا طَاغِينَ (۳۰)

و ما را بر شما هیچ تسلطی نبود، بلکه شما مردمی طغیان گر و سرکش بودید. (۳۰)

فَحَقَّ عَلَيْنَا قَوْلُ رَبِّنَا إِنَّا لَذَائِقُونَ (۳۱)

اکنون فرمان عذاب پروردگارمان بر ما محقق و ثابت شد که همه ما چشندگان عذاب خواهیم بود. (۳۱)

فَأَغْوَيْنَاكُمْ إِنَّا كُنَّا غَاوِينَ (۳۲)

[سبک مغزی و تعصّب شما زمینه گمراهی شما شد] پس ما شما را گمراه کردیم؛ زیرا خودمان گمراه بودیم، (۳۲)

فَإِنَّهُمْ يَوْمَئِذٍ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ (۳۳)

پس بی تردید همه ۲آنان در آن روز در عذاب شریک اند، (۳۳)

إِنَّا كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ (۳۴)

ما با مجرمان این گونه رفتار می کنیم؛ (۳۴)

إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ (۳۵)

زیرا آنان چنین بودند که هر زمان به آنان می گفتند: معبودی جز خدا نیست، تکبّر می کردند، (۳۵)

وَيَقُولُونَ أَئِنَّا لَتَارِكُو آلِهَتِنَا لِشَاعِرٍ مَّجْنُونٍ (۳۶)

و [همواره] می گفتند: آیا باید به خاطر شاعری دیوانه معبودان خود را رها کنیم؟! (۳۶)

بَلْ جَاءَ بِالْحَقِّ وَصَدَّقَ الْمُرْسَلِينَ (۳۷)

[چنین نیست که می پندارید] بلکه او حق را آورده و پیامبران را تصدیق کرده است. (۳۷)

إِنَّكُمْ لَذَائِقُو الْعَذَابِ الْأَلِيمِ (۳۸)

بی تردید شما [کوردلان] عذاب دردناک را خواهید چشید، (۳۸)

وَمَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۳۹)

و جز آنچه که همواره انجام می دادید، پاداش داده نمی شوید، (۳۹)

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ (۴۰)

جز بندگان خالص شده خدا [که از هر کیفری در امانند،] (۴۰)

أُولَئِكَ لَهُمْ رِزْقٌ مَّعْلُومٌ (۴۱)

برای آنان رزق و روزی معین و ویژه ای است، (۴۱)

فَوَاكِهُ وَهُم مُّكْرَمُونَ (۴۲)

میوه هایی [گوناگون] در حالی که مورد اکرام خواهند بود، (۴۲)

فِی جَنَّاتِ النَّعِیمِ (۴۳)

در بهشت های پر نعمت، (۴۳)

عَلَى سُرُرٍ مُّتَقَابِلِینَ (۴۴)

در حالی که بر تخت هایی روبه روی یکدیگر [تکیه زده اند،] (۴۴)

یُطَافُ عَلَیْهِم بِکَأْسٍ مِّن مَّعِینٍ (۴۵)

جامی از نوشیدنی زلال و پاک گرداگردشان می گردانند، (۴۵)

بَیْضَاءَ لَذَّهٍ لِّلشَّارِبِینَ (۴۶)

[نوشیدنی] سپید [و درخشنده] و لذت بخش برای نوشندگان، (۴۶)

لَا فِیهَا غَوْلٌ وَلَا هُمْ عَنْهَا یُنزَفُونَ (۴۷)

نه در آن مایه فساد [جسم و عقل] است، و نه از آن مست و بیهوش می شوند، (۴۷)

وَعِندَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ عِینٌ (۴۸)

و در کنارشان زنانی هستند که فقط به شوهرانشان عشق می ورزند. (۴۸)

کَأَنَّهُنَّ بَیْضٌ مَّکْنُونٌ (۴۹)

گویا آنان [از سپیدی] تخم شترمرغی هستند که [زیر پر و بال] پوشیده شده اند [و هرگز دست کسی به آنان نرسیده است.] (۴۹)

فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ یَتَسَاءَلُونَ (۵۰)

پس برخی از آنان به برخی دیگر رو کرده از [حال] یکدیگر می پرسند. (۵۰)

قَالَ قَائِلٌ مِّنْهُمْ إِنِّی کَانَ لِی قَرِینٌ (۵۱)

گوینده ای از آنان می گوید: همانا من [در دنیا] هم نشینی داشتم. (۵۱)

يَقُولُ أَإِنَّكَ لَمِنَ الْمُصَدِّقِينَ (۵۲)

[که همواره از روی تعجب به من] می گفت: آیا تو از باور دارندگان [رستاخیز و زنده شدن مردگان] هستی؟ (۵۲)

أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَإِنَّا لَمَدِينُونَ (۵۳)

آیا زمانی که ما مردیم و خاک استخوان شدیم، حتماً [زنده می شویم و] پاداشمان می دهند؟ (۵۳)

قَالَ هَلْ أَنتُم مُّطَّلِعُونَ (۵۴)

[سپس به دوستان بهشتی خود] می گوید: آیا شما با من به دوزخ سر می کشید [تا از هم نشینم خبری بگیرید که در کجا و در چه حالی است؟] (۵۴)

فَاطَّلَعَ فَرَآهُ فِي سَوَاءِ الْجَحِيمِ (۵۵)

پس خود او به دوزخ سر می کشد و هم نشینش را وسط دوزخ می بیند. (۵۵)

قَالَ تَاللَّهِ إِن كِدتَّ لَتُرْدِينِ (۵۶)

[به او] می گوید: به خدا سوگند نزدیک بود، مرا به هلاکت بیندازی. (۵۶)

وَلَوْلَا نِعْمَةُ رَبِّي لَكُنتُ مِنَ الْمُحْضَرِينَ (۵۷)

و اگر توفیق و رحمت پروردگارم نبود، حتماً از احضارشدگان [در دوزخ] بودم. (۵۷)

أَفَمَا نَحْنُ بِمَيِّتِينَ (۵۸)

[آن گاه به دوستان بهشتی خود می گوید:] آیا ما [برای همیشه در بهشتیم و] هرگز نمی میریم؟ (۵۸)

إِلَّا مَوْتَتَنَا الْأُولَى وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ (۵۹)

[و] جز همان مرگ نخستین [که در دنیا سراغمان آمد مرگی دیگر به سراغمان نخواهد آمد] و ما هرگز عذاب نخواهیم شد؟ [شگفتا! چه لطف خاصی از سوی خدا به ما شده است!] (۵۹)

إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۶۰)

بی تردید این همان کامیابی بزرگ است. (۶۰)

لِمِثْلِ هَذَا فَلْيَعْمَلِ الْعَامِلُونَ (۶۱)

پس باید برای چنین پاداشی عمل کنندگان عمل کنند. (۶۱)

أَذَلِكَ خَيْرٌ نُّزُلًا أَمْ شَجَرَةُ الزَّقُّومِ (۶۲)

آیا این [بهشت جاودان پر نعمت] برای پذیرایی بهتر است یا درخت زقّوم؟ (۶۲)

إِنَّا جَعَلْنَاهَا فِتْنَةً لِّلظَّالِمِينَ (۶۳)

ما آن را برای ستمکاران مایه شکنجه و عذاب قرار داده ایم. (۶۳)

إِنَّهَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِي أَصْلِ الْجَحِيمِ (۶۴)

آن درختی است که در قعر دوزخ می روید، (۶۴)

طَلْعُهَا كَأَنَّهُ رُءُوسُ الشَّيَاطِينِ (۶۵)

شکوفه هایش مانند سرهای شیاطین [بسیار بدنما و زشت] است. (۶۵)

فَإِنَّهُمْ لَآكِلُونَ مِنْهَا فَمَالِئُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ (۶۶)

پس این منکران لجوج حتماً از آن می خورند و شکم ها را از آن پر می کنند. (۶۶)

ثُمَّ إِنَّ لَهُمْ عَلَيْهَا لَشَوْبًا مِّنْ حَمِيمٍ (۶۷)

آن گاه به ناچار روی آن [به عنوان نوشیدنی] مخلوطی از آب بسیار داغ و متعفّن برای آنان خواهد بود! (۶۷)

ثُمَّ إِنَّ مَرْجِعَهُمْ لَإِلَى الْجَحِيمِ (۶۸)

سپس بازگشتشان حتماً به سوی دوزخ است. (۶۸)

إِنَّهُمْ أَلْفَوْا آبَاءَهُمْ ضَالِّينَ (۶۹)

[سزاوار بودنشان در قیامت به این همه عذاب به سبب این است که] آنان پدرانشان را گمراه یافتند، (۶۹)

فَهُمْ عَلَى آثَارِهِمْ يُهْرَعُونَ (۷۰)

و [با اینکه می دانستند گمراهند بدون اندیشه و تأمل] عجولانه از پی آنان می رفتند! (۷۰)

وَلَقَدْ ضَلَّ قَبْلَهُمْ أَكْثَرُ الْأَوَّلِينَ (۷۱)

و به راستی پیش از اینان بیشتر پیشینیان گمراه شدند، (۷۱)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا فِيهِم مُّنذِرِينَ (۷۲)

و بی تردید ما در میان آنان بیم دهندگانی فرستادیم. (۷۲)

فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنذَرِينَ (۷۳)

پس با تأمل بنگر سرانجام بیم داده شدگان چگونه بود؟ (۷۳)

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ (۷۴)

[همه هلاک شدند] جز بندگان خالص شده خدا، (۷۴)

وَلَقَدْ نَادَانَا نُوحٌ فَلَنِعْمَ الْمُجِيبُونَ (۷۵)

و نوح ما را ندا کرد [و ما ندایش را اجابت کردیم] پس ما به راستی نیکو اجابت کننده ای هستیم، (۷۵)

وَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ (۷۶)

و او و خاندانش را از آن اندوه بزرگ نجادت دادیم. (۷۶)

ص: ۴۴۸

وَجَعَلْنَا ذُرِّيَّتَهُ هُمُ الْبَاقِينَ (۷۷)

و تنها ذریه او را [در زمین] باقی گذاشتیم، (۷۷)

وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ (۷۸)

و در میان آیندگان برای او نام نیک به جا گذاشتیم؛ (۷۸)

سَلَامٌ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ (۷۹)

سلام بر نوح در میان جهانیان. (۷۹)

إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (۸۰)

به راستی ما نیکوکاران را این گونه پاداش می دهیم. (۸۰)

إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ (۸۱)

بی تردید او از بندگان مؤمن ما بود. (۸۱)

ثُمَّ أَغْرَقْنَا الْآخَرِينَ (۸۲)

سپس دیگران را غرق کردیم؛ (۸۲)

وَإِنَّ مِن شِيعَتِهِ لَإِبْرَاهِيمَ (۸۳)

و به راستی ابراهیم از پیروان نوح بود، (۸۳)

إِذْ جَاءَ رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ (۸۴)

هنگامی که با دلی پاک به سوی پروردگارش آمد. (۸۴)

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَاذَا تَعْبُدُونَ (۸۵)

[یاد کن] هنگامی را که به پدر و قومش گفت: چیست آنچه می پرستید؟ (۸۵)

أَئِفْكًا آلِهَةً دُونَ اللَّهِ تُرِيدُونَ (۸۶)

آیا به جای خدا معبودان دروغین را می خواهید. (۸۶)

فَمَا ظَنُّكُم بِرَبِّ الْعَالَمِينَ (۸۷)

پس گمانتان به پروردگار جهانیان چیست؟ [که غیر او را می پرستید،] (۸۷)

فَنَظَرَ نَظْرَةً فِي النُّجُومِ (۸۸)

[چون از او دعوت کردند که شبانه به مراسم عیدشان برود] نگاهی به ستارگان انداخت، (۸۸)

فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ (۸۹)

و گفت: به راستی من بیمارم. (۸۹)

فَتَوَلَّوْا عَنْهُ مُدْبِرِينَ (۹۰)

پس پشت کنان از او روی گرداندند. (۹۰)

فَرَاغَ إِلَى آلِهَتِهِمْ فَقَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ (۹۱)

او هم مخفیانه به سوی بت هایشان رفت و [از روی ریشخند] گفت: آیا غذا نمی خورید؟ (۹۱)

مَا لَكُمْ لَا تَنطِقُونَ (۹۲)

شما را چه شده که سخن نمی گویید؟ (۹۲)

فَرَاغَ عَلَيْهِمْ ضَرْبًا بِالْيَمِينِ (۹۳)

پس [به آنها روی آورد و] با دست راست ضربه ای کاری بر آنها کوبید [و خردشان کرد.] (۹۳)

فَأَقْبَلُوا إِلَيْهِ يَزِفُّونَ (۹۴)

مردم با شتاب به سوی او آمدند. (۹۴)

قَالَ أَتَعْبُدُونَ مَا تَنْحِتُونَ (۹۵)

[به آنان] گفت: آیا آنچه را [با دست خود] می تراشید، می پرستید؟! (۹۵)

وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ (۹۶)

در حالی که خدا شما را و آنچه را می سازید، آفریده است. (۹۶)

قَالُوا ابْنُوا لَهُ بُنْيَانًا فَأَلْقُوهُ فِي الْجَحِيمِ (۹۷)

گفتند: برای او بنایی بسازید [که گنجایش آتش فراوانی داشته باشد] پس او را در آتش شعلهور بیندازید. (۹۷)

فَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَسْفَلِينَ (۹۸)

پس خواستند به او نیرنگی زنند، ولی ما آنان را پست و شکست خورده کردیم. (۹۸)

وَقَالَ إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَى رَبِّي سَيَهْدِينِ (۹۹)

و [وقتی از این مهلکه جان سالم به در برد] گفت: به راستی من به سوی پروردگارم می روم، و [او] به زودی مرا راهنمایی

خواهد کرد. (۹۹)

رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ (۱۰۰)

پروردگارا! مرا فرزندی که از صالحان باشد عطا کن. (۱۰۰)

فَبَشَّرْنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ (۱۰۱)

پس ما او را به پسری بردبار مژده دادیم. (۱۰۱)

فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ (۱۰۲)

هنگامی که با او به [مقام] سعی رسید، گفت: پسرکم! همانا من در خواب می بینم که تو را ذبح می کنم، پس با تأمل بنگر رأی تو چیست؟ گفت: پدرم آنچه به آن مأمور شده ای انجام ده اگر خدا بخواهد مرا از شکیبایان خواهی یافت. (۱۰۲)

ص: ۴۴۹

فَلَمَّا أَسْلَمَا وَتَلَّهُ لِلْجَبِينِ (۱۰۳)

پس هنگامی که آن دو تسلیم [خواسته خدا] شدند و ابراهیم، جبین او را به زمین نهاد [تا ذبحش کند] (۱۰۳)

وَنَادَيْنَاهُ أَن يَا إِبْرَاهِيمُ (۱۰۴)

و او را ندا دادیم که ای ابراهیم! (۱۰۴)

قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (۱۰۵)

خوابت را تحقق دادی [و فرمان پروردگارت را اجرا کردی]، به راستی ما نیکوکاران را این گونه پاداش می دهیم [که نیّت پاک و خالصشان را به جای عمل می پذیریم.] (۱۰۵)

إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ (۱۰۶)

به یقین این همان آزمایش روشن بود. (۱۰۶)

وَفَدَيْنَاهُ بِذِبْحٍ عَظِيمٍ (۱۰۷)

و ما اسماعیل را در برابر قربانی بزرگی [از ذبح شدن] رهانیدیم، (۱۰۷)

وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ (١٠٨)

و در میان آیندگان برای او [نام نیک] به جا گذاشتیم. (١٠٨)

سَلَامٌ عَلَى إِبْرَاهِيمَ (١٠٩)

سلام بر ابراهیم. (١٠٩)

كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (١١٠)

[ما] نیکوکاران را این گونه پاداش می دهیم. (١١٠)

إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ (١١١)

بی تردید او از بندگان مؤمن ما بود، (١١١)

وَبَشَّرْنَاهُ بِإِسْحَاقَ نَبِيًّا مِّنَ الصَّالِحِينَ (١١٢)

و ما او را به اسحاق که پیامبری از شایستگان بود مژده دادیم، (١١٢)

وَبَارَكْنَا عَلَيْهِ وَعَلَى إِسْحَاقَ وَمِن ذُرِّيَّتِهِمَا مُحْسِنٌ وَظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ مُبِينٌ (١١٣)

و بر او و بر اسحاق برکت دادیم، و از دودمان آن دو برخی نیکوکارند و برخی آشکارا ستمکار بر خویشند، (١١٣)

وَلَقَدْ مَنَنَّا عَلَى مُوسَى وَهَارُونَ (١١۴)

و به راستی ما به موسی و هارون نعمت دادیم، (١١۴)

وَنَجَّيْنَاهُمَا وَقَوْمَهُمَا مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ (١١۵)

و آن دو نفر و قومشان را از اندوه بزرگ نجات بخشیدیم، (١١۵)

وَنَصَرْنَاهُمْ فَكَانُوا هُمُ الْغَالِبِينَ (١١۶)

و آنان را یاری دادیم در نتیجه پیروز شدند، (١١۶)

وَآتَيْنَاهُمَا الْكِتَابَ الْمُسْتَبِينَ (١١٧)

و هر دو را کتاب بسیار روشنگر عطا کردیم، (١١٧)

وَهَدَيْنَاهُمَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ (١١٨)

وبه راه راست هدايتشان نموديم، (١١٨)

وَتَرَكْنَا عَلَيْهِمَا فِي الْآخِرِينَ (١١٩)

و در ميان آيندگان براى هر دو نفر نام نيک به جا گذاشتيم. (١١٩)

سَلَامٌ عَلَى مُوسَى وَهَارُونَ (١٢٠)

سلام بر موسى و هارون. (١٢٠)

إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (١٢١)

ما نيكوكاران را اين گونه پاداش مى دهيم. (١٢١)

إِنَّهُمَا مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ (١٢٢)

بى ترديد هر دو از بندگان مؤمن ما بودند، (١٢٢)

وَإِنَّ إِلْيَاسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ (١٢٣)

و بى ترديد الياس از پيامبران بود. (١٢٣)

إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَلَا تَتَّقُونَ (١٢٤)

[ياد كن] هنگامى را كه به قومش گفت: آيا [از شرك وطغيان] نمى پرهيزيد؟ (١٢۴)

أَتَدْعُونَ بَعْلًا وَتَذَرُونَ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ (١٢٥)

آيا بت «بعل» را مى پرستيد و بهترين آفرينندگان را رها مى كنيد؟! (١٢۵)

اللَّهَ رَبَّكُمْ وَرَبَّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ (١٢٦)

خدا را كه پروردگار شما و پروردگار پدران پيشين شماست. (١٢۶)

ص: ۴۵۰

فَكَذَّبُوهُ فَإِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ (١٢٧)

پس او را انکار کردند، یقیناً آنان از احضار شدگان [در عذاب] خواهند بود، (۱۲۷)

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ (۱۲۸)

جز بندگان خالص شده خدا [که از هر کیفری در امانند،] (۱۲۸)

وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ (۱۲۹)

و در میان آیندگان برای او نام نیک به جا گذاشتیم. (۱۲۹)

سَلَامٌ عَلَى إِلْ يَاسِينَ (۱۳۰)

سلام بر آل یاسین. (۱۳۰)

إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (۱۳۱)

ما نیکوکاران را این گونه پاداش می دهیم. (۱۳۱)

إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ (۱۳۲)

بی تردید او از بندگان مؤمن ما بود. (۱۳۲)

وَإِنَّ لُوطًا لَّمِنَ الْمُرْسَلِينَ (۱۳۳)

و بی تردید لوط از پیامبران بود. (۱۳۳)

إِذْ نَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ (۱۳۴)

[یاد کن] هنگامی را که او و همه اهلش را نجات دادیم، (۱۳۴)

إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ (۱۳۵)

مگر پیرزنی را که در میان باقی ماندگان [در شهر] بود. (۱۳۵)

ثُمَّ دَمَّرْنَا الْآخَرِينَ (۱۳۶)

سپس دیگران را هلاک کردیم، (۱۳۶)

وَإِنَّكُمْ لَتَمُرُّونَ عَلَيْهِم مُّصْبِحِينَ (۱۳۷)

و شما همواره صبحگاهان [در مسیر سفرهایتان از کنار ویرانه های شهر] آنان گذر می کنید، (۱۳۷)

وَبِاللَّيْلِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۱۳۸)

و نیز شبانگاهان، آیا تعقّل نمی کنید؟ (۱۳۸)

وَإِنَّ يُونُسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ (۱۳۹)

و یونس از پیامبران بود. (۱۳۹)

إِذْ أَبَقَ إِلَى الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ (۱۴۰)

[یاد کن] هنگامی را که به سوی آن کشتی پر [از جمعیت و بار] گریخت، (۱۴۰)

فَسَاهَمَ فَكَانَ مِنَ الْمُدْحَضِينَ (۱۴۱)

و با سرنشینان کشتی قرعه انداخت [و قرعه به نامش افتاد] و از مغلوب شدگان شد [و او را به دریا انداختند.] (۱۴۱)

فَالْتَقَمَهُ الْحُوتُ وَهُوَ مُلِيمٌ (۱۴۲)

پس آن ماهی بزرگ او را بلعید، در حالی که سزاوار سرزنش بود. (۱۴۲)

فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ (۱۴۳)

[و در شکم ماهی به تسبیح خدا مشغول شد که] اگر او از تسبیح کنندگان نبود، (۱۴۳)

لَلَبِثَ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ (۱۴۴)

بی تردید تا روزی که مردم برانگیخته می شوند در شکم ماهی می ماند. (۱۴۴)

فَنَبَذْنَاهُ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ سَقِيمٌ (۱۴۵)

پس او را در حالی که بیمار بود به زمینی خشک و بی گیاه افکندیم. (۱۴۵)

وَأَنبَتْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِّن يَقْطِينٍ (۱۴۶)

و بر او گیاهی از نوعی کدو رویاندیم، (۱۴۶)

وَأَرْسَلْنَاهُ إِلَى مِائَةِ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ (۱۴۷)

و او را به سوی [قومی] یکصد هزار نفر [ی] یا بیشتر فرستادیم. (۱۴۷)

فَآمَنُوا فَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَى حِينٍ (۱۴۸)

پس ایمان آوردند در نتیجه آنان را تا پایان عمرشان [از نعمت ها و مواهب خود] بهره مند کردیم. (۱۴۸)

فَاسْتَفْتِهِمْ أَلِرَبِّکَ الْبَنَاتُ وَلَهُمُ الْبَنُونَ (۱۴۹)

[مشرکان سبک مغز می گویند: فرشتگان، دختران خدایند] پس از آنان بپرس که آیا دختران برای پروردگار تو هستند و پسران برای ایشان؟! (۱۴۹)

أَمْ خَلَقْنَا الْمَلَائِکَهَ إِنَاثًا وَهُمْ شَاهِدُونَ (۱۵۰)

یا اینکه ما فرشتگان را دختر آفریدیم و آنان شاهد بودند؟! (۱۵۰)

أَلَا إِنَّهُم مِّنْ إِفْکِهِمْ لَيَقُولُونَ (۱۵۱)

آگاه باش! که آنان از بافته های دروغ خود می گویند (۱۵۱)

وَلَدَ اللَّهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ (۱۵۲)

که خدا فرزند آورده! و بی تردید آنان دروغگویند. (۱۵۲)

أَصْطَفَى الْبَنَاتِ عَلَى الْبَنِينَ (۱۵۳)

آیا دختران را بر پسران ترجیح داده است؟ (۱۵۳)

ص: ۴۵۱

مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ (۱۵۴)

شما را چه شده، چگونه حکم می کنید؟ (۱۵۴)

أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (۱۵۵)

پس آیا متذکّر [حقایق] نمی شوید؟ (۱۵۵)

أَمْ لَكُمْ سُلْطَانٌ مُّبِينٌ (۱۵۶)

یا شما [بر این ادعای خود] دلیل روشنی دارید؟ (۱۵۶)

فَأْتُوا بِكِتَابِكُمْ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (۱۵۷)

پس اگر راستگویید، کتابتان را [که این سخنان را با تکیه بر آن می گویید، به میان] آورید. (۱۵۷)

وَجَعَلُوا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجِنَّةِ نَسَبًا وَلَقَدْ عَلِمَتِ الْجِنَّةُ إِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ (۱۵۸)

میان خدا و جن، نسب و خویشی قرار دادند، در صورتی که جنیان به خوبی می دانند که [روز قیامت برای حساب و پاداش] احضار خواهند شد. (۱۵۸)

سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يَصِفُونَ (۱۵۹)

خدا از آنچه او را به آن توصیف می کنند، منزّه است. (۱۵۹)

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ (۱۶۰)

مگر بندگان خالص شده خدا [که او را به آنچه توصیف می کنند شایسته مقام قدس اوست.] (۱۶۰)

فَإِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ (۱۶۱)

و بی تردید شما و آنچه را می پرستید، (۱۶۱)

مَا أَنتُمْ عَلَيْهِ بِفَاتِنِينَ (۱۶۲)

نمی توانید [مردم را] بر ضد خدا گمراه کنید. (۱۶۲)

إِلَّا مَنْ هُوَ صَالِ الْجَحِيمِ (۱۶۳)

مگر کسانی را که [به اختیار خود به خاطر پذیرفتن وسوسه و اغواگری شما] به دوزخ درآیند، (۱۶۳)

وَمَا مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَّعْلُومٌ (۱۶۴)

و هیچ یک از ما فرشتگان نیست مگر اینکه برای او مقامی معین است. (۱۶۴)

وَإِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُّونَ (۱۶۵)

و همانا ما [برای اجرای فرمان خدا] صف بستگانیم. (۱۶۵)

وَإِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ (۱۶۶)

و ما خود تسبیح کنندگانیم. (۱۶۶)

وَإِن كَانُوا لَيَقُولُونَ (۱۶۷)

و مشرکان [پیش از بعثت پیامبر] قاطعانه می گفتند: (۱۶۷)

لَوْ أَنَّ عِندَنَا ذِكْرًا مِّنَ الْأَوَّلِينَ (۱۶۸)

اگر نزد ما کتابی چون کتاب های آسمانی پیامبران پیشین بود، (۱۶۸)

لَكُنَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ (۱۶۹)

بی تردید از بندگان خالص شده خدا می شدیم. (۱۶۹)

فَكَفَرُوا بِهِ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ (۱۷۰)

ولی [هنگامی که قرآن را برای هدایت آنان نازل کردیم] به آن کافر شدند و به زودی [و زر و وبال کفرشان را] خواهند دانست. (۱۷۰)

وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ (۱۷۱)

و وعده قطعی ما درباره بندگان به رسالت فرستاده شده، از پیش محقق و ثابت گشته است، (۱۷۱)

إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنصُورُونَ (۱۷۲)

که بی تردید آنان [در همه زمینه ها] یاری شدگانند، (۱۷۲)

وَإِنَّ جُندَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ (۱۷۳)

و مسلماً سپاه ما پیروزند. (۱۷۳)

فَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّى حِينٍ (۱۷۴)

پس تا مدتی از آنان روی بگردان. (۱۷۴)

وَأَبْصِرْهُمْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ (۱۷۵)

و آنان را بنگر که به زودی [و زر و وبال گناهانشان را] خواهند دید. (۱۷۵)

أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ (۱۷۶)

آیا شتاب در آمدن عذاب ما را می خواهند؟! (۱۷۶)

فَإِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمْ فَسَاءَ صَبَاحُ الْمُنذَرِينَ (۱۷۷)

پس هنگامی که [عذاب ما] به آستانه خانه هایشان نازل شود، بیم شدگان روزگار بدی خواهند داشت، (۱۷۷)

وَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّى حِينٍ (۱۷۸)

و تا مدتی از آنان روی بگردان، (۱۷۸)

وَأَبْصِرْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ (۱۷۹)

و [آنان را] بنگر که به زودی [و زر و وبال گناهانشان را] خواهند دید. (۱۷۹)

سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ (۱۸۰)

پروردگارت که دارای عزت است از آنچه او را به آن توصیف می کنند، منزّه است. (۱۸۰)

وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ (۱۸۱)

و سلام بر پیامبران (۱۸۱)

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۱۸۲)

و همه ستایش ها ویژه خداست که پروردگار جهانیان است. (۱۸۲)

ص: ۴۵۲

سوره ص

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ص وَالْقُرْآنِ ذِي الذِّكْرِ (۱)

ص، سوگند به قرآن که مشتمل بر ذکر [حقایق، معارف، مطالب اخلاقی و اجتماعی و احکام حلال و حرام] است. (۱)

بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي عِزَّةٍ وَشِقَاقٍ (۲)

[اینکه قرآن را نمی پذیرند، برای این نیست که زمینه ای برای پذیرش آن وجود ندارد] بلکه کافران [غرق] در تکبّر [و سرکشی و عداوت] و دشمنی اند. (۲)

كَمْ أَهْلَكْنَا مِن قَبْلِهِم مِّن قَرْنٍ فَنَادَوا وَّلَاتَ حِينَ مَنَاصٍ (۳)

چه بسیار اقوامی که پیش از آنان هلاک کردیم که [وقت نزول عذاب] فریاد کمک خواهی سر دادند، در حالی که وقت گریز و یافتن پناه گاه نبود؛ (۳)

وَعَجِبُوا أَن جَاءَهُم مُّنذِرٌ مِّنْهُمْ وَقَالَ الْكَافِرُونَ هَذَا سَاحِرٌ كَذَّابٌ (۴)

و از اینکه بیم دهنده ای از جنس خودشان به سوی آنان آمده است تعجب کردند، و کافران گفتند: این جادوگری بسیار دروغگوست. (۴)

أَجَعَلَ الْآلِهَةَ إِلَهًا وَاحِدًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عُجَابٌ (۵)

آیا [محمّد] معبودان [گوناگون] را معبودی یگانه قرار داده است؟ به راستی [که منحصر کردن معبودان در یک معبود] چیزی بسیار شگفت است. (۵)

وَانطَلَقَ الْمَلَأُ مِنْهُمْ أَنِ امْشُوا وَاصْبِرُوا عَلَى آلِهَتِكُمْ إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ يُرَادُ (۶)

سران و اشرافشان روان شدند [و فریاد برداشتند] که بروید و بر پرستش و نگهداری معبودانتان ایستادگی کنید زیرا از این دعوت [به سوی خدای یگانه] ریاست و آقایی بر اراده شده است. (۶)

مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي الْمِلَّةِ الْآخِرَةِ إِنْ هَذَا إِلَّا اخْتِلَاقٌ (۷)

ما این [پرستش معبود یگانه] را در آخرین آیین [که پدرانمان بر آن بودند] نشنیده ایم؛ این جز دروغی ساخته شده نیست. (۷)

أَأُنزِلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ مِن بَيْنِنَا بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِّن ذِكْرِي بَل لَّمَّا يَذُوقُوا عَذَابِ (۸)

آیا از میان ما [که دارای ثروت فراوان و مقام و قدرتیم] قرآن، فقط بر او [که فقیری یتیم بیش نیست] نازل شده است؟! [نه، قرآن دروغی ساخته شده نیست] بلکه اینان درباره قرآن من در شک هستند، بلکه هنوز عذاب را نچشیده اند [تا از بیماری شک درآیند و به حقّانیّت آن اقرار کنند و زبان از گستاخی و جسارت ببندند.] (۸)

أَمْ عِندَهُمْ خَزَائِنُ رَحْمَةِ رَبِّكَ الْعَزِيزِ الْوَهَّابِ (۹)

مگر خزانه های رحمت پروردگار توانای شکست ناپذیر و بخشنده ات نزد آنان است [که منصب نبوّت را به هر کس که دلشان خواست ببخشند؟] (۹)

أَمْ لَهُم مُّلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَلْيَرْتَقُوا فِي الْأَسْبَابِ (۱۰)

یا مگر مالکیّت و فرمانروایی آسمان ها و زمین و آنچه میان آنهاست، در اختیار آنان است؟ [اگر چنین است] پس [بیایند] از نردبان ها [ی رساننده به این مالکیّت و فرمانروایی] بالا روند [و امور را به دست گیرند و مانع نزول وحی بر محمّد شوند و خود به هر کس که بخواهند وحی کنند.] (۱۰)

جُندٌ مَّا هُنَالِكَ مَهْزُومٌ مِّنَ الْأَحْزَابِ (۱۱)

اینان لشکری ناچیز و اندک [از احزاب کفر و شرک] اند که در آنجا [که میدان جنگ بدر است] شکست خوردنی هستند. (۱۱)

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ ذُو الْأَوْتَادِ (۱۲)

پیش از اینان نیز قوم نوح و عاد و فرعون که از تمام ابزار حاکمیت برخوردار بودند [پیامبران را] انکار کردند؛ (۱۲)

وَثَمُودُ وَقَوْمُ لُوطٍ وَأَصْحَابُ الْأَيْكَةِ أُولَئِكَ الْأَحْزَابُ (۱۳)

و نیز قوم ثمود و قوم لوط و اصحاب ایکه همان احزاب کفر و شرک اند، (۱۳)

إِن كُلٌّ إِلَّا كَذَّبَ الرُّسُلَ فَحَقَّ عِقَابِ (۱۴)

که هر یک از اینان پیامبران را انکار کردند، پس عقوبت [من بر آنان] محقق و ثابت شد، (۱۴)

وَمَا يَنظُرُ هَؤُلَاءِ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً مَّا لَهَا مِن فَوَاقٍ (۱۵)

و اینان [که تو را انکار می کنند] جز یک فریاد مرگبار را که هیچ تأخیری در آن نیست، انتظار نمی کشند، (۱۵)

وَقَالُوا رَبَّنَا عَجِّل لَّنَا قِطَّنَا قَبْلَ يَوْمِ الْحِسَابِ (۱۶)

و [اینان از روی مسخره] گفتند: پروردگارا! پیش از روز حساب، هر چه زودتر سهم ما را از عذاب به ما بده. (۱۶)

ص: ۴۵۳

اصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ وَاذْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُودَ ذَا الْأَيْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ (۱۷)

بر آنچه می گویند شکیبا باش، و بنده ما داود را که دارای نیرومندی [در دانش و حکومت] بود یاد کن. او بسیار رجوع کننده [به سوی خدا] بود. (۱۷)

إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِشْرَاقِ (١٨)

همانا ما کوه ها را مسخّر و رام کردیم که با او در شبان گاه و هنگام برآمدن آفتاب تسبیح می گفتند، (١٨)

وَالطَّيْرَ مَحْشُورَةً كُلٌّ لَّهُ أَوَّابٌ (١٩)

و پرندگان را [نیز] به طور دسته جمعی [مسخّر و رام کردیم که با او تسبیح می گفتند]، و همه رجوع کننده به سوی خدا بودند، (١٩)

وَشَدَدْنَا مُلْكَهُ وَآتَيْنَاهُ الْحِكْمَةَ وَفَصْلَ الْخِطَابِ (٢٠)

و حکومتش را محکم و استوار ساختیم و به او حکمت و منصب داوری عطا کردیم، (٢٠)

وَهَلْ أَتَاكَ نَبَأُ الْخَصْمِ إِذْ تَسَوَّرُوا الْمِحْرَابَ (٢١)

و آیا خبر مهم آن دادخواهان هنگامی که از دیوار بلند نمازخانه او بالا رفتند به تو رسیده است؟ (٢١)

إِذْ دَخَلُوا عَلَى دَاوُودَ فَفَزِعَ مِنْهُمْ قَالُوا لَا تَخَفْ خَصْمَانِ بَغَى بَعْضُنَا عَلَى بَعْضٍ فَاحْكُم بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَلَا تُشْطِطْ وَاهْدِنَا إِلَى سَوَاءِ الصِّرَاطِ (٢٢)

زمانی که [به طور ناگهانی] بر داود وارد شدند، و او از آنان هراسان شد، گفتند: نترس [ما] دو گروه دادخواه و شاکی هستیم که یکی از ما بر دیگری ستم کرده است؛ بنابراین میان ما به حق داوری کن و [در داوریت] ستم روا مدار، و ما را به راه راست راهنمایی کن. (٢٢)

إِنَّ هَذَا أَخِي لَهُ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ نَعْجَةً وَلِيَ نَعْجَةٌ وَاحِدَةٌ فَقَالَ أَكْفِلْنِيهَا وَعَزَّنِي فِي الْخِطَابِ (٢٣)

این برادر من است، نود و نه میش دارد و من یک میش دارم، گفته است: این یکی را هم به من واگذار. و در گفتگو مرا مغلوب ساخت. (٢٣)

قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعْجَتِكَ إِلَى نِعَاجِهِ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْخُلَطَاءِ لَيَبْغِي بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَقَلِيلٌ مَّا هُمْ وَظَنَّ دَاوُودُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ (٢٤)

گفت: یقیناً او با درخواست افزودن میش تو به میش های خود بر تو ستم روا داشته است، و قطعاً بسیاری از معاشران و شریکان به یکدیگر ستم می کنند، به جز کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند و اینان اندک اند. و داود دانست که ما او را [در این حادثه] آزموده ایم، در نتیجه از پروردگارش درخواست آمرزش کرد و بی درنگ به حالت خضوع به رو در افتاد و به خدا بازگشت. (٢٤)

فَغَفَرْنَا لَهُ ذَلِکَ وَإِنَّ لَهُ عِندَنَا لَزُلْفَی وَحُسْنَ مَآبٍ (۲۵)

و ما او را در این [داوری] آمرزیدیم، بی تردید او نزد ما تقرب و منزلتی بلند و سرانجامی نیکو دارد. (۲۵)

یَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاکَ خَلِیفَهً فِی الْأَرْضِ فَاحْکُم بَیْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَی فَیُضِلَّکَ عَن سَبِیلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِینَ یَضِلُّونَ عَن سَبِیلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِیدٌ بِمَا نَسُوا یَوْمَ الْحِسَابِ (۲۶)

[و گفتیم:] ای داود! همانا تو را در زمین جانشین [و نماینده خود] قرار دادیم؛ پس میان مردم به حق داوری کن و از هوای نفس پیروی مکن که تو را از راه خدا منحرف می کند. بی تردید کسانی که از راه خدا منحرف می شوند، چون روز حساب را فراموش کرده اند، عذابی سخت دارند. (۲۶)

ص: ۴۵۴

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَیْنَهُمَا بَاطِلًا ذَلِکَ ظَنُّ الَّذِینَ کَفَرُوا فَوَیْلٌ لِّلَّذِینَ کَفَرُوا مِنَ النَّارِ (۲۷)

و ما آسمان و زمین و آنچه را که میان آنهاست، بیهوده نیافریده ایم، این پندار کافران است، پس وای بر آنان که کافرند از آتش دوزخ. (۲۷)

أَمْ نَجْعَلُ الَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ کَالْمُفْسِدِینَ فِی الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِینَ کَالْفُجَّارِ (۲۸)

آیا کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند مانند مفسدان در زمین قرار می دهیم یا پرهیزکاران را چون بدکاران؟! (۲۸)

کِتَابٌ أَنزَلْنَاهُ إِلَیْکَ مُبَارَکٌ لِّیَدَّبَّرُوا آیَاتِهِ وَلِیَتَذَکَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ (۲۹)

این کتاب پربرکتی است که آن را بر تو نازل کرده ایم تا آیاتش را تدبّر کنند و خردمندان متذکّر شوند. (۲۹)

وَوَهَبْنَا لِدَاوُودَ سُلَیْمَانَ نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ (۳۰)

و سلیمان را به داود بخشیدیم، چه نیکو بنده ای بود به راستی او بسیار رجوع کننده [به خدا] بود. (۳۰)

إِذْ عُرِضَ عَلَیْهِ بِالْعَشِیِّ الصَّافِنَاتُ الْجِیَادُ (۳۱)

[یاد کن] هنگامی را که در پایان روز اسب های چابک و تیزرو بر او عرضه کردند. (۳۱)

فَقَالَ إِنِّی أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَیْرِ عَن ذِکْرِ رَبِّی حَتَّی تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ (۳۲)

پس گفت: من دوستی اسبان را بر یاد پروردگارم [که نماز مستحب پایان روز است] اختیار کردم [زیرا می خواهم از آنان در

جهاد با دشمن استفاده کنم و همواره به آنها نظر می کرد] تا [خورشید] پشت پرده افق پنهان شد. (۳۲)

رُدُّوهَا عَلَيَّ فَطَفِقَ مَسْحًا بِالسُّوقِ وَالْأَعْنَاقِ (۳۳)

[اسب ها چنان توجه او را جلب کرده بودند که گفت:] آنها را به من بازگردانید. پس [برای نوازش آنها] به دست کشیدن به ساق ها و گردن های آنها پرداخت؛ (۳۳)

وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ وَأَلْقَيْنَا عَلَى كُرْسِيِّهِ جَسَدًا ثُمَّ أَنَابَ (۳۴)

و به راستی سلیمان را [درباره فرزندش] آزمودیم، و [آزمون این بود که] بر تختش جسدی [بی جان از فرزندش] افکندیم [فرزندی که سلیمان به زنده بودن او بسیار امید داشت]، آن گاه به درگاه خدا رجوع کرد [و همه امورش را به خدا واگذاشت.] (۳۴)

قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَّا يَنبَغِي لِأَحَدٍ مِّن بَعْدِي إِنَّكَ أَنتَ الْوَهَّابُ (۳۵)

گفت: پروردگارا! مرا بیامرز و حکومتی به من ببخش که بعد از من سزاوار هیچ کس نباشد؛ یقیناً تو بسیار بخشنده ای. (۳۵)

فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُخَاءً حَيْثُ أَصَابَ (۳۶)

پس باد را برای او مسخّر و رام کردیم که به فرمان او هر جا که می خواست نرم و آرام روان می شد. (۳۶)

وَالشَّيَاطِينَ كُلَّ بَنَّاءٍ وَغَوَّاصٍ (۳۷)

و هر بنّا و غواصی از شیاطین را [مسخّر و رام او نمودیم،] (۳۷)

وَآخَرِينَ مُقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ (۳۸)

و دیگر شیاطین را که با غل و زنجیر به هم بسته بودند [در سلطه او درآوردیم تا نتوانند در حکومت او فتنه و آشوب برپا کنند.] (۳۸)

هَذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ (۳۹)

[و به او گفتیم:] این عطای بی حساب ماست، [به هر کس خواهی] بی حساب ببخش و [از هر کس خواهی] دریغ کن. (۳۹)

وَإِنَّ لَهُ عِندَنَا لَزُلْفَى وَحُسْنَ مَآبٍ (۴۰)

بی تردید او نزد ما تقرب و منزلتی بلند و سرانجامی نیکو دارد. (۴۰)

وَاذْكُرْ عَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّی مَسَّنِیَ الشَّیْطَانُ بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ (۴۱)

و بنده ما ایوب را یاد کن، هنگامی که پروردگارش را ندا داد که شیطان [به سبب رنج و شکنجه ای که دچارش هستم] مرا سرزنش و شماتت می کند [تا از رحمت تو دلسردم کند.] (۴۱)

ارْكُضْ بِرِجْلِكَ هَذَا مُغْتَسَلٌ بَارِدٌ وَشَرَابٌ (۴۲)

[به او گفتیم:] با پایت به زمین بکوب، این آبی است برای شستشو، آبی سرد و آشامیدنی. (۴۲)

ص: ۴۵۵

وَوَهَبْنَا لَهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُم مَّعَهُمْ رَحْمَةً مِّنَّا وَذِكْرَی لِأُولِی الْأَلْبَابِ (۴۳)

و خانواده اش را [که در حادثه ها از دستش رفته بودند] و مانندشان را همراه با آنان به او بخشیدیم تا رحمتی از سوی ما و تذکری برای خردمندان باشد. (۴۳)

وَخُذْ بِیَدِكَ ضِغْثًا فَاضْرِب بِّهِ وَلَا تَحْنَثْ إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِّعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ (۴۴)

و [به او گفتیم: چون سوگند خورده ای که همسرت را برای اینکه تو را در امور معنوی ناراحت کرده بود، صد تازیانه بزنی] با دستت بسته ای ترکه خشک برگیر و همسرت را با آن بزن، و سوگندت را مشکن. بی تردید ما او را شکیبا یافتیم. چه نیکو بنده ای! یقیناً بسیار رجوع کننده به سوی ما بود. (۴۴)

وَاذْكُرْ عِبَادَنَا إِبْرَاهِیمَ وَإِسْحَاقَ وَیَعْقُوبَ أُولِی الْأَیْدِی وَالْأَبْصَارِ (۴۵)

و بندگان ما ابراهیم و اسحاق و یعقوب را یاد کن که دارای قدرت و بصیرت بودند. (۴۵)

إِنَّا أَخْلَصْنَاهُم بِخَالِصَهٍ ذِكْرَی الدَّارِ (۴۶)

ما آنان را با [صفت بسیار پرارزش] یاد کردن سرای آخرت با اخلاصی ویژه خالص ساختیم. (۴۶)

وَإِنَّهُمْ عِندَنَا لَمِنَ الْمُصْطَفَیْنَ الْأَخْیَارِ (۴۷)

به یقین آنان در پیشگاه ما از برگزیدگان و نیکان اند. (۴۷)

وَاذْكُرْ إِسْمَاعِیلَ وَالْیَسَعَ وَذَا الْكِفْلِ وَكُلٌّ مِّنَ الْأَخْیَارِ (۴۸)

و اسماعیل والیسع وذوالکفل را یاد کن و همه از نیکان اند. (۴۸)

هَذَا ذِكْرٌ وَإِنَّ لِلْمُتَّقِينَ لَحُسْنَ مَآبٍ (۴۹)

این [سرگذشت های سازنده] یادآوری و پند است؛ و بی تردید برای پرهیزکاران بازگشت گاه نیکویی خواهد بود. (۴۹)

جَنَّاتِ عَدْنٍ مُّفَتَّحَةً لَّهُمُ الْأَبْوَابُ (۵۰)

[آن بازگشت گاه] بهشت های جاویدانی است که درهایش را به روی آنان گشوده اند، (۵۰)

مُتَّكِئِينَ فِيهَا يَدْعُونَ فِيهَا بِفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ وَشَرَابٍ (۵۱)

در حالی که در آنجا بر تخت ها تکیه می زنند و میوه های فراوان و نوشیدنی مورد دلخواهشان را در آنجا می طلبند، (۵۱)

وَعِندَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ أَتْرَابٌ (۵۲)

و نزد آنان زنانی است که فقط به شوهرانشان عشق می ورزند، و با شوهرانشان هم سن و سال اند. (۵۲)

هَذَا مَا تُوعَدُونَ لِيَوْمِ الْحِسَابِ (۵۳)

[به آنان گویند:] این است آنچه شما را برای روز حساب وعده می دادند. (۵۳)

إِنَّ هَذَا لَرِزْقُنَا مَا لَهُ مِن نَّفَادٍ (۵۴)

این بی تردید عطای ماست که برای آن پایانی نیست. (۵۴)

هَذَا وَإِنَّ لِلطَّاغِينَ لَشَرَّ مَآبٍ (۵۵)

این [همه برای پرهیزکاران است]، و مسلماً برای سرکشان، بدترین بازگشتگاه خواهد بود. (۵۵)

جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا فَبِئْسَ الْمِهَادُ (۵۶)

دوزخ که در آن وارد می شوند و چه بد آرامگاهی است! (۵۶)

هَذَا فَلْيَذُوقُوهُ حَمِيمٌ وَغَسَّاقٌ (۵۷)

این آب جوشان و مایع چرکین متعفّن است که باید آن را بچشند، (۵۷)

وَآخَرُ مِن شَكْلِهِ أَزْوَاجٌ (۵۸)

و [جز اینها] عذاب های دیگری مانند آن دارند. (۵۸)

هَذَا فَوْجٌ مُّقْتَحِمٌ مَّعَكَمْ لَا مَرْحَبًا بِهِمْ إِنَّهُمْ صَالُو النَّارِ (۵۹)

[چون پیشوایان کفر به دوزخ درآیند، و پیروانشان را نیز راهی دوزخ کنند ندا رسد:] این گروهی [از پیروان شما] هستند که با فشار و زور با شما وارد دوزخ می شوند. [پیشوایان کفر در پاسخ ندا دهنده گویند:] خوش آمد و گشایشی بر آنان [که پیروان ما بودند] مباد، بی تردید آنان به آتش خواهند سوخت. (۵۹)

قَالُوا بَلْ أَنتُمْ لَا مَرْحَبًا بِكُمْ أَنتُمْ قَدَّمْتُمُوهُ لَنَا فَبِئْسَ الْقَرَارُ (۶۰)

[پیروان به پیشوایان] گویند: بلکه بر شما خوش آمد و گشایشی مباد، شما این عذاب را از پیش برای ما فراهم کردید، و چه بد قرارگاهی است. (۶۰)

قَالُوا رَبَّنَا مَن قَدَّمَ لَنَا هَذَا فَزِدْهُ عَذَابًا ضِعْفًا فِي النَّارِ (۶۱)

می گویند: پروردگارا! هر کس این عذاب را از پیش برای ما فراهم آورده است، برای او در آتش عذابی دو چندان بیفزا. (۶۱)

ص: ۴۵۶

وَقَالُوا مَا لَنَا لَا نَرَى رِجَالًا كُنَّا نَعُدُّهُم مِّنَ الْأَشْرَارِ (۶۲)

و می گویند: ما را چه شده که [مردان مؤمن و شایسته] ای که از اشرارشان می شمردیم، نمی بینیم. (۶۲)

أَتَّخَذْنَاهُمْ سِخْرِيًّا أَمْ زَاغَتْ عَنْهُمُ الْأَبْصَارُ (۶۳)

آیا ما آنان را به ناحق به مسخره گرفتیم [و اکنون در بهشت جای دارند] یا [در دوزخ اند و] دیدگان ما به آنان نمی افتد؟! (۶۳)

إِنَّ ذَلِكَ لَحَقٌّ تَخَاصُمُ أَهْلِ النَّارِ (۶۴)

این گفتگو و مجادله اهل آتش حتمی و واقع شدنی است. (۶۴)

قُلْ إِنَّمَا أَنَا مُنذِرٌ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ (۶۵)

بگو: من فقط بیم دهنده ام، و هیچ معبودی جز خدای یگانه قهّار نیست. (۶۵)

رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ (۶۶)

پروردگار آسمان ها و زمین و آنچه میان آنهاست، توانای شکست ناپذیر و بسیار آمرزنده است. (۶۶)

قُلْ هُوَ نَبَأٌ عَظِيمٌ (۶۷)

بگو: این [قرآن من] خبری بزرگ است، (۶۷)

أَنتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ (۶۸)

که شما از آن روی می گردانید. (۶۸)

مَا كَانَ لِيَ مِنْ عِلْمٍ بِالْمَلَإِ الْأَعْلَى إِذْ يَخْتَصِمُونَ (۶۹)

من از ملأ اعلی هنگامی که [درباره آفرینش آدم] مجادله می کردند، هیچ خبری ندارم. (۶۹)

إِن يُوحَى إِلَيَّ إِلَّا أَنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ (۷۰)

به من وحی نمی شود جز برای اینکه بیم دهنده ای آشکارم. (۷۰)

إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِّن طِينٍ (۷۱)

[یاد کن] هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: همانا من بشری از گل خواهم آفرید. (۷۱)

فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِن رُّوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ (۷۲)

پس زمانی که اندامش را درست و نیکو نمودم و از روح خود در او دمیدم، برای او سجده کنید. (۷۲)

فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ (۷۳)

پس فرشتگان همه با هم سجده کردند؛ (۷۳)

إِلَّا إِبْلِيسَ اسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ (۷۴)

مگر ابلیس که تکبر ورزید و از کافران شد. (۷۴)

قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَن تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِيَدَيَّ أَسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنتَ مِنَ الْعَالِينَ (۷۵)

[خدا] فرمود: ای ابلیس! تو را چه چیزی از سجده کردن بر آنچه که با دستان قدرت خود آفریدم، بازداشت؟ آیا تکبر کردی یا از بلند مرتبه گانی؟ (۷۵)

قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِي مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن طِينٍ (۷۶)

گفت: من از او بهترم، مرا از آتش آفریدی و او را از گل ساختی. (۷۶)

قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّکَ رَجِیمٌ (۷۷)

[خدا] گفت: از آن [جایگاه] بیرون رو که بی تردید تو رانده شده ای؛ (۷۷)

وَإِنَّ عَلَیْکَ لَعْنَتِی إِلَی یَوْمِ الدِّینِ (۷۸)

و حتماً لعنت من تا روز قیامت بر تو باد. (۷۸)

قَالَ رَبِّ فَأَنظِرْنِی إِلَی یَوْمِ یُبْعَثُونَ (۷۹)

گفت: پروردگارا! مرا تا روزی که مردم برانگیخته می شوند، مهلت ده. (۷۹)

قَالَ فَإِنَّکَ مِنَ الْمُنظَرِینَ (۸۰)

[خدا] گفت: تو از مهلت یافتگانی، (۸۰)

إِلَی یَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ (۸۱)

تا زمانی معین و معلوم. (۸۱)

قَالَ فَبِعِزَّتِکَ لَأُغْوِیَنَّهُمْ أَجْمَعِینَ (۸۲)

گفت: به عزتت سوگند همه آنان را گمراه می کنم، (۸۲)

إِلَّا عِبَادَکَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِینَ (۸۳)

مگر بندگان خالص شده ات را. (۸۳)

ص: ۴۵۷

قَالَ فَالْحَقُّ وَالْحَقَّ أَقُولُ (۸۴)

[خدا] گفت: سوگند به حق و فقط حق را می گویم (۸۴)

لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنکَ وَمِمَّن تَبِعَکَ مِنْهُمْ أَجْمَعِینَ (۸۵)

که بی تردید دوزخ را از تو و آنان که از تو پیروی کنند، از همگی پر خواهم کرد (۸۵)

قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ (۸۶)

بگو: من برای ابلاغ دین هیچ پاداشی از شما نمی خواهم و از کسانی که چیزی را از نزد خود می سازند [و ادعای باطل می کنند] نیستم. (۸۶)

إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ (۸۷)

آن [قرآن را که بر شما می خوانم] جز مایه تذکر و پندی برای جهانیان نیست. (۸۷)

وَلَتَعْلَمُنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ (۸۸)

و بی تردید پس از مدتی خبر [صدق حقّانیّت و ظهور عینی آیات و وعده های] آن را خواهید دانست. (۸۸)

سوره الزمر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ تَنزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ (۱)

[این] کتاب نازل شده از سوی خدای توانای شکست ناپذیر و حکیم است. (۱)

إِنَّا أَنزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَّهُ الدِّينَ (۲)

بی تردید ما این کتاب را به حقّ و درستی به سوی تو نازل کردیم، پس خدا را در حالی که اعتقاد و ایمان را برای او [از هرگونه شرکی] خالص می کنی، بپرست. (۲)

أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِن دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ (۳)

آگاه باشید! که دین خالص ویژه خداست، و آنان که به جای خدا سرپرستان و معبودانی برگزیده اند [و می گویند:] ما آنان را جز برای اینکه ما را هر چه بیشتر به خدا نزدیک کنند، نمی پرستیم. بی تردید خدا میان آنان [و مؤمنان] درباره آنچه که اختلاف می کنند [و آن آیین توحید و شرک است] داوری خواهد کرد؛ قطعاً خدا آن کس را که دروغگو و بسیار ناسپاس است، هدایت نمی کند. (۳)

لَّوْ أَرَادَ اللَّهُ أَن يَتَّخِذَ وَلَدًا لَّاصْطَفَى مِمَّا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ سُبْحَانَهُ هُوَ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ (۴)

اگر [بر فرض محال] خدا می خواست برای خود فرزندی بگیرد، همانا از میان آفریده هایش آنچه را خودش می خواست برمی گزید [نه اینکه شما برای او انتخاب کنید]؛ منزّه است او [از آنکه برای او فرزندی باشد] اوست خدای یگانه و قهّار. (۴)

خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ يُكَوِّرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ وَيُكَوِّرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى أَلَا

هُوَ الْعَزِیزُ الْغَفَّارُ (۵)

آسمان ها و زمین را به حق آفرید. شب را به روز درمی پیچید، و روز را به شب درمی پیچید، و خورشید و ماه را [برای بندگانش] مسخّر و رام کرد. هر کدام تا سرآمدی معین روانند. آگاه باشید! او توانای شکست ناپذیر و بسیار آمرزنده است. (۵)

ص: ۴۵۸

خَلَقَکُم مِّن نَّفْسٍ وَاحِدَهٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَأَنزَلَ لَکُم مِّنَ الْأَنْعَامِ ثَمَانِیَهَ أَزْوَاجٍ یَخْلُقُکُمْ فِی بُطُونِ أُمَّهَاتِکُمْ خَلْقًا مِّن بَعْدِ خَلْقٍ فِی ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ ذَلِکُمُ اللَّهُ رَبُّکُمْ لَهُ الْمُلْکُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّی تُصْرَفُونَ (۶)

شما را از یک تن آفرید، سپس همسرش را از او پدید آورد، و از چهارپایان [شتر و گاو و گوسفند و بز به اعتبار یک نر و یک ماده] هشت زوج آفرید، شما را در شکم های مادرانتان آفرینشی پس از آفرینشی دیگر در میان تاریکی های سه گانه [شکم و رحم و مشیمه] به وجود آورد. این است خدا پروردگار شما که فرمانروایی [مطلق بر همه هستی] ویژه اوست، معبودی جز او نیست، پس چگونه شما را از حق بازمی گردانند؟ (۶)

إِن تَکْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِیٌّ عَنکُمْ وَلَا یَرْضَی لِعِبَادِهِ الْکُفْرَ وَإِن تَشْکُرُوا یَرْضَهُ لَکُمْ وَلَا تَزِرُ وَازِرَهٌ وِزْرَ أُخْرَی ثُمَّ إِلَی رَبِّکُم مَّرْجِعُکُمْ فَیُنَبِّئُکُم بِمَا کُنتُمْ تَعْمَلُونَ إِنَّهُ عَلِیمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۷)

اگر کافر شوید [زیانی به خدا نمی رسانید؛ زیرا] خدا از شما بی نیاز است، و کفر را برای بندگانش نمی پسندد؛ و اگر سپاس گزاری کنید، آن را برای شما می پسندد. و هیچ سنگین باری، بار [گناه] دیگری را برنمی دارد. سپس بازگشت شما به سوی پروردگارتان خواهد بود، و شما را به آنچه انجام می دادید، آگاه خواهد کرد؛ زیرا او به نیّات و اسرار سینه ها داناست. (۷)

وَإِذَا مَسَّ الْإِنسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِیبًا إِلَیْهِ ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُ نِعْمَهً مِّنْهُ نَسِیَ مَا کَانَ یَدْعُو إِلَیْهِ مِن قَبْلُ وَجَعَلَ لِلَّهِ أَندَادًا لِّیُضِلَّ عَن سَبِیلِهِ قُلْ تَمَتَّعْ بِکُفْرِکَ قَلِیلًا إِنَّکَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ (۸)

و چون به انسان آسیبی رسد، پروردگارش را در حال بازگشت به سوی او [برای برطرف شدن آسیبش] می خواند، سپس چون او را [برای رهایی از آن آسیب] نعمتی از جانب خود عطا کند، آن آسیب را که پیش تر برای برطرف شدنش دعا می کرد، فراموش می کند و دوباره برای خدا همتایانی قرار می دهد تا [مردم را] از راه خدا گمراه کند. بگو: اندک زمانی از کفر خود برخوردار باش، بی تردید تو از اهل آتشی. (۸)

أَمَّنْ هُوَ قَانِتٌ آنَاءَ اللَّیْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا یَحْذَرُ الْآخِرَهَ وَیَرْجُو رَحْمَهَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ إِنَّمَا یَتَذَکَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ (۹)

[آیا چنین انسان کفران کننده ای بهتر است] یا کسی که در ساعات شب به سجده و قیام و عبادتی خالصانه مشغول است، از آخرت می ترسد و به رحمت پروردگارش امید دارد؟ بگو: آیا کسانی که معرفت و دانش دارند و کسانی که بی بهره از

معرفت و دانش اند، یکسانند؟ فقط خردمندان متذکّر می شوند. (۹)

قُلْ يَا عِبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمْ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَأَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةٌ إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُم بِغَيْرِ حِسَابٍ (۱۰)

بگو: ای بندگان مؤمنم! از پروردگارتان پروا کنید. برای کسانی که در این دنیا اعمال شایسته انجام داده اند، پاداش نیکی است و زمین خدا گسترده است [بر شماست از سرزمینی که دچار مضیقه دینی هستید به سرزمینی دیگر مهاجرت کنید]. فقط شکیبایان پاداششان را کامل و بدون حساب دریافت خواهند کرد. (۱۰)

ص: ۴۵۹

قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَّهُ الدِّينَ (۱۱)

بگو: من مأمورم که خدا را در حالی که ایمان و عبادت را برای او [از هر گونه شرکی] خالص می کنم، بپرستم. (۱۱)

وَأُمِرْتُ لِأَنْ أَكُونَ أَوَّلَ الْمُسْلِمِينَ (۱۲)

و مأمورم که [در این آیین از] نخستین تسلیم شدگان [به فرمان ها و احکام] او باشم. (۱۲)

قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ (۱۳)

بگو: اگر پروردگارم را نافرمانی کنم از عذاب روزی بزرگ می ترسم. (۱۳)

قُلِ اللَّهَ أَعْبُدُ مُخْلِصًا لَّهُ دِينِي (۱۴)

بگو: فقط خدا را در حالی که ایمان و عبادتم را برای او [از هر گونه شرکی] خالص می کنم، می پرستم. (۱۴)

فَاعْبُدُوا مَا شِئْتُم مِّن دُونِهِ قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ (۱۵)

پس شما هم آنچه را می خواهید، به جای او بپرستید. بگو: بی تردید زیانکاران [واقعی] کسانی هستند که روز قیامت سرمایه وجودشان و کسانشان را به تباهی داده باشند؛ آگاه باشید! که آن همان زیان آشکار است. (۱۵)

لَهُم مِّن فَوْقِهِمْ ظُلَلٌ مِّنَ النَّارِ وَمِن تَحْتِهِمْ ظُلَلٌ ذَلِكَ يُخَوِّفُ اللَّهُ بِهِ عِبَادَهُ يَا عِبَادِ فَاتَّقُونِ (۱۶)

برای آنان از بالای سرشان و از زیر پایشان سایبان هایی از آتش است، این عذابی است که خدا بندگانش را به آن بیم می دهد. ای بندگانم! از من پروا کنید (۱۶)

وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَن يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَى فَبَشِّرْ عِبَادِ (۱۷)

و کسانی که از پرستیدن طاغوت [یعنی بت ها، اربابان کفر و شیطان های سرکش] دوری کردند و به سوی خدا بازگشتند، بر آنان مژده باد؛ پس به بندگانم مژده ده. (۱۷)

الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ (۱۸)

آنان که سخن را می شنوند و از بهترینش پیروی می کنند، ایناند کسانی که خدا هدایتشان کرده، و اینان همان خردمندانند. (۱۸)

أَفَمَنْ حَقَّ عَلَيْهِ كَلِمَةُ الْعَذَابِ أَفَأَنتَ تُنقِذُ مَن فِي النَّارِ (۱۹)

آیا کسی که فرمان عذاب بر او محقق و ثابت شده [راه گریزی از آن دارد؟] آیا کسی را که در آتش است، تو نجات می دهی؟ (۱۹)

لَكِنِ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ غُرَفٌ مِّن فَوْقِهَا غُرَفٌ مَّبْنِيَّةٌ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَعْدَ اللَّهِ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ الْمِيعَادَ (۲۰)

ولی کسانی که از پروردگارشان پروا داشتند، برای آنان غرفه هایی است که از فراز آنها غرفه هایی دیگر بنا شده و از زیر آنها نهرها جاری است. خدا این وعده را داده است؛ خدا خلف وعده نمی کند. (۲۰)

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنَابِيعَ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا مُّخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَجْعَلُهُ حُطَامًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرَى لِأُولِي الْأَلْبَابِ (۲۱)

آیا ندانسته ای که خدا از آسمان آبی نازل کرد، پس آن را به صورت چشمه هایی در زمین درآورد، آن گاه به وسیله آن زراعتی را که رنگ هایش گوناگون است، بیرون می آورد، سپس [آن زراعت] خشک می شود، در نتیجه آن را به رنگ زرد بینی، پس آن را ریز ریز و در هم شکسته می کند؛ بی تردید در این [دگرگونی ها] برای خردمندانْ هشدار و عبرتی است. (۲۱)

ص: ۴۶۰

أَفَمَن شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَى نُورٍ مِّن رَّبِّهِ فَوَيْلٌ لِّلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُم مِّن ذِكْرِ اللَّهِ أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۲۲)

آیا کسی که خدا سینه اش را برای [پذیرفتن] اسلام گشاده است، و بهره مند از نوری از سوی پروردگار خویش است [مانند کسی است که سینه اش از پذیرفتن اسلام تنگ است؟] پس وای بر آنان که دل هایشان از یاد کردن خدا سخت است، اینان در گمراهی آشکار هستند. (۲۲)

اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُّتَشَابِهًا مَّثَانِيَ تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَن يَشَاءُ وَمَن يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ (۲۳)

خدا نیکوترین سخن را نازل کرد، کتابی که [آیاتش در نظم، زیبایی، فصاحت، بلاغت و عمق محتوا] شبیه یکدیگر است، مشتمل بر داستان های پندآموز [و امر، نهی، وعده، وعید، حلال و حرام] است؛ از شنیدن آیاتش پوست کسانی که از پروردگارشان می هراسند به هم جمع می شود، آن گاه پوستشان و دلشان به یاد خدا نرم می گردد و آرامش می یابد. این هدایت خداست که هر که را بخواهد به آن راهنمایی می کند؛ و هر که را خدا [به کیفر کفر و عنادش] گمراه کند، او را هیچ هدایت کننده ای نخواهد بود. (۲۳)

أَفَمَن يَتَّقِي بِوَجْهِهِ سُوءَ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَقِيلَ لِلظَّالِمِينَ ذُوقُوا مَا كُنتُمْ تَكْسِبُونَ (۲۴)

آیا کسی که روز قیامت [به خاطر بسته بودن دست هایش می کوشد که] با صورت خود گزند عذاب را دفع کند [مانند کسی است که ایمن از عذاب است؟] به ستمکاران گویند: آنچه را همواره مرتکب می شدید، بچشید. (۲۴)

كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَأَتَاهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ (۲۵)

کسانی [هم] که پیش از آنان بودند [آیات خدا را] تکذیب کردند، پس از آنجا که گمان نمی کردند، عذاب به سویشان آمد. (۲۵)

فَأَذَاقَهُمُ اللَّهُ الْخِزْيَ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (۲۶)

پس خدا در زندگی دنیا خواری و رسوایی را به آنان چشانید؛ و اگر معرفت و آگاهی داشتند [توجه می کردند که] عذاب آخرت بزرگ تر است. (۲۶)

وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِن كُلِّ مَثَلٍ لَّعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (۲۷)

و ما برای مردم در این قرآن از هر گونه مثل و سرگذشت عبرت آموزی بیان کرده ایم، باشد که متذکّر شوند. (۲۷)

قُرْآنًا عَرَبِيًّا غَيْرَ ذِي عِوَجٍ لَّعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ (۲۸)

قرآنی است گویا و روشن بدون هر گونه انحراف و کژی، برای اینکه [در سایه تعالیمش از شرک، عصیان و فساد] بپرهیزند. (۲۸)

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَّجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَاكِسُونَ وَرَجُلًا سَلَمًا لِّرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۲۹)

خدا [برای فهماندن حقیقت توحید و شرک] مثلی زده است: مردی را که اربابانی ناسازگار و بداخلاق در [مالکیّت] او شریک اند، و مردی که فقط برده یک مالک است، آیا این دو برده از جهت فرمان گرفتن و فرمان بردن با هم یکسانند؟ [موحدان که بنده خدای یکتا هستند، دارای زندگی منظم و پاک و آخرتی آبادند، و مشرکان که فرمان بران اربابان گوناگونند، دارای زندگی پریشان و آخرتی خراب اند.] همه ستایش ها ویژه خداست. بلکه بیشترشان [به آثار و منافع بندگی خدا] معرفت و

آگاهی ندارند. (۲۹)

إِنَّکَ مَیِّتٌ وَإِنَّهُم مَّیِّتُونَ (۳۰)

بی تردید تو می میری و قطعاً آنان هم می میرند. (۳۰)

ثُمَّ إِنَّکُمْ یَوْمَ الْقِیَامَهِ عِندَ رَبِّکُمْ تَخْتَصِمُونَ (۳۱)

سپس شما روز قیامت نزد پروردگارتان [در امر دین] مجادله خواهید کرد [که ما موحدان در دنیا حقّانیّت توحید را ثابت کردیم و بطلان بت پرستی را روشن نمودیم، ولی کبرِ شما مانع از هدایت شما شد.] (۳۱)

ص: ۴۶۱

جزء ۲۴

ادامه سوره الزمر

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن کَذَبَ عَلَی اللَّهِ وَکَذَّبَ بِالصِّدْقِ إِذْ جَاءَهُ أَلَیْسَ فِی جَهَنَّمَ مَثْوًی لِّلْکَافِرِینَ (۳۲)

پس چه کسی ستمکارتر است از آنکه بر خدا دروغ بندد و سخن راست و درست را چون به سوی او آمد، تکذیب کند؟ آیا دوزخ جایگاهی برای کافران نیست؟ (۳۲)

وَالَّذِی جَاءَ بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِ أُولَئِکَ هُمُ الْمُتَّقُونَ (۳۳)

و آنکه سخن راست و درست آورد و کسانی که آن را باور کردند، اینانند که پرهیزکارانند. (۳۳)

لَهُم مَّا یَشَاءُونَ عِندَ رَبِّهِمْ ذَلِکَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِینَ (۳۴)

برای آنان نزد پروردگارشان آنچه بخواهند فراهم است؛ این است پاداش نیکوکاران؛ (۳۴)

لِیُکَفِّرَ اللَّهُ عَنْهُمْ أَسْوَأَ الَّذِی عَمِلُوا وَیَجْزِیَهُمْ أَجْرَهُم بِأَحْسَنِ الَّذِی کَانُوا یَعْمَلُونَ (۳۵)

تا خدا [به رحمتش] زشت ترین اعمالی که انجام دادند از آنان محو کند، و آنان را بر پایه بهترین عملی که همواره انجام می دادند پاداش دهد. (۳۵)

أَلَیْسَ اللَّهُ بِکَافٍ عَبْدَهُ وَیُخَوِّفُونَکَ بِالَّذِینَ مِن دُونِهِ وَمَن یُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ (۳۶)

آیا خدا برای بنده اش [در همه امور] کافی نیست؟ و مشرکان [به پندار خود] تو را از کسانی که غیر خدا هستند، می ترسانند و هر که را خدا به کیفر [کفر و عناد] ش گمراه کند، او را هیچ هدایت کننده ای نخواهد بود؛ (۳۶)

وَمَن يَهْدِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن مُّضِلٍّ أَلَيْسَ اللَّهُ بِعَزِيزٍ ذِی انتِقَامٍ (۳۷)

و هر که را خـدا هـدایت کنـد، او را هیچ گمراه کننده ای نخواهد بود. آیا خدا توانای شـکست ناپذیر و صاحب انتقام نیست؟ (۳۷)

وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلْ أَفَرَأَيْتُم مَّا تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ إِنْ أَرَادَنِيَ اللَّهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ ضُرِّهِ أَوْ أَرَادَنِي بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَاتُ رَحْمَتِهِ قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ (۳۸)

اگر از آنان بپرسی: چه کسـی آسـمان ها و زمین را آفریـد؟ بی تردیـد می گوینـد: خـدا. بگو: پس مرا درباره معبودانی که به جای خدا می پرستید خبر دهید، که اگر خدا آسـیبی را برای من بخواهد، آیا آنها می توانند آسـیب او را از من برطرف کنند؟ یا اگر رحمتی را برای من بخواهـد، آیا می تواننـد رحمتش را باز دارنـد؟ بگو: خـدا مرا کافی است. توکل کنندگان فقط بر او توکل می کنند. (۳۸)

قُلْ يَا قَوْمِ اعْمَلُوا عَلَى مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ (۳۹)

بگو: ای قوم من! شـما بر همین حـالت کفر و عنـادی که هستیـد عمـل کنیـد، من نیز [بر پـایه ایمـان و اخلاصم] عمل می کنم، سپس خواهید دانست، (۳۹)

مَن يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيمٌ (۴۰)

که چه کسی را [در دنیا] عذابی خوار کننده بیاید، و [در آخرت هم] عذابی جاودانه بر او فرود آید. (۴۰)

ص: ۴۶۲

إِنَّا أَنزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ فَمَنِ اهْتَدَى فَلِنَفْسِهِ وَمَن ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنتَ عَلَيْهِم بِوَكِيلٍ (۴۱)

ما این کتاب را برای [هدایت] مردم به حقّ و راستی بر تو نازل کرده ایم؛ پس هر که هدایت یافت، به سود خود هدایت یافته و هر که گمراه شد، فقط به زیان خود گمراه می شود؛ و تو بر آنان نگهبان و کارساز نیستی، (۴۱)

اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ الَّتِي قَضَى عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَى إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (۴۲)

و خـداست کـه روح [مردم] را هنگـام مرگشـان به طـور کامـل می گیرد، و روحی را که [صـاحبش] نمرده است نیز به هنگـام خوابش [می گیرد]، پس روح کسـی که مرگ را بر او حکم کرده نگه می دارد، [و به بدن باز نمی گرداند] و دیگر روح را تا سرآمدی معین باز می فرستد؛ مسلماً در این [واقعیت] برای مردمی که می اندیشند، نشانه هایی [بر قدرت خدا] ست. (۴۲)

أَمِ اتَّخَذُوا مِن دُونِ اللَّهِ شُفَعَاءَ قُلْ أَوَلَوْ كَانُوا لَا يَمْلِكُونَ شَيْئًا وَلَا يَعْقِلُونَ (۴۳)

[نه اینکه بی خبران، درباره قدرت خدا نمی اندیشند] بلکه به جای خدا [از بتان] شفیعانی برای خود گرفته اند. بگو: آیا [از آنها شفاعت می خواهید] هر چند مالک چیزی [و اختیاردار شفاعتی] نباشند و علم و عقلی نداشته باشند [و پرستندگان خود را نشناسند؟] (۴۳)

قُل لِّلَّهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعًا لَّهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۴۴)

بگو: شفاعت، یکسره ویژه خداست، فرمانروایی آسمان ها و زمین در سیطره اوست، سپس به سوی او بازگردانده می شوید؛ (۴۴)

وَإِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَإِذَا ذُكِرَ الَّذِينَ مِن دُونِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ (۴۵)

و هنگامی که خدا به یگانگی یاد می شود [و نامی از معبودانشان به میان نمی آید] دل های کسانی که به آخرت ایمان ندارند، نفرت پیدا می کند و چون یادی از معبودان دیگر به میان می آید، ناگاه مسرور و شاد می شوند!! (۴۵)

قُلِ اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ أَنتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ فِي مَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ (۴۶)

[وقتی از ایمان آوردنشان ناامید شدی] بگو: خدایا! ای آفریننده آسمان ها و زمین! [ای] دانای نهان و آشکار! تو خود در میان بندگانت بر سر آنچه [از عقاید و عبادات] اختلاف می کردند، داوری خواهی کرد؛ (۴۶)

وَلَوْ أَنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَافْتَدَوْا بِهِ مِن سُوءِ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَبَدَا لَهُم مِّنَ اللَّهِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ (۴۷)

و اگر برای کسانی که [به آیات خدا] ستم ورزیده اند، همه آنچه در زمین است و مانندش با آن باشد، بی تردید حاضرند آن را برای رهایی خود از عذاب سخت روز قیامت عوض دهند، و از سوی خدا آنچه را که [از عذاب های گوناگون] نمی پنداشتند، آشکار می شود. (۴۷)

ص: ۴۶۳

وَبَدَا لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (۴۸)

و زشتی های آنچه را که مرتکب شده اند برای آنان پدیدار می گردد، و آنچه [از عذاب هایی] که مسخره می کردند، آنان را احاطه خواهد کرد. (۴۸)

فَإِذَا مَسَّ الْإِنسَانَ ضُرٌّ دَعَانَا ثُمَّ إِذَا خَوَّلْنَاهُ نِعْمَةً مِّنَّا قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَى عِلْمٍ بَلْ هِيَ فِتْنَةٌ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۴۹)

پس چون انسان را آسیبی رسد، ما را [برای برطرف کردنش] بخواند، سپس هنگامی که [برای برطرف شدن آسیب] از سوی خود نعمتی به او می دهیم، می گوید: فقط آن را بر پایه دانش و کاردانی خود یافته ام! [چنین نیست که می پندارد] بلکه آن

نعمت آزمایشی است [که آیا به خاطر آن سپاس گزاری می کند یا به طغیان برمی خیزد؟] ولی بیشتر آنان [به این واقعیت] معرفت و آگاهی ندارند. (۴۹)

قَدْ قَالَهَا الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَمَا أَغْنَى عَنْهُم مَّا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۵۰)

همین [سخن بیهوده و باطل] را کسانی که پیش از آنان بودند، گفتند، ولی آنچه را [از مقام و ثروت همواره] به دست می آوردند، عذاب و هلاکت را از آنان برطرف نکرد. (۵۰)

فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَالَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ هَؤُلَاءِ سَيُصِيبُهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَمَا هُم بِمُعْجِزِينَ (۵۱)

پس عذاب های آنچه را مرتکب شدند به آنان رسید، و کسانی از این [مردم مکه] که [به آیات ما] ستم ورزیدند، به زودی عذاب های آنچه را که مرتکب شدند به آنان خواهد رسید؛ و آنان عاجزکننده ما نیستند [تا بتوانند از دسترس قدرت ما بیرون روند.] (۵۱)

أَوَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (۵۲)

آیا ندانسته اند که خدا رزق و روزی را برای هر که بخواهد وسعت می دهد یا تنگ می گیرد؟ بی تردید در این [اندازه گیری] برای مردمی که ایمان دارند، نشانه هایی [از حکمت و مصلحت خدا] ست. (۵۲)

قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (۵۳)

بگو: ای بندگان من که [با ارتکاب گناه] بر خود زیاده روی کردید! از رحمت خدا نومید نشوید، یقیناً خدا همه گناهان را می آمرزد؛ زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است؛ (۵۳)

وَأَنِيبُوا إِلَى رَبِّكُمْ وَأَسْلِمُوا لَهُ مِن قَبْلِ أَن يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ (۵۴)

و به سوی پروردگارتان بازگردید و تسلیم [فرمان ها و احکام] او شوید، پیش از آنکه شما را عذاب آید آن گاه یاری نشوید. (۵۴)

وَاتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُم مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ بَغْتَةً وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ (۵۵)

و از نیکوترین چیزی که از طرف پروردگارتان به سوی شما نازل شده است پیروی کنید، پیش از آنکه ناگهان و در حالی که بی خبرید، عذاب به شما رسد؛ (۵۵)

أَن تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتَا عَلَى مَا فَرَّطتُ فِي جَنبِ اللَّهِ وَإِن كُنتُ لَمِنَ السَّاخِرِينَ (۵۶)

تا مبادا آنکه کسی بگوید: دریغ و افسوس بر اهمال کاری و تقصیری که درباره خدا کردم، و بی تردید [نسبت به احکام الهی

و آیات ربّانی] از مسخره کنندگان بودم. (۵۶)

أَوْ تَقُولَ لَوْ أَنَّ اللَّهَ هَدَانِی لَکُنتُ مِنَ الْمُتَّقِینَ (۵۷)

یا بگوید: اگر خدا هدایتم می کرد، بی تردید از پرهیزکاران بودم، (۵۷)

أَوْ تَقُولَ حِینَ تَرَی الْعَذَابَ لَوْ أَنَّ لِی کَرَّةً فَأَکُونَ مِنَ الْمُحْسِنِینَ (۵۸)

یا چون عذاب را ببیند، بگوید: ای کاش مرا [به دنیا] بازگشتی بود تا از نیکوکاران می شدم. (۵۸)

بَلَی قَدْ جَاءَتْکَ آیَاتِی فَکَذَّبْتَ بِهَا وَاسْتَکْبَرْتَ وَکُنتَ مِنَ الْکَافِرِینَ (۵۹)

[ولی به او گویم:] آری، آیاتم به سوی تو آمد، پس تو آنها را انکار کردی و [در پذیرفتنش] تکبر ورزیدی، و [نسبت به آن] از کافران بودی، (۵۹)

وَیَوْمَ الْقِیَامَهِ تَرَی الَّذِینَ کَذَبُوا عَلَی اللَّهِ وُجُوهُهُم مُّسْوَدَّهٌ أَلَیْسَ فِی جَهَنَّمَ مَثْوًی لِّلْمُتَکَبِّرِینَ (۶۰)

و روز قیامت کسانی را که بر خدا دروغ بستند می بینی که صورت هایشان سیاه است؛ آیا در دوزخ جایگاهی برای متکبران نیست؟ (۶۰)

وَیُنَجِّی اللَّهُ الَّذِینَ اتَّقَوْا بِمَفَازَتِهِمْ لَا یَمَسُّهُمُ السُّوءُ وَلَا هُمْ یَحْزَنُونَ (۶۱)

و خدا کسانی را که پرهیزکاری پیشه کردند، به سبب اعمالی که مایه رستگاری شان بود نجات می دهد، عذاب به آنان نمی رسد، و اندوهگین هم نمی شوند. (۶۱)

اللَّهُ خَالِقُ کُلِّ شَیْءٍ وَهُوَ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ وَکِیلٌ (۶۲)

خدا آفریننده هر چیزی است و او بر هر چیزی نگهبان و کارساز است. (۶۲)

لَّهُ مَقَالِیدُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالَّذِینَ کَفَرُوا بِآیَاتِ اللَّهِ أُولَئِکَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (۶۳)

کلیدهای آسمان ها و زمیندر مالکیت اوست، و کسانی که به آیات خدا کفر ورزیدند، هم آنان زیانکارند. (۶۳)

قُلْ أَفَغَیْرَ اللَّهِ تَأْمُرُونِّی أَعْبُدُ أَیُّهَا الْجَاهِلُونَ (۶۴)

بگو: ای نادانان! آیا به من فرمان می دهید که غیر خدا را بپرستم؟! (۶۴)

وَلَقَدْ أُوحِيَ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ (۶۵)

بی تردید به تو و به کسانی که پیش از تو بوده اند، وحی شده است که اگر مشرک شوی، همه اعمالت تباه و بی اثر می شود و از زیانکاران خواهی بود. (۶۵)

بَلِ اللَّهَ فَاعْبُدْ وَكُن مِّنَ الشَّاكِرِينَ (۶۶)

بلکه فقط خدا را بپرست و از سپاس گزاران باش. (۶۶)

وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ (۶۷)

و خدا را آن گونه که سزاوار اوست نشناختند، در حالی که زمین در روز قیامت یکسره در قبضه قدرت اوست، و آسمان ها هم درهم پیچیده به دست اوست؛ منزّه و برتر است از آنچه با او شریک می گیرند. (۶۷)

وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَمَن فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَن شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَى فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنظُرُونَ (۶۸)

و در صور دمیده می شود، پس هر که در آسمان ها و زمین است می میرد، مگر کسی را که خدا بخواهد، آن گاه بار دیگر در صور دمیده می شود، ناگاه همه آنان بر پای ایستاده [مات و مبهوت به هر سو] می نگرند [که سرانجام کارشان چه خواهد شد!] (۶۸)

وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجِيءَ بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (۶۹)

و زمین به نور پروردگارش روشن می شود، و کتاب [اعمال] را می نهند، و پیامبران و گواهان را بیاورند ومیانشان به حقّ وراستی داوری شود، وآنان مورد ستم قرار نمی گیرند؛ (۶۹)

وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَا يَفْعَلُونَ (۷۰)

و به هر کسی آنچه را انجام داده است، به طور کامل داده شود و او به کارهایی که انجام می دهند، داناتر است. (۷۰)

وَسِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَى جَهَنَّمَ زُمَرًا حَتَّى إِذَا جَاءُوهَا فُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنكُمْ يَتْلُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِ رَبِّكُمْ وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُوا بَلَى وَلَكِنْ حَقَّتْ كَلِمَةُ الْعَذَابِ عَلَى الْكَافِرِينَ (۷۱)

و کافران گروه گروه به دوزخ رانده می شوند، چون به دوزخ رسند درهایش گشوده شود و نگهبانانش به آنان گویند: آیا پیامبرانی از جنس خودتان به سویتان نیامدند که آیات پروردگارتان را بر شما بخوانند و شما را به دیدار این روزتان بیم دهند؟ گویند: آری، [آمدند] ولی فرمان عذاب بر کافران محقق و ثابت شدهاست. (۷۱)

قِيلَ ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ (٧٢)

[به آنان] گویند: از درهای دوزخ درآیید در حالی که در آن جاودانه اید؛ پس جایگاه متکبران چه بد جایگاهی است؛ (٧٢)

وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّى إِذَا جَاءُوهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ (٧٣)

و کسانی که از پروردگارشان پروا کردند گروه گروه به بهشت رانده می شوند، چون به آن رسند در حالی که درهایش از پیش گشوده شده است، نگهبانانش به آنان گویند: سلام بر شما، پاکیزه و نیکو شدید، پس وارد آن شوید که [در آن] جاودانه اید. (٧٣)

وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقَنَا وَعْدَهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَبَوَّأُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ (٧۴)

می گویند: همه ستایش ها ویژه خداست که درباره ما به وعده اش وفا کرد، و زمین [بهشت] را به ما میراث داد که هر جای از بهشت را بخواهیم، جای خود قرار می دهیم. چه نیکوست پاداش عمل کنندگان. (٧۴)

ص: ۴۶۶

وَتَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِّينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَقِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (٧۵)

و فرشتگان را می بینی که پیرامون عرش حلقه زده اند، پروردگارشان را همراه ستایش تسبیح می گویند، و در میان اهل محشر به حق داوری شود، و [پس از پایان کار قیامت] گویند: همه ستایش ها ویژه خداست که پروردگار جهانیان است. (٧۵)

سوره غافر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ حم (١)

حم (١)

تَنزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ (٢)

این کتاب نازل شده از سوی خدای توانای شکست ناپذیر وداناست؛ (٢)

غَافِرِ الذَّنبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِي الطَّوْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ (٣)

که آمرزنده گناه و پذیرنده توبه، سخت کیفر و صاحب نعمت فراوان است. هیچ معبودی جز او نیست. بازگشت فقط به سوی اوست. (٣)

مَا يُجَادِلُ فِی آیَاتِ اللَّهِ إِلَّا الَّذِینَ کَفَرُوا فَلَا یَغْرُرْکَ تَقَلُّبُهُمْ فِی الْبِلَادِ (۴)

تنها کافران در آیات خدا مجادله و ستیزه می کنند [اینان را هیچ شأن و اعتباری نیست]؛ پس مبادا رفت و آمدشان در شهرها [به خاطر قدرت نمایی، تجارت و ثروتمند شدنشان] تو را بفریبد. (۴)

کَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَالْأَحْزَابُ مِن بَعْدِهِمْ وَهَمَّتْ کُلُّ أُمَّهٍ بِرَسُولِهِمْ لِیَأْخُذُوهُ وَجَادَلُوا بِالْبَاطِلِ لِیُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ فَأَخَذْتُهُمْ فَکَیْفَ کَانَ عِقَابِ (۵)

پیش از آنان قوم نوح و اقوامی که بعد از آنان بودند [پیامبرانشان را] تکذیب کردند، و هر امتی آهنگ پیامبر خود کردند تا او را دستگیر کنند [و از ابلاغ دین بازش دارند، یا از وطن بیرونش نمایند، یا او را بکشند] و با توسل به باطل برای نابود کردن حق و از میان بردن آن مجادله و ستیزه کردند، پس من هم آنان را [به عذاب] گرفتم، پس [بنگر که] عذاب من چگونه بود. (۵)

وَکَذَلِکَ حَقَّتْ کَلِمَتُ رَبِّکَ عَلَی الَّذِینَ کَفَرُوا أَنَّهُمْ أَصْحَابُ النَّارِ (۶)

این گونه فرمان پروردگارت بر کافران محقق و ثابت شد که آنان اهل آتش اند. (۶)

الَّذِینَ یَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ یُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَیُؤْمِنُونَ بِهِ وَیَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِینَ آمَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ کُلَّ شَیْءٍ رَّحْمَهً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِینَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِیلَکَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِیمِ (۷)

فرشتگانی که عرش را حمل می کنند و آنان که پیرامون آن هستند، همراه سپاس و ستایش، پروردگارشان را تسبیح می گویند و به او ایمان دارند و برای اهل ایمان آمرزش می طلبند، [و می گویند:] پروردگارا! از روی رحمت و دانش همه چیز را فرا گرفته ای، پس آنان را که توبه کرده اند و راه تو را پیروی نموده اند بیامرز، و آنان را از عذاب دوزخ نگه دار. (۷)

ص: ۴۶۷

رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّاتِ عَدْنٍ الَّتِی وَعَدتَّهُمْ وَمَن صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّیَّاتِهِمْ إِنَّکَ أَنتَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ (۸)

پروردگارا! و آنان را در بهشت های جاودانی که به آنان و به شایستگان از پدران و همسران و فرزندانشان وعده داده ای در آور؛ یقیناً تو توانای شکست ناپذیر و حکیمی؛ (۸)

وَقِهِمُ السَّیِّئَاتِ وَمَن تَقِ السَّیِّئَاتِ یَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ وَذَلِکَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِیمُ (۹)

و آنان را از عقوبت ها نگه دار، و هر که را در آن روز از عقوبت ها نگه داری بی تردید او را مورد رحمت قرار داده ای؛ و این همان کامیابی بزرگ است. (۹)

إِنَّ الَّذِینَ کَفَرُوا یُنَادَوْنَ لَمَقْتُ اللَّهِ أَکْبَرُ مِن مَّقْتِکُمْ أَنفُسَکُمْ إِذْ تُدْعَوْنَ إِلَی الْإِیمَانِ فَتَکْفُرُونَ (۱۰)

کافران را [پس از ورود به دوزخ] نـدا می دهند: مسلماً دشـمنی و خشم خدا نسبت به شـما از دشـمنی و خشم خودتان درباره خودتان بیشتر است؛ زیرا دعوت به ایمان می شدید پس کفر می ورزیدید. (۱۰)

قَالُوا رَبَّنَا أَمَتَّنَا اثْنَتَيْنِ وَأَحْيَيْتَنَا اثْنَتَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَى خُرُوجٍ مِّن سَبِيلٍ (۱۱)

می گوینـد: پروردگارا! دوبار ما را میراندی و دوبار زنده کردی، اکنون به گناهانمان معترفیم، پس آیا راهی برای بیرون آمدن [از دوزخ] هست؟ (۱۱)

ذَلِكُم بِأَنَّهُ إِذَا دُعِيَ اللَّهُ وَحْدَهُ كَفَرْتُمْ وَإِن يُشْرَكْ بِهِ تُؤْمِنُوا فَالْحُكْمُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْكَبِيرِ (۱۲)

این [سـختیِ عذاب] به سبب این است که چون خدا به یگانگی [و بدون معبودانتان] خوانده می شد [یگانگی اش] را انکار می کردیـد، و اگر برای او شـریک و همتـایی قرار داده می شـد، بـاور می کردیـد؛ پس [اکنـون] داوری، ویژه خـدای والامرتبه و بزرگ است. (۱۲)

هُوَ الَّذِي يُرِيكُمْ آيَاتِهِ وَيُنَزِّلُ لَكُم مِّنَ السَّمَاءِ رِزْقًا وَمَا يَتَذَكَّرُ إِلَّا مَن يُنِيبُ (۱۳)

اوست که نشانه های خود را به شما نشان می دهد، و از آسمان برای شما روزی نازل می کند؛ و فقط کسانی متذکّر می شوند که به سوی خدا باز می گردند. (۱۳)

فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ (۱۴)

پس خدا را در حالی که ایمان و عبادت را [از هر گونه شرکی] برای او خالص می کنید، بپرستید گرچه کافران [از روش شما] ناخشنود باشند. (۱۴)

رَفِيعُ الدَّرَجَاتِ ذُو الْعَرْشِ يُلْقِي الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ لِيُنذِرَ يَوْمَ التَّلَاقِ (۱۵)

بالا برنده درجات و صاحب عرش است، روح را [که فرشته وحی است] به فرمانش به هر کس از بندگانش که بخواهد القا می کند تا مردم را از روز ملاقات [که روز رستاخیز است] بیم دهد. (۱۵)

يَوْمَ هُم بَارِزُونَ لَا يَخْفَى عَلَى اللَّهِ مِنْهُمْ شَيْءٌ لِّمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ (۱۶)

روزی که همه آنان آشکار می شوند، [و] چیزی از آنان بر خدا پوشیده نمی ماند. [و ندا آید:] امروز فرمانروایی ویژه کیست؟ ویژه خدای یکتای قهّار است. (۱۶)

ص: ۴۶۸

الْيَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ لَا ظُلْمَ الْيَوْمَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ (۱۷)

امروز هر کس را در برابر آنچه انجام داده است، پاداش می دهند. امروز هیچ ستمی وجود ندارد؛ یقیناً خدا در حسابرسی سریع است. (۱۷)

وَأَنذِرْهُمْ يَوْمَ الْآزِفَهِ إِذِ الْقُلُوبُ لَدَى الْحَنَاجِرِ كَاظِمِينَ مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ يُطَاعُ (۱۸)

و آنان را از روز نزدیک بیم ده، آن گاه که [از شدت ترس] جان ها به گلوگاه رسد، در حالی که همه وجودشان پر از غم و اندوه است. برای ستمکاران هیچ دوست مهربانی و شفیعی که شفاعتش پذیرفته شود، وجود ندارد! (۱۸)

يَعْلَمُ خَائِنَهَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ (۱۹)

[او] چشم هایی را که به خیانت [به نامحرمان] می نگرد و آنچه را سینه ها پنهان می دارند، می داند. (۱۹)

وَاللَّهُ يَقْضِي بِالْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِهِ لَا يَقْضُونَ بِشَيْءٍ إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ (۲۰)

و خدا به حق داوری می کند، و معبودانی را که [مشرکان] به جای او می پرستند [چون از هر جهت ناتوانند] هیچ گونه داوری نمی کنند؛ یقیناً خدا شنوا و بیناست. (۲۰)

أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَهُ الَّذِينَ كَانُوا مِن قَبْلِهِمْ كَانُوا هُمْ أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّهً وَآثَارًا فِي الْأَرْضِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَمَا كَانَ لَهُم مِّنَ اللَّهِ مِن وَاقٍ (۲۱)

آیا در زمین گردش نکردند تا با تأمل بنگرند که سرانجام کسانی که پیش از آنان بودند، چگونه بود؟ آنان از ایشان نیرومندتر بودند، و در زمین آثاری پایدارتر [چون قلعه ها، خانه های استوار و کاخ های بسیار محکم] داشتند، پس خدا آنان را به کیفر گناهانشان [به عذاب] گرفت، و در برابر خدا مدافع و حمایت گری نداشتند. (۲۱)

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانَت تَّأْتِيهِمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَكَفَرُوا فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ إِنَّهُ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ (۲۲)

این [کیفر دردناک] برای این بود که پیامبرانشان همواره دلایل روشن برای آنان می آوردند و آنان [از روی تکبر و عناد] کفر می ورزیدند، پس خدا هم همه آنان را [به عذابی سخت] گرفت؛ زیرا او توانا و سخت کیفر است؛ (۲۲)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُّبِينٍ (۲۳)

و به راستی موسی را با معجزات خود و برهانی آشکار فرستادیم، (۲۳)

إِلَى فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَقَارُونَ فَقَالُوا سَاحِرٌ كَذَّابٌ (۲۴)

به سوی فرعون و هامان و قارون، ولی [آنان] گفتند: جادوگری بسیار دروغگوست! (۲۴)

فَلَمَّا جَاءَهُم بِالْحَقِّ مِنْ عِندِنَا قَالُوا اقْتُلُوا أَبْنَاءَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ وَاسْتَحْيُوا نِسَاءَهُمْ وَمَا كَيْدُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ (۲۵)

هنگامی که حق را از سوی ما برای آنان آورد، گفتنـد: پسـران کسانی را که با موسـی ایمان آورده انـد، بکشـید، و زنانشان را [برای بیگاری و خدمت] زنده بگذارید. ولی نیرنگ و نقشه کافران جز در بیراهه و گمراهی نیست. (۲۵)

ص: ۴۶۹

وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُونِی أَقْتُلْ مُوسَی وَلْیَدْعُ رَبَّهُ إِنِّی أَخَافُ أَن یُبَدِّلَ دِینَکُمْ أَوْ أَن یُظْهِرَ فِی الْأَرْضِ الْفَسَادَ (۲۶)

فرعون گفت: مرا بگذاریـد تا موسـی را بکشم و او پروردگارش را [برای نجات خود] بخوانـد، چون من می ترسم دین شـما را تغییر دهد، یا در این سرزمین فساد و تباهی به بار آورد! (۲۶)

وَقَالَ مُوسَی إِنِّی عُذْتُ بِرَبِّی وَرَبِّکُم مِّن کُلِّ مُتَکَبِّرٍ لَّا یُؤْمِنُ بِیَوْمِ الْحِسَابِ (۲۷)

و موسی گفت: من از هر متکبر سرکشی که به روز حساب ایمان ندارد به پروردگارم و پروردگار شما پناه می برم. (۲۷)

وَقَالَ رَجُلٌ مُّؤْمِنٌ مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ یَکْتُمُ إِیمَانَهُ أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا أَن یَقُولَ رَبِّیَ اللَّهُ وَقَدْ جَاءَکُم بِالْبَیِّنَاتِ مِن رَّبِّکُمْ وَإِن یَکُ کَاذِبًا فَعَلَیْهِ کَذِبُهُ وَإِن یَکُ صَادِقًا یُصِبْکُم بَعْضُ الَّذِی یَعِدُکُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا یَهْدِی مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ کَذَّابٌ (۲۸)

و مرد مؤمنی از خانـدان فرعون که ایمـانش را پنهـان می داشت، گفت: آیـا مردی را می کشـید که می گویـد: پروردگـار من خداست؟ و بی تردید از سوی پروردگارتان برای شـما دلایل روشـنی آورده است، و اگر دروغگو باشد دروغش به زیان خود اوست، و اگر راسـتگو باشد برخی از عذاب هایی که به شما وعده می دهد به شما خواهد رسید؛ زیرا خدا کسی را که اسراف کار و بسیار دروغگوست، هدایت نمی کند. (۲۸)

یَا قَوْمِ لَکُمُ الْمُلْکُ الْیَوْمَ ظَاهِرِینَ فِی الْأَرْضِ فَمَن یَنصُرُنَا مِن بَأْسِ اللَّهِ إِن جَاءَنَا قَالَ فِرْعَوْنُ مَا أُرِیکُمْ إِلَّا مَا أَرَی وَمَا أَهْدِیکُمْ إِلَّا سَبِیلَ الرَّشَادِ (۲۹)

ای قوم من! امروز فرمانروایی و حکومت برای شـماست که در این سـرزمین پیروز هستید، ولی اگر عذاب خدا به سوی ما آید، چه کسـی مـا را یـاری خواهـد داد؟ فرعـون گفت: من جز آنچه را [صـواب] می بینم [و به آن یقین دارم و آن انکـار موسـی و کشتن او و تقویت حکومت من است] به شما ارائه نمی کنم، و شما را جز به راه راست هدایت نمی کنم. (۲۹)

وَقَالَ الَّذِی آمَنَ یَا قَوْمِ إِنِّی أَخَافُ عَلَیْکُم مِّثْلَ یَوْمِ الْأَحْزَابِ (۳۰)

و آن مرد مؤمن گفت: ای قـوم من! بی تردیـد من بر شـما از روزی ماننـد روز [عـذاب] گروه هـا [یی که پیامبران را تکـذیب کردند] می ترسم (۳۰)

مِثْلَ دَأْبِ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَالَّذِینَ مِن بَعْدِهِمْ وَمَا اللَّهُ یُرِیدُ ظُلْمًا لِّلْعِبَادِ (۳۱)

چون سـرنوشت قوم نوح و عاد و ثمود و کسانی که پس از آنان بودند؛ و خدا سـتمی بر بندگان نمی خواهد [این بندگانند که

بر خود ستم روا می دارند.] (۳۱)

وَيَا قَوْمِ إِنِّى أَخَافُ عَلَيْكُمْ يَوْمَ التَّنَادِ (۳۲)

و ای قوم من! بی تردید من از روزی که مردم یکدیگر را [برای نجات خود از عذاب] ندا می دهند بر شما می ترسم؛ (۳۲)

يَوْمَ تُوَلُّونَ مُدْبِرِينَ مَا لَكُم مِّنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ وَمَن يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ (۳۳)

روزی که [به علت شدت عذاب] پشت کنان از این سو به آن سو فرار می کنید [ولی از هر سو که می روید، برگردانده می شوید و] شما را [در برابر عذاب خدا] هیچ نگه دارنده ای نیست؛ و هر که را خدا [به سبب کبر و عنادش] گمراه کند، او را هیچ هدایت کننده ای نخواهد بود. (۳۳)

ص: ۴۷۰

وَلَقَدْ جَاءَكُمْ يُوسُفُ مِن قَبْلُ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا زِلْتُمْ فِى شَكٍّ مِّمَّا جَاءَكُم بِهِ حَتَّى إِذَا هَلَكَ قُلْتُمْ لَن يَبْعَثَ اللَّهُ مِن بَعْدِهِ رَسُولًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ مُّرْتَابٌ (۳۴)

بی تردید یوسف پیش از این دلایل روشنی برای شما آورد، ولی شما همواره نسبت به آنچه که آورده بود در تردید بودید، تا زمانی که از دنیا رفت، [پس از مرگ او] گفتید: خدا هرگز بعد از او پیامبری مبعوث نخواهد کرد، این گونه خدا هر اسراف کار تردید کننده ای را گمراه می کند. (۳۴)

الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِى آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ كَبُرَ مَقْتًا عِندَ اللَّهِ وَعِندَ الَّذِينَ آمَنُوا كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى كُلِّ قَلْبِ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ (۳۵)

کسانی که در آیات خدا بی آنکه دلیلی برای آنان آمده باشد، مجادله و ستیزه می کنند [این عمل زشتشان] نزد خدا و نزد اهل ایمان مایه دشمنی بزرگ است؛ این گونه خدا بر دل هر گردنکش زورگویی، مُهر [تیره بختی] می نهد (۳۵)

وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا هَامَانُ ابْنِ لِى صَرْحًا لَّعَلِّى أَبْلُغُ الْأَسْبَابَ (۳۶)

و فرعون گفت: ای هامان! برای من بنایی بسیار بلند بساز شاید به وسایلی برسم، (۳۶)

أَسْبَابَ السَّمَاوَاتِ فَأَطَّلِعَ إِلَى إِلَهِ مُوسَى وَإِنِّى لَأَظُنُّهُ كَاذِبًا وَكَذَلِكَ زُيِّنَ لِفِرْعَوْنَ سُوءُ عَمَلِهِ وَصُدَّ عَنِ السَّبِيلِ وَمَا كَيْدُ فِرْعَوْنَ إِلَّا فِى تَبَابٍ (۳۷)

وسایل [بالا رفتن به] آسمان ها تا از خدای موسی آگاه شوم [که کیست و کجاست؟!] هر چند موسی را [در گفته هایش درباره خدا] دروغگو می پندارم. و این گونه برای فرعون زشتی کردارش آراسته شد و از راه خدا باز ماند، و نیرنگ و نقشه فرعون جز در زیانکاری و نابودی نبود. (۳۷)

وَقَالَ الَّذِی آمَنَ یَا قَوْمِ اتَّبِعُونِ أَهْدِکُمْ سَبِیلَ الرَّشَادِ (۳۸)

و آن مرد مؤمن گفت: ای قوم من! از من پیروی کنید تا شما را به راه راست هدایت کنم. (۳۸)

یَا قَوْمِ إِنَّمَا هَذِهِ الْحَیَاهُ الدُّنْیَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَهَ هِیَ دَارُ الْقَرَارِ (۳۹)

ای قوم من! این زندگی دنیا فقط کالایی بی ارزش و زودگذر است، و بی تردید آخرت سرای همیشگی و پایدار است. (۳۹)

مَنْ عَمِلَ سَیِّئَهً فَلَا یُجْزَی إِلَّا مِثْلَهَا وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّن ذَکَرٍ أَوْ أُنثَی وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِکَ یَدْخُلُونَ الْجَنَّهَ یُرْزَقُونَ فِیهَا بِغَیْرِ حِسَابٍ (۴۰)

هر که بدی کند جز به مانند آن کیفر نیابد، و از مردان یا زنان کسانی که کار شایسته انجام دهند در حالی که مؤمن باشند، آنان در بهشت درآیند و در آن بی حسابْ روزی یابند. (۴۰)

ص: ۴۷۱

وَیَا قَوْمِ مَا لِی أَدْعُوکُمْ إِلَی النَّجَاهِ وَتَدْعُونَنِی إِلَی النَّارِ (۴۱)

ای قوم من! چرا من شما را به سوی رهایی [از خسران دنیا و آخرت] می خوانم، و شما مرا به آتش می خوانید؟! (۴۱)

تَدْعُونَنِی لِأَکْفُرَ بِاللَّهِ وَأُشْرِکَ بِهِ مَا لَیْسَ لِی بِهِ عِلْمٌ وَأَنَا أَدْعُوکُمْ إِلَی الْعَزِیزِ الْغَفَّارِ (۴۲)

مرا می خوانید که به خدای یگانه کافر شوم و بر پایه جهالت و نادانی، و بدون دانش و معرفت که روشنگر حقایق است چیزی را شریک او قرار دهم! و من شما را به توانای شکست ناپذیر و بسیار آمرزنده می خوانم. (۴۲)

لَا جَرَمَ أَنَّمَا تَدْعُونَنِی إِلَیْهِ لَیْسَ لَهُ دَعْوَهٌ فِی الدُّنْیَا وَلَا فِی الْآخِرَهِ وَأَنَّ مَرَدَّنَا إِلَی اللَّهِ وَأَنَّ الْمُسْرِفِینَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ (۴۳)

ثابت و یقینی است اینکه آنچه مرا به سویش می خوانید برای او در دنیا و آخرت حقّ ادعا [ی الوهیت و ربوبیت] نیست، و اینکه بازگشت ما به سوی خداست، و اینکه اسراف کاران اهل آتش اند. (۴۳)

فَسَتَذْکُرُونَ مَا أَقُولُ لَکُمْ وَأُفَوِّضُ أَمْرِی إِلَی اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِیرٌ بِالْعِبَادِ (۴۴)

پس به زودی [درستیِ] آنچه را [که امروز درباره عذاب اسراف کاران] می گویم [و شما باور نمی کنید] متوجّه خواهید شد، و من کارم را به خدا وامی گذارم؛ زیرا خدا به بندگان بیناست. (۴۴)

فَوَقَاهُ اللَّهُ سَیِّئَاتِ مَا مَکَرُوا وَحَاقَ بِآلِ فِرْعَوْنَ سُوءُ الْعَذَابِ (۴۵)

پس خدا او را از آسیب های آنچه بر ضد او نیرنگ می زدند، نگه داشت و عذاب سختی فرعونیان را احاطه کرد. (۴۵)

النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ (۴۶)

[عذابشان] آتش است که صبح و شام بر آن عرضه می شوند، و روزی که قیامت برپا شود [ندا رسد:] فرعونیان را در سخت ترین عذاب در آورید. (۴۶)

وَإِذْ يَتَحَاجُّونَ فِي النَّارِ فَيَقُولُ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنتُم مُّغْنُونَ عَنَّا نَصِيبًا مِّنَ النَّارِ (۴۷)

و [یاد کن] هنگامی را که در آتش با یکدیگر نزاع و کشمکش می کنند، پس ضعیفان به مستکبران می گویند: ما [در دنیا] پیرو شما بودیم، آیا می توانید بخشی از این آتش را از ما دفع کنید؟ (۴۷)

قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُلٌّ فِيهَا إِنَّ اللَّهَ قَدْ حَكَمَ بَيْنَ الْعِبَادِ (۴۸)

مستکبران می گویند: هم اکنون همه ما در آتش هستیم، بی تردید خدا [به عدالت و انصاف] میان بندگان داوری کرده است. (۴۸)

وَقَالَ الَّذِينَ فِي النَّارِ لِخَزَنَةِ جَهَنَّمَ ادْعُوا رَبَّكُمْ يُخَفِّفْ عَنَّا يَوْمًا مِّنَ الْعَذَابِ (۴۹)

و آنان که در آتش اند، به نگهبانان دوزخ می گویند: از پروردگارتان بخواهید که یک روز بخشی از عذاب را از ما سبک کند. (۴۹)

ص: ۴۷۲

قَالُوا أَوَلَمْ تَكُ تَأْتِيكُمْ رُسُلُكُم بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا بَلَى قَالُوا فَادْعُوا وَمَا دُعَاءُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ (۵۰)

[نگهبانان] می گویند: آیا پیامبرانتان دلایل روشن برای شما نیاوردند؟ می گویند: چرا آوردند. می گویند: پس [هر اندازه که می خواهید خدا را] بخوانید، ولی دعای کافران جز در بیراهه و گمراهی نیست. (۵۰)

إِنَّا لَنَنصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ (۵۱)

بی تردید ما پیامبران خود و مؤمنان را در زندگی دنیا و روزی که گواهان [برای گواهی دادن] به پا ایستند، یاری می کنیم. (۵۱)

يَوْمَ لَا يَنفَعُ الظَّالِمِينَ مَعْذِرَتُهُمْ وَلَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ (۵۲)

همان روزی که عذرخواهی ستمکاران سودشان ندهد و برای آنان لعنت خدا و سرای سخت و بدی است. (۵۲)

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْهُدَى وَأَوْرَثْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ (۵۳)

محققاً ما به موسی هدایت عطا کردیم و کتاب [تورات] را به بنی اسرائیل به میراث دادیم؛ (۵۳)

هُدًى وَذِكْرَى لِأُولِي الْأَلْبَابِ (۵۴)

کتابی که [سراسر] برای خردمندان مایه هدایت و تذکر است. (۵۴)

فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنبِكَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ (۵۵)

پس [چنان که موسی بر آزار بنی اسرائیل شکیبایی ورزید، تو هم بر آزار دشمنان] شکیبا باش، بی تردید وعده خدا حق است، و از میان رفتن [توطئه ها و موانعی که به وسیله دشمنان در راه پیشرفت دعوتت به اسلام برای تو ایجاد شده]، از خدا بخواه، و پروردگارت را شب و صبح همراه با سپاس و ستایش تسبیح گوی. (۵۵)

إِنَّ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ إِن فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا كِبْرٌ مَّا هُم بِبَالِغِيهِ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ (۵۶)

بی تردید آنان که در آیات خدا بی آنکه دلیلی برای آنان آمده باشد، مجادله و ستیزه می کنند و در سینه هایشان جز کبر و بزرگ نمایی نیست به آن [بزرگی و عزت و سلطنتی که در آرزویش هستند] نمی رسند؛ پس به خدا پناه ببر؛ زیرا او شنوا و بیناست. (۵۶)

لَخَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِ النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (۵۷)

همانا آفرینش آسمان ها و زمین از آفرینش انسان مهم تر است، ولی بیشتر مردم [به حقایق] معرفت و آگاهی ندارند. (۵۷)

وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَلَا الْمُسِيءُ قَلِيلًا مَّا تَتَذَكَّرُونَ (۵۸)

و بینا و نابینا، یکسان نیستند و [نیز] آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند با [مردم] بدکار برابر نمی باشند. اندکی متذکّر [این حقایق] می شوید. (۵۸)

إِنَّ السَّاعَةَ لَآتِيَةٌ لَّا رَيْبَ فِيهَا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ (۵۹)

یقیناً قیامت آمدنی است، هیچ تردیدی در آن نیست، ولی بیشتر مردم [به سبب تکبر و غرور] ایمان نمی آورند. (۵۹)

وَقَالَ رَبُّكُمُ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ (۶۰)

و پروردگارتان گفت: مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم، آنان که از عبادت من تکبّر ورزند، به زودی خوار و رسوا به دوزخ درآیند. (۶۰)

اللَّهُ الَّذِی جَعَلَ لَکَمُ اللَّیْلَ لِتَسْکَنُوا فِیهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَی النَّاسِ وَلَکِنَّ أَکْثَرَ النَّاسِ لَا یَشْکَرُونَ (۶۱)

خداست که شب را برای شما پدید آورد تا در آن بیارامید، و روز را روشن و بینش بخش قرار داد [تا در آن به کارهای لازم بپردازید]؛ بی تردید خدا نسبت به مردم دارای فضل و احسان است، ولی بیشتر مردم سپاس گزاری نمی کنند. (۶۱)

ذَلِکُمُ اللَّهُ رَبُّکُمْ خَالِقُ کُلِّ شَیْءٍ لَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّی تُؤْفَکُونَ (۶۲)

این است خدا پروردگار شما که آفریننده هر چیزی است، هیچ معبودی جز او نیست، پس چگونه [از حق] منصرفتان می کنند؟ (۶۲)

کَذَلِکَ یُؤْفَکُ الَّذِینَ کَانُوا بِآیَاتِ اللَّهِ یَجْحَدُونَ (۶۳)

این گونه [که شما منحرف می شوید] آنان که همواره آیات خدا را انکار می کردند، منحرف می شوند. (۶۳)

اللَّهُ الَّذِی جَعَلَ لَکُمُ الْأَرْضَ قَرَارًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَصَوَّرَکُمْ فَأَحْسَنَ صُوَرَکُمْ وَرَزَقَکُم مِّنَ الطَّیِّبَاتِ ذَلِکُمُ اللَّهُ رَبُّکُمْ فَتَبَارَکَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِینَ (۶۴)

خداست که زمین را برای شما جایگاه امن و آسایش آفرید، و آسمان را بنایی [محکم و استوار] ساخت، و شما را صورتگری کرد و صورت هایتان را نیکو گردانید، و از چیزهای پاکیزه [ای که با طبیعت شما هماهنگ است] به شما روزی داد. این است خدا پروردگار شما، پربرکت است خدا پروردگار جهانیان. (۶۴)

هُوَ الْحَیُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِینَ لَهُ الدِّینَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ (۶۵)

اوست زنده [بی زوال]، هیچ معبودی جز او نیست، پس او را در حالی که ایمان و عبادت را برای او [از هر گونه شرکی] خالص می کنید، بپرستید. همه ستایش ها ویژه خدا پروردگار جهانیان است. (۶۵)

قُلْ إِنِّی نُهِیتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِینَ تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ لَمَّا جَاءَنِیَ الْبَیِّنَاتُ مِن رَّبِّی وَأُمِرْتُ أَنْ أُسْلِمَ لِرَبِّ الْعَالَمِینَ (۶۶)

بگو: من نهی شده ام از اینکه معبودانی که شما به جای خدا می پرستید، بپرستم؛ زیرا از جانب پروردگارم برای من دلایل روشن [بر حقّانیّت توحید] آمده است و مأمورم که فقط تسلیم [فرمان ها و احکام] پروردگار جهانیان باشم. (۶۶)

ص: ۴۷۴

هُوَ الَّذِی خَلَقَکُم مِّن تُرَابٍ ثُمَّ مِن نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ یُخْرِجُکُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّکُمْ ثُمَّ لِتَکُونُوا شُیُوخًا وَمِنکُم مَّن یُتَوَفَّی مِن قَبْلُ وَلِتَبْلُغُوا أَجَلًا مُّسَمًّی وَلَعَلَّکُمْ تَعْقِلُونَ (۶۷)

اوست که شما را از خاک آفرید، سپس از نطفه، آن گاه از علقه، سپس به صورت طفلی [از رحم مادران] بیرون می فرستد، تا

به کمال نیرومندی و قوت خود برسید، آن گاه پیر و سالخورده شوید، و برخی از شما پیش از رسیدن به این مراحل قبض روح می شوید، و [برخی زنده می مانید] تا به آن مدتی که معین و مقرّر است برسید، و برای اینکه شما [درباره حق] تعقّل کنید. (۶۷)

هُوَ الَّذِی یُحْیِی وَیُمِیتُ فَإِذَا قَضَی أَمْرًا فَإِنَّمَا یَقُولُ لَهُ کُن فَیَکُونُ (۶۸)

اوست که زنده می کند و می میراند، و چون پدید آمدن چیزی را اراده کند، فقط به آن می گوید: باش. پس بی درنگ موجود می شود. (۶۸)

أَلَمْ تَرَ إِلَی الَّذِینَ یُجَادِلُونَ فِی آیَاتِ اللَّهِ أَنَّی یُصْرَفُونَ (۶۹)

آیا کسانی را که در آیات خدا مجادله و ستیزه می کنند، ننگریستی که چگونه [از حق به باطل] برگردانده می شوند؟ (۶۹)

الَّذِینَ کَذَّبُوا بِالْکِتَابِ وَبِمَا أَرْسَلْنَا بِهِ رُسُلَنَا فَسَوْفَ یَعْلَمُونَ (۷۰)

همانان که قرآن و دینی را که پیامبران خود را به آن فرستادیم، انکار کردند، پس به زودی [نتیجه انکار خود را] خواهند دانست؛ (۷۰)

إِذِ الْأَغْلَالُ فِی أَعْنَاقِهِمْ وَالسَّلَاسِلُ یُسْحَبُونَ (۷۱)

زمانی که غل ها و زنجیرها [ی آتشین] در گردن هایشان باشد در حالی که به وسیله آنها کشیده شوند، (۷۱)

فِی الْحَمِیمِ ثُمَّ فِی النَّارِ یُسْجَرُونَ (۷۲)

در میان آب جوشان، سپس آنان را در آتش افروخته دوزخ می سوزانند. (۷۲)

ثُمَّ قِیلَ لَهُمْ أَیْنَ مَا کُنتُمْ تُشْرِکُونَ (۷۳)

آن گاه به آنان گویند: معبودانی که [در الوهیت و ربوبیت] شریکان خدا می گرفتید کجایند؟ (۷۳)

مِن دُونِ اللَّهِ قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا بَل لَّمْ نَکُن نَّدْعُو مِن قَبْلُ شَیْئًا کَذَلِکَ یُضِلُّ اللَّهُ الْکَافِرِینَ (۷۴)

[همان معبودانی که] به جای خدا [می پرستیدید]، می گویند: از نظر ما گم و ناپدید شدند، بلکه ما پیش از این چیزی را نمی پرستیدیم. این گونه خدا کافران را گمراه می کند. (۷۴)

ذَلِکُم بِمَا کُنتُمْ تَفْرَحُونَ فِی الْأَرْضِ بِغَیْرِ الْحَقِّ وَبِمَا کُنتُمْ تَمْرَحُونَ (۷۵)

این [عذاب ها] برای آن است که به ناحق در زمین شادی و سرمستی می کردید و به سبب آن است که مغرورانه به پایکوبی و

خوشحالی می پرداختید. (۷۵)

ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ (۷۶)

از درهای دوزخ وارد شوید که در آن جاو دانه اید؛ پس چه بد است اقامت گاه متکبران. (۷۶)

فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَإِمَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِلَيْنَا يُرْجَعُونَ (۷۷)

نهایتاً [بر آزار اینان] شکیبا باش، بی تردید وعده خدا حق است. پس اگر بخشی از عذاب هایی را که به آنان وعده می دهیم به تو نشان دهیم، یا تو را پیش از آن از دنیا ببریم [تفاوتی ندارد، در هر صورت] به سوی ما بازگردانده می شوند [و کیفرشان را خواهند دید.] (۷۷)

ص: ۴۷۵

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِكَ مِنْهُم مَّن قَصَصْنَا عَلَيْكَ وَمِنْهُم مَّن لَّمْ نَقْصُصْ عَلَيْكَ وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَن يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ فَإِذَا جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ قُضِيَ بِالْحَقِّ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ (۷۸)

قطعاً پیش از تو پیامبرانی فرستادیم؛ سرگذشت گروهی از آنان را برای تو حکایت کرده ایم، و سرگذشت برخی را بیان نکرده ایم. هیچ پیامبری را نسزد که جز به اذن خدا معجزه ای بیاورد؛ بنابراین هنگامی که فرمان خدا [به عذاب دشمنان لجوج] برسد، بر پایه حقّ و درستی داوری خواهد شد و آنجاست که اهل باطل زیان خواهند کرد. (۷۸)

اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَنْعَامَ لِتَرْكَبُوا مِنْهَا وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ (۷۹)

خداست که چهارپایان را برای شما پدید آورد تا بر بعضی از آنها سوار شوید، و از [گوشت] بعضی از آنها بخورید؛ (۷۹)

وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَلِتَبْلُغُوا عَلَيْهَا حَاجَةً فِي صُدُورِكُمْ وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ (۸۰)

و برای شما در آنها سودهایی است، [آری آنها را آفرید] تا با [سوار شدن بر آنها و حمل بار و بنه خود] به مقصدی که در دل های شماست برسید، و بر آنها و بر کشتی ها حمل می شوید. (۸۰)

وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ فَأَيَّ آيَاتِ اللَّهِ تُنكِرُونَ (۸۱)

و همواره نشانه های [ربوبیت و قدرت] خود را به شما نشان می دهد، پس کدام یک از نشانه های خدا را انکار می کنید؟! (۸۱)

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْهُمْ وَأَشَدَّ قُوَّةً وَآثَارًا فِي الْأَرْضِ فَمَا أَغْنَى عَنْهُم مَّا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۸۲)

آیـا در زمین گردش نکردنـد تـا بـا تأمل بنگرنـد که سـرانجام کسانی که پیش از آنان بودنـد [و سرکشـی و تکبر می کردنـد] چگونه بود؟ همانـان که نفراتشـان از اینان بیشتر و از ایشان نیرومنـدتر بودنـد، و در زمین آثاری پایـدارتر [چون قلعه ها و خانه های اسـتوار و کاخ های بسـیار محکم] داشتند، ولی نفرات و قدرت و آثاری که همواره به دست می آوردند [چیزی از عذاب خدا را] از آنان دفع نکرد. (۸۲)

فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَرِحُوا بِمَا عِندَهُم مِّنَ الْعِلْمِ وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (۸۳)

هنگامی که پیامبرانشان دلایل روشن برای آنان آوردنـد، به انـدک دانشـی که نزد خود داشـتند خوشـحال بودنـد [و غیر آن را چیزی به حساب نمی آوردند] ولی عذابی که همواره آن را به مسخره می گرفتند، آنان را احاطه کرد. (۸۳)

فَلَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا قَالُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَحْدَهُ وَكَفَرْنَا بِمَا كُنَّا بِهِ مُشْرِكِينَ (۸۴)

پس هنگامی که عـذاب سـخت ما را دیدنـد، گفتنـد: بی تردیـد به خـدا ایمان آوردیم و به معبودانی که با او شـریک قرار می دادیم، کافریم. (۸۴)

فَلَمْ يَكُ يَنفَعُهُمْ إِيمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا سُنَّتَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ فِي عِبَادِهِ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْكَافِرُونَ (۸۵)

ولی زمانی که عذاب سـخت ما را دیدند، ایمانشان سودی به آنان نداد. سـنت خداست که از دیرباز نسـبت به بندگانش جاری شده است [که ایمانشان را پس از دیدن عذاب نمی پذیرد] و آنجاست که کافران زیانکار شدند. (۸۵)

ص: ۴۷۶

سوره فصلت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ حم (۱)

حم (۱)

تَنزِيلٌ مِّنَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۲)

این کتابی است نازل شده از سوی خدا که رحمتش بی اندازه و مهربانی اش همیشگی است. (۲)

كِتَابٌ فُصِّلَتْ آيَاتُهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (۳)

کتابی است که آیاتش در نهایت روشـنی بیان شده است، [به زبانی] فصـیح و گویا برای مردمی که اهل معرفت و آگاهی اند؛ (۳)

بَشِيرًا وَنَذِيرًا فَأَعْرَضَ أَكْثَرُهُمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ (۴)

مژده دهنده و بیم دهنده است. ولی بیشتر آنان [از این دریای معارف] روی گرداندند و به گوشِ [جان] نمی شنوند. (۴)

وَقَالُوا قُلُوبُنَا فِی أَكِنَّةٍ مِّمَّا تَدْعُونَا إِلَیْهِ وَفِی آذَانِنَا وَقْرٌ وَمِن بَیْنِنَا وَبَیْنِكَ حِجَابٌ فَاعْمَلْ إِنَّنَا عَامِلُونَ (۵)

و گفتند: دل های ما از [درک] حقایقی که ما را به آن می خوانی در پوشش های سختی است، و در گوش های ما سنگینی است، و میان ما و تو پرده ای وجود دارد، بنابراین تو کار خود را انجام بده و ما هم کار خود را انجام می دهیم. (۵)

قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ یُوحَى إِلَیَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَاسْتَقِیمُوا إِلَیْهِ وَاسْتَغْفِرُوهُ وَوَیْلٌ لِّلْمُشْرِكِینَ (۶)

بگو: من بشری مانند شما هستم، [نه از جنسی دیگر که سخنم را نفهمید] به من وحی می شود که معبود شما فقط معبود یکتاست، پس [با دوری از افراط و تفریط] به سوی او رو کنید، و از او آمرزش بخواهید، و وای بر مشرکان؛ (۶)

الَّذِینَ لَا یُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُم بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ (۷)

همانان که زکات نمی دهند و آخرت را انکار می کنند. (۷)

إِنَّ الَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَیْرُ مَمْنُونٍ (۸)

بی تردید کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، برای آنان پاداشی همیشگی است. (۸)

قُلْ أَئِنَّكُمْ لَتَكْفُرُونَ بِالَّذِی خَلَقَ الْأَرْضَ فِی یَوْمَیْنِ وَتَجْعَلُونَ لَهُ أَندَادًا ذَلِكَ رَبُّ الْعَالَمِینَ (۹)

بگو: آیا شما به کسی که زمین را در دو روز آفرید، کفر می ورزید، و برای او همتایانی قرار می دهید؟! [ساحت مقدسش از این پیرایه ها پاک است] آن [توانمندی که زمین را آفرید] پروردگار جهانیان است. (۹)

وَجَعَلَ فِیهَا رَوَاسِیَ مِن فَوْقِهَا وَبَارَكَ فِیهَا وَقَدَّرَ فِیهَا أَقْوَاتَهَا فِی أَرْبَعَةِ أَیَّامٍ سَوَاءً لِّلسَّائِلِینَ (۱۰)

و در روی زمین کوه های استواری پدید آورد، و در آن منافع فراوانی آفرید و رزق [روزی خوارانش] را در آن به مدت چهار دوره [بهار، تابستان، پاییز و زمستان] تقدیر کرد [آن هم] یکسان و به اندازه برای خواهندگان. (۱۰)

ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ وَهِیَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِیَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَیْنَا طَائِعِینَ (۱۱)

آن گاه آهنگ آفرینش آسمان کرد، در حالی که به صورت دود بود، پس به آن و به زمین گفت: خواه یا ناخواه بیایید. آن دو گفتند: فرمانبردار آمدیم. (۱۱)

ص: ۴۷۷

فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِی یَوْمَیْنِ وَأَوْحَى فِی كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَزَیَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْیَا بِمَصَابِیحَ وَحِفْظًا ذَلِكَ تَقْدِیرُ الْعَزِیزِ الْعَلِیمِ (۱۲)

پس آنها را در دو روز به صورت هفت آسمان به انجام رسانید [و محکم و استوار ساخت]، و در هر آسمانی کار آن را وحی کرد، و آسمان دنیا را با چراغ هایی آرایش دادیم و [از استراق سمع شیطان ها] حفظ کردیم، این است اندازه گیری توانای شکست ناپذیر و دانا. (۱۲)

فَإِنْ أَعْرَضُوا فَقُلْ أَنذَرْتُكُمْ صَاعِقَةً مِّثْلَ صَاعِقَةِ عَادٍ وَثَمُودَ (۱۳)

اگر روی گرداندند، بگو: من شما را از صاعقه ای [مرگبار] چون صاعقه عاد و ثمود بیم می دهم. (۱۳)

إِذْ جَاءَتْهُمُ الرُّسُلُ مِن بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ قَالُوا لَوْ شَاءَ رَبُّنَا لَأَنزَلَ مَلَائِكَةً فَإِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُم بِهِ كَافِرُونَ (۱۴)

هنگامی که پیامبران از پیش رو و پشت سرشان به سوی آنان آمدند [و گفتند:] که جز خدا را نپرستید. گفتند: اگر پروردگار ما می خواست [که ما مؤمن شویم و او را بپرستیم] فرشتگانی نازل می کرد [تا دعوتش را به ما ابلاغ کنند]؛ بنابراین ما به آنچه شما به آن فرستاده شده اید، کافریم. (۱۴)

فَأَمَّا عَادٌ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَقَالُوا مَنْ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ (۱۵)

اما قوم عاد به ناحق در زمین تکبر کردند و گفتند: نیرومندتر از ما کیست؟ آیا ندانستند خدایی که آنان را آفرید از آنان نیرومندتر است؟ و [به گمان اینکه نیرومندتر از آنان وجود ندارد] همواره آیات ما را انکار می کردند. (۱۵)

فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي أَيَّامٍ نَّحِسَاتٍ لِّنُذِيقَهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَخْزَى وَهُمْ لَا يُنصَرُونَ (۱۶)

سرانجام تندبادی سخت و سرد در روزهایی شوم بر آنان فرستادیم تا در زندگی دنیا عذاب خواری و رسوایی را به آنان بچشانیم، و بی تردید عذاب آخرت رسوا کننده تر است و آنان [در آن روز] یاری نخواهند شد. (۱۶)

وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَى عَلَى الْهُدَى فَأَخَذَتْهُمْ صَاعِقَةُ الْعَذَابِ الْهُونِ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۱۷)

و اما ثمودیان، پس آنان را هدایت کردیم، ولی آنان کوردلی را بر هدایت ترجیح دادند، پس به کیفر اعمالی که همواره مرتکب می شدند، بانگ عذاب خوارکننده آنان را فراگرفت؛ (۱۷)

وَنَجَّيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ (۱۸)

و کسانی را که ایمان آورده و همواره پرهیزکاری می کردند، نجات دادیم. (۱۸)

وَيَوْمَ يُحْشَرُ أَعْدَاءُ اللَّهِ إِلَى النَّارِ فَهُمْ يُوزَعُونَ (۱۹)

و [یاد کن] روزی را که دشمنان خدا به سوی آتش گرد آورده می شوند، پس آنان را از حرکت باز می دارند [تا گروه های

دیگر به آنان ملحق شوند.] (۱۹)

حَتَّى إِذَا مَا جَاءُوهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَأَبْصَارُهُمْ وَجُلُودُهُم بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۲۰)

وقتی به آتش می رسند، گوش و چشم و پوستشان به اعمالی که همواره انجام می دادند، گواهی می دهند. (۲۰)

ص: ۴۷۸

وَقَالُوا لِجُلُودِهِمْ لِمَ شَهِدتُّمْ عَلَيْنَا قَالُوا أَنطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنطَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۲۱)

و آنان به پوستشان می گویند: چرا بر ضد ما گواهی دادید؟ می گویند: همان خدایی که هر موجودی را به سخن آورد، ما را گویا ساخت، و او شما را نخستین بار آفرید و به سوی او بازگردانده می شوید. (۲۱)

وَمَا كُنتُمْ تَسْتَتِرُونَ أَن يَشْهَدَ عَلَيْكُمْ سَمْعُكُمْ وَلَا أَبْصَارُكُمْ وَلَا جُلُودُكُمْ وَلَكِن ظَنَنتُمْ أَنَّ اللَّهَ لَا يَعْلَمُ كَثِيرًا مِّمَّا تَعْمَلُونَ (۲۲)

و شما [هنگام ارتکاب گناه در دنیا] از اینکه مبادا گوش و چشم و پوستتان بر ضد شما گواهی دهند، پنهان نمی شدید، بلکه گمان کردید که خدا بسیاری از آنچه را که [در خلوت] مرتکب می شدید، نمی داند!! (۲۲)

وَذَلِكُمْ ظَنُّكُمُ الَّذِي ظَنَنتُم بِرَبِّكُمْ أَرْدَاكُمْ فَأَصْبَحْتُم مِّنَ الْخَاسِرِينَ (۲۳)

و این گمانتان بود که به پروردگارتان بردید [و همان] شما را هلاک کرد، در نتیجه از زیانکاران شدید. (۲۳)

فَإِن يَصْبِرُوا فَالنَّارُ مَثْوًى لَّهُمْ وَإِن يَسْتَعْتِبُوا فَمَا هُم مِّنَ الْمُعْتَبِينَ (۲۴)

پس اگر [بر همین حال] ایستادگی کنند، جایگاهشان دوزخ است، و اگر [برای به دست آوردن خشنودی خدا] عذرخواهی کنند، عذرشان مورد پذیرش قرار نخواهد گرفت. (۲۴)

وَقَيَّضْنَا لَهُمْ قُرَنَاءَ فَزَيَّنُوا لَهُم مَّا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِهِم مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ (۲۵)

[به خاطر کفر و طغیانشان] برای آنان همنشینانی [مفسد و تبهکار] گماشتیم که لذایذ مادی و شهوانی حال و آینده را در نظرشان زیبا و دلربا جلوه دادند، و فرمان عذاب بر آنان در [زمره] گروه هایی از جن و انس که پیش از آنان گذشتند، محقق و ثابت شد، آنان بی تردید زیانکارند. (۲۵)

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوْا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَغْلِبُونَ (۲۶)

کافران گفتند: به این قرآن گوش ندهید و [هنگام قرائتش] سخنان لهو و بیهوده [و سر و صداهای بی معنا] در آن افکنید [تا کسی نشنود!] شاید که پیروز شوید. (۲۶)

فَلَنُذِيقَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا عَذَابًا شَدِيدًا وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ (۲۷)

به یقین کافران را عذابی سخت می چشانیم، و بی تردید آنان را بر پایه بدترین اعمالی که همواره مرتکب می شدند، کیفر می دهیم. (۲۷)

ذَلِكَ جَزَاءُ أَعْدَاءِ اللَّهِ النَّارُ لَهُمْ فِيهَا دَارُ الْخُلْدِ جَزَاءً بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ (۲۸)

این است کیفر دشمنان خدا که آتش است، برای آنان در آتش دوزخ سرایی جاودانه و همیشگی است، کیفری است [ویژه و سخت]، برای اینکه همواره آیات ما را انکار می کردند. (۲۸)

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا رَبَّنَا أَرِنَا اللَّذَيْنِ أَضَلَّانَا مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ نَجْعَلْهُمَا تَحْتَ أَقْدَامِنَا لِيَكُونَا مِنَ الْأَسْفَلِينَ (۲۹)

و کافران می گویند: پروردگارا! آنان که از گروه جنّ و انس ما را گمراه کردند، به ما نشان بده تا زیر پای خود گذاریم، برای اینکه از پست ترینان شوند. (۲۹)

ص: ۴۷۹

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ (۳۰)

بی تردید کسانی که گفتند: پروردگار ما خداست؛ سپس [در میدان عمل بر این حقیقت] استقامت ورزیدند، فرشتگان بر آنان نازل می شوند [و می گویند:] مترسید و اندوهگین نباشید و شما را به بهشتی که وعده می دادند، بشارت باد. (۳۰)

نَحْنُ أَوْلِيَاؤُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهِي أَنفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدَّعُونَ (۳۱)

ما در زندگی دنیا و آخرت، یاران و دوستان شما هستیم، آنچه دلتان بخواهد، در بهشت برای شما فراهم است، و در آن هر چه را بخواهید، برای شما موجود است. (۳۱)

نُزُلًا مِّنْ غَفُورٍ رَّحِيمٍ (۳۲)

رزق آماده ای از سوی آمرزنده مهربان است. (۳۲)

وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّن دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ (۳۳)

و خوش گفتارتر از کسی که به سوی خدا دعوت کند و کار شایسته انجام دهد و گوید: من از تسلیم شدگان [در برابر فرمان ها و احکام خدا] هستم، کیست؟ (۳۳)

وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ (۳۴)

نیکی و بدی یکسان نیست. [بدی را] با بهترین شیوه دفع کن؛ [با این برخورد متین و نیک] ناگاه کسی که میان تو و او دشمنی است [چنان شود] که گویی دوستی نزدیک و صمیمی است. (۳۴)

وَمَا يُلَقَّاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلَقَّاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ (۳۵)

این بهترین شیوه را جز کسانی که [در زمینه خودسازی و تزکیه] پایداری کردند، نمی یابند، و جز کسانی که بهره بزرگی [از ایمان و تقوا] دارند به آن نمی رسند؛ (۳۵)

وَإِمَّا يَنزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۳۶)

و اگر وسوسه ای از سوی شیطان تو را تحریک کند [که از این بهترین شیوه دست برداری] به خدا پناه ببر؛ بی تردید او شنوا و داناست. (۳۶)

وَمِنْ آيَاتِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ لَا تَسْجُدُوا لِلشَّمْسِ وَلَا لِلْقَمَرِ وَاسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ (۳۷)

از نشانه های [ربوبیت و قدرت] او شب و روز و خورشید و ماه است؛ نه برای خورشید سجده کنید و نه برای ماه، برای خدایی که آنان را آفرید، سجده کنید، اگر می خواهید فقط او را بپرستید؛ (۳۷)

فَإِنِ اسْتَكْبَرُوا فَالَّذِينَ عِندَ رَبِّكَ يُسَبِّحُونَ لَهُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُمْ لَا يَسْأَمُونَ (۳۸)

و اگر [از پرستش خدای یکتا] تکبّر ورزند، پس [باید بدانند چنین نیست که پرستش کننده ای برای او وجود ندارد،] کسانی که نزد پروردگار تواند [از فرشتگانی که شمار آنان را جز خدا نمی داند] شب و روز برای او تسبیح می گویند و [از تسبیح گویی] ملول و خسته نمی شوند. (۳۸)

ص: ۴۸۰

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنَّكَ تَرَى الْأَرْضَ خَاشِعَةً فَإِذَا أَنزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ إِنَّ الَّذِي أَحْيَاهَا لَمُحْيِي الْمَوْتَى إِنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۳۹)

و از [دیگر] نشانه های او این است که تو زمین را خشک و بی گیاه می بینی، پس هنگامی که باران بر آن نازل می کنیم، به شدت به جنبش درآید و برآید. بی تردید کسی که زمین مرده را زنده کرد، یقیناً مردگان را زنده می کند؛ زیرا او بر هر کاری تواناست. (۳۹)

إِنَّ الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي آيَاتِنَا لَا يَخْفَوْنَ عَلَيْنَا أَفَمَن يُلْقَى فِي النَّارِ خَيْرٌ أَم مَّن يَأْتِي آمِنًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ اعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۴۰)

مسلماً کسانی که معانی و مفاهیم آیات ما را از جایگاه واقعی اش تغییر می دهند [و به تفسیر و تأویلی نادرست متوسل می

شوند] بر ما پوشیده نیستند. آیا کسی را که در آتش می افکنند، بهتر است یا کسی که روز قیامت در حال ایمنی می آید؟ هر چه می خواهید انجام دهید، بی تردید او به آنچه انجام می دهید، بیناست. (۴۰)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ (۴۱)

کسانی که به این قرآن هنگامی که به سویشان آمد کافر شدند [به عذابی سخت دچار می شوند] بی تردید قرآن کتابی است شکست ناپذیر، (۴۱)

لَّا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِن بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ (۴۲)

که هیچ باطلی از پیش رو و پشت سرش به سویش نمی آید، نازل شده از سوی حکیم و ستوده است. (۴۲)

مَّا يُقَالُ لَكَ إِلَّا مَا قَدْ قِيلَ لِلرُّسُلِ مِن قَبْلِكَ إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ وَذُو عِقَابٍ أَلِيمٍ (۴۳)

جز آنچه به پیامبران پیش از تو گفته شده است، به تو گفته نمی شود؛ مسلماً پروردگارت صاحب آمرزش ودارای عذابی دردناک است؛ (۴۳)

وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا أَعْجَمِيًّا لَّقَالُوا لَوْلَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ أَأَعْجَمِيٌّ وَعَرَبِيٌّ قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَشِفَاءٌ وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرٌ وَهُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى أُولَئِكَ يُنَادَوْنَ مِن مَّكَانٍ بَعِيدٍ (۴۴)

و اگر آن را قرآنی غیر عربی قرار داده بودیم قطعاً می گفتند: چرا آیاتش در نهایت روشنی بیان نشده است، آیا [قرآنی] غیر عربی [و نامفهوم] برای [مردمی] عرب زبان [و فصیح؟!] بگو: این کتاب برای کسانی که ایمان آورده اند، سراسر هدایت و درمان است، و کسانی که ایمان نمی آورند در گوششان سنگینی است، و آن [با همه روشنی و آشکاری اش] بر آنان پوشیده و نامفهوم است؛ اینانند که [گویی] از جایی دور ندایشان می دهند. (۴۴)

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتُلِفَ فِيهِ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيبٍ (۴۵)

به یقین ما به موسی کتاب عطا کردیم پس در آن اختلاف شد [که از پیشگاه حق آمده یا ساختگی است]، و اگر از سوی پروردگارت فرمانی [بر مهلت یافتنشان] پیشی نگرفته بود، بی تردید میانشان [به نابودی و هلاکت] حکم شده بود؛ و اینان هم [چون قوم موسی] نسبت به قرآن در تردیدی سخت هستند. (۴۵)

مَّنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ (۴۶)

کسی که کار شایسته انجام دهد، به سود خود اوست، و کسی که مرتکب زشتی شود به زیان خود اوست، و پروردگارت ستمکار به بندگان نیست. (۴۶)

ادامه سوره فصلت

إِلَيْهِ يُرَدُّ عِلْمُ السَّاعَةِ وَمَا تَخْرُجُ مِن ثَمَرَاتٍ مِّنْ أَكْمَامِهَا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنثَى وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ أَيْنَ شُرَكَائِی قَالُوا آذَنَّاكَ مَا مِنَّا مِن شَهِيدٍ (۴۷)

آگاهی و دانش به قیامت [و اینکه چه زمانی برپا می شود و چه خواهد شد] فقط ویژه اوست؛ و میوه ها از غلاف هایشان بیرون نمی آیند، و هیچ ماده ای حامله نمی شود و وضع حمل نمی کند مگر به دانش او. و روزی که [خدا] مشرکان را ندا می دهد: شریکانی که برای من می پنداشتید، کجایند؟ می گویند: [پس از روشن شدن حقایق بر ما] قاطعانه به تو اعلام می کنیم که هیچ گواهی از میان ما [بر اینکه تو را شریکی هست] وجود ندارد؛ (۴۷)

وَضَلَّ عَنْهُم مَّا كَانُوا يَدْعُونَ مِن قَبْلُ وَظَنُّوا مَا لَهُم مِّن مَّحِيصٍ (۴۸)

و آنچه را از پیش [به عنوان شریکان خدا] می پرستیدند از نظرشان گم و ناپدید می شود و یقین می کنند که آنان را هیچ راه گریزی [از عذاب] نیست. (۴۸)

لَّا يَسْأَمُ الْإِنسَانُ مِن دُعَاءِ الْخَيْرِ وَإِن مَّسَّهُ الشَّرُّ فَيَئُوسٌ قَنُوطٌ (۴۹)

انسان از درخواست خوشی و رفاه خسته نمی شود، واگر آسیبی به او رسد به شدت مأیوس [و] ناامید می شود؛ (۴۹)

وَلَئِنْ أَذَقْنَاهُ رَحْمَةً مِّنَّا مِن بَعْدِ ضَرَّاءَ مَسَّتْهُ لَيَقُولَنَّ هَذَا لِي وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِن رُّجِعْتُ إِلَى رَبِّي إِنَّ لِي عِندَهُ لَلْحُسْنَى فَلَنُنَبِّئَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا عَمِلُوا وَلَنُذِيقَنَّهُم مِّنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ (۵۰)

و اگر او را از سوی خود پس از آسیبی که به او رسیده خوشی و رفاه بچشانیم قاطعانه می گوید: این [خوشی و رفاه] ویژه من است [و به خاطر لیاقتم به من رسیده است] و گمان نمی کنم که قیامت برپا شود، و [به فرض برپا شدن] اگر به سوی پروردگارم باز گردانده شوم، برای من نزد او پاداشی نیکوتر خواهد بود! ما یقیناً کسانی را که کافر شدند به اعمالی که انجام داده اند، آگاه خواهیم کرد، و قطعاً از عذابی سخت به آنان می چشانیم. (۵۰)

وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنسَانِ أَعْرَضَ وَنَأَى بِجَانِبِهِ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ فَذُو دُعَاءٍ عَرِيضٍ (۵۱)

و هنگامی که به انسان نعمت عطا می کنیم [از طاعت و عبادت] روی بر می گرداند و [با کبر و نخوت] از ما دور می شود، و چون آسیبی به او رسد [برای برطرف شدنش] به دعای فراوان و طولانی روی می آورد؛ (۵۱)

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِن كَانَ مِنْ عِندِ اللَّهِ ثُمَّ كَفَرْتُم بِهِ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ هُوَ فِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ (۵۲)

بگو: به من خبر دهید: اگر [قرآن] از سوی خدا باشد و سپس شما به آن کافر شوید، چه کسی گمراه تر از آن خواهد بود که

در مخالفتی دور [از منطق و صواب] قرار دارد؟ (۵۲)

سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِی الْآفَاقِ وَفِی أَنفُسِهِمْ حَتَّی يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَی كُلِّ شَیْءٍ شَهِيدٌ (۵۳)

به زودی نشانه های خود را در کرانه ها و اطراف جهان و در نفوس خودشان به آنان نشان خواهیم داد تا برای آنان روشن شود که بی تردید او حق است. آیا کافی نیست که پروردگارت [با ظاهر کردن حقایق و دلایل] بر همه چیز گواه است [که تنها او آفریننده و بی نیاز است و غیر او مخلوق و از هر جهت نیازمند به اوست.] (۵۳)

أَلَا إِنَّهُمْ فِی مِرْيَةٍ مِّن لِّقَاءِ رَبِّهِمْ أَلَا إِنَّهُ بِكُلِّ شَیْءٍ مُّحِيطٌ (۵۴)

آگاه باش! که آنان نسبت به دیدار [قیامت و محاسبه اعمال به وسیله] پروردگارشان در تردیدند. [و] آگاه باش! که یقیناً او به همه چیز [با قدرت و دانش بی نهایتش] احاطه دارد. (۵۴)

ص: ۴۸۲

سوره الشوری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ حم (۱)

حم (۱)

عسق (۲)

عسق (۲)

كَذَلِكَ يُوحِی إِلَيْكَ وَإِلَی الَّذِينَ مِن قَبْلِكَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۳)

این گونه خدای توانای شکست ناپذیر و حکیم به سوی تو و کسانی [از پیامبران] که پیش از تو بودند، وحی می کند. (۳)

لَهُ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَمَا فِی الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ (۴)

آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است، فقط در سیطره مالکیّت و فرمانروایی اوست، و او بلند مرتبه و بزرگ است. (۴)

تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِن فَوْقِهِنَّ وَالْمَلَائِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَن فِی الْأَرْضِ أَلَا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (۵)

نزدیک است آسمان ها از فرازشان [به سبب عظمت وحی] بشکافند و فرشتگان، پروردگارشان را همواره همراه با سپاس و ستایش تسبیح می گویند، و برای کسانی که در زمین هستند، درخواست آمرزش می کنند؛ آگاه باشید! بی تردید خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (۵)

وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِن دُونِهِ أَوْلِيَاءَ اللَّهُ حَفِيظٌ عَلَيْهِمْ وَمَا أَنتَ عَلَيْهِم بِوَكِيلٍ (۶)

و کسانی که غیر خدا را سرپرستان و یاران خود گرفته اند، خدا نگهبان و مراقب بر [اعمال و گفتار] آنان است و تو کارساز و وکیل بر آنان نیستی. (۶)

وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِّتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا وَتُنذِرَ يَوْمَ الْجَمْعِ لَا رَيْبَ فِيهِ فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ (۷)

و این گونه قرآنی [به زبان] عربی [فصیح و گویا] به تو وحی کردیم تا [مردم] ام القری [شهر مکه] و کسانی را که پیرامون آن هستند، بیم دهی، و آنان را از روز جمع شدن [یعنی روز قیامت] که تردیدی در آن نیست بترسانی، [روزی که] گروهی در بهشت اند و گروهی در آتش سوزان. (۷)

وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَهُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِن يُدْخِلُ مَن يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمُونَ مَا لَهُم مِّن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ (۸)

اگر خدا می خواست آنان را [از روی جبر بر محور هدایت] امت واحدی قرار می داد، ولی [هدایت اجباری فاقد ارزش است] هر که را بخواهد [در صورتی که ستمکار به آیات خدا نباشد] در رحمت خود در آورد؛ و ستمکاران را هیچ دوست و یاوری [که از عذاب نجاتشان دهد] نیست. (۸)

أَمِ اتَّخَذُوا مِن دُونِهِ أَوْلِيَاءَ فَاللَّهُ هُوَ الْوَلِيُّ وَهُوَ يُحْيِي الْمَوْتَى وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۹)

آیا به جای او سرپرستان و معبودانی برای خود گرفته اند؟ در حالی که سرپرست و معبود واقعی خداست، و تنها اوست که مردگان را زنده می کند و فقط اوست که بر هر کاری تواناست؛ (۹)

وَمَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِن شَيْءٍ فَحُكْمُهُ إِلَى اللَّهِ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبِّي عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ (۱۰)

و آنچه را [از امور دین، عقاید و احکام] در آن اختلاف دارید، داوری اش با خداست. این است خدا پروردگار من، بر او توکل کردم و به او باز می گردم. (۱۰)

ص: ۴۸۳

فَاطِرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَعَلَ لَكُم مِّنْ أَنفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذْرَؤُكُمْ فِيهِ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ (۱۱)

آفریننده آسمان ها و زمین است. از خودتان برایتان جفت هایی قرار داد، و از چهارپایان هم جفت هایی آفرید. شما را با این [تدبیر حکیمانه] زیاد می کند. هیچ چیزی مانند او نیست و او شنوا و بیناست. (۱۱)

لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۱۲)

کلیدهای آسمان ها و زمین فقط در سیطره مالکیّت اوست. رزق و روزی را برای هر کس که بخواهد وسعت می دهد و یا تنگ می گیرد. یقیناً او به همه چیز داناست. (۱۲)

شَرَعَ لَكُم مِّنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَن يُنِيبُ (۱۳)

از دین آنچه را به نوح سفارش کرده بود، برای شما تشریع کرد و آنچه را به تو وحی کردیم؛ و آنچه ابراهیم و موسی و عیسی را به آن توصیه نمودیم [این است] که دین را برپا دارید و در آن فرقه فرقه و گروه گروه نشوید. بر مشرکان دینی که آنان را به آن می خوانی گران است. خدا هر کس را بخواهد به سوی [این] دین جلب می کند، و هر کس را که به سوی او بازگردد هدایت می کند، (۱۳)

وَمَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِن بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى لَّقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ أُورِثُوا الْكِتَابَ مِن بَعْدِهِمْ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيبٍ (۱۴)

و [جامعه های دینی در طول تاریخ] فرقه فرقه و گروه گروه نشدند، مگر پس از آنکه [نسبت به حقّانیّت دین به وسیله کتاب های آسمانی] دانش و آگاهی به سویشان آمد، [این پراکندگی و تفرقه به سبب] حسد و دشمنی میان خودشان بود، و اگر از سوی پروردگارت فرمانی [بر مهلت یافتنشان] تا زمان معین پیشی نگرفته بود، بی تردید میانشان [به نابودی و هلاکت] حکم شده بود. و یقیناً کسانی که پس از آنان کتاب آسمانی [قرآن] را به میراث یافتند، نسبت به آن در تردیدی سخت هستند. (۱۴)

فَلِذَلِكَ فَادْعُ وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَقُلْ آمَنتُ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ مِن كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ لَا حُجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ (۱۵)

پس آنان را [به سوی همان آیینی که به تو وحی شده] دعوت کن، و همان گونه که مأموری [بر این دعوت] استقامت کن، و از هواهای نفسانی آنان پیروی مکن و بگو: به هر کتابی که خدا نازل کرده، ایمان آوردم، و مأمورم که در میان شما به عدالت رفتار کنم؛ خدا پروردگار ما و شماست؛ اعمال ما برای خود ما و اعمال شما برای خود شماست؛ دیگر میان ما و شما [پس از روشن شدن حقایق] هیچ حجت و برهانی نیست؛ خدا ما و شما را [در عرصه قیامت] جمع می کند، و بازگشت [همه] به سوی اوست. (۱۵)

ص: ۴۸۴

وَالَّذِينَ يُحَاجُّونَ فِي اللَّهِ مِن بَعْدِ مَا اسْتُجِيبَ لَهُ حُجَّتُهُمْ دَاحِضَةٌ عِندَ رَبِّهِمْ وَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ (۱۶)

کسانی که درباره خدا پس از آنکه دعوتش [از سوی مردم منصف با تکیه بر عقل و فطرت] اجابت شده مجادله و ستیزه می کنند، دلیلشان [بر ضد حقایق] نزد پروردگارشان باطل است و از سوی خدا خشمی بر آنان است و برای آنان عذابی سخت خواهد بود. (۱۶)

اللَّهُ الَّذِی أَنزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَالْمِيزَانَ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِيبٌ (١٧)

خداست که به حقّ و راستی کتاب و میزان [سنجش حق از باطل] را نازل کرد. و تو چه می دانی، شاید قیامت نزدیک باشد. (١٧)

يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا وَالَّذِينَ آمَنُوا مُشْفِقُونَ مِنْهَا وَيَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ أَلَا إِنَّ الَّذِينَ يُمَارُونَ فِی السَّاعَةِ لَفِی ضَلَالٍ بَعِيدٍ (١٨)

کسانی که به آن ایمان ندارند [از روی ریشخند] به آمدنش شتاب دارند، و کسانی که ایمان دارند از آن بیمناکند و می دانند بی تردید قیامت حق است. آگاه باشید! یقیناً کسانی که درباره قیامت همواره تردید می کنند، در گمراهی دور و درازی هستند. (١٨)

اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ يَرْزُقُ مَن يَشَاءُ وَهُوَ الْقَوِیُّ الْعَزِيزُ (١٩)

خدا نسبت به بندگانش بسیار مهربان و نیکوکار است، هر که را بخواهد روزی می بخشد و او نیرومند و توانای شکست ناپذیر است. (١٩)

مَن كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِی حَرْثِهِ وَمَن كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِی الْآخِرَةِ مِن نَّصِيبٍ (٢٠)

کسی که زراعت آخرت را بخواهد، بر زراعتش می افزاییم و کسی که زراعت دنیا را بخواهد، اندکی از آن را به او می دهیم، ولی او را در آخرت هیچ بهره و نصیبی نیست. (٢٠)

أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُم مِّنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَن بِهِ اللَّهُ وَلَوْلَا كَلِمَةُ الْفَصْلِ لَقُضِیَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (٢١)

آیا مشرکان و کافران معبودانی دارند که بی اذن خدا آیینی را برای آنان پایه گذاری کرده اند؟ [در صورتی که پایه گذاری آیین، حق ویژه خداست و کسی را نرسد که از نزد خود آیینی بسازد] اگر فرمان قاطعانه خدا بر مهلت یافتنشان نبود، مسلماً میانشان [به نابودی و هلاکت] حکم می شد؛ و بی تردید برای ستمکاران عذابی دردناک خواهد بود. (٢١)

تَرَى الظَّالِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا كَسَبُوا وَهُوَ وَاقِعٌ بِهِمْ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِی رَوْضَاتِ الْجَنَّاتِ لَهُم مَّا يَشَاءُونَ عِندَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ (٢٢)

ستمکاران را [در قیامت] می بینی که از اعمالی که انجام داده اند، بسیار بیمناکند وهمان را که مرتکب شده اند، بر آنان فرود می آید و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، در باغ های سرسبز بهشت اند، برای آنان هر چه را که بخواهند نزد پروردگارشان فراهم است؛ این همان فضل بزرگ است. (٢٢)

ذَلِكَ الَّذِی یُبَشِّرُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُل لَّا أَسْأَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبَی وَمَن یَقْتَرِفْ حَسَنَهً نَّزِدْ لَهُ فِیهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَکُورٌ (۲۳)

این است چیزی که خدا آن را به بندگانش که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، مژده می دهد. بگو: از شما [در برابر ابلاغ رسالتم] هیچ پاداشی جز مودّت نزدیکان را [که بنابر روایات بسیار اهل بیت علیهم السلام هستند] را نمی خواهم. و هر کس کار نیکی کند، بر نیکی اش می افزاییم؛ یقیناً خدا بسیار آمرزنده و عطاکننده پاداش فراوان در برابر عمل اندک است. (۲۳)

أَمْ یَقُولُونَ افْتَرَی عَلَی اللَّهِ کَذِبًا فَإِن یَشَإِ اللَّهُ یَخْتِمْ عَلَی قَلْبِکَ وَیَمْحُ اللَّهُ الْبَاطِلَ وَیُحِقُّ الْحَقَّ بِکَلِمَاتِهِ إِنَّهُ عَلِیمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۲۴)

بلکه [منافقان سبک مغز] می گویند: [در نزول آیه مودت] بر خدا دروغ بسته است! پس اگر خدا بخواهد، بر دل تو مهر می نهد [تا از دروغ بستن باز ایستی، ولی تو از دروغ بستن بر خدا منزهی، این تهمت بزرگ است که این بیماردلان بر تو می بندند]. و خدا باطل را محو می کند و حق را با کلمات استوارش [و سخنان منطقی و مستدلش] پابرجا می سازد؛ یقیناً او به نیّات و اسرار سینه ها داناست. (۲۴)

وَهُوَ الَّذِی یَقْبَلُ التَّوْبَهَ عَنْ عِبَادِهِ وَیَعْفُو عَنِ السَّیِّئَاتِ وَیَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ (۲۵)

و اوست که توبه را از بندگانش می پذیرد و از گناهان درمی گذرد و آنچه را انجام می دهید، می داند. (۲۵)

وَیَسْتَجِیبُ الَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَیَزِیدُهُم مِّن فَضْلِهِ وَالْکَافِرُونَ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِیدٌ (۲۶)

و درخواست کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، اجابت می کند و از فضل و احسانش بر آنان می افزاید؛ و برای کافران عذابی سخت خواهد بود. (۲۶)

وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِی الْأَرْضِ وَلَکِن یُنَزِّلُ بِقَدَرٍ مَّا یَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِیرٌ بَصِیرٌ (۲۷)

و اگر خدا روزی را بر بندگانش وسعت دهد، در زمین سرکشی و ستم کنند، ولی آنچه را بخواهد به اندازه نازل می کند؛ یقیناً او به بندگانش آگاه و بیناست. (۲۷)

وَهُوَ الَّذِی یُنَزِّلُ الْغَیْثَ مِن بَعْدِ مَا قَنَطُوا وَیَنشُرُ رَحْمَتَهُ وَهُوَ الْوَلِیُّ الْحَمِیدُ (۲۸)

و اوست که باران را پس از اینکه [مردم از آمدنش] نومید شدند، نازل می کند و رحمتش را می گستراند، و او سرپرست و یار [واقعی] و ستوده است. (۲۸)

وَمِنْ آیَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَثَّ فِیهِمَا مِن دَابَّهٍ وَهُوَ عَلَی جَمْعِهِمْ إِذَا یَشَاءُ قَدِیرٌ (۲۹)

و از نشانه های [ربوبیت و قدرت] او آفرینش آسمان ها و زمین است و [نیز] آنچه از جنبنده میان آن دو پراکنده است، و او

هر گاه بخواهد بر جمع کردنشان تواناست. (۲۹)

وَمَا أَصَابَكُم مِّن مُّصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَن كَثِيرٍ (۳۰)

و هر آسیبی به شما رسد به سبب اعمالی است که مرتکب شده اید، و از بسیاری [از همان اعمال هم] درمی گذرد. (۳۰)

وَمَا أَنتُم بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ اللَّهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ (۳۱)

و شما در زمین عاجزکننده [خدا] نیستید [تا بتوانید از دسترس قدرت او بیرون روید] و جز خدا هیچ سرپرست و یاوری برای شما نیست. (۳۱)

وَمِنْ آيَاتِهِ الْجَوَارِ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ (۳۲)

از نشانه های او کشتی های کوه آسا در میان دریاست [که به کمک باد در حرکت اند.] (۳۲)

إِن يَشَأْ يُسْكِنِ الرِّيحَ فَيَظْلَلْنَ رَوَاكِدَ عَلَى ظَهْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ (۳۳)

اگر بخواهد باد را فرومی نشاند، در نتیجه کشتی ها به روی آب ساکن و بی حرکت می مانند؛ یقیناً در این واقعیت برای هر شکیبای سپاس گزاری نشانه هایی [بر قدرت و ربوبیت خدا] ست. (۳۳)

أَوْ يُوبِقْهُنَّ بِمَا كَسَبُوا وَيَعْفُ عَن كَثِيرٍ (۳۴)

یا اگر بخواهد کشتی ها را [با سرنشینانش] به سبب گناهانی که مرتکب شده اند، نابود می کند و از بسیاری [از همان گناهان] می گذرد. (۳۴)

وَيَعْلَمَ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِنَا مَا لَهُم مِّن مَّحِيصٍ (۳۵)

و تا کسانی که درآیات ما مجادله و ستیزه می کنند، بدانند که آنان را [از عرصه قدرت ما] هیچ گریزگاهی نیست. (۳۵)

فَمَا أُوتِيتُم مِّن شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا عِندَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى لِلَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ (۳۶)

پس آنچه [از کالا، وسایل و ابزار مادی] به شما داده اند، متاع [اندک و زودگذر] زندگی دنیاست، و آنچه [از بهره و پاداش] نزد خداست، برای کسانی که ایمان آورده اند و بر پروردگارشان توکل می کنند، بهتر و پایدارتر است. (۳۶)

وَالَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ (۳۷)

و [همان] کسانی که از گناهان بزرگ و از کارهای زشت دوری می کننـد و هنگامی که [به مردم] خشم می گیرند، راه چشـم پوشی و گذشت را برمی گزینند؛ (۳۷)

وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ (۳۸)

و آنـان که دعوت پروردگارشان را اجابت کردنـد و نماز را برپا داشـتند و کارشان در میان خودشان بر پایه مشورت است و از آنچه روزی آنان کرده ایم، انفاق می کنند؛ (۳۸)

وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنتَصِرُونَ (۳۹)

و آنان که هرگاه ستمی به آنان رسد [تسلیم سـتم و سـتمکار نمی شوند، بلکه از دشـمن به حکم حق و برابر با قوانین اسـلام] انتقام می گیرند؛ (۳۹)

وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ (۴۰)

پاداش بـدی [چون قتل و زخم زدن و اتلاف مال]ماننـد همان بدی است؛ ولی هر که بگذرد و [میان خود و طرف مقابلش را] اصلاح نماید. پاداشش بر عهده خداست؛ یقیناً خدا ستمکاران را دوست ندارد. (۴۰)

وَلَمَنِ انتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِم مِّن سَبِيلٍ (۴۱)

و کسانی که پس از سـتم دیدنشان [به حکم حق و برابر قوانین اسـلام] در مقام انتقام برآیند، ایرادی بر آنان نیست [و در شـرع مقدس مجوزی وجود ندارد که حق آنان را باطل کنند.] (۴۱)

إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۴۲)

ایراد و محکومیت فقـط متوجه کسانی است که به مردم سـتم روا می دارنـد و به ناحق در زمین سرکشـی می کننـد، اینانـند که برای آنان عذابی دردناک خواهد بود، (۴۲)

وَلَمَن صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ (۴۳)

و کسی که [با قدرت داشتن بر انتقام به اختیار خود] شکیبایی ورزد و [از انتقام] گذشت کند، بی تردید این از اموری است که ملازمت بر آن از واجبات است، (۴۳)

وَمَن يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن وَلِيٍّ مِّن بَعْدِهِ وَتَرَى الظَّالِمِينَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ يَقُولُونَ هَلْ إِلَى مَرَدٍّ مِّن سَبِيلٍ (۴۴)

و هر که را خـدا [به کیفر کبر و عنادش] گمراه کنـد، او را پس از خـدا هیـچ سرپرست و یاوری نخواهـد بود؛ و سـتمکاران را [روز قیامت] می بینی چون عذاب را ببینند، می گویند: آیا راهی به سوی بازگشت [به دنیا] وجود دارد؟! (۴۴)

وَتَرَاهُمْ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا خَاشِعِينَ مِنَ الذُّلِّ يَنظُرُونَ مِن طَرْفٍ خَفِيٍّ وَقَالَ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَهِ أَلَا إِنَّ الظَّالِمِينَ فِی عَذَابٍ مُّقِيمٍ (۴۵)

و آنان را می بینی که بر آتش عرضه می شوند، [در حالی که از شدت رسوایی سرافکنده اند] زیر چشمی به آن می نگرند. و اهل ایمان می گویند: یقیناً زیانکاران کسانی هستند که روز قیامت سرمایه وجود خود و کسانشان را تباه کرده اند. آگاه باشید! مسلماً ستمکاران در عذابی پایدار و جاودانه اند. (۴۵)

وَمَا كَانَ لَهُم مِّنْ أَوْلِيَاءَ يَنصُرُونَهُم مِّن دُونِ اللَّهِ وَمَن يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن سَبِيلٍ (۴۶)

و در برابر خدا برای آنان سرپرستان و یاورانی که یاریشان دهد نخواهد بود؛ و هر که را خدا گمراه کند، او را هیچ راهی [به سوی نجات و سعادت] نیست. (۴۶)

اسْتَجِيبُوا لِرَبِّكُم مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِیَ يَوْمٌ لَّا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ مَا لَكُم مِّن مَّلْجَإٍ يَوْمَئِذٍ وَمَا لَكُم مِّن نَّكِيرٍ (۴۷)

پیش از آنکه روزی فرا رسد که از سوی خدا هیچ بازگشتی برای آن نیست، پروردگارتان را اجابت کنید، آن روز برای شما هیچ پناه گاهی و هیچ راه انکاری [نسبت به اعمالی که مرتکب شده اید] وجود ندارد؛ (۴۷)

فَإِنْ أَعْرَضُوا فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا إِنْ عَلَيْكَ إِلَّا الْبَلَاغُ وَإِنَّا إِذَا أَذَقْنَا الْإِنسَانَ مِنَّا رَحْمَهً فَرِحَ بِهَا وَإِن تُصِبْهُمْ سَيِّئَهٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَإِنَّ الْإِنسَانَ كَفُورٌ (۴۸)

پس اگر [از دعوتت] روی برگردانند [اندوهگین مباش] ما تو را بر آنان نگهبان و مراقب نفرستاده ایم [تا آنان را به اجبار در دایره هدایت قرار دهی]، جز رساندن [پیام وحی] بر عهده تو نیست، و هنگامی که ما از سوی خود رحمتی [چون سلامت، امنیت و ثروت] به انسان بچشانیم، به آن سرمست و مغرور می شود، و اگر به سبب گناهانی که مرتکب شده اند آسیبی به آنان رسد [رحمت حق را فراموش می کنند]، بی تردید انسان بسیار ناسپاس است. (۴۸)

لِّلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَهَبُ لِمَن يَشَاءُ إِنَاثًا وَيَهَبُ لِمَن يَشَاءُ الذُّكُورَ (۴۹)

مالکیت و فرمانروایی آسمان ها و زمین فقط در سیطره خداست، هر چه را بخواهد می آفریند، به هر کس بخواهد دختر عطا می کند و به هر کس بخواهد پسر می بخشد؛ (۴۹)

أَوْ يُزَوِّجُهُمْ ذُكْرَانًا وَإِنَاثًا وَيَجْعَلُ مَن يَشَاءُ عَقِيمًا إِنَّهُ عَلِيمٌ قَدِيرٌ (۵۰)

یا پسران و دختران را با هم به آنان می دهد و هر که را بخواهد نازا می کند؛ یقیناً او دانا و تواناست. (۵۰)

وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ أَن يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِن وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِیَ بِإِذْنِهِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلِیٌّ حَكِيمٌ (۵۱)

هیچ بشری را نسزد که خدا با او سخن گوید، مگر از راه وحی یا از پشت حجاب غیب یا رسولی [چون فرشته] می فرستد؛ پس فرشته به اذن او آنچه را بخواهد وحی می کند؛ یقیناً او بلند مرتبه و حکیم است. (۵۱)

وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا مَا كُنتَ تَدْرِى مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ وَلَكِن جَعَلْنَاهُ نُورًا نَّهْدِى بِهِ مَن نَّشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا وَإِنَّكَ لَتَهْدِى إِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ (۵۲)

و همان گونه [که بر پیامبران پیشین وحی کردیم] روحی را [چون قرآن] از امر خود به تو وحی کردیم. تو [پیش از این] نمی دانستی کتاب و ایمان چیست؟ ولی آن [کتاب] را نوری قرار دادیم که هر کس از بندگانمان را بخواهیم به وسیله آن هدایت می کنیم؛ بی تردید تو [مردم را] به راهی راست هدایت می نمایی. (۵۲)

صِرَاطِ اللَّهِ الَّذِى لَهُ مَا فِى السَّمَاوَاتِ وَمَا فِى الْأَرْضِ أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ (۵۳)

راه آن خدایی که آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است، فقط در سیطره مالکیّت و فرمانروایی اوست. آگاه باشید! که همه امور به سوی خدا بازمی گردد. (۵۳)

سوره الزخرف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ حم (۱)

حم (۱)

وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ (۲)

سوگند به [این] کتاب روشنگر (۲)

إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَّعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (۳)

که ما آن را [به زبان] عربی [فصیح و گویا] قرار دادیم تا [در آن] تعقّل کنند؛ (۳)

وَإِنَّهُ فِى أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِيٌّ حَكِيمٌ (۴)

و همانا که آن در امّ الکتاب [که لوح محفوظ است] نزد ما بلند مرتبه و حکیم است. (۴)

أَفَنَضْرِبُ عَنكُمُ الذِّكْرَ صَفْحًا أَن كُنتُمْ قَوْمًا مُّسْرِفِينَ (۵)

آیا برای اینکه شما قومی اسراف کارید، قرآن را از شما دور کنیم و بازگردانیم؟! [نه این کار را نمی کنیم تا بندگانمان از

هدایت محروم نشوند.] (۵)

وَكَمْ أَرْسَلْنَا مِن نَّبِيٍّ فِي الْأَوَّلِينَ (۶)

و چه بسیار پیامبرانی که در میان پیشینیان [که مردمی اسراف کار بودند] فرستادیم [و به سبب اسرافشان از فرستادن پیامبر دریغ نکردیم؛] (۶)

وَمَا يَأْتِيهِم مِّن نَّبِيٍّ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (۷)

ولی هیچ پیامبری به سوی آنان نیامد مگر اینکه او را همواره مسخره می کردند. (۷)

فَأَهْلَكْنَا أَشَدَّ مِنْهُم بَطْشًا وَمَضَى مَثَلُ الْأَوَّلِينَ (۸)

پس ما نیرومندتر از این اسراف کاران [زمان تو] را هلاک کردیم و سرگذشت پیشینیان [هلاک شده، در سوره های دیگر قرآن] گذشت. (۸)

وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ خَلَقَهُنَّ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ (۹)

و اگر از آنان بپرسی آسمان ها و زمین را چه کسی آفریده است؟ قطعاً خواهند گفت: آنها را همان توانای شکست ناپذیر و دانا آفرید. (۹)

الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَجَعَلَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا لَّعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (۱۰)

همان که این زمین را محل آرامش شما قرار داد و برای شما در آن، راه ها پدید آورد تا [به اهداف و مقاصدتان] راه یابید. (۱۰)

ص: ۴۸۹

وَالَّذِي نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَنشَرْنَا بِهِ بَلْدَةً مَّيْتًا كَذَلِكَ تُخْرَجُونَ (۱۱)

و آنکه از آسمان آبی به اندازه نازل کرد، پس به وسیله آن سرزمینی مرده را زنده کردیم، [و] همین گونه [درقیامت از گورها] بیرون آورده می شوید؛ (۱۱)

وَالَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا وَجَعَلَ لَكُم مِّنَ الْفُلْكِ وَالْأَنْعَامِ مَا تَرْكَبُونَ (۱۲)

و آنکه همه جفت ها را آفرید، و برای شما از کشتی ها و چهارپایان و آنچه که سوارش می شوید پدید آورد، (۱۲)

لِتَسْتَوُوا عَلَى ظُهُورِهِ ثُمَّ تَذْكُرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَتَقُولُوا سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ (۱۳)

تا بر پشت آنها قرار گیرید، سپس هنگامی که بر آنها سوار می شوید نعمت پروردگارتان را به یاد آورید و بگویید: منزّه [از هر عیب و نقصی] است کسی که این [وسایل سواری] را برای ما مسخّر و رام کرد، در حالی که ما را قدرت مسخّر کردن آنها نبود؛ (۱۳)

وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنقَلِبُونَ (۱۴)

و یقیناً ما به سوی پروردگارمان باز می گردیم؛ (۱۴)

وَجَعَلُوا لَهُ مِنْ عِبَادِهِ جُزْءًا إِنَّ الْإِنسَانَ لَكَفُورٌ مُّبِينٌ (۱۵)

و [مشرکان سبک مغز] برای خدا از میان بندگانش قطعه ای و جزیی [به عنوان فرزند که از او جدا شده] قرار دادند؛ قطعاً انسان کفران کننده آشکاری است. (۱۵)

أَمِ اتَّخَذَ مِمَّا يَخْلُقُ بَنَاتٍ وَأَصْفَاكُم بِالْبَنِينَ (۱۶)

آیا از آنچه خدا می آفریند، دخترانی برای خود برگرفته و شما را به داشتن پسران برگزیده است؟ (۱۶)

وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمَنِ مَثَلًا ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ (۱۷)

و [در صورتی که] چون یکی از آنان را به [ولادت] دختری که شبیه و هم جنس خدا قرار داده مژده دهند در حالی که [دلش] پر از اندوه و خشم است، صورتش سیاه می شود! [چون علاوه بر اینکه دختر داری را دوست ندارد از آن ننگ دارد، اما همین دختر را به عنوان هم جنس و فرزند خدا قلمداد می کند!!] (۱۷)

أَوَمَن يُنَشَّأُ فِي الْحِلْيَةِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ (۱۸)

آیا کسی را [شریک خدا قرار داده اند] که در زر و زیور پرورش یافته است و [هنگام] مجادله و بحث بیانش روشن نیست؟ (۱۸)

وَجَعَلُوا الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ هُمْ عِبَادُ الرَّحْمَنِ إِنَاثًا أَشَهِدُوا خَلْقَهُمْ سَتُكْتَبُ شَهَادَتُهُمْ وَيُسْأَلُونَ (۱۹)

و فرشتگان را که بندگان [خدای] رحمان اند، به پندار خود جنس ماده قرارداده اند، آیا زمان آفرینش آنان حضور داشتند [که بر ماده بودنشان گواهی می دهند؟] به زودی گواهی آنان [در نامه اعمالشان] نوشته می شود و [درباره آن] مورد بازپرسی قرار خواهند گرفت. (۱۹)

وَقَالُوا لَوْ شَاءَ الرَّحْمَنُ مَا عَبَدْنَاهُم مَّا لَهُم بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ (۲۰)

و گفتند: اگر خدا می خواست ما آنان را نمی پرستیدیم. ادعایشان متکی بر هیچ [دلیل] و دانشی نیست [و مایه ای جز جهل و

نادانی ندارد]، فقط حدس می زنند و دروغ می بافند؛ (۲۰)

أَمْ آتَیْنَاهُمْ کِتَابًا مِّن قَبْلِهِ فَهُم بِهِ مُسْتَمْسِکُونَ (۲۱)

یا مگر ما پیش از قرآن کتابی به آنان داده ایم که [برای اثبات ادعایشان] به آن تمسک می جویند؟ (۲۱)

بَلْ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَی أُمَّهٍ وَإِنَّا عَلَی آثَارِهِم مُّهْتَدُونَ (۲۲)

[نه] بلکه [هیچ دلیلی بر حقّانیّت بت پرستی و شرک خود ندارند، بلکه دلگرمی آنان به آیینشان این است که] گفتند: ما پدرانمان را بر آیینی یافتیم و مسلماً ما هم با پیروی از آثارشان ره یافته ایم. (۲۲)

ص: ۴۹۰

وَکَذَلِکَ مَا أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِکَ فِی قَرْیَهٍ مِّن نَّذِیرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَی أُمَّهٍ وَإِنَّا عَلَی آثَارِهِم مُّقْتَدُونَ (۲۳)

[پیروی کورکورانه و جاهلانه مخصوص اینان نیست] و به همین گونه پیش از تو در هیچ شهری بیم دهنده ای نفرستادیم، مگر آنکه سران خوشگذران و مست و مغرورش گفتند: ما پدرانمان را بر آیینی یافتیم و ما هم حتماً به آثارشان اقتدا می کنیم. (۲۳)

قَالَ أَوَلَوْ جِئْتُکُم بِأَهْدَی مِمَّا وَجَدتُّمْ عَلَیْهِ آبَاءَکُمْ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُم بِهِ کَافِرُونَ (۲۴)

[بیم دهنده] گفت: آیا هر چند من آیینی هدایت کننده تر از آیینی که پدرانتان را بر آن یافته اید، برایتان بیاورم؟ گفتند: ما به آیینی که به آن فرستاده شده اید، کافریم! (۲۴)

فَانتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَانظُرْ کَیْفَ کَانَ عَاقِبَهُ الْمُکَذِّبِینَ (۲۵)

در نتیجه از آنان انتقام گرفتیم. پس با تأمل بنگر سرانجام تکذیب کنندگان چگونه بود. (۲۵)

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِیمُ لِأَبِیهِ وَقَوْمِهِ إِنَّنِی بَرَاءٌ مِّمَّا تَعْبُدُونَ (۲۶)

و [یاد کن] هنگامی را که ابراهیم به پدر و قومش گفت: من بی تردید از آنچه می پرستید، بیزارم. (۲۶)

إِلَّا الَّذِی فَطَرَنِی فَإِنَّهُ سَیَهْدِینِ (۲۷)

مگر کسی که مرا آفریده، که یقیناً او مرا هدایت می کند، (۲۷)

وَجَعَلَهَا کَلِمَهً بَاقِیَهً فِی عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ یَرْجِعُونَ (۲۸)

و توحید و یکتاپرستی را در نسل های بعد از خود حقیقتی پایدار قرار داد، باشد که آنان [به سوی توحید] بازگردند؛ (۲۸)

بَلْ مَتَّعْتُ هَؤُلَاءِ وَآبَاءَهُمْ حَتَّى جَاءَهُمُ الْحَقُّ وَرَسُولٌ مُّبِينٌ (۲۹)

[نه اینکه بازنگشتند و من هم از آنان انتقام نگرفتم] بلکه اینان [که در مکه آلوده به بت پرستی هستند] و پدرانشان را [از انواع نعمت ها] برخوردار کردم تا آنکه حق و فرستاده ای روشنگر [چون قرآن و محمّد] به سویشان آمد؛ (۲۹)

وَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ وَإِنَّا بِهِ كَافِرُونَ (۳۰)

و هنگامی که حق به سویشان آمد، گفتند: این جادوست و ما به آن کافریم، (۳۰)

وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ هَذَا الْقُرْآنُ عَلَى رَجُلٍ مِّنَ الْقَرْيَتَيْنِ عَظِيمٍ (۳۱)

و گفتند: این قرآن چرا بر مردمی بزرگ از میان یکی از این دو شهر [مکه و طایف] نازل نشد؟! (۳۱)

أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُم مَّعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيَتَّخِذَ بَعْضُهُم بَعْضًا سُخْرِيًّا وَرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ (۳۲)

آیا آنان هستند که رحمت پروردگارت را تقسیم می کنند؟ ما در زندگی دنیا معیشت آنان را میانشان تقسیم کرده ایم، و برخی را از جهت درجات [فکری و مادی] بر برخی برتری داده ایم تا برخی از آنان برخی دیگر را [در امر معیشت و سایر امور] به خدمت گیرند؛ و رحمت پروردگارت از آنچه آنان جمع می کنند، بهتر است. (۳۲)

وَلَوْلَا أَن يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَّجَعَلْنَا لِمَن يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ لِبُيُوتِهِمْ سُقُفًا مِّن فِضَّةٍ وَمَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ (۳۳)

و اگر [بهره مندی کفار از انواع نعمت های مادی و تهیدستی مؤمنان، سبب] این نبود که همه مردم [به خاطر ضعف ایمان و ناآگاه بودن به حقایق] بر محور کفر امتی واحد شوند، ما برای خانه های کافران به [خدای] رحمان سقف هایی از نقره قرار می دادیم و نردبان هایی که با آن بر بالای خانه ها برآیند. (۳۳)

ص: ۴۹۱

وَلِبُيُوتِهِمْ أَبْوَابًا وَسُرُرًا عَلَيْهَا يَتَّكِئُونَ (۳۴)

و برای خانه هایشان [نیز] درها و تخت هایی [از نقره می ساختیم] که بر آن تکیه زنند، (۳۴)

وَزُخْرُفًا وَإِن كُلُّ ذَلِكَ لَمَّا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ عِندَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ (۳۵)

و [برای خانه ها و زندگی آنان] زر و زیور [قرار می دادیم]، ولی همه این ها جز کالای اندک زندگی دنیا نیست، و آخرت نزد پروردگارت برای پرهیزکاران است؛ (۳۵)

وَمَن يَعْشُ عَن ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقَيِّضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ (۳۶)

و هر کس خود را از یاد [خدای] رحمان به کوردلی و حجاب باطن بزند، شیطانی بر او می گماریم که آن شیطان ملازم و دمسازش باشد. (۳۶)

وَإِنَّهُمْ لَيَصُدُّونَهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُم مُّهْتَدُونَ (۳۷)

و بی تردید شیطان ها چنین کسانی را از راه خدا باز می دارند، در حالی که [با این گمراهی سخت] گمان می کنند راه یافتگان واقعی آنانند؛ (۳۷)

حَتَّى إِذَا جَاءَنَا قَالَ يَا لَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ الْقَرِينُ (۳۸)

تا زمانی که [در قیامت] نزد ما آیند [به شیطانش] گوید: ای کاش میان من و تو فاصله و دوری مشرق و مغرب بود، پس بد همنشینی بودی! (۳۸)

وَلَن يَنفَعَكُمُ الْيَوْمَ إِذ ظَّلَمْتُمْ أَنَّكُمْ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ (۳۹)

و [به آنان گویند: امروز این گفتگو و آرزوی دوری از شیطان] هرگز به شما سودی نمی دهد؛ زیرا [در دنیا] ستم ورزیدید [و] اکنون همه با هم در عذاب مشترک خواهید بود؛ (۳۹)

أَفَأَنتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ أَوْ تَهْدِي الْعُمْيَ وَمَن كَانَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۴۰)

پس آیا تو می توانی [دعوتت را] به کران بشنوانی، یا کوران و کسانی را که در گمراهی آشکارند هدایت کنی؟! (۴۰)

فَإِمَّا نَذْهَبَنَّ بِكَ فَإِنَّا مِنْهُم مُّنتَقِمُونَ (۴۱)

پس اگر تو را از دنیا ببریم، یقیناً از اینان انتقام خواهیم گرفت، (۴۱)

أَوْ نُرِيَنَّكَ الَّذِي وَعَدْنَاهُمْ فَإِنَّا عَلَيْهِم مُّقْتَدِرُونَ (۴۲)

یا [اگر از دنیا نبریم] آنچه را از عذاب به آنان وعده کرده ایم به تو نشان خواهیم داد [در هر صورت ما آنان را عذاب می کنیم]، و بی تردید بر آنان چیره و مسلطیم؛ (۴۲)

فَاسْتَمْسِكْ بِالَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ إِنَّكَ عَلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ (۴۳)

پس به آنچه بر تو وحی شده تمسک بجوی، یقیناً تو بر راهی راست قرار داری؛ (۴۳)

وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَّكَ وَلِقَوْمِكَ وَسَوْفَ تُسْأَلُونَ (۴۴)

و مسلماً [این] قرآن برای تو و قوم تو مایه تذکر [و شرف و عزت] است، و سپس [درباره آن] بازخواست خواهید شد. (۴۴)

وَاسْأَلْ مَنْ أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِکَ مِن رُّسُلِنَا أَجَعَلْنَا مِن دُونِ الرَّحْمَنِ آلِهَةً یُعْبَدُونَ (۴۵)

و از پیامبرانی که پیش از تو فرستاده ایم بپرس که آیا به جای [خدایِ] رحمان معبودانی که پرستش شوند، قرار داده ایم؟! (۴۵)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآیَاتِنَا إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَقَالَ إِنِّی رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِینَ (۴۶)

و به راستی ما موسی را با نشانه های خود به سوی فرعون و سران و اشراف قومش فرستادیم، پس گفت: من فرستاده پروردگار جهانیانم؛ (۴۶)

فَلَمَّا جَاءَهُم بِآیَاتِنَا إِذَا هُم مِّنْهَا یَضْحَکُونَ (۴۷)

نهایتاً چون معجزه های ما را برای آنان آورد ناگاه آنان [از روی ریشخند] به آنان می خندیدند. (۴۷)

ص: ۴۹۲

وَمَا نُرِیهِم مِّنْ آیَةٍ إِلَّا هِیَ أَکْبَرُ مِنْ أُخْتِهَا وَأَخَذْنَاهُم بِالْعَذَابِ لَعَلَّهُمْ یَرْجِعُونَ (۴۸)

ما هیچ معجزه ای را به آنان نشان نمی دادیم مگر آنکه از مشابهش بزرگ تر بود، و آنان را به عذاب دنیایی گرفتار کردیم، باشد که بازگردند. (۴۸)

وَقَالُوا یَا أَیُّهَ السَّاحِرُ ادْعُ لَنَا رَبَّکَ بِمَا عَهِدَ عِندَکَ إِنَّنَا لَمُهْتَدُونَ (۴۹)

و [وقتی گرفتار شدند] گفتند: ای جادوگر! پروردگارت را بر پایه عهدی که با تو کرده [که اگر ایمان آوریم عذاب را از ما بردارد] برای ما بخوان، که بی تردید ما هدایت خواهیم یافت. (۴۹)

فَلَمَّا کَشَفْنَا عَنْهُمُ الْعَذَابَ إِذَا هُمْ یَنکُثُونَ (۵۰)

هنگامی که عذاب را از آنان برطرف می کردیم، ناگاه پیمان می شکستند. (۵۰)

وَنَادَى فِرْعَوْنُ فِی قَوْمِهِ قَالَ یَا قَوْمِ أَلَیْسَ لِی مُلْکُ مِصْرَ وَهَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِی مِن تَحْتِی أَفَلَا تُبْصِرُونَ (۵۱)

و فرعون در میان قومش ندا داد: گفت: ای قوم من! آیا حکومت و پادشاهی مصر ویژه من نیست و این نهرها از زیر [کاخ های] من به فرمان من روان نیستند؟ آیا [عظمت و حشمت من و فقر و تهیدستی موسی را] نمی بینید؟! (۵۱)

أَمْ أَنَا خَیْرٌ مِّنْ هَذَا الَّذِی هُوَ مَهِینٌ وَلَا یَکَادُ یُبِینُ (۵۲)

مگر نه این است که من از این کسی که خوار و بی مقدار است و نمی تواند روشن و گویا سخن گوید، بهترم؟ (۵۲)

فَلَوْلَا أُلْقِيَ عَلَيْهِ أَسْوِرَةٌ مِّن ذَهَبٍ أَوْ جَاءَ مَعَهُ الْمَلَائِكَةُ مُقْتَرِنِينَ (۵۳)

[اگر موسی، عزت، سربلندی، کرامت و شخصیت داشت] پس چرا دستبندهای زرین و طلا بر او آویخته نشده است؟ یا چرا فرشتگانی [برای اثبات نبوتش] همراه او نیامده اند؟ (۵۳)

فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَأَطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ (۵۴)

پس او قومش را سبک مغز شمرد [و آنان را با وسوسه و اغواگری فریفت و خوارشان کرد] در نتیجه از او اطاعت کردند؛ زیرا آنان مردمی فاسق و نافرمان بودند. (۵۴)

فَلَمَّا آسَفُونَا انتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ (۵۵)

چون ما را به خشم آوردند از آنان انتقام گرفتیم، پس همه را غرق کردیم. (۵۵)

فَجَعَلْنَاهُمْ سَلَفًا وَمَثَلًا لِّلْآخِرِينَ (۵۶)

در نتیجه آنان را پیشگامان [دوزخیان] و عبرتی برای آیندگان قرار دادیم. (۵۶)

وَلَمَّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُّونَ (۵۷)

و چون فرزند مریم [در آیات قرآن به نداشتن پدر به عنوان روح خدا و کلمه الله] مثل زده شد، ناگهان قوم [مشرک و بت پرست] تو نسبت به آن به مسخره و خنده فریاد برداشتند، (۵۷)

وَقَالُوا أَآلِهَتُنَا خَيْرٌ أَمْ هُوَ مَا ضَرَبُوهُ لَكَ إِلَّا جَدَلًا بَلْ هُمْ قَوْمٌ خَصِمُونَ (۵۸)

و گفتند: آیا معبودان ما بهترند یا او. [ولی] آنان این مقایسه را به عنوان مثل برای تو نزدند مگر از روی جدال بی منطق و ستیزه جویی [تو معبود بودن عیسی را نپذیرفته ای]، بلکه اینان گروهی ستیزه جو [و در جدال باطل بسیار سرسخت] هستند. (۵۸)

إِنْ هُوَ إِلَّا عَبْدٌ أَنْعَمْنَا عَلَيْهِ وَجَعَلْنَاهُ مَثَلًا لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ (۵۹)

او نبود جز بنده ای که به او نعمت [نبوّت و معجزات را] عطا کردیم و وی را برای بنی اسرائیل نشانه ای بزرگ [از قدرت خود] قرار دادیم [تا به وسیله او حق برای آنان روشن شود.] (۵۹)

وَلَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَا مِنكُم مَّلَائِكَةً فِي الْأَرْضِ يَخْلُفُونَ (۶۰)

[ولادت، نبوّت و معجزات عیسی از قدرت ما عجیب نیست] و ما اگر بخواهیم برخی از شما را در زمین فرشتگانی قرار می

دهیم که جانشین [صاحب کمالاتی چون خود] باشند. (۶۰)

ص: ۴۹۳

وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِّلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا وَاتَّبِعُونِ هَذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ (۶۱)

و عیسی [با ولادتی که ویژه او بود، و با معجزاتی چون شفا دادن کور مادرزاد، علاج بیماری برص، زنده کردن مردگان و دمیدن روح در مجسمه گلی] سبب یقین به قیامت است، پس هرگز در وقوع آن تردید مکنید، و از من پیروی نمایید که این است راه راست. (۶۱)

وَلَا يَصُدَّنَّكُمُ الشَّيْطَانُ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ (۶۲)

و شیطان شما را [از راه راست] باز ندارد، بی تردید او برای شما دشمنی آشکار است. (۶۲)

وَلَمَّا جَاءَ عِيسَى بِالْبَيِّنَاتِ قَالَ قَدْ جِئْتُكُم بِالْحِكْمَةِ وَلِأُبَيِّنَ لَكُم بَعْضَ الَّذِي تَخْتَلِفُونَ فِيهِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ (۶۳)

و هنگامی که عیسی دلایل روشن آورد، گفت: به راستی من برای شما حکمت آوردم، و تا برای شما [حکم] برخی [از عقاید و احکام] را که در آن اختلاف می کنید بیان کنم؛ بنابراین از خدا پروا کنید و از من اطاعت نمایید. (۶۳)

إِنَّ اللَّهَ هُوَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ (۶۴)

بی تردید خدا پروردگار من و پروردگار شماست، پس او را بپرستید که این است راه راست. (۶۴)

فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِن بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ عَذَابِ يَوْمٍ أَلِيمٍ (۶۵)

از میان امت عیسی گروه هایی [درباره او و دینش] اختلاف کردند [و هر یک چون نسطوریه، ملکانیه، مرقوسیه و شمعونیه به عقیده ای خلاف حق پای بند شدند، و آیینی غیر آیین مسیح را به عنوان آیین مسیح برگزیدند] پس وای بر کسانی که [به آیات خدا] ستم ورزیدند از عذاب روزی دردناک. (۶۵)

هَلْ يَنظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَن تَأْتِيَهُم بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (۶۶)

آیا جز این انتظاری دارند که ناگاه قیامت در رسد در حالی که نمی فهمند؟ (۶۶)

الْأَخِلَّاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ (۶۷)

در آن روز دوستان دشمن یکدیگرند مگر پرهیزکاران. (۶۷)

يَا عِبَادِ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ وَلَا أَنتُمْ تَحْزَنُونَ (۶۸)

[خدا آن روز به آنان گوید:] ای بندگان من! امروز نه بیمی بر شماست و نه اندوهگین می شوید؛ (۶۸)

الَّذِینَ آمَنُوا بِآیَاتِنَا وَکَانُوا مُسْلِمِینَ (۶۹)

همانان که به آیات ما ایمان آوردند و همواره تسلیم [فرمان ها و احکام] ما بودند. (۶۹)

ادْخُلُوا الْجَنَّهَ أَنتُمْ وَأَزْوَاجُکُمْ تُحْبَرُونَ (۷۰)

[ندا آید:] شما و همسرانتان در نهایت خوشحالی و شادمانی به بهشت درآیید؛ (۷۰)

یُطَافُ عَلَیْهِم بِصِحَافٍ مِّن ذَهَبٍ وَأَکْوَابٍ وَفِیهَا مَا تَشْتَهِیهِ الْأَنفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْیُنُ وَأَنتُمْ فِیهَا خَالِدُونَ (۷۱)

ظرف هایی از طلا ـ [که پر از طعام است] و جام هایی [زرین که پر از شراب طهور است] گرداگرد آنان می گردانند، و در آنجا آنچه دل ها می خواهد و چشم ها از آن لذّت می برد، آماده است، و شما [ای پرهیزکاران!] در آن جاودانه اید. (۷۱)

وَتِلْکَ الْجَنَّهُ الَّتِی أُورِثْتُمُوهَا بِمَا کُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۷۲)

این بهشتی است که شما به پاداش اعمالی که همواره انجام می دادید، میراث یافتید. (۷۲)

لَکُمْ فِیهَا فَاکِهَهٌ کَثِیرَهٌ مِّنْهَا تَأْکُلُونَ (۷۳)

شما را در آنجا میوه هایی فراوان است که از آنها می خورید. (۷۳)

ص: ۴۹۴

إِنَّ الْمُجْرِمِینَ فِی عَذَابِ جَهَنَّمَ خَالِدُونَ (۷۴)

بی تردید گناهکاران در عذاب دوزخ جاودانه اند. (۷۴)

لَا یُفَتَّرُ عَنْهُمْ وَهُمْ فِیهِ مُبْلِسُونَ (۷۵)

[عذاب را] از آنان سبک نگردانند و آنان در آنجا [از نجات خود] نومیدند، (۷۵)

وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَکِن کَانُوا هُمُ الظَّالِمِینَ (۷۶)

و ما بر آنان ستم نکردیم، ولی آنان خود ستمکار بودند، (۷۶)

وَنَادَوْا یَا مَالِکُ لِیَقْضِ عَلَیْنَا رَبُّکَ قَالَ إِنَّکُم مَّاکِثُونَ (۷۷)

و فریاد می زنند: ای مالکِ [دوزخ! بگو:] پروردگارت ما را بمیراند [تا از این عذاب نجات یابیم]. [مالک] می گوید: یقیناً شما ماندنی هستید. (۷۷)

لَقَدْ جِئْنَاكُم بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَكُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ (۷۸)

به راستی ما حق را برای شما آوردیم، ولی بیشتر شما حق را خوش نداشتید، (۷۸)

أَمْ أَبْرَمُوا أَمْرًا فَإِنَّا مُبْرِمُونَ (۷۹)

بلکه آنان کار [توطئه و نیرنگ بر ضد حق] را محکم کردند، پس ما هم کار [عذاب] را بر آنان محکم می کنیم. (۷۹)

أَمْ يَحْسَبُونَ أَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُم بَلَى وَرُسُلُنَا لَدَيْهِمْ يَكْتُبُونَ (۸۰)

آیا آنان گمان می کنند که ما رازشان و سخنان در گوشی آنان را نمی شنویم؟ چرا می شنویم و فرستادگان ما [که فرشتگان نویسنده اعمال اند] نزد آنان حاضرند [و اعمالشان و رازهایشان را] می نویسند. (۸۰)

قُلْ إِن كَانَ لِلرَّحْمَنِ وَلَدٌ فَأَنَا أَوَّلُ الْعَابِدِينَ (۸۱)

[به مشرکان سبک مغز] بگو: اگر برای [خدای] رحمان فرزندی بود، من [در این امت] نخستین پرستنده او بودم. (۸۱)

سُبْحَانَ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ (۸۲)

منزّه است پروردگار آسمان ها و زمین، پروردگار عرش از آنچه [درباره او] توصیف می کنند. (۸۲)

فَذَرْهُمْ يَخُوضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّى يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوعَدُونَ (۸۳)

آنان را واگذار تا [در گفتار و کردار باطل] فرو روند و [با کالای بی ارزش دنیا] سرگرم بازی شوند تا آن روزشان را که وعده داده می شوند دیدار کنند. (۸۳)

وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهٌ وَفِي الْأَرْضِ إِلَهٌ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ (۸۴)

و اوست که در آسمان ها معبود [واقعی] است و در زمین هم معبود [واقعی] است و او حکیم و داناست. (۸۴)

وَتَبَارَكَ الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَعِندَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۸۵)

همیشه سودمند و با برکت است کسی که مالکیّت و فرمانروایی آسمان ها و زمین و آنچه میان آنهاست، فقط در سیطره اوست و آگاهی [به همه شؤون] قیامت نزد اوست و به او بازگردانده می شوید. (۸۵)

وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِهِ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَن شَهِدَ بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ (۸۶)

و کسانی را که به جای خدا می پرستند، اختیار شفاعت ندارند، اختیار شفاعت فقط با کسانی است که [از روی بصیرت] شهادت به حق داده اند و آنان [حقیقت حال کسانی را که می خواهند برای آنان شفاعت کنند] می دانند. (۸۶)

وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّنْ خَلَقَهُمْ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فَأَنَّى يُؤْفَكُونَ (۸۷)

و اگر از آنان بپرسی: چه کسی آنان را آفریده است؟ یقیناً می گویند: خدا. پس چگونه [از حق به باطل] منحرف می شوند؟ (۸۷)

وَقِيلِهِ يَا رَبِّ إِنَّ هَؤُلَاءِ قَوْمٌ لَّا يُؤْمِنُونَ (۸۸)

و [چگونه از شکایت پیامبر بی خبرند که] می گوید: پروردگارا! اینان گروهی هستند که ایمان نمی آورند؛ (۸۸)

فَاصْفَحْ عَنْهُمْ وَقُلْ سَلَامٌ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ (۸۹)

بنابراین از آنان روی بگردان و سلام جدایی [را به آنان] بگو، پس [سرانجام شقاوت بار خود و نتیجه کفر و عنادشان را] خواهند دانست. (۸۹)

ص: ۴۹۵

سوره الدخان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ حم (۱)

حم (۱)

وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ (۲)

سوگند به [این] کتاب روشنگر؛ (۲)

إِنَّا أَنزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُّبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ (۳)

به راستی ما آن را در شبی پربرکت نازل کردیم؛ زیرا که همواره بیم دهنده بوده ایم؛ (۳)

فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ (۴)

در آن شب هر کار استواری [به اراده خدا] فیصله می یابد. (۴)

أَمْرًا مِّنْ عِندِنَا إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ (۵)

[نزول قرآن] کاری است [که] از نزد ما [صورت پذیرفته است؛] زیرا ما همواره فرستنده [وحی و پیامبران] بوده ایم. (۵)

رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۶)

[همه این واقعیات] به سبب رحمتی از سوی پروردگار توست؛ بی تردید او شنوا وداناست. (۶)

رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِن كُنتُم مُّوقِنِينَ (۷)

[همان] پروردگار آسمان ها و زمین و آنچه میان آنهاست، اگر یقین دارید. (۷)

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ (۸)

هیچ معبودی جز او نیست، زنده می کند و می میراند، پروردگار شما وپروردگار پدران پیشین شماست. (۸)

بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ يَلْعَبُونَ (۹)

[نه اینکه یقین ندارند] بلکه آنان در شک اند [و با گفتار و کردارشان با حقایق] بازی می کنند. (۹)

فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ (۱۰)

پس به انتظار روزی باش که آسمان دودی آشکار بیاورد، (۱۰)

يَغْشَى النَّاسَ هَذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱۱)

که همه مردم را فرا می گیرد، این عذابی دردناک است. (۱۱)

رَّبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ (۱۲)

[همه می گویند:] پروردگارا! این عذاب را از ما برطرف کن که ما ایمان می آوریم (۱۲)

أَنَّى لَهُمُ الذِّكْرَى وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُّبِينٌ (۱۳)

[در آن موقعیت سخت] چگونه برای آنان جای پند گرفتن و هوشیاری است و حال آنکه [پیش از این عذاب] پیامبری روشنگر برای آنان آمد [و پند نگرفتند.] (۱۳)

ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلَّمٌ مَّجْنُونٌ (۱۴)

آن گاه از او روی گرداندند و گفتند: تعلیم یافته ای دیوانه است!! (۱۴)

إِنَّا کَاشِفُو الْعَذَابِ قَلِیلًا إِنَّکُمْ عَائِدُونَ (۱۵)

مدتی اندک عذاب را برطرف می کنیم، ولی باز شما [به همان عقاید بی پایه و اعمال زشت] برمی گردید! (۱۵)

یَوْمَ نَبْطِشُ الْبَطْشَةَ الْکُبْرَی إِنَّا مُنتَقِمُونَ (۱۶)

[ما از آنان انتقام خواهیم گرفت آن] روزی که آنان را با قدرتی بسیار سخت بگیریم؛ زیرا که ما انتقام گیرنده ایم. (۱۶)

وَلَقَدْ فَتَنَّا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ وَجَاءَهُمْ رَسُولٌ کَرِیمٌ (۱۷)

و همانا پیش از آنان قوم فرعون را آزمودیم، و پیامبری بزرگوار برای آنان آمد، (۱۷)

أَنْ أَدُّوا إِلَیَّ عِبَادَ اللَّهِ إِنِّی لَکُمْ رَسُولٌ أَمِینٌ (۱۸)

که [به آنان گفت:] بندگان خدا را [که به آزار و شکنجه شما گرفتارند] به من واگذارید؛ زیرا من برای شما فرستاده ای امینم. (۱۸)

ص: ۴۹۶

وَأَن لَّا تَعْلُوا عَلَی اللَّهِ إِنِّی آتِیکُم بِسُلْطَانٍ مُّبِینٍ (۱۹)

و در برابر خدا تکبر نکنید که من برای شما دلیلی روشن آورده ام. (۱۹)

وَإِنِّی عُذْتُ بِرَبِّی وَرَبِّکُمْ أَن تَرْجُمُونِ (۲۰)

و من به پروردگارم و پروردگار شما از اینکه مرا سنگسار کنید [یا برانید یا متهم کنید] پناه می برم؛ (۲۰)

وَإِن لَّمْ تُؤْمِنُوا لِی فَاعْتَزِلُونِ (۲۱)

و اگر به من ایمان نمی آورید [از آزردن من و باز داشتن مردم از ایمان آوردن] کناره گیری کنید. (۲۱)

فَدَعَا رَبَّهُ أَنَّ هَؤُلَاءِ قَوْمٌ مُّجْرِمُونَ (۲۲)

[فرعونیان دست از آزردنش برنداشتند و مردم را از ایمان آوردن مانع شدند] پس پروردگارش را خواند که اینان قومی گناهکارند. (۲۲)

فَأَسْرِ بِعِبَادِی لَیْلًا إِنَّکُم مُّتَّبَعُونَ (۲۳)

[گفتم:] بندگانم را شبانه حرکت ده؛ زیرا شما مورد تعقیب هستید، (۲۳)

وَاتْرُكِ الْبَحْرَ رَهْوًا إِنَّهُمْ جُندٌ مُّغْرَقُونَ (۲۴)

و دریا را با [همان] راه های گشاده [که برای عبور شما باز کردیم] پشت سر بگذار [تا فرعونیان هم در آن درآیند]؛ زیرا آنان سپاهی محکوم به غرق شدن هستند. (۲۴)

كَمْ تَرَكُوا مِن جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ (۲۵)

چه بسیار بوستان ها و چشمه سارانی که آنان [پس از خود] بر جای گذاشتند، (۲۵)

وَزُرُوعٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ (۲۶)

و کشتزار و جایگاه های نیکو و باارزش، (۲۶)

وَنَعْمَةٍ كَانُوا فِيهَا فَاكِهِينَ (۲۷)

و نعمت هایی که با آسایش و خوشی از آن برخوردار بودند. (۲۷)

كَذَلِكَ وَأَوْرَثْنَاهَا قَوْمًا آخَرِينَ (۲۸)

[آری، سرانجام کارشان] چنین بود و ما همه آنها را به قومی دیگر به میراث دادیم. (۲۸)

فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنظَرِينَ (۲۹)

پس نه آسمان برآنان گریست و نه زمین و [هنگام نزول عذاب هم] مهلت نیافتند. (۲۹)

وَلَقَدْ نَجَّيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنَ الْعَذَابِ الْمُهِينِ (۳۰)

همانا ما بنی اسرائیل را از آن عذاب خوارکننده نجات دادیم. (۳۰)

مِن فِرْعَوْنَ إِنَّهُ كَانَ عَالِيًا مِّنَ الْمُسْرِفِينَ (۳۱)

از فرعون که متکبری سرکش از زمره اسراف کاران بود، (۳۱)

وَلَقَدِ اخْتَرْنَاهُمْ عَلَى عِلْمٍ عَلَى الْعَالَمِينَ (۳۲)

و آنان را از روی آگاهی بر جهانیان [زمان خودشان] برگزیدیم؛ (۳۲)

وَآتَيْنَاهُم مِّنَ الْآيَاتِ مَا فِيهِ بَلَاءٌ مُّبِينٌ (۳۳)

و به آنان از آیات و معجزات آنچه را که در آن آزمایشی آشکار بود، عطا کردیم. (۳۳)

إِنَّ هَؤُلَاءِ لَيَقُولُونَ (۳۴)

اینان [که شرک و کفر سراپای وجودشان را فرا گرفته است] با اصرار [به اهل ایمان] می گویند: (۳۴)

إِنْ هِيَ إِلَّا مَوْتَتُنَا الْأُولَى وَمَا نَحْنُ بِمُنشَرِينَ (۳۵)

پایان زندگی جز همین مرگ نخستین نیست و ما [پس از این مرگ] برانگیخته نخواهیم شد. (۳۵)

فَأْتُوا بِآبَائِنَا إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (۳۶)

اگر شما [در زمینه زنده شدن مردگان] راستگویید [با درخواست از خدا] پدران ما را [زنده کنید و نزد ما] بیاورید [تا ما به زنده شدن مردگان یقین پیدا کنیم!!] (۳۶)

أَهُمْ خَيْرٌ أَمْ قَوْمُ تُبَّعٍ وَالَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ أَهْلَكْنَاهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ (۳۷)

آیا اینان [در قدرت و شوکت] برترند یا قوم تُبّع، و کسانی که پیش از آنان بودند؟ ما همه آنان را هلاک کردیم؛ زیرا مجرم بودند؛ (۳۷)

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ (۳۸)

و ما آسمان ها و زمین و آنچه را میان آن دو است، به بازی نیافریده ایم؛ (۳۸)

مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۳۹)

ما آن دو را جز به درستی و راستی به وجود نیاورده ایم، ولی بیشترشان [به حقایق] معرفت و آگاهی ندارند. (۳۹)

ص: ۴۹۷

إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ مِيقَاتُهُمْ أَجْمَعِينَ (۴۰)

بی تردید روز جدایی [حق از باطل، مؤمن از کافر و پاک از ناپاک] وعده گاه همه آنهاست؛ (۴۰)

يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلًى عَن مَّوْلًى شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ (۴۱)

همان روزی که هیچ دوستی چیزی از عذاب را از دوستش دفع نمی کند، و چون [آلوده به شرک و کفرند] یاری نمی شوند؛

(۴۱)

إِلَّا مَن رَّحِمَ اللَّهُ إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (۴۲)

مگر کسی که خدا او را مورد رحمت قرار داده است؛ زیرا او توانای شکست ناپذیر و مهربان است (۴۲)

إِنَّ شَجَرَتَ الزَّقُّومِ (۴۳)

همانا درخت زقّوم، (۴۳)

طَعَامُ الْأَثِيمِ (۴۴)

خوراک گنهکار است، (۴۴)

كَالْمُهْلِ يَغْلِي فِي الْبُطُونِ (۴۵)

مانند مس گداخته شده در شکم ها می جوشد، (۴۵)

كَغَلْيِ الْحَمِيمِ (۴۶)

چون جوشیدن آب جوشان (۴۶)

خُذُوهُ فَاعْتِلُوهُ إِلَى سَوَاءِ الْجَحِيمِ (۴۷)

[گفته می شود:] این گنهکار را بگیرید و او را به زور به وسط دوزخ بکشانید. (۴۷)

ثُمَّ صُبُّوا فَوْقَ رَأْسِهِ مِنْ عَذَابِ الْحَمِيمِ (۴۸)

آن گاه از عذاب آب جوشان بر سرش فرو ریزید؛ (۴۸)

ذُقْ إِنَّكَ أَنتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ (۴۹)

[و بگویید:] بچش که تو همان ارجمند و بزرگواری!! (۴۹)

إِنَّ هَذَا مَا كُنتُم بِهِ تَمْتَرُونَ (۵۰)

به یقین این همان چیزی است که همواره درباره آن تردید می کردید. (۵۰)

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ (۵۱)

مسلماً پرهیزکاران در جایگاه امنی خواهند بود. (۵۱)

فِی جَنَّاتٍ وَعُیُونٍ (۵۲)

در میان بوستان ها و چشمه سارها؛ (۵۲)

یَلْبَسُونَ مِن سُنْدُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُّتَقَابِلِینَ (۵۳)

لباس هایی از حریر نازک و دیبای ضخیم می پوشند در حالی که برابر هم می نشینند. (۵۳)

کَذَلِکَ وَزَوَّجْنَاهُم بِحُورٍ عِینٍ (۵۴)

[آری سرانجام کار پرهیزکاران] چنین است، و حور العین را به همسری آنان درآوریم، (۵۴)

یَدْعُونَ فِیهَا بِکُلِّ فَاکِهَهٍ آمِنِینَ (۵۵)

در آنجا هر گونه میوه ای را که بخواهند می طلبند و می خورند، در حالی که [از هر جهت] ایمن و آسوده خاطرند؛ (۵۵)

لَا یَذُوقُونَ فِیهَا الْمَوْتَ إِلَّا الْمَوْتَهَ الْأُولَی وَوَقَاهُمْ عَذَابَ الْجَحِیمِ (۵۶)

در آنجا مرگ را نمی چشند، مرگ آنان همان مرگی بود که در دنیا چشیدند، و خدا آنان را از عذاب دوزخ مصون می دارد. (۵۶)

فَضْلًا مِّن رَّبِّکَ ذَلِکَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِیمُ (۵۷)

[این] فضل و احسانی است از سوی پروردگار تو، [و] این همان کامیابی بزرگ است. (۵۷)

فَإِنَّمَا یَسَّرْنَاهُ بِلِسَانِکَ لَعَلَّهُمْ یَتَذَکَّرُونَ (۵۸)

پس جز این نیست که ما [فهم] قرآن را با زبان تو [که زبانی فصیح و گویاست] آسان ساختیم تا آنان متذکّر و هوشیار شوند. (۵۸)

فَارْتَقِبْ إِنَّهُم مُّرْتَقِبُونَ (۵۹)

[ولی اگر متذکّر و هوشیار نشدند] پس به انتظار باش که مسلماً آنان هم منتظرند [که سرانجام کار چه خواهد شد؟ سرانجام نصرت و پیروزی خدا برای تو و عذاب دنیا و آخرت برای آنان است.] (۵۹)

سوره الجاثیه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ حم (۱)

حم (۱)

تَنزِیلُ الْکِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِیزِ الْحَکِیمِ (۲)

این کتاب نازل شده از سوی خدای توانای شکست ناپذیر وحکیم است. (۲)

إِنَّ فِی السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآیَاتٍ لِّلْمُؤْمِنِینَ (۳)

به یقین در آسمان ها و زمین برای مؤمنان نشانه هایی [بر ربوبیت، حکمت و قدرت خدا] ست؛ (۳)

وَفِی خَلْقِکُمْ وَمَا یَبُثُّ مِن دَابَّهٍ آیَاتٌ لِّقَوْمٍ یُوقِنُونَ (۴)

و در آفرینش شما و آنچه از جنبندگان منتشر و پراکنده می کند، برای اهل یقین نشانه هایی [بر ربوبیت، حکمت و قدرت خدا] ست؛ (۴)

وَاخْتِلَافِ اللَّیْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا أَنزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِن رِّزْقٍ فَأَحْیَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَتَصْرِیفِ الرِّیَاحِ آیَاتٌ لِّقَوْمٍ یَعْقِلُونَ (۵)

و در رفت و آمد شب و روز و آنچه را از رزق و روزی [چون باران و برف] از آسمان نازل کرده و به وسیله آن زمین را پس از مردگی اش زنده کرده است، و در گرداندن بادها [از سویی به سویی] برای مردمی که تعقّل می کنند، نشانه هایی است. (۵)

تِلْکَ آیَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَیْکَ بِالْحَقِّ فَبِأَیِّ حَدِیثٍ بَعْدَ اللَّهِ وَآیَاتِهِ یُؤْمِنُونَ (۶)

این ها آیات خداست که به حقّ و راستی بر تو می خوانیم؛ پس [اگر به این آیات ایمان نیاوردند] به کدام سخن بعد از [سخن] خدا و نشانه هایش ایمان می آورند؟ (۶)

وَیْلٌ لِّکُلِّ أَفَّاکٍ أَثِیمٍ (۷)

وای بر هر دروغگوی گنهکار، (۷)

یَسْمَعُ آیَاتِ اللَّهِ تُتْلَی عَلَیْهِ ثُمَّ یُصِرُّ مُسْتَکْبِرًا کَأَن لَّمْ یَسْمَعْهَا فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِیمٍ (۸)

که آیات خدا را در حالی که بر او می خوانند می شنود، آن گاه از روی سرکشی و تکبر چنان که گویی آن را نشنیده است [بر کفر، عناد، دشمنی و مخالفتش] پافشاری می کند؛ پس او را به عذابی دردناک بشارت ده. (۸)

وَإِذَا عَلِمَ مِنْ آيَاتِنَا شَيْئًا اتَّخَذَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ (٩)

و هنگامی که به چیزی از آیات ما آگاه می شود، آن را به مسخره گیرد؛ اینانند که برای آنان عذاب خوارکننده ای خواهد بود. (٩)

مِّن وَرَائِهِمْ جَهَنَّمُ وَلَا يُغْنِي عَنْهُم مَّا كَسَبُوا شَيْئًا وَلَا مَا اتَّخَذُوا مِن دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (١٠)

پیش رویشان دوزخ است، و آنچه [از ثروت، مقام، یار و یاور] به دست آورده اند و آنچه را به جای خدا سرپرستان و معبودان خود گرفته اند، چیزی از عذاب را از آنان دفع نمی کند، و برای آنان عذابی بزرگ است. (١٠)

هَذَا هُدًى وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَهُمْ عَذَابٌ مِّن رِّجْزٍ أَلِيمٌ (١١)

این [قرآن] سراسر هدایت است؛ و کسانی که به آیات پروردگارشان کافر شدند، آنان را عذابی است از نوع عذابی بسیار سخت و دردناک. (١١)

اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمُ الْبَحْرَ لِتَجْرِيَ الْفُلْكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِن فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (١٢)

خداست که دریا را برای شما مسخّر و رام کرد تا کشتی ها به فرمانش در آن روان شوند و تا شما [با سفرهای دریایی] از فضل و رزق و روزی اش بهره جویید و تا شما [بر نعمت هایش] سپاس گزاری کنید. (١٢)

وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِّنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (١٣)

و همه آنچه را در آسمان هاست و آنچه را در زمین است از سوی خود برای شما مسخّر و رام کرد؛ بی تردید در این امور برای مردمی که می اندیشند، نشانه هایی [بر ربوبیت، حکمت و قدرت خدا] ست. (١٣)

ص: ۴۹۹

قُل لِّلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (١٤)

به مؤمنان بگو: از کسانی که به روزهای خدا [چون روز آزمایش بندگان، روز پیروزی اهل ایمان، شکست دشمنان و روز قیامت] امید ندارند، گذشت کنند، تا [خدا] مردمی را [که تهیدست از عقاید پاک و کردار شایسته هستند، در روزی از روزهایش] به خاطر گناهانی که همواره مرتکب می شوند، کیفر دهد. (١٤)

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا ثُمَّ إِلَى رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ (١٥)

هرکس کار شایسته ای انجام دهد، به سود خود اوست و هرکس مرتکب بدی شود به زیان خود اوست، سپس به سوی پروردگارتان باز گردانده می شوید. (١٥)

وَلَقَدْ آتَيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ وَرَزَقْنَاهُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ (۱۶)

و همانا ما به بنی اسرائیل کتاب و حکومت و نبوّت عطا کردیم، و از پاکیزه ها به آنان روزی دادیم و آنان را بر جهانیان [روزگار خودشان] برتری بخشیدیم. (۱۶)

وَآتَيْنَاهُم بَيِّنَاتٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَمَا اخْتَلَفُوا إِلَّا مِن بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ (۱۷)

و دلایل روشنی [در امر نبوّت و دین] در اختیار آنان قرار دادیم، پس آنان [در امر نبوّت و دین] اختلاف نکردند مگر پس از آنکه [به وسیله وحی] دانش و آگاهی برای آنان آمد، اختلافشان از روی حسادت و برتری جویی در میان خودشان بود؛ بی تردید پروردگارت روز قیامت درباره آنچه همواره در آن اختلاف می کردند میانشان داوری خواهد کرد. (۱۷)

ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَى شَرِيعَةٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ (۱۸)

سپس تو را [در امر نبوّت و دین] بر آیینی ویژه و کامل قرار دادیم؛ بنابراین از آن پیروی کن و از هواهای نفسانی کسانی که [به حقایق] معرفت و آگاهی ندارند، پیروی مکن. (۱۸)

إِنَّهُمْ لَن يُغْنُوا عَنكَ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَإِنَّ الظَّالِمِينَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُتَّقِينَ (۱۹)

آنان در برابر خدا نمی توانند چیزی [از گرفتاری ها و بلاها] را از تو دفع کنند؛ و همانا ستمکاران یار و یاور یکدیگرند و خدا یار و یاور پرهیزکاران است. (۱۹)

هَذَا بَصَائِرُ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ (۲۰)

این [قرآن و آیین] وسایل بینایی و بصیرت برای مردم و سراسر هدایت و رحمت برای گروهی است که [حقایق را] باور دارند. (۲۰)

أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَن نَّجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءً مَّحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ (۲۱)

آیا کسانی که مرتکب گناهان شدند، گمان دارند آنان را مانند کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، قرار می دهیم که زندگی و مرگشان یکسان باشد؟ چه بد داوری می کنند. (۲۱)

وَخَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَلِتُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (۲۲)

خدا آسمان ها و زمین را به حق آفرید، و تا هر کس در برابر اعمالی که انجام داده است، پاداش یابد و آنان مورد ستم قرار نمی گیرند. (۲۲)

أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَى عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَى سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَى بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَن يَهْدِيهِ مِن بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (۲۳)

پس آیا کسی که معبودش را هوای نفسش قرار داده دیدی؟ و خدا او را از روی علم و آگاهی خود [بر اینکه شایسته هدایت نیست] گمراه کرد، و بر گوش و دلش مُهر [تیره بختی] نهاد، و بر چشم [دلش] پرده ای قرار داده است، پس چه کسی است که بعد از خدا او را هدایت کند؟ آیا متذکّر [حقایق] نمی شوید؟ (۲۳)

وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ وَمَا لَهُم بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ (۲۴)

گفتند: زندگی و حیاتی جز همین زندگی و حیات دنیای ما نیست که [همواره گروهی از ما] می میریم و [گروهی] زندگی می کنیم، و ما را فقط روزگار هلاک می کند. آنان را نسبت به آنچه می گویند یقینی در کار نیست، آنان فقط حدس و گمان می زنند. (۲۴)

وَإِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ مَّا كَانَ حُجَّتَهُمْ إِلَّا أَن قَالُوا ائْتُوا بِآبَائِنَا إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (۲۵)

چون آیات روشن ما [درباره معاد و زنده شدن مردگان] بر آنان خوانده شود، برهان و دلیلی جز این ندارند که می گویند: اگر شما [در زمینه زنده شدن مردگان] راستگویید [با درخواست از خدا] پدران ما را [زنده کنید و] نزد ما بیاورید [تا به زنده شدن مردگان یقین پیدا کنیم.] (۲۵)

قُلِ اللَّهُ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يَجْمَعُكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَهِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (۲۶)

بگو: خدا شما را [ابتدا از لابه لای عناصر مرده برای قرار گرفتن در دنیا] حیات می بخشد، سپس می میراند، آن گاه همه شما را به روز قیامت که هیچ شکی در آن نیست گرد می آورد، ولی بیشتر مردم [به این حقایق] معرفت و آگاهی ندارند. (۲۶)

وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَهُ يَوْمَئِذٍ يَخْسَرُ الْمُبْطِلُونَ (۲۷)

و مالکیت و فرمانروایی آسمان ها و زمین فقط در سیطره خداست، و روزی که قیامت برپا شود، آن روز است که اهل باطل زیان خواهند دید، (۲۷)

وَتَرَى كُلَّ أُمَّهٍ جَاثِيَهً كُلُّ أُمَّهٍ تُدْعَى إِلَى كِتَابِهَا الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۲۸)

و هر امتی را در آن روز به زانو درافتاده می بینی، [آن روز] هر امتی به سوی نامه اعمالش خوانده می شود [و به آنان می گویند:] امروز همان اعمالی که همواره انجام می دادید به شما پاداش می دهند. (۲۸)

هَذَا كِتَابُنَا يَنطِقُ عَلَيْكُم بِالْحَقِّ إِنَّا كُنَّا نَسْتَنسِخُ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۲۹)

این نوشته ماست که بر پایه حقّ و درستی بر ضد شما سخن می گوید؛ زیرا ما آنچه را همواره انجام می دادید، می نوشتیم. (۲۹)

فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُدْخِلُهُمْ رَبُّهُمْ فِي رَحْمَتِهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ (۳۰)

و اما کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، پس پروردگارشان آنان را در رحمت خود درآورد؛ این همان کامیابی آشکار است، (۳۰)

وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا أَفَلَمْ تَكُنْ آيَاتِي تُتْلَى عَلَيْكُمْ فَاسْتَكْبَرْتُمْ وَكُنتُمْ قَوْمًا مُّجْرِمِينَ (۳۱)

و اما کسانی که کفر ورزیدند [به آنان گفته می شود:] مگر آیات من همواره بر شما خوانده نمی شد؟ ولی شما [نسبت به پذیرش آن] تکبر ورزیدید و قومی گنهکار بودید. (۳۱)

وَإِذَا قِيلَ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَالسَّاعَةُ لَا رَيْبَ فِيهَا قُلْتُم مَّا نَدْرِي مَا السَّاعَةُ إِن نَّظُنُّ إِلَّا ظَنًّا وَمَا نَحْنُ بِمُسْتَيْقِنِينَ (۳۲)

وچون می گفتند: یقیناً وعده خدا حق است و در وقوع قیامت هیچ شکی نیست، می گفتید: ما نمی دانیم قیامت چیست [و برپا شدنش را گمان نمی بریم] مگر گمانی ضعیف و غیر قابل اعتماد، و نمی توانیم به آن یقین پیدا کنیم! (۳۲)

ص: ۵۰۱

وَبَدَا لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (۳۳)

در آن روز همه اعمال بدی که مرتکب شده اند، برای آنان آشکار می شود و عذابی که همواره آن را مسخره می کردند، آنان را احاطه می کند. (۳۳)

وَقِيلَ الْيَوْمَ نَنسَاكُمْ كَمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا وَمَأْوَاكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّن نَّاصِرِينَ (۳۴)

و [به آنان] گویند: امروز شما را از یاد می بریم، همان گونه که شما [در دنیا] دیدار امروزتان را از یاد بردید، و جایگاهتان آتش است و شما را یار و یاوری نخواهد بود. (۳۴)

ذَلِكُم بِأَنَّكُمُ اتَّخَذْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا وَغَرَّتْكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ لَا يُخْرَجُونَ مِنْهَا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ (۳۵)

این [عذاب] برای این است که شما آیات خدا را به مسخره گرفته اید و زندگی دنیا، شما را فریفت؛ پس امروز نه آنان را از آتش بیرون آورند و نه از آنان می خواهند که [برای به دست آوردن خشنودی خدا] عذرخواهی کنند. (۳۵)

فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَرَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۳۶)

نهایتاً همه ستایشها مخصوص خداست که پروردگار آسمان ها و پروردگار زمین و پروردگار جهانیان است؛ (۳۶)

وَلَهُ الْكِبْرِيَاءُ فِی السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۳۷)

و كبريايى و عظمت در آسمان ها و زمين ويژه اوست، و او تواناى شكست ناپذير و حكيم است. (۳۷)

جزء ۲۶

سوره الأحقاف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ حم (۱)

حم (۱)

تَنزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ (۲)

اين كتاب نازل شده از سوى خداى تواناى شكست ناپذير حكيم است. (۲)

مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَالَّذِينَ كَفَرُوا عَمَّا أُنذِرُوا مُعْرِضُونَ (۳)

ما آسمان ها و زمين و آنچه را ميان آن دوست، جز به حقّ و تا سرآمدى معين نيافريديم، و كافران از آنچه بيمشان داده اند، روى گردانند. (۳)

قُلْ أَرَأَيْتُم مَّا تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ أَرُونِی مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِی السَّمَاوَاتِ ائْتُونِی بِكِتَابٍ مِّن قَبْلِ هَـٰذَا أَوْ أَثَارَةٍ مِّنْ عِلْمٍ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (۴)

[به مشركان] بگو: به من خبر دهيد [و نشانم دهيد] معبودانى كه به جاى خدا مى پرستيد چه چيزى از زمين را آفريده اند يا مگر آنان را در آفرينش آسمان ها مشاركتى است؟ اگر راستگو هستيد كتابى پيش از اين قرآن يا بازمانده اى از دانش استوارى [كه ادعاى شما را تصديق كند] براى من بياوريد؛ (۴)

وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّن يَدْعُو مِن دُونِ اللَّهِ مَن لَّا يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَهِ وَهُمْ عَن دُعَائِهِمْ غَافِلُونَ (۵)

و چه كسانى گمراه ترند از كسانى كه به جاى خدا معبودانى را مى خوانند كه تا روز قيامت پاسخشان را نمى دهند و آنان از خواندنشان بى خبرند؟ (۵)

ص: ۵۰۲

وَإِذَا حُشِرَ النَّاسُ كَانُوا لَهُمْ أَعْدَاءً وَكَانُوا بِعِبَادَتِهِمْ كَافِرِينَ (۶)

و هنگامى كه مردم را [در قيامت] گرد آورند [معبودانشان] با آنان دشمن باشند و پرستش آنان را انكار كنند، (۶)

وَإِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ (۷)

و چون آیات روشن ما را بر آنان بخوانند، کافران درباره حقّی که به سویشان آمده می گویند: این جادویی آشکار است. (۷)

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ إِنِ افْتَرَيْتُهُ فَلَا تَمْلِكُونَ لِي مِنَ اللَّهِ شَيْئًا هُوَ أَعْلَمُ بِمَا تُفِيضُونَ فِيهِ كَفَى بِهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (۸)

بلکه می گویند: این قرآن را از نزد خود ساخته و به خدا نسبت داده است. بگو: اگر آن را از نزد خود ساخته و به خدا نسبت داده باشم [و خدا بخواهد برای این کار مرا به عذابی سخت گرفتار کند] شما نمی توانید برای من چیزی از عذاب خدا را دفع کنید، خدا به باطلی که در آن فرو می روید [و آن طعنه زدن به قرآن و جادو خواندن آن است] داناتر است، و کافی است که خدا میان من و شما گواه باشد، و او بسیار آمرزنده و مهربان است. (۸)

قُلْ مَا كُنتُ بِدْعًا مِّنَ الرُّسُلِ وَمَا أَدْرِي مَا يُفْعَلُ بِي وَلَا بِكُمْ إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَى إِلَيَّ وَمَا أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ (۹)

بگو: از میان فرستادگان خدا فرستاده ای نوظهور نیستم [که گفتار و کردارم مخالف گفتار و کردار آنان باشد، بلکه به من هم چون آنان وحی می شود] و نمی دانم با من و شما [در دنیا و آخرت] چه خواهد شد، من فقط از آنچه به من وحی شده پیروی می کنم، و من جز بیم دهنده ای آشکار نیستم. (۹)

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِن كَانَ مِنْ عِندِ اللَّهِ وَكَفَرْتُم بِهِ وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِّن بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى مِثْلِهِ فَآمَنَ وَاسْتَكْبَرْتُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۱۰)

بگو: به من خبر دهید که اگر این قرآن از ناحیه خدا باشد و شما به آن کفر ورزیده باشید و شاهدی هم از بنی اسرائیل به نظیر آن [که تورات واقعی و تصدیق کننده قرآن است] شهادت داده باشد [که همان طوری که تورات وحی خداست، قرآن هم وحی خداست و] پس [از شهادتش به قرآن] ایمان آورده باشد و شما از ایمان به آن تکبّر ورزیده باشید [آیا گمراه نبوده اید؟] بی تردید خدا گروه ستمکار را هدایت نمی کند. (۱۰)

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا لَوْ كَانَ خَيْرًا مَّا سَبَقُونَا إِلَيْهِ وَإِذْ لَمْ يَهْتَدُوا بِهِ فَسَيَقُولُونَ هَذَا إِفْكٌ قَدِيمٌ (۱۱)

و کافران درباره مؤمنان گفتند: اگر [آیین محمّد] بهتر [از آیین ما] بود [آنان در پذیرفتنش] بر ما نسبت به آن پیشی نمی گرفتند [بلکه خود ما زودتر از آنان به این کتاب ایمان می آوردیم]. و چون [خودشان به خاطر کبر و عنادشان] به وسیله آن هدایت نیافتند، به زودی خواهند گفت: این یک دروغ قدیمی است. (۱۱)

وَمِن قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَى إِمَامًا وَرَحْمَةً وَهَذَا كِتَابٌ مُّصَدِّقٌ لِّسَانًا عَرَبِيًّا لِّيُنذِرَ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَبُشْرَى لِلْمُحْسِنِينَ (۱۲)

[چگونه یک دروغ قدیمی است] در حالی که پیش از آن کتاب موسی پیشوا و رحمت بود [و از نزول آن بر پیامبر اسلام خبر داده]، و این قرآن تصدیق کننده [آن] است در حالی که به زبان عربی [فصیح و گویا] ست تا ستمکاران را بیم دهد، و برای

نیکوکاران بشارتی باشد. (۱۲)

إِنَّ الَّذِینَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَلَا هُمْ یَحْزَنُونَ (۱۳)

بی تردید کسانی که گفتند: پروردگار ما الله است، سپس [در میدان عمل بر این حقیقت] استقامت ورزیدند، نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می شوند. (۱۳)

أُولَئِکَ أَصْحَابُ الْجَنَّهِ خَالِدِینَ فِیهَا جَزَاءً بِمَا کَانُوا یَعْمَلُونَ (۱۴)

اینان اهل بهشت اند که به پاداش اعمال شایسته ای که همواره انجام می دادند، در آن جاودانه اند. .... (۱۴)

ص: ۵۰۳

وَوَصَّیْنَا الْإِنسَانَ بِوَالِدَیْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ کُرْهًا وَوَضَعَتْهُ کُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّى إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِینَ سَنَهً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِی أَنْ أَشْکُرَ نِعْمَتَکَ الَّتِی أَنْعَمْتَ عَلَیَّ وَعَلَى وَالِدَیَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِی فِی ذُرِّیَّتِی إِنِّی تُبْتُ إِلَیْکَ وَإِنِّی مِنَ الْمُسْلِمِینَ (۱۵)

و انسان را درباره پدر و مادرش به نیکی سفارش کردیم. مادرش او را با تحمل رنج و زحمت باردار شد و با رنج و زحمت او را زایید. و دوران بارداری و باز گرفتنش از شیر سی ماه است، تا زمانی که به رشد و نیرومندی خود و به چهل سالگی برسد، گوید: پروردگارا! به من الهام کن تا نعمتت را که بر من و پدر و مادرم عطا کرده ای سپاس گزارم، و کار شایسته ای که آن را می پسندی انجام دهم و ذریه و نسل مرا برای من صالح و شایسته گردان که من به سوی تو بازگشتم و به یقین از تسلیم شدگان [به فرمان ها و احکام] توام. (۱۵)

أُولَئِکَ الَّذِینَ نَتَقَبَّلُ عَنْهُمْ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَنَتَجَاوَزُ عَن سَیِّئَاتِهِمْ فِی أَصْحَابِ الْجَنَّهِ وَعْدَ الصِّدْقِ الَّذِی کَانُوا یُوعَدُونَ (۱۶)

ایناننـد کسانی که ما از آنان بهترین اعمالی که انجام داده انـد می پذیریم، و از گناهانشان در زمره اهل بهشت در می گذریم؛ [خدا وعده داد] وعده درست و راست که همواره به آن وعده داده می شدند؛ (۱۶)

وَالَّذِی قَالَ لِوَالِدَیْهِ أُفٍّ لَّکُمَا أَتَعِدَانِنِی أَنْ أُخْرَجَ وَقَدْ خَلَتِ الْقُرُونُ مِن قَبْلِی وَهُمَا یَسْتَغِیثَانِ اللَّهَ وَیْلَکَ آمِنْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَیَقُولُ مَا هَذَا إِلَّا أَسَاطِیرُ الْأَوَّلِینَ (۱۷)

و کسی که به پدر و مادرش گفت: اُف بر شما! [من از شما متنفر و دلتنگم]، آیا به من وعده می دهید که [پس از مرگ] زنده خواهم شـد، در حالی که پیش از من اقوام بسیاری در گذشـتند، [و هیـچ کـدام از آنان زنـده نشدنـد]. و آن دو همواره [برای بازگشت فرزنـدشان] از خـدا یاری می خواهند [و به فرزندشان می گویند:] وای بر تو ایمان بیاور، بی تردید وعده خدا [درباره سعادت و رستگاری مؤمنان در قیامت و شقاوت و بدبختی کافران] حق است. [ولی او در پاسخشان] می گوید: این [وعده ها] جز افسانه های گذشتگان نیست!! (۱۷)

أُولَئِكَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِهِم مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ (١٨)

ایناننـد کسانی که [به خاطر انکار وعده های حق] فرمان عذاب درباره آنان در زمره گروه هایی از جن و انس که پیش از آنان در گذشتند، محقق و ثابت شده است؛ زیرا آنان زیانکار بودند. (١٨)

وَلِكُلٍّ دَرَجَاتٌ مِّمَّا عَمِلُوا وَلِيُوَفِّيَهُمْ أَعْمَالَهُمْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (١٩)

برای هر کـدام [از گروه مؤمنان و کافران] بر پایه اعمالی که انجام داده اند درجاتی است [که در آن قرار می گیرند]، و تا خدا اعمالشان را به طور کامل به آنان بدهد؛ و آنان مورد ستم قرار نمی گیرند. (١٩)

وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَذْهَبْتُمْ طَيِّبَاتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا وَاسْتَمْتَعْتُم بِهَا فَالْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنتُمْ تَفْسُقُونَ (٢٠)

و روزی که کافران را بر آتش عرضه کنند [به آنان گویند:] نعمت های پاکیزه خود را [که می توانست وسیله آبادی آخرتتان باشـد] در زنـدگی دنیایتان مصرف کردیـد و [همانجا] از آن برخوردار شدیـد؛ بنابراین امروز به سـبب اینکه به ناحق در زمین تکبر می ورزیدید و در برابر اینکه همواره نافرمانی می کردید با عذاب خفّت بار کیفر می یابید. (٢٠)

ص: ۵۰۴

وَاذْكُرْ أَخَا عَادٍ إِذْ أَنذَرَ قَوْمَهُ بِالْأَحْقَافِ وَقَدْ خَلَتِ النُّذُرُ مِن بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ (٢١)

و [سرگذشت هود] برادر قوم عـاد را یـاد کن، هنگامی که قومش را در سـرزمین احقاف بیم داد، و بی تردیـد بیم دهنـدگانی پیش از او و پس از او [در آن سـرزمین] گذشـته بودنـد که فقط خـدا را بپرستیـد؛ زیرا من بر شـما از عـذاب روزی بزرگ می ترسم. (٢١)

قَالُوا أَجِئْتَنَا لِتَأْفِكَنَا عَنْ آلِهَتِنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِن كُنتَ مِنَ الصَّادِقِينَ (٢٢)

گفتنـد: آیـا آمـده ای تا ما را از [پرسـتش] معبودانمان بر گردانی، پس اگر راسـتگویی عـذابی که ما را تهدیـد می کنی بیاور! (٢٢)

قَالَ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِندَ اللَّهِ وَأُبَلِّغُكُم مَّا أُرْسِلْتُ بِهِ وَلَكِنِّي أَرَاكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ (٢٣)

گفت: آگاهی [به کیفیت عذاب و زمان آمدنش] فقط نزد خداست، و من آیینی را که به آن فرستاده شده ام به شما ابلاغ می کنم، ولی من شما را گروهی می دانم که همواره نادانی می کنید. (٢٣)

فَلَمَّا رَأَوْهُ عَارِضًا مُّسْتَقْبِلَ أَوْدِيَتِهِمْ قَالُوا هَذَا عَارِضٌ مُّمْطِرُنَا بَلْ هُوَ مَا اسْتَعْجَلْتُم بِهِ رِيحٌ فِيهَا عَذَابٌ أَلِيمٌ (٢٤)

پس هنگامی که عذاب را [در پهنه فضا] به صورت ابری گسترده دیدند که به سوی درّه ها و آبگیرهایشان روی آورده، گفتند: این ابری باران زا برای ماست. [هود گفت: نه] بلکه این همان چیزی است که آن را به شتاب خواستید، بادی است که در آن عذابی دردناک است؛ (۲۴)

تُدَمِّرُ كُلَّ شَيْءٍ بِأَمْرِ رَبِّهَا فَأَصْبَحُوا لَا يُرَى إِلَّا مَسَاكِنُهُمْ كَذَلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ (۲۵)

[چنان بادی است که] همه چیز را به فرمان پروردگارش در هم می کوبد و نابود می کند. پس آنان [به سبب آن عذاب] چنان شدند که جز خانه هایشان دیده نمی شد. این گونه مردم گناهکار را کیفر می دهیم. (۲۵)

وَلَقَدْ مَكَّنَّاهُمْ فِيمَا إِن مَّكَّنَّاكُمْ فِيهِ وَجَعَلْنَا لَهُمْ سَمْعًا وَأَبْصَارًا وَأَفْئِدَةً فَمَا أَغْنَى عَنْهُمْ سَمْعُهُمْ وَلَا أَبْصَارُهُمْ وَلَا أَفْئِدَتُهُم مِّن شَيْءٍ إِذْ كَانُوا يَجْحَدُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (۲۶)

همانا ما به آنان در اموری قدرت و تمکن داده بودیم که شما را در آن امور چنان قدرت و نیرویی نداده ایم، و برای آنان گوش و چشم و دل قرار داده بودیم، ولی گوش و چشم و دلشان چیزی از عذاب را از آنان برطرف نکرد؛ زیرا همواره [با داشتن آن ابزار تشخیص] آیات ما را انکار می کردند، و سرانجام عذابی که همواره آن را مسخره می کردند، آنان را احاطه کرد. (۲۶)

وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا مَا حَوْلَكُم مِّنَ الْقُرَى وَصَرَّفْنَا الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (۲۷)

و به راستی ما [اهل] آبادی هایی را که پیرامون شما [اهل مکه] بودند [به کیفر طغیانشان] هلاک کردیم و آیات خود را به صورت های گوناگون [برای آنان] بیان داشتیم، باشد که برگردند. (۲۷)

فَلَوْلَا نَصَرَهُمُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِن دُونِ اللَّهِ قُرْبَانًا آلِهَةً بَلْ ضَلُّوا عَنْهُمْ وَذَلِكَ إِفْكُهُمْ وَمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ (۲۸)

پس چرا معبودانی که به جای خدا انتخاب کردند به گمان اینکه آنان را به خدا نزدیک کند، آنان را [هنگام نزول عذاب] یاری نکردند بلکه [گم شده] از دستشان رفتند، و این بود [سرانجام و نتیجه] دروغشان و آنچه را همواره افترا می زدند. (۲۸)

ص: ۵۰۵

وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفَرًا مِّنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوا أَنصِتُوا فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوْا إِلَى قَوْمِهِم مُّنذِرِينَ (۲۹)

و [یاد کن] هنگامی که گروهی از جن را به سوی تو متوجه کردیم که قرآن را بشنوند، پس وقتی که نزد قرائت آن حاضر شدند، گفتند: [برای شنیدن قرآن] خاموش باشید. پس چون قرائت پایان یافت به سوی قومشان در حالی که گفتند: بیم دهنده بودند، بازگشتند. شنیدیم که (۲۹)

قَالُوا يَا قَوْمَنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنزِلَ مِن بَعْدِ مُوسَى مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَى طَرِيقٍ مُّسْتَقِيمٍ (۳۰)

ای قوم ما! به راستی ما کتابی را شنیدیم که پس از موسی نازل شده است، تصدیق کننده همه کتاب های پیش از خود است، به سوی حق و به سوی راه راست هدایت می کند. (۳۰)

يَا قَوْمَنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ وَآمِنُوا بِهِ يَغْفِرْ لَكُم مِّن ذُنُوبِكُمْ وَيُجِرْكُم مِّنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ (۳۱)

ای قوم ما! دعوت کننده [به سوی] خدا [پیامبر اسلام] را اجابت کنید و به او ایمان آورید تا خدا برخی از گناهانتان را بیامرزد و از عذابی دردناک پناهتان دهد؛ (۳۱)

وَمَن لَّا يُجِبْ دَاعِيَ اللَّهِ فَلَيْسَ بِمُعْجِزٍ فِي الْأَرْضِ وَلَيْسَ لَهُ مِن دُونِهِ أَوْلِيَاءُ أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۳۲)

و آنان که دعوت کننده خدا را اجابت نکنند نمی توانند [خدا را] در زمین عاجز کنند [تا از دسترس قدرت او بیرون روند] و آنان را در برابر خدا یاورانی نیست [که عذاب را از آنان دفع کند]، اینان در گمراهی آشکاری هستند. (۳۲)

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَمْ يَعْيَ بِخَلْقِهِنَّ بِقَادِرٍ عَلَى أَن يُحْيِيَ الْمَوْتَى بَلَى إِنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۳۳)

آیا ندانسته اند خدایی که آسمان ها و زمین را آفرید و از آفرینش آنها درمانده و خسته نشد، قدرت دارد که مردگان را زنده کند؟ آری، او بر هر کاری تواناست؛ (۳۳)

وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَى وَرَبِّنَا قَالَ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنتُمْ تَكْفُرُونَ (۳۴)

و روزی که کافران را بر آتش عرضه می کنند [از آنان می پرسند:] آیا این حق نیست؟ می گویند: آری! سوگند به پروردگارمان حق است، [پرسش کننده] می گوید: پس این عذاب را برای آنکه همواره کفر می ورزیدید، بچشید. (۳۴)

فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِل لَّهُمْ كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّن نَّهَارٍ بَلَاغٌ فَهَلْ يُهْلَكُ إِلَّا الْقَوْمُ الْفَاسِقُونَ (۳۵)

پس صبر کن همان گونه که پیامبران اولوالعزم صبر کردند، و برای آنان در [نزول عذاب] شتاب مکن، روزی که آنان آنچه را که وعده داده می شوند ببینند، گویی فقط ساعتی از یک روز [در دنیا] درنگ داشتند؛ [این قرآن] ابلاغی است برای همه؛ پس آیا جز مردم نافرمان هلاک می شوند؟ (۳۵)

ص: ۵۰۶

سوره محمد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ أَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ (۱)

آنان که کفر ورزیدند و [مردم را] از راه خدا باز داشتند خدا اعمالشان را باطل و تباه ساخت؛ (۱)

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَآمَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَهُوَ الْحَقُّ مِن رَّبِّهِمْ كَفَّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالَهُمْ (۲)

و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند و به آنچه بر محمّد نازل شده که از سوی پروردگارشان حق است گرویدند، خدا گناهانشان را از آنان محو کرد و حالشان را اصلاح نمود. (۲)

ذَلِكَ بِأَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا اتَّبَعُوا الْبَاطِلَ وَأَنَّ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّبَعُوا الْحَقَّ مِن رَّبِّهِمْ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ لِلنَّاسِ أَمْثَالَهُمْ (۳)

این به سبب آن است که کافران از باطل پیروی کردند، و مؤمنان از حق که از سوی پروردگار آنان است، پیروی نمودند. این گونه خدا برای مردم اوصافشان را بیان می کند. (۳)

فَإِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ حَتَّى إِذَا أَثْخَنتُمُوهُمْ فَشُدُّوا الْوَثَاقَ فَإِمَّا مَنًّا بَعْدُ وَإِمَّا فِدَاءً حَتَّى تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا ذَلِكَ وَلَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَانتَصَرَ مِنْهُمْ وَلَكِن لِّيَبْلُوَ بَعْضَكُم بِبَعْضٍ وَالَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَن يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ (۴)

پس هنگامی که [در میدان جنگ] با کافران روبرو شدید، گردن هایشان را به شدت بزنید تا آن گاه که بسیاری از آنان را با سختی و غلظت از پای درآورید، در این هنگام [از دشمن اسیر بگیرید و] آنان را محکم ببندید، [پس از اسیر گرفتن] یا بر آنان منت نهید [و آزادشان کنید]، یا از آنان [در برابر آزاد کردنشان] فدیه و عوض بگیرید تا آنجا که جنگ بارهای سنگینش را بر زمین نهد. این است [فرمان خدا]؛ و اگر خدا می خواست [خود بدون فرمان جنگ] از آنان انتقام می گرفت [ولی به جنگ فرمان داد] تا برخی از شما را به وسیله برخی دیگر بیازماید، و کسانی که در راه خدا به شهادت رسیده اند، خدا هرگز اعمالشان را باطل و تباه نمی کند. (۴)

سَيَهْدِيهِمْ وَيُصْلِحُ بَالَهُمْ (۵)

[خدا] آنان را به زودی [به سرمنزل خوشبختی و کرامت] هدایت می کند و حالشان را اصلاح می نماید؛ (۵)

وَيُدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ عَرَّفَهَا لَهُمْ (۶)

و آنان را در بهشتی که در دنیا به آنان شناسانده در می آورد. (۶)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ (۷)

ای مؤمنان! اگر خدا را یاری کنید، خدا هم شما را یاری می کند و گام هایتان را محکم و استوار می سازد؛ (۷)

وَالَّذِينَ كَفَرُوا فَتَعْسًا لَّهُمْ وَأَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ (۸)

و بر کافران هلاکت و نابودی باد و [خدا] اعمالشان را باطل و تباه ساخت. (۸)

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَرِهُوا مَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ (۹)

این برای آن است که آنان آنچه را خدا نازل کرده است خوش نداشتند، پس خدا هم اعمالشان را تباه و بی اثر کرد. (۹)

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلِلْكَافِرِينَ أَمْثَالُهَا (۱۰)

آیا در زمین گردش نکردند تا با تأمل بنگرند که سرانجام کسانی که پیش از آنان بودند، چگونه بود؟ خدا آنان را درهم کوبید و نابود کرد و نیز برای این کافران همانند آنان [عذابی قطعی و ثابت] است. (۱۰)

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَأَنَّ الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَى لَهُمْ (۱۱)

این [پیروزی مؤمنان و نابودی کافران] به سبب این است که خدا سرپرست و یاور کسانی است که ایمان آورده اند، و کافران را سرپرست و یاری نیست. (۱۱)

ص: ۵۰۷

إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَالنَّارُ مَثْوًى لَّهُمْ (۱۲)

بی تردید خدا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، در بهشت هایی کهاز زیرِ [درختانِ] آن نهرها جاری است در می آورد، و در حالی که کافران همواره سرگرم بهره گیری از [کالا ـ و لذت های زودگذر] دنیایند و می خورند، همان گونه که چهارپایان می خورند و جایگاهشان آتش است. (۱۲)

وَكَأَيِّن مِّن قَرْيَةٍ هِيَ أَشَدُّ قُوَّةً مِّن قَرْيَتِكَ الَّتِي أَخْرَجَتْكَ أَهْلَكْنَاهُمْ فَلَا نَاصِرَ لَهُمْ (۱۳)

چه بسیار آبادی هایی که [اهلش] از [اهل] آبادی تو که تو را بیرون کرده اند نیرومندتر بودند، ما آنان را هلاک کردیم و یاوری [در برابر عذاب] برای آنان نبود. (۱۳)

أَفَمَن كَانَ عَلَى بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّهِ كَمَن زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُم (۱۴)

آیا کسانی که بر دلیل روشنی از پروردگار خویش اند، مانند کسانی هستند که عمل زشتشان برای آنان آراسته شده و از هواهای نفسانی خود پیروی کرده اند؟ (۱۴)

مَّثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِّن مَّاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِّن لَّبَنٍ لَّمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِّنْ خَمْرٍ لَّذَّةٍ لِّلشَّارِبِينَ وَأَنْهَارٌ مِّنْ عَسَلٍ مُّصَفًّى وَلَهُمْ فِيهَا مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَمَغْفِرَةٌ مِّن رَّبِّهِمْ كَمَنْ هُوَ خَالِدٌ فِي النَّارِ وَسُقُوا مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ (۱۵)

صفت بهشتی که به پرهیزکاران وعده داده شده [چنین است:] در آن نهرهایی است از آبی که مزه و رنگش برنگشته و نهرهایی از شیر که طعمش دگرگون نشده و نهرهایی از شراب که برای نوشندگان مایه لذت است و نهرهایی از عسل خالص است، و در آن از هر گونه میوه ای برای آنان فراهم است، و نیز آمرزشی از سوی پروردگارشان [ویژه آنان است. آیا اینان]

مانند کسانی هستند که در آتش همیشگی و جاودانه اند، واز آبی جوشان به آنان می نوشانند که روده هایشان را متلاشی می کند؟! (۱۵)

وَمِنْهُم مَّن يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ حَتَّى إِذَا خَرَجُوا مِنْ عِندِكَ قَالُوا لِلَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مَاذَا قَالَ آنِفًا أُولَئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ (۱۶)

گروهی از آنان [که منافق اند در ظاهر به گفتارت] گوش می دهند، ولی هنگامی که از نزد تو بیرون روند به کسانی که آگاهی و معرفت به آنان داده شده [از روی مسخره] می گویند: هم اکنون چه گفت؟ [ما که گفته او را نفهمیدیم.] آنان کسانی هستند که خدا بر دل هایشان مهر [تیره بختی] نهاده واز هواهای نفسانی خود پیروی کرده اند، (۱۶)

وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَآتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ (۱۷)

و کسانی که هدایت یافته اند خدا بر هدایتشان افزوده و پرهیزکاری و تقوایشان را به آنان عطا کرده است؛ (۱۷)

فَهَلْ يَنظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَن تَأْتِيَهُم بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا فَأَنَّى لَهُمْ إِذَا جَاءَتْهُمْ ذِكْرَاهُمْ (۱۸)

پس آیا [منافقان و منکران] جز این را انتظار می برند که ناگاه قیامت بر آنان فرا رسد؟ [در حالی که هم اکنون نشانه هایش آمده است]، پس هنگامی که قیامت بر آنان فرا رسد، متذکّر شدن و هوشیاری شان از کجا و چگونه به آنان سود بخشد؟ (۱۸)

فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مُتَقَلَّبَكُمْ وَمَثْوَاكُمْ (۱۹)

پس بدان که هیچ معبودی جز خدا نیست [بنابراین بر معرفت و آگاهیت نسبتِ به حق استوار باش]؛ و از میان رفتن [توطئه ها و موانعی که به وسیله دشمنان در راه پیشرفت دعوتت به اسلام] برای تو و مردان و زنان با ایمان ایجاد شده از خدا بخواه، و برای زنان و مردان مؤمن طلب آمرزش کن و خدا محل رفت و بازگشت شماو قرارگاهتان را می داند. (۱۹)

ص: ۵۰۸

وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا لَوْلَا نُزِّلَتْ سُورَةٌ فَإِذَا أُنزِلَتْ سُورَةٌ مُّحْكَمَةٌ وَذُكِرَ فِيهَا الْقِتَالُ رَأَيْتَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ يَنظُرُونَ إِلَيْكَ نَظَرَ الْمَغْشِيِّ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَأَوْلَى لَهُمْ (۲۰)

مؤمنان می گویند: چرا سوره ای [در رابطه با فرمان جهاد] نازل نمی شود؟ ولی هنگامی که سوره ای محکم و بی شبهه نازل می شود و در آن از جهاد سخن به میان آمده است، آنان را که در دل هایشان بیماری است، می بینی مانند کسی که در بیهوشی مرگ افتاده، به تو می نگرند و سزاوارشان هم [به سبب بیماردلی] همین حالت است. (۲۰)

طَاعَةٌ وَقَوْلٌ مَّعْرُوفٌ فَإِذَا عَزَمَ الْأَمْرُ فَلَوْ صَدَقُوا اللَّهَ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ (۲۱)

[ولی] فرمانبرداری [از خدا و پیامبر] و سخن پسندیده و نیک [نه اظهار کراهت و ناخشنودی از جهاد] برای آنان شایسته تر است. پس اگر هنگامی که فرمان جهاد قطعی و مسلم شود با خدا از سر صدق و راستی درآیند، بی تردید برای آنان بهتر است. (۲۱)

فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِن تَوَلَّيْتُمْ أَن تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتُقَطِّعُوا أَرْحَامَكُمْ (۲۲)

پس اگر [از خدا و پیامبر] روی گردان شوید آیا از شما جز این انتظار می رود که در زمین فساد کنید و [بر سر مال و منال دنیا] قطع رحم نمایید؟ (۲۲)

أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعْمَى أَبْصَارَهُمْ (۲۳)

آنان [که روی گردانند] کسانی هستند که خدا لعنتشان کرده و گوش [دل] شان را کر و چشم [بصیرت] شان را کور کرده است. (۲۳)

أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا (۲۴)

آیا در قرآن نمی اندیشند [تاحقایق را بفهمند] یا بر دل هایشان قفل هایی قرار دارد؟ (۲۴)

إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُّوا عَلَى أَدْبَارِهِم مِّن بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَى الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمْلَى لَهُمْ (۲۵)

بی تردید کسانی که پس از روشن شدن هدایت برای آنان [به همان عقاید باطل و کردار ناپسندشان] برگشتند [و دست از قرآن و پیامبر برداشتند] شیطان زشتی هایشان را در نظرشان آراست و آنان را در آرزوهای دور و دراز انداخت. (۲۵)

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لِلَّذِينَ كَرِهُوا مَا نَزَّلَ اللَّهُ سَنُطِيعُكُمْ فِي بَعْضِ الْأَمْرِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِسْرَارَهُمْ (۲۶)

این به سبب آن است که آنان به کسانی [چون مشرکان و کافران] که نازل شدن وحی را خوش نداشتند، گفتند: [ما] در بعضی از امور [که بر ضد مؤمنان است] از شما اطاعت خواهیم کرد. در حالی که خدا اسرارشان را می داند. (۲۶)

فَكَيْفَ إِذَا تَوَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ (۲۷)

پس حال و وضعشان زمانی که فرشتگان جانشان را می گیرند در حالی که بر صورت و پشتشان [تازیانه عذاب] می زنند، چگونه خواهد بود؟! (۲۷)

ذَلِكَ بِأَنَّهُمُ اتَّبَعُوا مَا أَسْخَطَ اللَّهَ وَكَرِهُوا رِضْوَانَهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ (۲۸)

این عذاب برای این است که آنان از آنچه خدا را به خشم آورده پیروی کردند، و خشنودی او را خوش نداشتند در نتیجه اعمالشان را تباه و بی اثر کرد. (۲۸)

أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ أَن لَّن يُخْرِجَ اللَّهُ أَضْغَانَهُمْ (۲۹)

بلکه کسانی که در دل هایشان بیماری است، گمان کردند که خدا کینه هایشان را آشکار نخواهد کرد. (۲۹)

وَلَوْ نَشَاءُ لَأَرَيْنَاكَهُمْ فَلَعَرَفْتَهُم بِسِيمَاهُمْ وَلَتَعْرِفَنَّهُمْ فِي لَحْنِ الْقَوْلِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ أَعْمَالَكُمْ (۳۰)

و اگر بخواهیم یقیناً آنان را به تو نشان می دهیم تا آنان را از روی نشانه هایشان بشناسی، و بی تردید آنان را از شیوه سخن گفتن خواهی شناخت؛ و خدا کارهای شما را می داند. (۳۰)

وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّى نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنكُمْ وَالصَّابِرِينَ وَنَبْلُوَ أَخْبَارَكُمْ (۳۱)

به یقین ما شما را امتحان می کنیم تا مجاهدان از شما و صابران را مشخص نماییم، و اخبار شما را نیز [که اعمال و اسرار شماست] می آزماییم [تا صدق و کذب شما را در همه امور معلوم بداریم.] (۳۱)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَشَاقُّوا الرَّسُولَ مِن بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَى لَن يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا وَسَيُحْبِطُ أَعْمَالَهُمْ (۳۲)

مسلماً آنان که کفر ورزیدند و [مردم را] از راه خدا باز داشتند و پس از آنکه هدایت برای آنان روشن شد با پیامبر به شدت دشمنی نمودند، هرگز هیچ زیانی به خدا نمی رسانند و خدا به زودی اعمالشان را تباه و بی اثر می کند. (۳۲)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَلَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ (۳۳)

ای اهل ایمان! خدا را اطاعت کنید و پیامبر را اطاعت کنید و اعمالتان را [با تخلف از دستورها خدا و پیامبر، شرک، نفاق، منت گذاری و ریا] باطل مکنید. (۳۳)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ مَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ فَلَن يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ (۳۴)

مسلماً کسانی که کافر شدند و [مردم را] از راه خدا باز داشتند، سپس در حال کفر از دنیا رفتند، هرگز خدا آنان را نمی آمرزد. (۳۴)

فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ وَأَنتُمُ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَن يَتِرَكُمْ أَعْمَالَكُمْ (۳۵)

پس [با توجه به یاری و کارسازی خدا] سست نشوید و [کافران و مشرکان را] به آشتی و صلحی [که برای شما خفّت بار است] دعوت نکنید، در حالی که شما برتر هستید و خدا با شماست و هرگز از [ثواب و پاداش] اعمالتان نمی کاهد. (۳۵)

إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَإِن تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا يُؤْتِكُمْ أُجُورَكُمْ وَلَا يَسْأَلْكُمْ أَمْوَالَكُمْ (۳۶)

زنـدگی دنیا فقط بازی و سرگرمی است، اگر ایمان بیاوریـد و پرهیزکاری کنید، خدا پاداش هایتان را می دهد و از شـما نمی خواهد [که] اموالتان را [در راه خدا انفاق کنید؛] (۳۶)

إِن يَسْأَلْكُمُوهَا فَيُحْفِكُمْ تَبْخَلُوا وَيُخْرِجْ أَضْغَانَكُمْ (۳۷)

اگر همه اموال شـما را بخواهد و بر شما اصرار ورزد، بخل می کنید و [سبب می شود که] کینه های درونی شما را بیرون بریزد [و آن زمان است که گمراه می شوید.] (۳۷)

هَا أَنتُمْ هَؤُلَاءِ تُدْعَوْنَ لِتُنفِقُوا فِی سَبِیلِ اللَّهِ فَمِنكُم مَّن یَبْخَلُ وَمَن یَبْخَلْ فَإِنَّمَا یَبْخَلُ عَن نَّفْسِهِ وَاللَّهُ الْغَنِیُّ وَأَنتُمُ الْفُقَرَاءُ وَإِن تَتَوَلَّوْا یَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَیْرَکُمْ ثُمَّ لَا یَکُونُوا أَمْثَالَکُم (۳۸)

آگاه باشـید! شما همان مردمی هستید که برای انفاق در راه خدا دعوت می شوید، پس برخی از شما بخل می ورزند، و هر که بخل پیشه کند، فقط نسـبت به [سعادت و خوشبختی] خود بخیل است، و خدا [از انفاق و صدقات شما] بی نیاز است، و شمایید که نیازمند هستید؛ و اگر [از فرمان های او] روی بگردانید به جای شـما گروه دیگری را می آورد که مانند شـما [روی گردان، سست عقیده و بخیل] نخواهند بود. (۳۸)

ص: ۵۱۰

سوره الفتح

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ إِنَّا فَتَحْنَا لَکَ فَتْحًا مُّبِینًا (۱)

به راستی ما برای تو پیروزی آشکاری فراهم آوردیم؛ (۱)

لِّیَغْفِرَ لَکَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِن ذَنبِکَ وَمَا تَأَخَّرَ وَیُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَیْکَ وَیَهْدِیَکَ صِرَاطًا مُّسْتَقِیمًا (۲)

تا خدا [با این پیروزی آشـکار] آنچه را [به وسـیله دشمنان از توطئه ها و موانع و مشکلات در راه پیشرفت دعوتت به اسلام] در گذشـته پیش آمـده و آینـده پیش خواهـد آمـد از میـان بردارد، و نعمتش را بر تو کامـل کنـد، و به راهی راست راهنمایی ات نماید؛ (۲)

وَیَنصُرَکَ اللَّهُ نَصْرًا عَزِیزًا (۳)

و خدا تو را به نصرتی توانمندانه و شکست ناپذیر یاری دهد. (۳)

هُوَ الَّذِی أَنزَلَ السَّکِینَةَ فِی قُلُوبِ الْمُؤْمِنِینَ لِیَزْدَادُوا إِیمَانًا مَّعَ إِیمَانِهِمْ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَکَانَ اللَّهُ عَلِیمًا حَکِیمًا (۴)

اوست که آرامش را در دل هـای مؤمنـان نـازل کرد، تا ایمانی بر ایمانشان بیفزایـد. و سـپاهیان آسـمان و زمین فقط در سـیطره

مالکیّت و فرمانروایی خداست؛ و خدا همواره دانا و حکیم است. (۴)

لِّيُدْخِلَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَيُكَفِّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَكَانَ ذَٰلِكَ عِندَ اللَّهِ فَوْزًا عَظِيمًا (۵)

تا مردان و زنان مؤمن را در بهشت هایی درآورد که از زیرِ [درختانِ] آن نهرها جاری است در حالی که در آن جاودانه اند، و گناهانشان را از آنان محو کند، و این [سرانجام نیک] نزد خدا کامیابی بزرگ است. (۵)

وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّانِّينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا (۶)

و مردان و زنان منافق و مردان و زنان مشرک را که به خدا گمان بد می برند عذاب کند؛ پیشامد بد زمانه فقط بر خودشان باد. خدا بر آنان خشم گرفته، و لعنتشان کرده است و دوزخ را برای آنان آماده نموده و بد بازگشت گاهی است. (۶)

وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا (۷)

سپاهیان آسمان ها و زمین فقط در سیطره مالکیّت و فرمانروایی خداست؛ و خدا همواره توانای شکست ناپذیر و حکیم است. (۷)

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا (۸)

ما تو را گواه [بر اعمال امت] و مژده رسان و بیم دهنده فرستادیم؛ (۸)

لِّتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا (۹)

تا [همه شما مردم] به خدا و پیامبرش ایمان آورید و او را یاری دهید و بزرگش بشمارید و بامداد و شام گاه تسبیحش گویید. (۹)

ص: ۵۱۱

إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَن نَّكَثَ فَإِنَّمَا يَنكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهُ اللَّهَ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا (۱۰)

به یقین کسانی که با تو بیعت می کنند، جز این نیست که با خدا بیعت می کنند؛ قدرت خدا بالاتر از همه قدرتهاست. پس کسی که پیمان می شکند فقط به زیان خود می شکند، و کسی که به پیمانی که با خدا بسته است وفا کند، خدا به زودی پاداشی بزرگ به او می دهد. (۱۰)

سَيَقُولُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ شَغَلَتْنَا أَمْوَالُنَا وَأَهْلُونَا فَاسْتَغْفِرْ لَنَا يَقُولُونَ بِأَلْسِنَتِهِم مَّا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ قُلْ فَمَن يَمْلِكُ لَكُم مِّنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ بِكُمْ ضَرًّا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ نَفْعًا بَلْ كَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا (۱۱)

کسانی از بادیه نشینان که از جنگ [با دشمن] تخلف کردند به زودی [از روی بهانه جویی] به تو می گویند: اموال و خانواده مان ما را به خود مشغول کردند [به این سبب نتوانستیم به جنگ آییم]؛ پس برای ما آمرزش بخواه. با زبان هایشان چیزی می گویند که در دل هایشان نیست. بگو: اگر خدا زیانی یا سودی را برای شما بخواهد چه کسی می تواند در برابر خدا از شما دفاع کند؟ بلکه خدا همواره به آنچه انجام می دهید، آگاه است. (۱۱)

بَلْ ظَنَنتُمْ أَن لَّن يَنقَلِبَ الرَّسُولُ وَالْمُؤْمِنُونَ إِلَى أَهْلِيهِمْ أَبَدًا وَزُيِّنَ ذَلِكَ فِي قُلُوبِكُمْ وَظَنَنتُمْ ظَنَّ السَّوْءِ وَكُنتُمْ قَوْمًا بُورًا (۱۲)

[تخلف شما از جنگ، ربطی به اموال و خانواده تان نداشت] بلکه پنداشتید پیامبر و مؤمنان هرگز به کسان خود باز نمی گردند، و این پندار باطل در دل هایتان آراسته شد، و گمان بد بردید [که خدا پیامبر و مؤمنان را یاری نخواهد کرد] و شما [به سبب این پندار باطل و گمان بد] قومی نابودشدنی هستید. (۱۲)

وَمَن لَّمْ يُؤْمِن بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَعِيرًا (۱۳)

و هر کس به خدا و پیامبرش ایمان نیاورد [زیانی به خدا و پیامبر نمی رساند]، ما برای کافران آتشی سوزان آماده کرده ایم. (۱۳)

وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا (۱۴)

و مالکیت و فرمانروایی آسمان ها و زمین فقط در سیطره خداست، هر کس را بخواهد می آمرزد و هر کس را بخواهد عذاب می کند؛ و خدا همواره بسیار آمرزنده و مهربان است. (۱۴)

سَيَقُولُ الْمُخَلَّفُونَ إِذَا انطَلَقْتُمْ إِلَى مَغَانِمَ لِتَأْخُذُوهَا ذَرُونَا نَتَّبِعْكُمْ يُرِيدُونَ أَن يُبَدِّلُوا كَلَامَ اللَّهِ قُل لَّن تَتَّبِعُونَا كَذَلِكُمْ قَالَ اللَّهُ مِن قَبْلُ فَسَيَقُولُونَ بَلْ تَحْسُدُونَنَا بَلْ كَانُوا لَا يَفْقَهُونَ إِلَّا قَلِيلًا (۱۵)

هنگامی که شما برای به دست آوردن غنایمی روانه [میدان جنگی] می شوید، متخلفان [از جنگ حدیبیه] به زودی خواهند گفت: بگذارید ما هم به دنبال شما بیاییم. [این سبک مغزان سودجو] می خواهند وعده خدا را [که به مؤمنان وعده پیروزی و غنیمت داد و به منافقان وعده محرومیت از غنیمت و رحمت داده است] تغییر دهند. بگو: هرگز دنبال ما نخواهید آمد؛ این گونه خدا پیش از این [درباره شما] فرموده است. اما [این گروه بی شرم] به زودی خواهند گفت: شما نسبت به ما حسد می ورزید، [چنین نیست] بلکه آنان جز اندکی نمی فهمند. (۱۵)

ص: ۵۱۲

قُل لِّلْمُخَلَّفِينَ مِنَ الْأَعْرَابِ سَتُدْعَوْنَ إِلَى قَوْمٍ أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ تُقَاتِلُونَهُمْ أَوْ يُسْلِمُونَ فَإِن تُطِيعُوا يُؤْتِكُمُ اللَّهُ أَجْرًا حَسَنًا وَإِن تَتَوَلَّوْا

كَمَا تَوَلَّيْتُم مِّن قَبْلُ يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا (۱۶)

به متخلفانِ بادیه نشین بگو: به زودی به سوی گروهی سرسخت و نیرومند دعوت خواهید شد که با آنان بجنگید، یا آنکه اسلام آورند؛ پس اگر اطاعت کنید خدا پاداش نیکی به شما خواهد داد، و اگر روی برگردانید، همان گونه که پیش از این روی گرداندید، شما را به عذابی دردناک عذاب خواهد کرد. (۱۶)

لَّيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرَجٌ وَمَن يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَن يَتَوَلَّ يُعَذِّبْهُ عَذَابًا أَلِيمًا (۱۷)

بر نابینا و لنگ و بیمار [اگر در جنگ شرکت نکنند] گناهی نیست. و کسی که از خدا و پیامبرش اطاعت کند، او را در بهشت هایی درآورد که از زیرِ [درختانِ] آن نهرها جاری است، و هر کس روی بگرداند او را به عذابی دردناک عذاب می کند. (۱۷)

لَّقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا (۱۸)

یقیناً خدا از مؤمنان هنگامی که زیر آن درخت [که در منطقه حدیبیه بود] با تو بیعت می کردند خشنود شد، و خدا آنچه را [از خلوص نیّت و پاکی قصد] در دل هایشان بود می دانست، در نتیجه آرامش را بر آنان نازل کرد، و پیروزی نزدیکی را [که پیروزی در خیبر بود] به آنان پاداش داد. (۱۸)

وَمَغَانِمَ كَثِيرَةً يَأْخُذُونَهَا وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا (۱۹)

[و پاداش دیگر] غنیمت های فراوانی است که آن را به دست می آورید؛ و خدا همواره توانای شکست ناپذیر و حکیم است. (۱۹)

وَعَدَكُمُ اللَّهُ مَغَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا فَعَجَّلَ لَكُمْ هَٰذِهِ وَكَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ عَنكُمْ وَلِتَكُونَ آيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ وَيَهْدِيَكُمْ صِرَاطًا مُّسْتَقِيمًا (۲۰)

خدا غنیمت های فراوانی را در آینده به شما وعده داده است که به دست می آورید، و این یک غنیمت را [که فتح خیبر است] برای شما پیش انداخت، و دست های [تجاوز و ستم] مردم را از شما باز داشت تا این [پیروزی ها] برای مؤمنان نشانه ای [از حقّانیّت دین و یاری خدا] باشد و تا شما را به راهی راست هدایت کند. (۲۰)

وَأُخْرَىٰ لَمْ تَقْدِرُوا عَلَيْهَا قَدْ أَحَاطَ اللَّهُ بِهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا (۲۱)

و [غنیمت ها و پیروزی های] دیگر [ی هست] که شما تا کنون بر آنها دست نیافته اید، بی تردید خدا بر آنها احاطه دارد [و به آسانی می تواند در دسترس شما قرار دهد]؛ و خدا همواره بر هر کاری تواناست. (۲۱)

وَلَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوُا الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا (۲۲)

اگر کافران با شما بجنگند حتماً پشت کنان می گریزند، آن گاه سرپرست و یاوری [که از آنان دفاع کند] نمی یابند. (۲۲)

سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلُ وَلَن تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا (۲۳)

خدا روشی ثابت و قطعی مقرّر کرده است که از پیش [بر پیروزی مؤمنان و شکست کافران] جاری بوده است، و هرگز برای روش خدا تغییر و تبدیلی نخواهی یافت. (۲۳)

ص: ۵۱۳

وَهُوَ الَّذِي كَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ عَنْهُم بِبَطْنِ مَكَّةَ مِن بَعْدِ أَنْ أَظْفَرَكُمْ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا (۲۴)

و اوست که پس از آنکه شما را [بی جنگ و خونریزی] بر دشمن پیروز و مسلط کرد، دست های آنان را از [جنگ با] شما و دست های شما را از [جنگ با] آنان در دل مکه [که منطقه حدیبیه است] باز داشت؛ و خدا همواره به آنچه انجام می دهید بیناست. (۲۴)

هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَالْهَدْيَ مَعْكُوفًا أَن يَبْلُغَ مَحِلَّهُ وَلَوْلَا رِجَالٌ مُّؤْمِنُونَ وَنِسَاءٌ مُّؤْمِنَاتٌ لَّمْ تَعْلَمُوهُمْ أَن تَطَئُوهُمْ فَتُصِيبَكُم مِّنْهُم مَّعَرَّةٌ بِغَيْرِ عِلْمٍ لِّيُدْخِلَ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ مَن يَشَاءُ لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا (۲۵)

آنان کسانی هستند که کفر ورزیدند و شما را از [ورود به] مسجدالحرام باز داشتند و نیز نگذاشتند قربانی هایی که با خود آورده بودید به محل قربانی اش برسد، و اگر مردان و زنان مؤمن ناشناسی در میان مکه نبودند، تا جنگ شما سبب کشته شدن آن بی گناهان شود و در نتیجه امر ناملایم و مکروهی [چون دیه] گریبان شما را بگیرد [شما را از جنگ باز نمی داشتیم، ولی بازداشتیم] تا خدا هرکه را [مانند مردان و زنان مومنی که برای شما ناشناخته بودند] بخواهد در رحمتش درآورد. [و] اگر مؤمنان از کافران جدا بودند یقیناً کافران [از اهل مکه] را به عذابی دردناک عذاب می کردیم (۲۵)

إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ حَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ فَأَنزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا (۲۶)

[یاد کن] هنگامی را که کافران [پس از قرارداد صلح حدیبیه] دل هایشان را از تعصّب و خشم شدید جاهلی آکنده کردند، پس خدا هم آرامشش را بر پیامبرش و مؤمنان نازل کرد و روح تقوا را [که حقیقت و جان توحید است] ملازم آنان نمود، و آنان به [روح تقوا] سزاوارتر و شایسته آن بودند؛ و خدا همواره به هر چیز داناست. (۲۶)

لَّقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلُنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِن شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُءُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِن دُونِ ذَٰلِكَ فَتْحًا قَرِيبًا (۲۷)

بی تردید خدا رؤیای پیامبرش را به حق و درستی تحقق داد [که در رؤیا وعده داده بود] شما قطعاً در حال امن و امنیت در حالی که سرهایتان را تراشیده و موی [یا ناخن] کوتاه کرده اید و بیمی ندارید، وارد مسجدالحرام خواهید شد. خدا آنچه را که شما نمی دانستید [که وعده ورود به مسجدالحرام در سال آینده است] دانست و پیش از آن پیروزی نزدیکی [که صلح حدیبیه بود برای شما] قرارداد. (۲۷)

هُوَ الَّذِی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَی وَدِینِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ وَکَفَی بِاللَّهِ شَهِیدًا (۲۸)

اوست که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه ادیان پیروز کند، و کافی است که خدا [بر وقوع این حقیقت] گواه باشد. (۲۸)

ص: ۵۱۴

مُّحَمَّدٌ رَّسُولُ اللَّهِ وَالَّذِینَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَی الْکُفَّارِ رُحَمَاءُ بَیْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُکَّعًا سُجَّدًا یَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِیمَاهُمْ فِی وُجُوهِهِم مِّنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِکَ مَثَلُهُمْ فِی التَّوْرَاهِ وَمَثَلُهُمْ فِی الْإِنجِیلِ کَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَی عَلَی سُوقِهِ یُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِیَغِیظَ بِهِمُ الْکُفَّارَ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُم مَّغْفِرَهً وَأَجْرًا عَظِیمًا (۲۹)

محمّد، فرستاده خداست و کسانی که با او هستند بر کافران سرسخت و در میان خودشان با یکدیگر مهربانند، همواره آنان را در رکوع و سجود می بینی که پیوسته فضل و خشنودی خدا را می طلبند؛ نشانه آنان در چهره شان از اثر سجود پیداست، این است توصیف آنان در تورات، و اما توصیفشان در انجیل این است که وجودشان چون زراعتی است که جوانه های خود را رویانده پس تقویتش کرده تا ستبر و ضخیم شده، و در نتیجه بر ساقه هایش [محکم و استوار] ایستاده است، به طوری که دهقانان را [از رشد و انبوهی خود] به تعجب می آورد تا خدا به وسیله [انبوهی و نیرومندی] مؤمنان، کافران را به خشم آورد. [و] خدا به کسانی از آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، آمرزش و پاداشی بزرگ وعده داده است. (۲۹)

سوره الحجرات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لَا تُقَدِّمُوا بَیْنَ یَدَیِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِیعٌ عَلِیمٌ (۱)

ای اهل ایمان! بر خدا و پیامبرش [در هیچ امری از امور دین و دنیا و آخرت] پیشی مگیرید و از خدا پروا کنید که خدا شنوا و داناست. (۱)

یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَکُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِیِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ کَجَهْرِ بَعْضِکُمْ لِبَعْضٍ أَن تَحْبَطَ أَعْمَالُکُمْ وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ (۲)

ای مؤمنان! صدایتان را بلندتر از صدای پیامبر نکنید، و آن گونه که با یکدیگر بلند سخن می گویید با او بلند سخن نگویید، مبادا آنکه اعمالتان تباه و بی اثر شود و شما تباهی آن را درک نکنید. (۲)

إِنَّ الَّذِينَ يَغُضُّونَ أَصْوَاتَهُمْ عِندَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَى لَهُم مَّغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ (٣)

بی تردید کسانی که صدایشان را نزد رسول خدا پایین می آورند، همانان هستند که خدا دل هایشان را برای پرهیزکاری امتحان کرده، آنان را آمرزش و پاداشی بزرگ است. (٣)

إِنَّ الَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِن وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ (۴)

یقیناً کسانی که تو را از پشت اطاق ها صدا می کنند، بیشترشان معرفت و آگاهی [به حرمت و عظمت تو] ندارند. (۴)

ص: ۵۱۵

وَلَوْ أَنَّهُمْ صَبَرُوا حَتَّى تَخْرُجَ إِلَيْهِمْ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۵)

و اگر آنان صبر می کردند تا به سویشان بیرون آیی، یقیناً برای آنان بهتر بود، و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (۵)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَإٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَى مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ (۶)

ای اهل ایمان! اگر فاسقی خبری برایتان آورد، خبرش را بررسی و تحقیق کنید تا مبادا از روی ناآگاهی، گروهی را آسیب و گزند رسانید و بر کرده خود پشیمان شوید. (۶)

وَاعْلَمُوا أَنَّ فِيكُمْ رَسُولَ اللَّهِ لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِّنَ الْأَمْرِ لَعَنِتُّمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ (٧)

و بدانید که پیامبر خدا در میان شماست [و بر شما واجب است در همه امور از او پیروی کنید]، اگر او در بسیاری از کارها از شما پیروی کند، قطعاً دچار گرفتاری و زحمت می شوید، ولی خدا ایمان را محبوب شما قرار داد و آن را در دل هایتان بیاراست، و کفر و بدکاری و نافرمانی را ناخوشایند شما ساخت، اینان [که دارای این ویژگی ها هستند] هدایت یافته اند. (٧)

فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَنِعْمَةً وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (٨)

[این محبت و ناخوشایندی نسبت به حق و باطل] عطیه و نعمتی از سوی خداست؛ و خدا دانا و حکیم است. (٨)

وَإِن طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِن بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِن فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ (٩)

و اگر دو گروه از مؤمنان با یکدیگر بجنگند میان آنها صلح و آشتی برقرار کنید، و اگر یکی از آن دو گروه بر دیگری تجاوز کند، با آن گروهی که تجاوز می کند، بجنگید تا به حکم خدا باز گردد. پس اگر بازگشت، میانشان به عدالت و انصاف، صلح و آشتی برقرار کنید؛ و همواره دادگری را پیشه سازید که خدا دادگران را دوست دارد. (٩)

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (۱۰)

جز این نیست که همه مؤمنان با هم برادرند؛ بنابراین [در همه نزاع ها و اختلافات] میان برادرانتان صلح و آشتی برقرار کنید، و از خدا پروا نمایید که مورد رحمت قرار گیرید. (۱۰)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّن قَوْمٍ عَسَى أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّن نِّسَاءٍ عَسَى أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الِاسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَن لَّمْ يَتُبْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (۱۱)

ای اهل ایمان! نباید گروهی گروه دیگر را مسخره کنند، شاید مسخره شده ها از مسخره کنندگان بهتر باشند، ونباید زنانی زنان دیگر را [مسخره کنند] شاید مسخره شده ها از مسخره کنندگان بهتر باشند، و از یکدیگر عیب جویی نکنید و با لقب های زشت و ناپسند یکدیگر را صدا نزنید؛ بد نشانه و علامتی است اینکه انسانی را پس از ایمان آوردنش به لقب زشت علامت گذاری کنند. و کسانی که [از این امور ناهنجار و زشت] توبه نکنند، خود ستمکارند. (۱۱)

ص: ۵۱۶

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ (۱۲)

ای اهل ایمان! از بسیاری از گمان ها [در حقّ مردم] بپرهیزید؛ زیرا برخی از گمان ها گناه است، و [در اموری که مردم پنهان ماندنش را خواهانند] تفحص و پی جویی نکنید، و از یکدیگر غیبت ننمایید، آیا یکی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده اش را بخورد؟ بی تردید [از این کار] نفرت دارید، و از خدا پروا کنید که خدا بسیار توبه پذیر و مهربان است. (۱۲)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُم مِّن ذَكَرٍ وَأُنثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِندَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ (۱۳)

ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و ملت ها و قبیله ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. بی تردید گرامی ترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست. یقیناً خدا دانا و آگاه است. (۱۳)

قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُل لَّمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِن قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَإِن تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا يَلِتْكُم مِّنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱۴)

بادیه نشینان گفتند: ما [از عمق قلب] ایمان آوردیم. بگو: ایمان نیاورده اید، بلکه بگویید: اسلام آورده ایم؛ زیرا هنوز ایمان در دل هایتان وارد نشده است. و اگر خدا و پیامبرش را اطاعت کنید، چیزی از اعمالتان را نمی کاهد؛ زیرا خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (۱۴)

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ (۱۵)

مؤمنان فقط کسانی انـد که به خدا و پیامبرش ایمان آورده اند، آن گاه [در حقّانیّت آنچه به آن ایمان آورده اند] شک ننموده و با اموال و جان هایشان در راه خدا جهاد کرده اند؛ اینان [در گفتار و کردار] اهل صدق و راستی اند. (۱۵)

قُلْ أَتُعَلِّمُونَ اللَّهَ بِدِينِكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۱۶)

بگو: آیا خـدا را از دین خود [به خیال اینکه آگاه نیست] خبر می دهیـد [که از عمق قلب ایمان آورده اید؟!] در حالی که خدا آنچه را در آسمان ها و آنچه را در زمین است می داند، و خدا به همه چیز داناست. (۱۶)

يَمُنُّونَ عَلَيْكَ أَنْ أَسْلَمُوا قُل لَّا تَمُنُّوا عَلَيَّ إِسْلَامَكُم بَلِ اللَّهُ يَمُنُّ عَلَيْكُمْ أَنْ هَدَاكُمْ لِلْإِيمَانِ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (۱۷)

از اینکه اسـلام آورده انـد بر تو منت می گذارنـد؛ بگو: اگر [در ادعـای مؤمن بودن] راسـتگویید، بر من از اسـلام آوردن خود منت نگذارید، بلکه خداست که با هدایت شما به ایمان بر شما منت دارد. (۱۷)

إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (۱۸)

یقیناً خدا نهان آسمان ها و زمین را می داند و خدا به آنچه انجام می دهید، بیناست. (۱۸)

ص: ۵۱۷

سوره ق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ق وَالْقُرْآنِ الْمَجِيدِ (۱)

ق، سوگند به قرآن مجید [که محمّد، فرستاده ماست و وقوع قیامت حق است.] (۱)

بَلْ عَجِبُوا أَن جَاءَهُم مُّنذِرٌ مِّنْهُمْ فَقَالَ الْكَافِرُونَ هَذَا شَيْءٌ عَجِيبٌ (۲)

[کفر پیشگان نه تنهـا ایمـان نیاوردنـد] بلکه از اینکه بیم دهنـده ای از خودشـان به سوی آنـان آمـد تعجب کردنـد و در نتیجه کافران گفتند: این چیزی عجیب است. (۲)

أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا ذَلِكَ رَجْعٌ بَعِيدٌ (۳)

آیـا هنگـامی که مردیم و خـاک شـدیم [زنـده می شویم و به حیات دوباره باز می گردیم؟] این بازگشتی دور [از عقل] است. (۳)

قَدْ عَلِمْنَا مَا تَنقُصُ الْأَرْضُ مِنْهُمْ وَعِندَنَا كِتَابٌ حَفِيظٌ (۴)

بی تردیـد مـا آنچه را که زمین از اجسادشـان می کاهـد، می دانیم و نزد مـا کتابی ضـبط کننـده [همه امور چون لوح محفوظ]

است. (۴)

بَلْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَهُمْ فِي أَمْرٍ مَّرِيجٍ (۵)

[اینان نه اینکه زنده شدن پس از مرگ را باور نکردند] بلکه حق را هم هنگامی که به سویشان آمد، تکذیب کردند پس در حالتی آشفته و سردرگم اند. (۵)

أَفَلَمْ يَنظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا وَزَيَّنَّاهَا وَمَا لَهَا مِن فُرُوجٍ (۶)

آیا با تأمل به آسمان بالای سرشان ننگریستند که چگونه آن را بنا کرده و بیاراستیم و آن را هیچ شکاف [و ناموزونی] نیست؟ (۶)

وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنبَتْنَا فِيهَا مِن كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ (۷)

و زمین را گستردیم و کوه هایی استوار در آن افکندیم و در آن از هر نوع گیاه خوش منظر و دل انگیزی رویاندیم، (۷)

تَبْصِرَةً وَذِكْرَى لِكُلِّ عَبْدٍ مُّنِيبٍ (۸)

تا برای هر بنده ای که [با اندیشیدن در نظام هستی] به سوی خدا باز می گردد، مایه بینایی و یادآوری باشد؛ (۸)

وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُّبَارَكًا فَأَنبَتْنَا بِهِ جَنَّاتٍ وَحَبَّ الْحَصِيدِ (۹)

و از آسمان آبی بسیار پربرکت و سودمند نازل کردیم، پس به وسیله آن باغ ها و دانه های دروکردنی را رویاندیم. (۹)

وَالنَّخْلَ بَاسِقَاتٍ لَّهَا طَلْعٌ نَّضِيدٌ (۱۰)

و [نیز] درختان بلندقامت خرما را که خوشه های متراکم و روی هم چیده دارند [رویاندیم.] (۱۰)

رِّزْقًا لِّلْعِبَادِ وَأَحْيَيْنَا بِهِ بَلْدَةً مَّيْتًا كَذَلِكَ الْخُرُوجُ (۱۱)

برای آنکه رزق و روزی بندگان باشد، و نیز به وسیله آن آب سرزمین مرده را زنده کردیم؛ و بیرون آمدنشان [پس از مرگ از خاک گور برای ورود به قیامت] این گونه است. (۱۱)

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَأَصْحَابُ الرَّسِّ وَثَمُودُ (۱۲)

پیش از اینان [که تو را تکذیب می کنند] قوم نوح و اصحاب رس و [قوم] ثمود [پیامبرانشان] را تکذیب کردند. (۱۲)

وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ وَإِخْوَانُ لُوطٍ (۱۳)

و نیز قوم عاد و فرعون و برادران لوط، (۱۳)

وَأَصْحَابُ الْأَيْكَهِ وَقَوْمُ تُبَّعٍ كُلٌّ كَذَّبَ الرُّسُلَ فَحَقَّ وَعِيدِ (۱۴)

و اصحاب ایکه و قوم تُبّع همگی پیامبران را تکذیب کردند، پس تهدیدم [به نزول عذاب] بر آنان محقق و ثابت شد. (۱۴)

أَفَعَيِينَا بِالْخَلْقِ الْأَوَّلِ بَلْ هُمْ فِي لَبْسٍ مِّنْ خَلْقٍ جَدِيدٍ (۱۵)

آیا ما از آفرینش نخستین عاجز و درمانده شدیم [تا از دوباره آفریدن عاجز و درمانده شویم؟ چنین نیست] بلکه آنان [با این همه دلایل روشن و استوار] باز در آفرینش جدید در تردیدند. (۱۵)

ص: ۵۱۸

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَانَ وَنَعْلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ (۱۶)

همانا انسان را آفریدیم و همواره آنچه را که باطنش [نسبت به معاد و دیگر حقایق] به او وسوسه می کند، می دانیم، و ما به او از رگ گردن نزدیک تریم. (۱۶)

إِذْ يَتَلَقَّى الْمُتَلَقِّيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ (۱۷)

[یاد کن] دو فرشته ای را که همواره از ناحیه خیر و از ناحیه شر، ملازم انسان هستند و همه اعمالش را دریافت کرده و ضبط می کنند. (۱۷)

مَّا يَلْفِظُ مِن قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ (۱۸)

هیچ سخنی را به زبان نمی گوید جز اینکه نزد آن [برای نوشتن و حفظش] نگهبانی آماده است؛ (۱۸)

وَجَاءَتْ سَكْرَهُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ذَلِكَ مَا كُنتَ مِنْهُ تَحِيدُ (۱۹)

و سکرات و بیهوشی مرگ، حق را [که همه واقعیات جهان پس از مرگ است] می آورد [و به محتضر می گویند:] این همان چیزی است که از آن می گریختی؛ (۱۹)

وَنُفِخَ فِي الصُّورِ ذَلِكَ يَوْمُ الْوَعِيدِ (۲۰)

و در صور می دمند؛ آن است روز [تحقق و ظهور] وعده های تهدیدآمیز و وحشتناک. (۲۰)

وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ (۲۱)

هر کسی در آن روز می آید در حالی که سوق دهنده ای و شاهدی با اوست، [که سوق دهنده او را به محشر می راند و شاهد بر اعمالش گواهی می دهد.] (۲۱)

لَّقَدْ كُنتَ فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ (۲۲)

[به او می گویند:] تو از این روز بزرگ در بی خبری و غفلت بودی، پس ما پرده بی خبری را از دیده [بصیرت] ات کنار زدیم در نتیجه دیده ات امروز بسیار تیزبین است. (۲۲)

وَقَالَ قَرِينُهُ هَذَا مَا لَدَيَّ عَتِيدٌ (۲۳)

و [فرشته] همراهش می گوید: این است نامه اعمالش که همراه من آماده است. (۲۳)

أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ (۲۴)

[به دو فرشته نگهبان و حافظ اعمال فرمان می دهند] شما دو نفر هر کافر سرسخت و معاندی را در دوزخ اندازید. (۲۴)

مَّنَّاعٍ لِّلْخَيْرِ مُعْتَدٍ مُّرِيبٍ (۲۵)

[همان که به شدت] مانع خیر و تجاوزکار [از حدود خدا] و تردید کننده در حقایق [و تردید انداز در دل های مردم بود.] (۲۵)

الَّذِي جَعَلَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَأَلْقِيَاهُ فِي الْعَذَابِ الشَّدِيدِ (۲۶)

که با خدا معبودی دیگر قرار داد، پس او را در عذاب سخت اندازید، (۲۶)

قَالَ قَرِينُهُ رَبَّنَا مَا أَطْغَيْتُهُ وَلَكِن كَانَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ (۲۷)

همنشینش [از میان شیطان ها] می گوید: پروردگارا! من او را به سرکشی و طغیان وا نداشتم، او خودش [به میل خود] در گمراهی دور و درازی بود. .... (۲۷)

قَالَ لَا تَخْتَصِمُوا لَدَيَّ وَقَدْ قَدَّمْتُ إِلَيْكُم بِالْوَعِيدِ (۲۸)

[خدا] می گوید: در پیشگاه من با یکدیگر ستیزه مکنید، بی تردید من تهدید [به عذاب] را پیش از این [از طریق وحی و پیامبران] به شما اعلام کرده بودم. (۲۸)

مَا يُبَدَّلُ الْقَوْلُ لَدَيَّ وَمَا أَنَا بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ (۲۹)

نزد من فرمان [تهدیدآمیز به اینکه هر کس با حال کفر و شرک وارد آخرت شود حتماً دوزخی است] تغییر نمی یابد و من نسبت به بندگان ستمکار نیستم. (۲۹)

يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ امْتَلَأْتِ وَتَقُولُ هَلْ مِن مَّزِيدٍ (۳۰)

[یاد کن] روزی را که به دوزخ می گوییم: آیا پر شدی؟ می گوید: آیا زیادتر از این هم هست؟ (۳۰)

وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ غَيْرَ بَعِيدٍ (۳۱)

و بهشت را به پرهیزکاران نزدیک می کنند بی آنکه فاصله ای از آنان داشته باشد. (۳۱)

هَذَا مَا تُوعَدُونَ لِكُلِّ أَوَّابٍ حَفِيظٍ (۳۲)

[به آنان می گویند:] این همان است که [در دنیا] وعده داده می شدید [این جایگاه رفیع] برای هر کسی است که [در دنیا به سوی خدا] باز می گشته [و] حافظ و نگهبان [عهد، پیمان الهی و حقوق خدا و مردم] بوده است. (۳۲)

مَّنْ خَشِيَ الرَّحْمَنَ بِالْغَيْبِ وَجَاءَ بِقَلْبٍ مُّنِيبٍ (۳۳)

همان کسی که در نهان از [خدای] رحمان می ترسید و دلی رجوع کننده [به سوی خدا] آورده است؛ (۳۳)

ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُلُودِ (۳۴)

به سلامت در آن وارد شوید، امروز روز جاودانگی است (۳۴)

لَهُم مَّا يَشَاءُونَ فِيهَا وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ (۳۵)

در آنجا هرچه بخواهند برای آنان فراهم است، و نزد ما [نعمت های] بیشتری است. (۳۵)

ص: ۵۱۹

وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّن قَرْنٍ هُمْ أَشَدُّ مِنْهُم بَطْشًا فَنَقَّبُوا فِي الْبِلَادِ هَلْ مِن مَّحِيصٍ (۳۶)

و چه بسیار اقوامی را که پیش از آنان هلاک کردیم که از آنان نیرومندتر بودند، و [با نیرویشان] به سرزمین ها رفتند [و آنها را فتح کردند]، آیا توانستند [از عذاب و هلاکت] گریزگاهی بیابند؟ (۳۶)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرَى لِمَن كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ (۳۷)

بی تردید در سرگذشت پیشینیان مایه پند و عبرتی است برای کسی که نیروی تعقّل دارد، یا با تأمل و دقت [به سرگذشت ها] گوش فرا می دهد در حالی که حاضر به شنیدن و فراگیری شنیده های خود باشد. (۳۷)

وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَمَا مَسَّنَا مِن لُّغُوبٍ (۳۸)

همانا ما آسمان ها و زمین و آنچه را میان آنهاست در شش روز آفریدیم، و هیچ رنج و درماندگی به ما نرسید. (۳۸)

فَاصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ (۳۹)

پس [بر آزار مشرکان] شکیبا باش، و پیش از طلوع خورشید و پیش از غروب آن پروردگارت را همراه با سپاس و ستایش تسبیح گوی، (۳۹)

وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَأَدْبَارَ السُّجُودِ (۴۰)

و در پاره ای از شب و نیز پس از سجده ها خدا را تسبیح گوی، (۴۰)

وَاسْتَمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِن مَّكَانٍ قَرِيبٍ (۴۱)

و گوش فرا ده روزی که ندا دهنده از جایی نزدیک ندا می دهد. (۴۱)

يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ (۴۲)

روزی که [همگان] صیحه و فریاد را به حق و درستی می شنوند [و] آن روز، روز بیرون آمدن [از قبرها] ست. (۴۲)

إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي وَنُمِيتُ وَإِلَيْنَا الْمَصِيرُ (۴۳)

بی تردید ماییم که زنده می کنیم و می میرانیم، و بازگشت به سوی ماست. (۴۳)

يَوْمَ تَشَقَّقُ الْأَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعًا ذَلِكَ حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ (۴۴)

روزی که زمین از [روی اجساد] آنان در حالی که [از قبرها بیرون آمده] شتابان [به سوی ندا کننده خود بروند] بشکافد؛ این گردآوردنشان از گورها [وحاضر کردنشان در قیامت] بر ما آسان است. (۴۴)

نَّحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ وَمَا أَنتَ عَلَيْهِم بِجَبَّارٍ فَذَكِّرْ بِالْقُرْآنِ مَن يَخَافُ وَعِيدِ (۴۵)

ما به آنچه [دشمنان لجوج بر ضد حقایق] می گویند، داناتریم و تو را بر آنان تسلطی نیست [که به قبول حقایق وادارشان کنی]؛ پس به وسیله قرآن کسانی را که از تهدید من می ترسند، بیم ده. (۴۵)

سوره الذاريات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالذَّارِيَاتِ ذَرْوًا (۱)

سوگند به بادهای افشان کننده [که ابرهای باران زا و گرده های نرینه و مادینه گیاهان را می افشانند.] (۱)

فَالْحَامِلَاتِ وِقْرًا (۲)

سوگند به ابرهایی که بار سنگین باران را با خود [به نواحی مختلف] حمل می کنند. (۲)

فَالْجَارِيَاتِ يُسْرًا (۳)

و سوگند به کشتی هایی که به آسانی روی آب دریاها روانند. (۳)

فَالْمُقَسِّمَاتِ أَمْرًا (۴)

و سوگند به فرشتگانی که [به امر خدا] کارها را [برای تدبیر امور هستی میان خود] تقسیم می کنند، (۴)

إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَصَادِقٌ (۵)

که بی تردید آنچه را [از اوضاع و احوال روز جزا] به شما وعده می دهند، راست ویقینی است. (۵)

وَإِنَّ الدِّينَ لَوَاقِعٌ (۶)

وقطعاً [روز] جزا واقع خواهد شد. (۶)

ص: ۵۲۰

وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْحُبُكِ (۷)

و سوگند به آسمان که داری اعتدال و زیبایی و آراستگی است؛ (۷)

إِنَّكُمْ لَفِي قَوْلٍ مُخْتَلِفٍ (۸)

که شما [در رابطه با قرآن و حقایقی که قرآن با دلیل و برهان اثبات می کند] در گفتاری متناقض و گوناگون هستید. (۸)

يُؤْفَكُ عَنْهُ مَنْ أُفِكَ (۹)

از قرآن [به باطل] منحرف می شود کسی که [از خیر و سعادت] منحرف شده است. (۹)

قُتِلَ الْخَرَّاصُونَ (۱۰)

مرگ بر دروغ پردازان [که بدون دلیل و به ناحق درباره قرآن و حقایقش سخن پراکنی می کنند.] (۱۰)

الَّذِينَ هُمْ فِي غَمْرَةٍ سَاهُونَ (۱۱)

همانان که در جهالتی عمیق و فراگیر در بی خبری و غفلتی سنگین فرو رفته اند! (۱۱)

يَسْأَلُونَ أَيَّانَ يَوْمُ الدِّينِ (۱۲)

[همواره] می پرسند: روز جزا چه زمانی خواهد بود؟ (۱۲)

يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ (۱۳)

همان روزی است که آنان را در آتش می سوزانند. (۱۳)

ذُوقُوا فِتْنَتَكُمْ هَذَا الَّذِي كُنتُم بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ (۱۴)

[و به آنان گویند:] عذابتان را بچشید، این همان عذابی است که [از روی ریشخند] شتاب در آمدنش را می خواستید. (۱۴)

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ (۱۵)

بی تردید پرهیزکاران در بهشت ها و چشمه سارهایند. (۱۵)

آخِذِينَ مَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُحْسِنِينَ (۱۶)

آنچه را پروردگارشان به آنان عطا کرده دریافت می کنند؛ زیرا که آنان پیش از این همواره نیکوکار بودند. (۱۶)

كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ (۱۷)

آنان اندکی از شب را می خوابیدند [و بیشتر آن را به عبادت و بندگی می گذراندند.] (۱۷)

وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ (۱۸)

و سحرگاهان از خدا درخواست آمرزش می کردند. (۱۸)

وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ (۱۹)

و در اموالشان حقّی برای سائل تهیدست و محروم از معیشت بود. (۱۹)

وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِّلْمُوقِنِينَ (۲۰)

در زمین برای اهل یقین نشانه هایی [بر توحید، ربوبیت و قدرت خدا] ست. (۲۰)

وَفِي أَنفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ (۲۱)

و [نیز] در وجود شما [نشانه هایی است] آیا نمی بینید؟ (۲۱)

وَفِی السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ (۲۲)

و رزق شما و آنچه به آن وعده داده می شوید، در آسمان است (۲۲)

فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِّثْلَ مَا أَنَّكُمْ تَنطِقُونَ (۲۳)

پس سوگند به پروردگار آسمان و زمین که آنچه را که وعده داده می شوید، حقّ و یقینی است، همان گونه که شما [وقت سخن گفتن یقین دارید] سخن می گویید. (۲۳)

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ الْمُكْرَمِينَ (۲۴)

آیا خبر مهمانان ارجمند و بزرگوار ابراهیم به تو رسیده است؟ (۲۴)

إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ قَوْمٌ مُّنكَرُونَ (۲۵)

زمانی که بر او وارد شدند، پس سلام گفتند. گفت: سلام، [شما] مردمی ناشناسید! (۲۵)

فَرَاغَ إِلَى أَهْلِهِ فَجَاءَ بِعِجْلٍ سَمِينٍ (۲۶)

پس به سوی خانواده اش بازگشت و گوساله ای فربه [و بریان شده] آورد. (۲۶)

فَقَرَّبَهُ إِلَيْهِمْ قَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ (۲۷)

پس آن را نزدیکشان برد [ولی دید نمی خورند]؛ گفت: مگر نمی خورید؟ (۲۷)

فَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا لَا تَخَفْ وَبَشَّرُوهُ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ (۲۸)

و [در دلش] از آنان احساس ترسی کرد. گفتند: مترس. و او را به پسری دانا مژده دادند. (۲۸)

فَأَقْبَلَتِ امْرَأَتُهُ فِی صَرَّةٍ فَصَكَّتْ وَجْهَهَا وَقَالَتْ عَجُوزٌ عَقِيمٌ (۲۹)

در این میان همسرش [که مژده را شنیده بود] با فریادی [از روی تعجب] در حالی که به چهره اش زد سر رسید و گفت: پیرزنی نازا [و فرزند؟!] (۲۹)

قَالُوا كَذَلِكِ قَالَ رَبُّكِ إِنَّهُ هُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ (۳۰)

گفتند: پروردگارت چنین گفته است؛ یقیناً او حکیم و داناست. (۳۰)

جزء ۲۷

ادامه سوره الذاریات

قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ (۳۱)

[ابراهیم] گفت: ای فرستادگان! دنبال چه کار مهمی هستید؟ (۳۱)

قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَى قَوْمٍ مُّجْرِمِينَ (۳۲)

گفتند: ما را به سوی مردمی گنهکار فرستاده اند؛ (۳۲)

لِنُرْسِلَ عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِّن طِينٍ (۳۳)

تا [بارانی] از گِل سنگ بر آنان بفرستیم؛ (۳۳)

مُّسَوَّمَةً عِندَ رَبِّكَ لِلْمُسْرِفِينَ (۳۴)

[سنگی که] نزد پروردگارت برای تجاوزکاران نشانه گذاری شده است؛ (۳۴)

فَأَخْرَجْنَا مَن كَانَ فِيهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (۳۵)

پس هرکه را از مؤمنان در آن شهر بود [پیش از آمدن عذاب] بیرون بردیم؛ (۳۵)

فَمَا وَجَدْنَا فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِّنَ الْمُسْلِمِينَ (۳۶)

در آنجا جز یک خانه از مسلمانان [که اهلش مطیع خدا بودند، نیافتیم.] (۳۶)

وَتَرَكْنَا فِيهَا آيَةً لِّلَّذِينَ يَخَافُونَ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ (۳۷)

در آنجا [پس از زیر و رو شدن شهر و هلاکت مردم] نشانه و عبرتی [از قدرت، غضب خود و محکومیت مجرمان] برای کسانی که از عذاب دردناک می ترسند به جا گذاشتیم. (۳۷)

وَفِي مُوسَى إِذْ أَرْسَلْنَاهُ إِلَى فِرْعَوْنَ بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ (۳۸)

و [نیز] در [سرگذشت] موسی، چون او را با دلیلی روشن به سوی فرعون فرستادیم [عبرتی است.] (۳۸)

فَتَوَلَّى بِرُكْنِهِ وَقَالَ سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ (۳۹)

پس فرعون با سپاهیانش روی [از حق] گرداندند و گفت: [این مرد] یا جادوگر است یا دیوانه! (۳۹)

فَأَخَذْنَاهُ وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِی الْیَمِّ وَهُوَ مُلِیمٌ (۴۰)

در نتیجه او و سپاهیانش را گرفتیم و به دریا افکندیم، در حالی که [به سبب لجبازی و دشمنی] مستحقّ سرزنش بود. (۴۰)

وَفِی عَادٍ إِذْ أَرْسَلْنَا عَلَیْهِمُ الرِّیحَ الْعَقِیمَ (۴۱)

و [نیز] در [سرگذشت قوم] عاد هنگامی که بر آنان باد هلاک کننده ای فرستادیم [عبرتی است.] (۴۱)

مَا تَذَرُ مِن شَیْءٍ أَتَتْ عَلَیْهِ إِلَّا جَعَلَتْهُ کَالرَّمِیمِ (۴۲)

[آن باد] هیچ چیزی را که بر آن می وزید، رها نمی کرد مگر آنکه آن را به صورت استخوان پوسیده ای می ساخت. (۴۲)

وَفِی ثَمُودَ إِذْ قِیلَ لَهُمْ تَمَتَّعُوا حَتَّى حِینٍ (۴۳)

و [نیز] در قوم ثمود [عبرتی است] هنگامی که [پس از پی کردن ناقه] به آنان گفته شد: زمانی کوتاه [که بیش از سه روز نیست، از زندگی] برخوردار باشید [که عذاب خواهد رسید.] (۴۳)

فَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ فَأَخَذَتْهُمُ الصَّاعِقَةُ وَهُمْ یَنظُرُونَ (۴۴)

ولی [آنان در آن سه روز هم که مهلت داشتند باز] از فرمان پروردگارشان سرپیچی کردند، پس صاعقه مرگبار آنان را فراگرفت در حالی که آنان با ترس و حیرت به آن می نگریستند. (۴۴)

فَمَا اسْتَطَاعُوا مِن قِیَامٍ وَمَا کَانُوا مُنتَصِرِینَ (۴۵)

پس [با آمدن عذاب و به سبب اینکه هیچ مهلتی نیافتند] نه قدرت برخاستن از جای خود را داشتند و نه دادخواهی کردند. (۴۵)

وَقَوْمَ نُوحٍ مِّن قَبْلُ إِنَّهُمْ کَانُوا قَوْمًا فَاسِقِینَ (۴۶)

و قوم نوح را پیش از این [هلاک کردیم]؛ زیرا آنان همواره مردمی نافرمان بودند. (۴۶)

وَالسَّمَاءَ بَنَیْنَاهَا بِأَیْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ (۴۷)

و آسمان را به قدرت ونیرو بنا کردیم و ما [همواره] وسعت دهنده ایم. (۴۷)

وَالْأَرْضَ فَرَشْنَاهَا فَنِعْمَ الْمَاهِدُونَ (۴۸)

و زمین را گستردیم و چه نیکو گستراننده ای هستیم. (۴۸)

وَمِن كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (۴۹)

واز هر چیزی جفت آفریدیم باشد که متذکّر [این حقایق که نشانه هایی بر قدرت، حکمت و ربوبیت خداست] شوید. (۴۹)

فَفِرُّوا إِلَى اللَّهِ إِنِّي لَكُم مِّنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ (۵۰)

پس به سوی خدا بگریزید [که] بی تردید من از سوی او بیم دهنده ای روشنگرم. (۵۰)

وَلَا تَجْعَلُوا مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ إِنِّي لَكُم مِّنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ (۵۱)

و با خدا معبودی دیگر قرار ندهید، یقیناً من از سوی او بیم دهنده ای آشکارم. (۵۱)

ص: ۵۲۲

كَذَلِكَ مَا أَتَى الَّذِينَ مِن قَبْلِهِم مِّن رَّسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ (۵۲)

همچنین هیچ پیامبری بر کسانی که پیش از اینان بودند نیامد مگر اینکه گفتند: جادوگر یا دیوانه است! (۵۲)

أَتَوَاصَوْا بِهِ بَلْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ (۵۳)

آیا [این اقوام] یکدیگر را به این گونه داوری [ناحق درباره پیامبرشان] سفارش کرده بودند؟! [نه] بلکه همه آنان گروهی یاغی و سرکش بودند [و این یاوه گویی ها، محصول سرکشی و یاغی گری آنان بود.] (۵۳)

فَتَوَلَّ عَنْهُمْ فَمَا أَنتَ بِمَلُومٍ (۵۴)

بنابراین از این سبک مغزان باطل گو، روی برگردان [که تو اتمام حجت کردی] و شایسته سرزنش نیستی؛ (۵۴)

وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَى تَنفَعُ الْمُؤْمِنِينَ (۵۵)

و پند ده؛ زیرا پند به مؤمنان سود می دهد؛ (۵۵)

وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ (۵۶)

و جن و انس را جز برای اینکه مرا بپرستند نیافریدیم؛ (۵۶)

مَا أُرِيدُ مِنْهُم مِّن رِّزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَن يُطْعِمُونِ (۵۷)

از آنان هیچ رزقی نمی خواهم، و نمی خواهم که مرا طعام دهند. (۵۷)

إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ (۵۸)

بی تردید خدا خود روزی دهنده و صاحب قدرت استوار است. (۵۸)

فَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذَنُوبًا مِّثْلَ ذَنُوبِ أَصْحَابِهِمْ فَلَا يَسْتَعْجِلُونِ (۵۹)

پس برای کسانی [از قوم تو] که ستم ورزیدند، سهمی از عذاب است مانند سهم هم مسلکانشان [از امت های پیشین]، بنابراین شتاب در آمدن آن را نخواهند. (۵۹)

فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ كَفَرُوا مِن يَوْمِهِمُ الَّذِي يُوعَدُونَ (۶۰)

پس وای بر کسانی که کافر شدند از آن روزشان که به آن وعده داده می شوند. (۶۰)

سوره الطور

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالطُّورِ (۱)

سوگند به [کوهِ] طور، (۱)

وَكِتَابٍ مَّسْطُورٍ (۲)

و به کتابی که نوشته شده، (۲)

فِي رَقٍّ مَّنشُورٍ (۳)

در صفحه ای باز و گسترده، (۳)

وَالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ (۴)

و به آن خانه آباد، (۴)

وَالسَّقْفِ الْمَرْفُوعِ (۵)

و به آن سقف برافراشته، (۵)

وَالْبَحْرِ الْمَسْجُورِ (۶)

و به آن دریای مملو و برافروخته، (۶)

إِنَّ عَذَابَ رَبِّکَ لَوَاقِعٌ (۷)

که بی تردید عذاب پروردگارت واقع شدنی است؛ (۷)

مَّا لَهُ مِن دَافِعٍ (۸)

و آن را هیچ مانع و بازدارنده ای نیست. (۸)

یَوْمَ تَمُورُ السَّمَاءُ مَوْرًا (۹)

[و آن در] روزی [است] که آسمان به حرکت و لرزه ای سخت در آید؛ (۹)

وَتَسِیرُ الْجِبَالُ سَیْرًا (۱۰)

و کوه ها [چون گرد و غبار] سریع و تند، روان شوند. (۱۰)

فَوَیْلٌ یَوْمَئِذٍ لِّلْمُکَذِّبِینَ (۱۱)

پس در آن روز وای بر تکذیب کنندگان! (۱۱)

الَّذِینَ هُمْ فِی خَوْضٍ یَلْعَبُونَ (۱۲)

همانان که با فرو رفتن [در گفتار و کردار باطل با حقایق] بازی می کنند. (۱۲)

یَوْمَ یُدَعُّونَ إِلَی نَارِ جَهَنَّمَ دَعًّا (۱۳)

روزی که آنان را با خشونت و زور به سوی آتش می رانند. (۱۳)

هَذِهِ النَّارُ الَّتِی کُنتُم بِهَا تُکَذِّبُونَ (۱۴)

[و به آنان می گویند:] این همان آتشی است که همواره آن را تکذیب می کردید. (۱۴)

ص: ۵۲۳

أَفَسِحْرٌ هَذَا أَمْ أَنتُمْ لَا تُبْصِرُونَ (۱۵)

آیا این آتش هم جادوست [چنانکه در دنیا وحی را جادو می پنداشتید] یا شما [این واقعیت آشکار را] نمی بینید [چنانکه در

دنیا حقایق را نمی دیدید؟] (۱۵)

اصْلَوْهَا فَاصْبِرُوا أَوْ لَا تَصْبِرُوا سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ إِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۱۶)

در آن در آیید [و بسوزید]؛ پس صبر کنید یا نکنید برای شما یکسان است. فقط اعمالی را که همواره انجام می دادید، جزا داده می شوید. (۱۶)

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ (۱۷)

بی تردید پرهیزکاران در بهشت ها و نعمتی فراوان اند. (۱۷)

فَاكِهِينَ بِمَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ وَوَقَاهُمْ رَبُّهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ (۱۸)

به آنچه پروردگارشان به آنان عطا کرده و [برای آنکه] پروردگارشان آنان را از عذاب دوزخ مصون داشته، شادمان و مسرورند. (۱۸)

كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۱۹)

[به آنان گویند:] به پاداش اعمالی که همواره انجام می دادید [از این نعمت ها] بخورید و بیاشامید، گوارایتان باد. (۱۹)

مُتَّكِئِينَ عَلَى سُرُرٍ مَّصْفُوفَةٍ وَزَوَّجْنَاهُم بِحُورٍ عِينٍ (۲۰)

[این] در حالی [است] که بر تخت هایی ردیف و به هم پیوسته تکیه می زنند و حورالعین را به همسری آنان در می آوریم. (۲۰)

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُم بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلَتْنَاهُم مِّنْ عَمَلِهِم مِّن شَيْءٍ كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ (۲۱)

و کسانی که ایمان آوردند و فرزندانشان [به نوعی] در ایمان از آنان پیروی کردند، فرزندانشان را [در بهشت] به آنان ملحق می کنیم و هیچ چیز از اعمالشان را نمی کاهیم؛ هر انسانی در گرو اعمال خویش است. (۲۱)

وَأَمْدَدْنَاهُم بِفَاكِهَةٍ وَلَحْمٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ (۲۲)

و [همواره] به آنان انواع میوه ها و گوشتهایی که دلخواه آنان است، می رسانیم. (۲۲)

يَتَنَازَعُونَ فِيهَا كَأْسًا لَّا لَغْوٌ فِيهَا وَلَا تَأْثِيمٌ (۲۳)

آنان در بهشت، جام های [پر از شراب طهور را] که نه در آن [پس از نوشیدنش، زمینه] بیهوده گویی و نه [خوردنش] گناه است، از دست یکدیگر می گیرند. (۲۳)

وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ غِلْمَانٌ لَّهُمْ كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَّكْنُونٌ (۲۴)

و [همواره برای پذیرایی از آنان] نوجوانانی پیرامونشان می گردند که گویا مرواریدی نهفته در صدف هستند. (۲۴)

وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ (۲۵)

و به یکدیگر روی می کنند [و از احوالات گذشته] از هم می پرسند. (۲۵)

قَالُوا إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِي أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ (۲۶)

می گویند: ما پیش تر [در دنیا] در میان کسان خود [از عذاب امروز] ترسان بودیم؛ (۲۶)

فَمَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا وَوَقَانَا عَذَابَ السَّمُومِ (۲۷)

ولی خدا بر ما منت نهاد و ما را از عذاب مرگبار حفظ کرد. (۲۷)

إِنَّا كُنَّا مِن قَبْلُ نَدْعُوهُ إِنَّهُ هُوَ الْبَرُّ الرَّحِيمُ (۲۸)

از پیش او را [برای نجات از عذاب] می خواندیم؛ زیرا که او نیکوکار و مهربان است. (۲۸)

فَذَكِّرْ فَمَا أَنتَ بِنِعْمَتِ رَبِّكَ بِكَاهِنٍ وَلَا مَجْنُونٍ (۲۹)

پس [مشرکان را] هشدار ده که تو به لطف و رحمت پروردگارت نه کاهنی نه دیوانه؛ (۲۹)

أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ نَّتَرَبَّصُ بِهِ رَيْبَ الْمَنُونِ (۳۰)

بلکه این سبک مغزانند که می گویند: او شاعری است که برای او حوادث تلخ روزگار و آمدن مرگش را انتظار می بردیم! (۳۰)

قُلْ تَرَبَّصُوا فَإِنِّي مَعَكُم مِّنَ الْمُتَرَبِّصِينَ (۳۱)

بگو: [هلاکت خود را] انتظار برید که من هم با شما از منتظرانم. (۳۱)

ص: ۵۲۴

أَمْ تَأْمُرُهُمْ أَحْلَامُهُم بِهَذَا أَمْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ (۳۲)

آیا عقل هایشان آنان را به این گفتارهای باطل و یاوه [بر ضد تو و قرآن] وا می دارد، یا [نه] آنان مردمی طغیان گر و سرکش اند؟ (۳۲)

أَمْ يَقُولُونَ تَقَوَّلَهُ بَل لَّا يُؤْمِنُونَ (۳۳)

یا می گویند: قرآن را از پیش خود ساخته [و به خدا نسبت داده است؟ چنین نیست که می پندارند]، بلکه [قرآن وحی الهی است، ولی اینان] ایمان نمی آورند. (۳۳)

فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِّثْلِهِ إِن كَانُوا صَادِقِينَ (۳۴)

پس اگر [در ادعای خود] راستگویید، سخنی مانند آن بیاورید. (۳۴)

أَمْ خُلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمُ الْخَالِقُونَ (۳۵)

آیا آنان از غیر [آن] چیزی [که دیگران را از آن آفریده اند،] آفریده شده اند. (۳۵)

أَمْ خَلَقُوا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بَل لَّا يُوقِنُونَ (۳۶)

یاآنان آسمان ها و زمین را آفریده اند؟ نه، بلکه یقین ندارند. (۳۶)

أَمْ عِندَهُمْ خَزَائِنُ رَبِّكَ أَمْ هُمُ الْمُصَيْطِرُونَ (۳۷)

آیا خزانه های [علم و قدرت] پروردگارت نزد آنان است [که هر کس را اینان به پیامبری برگزینند، پیامبر است و چون تو را پیامبر نمی دانند، پس پیامبر نیستی؟] یا بر تدبیر امور هستی و بر خدا مسلط اند [که اگر بخواهند این مقام را از تو سلب کنند، بتوانند؟] (۳۷)

أَمْ لَهُمْ سُلَّمٌ يَسْتَمِعُونَ فِيهِ فَلْيَأْتِ مُسْتَمِعُهُم بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ (۳۸)

یا برای آنان نردبانی است که [بر آن برشوند و] در آن خبرهای غیبی را بشنوند؟ پس باید شنونده اش دلیلی آشکار [بر ادعایش] بیاورد؟ (۳۸)

أَمْ لَهُ الْبَنَاتُ وَلَكُمُ الْبَنُونَ (۳۹)

یا سهم خدا دختران است و سهم شما پسران؟ (۳۹)

أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُم مِّن مَّغْرَمٍ مُّثْقَلُونَ (۴۰)

یا از آنان [در برابرابلاغ رسالت] پاداشی می خواهی که از خسارت آن سنگین بارند؟ (۴۰)

أَمْ عِندَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُبُونَ (۴۱)

یا علم غیب نزد آنان است که آنان [ادعای خود را از روی آن] می نویسند؟ (۴۱)

أَمْ يُرِيدُونَ كَيْدًا فَالَّذِينَ كَفَرُوا هُمُ الْمَكِيدُونَ (۴۲)

یا می خواهند [بر ضد تو] نیرنگ و فریبی به کار گیرند؟ ولی کافران [بدانند که] خود اسیر و محکوم نیرنگ شده اند. .... (۴۲)

أَمْ لَهُمْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ (۴۳)

آیا آنان را معبودی جز خداست؟ خدا از آنچه شریک او قرار می دهند، منزّه است. .... (۴۳)

وَإِن يَرَوْا كِسْفًا مِّنَ السَّمَاءِ سَاقِطًا يَقُولُوا سَحَابٌ مَّرْكُومٌ (۴۴)

و اگر پاره سنگی در حال سقوط از آسمان ببینند [فکر نمی کنند عذاب است، بلکه چنان بر انکار حق اصرار دارند که] می گویند: ابری متراکم است! (۴۴)

فَذَرْهُمْ حَتَّى يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي فِيهِ يُصْعَقُونَ (۴۵)

[اکنون که با هیچ دلیلی هدایت نمی شوند] پس آنان را واگذار تا آن روزشان را که در آن هلاک می شوند، ببینند. (۴۵)

يَوْمَ لَا يُغْنِي عَنْهُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ (۴۶)

روزی که نیرنگشان چیزی از عذاب را از آنان دفع نمی کند و یاری هم نخواهند شد. (۴۶)

وَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا عَذَابًا دُونَ ذَلِكَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۴۷)

برای ستمکاران جز این عذاب آخرتی عذابی دیگر [در دنیا] خواهد بود [و آن درهم کوبیده شدنشان در جنگ بدر است]، ولی بیشترشان معرفت و آگاهی [به وضع خود در آینده] ندارند. (۴۷)

وَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ (۴۸)

و در برابر حکم پروردگارت شکیبایی کن که تو زیر نظر و مراقبت ما هستی، و هنگامی که [از خواب] برمی خیزی پروردگارت را همراه با سپاس و ستایش تسبیح گوی. (۴۸)

وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَإِدْبَارَ النُّجُومِ (۴۹)

و [نیز] پاره ای از شب و هنگام ناپدید شدن ستارگان [به سبب روشنایی صبح] خدا را تسبیح گوی. (۴۹)

سوره النجم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَى (١)

سوگند به ستاره هنگامی که [برای غروب کردن در کرانه افق] افتد؛ (١)

مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَى (٢)

که هرگز دوست شما از راه راست منحرف نشده، و [در ایمان و اعتقادش از راه راست] خطا نرفته؛ .... (٢)

وَمَا يَنطِقُ عَنِ الْهَوَى (٣)

و از روی هوا و هوس سخن نمی گوید. (٣)

إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى (۴)

گفتار او چیزی جز وحی که به او نازل می شود، نیست. (۴)

عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَى (۵)

[فرشته] بسیار نیرومند به او تعلیم داده است. (۵)

ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَى (۶)

[همان که] دارای درایت و توانمندی شگفتی است، پس [به آنچه که مأمور انجامش می باشد] مسلط و چیره است. (۶)

وَهُوَ بِالْأُفُقِ الْأَعْلَى (٧)

در حالی که در افق اعلا بود. (٧)

ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى (٨)

سپس نزدیک رفت و نزدیک تر شد (٨)

فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى (٩)

پس [فاصله اش با پیامبر] به اندازه فاصله دو کمان گشت یا نزدیک تر شد. (٩)

فَأَوْحَى إِلَى عَبْدِهِ مَا أَوْحَى (١٠)

آن گاه به بنده اش آنچه را باید وحی می کرد، وحی کرد. (١٠)

مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَى (١١)

آنچه را دل [پیامبر] دید [به پیامبر] دروغ نگفت [تا او را درباره حقیقت فرشته وحی به وهم و خیال اندازد، بلکه به حضور و شهودش یقین کامل داشت.] (١١)

أَفَتُمَارُونَهُ عَلَى مَا يَرَى (١٢)

آیا در آنچه [به حقیقت] می بینید با او به سختی مجادله و ستیزه می کنید؟ (١٢)

وَلَقَدْ رَآهُ نَزْلَةً أُخْرَى (١٣)

و بی تردید یک بار دیگر هم او را دیده است (١٣)

عِندَ سِدْرَةِ الْمُنتَهَى (١٤)

نزد سدره المنتهی، (١۴)

عِندَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَى (١٥)

در آنجا که جنت الماوی است. (١۵)

إِذْ يَغْشَى السِّدْرَةَ مَا يَغْشَى (١٦)

آن گاه که سدره را احاطه کرده بود آنچه [از فرشتگان، نور و زیبایی] احاطه کرده بود. (١۶)

مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَى (١٧)

دیده [پیامبر آنچه را دید] بر غیر حقیقت و به خطا ندید و از مرز دیدن حقیقت هم درنگذشت. (١٧)

لَقَدْ رَأَى مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَى (١٨)

به راستی که بخشی از نشانه های بسیار بزرگ پروردگارش را دید. (١٨)

أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّى (١٩)

پس به من از لات و عزّی [دو بت خویش] خبر دهید (۱۹)

وَمَنَاةَ الثَّالِثَةَ الْأُخْرَى (۲۰)

و منات، سومین [بت] دیگرتان [که شما آنها را تمثال فرشتگانی به عنوان دختران خدا می پندارید،] (۲۰)

أَلَكُمُ الذَّكَرُ وَلَهُ الْأُنثَى (۲۱)

آیا [به پندار شما] ویژه شما پسر و ویژه او دختر است؟! (۲۱)

تِلْكَ إِذًا قِسْمَةٌ ضِيزَى (۲۲)

در این صورت این تقسیمی ظالمانه است. (۲۲)

إِنْ هِيَ إِلَّا أَسْمَاءٌ سَمَّيْتُمُوهَا أَنتُمْ وَآبَاؤُكُم مَّا أَنزَلَ اللَّهُ بِهَا مِن سُلْطَانٍ إِن يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَمَا تَهْوَى الْأَنفُسُ وَلَقَدْ جَاءَهُم مِّن رَّبِّهِمُ الْهُدَى (۲۳)

این بتان [که شما آنها را به عنوان شریک خدا گرفته اید] چیزی جز نام ها [ی بی معنا و بی مفهوم] که شما و پدرانتان [بر اساس حدس و گمان] نامگذاری کرده اید نیستند، خدا بر [حقّانیّت] آنها هیچ دلیلی نازل نکرده است. اینان فقط از پندار و گمان [بی پایه] و هواهای نفسانی پیروی می کنند، در حالی که مسلماً از سوی پروردگارشان برای آنان هدایت آمده است. (۲۳)

أَمْ لِلْإِنسَانِ مَا تَمَنَّى (۲۴)

مگر برای انسان آنچه را [چون حاجت بخشی بتان و شفاعت آنان] آرزو می کند، فراهم است؟ .... (۲۴)

فَلِلَّهِ الْآخِرَةُ وَالْأُولَى (۲۵)

آخرت و دنیا فقط در سیطره مالکیت و فرمانروایی خداست. (۲۵)

وَكَم مِّن مَّلَكٍ فِي السَّمَاوَاتِ لَا تُغْنِي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا إِلَّا مِن بَعْدِ أَن يَأْذَنَ اللَّهُ لِمَن يَشَاءُ وَيَرْضَى (۲۶)

و چه بسیار فرشتگانی که در آسمان ها هستند که شفاعتشان هیچ سودی نمی بخشد مگر پس از آنکه خدا برای هر که بخواهد و بپسندد، اجازه دهد. (۲۶)

ص: ۵۲۶

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ لَيُسَمُّونَ الْمَلَائِكَةَ تَسْمِيَةَ الْأُنثَى (۲۷)

مسلماً کسانی که به آخرت ایمان ندارند، فرشتگان را در نامگذاری به نام زن نامگذاری می کنند؛ (۲۷)

وَمَا لَهُم بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِن يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا (۲۸)

و آنان را به این کار هیچ آگاهی و معرفت نیست. [آنان] فقط از گمان پیروی می کنند، و بی تردید گمان [انسان را] برای دریافت حق، هیچ سودی نمی دهد. (۲۸)

فَأَعْرِضْ عَن مَّن تَوَلَّى عَن ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا (۲۹)

بنابراین از کسانی که از یاد ما روی گردانده اند و جز زندگی دنیا را نخواسته اند، روی بگردان. (۲۹)

ذَلِكَ مَبْلَغُهُم مِّنَ الْعِلْمِ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَن ضَلَّ عَن سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اهْتَدَى (۳۰)

این [دنیا خواهی] آخرین مرز دانش و معرفت آنان است؛ یقیناً پروردگارت به کسی که از راه او منحرف شده، داناتر است، و او به کسی که هدایت یافته، آگاه تر است. (۳۰)

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى (۳۱)

و آنچه را در آسمان ها و آنچه را در زمین است، فقط در سیطره مالکیّت و فرمانروایی خداست، تا کسانی را که مرتکب گناه شده اند، همان گناهانشان را به آنان کیفر دهد، و کسانی را که کار نیک کرده اند، همان کار نیکشان را به آنان پاداش دهد. (۳۱)

الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ إِلَّا اللَّمَمَ إِنَّ رَبَّكَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ هُوَ أَعْلَمُ بِكُمْ إِذْ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَإِذْ أَنتُمْ أَجِنَّةٌ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ فَلَا تُزَكُّوا أَنفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقَى (۳۲)

کسانی که از گناهان بزرگ و زشت کاری ها جز لغزش های کوچک دوری می کنند [مورد آمرزش اند] یقیناً آمرزش پروردگارت گسترده و وسیع است. او به شما از هنگامی که شما را از زمین به وجود آورد و از هنگامی که در شکم مادرانتان جنین بودید، داناتر است؛ پس خودستایی نکنید. او به کسی که پرهیزکاری پیشه کرده است، آگاه تر است. (۳۲)

أَفَرَأَيْتَ الَّذِي تَوَلَّى (۳۳)

آیا کسی را که [از حق] روی گردانید، دیدی؟ (۳۳)

وَأَعْطَى قَلِيلًا وَأَكْدَى (۳۴)

و اندکی [از مال خود] بخشید و [از باقی مانده آن] امساک ورزید. (۳۴)

أَعِندَهُ عِلْمُ الْغَيْبِ فَهُوَ يَرَى (۳۵)

آیا علم غیب نزد اوست و او می بیند [که بارگناهانش رادر قیامت دیگری برمی دارد؟] (۳۵)

أَمْ لَمْ يُنَبَّأْ بِمَا فِي صُحُفِ مُوسَى (۳۶)

یا او را به آنچه در صحیفه های موسی است خبر نداده اند؟ (۳۶)

وَإِبْرَاهِيمَ الَّذِي وَفَّى (۳۷)

و [یا به آنچه در صحیفه های] ابراهیم [است] همان که به طور کامل [به پیمانش با خدا] وفا کرد [آگاهش نکرده اند؟] (۳۷)

أَلَّا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى (۳۸)

که هیچ سنگین باری بار گناه دیگری را بر نمی دارد، (۳۸)

وَأَن لَّيْسَ لِلْإِنسَانِ إِلَّا مَا سَعَى (۳۹)

و اینکه برای انسان جز آنچه تلاش کرده [هیچ نصیب و بهره ای] نیست، (۳۹)

وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَى (۴۰)

و اینکه تلاش او به زودی دیده خواهد شد؛ (۴۰)

ثُمَّ يُجْزَاهُ الْجَزَاءَ الْأَوْفَى (۴۱)

سپس به تلاشش پاداش کامل خواهند داد؛ (۴۱)

وَأَنَّ إِلَى رَبِّكَ الْمُنتَهَى (۴۲)

و اینکه پایان [همه امور] به سوی پروردگارتوست؛ (۴۲)

وَأَنَّهُ هُوَ أَضْحَكَ وَأَبْكَى (۴۳)

و این اوست که می خنداند و می گریاند؛ (۴۳)

وَأَنَّهُ هُوَ أَمَاتَ وَأَحْيَا (۴۴)

و هم اوست که می میراند و زنده می کند. (۴۴)

وَأَنَّهُ خَلَقَ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى (۴۵)

واوست که دو زوج نر وماده آفرید، (۴۵)

مِن نُّطْفَةٍ إِذَا تُمْنَى (۴۶)

از نطفه هنگامی که در رحم ریخته شود. (۴۶)

وَأَنَّ عَلَيْهِ النَّشْأَةَ الْأُخْرَى (۴۷)

و پدید آوردن جهان دیگر بر عهده اوست، (۴۷)

وَأَنَّهُ هُوَ أَغْنَى وَأَقْنَى (۴۸)

و اوست که شما را توانگر کرد و سرمایه قابل ذخیره بخشید، (۴۸)

وَأَنَّهُ هُوَ رَبُّ الشِّعْرَى (۴۹)

و او پروردگار [ستاره] شِعری است، (۴۹)

وَأَنَّهُ أَهْلَكَ عَادًا الْأُولَى (۵۰)

و اوست که قوم عاد نخستین را هلاک کرد، (۵۰)

وَثَمُودَ فَمَا أَبْقَى (۵۱)

و [نیز] قوم ثمود را به طوری که [کسی از آنان را] باقی نگذاشت (۵۱)

وَقَوْمَ نُوحٍ مِّن قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا هُمْ أَظْلَمَ وَأَطْغَى (۵۲)

وقوم نوح را پیش تر [هلاک کرد]؛ زیرا آنان ستمکارتر و سرکش تر بودند (۵۲)

وَالْمُؤْتَفِكَةَ أَهْوَى (۵۳)

و شهرها [ی قوم لوط] را زیر و رو کرد و به زمین کوبید. (۵۳)

فَغَشَّاهَا مَا غَشَّى (۵۴)

پس [عذاب خدا] آنان را احاطه کرد آن مقدار که احاطه کرد. (۵۴)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكَ تَتَمَارَى (۵۵)

پس [ای انسان!] در کدام یک از نعمت های پروردگارت تردید می کنی [که آیا از سوی خدا هست یا نیست؟!] (۵۵)

هَذَا نَذِيرٌ مِّنَ النُّذُرِ الْأُولَى (۵۶)

این پیامبر [نیز] بیم دهنده ای از [زمره] بیم دهندگان پیشین است. (۵۶)

أَزِفَتِ الْآزِفَةُ (۵۷)

قیامت نزدیک شد. (۵۷)

لَيْسَ لَهَا مِن دُونِ اللَّهِ كَاشِفَةٌ (۵۸)

کسی جز خدا برطرف کننده [سختی ها و هول و هراسش] نیست. (۵۸)

أَفَمِنْ هَذَا الْحَدِيثِ تَعْجَبُونَ (۵۹)

آیا از این سخن تعجب می کنید؟ (۵۹)

وَتَضْحَكُونَ وَلَا تَبْكُونَ (۶۰)

و [با چنین وضعی که دارید هنوز] می خندید و نمی گریید؟! (۶۰)

وَأَنتُمْ سَامِدُونَ (۶۱)

و همواره سرکشی می کنید و غافلانه به خوشی و خوشگذرانی مشغول هستید؟! (۶۱)

فَاسْجُدُوا لِلَّهِ وَاعْبُدُوا (۶۲)

پس [با این وصف که قیامتی سنگین در پی دارید، بیایید] خدا را سجده کنید و بپرستید. (۶۲)

سوره القمر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانشَقَّ الْقَمَرُ (۱)

قیامت بسیار نزدیک شد، و ماه از هم شکافت. (۱)

وَإِن يَرَوْا آيَةً يُعْرِضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ (۲)

و اگر معجزه ای را ببینند، روی بگردانند و گویند: [این] جادویی همیشگی است! (۲)

وَكَذَّبُوا وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ وَكُلُّ أَمْرٍ مُّسْتَقِرٌّ (۳)

و [قرآن، رسالت پیامبر و معجزه را] انکار کردند و هواهای نفسانی خود را پیروی نمودند، در حالی که هر کاری [چه خیر و چه شر، چه حق و چه باطل در قرارگاه ویژه خود] قرار می گیرد [و اینان به زودی خواهند دانست که قرآن و پیامبر بر حق است یا معبودانشان؟] (۳)

وَلَقَدْ جَاءَهُم مِّنَ الْأَنبَاءِ مَا فِيهِ مُزْدَجَرٌ (۴)

بی تردید آنچه از خبرها [ی گذشتگان] که [در آن] مایه بازداشتن [از کفر و شرک و گناهان] است برای آنان آمده است. (۴)

حِكْمَةٌ بَالِغَةٌ فَمَا تُغْنِ النُّذُرُ (۵)

[این خبرها] پندی رساست، ولی هشدارها [به این ستمکاران لجوج] سودی نمی بخشد. (۵)

فَتَوَلَّ عَنْهُمْ يَوْمَ يَدْعُ الدَّاعِ إِلَى شَيْءٍ نُّكُرٍ (۶)

بنابراین از آنان روی بگردان [و] روزی را [یاد کن] که آن دعوت کننده [یعنی اسرافیل] آنان را به امری بس دشوار و هولناک دعوت می کند. (۶)

خُشَّعًا أَبْصَارُهُمْ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ كَأَنَّهُمْ جَرَادٌ مُّنتَشِرٌ (۷)

در حالی که دیدگانشان [از شدت ترس] فرو افتاده، هم چون ملخ های پراکنده از گورها بیرون آیند. (۷)

مُّهْطِعِينَ إِلَى الدَّاعِ يَقُولُ الْكَافِرُونَ هَذَا يَوْمٌ عَسِرٌ (۸)

شتابان به سوی آن دعوت کننده می روند و کافران می گویند: امروز روز بسیار سختی است. (۸)

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ فَكَذَّبُوا عَبْدَنَا وَقَالُوا مَجْنُونٌ وَازْدُجِرَ (۹)

پیش از آنان قوم نوح [پیامبران] را تکذیب کردند، پس بنده ما [نوح] را هم تکذیب کردند و گفتند: دیوانه است، و جن زده ای است [که آثاری از گزند جن در او می باشد.] (۹)

فَدَعَا رَبَّهُ أَنِّي مَغْلُوبٌ فَانتَصِرْ (۱۰)

پس پروردگارش را خواند که من مغلوب شده ام [و از ستم و زورگویی آنان دلتنگم] بنابراین انتقام [مرا از اینان] بگیر. (۱۰)

فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُّنْهَمِرٍ (۱۱)

پس [در پاسخ درخواستش] درهای آسمان را به آبی بسیار فراوان و ریزان گشودیم، (۱۱)

وَفَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَى أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ (۱۲)

و زمین را به [جوشیدن] چشمه هایی [پر آب] شکافتیم؛ پس آبِ آسمان و زمین برای کاری که مقدّر شده بود به هم پیوستند، (۱۲)

وَحَمَلْنَاهُ عَلَى ذَاتِ أَلْوَاحٍ وَدُسُرٍ (۱۳)

و او را بر کشتی که دارای تخته ها و میخ ها بود سوار کردیم، (۱۳)

تَجْرِي بِأَعْيُنِنَا جَزَاءً لِّمَن كَانَ كُفِرَ (۱۴)

که زیر نظر ما روان بود. [و این] پاداشی بود برای کسی که مورد تکذیب قرار گرفته بود. (۱۴)

وَلَقَد تَّرَكْنَاهَا آيَةً فَهَلْ مِن مُّدَّكِرٍ (۱۵)

و بی تردید آن سرگذشت را [برای آیندگان] مایه پند و عبرت باقی گذاشتیم، پس آیا پند گیرنده ای هست؟ (۱۵)

فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ (۱۶)

پس عذاب و هشدارهایم چگونه بود؟ (۱۶)

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِن مُّدَّكِرٍ (۱۷)

و یقیناً ما قرآن را برای پند گرفتن آسان کردیم، پس آیا پند گیرنده ای هست؟ (۱۷)

كَذَّبَتْ عَادٌ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ (۱۸)

قوم عاد [پیامبرشان را] تکذیب کردند، پس عذاب و هشدارهایم چگونه بود؟ (۱۸)

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي يَوْمِ نَحْسٍ مُّسْتَمِرٍّ (۱۹)

ما بر آنان در روزی شوم که شومی اش استمرار داشت، تندبادی سخت و بسیار سرد [به عنوان عذاب] فرستادیم، (۱۹)

تَنزِعُ النَّاسَ كَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ مُّنقَعِرٍ (۲۰)

که مردم را [از زمین] برمی کند [و بعد از آن عذاب،] گویی تنه های نخلی بودند که ریشه کن شده اند. (۲۰)

فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ (۲۱)

پس عذاب و هشدارهایم چگونه بود؟ (۲۱)

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِن مُّدَّكِرٍ (۲۲)

و یقیناً ما قرآن را برای پند گرفتن آسان کردیم، پس آیا پند گیرنده ای هست؟ (۲۲)

كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِالنُّذُرِ (۲۳)

قوم ثمود بیم دهندگان را تکذیب کردند. (۲۳)

فَقَالُوا أَبَشَرًا مِّنَّا وَاحِدًا نَّتَّبِعُهُ إِنَّا إِذًا لَّفِي ضَلَالٍ وَسُعُرٍ (۲۴)

پس گفتند: آیا ما بشری از جنس خود را که [تک و] تنهاست [و جمعیت و نیرویی با خود ندارد] پیروی کنیم؟! در این صورت در گمراهی و دیوانگی خواهیم بود. (۲۴)

أَأُلْقِيَ الذِّكْرُ عَلَيْهِ مِن بَيْنِنَا بَلْ هُوَ كَذَّابٌ أَشِرٌ (۲۵)

آیا از میان ما فقط بر او وحی نازل شده است؟! [نه، چنین نیست] بلکه او بسیار دروغگو و پر افاده و متکبر است [که می خواهد بر ما بزرگی کند.] (۲۵)

سَيَعْلَمُونَ غَدًا مَّنِ الْكَذَّابُ الْأَشِرُ (۲۶)

در فردای نزدیک خواهند دانست که بسیار دروغگو و پرافاده و متکبر کیست؟ (۲۶)

إِنَّا مُرْسِلُو النَّاقَةِ فِتْنَةً لَّهُمْ فَارْتَقِبْهُمْ وَاصْطَبِرْ (۲۷)

[به صالح گفتیم:] ما برای آزمایش آنان یقیناً آن ماده شتر [درخواست شده] را خواهیم فرستاد؛ پس در انتظار سرانجام آنان باش و شکیبایی پیشه کن. (۲۷)

ص: ۵۲۹

وَنَبِّئْهُمْ أَنَّ الْمَاءَ قِسْمَةٌ بَيْنَهُمْ كُلُّ شِرْبٍ مُّحْتَضَرٌ (۲۸)

و آنـان را خبر ده که آب آشامیـدنی میـان آنـان و ماده شتر تقسـیم شـده است؛ هریک در زمان نوبت خود بر سـر آب حاضـر شوند. (۲۸)

فَنَادَوْا صَاحِبَهُمْ فَتَعَاطَى فَعَقَرَ (۲۹)

پس آنان یارشان را [که برای پی کردن ناقه آماده کرده بودنـد] فرا خواندنـد و [او] دست به کار شـد و [ماده شتر را] پی کرد. (۲۹)

فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ (۳۰)

پس عذاب و هشدارهایم چگونه بود؟ (۳۰)

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ صَيْحَةً وَاحِدَةً فَكَانُوا كَهَشِيمِ الْمُحْتَظِرِ (۳۱)

ما بر آنان یک فریاد مرگبار فرستادیم، پس همه آنان به صورت گیاه خشکی که در آغل چهارپایان جمع می کنند، درآمدند. (۳۱)

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِن مُّدَّكِرٍ (۳۲)

و یقیناً ما قرآن را برای پند گرفتن آسان کردیم، پس آیا پند گیرنده ای هست؟ (۳۲)

كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ بِالنُّذُرِ (۳۳)

قوم لوط بیم دهندگان را تکذیب کردند. (۳۳)

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَاصِبًا إِلَّا آلَ لُوطٍ نَّجَّيْنَاهُم بِسَحَرٍ (۳۴)

ما بر آنان توفانی سـخت که با خود ریگ و سـنگ می آورد فرستادیم [در نتیجه همه را هلاک کرد]، مگر خاندان لوط را که سحرگاهان نجاتشان دادیم. (۳۴)

نِّعْمَةً مِّنْ عِندِنَا كَذَلِكَ نَجْزِي مَن شَكَرَ (۳۵)

[این] نعمت و رحمتی از سوی ما بود، این گونه کسی را که سپاس گزار است، پاداش می دهیم. (۳۵)

وَلَقَدْ أَنذَرَهُم بَطْشَتَنَا فَتَمَارَوْا بِالنُّذُرِ (۳۶)

به راستی لوط آنان را به مؤاخذه سخت ما بیم داده بود، ولی [آنان با وی] در بیمها و هشدارها [یش] سرسختانه مجادله و ستیزه کردند. (۳۶)

وَلَقَدْ رَاوَدُوهُ عَن ضَيْفِهِ فَطَمَسْنَا أَعْيُنَهُمْ فَذُوقُوا عَذَابِي وَنُذُرِ (۳۷)

و از میهمانانش [که در حقیقت فرشتگان ما بودند] کام جویی خواستند، در نتیجه دیدگانشان را محو و نابینا کردیم؛ پس [گفتیم: طعمِ] عذاب و هشدارهایم را بچشید. (۳۷)

وَلَقَدْ صَبَّحَهُم بُكْرَةً عَذَابٌ مُّسْتَقِرٌّ (۳۸)

به یقین در سپیده دم عذابی پیگیر و پایدار به آنان رسید. (۳۸)

فَذُوقُوا عَذَابِي وَنُذُرِ (۳۹)

پس [گفتیم: طعمِ] عذاب و هشدارهایم را بچشید. (۳۹)

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِن مُّدَّكِرٍ (۴۰)

و یقیناً ما قرآن را برای پند گرفتن آسان کردیم، پس آیا پند گیرنده ای هست؟ (۴۰)

وَلَقَدْ جَاءَ آلَ فِرْعَوْنَ النُّذُرُ (۴۱)

و همانا برای فرعونیان بیم دهندگان آمدند. (۴۱)

كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كُلِّهَا فَأَخَذْنَاهُمْ أَخْذَ عَزِيزٍ مُّقْتَدِرٍ (۴۲)

[آنان] همه معجزات و آیات ما را تکذیب کردند؛ در نتیجه آنان را [به عذابی سخت] گرفتیم، گرفتن توانایی شکست ناپذیر و نیرومند. (۴۲)

أَكُفَّارُكُمْ خَيْرٌ مِّنْ أُولَئِكُمْ أَمْ لَكُم بَرَاءَةٌ فِي الزُّبُرِ (۴۳)

آیا کافران [شهر] شما از اقوامی که برشمردیم، بهتر و برترند [تا به سبب بهتری و برتری مصون از عذاب باشند؟] یا برای شما در کتاب های آسمانی امان نامه ای هست [که هر جرمی را مرتکب شوید عذابی نخواهید داشت؟!] (۴۳)

أَمْ يَقُولُونَ نَحْنُ جَمِيعٌ مُّنتَصِرٌ (۴۴)

یا [آنکه] می گویند: ما گروهی متحد و پشتیبان یکدیگریم [که هرکس بخواهد آسیبی به ما رساند، با قدرت هرچه تمام تر از او انتقام می گیریم؟] (۴۴)

سَيُهْزَمُ الْجَمْعُ وَيُوَلُّونَ الدُّبُرَ (۴۵)

به زودی [این] گروه [متحد در جنگی که خود بر ضد مؤمنان تدارک می بینند] شکست می خورند و پشت کنان می گریزند. (۴۵)

بَلِ السَّاعَةُ مَوْعِدُهُمْ وَالسَّاعَةُ أَدْهَى وَأَمَرُّ (۴۶)

بلکه وعده گاهشان قیامت است، و قیامت هولناک تر و تلخ تر است. (۴۶)

إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي ضَلَالٍ وَسُعُرٍ (۴۷)

بی تردید گنهکاران در گمراهی و انحراف و در آتش افروخته اند. (۴۷)

يَوْمَ يُسْحَبُونَ فِي النَّارِ عَلَى وُجُوهِهِمْ ذُوقُوا مَسَّ سَقَرَ (۴۸)

روزی که با صورت در آتش کشیده می شوند [و به آنان می گویند:] سوزندگی و عذاب دردناک دوزخ را بچشید. (۴۸)

إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ (۴۹)

ما هر چیزی را به اندازه آفریدیم. (۴۹)

ص: ۵۳۰

وَمَا أَمْرُنَا إِلَّا وَاحِدَةٌ كَلَمْحٍ بِالْبَصَرِ (۵۰)

و فرمان ما جز فرمان واحدی نیست که مانند یک چشم بر هم زدن است. (۵۰)

وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا أَشْيَاعَكُمْ فَهَلْ مِن مُّدَّكِرٍ (۵۱)

بی تردید ما هم مسلکان شما را [که در گذشته به سر می بردند، به خاطر طغیانشان] هلاک کردیم؛ پس آیا پند گیرنده ای هست؟ (۵۱)

وَكُلُّ شَيْءٍ فَعَلُوهُ فِي الزُّبُرِ (۵۲)

و هر عملی را که انجام دادند در نامه های اعمالشان ثبت است. (۵۲)

وَكُلُّ صَغِيرٍ وَكَبِيرٍ مُّسْتَطَرٌ (۵۳)

و هر کوچک و بزرگی [از اعمالشان در آن] نوشته شده است. (۵۳)

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ (۵۴)

یقیناً پرهیزکاران در بهشت ها و [کنار] نهرها هستند؛ (۵۴)

فِی مَقْعَدِ صِدْقٍ عِندَ مَلِیکٍ مُّقْتَدِرٍ (۵۵)

در جایگاهی حق و پسندیده نزد پادشاهی توانا. (۵۵)

سوره الرحمن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ الرَّحْمَنُ (۱)

[خدای] رحمان (۱)

عَلَّمَ الْقُرْآنَ (۲)

قرآن را تعلیم داد. (۲)

خَلَقَ الْإِنسَانَ (۳)

انسان را آفرید؛ (۳)

عَلَّمَهُ الْبَیَانَ (۴)

به او بیان آموخت؛ (۴)

الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ (۵)

خورشید و ماه با حسابی [منظم و دقیق] روانند؛ (۵)

وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ یَسْجُدَانِ (۶)

و گیاه و درخت همواره [برای او] سجده می کنند؛ (۶)

وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِیزَانَ (۷)

و آسمان را برافراشت و [برای سنجش هر امر معنوی و مادی] ترازو نهاد؛ (۷)

أَلَّا تَطْغَوْا فِی الْمِیزَانِ (۸)

تا در [سنجیدن با] ترازو طغیان روا مدارید [و از مرز عدالت و انصاف مگذرید.] (۸)

وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ (٩)

و ترازو را به عدالت برپا دارید و از ترازو مکاهید؛ (٩)

وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ (١٠)

و زمین را برای [زندگی] مردم نهاد؛ (١٠)

فِيهَا فَاكِهَةٌ وَالنَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ (١١)

در آن میوه ها و نخل ها با خوشه های غلاف دار است؛ (١١)

وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ (١٢)

و دانه های با سبوس و کاه و گیاهان خوشبوست، (١٢)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (١٣)

پس [ای انس و جن!] کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ (١٣)

خَلَقَ الْإِنسَانَ مِن صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ (١۴)

انسان را از گلی خشکیده مانند سفال آفرید. (١۴)

وَخَلَقَ الْجَانَّ مِن مَّارِجٍ مِّن نَّارٍ (١۵)

و جن را از آمیزه ای [از شعله های مختلف] آتش به وجود آورد. (١۵)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (١۶)

پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ (١۶)

ص: ۵٣١

رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ (١٧)

پروردگار دو مشرق و پروردگار دو مغرب است. (١٧)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (١٨)

پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ (۱۸)

مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ (۱۹)

دو دریای [شیرین و شور] را روان ساخت در حالی که همواره باهم تلاقی و برخورد دارند؛ (۱۹)

بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَّا يَبْغِيَانِ (۲۰)

[ولی] میان آن دو حایلی است که به هم تجاوز نمی کنند [درنتیجه باهم مخلوط نمی شوند!] (۲۰)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۲۱)

پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ (۲۱)

يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ (۲۲)

از آن دو دریا لؤلؤ و مرجان بیرون می آید. (۲۲)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۲۳)

پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ (۲۳)

وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنشَآتُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ (۲۴)

و او را در دریا کشتی های بادبان برافراشته چون کوه هاست. (۲۴)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۲۵)

پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ (۲۵)

كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ (۲۶)

همه آنان که روی این زمین هستند، فانی می شوند. (۲۶)

وَيَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ (۲۷)

و تنها ذات باشکوه و ارجمند پروردگارت باقی می ماند. (۲۷)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۲۸)

پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ (۲۸)

يَسْأَلُهُ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ (۲۹)

هر که در آسمان ها و زمین است از او درخواست [حاجت] می کند، او هر روز در کاری است. (۲۹)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۳۰)

پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ (۳۰)

سَنَفْرُغُ لَكُمْ أَيُّهَ الثَّقَلَانِ (۳۱)

ای انس و جن! به زودی به [حساب] شما می پردازیم. (۳۱)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۳۲)

پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ (۳۲)

يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَن تَنفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانفُذُوا لَا تَنفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ (۳۳)

ای گروه جن و انس! اگر می توانید از کرانه ها و نواحی آسمان ها و زمین بیرون روید، پس بیرون روید؛ نمی توانید بیرون روید مگر با نوعی توانایی و قدرت. (۳۳)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۳۴)

پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ (۳۴)

يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شُوَاظٌ مِّن نَّارٍ وَنُحَاسٌ فَلَا تَنتَصِرَانِ (۳۵)

بر شما شعله هایی از آتش بی دود و دود آتش آلود فرستاده خواهد شد، در نتیجه نمی توانید یکدیگر را [برای دفع عذاب] یاری دهید! (۳۵)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۳۶)

پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ (۳۶)

فَإِذَا انشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ (۳۷)

و ناگهان آسمان بشکافد و چون چرمی سرخ رنگ و گلگون شود. (۳۷)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۳۸)

پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ (۳۸)

فَيَوْمَئِذٍ لَّا يُسْأَلُ عَن ذَنبِهِ إِنسٌ وَلَا جَانٌّ (۳۹)

پس در آن روز [به علت سرعت فوق العاده حسابرسی و روشن بودن همه امور] هیچ انس و جنّی را از گناهش نپرسند. (۳۹)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۴۰)

پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ (۴۰)

يُعْرَفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ (۴۱)

گناهکاران به نشانه هایشان شناخته می شوند، پس آنان را به موهای پیش سرو به پاهایشان می گیرند [و به آتش می اندازند.] (۴۱)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۴۲)

پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ (۴۲)

هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ (۴۳)

این همان دوزخی است که گنهکاران آن را دروغ می پنداشتند. (۴۳)

يَطُوفُونَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ آنٍ (۴۴)

آنان در میان آتش و آب جوشان رفت و آمد می کنند (۴۴)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۴۵)

پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ (۴۵)

وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّتَانِ (۴۶)

و برای کسی که از مقام پروردگارش [که احاطه و تسلّط او بر ظاهر و باطن هستی است] بترسد دو بهشت است. (۴۶)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۴۷)

پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ (۴۷)

ذَوَاتَا أَفْنَانٍ (۴۸)

[دو بهشتی که] دارای درختان و شاخسارهای باطراوت و انبوه است. (۴۸)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۴۹)

پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ (۴۹)

فِيهِمَا عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ (۵۰)

در آن دو بهشت دو چشمه ای است که همواره جاری است. (۵۰)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۵۱)

پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ (۵۱)

فِيهِمَا مِن كُلِّ فَاكِهَةٍ زَوْجَانِ (۵۲)

در آن دو بهشت از هر میوه ای دو نوع فراهم است. (۵۲)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۵۳)

پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ (۵۳)

مُتَّكِئِينَ عَلَى فُرُشٍ بَطَائِنُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ وَجَنَى الْجَنَّتَيْنِ دَانٍ (۵۴)

[بهشتیان] بر بسترهایی که آستر آنها از حریر درشت بافت است، تکیه می زنند، و میوه های رسیده آن دو بهشت [به آسانی] در دسترس است. (۵۴)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۵۵)

پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ (۵۵)

فِيهِنَّ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ (۵۶)

در آن بهشت ها زنانی هستند که فقط به همسرانشان عشق می ورزند، و پیش از آنان دست هیچ انس و جنی به آنان نرسیده است. (۵۶)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۵۷)

پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ (۵۷)

كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ (۵۸)

گویی آن زنان بهشتی یاقوت و مرجان اند. (۵۸)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۵۹)

پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ (۵۹)

هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ (۶۰)

آیا پاداش نیکی جز نیکی است؟ (۶۰)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۶۱)

پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ (۶۱)

وَمِن دُونِهِمَا جَنَّتَانِ (۶۲)

و جز آن دو بهشت، دو بهشت دیگر [هم] هست. (۶۲)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۶۳)

پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ (۶۳)

مُدْهَامَّتَانِ (۶۴)

آن [دو بهشت دیگر] در نهایت سرسبزی اند. (۶۴)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۶۵)

پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ (۶۵)

فِيهِمَا عَيْنَانِ نَضَّاخَتَانِ (۶۶)

در آن دو بهشت دو چشمه همواره جوشان و در حال فوران است. (۶۶)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۶۷)

پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ (۶۷)

ص: ۵۳۳

فِيهِمَا فَاكِهَةٌ وَنَخْلٌ وَرُمَّانٌ (۶۸)

در آنها میوه های فراوان و درخت خرما و انار است. (۶۸)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۶۹)

پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ (۶۹)

فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حِسَانٌ (۷۰)

در آنها زنانی نیکو سیرت و زیبا صورت اند. (۷۰)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۷۱)

پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ (۷۱)

حُورٌ مَقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ (۷۲)

حوریانی که در سراپرده ها مستورند. (۷۲)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۷۳)

پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ (۷۳)

لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ (۷۴)

پیش از همسران بهشتی شان دست هیچ انس و جنّی به آنان نرسیده است. (۷۴)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۷۵)

پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ (۷۵)

مُتَّكِئِينَ عَلَى رَفْرَفٍ خُضْرٍ وَعَبْقَرِيٍّ حِسَانٍ (۷۶)

بر بالش های سبز و فرش های زیبا تکیه می زنند. (۷۶)

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۷۷)

پس کدامیک از نعمت های پروردگارتان را انکار می کنید؟ (۷۷)

تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ (۷۸)

همیشه سودمند و با برکت است نام پروردگار با شکوه و ارجمندت. (۷۸)

سوره الواقعه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ (۱)

هنگامی که واقعه [بسیار عظیم قیامت] واقع شود، (۱)

لَيْسَ لِوَقْعَتِهَا كَاذِبَةٌ (۲)

که در واقع شدنش دروغی [در کار] نیست، (۲)

خَافِضَةٌ رَّافِعَةٌ (۳)

پست کننده [کافران] و رفعت دهنده [مؤمنان] است. (۳)

إِذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًّا (۴)

هنگامی که زمین به شدت لرزانده شود، (۴)

وَبُسَّتِ الْجِبَالُ بَسًّا (۵)

و کوه ها درهم کوبیده وریز ریز شوند. (۵)

فَكَانَتْ هَبَاءً مُّنبَثًّا (۶)

در نتیجه غباری پراکنده گردد، (۶)

وَكُنتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً (٧)

وشما سه گروه شوید: (٧)

فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ (٨)

سعادتمندان، چه بلند مرتبه اند سعادتمندان! (٨)

وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ (٩)

و شقاوتمندان، چه دون پایه اند شقاوتمندان! (٩)

وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ (١٠)

و پیشی گیرندگان [به اعمال نیک] که پیشی گیرندگان [به رحمت و آمرزش] اند، (١٠)

أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ (١١)

اینان مقربان اند، (١١)

فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ (١٢)

در بهشت های پر نعمت اند. (١٢)

ثُلَّةٌ مِّنَ الْأَوَّلِينَ (١٣)

گروهی بسیار از پیشینیان، (١٣)

وَقَلِيلٌ مِّنَ الْآخِرِينَ (١۴)

و اندکی از پسینیان، (١۴)

عَلَى سُرُرٍ مَّوْضُونَةٍ (١۵)

بر تخت هایی زربافت، (١۵)

مُّتَّكِئِينَ عَلَيْهَا مُتَقَابِلِينَ (١۶)

در حالی که روبروی یکدیگر بر آنها تکیه دارند. (١۶)

يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُّخَلَّدُونَ (۱۷)

نوجوانانی همیشه نو جوان همواره [برای خدمت] پیرامونشان می گردند، (۱۷)

بِأَكْوَابٍ وَأَبَارِيقَ وَكَأْسٍ مِّن مَّعِينٍ (۱۸)

با قدح ها و کوزه ها و جام هایی از باده ناب و پاک، (۱۸)

لَّا يُصَدَّعُونَ عَنْهَا وَلَا يُنزِفُونَ (۱۹)

که از نوشیدنش نه سردرد گیرند، و نه مست و بی خرد شوند، (۱۹)

وَفَاكِهَةٍ مِّمَّا يَتَخَيَّرُونَ (۲۰)

و میوه ها از هر نوعی که اختیار کنند، (۲۰)

وَلَحْمِ طَيْرٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ (۲۱)

و گوشت پرنده از هر گونه ای که بخواهند، (۲۱)

وَحُورٌ عِينٌ (۲۲)

و حوریانی چشم درشت، (۲۲)

كَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ (۲۳)

هم چون مروارید پنهان شده در صدف؛ (۲۳)

جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۲۴)

پاداشی است در برابر اعمالی که همواره انجام می دادند. (۲۴)

لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا تَأْثِيمًا (۲۵)

در آنجا نه سخن بیهوده ای می شنوند، نه کلام گناه آلودی، (۲۵)

إِلَّا قِيلًا سَلَامًا سَلَامًا (۲۶)

مگر سخنی که سلام است و سلام، (۲۶)

وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ (۲۷)

و سعادتمندان چه بلند مرتبه اند سعادتمندان! (۲۷)

فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ (۲۸)

در سایه درخت سدر بی خارند، (۲۸)

وَطَلْحٍ مَّنضُودٍ (۲۹)

و درختان موزی که میوه هایش خوشه خوشه روی هم چیده شده است، (۲۹)

وَظِلٍّ مَّمْدُودٍ (۳۰)

و سایه ای گسترده و پایدار، (۳۰)

وَمَاءٍ مَّسْكُوبٍ (۳۱)

و آبی ریزان، (۳۱)

وَفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ (۳۲)

و میوه ای فراوان، (۳۲)

لَّا مَقْطُوعَةٍ وَلَا مَمْنُوعَةٍ (۳۳)

که پایان نپذیرد و ممنوع نشود، (۳۳)

وَفُرُشٍ مَّرْفُوعَةٍ (۳۴)

و همسرانی بلند مرتبه، (۳۴)

إِنَّا أَنشَأْنَاهُنَّ إِنشَاءً (۳۵)

که ما آنان را با آفرینشی ویژه آفریدیم؛ (۳۵)

فَجَعَلْنَاهُنَّ أَبْكَارًا (۳۶)

پس آنان را همواره دوشیزه قرار داده ایم (۳۶)

عُرُبًا أَتْرَابًا (۳۷)

عشقورز به شوهران، و هم سن و سال با همسران. (۳۷)

لِّأَصْحَابِ الْيَمِينِ (۳۸)

[همه این نعمت ها] برای سعادتمندان [است.] (۳۸)

ثُلَّةٌ مِّنَ الْأَوَّلِينَ (۳۹)

گروهی بسیار از پیشینیان، (۳۹)

وَثُلَّةٌ مِّنَ الْآخِرِينَ (۴۰)

و گروهی بسیار از پسینیان، (۴۰)

وَأَصْحَابُ الشِّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشِّمَالِ (۴۱)

و شقاوتمندان، چه دون پایه اند شقاوتمندان! (۴۱)

فِي سَمُومٍ وَحَمِيمٍ (۴۲)

در میان بادی سوزان و آبی جوشان [قرار دارند،] (۴۲)

وَظِلٍّ مِّن يَحْمُومٍ (۴۳)

و سایه ای از دودهای بسیار غلیظ و سیاه، (۴۳)

لَّا بَارِدٍ وَلَا كَرِيمٍ (۴۴)

نه خنک است و نه آرام بخش، (۴۴)

إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَٰلِكَ مُتْرَفِينَ (۴۵)

اینان پیش از این از نازپروردگان خود کامه و سرکش بودند، (۴۵)

وَكَانُوا يُصِرُّونَ عَلَى الْحِنثِ الْعَظِيمِ (۴۶)

و همواره بر گناهان بزرگ پافشاری داشتند، (۴۶)

وَكَانُوا يَقُولُونَ أَئِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ (۴۷)

و پیوسته می گفتند: آیا هنگامی که مردیم و خاک و استخوان شدیم، آیا به راستی برانگیخته می شویم؟! (۴۷)

أَوَآبَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ (۴۸)

و آیا پدران گذشته ما نیز برانگیخته می شوند؟! (۴۸)

قُلْ إِنَّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ (۴۹)

بگو: بی تردید همه پیشینیان وهمه پسینیان، (۴۹)

لَمَجْمُوعُونَ إِلَى مِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ (۵۰)

برای وعده گاه روزی معین گرد آورده خواهند شد. (۵۰)

ص: ۵۳۵

ثُمَّ إِنَّكُمْ أَيُّهَا الضَّالُّونَ الْمُكَذِّبُونَ (۵۱)

آن گاه شما ای گمراهان انکار کننده! (۵۱)

لَآكِلُونَ مِن شَجَرٍ مِّن زَقُّومٍ (۵۲)

قطعاً از درختی که از زقّوم است [و دارای مایعی جوشان و بسیار بدمزه و بدبوست] خواهید خورد؛ (۵۲)

فَمَالِئُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ (۵۳)

و شکم ها را از آن پر خواهید کرد، (۵۳)

فَشَارِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ (۵۴)

و روی آن از آب جوشان خواهید نوشید، (۵۴)

فَشَارِبُونَ شُرْبَ الْهِيمِ (۵۵)

مانند نوشیدن شترانی که به شدت تشنه اند؛ (۵۵)

هَذَا نُزُلُهُمْ يَوْمَ الدِّينِ (۵۶)

این است پذیرایی از آنان در روز جزا. (۵۶)

نَحْنُ خَلَقْنَاكُمْ فَلَوْلَا تُصَدِّقُونَ (۵۷)

ما شما را آفریدیم، پس چرا [آفرینش دوباره خود را پس از مرگ] باورنمی کنید؟ (۵۷)

أَفَرَأَيْتُم مَّا تُمْنُونَ (۵۸)

آیا از [حالات و دگرگونی های] نطفه ای که در رحم می ریزید آگاه هستید؟ (۵۸)

أَأَنتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ (۵۹)

آیا شما آن را [تا انسانی معتدل و آراسته شود] می آفرینید یا ما آفریننده ایم؟ (۵۹)

نَحْنُ قَدَّرْنَا بَيْنَكُمُ الْمَوْتَ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ (۶۰)

ماییم که مرگ را میان شما مقدّر کردیم، و هیچ چیز ما را [در جاری کردن مرگ بر شما] مغلوب نمی کند. (۶۰)

عَلَى أَن نُّبَدِّلَ أَمْثَالَكُمْ وَنُنشِئَكُمْ فِي مَا لَا تَعْلَمُونَ (۶۱)

[آری، مرگ را مقدّر کردیم] تا امثال شما را جایگزین شما کنیم و شما را به صورتی که نمی دانید آفرینشی تازه و جدید بخشیم، (۶۱)

وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ النَّشْأَةَ الْأُولَى فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ (۶۲)

و به راستی پیدایش نخستین را [که جهان فعلی است] شناختید، پس چرا متذکّر [پدید شدن جهان دیگر] نمی شوید؟! (۶۲)

أَفَرَأَيْتُم مَّا تَحْرُثُونَ (۶۳)

مرا خبر دهید آنچه را می کارید، (۶۳)

أَأَنتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ (۶۴)

آیا شما آن را می رویانید، یا ما می رویانیم؟ (۶۴)

لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ حُطَامًا فَظَلْتُمْ تَفَكَّهُونَ (۶۵)

به یقین اگر بخواهیم، آن را ریز ریز کرده و خاشاک می کنیم که متأسف و شگفت زده می شوید، (۶۵)

إِنَّا لَمُغْرَمُونَ (۶۶)

[و می گویید:] مسلماً ما خسارت زده ایم، (۶۶)

بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ (۶۷)

بلکه ناکام و محرومیم (۶۷)

أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ (۶۸)

به من خبر دهید آبی که می نوشید، (۶۸)

أَأَنتُمْ أَنزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ الْمُنزِلُونَ (۶۹)

آیا شما آن را از ابر باران زا فرود آورده اید یا ما فرود آورنده ایم؟ (۶۹)

لَوْ نَشَاءُ جَعَلْنَاهُ أُجَاجًا فَلَوْلَا تَشْكُرُونَ (۷۰)

اگر بخواهیم آن را تلخ می گردانیم، پس چرا سپاس گزاری نمی کنید؟ (۷۰)

أَفَرَأَيْتُمُ النَّارَ الَّتِي تُورُونَ (۷۱)

به من خبر دهید آتشی که می افروزید، (۷۱)

أَأَنتُمْ أَنشَأْتُمْ شَجَرَتَهَا أَمْ نَحْنُ الْمُنشِئُونَ (۷۲)

آیا شما درختش را به وجود آورده اید یا ما به وجود آوردنده ایم؟ (۷۲)

نَحْنُ جَعَلْنَاهَا تَذْكِرَةً وَمَتَاعًا لِّلْمُقْوِينَ (۷۳)

ما آن را وسیله تذکر و مایه استفاده برای صحرانشینان و بیابانگردان قرار داده ایم. (۷۳)

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ (۷۴)

پس به نام پروردگار بزرگت تسبیح گوی. (۷۴)

فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ (۷۵)

پس به جایگاه ستارگان سوگند می خورم، (۷۵)

وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لَّوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ (۷۶)

و اگر بدانید بی تردید این سوگندی بس بزرگ است. (۷۶)

ص: ۵۳۶

إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ (۷۷)

که یقیناً این قرآن، قرآنی است ارجمند و باارزش؛ (۷۷)

فِي كِتَابٍ مَّكْنُونٍ (۷۸)

[که] در کتابی مصون از هر گونه تحریف و دگرگونی [به نام لوح محفوظ جای دارد.] (۷۸)

لَّا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ (۷۹)

جز پاک شدگان [از هر نوع آلودگی] به [حقایق و اسرار و لطایف] آن دسترسی ندارند. (۷۹)

تَنزِيلٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ (۸۰)

نازل شده از سوی پروردگار جهانیان است. (۸۰)

أَفَبِهَٰذَا الْحَدِيثِ أَنتُم مُّدْهِنُونَ (۸۱)

آیا شما نسبت به این گفتار سهل انگاری می کنید [و آن را قابل اعتنا نمی دانید؟!] (۸۱)

وَتَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ أَنَّكُمْ تُكَذِّبُونَ (۸۲)

و فقط نصیب خود را این قرار می دهید که آن را انکار کنید؟! (۸۲)

فَلَوْلَا إِذَا بَلَغَتِ الْحُلْقُومَ (۸۳)

پس چرا هنگامی که روح به گلوگاه می رسد، (۸۳)

وَأَنتُمْ حِينَئِذٍ تَنظُرُونَ (۸۴)

و شما در آن وقت نظاره گر هستید [و هیچ کاری از شما ساخته نیست!] (۸۴)

وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنكُمْ وَلَكِن لَّا تُبْصِرُونَ (۸۵)

و ما به او از شما نزدیک تریم، ولی نمی بینید. (۸۵)

فَلَوْلَا إِن كُنتُمْ غَيْرَ مَدِينِينَ (۸۶)

[آری] پس چرا اگر شما پاداش داده نمی شوید [و به گمان خود قیامتی در کار نیست و شما را قدرتی بزرگ و فراتر است؟] (۸۶)

تَرْجِعُونَهَا إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (۸۷)

آن [روح به گلوگاه رسیده] را [به بدن محتضر] برنمی گردانید، اگر [در ادعای خود] راستگویید؟ (۸۷)

فَأَمَّا إِن كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ (۸۸)

پس اگر [جان به گلو رسیده] از مقربان باشد، (۸۸)

فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ وَجَنَّتُ نَعِيمٍ (۸۹)

[در] راحت و آسایش و بهشت پرنعمت [خواهد بود.] (۸۹)

وَأَمَّا إِن كَانَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ (۹۰)

و اگر از سعادتمندان باشد، (۹۰)

فَسَلَامٌ لَّکَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ (۹۱)

[به او گفته می شود:] از سوی سعادتمندان بر تو سلام باد. (۹۱)

وَأَمَّا إِن كَانَ مِنَ الْمُكَذِّبِينَ الضَّالِّينَ (۹۲)

و اما اگر از انکار کنندگان [حقایق و] گمراه باشد، (۹۲)

فَنُزُلٌ مِّنْ حَمِيمٍ (۹۳)

پذیرایی از او با آب جوشان است، (۹۳)

وَتَصْلِيَةُ جَحِيمٍ (۹۴)

و وارد شدن به دوزخ است. (۹۴)

إِنَّ هَذَا لَهُوَ حَقُّ الْيَقِينِ (۹۵)

[آنچه درباره این سه طایفه بیان شد،] بی تردید این است همان حقّ یقینی. (۹۵)

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّکَ الْعَظِيمِ (۹۶)

پس به نام پروردگار بزرگت تسبیح گوی. (۹۶)

سوره الحدید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۱)

آنچه در آسمان ها و زمین است، خدا را [به پاک بودن از هر عیب و نقصی] می ستایند، و او توانای شکست ناپذیر و حکیم است. (۱)

لَهُ مُلْکُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يُحْيِی وَيُمِيتُ وَهُوَ عَلَى کُلِّ شَیْءٍ قَدِيرٌ (۲)

مالکیّت و فرمانروایی آسمان ها و زمین فقط در سیطره اوست، زنده می کند و می میراند، و او بر هر کاری تواناست. (۲)

هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِکُلِّ شَیْءٍ عَلِيمٌ (۳)

اوست اول و آخر و ظاهر و باطن، و او به همه چیز داناست. (۳)

ص: ۵۳۷

هُوَ الَّذِی خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِی سِتَّهِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِی الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ مَعَکُمْ أَيْنَ مَا کُنتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۴)

اوست که آسمان ها و زمین را در شش روز آفرید، سپس بر تخت فرمانروایی و تدبیر امور آفرینش چیره و مسلط شد. آنچه در زمین فرو می رود و آنچه از آن بیرون می آید و آنچه از آسمان نازل می شود، و آنچه در آن بالا می رود می داند. و او با شماست هرجا که باشید، و خدا به آنچه انجام می دهید، بیناست. (۴)

لَّهُ مُلْکُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ (۵)

مالکیّت و فرمانروایی آسمان ها و زمین فقط در سیطره اوست، و همه امور به خدا باز گردانده می شود. (۵)

يُولِجُ اللَّيْلَ فِی النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِی اللَّيْلِ وَهُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۶)

شب را در روز در می آورد و روز را در شب در می آورد، و او به نیّات و اسرار سینه ها داناست. (۶)

آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَنفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُم مُّسْتَخْلَفِينَ فِيهِ فَالَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَأَنفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ (۷)

به خدا و پیامبرش ایمان آورید، و از اموالی که خدا شما را در آن جانشین خود قرار داده، انفاق کنید؛ پس برای کسانی از شما که ایمان آورده و انفاق کرده اند، پاداش بزرگی خواهد بود. (۷)

وَمَا لَكُمْ لَا تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ لِتُؤْمِنُوا بِرَبِّكُمْ وَقَدْ أَخَذَ مِيثَاقَكُمْ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ (۸)

و شما را چه شده که به خدا ایمان نمی آورید؟ در حالی که پیامبر، شما را دعوت می کند تا به پروردگارتان ایمان آورید، و بی تردید خدا [از طریق عقل و فطرت بر ایمان آوردنتان] پیمان گرفته است، اگر باور دارید. (۸)

هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ عَلَى عَبْدِهِ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لِّيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَإِنَّ اللَّهَ بِكُمْ لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ (۹)

اوست که بر بنده اش آیات روشنی نازل می کند تا شما را از تاریکی ها به سوی نور بیرون آورد. و یقیناً خدا نسبت به شما رؤوف و مهربان است. (۹)

وَمَا لَكُمْ أَلَّا تُنفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا يَسْتَوِي مِنكُم مَّنْ أَنفَقَ مِن قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتَلَ أُولَئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِّنَ الَّذِينَ أَنفَقُوا مِن بَعْدُ وَقَاتَلُوا وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (۱۰)

و شما را چه شده که در راه خدا انفاق نمی کنید؟ در حالی که میراث آسمان ها و زمین مخصوص خداست [و کسی مالک حقیقی چیزی نیست]. کسانی از شما که پیش از فتح [مکه] انفاق کردند و جهاد نمودند [با دیگران] یکسان نیستند، آنان از جهت درجه از کسانی که پس از فتح [مکه] انفاق کردند و جهاد نمودند، بلندپایه ترند. و خدا به هریک وعده نیکو داده است و خدا به آنچه انجام می دهید، آگاه است. (۱۰)

مَّن ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ (۱۱)

کیست که به خدا وامی نیکو دهد تا خدا آن را برای او دو چندان کند و او را پاداشی نیکو و باارزش باشد؟ (۱۱)

ص: ۵۳۸

يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُم بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِم بُشْرَاكُمُ الْيَوْمَ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۱۲)

[این پاداش نیکو و باارزش در] روزی [است] که مردان و زنان باایمان را می بینی که نورشان پیش رو و از جانب راستشان شتابان حرکت می کند، [به آنان می گویند:] امروز شما را مژده باد به بهشت هایی که از زیرِ [درختانِ] آن نهرها جاری است، در آنها جاودانه اید، این است آن کامیابی بزرگ. (۱۲)

يَوْمَ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ لِلَّذِينَ آمَنُوا انظُرُونَا نَقْتَبِسْ مِن نُّورِكُمْ قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا فَضُرِبَ بَيْنَهُم بِسُورٍ لَّهُ بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهُ مِن قِبَلِهِ الْعَذَابُ (۱۳)

روزی که مردان و زنان منافق به کسانی که ایمان آورده اند، می گویند: ما را مهلت دهید تا [پرتویی] از نور شما بر گیریم. به آنان گویند: به پشت سرتان [دنیا] برگردید و [از آنجا برای خود] نوری بجویید. سپس میان آنان دیواری زده می شود که دارای دری است، درونش [که مؤمنان در آن درآیند] رحمت است و بیرونش که پیش روی منافقان قرار دارد عذاب است. (۱۳)

يُنَادُونَهُمْ أَلَمْ نَكُن مَّعَكُمْ قَالُوا بَلَى وَلَكِنَّكُمْ فَتَنتُمْ أَنفُسَكُمْ وَتَرَبَّصْتُمْ وَارْتَبْتُمْ وَغَرَّتْكُمُ الْأَمَانِيُّ حَتَّى جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ وَغَرَّكُم بِاللَّهِ الْغَرُورُ (۱۴)

مؤمنان را ندا می دهند: آیا ما [در دنیا] با شما نبودیم؟ می گویند: چرا، ولی شما خود را [به سبب نفاق و دشمنی با خدا و رسول] در بلا و هلاکت افکندید و به انتظار [خاموش شدن چراغ اسلام و نابودی پیامبر] نشستید و [نسبت به حقایق] در تردید بودید و آرزوها [ی دور و دراز و بی پایه،] شما را فریفت، تا فرمان خدا [به نابودی شما] در رسید و [شیطان] فریبنده، شما را فریب داد. (۱۴)

فَالْيَوْمَ لَا يُؤْخَذُ مِنكُمْ فِدْيَةٌ وَلَا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مَأْوَاكُمُ النَّارُ هِيَ مَوْلَاكُمْ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (۱۵)

پس امروز از شما و از کافران فدیه و عوضی [در برابر نجات از عذاب] دریافت نخواهد شد، جایگاهتان آتش است، [و] همان سرپرست و یار شماست و بد بازگشت گاهی است. (۱۵)

أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَن تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ فَاسِقُونَ (۱۶)

آیا برای اهل ایمان وقت آن نرسیده که دل هایشان برای یاد خدا و قرآنی که نازل شده نرم و فروتن شود؟ و مانند کسانی نباشند که پیش از این کتاب آسمانی به آنان داده شده بود، آن گاه روزگار [سرگرمی در امور دنیا و مشغول بودن به آرزوهای دور و دراز] بر آنان طولانی گشت، در نتیجه دل هایشان سخت و غیر قابل انعطاف شد، و بسیاری از آنان نافرمان بودند. (۱۶)

اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (۱۷)

بدانید که خدا زمین را پس از مردگی اش زنده می کند. همانا ما نشانه ها [ی ربوبیت و قدرت خود] را برای شما بیان کردیم تا بیندیشید. (۱۷)

إِنَّ الْمُصَّدِّقِينَ وَالْمُصَّدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعَفُ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ (۱۸)

بی تردید مردان و زنان انفاق کننده و آنان که به خدا وام نیکو داده اند، [وامشان در پیشگاه خدا] برای آنان دو چندان شود، و برای آنان پاداش باارزشی است. (۱۸)

ص: ۵۳۹

وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِکَ هُمُ الصِّدِّيقُونَ وَالشُّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِکَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ (۱۹)

و کسانی که به خدا و پیامبرش ایمان آوردند، آنانند که صدّیقان و گواهان [اعمال] نزد پروردگارشان هستند، [و] برای آنان است پاداش [اعمال] شان و نور [ایمان] شان و کسانی که کفر ورزیدند و آیات ما را انکار کردند، آنان اهل دوزخ اند. (۱۹)

اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ (۲۰)

بدانید که زندگی دنیا [یی که دارنده اش از ایمان و عمل تهی است،] فقط بازی و سرگرمی و آرایش و فخرفروشیتان به یکدیگر، و افزون خواهی در اموال و اولاد است، [چنین دنیایی] مانند بارانی است که محصول [سبز و خوش منظره اش] کشاورزان را به شگفتی آورد، سپس پژمرده شود و آن را زرد بینی، سپس ریز ریز و خاشاک شود!! [که برای دنیاپرستان بی ایمان] در آخرت عذاب سختی است و [برای مؤمنان که دنیای خود را در راه اطاعت حق و خدمت به خلق به کار گرفتند] از سوی خدا آمرزش و خشنودی است، و زندگی دنیا جز کالای فریبنده نیست. (۲۰)

سَابِقُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ ذَلِکَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (۲۱)

سبقت جویید به آمرزشی از سوی پروردگارتان و بهشتی که پهنایش چون پهنای آسمان و زمین است، برای کسانی که به خدا و پیامبرانش ایمان آورده اند، آماده شده است؛ این فضل خداست که آن را به هرکس بخواهد عطا می کند و خدا دارای فضل بزرگ است. (۲۱)

مَا أَصَابَ مِن مُّصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِّن قَبْلِ أَن نَّبْرَأَهَا إِنَّ ذَلِکَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ (۲۲)

هیچ گزند و آسیبی در زمین [چون زلزله، سیل، توفان و قحطی] و در وجود خودتان [چون بیماری، رنج، تعب و از دست رفتن مال و ثروت،] روی نمی دهد مگر پیش از آنکه آن را به وجود آوردیم در کتابی [چون لوح محفوظ] ثبت است، بی تردید این [تقدیر حوادث و فرمان قطعی به پدید آمدنش] بر خدا آسان است. (۲۲)

لِّكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ (۲۳)

تا [با یقین به اینکه هر گزند و آسیبی و هر عطا و منعی فقط به اراده خداست و شما را در آن اختیاری نیست] بر آنچه از دست

شما رفت، تأسف نخورید، و بر آنچه به شما عطا کرده است، شادمان و دلخوش نشوید، و خدا هیچ گردنکش خودستا را [که به نعمت ها مغرور شده است] دوست ندارد. (۲۳)

الَّذِينَ يَبْخَلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَمَن يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (۲۴)

همانان که همواره بخل می ورزند و مردم را به بخل وامی دارند، و هرکه [از انفاق] روی بگرداند [زیانی به خدا نمی رساند]؛ زیرا خدا بی نیاز و ستوده است. (۲۴)

ص: ۵۴۰

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ (۲۵)

همانا ما پیامبران خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنان کتاب و ترازو [ی تشخیص حق از باطل] نازل کردیم تا مردم به عدالت بر خیزند، و آهن را که در آن برای مردم قوت و نیرویی سخت و سودهایی است، فرود آوردیم و تا خدا مشخص بدارد چه کسانی او و پیامبرانش را در غیاب پیامبران یاری می دهند؛ یقیناً خدا نیرومند و توانای شکست ناپذیر است. (۲۵)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ فَمِنْهُم مُّهْتَدٍ وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ فَاسِقُونَ (۲۶)

به یقین ما نوح و ابراهیم را فرستادیم و در میان فرزندان آن دو نفر، نبوّت و کتاب قرار دادیم، پس برخی از آنان هدایت یافتند و بسیاری از آنان نافرمان بودند. (۲۶)

ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَى آثَارِهِم بِرُسُلِنَا وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَآتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا فَآتَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ فَاسِقُونَ (۲۷)

سپس به دنبال آنان پیامبران خود را پی در پی آوردیم و پس از آنان عیسی پسر مریم را [به رسالت] فرستادیم و به او انجیل عطا کردیم و در قلب کسانی که از او پیروی می کردند رأفت و رحمت قرار دادیم، و رهبانیتی که از نزد خود ساخته بودند ما بر آنان مقرّر نکرده بودیم، ولی [خود آنان آن را] برای طلب خشنودی خدا [بر خود واجب کرده بودند]، اما آنگونه که باید حدود خودساخته را رعایت نکردند؛ پس پاداش کسانی از آنان را که ایمان آورده اند، عطا کردیم و بسیاری از آنان نافرمانند. (۲۷)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِن رَّحْمَتِهِ وَيَجْعَل لَّكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۲۸)

ای مؤمنان! از خدا پروا کنید و به پیامبرش ایمان آورید تا دو سهم از رحمتش را به شما عطا کند، و برای شما نوری قرار دهد که به وسیله آن [در میان مردم] راه سپارید و شما را بیامرزد، و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (۲۸)

لِّئَلَّا يَعْلَمَ أَهْلُ الْكِتَابِ أَلَّا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِّن فَضْلِ اللَّهِ وَأَنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (۲۹)

تا اهل کتاب بدانند [که اگر به پیامبر اسلام ایمان نیاورند] بر چیزی از فضل خدا دسترسی نخواهند داشت؛ بی تردید همه فضل به دست خداست، آن را به هر کس بخواهد عطا می کند و خدا دارای فضل بزرگ است. (۲۹)

ص: ۵۴۱

جزء ۲۸

سوره المجادله

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِي تُجَادِلُكَ فِي زَوْجِهَا وَتَشْتَكِي إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ يَسْمَعُ تَحَاوُرَكُمَا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ (۱)

به راستی خدا گفتار [زنی] را که درباره همسرش با تو گفتگو داشت و به خدا شکایت می کرد، شنید و خدا گفتگوی شما را می شنود؛ زیرا خدا شنوا و بیناست. (۱)

الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنكُم مِّن نِّسَائِهِم مَّا هُنَّ أُمَّهَاتِهِمْ إِنْ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ مُنكَرًا مِّنَ الْقَوْلِ وَزُورًا وَإِنَّ اللَّهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٌ (۲)

کسانی از شما که با زنان خود «ظهار» می کنند [یعنی بر پایه فرهنگ جاهلی می گویند: تو نسبت به من به منزله مادرم هستی، پس آمیزش با تو بر من حرام ابدی است] زنانشان مادرانشان نیستند، مادرانشان فقط زنانی هستند که آنان را زاده اند، و آنان بی تردید سخنی ناپسند و دروغ می گویند و مسلماً خدا بسیار باگذشت و بسیار آمرزنده است. (۲)

وَالَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِن نِّسَائِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مِّن قَبْلِ أَن يَتَمَاسَّا ذَلِكُمْ تُوعَظُونَ بِهِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (۳)

و کسانی که با زنانشان ظهار می کنند، سپس از آنچه گفته اند برمی گردند، باید پیش از آمیزش با هم برده ای [در راه خدا] آزاد کنند. این [حکمی] است که به آن اندرز داده می شوید، و خدا بر آنچه انجام می دهید، آگاه است. (۳)

فَمَن لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِن قَبْلِ أَن يَتَمَاسَّا فَمَن لَّمْ يَسْتَطِعْ فَإِطْعَامُ سِتِّينَ مِسْكِينًا ذَلِكَ لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۴)

کسی که توانایی [آزاد کردن برده را] ندارد، باید پیش از آنکه با هم آمیزش کنند، دو ماه پی در پی روزه بگیرد، و هر که نتواند باید شصت مسکین را طعام دهد؛ این حکم برای این است که به خدا و پیامبرش ایمان آورید [و از فرهنگ جاهلی دوری گزینید]؛ و اینها حدود خداست. و برای کافران عذابی دردناک است. (۴)

إِنَّ الَّذِينَ يُحَادُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ كُبِتُوا كَمَا كُبِتَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَقَدْ أَنزَلْنَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُّهِينٌ (۵)

بی تردید کسانی که با خدا و پیامبرش دشمنی و مخالفت می ورزند، خوار و سرنگون می شوند، چنان که کسانی که پیش از آنان بودند، خوار و سرنگون شدند، و همانا ما آیات روشنی نازل کردیم، و برای کافران عذابی خوارکننده است. (۵)

يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا أَحْصَاهُ اللَّهُ وَنَسُوهُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ (۶)

در روزی که خدا همه آنان را برمی انگیزد، آن گاه به اعمالی که انجام داده اند، آگاهشان می کند، اعمالی که خدا حساب همه آنها را برشمرده است در حالی که [آنان] آن را فراموش کرده اند، و خدا بر هر چیز گواه است. (۶)

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَا يَكُونُ مِن نَّجْوَى ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَا أَدْنَى مِن ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ مَا كَانُوا ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۷)

آیا ندانسته ای که خدا آنچه را در آسمان ها و آنچه را در زمین است، می داند؟ هیچ گفتگوی محرمانه ای میان سه نفر نیست مگر اینکه او چهارمی آنان است، و نه میان پنج نفر مگر اینکه او ششمی آنان است، و نه کمتر از آن و نه بیشتر مگر اینکه هر کجا باشند او با آنان است، سپس روز قیامت آنان را به اعمالی که انجام داده اند آگاه می کند؛ زیرا خدا به همه چیز داناست. (۷)

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نُهُوا عَنِ النَّجْوَى ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَيَتَنَاجَوْنَ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَتِ الرَّسُولِ وَإِذَا جَاءُوكَ حَيَّوْكَ بِمَا لَمْ يُحَيِّكَ بِهِ اللَّهُ وَيَقُولُونَ فِي أَنفُسِهِمْ لَوْلَا يُعَذِّبُنَا اللَّهُ بِمَا نَقُولُ حَسْبُهُمْ جَهَنَّمُ يَصْلَوْنَهَا فَبِئْسَ الْمَصِيرُ (۸)

آیا کسانی را که از گفتگوی محرمانه منع شده بودند، ندیدی؟ که باز به کاری که از آن منع شده بودند باز می گردند، و با یکدیگر از روی گناه و دشمنی و سرپیچی از پیامبر، محرمانه گفتگو می کنند، و هنگامی که نزد تو آیند به صورتی تو را درود می گویند که خدا به تو درود نگفته است، و در دل خود می گویند: چرا خدا ما را به سبب آنچه می گوییم عذاب نمی کند؟! دوزخ برای آنان کافی است، در آن وارد می شوند، و بد بازگشت گاهی است. (۸)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَنَاجَيْتُمْ فَلَا تَتَنَاجَوْا بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَتِ الرَّسُولِ وَتَنَاجَوْا بِالْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (۹)

ای اهل ایمان! هنگامی که محرمانه با یکدیگر گفتگو می کنید از روی گناه و دشمنی و سرپیچی از پیامبر با هم گفتگوی محرمانه نکنید، و بر پایه [تشویق یکدیگر به] نیکی و تقوا گفتگوی محرمانه کنید، و از خدایی که به سوی او محشور می شوید، پروا کنید. (۹)

إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيْسَ بِضَارِّهِمْ شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (۱۰)

جز این نیست که گفتگوی محرمانه [بی منطق و رازگویی بی دلیل] از [ناحیه] شیطان است تا مؤمنان را اندوهگین کند، ولی

نمی تواند هیچ گزندی به آنان برساند مگر به فرمان خدا. و مؤمنان فقط باید بر خدا توکل کنند [که توکل کننده به خدا از گزند شیطان مصون است.] (۱۰)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ وَإِذَا قِيلَ انشُزُوا فَانشُزُوا يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (۱۱)

ای مؤمنان! هنگامی که گویند: در مجالس [برای نشستن دیگر برادرانتان] جا باز کنید، پس جا باز کنید، تا خدا برای شما [در بهشت] جا باز کند. و چون گویند: برخیزید، بی درنگ برخیزید تا خدا مؤمنان از شما را به درجه ای و دانشمندانتان را به درجاتی [عظیم و باارزش] بلند گرداند، و خدا به آنچه انجام می دهید، آگاه است. (۱۱)

ص: ۵۴۳

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَةً ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَأَطْهَرُ فَإِن لَّمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱۲)

ای مؤمنان! زمانی که می خواهید با پیامبر گفتگوی محرمانه کنید، پیش از گفتگوی محرمانه خود صدقه دهید، این برای شما بهتر و پاکیزه تر است، و اگر چیزی برای صدقه نیافتید [اجازه دارید محرمانه گفتگو کنید] زیرا خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (۱۲)

أَأَشْفَقْتُمْ أَن تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَاتٍ فَإِذْ لَمْ تَفْعَلُوا وَتَابَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (۱۳)

آیا ترسیدید از اینکه پیش از گفتگوی محرمانه خود صدقاتی بپردازید؟ پس چون نپرداختید و خدا هم توبه شما را پذیرفت، پس نماز را برپا دارید و زکات بدهید و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید، و خدا به اعمالی که انجام می دهید، آگاه است. (۱۳)

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِم مَّا هُم مِّنكُمْ وَلَا مِنْهُمْ وَيَحْلِفُونَ عَلَى الْكَذِبِ وَهُمْ يَعْلَمُونَ (۱۴)

آیا به کسانی که قوم مورد خشم خدا را به دوستی گرفتند، ننگریستی؟ اینان نه از شمایند و نه از آنان، و به دروغ سوگند می خورند [که از شمایند] و خود آگاهند [که دروغ می گویند.] (۱۴)

أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۵)

خدا برای آنان عذاب سختی آماده کرده است؛ زیرا آنچه را که همواره انجام می دادند، بسیار بد است. (۱۵)

اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ فَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ (۱۶)

آنان سوگندهایشان را [برای تبرئه خود از خیانت به پیامبر و مؤمنان] سپر قرار داده اند، در نتیجه [مردم را] از راه خدا بازداشتند

پس برای آنان عذابی خوارکننده است. (۱۶)

لَّن تُغْنِیَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُم مِّنَ اللَّهِ شَیْئًا أُولَئِکَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِیهَا خَالِدُونَ (۱۷)

هرگز اموال و اولادشان چیزی از عذاب خدا را از آنان دفع نمی کند، آنان اهل آتش اند و در آن جاودانه اند. (۱۷)

یَوْمَ یَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِیعًا فَیَحْلِفُونَ لَهُ کَمَا یَحْلِفُونَ لَکُمْ وَیَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ عَلَی شَیْءٍ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْکَاذِبُونَ (۱۸)

روزی که خدا همه آنان را برمی انگیزد، پس همان گونه که برای شما سوگند دروغ می خوردند، برای خدا هم سوگند دروغ می خورند، و گمان می کنند که با سوگند دروغ می توانند در عرصه محشر، سودی را برای خود جلب کنند و زیانی را از خویش بگردانند، آگاه باش که آنان همان دورغگویانند! (۱۸)

اسْتَحْوَذَ عَلَیْهِمُ الشَّیْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِکْرَ اللَّهِ أُولَئِکَ حِزْبُ الشَّیْطَانِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّیْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ (۱۹)

شیطان بر آنان چیره و مسلط شده و یاد خدا را از خاطرشان برده است، آنان حزب شیطانند، آگاه باش که حزب شیطان یقیناً همان زیان کارانند! (۱۹)

إِنَّ الَّذِینَ یُحَادُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِکَ فِی الْأَذَلِّینَ (۲۰)

بی تردید کسانی که با خدا و پیامبرش دشمنی و مخالفت می کنند، در زمره خوارترینان هستند. (۲۰)

کَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِی إِنَّ اللَّهَ قَوِیٌّ عَزِیزٌ (۲۱)

خدا لازم و مقرّر کرده است که بی تردید من و پیامبرانم پیروزیم. همانا خدا نیرومند و توانای شکست ناپذیر است. (۲۱)

ص: ۵۴۴

لَّا تَجِدُ قَوْمًا یُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْیَوْمِ الْآخِرِ یُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ کَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِیرَتَهُمْ أُولَئِکَ کَتَبَ فِی قُلُوبِهِمُ الْإِیمَانَ وَأَیَّدَهُم بِرُوحٍ مِّنْهُ وَیُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِی مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِینَ فِیهَا رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِکَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۲۲)

گروهی را که به خدا و روز قیامت ایمان دارند، نمی یابی که با کسانی که با خدا و پیامبرش دشمنی و مخالفت دارند، دوستی برقرار کنند، گرچه پدرانشان یا فرزندانشان یا برادرانشان یا خویشانشان باشند. اینانند که خدا ایمان را در دل هایشان ثابت و پایدار کرده، و به روحی از جانب خود نیرومندشان ساخته، و آنان را به بهشت هایی که از زیر [درختانِ] آن نهرها جاری است درمی آورد، در آنجا جاودانه اند، خدا از آنان خشنود است و آنان هم از خدا خشنودند. اینان حزب خدا هستند، آگاه باش که بی تردید حزب خدا همان رستگارانند. (۲۲)

سوره الحشر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَمَا فِی الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ (۱)

آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است، خدا را به پاک بودن از هر عیب و نقصی می ستایند، و او توانای شکست ناپذیر و حکیم است. (۱)

هُوَ الَّذِی أَخْرَجَ الَّذِینَ کَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْکِتَابِ مِن دِیَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ مَا ظَنَنتُمْ أَن یَخْرُجُوا وَظَنُّوا أَنَّهُم مَّانِعَتُهُمْ حُصُونُهُم مِّنَ اللَّهِ فَأَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَیْثُ لَمْ یَحْتَسِبُوا وَقَذَفَ فِی قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ یُخْرِبُونَ بُیُوتَهُم بِأَیْدِیهِمْ وَأَیْدِی الْمُؤْمِنِینَ فَاعْتَبِرُوا یَا أُولِی الْأَبْصَارِ (۲)

اوست که کافرانِ از اهل کتاب را در نخستین بیرون راندن دسته جمعی از خانه هایشان بیرون راند. [شما اهل ایمان] رفتنشان را گمان نمی بردید، و خودشان پنداشتند که حصارها و دژهای استوارشان در برابر خدا [از تبعید و در به دری آنان] جلوگیری خواهد کرد ولی [اراده کوبنده] خدا از آنجا که گمان نمی کردند به سراغشان آمد و در دل هایشان رعب و ترس افکند به گونه ای که خانه هایشان را به دست خود و به دست مؤمنان ویران کردند. پس ای صاحبان بینش و بصیرت! عبرت گیرید. (۲)

وَلَوْلَا أَن کَتَبَ اللَّهُ عَلَیْهِمُ الْجَلَاءَ لَعَذَّبَهُمْ فِی الدُّنْیَا وَلَهُمْ فِی الْآخِرَهِ عَذَابُ النَّارِ (۳)

اگر خدا فرمان ترک وطن را بر آنان لازم و مقرّر نکرده بود، قطعاً در همین دنیا عذابشان می کرد و برای آنان در آخرت عذاب آتش است. (۳)

ص: ۵۴۵

ذَلِکَ بِأَنَّهُمْ شَاقُّوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَمَن یُشَاقِّ اللَّهَ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِیدُ الْعِقَابِ (۴)

این [در به دری و تبعید] برای این است که آنان با خدا و پیامبرش دشمنی و مخالفت کردند، و هر کس با خدا دشمنی و مخالفت کند [بداند که] خدا سخت کیفر است. (۴)

مَا قَطَعْتُم مِّن لِّینَهٍ أَوْ تَرَکْتُمُوهَا قَائِمَهً عَلَی أُصُولِهَا فَبِإِذْنِ اللَّهِ وَلِیُخْزِیَ الْفَاسِقِینَ (۵)

آنچه از درخت خرما [که در مالکیت این دشمنان غدّار بود] بریدید یا آنها را بر ریشه ها و تنه هایش رها کردید، به فرمان خدا بود، تا نافرمانان را زبون و رسوا کند. (۵)

وَمَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَی رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أَوْجَفْتُمْ عَلَیْهِ مِنْ خَیْلٍ وَلَا رِکَابٍ وَلَکِنَّ اللَّهَ یُسَلِّطُ رُسُلَهُ عَلَی مَن یَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ (۶)

اموال و زمین هایی را که خدا به عنوان غنیمت به پیامبرش بازگرداند، شما برای به دست آوردنش اسب و شتری نتازاندید [و

در نتیجه به زحمت نیفتادید]، ولی خدا پیامبرانش را بر هر که بخواهد مسلط و چیره می کند، و خدا بر هر کاری تواناست. (۶)

مَّا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِی الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَیْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (۷)

آنچه خدا از [اموال و زمین های] اهل آن آبادی ها به پیامبرش بازگرداند اختصاص به خدا و پیامبر و اهل بیت پیامبر و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان دارد، تا میان ثروتمندان شما دست به دست نگردد. و [از اموال و احکام و معارف دینی] آنچه را پیامبر به شما عطا کرد بگیرید و از آنچه شما را نهی کرد، باز ایستید و از خدا پروا کنید؛ زیرا خدا سخت کیفر است. (۷)

لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِن دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ (۸)

[بخشی از غنایم] برای فقیران مهاجری است که از دیار و اموالشان بیرون رانده شده اند، در حالی که فضل و خشنودی خدا را می جویند وخدا وپیامبرش را یاری می کنند، اینان همان راستگویانند. (۸)

وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِن قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِی صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِّمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَى أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَن يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۹)

و [برای] کسانی [از انصار است] که پیش از مهاجران در سرای هجرت و ایمان [یعنی مدینه] جای گرفتند، [و] کسانی را که به سوی آنان هجرت کرده اند دوست دارند، و در سینه های خود نیاز و چشم داشتی به آنچه به مهاجران داده شده است نمی یابند، و آنان را بر خود ترجیح می دهند، گرچه خودشان را نیاز شدیدی [به مال و متاع] باشد. و کسانی را که از بخل و حرصشان بازداشته اند، اینان همان رستگارانند. (۹)

ص: ۵۴۶

وَالَّذِينَ جَاءُوا مِن بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِی قُلُوبِنَا غِلًّا لِّلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ (۱۰)

و نیز کسانی که بعد از آنان [انصار و مهاجرین] آمدند در حالی که می گویند: پروردگارا! ما و برادرانمان را که به ایمان بر ما پیشی گرفتند بیامرز، و در دل هایمان نسبت به مؤمنان، خیانت و کینه قرار مده. پروردگارا! یقیناً تو رؤوف و مهربانی. (۱۰)

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نَافَقُوا يَقُولُونَ لِإِخْوَانِهِمُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَئِنْ أُخْرِجْتُمْ لَنَخْرُجَنَّ مَعَكُمْ وَلَا نُطِيعُ فِيكُمْ أَحَدًا أَبَدًا وَإِن قُوتِلْتُمْ لَنَنصُرَنَّكُمْ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ (۱۱)

آیا کسانی را که نفاق ورزیدند، ندیدی؟ که به برادران کافرشان از اهل کتاب می گویند: اگر شما را [از خانه و دیارتان] بیرون کردند، ما هم قطعاً با شما بیرون می آییم، و هرگز فرمان کسی را بر ضد شما اطاعت نمی کنیم، و اگر با شما جنگیدند،

همانا شما را یاری می کنیم. و خدا گواهی می دهد که آنان دروغگویند. (۱۱)

لَئِنْ أُخْرِجُوا لَا يَخْرُجُونَ مَعَهُمْ وَلَئِن قُوتِلُوا لَا يَنصُرُونَهُمْ وَلَئِن نَّصَرُوهُمْ لَيُوَلُّنَّ الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يُنصَرُونَ (۱۲)

اگر [کافران از اهل کتاب را] بیرون کننـد با آنان بیرون نمی رونـد، و اگر با آنان بجنگند آنان را یاری نمی دهند، و اگر یاری دهند در گرماگرم جنگ پشت کنان می گریزند، سپس [کافران اهل کتاب] یاری نمی شوند. (۱۲)

لَأَنتُمْ أَشَدُّ رَهْبَةً فِي صُدُورِهِم مِّنَ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَّا يَفْقَهُونَ (۱۳)

[آری منافقان، کافران از اهل کتاب را در گرماگرم جنگ به هنگام خطر رها می کننـد و می گریزنـد؛ زیرا] ترس آنان از شـما در دل هایشان بیش از ترس از خداست؛ چون آنان قومی هستند که [حقایق را به خاطر کوردلی] نمی فهمند. (۱۳)

لَا يُقَاتِلُونَكُمْ جَمِيعًا إِلَّا فِي قُرًى مُّحَصَّنَةٍ أَوْ مِن وَرَاءِ جُدُرٍ بَأْسُهُم بَيْنَهُمْ شَدِيدٌ تَحْسَبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَّا يَعْقِلُونَ (۱۴)

همه آنان [به صورت متحد و یک پارچه] با شـما نمی جنگنـد مگر در آبادی هایی که دارای حصار و قلعه و دژ هسـتند، یا از پشت دیوارهـا، دلاـوری آنان میان خودشان شدیـد است [ولی از رویارویی با شـما می ترسـند]، آنان را متحـد و هم دست می پنداری در حالی که دل هایشان پراکنده است؛ زیرا آنان گروهی هستند که تعقّل نمی کنند. (۱۴)

كَمَثَلِ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ قَرِيبًا ذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱۵)

[داسـتان این یهودی های نابکار بنی نظیر]ماننـد کسانی است که انـدکی پیش از اینان [در پیرامون مـدینه] بودنـد که سـرانجام وخیم کارشان را چشیدند، و برای آنان عذابی دردناک است. (۱۵)

كَمَثَلِ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْإِنسَانِ اكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِّنكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ (۱۶)

[داسـتان منافقان که کافران از اهل کتاب را با وعده های دروغ فریفتند] چون داستان شیطان است که به انسان گفت: کافر شو. هنگامی که کافر شد، گفت: من از تو بیزارم، من از خدا که پروردگار جهانیان است، می ترسم. (۱۶)

ص: ۵۴۷

فَكَانَ عَاقِبَتَهُمَا أَنَّهُمَا فِي النَّارِ خَالِدَيْنِ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ (۱۷)

سرانجامشان این شد که هر دو در آتش اند؛ و در آن جاودانه اند و این است کیفر ستمکاران. (۱۷)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (۱۸)

ای اهل ایمان! از خـدا پروا کنیـد؛ و هر کسـی باید با تأمل بنگرد که برای فردای خود چه چیزی پیش فرسـتاده است، و از خدا

پروا کنید؛ یقیناً خدا به آنچه انجام می دهید، آگاه است. (۱۸)

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (۱۹)

و مانند کسانی مباشید که خدا را فراموش کردند، پس خدا هم آنان را دچار خودفراموشی کرد؛ اینان همان فاسقانند. (۱۹)

لَا يَسْتَوِي أَصْحَابُ النَّارِ وَأَصْحَابُ الْجَنَّهِ أَصْحَابُ الْجَنَّهِ هُمُ الْفَائِزُونَ (۲۰)

دوزخیان و بهشتیان یکسان نیستند، بهشتیان همان رستگارانند. (۲۰)

لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَهِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (۲۱)

اگر این قرآن را بر کوهی نازل می کردیم، قطعاً آن را از ترس خدا فروتن و از هم پاشیده می دیدی. و این مثل ها را برای مردم می زنیم تا بیندیشند. (۲۱)

هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَهِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ (۲۲)

اوست خدایی که جز او هیچ معبودی نیست، دانای نهان و آشکار است، او رحمان و رحیم است. (۲۲)

هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ (۲۳)

اوست خدایی که جز او هیچ معبودی نیست، همان فرمانروای پاک، سالم از هر عیب و نقص، ایمنی بخش، چیره و مسلط، شکست ناپذیر، جبران کننده، شایسته بزرگی و عظمت است. خدا از آنچه شریک او قرار می دهند، منزّه است. (۲۳)

هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۲۴)

اوست خدا، آفریننده، نوساز، صورتگر، همه نام های نیکو ویژه اوست. آنچه در آسمان ها و زمین است همواره برای او تسبیح می گویند، و او توانای شکست ناپذیر و حکیم است. (۲۴)

ص: ۵۴۸

سوره الممتحنه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّهِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُم مِّنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَن تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِن كُنتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي تُسِرُّونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّهِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنتُمْ وَمَن يَفْعَلْهُ مِنكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ (۱)

ای اهل ایمان! دشمنان من و دشمنان خودتان را دوستان خود مگیرید، شما با آنان اظهار دوستی می کنید، در حالی که آنان

به طور یقین به آنچه از حق برای شما آمده کافرند، و پیامبر و شما را به خاطر ایمانتان به خدا که پروردگار شماست [از وطن] بیرون می کنند، [پس آنان را دوستان خود مگیرید] اگر برای جهاد در راه من و طلب خشنودیم بیرون آمده اید [چرا] مخفیانه به آنان پیام می دهید که دوستشان دارید؟ در حالی که من به آنچه پنهان می داشتید و آنچه آشکار کردید داناترم، و هر کس از شما با دشمنان من رابطه دوستی برقرار کند، مسلماً از راه راست منحرف شده است. (۱)

إِن يَثْقَفُوكُمْ يَكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءً وَيَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَأَلْسِنَتَهُم بِالسُّوءِ وَوَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ (۲)

اگر بر شما چیره شوند، دشمنانتان خواهند بود، و دست هایشان را [به اسارت، آزار و کشتن] و زبان هایشان را به [بدگویی، تحقیر و ناسزا] بر ضد شما می گشایند، و آرزو دارند که ای کاش شما هم کافر شوید. (۲)

لَن تَنفَعَكُمْ أَرْحَامُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَفْصِلُ بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۳)

روز قیامت [که کیفر دوستی با دشمنان داده شود] خویشان و فرزندانتان سودی به حال شما ندارند، خدا میان شما و آنان جدایی می اندازد، و خدا به آنچه انجام می دهید، بیناست. (۳)

قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَآءُ مِنكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحْدَهُ إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَمَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِن شَيْءٍ رَّبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنَبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ (۴)

مسلماً برای شما در ابراهیم و کسانی که با اویند سرمشقی نیکوست، آن گاه که به قوم خود گفتند: ما از شما و آنچه به جای خدا می پرستید بیزاریم، ما به شما کافریم و میان ما و شما دشمنی و کینه همیشگی پدیدار شده است، تا آن زمان که به خدای یگانه ایمان آورید. [آری، ابراهیم و مؤمنان جز اعلام بیزاری سخنی با بت پرستان نداشتند] مگر سخن ابراهیم به پدرش که گفت: من برای تو [در صورتی که دست از دشمنی و کینه با حق برداری] آمرزش خواهم خواست و در برابر خدا به سود تو اختیار چیزی را ندارم. پروردگارا! بر تو توکل کردیم، و به سوی تو بازگشتیم، و بازگشت به سوی توست. (۴)

رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلَّذِينَ كَفَرُوا وَاغْفِرْ لَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۵)

پروردگارا! ما را وسیله آزمایش [و هدف آزار، چیرگی و سلطه] برای کافران قرار مده، و پروردگارا! ما را بیامرز که همانا تو توانای شکست ناپذیر و حکیمی. (۵)

ص: ۵۴۹

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَمَن يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (۶)

بی تردید برای شما در [روش و شیوه] آنان سرمشقی نیکوست، برای کسی که به خدا و روز قیامت امید دارد. و هر کس [از اقتدای به آن روش و شیوه] روی برگرداند [زیانی به خدا نمی رساند]؛ زیرا خدا همان بی نیاز و ستوده است. (۶)

عَسَى اللَّهُ أَن يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُم مِّنْهُم مَّوَدَّةً وَاللَّهُ قَدِيرٌ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (٧)

امید است خدا میان شما و کسانی از کافران که با آنان دشمنی داشتید [به وسیله اسلام آوردنشان] دوستی قرار دهد، و خدا تواناست، و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (٧)

لَّا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُم مِّن دِيَارِكُمْ أَن تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ (٨)

خدا شما را از نیکی کردن و عدالت نسبت به کسانی که درکار دین با شما نجنگیدند و شما را از دیارتان بیرون نکردند باز نمی دارد؛ زیرا خدا عدالت پیشگان را دوست دارد. (٨)

إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُم مِّن دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَى إِخْرَاجِكُمْ أَن تَوَلَّوْهُمْ وَمَن يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (٩)

خدا فقط شما را از دوستی با کسانی نهی می کند که در کار دین با شما جنگیدند، و از دیارتان بیرون راندند، و در بیرون راندنتان به یکدیگر کمک کردند تا [به خاطر این سختگیری] با آنان دوستی کنید. و تنها کسانی که با آنان دوستی کنند، ستمکارانند. (٩)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ فَامْتَحِنُوهُنَّ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِهِنَّ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ لَا هُنَّ حِلٌّ لَّهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ وَآتُوهُم مَّا أَنفَقُوا وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَن تَنكِحُوهُنَّ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَلَا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ الْكَوَافِرِ وَاسْأَلُوا مَا أَنفَقْتُمْ وَلْيَسْأَلُوا مَا أَنفَقُوا ذَلِكُمْ حُكْمُ اللَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (١٠)

ای مؤمنان! هنگامی که زنان باایمان [با جدا شدن از همسرانشان] هجرت کنان [از دیار کفر] به سوی شما می آیند، آنان را [از جهت ایمان] بیازمایید، البته خدا خود به ایمان آنان داناتر است. پس اگر آنان را باایمان تشخیص دادید، آنان را به سوی کافران [که همسرانشان هستند] باز مگردانید، نه این زنان بر کافران حلال اند، و نه آن کافران بر این زنان حلال اند، و مهریه ای که همسران کافر به زنان مؤمن خود داده اند به آنان بپردازید، و بر شما گناهی نیست در صورتی که مهریه شان را به آنان بدهید، با آنان ازدواج کنید، و به عقد و پیوندهای زنان کافر [تان که به کفار پیوسته اند] پای بند نباشید [که آن عقد و پیوند باطل شده و وظیفه شما رها کردن آنان است] و آنچه را شما [برای همسران مرتد و فراری خود که به کافران پناهنده شده اند] هزینه کرده اید [از کافران] بخواهید، و آنان هم باید آنچه را هزینه کرده اند از شما درخواست کنند؛ این حکم خداست که میان شما حکم می کند، و خدا دانا و حکیم است. (١٠)

وَإِن فَاتَكُمْ شَيْءٌ مِّنْ أَزْوَاجِكُمْ إِلَى الْكُفَّارِ فَعَاقَبْتُمْ فَآتُوا الَّذِينَ ذَهَبَتْ أَزْوَاجُهُم مِّثْلَ مَا أَنفَقُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنتُم بِهِ مُؤْمِنُونَ (١١)

اگر برخی از همسران شما با پیوستن به کفار از دست شما رفتند [و کافران مهریه مورد مطالبه شما را ندادند] و شما غنیمتی

یافتید، پس به کسانی که همسرانشان را [به خاطر پیوستن به کفار] از دست داده اند، معادل مهریه ای که داده اند از غنایم بپردازید، و از خدایی که به او ایمان دارید پروا کنید. (۱۱)

ص: ۵۵۰

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَى أَن لَّا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِينَكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعْهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱۲)

ای پیامبر! هنگامی که زنان باایمان نزد تو آیند تا [بر پایه این شرایط] با تو بیعت کنند که چیزی را با خدا شریک نگیرند، و دزدی نکنند، و مرتکب زنا نشوند، و فرزندان خود را نکشند، و طفل حرام زاده خود را به دروغ و افترا به شوهرانشان نبندند، و در هیچ کار پسندیده ای از تو سرپیچی نکنند، با آنان بیعت کن و از خدا برای آنان آمرزش بخواه؛ زیرا خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (۱۲)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَئِسُوا مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَئِسَ الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ (۱۳)

ای مؤمنان! با قومی که خدا بر آنان خشم گرفته، دوستی نکنید. آنان به یقین از آخرت مأیوسند، همان گونه که کافران مدفون در قبرها [که به سرانجام شوم خود رسیده اند، از نجات خویش] مأیوسند. (۱۳)

سوره الصف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۱)

آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است، خدا را [به پاک بودن از هر عیب و نقصی] می ستایند، و او توانای شکست ناپذیر و حکیم است. (۱)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ (۲)

ای مؤمنان! چرا چیزی را می گویید که خود عمل نمی کنید؟ (۲)

كَبُرَ مَقْتًا عِندَ اللَّهِ أَن تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ (۳)

نزد خدا به شدت موجب خشم است که چیزی را بگویید که خود عمل نمی کنید. (۳)

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُم بُنْيَانٌ مَّرْصُوصٌ (۴)

خدا کسانی را دوست دارد که صف زده در راه او جهاد می کنند [و از ثابت قدمی] گویی بنایی پولادین و استوارند. (۴)

وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ لِمَ تُؤْذُونَنِي وَقَد تَّعْلَمُونَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ

الْفَاسِقِينَ (۵)

و [یاد کن] هنگامی را که موسی به قومش گفت: ای قوم من! چرا مرا می آزارید در حالی که می دانید من فرستاده خدا به سوی شما هستم؟ پس هنگامی که [از حق] منحرف شدند، خدا هم دل هایشان را [از پذیرفتن هدایت] منحرف کرد، و خدا مردم فاسق را هدایت نمی کند. (۵)

ص: ۵۵۱

وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُم مُّصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَاةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِن بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُم بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ (۶)

و [یاد کن] هنگامی را که عیسی پسر مریم گفت: ای بنی اسرائیل! به یقین من فرستاده خدا به سوی شمایم، تورات را که پیش از من بوده، تصدیق می کنم، و به پیامبری که بعد از من می آید و نامش «احمد» است، مژده می دهم. پس هنگامی که [احمد] دلایل روشن برای آنان آورد، گفتند: این جادویی است آشکار!! (۶)

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُوَ يُدْعَى إِلَى الْإِسْلَامِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۷)

و ستمکارتر از کسی که بر خدا دروغ می بندد، در حالی که به اسلام دعوت می شود کیست؟ و خدا مردم ستمکار را هدایت نمی کند. (۷)

يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ (۸)

می خواهند نور خدا را با دهان هایشان خاموش کنند در حالی که خدا کامل کننده نور خود است، گرچه کافران خوش نداشته باشند. (۸)

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ (۹)

اوست که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه ادیان پیروز کند، گرچه مشرکان خوش نداشته باشند. (۹)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَى تِجَارَةٍ تُنجِيكُم مِّنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ (۱۰)

ای اهل ایمان! آیا شما را به تجارتی راهنمایی کنم که شما را از عذابی دردناک نجات می دهد؟ (۱۰)

تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنفُسِكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ (۱۱)

به خدا و پیامبرش ایمان آورید، و با اموال و جان هایتان در راه خدا جهاد کنید؛ این [ایمان و جهاد] اگر [به منافع فراگیر و همیشگی آن] معرفت و آگاهی داشتید، برای شما [از هر چیزی] بهتر است؛ (۱۱)

يَغْفِرْ لَكَمْ ذُنُوبَكَمْ وَيُدْخِلْكَمْ جَنَّاتٍ تَجرِی مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِی جَنَّاتِ عَدْنٍ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۱۲)

تـا گناهتـان را بیـامرزد، و شـما را در بهشت هایی که از زیرِ [درختانِ] آن نهرها جاری است و خانه های پاکیزه در بهشت های جاویدان، درآورد؛ این است کامیابی بزرگ. (۱۲)

وَأُخْرَى تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِّنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ (۱۳)

و نعمت های دیگری که آن را دوست داریـد [و به شـما عطا می کنـد] یاری و پیروزی نزدیک از سوی خـداست. و مؤمنان را مژده ده. (۱۳)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيِّينَ مَنْ أَنصَارِی إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنصَارُ اللَّهِ فَآمَنَت طَّائِفَةٌ مِّن بَنِی إِسْرَائِيلَ وَكَفَرَت طَّائِفَةٌ فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَى عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ (۱۴)

ای اهـل ایمـان! یاران خـدا باشـید، همان گونه که عیسـی پسـر مریم به حواریون گفت: یاران من در راه خـدا چه کسانی انـد؟ حواریون گفتنـد: ما یاران خـداییم. پس طایفه ای از بنی اسـرائیل ایمان آوردنـد و گروهی کافر شدنـد؛ در نتیجه کسانی را که ایمان آوردند، بر ضد دشمنانشان یاری دادیم تا پیروز شدند. (۱۴)

ص: ۵۵۲

سوره الجمعه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَمَا فِی الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ (۱)

آنچه در آسـمان ها و آنچه در زمین است، خدا را [به پاک بودن از هر عیب و نقصی] می ستایند، خدایی که فرمانروای هستی و بی نهایت پاکیزه و توانای شکست ناپذیر و حکیم است. (۱)

هُوَ الَّذِی بَعَثَ فِی الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِن كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِی ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۲)

اوست که در میـان مردم بی سواد، پیـامبری از خودشـان برانگیخت تـا آیـات او را بر آنـان بخوانـد و آنان را [از آلودگی های فکری و روحی] پاکشان کند و به آنان کتاب و حکمت بیاموزد، و آنان به یقین پیش از این در گمراهی آشکاری بودند. (۲)

وَآخَرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۳)

و [نیز پیامبر را] بر مردمی دیگر [از عرب و غیر عرب] که هنوز به آنان نپیوسـته انـد [برانگیخت]. و او توانای شـکست ناپـذیر و حکیم است. (۳)

ذَلِکَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (۴)

این [برانگیختن به پیامبری و مسؤولیت عظیم تعلیم و تربیت،] فضل خداست که آن را به هر کس بخواهد عطا می کند، و خدا صاحب فضل بزرگ است. (۴)

مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَاةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِی الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۵)

وصف کسانی که عمل کردن به تورات به آنان تکلیف شده است، آن گاه به آن عمل نکردند، مانند درازگوشی است که کتاب هایی را [که هیچ آگاهی به محتویات آنها ندارد] حمل می کند. چه بد است سرگذشت مردمی که آیات خدا را تکذیب کردند. و خدا مردم ستمکار را هدایت نمی کند. (۵)

قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِن زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِن دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوُا الْمَوْتَ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (۶)

بگو: ای یهودیان! اگر گمان می کنید که فقط شما دوستان خدایید نه مردم دیگر، پس آرزوی مرگ کنید اگر راستگویید [چون دوستان خدا برای رسیدن به لقاء او مشتاق مرگ هستند.] (۶)

وَلَا يَتَمَنَّوْنَهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ (۷)

ولی آنان به سبب گناهانی که مرتکب شده اند هرگز آروزی مرگ نمی کنند، و خدا به ستمکاران داناست. (۷)

قُلْ إِنَّ الْمَوْتَ الَّذِی تَفِرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَى عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَهِ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۸)

بگو: بی تردید مرگی را که از آن می گریزید با شما دیدار خواهد کرد، سپس به سوی دانای نهان و آشکار بازگردانده می شوید، پس شما را به اعمالی که همواره انجام می دادید، آگاه خواهد کرد. (۸)

ص: ۵۵۳

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِیَ لِلصَّلَاهِ مِن يَوْمِ الْجُمُعَهِ فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ (۹)

ای مؤمنان! چون برای نماز روز جمعه ندا دهند، به سوی ذکر خدا بشتابید، و خرید و فروش را رها کنید. که این [اقامه نماز جمعه و ترک خرید و فروش] برای شما بهتر است اگر [به پاداشش] معرفت و آگاهی داشتید. (۹)

فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاهُ فَانتَشِرُوا فِی الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِن فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۱۰)

و چون نماز پایان گیرد، در زمین پراکنده شوید و از فضل و رزق خدا جویا شوید و خدا را بسیار یاد کنید تا رستگار شوید. (۱۰)

وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انفَضُّوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِندَ اللَّهِ خَيْرٌ مِّنَ اللَّهْوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ (۱۱)

و [برخی از مردم] چون تجارت یا مایه سرگرمی ببینند [از صف یک پارچه نماز] به سوی آن پراکنده شوند و تو را در حالی که [بر خطبه نماز] ایستاده ای، رها کنند. بگو: پاداش و ثوابی که نزد خداست از سرگرمی و تجارت بهتر است، و خدا بهترین روزی دهندگان است. (۱۱)

سوره المنافقون

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ (۱)

چون منافقان نزد تو آیند، می گویند: گواهی می دهیم که تو بی تردید فرستاده خدایی. و خدا می داند که تو بی تردید فرستاده اویی، و خدا گواهی می دهد که یقیناً منافقان دروغگویند. (۱)

اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۲)

سوگندهایشان را [برای شناخته نشدن نفاقشان] سپر گرفته در نتیجه [مردم را] از راه خدا بازداشته اند. چه بد است آنچه را اینان همواره انجام می دهند! (۲)

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا فَطُبِعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ (۳)

این [صفت زشت نفاق و بدی اعمال] به سبب آن است که آنان [نخست] ایمان آوردند، سپس کافر شدند در نتیجه بر دل هایشان مهر [تیره بختی] زده شد، به این علّت [حقایق را] نمی فهمند. (۳)

وَإِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَإِن يَقُولُوا تَسْمَعْ لِقَوْلِهِمْ كَأَنَّهُمْ خُشُبٌ مُّسَنَّدَةٌ يَحْسَبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ (۴)

چون آنان را ببینی جسم و ظاهرشان [از آراستگی و وقار] تو را به شگفت آورد، و اگر سخن گویند [به علت شیرینی و جذابیّت کلام] به سخنانشان گوش فرا می دهی [اما از پوچی باطن، سبک مغزی و دورویی] گویی چوب های خشکی هستند که به دیواری تکیه دارند [و در حقیقت اجسادی بی روح اند که در هیچ برنامه ای اطمینانی به آنان نیست، از شدت بزدلی] هر فریادی را به زیان خود می پندارند. اینان دشمن واقعی اند؛ از آنان بپرهیز؛ خدا آنان را بکشد؛ چگونه [با دیدن این همه دلایل روشن، از حق به باطل] منحرف می شوند. (۴)

ص: ۵۵۴

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوَّوْا رُءُوسَهُمْ وَرَأَيْتَهُمْ يَصُدُّونَ وَهُم مُّسْتَكْبِرُونَ (۵)

و چون به آنان گویند: بیایید تا پیامبر خدا برای شما آمرزش بخواهد [از روی کبر و غرور] سرهای خود را بر می گردانند، و آنان را می بینی که متکبرانه [از حق،] روی می گردانند. (۵)

سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَن يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِی الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ (۶)

برای آنان یکسان است چه برای آنان آمرزش بخواهی چه نخواهی، خدا هرگز آنان را نمی آمرزد. مسلماً خدا مردم فاسق را هدایت نمی کند. (۶)

هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنفِقُوا عَلَى مَنْ عِندَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَنفَضُّوا وَلِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ (۷)

فقط آنانند که می گویند: به کسانی که نزد پیامبر خدایند، انفاق مکنید تا [از پیرامون او] پراکنده شوند. در حالی که خزانه های آسمان ها و زمین در سیطره خداست، ولی منافقان نمی فهمند. (۷)

يَقُولُونَ لَئِن رَّجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَهِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ وَلِلَّهِ الْعِزَّهُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ (۸)

می گویند: اگر به مدینه بازگردیم، مسلماً آنکه عزیزتر است [یعنی عبدالله بن ابی سلول، رئیس منافقان] آن را که خوارتر است [یعنی پیامبر که هنوز به پندار آنان تمکن لازم را به دست نیاورده] از آنجا بیرون می کند. در حالی که عزت و اقتدار برای خدا و پیامبر او و مؤمنان است، ولی منافقان [به این حقیقت] معرفت و آگاهی ندارند. (۸)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَمَن يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (۹)

ای مؤمنان! مبادا اموال و فرزندانتان شما را از یاد خدا غافل کنند، و آنان که [به خاطر مال و فرزند از یاد خدا] غافل می شوند، زیانکارند. (۹)

وَأَنفِقُوا مِن مَّا رَزَقْنَاكُم مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِیَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِی إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُن مِّنَ الصَّالِحِينَ (۱۰)

و از آنچه روزی شما کرده ایم انفاق کنید، پیش از آنکه یکی از شما را مرگ در رسد و بگوید: چرا مرا تا مدتی نزدیک مهلت ندادی تا صدقه دهم و از شایستگان باشم؟! (۱۰)

وَلَن يُؤَخِّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجَلُهَا وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (۱۱)

و هرگز خدا کسی را چون اجلش فرا رسد، مهلت نمی دهد؛ و خدا به اعمالی که انجام می دهید، آگاه است. (۱۱)

ص: ۵۵۵

سوره التغابن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱)

آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است، خدا را [به پاک بودن از هر عیب و نقصی] می ستایند. فرمانروایی ویژه اوست، همه ستایش ها مخصوص اوست، و او بر هر کاری تواناست. (۱)

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ فَمِنكُمْ كَافِرٌ وَمِنكُم مُّؤْمِنٌ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۲)

اوست که شما را آفرید؛ گروهی از شما کافرند، و برخی مؤمن، و خدا به آنچه انجام می دهید، بیناست. (۲)

خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوَرَكُمْ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ (۳)

آسمان ها و زمین را به حق آفرید، و شما را صورت گری کرد و صورت هایتان را نیکو آراست، و بازگشت به سوی اوست. (۳)

يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا تُعْلِنُونَ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۴)

آنچه را که در آسمان ها و زمین است می داند، و [نیز] آنچه را پنهان می کنید و آنچه را آشکار می نمایید، می داند و خدا به نیّات و اسرار سینه ها داناست. (۴)

أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن قَبْلُ فَذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۵)

آیا خبر کسانی که پیش از این کافر شدند، پس عقوبت کفرشان را چشیدند و برای آنان عذابی دردناک است، به شما نرسیده است؟ (۵)

ذَلِكَ بِأَنَّهُ كَانَت تَّأْتِيهِمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالُوا أَبَشَرٌ يَهْدُونَنَا فَكَفَرُوا وَتَوَلَّوا وَّاسْتَغْنَى اللَّهُ وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَمِيدٌ (۶)

آن [عقوبت و عذاب دردناک] به سبب آن است که پیامبرانشان همواره دلایل روشن برای آنان آوردند، ولی گفتند: آیا بشر [ی مانند خودمان] ما را راهنمایی می کنند؟! پس کافر شدند و [از حق] روی گرداندند و خدا [از ایمان و طاعتشان] اظهار بی نیازی کرد، و خدا بی نیاز و ستوده است. (۶)

زَعَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَن لَّن يُبْعَثُوا قُلْ بَلَى وَرَبِّي لَتُبْعَثُنَّ ثُمَّ لَتُنَبَّؤُنَّ بِمَا عَمِلْتُمْ وَذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ (۷)

کافران پنداشتند [که پس از مرگ] هرگز برانگیخته نخواهند شد. بگو: آری سوگند به پروردگارم مسلماً برانگیخته خواهید شد، سپس شما را به آنچه انجام داده اید، خبر خواهند داد، و این بر خدا آسان است. (۷)

فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنزَلْنَا وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (۸)

پس به خدا و پیامبرش و نوری که نازل کردیم، ایمان آورید و خدا به آنچه انجام می دهید، آگاه است. (۸)

يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ الْجَمْعِ ذَلِكَ يَوْمُ التَّغَابُنِ وَمَن يُؤْمِن بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۹)

[بی تردید برانگیخته می شوید در] روزی که شما را در روز اجتماع [که روز قیامت است] جمع می کند، آن روز، روز غبن و خسارت است؛ و هرکس به خدا ایمان بیاورد و کار شایسته انجام دهد، خدا گناهانش را از او محو می کند، و او را به بهشت هایی که از زیرِ [درختانِ] آن نهرها جاری است، درمی آورد، در آنها جاودانه و همیشگی اند. این است کامیابی بزرگ. (۹)

ص: ۵۵۶

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ خَالِدِينَ فِيهَا وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (۱۰)

و آنان که کافر شدند و آیات ما را انکار کردند، اهل آتش اند و در آن جاودانه اند، و بد بازگشت گاهی است! (۱۰)

مَا أَصَابَ مِن مُّصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَمَن يُؤْمِن بِاللَّهِ يَهْدِ قَلْبَهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۱۱)

هیچ مصیبتی جز به فرمان خدا نرسد. و هر کس به خدا ایمان بیاورد، خدا قلبش را [به حقایق] راهنمایی می کند؛ و خدا به همه چیز داناست. (۱۱)

وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَإِنَّمَا عَلَى رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ (۱۲)

و از خدا اطاعت کنید و از پیامبر فرمان برید، و اگر روی برگردانید [بدانید که] بر عهده پیامبر فقط رساندن آشکار [پیام وحی] است. (۱۲)

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (۱۳)

خداست که هیچ معبودی جز او نیست، پس مؤمنان فقط باید بر او توکّل کنند. (۱۳)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَّكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِن تَعْفُوا وَتَصْفَحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱۴)

ای اهل ایمان! به راستی برخی از همسران و فرزندانتان [به علت بازداشتن شما از اجرای فرمان های خدا و پیامبر] دشمن شمایند؛ بنابراین از [عمل به خواسته های بی جای] آنان [که مخالف احکام خداست] بپرهیزید، و اگر [از آزار و رنجی که به شما می دهند] چشم پوشی کنید و سرزنش کردن آنان را ترک نمایید و از آنان بگذرید [خدا هم شما را مورد الطاف بی کرانش قرار می دهد]؛ زیرا خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. (۱۴)

إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِندَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ (۱۵)

اموال و فرزندانتان فقط وسیله آزمایش اند، و خداست که پاداشی بزرگ نزد اوست. (۱۵)

فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَاسْمَعُوا وَأَطِيعُوا وَأَنفِقُوا خَيْرًا لِّأَنفُسِكُمْ وَمَن يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۱۶)

بنابراین به اندازه استطاعتی که دارید از خدا پروا کنید و [دعوت حق را] بشنوید و اطاعت نمایید و انفاق کنید که برای شما بهتر است؛ و کسانی که خود را از بخل و حرص بازدارند آنان رستگارند. (۱۶)

إِن تُقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ (۱۷)

اگر به خدا وام نیکو دهید، آن را برای شما دو چندان می کند و شما را می آمرزد و خدا عطا کننده پاداش فراوان در برابر عمل اندک می باشد و بردبار است. (۱۷)

عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۱۸)

دانای نهان و آشکار و توانای شکست ناپذیر و حکیم است. (۱۸)

ص: ۵۵۷

سوره الطلاق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعِدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِن بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَن يَأْتِينَ بِفَاحِشَةٍ مُّبَيِّنَةٍ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَن يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا (۱)

ای پیامبر! زمانی که خواستید زنان را طلاق دهید، آنان را در زمان عدّه [آن زمانی که از عادت پاک شده و با همسر آمیزش نکرده باشند] طلاق دهید و حساب عدّه را نگه دارید، و از خدا پروردگارتان پروا کنید، و آنان را [در مدتی که عدّه خود را می گذرانند] از خانه هایشان بیرون مکنید، و آنان هم [در مدت عدّه] بیرون نروند مگر اینکه مرتکب عمل زشت آشکاری شوند [که در آن صورت بیرون کردنشان از خانه بی مانع است]. این حدود خداست؛ و هر که از حدود تجاوز کند، یقیناً به خودش ستم ورزیده است. تو نمی دانی شاید خدا پس از این [در عده طلاق،] کاری پدید آورد [تا وسیله صلح و سازشی میان آنان شود.] (۱)

فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَأَشْهِدُوا ذَوَيْ عَدْلٍ مِّنكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ ذَلِكُمْ يُوعَظُ بِهِ مَن كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَن يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَل لَّهُ مَخْرَجًا (۲)

و چون به پایان زمان [عدّه] نزدیک شدند، آنان را [با رجوع به زوجیت] به صورتی شایسته [که رعایت همه حقوق همسرداری است] نگه دارید یا از آنان به طرزی شایسته [که پرداخت همه حقوق شرعیه اوست] جدا شوید، و [هنگام جدایی،] دو عادل از خودتان را گواه [طلاق] گیرید. [و شما ای گواهان!] گواهی را برای خدا اقامه کنید. به وسیله این [حقایق] به کسی که همواره به خدا و روز قیامت ایمان دارد، اندرز داده می شود و هر که از خدا پروا کند، خدا برای او راه بیرون شدن [از مشکلات و

تنگناها را] قرار می دهد. (۲)

وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَن يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا (۳)

و او را از جایی که گمان نمی برد روزی می دهـد، و کسـی که بر خـدا توکل کنـد، خدا برایش کافی است، [و] خدا فرمان و خواسته اش را [به هر کس که بخواهد] می رساند؛ یقیناً برای هر چیزی اندازه ای قرار داده است. (۳)

وَاللَّائِي يَئِسْنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِن نِّسَائِكُمْ إِنِ ارْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَاللَّائِي لَمْ يَحِضْنَ وَأُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَن يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ وَمَن يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَل لَّهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا (۴)

و از زنان شـما آنانی که از عادت ماهیانه ناامیدند، اگر شک دارید [که به سـبب رسـیدن به سن یائسـگی یا عاملی دیگر است] عـدّه آنـان [پس از طلاق] سه ماه است. و [هم چنین عـدّه] زنانی که [با وجود سن معمولی] عادت نشـده انـد [سه ماه است] و [پایـان] عـدّه زنـان بـاردار، روزی است که وضع حمل می کننـد. و هر که از خـدا پروا کنـد برای او در کارش آسانی قرار می دهد. (۴)

ذَلِكَ أَمْرُ اللَّهِ أَنزَلَهُ إِلَيْكُمْ وَمَن يَتَّقِ اللَّهَ يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُعْظِمْ لَهُ أَجْرًا (۵)

این حقایق بیان شـده احکام خـداست که آنها را به سوی شـما نازل کرده است؛ و هر کس از خدا پروا کند، گناهانش را از او محو می کند و پاداش او را بزرگ می دارد. (۵)

ص: ۵۵۸

أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنتُم مِّن وُجْدِكُمْ وَلَا تُضَارُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ وَإِن كُنَّ أُولَاتِ حَمْلٍ فَأَنفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّى يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَأْتَمِرُوا بَيْنَكُم بِمَعْرُوفٍ وَإِن تَعَاسَرْتُمْ فَسَتُرْضِعُ لَهُ أُخْرَى (۶)

زنـان طلاق داده را [تا پایان عـدّه] به انـدازه توانگری خود آنجا سـکونت دهیـد که خود سـکونت داریـد و به آنان [در نفقه و مسـکن] آسـیب و زیان نرسانیـد تا زنـدگی را بر آنان سـخت و دشوار کنیـد [و آنان مجبور به ترک خانه شوند]، و اگر باردار باشـند، هزینه آنان را تا زمانی که وضع حمل کننـد، بپردازیـد و اگر [پس از جـدایی،] کودک شـما را شـیر دادند، اجرتشان را بدهیـد، و در میان خود [درباره فرزند] به نیکی و شایسـتگی مشورت کنید [تا به توافقی عادلانه برسـید و در نتیجه به حقّ زن و شوهر و فرزنـد زیانی نرسـد] و اگر [کارتان در این زمینه] با یکـدیگر به سـختی کشـید [و نهایتاً به توافق نرسـیدید،] زنی دیگر کودک را [با هزینه پدر] شیر دهد. (۶)

لِيُنفِقْ ذُو سَعَةٍ مِّن سَعَتِهِ وَمَن قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا (۷)

بر تـوانگر است که از توانگری اش [همسـر بچه دارش را در ایـام عـدّه] هزینه دهـد، و هر که رزق و روزی اش تنـگ باشـد از همان که خدا به او عطا کرده هزینه دهد. خدا هیچ کس را جز به اندازه رزقی که به او عطا کرده است، تکلیف نمی کند. خدا

به زودی پس از سختی و تنگنا، فراخی و گشایش قرار می دهد. (۷)

وَكَأَيِّن مِّن قَرْيَةٍ عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرُسُلِهِ فَحَاسَبْنَاهَا حِسَابًا شَدِيدًا وَعَذَّبْنَاهَا عَذَابًا نُّكْرًا (۸)

چه بسیار آبادی ها که [اهلش] از فرمان پروردگارشان و فرستادگانش روی برگرداندند، پس ما آنان را به حساب سختی محاسبه کردیم و به عذاب بسیار شدیدی عذاب نمودیم؛ (۸)

فَذَاقَتْ وَبَالَ أَمْرِهَا وَكَانَ عَاقِبَةُ أَمْرِهَا خُسْرًا (۹)

و آنان کیفر سنگین کفر و کبرشان را چشیدند و سرانجام کارشان خسارت بود. (۹)

أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ آمَنُوا قَدْ أَنزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا (۱۰)

خدا برای آنان [در آخرت] عذابی سخت آماده کرده است، پس ای خردمندان مؤمن! از خدا پروا کنید. به راستی خدا به سوی شما وسیله تذکر نازل کرده است. (۱۰)

رَّسُولًا يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ مُبَيِّنَاتٍ لِّيُخْرِجَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَمَن يُؤْمِن بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا قَدْ أَحْسَنَ اللَّهُ لَهُ رِزْقًا (۱۱)

[و آن] پیامبری [است] که آیات روشن خدا را بر شما می خواند، تا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند از تاریکی ها به سوی نور بیرون آورد. و هر کس به خدا ایمان بیاورد و کار شایسته انجام دهد، او را در بهشت هایی که از زیرِ [درختانِ] آن نهرها جاری است، درآورد، در حالی که در آنها جاودانه اند. همانا رزق و روزی را برای او نیکو قرار داده است. (۱۱)

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا (۱۲)

خداست که هفت آسمان و نیز مثل آنها هفت زمین را آفرید. همواره فرمان او در میان آنها نازل می شود تا بدانید که خدا بر هر کاری تواناست و اینکه یقیناً علم خدا به همه چیز احاطه دارد. (۱۲)

ص: ۵۵۹

سوره التحريم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبْتَغِي مَرْضَاتَ أَزْوَاجِكَ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱)

ای پیامبر! چرا آنچه را که خدا بر تو حلال کرده برای به دست آوردن خشنودی همسرانت بر خود حرام می کنی؟ و خدا بسیار

آمرزنده و مهربان است. (۱)

قَدْ فَرَضَ اللَّهُ لَكُمْ تَحِلَّةَ أَيْمَانِكُمْ وَاللَّهُ مَوْلَاكُمْ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ (۲)

به یقین خدا راه گشودن [و شکستن] سوگندهایتان را [در مواردی] برای شما مقرّر کرده است، [و آن اینکه سوگندها را با کفاره دادن بشکنید تا از محدودیت و تنگنا درآیید] و خدا سرپرست و یار شماست، و او دانا و حکیم است. (۲)

وَإِذْ أَسَرَّ النَّبِيُّ إِلَى بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا نَبَّأَتْ بِهِ وَأَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَّفَ بَعْضَهُ وَأَعْرَضَ عَن بَعْضٍ فَلَمَّا نَبَّأَهَا بِهِ قَالَتْ مَنْ أَنبَأَكَ هَذَا قَالَ نَبَّأَنِيَ الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ (۳)

و هنگامی که پیامبر، رازی را به یکی از همسرانش گفت و او آن راز را [نزد زن دیگر] فاش کرد، و خدا پیامبر را از افشای آن آگاه نمود، پیامبر بخشی از آن [راز افشا شده] را به آن زن گوشزد کرد و از گفتن بخشی دیگر [برای آنکه فاش کننده بیشتر شرمنده نشود] خودداری نمود. آن زن گفت: چه کسی فاش کردن راز را [به وسیله من] به تو خبر داده است؟ پیامبر گفت: دانای آگاه، به من خبر داد. (۳)

إِن تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا وَإِن تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ (۴)

اگر شما دو زن از کار خود به پیشگاه خدا توبه کنید [خدا توبه شما را می پذیرد]، چون دل شما دو نفر از حق و درستی منحرف شده است، و اگر بر ضدِّ پیامبر به یکدیگر کمک دهید [راه به جایی نخواهید برد]؛ زیرا خدا و جبرئیل و صالح مؤمنان [که علی بن ابی طالب است] یار اویند، و فرشتگان نیز بعد از آنان پشتیبان او خواهند بود. (۴)

عَسَى رَبُّهُ إِن طَلَّقَكُنَّ أَن يُبْدِلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِّنكُنَّ مُسْلِمَاتٍ مُّؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ تَائِبَاتٍ عَابِدَاتٍ سَائِحَاتٍ ثَيِّبَاتٍ وَأَبْكَارًا (۵)

اگر پیامبر، شما را طلاق دهد امید است که پروردگارش همسرانی بهتر از شما که مسلمان، مؤمن، فرمانبر، توبه کار، خداپرست، روزه دار، غیر باکره و باکره باشند، به او عوض دهد. (۵)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَّا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ (۶)

ای مؤمنان! خود و خانواده خود را از آتشی که هیزم آن انسان ها و سنگ ها است، حفظ کنید. بر آن فرشتگانی خشن و سخت گیر گمارده شده اند که از آنچه خدا به آنان دستور داده، سرپیچی نمی کنند، و آنچه را به آن مأمورند، همواره انجام می دهند. (۶)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَعْتَذِرُوا الْيَوْمَ إِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۷)

[آن روز گویند:] ای کافران! امروز عذرخواهی مکنید، فقط آنچه را همواره انجام می دادید، جزا داده می شوید. (۷)

ص: ۵۶۰

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَى رَبُّكُمْ أَن يُكَفِّرَ عَنكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعَى بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا وَاغْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۸)

ای مؤمنان! به پیشگاه خدا توبه کنید، توبه ای خالص [که شما را از بازگشت به گناه بازدارد]؛ امید است پروردگارتان گناهانتان را از شما محو کند و شما را به بهشت هایی که از زیرِ [درختانِ] آن نهرها جاری است، درآورد، در آن روزی که خدا پیامبر و کسانی که با او ایمان آورده اند، خوار نمی کند، نورشان پیشاپیش آنان و از سوی راستشان شتابان حرکت می کند، می گویند: پروردگارا! نور ما را برای ما کامل کن و ما را بیامرز که تو بر هر کاری توانایی. (۸)

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (۹)

ای پیامبر! با کافران و منافقان جنگ کن و بر آنان سخت بگیر و جایگاهشان دوزخ است و بد بازگشت گاهی است. (۹)

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَامْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّاخِلِينَ (۱۰)

خدا برای کافران، زن نوح و زن لوط را مثل زده که تحت سرپرستی و زوجیت دو بنده شایسته از بندگان ما بودند، ولی [در امر دین و دین داری] به آن دو [بنده شایسته ما] خیانت ورزیدند، و آن دو [پیامبر] چیزی از عذاب خدا را از آن دو زن دفع نکردند و [هنگام مرگ] به آن دو گفته شد: با وارد شوندگان وارد آتش شوید. (۱۰)

وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِندَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِن فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (۱۱)

و خدا برای مؤمنان همسر فرعون را مثل زده است هنگامی که گفت: پروردگارا! برای من نزد خودت خانه ای در بهشت بنا کن ومرا از فرعون وکردارش رهایی بخش ومرا از مردم ستمکار نجات ده. (۱۱)

وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِن رُّوحِنَا وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتُبِهِ وَكَانَتْ مِنَ الْقَانِتِينَ (۱۲)

و [نیز] مریم دختر عمران [را مثل زده است] که دامان خود را پاک نگه داشت و در نتیجه از روح خود در او دمیدیم و کلمات پروردگارش و کتاب های او را تصدیق کرد و از اطاعت کنندگان [فرمان های خدا] بود. (۱۲)

ص: ۵۶۱

جزء ۲۹

سوره الملک

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱)

همیشه سودمند و با برکت است آنکه فرمانروایی [همه هستی] به دست اوست و او بر هر کاری تواناست. (۱)

الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ (۲)

آنکه مرگ و زندگی را آفرید تا شما را بیازماید که کدامتان نیکوکارترید، و او توانای شکست ناپذیر و بسیار آمرزنده است. (۲)

الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَّا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِن تَفَاوُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِن فُطُورٍ (۳)

آنکه هفت آسمان را بر فراز یکدیگر آفرید. در آفرینش [خدای] رحمان، خلل و نابسامانی و ناهمگونی نمی بینی، پس بار دیگر بنگر آیا هیچ خلل و نابسامانی و ناهمگونی می بینی؟ (۳)

ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ (۴)

سپس بار دیگر بنگر تا دیده ات در حالی که خسته و کم سو شده [و از یافتن خلل، نابسامانی و ناهمگونی فرو مانده] و درمانده گشته است، به سویت باز گردد. (۴)

وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَجَعَلْنَاهَا رُجُومًا لِّلشَّيَاطِينِ وَأَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ (۵)

همانا ما آسمان دنیا را با چراغ هایی آراستیم و آنها را تیرهایی برای راندن شیطان ها قرار دادیم، و برای آنان [در آخرت] آتشی افروخته، آماده کرده ایم؛ (۵)

وَلِلَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (۶)

و برای کسانی که به پروردگارشان کافر شدند، عذاب دوزخ است و بد بازگشت گاهی است. (۶)

إِذَا أُلْقُوا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهِيقًا وَهِيَ تَفُورُ (۷)

هنگامی که در آن افکنده شوند از آن در حالی که در جوش و فوران است، صدایی هولناک و دلخراش می شنوند. (۷)

تَكَادُ تَمَيَّزُ مِنَ الْغَيْظِ كُلَّمَا أُلْقِيَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ (۸)

نزدیک است که از شدت خشم متلاشی و پاره پاره شود. هرگاه گروهی در آن افکنده شوند، نگهبانانش از آنان می پرسند: آیا شما را بیم دهنده ای نیامد؟ (۸)

قَالُوا بَلَی قَدْ جَاءَنَا نَذِیرٌ فَکَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِن شَیْءٍ إِنْ أَنتُمْ إِلَّا فِی ضَلَالٍ کَبِیرٍ (۹)

می گوینـد: چرا، بیم دهنـده آمـد، ولی او را انکار کردیم و گفتیم: خـدا هیچ چیز نازل نکرده است؛ شـما بیم دهندگان جز در گمراهی بزرگی نیستید؛ (۹)

وَقَالُوا لَوْ کُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا کُنَّا فِی أَصْحَابِ السَّعِیرِ (۱۰)

و می گوینـد: اگر مـا [دعوت سعادت بخش آنان را] شـنیده بودیم، یا [در حقایقی که برای ما آوردنـد] تعقّل کرده بودیم، در میان [آتش] اهل آتش سوزان نبودیم. (۱۰)

فَاعْتَرَفُوا بِذَنبِهِمْ فَسُحْقًا لِّأَصْحَابِ السَّعِیرِ (۱۱)

پس به گناه خود اعتراف می کنند. و مرگ و دوری از رحمت بر اهل آتش سوزان باد. (۱۱)

إِنَّ الَّذِینَ یَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَیْبِ لَهُم مَّغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ کَبِیرٌ (۱۲)

بی تردید کسانی که در نهان از پروردگارشان می ترسند، برای آنان آمرزش و پاداشی بزرگ است. (۱۲)

ص: ۵۶۲

وَأَسِرُّوا قَوْلَکُمْ أَوِ اجْهَرُوا بِهِ إِنَّهُ عَلِیمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۱۳)

و گفتارتان را پنهان کنید یا آن را آشکار سازید، مسلماً او به نیّات و اسرار سینه ها داناست. (۱۳)

أَلَا یَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِیفُ الْخَبِیرُ (۱۴)

آیا کسی که [همه موجودات را] آفریده است، نمی داند؟ و حال آنکه او لطیف و آگاه است. (۱۴)

هُوَ الَّذِی جَعَلَ لَکُمُ الْأَرْضَ ذَلُولًا فَامْشُوا فِی مَنَاکِبِهَا وَکُلُوا مِن رِّزْقِهِ وَإِلَیْهِ النُّشُورُ (۱۵)

اوست کـه زمین را برای شـما رام قرار داد، بنـابراین بر اطراف و جـوانب آن راه رویـد و از روزی خـدا بخوریـد، و برانگیختن مردگان و رستاخیز به سوی اوست. (۱۵)

أَأَمِنتُم مَّن فِی السَّمَاءِ أَن یَخْسِفَ بِکُمُ الْأَرْضَ فَإِذَا هِیَ تَمُورُ (۱۶)

آیا از کسـی که [حاکمیت و فرمانروایی اش] در آسـمان قطعی است [چه رسـد در زمین] خود را در امان دیده اید، از اینکه [با شکافتن زمین] شما را در آن فرو برد در حالی که زلزله و جنبش موج آسایش را ادامه دهد؟ (۱۶)

أَمْ أَمِنتُم مَّن فِي السَّمَاءِ أَن يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا فَسَتَعْلَمُونَ كَيْفَ نَذِيرِ (۱۷)

آیا از کسی که حاکمیت و فرمانروایی اش در آسمان قطعی است [چه رسد در زمین] خود را در امان دیده اید از اینکه توفانی سخت [که با خود ریگ و سنگ می آورد] بر شما فرستد؟ پس به زودی خواهید دانست که بیم دادن من چگونه است! (۱۷)

وَلَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ (۱۸)

و مسلماً کسانی که پیش از آنان بودند [آیات خدا و پیامبران را انکار کردند]، پس [بنگر] عذاب من چگونه بود! (۱۸)

أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ فَوْقَهُمْ صَافَّاتٍ وَيَقْبِضْنَ مَا يُمْسِكُهُنَّ إِلَّا الرَّحْمَنُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ (۱۹)

آیا ندانسته اند که پرندگان بالای سرشان را در حالی که بال می گشایند و می بندند، فقط [خدای] رحمان در فضا نگه می دارد؟ یقیناً او بر همه چیز بیناست. (۱۹)

أَمَّنْ هَذَا الَّذِي هُوَ جُندٌ لَّكُمْ يَنصُرُكُم مِّن دُونِ الرَّحْمَنِ إِنِ الْكَافِرُونَ إِلَّا فِي غُرُورٍ (۲۰)

آیا آن کیست [از] سپاهتان که شما را به هنگام نزول عذاب در برابر خدای رحمان یاری دهد؟ کافران جز دچار فریب [شیطان] نیستند. (۲۰)

أَمَّنْ هَذَا الَّذِي يَرْزُقُكُمْ إِنْ أَمْسَكَ رِزْقَهُ بَل لَّجُّوا فِي عُتُوٍّ وَنُفُورٍ (۲۱)

یا کیست آنکه به شما روزی دهد، اگر خدا روزی اش را از شما باز دارد؟ [نه اینکه حقیقت را نمی دانند] بلکه در سرکشی و نفرتِ [از حق سرسختی و] پافشاری می کنند. (۲۱)

أَفَمَن يَمْشِي مُكِبًّا عَلَى وَجْهِهِ أَهْدَى أَمَّن يَمْشِي سَوِيًّا عَلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ (۲۲)

آیا کسی که نگونسار و به صورت افتاده حرکت می کند، هدایت یافته تر است یا آنکه راست قامت بر راه راست می رود؟ (۲۲)

قُلْ هُوَ الَّذِي أَنشَأَكُمْ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ (۲۳)

بگو: اوست که شما را آفرید و برای شما گوش و دیده و دل قرار داد، ولی اندکی سپاس می گزارید. (۲۳)

قُلْ هُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (۲۴)

بگو: اوست که شما را در زمین آفرید و به سوی او محشور می شوید. (۲۴)

وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (۲۵)

و می گویند: اگر راستگویید این وعده وقوع [رستاخیز] کی خواهد بود؟ (۲۵)

قُلْ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِندَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ (۲۶)

بگو: دانش و آگاهی [این حقیقت] فقط نزد خداست و من تنها بیم دهنده ای آشکارم. (۲۶)

ص: ۵۶۳

فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سِيئَتْ وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَقِيلَ هَذَا الَّذِي كُنتُم بِهِ تَدَّعُونَ (۲۷)

پس زمانی که آن [وعده داده شده] را از نزدیک ببینند، چهره کافران درهم و زشت گردد [و به آنان گویند:] این است همان چیزی که آن را [از روی مسخره] می خواستید. (۲۷)

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَهْلَكَنِيَ اللَّهُ وَمَن مَّعِيَ أَوْ رَحِمَنَا فَمَن يُجِيرُ الْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ (۲۸)

بگو: به من خبر دهید اگر خدا من را و هر که را با من است هلاک کند، یا مورد رحمت قرار دهد، پس چه کسی کافران را از عذاب دردناک پناه خواهد داد؟ (۲۸)

قُلْ هُوَ الرَّحْمَنُ آمَنَّا بِهِ وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۲۹)

بگو: اوست رحمان، به او ایمان آوردیم، و بر او توکل کردیم، پس به زودی خواهید دانست چه کسی در گمراهی آشکار است. (۲۹)

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَن يَأْتِيكُم بِمَاءٍ مَّعِينٍ (۳۰)

بگو: به من خبر دهید اگر آب مورد بهره برداری شما [چون آب رودها، چشمه ها، سدها و چاه ها] در زمین فرو رود [تا آنجا که از دسترس شما خارج گردد] پس کیست که برایتان آب روان و گوارا بیاورد؟! (۳۰)

سوره القلم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ (۱)

ن، سوگند به قلم و آنچه می نویسند، (۱)

مَا أَنتَ بِنِعْمَهِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ (۲)

که به سبب نعمت و رحمت پروردگارت [که نبوّت، دانش و بصیرت است] تو مجنون نیستی؛ (۲)

وَإِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ (۳)

و بی تردید برای تو پاداشی دایم و همیشگی است؛ (۳)

وَإِنَّکَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ (۴)

و یقیناً تو بر بلندای سجایای اخلاقی عظیمی قرار داری. (۴)

فَسَتُبْصِرُ وَيُبْصِرُونَ (۵)

پس به زودی می بینی و [منکران هم] می بینند، (۵)

بِأَييِّكُمُ الْمَفْتُونُ (۶)

که کدام یک از شما دچار جنون اند؛ (۶)

إِنَّ رَبَّکَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَن ضَلَّ عَن سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ (۷)

بی تردید پروردگارت بهتر می داند چه کسی از راه او گمراه شده، و او به راه یافتگان داناتر است. .... (۷)

فَلَا تُطِعِ الْمُكَذِّبِينَ (۸)

از تکذیب کنندگان [قرآن و نبوّت] فرمان مبر. (۸)

وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ (۹)

دوست دارند نرمی کنی تا نرمی کنند، (۹)

وَلَا تُطِعْ كُلَّ حَلَّافٍ مَّهِينٍ (۱۰)

و از هر سوگند خورده زبون و فرومایه فرمان مبر، (۱۰)

هَمَّازٍ مَّشَّاءٍ بِنَمِيمٍ (۱۱)

آنکه بسیار عیب جوست، و برای سخن چینی در رفت و آمد است، (۱۱)

مَّنَّاعٍ لِّلْخَيْرِ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ (۱۲)

به شدت بازدارنده [مردم] از کار خیر و متجاوز و گنهکار است. (۱۲)

عُتُلٍّ بَعْدَ ذَلِکَ زَنِيمٍ (۱۳)

گذشته از این ها کینه توز و بی اصل و نسب است، (۱۳)

أَن كَانَ ذَا مَالٍ وَبَنِينَ (۱۴)

[سرکشی و یاغی گری اش] برای آن [است] که دارای ثروت و فرزندان فراوان است. (۱۴)

إِذَا تُتْلَى عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (۱۵)

هنگامی که آیات ما را بر او می خوانند، گوید: افسانه های پیشینیان است! (۱۵)

ص: ۵۶۴

سَنَسِمُهُ عَلَى الْخُرْطُومِ (۱۶)

به زودی بر بینیِ [پر باد و خرطوم مانند] ش داغ رسوایی و خواری می نهیم. (۱۶)

إِنَّا بَلَوْنَاهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّهِ إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ (۱۷)

بی تردید ما آنان را [که در مکه بودند] آزمودیم همان گونه که صاحبان آن باغ را [در منطقه یمن] آزمودیم، هنگامی که سوگند خوردند که صبحگاهان حتماً میوه های باغ را بچینند، (۱۷)

وَلَا يَسْتَثْنُونَ (۱۸)

و چیزی از آن را [برای تهیدستان و نیازمندان] استثنا نکردند. (۱۸)

فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِّن رَّبِّكَ وَهُمْ نَائِمُونَ (۱۹)

پس در حالی که صاحبان باغ در خواب بودند، بلایی فراگیر از سوی پروردگارت آن باغ را فرا گرفت. (۱۹)

فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ (۲۰)

پس [آن باغ] به صورت شبی تاریک درآمد [و جز خاکستر چیزی در آن دیده نمی شد!] (۲۰)

فَتَنَادَوْا مُصْبِحِينَ (۲۱)

وهنگام صبح یکدیگر را آوازدادند، (۲۱)

أَنِ اغْدُوا عَلَى حَرْثِكُمْ إِن كُنتُمْ صَارِمِينَ (۲۲)

که اگر قصد چیدن میوه دارید بامدادان به سوی کشتزار و باغتان حرکت کنید؛ (۲۲)

فَانطَلَقُوا وَهُمْ يَتَخَافَتُونَ (۲۳)

پس به راه افتادند در حالی که آهسته به هم می گفتند: (۲۳)

أَن لَّا يَدْخُلَنَّهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُم مِّسْكِينٌ (۲۴)

امروز نباید نیازمندی در این باغ بر شما وارد شود (۲۴)

وَغَدَوْا عَلَى حَرْدٍ قَادِرِينَ (۲۵)

و بامدادان به قصد اینکه تهیدستان را محروم گذارند به سوی باغ روان شدند. (۲۵)

فَلَمَّا رَأَوْهَا قَالُوا إِنَّا لَضَالُّونَ (۲۶)

پس چون [به باغ رسیدند و آن را نابود] دیدند، گفتند: یقیناً ما گمراه بوده ایم [که چنان تصمیم خلاف حقّی درباره مستمندان و تهیدستان گرفتیم.] (۲۶)

بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ (۲۷)

بلکه ما [از لطف خدا هم] محرومیم. (۲۷)

قَالَ أَوْسَطُهُمْ أَلَمْ أَقُل لَّكُمْ لَوْلَا تُسَبِّحُونَ (۲۸)

عاقل ترینشان گفت: آیا به شما نگفتم که چرا خدا را [به پاک بودن از هر عیب و نقصی] یاد نمی کنید [و چرا او را از انتقام گرفتن درمانده می دانید؟!] (۲۸)

قَالُوا سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ (۲۹)

گفتند: پروردگارا! تو را به پاکی می ستاییم، مسلماً ما ستمکار بوده ایم. (۲۹)

فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَلَاوَمُونَ (۳۰)

پس به یکدیگر رو کرده به سرزنش و ملامت هم پرداختند. (۳۰)

قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا طَاغِينَ (۳۱)

گفتند: وای بر ما که طغیان گر بوده ایم. (۳۱)

عَسَى رَبُّنَا أَن يُبْدِلَنَا خَيْرًا مِّنْهَا إِنَّا إِلَى رَبِّنَا رَاغِبُونَ (۳۲)

امید است پروردگارمان بهتر از آن را به ما عوض دهد چون ما [از هر چیزی دل بریده‌ایم و] به پروردگارمان راغب و علاقه مندیم. (۳۲)

كَذَلِكَ الْعَذَابُ وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (۳۳)

چنین است عذاب [دنیا] و عذاب آخرت اگر معرفت و آگاهی داشتند، بزرگ تر است. (۳۳)

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ عِندَ رَبِّهِمْ جَنَّاتِ النَّعِيمِ (۳۴)

بی تردید برای پرهیزکاران نزد پروردگارشان بهشت های پرنعمت است. (۳۴)

أَفَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ (۳۵)

آیا ما تسلیم شدگان [به فرمان ها و احکام خود] را چون مجرمان قرار می دهیم؟ (۳۵)

مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ (۳۶)

شما را چه شده؟ چگونه داوری می کنید؟! (۳۶)

أَمْ لَكُمْ كِتَابٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ (۳۷)

آیا شما را کتابی [آسمانی از نزد خدا] ست که در آن می خوانید (۳۷)

إِنَّ لَكُمْ فِيهِ لَمَا تَخَيَّرُونَ (۳۸)

که در آن جهان هر چه را شما بخواهید و انتخاب کنید برای شما خواهد بود؟! (۳۸)

أَمْ لَكُمْ أَيْمَانٌ عَلَيْنَا بَالِغَةٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِنَّ لَكُمْ لَمَا تَحْكُمُونَ (۳۹)

یا شما را بر ما تا روز قیامت پیمان و سوگند استواری است که هر چه را به سود خود حکم کنید ویژه شماست؟! (۳۹)

سَلْهُمْ أَيُّهُم بِذَلِكَ زَعِيمٌ (۴۰)

از آنان بپرس کدامشان ضامن آن ادعاست [که مسلمان و مجرم یکسانند؟!!] (۴۰)

أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ فَلْيَأْتُوا بِشُرَكَائِهِمْ إِن كَانُوا صَادِقِينَ (۴۱)

یا شریکانی [در ربوبیت خدا] دارند [که از آنان نزد خدا شفاعت کنند که در اجر و ثواب با مسلمانان یکسان شوند؟] پس اگر راستگویند، شریکانشان را [به میدان] آورند. (۴۱)

يَوْمَ يُكْشَفُ عَن سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ (۴۲)

[یاد کن] روزی را که کار بر آنان به شدت سخت و دشوار شود، [و آن روز که جای هیچ تکلیف و عبادتی نیست به عنوان سرزنش و ملامت] به سجده کردن دعوت شوند، ولی در خود قدرت و استطاعت [سجده کردن] نیابند! (۴۲)

خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ وَقَدْ كَانُوا يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ وَهُمْ سَالِمُونَ (۴۳)

دیدگانشان از شرم و حیا، فرو افتاده، خواری و ذلت آنان را فرا گیرد و اینان [در دنیا] به سجده [بر خدا] دعوت می شدند در حالی که تندرست بودند [ولی از فرمان خدا متکبرانه روی می گرداندند.] (۴۳)

فَذَرْنِي وَمَن يُكَذِّبُ بِهَذَا الْحَدِيثِ سَنَسْتَدْرِجُهُم مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ (۴۴)

پس مرا با کسانی که این قرآن را انکار می کنند واگذار، به زودی ما آنان را به تدریج از آن جا که نمی دانند [به سوی عذاب] می کشانیم؛ (۴۴)

وَأُمْلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ (۴۵)

و [البته] آنان را مهلت می دهیم [تا گناهشان را در حال بی خبری به نهایت برسانند]، بی تردید نقشه و تدبیر من استوار است. (۴۵)

أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُم مِّن مَّغْرَمٍ مُّثْقَلُونَ (۴۶)

[اینکه دعوتت را نمی پذیرند] مگر از آنان در برابر ابلاغ رسالت پاداشی می طلبی که از خسارت و زیانش سنگین بارند؟ (۴۶)

أَمْ عِندَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُبُونَ (۴۷)

یا غیب نزد آنان است و آنان از روی آن] می نویسند [و خود با تکیه بر آن به ادعاهای خود یقین می کنند و به دیگران هم خبر می دهند؟ (۴۷)

فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُن كَصَاحِبِ الْحُوتِ إِذْ نَادَى وَهُوَ مَكْظُومٌ (۴۸)

پس در برابر حکم و قضای پروردگارت [که هلاک کردن تدریجی این طاغیان است] شکیبا باش و مانند صاحب ماهی

[یونس] مباش [که شتاب در آمدن عذاب را برای قومش خواست و به این علت در شکم ماهی محبوس شد] و در آن حال با دلی مالامال از اندوه، خدا را ندا داد. (۴۸)

لَّوْلَا أَن تَدَارَكَهُ نِعْمَةٌ مِّن رَّبِّهِ لَنُبِذَ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ مَذْمُومٌ (۴۹)

اگر رحمت و لطفی از سوی پروردگارش او را در نیافته بود، یقیناً نکوهش شده به صحرایی بی آب و گیاه افکنده می شد. (۴۹)

فَاجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَجَعَلَهُ مِنَ الصَّالِحِينَ (۵۰)

پس پروردگارش او را برگزید و از شایستگان قرار داد (۵۰)

وَإِن يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ (۵۱)

و کافران چون قرآن را شنیدند، نزدیک بود تو را با چشمانشان بلغزانند [و از پای درآورند] و می گویند: بی تردید او دیوانه است! (۵۱)

وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ (۵۲)

در حالی که قرآن جز مایه تذکر و پند برای جهانیان نیست. (۵۲)

سوره الحاقه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَاقَّةُ (۱)

آن روز ثابت و حق [که وقوعش حتمی و تردیدناپذیر است،] (۱)

مَا الْحَاقَّةُ (۲)

آن روز ثابت و حق چیست؟ (۲)

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحَاقَّةُ (۳)

و تو چه می دانی که آن روز ثابت و حق چیست؟ (۳)

كَذَّبَتْ ثَمُودُ وَعَادٌ بِالْقَارِعَهِ (۴)

[قوم] ثمود و عاد آن روز کوبنده را انکار کردند؛ (۴)

فَأَمَّا ثَمُودُ فَأُهْلِكُوا بِالطَّاغِيَةِ (۵)

اما قوم ثمود با عذابی سرکش هلاک شدند، (۵)

وَأَمَّا عَادٌ فَأُهْلِكُوا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ (۶)

و اما قوم عاد با تندبادی بسیار سرد و طغیان گر نابود شدند، (۶)

سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا فَتَرَى الْقَوْمَ فِيهَا صَرْعَى كَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ خَاوِيَةٍ (۷)

که خدا آن را هفت شب و هشت روز پی در پی بر آنان مسلط کرد و [اگر آنجا بودی] می دیدی که آنان مانند تنه های پوسیده و پوک درختان خرما روی زمین افتاده [و هلاک شده اند.] (۷)

فَهَلْ تَرَى لَهُم مِّن بَاقِيَةٍ (۸)

آیا از آنان هیچ باقی مانده ای می بینی؟ (۸)

ص: ۵۶۶

وَجَاءَ فِرْعَوْنُ وَمَن قَبْلَهُ وَالْمُؤْتَفِكَاتُ بِالْخَاطِئَةِ (۹)

و فرعون و کسانی که پیش از او بودند و مردم شهرهای زیر و رو شده [قوم لوط] مرتکب گناهان بزرگ شدند، (۹)

فَعَصَوْا رَسُولَ رَبِّهِمْ فَأَخَذَهُمْ أَخْذَةً رَّابِيَةً (۱۰)

و فرستاده پروردگارشان را نافرمانی کردند و خدا هم آنان را به عذابی سخت گرفت. (۱۰)

إِنَّا لَمَّا طَغَى الْمَاءُ حَمَلْنَاكُمْ فِي الْجَارِيَةِ (۱۱)

هنگامی که آب طغیان کرد، ما شما را در کشتی سوار کردیم، (۱۱)

لِنَجْعَلَهَا لَكُمْ تَذْكِرَةً وَتَعِيَهَا أُذُنٌ وَاعِيَةٌ (۱۲)

تا آن را برای شما مایه تذکر و بیداری قرار دهیم و گوش شنوا آن را [به عنوان مایه عبرت و تذکر] حفظ کند. (۱۲)

فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ نَفْخَةٌ وَاحِدَةٌ (۱۳)

پس چون در صور یک بار دمیده شود، (۱۳)

وَحُمِلَتِ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ فَدُكَّتَا دَكَّةً وَاحِدَةً (۱۴)

و زمین و کوه ها از جای خود برداشته شوند و هر دوی آنها یک باره درهم کوبیده و ریز ریز گردند! (۱۴)

فَيَوْمَئِذٍ وَقَعَتِ الْوَاقِعَهُ (۱۵)

پس آن روز است که آن واقعه بزرگ واقع می شود؛ (۱۵)

وَانشَقَّتِ السَّمَاءُ فَهِیَ يَوْمَئِذٍ وَاهِيَهٌ (۱۶)

و آسمان بشکافد و در آن روز است که از هم گسسته و متلاشی گردد؛ (۱۶)

وَالْمَلَکُ عَلَی أَرْجَائِهَا وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّکَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَهٌ (۱۷)

و فرشتگان [برای اجرای دستورها حق] بر کناره ها و اطراف آسمان قرار می گیرند، ودر آن روز هشت فرشته، عرش پروردگارت را بر فراز همه آنها حمل می کنند. (۱۷)

يَوْمَئِذٍ تُعْرَضُونَ لَا تَخْفَی مِنكُمْ خَافِيَهٌ (۱۸)

آن روز [همه شما برای حسابرسی به پیشگاه خدا] عرضه می شوید در حالی که هیچ [عمل و نیّت] پوشیده ای از شما پنهان نمی ماند. (۱۸)

فَأَمَّا مَنْ أُوتِیَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَيَقُولُ هَاؤُمُ اقْرَءُوا كِتَابِيَهْ (۱۹)

اما کسی که پرونده اش را به دست راستش دهند، می گوید: [ای مردم!] پرونده مرا بگیرید و بخوانید. (۱۹)

إِنِّی ظَنَنتُ أَنِّی مُلَاقٍ حِسَابِيَهْ (۲۰)

من یقین داشتم که حساب اعمالم را می بینم [به این سبب همه اعمالم را هماهنگ با احکام خدا انجام دادم و کردار بدم را اصلاح کردم.] (۲۰)

فَهُوَ فِی عِيشَهٍ رَّاضِيَهٍ (۲۱)

پس او در یک زندگی خوش و پسندیده ای است. (۲۱)

فِی جَنَّهٍ عَالِيَهٍ (۲۲)

در بهشتی برین (۲۲)

قُطُوفُهَا دَانِيَةٌ (٢٣)

که میوه هایش در دسترس است. (٢٣)

كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا أَسْلَفْتُمْ فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ (٢۴)

[به آنان گویند:] بخورید و بیاشامید، گوارایتان باد به سبب اعمالی که در ایام گذشته انجام دادید؛ (٢۴)

وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتَ كِتَابِيَهْ (٢۵)

و اما کسی که پرونده اعمالش را به دست چپش دهند، می گوید: ای کاش پرونده ام را دریافت نمی کردم، (٢۵)

وَلَمْ أَدْرِ مَا حِسَابِيَهْ (٢۶)

و نمی دانستم حساب من چیست؟ (٢۶)

يَا لَيْتَهَا كَانَتِ الْقَاضِيَةَ (٢٧)

ای کاش همان مرگ اول [که مرا از دنیا به آخرت انتقال داد] کارم را یکسره می کرد [و در نیستی ابد قرارم می داد،] (٢٧)

مَا أَغْنَى عَنِّي مَالِيَهْ (٢٨)

ثروتم عذاب را از من دفع نکرد، (٢٨)

هَلَكَ عَنِّي سُلْطَانِيَهْ (٢٩)

قدرت و توانم از دست رفت. (٢٩)

خُذُوهُ فَغُلُّوهُ (٣٠)

[فرمان آید] او را بگیرید و در غل و زنجیرش کشید، (٣٠)

ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلُّوهُ (٣١)

آن گاه به دوزخش دراندازید، (٣١)

ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ (٣٢)

سپس او را در زنجیری که طولش هفتاد ذرع است به بند کشید، (٣٢)

إِنَّهُ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ (۳۳)

زیرا او به خدای بزرگ ایمان نمی آورده (۳۳)

وَلَا يَحُضُّ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ (۳۴)

و مردم را به اطعام نیازمندان تشویق نمی کرده. (۳۴)

ص: ۵۶۷

فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ هَاهُنَا حَمِيمٌ (۳۵)

پس امروز او را در اینجا دوست مهربان و حمایت گری نیست؛ (۳۵)

وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنْ غِسْلِينٍ (۳۶)

و نه غذایی مگر چرکاب و کثافات [ی از بدن اهل دوزخ!] (۳۶)

لَّا يَأْكُلُهُ إِلَّا الْخَاطِئُونَ (۳۷)

که آن را جز خطاکاران نمی خورند. (۳۷)

فَلَا أُقْسِمُ بِمَا تُبْصِرُونَ (۳۸)

پس سوگند یاد می کنم به آنچه [از محسوسات] می بینید، (۳۸)

وَمَا لَا تُبْصِرُونَ (۳۹)

و آنچه [از غیر محسوسات] نمی بینید، (۳۹)

إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ (۴۰)

بی تردید این قرآن، گفتار فرستاده ای بزرگوار است، (۴۰)

وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلًا مَّا تُؤْمِنُونَ (۴۱)

و آن گفتار یک شاعر نیست، ولی جز اندکی ایمان نمی آورید، (۴۱)

وَلَا بِقَوْلِ كَاهِنٍ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ (۴۲)

و گفتار کاهن هم نیست، ولی جز اندکی متذکّر نمی شوید. (۴۲)

تَنزِيلٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ (۴۳)

نازل شده از سوی پروردگار جهانیان است. (۴۳)

وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ (۴۴)

و اگر [او] پاره ای از گفته ها را به دروغ بر ما می بست، (۴۴)

لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ (۴۵)

ما او را به شدت می گرفتیم، (۴۵)

ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ (۴۶)

سپس رگ قلبش را پاره می کردیم؛ (۴۶)

فَمَا مِنكُم مِّنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ (۴۷)

در آن صورت هیچ کدام از شما مانع از عذاب او نبود، (۴۷)

وَإِنَّهُ لَتَذْكِرَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ (۴۸)

بی تردید این قرآن، وسیله پند و تذکری برای پرهیزکاران است. (۴۸)

وَإِنَّا لَنَعْلَمُ أَنَّ مِنكُم مُّكَذِّبِينَ (۴۹)

و ما به یقین می دانیم که از میان شما انکارکنندگانی هست. (۴۹)

وَإِنَّهُ لَحَسْرَةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ (۵۰)

و این انکار قطعاً مایه حسرت کافران است، (۵۰)

وَإِنَّهُ لَحَقُّ الْيَقِينِ (۵۱)

و بی تردید این قرآن، حقّی یقینی است. (۵۱)

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ (۵۲)

پس به نام پروردگارت تسبیح گوی. (۵۲)

سوره المعارج

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ (۱)

درخواست کننده ای عذابی را که واقع شدنی است درخواست کرد، (۱)

لِّلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ (۲)

[عذابی که] ویژه کافران است، [و] آن را بازدارنده ای نیست. (۲)

مِّنَ اللَّهِ ذِی الْمَعَارِجِ (۳)

[این عذاب] از سوی خدای صاحب درجات است. (۳)

تَعْرُجُ الْمَلَائِكَهُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِی يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَهٍ (۴)

فرشتگان و روح در روزی که مقدارش پنجاه هزار سال است به سوی او بالا می روند. (۴)

فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا (۵)

پس صبر کن صبری نیکو [صبری که در کنارش جزع و ناخشنودی نباشد.] (۵)

إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا (۶)

دشمنان و مخالفان، آن [عذاب] را دور می بینند (۶)

وَنَرَاهُ قَرِيبًا (۷)

و ما آن را نزدیک می بینیم. (۷)

يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ (۸)

روزی که آسمان چون فلز گداخته گردد (۸)

وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ (۹)

و کوه ها مانند پشم رنگینِ حلاجی شده شود (۹)

وَلَا يَسْأَلُ حَمِيمٌ حَمِيمًا (١٠)

و هيچ خويشاوند و دوست صميمى از [اوضاع و احوال] خويشاوند و دوست صميمى اش نپرسد! (١٠)

ص: ۵۶۸

يُبَصَّرُونَهُمْ يَوَدُّ الْمُجْرِمُ لَوْ يَفْتَدِي مِنْ عَذَابِ يَوْمِئِذٍ بِبَنِيهِ (١١)

آنان را نشانشان مى دهند [ولى به خاطر دل مشغولى خود هرگز به آنان توجه نكنند!] گنهكار آرزو مى كند كه اى كاش مى توانست فرزندانش را در برابر عذاب آن روز فديه و عوض دهد! (١١)

وَصَاحِبَتِهِ وَأَخِيهِ (١٢)

و نيز همسر و برادرش را (١٢)

وَفَصِيلَتِهِ الَّتِي تُؤْوِيهِ (١٣)

و قبيله و قومش را كه [در دنيا] به او پناه مى دادند، (١٣)

وَمَن فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ يُنجِيهِ (١۴)

و نيز همه كسانى را كه در روى زمين اند تا [اين فديه و عوض] او را [از عذاب آن روز] نجات دهد! (١۴)

كَلَّا إِنَّهَا لَظَى (١۵)

اين چنين نيست [كه برايش راه نجاتى باشد] همانا آتش زبانه مى كشد، (١۵)

نَزَّاعَةً لِّلشَّوَى (١۶)

در حالى كه دست و پا و پوست سر را بر مى كند!! (١۶)

تَدْعُو مَنْ أَدْبَرَ وَتَوَلَّى (١٧)

هر كه را به حق پشت كرده واز دعوت حق روى گردانده، مى طلبد، (١٧)

وَجَمَعَ فَأَوْعَى (١٨)

و آن را كه ثروت جمع كرده و به ذخيره سازى و انباشتن پرداخته، مى خواند؛ (١٨)

إِنَّ الْإِنسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا (١٩)

همانا انسان حریص و بی تاب آفریده شده است؛ (١٩)

إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا (٢٠)

چون آسیبی به او رسد، بی تاب است، (٢٠)

وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا (٢١)

و هنگامی که خیر و خوشی [و مال و رفاهی] به او رسد، بسیار بخیل و بازدارنده است، (٢١)

إِلَّا الْمُصَلِّينَ (٢٢)

مگر نماز گزاران، (٢٢)

الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ (٢٣)

آنان که همواره بر نمازشان مداوم و پایدارند، (٢٣)

وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ (٢۴)

و آنان که در اموالشان حقّی معلوم است (٢۴)

لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ (٢۵)

برای درخواست کننده [تهیدست] و محروم [از معیشت و ثروت،] (٢۵)

وَالَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ (٢۶)

و آنان که همواره روز پاداش را باور دارند، (٢۶)

وَالَّذِينَ هُم مِّنْ عَذَابِ رَبِّهِم مُّشْفِقُونَ (٢٧)

و آنان که از عذاب پروردگارشان بیمناکند، (٢٧)

إِنَّ عَذَابَ رَبِّهِمْ غَيْرُ مَأْمُونٍ (٢٨)

زیرا که از عذاب پروردگارشان ایمنی نیست، (٢٨)

وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ (۲۹)

و آنان که دامنشان را [از آلوده شدن به شهوات حرام] حفظ می کنند، (۲۹)

إِلَّا عَلَى أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ (۳۰)

مگر در کام جویی از همسران و کنیزانشان که آنان در این زمینه مورد سرزنش نیستند. (۳۰)

فَمَنِ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ (۳۱)

پس کسانی که در بهره گیری جنسی راهی غیر از این جویند، تجاوزکار از حدود حق اند، (۳۱)

وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ (۳۲)

و آنان که امانت ها و پیمان های خود را رعایت می کنند، (۳۲)

وَالَّذِينَ هُم بِشَهَادَاتِهِمْ قَائِمُونَ (۳۳)

و آنان که بر ادای گواهی های خود پای بند و متعهدند، (۳۳)

وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ (۳۴)

و آنان که همواره بر [اوقات و شرایط ظاهری و معنوی] نمازهایشان محافظت دارند. (۳۴)

أُولَئِكَ فِي جَنَّاتٍ مُّكْرَمُونَ (۳۵)

اینان در بهشت ها، مکرّم و محترم اند (۳۵)

فَمَالِ الَّذِينَ كَفَرُوا قِبَلَكَ مُهْطِعِينَ (۳۶)

کافران را چه شده که به تو چشم دوخته به سویت شتابانند؟ (۳۶)

عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ عِزِينَ (۳۷)

از راست و چپ، گروه گروه، (۳۷)

أَيَطْمَعُ كُلُّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ أَن يُدْخَلَ جَنَّةَ نَعِيمٍ (۳۸)

آیا هر یک از آنان طمع دارد که او را در بهشت پرنعمت درآورند؟! (۳۸)

كَلَّا إِنَّا خَلَقْنَاهُم مِّمَّا يَعْلَمُونَ (٣٩)

این چنین نیست، ما آنان را از آنچه خود می دانند [آبی گندیده و بی مقدار] آفریدیم. (٣٩)

ص: ۵۶۹

فَلَا أُقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ إِنَّا لَقَادِرُونَ (۴٠)

به پروردگار مشرق ها و مغرب ها سوگند که ما تواناییم، (۴٠)

عَلَى أَن نُّبَدِّلَ خَيْرًا مِّنْهُمْ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ (۴١)

بر اینکه به جای آنان بهتر از آنان را بیاوریم؛ و هیچ چیز ما را مغلوب نمی کند. (۴١)

فَذَرْهُمْ يَخُوضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّى يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوعَدُونَ (۴٢)

پس آنان را واگذار تا [در گفتار باطل] فرو روند و مشغول بازی باشند، تا روزشان را که به آنان وعده داده اند دیدار کنند، (۴٢)

يَوْمَ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ سِرَاعًا كَأَنَّهُمْ إِلَى نُصُبٍ يُوفِضُونَ (۴٣)

روزی که شتابان از خاک بیرون آیند، گویی به سوی نشانه های نصب شده می دوند، (۴٣)

خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ ذَلِكَ الْيَوْمُ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ (۴۴)

درحالی که دیدگانشان [از شدت ترس] فرو افتاده، خواری و ذلت آنان را می پوشاند. این همان روزی است که همواره وعده داده می شدند. (۴۴)

سوره نوح

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ أَنْ أَنذِرْ قَوْمَكَ مِن قَبْلِ أَن يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (١)

ما نوح را به سوی قومش فرستادیم که قوم خود را پیش از آنکه عذابی دردناکبه آنان رسد، بیم ده. (١)

قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ (٢)

گفت: ای قوم من! همانا من شما را بیم دهنده ایآشکارم، (٢)

أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ وَأَطِيعُونِ (٣)

که خدا را بپرستید و از او پروا کنید و از من اطاعت نمایید، (۳)

يَغْفِرْ لَكُم مِّن ذُنُوبِكُمْ وَيُؤَخِّرْكُمْ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ أَجَلَ اللَّهِ إِذَا جَاءَ لَا يُؤَخَّرُ لَوْ كُنتُمْ تَعْلَمُونَ (۴)

تا خدا گناهانتان را بیامرزد و شما را تا زمانی معین مهلت دهد. اگر آگاهی داشته باشید [توجه خواهید کرد که] بی تردید هنگامی که اجل خدایی فرا رسد، تأخیر نخواهد داشت. (۴)

قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا (۵)

گفت: پروردگارا! همانا قوم خود را شب و روز [به آیین توحید] دعوت کردم، (۵)

فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَائِي إِلَّا فِرَارًا (۶)

ولی دعوت من جز بر فرارشان نیفزود، (۶)

وَإِنِّي كُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ وَاسْتَغْشَوْا ثِيَابَهُمْ وَأَصَرُّوا وَاسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا (۷)

و من هرگاه آنان را دعوت کردم تا آنان را بیامرزی، انگشتان خود را در گوش هایشان کردند و جامه هایشان را به سر کشیدند و بر انکار خود پافشاری ورزیدند و به شدت تکبر کردند، (۷)

ثُمَّ إِنِّي دَعَوْتُهُمْ جِهَارًا (۸)

آن گاه آنان را آشکارا دعوت کردم، (۸)

ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا (۹)

سپس آشکار و پنهان آنان را خواندم. (۹)

فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا (۱۰)

پس [به آنان] گفتم: از پروردگارتان آمرزش بخواهید که او همواره بسیار آمرزنده است. (۱۰)

ص: ۵۷۰

يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُم مِّدْرَارًا (۱۱)

تا بر شما از آسمان باران پی در پی و با برکت فرستد، (۱۱)

وَيُمْدِدْكُم بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَل لَّكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَل لَّكُمْ أَنْهَارًا (۱۲)

و شما را با اموال و فرزندان یاری کند، و برایتان باغ ها و نهرها قرار دهد، (۱۲)

مَّا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا (۱۳)

شما را چه شده که [ربوبیت خدا را نفی کرده و در نتیجه از بندگی اش دست برداشته و] به عظمت و بزرگی خدا امید ندارید؟ (۱۳)

وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا (۱۴)

در حالی که شما را مرحله به مرحله [خاک، نطفه، علقه، مضغه، گوشت، استخوان و...] آفریده است (۱۴)

أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا (۱۵)

آیا ندانسته اید که خدا هفت آسمان را چگونه بر فراز یکدیگر آفرید؟ (۱۵)

وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَجَعَلَ الشَّمْسَ سِرَاجًا (۱۶)

و ماه را در میان آنها روشنی بخش، و خورشید را چراغ فروزان قرار داد، (۱۶)

وَاللَّهُ أَنبَتَكُم مِّنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا (۱۷)

و خدا شما را از زمین [مانند] گیاهی رویانید، (۱۷)

ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَيُخْرِجُكُمْ إِخْرَاجًا (۱۸)

سپس شما را در آن باز می گرداند و باز به صورتی ویژه بیرون می آورد، (۱۸)

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ بِسَاطًا (۱۹)

و خدا زمین را برای شما فرشی گسترده قرار داد، (۱۹)

لِّتَسْلُكُوا مِنْهَا سُبُلًا فِجَاجًا (۲۰)

تا از راه ها و جاده های وسیع آن [هر جا که خواستید] بروید؟ (۲۰)

قَالَ نُوحٌ رَّبِّ إِنَّهُمْ عَصَوْنِي وَاتَّبَعُوا مَن لَّمْ يَزِدْهُ مَالُهُ وَوَلَدُهُ إِلَّا خَسَارًا (۲۱)

نوح گفت: پروردگارا! آنان از من نافرمانی کردند و از کسانی [چون سردمداران کفر و متولیان بتخانه] پیروی نمودند که اموال و فرزندانشان جز خسارت و زیانی بر آنان نیفزود! (۲۱)

وَمَكَرُوا مَكْرًا كُبَّارًا (۲۲)

و [این پیشوایان گمراهی، برای گمراه نگاه داشتن این مردم] نیرنگی بزرگ به کار گرفتند، (۲۲)

وَقَالُوا لَا تَذَرُنَّ آلِهَتَكُمْ وَلَا تَذَرُنَّ وَدًّا وَلَا سُوَاعًا وَلَا يَغُوثَ وَيَعُوقَ وَنَسْرًا (۲۳)

و گفتند: دست از معبودانتان بر ندارید، و هرگز [بت های] وَدّ و سواع و یغوث و یعوق و نسر را رها نکنید؛ (۲۳)

وَقَدْ أَضَلُّوا كَثِيرًا وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا ضَلَالًا (۲۴)

همانا بسیاری را گمراه کردند. و [پروردگارا!] ستمکاران را جز گمراهی میفزا. (۲۴)

مِّمَّا خَطِيئَاتِهِمْ أُغْرِقُوا فَأُدْخِلُوا نَارًا فَلَمْ يَجِدُوا لَهُم مِّن دُونِ اللَّهِ أَنصَارًا (۲۵)

[همه آنان] به سبب گناهانشان غرق شدند و بی درنگ در آتشی درآورده شدند که [از آن] در برابر خدا برای خود یاورانی نیافتند، (۲۵)

وَقَالَ نُوحٌ رَّبِّ لَا تَذَرْ عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا (۲۶)

و نوح گفت: پروردگارا! هیچ یک از کافران را بر روی زمین باقی مگذار (۲۶)

إِنَّكَ إِن تَذَرْهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا (۲۷)

که اگر آنان را باقی گذاری، بندگانت را گمراه می کنند و جز نسلی بدکار و ناسپاس زاد و ولد نمی کنند. (۲۷)

رَّبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَن دَخَلَ بَيْتِيَ مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا (۲۸)

پروردگارا! مرا و پدر و مادرم را و هر کس که با ایمان به خانه ام درآید و همه مردان و زنان با ایمان را بیامرز، و ستمکاران را جز هلاکت میفزای. (۲۸)

ص: ۵۷۱

سوره الجن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا (۱)

بگو: به من وحی شده که گروهی از جنّ [به قرآن] گوش دادند و گفتند: همانا ما قرآن شگفت آوری شنیدیم، (۱)

يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ وَلَن نُّشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا (۲)

که به سوی راه راست هدایت می کند، پس به آن ایمان آوردیم و هرگز احدی را شریک پروردگارمان قرار نخواهیم داد، (۲)

وَأَنَّهُ تَعَالَى جَدُّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا (۳)

و [این حقایق را اعتراف و اقرار می کنیم:] اینکه برتر و بلند است عظمت پروردگارمان، و او هرگز برای خود همسری و فرزندی نگرفته است، (۳)

وَأَنَّهُ كَانَ يَقُولُ سَفِيهُنَا عَلَى اللَّهِ شَطَطًا (۴)

و اینکه سبک مغز و نادان ما همواره درباره خدا سخنی دور از حق می گفت [که او دارای همسر و فرزند است!] (۴)

وَأَنَّا ظَنَنَّا أَن لَّن تَقُولَ الْإِنسُ وَالْجِنُّ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا (۵)

و اینکه گمان می کردیم، هرگز انس و جن بر خدا دروغ نمی بندند، (۵)

وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِّنَ الْإِنسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِّنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا (۶)

و اینکه مردانی از آدمیان به مردانی از جن پناه می بردند، پس [مردان جن] بر طغیان و تباهی آنان افزودند، (۶)

وَأَنَّهُمْ ظَنُّوا كَمَا ظَنَنتُمْ أَن لَّن يَبْعَثَ اللَّهُ أَحَدًا (۷)

و مردانی از انس پنداشتند چنان که شما [جنیان] پنداشتید که خدا هرگز کسی را [به نبوّت] برنمی انگیزد! (۷)

وَأَنَّا لَمَسْنَا السَّمَاءَ فَوَجَدْنَاهَا مُلِئَتْ حَرَسًا شَدِيدًا وَشُهُبًا (۸)

و اینکه [برای کسب خبر] به آسمان نزدیک شدیم، پس آن را پر از نگهبانان نیرومند و تیرهای شهاب یافتیم، (۸)

وَأَنَّا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقَاعِدَ لِلسَّمْعِ فَمَن يَسْتَمِعِ الْآنَ يَجِدْ لَهُ شِهَابًا رَّصَدًا (۹)

و اینکه ما در آسمان برای شنیدن [خبرهای ملکوتی و سخنان فرشتگان] در نشست گاه هایی می نشستیم، ولی اکنون هر که بخواهد استراق سمع کند، شهابی را در کمین خود می یابد! (۹)

وَأَنَّا لَا نَدْرِي أَشَرٌّ أُرِيدَ بِمَن فِي الْأَرْضِ أَمْ أَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشَدًا (۱۰)

و اینکه ما نمی دانیم آیا درباره کسانی که در زمین هستند گزند و شری خواسته شده یا پروردگارشان برای آنان هدایت خواسته است؟ (۱۰)

وَأَنَّا مِنَّا الصَّالِحُونَ وَمِنَّا دُونَ ذَلِکَ کُنَّا طَرَائِقَ قِدَدًا (١١)

واینکه از ما برخی شایسته وبرخی غیر شایسته اند، [و] ما بر مذاهب گوناگون ومتفاوتی هستیم، (١١)

وَأَنَّا ظَنَنَّا أَن لَّن نُّعْجِزَ اللَّهَ فِی الْأَرْضِ وَلَن نُّعْجِزَهُ هَرَبًا (١٢)

و اینکه ما یقین داریم که هرگز نمی توانیم خدا را در زمین عاجز و درمانده کنیم و هرگز نمی توانیم [با گریختن و فرار] از دسترس قدرت او بیرون رویم، (١٢)

وَأَنَّا لَمَّا سَمِعْنَا الْهُدَی آمَنَّا بِهِ فَمَن یُؤْمِن بِرَبِّهِ فَلَا یَخَافُ بَخْسًا وَلَا رَهَقًا (١٣)

و اینکه چون هدایت قرآن را شنیدیم به آن ایمان آوردیم؛ زیرا کسی که به پروردگارش ایمان آورد نه از کاسته شدن ثواب می ترسد و نه از اینکه عذاب و سختی و مشقت و رنج او را احاطه کند، (١٣)

ص: ۵۷۲

وَأَنَّا مِنَّا الْمُسْلِمُونَ وَمِنَّا الْقَاسِطُونَ فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُوْلَئِکَ تَحَرَّوْا رَشَدًا (١۴)

و اینکه گروهی از ما تسلیم [فرمان ها و احکام] خدایند، و برخی منحرف اند، پس کسانی که تسلیم شدند در صدد یافتن حقیقت و راه مستقیم اند، (١۴)

وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَکَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا (١۵)

ولی منحرفان هیزم دوزخ اند، (١۵)

وَأَن لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَی الطَّرِیقَهِ لَأَسْقَیْنَاهُم مَّاءً غَدَقًا (١۶)

و اگر [انس و جن] بر طریقه حق پایداری کنند حتماً آنان را از آب فراوانی سیراب خواهیم کرد، (١۶)

لِّنَفْتِنَهُمْ فِیهِ وَمَن یُعْرِضْ عَن ذِکْرِ رَبِّهِ یَسْلُکْهُ عَذَابًا صَعَدًا (١٧)

تا آنان را در زمینه فراوانی نعمت بیازماییم و کسی که از یاد پروردگارش روی برگرداند، او را در عذابی بسیار سخت و روز افزون درخواهد آورد، (١٧)

وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا (١٨)

و مساجد ویژه خداست، پس هیچ کس را با خدا مپرستید، (١٨)

وَأَنَّهُ لَمَّا قَامَ عَبْدُ اللَّهِ يَدْعُوهُ كَادُوا يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَدًا (١٩)

و اینکه هنگامی که بنده خدا [محمّد] برمی خاست تا خدا را عبادت کند [از جنیان به اندازه ای به سویش هجوم می بردند که] نزدیک بود جمعیت انبوه و متراکمی بر سر او بریزد، (١٩)

قُلْ إِنَّمَا أَدْعُو رَبِّی وَلَا أُشْرِكُ بِهِ أَحَدًا (٢٠)

بگو: من فقط پروردگارم را می پرستم، و هیچ کس را شریک او قرار نمی دهم. (٢٠)

قُلْ إِنِّی لَا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا (٢١)

بگو: من اختیار زیان و هدایتی را برای شما ندارم. (٢١)

قُلْ إِنِّی لَن یُجِیرَنِی مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ وَلَنْ أَجِدَ مِن دُونِهِ مُلْتَحَدًا (٢٢)

بگو: [اگر از او نافرمانی کنم] هرگز کسی در برابر [عذاب] خدا مرا پناه نمی دهد، و هرگز پناهگاهی غیر او نمی یابم. (٢٢)

إِلَّا بَلَاغًا مِّنَ اللَّهِ وَرِسَالَاتِهِ وَمَن یَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِینَ فِیهَا أَبَدًا (٢٣)

[وظیفه من] فقط رساندن [برنامه های سعادت بخش] از سوی خدا و [رساندن] پیام های اوست. و آنان که از خدا و پیامبرش نافرمانی کنند، مسلماً آتش دوزخ برای آنان است و در آن جاودانه و همیشگی اند. (٢٣)

حَتَّى إِذَا رَأَوْا مَا یُوعَدُونَ فَسَیَعْلَمُونَ مَنْ أَضْعَفُ نَاصِرًا وَأَقَلُّ عَدَدًا (٢٤)

[اینان همواره شما را ضعیف و ناتوان و بی یار می شمارند] تا زمانی که آنچه را [از عذاب] وعده داده می شوند ببینند، پس به زودی آگاه می شوند چه کسی یاورش ناتوان تر و نفراتش کمتر است؟ (٢٤)

قُلْ إِنْ أَدْرِی أَقَرِیبٌ مَّا تُوعَدُونَ أَمْ یَجْعَلُ لَهُ رَبِّی أَمَدًا (٢٥)

بگو: نمی دانم آیا آنچه را وعده داده می شوید نزدیک است یا پروردگارم برای آن زمانی طولانی قرار خواهد داد؟ (٢٥)

عَالِمُ الْغَیْبِ فَلَا یُظْهِرُ عَلَى غَیْبِهِ أَحَدًا (٢٦)

[او] دانای غیب است و هیچ کس را بر غیب خود آگاه نمی کند؛ (٢٦)

إِلَّا مَنِ ارْتَضَى مِن رَّسُولٍ فَإِنَّهُ یَسْلُكُ مِن بَیْنِ یَدَیْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا (٢٧)

مگر پیامبرانی را که [برای آگاه شدن از غیب] برگزیده است، پس نگهبانانی [برای محافظت از آنان] از پیش رو و پشت

سرشان می گمارد (۲۷)

لِّيَعْلَمَ أَن قَدْ أَبْلَغُوا رِسَالَاتِ رَبِّهِمْ وَأَحَاطَ بِمَا لَدَيْهِمْ وَأَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا (۲۸)

تـا مشـخص کنـد که پیام های پروردگارشان را [به طور کامل به مردم] رسانـده انـد و او به آنچه نزد آنان است احاطه دارد، و همه چیز را از جهت عدد، شماره و احصا کرده است. (۲۸)

ص: ۵۷۳

سوره المزمل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا أَيُّهَا الْمُزَّمِّلُ (۱)

ای جامه بر خود پیچیده! (۱)

قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا (۲)

شب را جز اندکی [که ویژه استراحت است، برای عبادت] برخیز؛ (۲)

نِّصْفَهُ أَوِ انقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا (۳)

نصف [همه ساعات] شب [را به عبادت اختصاص ده] یا اندکی ازنصف بکاه، (۳)

أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا (۴)

یا [مقداری] بر نصف بیفزا، و قرآن را شمرده و روشن و با تأمل و دقت بخوان. (۴)

إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا (۵)

به یقین ما به زودی گفتاری سنگین [چون آیات قرآن] به تو القا خواهیمکرد. (۵)

إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلًا (۶)

بی تردید عبادت [ی که در دل] شب [انجام می گیرد] محکم تر و پایدارتر و گفتار در آن استوارتر و درست تر است. (۶)

إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا (۷)

تو را در روز [برای مشاغل فراوان معنوی و هدایت مردم و حل مشـکلات نیازمندان،] رفت و آمدی طولانی است [پس ساعات شب برای عبادت فرصتی بهتر است.] (۷)

وَاذْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ وَتَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلًا (٨)

نام پروردگارت را [به زبان حال و قال] یاد کن [و از غیر او قطع امید نما] و فقط دل بر او بند. (٨)

رَّبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا (٩)

[همان که] پروردگار مشرق و مغرب [است]، هیچ معبودی جز او نیست، پس او را وکیل و کارساز خود انتخاب کن، (٩)

وَاصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا (١٠)

و بر گفتار [و آزار] مشرکان شکیبا باش و از آنان به شیوه ای پسندیده دوری کن، (١٠)

وَذَرْنِي وَالْمُكَذِّبِينَ أُولِي النَّعْمَةِ وَمَهِّلْهُمْ قَلِيلًا (١١)

و مرا با تکذیب کنندگان توانگر و نازپرورده واگذار و آنان را اندکی مهلت ده، (١١)

إِنَّ لَدَيْنَا أَنكَالًا وَجَحِيمًا (١٢)

که حتماً [برای آنان] نزد ما [به کیفر اعمالشان] زنجیرهایی گران و آتشی به شدت شعلهور است، (١٢)

وَطَعَامًا ذَا غُصَّةٍ وَعَذَابًا أَلِيمًا (١٣)

و غذایی گلوگیر و عذابی دردناک است، (١٣)

يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ وَكَانَتِ الْجِبَالُ كَثِيبًا مَّهِيلًا (١۴)

در روزی که زمین و کوه ها به لرزه درآیند، و کوه ها به صورت توده ای شن روان گردند! (١۴)

إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَاهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَى فِرْعَوْنَ رَسُولًا (١۵)

ما پیامبری که گواه بر [اعمال] شماست، به سویتان فرستادیم، همان گونه که به سوی فرعون، رسولی فرستادیم؛ (١۵)

فَعَصَى فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ فَأَخَذْنَاهُ أَخْذًا وَبِيلًا (١۶)

پس فرعون از آن رسول نافرمانی کرد، پس او را به عذابی سخت گرفتیم. (١۶)

فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِن كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا (١٧)

اگر امروز کفر بورزید، پس چگونه خود را [از عذاب] روزی که کودکان را پیر می کند، حفظ می نمایید؟! (١٧)

السَّمَاءُ مُنفَطِرٌ بِهِ كَانَ وَعْدُهُ مَفْعُولًا (١٨)

آسمان به سبب شدت و كوبندگى آن روز، درهم شكافته مى شود و قطعاً وعده خدا شدنى است. (١٨)

إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَن شَاءَ اتَّخَذَ إِلَى رَبِّهِ سَبِيلًا (١٩)

بى ترديد اين [قرآن] مايه تذكر و پند است، پس هر كس بخواهد راهى به سوى پروردگارش [باتكيه براين قرآن] برگزيند. (١٩)

ص: ۵۷۴

إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَى مِن ثُلُثَيِ اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَثُلُثَهُ وَطَائِفَةٌ مِّنَ الَّذِينَ مَعَكَ وَاللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ عَلِمَ أَن لَّن تُحْصُوهُ فَتَابَ عَلَيْكُمْ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ عَلِمَ أَن سَيَكُونُ مِنكُم مَّرْضَى وَآخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِن فَضْلِ اللَّهِ وَآخَرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُم مِّنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِندَ اللَّهِ هُوَ خَيْرًا وَأَعْظَمَ أَجْرًا وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (٢٠)

پروردگارت آگاه است كه تو و گروهى از كسانى كه با تواند، نزديك به دو سوم شب و گاهى نيمى از آن و زمانى يك سومش را [براى عبادت و خواندن قرآن] برمى خيزد، و خدا شب و روز را [دقيق و منظم] اندازه گيرى مى كند، و براى او مشخص است كه شما هرگز نمى توانيد [به علت كوتاهى و بلندى شب در طول سال، دو سوم و نصف و يك سوم را دقيقاً] اندازه گيرى كنيد، پس [اندازه گيرى دقيق را] بر شما بخشيد؛ بنابراين آنچه را از قرآن براى شما ميسر است بخوانيد. او مى داند كه به زودى برخى از شما بيمار مى شوند، و گروهى براى به دست آوردن رزق و روزى خدا در زمين سفر مى كنند، و بعضى در راه خدا مى جنگند؛ پس آنچه را از آن ميسر است بخوانيد و نماز را برپا داريد و زكات بپردازيد و وام نيكو به خدا بدهيد؛ و آنچه را از عمل خير براى خود پيش مى فرستيد، آن را نزد خدا به بهترين صورت و بزرگ ترين پاداش خواهيد يافت؛ و از خدا آمرزش بخواهيد كه خدا بسيار آمرزنده و مهربان است. (٢٠)

سوره المدثر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ (١)

اى جامه برخود پوشيده! (١)

قُمْ فَأَنذِرْ (٢)

برخيز و بيم ده، (٢)

وَرَبَّكَ فَكَبِّرْ (٣)

و پروردگارت را بزرگ دار، (۳)

وَثِيَابَكَ فَطَهِّرْ (۴)

و جامه ات را پاک کن، (۴)

وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ (۵)

و از پلیدی دور شو (۵)

وَلَا تَمْنُن تَسْتَكْثِرُ (۶)

و [احسانت را بر دیگران] در حالی که [آن را] بزرگ و فراوان بینی، منت مگذار، (۶)

وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ (۷)

و [بر آزار دشمنان] برای پروردگارت شکیبایی ورز. (۷)

فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ (۸)

پس زمانی که در صور دمیده شود، (۸)

فَذَلِكَ يَوْمَئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ (۹)

آن روز، روز بسیار سختی است، (۹)

عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرُ يَسِيرٍ (۱۰)

بر کافران آسان نیست، (۱۰)

ذَرْنِي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا (۱۱)

مرا با کسی که او را به تنهایی آفریدم واگذار، (۱۱)

وَجَعَلْتُ لَهُ مَالًا مَّمْدُودًا (۱۲)

و برایش ثروت گسترده و فراوان قرار دادم، (۱۲)

وَبَنِينَ شُهُودًا (۱۳)

و فرزندانی که نزدش حاضرند (۱۳)

وَمَهَّدتُّ لَهُ تَمْهِيدًا (۱۴)

و نعمت ها [ی مادی و وسایل زندگی] را به طور کامل برای او فراهم آوردم، (۱۴)

ثُمَّ يَطْمَعُ أَنْ أَزِيدَ (۱۵)

باز هم طمع دارد که بیفزایم. (۱۵)

كَلَّا إِنَّهُ كَانَ لِآيَاتِنَا عَنِيدًا (۱۶)

این چنین نیست؛ زیرا او همواره به آیات ما دشمنی می ورزد، (۱۶)

سَأُرْهِقُهُ صَعُودًا (۱۷)

به زودی او را به بالا رفتن از گردنه عذابی بسیار سخت مجبور می کنم. (۱۷)

ص: ۵۷۵

إِنَّهُ فَكَّرَ وَقَدَّرَ (۱۸)

او [برای باطل کردن دعوت قرآن] اندیشید و [آن را] سنجید؛ (۱۸)

فَقُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ (۱۹)

پس مرگ بر او باد، چگونه سنجید؟ (۱۹)

ثُمَّ قُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ (۲۰)

باز هم مرگ بر او باد، چگونه سنجید؟ (۲۰)

ثُمَّ نَظَرَ (۲۱)

آن گاه نظر کرد، (۲۱)

ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ (۲۲)

سپس چهره درهم کشید و قیافه نفرت آمیز به خود گرفت، (۲۲)

ثُمَّ أَدْبَرَ وَاسْتَكْبَرَ (۲۳)

آن گاه [از قرآن] روی گردانید و تکبّر ورزید؛ (۲۳)

فَقَالَ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ يُؤْثَرُ (۲۴)

پس گفت: این قرآن جز جادویی که از جادوگران پیشین حکایت شده چیزی نیست، (۲۴)

إِنْ هَذَا إِلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ (۲۵)

این جز سخن بشر نمی باشد. (۲۵)

سَأُصْلِيهِ سَقَرَ (۲۶)

به زودی او را در سقر درآورم (۲۶)

وَمَا أَدْرَاكَ مَا سَقَرُ (۲۷)

و تو چه می دانی سقر چیست؟ (۲۷)

لَا تُبْقِي وَلَا تَذَرُ (۲۸)

[آتشی است که] نه چیزی را باقی می گذارد و نه رها می کند؛ (۲۸)

لَوَّاحَةٌ لِّلْبَشَرِ (۲۹)

پوست بدن را [همه جانبه] دگرگون می کند؛ (۲۹)

عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ (۳۰)

بر آن نوزده نفر [موکّل] گمارده اند (۳۰)

وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِّلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيْقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَيَزْدَادَ الَّذِينَ آمَنُوا إِيمَانًا وَلَا يَرْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْمُؤْمِنُونَ وَلِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَالْكَافِرُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرَى لِلْبَشَرِ (۳۱)

و ما موکّلان آتش را جز فرشتگان قرار نداده ایم، و شماره آنان را جز آزمایشی برای کافران مقرّر نکرده ایم تا اهل کتاب [به خاطر هماهنگی قرآن با کتابشان] یقین پیدا کنند و بر ایمان مؤمنان بیفزاید، و اهل کتاب و مؤمنان [در حقّانیّت قرآن] تردید

نکنند، و تا بیماردلان و کافران بگویند: خدا از توصیف گماشتگان آتش به این [نوزده نفر] چه هدفی دارد؟ این گونه خدا هر که را بخواهد [پس از بیان حقیقت] گمراه می کند و هر که را بخواهد هدایت می نماید، و سپاهیان پروردگارت را جز خود او کسی نمی داند، و این قرآن فقط مایه تذکر و پند برای بشر است. (۳۱)

كَلَّا وَالْقَمَرِ (۳۲)

این چنین نیست [که کافران می پندارند که این حقایق افسانه است،] سوگند به ماه (۳۲)

وَاللَّيْلِ إِذْ أَدْبَرَ (۳۳)

[و] سوگند به شب هنگامی که پشت می کند (۳۳)

وَالصُّبْحِ إِذَا أَسْفَرَ (۳۴)

و سوگند به صبح زمانی که از پرده سیاه شب درآید و رخ نماید (۳۴)

إِنَّهَا لَإِحْدَى الْكُبَرِ (۳۵)

که بی تردید این [قرآن] از بزرگ ترین پدیده هاست؛ (۳۵)

نَذِيرًا لِّلْبَشَرِ (۳۶)

هشدار دهنده به بشر است، (۳۶)

لِمَن شَاءَ مِنكُمْ أَن يَتَقَدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرَ (۳۷)

برای هر کس از شما که بخواهد [به وسیله ایمان، طاعت و انجام کار خیر] پیشی جوید یا [به سبب کفر، طغیان و گناه] پس ماند؛ (۳۷)

كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ (۳۸)

هر کسی در گرو دست آورده های خویش است، (۳۸)

إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ (۳۹)

مگر سعادتمندان (۳۹)

فِي جَنَّاتٍ يَتَسَاءَلُونَ (۴۰)

که در بهشت ها از یکدیگر می پرسند (۴۰)

عَنِ الْمُجْرِمِینَ (۴۱)

از روز و حال گنهکاران، (۴۱)

مَا سَلَکَکُمْ فِی سَقَرَ (۴۲)

[به آنان رو کرده] می گویند: چه چیز شما را به دوزخ وارد کرد؟ (۴۲)

قَالُوا لَمْ نَکُ مِنَ الْمُصَلِّینَ (۴۳)

می گویند: ما از نمازگزاران نبودیم (۴۳)

وَلَمْ نَکُ نُطْعِمُ الْمِسْکِینَ (۴۴)

و به تهیدستان و نیازمندان طعام نمی دادیم (۴۴)

وَکُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِینَ (۴۵)

و با فرورفتگان [در گفتار و کردار باطل] فرومی رفتیم، (۴۵)

وَکُنَّا نُکَذِّبُ بِیَوْمِ الدِّینِ (۴۶)

و همواره روز جزا را انکار می کردیم (۴۶)

حَتَّی أَتَانَا الْیَقِینُ (۴۷)

تا آنکه مرگ ما فرا رسید. (۴۷)

ص: ۵۷۶

فَمَا تَنفَعُهُمْ شَفَاعَهُ الشَّافِعِینَ (۴۸)

پس آنان را شفاعت شفیعان سودی نمی دهد؛ (۴۸)

فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْکِرَهِ مُعْرِضِینَ (۴۹)

آنان را چه شده که از تذکر و هشدار روی گردانند؟ (۴۹)

كَأَنَّهُمْ حُمُرٌ مُّسْتَنفِرَةٌ (۵۰)

گویی گورخرانی وحشی و رمیده اند (۵۰)

فَرَّتْ مِن قَسْوَرَةٍ (۵۱)

که از [چنگال] شیری گریخته اند؛ (۵۱)

بَلْ يُرِيدُ كُلُّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ أَن يُؤْتَى صُحُفًا مُّنَشَّرَةً (۵۲)

بلکه هر کدام از آنان توقع دارد نامه هایی سرگشاده [از سوی خدا] دریافت دارد! (۵۲)

كَلَّا بَل لَّا يَخَافُونَ الْآخِرَةَ (۵۳)

این چنین نیست [که علت فرارشان از دین برای دریافت نکردن نامه باشد] بلکه [فرارشان برای این است که] از آخرت نمی ترسند؛ (۵۳)

كَلَّا إِنَّهُ تَذْكِرَةٌ (۵۴)

این چنین نیست [که نامه سرگشاده ای از سوی ما به آنان رسد]، بلکه بی تردید این قرآن تذکر و هشداری است [که برای جهانیان کافی است.] (۵۴)

فَمَن شَاءَ ذَكَرَهُ (۵۵)

پس هرکه بخواهد از آن پند گیرد، (۵۵)

وَمَا يَذْكُرُونَ إِلَّا أَن يَشَاءَ اللَّهُ هُوَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ (۵۶)

و از آن پند نمی گیرند مگر آنکه خدا بخواهد، او سزاوار است که از وی پروا کنند، و سزاوار است که به آمرزشش امید بندند. (۵۶)

سوره القیامه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا أُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ (۱)

به روز قیامت سوگند می خورم، (۱)

وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ (۲)

و به نفس سرزنش گر قسم می خورم. (۲)

أَيَحْسَبُ الْإِنسَانُ أَلَّن نَّجْمَعَ عِظَامَهُ (۳)

آیا انسان گمان می کند که ما هرگز استخوان هایش را جمع نخواهیم کرد؟ (۳)

بَلَى قَادِرِينَ عَلَى أَن نُّسَوِّيَ بَنَانَهُ (۴)

چرا در حالی که توانابیم که [خطوط] سر انگشتانش را درست و نیکو بازسازی کنیم، (۴)

بَلْ يُرِيدُ الْإِنسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ (۵)

[نه اینکه به گمان او قیامتی در کار نباشد] بلکه انسان می خواهد [با دست و پا زدن در شک و تردید] فرارویش را [از اعتقاد به قیامت که بازدارنده ای قوی است] باز کند [تا برای ارتکاب هر گناهی آزاد باشد!] (۵)

يَسْأَلُ أَيَّانَ يَوْمُ الْقِيَامَهِ (۶)

[با حالتی آمیخته با تردید] می پرسد: روز قیامت چه وقت است؟ (۶)

فَإِذَا بَرِقَ الْبَصَرُ (۷)

پس هنگامی [است] که چشم [از سختی و هولناکی آن] خیره شود، (۷)

وَخَسَفَ الْقَمَرُ (۸)

و ماه تاریک و بی نور گردد، (۸)

وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ (۹)

و خورشید و ماه به هم جمع شوند. (۹)

يَقُولُ الْإِنسَانُ يَوْمَئِذٍ أَيْنَ الْمَفَرُّ (۱۰)

آن روز انسان گوید: گریزگاه کجاست؟ (۱۰)

كَلَّا لَا وَزَرَ (۱۱)

این چنین نیست، هرگز پناهگاهی وجود ندارد. (۱۱)

إِلَی رَبِّکَ یَوْمَئِذٍ الْمُسْتَقَرُّ (۱۲)

آن روزقرارگاه [نهایی] فقط به سوی پروردگار توست. (۱۲)

یُنَبَّأُ الْإِنسَانُ یَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَأَخَّرَ (۱۳)

آن روز است که انسان را به اعمالی که از دیرباز یا پس از آن انجام داده، آگاه می کنند. (۱۳)

بَلِ الْإِنسَانُ عَلَی نَفْسِهِ بَصِیرَهٌ (۱۴)

بلکه انسان خود به وضع خویش بیناست. (۱۴)

وَلَوْ أَلْقَی مَعَاذِیرَهُ (۱۵)

و هر چند [برای توجیه گناهانش] بهانه ها بتراشد (۱۵)

لَا تُحَرِّکْ بِهِ لِسَانَکَ لِتَعْجَلَ بِهِ (۱۶)

[پیش از پایان یافتن وحی به وسیله جبرئیل] زبانت را به حرکت در نیاور تا در خواندن آن شتاب ورزی. (۱۶)

إِنَّ عَلَیْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ (۱۷)

بی تردید گردآوردن و [به هم پیوند دادن آیات که بر تو وحی می شود و چگونگی] قرائتش بر عهده ماست، (۱۷)

فَإِذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ (۱۸)

پس هنگامی که آن را [به طور کامل] خواندیم، [به همان صورت] خواندنش را دنبال کن. (۱۸)

ثُمَّ إِنَّ عَلَیْنَا بَیَانَهُ (۱۹)

سپس توضیح و بیانش نیز بر عهده ماست. (۱۹)

ص: ۵۷۷

کَلَّا بَلْ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَهَ (۲۰)

[اینکه می پندارید قیامتی در کار نیست] این چنین نیست، بلکه شما عاشق ایندنیای زودگذر هستید، (۲۰)

وَتَذَرُونَ الْآخِرَهَ (۲۱)

و همواره آخرت را [برای این عشق بی پایه] رها می کنید. (۲۱)

وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاضِرَةٌ (۲۲)

در آن روز چهره هایی شاداب است؛ (۲۲)

إِلَى رَبِّهَا نَاظِرَةٌ (۲۳)

[با دیده دل] به پروردگارش نظر می کند (۲۳)

وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ بَاسِرَةٌ (۲۴)

و چهره هایی عبوس و درهم کشیده است؛ (۲۴)

تَظُنُّ أَن يُفْعَلَ بِهَا فَاقِرَةٌ (۲۵)

چون یقین دارند که در معرض عذابی کمرشکن قرار خواهند گرفت. (۲۵)

كَلَّا إِذَا بَلَغَتِ التَّرَاقِيَ (۲۶)

این چنین نیست [که می پندارد]، هنگامی که جان به گلوگاه رسد، (۲۶)

وَقِيلَ مَنْ رَاقٍ (۲۷)

و [کسان بیمار] گویند: درمان کننده این بیمار کیست؟ (۲۷)

وَظَنَّ أَنَّهُ الْفِرَاقُ (۲۸)

و [بیمار] یقین می کند [که با رسیدن جان به گلوگاه] زمان جدایی [از دنیا، ثروت، زن و فرزند] فرا رسیده است! (۲۸)

وَالْتَفَّتِ السَّاقُ بِالسَّاقِ (۲۹)

و [از سختی جان کندن] ساق به ساق به هم پیچد؛ (۲۹)

إِلَى رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمَسَاقُ (۳۰)

آن روز، روز سوق و مسیر به سوی پروردگار توست. (۳۰)

فَلَا صَدَّقَ وَلَا صَلَّى (۳۱)

[در آن حال فرشتگان می گویند: این به کام مرگ افتاده] نه [دعوت پیامبر را] باور کرد، و نه نماز خواند؛ (۳۱)

وَلَكِن كَذَّبَ وَتَوَلَّى (۳۲)

بلکه [در میان اجتماعات] تکذیب کرد و روی گرداند؛ (۳۲)

ثُمَّ ذَهَبَ إِلَى أَهْلِهِ يَتَمَطَّى (۳۳)

سپس متکبرانه و خرامان به سوی کسانش رفت. (۳۳)

أَوْلَى لَكَ فَأَوْلَى (۳۴)

[و گویند: با این وضعی که داری، عذاب دوزخ] برای تو شایسته تر است، شایسته تر! (۳۴)

ثُمَّ أَوْلَى لَكَ فَأَوْلَى (۳۵)

باز هم شایسته تر است شایسته تر. (۳۵)

أَيَحْسَبُ الْإِنسَانُ أَن يُتْرَكَ سُدًى (۳۶)

آیا انسان گمان می کند بیهوده و مهمل [و بدون تکلیف و مسؤولیت] رها می شود؟! (۳۶)

أَلَمْ يَكُ نُطْفَةً مِّن مَّنِيٍّ يُمْنَى (۳۷)

آیا نطفه ای از منی که در رحم ریخته می شود نبود؟ (۳۷)

ثُمَّ كَانَ عَلَقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّى (۳۸)

سپس علقه شد و خدا او را آفرید و اندامش را درست و نیکو ساخت، (۳۸)

فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى (۳۹)

و از او دو زوج به وجود آورد یکی نر و دیگر ماده، (۳۹)

أَلَيْسَ ذَلِكَ بِقَادِرٍ عَلَى أَن يُحْيِيَ الْمَوْتَى (۴۰)

آیا چنین نیرومند آگاهی توانا نیست که مردگان را زنده کند؟ (۴۰)

سوره الانسان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُن شَيْئًا مَّذْكُورًا (۱)

آیا بر انسان زمانی از روزگار گذشت که چیزی در خور ذکر نبود؟ (۱)

إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنسَانَ مِن نُّطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَّبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا (۲)

ما انسان را از نطفه آمیخته و مختلطی [از مواد و عناصر] آفریدیم و او را از حالتی به حالتی و شکلی به شکلی [از نطفه به علقه، از علقه به مضغه، از مضغه به استخوان تا طفلی کامل] درآوردیم، پس او را شنوا و بینا قرار دادیم. (۲)

إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا (۳)

ما راه را به او نشان دادیم یا سپاس گزار خواهد بود یا ناسپاس. (۳)

إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلَ وَأَغْلَالًا وَسَعِيرًا (۴)

ما برای کافران زنجیرها و بندها و آتش فروزان آماده کرده ایم. (۴)

إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِن كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا (۵)

همانا نیکان همواره از جامی می نوشند که نوشیدنی اش آمیخته به کافور [آن ماده سرد، سپید و معطر] است. (۵)

ص: ۵۷۸

عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا (۶)

آن جام از چشمه ای است که همواره بندگان خدا از آن می نوشند و آن را به دلخواهشان هرگونه که بخواهند جاری می نمایند. (۶)

يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا (۷)

[همانان که] همواره نذرشان را وفا می کنند، و از روزی که آسیب و گزندش گسترده است، می ترسند، (۷)

وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا (۸)

و غذا را در عین دوست داشتنش، به مسکین و یتیم و اسیر انفاق می کنند. (۸)

إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا (۹)

[و می گویند:] ما شما را فقط برای خشنودی خدا اطعام می کنیم و انتظار هیچ پاداش و سپاسی را از شما نداریم. (۹)

إِنَّا نَخَافُ مِن رَّبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا (١٠)

ما از پروردگارمان در روزی که روز عبوس و بسیار هولناکی است می ترسیم. (١٠)

فَوَقَاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَسُرُورًا (١١)

پس خدا نگه دار آنان از آسیب و گزند آن روز است و شادابی و شادمانی به آنان عطا می کند. (١١)

وَجَزَاهُم بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا (١٢)

و آنان را برای اینکه [در برابر تکالیف دینی و حوادث روزگار] شکیبایی ورزیدند، بهشتی [عنبرسرشت] و لباسی ابریشمین پاداش می دهد. (١٢)

مُّتَّكِئِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمْهَرِيرًا (١٣)

در آنجا بر تخت ها تکیه می زنند، در حالی که آفتابی [که از گرمایش ناراحت شوند] و سرمایی [که از سختی اش به زحمت افتند] نمی بینند، (١٣)

وَدَانِيَةً عَلَيْهِمْ ظِلَالُهَا وَذُلِّلَتْ قُطُوفُهَا تَذْلِيلًا (١٤)

و سایه های درختان به آنان نزدیک و میوه هایش به آسانی در دسترس است، (١٤)

وَيُطَافُ عَلَيْهِم بِآنِيَةٍ مِّن فِضَّةٍ وَأَكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِيرَا (١٥)

و ظرف هایی از نقره فام، و قدح هایی بلورین [که پر از غذا و نوشیدنی است] پیرامون آنان می گردانند؛ (١٥)

قَوَارِيرَ مِن فِضَّةٍ قَدَّرُوهَا تَقْدِيرًا (١٦)

جام هایی از نقره که آنها را به اندازه مناسب اندازه گیری کرده اند، (١٦)

وَيُسْقَوْنَ فِيهَا كَأْسًا كَانَ مِزَاجُهَا زَنجَبِيلًا (١٧)

و در آنجا جامی که نوشیدنی اش آمیخته به زنجبیل است، به آنان می نوشانند، (١٧)

عَيْنًا فِيهَا تُسَمَّى سَلْسَبِيلًا (١٨)

از چشمه ای در آنجا که «سلسبیل» نامیده شود، (١٨)

وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُّخَلَّدُونَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤًا مَّنثُورًا (١٩)

و پیرامونشان نوجوانانی جاودانی [برای پذیرایی از آنان] می گردند، که چون آنان را ببینی پنداری مرواریدی پراکنده اند، (۱۹)

وَإِذَا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمُلْكًا كَبِيرًا (۲۰)

و چون آنجا را ببینی، نعمتی فراوان و کشوری بزرگ بینی، (۲۰)

عَالِيَهُمْ ثِيَابُ سُندُسٍ خُضْرٌ وَإِسْتَبْرَقٌ وَحُلُّوا أَسَاوِرَ مِن فِضَّةٍ وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا (۲۱)

بر اندامشان جامه هایی از حریر نازک و سبز رنگ و دیبای ستبر است و با دستبندهایی از نقره آراسته شده اند، و پروردگارشان باده طهور به آنان می نوشاند. (۲۱)

إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَكَانَ سَعْيُكُم مَّشْكُورًا (۲۲)

[به آنان گوید:] یقیناً این [نعمت ها] پاداش شماست و تلاشتان مقبول افتاده است؛ (۲۲)

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنزِيلًا (۲۳)

به راستی ما قرآن را به تدریج بر تو نازل کردیم؛ (۲۳)

فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تُطِعْ مِنْهُمْ آثِمًا أَوْ كَفُورًا (۲۴)

پس در برابر فرمان پروردگارت شکیبا باش، و از هیچ گنهکار یا کافری از آنان اطاعت مکن، (۲۴)

وَاذْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ بُكْرَةً وَأَصِيلًا (۲۵)

و صبح و شام نام پروردگارت را یاد کن. (۲۵)

ص: ۵۷۹

وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا (۲۶)

و پاره ای از شب را سر به سجده گذار، و او را در شب طولانی تسبیح گوی. (۲۶)

إِنَّ هَؤُلَاءِ يُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَيَذَرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا (۲۷)

بی تردید اینان [که گنهکار و ناسپاس اند] دنیای زودگذر را دوست دارند [و فقط برای به دست آوردن آن می کوشند] و روز هولناک و سختی را که پیش رو دارند وامی گذارند. (۲۷)

نَّحْنُ خَلَقْنَاهُمْ وَشَدَدْنَا أَسْرَهُمْ وَإِذَا شِئْنَا بَدَّلْنَا أَمْثَالَهُمْ تَبْدِيلًا (۲۸)

ما آنان را آفریدیم و مفاصلشان را [با رشته های اعصاب و عضلات] محکم و استوار کردیم، و هرگاه بخواهیم [آنان را نابود می کنیم و] امثال و نظایرشان را [که مطیع و فرمانبردارند] به جای آنان قرار می دهیم. (۲۸)

إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَن شَاءَ اتَّخَذَ إِلَى رَبِّهِ سَبِيلًا (۲۹)

همانا این [آیات قرآن] تذکر و هشداری است؛ پس هر کس بخواهد راهی به سوی پروردگارش [با تکیه بر این آیات] برگزینند، (۲۹)

وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَن يَشَاءَ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا (۳۰)

و تا خدا نخواهد، نخواهید خواست؛ یقیناً خدا همواره دانا و حکیم است. (۳۰)

يُدْخِلُ مَن يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمِينَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا (۳۱)

هر کس را بخواهد در رحمتش درآورد و برای ستمکاران عذابی دردناک آماده کرده است. (۳۱)

سوره المرسلات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا (۱)

سوگند به آن فرشتگانی که پی در پی فرستاده می شوند، (۱)

فَالْعَاصِفَاتِ عَصْفًا (۲)

و سوگند به آن فرشتگانی که [برای آوردن وحی در سرعت حرکت] چون تندبادند. (۲)

وَالنَّاشِرَاتِ نَشْرًا (۳)

و سوگند به آن فرشتگانی که گشاینده صحیفه های وحی اند، (۳)

فَالْفَارِقَاتِ فَرْقًا (۴)

و سوگند به آن فرشتگانی که جدا کننده حق از باطل اند، (۴)

فَالْمُلْقِيَاتِ ذِكْرًا (۵)

و سوگند به آن فرشتگانی که القاکننده آیات آسمانی به پیامبران [اند،] (۵)

عُذْرًا أَوْ نُذْرًا (۶)

تا حجت [باشد برای اهل ایمان] و بیم و هشدار باشد [برای کافران] (۶)

إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَوَاقِعٌ (۷)

[به همه این حقایق سوگند] که آنچه [به عنوان روز قیامت] وعده داده می شوید بی تردید واقع شدنی است. (۷)

فَإِذَا النُّجُومُ طُمِسَتْ (۸)

در آن زمان که ستارگان محو و تاریک شوند، (۸)

وَإِذَا السَّمَاءُ فُرِجَتْ (۹)

و آن زمانی که آسمان بشکافد. (۹)

وَإِذَا الْجِبَالُ نُسِفَتْ (۱۰)

و آن زمان که کوه ها از بیخ و بن کنده شوند. (۱۰)

وَإِذَا الرُّسُلُ أُقِّتَتْ (۱۱)

و آن زمان که وقت حضور پیامبران [برای گواهی بر امت ها] معین شود. (۱۱)

لِأَيِّ يَوْمٍ أُجِّلَتْ (۱۲)

این امور برای چه روزی به تأخیر افتاده؟ (۱۲)

لِيَوْمِ الْفَصْلِ (۱۳)

برای روز داوری (۱۳)

وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الْفَصْلِ (۱۴)

و تو چه می دانی روز داوری چیست؟ (۱۴)

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ (۱۵)

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان؛ (۱۵)

أَلَمْ نُهْلِكِ الْأَوَّلِينَ (۱۶)

آیا پیشینیان را [به سبب تکذیبشان] هلاک نکردیم؟ (۱۶)

ثُمَّ نُتْبِعُهُمُ الْآخِرِينَ (۱۷)

سپس به دنبال آنان دیگران را هم [به سبب تکذیبشان] هلاک می کنیم. (۱۷)

كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ (۱۸)

با گنهکاران این گونه رفتار می کنیم. (۱۸)

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ (۱۹)

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان! (۱۹)

ص: ۵۸۰

أَلَمْ نَخْلُقكُّم مِّن مَّاءٍ مَّهِينٍ (۲۰)

آیا شما را از آبی پست و بی مقدار نیافریدیم؟ (۲۰)

فَجَعَلْنَاهُ فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ (۲۱)

پس آن را در جایگاهی استوار قرار دادیم (۲۱)

إِلَى قَدَرٍ مَّعْلُومٍ (۲۲)

تا زمانی معین؛ (۲۲)

فَقَدَرْنَا فَنِعْمَ الْقَادِرُونَ (۲۳)

پس توانا بودیم و چه نیکو تواناییم. (۲۳)

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ (۲۴)

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان! (۲۴)

أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا (۲۵)

آیا زمین را فراهم آورنده [انسان ها] قرار ندادیم؟ (۲۵)

أَحْيَاءً وَأَمْوَاتًا (۲۶)

هم در حال حیاتشان و هم زمان مرگشان (۲۶)

وَجَعَلْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ شَامِخَاتٍ وَأَسْقَيْنَاكُم مَّاءً فُرَاتًا (۲۷)

و کوه های استوار و بلند در آن قرار دادیم و شما را آبی گوارا نوشاندیم. (۲۷)

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ (۲۸)

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان! (۲۸)

انطَلِقُوا إِلَى مَا كُنتُم بِهِ تُكَذِّبُونَ (۲۹)

[آن روز به آنان گویند:] به سوی آتشی که همواره آن را تکذیب می کردید، بروید؛ (۲۹)

انطَلِقُوا إِلَى ظِلٍّ ذِي ثَلَاثِ شُعَبٍ (۳۰)

و [نیز] به سوی سایه ای [از دود متراکم و آتش زا] که دارای سه شاخه است، بروید. (۳۰)

لَّا ظَلِيلٍ وَلَا يُغْنِي مِنَ اللَّهَبِ (۳۱)

[سایه ای که] نه مانع از حرارت است، و نه از شعله های آتش جلوگیری می کند. (۳۱)

إِنَّهَا تَرْمِي بِشَرَرٍ كَالْقَصْرِ (۳۲)

آن آتش، شراره هایی چون ساختمان بلند پرتاب می کند. (۳۲)

كَأَنَّهُ جِمَالَتٌ صُفْرٌ (۳۳)

گویی آن شراره ها هم چون شتران زرد رنگ هستند. (۳۳)

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ (۳۴)

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان! (۳۴)

هَذَا يَوْمُ لَا يَنطِقُونَ (۳۵)

این روزی است که [انسان ها چون موقعیتی نمی بینند برای دفاع از خود] سخن نمی گویند، (۳۵)

وَلَا يُؤْذَنُ لَهُمْ فَيَعْتَذِرُونَ (۳۶)

و به آنان اجازه داده نمی شود که عذرخواهی کنند. (۳۶)

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ (۳۷)

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان! (۳۷)

هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ جَمَعْنَاكُمْ وَالْأَوَّلِينَ (۳۸)

امروز همان روز داوری است که شما و پیشینیان را در آن جمع کرده ایم. (۳۸)

فَإِن كَانَ لَكُمْ كَيْدٌ فَكِيدُونِ (۳۹)

پس اگر [برای فرار از عذاب] چاره و تدبیری دارید، آن را به کار گیرید. (۳۹)

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ (۴۰)

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان! (۴۰)

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلَالٍ وَعُيُونٍ (۴۱)

به یقین پرهیزکاران در زیر سایه ها و کنار چشمه سارهایند، (۴۱)

وَفَوَاكِهَ مِمَّا يَشْتَهُونَ (۴۲)

و نزد میوه هایی از آنچه همواره بخواهند. (۴۲)

كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۴۳)

[به آنان گویند:] به پاداش اعمالی که همواره انجام می دادید، بخورید و بیاشامید گوارایتان باد. (۴۳)

إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (۴۴)

ما نیکوکاران را این گونه پاداش می دهیم. (۴۴)

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ (۴۵)

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان! (۴۵)

كُلُوا وَتَمَتَّعُوا قَلِيلًا إِنَّكُم مُّجْرِمُونَ (۴۶)

[شما ای کافران و مشرکان! در این دنیا] بخورید و اندک زمانی برخوردار شوید که شما گنهکارید [و بی تردید به کیفر اعمالتان گرفتار خواهید شد.] (۴۶)

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ (۴۷)

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان! (۴۷)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ ارْكَعُوا لَا يَرْكَعُونَ (۴۸)

و هنگامی که به آنان گویند: [در برابر خدا] رکوع کنید، رکوع نمی کنند. (۴۸)

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ (۴۹)

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان! (۴۹)

فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ (۵۰)

[اگر به قرآن ایمان نیاورند] پس به کدام سخن بعد از آن ایمان می آورند؟ (۵۰)

ص: ۵۸۱

جزء ۳۰

سوره النبإ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ (۱)

درباره چه چیز از یکدیگر می پرسند؟ (۱)

عَنِ النَّبَإِ الْعَظِيمِ (۲)

از آن خبر بزرگ [قیامت کبری] (۲)

الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ (۳)

که همواره درباره آن با یکدیگر اختلاف دارند [که واقع می شود یا نه؟] (۳)

كَلَّا سَيَعْلَمُونَ (۴)

نه چنین است [که می پندارند] به زودی [به حتمی بودن وقوع آن] آگاه خواهند شد. (۴)

ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ (۵)

باز هم نه چنین است [که می پندارند] به زودی [به حتمی بودن وقوع آن] آگاه خواهند شد. (۵)

أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا (۶)

آیا زمین را بستر آرامش قرار ندادیم؟ (۶)

وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا (۷)

و کوه ها را میخ هایی [برای استواری آن؟] (۷)

وَخَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا (۸)

و شما را جفت هایی [به صورت نر و ماده] آفریدیم، (۸)

وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا (۹)

و خوابتان را مایه استراحت و آرامش [و تمدّد اعصاب] قرار دادیم، (۹)

وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا (۱۰)

و شب راپوششی (۱۰)

وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا (۱۱)

و روز را وسیله معاش مقرّر کردیم؛ (۱۱)

وَبَنَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا (۱۲)

و بر فرازتان هفت آسماناستوار بنا نهادیم، (۱۲)

وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَّاجًا (۱۳)

و چراغی روشن و حرارت زا پدید آوردیم، (۱۳)

وَأَنزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا (۱۴)

و از ابرهای متراکم و باران زا آبی ریزان نازل کردیم (۱۴)

لِّنُخْرِجَ بِهِ حَبًّا وَنَبَاتًا (۱۵)

تا به وسیله آن دانه و گیاه برویانیم، (۱۵)

وَجَنَّاتٍ أَلْفَافًا (۱۶)

و باغ هایی از درختان به هم پیچیده و انبوه بیرون آوریم. (۱۶)

إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ كَانَ مِيقَاتًا (۱۷)

بی تردید روز داوری وعده گاه است. (۱۷)

يَوْمَ يُنفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا (۱۸)

روزی که در صور می دمند و شما گروه گروه به عرصه محشر می آیید، (۱۸)

وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا (۱۹)

و آسمان گشوده می شود، پس به صورت درهایی درمی آید. (۱۹)

وَسُيِّرَتِ الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا (۲۰)

و کوه ها را [از جای خود] روان کنند و سرابی شوند! (۲۰)

إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا (۲۱)

بی تردید دوزخ کمین گاه است. (۲۱)

لِّلطَّاغِينَ مَآبًا (۲۲)

جایگاه بازگشت برای سرکشان و طاغیان است. (۲۲)

لَّابِثِينَ فِيهَا أَحْقَابًا (۲۳)

روزگاری دراز در آن بمانند. (۲۳)

لَّا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا (٢۴)

در آنجا نه [آب] خنکی می چشند و نه آشامیدنی [باب طبع] (٢۴)

إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَّاقًا (٢۵)

مگر آب جوشان و چرکاب و خونابه ای [از بدن دوزخیان] (٢۵)

جَزَاءً وِفَاقًا (٢۶)

پاداشی است مناسب [اعمالشان.] (٢۶)

إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا (٢٧)

اینان بودند که به [روز] حساب امیدی نداشتند، (٢٧)

وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَّابًا (٢٨)

و آیات ما را به شدت و با همه وجود انکار می کردند (٢٨)

وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ كِتَابًا (٢٩)

و [ما] همه چیز را [از خوبی و بدی آنان] برشمرده و در نامه اعمالشان ثبت کرده ایم. (٢٩)

فَذُوقُوا فَلَن نَّزِيدَكُمْ إِلَّا عَذَابًا (٣٠)

[در قیامت به آنان می گوییم:] پس بچشید که هرگز جز عذاب بر شما نیفزاییم. (٣٠)

ص: ۵٨٢

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا (٣١)

بی تردید برای پرهیزکاران پیروزی و کامیابی است. (٣١)

حَدَائِقَ وَأَعْنَابًا (٣٢)

باغ هایی [سرسبز و خرم] و انواع انگورها (٣٢)

وَكَوَاعِبَ أَتْرَابًا (٣٣)

و دخترانی نو رسیده و هم سن (۳۳)

وَكَأْسًا دِهَاقًا (۳۴)

و جام هایی لبریز [از باده طهور] (۳۴)

لَّا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِذَّابًا (۳۵)

در آنجا نه سخن بیهوده ای می شنوند و نه دروغ و تکذیبی. (۳۵)

جَزَاءً مِّن رَّبِّكَ عَطَاءً حِسَابًا (۳۶)

[این] پاداشی کافی و به اندازه از سوی پروردگار توست. (۳۶)

رَّبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الرَّحْمَنِ لَا يَمْلِكُونَ مِنْهُ خِطَابًا (۳۷)

همان پروردگار آسمان ها و زمین و آنچه میان آنهاست، آن مهربانی که هیچ کس را اختیار چون و چرای با او نیست. (۳۷)

يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا لَّا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَقَالَ صَوَابًا (۳۸)

روزی که روح و فرشتگان در یک صف می ایستند و سخن نمی گویند مگر کسی که [خدای] رحمان به او اجازه دهد و سخن حق و درست گوید. (۳۸)

ذَلِكَ الْيَوْمُ الْحَقُّ فَمَن شَاءَ اتَّخَذَ إِلَى رَبِّهِ مَآبًا (۳۹)

آن [روز] روز حق است، پس هرکه بخواهد راه بازگشتی به سوی پروردگارش برگزیند؛ (۳۹)

إِنَّا أَنذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ يَنظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنتُ تُرَابًا (۴۰)

ما شما را از عذابی نزدیک هشدار دادیم، روزی که آدم آنچه را [از خیر و شر] پیش فرستاده است بنگرد و کافر گوید: ای کاش من خاک بودم [و موجودی مکلّف آفریده نمی شدم تا چنین روز سختی را ببینم!] (۴۰)

سوره النازعات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالنَّازِعَاتِ غَرْقًا (۱)

سوگند به فرشتگانی که [روح بدکاران را به شدت از بدن هایشان] بر می کنند، (۱)

وَالنَّاشِطَاتِ نَشْطًا (۲)

و سوگند به فرشتگانی که [روح نیکوکاران را به نرمی و ملایمت از بدن هایشان] بیرون می آورند؛ (۲)

وَالسَّابِحَاتِ سَبْحًا (۳)

و سوگند به فرشتگانی که [برای اجرای فرمان های حق] به سرعت نازل می شوند، (۳)

فَالسَّابِقَاتِ سَبْقًا (۴)

و سوگند به فرشتگانی که [در ایمان، عبادت، پرستش و اطاعت] بر یکدیگر [به صورتی ویژه] سبقت می گیرند، (۴)

فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا (۵)

و سوگند به فرشتگانی که [به اذن خدا امور آفرینش را] تدبیر می کنند؛ (۵)

يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ (۶)

[که همه برای رسیدن به پاداش و کیفر برانگیخته می شوند در] روزی که لرزاننده همه چیز را به شدت بلرزاند؛ (۶)

تَتْبَعُهَا الرَّادِفَةُ (۷)

در حالی که لرزاننده دیگری از پی آن در آید. (۷)

قُلُوبٌ يَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ (۸)

دل هایی در آن روز مضطرب و هراسان اند (۸)

أَبْصَارُهَا خَاشِعَةٌ (۹)

دیدگانشان [از ترس و هول قیامت] فرو افتاده است. (۹)

يَقُولُونَ أَإِنَّا لَمَرْدُودُونَ فِي الْحَافِرَةِ (۱۰)

می گویند: آیا ما [پس از مرگ] به همان حالت اول [که در دنیا بودیم] باز گردانده می شویم؟ (۱۰)

أَإِذَا كُنَّا عِظَامًا نَخِرَةً (۱۱)

[شگفتا!] آیا زمانی که ما استخوان های پوسیده و ریز ریز شدیم [بازمی گردیم؟!] (۱۱)

قَالُوا تِلْكَ إِذًا كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ (۱۲)

[و] گويند: [اگر قيامتى در كار باشد] بازگشت به حيات دوباره در آن زمان بازگشتى زيانبار است. (١٢)

فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ (١٣)

جز اين نيست آن بازگشت فقط با يك بانگ عظيم است [و بس] (١٣)

فَإِذَا هُم بِالسَّاهِرَةِ (١۴)

كه ناگاه همه بر يك زمين صاف و هموار حاضر شوند. (١۴)

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى (١۵)

آيا سرگذشت موسى به تو رسيده است؟ (١۵)

ص: ۵٨٣

إِذْ نَادَاهُ رَبُّهُ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى (١۶)

هنگامى كه پروردگارش او را در وادى مقدس طوى ندا داد (١۶)

اذْهَبْ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى (١٧)

كه به سوى فرعون برو؛ زيرا كه طغيان كرده است. (١٧)

فَقُلْ هَل لَّكَ إِلَى أَن تَزَكَّى (١٨)

پس به او بگو: مى خواهى [از آلودگى شرك و طغيان] پاك و پاكيزه شوى؟ (١٨)

وَأَهْدِيَكَ إِلَى رَبِّكَ فَتَخْشَى (١٩)

من تو را به سوى پروردگارت راهنمايى مى كنم تا از او بترسى [و از طغيان دست بردارى.] (١٩)

فَأَرَاهُ الْآيَةَ الْكُبْرَى (٢٠)

پس آن معجزه بزرگ تر را به او نشان داد. (٢٠)

فَكَذَّبَ وَعَصَى (٢١)

ولى [او آن را] تكذيب كرد و سرپيچى نمود. (٢١)

ثُمَّ أَدْبَرَ يَسْعَى (۲۲)

سپس [به حق] پشت کرد [و برای نابودی موسی] به تلاش برخاست! (۲۲)

فَحَشَرَ فَنَادَى (۲۳)

پس [قومش را] گرد آورد، و ندا داد (۲۳)

فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى (۲۴)

و گفت: من پروردگار بزرگ تر شما هستم. (۲۴)

فَأَخَذَهُ اللَّهُ نَكَالَ الْآخِرَةِ وَالْأُولَى (۲۵)

پس خدا هم [به کیفر این ادعای نابجا] او را به عذاب آخرت و دنیا دچار ساخت. (۲۵)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّمَن يَخْشَى (۲۶)

بی تردید در این سرگذشت برای کسی که [از عذاب خدا] بترسد عبرتی است. (۲۶)

أَأَنتُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمِ السَّمَاءُ بَنَاهَا (۲۷)

آیا آفریدن شما [پس از مرگ] دشوارتر است یا آسمان که او آن را بنا کرد؟ (۲۷)

رَفَعَ سَمْكَهَا فَسَوَّاهَا (۲۸)

سقفش را برافراشت، پس آن را درست و نیکو قرار داد، (۲۸)

وَأَغْطَشَ لَيْلَهَا وَأَخْرَجَ ضُحَاهَا (۲۹)

و شبش را تاریکو روزش را روشن ساخت، (۲۹)

وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا (۳۰)

و زمین را پس از آن گسترانید، (۳۰)

أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعَاهَا (۳۱)

و از آن آبو چراگاهش را بیرون آورد، (۳۱)

وَالْجِبَالَ أَرْسَاهَا (۳۲)

و کوه ها را محکم و استوار نمود (۳۲)

مَتَاعًا لَّكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ (۳۳)

تا مایه بهرهوری شما و دام هایتان باشد. (۳۳)

فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَّةُ الْكُبْرَى (۳۴)

پس زمانی که آن حادثه بزرگ تر [و غیر قابل دفع] در رسد، (۳۴)

يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنسَانُ مَا سَعَى (۳۵)

در آن روز انسان آنچه تلاش و کوشش کرده به یاد آورد (۳۵)

وَبُرِّزَتِ الْجَحِيمُ لِمَن يَرَى (۳۶)

و دوزخ رابرای هر بیننده ای آشکار سازند، (۳۶)

فَأَمَّا مَن طَغَى (۳۷)

و اما کسی که طغیان و سرکشی کرده (۳۷)

وَآثَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا (۳۸)

و زندگی دنیا را [بر زندگی ابد و جاوید آخرت] ترجیح داده، (۳۸)

فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَى (۳۹)

پس بی تردید جایگاهش دوزخ است؛ (۳۹)

وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَى (۴۰)

و اما کسی که از مقام و منزلت پروردگارش ترسیده و نفس را از هوا و هوس بازداشته است؛ (۴۰)

فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَى (۴۱)

پس بی تردید جایگاهش بهشت است. (۴۱)

يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَهِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا (۴۲)

همواره ازتو درباره قیامت می پرسند که در چه زمانی واقع می شود؟ (۴۲)

فِيمَ أَنتَ مِن ذِكْرَاهَا (۴۳)

تو از بسیار یاد کردنش [و سخن گفتن درباره آن] چه به دست می آوری؟ (۴۳)

إِلَى رَبِّكَ مُنتَهَاهَا (۴۴)

نهایتش به سوی پروردگار توست [کیفیت برپا شدن و زمان وقوع و اوصافش را کسی جز خدا نمی داند.] (۴۴)

إِنَّمَا أَنتَ مُنذِرُ مَن يَخْشَاهَا (۴۵)

وظیفه تو فقط بیم دادن کسانی است که همواره از آن می ترسند. (۴۵)

كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّهً أَوْ ضُحَاهَا (۴۶)

گویی آنان روزی که قیامت را می بینند چنین می پندارند که در برزخ جز شامگاهی یا صبح گاه آن درنگ نکرده اند! (۴۶)

ص: ۵۸۴

سوره عبس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ عَبَسَ وَتَوَلَّى (۱)

چهره در هم کشید و روی گردانید، (۱)

أَن جَاءَهُ الْأَعْمَى (۲)

از اینکه آن مرد نابینا نزد او آمد! (۲)

وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُ يَزَّكَّى (۳)

تو چه می دانی شاید او [در پرتو تعالیم اسلام از آلودگی] پاک و پاکیزه شود (۳)

أَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنفَعَهُ الذِّكْرَى (۴)

یا متذکّر [حقایق] گردد و آن تذکر او را سود دهد؛ (۴)

أَمَّا مَنِ اسْتَغْنَى (۵)

اما کسی که خود را ثروتمند نشان می دهد (۵)

فَأَنتَ لَهُ تَصَدَّى (۶)

تو به او روی می آوری [و نسبت به وی اهتمام می ورزی] (۶)

وَمَا عَلَيْكَ أَلَّا يَزَّكَّى (۷)

در حالی که اگر او نخواهد خود را [از آلودگی های باطنی و عملی] پاک کند تکلیفی بر عهده تو [نسبت به او] نیست؛ (۷)

وَأَمَّا مَن جَاءَكَ يَسْعَى (۸)

و اما آنکه شتابان نزد تو آمد (۸)

وَهُوَ يَخْشَى (۹)

در حالی که [از پروردگارش] می ترسد، (۹)

فَأَنتَ عَنْهُ تَلَهَّى (۱۰)

تو [با روی گردانی] از او به دیگران می پردازی. (۱۰)

كَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ (۱۱)

این چنین [برخوردی شایسته] نیست، بی تردید این آیات قرآن مایه پند است. (۱۱)

فَمَن شَاءَ ذَكَرَهُ (۱۲)

پس هرکه خواست از آن پند گیرد، (۱۲)

فِي صُحُفٍ مُّكَرَّمَةٍ (۱۳)

در صحیفه هایی است ارزشمند (۱۳)

مَّرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ (۱۴)

بلند مرتبه و پاکیزه (۱۴)

بِأَيْدِی سَفَرَةٍ (۱۵)

در دست سفیرانی (۱۵)

كِرَامٍ بَرَرَةٍ (۱۶)

بزرگوار و نیکوکار. (۱۶)

قُتِلَ الْإِنسَانُ مَا أَكْفَرَهُ (۱۷)

مرگ بر انسان، چه کافر و ناسپاس است! (۱۷)

مِنْ أَیِّ شَیْءٍ خَلَقَهُ (۱۸)

[خدا] او را از چه چیز آفریده؟ (۱۸)

مِن نُّطْفَةٍ خَلَقَهُ فَقَدَّرَهُ (۱۹)

از نطفه ای [ناچیز و بی مقدار] آفریده است، پس او را [در ذات، صفات و اندام] اندازه لازم عطا کرد. (۱۹)

ثُمَّ السَّبِيلَ يَسَّرَهُ (۲۰)

آن گاه راه [هدایت، سعادت، خیر و طاعت] را برایش آسان ساخت. (۲۰)

ثُمَّ أَمَاتَهُ فَأَقْبَرَهُ (۲۱)

سپس او را میراند و در گور نهاد، (۲۱)

ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنشَرَهُ (۲۲)

و سپس چون بخواهد او را زنده می کند. (۲۲)

كَلَّا لَمَّا يَقْضِ مَا أَمَرَهُ (۲۳)

این چنین نیست [که وظیفه اش را انجام داده باشد] هنوز آنچه را به او دستور داده به جا نیاورده است. (۲۳)

فَلْيَنظُرِ الْإِنسَانُ إِلَی طَعَامِهِ (۲۴)

پس انسان باید به خوراکش با تأمل بنگرد (۲۴)

أَنَّا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا (۲۵)

که ما [از آسمان] آب فراوانی فرو ریختیم. (۲۵)

ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا (۲۶)

سپس زمین را [به صورتی سودمند] از هم شکافتیم. (۲۶)

فَأَنبَتْنَا فِيهَا حَبًّا (۲۷)

پس در آن دانه های فراوانی رویاندیم، (۲۷)

وَعِنَبًا وَقَضْبًا (۲۸)

و انگور و سبزیجات (۲۸)

وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا (۲۹)

و زیتون و درخت خرما.... (۲۹)

وَحَدَائِقَ غُلْبًا (۳۰)

و بوستان های پر از درخت تناور و بزرگ (۳۰)

وَفَاكِهَةً وَأَبًّا (۳۱)

و میوه و چراگاه (۳۱)

مَّتَاعًا لَّكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ (۳۲)

تا مایه برخورداری شما و دام هایتان باشد. .... (۳۲)

فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاخَّةُ (۳۳)

پس زمانی که آن بانگ هولناک و مهیب در رسد، (۳۳)

يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ (۳۴)

روزی که آدمی فرار می کند، از برادرش.... (۳۴)

وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ (۳۵)

و از مادر و پدرش.... (۳۵)

وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ (۳۶)

و از همسر و فرزندانش (۳۶)

لِكُلِّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ (۳۷)

در آن روز هرکسی از آنان را کاری است که او را به خود مشغول می کند [تا جایی که نمی گذارد به چیز دیگری بپردازد.] (۳۷)

وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ (۳۸)

در آن روز چهره هایی درخشان و نورانی است (۳۸)

ضَاحِكَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ (۳۹)

خندان و خوشحال.... (۳۹)

وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ (۴۰)

و در آن روز چهره هایی است که بر آنان غبار نشسته (۴۰)

تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ (۴۱)

[و] سیاهی و تاریکی آنان را فرا گرفته است؛ .... (۴۱)

أُولَئِكَ هُمُ الْكَفَرَةُ الْفَجَرَةُ (۴۲)

آنان همان کافران بد کارند. (۴۲)

ص: ۵۸۵

سوره التکویر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ (۱)

هنگامی که خورشید را به هم درپیچند (۱)

وَإِذَا النُّجُومُ انکَدَرَتْ (۲)

و هنگامی که ستارگان تیره و بی نور شوند (۲)

وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ (۳)

و هنگامی که کوه ها را به حرکت آرند و از جا برکنند (۳)

وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ (۴)

و هنگامی که اموال نفیس و با ارزش رها و بی صاحب شود (۴)

وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ (۵)

و هنگامی که همه حیوانات وحشی محشور شوند (۵)

وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ (۶)

و هنگامی که دریاها مشتعل و برافروخته گردند (۶)

وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ (۷)

و هنگامی که هرکس [با همسان خود] قرین و جفت شوند [خوبان با خوبان و بدان با بدان] (۷)

وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ (۸)

و هنگامی که از [دختر] زنده به گور بپرسند (۸)

بِأَيِّ ذَنبٍ قُتِلَتْ (۹)

به کدام گناه کشته شده؟ (۹)

وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ (۱۰)

و هنگامی که نامه های اعمال را بگشایند.... (۱۰)

وَإِذَا السَّمَاءُ کُشِطَتْ (۱۱)

و هنگامی که آسمان را به شدت برکنند و برچینند (۱۱)

وَإِذَا الْجَحِيمُ سُعِّرَتْ (۱۲)

و هنگامی که دوزخ افروخته شود.... (۱۲)

وَإِذَا الْجَنَّةُ أُزْلِفَتْ (۱۳)

و هنگامی که بهشت را نزدیک آرند (۱۳)

عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا أَحْضَرَتْ (۱۴)

[در چنین موقعیت و زمانی است که] هر کس هر عملی را [از خیر و شر] حاضر کرده است، بداند. (۱۴)

فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ (۱۵)

پس سوگند به ستارگانی که باز می گردند، (۱۵)

الْجَوَارِ الْكُنَّسِ (۱۶)

ستارگانی که به سرعت می روند و پنهان می شوند (۱۶)

وَاللَّيْلِ إِذَا عَسْعَسَ (۱۷)

و سوگند به شب هنگامی که [روی می آورد، و زمانی که] می رود (۱۷)

وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ (۱۸)

و سوگند به صبح هنگامی که می دمد [و با گستردن نورش تاریکی را می زداید] (۱۸)

إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ (۱۹)

که قرآن کلام فرستاده ای ارجمند و بزرگوار است. (۱۹)

ذِي قُوَّةٍ عِندَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ (۲۰)

نیرومندی که نزد صاحب عرش دارای مقام و منزلت است؛ .... (۲۰)

مُّطَاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ (۲۱)

آنجا مورد اطاعت [فرشتگان] و امین است.... (۲۱)

وَمَا صَاحِبُكُم بِمَجْنُونٍ (۲۲)

و رفیق و یار شما دیوانه نیست. (۲۲)

وَلَقَدْ رَآهُ بِالْأُفُقِ الْمُبِينِ (۲۳)

بی تردید امین وحی را در افق روشن دیده است، (۲۳)

وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ (۲۴)

و او نسبت به [ابلاغ و تعلیم] آنچه به او وحی می شود، بخیل نیست (۲۴)

وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ رَّجِيمٍ (۲۵)

و قرآن، کلام شیطان رانده شده نیست؛ (۲۵)

فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ (۲۶)

پس [با انکار قرآن و روی گرداندن از آن] کجا می روید؟ (۲۶)

إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ (۲۷)

قرآن فقط وسیله یادآوری و پند برای جهانیان است؛ (۲۷)

لِمَن شَاءَ مِنكُمْ أَن يَسْتَقِيمَ (۲۸)

برای هرکس از شما که بخواهد [در همه شؤون زندگی مادی و معنوی] راه مستقیم بپیماید (۲۸)

وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَن يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ (۲۹)

و شما [طیِ راهِ مستقیم را] نخواهید خواست مگر آنکه خدا پروردگار جهانیان بخواهد. (۲۹)

ص: ۵۸۶

سوره الإنفطار

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِذَا السَّمَاءُ انفَطَرَتْ (۱)

هنگامی که آسمان بشکافد (۱)

وَإِذَا الْكَوَاكِبُ انتَثَرَتْ (۲)

و هنگامی که ستارگان پراکنده شوند (۲)

وَإِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ (۳)

و هنگامی که دریاها شکافته شوند [و به هم بپیوندند] (۳)

وَإِذَا الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ (۴)

و هنگامی که قبرها زیر و رو شوند، (۴)

عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ وَأَخَّرَتْ (۵)

هرکسی آنچه را [از خیر و شر] پیش فرستاده و باز پس نهاده بداند. (۵)

يَا أَيُّهَا الْإِنسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ (۶)

ای انسان! چه چیزی تو را به پروردگار بزرگوارت مغرور کرده است؟ (۶)

الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ (۷)

همان کسی که تو را آفرید و اندامت را درست و نیکو ساخت و متعادل و متناسب قرار داد، (۷)

فِي أَيِّ صُورَةٍ مَّا شَاءَ رَكَّبَكَ (۸)

و تو را در هر نقش و صورتی که خواست ترکیب کرد. (۸)

كَلَّا بَلْ تُكَذِّبُونَ بِالدِّينِ (۹)

این چنین نیست [که سبب ارتکاب گناهانتان مغرور بودنتان به بزرگواری پروردگار باشد]، بلکه روز جزا را تکذیب می کنید [و با این تکذیب، راه گناه را به روی خود باز می نمایید،] (۹)

وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ (۱۰)

و بی تردید بر شما نگهبانانی گماشته اند (۱۰)

كِرَامًا كَاتِبِينَ (١١)

بزرگوارانی نویسنده (١١)

يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ (١٢)

که آنچه را [از خیر و شر] انجام می دهید، می دانند [و ضبط می کنند.] (١٢)

إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ (١٣)

به یقین نیکان در نعمت فراوانی قرار دارند (١٣)

وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ (١۴)

و مسلماً گناهکاران در دوزخ اند (١۴)

يَصْلَوْنَهَا يَوْمَ الدِّينِ (١۵)

[که] روز پاداش در آن درآیند، (١۵)

وَمَا هُمْ عَنْهَا بِغَائِبِينَ (١۶)

و آنان از دوزخ غایب نمی شوند (١۶)

وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الدِّينِ (١٧)

و تو چه می دانی روز جزا چیست؟ (١٧)

ثُمَّ مَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الدِّينِ (١٨)

باز چه می دانی روز جزا چیست؟ (١٨)

يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِّنَفْسٍ شَيْئًا وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِّلَّهِ (١٩)

روزی که کسی از کسی چیزی از عذاب را دفع نمی کند، و در آن روز، فرمان و حکم ویژه خداست. (١٩)

سوره المطففين

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ (١)

وای بر کم فروشان! (۱)

الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ (۲)

آنان که چون از مردم کالایی را با پیمانه و وزنمی ستانند، تمام و کامل می ستانند، (۲)

وَإِذَا كَالُوهُمْ أَو وَّزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ (۳)

و چون برای آنان پیمانه و وزن کنند، کم می دهند. (۳)

أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُم مَّبْعُوثُونَ (۴)

آیا اینان یقین ندارند که حتماً بر انگیخته می شوند؟ (۴)

لِيَوْمٍ عَظِيمٍ (۵)

برای روزی بزرگ، (۵)

يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ (۶)

روزی که مردم در برابر پروردگار جهانیان به پا می ایستند. (۶)

ص: ۵۸۷

كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفُجَّارِ لَفِي سِجِّينٍ (۷)

این چنین نیست که می پندارند [در آن روز] یقیناً پرونده بدکاران در سجّین است. (۷)

وَمَا أَدْرَاكَ مَا سِجِّينٌ (۸)

و تو چه می دانی که سجّین چیست؟ (۸)

كِتَابٌ مَّرْقُومٌ (۹)

قضا و سرنوشتی حتمی [برای خائنان] است. (۹)

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ (۱۰)

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان. (۱۰)

الَّذِينَ يُكَذِّبُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ (۱۱)

آنان که همواره روز جزا را تکذیب می کنند. (۱۱)

وَمَا يُكَذِّبُ بِهِ إِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ (۱۲)

و آن را جز هر متجاوز گناه پیشه تکذیب نکند، (۱۲)

إِذَا تُتْلَى عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (۱۳)

[که] هرگاه آیات ما را بر او خوانند می گوید: افسانه های پیشینیان است. (۱۳)

كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِم مَّا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۱۴)

این چنین نیست که می گویند، بلکه گناهانی که همواره مرتکب شده اند بر دل هایشان چرک و زنگار بسته است [که حقایق را افسانه می پندارند.] (۱۴)

كَلَّا إِنَّهُمْ عَن رَّبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّمَحْجُوبُونَ (۱۵)

این چنین نیست که آنان می پندارند، بلکه اینان در آن روز از پروردگارشان محجوب اند. (۱۵)

ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُو الْجَحِيمِ (۱۶)

سپس آنان بی تردید وارد دوزخ می شوند. (۱۶)

ثُمَّ يُقَالُ هَذَا الَّذِي كُنتُم بِهِ تُكَذِّبُونَ (۱۷)

[به آنان] گویند: این است آن دوزخی که همواره تکذیبش می کردید. (۱۷)

كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عِلِّيِّينَ (۱۸)

این چنین نیست [که این سبک مغزان درباره نیکان می پندارند] بلکه پرونده نیکان در علّیّین است (۱۸)

وَمَا أَدْرَاكَ مَا عِلِّيُّونَ (۱۹)

تو چه می دانی علّیّین چیست؟ (۱۹)

كِتَابٌ مَّرْقُومٌ (۲۰)

قضا و سرنوشتی حتمی [برای نیکان] است. (۲۰)

يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ (۲۱)

مقربان آن را مشاهده می کنند. (۲۱)

إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ (۲۲)

بی تردید نیکان در نعمتی فراوانند (۲۲)

عَلَى الْأَرَائِكِ يَنظُرُونَ (۲۳)

بر تخت ها [ی آراسته و پرارزش تکیه زده و مناظر زیبای بهشت را با چشم سر و جمال محبوب را با چشم دل] می نگرند. (۲۳)

تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ (۲۴)

در چهره هایشان شادابی و طراوت نعمت را می یابی. (۲۴)

يُسْقَوْنَ مِن رَّحِيقٍ مَّخْتُومٍ (۲۵)

آنان را از باده ناب و طهوری که سربسته و مُهر و موم شده است، می نوشانند. (۲۵)

خِتَامُهُ مِسْكٌ وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ (۲۶)

مُهر و مومش مشک است، و رقابت کنندگان و مسابقه گران باید به سوی این نعمت ها بر یکدیگر پیشی گیرند، (۲۶)

وَمِزَاجُهُ مِن تَسْنِيمٍ (۲۷)

و [این باده ناب مُهر و موم شده،] آمیخته ای از «تسنیم» است (۲۷)

عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ (۲۸)

[آن] چشمه ای که همواره مقربان از آن می نوشند. (۲۸)

إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ (۲۹)

بدکاران همواره [در دنیا از روی ریشخند و استهزا] به مؤمنان می خندیدند (۲۹)

وَإِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ (۳۰)

و هنگامی که بر آنان می گذشتند آنان را با اشاره چشم وابرو به مسخره می گرفتند، (۳۰)

وَإِذَا انقَلَبُوا إِلَى أَهْلِهِمُ انقَلَبُوا فَكِهِينَ (۳۱)

و چون به خانواده خود بازمی گشتند [به سبب تمسخر مؤمنان] خوشحال و شادمان باز می گشتند، (۳۱)

وَإِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوا إِنَّ هَؤُلَاءِ لَضَالُّونَ (۳۲)

و هنگامی که مؤمنان را می دیدند، می گفتند: بی تردید اینان گمراه اند؛ (۳۲)

وَمَا أُرْسِلُوا عَلَيْهِمْ حَافِظِينَ (۳۳)

و حال آنکه کافران را بر مؤمنان نگهبان و مراقب نفرستاده بودند [که مراقب هدایت و گمراهی آنان باشند.] (۳۳)

فَالْيَوْمَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ (۳۴)

پس امروز همواره مؤمنان به کافران می خندند. (۳۴)

ص: ۵۸۸

عَلَى الْأَرَائِكِ يَنظُرُونَ (۳۵)

بر تخت ها [ی آراسته و پرارزش تکیه زده] می نگرند (۳۵)

هَلْ ثُوِّبَ الْكُفَّارُ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ (۳۶)

که آیا کافران را در برابر آنچه همواره انجام می دادند کیفر داده اند؟ (۳۶)

سوره الإنشقاق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ (۱)

هنگامی که آسمان بشکافد (۱)

وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ (۲)

و فرمان پروردگارش را اطاعت کند، و [به این اطاعت از فرمان،] سزاوارتر گردد (۲)

وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ (٣)

و هنگامی که زمین گسترده شود (٣)

وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ (۴)

و آنچه را در درون دارد بیرون افکند، و تهی گردد (۴)

وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ (۵)

و فرمان پروردگارش را اطاعت کند، و [به این اطاعتِ از فرمان،] سزاوارتر گردد، (۵)

يَا أَيُّهَا الْإِنسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ (۶)

ای انسان! یقیناً تو با کوشش و تلاشی سخت به سوی پروردگارت در حرکتی، پس او را [در حالی که مقام فرمانروایی مطلق و حکومت بر همه چیز ویژه اوست و هیچ حکومتی در برابرش وجود ندارد،] دیدار می کنی، (۶)

فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ (٧)

اما کسی که نامه اعمالش را به دست راستش دهند، (٧)

فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا (٨)

به زودی با حسابی آسان به حسابش رسیدگیشود، (٨)

وَيَنقَلِبُ إِلَى أَهْلِهِ مَسْرُورًا (٩)

و خوشحال و شادمان به سوی خانواده اش [در بهشت] باز گردد، (٩)

وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ (١٠)

و اما کسی که نامه اعمالش را از پشت سرش دهند، (١٠)

فَسَوْفَ يَدْعُو ثُبُورًا (١١)

به زودی با فریادی حسرت بار، هلاکت و نابودی خود را خواهد، (١١)

وَيَصْلَى سَعِيرًا (١٢)

و در آتش افروخته در آید. (۱۲)

إِنَّهُ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا (۱۳)

او همواره در میان خانواده اش [به ثروت و مال و مقام] خوشحال و شادمان بود. (۱۳)

إِنَّهُ ظَنَّ أَن لَّن يَحُورَ (۱۴)

او می پنداشت که هرگز پس از مرگ [به حیات دوباره] باز نخواهد گشت. (۱۴)

بَلَى إِنَّ رَبَّهُ كَانَ بِهِ بَصِيرًا (۱۵)

آری، بی تردید پروردگارش نسبت به [همه امور] او بینا بود [از این جهت تمام اعمال و دست آوردش را برای پاداش و کیفر ثبت کرد.] (۱۵)

فَلَا أُقْسِمُ بِالشَّفَقِ (۱۶)

سوگند به سرخی کنار افق به هنگام غروب خورشید (۱۶)

وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ (۱۷)

و سوگند به شب و آنچه را [از موجودات پراکنده شده در روز، در خانه ها و لانه ها] جمع می کند (۱۷)

وَالْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ (۱۸)

و سوگند به ماه هنگامی که بَدْر کامل می شود (۱۸)

لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَن طَبَقٍ (۱۹)

که شما حالی را پس از حالی [که مراحل مختلف زندگی است و در سختی و زحمت مطابق یکدیگرند] طی می کنید [تا به دیدار پروردگارتان نایل آیید.] (۱۹)

فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (۲۰)

پس اینان را چه می شود که ایمان نمی آورند؟! (۲۰)

وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ لَا يَسْجُدُونَ (۲۱)

و هرگاه قرآن را بر آنان خوانند، خاضع و تسلیم نمی شوند؟! (۲۱)

بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُكَذِّبُونَ (۲۲)

بلکه کافران همواره انکار هم می کنند! (۲۲)

وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُوعُونَ (۲۳)

و خدا به آنچه [از انکار، کفر، نفاق، حسد و...] در دل خود جمع می کنند، داناتر است. (۲۳)

فَبَشِّرْهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (۲۴)

پس آنان را به عذابی دردناک بشارت ده. .... (۲۴)

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ (۲۵)

مگر آنان را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، که آنان را پاداشی جاودان و بی منت است. (۲۵)

ص: ۵۸۹

سوره البروج

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ (۱)

سوگند به آسمان که دارای برج هاست (۱)

وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ (۲)

و سوگند به روزی که [برپا شدنش را برای داوری میان مردم] وعده داده اند (۲)

وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ (۳)

و سوگند به شاهد [که پیامبر هر امت است] و مورد مشاهده [که اعمال هر امت است؛] (۳)

قُتِلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ (۴)

مرده باد صاحبان آن خندق [که مؤمنان را در آن سوزاندند.] (۴)

النَّارِ ذَاتِ الْوَقُودِ (۵)

آن آتشی که آتش گیرانه اش فراوان و بسیار بود، (۵)

إِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُودٌ (۶)

هنگامی که آنان پیرامونش [به تماشا] نشسته بودند (۶)

وَهُمْ عَلَى مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ (۷)

و آنچه را از شکنجه و آسیب درباره مؤمنان انجام می دادند تماشاگر و ناظر بودند (۷)

وَمَا نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَن يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ (۸)

و از مؤمنان چیزی را منفور و ناپسند نمی داشتند مگر ایمانشان را به خدای توانای شکست ناپذیر و ستوده؛ (۸)

الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ (۹)

خدایی که مالکیّت و فرمانروایی آسمان ها و زمین در سیطره اوست و خدا بر همه چیز گواه است. (۹)

إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ (۱۰)

کسانی که مردان و زنان مؤمن را مورد شکنجه و آزار قرار دادند، سپس توبه نکردند، نهایتاً عذاب دوزخ و عذاب سوزان برای آنان است. (۱۰)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ (۱۱)

بی تردید کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند بهشت هایی که از زیرِ [درختانِ] آن نهرها جاری است، ویژه آنان است، این است کامیابی بزرگ. (۱۱)

إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ (۱۲)

بی تردید به قهر گرفتن و مجازات پروردگارت بسیار سخت است. .... (۱۲)

إِنَّهُ هُوَ يُبْدِئُ وَيُعِيدُ (۱۳)

اوست که [مخلوقات را] می آفریند، و [پس از مرگ] باز می گرداند.... (۱۳)

وَهُوَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ (۱۴)

و او بسیار آمرزنده و دوستدار [مؤمنان] است. (۱۴)

ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ (۱۵)

صاحب عرش و ارجمند [و عالی صفات] است. .... (۱۵)

فَعَّالٌ لِّمَا يُرِيدُ (۱۶)

آنچه را بخواهد [بی آنکه بازدارنده ای در برابرش باشد] انجام می دهد. .... (۱۶)

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ (۱۷)

آیا خبر آن سپاهیان به تو رسیده است؟ (۱۷)

فِرْعَوْنَ وَثَمُودَ (۱۸)

[سپاهیان] فرعون و ثمود [که به سبب تکذیبشان به عذابی دردناک دچار شدند؛] (۱۸)

بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ (۱۹)

[فقط آنان تکذیب گر نبودند] بلکه کافران [قوم تو] در تکذیبی سخت ترند.... (۱۹)

وَاللَّهُ مِن وَرَائِهِم مُّحِيطٌ (۲۰)

و خدا از همه سو بر آنان احاطه دارد. (۲۰)

بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَّجِيدٌ (۲۱)

[چنین نیست که درباره قرآن می پندارند] بلکه آن، قرآنی باعظمت و بلند مرتبه است (۲۱)

فِي لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ (۲۲)

که در لوح محفوظ است [به همین خاطر از دستبرد هر تحریف گری مصون است.] (۲۲)

ص: ۵۹۰

سوره الطارق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ (۱)

سوگند به آسمان و به چیزی که در شب پدیدار می شود؛ (۱)

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقُ (۲)

و تو چه می دانی چیزی که در شب پدیدار می شود، چیست؟ (۲)

النَّجْمُ الثَّاقِبُ (۳)

همان ستاره درخشانی است که پرده ظلمت را می شکافد. (۳)

إِن كُلُّ نَفْسٍ لَّمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ (۴)

هیچ کس نیست مگر اینکه بر او نگهبانی است. (۴)

فَلْيَنظُرِ الْإِنسَانُ مِمَّ خُلِقَ (۵)

پس انسان باید با تأمل بنگرد که از چه چیز آفریده شده است؟ (۵)

خُلِقَ مِن مَّاءٍ دَافِقٍ (۶)

از آبی جهنده آفریده شده است؛ (۶)

يَخْرُجُ مِن بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ (۷)

[آبی که] از صلب مرد و از میان استخوان های سینه زن بیرون می آید. (۷)

إِنَّهُ عَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ (۸)

بی تردید خدا بر بازگرداندن انسان [پس از مرگش] تواناست، (۸)

يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ (۹)

روزی که رازها فاش می شود. (۹)

فَمَا لَهُ مِن قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ (۱۰)

پس انسان را [در آن روز در برابر عذاب] نه نیرویی است و نه یاوری. (۱۰)

وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ (۱۱)

سوگند به آسمان که دارای باران فراوان و پرریزش است. (۱۱)

وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ (۱۲)

و سوگند به زمین که [برای جوشیدن چشمه ها و کشت و زرع و روییدن نباتات] دارای شکاف است. (۱۲)

إِنَّهُ لَقَوْلٌ فَصْلٌ (۱۳)

بی تردید که این قرآن، سخنی جداکننده [میان حق و باطل] است (۱۳)

وَمَا هُوَ بِالْهَزْلِ (۱۴)

و آن هرگز شوخی نیست. (۱۴)

إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا (۱۵)

آنان همواره [برای خاموش کردن نور حق] حیله می کنند (۱۵)

وَأَكِيدُ كَيْدًا (۱۶)

و من [هم در برابر آنان] چاره و تدبیری [مناسب] می کنم. (۱۶)

فَمَهِّلِ الْكَافِرِينَ أَمْهِلْهُمْ رُوَيْدًا (۱۷)

پس کافران را مهلت ده و مدت اندکی آنان را در این حالی که هستند، واگذار. (۱۷)

سوره الأعلى

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى (۱)

نام پروردگار برتر و بلند مرتبه ات را [از هرچه رنگ شرک خفی و جلی دارد] منزّه و پاک بدار. (۱)

الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى (۲)

آنکه آفرید، پس درست و نیکو گردانید. (۲)

وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى (۳)

و آنکه اندازه قرار داد و هدایت کرد، (۳)

وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى (۴)

و آنکه چراگاه را رویانید، (۴)

فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَى (۵)

و آن را خاشاکی سیاه گردانید، (۵)

سَنُقْرِئُکَ فَلَا تَنسَى (۶)

به زودی قرآن را بر تو می خوانیم، پس هرگز فراموش نخواهی کرد، (۶)

إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّهُ یَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا یَخْفَى (۷)

جز آنچه را خدا بخواهد، که او آشکار و آنچه را پنهان است، می داند. (۷)

وَنُیَسِّرُکَ لِلْیُسْرَى (۸)

و تو را برای آسان ترین راه [که شریعت سمحه و سهله است] آماده می کنیم. (۸)

فَذَکِّرْ إِن نَّفَعَتِ الذِّکْرَى (۹)

پس [مردم را] اندرز ده، اگر اندرز سودمند افتد. (۹)

سَیَذَّکَّرُ مَن یَخْشَى (۱۰)

کسی که از خدا می ترسد، به زودی متذکّر می شود. (۱۰)

وَیَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى (۱۱)

و کسی که از همه بدبخت تر است از آن کناره می گیرد. (۱۱)

الَّذِی یَصْلَى النَّارَ الْکُبْرَى (۱۲)

همان کسی که در آتش بزرگ تر در می آید. (۱۲)

ثُمَّ لَا یَمُوتُ فِیهَا وَلَا یَحْیَى (۱۳)

آن گاه در آنجا نه می میرد و نه به خوشی زندگی می کند. (۱۳)

قَدْ أَفْلَحَ مَن تَزَکَّى (۱۴)

بی تردید کسی که خود را [از زشتی های باطن و ظاهر] پاک کرد، رستگار شد. (۱۴)

وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى (۱۵)

و نام پروردگارش را یاد کرد، پس نماز خواند. (۱۵)

ص: ۵۹۱

بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا (۱۶)

[ولی شما منکران لجوج به سوی راه رستگاری نمی روید] بلکه زندگی دنیا را [بر آن] ترجیح می دهید. (۱۶)

وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى (۱۷)

در حالی که آخرت بهتر و پایدارتر است. (۱۷)

إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى (۱۸)

همانا این [حقایق] در کتاب های آسمانی پیشین هست. (۱۸)

صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى (۱۹)

[در] کتاب های ابراهیم وموسی. (۱۹)

سوره الغاشیه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ (۱)

آیا خبر حادثه هولناکی که [همه انسان ها را از هر سو] فرا می گیرد، به تو رسیده است؟ (۱)

وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ (۲)

در آن روز چهره هایی زبون و شرمسارند؛ (۲)

عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ (۳)

[آنان که همواره در دنیا] کوشیده اند و خسته شده اند [و سرانجام سودی نیافته اند] (۳)

تَصْلَى نَارًا حَامِيَةً (۴)

در آتشی سوزان درآیند. (۴)

تُسْقَى مِنْ عَيْنٍ آنِيَةٍ (۵)

آنان را از چشمه ای بسیار داغ می نوشانند؛ (۵)

لَّيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِن ضَرِيعٍ (۶)

برای آنان طعامی جز خار خشک و زهرآگین وجود ندارد (۶)

لَّا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِن جُوعٍ (۷)

که نه فربه می کند و نه از گرسنگی بی نیاز می نماید. (۷)

وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاعِمَةٌ (۸)

در آن روز چهره هایی شاداب و باطراوت اند (۸)

لِّسَعْيِهَا رَاضِيَةٌ (۹)

از تلاش و کوشش خود خشنودند (۹)

فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ (۱۰)

در بهشتی برین اند (۱۰)

لَّا تَسْمَعُ فِيهَا لَاغِيَةً (۱۱)

در آنجا سخن لغو وبیهوده نشنوند (۱۱)

فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ (۱۲)

در آن چشمه ای روان است (۱۲)

فِيهَا سُرُرٌ مَّرْفُوعَةٌ (۱۳)

[و] در آنجا تخت هایی بلند و با ارزش قرار دارد (۱۳)

وَأَكْوَابٌ مَّوْضُوعَةٌ (۱۴)

و [در کنار چشمه هایش] قدح ها نهاده شده است (۱۴)

وَنَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ (۱۵)

و [دیگر از نعمت هایش] بالش هایی پهلوی هم چیده [برای تکیه زدن بهشتی ها] ست (۱۵)

وَزَرَابِيُّ مَبْثُوثَةٌ (۱۶)

و فرش هایی زربافت و گسترده [که روی آن می نشینند.] (۱۶)

أَفَلَا يَنظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ (۱۷)

آیا با تأمل به شتر نمی نگرند که چگونه آفریده شده؟ (۱۷)

وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ (۱۸)

و به آسمان که چگونه بر افراشته شده؟ (۱۸)

وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ (۱۹)

و به کوه ها که چگونه در جای خود نصب شده؟ (۱۹)

وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ (۲۰)

و به زمین که چگونه گسترده شده؟ (۲۰)

فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنتَ مُذَكِّرٌ (۲۱)

پس تذکر ده که تو فقط تذکر دهنده ای؛ (۲۱)

لَّسْتَ عَلَيْهِم بِمُصَيْطِرٍ (۲۲)

تو بر آنان مسلط نیستی [که به قبول ایمان مجبورشان کنی،] (۲۲)

إِلَّا مَن تَوَلَّى وَكَفَرَ (۲۳)

ولی کسی که [به دنبال تذکر پی در پی] روی گردانید و کفر ورزید. (۲۳)

فَيُعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ (۲۴)

پس خدا او را به عذاب بزرگ تر عذاب خواهد کرد. (۲۴)

إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ (۲۵)

قطعاً بازگشت آنان به سوی ماست. (۲۵)

ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُم (۲۶)

آن گاه بی تردید حسابشان بر عهده ماست. (۲۶)

ص: ۵۹۲

سوره الفجر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالْفَجْرِ (۱)

سوگند به سپیده دم (۱)

وَلَيَالٍ عَشْرٍ (۲)

و به شب های ده گانه (۲)

وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ (۳)

و به زوج و فرد (۳)

وَاللَّيْلِ إِذَا يَسْرِ (۴)

و به شب هنگامی که می گذرد. (۴)

هَلْ فِی ذَلِکَ قَسَمٌ لِّذِی حِجْرٍ (۵)

آیا در آنچه گفته شد، سوگندی برای خردمند هست؟ (۵)

أَلَمْ تَرَ کَیْفَ فَعَلَ رَبُّکَ بِعَادٍ (۶)

آیا ندانسته ای که پروردگارت با قوم عاد چه کرد؟ (۶)

إِرَمَ ذَاتِ الْعِمَادِ (۷)

و [با آن شهر] اِرم که دارای کاخ های باعظمت و ساختمان های بلند بود؟ (۷)

الَّتِی لَمْ یُخْلَقْ مِثْلُهَا فِی الْبِلَادِ (٨)

همان که مانندش در شهرها ساخته نشده بود؟ (٨)

وَثَمُودَ الَّذِینَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ (٩)

و با قوم ثمود آنان که در آن وادی [برای ساختن بناهای استوار و محکم] تخته سنگ ها را می بریدند؟ (٩)

وَفِرْعَوْنَ ذِی الْأَوْتَادِ (١٠)

و با فرعون نیرومند که دارای میخ های شکنجه بود؟ (١٠)

الَّذِینَ طَغَوْا فِی الْبِلَادِ (١١)

همانان که در شهرها، طغیان وسرکشی کردند؟ (١١)

فَأَکْثَرُوا فِیهَا الْفَسَادَ (١٢)

و در آنها فساد وتباه کاری فراوانی به بار آوردند؟ (١٢)

فَصَبَّ عَلَیْهِمْ رَبُّکَ سَوْطَ عَذَابٍ (١٣)

پس پروردگارت تازیانه عذاب های گوناگون را بر آنان فرو ریخت. (١٣)

إِنَّ رَبَّکَ لَبِالْمِرْصَادِ (١۴)

بی تردید پروردگارت در کمین گاه است؛ (١۴)

فَأَمَّا الْإِنسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَکْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَیَقُولُ رَبِّی أَکْرَمَنِ (١۵)

اما انسان، هنگامی که پروردگارش او را بیازماید و گرامی داردش و نعمتش بخشد، می گوید: پروردگارم [چون شایسته و سزاوار بودم] مرا گرامی داشت، (١۵)

وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَیْهِ رِزْقَهُ فَیَقُولُ رَبِّی أَهَانَنِ (١۶)

و اما چون او را بیازماید، پس روزی اش را بر او تنگ گیرد، گوید: پروردگارم مرا خوار و زبون کرد. (١۶)

کَلَّا بَل لَّا تُکْرِمُونَ الْیَتِیمَ (١٧)

این چنین نیست که می پنداریـد، بلکه [زبونی، خواری و دور شدن شـما از رحمت خدا برای این است که] یتیم را گرامی نمی دارید (۱۷)

وَلَا تَحَاضُّونَ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ (۱۸)

و یکدیگر را بر طعام دادن به مستمند تشویق نمی کنید (۱۸)

وَتَأْكُلُونَ التُّرَاثَ أَكْلًا لَّمًّا (۱۹)

و میراث خود را [با میراث دیگران بی توجه به حلال وحرام بودنش] یک جا و کامل می خورید (۱۹)

وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا (۲۰)

وثروت را بسیار دوست دارید. (۲۰)

كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا (۲۱)

این چنین نیست که می پندارید، هنگامی که زمین را به شدت درهم کوبند (۲۱)

وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا (۲۲)

و [فرمان] پروردگارت برسد، وفرشتگان صف اندر صف حاضر شوند، (۲۲)

وَجِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنسَانُ وَأَنَّى لَهُ الذِّكْرَى (۲۳)

در آن روز دوزخ را بیاورند، در آن روز انسان متذکّر شود و کجا این تذکر برای او سودمند افتد؟! (۲۳)

ص: ۵۹۳

يَقُولُ يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي (۲۴)

می گوید: ای کاش برای این زندگی ام [عبادت خالصانه و کار نیک] پیش فرستاده بودم. (۲۴)

فَيَوْمَئِذٍ لَّا يُعَذِّبُ عَذَابَهُ أَحَدٌ (۲۵)

پس در آن روز هیچ کس چون عذاب کردن او عذاب نکند، (۲۵)

وَلَا يُوثِقُ وَثَاقَهُ أَحَدٌ (۲۶)

و هیچ کس چون به بند کشیدن او به بند نکشد. (۲۶)

يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ (۲۷)

ای جان آرام گرفته و اطمینان یافته! (۲۷)

ارْجِعِي إِلَى رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً (۲۸)

به سوی پروردگارت در حالی که از او خشنودی و او هم از تو خشنود است، باز گرد. (۲۸)

فَادْخُلِي فِي عِبَادِي (۲۹)

پس در میان بندگانم درآی (۲۹)

وَادْخُلِي جَنَّتِي (۳۰)

و در بهشتم وارد شو. (۳۰)

سوره البلد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ (۱)

قسم می خورم به این شهر، (۱)

وَأَنتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ (۲)

در حالی که تو در آن جای داری (۲)

وَوَالِدٍ وَمَا وَلَدَ (۳)

و سوگند به پدر و آنچه زاده است؛ (۳)

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَانَ فِي كَبَدٍ (۴)

همانا ما انسان را در رنج و زحمت آفریدیم. (۴)

أَيَحْسَبُ أَن لَّن يَقْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ (۵)

آیا گمان می کند که هرگز کسی بر او دست نیابد؟! (۵)

يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَالًا لُّبَدًا (۶)

می گوید: ثروت فراوانی را [برای مبارزه با پیامبر و اسلام] تباه کرده ام! (۶)

أَيَحْسَبُ أَن لَّمْ يَرَهُ أَحَدٌ (۷)

آیا گمان می کند که هیچ کس او را ندیده است [که همه اعمال و کردارش را ثبت کند؟] (۷)

أَلَمْ نَجْعَل لَّهُ عَيْنَيْنِ (۸)

آیا برای او دو چشم قرار ندادیم؟ (۸)

وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ (۹)

و یک زبان و دو لب؟ (۹)

وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ (۱۰)

و او را به راه خیر و شر هدایت نکردیم [تا راه خیر را بگزینند و راه شر را واگذارد؟] (۱۰)

فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ (۱۱)

پس شتابان و با شدت به آن گردنه سخت وارد نشد؛ (۱۱)

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ (۱۲)

و تو چه می دانی آن گردنه سخت چیست؟ (۱۲)

فَكُّ رَقَبَةٍ (۱۳)

آزاد کردن برده، (۱۳)

أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ (۱۴)

یا طعام دادن در روز گرسنگی و قحطی، (۱۴)

يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ (۱۵)

به یتیمی خویشاوند، (۱۵)

أَوْ مِسْكِينًا ذَا مَتْرَبَهٍ (۱۶)

یا مستمندی خاک نشین؛ (۱۶)

ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَهِ (۱۷)

علاوه بر [انجام] این [تکالیف]، از کسانی باشد که ایمان آورده اند و یکدیگر را به صبر و مهربانی سفارش کرده اند؛ (۱۷)

أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَهِ (۱۸)

اینان سعادتمندان اند؛ (۱۸)

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا هُمْ أَصْحَابُ الْمَشْأَمَهِ (۱۹)

و کسانی که به آیات ما کفر ورزیدند، آنان شقاوتمندان اند (۱۹)

عَلَيْهِمْ نَارٌ مُؤْصَدَهٌ (۲۰)

بر آنان آتشی سرپوشیده احاطه دارد [که هیچ راه گریزی از آن ندارند.] (۲۰)

ص: ۵۹۴

سوره الشمس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا (۱)

سوگند به خورشید و گسترش روشنی اش (۱)

وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَاهَا (۲)

و به ماه هنگامی که از پی آن برآید (۲)

وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا (۳)

و به روزچون خورشید را به خوبی آشکار کند (۳)

وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا (۴)

و به شب هنگامی که خورشید را فرو پوشد (۴)

وَالسَّمَاءِ وَمَا بَنَاهَا (۵)

و به آسمان و آنکه آن را بنا کرد (۵)

وَالْأَرْضِ وَمَا طَحَاهَا (۶)

و به زمین و آنکه آن را گستراند (۶)

وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا (۷)

و به نفس و آنکه آن را درست و نیکو نمود، (۷)

فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا (۸)

پس بزه کاری و پرهیزکاری اش را به او الهام کرد. (۸)

قَدْ أَفْلَحَ مَن زَكَّاهَا (۹)

بی تردید کسی که نفس را [از آلودگی پاک کرد و] رشد داد، رستگار شد. (۹)

وَقَدْ خَابَ مَن دَسَّاهَا (۱۰)

و کسی که آن را [به آلودگی ها و امور بازدارنده از رشد] بیالود [از رحمت حق] نومید شد. (۱۰)

كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا (۱۱)

قوم ثمود به سبب سرکشی و طغیانش [پیامبرشان را] تکذیب کرد، (۱۱)

إِذِ انبَعَثَ أَشْقَاهَا (۱۲)

زمانی که بدبخت ترینشان به پا خاست. (۱۲)

فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا (۱۳)

پس فرستاده خدا به آنان گفت: ناقه خدا و آبشخورش را [واگذارید] (۱۳)

فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُم بِذَنبِهِمْ فَسَوَّاهَا (۱۴)

ولی به تکذیب او برخاستند و ناقه را پی کردند، و در نتیجه پروردگارشان به خاطر گناهشان عذاب سختی بر آنان فرو ریخت

و همه قوم را با خاک یکسان و برابر ساخت؛ (۱۴)

وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا (۱۵)

و خدا از سرانجام آن کار [که نابودی ستمکاران است] پروایی ندارد. (۱۵)

سوره اللیل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى (۱)

سوگند به شب هنگامی که فرو پوشد (۱)

وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى (۲)

و به روز هنگامی که آشکار شود (۲)

وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى (۳)

و به آنکه نر و ماده آفرید؛ (۳)

إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّى (۴)

همانا تلاشتان گوناگون و پراکنده است؛ (۴)

فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى (۵)

اما کسی که [ثروتش را در راه خدا] انفاق کرد و پرهیزکاری پیشه ساخت (۵)

وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى (۶)

و وعده نیکوتر را [که وعده خدا نسبت به پاداش انفاق و پرهیزکاری است] باور کرد؛ (۶)

فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَى (۷)

پس به زودی او را برای راه آسانی [که انجام همه اعمال نیک به توفیق خداست] آماده می کنیم (۷)

وَأَمَّا مَن بَخِلَ وَاسْتَغْنَى (۸)

و اما کسی که [از انفاق ثروت] بخل ورزید و خود را بی نیاز نشان داد (۸)

وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَى (۹)

و وعده نيكوتر را تكذيب كرد، (۹)

فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْعُسْرَى (۱۰)

پس او را براى راه سخت و دشوارى [كه سلب هرگونه توفيق از اوست] آماده مى كنيم، (۱۰)

وَمَا يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّى (۱۱)

و هنگامى كه [به چاه هلاكت و گودال گور] سقوط كند ثروتش [چيزى از عذاب خدا] را از او دفع نمى كند. (۱۱)

إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَى (۱۲)

بى ترديد هدايت كردن بر عهده ماست. (۱۲)

وَإِنَّ لَنَا لَلْآخِرَةَ وَالْأُولَى (۱۳)

و به يقين دنيا و آخرت در سيطره مالكيّت ماست. (۱۳)

فَأَنذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّى (۱۴)

پس شما را از آتشى كه زبانه مى كشد بيم مى دهم. (۱۴)

ص: ۵۹۵

لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَى (۱۵)

[كه] جز بدبخت ترين مردم در آن در نيايند. (۱۵)

الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّى (۱۶)

همان كه [دين را] تكذيب كرد و از آن روى گردانيد. (۱۶)

وَسَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَى (۱۷)

و به زودى پرهيزكارترين [مردم] را از آن دور مى دارند. (۱۷)

الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى (۱۸)

همان که مال خود را انفاق می کند تا [مال] رشد و نمو کند. (۱۸)

وَمَا لِأَحَدٍ عِندَهُ مِن نِّعْمَةٍ تُجْزَى (۱۹)

و هیچ کس را نزد خدا حق نعمتی نیست تا این مالی که انفاق کرده به عنوان پاداش آن نعمت به حساب او گذارد. (۱۹)

إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَى (۲۰)

بلکه [انفاق کننده با تقوا مال خود را در راه خدا انفاق می کند] تا خشنودی پروردگار والایش را به دست آورد. (۲۰)

وَلَسَوْفَ يَرْضَى (۲۱)

و [بی تردید] به زودی [در قیامت با دریافت لطف، رحمت حق و پاداش بی پایان او] خشنود خواهد شد. (۲۱)

سوره الضحی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالضُّحَى (۱)

سوگند به ابتدای روز [وقتی که خورشید پرتو افشانی می کند] (۱)

وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَى (۲)

و سوگند به شب آن گاه که آرام گیرد، (۲)

مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى (۳)

که پروردگارت تو را رها نکرده و مورد خشم و کینه قرار نداده است. (۳)

وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَى (۴)

و بی تردید آخرت برای تو از دنیا بهتر است، (۴)

وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى (۵)

و به زودی پروردگارت بخششی به تو خواهد کرد تا خشنود شوی. (۵)

أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى (۶)

آیا تو را یتیم نیافت، پس پناه داد؟ (۶)

وَوَجَدَکَ ضَالًّا فَهَدَى (٧)

و تو را بدون شریعت نیافت، پس به شریعت هدایت کرد؟ (٧)

وَوَجَدَکَ عَائِلًا فَأَغْنَى (٨)

و تو را تهیدست نیافت، پس بی نیاز ساخت؟ (٨)

فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ (٩)

و اما [به شکرانه این همه نعمت] یتیم را خوار و رانده مکن (٩)

وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ (١٠)

و تهیدست حاجت خواه را [به بانگ زدن] از خود مران (١٠)

وَأَمَّا بِنِعْمَهِ رَبِّکَ فَحَدِّثْ (١١)

و نعمت های پروردگارت را بازگو کن. (١١)

سوره الشرح

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَلَمْ نَشْرَحْ لَکَ صَدْرَکَ (١)

آیا سینه ات را [به نوری از سوی خود] گشاده نکردیم؟ (١)

وَوَضَعْنَا عَنکَ وِزْرَکَ (٢)

و بار گرانت را فرو ننهادیم؟ (٢)

الَّذِی أَنقَضَ ظَهْرَکَ (٣)

همان بار گرانی که پشتت را شکست. (٣)

وَرَفَعْنَا لَکَ ذِکْرَکَ (۴)

و آوازه ات را برایت بلند نکردیم؟ (۴)

فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا (۵)

پس بی تردید با دشواری آسانی است. (۵)

إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا (۶)

[آری] بی تردید با دشواری آسانی است. (۶)

فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ (۷)

پس هنگامی که [از کار بسیار مهم تبلیغ] فراغت می یابی، به عبادت و دعا بکوش (۷)

وَإِلَى رَبِّكَ فَارْغَب (۸)

و مشتاقانه به سوی پروردگارت رو آور. (۸)

ص: ۵۹۶

سوره التين

بِّسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالتِّينِ وَالزَّيْتُونِ (۱)

سوگند به انجیر و زیتون (۱)

وَطُورِ سِينِينَ (۲)

و سوگند به طور سینا (۲)

وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ (۳)

و سوگند به این [مکه] شهر امن (۳)

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ (۴)

که ما انسان را در نیکوترین نظم و اعتدال و ارزش آفریدیم. (۴)

ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ (۵)

آن گاه او را [به سبب گناهکاری] به [مرحله] پست ترینِ پَستان بازگرداندیم. (۵)

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ (۶)

مگر آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، پس آنان را پاداشی بی منت و همیشگی است. (۶)

فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالدِّينِ (۷)

[ای انسان!] پس چه چیزی تو را بعد [از این همه دلایل] به تکذیب دین و [روز قیامت]، وامی دارد؟ (۷)

أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَاكِمِينَ (۸)

آیا خدا بهترین داوران نیست؟ (۸)

سوره العلق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ (۱)

بخوان به نام پروردگارت که [همه آفریده ها را] آفریده؛ (۱)

خَلَقَ الْإِنسَانَ مِنْ عَلَقٍ (۲)

[همان که] انسان را از علق به وجود آورد. (۲)

اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ (۳)

بخوان در حالی که پروردگارت کریم ترین [کریمان] است. (۳)

الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ (۴)

همان که به وسیله قلم آموخت، (۴)

عَلَّمَ الْإِنسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ (۵)

[و] به انسان آنچه را نمی دانست تعلیم داد. (۵)

كَلَّا إِنَّ الْإِنسَانَ لَيَطْغَى (۶)

این چنین نیست [که انسان سپاس گزار باشد] مسلماً انسان سرکشی می کند. (۶)

أَن رَّآهُ اسْتَغْنَى (۷)

برای اینکه خود را بی نیاز می پندارد. (۷)

إِنَّ إِلَى رَبِّكَ الرُّجْعَى (٨)

بی تردید بازگشت به سوی پروردگار توست. (٨)

أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى (٩)

مرا خبر ده، آیا آن کسی که باز می دارد، (٩)

عَبْدًا إِذَا صَلَّى (١٠)

بنده ای را هنگامی که نماز می خواند؟ (١٠)

أَرَأَيْتَ إِن كَانَ عَلَى الْهُدَى (١١)

مرا خبر ده، اگر این بنده نمازگزار بر راه راست باشد (١١)

أَوْ أَمَرَ بِالتَّقْوَى (١٢)

یا [دیگران را] به پرهیزکاری وادارد؟ [آیا آن بازدارنده سزاوار کیفر سخت نیست؟] (١٢)

أَرَأَيْتَ إِن كَذَّبَ وَتَوَلَّى (١٣)

مرا خبر ده، اگر این بازدارنده [دین را] تکذیب کند و [از فرمان حق] روی برگرداند [مستحق مجازات سخت نیست؟!] (١٣)

أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى (١۴)

مگر ندانسته که قطعاً خدا [همه کارهایش را] می بیند؟ (١۴)

كَلَّا لَئِن لَّمْ يَنتَهِ لَنَسْفَعًا بِالنَّاصِيَةِ (١۵)

این چنین نیست که می پندارد [که ما کارهایش را زیرنظر نداریم،] اگر [از کارهایش] باز نایستد، به شدت موی جلوی سرش را می گیریم [و به سوی دوزخ می کشانیم.] (١۵)

نَاصِيَةٍ كَاذِبَةٍ خَاطِئَةٍ (١۶)

[آری] موی جلوی سر دروغگوی خطاپیشه را (١۶)

فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ (١٧)

پس [اگر بخواهد] اهل مجلس و انجمنش را [برای یاری دادنش] فرا خواند، (١٧)

سَنَدْعُ الزَّبَانِيَة (١٨)

ما هم به زودی مأموران آتش دوزخ را فرا می خوانیم. (١٨)

كَلَّا لَا تُطِعْهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِب (١٩)

این چنین نیست [که بتواند برای نجات خود کاری کند]، هرگز از او اطاعت مکن، و سجده کن و به خدا تقرب جوی. (١٩)

ص: ۵۹۷

سوره القدر

بِّسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّا أَنزَلْنَاهُ فِی لَیْلَه الْقَدْرِ (١)

ما قرآن را در شب قدر نازل کردیم. (١)

وَمَا أَدْرَاکَ مَا لَیْلَهُ الْقَدْرِ (٢)

تو چه می دانی شب قدر چیست؟ (٢)

لَیْلَهُ الْقَدْرِ خَیْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ (٣)

شب قدر، بهتر از هزار ماه است. (٣)

تَنَزَّلُ الْمَلَائِکَهُ وَالرُّوحُ فِیهَا بِإِذْنِ رَبِّهِم مِّن کُلِّ أَمْرٍ (۴)

فرشتگان و روح در آن شب به اذن پروردگارشان برای [تقدیر و تنظیم] هر کاری نازل می شوند. (۴)

سَلَامٌ هِیَ حَتَّی مَطْلَعِ الْفَجْرِ (۵)

این شب تا برآمدن سپیده دم [سراسر] سلام و رحمت است. (۵)

سوره البينه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ مُنفَكِّينَ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَهُ (١)

کافران از اهل کتاب و مشرکان [از آیین خود] جدا نمی شدند تا آن دلیل روشن برای آنان بیاید. (١)

رَسُولٌ مِّنَ اللَّهِ يَتْلُو صُحُفًا مُّطَهَّرَةً (۲)

[آن دليل روشن] فرستاده ای [چون پيامبر اسلام] از سوی خداست كه صحيفه هايی پاک را می خواند. (۲)

فِيهَا كُتُبٌ قَيِّمَةٌ (۳)

در آنها نوشته هايی استوار و باارزش است؛ (۳)

وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِن بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمُ الْبَيِّنَةُ (۴)

و اهل كتاب درباره دين، [گروه گروه و] پراكنده نشدند مگر پس از آنكه آن دليل روشن برای آنان آمد [و به طور كامل نسبت به آنان اتمام حجت شد.] (۴)

وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَهِ (۵)

در حالی كه فرمان نيافته بودند جز آنكه خدا را بپرستند، و ايمان و عبادت را برای او از هرگونه شركی خالص كنند، و حق گرا باشند، و نماز را برپا دارند، و زكات بپردازند؛ و اين است آيين استوار و ثابت. (۵)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّهِ (۶)

به يقين كافرانِ از اهل كتاب و مشركان در آتش دوزخ اند و در آن جاودانه اند؛ اينانند كه بدترين مخلوقاتند. (۶)

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّهِ (۷)

مسلماً كسانی كه ايمان آورده و كارهای شايسته انجام داده اند، اينانند كه بهترين مخلوقاتند. (۷)

ص: ۵۹۸

جَزَاؤُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَّضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ (۸)

پاداششان نزد پروردگارشان بهشت های پاينده ای است كه از زيرِ [درختانِ] آن نهرها جاری است، در آنها جاودانه اند، خدا از آنان خشنود است و آنان هم از خدا خشنودند؛ اين [پاداش] برای كسی است كه از پروردگارش بترسد. (۸)

سوره الزلزله

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا (۱)

هنگامی كه زمين را با [شديدترين] لرزشش بلرزانند، (۱)

وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا (۲)

و زمین بارهای گرانش را بیرون اندازد، (۲)

وَقَالَ الْإِنسَانُ مَا لَهَا (۳)

و انسان بگوید: زمین را چه شده است؟ (۳)

يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا (۴)

آن روز است که زمین اخبار خود را می گوید؛ (۴)

بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَى لَهَا (۵)

زیرا که پروردگارت به او وحی کرده است. (۵)

يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِّيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ (۶)

آن روز مردم [پس از پایان حساب] به صورت گروه های پراکنده [به سوی منزل های ابدی خود بهشت یا دوزخ] باز می گردند، تا اعمالشان را [به صورت تجسم یافته] به آنان نشان دهند. (۶)

فَمَن يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ (۷)

پس هرکس هموزن ذره ای نیکی کند، آن نیکی را ببیند. (۷)

وَمَن يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ (۸)

و هرکس هموزن ذره ای بدی کند، آن بدی را ببیند. (۸)

سوره العادیات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا (۱)

سوگند به اسبان دونده ای که همهمه کنان [به سوی جنگ] می تازند (۱)

فَالْمُورِيَاتِ قَدْحًا (۲)

و سوگند به اسبانی که با کوبیدن سمشان از سنگ ها جرقه می جهانند (۲)

فَالْمُغِيرَاتِ صُبْحًا (۳)

و سوگند به سوارانی که هنگام صبح غافل گیرانه به دشمن هجوم می برند (۳)

فَأَثَرْنَ بِهِ نَقْعًا (۴)

و به وسیله آن هجوم، گرد و غبار فراوانی بر انگیزند (۴)

فَوَسَطْنَ بِهِ جَمْعًا (۵)

و ناگاه در آن وقت در میان گروهی دشمن در آیند؛ (۵)

إِنَّ الْإِنسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ (۶)

[که] قطعاً انسان نسبت به پروردگارش بسیار ناسپاس است، (۶)

وَإِنَّهُ عَلَى ذَلِكَ لَشَهِيدٌ (۷)

و بی تردید خود او بر این ناسپاسی گواه است، (۷)

وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ (۸)

و همانا او نسبت به ثروت و مال سخت علاقه مند است [و به این سبب بخل می ورزد.] (۸)

أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعْثِرَ مَا فِي الْقُبُورِ (۹)

آیا نمی داند هنگامی که آنچه در گورهاست برانگیخته شود. (۹)

ص: ۵۹۹

وَحُصِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ (۱۰)

و آنچه در سینه هاست پدیدار گردد، (۱۰)

إِنَّ رَبَّهُم بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيرٌ (۱۱)

بی تردید در آن روز پروردگارشان نسبت به آنان آگاه است [و بر پایه اعمال نیک و بدشان به آنان پاداش و کیفر دهد.] (۱۱)

سوره القارعه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْقَارِعَةُ (١)

آن کوبنده (١)

مَا الْقَارِعَةُ (٢)

چیست آن کوبنده؟ (٢)

وَمَا أَدْرَاکَ مَا الْقَارِعَةُ (٣)

و تو چه می دانی آن کوبنده چیست؟ (٣)

يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ (۴)

روزی که مردم [در سراسیمگی] چون پروانه های پراکنده اند (۴)

وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنفُوشِ (۵)

و کوه ها مانند پشم رنگین حلاجی شده گردد! (۵)

فَأَمَّا مَن ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ (۶)

اما هرکس اعمال وزن شده اش سنگین و باارزش است؛ (۶)

فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَّاضِيَةٍ (٧)

پس او در یک زندگی خوش و پسندیده ای است، (٧)

وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ (٨)

و اما هرکساعمال وزن شده اش سبک و بی ارزش است، (٨)

فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ (٩)

پس جایگاه و پناهگاهش هاویه است، (٩)

وَمَا أَدْرَاکَ مَا هِيَهْ (١٠)

و تو چه می دانی هاویه چیست؟ (۱۰)

نَارٌ حَامِيَةٌ (۱۱)

آتشی بسیار داغ و سوزاناست. (۱۱)

سوره التكاثر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَلْهَاكُمُ التَّكَاثُرُ (۱)

مباهات و افتخار بر یکدیگر [به ثروت و کثرت نفرات] شما را [از پرداختن به تکالیف دینی و یاد آخرت] بازداشت؛ (۱)

حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ (۲)

تا جایی که گورها را دیدار کردید [و به تعداد مردگان هم به یکدیگر مباهات و افتخار نمودید!!] (۲)

كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ (۳)

این چنین نیست [که شما می پندارید]، به زودی [به آثار شوم این اوضاع و احوالی که دارید] آگاه خواهید شد. (۳)

ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ (۴)

باز هم این چنین نیست، به زودی آگاه خواهید شد. (۴)

كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ (۵)

[زندگی واقعی] این چنین نیست [که می پندارید]، اگر به علم الیقین [که علم استوار و غیر قابل تردید است به آخرت] آگاه بودید [از تکالیف دینی و توجه به آباد کردن آخرت باز نمی ماندید.] (۵)

لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ (۶)

بی تردید دوزخ را خواهید دید. (۶)

ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ (۷)

سپس [با وارد شدن در آن،] قطعاً آن را به دیده یقین و باور خواهید دید. (۷)

ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ (۸)

آن گاه شما در آن روز از نعمت ها بازپرسی خواهید شد. (۸)

ص: ۶۰۰

سوره العصر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالْعَصْرِ (۱)

سوگند به عصر [ظهور پیامبر اسلام] (۱)

إِنَّ الْإِنسَانَ لَفِی خُسْرٍ (۲)

[که] بی تردید انسان در زیان کاری بزرگی است؛ (۲)

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ (۳)

مگر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند و یکدیگر را به حق توصیه نموده و به شکیبایی سفارش کرده اند. (۳)

سوره الهمزه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ (۱)

وای بر هر عیب جوی بدگوی! (۱)

الَّذِی جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ (۲)

همان که ثروتی فراهم آورده و [پی در پی] آن را شمرد [و ذخیره کرد.] (۲)

يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ (۳)

گمان می کند که ثروتش او را جاودانه خواهد کرد. (۳)

كَلَّا لَيُنبَذَنَّ فِی الْحُطَمَهِ (۴)

این چنین نیست، بی تردید او را در آن شکننده، اندازند؛ (۴)

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحُطَمَهُ (۵)

و تو چه می دانی آن شکننده چیست؟ (۵)

نَارُ اللَّهِ الْمُوقَدَهُ (۶)

آتش برافروخته خداست (۶)

الَّتِی تَطَّلِعُ عَلَی الْأَفْئِدَهِ (۷)

[آتشی] که بر دل ها برآید و چیره شود. (۷)

إِنَّهَا عَلَیْهِم مُّؤْصَدَهٌ (۸)

آن آتش بر آنان سربسته است [که هیچ راه گریزی از آن ندارند؛] (۸)

فِی عَمَدٍ مُّمَدَّدَهٍ (۹)

[آتشی] در ستون هایی بلند و کشیده. (۹)

سوره الفیل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ أَلَمْ تَرَ کَیْفَ فَعَلَ رَبُّکَ بِأَصْحَابِ الْفِیلِ (۱)

آیا ندانسته ای که پروردگارت با فیل سواران چه کرد؟ (۱)

أَلَمْ یَجْعَلْ کَیْدَهُمْ فِی تَضْلِیلٍ (۲)

آیا نیرنگشان را در تباهی قرار نداد [ونقشه آنان را نقش بر آب نساخت؟!] (۲)

وَأَرْسَلَ عَلَیْهِمْ طَیْرًا أَبَابِیلَ (۳)

و بر ضد آنان گروه گروه پرندگانی فرستاد؛ (۳)

تَرْمِیهِم بِحِجَارَهٍ مِّن سِجِّیلٍ (۴)

[که] بر آنان سنگ هایی از نوع سنگ گِل می افکندند. (۴)

فَجَعَلَهُمْ کَعَصْفٍ مَّأْکُولٍ (۵)

سرانجام همه آنان را چون کاه جویده شده قرار داد. (۵)

سوره قریش

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لِإِيلَافِ قُرَيْشٍ (۱)

[خدا فیل سواران را هلاک کرد] تا قریش را [با یکدیگر و با مردم و با حرم امن] الفت دهد؛ (۱)

إِيلَافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ (۲)

[و نیز] به سفرهای [تجارتی] زمستانی و [سفرهای تجارتی] تابستانی پیوند و انس دهد [تا در آرامش و امنیت، امر معاششان را تأمین کنند.] (۲)

فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ (۳)

پس باید پروردگار این خانه را بپرستند؛ (۳)

الَّذِي أَطْعَمَهُم مِّن جُوعٍ وَآمَنَهُم مِّنْ خَوْفٍ (۴)

پروردگاری که آنان را از گرسنگی نجات داد، و از بیمی [که از دشمن داشتند] ایمنی شان بخشید. (۴)

سوره الماعون

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالدِّينِ (۱)

آیا کسی که همواره روز جزا را انکار می کند، دیدی؟ (۱)

فَذَلِكَ الَّذِي يَدُعُّ الْيَتِيمَ (۲)

همان که یتیم را به خشونت و جفا از خود می راند، (۲)

وَلَا يَحُضُّ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ (۳)

و [کسی را] به طعام دادن به مستمند تشویق نمی کند. (۳)

فَوَيْلٌ لِّلْمُصَلِّينَ (۴)

پس وای بر نمازگزاران (۴)

الَّذِينَ هُمْ عَن صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ (۵)

که از نمازشان غافل و نسبت به آن سهل انگارند. (۵)

الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ (۶)

همانان که همواره ریا می کنند (۶)

وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ (۷)

و از [دادن] وسایل و ابزار ضروری زندگی [و زکات، هدیه و صدقه به نیازمندان] دریغ می ورزند. (۷)

سوره الکوثر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّا أَعْطَيْنَاکَ الْکَوْثَرَ (۱)

بی تردید ما به تو خیر فراوان [که برکت در نسل است و از فاطمه ریشه می گیرد] عطا کردیم. (۱)

فَصَلِّ لِرَبِّکَ وَانْحَرْ (۲)

پس [به شکرانه آن] برای پروردگارت نماز بخوان و شتر قربانی کن. (۲)

إِنَّ شَانِئَکَ هُوَ الْأَبْتَرُ (۳)

یقیناً دشمن [که به] تو [زخم زبان می زند] خود بدون تبار و نسل [و بریده از همه خیرات و برکات] است. (۳)

ص: ۶۰۲

سوره الکافرون

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ يَا أَيُّهَا الْکَافِرُونَ (۱)

بگو: ای کافران! (۱)

لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ (۲)

آنچه را شما می پرستید، من نمی پرستم، (۲)

وَلَا أَنتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ (۳)

و نه شما آنچه را من می پرستم، می پرستید، (۳)

وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدتُّمْ (۴)

و نه من آنچه را شما پرستیده اید، می پرستم، (۴)

وَلَا أَنتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ (۵)

و نه شما آنچه را که من می پرستم، می پرستید. (۵)

لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ (۶)

دین شما برای خودتان، و دین من برای خودم. (۶)

سوره النصر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ (۱)

هنگامی که یاری خدا و [آن] پیروزی فرا رسد، (۱)

وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا (۲)

و مردم را ببینی که گروه گروه در دین خدا درآیند، (۲)

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا (۳)

پس پروردگارت را همراه با سپاس و ستایش تسبیح گوی، و از او آمرزش بخواه، که او همواره توبه پذیر است. (۳)

سوره المسد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ (۱)

نابود باد قدرت ابولهب، و نابود باد خودش؛ (۱)

مَا أَغْنَى عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ (۲)

ثروتش و آنچه از امکانات به دست آورد چیزی [از عذاب خدا را که در دنیا عذاب استیصال است] از او دفع نکرد. (۲)

سَيَصْلَى نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ (۳)

به زودی در آتشی زبانه دار درآید؛ (۳)

وَامْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ (۴)

و [نیز] همسرش که هیزم کش است [در آتش زبانه دار در آید.] (۴)

فِی جِیدِهَا حَبْلٌ مِّن مَّسَدٍ (۵)

[همان که] بر گردنش طنابی تابیده از لیف خرماست. (۵)

ص: ۶۰۳

سوره الإخلاص

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ (۱)

بگو: او خدای یکتاست؛ (۱)

اللَّهُ الصَّمَدُ (۲)

خدای بی نیاز [همه موجودات هستی که نیازمند و عین فقرند برای رفع نیازشان روی به او کنند و از حضرتش گدایی نمایند.] (۲)

لَمْ یَلِدْ وَلَمْ یُولَدْ (۳)

نزاده، و زاییده نشده است، (۳)

وَلَمْ یَکُن لَّهُ کُفُوًا أَحَدٌ (۴)

و هیچ کس [در ذات و صفات] همانند و همتا و شبیه او نمی باشد. (۴)

سوره الفلق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ (۱)

بگو: به پروردگار سپیده دم پناه می برم، (۱)

مِن شَرِّ مَا خَلَقَ (۲)

از زیان مخلوقاتی که [با انحرافشان از قوانین الهی به انسان] ضرر می رسانند، (۲)

وَمِن شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ (۳)

و از زیـان شب هنگـامی که بـا تـاریکی اش درآیـد [که در آن تـاریکی انواع حیوانـات موذی و انسان های فاسق و فاجر برای ضربه زدن به انسان در کمین اند] (۳)

وَمِن شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِی الْعُقَدِ (۴)

و از زیان زنان دمنده [که افسون و جادو] در گره ها [می دمند و با این کار شیطانی در زندگی فرد، خانواده و جامعه خسارت به بار می آورند] (۴)

وَمِن شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ (۵)

و از زیان حسود، زمانی که حسد می ورزد. (۵)

سوره الناس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ (۱)

بگو: پناه می برم به پروردگار مردم (۱)

مَلِكِ النَّاسِ (۲)

[به] پادشاه مردم (۲)

إِلَهِ النَّاسِ (۳)

[به] معبود مردم (۳)

مِن شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ (۴)

از زیان وسوسه گر کمین گرفته و پنهان، (۴)

الَّذِی یُوَسْوِسُ فِی صُدُورِ النَّاسِ (۵)

آنکه همواره در سینه های مردم وسوسه می کند (۵)

مِنَ الْجِنَّهِ وَالنَّاسِ (۶)

از جنّیان و آدمیان. (۶)

ص: ۶۰۴

درباره مرکز

بسمه تعالی
هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟
سوره زمر/ ۹

مقدمه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:
۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹